بسم الله الرحمن الرحيم

۱. اگر این مسجد و مرکز، ستاد اسلام قوی باشد ترس از فانتوم‌ها نداشته باشید. ترس از آمریکا و شوروی و اینها نداشته باشید. آن روز باید ترس داشته باشید که شما پشت بکنید به اسلام. پشت کنید به مساجد. (صحیفه امام، ج۱۳، ص: ۲۱)

۲. هر چه قدرت اسلام پیش مردم زیادتر باشد، مسجدها بهتر می‌شود و منبرها بهتر. یعنی اجتماع مسجد برای خداست و هر چه قدرت احکام الهی در یک منطقه‌ای بیشتر باشد، مساجد آبادتر است. (صحیفه امام، ج۹، ص: ۴۷۸)

۳. مساجد بهترین سنگرها و جمعه و جماعات مناسبترین میدان تشکل و بیان مصالح مسلمین می‌باشند. (صحیفه امام، ج۲۰، ص: ۳۳۸)

یکی از علل پیروزی این انقلاب مبارک در ایران اسلامی- و یا لااقل سهولت این پیروزی- این بود که مردم به مساجد اقبال پیدا کردند؛ جوانان مساجد را پر کردند و علمای اعلام، مساجد را به عنوان مرکزی برای تعلیم، تربیت، روشنگری افکار و اذهان، مورد استفاده قرار دادند و مسجد، مرکزی برای حرکت، آگاهی، نهضت و افشای اسرار زمامداران فاسد و خودفروخته‌ی رژیم طاغوت شد. در دوره‌ی مشروطیت هم همین‌طور بوده است؛ در دوره‌ی ملی شدن صنعت نفت هم تا حدودی همین‌طور بود؛ در زمان انقلاب هم که این مسئله، به حدّ اعلی رسید.

(بیانات در دیدار علما، طلاب و اقشار مختلف مردم شهر مقدس قم به مناسبت سالروز ۱۹ دی ماه ۱۳۷۵)

فاطمة الزهرا
السلام علیک یا

بهار را با تو دوست دارم...

چشـم در راه بهارم، آری. بهاری که شاخه شاخه زمستان را پشت سر گذاشت و پله پله به ملاقات ما آمد و کوچه کوچه روشـنی پراکند. بهار آمد، با پرندگانی که تـا دیوار نه چندان بلند حیاطمان، پایین آمده و گاه پیشـاپیش رهگذران، دانه برمی‌چینند؛ از کوچه‌هایی کـه، عابرانی قدیمی دارد... . امّا امسـال شـاخه‌ای از گل یاس، میهمان سفره هفت سین است؛ تا که یادی از یادگار رسول خدا را زنده کند. پس بهار را با یاد او آغاز می کنیم؛ چراکه تمام هستی، قطره‌ای از دریای بیکران عطوفت فاطمه (س) است....

پس ای زیباترین فصل خدا، سرودن آغاز کن، که غنچه‌های نو شـکفته‌ات، رنگ زندگی دارند و چشمه‌های جوشانت، بوی خوش تازگی می‌دهند. بـا این همه، ای حریم بهاری حضور آسـمان و یادگار پیامبر (ص) ، ای مسجد، من بهار را با تو دوست دارم. روبه‌رویت به تماشا ایستاده‌ام. به هر سو که می‌نگرم، آغاز است. با تو، زندگی را شروعی دوباره می‌بینم....

ای خانـه امـنِ الهی، چه رازی اسـت در تو کـه همواره به آرامش‌مـان می‌رسـانی. در خشـت خشـتِ دیواره‌های تو چیست که عطر بهشت را در مشام جان زنده می‌کنی؟ حق داشت محمّد (ص) ، اگر خستگی سفر را در تو از جسم و جان می‌زدود. حق داشـت علی (ع) ، اگر بودن در تو را بر بهشت خداوند ترجیح می‌داد؛ که به راستی در تو، خشنودی پروردگار اسـت و در بهشت، خشـنودی آفریده او. به راستی تو خانه خدایی بر روی زمین. آری، این‌جا خانه خداست....

این‌جا آغازی اسـت برای همیشه. چشـم‌اندازی بهاری، در لحظه‌های خزان‌زدگی و نیاز. اینجا حیاطْ خلوت هستی است؛ تا طفل معصوم روح، پای از تنگنای دایره دنیا بیرون گذارد. گام‌ها برای بُریدن از تالابِ روزمرگی و عادت، به سمت نورانیّت تو، ای مسجد، شتاب می‌گیرند و در هر قدم، هفتاد هزار حسنه، از دستان پرخیر خدا را، به ارمغان می‌برند. با تو، دل‌های مسلمانان، به هم نزدیک‌تر می‌شود و دست‌های دعا، به خـدا... . نمی‌دانم اگر تو نبودی، این همه گل‌های محمّدی، در باغ‌های جهان می‌شکفت یا نه... .

بـا این همه، بهار واقعی مردمان، در ظهور آفتاب عالم تاب توست؛ ای مهدی منتظر. حالا حتی کودکان هم می‌دانند که "مهدیّه" اسـم مکان است و "فاطمیّه" اسـم زمان! امّا ما منتظر می‌مانیم، تا روزی که "مهدیّه" اسـم زمان شود و "فاطمیّه" اسم مکان. روزی که در تقویم خواهند نوشت: روز فرج مهدی فاطمه (س) ....

آری، روزی می‌آید که هیچ نمازگزاری، دیگر در مسجدهای «الخلیل» و ... ، به خون نخواهد غلطید. روزی می‌آید که صف‌های به هم پیوسته نماز، دست‌های بیت المقدس را به گردنِ گرامیِ کعبه برساند. روزی می‌آید که سـر هر کوچـه‌ای، از نیویورک تا هند و از چین و شـرق این زمین تا غرب، یک مسجد ایستاده باشد؛ در حالی که صدای دل‌انگیز اذانش، تا آن سـوی آسمان هفتم، طنین‌انداز می‌شود.

اینجا مسجد، خانه خداست. قطعه‌ای از بهشت خدا که بر روی زمین جا مانده است؛ این‌جا خانه قدیمی‌ترین دوست، نزدیک‌ترین فاصله تا آسمان است.

معاونت فرهنگی و اجتماعی مرکز رسیدگی به امور مساجد

سالنامه محراب ۹۴

تجربه موفق سـال ۹۳ در تولید و انتشـار سالنامه محراب و اسـتقبال گسـتردهٔ ائمه جماعات و اعزهٔ گرامی مـا را بر آن داشـت، تلاش و دقت خود را دوچندان کرده، ضمن اصلاح نقاط ضعف مطرح شده، بر غنای محتوایی و زیباییِ شکلیِ آن بیافزاییـم. آنچه که در تدوین مطالب و موضوعات این اثر فرهنگی مورد نظر بوده، رسالت خطیر روحانیت در امر امامت جماعت و بایسـته ها و لوازم توفیق در سنگر اصلی اسلام و نظام اسلامی است.

اهداف مورد نظر در تولید سالنامه بدین قرار است:

۱. تبیین جایگاه روحانیت در نقش امام جماعت در منظومه فکری اسلام و انقلاب اسلامی؛

۲. بررسی نقش امام جماعت در احیای مسجد طراز انقلاب اسلامی؛

۳. ارائه محتوایی کاربردی در جهت تسهیل ایفای نقش امام جماعت.

٤.ارتقاء جایگاه شورای فرهنگی مسجد و نقش آن در تدوین برنامه‌های فرهنگی مسجد

۵. توجه ویژه به قرآن و اهمیت پرداختن به تفسیر و توضیح و تبیین آیات کلام الهی به صورت هفتگی

لازم به ذکر است در تهیه و تنظیم محتوای سالنامه، اهداف فوق با دقت نظر پیگیری شـده و همواره سـعی شـده است موضوعات و مطالب درج شـده با مناسـبت های سالنامه از جهت محتوایی همراستا باشد تا مخاطب از لحاظ فکری بتواند با مطالب بیان شده سریع تر ارتباط برقرار کند.

بخش‌های مختلف سالنامه:

تقویم روز شمار سالنامه:

۱. صفحه‌ی تقویم روزانه برای تمام روزهای سال ١٣٩٤ (تاریخ شمسی، قمری و میلادی)

۲. اوقات شرعی کامل هر روز

۳. ذکـر جامـع مناسـبت‌های مذهـب، مواقف عبـادی و مناسبت‌های تاریخ اسلام و انقلاب اسلامی

محتوای کاربردی:

الف: روزانه

۱. سیره علما: با عنایت به ضرورت تأسّی به بزرگان و علمای سـلف و آشـنایی با سـیرهٔ فردی و اجتماعی و به ویژه مشی مسـجدی آنـان، در هر روز بـه ذکر جلوه ای خـاص از ابعاد شخصیتی ایشان پرداخته شده است.

۲. جوان و مسـجد: با توجه به نام‌گذاری سـال ۹٤ به عنوان سال «مسجد و جوان» از طرف ریاست محترم مرکز رسیدگی به امور مساجد، به طور روزانه به بررسی شخصیت جوان و ابعاد وجودی آن و راهکارهای ارتباط با این نسل پرداخته شده است که لازم اسـت ائمه جماعات محترم در تعامل با این نسـل به نکات درج شده توجه داشته باشند. شایان ذکر است در تهیه و تنظیم این مطالب، کاربردی بودن آنها لحاظ شده تا بیشتر مفید فایده باشند.

۳. مطالـب مناسـبتی: در تعدادی از مناسـبت های خاص شمسی و قمری، در این بخش، به جای مطالب روزانه، مطالبی در مورد آن مناسبت خاص و با هدف بهره برداری ائمه جماعات نقل شده است.

۴. زی طلبگی و رسالت روحانیت: در این بخش با عنایت به جایگاه رفیع روحانیت در نظام اسلامی و نقش خاص و بسیار مهمی که در رشد و تعالی جامعه دارند و هم‌چنین حجم تعاملات ایشان با اقشار مختلف مردم در همه عرصه‌ها، مطالبی تهیه شده که امید داریم مفید فایده باشد.

ب: هفتگی

۱. تفسیر: در این بخش، هر هفته آیه ای از قرآن کریم، ترجیحاً متناسب با مناسبت مندرج در تقویم انتخاب شده و بحث تفسیری مختصری پیرامون آن انجام شده است. درتدوین تفسیر آیات سعی شده از تفاسیر معتبر استفاده شود و هم‌چنین به تمام زوایای تفسیری یک آیه اعم از شأن نزول، روایت، داستان و... پرداخته شود.

لازم به ذکر است این مطالب در راستای طرح نهضت قرآنی مساجد که از ابتدای ماه رجب درسال ۱۳۹۴ آغاز خواهد شد تدوین شده است که تفصیل این طرح مباحث تفسیری مفصلی پیرامون همین آیات خدمت شما ارائه خواهد شد.

۲. مهدویت: در پایان هر هفته، موضوعی از مباحثِ پیرامون امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه با عنوان مهدویت بیان خواهد شد.

۳. پیشنهادات اجرایی هفته: در ابتدای هر هفته، پیشنهادهایی برای فعالیت امام جماعت و هیئت امناء مسجد، متناسب با مناسبت ها و مواقف و رسالت های آن هفته ارئه شده است، که شایسته است ائمه جماعات گرامی این پیشنهادات را در شورای فرهنگی به طور خاص و ویژه پیگیری نموده و به دلیل اهمیت و جایگاه شورای فرهنگی در مساجد برنامه‌های فرهنگی را از این طریق برنامه‌ریزی و پیگیری نمایند.

ضمناً در پایان سالنامه در بخش ضمائم نیز آیین‌نامه شورای فرهنگی درج شده است.

ج: ماهانه

پوستر یکی از مفاخر و علمای والا مقام امّ القری اسلام (تهران) که در عرصهٔ مسجد و تربیت اخلاقی مسجد محور، ایفای نقش نمودند طراحی گردیده و به ذکر دستور العمل یا سفارشی خاص از آن عالم جلیل القدر پرداخته شده است.

د: فصلی

همان‌طور که بیان شد با عنایت به نام‌گذاری سال ۹۴ به عنوان سال جوان و مسجد در پایان هر فصل نکاتی کاربردی و مهم پیرامون نسل جوان در راهکارهای جذب و ارتباط مؤثر و مفید با آنان در محیط نورانی مسجد ارائه گردیده است.

فهرست عناوین مقالات:

۱. روش های گفتگو و مواجهه با نسل جوان.
۲. سیرهٔ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله ، اعتماد به جوانان.
۳. ظرفیت های اجتماعی حضور قشر جوان در مسجد.
۴. ظرفیت ها و جایگاه نسل جوان در نیل مساجد به جایگاه طراز انقلاب اسلامی.

ه: ضمایم سالنامه

۱. آشنایی اجمالی با مرکز رسیدگی به امور مساجد
۲. ۳۶ نما از ۳۶ ماه تلاش مرکز رسیدگی به امور مساجد
۳. آشنایی با پورتال مرکز رسیدگی به امور مساجد
۴. آشنایی با سایت بانک ایده‌های مسجدی
۵. آیین‌نامه شورای فرهنگی مرکز رسیدگی به امور مساجد
۶. شماره‌تلفن‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد(حوزه ستادی و نواحی)

مشخصات دارنده سالنامه

نام و نام خانوادگی: ....

شماره تماس: ....

تلفن همراه: ....

آدرس: ....

پست الکترونیک: ....

عنوان : سالنامه‌ی محراب ۱۳۹۴ هجری شمسی، ۱۴۳۵ هجری قمری

تهیه شده در: دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد

نویسندگان محتوا: حجت الاسلام محمد ابوالمعالی، حجت الاسلام ابوالفضل بیات، حجت الاسلام هادی قهار، حجت الاسلام حسین نظری، حجت الاسلام سید مصطفی بهشتی، مرکز تخصصی مهدویت، حجت الاسلام حجر حسنی سعدی

مدیر اجرایی: ابوالفضل اویسی

طراح گرافیک: محمدجوادزهادت

صفحه آرایی: دفتر فرهنگی هنری باران

چاپ: اسراء

آدرس: قم، ۴۵ متری آیت الله صدوقی رحمه‌الله، ۲۰ متری حضرت ابوالفضل علیه‌السلام، پلاک ۱۰۳،
دفترمطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امورمساجد ۶-۰۲۵-۳۲۹۲۳۸۳۵

اذان صبح: ٤،٤٤

طلوع آفتاب: ٦،۰۷

اذان ظهر: ۱۲،۱۲

اذان مغرب: ۱۸،۳٤

آغاز نوروز (تعطیل)

روز مبارزه با تبعیض نژادی

(۲۱ مارس)

برخی از اعمال و آداب عید نوروز

طهارت و پاکیزگی: امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «إذا کانَ یومُ النّیرُوزِ فاغتَسِل وَ البَس أَنظَفَ ثِیابِک وَ تَطَیب بِأَطیبِ طِیبِک وَ تَکونُ ذلِک الیومَ صَائِماً؛ هرگاه نوروز فرارسد، غسل کرده و پاکیزه‌ترین لباسهایت را پوشیده و از معطرترین عطرهایت استفاده کن و آن روز را روزه بدار».(وسائل الشیعه، ج۸، ص۱۷۲، ح۱۰۳۳۸).

نماز و دعا: چهار رکعت با دو سلام (دو رکعت دو رکعت): در دو رکعت اولّ، حمد و ده بار سوره قدر، و در رکعت بعدی آن حمد و ده بار سوره کافرون و در دو رکعت بعدی، حمد و ده بار سوره توحید، و در رکعت دوّم آن، حمد و ده بار سوره ناس و سوره فلق را بخواند. هم‌چنین دعای معروف هنگام تحویل سال را بخواند. (مصباح المتهجد، ص۵۹۱).

هدیه دادن، صله رحم. صله رحم از احکام نورانی الهی است که به تصریح روایات و فتاوای فقهای اسلام واجب بوده، قطع آن، حرام و از گناهان کبیره است. منظور از رحم، هر کسی است که با انسان از سوی پدر و مادر نسبت خویشاوندی دارد. صله رحم افزون بر پاداش اخروی، دارای آثار و برکات دنیوی است.

بانوی بزرگ اسلام حضرت زهرا (س) درباره یکی از آثار صله رحم میفرماید: «وَ صِلَةَ الْأَرْحَامِ مَنْسَأَةً فِی الْعُمْرِ وَ مَنْمَاةً لِلْعَدَدِ و [خداوند] صله رحم را، باعث تأخیر مرگ و فزونی عددی [خویشاوندان] قرار داده است»(محمد دشتی، نهج الحیاه، تهران، انتشارات شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۷۹هـ ش).

یکشنبه
۲ فروردین

تعطیل

اذان صبح: ۵،۴۲
طلوع آفتاب: ۷،۰۶
اذان ظهر: ۱۳،۱۱
اذان مغرب: ۱۹،۳۵

۱ جمادی الثانیه ۱٤۳٦
22 Mar 2015

عید نوروز
هجوم مأموران ستم شاهی
پهلوی به مدرسه فیضیه قم
(۱۳٤۲ هش)
آغاز عملیات فتح المبین
(۱۳٦۱ هش)
روز جهانی آب (۲۲ مارس)

عید واقعی

واژه «عید» معانی مختلفی دارد: از جمله «خوی گرفته»، «روز فراهم آمدن قوم» و «هر روز که در آن، انجمن یا تذکار فضیلت‌مند یا حادثه بزرگی باشد». گویند از آن رو به این نام خوانده شده که هر سال شادی نوینی باز آرد (لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه «عید»). واژه «عید» تنها یک بار در قرآن آمده و به معنای روزی است که نعمت‌های آسمانی بر مؤمنان فرود می‌آید.

قرآن کریم در آیه ۱۱۴ مائده می‌فرماید: «قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِّنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيداً لِّأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِّنكَ وَارْزُقْنَا وَأَنتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ؛ عیسی بن مریم علیهماالسلام عرض کرد: پروردگارا، از آسمان مائده‌ای بر ما بفرست تا برای اول و آخر ما عیدی باشد و نشانه‌ای از تو، و به ما روزی ده که تو بهترین روزی دهندگانی».

از آنجا که روز نزول مائده، روز بازگشت به پیروزی و پاکی و ایمان به خدا بوده است، حضرت مسیح آن را عید نامید.

در روایتی از امام علی علیه‌السلام آمده است: «كُلّ يَوْمٍ لا يُعْصَى اللّهُ فَهُوَ يَوْمُ عِيدٍ؛ هر روزی که خداوند مورد نافرمانی قرار نگیرد، عید راستین است»(نهج البلاغه، حکمت ۴۲۸).

عید به این معنا در حقیقت بیانگر خودسازی انسان است؛ زیرا کسانی که به نوعی با خودسازی و دوری از گناه و عصیان خداوند توانسته‌اند به کمال خود بازگردند و با اصل خود ارتباط برقرار کنند به شادی و سرور می‌پردازند.

دوشنبه ۳ فروردین

عید نوروز

تعطیل

اذان صبح: ۵،۴۱
طلوع آفتاب: ۷،۰۵
اذان ظهر: ۱۳،۱۱
اذان مغرب: ۱۹،۳۶

۲ جمادی الثانیه ۱۴۳۶

23 Mar 2015

بین ما و تو فاصله زیادی نیست...

پس از آنکه امیرمومنان علی علیه‌السلام از کار دفن حضرت صدیقه علیهاالسلام فارغ شد و خاک قبر را از دست تکانید، حزن و اندوه بر او روی آورد و اشک چشمان مبارکش بر گونه‌ها جاری شد و رو به مرقد مبارک حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم کرد وگفت:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، عَنِّي وَ عَنِ ابْنَتِكَ النَّازِلَةِ فِي جِوَارِكَ وَ السَّرِيعَةِ اللَّحَاقِ بِكَ»؛ ای رسول خدا، از من و دخترت بر تو سلام باد که در جوار تو آمد، و به سرعت به تو ملحق شد. «قَلَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنْ صَفِيَّتِكَ صَبْرِي وَ رَقَّ عَنْهَا تَجَلُّدِي إِلَّا أَنَّ فِي التَّأَسِّي لِي بِعَظِيمِ فُرْقَتِكَ وَ فَادِحِ مُصِيبَتِكَ مَوْضِعَ تَعَزٍّ فَلَقَدْ وَسَّدْتُكَ فِي مَلْحُودَةِ قَبْرِكَ وَ فَاضَتْ بَيْنَ نَحْرِي وَ صَدْرِي نَفْسُكَ فَ إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»

ای رسول حق، از دوری دختر برگزیده‌ات شکیبایی‌ام کم شد، و طاقتم از دست رفت، جز آنکه مرا در فراق عظیم تو و سنگینی مصیبتت، جای تسلیت (در مصیبت فاطمه) است. زیرا من بودم که با دست خود تو را در آغوش خاک جای دادم و سرت بر سینه من بود که روح پاکت از قفس تن پرید. ما از خداییم و به خدا باز می‌گردیم.

« فَلَقَدِ اسْتُرْجِعَتِ الْوَدِيعَةُ وَ أُخِذَتِ الرَّهِينَةُ أَمَّا حُزْنِي فَسَرْمَدٌ وَ أَمَّا لَيْلِي فَمُسَهَّدٌ إِلَى أَنْ يَخْتَارَ اللَّهُ لِي دَارَكَ الَّتِي أَنْتَ بِهَا مُقِيمٌ»

راستی که امانت باز گردانده شد و گروگان دریافت گردید. اما غصّه من ابدی است و شبم قرین بیداری است، تا زمانی که خداوند برای من جایگاهی را که تو در آن اقامت داری، اختیار کند.

«ادامه در صفحه بعد»

سه‌شنبه ۴ فروردین

تعطیل

اذان صبح: ۵،۳۹
طلوع آفتاب: ۷،۰۳
اذان ظهر: ۱۳،۱۱
اذان مغرب: ۱۹،۳۷

۳ جمادی الثانیه ۱٤۳٦
24 Mar 2015

شهادت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها (۱۱ ه‌ق)
عید نوروز (تعطیل)
تاسیس حوزه علمیه قم(۱۳۰۱ ه ش) توسط آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی

ادامه از صفحه قبل >>

«وَ سَتُنَبِّئُكَ ابْنَتُكَ بِتَضَافُرِ أُمَّتِكَ عَلَى هَضْمِهَا فَأَحْفِهَا السُّؤَالَ وَ اسْتَخْبِرْهَا الْحَالَ هَذَا وَ لَمْ يَطُلِ الْعَهْدُ وَ لَمْ يَخْلُ مِنْكَ الذِّكْرُ»

به زودی دخترت از همدستی امّت برای ستم بر او، به تو خبر خواهد داد. در پرسیدن از او اصرار کن و خبر اوضاع را از او بخواه؛ در حالی که بین ما و تو فاصله زیادی نیست و زمانه از یادت خالی نگشته که چه ستم‌ها بر تو گذشت...

«وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمَا سَلَامَ مُوَدِّعٍ لَا قَالٍ وَ لَا سَئِمٍ فَإِنْ أَنْصَرِفْ فَلَا عَنْ مَلَالَةٍ وَ إِنْ أُقِمْ فَلَا عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِمَا وَعَدَ اللَّهُ الصَّابِرِينَ»

به هر دو نفر شما سلام باد، سلامی وداع کننده و نه سلام رنجیده خاطر دلتنگ. اگر از کنار مرقدت بروم نه از باب ملالت است و اگر بمانم نه از جهت بدگمانی به آنچه خداوند به صابران وعده داده است. (خطبه ۱۹۳ نهج البلاغه، ص۴۵۱، ترجمه انصاریان)

حدیث از حضرت زهرا علیها السلام

«إنّی احبُّ من دنیاکم ثلاثاً: الانفاق فی سبیل اللّه و تلاوة کتاب الله و النظر الی وجه ابی رسول الله»

همانا من از دنیای شما سه چیز را دوست می دارم: انفاق کردن در راه خدا، تلاوت کتاب خدا و نگاه کردن به چهره پدرم رسول خدا.

(مسند حضرت فاطمه علیها السلام ، ص۲۶۸)

مسجد، مرکزی برای حرکت

امام خامنه ای (مدظله العالی): علت این که این انقلاب مبارك در ایران اسلامی پیروز شد، یکی از علل این پیروزی و سهولت این پیروزی لااقل، این بود که مردم به مساجد اقبال پیدا کردند، جوانها مساجد را پر کردند، علمای اعلام مساجد را به عنوان یك مرکزی برای تعلیم، برای تربیت، برای روشنگری افکار و اذهان مورد استفاده قرار دادند؛ و مسجد شد مرکزی برای حرکت، برای آگاهی، برای نهضت، برای افشای اسرار زمامداران فاسد و خود فروخته رژیم طاغوت، در دوره مشروطیت هم همین جور بوده است، در دوره ملی شدن صنعت نفت هم تا حدودی همین جور بود، در زمان انقلاب هم که این به حد اعلی رسید. (۷۵/۱۰/۱۹)

قال الامام الرِّضا عليه‌السلام : اِنَّ الجنَّةَ وَ الْحُورَ لَتَشْتاقُ اِلی مَنْ یکْسِحُ الْمَسْجِدَ أو یَأْخُذُ مِنْهُ الْقَذی. (مستدرك الوسائل، ج ۳، ص ۳۸۵)

امام رضا عليه‌السلام فرمود: بهشت و حوریان بهشتی مشتاق کسی هستند که مسجد را تمیز کند یا آلودگی های آن را بگیرد.

پنج شنبه ۶ فروردین

وفات ابن ابی الحدید متکلم و فقیه بزرگ مسلمانان و شارح نهج البلاغة (٦٥٦ ه ق)

اذان صبح:	٥،٣٦
طلوع آفتاب:	٧،٠٠
اذان ظهر:	١٣،١٠
اذان مغرب:	١٩،٣٩

۵ جمادی الثانیه ١٤٣٦

26 Mar 2015

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: مَنْ اَسْرَجَ فی مَسْجِدٍ مِنْ مَساجِدِ اللهِ سِراجاً، لَمْ تَزَلِ الْمَلائِکَةُ وَ حَمَلَةُ الْعَرْشِ یَسْتَغْفِرونَ لَهُ مادامَ فی ذلکَ الْمَسْجِدِ ضوْءٌ مِنَ السِّراجِ.(من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص۱۶۹)؛ هر کس در مسجدی از مساجد خدا چراغی روشن بیافروزد، تا زمانی که روشنایی از چراغ در آن مسجد است، فرشتگان و حاملان عرش برایش استغفار می کنند.

امام صادق علیه السلام فرمود: اِنَّما اُمِرَ لِتَعْظیمِ الْمَساجِدِ لِاَنَّها بُیُوتُ اللهِ فِی الْاَرْضِ.(وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۵۶)؛ امر به تعظیم مساجد به خاطر این است که مساجد خانه‌های خدا در روی زمین است.

همچنین در روایت دیگری امام صادق علیه السلام فرمود: ثَلاثَةٌ یَشْکُونَ اِلَی اللهِ عزَّ و جَلَّ: مَسْجِدٌ خَرابٌ لا یُصلّی فیهِ اَهْلُهُ وَ عالِمٌ بَیْنَ جُهّالٍ، وَ مُصْحَفٌ مُعَلَّقٌ قَدْ وَقَعَ عَلَیْهِ الْغُبارُ لا یُقْرَأُ فیه.(وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۴)؛ سه چیز به خدا شکایت می کنند؛ مسجد خرابی که اهلش در آن نماز نخوانند، دانشمندی که بین نادانان است، قرآن رها شده که غبار بر آن نشسته و خوانده نمی‌شود.

جمعه ۷ فروردین

اذان صبح: ٥،٣٤
طلوع آفتاب: ٦،٥٩
اذان ظهر: ١٣،١٠
اذان مغرب: ١٩،٤٠

٦ جمادی الثانیه ١٤٣٦
27 Mar 2015

محور بیدارگری

امام خامنه‌ای(مدظله العالی): انقلاب در این کشورها [ی مسلمان شمال آفریقا]...، آن روزی رو به شکست رفت و دوباره ملّت‌ها استقلال خودشان را از دست دادند که رابطهٔ خود را با مساجد و با دین و ایمان مساجد قطع کردند. (۱۳۷۵/۱۰/۱۹)
لازم است با دخالت افراد دلسوز و متدیّن و همکاری و همفکری علماء و روحانیون و سایر نخبگان و با محوریّت مساجد جلوی هرگونه هرج و مرج و قتل و تجاوز و غارت اموال عمومی و خصوصی گرفته شود و فضای امن و محیط آرام برای کلیهٔ شهروندان به‌وجود آید تا ملّت عراق بتواند در سایهٔ وحدت و یکپارچگی، توانائی و آگاهی خود را به نمایش بگذارد و تمدّن اصیل اسلامی و فرهنگ ملی و جایگاه والای آن ملّت قدرتمند و شجاع را بازیابد و موجبات رضای خداوند سبحان فراهم گردد.(۱۳۸۲/۰۱/۲۴)
عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم: «اِنَّ اللّهَ اِذا اَحَبَّ عَبْدًا جَعَلَهُ قَیِّمَ مَسْجِدٍ. همانا خداوند آنگاه که بنده‌ای را دوست بدارد، او را متولی امور مسجدی قرار می‌دهد».
(کنزالعمال، ج ۷، ص ۶۵۳)

﴿إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَ تِلْكَ الْأَيَّامُ نُداوِلُها بَيْنَ النَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذينَ آمَنُوا وَ يَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَداءَ وَ اللَّهُ لا يُحِبُّ الظَّالِمينَ﴾[1]؛ اگر (در میدان احد،) به شما جراحتی رسید (و ضربه‌ای وارد شد)، به آن جمعیت نیز (در میدان بدر)، جراحتی همانند آن وارد گردید. ما این روزها(ی پیروزی و شکست) را در میان مردم می‌گردانیم؛ (و این خاصیت زندگی دنیاست) تا خدا، افرادی را که ایمان آورده‌اند، بداند (و شناخته شوند) و خداوند از میان شما، شاهدانی بگیرد و خدا ظالمان را دوست نمی‌دارد.

شأن نزول

از ابن عباس است که در روز احد، ابوسفیان از کوه بالا رفت. پیامبر ﷺ عرضه داشت: خداوندا، ابوسفیان را نرسد که بر ما بلندی یابد. ابوسفیان ساعتی درنگ کرد و فریاد برآورد که: این، روز تقاص آن روز (یعنی رنج و کشته شدگان و جراحات امروز شما تقاص و در برابر جراحات و مقتولین روز بدر ما). همانا روزگار همواره در گردش و دگرگونی است (و هر روزی به کام کسی است) و جنگ یک روز به نفع ماست و دیگر روز به زیان ما.

پیامبر ﷺ به اصحاب فرمود پاسخ او را بگویید. اصحاب فریاد برآوردند که مقتولین شما و ما یکسان نیستند؛ که کشته‌شدگان شما، در دوزخند و کشته‌شدگان ما شهید و اهل بهشتند.

ابی سفیان فریاد برآورد که (و لنا عزی و لا عزی لکم) یعنی ما عزّی داریم و شما را عزّایی نیست.

پیامبر فریاد برآورد که: «الله مولانا و لا مولی لکم»، یعنی خدا مولای ماست و شما را مولایی نیست.

ابوسفیان گفت: اعل هبل (هبل بلند است و بزرگ) پیغمبر فرمود: الله اعلی و اجل (خدا بلندتر و بزرگتر است).[2]

نکات تفسیری

۱ ـ وَ تِلْکَ الأیامُ نُداوِلُها بَیْنَ النّاسِ وَ لِیَعْلَمَ اللهُ الَّذینَ آمَنُوا وَ یَتَّخِذَ مِنْکُمْ شُهَداءَ.

در این آیه، نخست اشاره به یکی از سنن الهی شده است که در زندگی بشر حوادث تلخ و شیرینی رخ می‌دهد که هیچکدام پایدار نیست، شکست‌ها، پیروزی‌ها، قدرت‌ها، عظمت‌ها و ناتوانی‌ها، همه در حال دگرگونی هستند. بنا بر این نباید شکست در یک میدان و آثار آن را پایدار فرض کرد، بلکه باید با بررسی عوامل و انگیزه‌های شکست، از سنّت تحوّل استفاده نمود و آن را به پیروزی تبدیل کرد. دنیا فراز و نشیب دارد و زندگی در حال دگرگونی است و «خداوند این ایام را در میان مردم به طور مداوم گردش می‌دهد» تا سنّت تکامل از لابلای این حوادث آشکار شود.[3]

سپس اشاره به نتیجه این حوادث ناگوار کرده و می‌فرماید: «وَ لِیَعْلَمَ اللهُ الَّذینَ آمَنُوا ...» اینها به خاطر آن است که افراد با ایمان، از مدعیان ایمان، شناخته شوند. به عبارت دیگر تا حوادث دردناک در تاریخ ملّتی روی ندهد، صفوف از هم مشخص نخواهند شد؛ زیرا پیروزی‌ها خواب‌آور و اغفال کننده است، در حالی که شکست‌ها برای افراد آماده، بیدار کننده و نشان دهنده ارزش‌ها است.[4]

۲ ـ معنای آیه شریفه این است که سنّت الهی بر این جاری شده است که روزگار را در بین مردم دست به دست بگرداند، بدون اینکه برای همیشه به کام یک قوم چرخانده شود و قومی دیگر را از آن محروم سازد و این سنّت، به

خاطر مصالحی است عمومی که فهم شما انسان‌ها جز به برخی از آن مصالح احاطه نمی‌یابد و نمی‌تواند همه آن مصالح را درک کند.[۵]

۳ـ قرآن به صراحت غزوه اُحُد را صحنه آزمایش و امتحان مؤمنان می‌داند و چنین حوادثی را سبب شناخته شدن افراد با ایمان از مدّعیان ایمان بیان می‌کند:

در این آیات، به مسلمانانی که شهادت در راه خدا را آرزو می‌کردند، یادآوری می‌شود که سنّت الهی بر امتحان و آزمایش افراد استوار است؛ چنان‌که در آیه ۱۵۴ آل‌عمران که لحظات پس از جنگ را بیان می‌کند، به آن دسته از مسلمانانی که ایمان ضعیفی داشتند، همین مطلب را یادآور می‌شود: «... و لیبتَلِیَ اللّهُ ما فی صُدورِکُم و لیمَحّصَ ما فی قُلوبِکُم ...» تا اینکه خداوند آن‌چه در سینه‌های شما است، بیازماید و آن‌چه را در دل‌های شما است، پاک کند ...». خداوند در آیاتی دیگر، آن‌چه را در روز احُد اتّفاق افتاد، برای آزمودن مؤمنان از منافقان بیان می‌کند: « و آنچه (در روز احد) در روزی که دو دسته [مؤمنان و کافران] با هم نبرد کردند به شما رسید، به فرمان خدا (و طبق سنّت الهی) بود و برای این بود که مؤمنان را مشخص کند. »[۶]

حدیث

۱ـ عن علی علیه‌السلام : « دَولةُ الکریم تُظهِرُ مَناقِبَهُ ، دَولةُ اللَّئیم تَکشِفُ مَساوِیهُ و مَعایِبَهُ».[۷]

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: دولتِ انسان کریم و بزرگوار خوبی‌های او را آشکار می کند ، دولت شخص پست و لئیم زشتی‌ها و عیب‌های او را بر ملا می‌سازد .

۲ ـ عن الصادق علیه‌السلام : مَرِضَ أمیرُ المؤمنینَ علیه‌السلام فعادَهُ قَومٌ فقالوا لَه: کیفَ أصبحتَ یا أمیرَ المؤمنینَ؟ فقالَ : أصبحتُ بشَرٍّ ! فقالوا لَه : سُبحانَ اللّه ! هذا کلامُ مثلِکَ؟! فقالَ: یقولُ اللّهُ تعالی: « و نَبلُوکُم بِالشَّرِّ وَ الخیرِ فتنةً» فالخیرُ الصِّحّةُ و الغِنی و الشَّرُّ المَرضُ و الفقرُ، ابْتِلاءً و اخْتِباراً.[۸]

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: امیرمؤمنان علیه‌السلام ، بیمار شد و گروهی به عیادت آن حضرت رفتند و عرض کردند: ای امیر مؤمنان چگونه‌اید؟ فرمود: بد. عرض کردند: سبحان الله ! چنین سخنی از چون شمایی؟! فرمود: خداوند متعال می‌فرماید: « و شما را با بد و خوب می‌آزماییم» . خوبی، همان تندرستی و توانگری است و بدی، همان بیماری و ناداری و این هر دو برای آزمایش و امتحان است.

داستان

حجت الاسلام آقای سید ابوالقاسم شجاعی، نقل نمودند شبی منزل دکتری مهمان بودم، او گفت قضیه عجیبی را که خودم شاهد آن بودم برای شما نقل می‌کنم:

در سال‌های کودکی، ایامی مصادف با قحطی شد، پدرم برای خرید گندم نزد یکی از فروشندگان گندم رفت که در همسایگی ما بود. پدرم از او تقاضا کرد که مقداری گندم به فلان قیمت به من بفروش و آن مرد گفت برو بالاتر. پدرم قیمت را بالاتر برد، باز او گفت برو بالاتر. چند بار این سخن تکرار شد تا آن روز گذشت.

پس از تحصیل در مدرسه، بالاخره به دانشگاه رسیدم و در رشته پزشکی تحصیل کردم. روزی در اتاق عمل در حین همکاری با پزشک جراح ، او به من دستور داد که پای مریضی را از مچ ببرم. من محض احتیاط از او سؤال کردم از اینجای مچ؟ گفت برو بالاتر، گفتم از اینجا؟ گفت برو بالاتر، همینطور هرجایی را نشان می‌دادم می‌گفت برو بالاتر، تا اینکه به بالای ران راست رسیدم. این کلمه "برو بالاتر" برایم برو بالاتری را که در زمان کودکی شنیده بودم، تداعی کرد. از آن مریض پرسیدم اهل کجایی؟ گفت فلان محله، تا اینکه بالاخره کاشف به عمل آمد که او همان شخصی است که روزی پدرم برای خرید گندم در سال قحطی نزد او رفته بود و او به پدرم می‌گفت برو بالاتر و من در متحیّر شدم که روزگار چگونه جزای اعمال را می‌دهد.[۹]

نتیجه

سرنوشت بشر در حال دگرگونی و فراز و نشیب است؛ نه غمها پایدار است و نه شادی‌ها، نه مستکبران بر روی زمین باقی می‌مانند و نه مستضعفان. بنابراین آن چه از آیه شریفه می‌توان به عنوان سیره عملی در زندگی به کاربرد، این است که غم و شادی ما نباید به پیروزی‌ها یا شکست‌های دنیوی گره بخورد. خصوصاً کسانی که غم و شادی خود را به جریان‌های مختلف اجتماعی گره می‌زنند. مثلاً با برد فلان تیم ورزشی خوشحال و با باخت آن، گاهی تا سر حد مرگ غمگین می‌شوند و یا از بالا و پائین شدن گروه‌های سیاسی احساس پیروزی یا شکست می کنند!

پی‌نوشت

۱.سوره آل عمران، آیه ۱۴۰. ■ ۲. ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص، ۲۶۸. ■ ۳.ایام جمع «یوم» به معنی روز است و گاهی به دوران پیروزی ملتها نیز ایام گفته میشود. «نداولها» از «مداوله» به معنی این است که چیزی را در میان عده‌ای، یکی بعد از دیگری گردش دهند. ■ ۴. تفسیر نمونه، ج۳، ص، ۱۱۰. ■ ۵. ترجمه تفسیر المیزان، ج۴، ص، ۴۲. ■ ۶. سوره آل عمران، آیات ۱۶۷ـ۱۶۶. ■ ۷. غرر الحکم، ۵۱۰۷. ■ ۸. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج۷۸، ص، ۲۱۰. ■ ۹. بازار مکافات عمل، ص ۵۵.

پیشنهادهای اجرایی هفته

- برگزاری مراسم دعای توسل (سه شنبه)
- برگزاری مراسم دعای کمیل (پنجشنبه)
- برگزاری مراسم سوگواری به مناسبت سالگرد وفات حضرت ام‌البنین سلام الله علیها
- برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه)
- برگزاری جلسه هیئت امنا برای برنامه ریزی برگزاری نماز صبح و هماهنگی‌های لازم.

امام مهدی عليه‌السلام در یک نگاه

مهدی موعود در سپیده دم جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری [۸۶۸ میلادی] در سامراء دیده به جهان گشود. پدر گرامی ایشان، امام حسن عسکری عليه‌السلام و مادر بزرگوارشان، بانویی شایسته به نام «نرجس» بود. نام و کنیه[1] امام زمان عليه‌السلام همان نام و کنیه پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله است.

لقب‌های حضرت عبارتند از: مهدی، قائم، منتظَر، بقیةالله، حجّت، خلف صالح، منصور، صاحب الامر، صاحب الزمان و ولی عصر. معروف‌ترین لقب ایشان «مهدی» است.

آن امام خوبی‌ها را «مهدی» گفته‌اند، زیرا هدایت شده‌ای است که مردم را به سوی حق می‌خواند و نیز «قائم» خوانده شد، از این رو که برای حق، قیام خواهد کرد و «منتظَر» نامیده‌اند، زیرا که همگان در انتظار مقدم اویند و «بقیة الله» لقب داده‌اند؛ چرا که باقیمانده حجت‌های خدا و آخرین ذخیره الهی است.

«حجّت» به معنی گواه خدا بر خلق و «خلف صالح» به معنی جانشین شایسته برای اولیاء خداست. او «منصور» است؛ چون از سوی پروردگار یاری می‌شود و «صاحب الأمر» است؛ زیرا امر ایجاد حکومت عدل الهی به عهده اوست. «صاحب الزمان و ولی عصر» نیز به معنی آنست که او حاکم و فرمانروای یگانه زمان است.

چگونگی ولادت

در روایات فراوان، از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و بسیاری ائمه دیگر، نقل شده است که مردی از خاندان ایشان، به نام «مَهدی» قیام خواهد کرد و بنیان ستم را واژگون خواهد ساخت. به همین خاطر، فرمانروایان ستمگر عباسی با اطلاّع از این روایات در پی آن بودند که در همان ابتدای ولادت، حضرت را به شهادت برسانند. بنابراین از زمان امام جواد عليه‌السلام، زندگی امامان معصوم عليهم‌السلام

با محدودیت‌های بیشتری همراه گشت؛ چنانچه در زمان امام حسن عسکری علیه‌السلام این ناامنی به اوج خود رسید. به گونه‌ای که کمترین رفت و آمد به خانه آن بزرگوار از نظر دستگاه حکومت، مخفی نبود. پیداست در چنین شرایطی باید تولّد آخرین حجّت حق و موعود الهی در پنهانی و به دور از چشم دیگران می‌بود. به همین دلیل حتی نزدیکان امام یازدهم از جریان ولادت امام مهدی علیه‌السلام بی‌اطلاّع بودند. به طوری که تا ساعتی پیش از تولّد ایشان، نشانه‌های بارداری در نرجس خاتون مادر بزرگوار امام دوازدهم، دیده نمی‌شد.

حکیمه خاتون، دختر گرامی امام جواد علیه‌السلام، جریان ولادت را چنین حکایت کرده است: امام حسن عسکری علیه‌السلام به دنبال من فرستاد و فرمود: «ای عمّه! امشب افطار نزد ما باش! چرا که شب نیمه شعبان است و خداوند در این شب [آخرین] حجّت خود بر روی زمین را آشکار خواهد کرد.»

حکیمه گوید: چون روز هفتم فرا رسید، پدر ایشان فرمود: فرزندم! سخن بگوی! نوزاد [لب بگشود و] پس از گواهی به یگانگی خداوند و درود بر پیامبر اکرم و پدران بزرگوارش، این آیات را تلاوت فرمود: [۲]

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم * وَ نُریدُ اَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْاَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ اَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثینَ وَنُمَکِّنَ لَهُمْ فِی الْاَرضِ وَنُرِی فِرْعَوْنَ وَهامانَ وَجُنُودَهُما مِنْهُمْ ما کانُوا یَحْذَرُونَ. [۳]

«به نام خداوند بخشنده مهربان. و ما اراده کردیم بر مستضعفان زمین منّت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم و حکومت‌شان را در زمین پا برجا سازیم و به فرعون و هامان و لشکریانش، آنچه را از آنها [= بنی اسرائیل] بیم داشتند نشان دهیم.»

پی‌نوشت

۱. اسمی است که با لفظ «اب» یا «ام» شروع می شود مانند: اباعبدالله و امّ البنین. ■ ۲. کمال الدین، ج ۲، باب ۴۲، ح ۱، ص ۱۴۳. ■ ۳. سوره قصص، آیات ۵ و ۶.

شنبه ۸ فروردین

اذان صبح: ۵،۳۳
طلوع آفتاب: ۶،۵۷
اذان ظهر: ۱۳،۱۰
اذان مغرب: ۱۹،۴۰

۷ جمادی الثانیه ۱۴۳۶
28 Mar 2015

گره گشایی از مردم

حاج شیخ حسین انصاریان می‌گوید: ایشان یک حیاط ۵۰ متری با اتاقی ۳۰ متری بَرِ خیابان لرزاده و کنار خانه اش ساخته بود که درآن به روی همه باز بود. تابستان ها افرادی از طلاب و کسبه نجف به مسجد لرزاده می‌آمدند و در آن خانه اقامت می کردند. مرحوم برهان، صبحانه و ناهار و شام آنها را می‌داد و هیچ گاه نمی‌پرسید که چند روز می‌خواهند بمانند. در مسجد، سه نوبت، نماز جماعت برپا بود. از هر صنف، بزّاز، بقّال، بنّا، دکتر، مهندس و... برای نماز می‌آمدند. ایشان به همه سپرده بود که هر کاری دارید به یکدیگر مراجعه کنید؛ حتی برای ازدواج نیز تأکید داشتند که آنها از بین خودعروس و داماد پیدا کنند. عده‌ای از پزشکانِ مرید حاج آقا پیشنهاد کرده بودند که اگر بیمار فقیری هست نزد ما بفرستید تا به رایگان او را درمان کنیم و در تهیه دارو به او کمک کرده و در صورت لزوم بستری اش نماییم. در اداره‌ها نیز حاج آقا مریدان زیادی داشت. هر کس کارش به بن بست می‌رسید، نامه‌ای از ایشان می‌گرفت و مشکل خود را حل می کرد.
اگر کتاب تازه‌ای چاپ می‌شد، به مؤلف آن می‌گفت که کتابهایت را به مسجد بیاور تا سفارش کنیم مردم بخرند.
(خاطرات حاج شیخ حسین انصاریان، صفحه ۳۹-۴۰)

به توپ بستن گنبد امام رضا علیه السلام توسط سربازان روسیه (۱۲۹۱ ه ش)

یکشنبه ۹ فروردین

اذان صبح: ٥،٣١
طلوع آفتاب: ٦،٥٦
اذان ظهر: ١٣،٠٩
اذان مغرب: ١٩،٤١

۸ جمادی الثانیه ١٤٣٦
29 Mar 2015

آخوند جایش در مسجد است

اصرار داشتند که امامت جماعت مسجد قبا را همچنان حفظ کند. با این که مسئولیت‌ها و مشغله‌های بسیار فراوانی داشتند، حتی اصرار داشتند صبح را هم به مسجد بروند و نماز جماعت برگزار شود. یکی دو بار خود من به ایشان گفتم که شما دیشب تا دیروقت بیدار بودید و کار کردید؛ بگذارید فرد دیگری نماز صبح را در مسجد اقامه کند. ایشان جواب دادند: «ما آخوند هستیم. آخوند جایش در مسجد است. تریبونی که ما باید از آنجا صحبت کنیم، مسجد است. در جای دیگر غیر از مسجد زیاد نباید با مردم حرف بزنیم. مردم باید در مسجد حرفشان را بزنند».

(مجمع ملکوتیان، ص ۲۴؛ به نقل از مهندس محمد صادق مفتح (فرزند شهید))

ما وظیفه‌مان بود که همیشه از ایشان حفاظت کنیم. یک روز صبح که خوابمان برده بود. ایشان به تنهایی پژوی مدل پایین و کهنه خود را هل داده و از خانه بیرون برده بودند و خودشان به کانون مفتح رفته بودند. حتی آن را روشن نکرده بودند که یک وقت ما بیدار نشویم!

طوری شده بود که بیشتر، ایشان مراقب ما بودند تا ما مراقب ایشان، بی‌نهایت محبت می‌کردند. واقعاً ما همیشه شرمنده ایشان می‌شدیم.

(مجمع ملکوتیان، ص ۸۰؛ به نقل از آقای مصطفی حسینی فرد (محافظ شهید))

دوشنبه ۱۰ فروردین

اذان صبح: ۵،۳۰
طلوع آفتاب: ۶،۵۵
اذان ظهر: ۱۳،۰۹
اذان مغرب: ۱۹،۴۲

۹ جمادی الثانیه ۱۴۳۶
30 Mar 2015

رحلت آیت الله سید حسین طباطبایی بروجردی زعیم حوزه علمیه قم(۱۳۴۰ هـ ش)
درگذشت عالم بزرگوار علامه سید عبدالحسین شرف الدین عاملی (۱۳۷۷هـ ق)

آرایه‌های معنوی و ظاهری مساجد ...

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): ما بارها، مکرر به آقایان ائمهٔ جمعه، ائمهٔ جماعت و روحانیون محترم در شهرستان‌ها، در تهران توصیه کردیم که مساجد باید آباد باشد؛ صدای اذان باید از مساجد بلند شود. باید همهٔ نشانه‌های توجه به نماز و اقامهٔ نماز را در شهر اسلامی - بخصوص در شهرهائی مثل تهران و شهرهای بزرگ کشور - ببینند، باید احساس کنند؛ هم مردم خودمان، هم کسانی که وارد این شهرها می‌شوند. (بیانات در دیدار شرکت کنندگان در هفدهمین اجلاس سراسری نماز ۱۳۸۷/۰۸/۲۹)
طبق بینش ما، یادگارهای اسلامی عزیزند. می‌شد اسلام به مردم بگوید بروید در زمین صافی بایستید و نماز بخوانید و عبادت کنید؛ درصورتی که به عمارت مسجد دستور داده است؛ «انما یعمر مساجد الله» (سوره توبه، آیه ۱۸). آباد کردن مسجد ملاک است و تجسّم و تجسّد خارجی این کار مورد نظر اسلام می باشد؛ چون تأثیر بسزایی دارد.
«إِنَّ أَوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بِبَکَّةَ مُبَارَکًا وَ هُدیً لِلْعَالَمِینَ.» (آل عمران/ ۹۶)

سه‌شنبه ۱۱ فـــروردین

اذان صبـــح: ۵،۲۸
طلوع آفتاب: ۶،۵۳
اذان ظهـــر: ۱۳،۰۹
اذان مغـرب: ۱۹،۴۳

۱۰ جمادی الثانیه۱۴۳۶
31 Mar 2015

سحرگاهان مساجد

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): چندی پیش، من راجع به اذان سفارش کردم و البته گفتم که صبح‌ها با بلندگو در همه جا اذان نگویند، تا مردم از خواب بیدار نشوند. مثل این که بعضی از مؤمنین، این قسمت دومش را بیشتر از قسمت اول گوش کردند! آنچه که مقصود ما بود، این بود که در سحرها، هر جایی یك بلندگو صدا نكند؛ ولی معنایش این نبود که به هنگام سحر، صدای اذان در شهری مثل تهران به گوش نرسد! نه، در جایی مثل تهران، اقلاً در چند مسجد از مساجد مهم، خوب است که با بلندگو اذان پخش بشود؛ حتّی اذان صبح. در شهرهای کوچك هم به فراخور وسعت آن شهر، می‌بایست اذان صبح در چندجا پخش بشود. اما در ظهر و شب اذان بگویند؛ هم اذان بلندگو، هم جلوی مساجد، هم داخل مساجد و هم در خیابان‌ها، تا مردم به اذان گفتن عادت کنند. (۱۳۶۹/۱۱/۱۹)

چهارشنبه ۱۲ فروردین

تعطیل

اذان صبح: ۵،۲۷
طلوع آفتاب: ۶،۵۲
اذان ظهر: ۱۳،۰۸
اذان مغرب: ۱۹،۴۴

۱۱ جمادی الثانیه ۱۴۳۶

1 Apr 2015

روز جمهوری اسلامی ایران
(تعطیل)

پیام امام خمینی رحمه‌الله

وَ نُرِیدُ اَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْاَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ اَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِین (قصص / ۵)

خداوند تعالی بر ما منت نهاد و رژیم استکباری را با دست توانای خود که قدرت مستضعفین است در هم پیچید و ملت عظیم ما را ائمه و پیشوای ملت‌های مستضعف نمود، و با برقراری جمهوری اسلامی، وراثت حقه را بدانان ارزانی داشت حکومتی که در آن، جمیع اقشار ملت با یك چشم دیده می‌شوند و نور عدالت الهی بر همه و همه به یك طور می‌تابد، و باران رحمت قرآن و سنت بر همه کس به یکسان می‌بارد. مبارك باد شما را چنین حکومتی که در آن اختلاف نژاد و سیاه و سفید و ترك و فارس و لر و کرد و بلوچ مطرح نیست. همه برادر و برابرند؛ فقط و فقط کرامت در پناه تقوا و برتری و به اخلاق فاضله و اعمال صالحه است من با تمام قوا در خدمت شما که خدمت به اسلام است ، این چند روز آخر عمر را می گذرانم ، و از ملت انتظار آن دارم که با تمام قوا از اسلام و جمهوری اسلامی پاسداری کنند.

(صحیفه امام، ج۶، ص۴۵۲)

پنج شنبه ۱۳ فروردین

اذان صبح: ۵،۲۵
طلوع آفتاب: ۶،۵۰
اذان ظهر: ۱۳،۰۸
اذان مغرب: ۱۹،۴۵

۱۲ جمادی الثانیه ۱٤۳٦
2 Apr 2015

روز طبیعت، تعطیل
هتک حرمت رژیم بعث عراق به اماکن مقدس نجف اشرف و کربلا در جریان انتفاضه مردم عراق (۱۳۷۰ ه ش)

مسجد سیاسی و عبادی

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): مسجد مرکز تبلیغ است. در صدر اسلام از همین مسجدها جیْش‌ها، ارتش‌ها، راه می‌افتاده، مرکز تبلیغ احکام سیاسی اسلام بوده مسجد. هر وقت یك گرفتاری پیدا می‌شد، صدا می‌کردند که «الصَّلاةُ بالجَماعَة»، اجتماع می‌کردند؛ آن گرفتاری را طرح می‌کردند. این صحبت‌ها را می‌کردند. مسجد، مرکز اجتماع سیاسی است. (صحیفهٔ امام، ج۱۰، ص: ۱۷)

نماز جمعه یک عبادت سر تا پا سیاسی است، و مع الأسف در جاهایی انسان می‌بیند که در نماز جمعه ابداً مربوط به چیزهایی که ملت‌ها به آن احتیاج دارند، چیزهایی که مسلمین، اجتماع مسلمین بر آن احتیاج دارند، خبری نیست. نماز جمعه‌ها را همان طوری که در صدر اسلام، مساجد، محافل و نمازها جنبه سیاسی داشته است، از مسجد راه می‌انداختند لشکر را به جنگی که باید بکنند و به آنجایی که باید بفرستند. از مسجد مسائل سیاسی طرح‌ریزی می‌شد- از مسجد- مسجد محل این بود که مسائل سیاسی در آن طرح بشود. (صحیفهٔ امام، ج۱۸، ص: ۴۲۵)

امام سجاد علیه‌السلام: ...وَ الْمَسَاجِدُ بُیُوتُ اللّهِ فَمَنْ سَعَی اِلَیْهَا فَقَدْ سَعَی اِلَی اللّهِ وَ قَصَدَ اِلَیْهِ... (علل الشرایع، ج۱، ص۱۳۲)

جمعه ۱۴ فروردین

اذان صبح: ۵،۲۳
طلوع آفتاب: ۶،۴۹
اذان ظهر: ۱۳،۰۸
اذان مغرب: ۱۹،۴۵

۱۳ جمادی الثانیه ۱۴۳۶

3 Apr 2015

سالروز وفات حضرت ام البنین سلام الله علیها و روز تکریم مادران و همسران شهدا

تبلیغ سنتی

امام خمینی رحمه‌الله: شما که از اهالی مسجد و از علمای مساجد هستید، باید پیروی از پیغمبر اسلام و اصحاب آن سرور کنید و مساجد را برای تبلیغ اسلام و حرکت اسلامیه و برای قطع ایادی شرك و کفر و تأیید مستضعفین در مقابل مستکبرین قرار بدهید. (صحیفهٔ امام، ج۷، ص ۶۵)

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): تبلیغ سنّتی ما – که مسجد و منبر و سخنرانی روبه روست – بدیل ندارد؛ این را باید حفظ کنیم. این که شما بنشینید با یك نفر رو به رو صحبت کنید؛ نگاه شما به او بیفتد، نگاه او به شما بیفتد و نفس گرم شما به او برسد، این چیز خیلی خوبی است؛ این را باید حفظ کنیم. (بیانات در دیدار علما و روحانیون کرمان ۱۳۸۴/۰۲/۱۱)

عن أبی‌عبدالله علیه‌السلام، قال: شَكَتِ الْمَساجِدُ إِلَی اللّه‌تَعالی الَّذِینَ لایَشْهَدُونَها مِنْ جِیرانِها فَأَوحی اللّه‌إِلَیْها وَ عِزَّتِی وَ جَلالِی لا قَبِلْتُ لَهُمْ صَلاةً واحِدَةً وَ لا أَظْهَرْتُ لَهُمْ فِی النّاسِ عَدالَةً وَ لا نالَتْهُمْ رَحْمَتِی وَ لا جاوَرُونی فِی جَنَّتِی (الأمالی الطوسی، ص ۶۹۶)

﴿مَنْ ذَا الَّذی یُقْرِضُ اللهَ قَرْضاً حَسَناً فَیُضاعِفَهُ لَهُ أَضْعافاً کَثیرَةً وَ اللهُ یَقْبِضُ وَ یَبْصُطُ وَ إِلَیْهِ تُرْجَعُونَ﴾[1]؛ کیست که به خدا «قرض الحسنه‌ای» دهد، (و از اموالی که خدا به او بخشیده، انفاق کند،) تا آن را برای او، چندین برابر کند؟ و خداوند است (که روزی بندگان را) محدود یا گسترده می‌سازد؛ (و انفاق، هرگز باعث کمبود روزی آنها نمی‌شود). و به سوی او باز می‌گردید (و پاداش خود را خواهید گرفت).

نکات تفسیری:

۱ ـ خدای تعالی هزینه‌ای را که مؤمنین در راه او خرج می‌کنند، قرض گرفتن خود نامیده و این به جهت تشویق مؤمنین بر انجام این کار است و هم به این خاطر که انفاق‌های نامبرده، برای خدا و در راه خدا بوده است و خداوند سبحان، به زودی عوض آن را چند برابر به صاحبانش بر می‌گرداند.

نکته دیگر این که سیاق خطاب را، در حالی که قبلاً امر بود و می‌فرمود: «وَ قَتِلُواْ فِي سَبِيلِ اللهِ»[2] به سیاق خطاب استفهامی برگردانید و فرمود: کیست از شما که چنین و چنان کند؟ این تغییر در خطاب به جهت نشان دادن ذهن مخاطب است، زیرا سیاق امر، خالی از کسب تکلیف نیست، ولی سیاق استفهام، دعوت و تشویق است؛ در نتیجه ذهن شنونده تا حدودی از تحمّل سنگینی امر استراحت می‌کند و نشاط می‌یابد.

این که از صفات خداوند متعال سه صفت (قبض و بسط و مرجعیّت) او ذکر شده است، به این جهت است که توجه دهد آن چه در راه خدا داده میشود، باطل نمی‌شود و بعید نیست که چند برابر شود، زیرا گیرنده آن خدا است و خدا هر چه را بخواهد ناقص می‌کند و هر چه را بخواهد زیاد می‌کند و شما به سوی او بر می‌گردید و آن زیاد شده را پس می‌گیرید.[3]

۲ ـ در قرآن کریم برای توجه به نیاز دیگران، که ناشی از روح دیانت و خداپرستی است، عناوین انفاق[4] و قرض الحسنه، مطرح شده است؛ به خصوص برای قرض الحسنه، پاداش فراوانی اعم از پاداش های دنیوی و اخروی وعده داده شده است.[5] آن چه در قرض‌الحسنه اختصاصاً مطرح شده است، بازخورد دنیوی آن است، که در آیه شریفه به بسط و تکثیر آن اشاره شده و در آیه «فَيُضاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ»[6] با اشاره به ارزش مند بودن پاداش قرض الحسنه، از آن تقدیر شده است.

برخی مراد از «قَرضًا حَسَنًا» را وام بدون ربا دانسته‌اند[7]، گرچه به نظر می‌رسد مقصود از آن، مطلق انفاق در راه خدا باشد.[8] در این صورت قرض‌الحسنه می‌تواند از عنوان کلّی انفاق و هم‌چنین از دستور « و احسنوا انَّ الله یُحِبُّ المُحسِنین»[9] و از « الّا مَن امَرَ بِصَدَقَه او مَعروف»[10] با توجه به روایاتی که معروف را به قرض تفسیر کرده است،[11] برداشت شود. در برخی روایات نیز پاداش قرض، بیشتر از صدقه دانسته شده است که شاید بر این دلالت داشته باشد که قرض، باعث گشایش مشکلات افراد بیشتری می‌شود، زیرا می‌توان پولی را چندین بار قرض داد.[12]

۳ ـ دلیل این که تعبیر به « قرض» شده است، این است که صدقه بر دو قسم است:

الف) صدقه بدون عوض، که همان انفاق و بخشش به نیازمندان است.

ب) صدقه با عوض، که آن را وام یا قرض الحسنه نامیده‌اند.

در صورتی که وام بدون دریافت سود و اضافه باشد، قرض الحسنه است وگرنه ربا و حرام خواهد بود. در روایات

اسلامی وارد شده است که صدقه و بخشش بدون عوض، ثوابش ده برابر است و قرض الحسنه و صدقه با عوض اجر و پاداشش هجده برابر است.[۱۳] دلیل این امر روشن است؛ زیرا وام گیرندگان اغلب افراد آبرومند و محتاج هستند. بنابراین، در «وام» دو کار نیک صورت می‌گیرد: ۱- رفع حاجت نیازمند، ۲- حفظ آبرو و حیثیّت ایشان.[۱۴]

۴ ـ وام دادن به خداوند به معنی «انفاق فی سبیل الله» است. به گفته بعضی از مفسّران، انفاق‌هایی است که در راه جهاد می‌شود، نیز به همین معناست؛ زیرا در آن زمان تهیه هزینه‌های مختلف جهاد، بر دوش مبارزان مسلمان بود، در حالی که بعضی دیگر معتقدند هر گونه انفاقی را شامل می‌شود، هر چند بعد از آیه جهاد وارد شده است.[۱۵]

با این حال، تفسیر دوم با ظاهر آیه سازگارتر است، به خصوص این که معنی اول را نیز در بر می‌گیرد. اصولاً انفاق در راه خدا و کمک به نیازمندان و حمایت از محرومان، همان کارایی و عملکرد جهاد را خواهد داشت؛ زیرا هر دو مایه استقلال و سربلندی جامعه اسلامی است.

"اضعاف" جمع "ضعف" (بر وزن شعر) به معنی دو یا چند برابر کردن چیزی است، با توجه این که این واژه به صورت جمع در آیه آمده و با کلمه "کثیره"، تأکید شده، آن‌چنان‌که ارباب لغت بیان داشته‌اند، جمله "یضاعف" نیز تأکید بیشتری را از یضعف می‌رساند.[۱۶] از مجموع این جهات، استفاده می‌شود، که خداوند، برای انفاق کنندگان، پاداش بسیار فراوانی قرار داده و انفاق در راه خدا، همچون بذر مستعدی است که در زمین آماده‌ای افشانده شود و به وسیله باران‌های پی در پی آبیاری گردد و ده‌ها و گاه صدها برابر، نتیجه دهد.[۱۷]

این از نظر دنیا، از نظر آخرت نیز، فراموش نکنید که همه به سوی او باز می‌گردید و پاداش‌های بزرگ شما آنجا است.[۱۸]

حدیث

۱ ـ وَ أَنْفقُوا أَمْوَالَكُمْ وَ خُذُوا مِنْ أَجْسَادِكُمْ فَجُودُوا بِهَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ وَ لَا تَبْخَلُوا بِهَا عَنْهَا فَقَدْ قَالَ اللهُ سُبْحَانَهُ: «إِنْ تَنْصُرُوا اللهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدامَكُمْ»[۱۹] وَ قَالَ تَعَالَى: «مَنْ ذَا الَّذِى يُقْرِضُ اللهَ قَرْضاً حَسَناً فَيُضاعِفَهُ لَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ»[۲۰] فَلَمْ يَسْتَنْصِرْكُمْ مِنْ ذُلٍّ وَ لَمْ يَسْتَقْرِضْكُمْ مِنْ قُلٍّ اسْتَنْصَرَكُمْ وَ لَهُ جُنُودُ السَّماواتِ وَ الأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَ اسْتَقْرَضَكُمْ وَ لَهُ خَزائِنُ السَّماواتِ وَ الأَرْضِ وَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ وَ إِنَّمَا أَرادَ أَنْ يَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلاً فَبادِرُوا بِأَعْمالِكُمْ تَكُونُوا مَعَ جِيرانِ اللهِ فِي دارِهِ رافَقَ بِهِمْ رُسُلَهُ وَ أَزارَهُمْ مَلائِكَتَهُ وَ أَكْرَمَ أَسْماعَهُمْ أَنْ تَسْمَعَ حَسِيسَ نارٍ أَبَداً وَ صانَ أَجْسادَهُمْ أَنْ تَلْقَى لُغُوباً وَ نَصَباً - ذلِكَ فَضْلُ اللهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشاءُ وَ اللهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ أَقُولُ مَا تَسْمَعُونَ وَ اللهُ الْمُسْتَعانُ عَلَى نَفْسِي وَ أَنْفُسِكُمْ وَ هُوَ حَسْبُنَا وَ نِعْمَ الْوَكِيل.[۲۱]

با اموال خود انفاق کنید، از جسم خود بگیرید و بر جان خود بیفزایید و در بخشش بخل نورزید؛ که خدای سبحان فرمود: «اگر خدا را یاری کنید، شما را پیروز می‌گرداند و قدم‌های شما را استوار می‌دارد» و فرمود: «کیست که به خدا قرض نیکو دهد؟ تا خداوند چند برابر عطا فرماید و برای او پاداش بی عیب و نقصی قرار دهد؟» درخواست یاری از شما، به جهت ناتوانی نیست و قرض گرفتن از شما، برای کمبود نمی‌باشد؛ در حالی که از شما یاری خواسته که: «لشکرهای آسمان و زمین در اختیار اوست و خدا نیرومند و حکیم است». خداوند متعال در حالی طلب وام از شما دارد که، گنج‌های آسمان و زمین به او تعلّق دارد و خدا بی نیاز و حمید است. بلکه او خواسته است تا شما را بیازماید، که کدام یک از شما نیکوکارترید، پس به اعمال نیکو مبادرت کنید، تا با همسایگان خدا، در سرای او باشید که همنشینان آنها، پیامبران و زیارت کنندگانشان، فرشتگانند و چنان گرامی داشته می‌شوند که صدای آهسته آتش را نشنوند و بر بدن‌هایشان هیچ‌گونه رنج و ناراحتی نرسد. «این بخشش خداست به هر کس بخواهد، می‌دهد و خدا صاحب بخشش بزرگ است.» من آن چه را می‌شنوید، می‌گویم و خداوند را به یاری خود و شما می‌خوانم که او کفایت کننده و بهترین وکیل است.

داستان

چون آیه «من ذالذی یقرض الله قرضاً حسناً فیضاعفه له»، نازل شد، ابو دحداح[۲۲] گفت: یا رسول الله فدایت شوم، خداوند از ما قرض خواسته است و حال آنکه او غنی است؟

فرمود: آری می‌خواهد بدان سبب، شما را داخل بهشت گرداند. عرض کرد: اگر من به خدای خود قرض دهم، تو ضامن

بهشت می‌شوی؟ فرمود: آری، هر که به خدا قرض دهد، در بهشت، خدای او را عوض دهد. گفت، زن من ام دحداح با من در بهشت باشد؟ فرمود: آری، عرض کرد: دخترم هم با من در بهشت باشد؟ فرمود: آری، عرض کرد: دست به من بده به همین فرمایش که فرمودی!

پیامبر ﷺ به او دست دادند. عرض کرد: مرا دو بوستان است. هر دو را به خدا قرض دادم و مرا جز این دو باغ نیست!

پیامبر ﷺ فرمودند: یکی را برای خود نگاه‌دار و یکی را قرض بده گفت: گواه می‌گیرم تو را، که رسول خدائی که بهترین این دو بوستان را به خدا قرض دادم، در حالی که در آن بوستان ششصد درخت خرما بود.

پیامبر ﷺ فرمود: خدا تو را بر آن بهشت عوض داد. بعد از این ماجرا ابو دحداح نزد زوجه اش رفت و واقعه را بازگو کرد. زن هم گفت: خدا مبارک کند بر آنچه خریدی.[۲۳]

نتیجه:

جامعه اسلامی، نیازمند روح تعاون و همکاری است و بهترین مصداق تعاون، رفع نیازهای دیگران بر محور دیانت است و از بهترین مصادیق، آن دادن قرض است؛ چرا که کمتر در معرض آفاتی مانند منّت و آزار واقع شده، این‌چنین آبروی افراد نیازمند، حفظ و روحیه گداپروری کاهش خواهد یافت.

پی‌نوشت

۱. سوره بقره، آیه ۲۴۵. ■ ۲. همان، آیه ۲۴۴. ■ ۳. ترجمه تفسیر المیزان، ج۲، ص، ۴۳۲. ■ ۴. سوره بقره، ۲۶۵، ۲۶۲، ۲۷۴ ـ سوره سبأ، ۳۹ ـ سوره حدید، ۷،۱۰ ـ سوره نساء، ۱۱۴ ـ سوره یوسف، ۸۸ ـ سوره احزاب، ۳۵ و سوره حدید، ۱۸. ■ ۵. ﴿وَ أَقْرَضْتُمُ اللهَ قَرْضاً حَسَناً لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئاتِكُمْ وَ لَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الأَنْهارُ﴾، مائده، ۱۲ ـ ■ ۶. سوره حدید، آیه ۱۱. ■ ۷. فقه القرآن، ج ۱، ص، ۲۲۲؛ زبدة البیان، ص، ۵۷۱. ■ ۸. مجمع‌البیان، ج ۲، ص، ۶۰۷– ۶۰۸؛ التفسیر الکبیر، ج ۶، ص، ۱۷۸؛ تفسیر قرطبی، ج ۳، ص، ۱۵۵. ■ ۹. و نیکی کنید! که خداوند، نیکوکاران را دوست می‌دارد؛ سوره بقره، آیه ۱۹۵. ■ ۱۰. مگر کسی که (به این وسیله) امر به کمک به دیگران؛ سوره نساء، آیه ۱۱۴. ■ ۱۱. وسائل الشیعه، ج ۹، ص، ۴۵۹؛ ج ۱۶، ص، ۳۱۸. ■ ۱۲. من وحی القرآن، ج ۵، ص ۱۲۷. ■ ۱۳. این روایت از حضرت رسول اکرم ﷺ در کتاب مستدرک الوسایل، جلد ۲، چاپ قدیم، ابواب الدین و القرض، باب ۶، حدیث ۳، نقل شده است، طبق آن روایت حضرت رسول ﷺ فرمودند: «بر روی در بهشت این جمله را دیدم «صدقه ده پاداش و قرض الحسنه هجده ثواب دارد» از جبرئیل سؤال کردم علّت این امر چیست ؟ در حالی که صدقه دهنده پول خود را پس نمی گیرد؛ ولی قرض دهنده پس می گیرد؟ جبرییل عرض کرد: آری همین طور است؛ لکن تمام صدقات به مستحقّان حقیقی نمی‌رسد؛ ولی آن کس که قرض می گیرد، واقعاً مستحق است و محتاج، از این رو ثواب قرض الحسنه از صدقه بیشتر است». ■ ۱۴. مثال‌های زیبای قرآن، ج۱، ص، ۱۵۳. ■ ۱۵. ر.ک. تفسیر کبیر، ج۶، ص، ۱۶۶. ■ ۱۶. راغب در مفردات در ماده ضعف، می گوید بعضی گفته‌اند: ضاعفت ابلغ من ضعفته. ■ ۱۷. سوره بقره، آیه ۲۶۱. ■ ۱۸. تفسیر نمونه، ج۲، ص، ۲۲۶. ■ ۱۹. سوره محمد، آیه ۷. ■ ۲۰. سوره بقره، آیه ۲۴۵. ■ ۲۱. نهج البلاغه، خ ۱۸۳. ■ ۲۲. نامش ثابت بود و دارای ایمانی قوی بود. در جنگ احد وقتی شایع شد که پیامبر ﷺ شهید شده و مسلمانان فرار می کردند، او با صدای بلند فریاد می زد: اگر محمد ﷺ کشته شد خدای او زنده است ، با دشمنان دین بجنگید که خدا ناصر شماست، سفینة البحار ماده (دحدح). ■ ۲۳. عنوان الکلام ص ۱۷۵.

برخی القاب حضرت مهدی علیه‌السلام

بقیّة الله

واژه «بقیة» یعنی، بازمانده و پاینده و آنچه از چیزی باقی گذاشته شود. عبارت «بَقیة الله» در قرآن مجید و در روایات آمده است. در قرآن فقط یک بار در داستان حضرت شعیب علیه‌السلام ذکر شده است؛ آنجا که وی قوم خود را از کم‌فروشی نهی کرده، می‌گوید: بَقیةُ الله خَیرٌ لَکُمْ اِنْ کُنْتُمْ مُؤمِنینَ؛[1] «آنچه را که خداوند [در ازای چشم پوشی از منافع نامشروع دنیوی] برای شما باقی می‌گذارد، برای شما بهتر است».

حجّت

«حجّت» از نظر لغت، به معنای برهان و دلیل است، که با آن حریف را قانع یا دفع کنند و جمع آن حجج و حجاج است.[2]

این کلمه در قرآن مجید در موارد مختلفی به کار رفته است؛ از جمله: لِئَلاّ یکُونَ لِلنّاسِ عَلَی الله حُجَةٌ بَعدَ الرُّسُلِ وَکانَ الله عَزیزاً حَکیماً؛[3] «تا اینکه برای مردم، پس از فرستادن پیامبران، در مقابل خدا بهانه و حجّتی نباشد و خدا توانا و حکیم است».

خاتم الاوصیاء

یکی از القاب حضرت مهدی علیه‌السلام خاتم الاوصیا است. این لقب ابتدا در کودکی بر زبان خود آن حضرت ـ آن گاه که در آن سنین لب به سخن گشود ـ جاری شد. البته این لقب دربارهٔ حضرت علی علیه‌السلام به عنوان پایان بخش اوصیای پیامبران به کار رفته است.[4]

شرید

یکی از القاب حضرت مهدی، «شَرید»، به معنای آواره است. از آنجایی که ایشان در دوران غیبت، منزلی معیّن و خاصّ ندارد، به این لقب خوانده شده است. اصبغ بن نباته گوید: از امیرمؤمنان علیه‌السلام شنیدم که می‌فرمود: «صاحب

پیشنهادهای اجرایی هفته

◆ تشـکیل گروه خادمین افتخاری مسـجد ◆ تشکیل هسـته‌های مطالعاتی نهج البلاغـه ◆ تخصیص یکی از روزهای هفته جهت جلسـات شـرح نهـج البلاغه ◆ برگزاری نشسـت بررسی پیشـرفت‌های علمی و هسته‌ای کشور پس از انقلاب و تبیین کارشکنی‌های استکبار جهانی ◆ برگزاری مراسم دعای توسل (سه شنبه) ◆ برگزاری مراسـم یادبود شهدای علمی کشـور و تجلیل از نخبگان دانشگاهی مسجد ◆ معرفی کتب شهید آوینی به جوانان و تشکیل هسته‌های مطالعاتی آثار ایشان ◆ برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید ◆ برگزاری جشن میلاد حضرت زهرا سـلام الله علیهـا و امام خمینی رحمة الله علیـه ◆ تقدیر از بانوان نمونه و فعال مسـجد و محله (حافظان قرآن، فعالین فرهنگی، مادران و همسران شهدا و...) در روز زن ◆ برگزاری مراسم دعای کمیل (پنجشنبه) ◆ برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه)

این امر، شرید (آواره)، طرید (رانده)، فرید (تک) و وحید (تنها) است».[5]

صاحب الامر

یکی از لقب‌های حضرت مهدی علیه السلام «صاحب الامر» است. امام صادق علیه السلام درباره اتّفاقات هنگام ظهور می‌فرماید: «... یومَئذ مَنْ کانَ بالمَدینة منْ وُلد عَلی الی مَکَّةَ فَیلحَقُونَ بصاحب الامر وَیقْبلُ صاحبُ الامر نَحوَ العراق...»؛[6] «... در این زمان هر کس از فرزندان علی علیه السلام که در مدینه است، به مکه می‌گریزد و به صاحب امر می‌پیوندد و او به سوی عراق روی می‌آورد...».

صاحب الدار

از آنجایی که ذکر نام آن حضرت، در آن دوران جایز نبود، از انواع کنایه‌ها استفاده شد که از جملهٔ آنها «صاحب الدار» است. مقصود، خانهٔ پدری و جدّ آن حضرت است که در آنجا غایب شده است.

صاحب الزّمان

این لقب اگرچه در متن روایات به ندرت ذکر شده است؛ ولی در زبان راویان و اصحاب و شیعیان، فراوان مورد استفاده قرار گرفته است.[7]

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «... وَ آخِرُهُمُ القائِمُ بالحَقِّ بَقیةُ اللهِ فی الاَرْضِ وَصاحِبُ الزَّمانِ»؛[8]

«و آخرین آنها قائم به حق، بقیةالله در زمین و صاحب الزّمان است».

مُضْطَر

در برخی روایات از این لقب، به عنوان یکی از القاب حضرت مهدی یاد شده و در قرآن مجید نیز مورد اشاره قرار گرفته است: اَمَّنْ یجیبُ المُضْطَرَّ اِذا دَعاهُ وَیکْشِفُ السُّوءَ؛[9] «ای کسی که دعای مضطر را اجابت می‌کند و گرفتاری را بر طرف می‌سازد».

این اوصاف تنها شمه‌ای از القاب وجود مبارک حضرت حجت علیه السلام بود.

پی‌نوشت

۱ . هود(۱۱)، آیه ۸۶. ■ ۲ . ر.ک: لسان العرب، ج ۲، ص ۲۲۸. ■ ۳ . نساء (۴)، آیه ۱۶۵. ■ ۴ . ر.ک: بحارالانوار، ج ۵۴، ص ۹۳ و ج ۹۷، ص ۳۳۱. ■ ۵ . کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۱، باب ۲۶، ح ۱۳. ■ ۶ . الغیبة، ص ۲۷۰، باب ۱۴، ح ۴۳. ■ ۷. کتاب الغیبة، ص ۲۴۴، ح ۲۱۱ و ص ۲۷۱، ح ۲۳۷. ■ ۸ . کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۴۲، ح ۲۳. ■ ۹ . نمل (۲۷)، آیه ۶۲.

شنبه ۱۵ فروردین

اذان صبح: ۵،۲۲
طلوع آفتاب: ۶،۴۷
اذان ظهر: ۱۳،۰۷
اذان مغرب: ۱۹،۴۶

۱۴ جمادی الثانیه ۱۴۳۶
4 Apr 2015

دانشگاه دین

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): مسجد فقط برای نماز نیست؛ در مسجد انواع عبادات هست. از جمله آن عبادات، تفکر است که «تفکر ساعة خیر من عبادة سنة». یا در بعضی از روایات است که «من عبادة اربعین سنة»، یا «سبعین سنة» - البته فکر کردن درست - افراد مسجد برو، این فکر را به وسیلهٔ شنیدن سخنان عالم دین و فقیه به دست می آورند.

مسجد، هم مدرسه است، هم دانشگاه، هم مرکز تفکر و تأمل، هم مرکز تصفیهٔ روح، هم مرکز خلوص و مرکز اتصال بنده به خداست. (۱۳۷۵/۱۰/۱۹)

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: اَلْمَساجِدُ مِجالِسُ الْاَنْبِیاء. (مستدرك الوسائل، ج۳، ص۳۶۳)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مساجد، محل جلوس پیامبران است.

ورود قمربه عقرب ۲۲:۵۸

یکشنبه ۱۶ فروردین

تعطیل

اذان صبح: ۵،۲۰
طلوع آفتاب: ٦،٤٦
اذان ظهر: ۱۳،۰۷
اذان مغرب: ۱۹،٤۷

۱۵ جمادی الثانیه۱٤۳٦

5 Apr 2015

مرکز جنبش‌ها

امام خمینیؒ: از مسجد نهضت می‌شد.مسجد در اسلام و در صدر اسلام همیشه مرکز جنبش و حرکت‌های اسلامی بوده؛ از مسجد تبلیغات اسلامی شروع می‌شده است و از مسجد حرکت قوای اسلامی برای سرکوبی کفار و وارد کردن آنها در [زیر] بیرق اسلام بوده است. همیشه در صدر اسلام مسجد مرکز حرکات و مرکز جنبش‌ها بوده است.(صحیفه امام، ج۷، ص: ۶۵)

اینهایی که هی صحبت این را می‌کنند که حالا ما انقلاب کردیم برویم سراغ کارهای دیگر، خیر؛ انقلاب از مساجد پیدا می‌شود. از مساجد این طور امور تحقّق پیدا می‌کند. (صحیفهٔ امام، ج۱۲، ص: ۵۰۱)

این مساجد بود که این پیروزی را برای ملّت ما درست کرد. این مراکز حسّاسی است که ملّت باید به آن توجه داشته باشند. این طور نباشد که خیال کنند که حالا دیگر ما پیروز شدیم دیگر مسجد می‌خواهیم چه کنیم. پیروزی ما برای اداره مسجد است. ما اگر نماز نباشد و آداب اسلامی نباشد، چه داعی داریم که بیاییم خودمان را به مهلکه بیندازیم و وارد این امور بشویم؟ ما برای اسلام این کارها را می‌کنیم و شما، شما ملّت برای اسلام قیام کردید، و برای اسلام این همه زحمت کشیدید و دارید می‌کشید. (صحیفهٔ امام، ج۱۳، ص: ۱۵)

دوشنبه ۱۷ فروردین

اذان صبح: ۵،۱۹
طلوع آفتاب: ۶،۴۵
اذان ظهر: ۱۳،۰۷
اذان مغرب: ۱۹،۴۸

۱۶ جمادی الثانیه ۱۴۳۶
6 Apr 2015

آغاز قیام روحانی مبارز و انقلابی مشروطه خواه، شهید شیخ محمد خیابانی (۱۲۹۹ هـ ش)

اخلاقی که می توانیم داشته باشیم

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): بروید سراغ مخاطبتان، زبان ویژه او را پیدا کنید و اگر دیدید سخت است، یك راه میان‌بُر داریم و آن زبان خوش است. زبان خوش. خیلی جای دوری نرویم. مسجد بنده، همیشه مملو از جوانها بود. آنهایی که سن‌شان کفاف بدهد، می دانند. هیچ وقت مسجدی که بنده نماز می خواندم، بعد از نماز مغرب و بین نماز مغرب و عشا، توی مسجد جا نبود. همیشه بیرون مسجد جمعیت بود، صدی هشتاد هم، جوان برای خاطر این که با جوان تماس می گرفتم. درهمان سال‌ها پوستین‌های وارونه مد شده بود و جوانان خیلی اهل مد آن را می پوشیدند. یک روز دیدم جوانی که از این پوستین های وارونه پوشیده، صف اول در پشت سجاده من نشسته است؛ یک حاجی محترم بازاری که مردی خیلی فهمیده ای بود و من خیلی خوشم می آمد که اودر صف اول می نشست، در کنار این جوان نشسته بود دیدم رویش را به این جوان کرد و چیزی درگوشش گفت و این جوان یکباره مضطرب شد برگشتم و آن حاجی محترم گفتم چه گفتی؟ به جای او جوان گفت چیزی نیست. فهمیدم که این آقا به اوگفته که مناسب نیست شما این لباس شما با این لباس در صف اول بنشینی! گفتم نه آقا، اتفاقا مناسب است شما همین جا بنشینید و تکان نخورید! گفتم حاجی! چرا میگویی این جوان عقب برود؟ بگذار بدانند که جوان با لباس و جنس پوستین وارونه هم می تواند به ما اقتدا کند و نماز جماعت بخواند. برادران! اگر پول و امکانات هنری نداریم، اگر فعلاً ترجمه قرآن به زبان سعدی زمانه را نداریم اخلاق که می توانیم داشته باشیم. (کتاب خورشید، ص ۱۰۳)

روز سلامتی (روز جهانی بهداشت)

سه‌شنبه ۱۸ فروردین

اذان صبح: ٥،١٧
طلوع آفتاب: ٦،٤٣
اذان ظهر: ١٣،٠٧
اذان مغرب: ١٩،٤٩

١٧ جمادی الثانیه ١٤٣٦
7 Apr 2015

محبوب همه حتی یهودیان

شیخ زین العابدین پس از رحلت عموی بزرگوارش، آیت الله حاج شیخ محمد سرخه‌ای امامت جماعت مسجد و محله امامزاده یحیی را بر عهده گرفت و شمع وجودش روشنی بخش آن محله و شهر تهران بود. اقدامات فرهنگی و تربیتی ایشان نشان می‌دهد که در این مسیر دارای نگاه عمیق، برنامه‌ای روشن و مجاهدتی وصف ناپذیر بود. مردم محله، حتی یهودیان ساکن در آنجا، وی را دوست داشتند. او پناه مردم و مرجع رفع نیازها و گرفتاری‌های مردم بود. رسیدگی به نیازمندان، یتیمان و دستگیری از حاجت‌مندان سیره روشن او ـ مانند پدر و عموی بزرگوارش ـ بود. تلاش برای تأسیس و راه‌اندازی جلسات قرآن ویژه کودکان و نوجوانان، برگزاری مجالس پرشور احیاء ماه رمضان و اقامه عزای حسینی از ویژگی‌های منحصر به‌فرد مسجد آن مرحوم بود.
مراسم احیاء مرحوم شیخ زین العابدین سرخه‌ای از بزرگ‌ترین و پرشورترین آئین‌های شب‌های احیاء بود. شبستان و صحن مسجد و صحن حرم مطهر و کوچه‌های منتهی به آن، خاطراتی ناگفته از زمزمه‌های مناجات اهل دل دارد که با نوای گرم و آسمانی حاج شیخ اوج می‌گرفتند. (ماهنامه مسجد، شماره ١٦٨)
قال رسول الله ﷺ : یا اَباذَر اِنَّ اللّهَ تَعالی یُعْطیكَ ما دُمْتَ جالِساً فِی الْمَسْجِدِ بِكُلِّ نَفَسٍ تَنَفَّسَت فیه دَرَجَةً فِی الْجَنَّةِ.(بحار الانوار، ج ٨٣، ص ٣٧٠)

چهارشنبه ۱۹ فـروردین

اذان صبـح: ۵،۱۵
طلوع آفتاب: ٦،٤٢
اذان ظهـر: ۱۳،۰۶
اذان مغرب: ۱۹،۵۰

۱۸ جمادی الثانیه ۱٤۳٦
8 Apr 2015

شهادت آیت الله سید محمد باقر صدر و خواهر ایشان بنت الهدی به دست حکومت بعث عراق (۱۳۵۹ه ش)
درگذشت عالم و فقیه بزرگ، شیخ مرتضی انصاری (۱۲۸۱ ه ق)
خروج قمر از عقرب ۱۱:۵۰

مرکز ثقل دنیا!

کهولت سن وی باعث شد که اقامه نمازش اندکی طولانی شود؛ از این رو متواضعانه نماز جماعت را به یکی از شاگردانش واگذار کرد و فقط شب‌های جمعه نماز را اقامه می‌کرد. اصرار مردم علاقمند و مؤمن هم تأثیری نداشت. سرانجام برای دل مردمی که او را از صمیم جان دوست داشتند، هر روز بعد از ظهر یک ساعت در بیرونی منزل می‌نشست و اهل محل از هر صنف و قشر و گروه به نزدش می‌آمدند و او مهربانانه پاسخگوی آنان بود.
آن‌قدر منبر گرمی داشت که مرحوم فلسفی در جمع اهل منبر تهران گفته بود: «بروید خدا را شکر کنید که حاج شیخ زین العابدین سرخه ای از مسجد خودش خارج نمی‌شود و در محافل دیگری منبر نمی‌رود». آری او تلاش در مسجد و محل خود را اصل می‌دانست و گویا آنجا را مرکز ثقل دنیا می‌دانست و محراب و منبر و مردم محلش را ترک نمی‌کرد.
او بینشی نافذ و نگاهی صحیح به حوادث روز داشت. نوارهایی که از سخنرانی‌های وی بر جای مانده، گویای این مطلب است. در برابر فساد نظام پهلوی و وقایع آن روزها موضع روشن سیاسی داشت و از روشنگری و ارشاد مردم دست بر نداشت. (ماهنامه مسجد، شماره ۱۶۸)
قال الامام الصادق علیه السلام: مَنْ مَشى اِلَى الْمَسْجِدِ، لَمْ يَضَعْ رِجْلَهُ عَلى رَطْبٍ وَ لا يابِسٍ اِلاّ سَبَّحَتْ لَهُ الْاَرَضُ.(بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۱۳)

پنج شنبه ۲۰ فروردین

اذان صبح: ۵،۱۴
طلوع آفتاب: ۶،۴۰
اذان ظهر: ۱۳،۰۶
اذان مغرب: ۱۹،۵۱

۱۹ جمادی الثانیه ۱٤۳٦
9 Apr 2015

روز ملی فناوری هسته ای
روز هنر انقلاب اسلامی
(سالروز شهادت سید مرتضی آوینی)
قطع رابطه سیاسی ایران و آمریکا (۱۳۵۹ ه ش)

چرا نمی‌روید سراغ نماز

امام خمینی؟ره؟: مسجدها را آباد کنید. من در مکّه که مشرف بودم یك روز می‌خواستم یك کتابی بخرم که برای آن کتابفروش هم فایده داشت، ایستاده بودم، اذان گفتند، یکدفعه رها کرد و گفت که: «سنّة حنفيّة» دیگر با من حرف نزد، رفت سراغ نماز. در مدینه بازار را که من دیدم بسته بود. یعنی باز بود لکن هیچ کس نبود. می‌رفتند سراغ نماز. چرا شما نمی‌روید سراغ نماز؟ چرا ظهر که می‌شود بازار را رها نمی‌کنید و بروید سراغ نماز؟ اگر بروید سراغ نماز، احیاء کنید این سنّت سیاسی اسلام را، همان طوری که در روز جمعه حالا بحمد اللّه می‌روید، روز غیر جمعه هم بروید مساجد را پر کنید. (صحیفهٔ امام، ج۱۳، ص: ۱۹)

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): چرا بنده باید بشنوم که در تهران با این عظمت، برای نماز صبح در اول اذان، چندان مسجدی باز نیست و چندان نماز جماعتی برقرار نمی‌شود؟! (۱۳۷۰/۱۲/۱۴)

جمعه ۲۱ فروردین

اذان صبح: ۵،۱۲
طلوع آفتاب: ٦،۳۹
اذان ظهر: ۱۳،۰٦
اذان مغرب: ۱۹،۵۱

۲۰ جمادی الثانیه ١٤٣٦
10 Apr 2015

ولادت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها در تاریخ هشتم قبل از هجرت و روز زن
تولد حضرت امام خمینی رحمة الله علیه (۱۳۲۰ هش)
شهادت امیر سپهبد علی صیاد شیرازی (۱۳۷۸ هش)

خیر کثیر

خداوند متعال بر امت اسلامی منت نهاده و چهارده نور پاک و آسمانی را در میان آنها به عنوان الگوهایی جاودان، به ودیعه گذاشته است. یکی از نکات قابل تأمل آن است که در میان این چهارده موجود برگزیده، تنها همین یک زن وجود دارد و خداوند برای تمام زنان و مادران امت اسلام تا روز قیامت، همین یک الگوی معصوم را به عنوان تنها الگوی مورد نیاز، کافی دانسته و با خلقت سرور زنان جهان، منت را بر تمام زنان و بلکه مردان مؤمن تا روز قیامت تمام کرده است. با دقت در این نکته، معنای سوره کوثر و خیر کثیری که خداوند بر پیامبر خاتمش ارزانی داشته، بیشتر واضح می‌شود.

از همین رو مدتی پیش از تولد فاطمه‌ی زهرا علیهاالسلام، فرشته وحی بر وجود مبارک رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل گشته و از جانب پروردگار مهربان بر وی بشارت می‌آورد که: «هَذَا جَبْرَئِيلُ يُخْبِرُنِي أَنَّهَا أُنْثَى وَ أَنَّهَا النَّسْلَةُ الطَّاهِرَةُ الْمَيْمُونَةُ وَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى سَيَجْعَلُ نَسْلِي مِنْهَا وَ سَيَجْعَلُ مِنْ نَسْلِهَا أَئِمَّةً وَ يَجْعَلُهُمْ خُلَفَاءَهُ فِي أَرْضِهِ بَعْدَ انْقِضَاءِ وَحْيِهِ.» جبرئیل مرا بشارت داد که این مولود، دختر است و فرزندی پاک و مبارک می‌باشد، و خداوند تبارک و تعالی در آینده، نسل مرا از ناحیه این دختر قرار خواهد داد و از نسل این دختر امامانی ایجاد خواهد کرد که بعد از اتمام دوران وحی، جانشینان خدا بر روی زمین خواهند بود. (امالی صدوق، ص ۵۹۴)

﴿ وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنینَ وَ لایَزیدُ الظّالِمینَ إِلاّ خَساراً[1] ﴾ ؛ «و ما قرآن را که برای مؤمنان مایه شفا و رحمت است فرو می‌فرستیم و ستم‌کاران (کافران و مشرکان) را چیزی جز زیان نمی‌افزاید».

نکات تفسیری

فرق میان شفا و رحمت

شفا معمولاً در مقابل بیماری‌ها و عیب‌ها و نقص‌هاست؛ بنابراین نخستین تأثیری که قرآن در وجود انسان‌ها دارد، همان پاک‌سازی از انواع بیماری‌های فکری و اخلاقی فرد و جامعه است. پس از آن، مرحله رحمت فرا می‌رسد که مرحله تخلّق به اخلاق الهی و جوانه زدن شکوفه‌های فضائل انسانی، در وجود افرادی است که تحت تربیت قرآن قرار گرفته‌اند.

به تعبیر دیگر شفا اشاره به پاک‌سازی و رحمت اشاره به نوسازی است و یا به تعبیر فیلسوفان و عارفان، اولی به مقام تخلیه اشاره می‌کند و دومی به مقام تحلیه.[2]

۲ـ کلمه«مِن» در«مِن القرآن» بیانیه است که موصول«ما» در«ما هُوَ شِفاءٌ» را معنا می‌کند و معنایش این است که آنچه را شفا و رحمت است، ما نازل می‌کنیم و آن قرآن است.[3]

۳ـ کلمه «خسار» به معنای ضرر دادن از اصل سرمایه است. این سؤال مطرح می‌شود که چرا قرآن برای عده‌ای نه تنها عامل هدایت نیست، بلکه موجب خسران آنان است؟ در پاسخ باید گفت که این خسران درباره کافرانی است که سرمایه اصلی خود، یعنی فطرتشان، را به خاطر کفر به خدا و آیات او از دست داده‌اند و همین کفر سبب شده است بدون منطق و دلیل به پیام‌های فطری آیات قرآن پشت کنند. طبیعی است نتیجه چنین رفتاری بی‌بهره ماندن از هدایت قرآن و در نتیجه اضلال آنان است.[4]

۴ـ قرآن برای مومنان، رحمت خوانده شده است؛ رحمت افاضه ای است از جانب باری تعالی که با آن، کمبودها جبران و حوائج برآورده می‌شود. در حقیقت، قرآن.... قرآن دل آدمی را به نور علم و یقین روشن می‌سازد و تاریکی‌های جهل و شک را از آن دور می‌نماید و آن را به زیور ملکات فاضله و حالات شریفه می‌آراید و این گونه زیورها را جایگزین پلیدی‌ها و صورت‌های زشت و صفات نکوهیده می‌سازد.[5]

حدیث

۱ـ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرمایند: خانه‌هایتان را با خواندن قرآن نورانی کنید و آن‌ها را گورستان قرار ندهید؛ چنان که جهودان و ترسایان تنها در همان کلیساها و معبدهای خود عبادت نمودند و خانه‌های خود را معطل و بی‌عبادت گذاشتند؛ زیرا وقتی در خانه بسیار قرآن خوانده شود، خیرش فراوان گردد و اهل آن توسعه و رشد می‌نمایند و برای اهل آسمان می‌درخشند، چنان که اختران آسمان برای اهل زمین می‌درخشند.[6]

۲ـ با قرآن کسی ننشست، جز آنکه پس از برخاستن با فزونی یا کاستی برخاست؛ فزونی در راه‌یابی و کاستی در کوری

(و گمراهی). بدانید که هیچ کس پس از داشتن قرآن، فقر (معنوی) ندارد و برای هیچ کس پیش از آن، غنا و توانگری (معنوی) نیست؛ پس شفای دردهای خود را از آن بخواهید و در سختی‌های خود از آن یاری بجویید، که در آن شفای بزرگ‌ترین درد، یعنی کفر و نفاق و گمراهی است؛ از خدا به وسیله قرآن امورات خود را بخواهید و با دوستی قرآن رو به خدا کنید.[۷]

حکایت

ملاصدرا در مقدمه تفسیر سوره واقعه می‌گوید: بسیار به مطالعه کتب حکما پرداختم؛ تا آنجا که گمان کردم کسی هستم؛ ولی همین که دیده بصیرتم کمی باز شد، خود را از علوم واقعی خالی دیدم. در آخر عمر به این فکر افتادم که به سراغ تدبّر در قرآن و روایات محمد و آل محمد ﷺ بروم؛ یقین کردم که کارم بی‌اساس بوده است؛ زیرا در طول عمرم به جای نور در سایه ایستاده بودم. از غصه جانم آتش گرفت، تا اینکه رحمت الهی دستم را گرفت و مرا با اسرار قرآن آشنا کرد و شروع به تفسیر و تدبّر در قرآن کردم؛ درِ خانه وحی را کوبیدم؛ درها باز شد و پرده‌ها کنار رفت و دیدم فرشتگان به من می‌گویند: «سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین».[۸]

نتیجه‌گیری

در آیه شریفه، قرآن شفا برای مؤمنان معرفی شده است؛ بنابراین سخن از بیماری‌هایی است که انسان خود درمان آن‌ها را نمی‌شناسد؛ بیماری‌هایی که موجب اضطراب و ناآرامی انسان خواهد بود. انسانی که درباره حقیقت حیات خود و علت آفرینش عالم در تردید است، انسانی که در جهل به بسیاری از علوم باطنی به سر می‌برد و همین جهل سبب خوف و حزن و گمراهی او می‌شود و انسانی که درک روشنی از خالق خود ندارد، جز در کنار قرآن چگونه می‌تواند به راهی روشن دست پیدا کند؟ نکته دیگر اینکه اگر به سراغ قرآن می‌رویم، اما تردیدها و شک‌هایمان ترمیم نمی‌شود، به این دلیل است که اولاً به همه قرآن عمل نمی‌کنیم «الَّذینَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضینَ»[۹] و ثانیاً تدبّر در قرآن نداریم «أَ فَلا یَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلی قُلُوبٍ أَقْفالُها».[۱۰]

پی‌نوشت

۱. اسراء: ۸۲. ■ ۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج۱۲، ص۲۳. ■ ۳. محمدحسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج۱۳، ص۲۵۳. ■ ۴. همان. ■ ۵. همان، ص۲۵۴. ■ ۶. محمدبن‌یعقوب کلینی، الکافی، ج۲، ص۶۱۱. ■ ۷. نهج البلاغه، خطبه۱۷۶. ■ ۸. زمر: ۷۳. ■ ۹. حجر: ۹۱: «همان‌ها که قرآن را تقسیم کردند (آنچه را به سودشان بود پذیرفتند و آنچه را بر خلاف هوس‌هایشان بود رها نمودند)». ■ ۱۰. اسراء: ۴۱: «آیا آن‌ها در قرآن تدبّر نمی‌کنند یا بر دل‌هایشان قفل نهاده شده است»؟

ارتباط و ملاقات با امام زمان علیه‌السلام

بی گمان یکی از آرزوهای پیروان راستین، آن است که در دوران پنهان‌زیستی آخرین پیشوای معصوم، به دیدار جمال نورانی آن امام همام نایل شوند. بنابراین یکی از بحث‌هایی که به طور ویژه مورد توجه قرار می‌گیرد، بحث «ملاقات با آن حضرت در دوران غیبت» است.

صرف‌نظر از این‌که به دنبال دیدار حضرت بودن، امری ضروری و یا غیر ضروری است، به دیدگاه‌های متفاوت درباره ملاقات با آن حضرت می‌پردازیم؛ اگرچه به دلیل وجود روایات و حکایات متعارض در این بحث، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد:

۱. عدم امکان ملاقات به طور مطلق

این دیدگاه، به طور اساسی از روایاتی قابل استفاده است که از ناپیدایی آن حضرت در دوران غیبت سخن به میان آورده است. برخی از این روایات، با مضامین ذیل این دیدگاه را شکل می‌دهند:

۱. «تَری وَ لا تُری؛ می بیند و دیده نمی‌شود».[۱]

۲. «لا یَرَوْنَهُ؛ او را نمی‌بینند».[۲]

۳. «یَرَی النَّاسَ وَ لَا یَرَوْنَهُ؛ مردم را می‌بیند و مردم او را نمی‌بینند».[۳]

۴. «یَغِیبُ عَنْکُمْ شَخْصُهُ؛ شخص او از شما غایب می‌شود».[۴]

۵. «لَا یُرَی جِسْمُهُ؛ جسم او دیده نمی‌شود».[۵]

۶. «لَا یُرَی شَخْصُهُ؛ شخص او دیده نمی‌شود».[۶]

۷. «لَا تَرَوْنَ شَخْصَهُ؛ شخص او را نمی‌بینید».[۷]

۸. «أَرَی الْخَلْقَ وَ لَا تُرَی؛ مردمان را می‌بینم و تو دیده نمی‌شوی».[۸]

۲. امکان ملاقات بدون شناخت

در این دیدگاه، به طور عمده به روایاتی استناد می‌شود که در آن، سخن از دیده

شدن حضرت به میان آمده است؛ امّا تصریح شده که در آن دیدار، هرگز شناختی از حضرت صورت نمی‌گیرد؛ بنابراین امکان دیدار هست؛ اما فرد، آن حضرت را نخواهد شناخت.

شیخ صدوق در کمال الدین و تمام النعمه و نیز در علل الشرایع با ذکر سند از سدیر این موضوع را نقل کرده است.[۹]

۳. وقوع ملاقات همراه با شناخت و عدم پذیرش ادعا

در این دیدگاه، نه فقط امکان وقوع ملاقات مورد پذیرش است، بلکه ملاقات همراه با شناخت آن حضرت نیز پذیرفته شده است؛ امّا ملاقات کننده حق ندارد مشاهده خود را برای دیگران نقل نماید. به بیان دیگر نباید ادعای ملاقات نماید.

این دیدگاه، به طور عمده از توقیعی با این مضمون استفاده شده است.[۱۰]

> به زودی از شیعیان من، کسانی خواهند آمد که ادعای مشاهده بکنند. آگاه باشید هر کس پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعای مشاهده کند، او دروغگوی افترا زننده است و توان و نیرویی نیست مگر از سوی خداوند بزرگ.[۱۱]

٤. امکان ملاقات و پذیرش ادعا

گروهی از دانشمندان شیعه بر این باورند که در غیبت کبرا، ملاقات‌های فراوانی با آن حضرت صورت گرفته است. این دیدگاه، بین متأخران شهرت بیشتری یافته است. این گروه بر قبول امکان، وقوع و ادعای ملاقات با حضرت حجّت در غیبت کبرا به حکایت‌هایی که در این باره در دست است، استناد کرده‌اند.

باید توجه داشت ملاقات حضرت فضیلت بزرگی است؛ امّا آنچه مهم‌تر است، شناخت آن بزرگوار و عمل به دستورهایی است که رضایت خداوند و آن حضرت را در پی دارد. فراموش نشود کم نبودند افرادی که همواره در زمان پیامبر و امامان با آن بزرگواران دیدار می‌کردند؛ اما بهره معرفتی چندانی از آن ملاقات‌ها نمی‌بردند و گاهی هم مورد خشم و غضب ایشان واقع می‌شدند.

پی‌نوشت

۱ نعمانی، الغیبة، ص۱۴۴. ■ ۲ . شیخ کلینی، کافی، ج ۱ ص ۳۳۷، ح ۶؛ نعمانی، الغیبة، ص ۱۷۵ ح ۱۴؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبة، ص ۱۶۱، ح ۱۱۹؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج۲، باب ۳۳، ص۳۴۶، ح۳۳. ■ ۳ . همان، ص۳۳۹؛ همان. ■ ۴ . همان، ج۲، ص۳۳۳، ح۱. ■ ۵ . همان، ص۳۳۳؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج۲، ص۳۷۰. ■ ۶ . شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج۲، ص۳۷۹. ■ ۷ . شیخ کلینی، کافی، ج۱، ص۳۲۸؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبة، ص۲۰۲؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج۲، ص۳۸۱. ■ ۸ . سیّد بن طاووس، الاقبال، ص۲۹۸. ■ ۹ . شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج۱، ص۱۴۴، باب ۵، ح۳. ■ ۱۰ . ر.ک: شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج۲، ص۵۱۶، ح۴۴؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبة، ص۳۹۵؛ ■ ۱۱ . همان.

شنبه ۲۲ فروردین

اذان صبح: ۵،۱۱
طلوع آفتاب: ۶،۳۸
اذان ظهر: ۱۳،۰۵
اذان مغرب: ۱۹،۵۲

۲۱ جمادی الثانیه ۱۴۳۶
11 Apr 2015

پیشنماز این است...

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): من خودم در مشهد، پیش‌نماز بودم؛ مدتی که من را از نماز جماعت ممنوع کرده بودند، فقط شب‌های شنبه در مسجد امام حسن علیه‌السلام نماز می‌خواندم - مسجد کرامت را بسته بودند. یك سفر به مازندران - ساری - رفته بودیم - برنامه را جوری تنظیم کردم که صبح جمعه در تهران باشم. برای شب شنبه. روز قبلش در ساری بودیم، این جوان‌ها من را شناختند، دور و برم آمدند و به زور ما را داخل شبستانی از شبستان‌های مسجد جامع ساری، برای نماز جماعت بردند. نماز خواندم و برایشان صحبت کردم. اصرار کردند که باید شما دو سه روز بمانید؛ گفتم نه، التماس کردند - از آن التماس‌هایی که هر روحانی را میخکوب می کند - گفتم نه، چون شب شنبه، نماز دارم و باید بروم، یك سخنرانی برای جوان‌ها می کنم. هر کاری کردند، گفتم نمی‌شود. آنها گفتند: ای کاش پیش‌نماز ما هم مثل شما بود ایشان مرتب به تهران می‌روند و خیلی اهمیت نمی‌دهند. پیش‌نماز، این است... (۱۹/۱۰/۷۶)

قال رسول اللّه صلی‌الله‌علیه‌وآله : اِنَّ اللّه لَیُنادِی یَوْمَ الْقِیامَةِ أَیْنَ جِیرانِی أَیْنَ جِیرانی قَالَ فَتَقُولُ الْمَلائکَةُ: رَبَّنا وَ مَنْ یَنْبَغِی أَنْ یُجاوِرِك فَیَقُولُ: أین عُمّارِ الْمَساجِدِ. (کنزالعمال، ج ۷، ص ۶۲۶)

سنگر های خالی

امام خمینی رحمه‌الله: اینها از مسجد می‌ترسند... امروز از همهٔ روزها برای ما - یعنی، «امروز» مقصود این وقت است، این عصر است - از همه وقت برای ما حسّاس تر است؛ برای اینکه همه چیز درست شده است و شیطان‌ها از اطراف می‌خواهند حالا که همه چیز درست شده و مأیوس شدند، نگذارند اجرا بشود کارها؛ باز تهیه ببینند، ولو ده سال دیگر، و لو برای ده سال دیگر تهیه ببینند؛ برای اینکه، مسجدها را هی کم کم هی خالی کنند... خالی کنند این سنگرها را و بعد از خالی کردن این سنگرها، حمله کنند. شیطان‌ها از اطراف می‌خواهند... آخوند [ها] مسجد را کنار بگذارند و یك کسی [را] که وضو ندارد و به هیچ چیز هم معلوم نیست اعتقاد داشته باشد، بیاورند آنجا پهلوی آخوند و نگذارند این نمازش را بخواند و خالی کنند این سنگرها را. (صحیفه امام، ج۱۲، ص۳۹۳)

قال رسول اللّه صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: انّ اللّه تَعالی اذا أَنْزَلَ عاهَةً مِنَ السَّماءِ عَلی أَهْلِ الأَرضِ صُرِفَتْ عَن عُمّارِ الْمَساجِدِ. (کنزالعمال، ج ۷، ص ۵۷۸)

دوشنبه ۲۴ فروردین

اذان صبح: ۵،۰۷
طلوع آفتاب: ۶،۳۵
اذان ظهر: ۱۳،۰۵
اذان مغرب: ۱۹،۵۴

۲۳ جمادی الثانیه ۱۴۳۶
13 Apr 2015

حفظ سنگرها

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): ما باید برای مساجد برنامه‌ریزی کنیم. غیر از خود علما و روحانیون و ائمهٔ جماعات، چه کسی باید برنامه‌ریزی کند؟ (۱۲/۱۴/ ۱۳۷۰) در دانشگاه‌ها و دیگر مراکز انسانی انبوه، مسجد می‌تواند جایگاه امن و صفا باشد، و امام جماعت، غم‌گساری و راهنمایی و همدلی را در کنار اقامهٔ نماز، در آن مهبط رحمت و هدایت الهی به نمازگزاران هدیه کند.

مجامع دانشجویی و دانش‌آموزی در آن صورت، جذّاب‌ترین مرکز تجمع خود را مسجد دانشگاه و مدرسه خواهند یافت و پایگاه تقوا، پایگاه فعّالیت جوانان خواهد شد(۱۳۸۱/۰۶/۱۶).

قال رسول الله صلی الله علیه و آله : شَرُّ بِقاعِ الْاَرَضِ اَلْاَسْواقُ وَ خَیْرُ الْبِقاعِ اَلْمَساجِدُ وَ اَحَبُّهُمْ اِلَی اللّهِ اَوَّلُهُمْ دُخُولاً و آخِرُهُمْ خُروجاً مِنْها.(وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۵۳)

روز بزرگداشت عطار نیشابوری

سه‌شنبه ۲۵ فروردین

اذان صبح: ۵،۰۶
طلوع آفتاب: ۶،۳۴
اذان ظهر: ۱۳،۰۵
اذان مغرب: ۱۹،۵۵

۲۴ جمادی‌الثانیه ۱۴۳۶
14 Apr 2015

آدم نویسی مهم‌تر است...

مسجد داری و محوریت مسجد در شخصیت ایشان خیلی بارز بود بر خلاف خیلی از طلبه‌ها که فکر می‌کنند مسجد داری وقت تلف کنی است ایشان خیلی به مسجد اهمیت می‌دادند. در اواخر پزشکان ایشان را نهی می‌کردند؛ اما ایشان می‌گفتند من ضروری می‌دانم که به مسجد بروم. ایشان عقیده داشتند ۵۰ درصد تربیت در مسجد محقق می‌شود و همیشه به خانواده‌ها توصیه می‌کردند که بچه‌های خود را به مسجد بفرستید.

آیت‌الله خوشوقت می‌گفتند در زمان طاغوت دو طرف مسجد ما سینما بود و در شرایطی خود را به مسجد می‌رساندم که از دو ردیف صف بلیط سینما کشیده شده بود به دو طرف مسجد و از میان خانم‌های بد حجاب و افراد فاسق و غیر مقید به شؤونات اسلامی خود را به زحمت وارد مسجد می‌کردم.

بسیار با صبر و حوصله بود گاهی بعد از نماز عصر تا چند ساعت در مسجد می‌ماندند و به سؤالات جوانان پاسخ می‌دادند و می‌فرمودند؛ مخاطب میلیونی یک نعمت است اما هیچ‌گاه جایگزین ارتباط چهره به چهره نمی‌شود و تأثیر تبلیغ مستقیم را ندارد.

به ایشان اعتراض می‌شد که چرا کتاب نمی‌نویسید، ایشان می‌گفت من آدم نویسی را مهم‌تر می‌دانم، نوشتن کتاب خوب است و برکت دارد اما خیلی از کتاب‌ها خوانده نمی‌شوند و خاک می‌خورند در حالی که اگر آدم‌ها تربیت شدند نه تنها خیانت نمی‌کنند بلکه خدمت‌های فراوانی می‌کنند و استاد نیز در همه آنها شریک است؛ اگر طلبه خوب درس بخواند و خوب تربیت شود حداقل نیم قرن می‌تواند خدمت گذار جامعه اسلام باشد. (حجت‌الاسلام سید احسان شیر خدایی، به نقل از خبرگزاری رسا)

چهارشنبه ۲۶ فروردین

اذان صبح: ٥،٠٤
طلوع آفتاب: ٦،٣٢
اذان ظهر: ١٣،٠٤
اذان مغرب: ١٩،٥٦

۲۵ جمادی الثانیه ١٤٣٦
15 Apr 2015

خانه پیش‌نماز

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): پیش‌نماز مسجد، باید مسجد را خانهٔ خود، جایگاه خود و ادارهٔ خود بداند؛ وقتی وارد مسجد شد، «کالسمك فی الماء» باید باشد؛ احساس کند که اینجا جای اوست و عجله‌ای برای بیرون رفتن از مسجد نداشته باشد؛ این درست است. جلسات مذهبی هم همین‌طور است. البته در درجهٔ اول مسجد، بعد هم در درجهٔ بعد، جلسات مذهبی و عرفیات فراوانی که ما در این زمینه بحمدالله داریم. این اولین وظیفهٔ ماست و این را باید قدر بدانیم. (۱۳۸۵/ ۰۸/ ۱۷)

امام خمینی رحمه‌الله: آنچه مردم را مجتمع می کند همین ائمهٔ جماعت و جمعه‌هاست. شما در کرمان و دیگران در سایر شهرها سعی کنید مسائل خودتان را مطرح کنید و با یکدیگر تفاهم داشته باشید، مردم هم که در صحنه حاضر و ناظرند، دیگر هیچ ترسی نیست. (صحیفهٔ امام، ج۱۶، ص۲۶۰)

قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: اَلمَساجِدُ سُوقٌ مِنْ اَسْواقِ الآخِرَةِ، قِراها اَلْمَغْفِرَةُ وَ تُحْفَتُها الْجَنَّةُ. (بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۴)

مساجد بازاری از بازارهای آخرت هستند که در آن بر سفره آمرزش می‌نشینند و با هدیه بهشتی بدرقه می شوند.

پنج شنبه ۲۷ فـــروردین

اذان صبـــح: ۵،۰۳
طلوع آفتاب: ۶،۳۱
اذان ظهـــر: ۱۳،۰۴
اذان مغـرب: ۱۹،۵۷

۲۶ جمادی الثانیه ۱۴۳۶
16 Apr 2015

دل‌های ما برای مسجد می‌تپد...

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): دل‌های ما برای مسجد می‌تپد و از شوق و احساس مسئولیت، لبریز می گردد. امروز در میان مساجد ما کم نیستند آنهایی که می توانند نمایی از این تصویر زیبا و شوق انگیز [یعنی مظهر آمیختگی دنیا و آخرت] را به نمایش درآورند. حضور نسل جوان پاك‌نهاد ما و حضور روحانیون و معلمان آگاه و دلسوز، مسجدهائی را به درستی، کانون ذکر و عبادت و اندیشه و معرفت‌ساخته و یادهای عزیز و گران‌بها را در دل‌های ما برانگیخته است. (۱۳۸۹/۰۷/۲۰)

امروز جوان‌های فراوانی در این کشور هستند که بدون اینکه من و شما بدانیم و از آن‌ها خواسته باشیم، بدون اینکه یك ریال کمك مالی به آن‌ها بکنیم و یا یك آفرین به آنها بگوییم، در گوشه و کنار، در مساجد، در پایگاه‌های مقاومت، در مجموعهٔ دانشگاه‌های کشور، در دانشگاه‌های تهران، در بخش‌های مختلف کارگری و غیره تلاش دینی می‌کنند و از همان معنویتی که وجود دارد، الهام می‌گیرند. (۱۳۷۹/۱۱/۲۷)

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: بَشِّرِ الْمَشَائینَ اِلَی الْمَساجِدِ فی ظُلَمِ اللَّیلِ بِنُورٍ ساطِعٍ یَوْمَ الْقِیامَةِ.(مستدرك الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۳)
آنان که در ظلمت شب به سوی مساجد می روند، مژده باد به نوری که (از چهره شان) در روز قیامت می درخشد.

اذان بگویند...

امام خامنه ای(مدظله العالی): چندی پیش، من راجع به اذان سفارش کردم و البته گفتم که صبح‌ها با بلندگو در همه‌جا اذان نگویند، تا مردم از خواب بیدار نشوند. مثل این‌که بعضی از مؤمنین، این قسمت دومش را بیشتر از قسمت اول گوش کردند! آنچه که مقصود ما بود، این بود که در سحرها، هر جایی یك بلندگو صدا نكند؛ ولی معنایش این نبود که به هنگام سحر، صدای اذان در شهری مثل تهران به گوش نرسد! نه، در جایی مثل تهران، اقلاً در چند مسجد از مساجد مهم، خوب است که با بلندگو اذان پخش بشود؛ حتّی اذان صبح. در شهرهای كوچك هم به فراخور وسعت آن شهر، می‌بایست اذان صبح در چندجا پخش بشود. اما در ظهر و شب اذان بگویند؛ هم اذان بلندگو، هم جلوی مساجد، هم داخل مساجد و هم در خیابان‌ها، تا مردم به اذان گفتن عادت کنند.(۱۳۶۹/۱۱/۱۹)

﴿ وَ قَضَى رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُواْ إِلَّا إِيَّاهُ
وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِندَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا
أَوْ كِلَاهُمَا فَلَاتَقُل لَّهُمَا أُفٍّ وَ لَاتَنْهَرْهُمَا وَ قُل لَّهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا * وَ
اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَ قُل رَّبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا[1] ﴾؛

«و پروردگار تو مقرّر داشته اسَت که جز او را نپرستیدَ و به پدر و مادر خود نیکی کنید. اگر یکی از آن دو یا هردو، در کنار تو به کهنسالی رسیدند، به آنان کلمه‌ای ناخوشایند مگوی و با آنان پرخاشگری مکن و با ادب و احترام با آنان سخن بگوی * و از سر مهربانی بال فروتنی را برای آن دو بگستر و بگو: پروردگارا، بر آنان رحمت آور، چنان‌که مرا در کودکی پروردند».

ابی‌ولاد الحنّاط می گوید: از امام صادق علیه‌السلام درباره این آیه پرسیدم و گفتم این نیکی چیست؟ فرمودند: نیکی این است که با آنان خوش‌رفتاری کنی و ایشان را مجبور کنی که آنچه را به آن نیازمندند، از تو درخواست کنند، اگرچه بی‌نیاز هم باشند و اینکه فرمود به آن‌ها اف نگویید، یعنی اگر تو را آزردند، به آنان کلمه اف هم نگو و اگر تو را تنبیه کردند، تندی نکن و بگو خدا شما را بیامرزد که این سخنی بزرگوارانه از سوی توست.[2]

نکات تفسیری

۱ـ منظور از «و قضی ربک» قضای تشریعی است که متعلق به احکام و مسائل تشریعی می‌شود؛ یعنی حکم قاطع نمودن و این قضاء همان‌طور که شامل اوامر خدا می‌شود، شامل نواهی او نیز می گردد.

در جمله «الا تعبدوا الا ایاه» باید دانست مسئله «امر به اخلاص در پرستش» بزرگ‌ترین دستور دینی و اخلاص در عبادت، از واجب‌ترین واجبات شرعی است؛ همچنان‌که در مقابل، شرک ورزیدن به خدای عزّوجلّ بزرگ‌ترین گناه است؛ چراکه اگر یک‌یک معاصی را تجزیه و تحلیل کنیم، خواهیم دید که برگشت تمامی گناهان به شرک است؛ زیرا اگر انسان غیر خدا، یعنی شیطان‌های جنّی و انسی و یا هوای نفس و یا جهل را اطاعت نکند، هرگز اقدام به هیچ معصیتی نمی‌کند و هیچ امر و نهیی را از خدا نافرمانی نمی‌کند؛ پس هر گناهی، اطاعت از غیر خداست و اطاعت هم خود یک نوع عبادت است.[3]

۳ـ مسئله احسان به پدر و مادر، بعد از مسئله توحید خدا واجب‌ترین واجبات است؛ همچنان‌که مسئله عقوق بعد از شرک ورزیدن به خدا، از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است. به همین جهت این مسئله را بعد از مسئله توحید و قبل از سایر احکام نام برده است و این نکته را نه‌تنها در این آیات متذکر شده، بلکه در موارد متعددی از کلام خود همین ترتیب را به کار بسته است.

اگر حکم را اختصاص به دوران پیری پدر و مادر داده است، از این جهت است که پدر و مادر در آن دوران، سخت‌ترین حالات را دارند و بیشتر احساس احتیاج به کمک فرزند می‌نمایند؛ زیرا از بسیاری از واجبات زندگی خود ناتوان‌اند؛ پس آیه شریفه نمی‌خواهد حکم را منحصر به دوران پیری پدر و مادر کند؛ بلکه می‌خواهد وجوب احترام پدر و مادر و رعایت احترام تام در معاشرت و سخن گفتن با ایشان را بفهماند، چه در هنگام احتیاج‌شان به مساعدت فرزند و چه در هر حال دیگر.

انسان باید در معاشرت و گفتگو با پدر و مادر، طوری رفتار کند که آن‌ها تواضع و خضوع او را احساس کنند و بفهمند که او خود را در برابر ایشان خوار می‌دارد و به ایشان مهر و رحمت دارد.[4]

حدیث

۱ـ امام صادق علیه‌السلام خطاب به میسّر فرمود: ای میسّر، چندین بار اجل تو فرا رسید، اما به علت رسیدگی به خویشاوندانت و به جا آوردن صله رحم، هر بار خداوند آن را به تأخیر انداخت. اگر می‌خواهی عمرت زیاد شود، به دو پیر خود نیکی کن. (مراد حضرت والدین او بود)[۵]

۲ـ پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: دو کار است که خداوند در همین دنیا کیفرش را می‌دهد: تعدّی کردن و نافرمانی از والدین.[۶]

۳ـ امام صادق علیه‌السلام فرمودند: نافرمانی والدین از گناهان کبیره است؛ زیرا خداوند متعال فرزند نافرمان را عصیانگرِ بدبخت قرار داده است.[۷]

داستان

جناب شیخ رجبعلی خیاط (رضوان‌الله‌علیه) گاه به بعضی از افراد اجازه حضور در جلسه‌های خود را نمی‌داد و یا شرطی برای آنان می‌گذاشت. یکی از ارادتمندان شیخ که قریب بیست سال با ایشان بود، آغاز ارتباط خود با شیخ را این‌گونه تعریف می‌کند: در آغاز هر چه تلاش می‌کردم به محضر او راه پیدا کنم، اجازه نمی‌داد؛ تا اینکه یک روز در مسجد جامع ایشان را دیدم. پس از سلام و احوال‌پرسی گفتم: چرا مرا به جلسات خود راه نمی‌دهید؟ فرمودند: «اول پدرت را از خود راضی کن، بعد با شما صحبت می‌کنم». وقتی پدرم را با التماس و اصرار راضی کردم و خدمت شیخ رسیدم؛ تا مرا دید فرمود: «بارک الله! خوب آمدی، حالا پهلوی من بنشین».[۸]

نتیجه

یکی از مهم‌ترین آدابی که اسلام بر آن تأکید فراوان دارد، ادب برخورد با پدر و مادر است. در آیاتی از قرآن کریم به این مسئله اشاره شده است؛ از جمله سفارش خداوند به گفتار کریمانه با والدین و لزوم پرهیز از تندخویی با آنان. برخی مفسّران مقصود از گفتار کریمانه را نخواندن آن‌ها به اسم دانسته‌اند.[۹] نمونه‌ای از این ادب، برخورد مؤدّبانه یوسف علیه‌السلام با پدر و مادرش هنگام دیدار در مصر است. یوسف به استقبال آنان شتافت و آن دو را بر روی تخت خود نشاند: «وَرَفَعَ اَبَوَیهِ عَلَی العَرشِ...»[۱۰] برخورد مؤدّبانه اسماعیل علیه‌السلام با پدرش ابراهیم علیه‌السلام در مواجهه با پیشنهاد ذبح وی، نمونه دیگری از ادب برخورد با والدین است؛ او در برابر پیشنهاد ذبح، بدون بهانه به پدر گفت: «آنچه پروردگارت به تو فرمان داده است، همان را انجام بده که مرا از بردباران خواهی یافت».[۱۱] پدر و مادر بی‌ایمان نیز از نگاه قرآن دارای ارج هستند و رعایت ادب و ملاطفت با آن‌ها لازم شمرده شده است.[۱۲] رعایت ادب چون حاکی از کرامت انسان است، همواره دو سویه است و همان‌طور که رعایت احترام والدین و مراعات ادب در محضر آنان برای فرزندان لازم شمرده شده است، لذا ادب والدین نسبت به فرزندان هم پسندیده و مورد سفارش بزرگان دین است. برخی مفسّران[۱۳] نظرخواهی ابراهیم علیه‌السلام از فرزندش اسماعیل، درباره فرمان الهی مبنی بر ذبح او، را ادبی از ناحیه پدر در برابر فرزند برشمرده‌اند.[۱۴]

پی‌نوشت

۱. اسراء: ۲۳ـ۲۴. ■ ۲. محمدبن‌یعقوب کلینی، الکافی، ج۱، ص۱۵۷. ■ ۳. محمدحسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج۱۳، ص۱۰۸؛ (با تلخیص). ■ ۴. همان، با تلخیص. ■ ۵. قطب الدین راوندی، الدعوات، ص۱۲۶. ■ ۶. نهج‌الفصاحه، ص۱۶۶. ■ ۷. شیخ صدوق، علل‌الشرائع، ج۲، ص۴۸۰. ■ ۸. محمد محمدی ری‌شهری، کیمیای محبت، ص۱۳۴. ■ ۹. جلال‌الدین سیوطی، الدرّ المنثور، ج۵، ص۲۵۹. ■ ۱۰. یوسف: ۱۰۰. ■ ۱۱. صافات: ۱۰۲. ■ ۱۲. لقمان: ۱۵. ■ ۱۳. محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج۶، ص۲۷۳. ■ ۱۴. دائرةالمعارف قرآن کریم، ج۲، ص۳۹۲.

امام مهدی علیه‌السلام در نگاه دیگران

خوشتر آن باشد که سرّ دلبران گفته آید در حدیث دیگران

موضوع امام مهدی و قیام و انقلاب جهانی او نه تنها در کتاب‌های شیعه، بلکه در فرهنگ اعتقادی سایر فرقه‌های اسلامی نیز بیان گردیده و درباره آن به طور گسترده گفتگو شده است. آنان نیز به وجود و ظهور مهدی که از دودمان پاک پیامبر و از فرزندان حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام است، معتقدند.

برای آشکار شدن میزانِ باور اهل سنّت به مهدی موعود، باید به آثار دانشمندان بزرگ ایشان مراجعه کرد. بسیاری از مفسّران سنّی مانند فخر رازی[1] و قرطبی در کتاب‌های تفسیری خود تصریح کرده‌اند که بعضی از آیات قرآن به ظهور حضرت در آخرالزّمان اشاره دارد[2].

هم‌چنین اکثر محدثان ایشان، احادیث مربوط به حضرت را در کتاب‌های خود آورده‌اند که در میان آنها، از معتبرترین کتاب‌های اهل سنّت، «صحاح ستّه»[3] و مُسند احمدبن حنبل، پیشوای مذهب حنبلی است.

بعضی دیگر از دانشمندان اهل سنّت نیز در گذشته و حال، کتاب‌هایی مستقل در موضوع امام مهدی نوشته‌اند؛ مثل ابونعیم اصفهانی در مجموعه الأربعین (چهل حدیث) و سیوطی در کتاب «العرف الوردی فی اخبار المهدی».

نکته قابل توجه اینکه، بعضی از علمای اهل سنّت در مقام دفاع از عقیده مهدویت و ردّ منکران این عقیده، کتاب‌ها و مقالات بسیاری نوشته‌اند و با بیانات علمی و شواهد روائی، جریان امام مهدی را از امور قطعی و غیرقابل انکار دانسته‌اند. اینها نمونه‌هایی از آثار اهل سنّت و دفاع آنان از مسئله مهدویت است. در پایان این بخش از میان صدها روایت، تنها دو روایت را نقل می‌کنیم که در کتاب‌های مشهور و مورد اعتماد اهل سنّت آمده است.

پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این رابطه فرموده‌اند:

«اگر از [عمر] دنیا تنها یک روز مانده باشد، یقیناً خداوند آن روز را طولانی

پیشنهادهای اجرایی هفته

◆ تجلیل از ارتشی‌های محله در روز ارتش و به ویژه یادگاران دفاع مقدس ◆ جلسه شورای فرهنگی مسجد ◆ برگزاری مراسم جشن میلاد حضرت امام محمدباقر علیه السلام و تبیین شخصیت علمی آن حضرت ◆ سخنرانی ویژه مسائل بانوان و دختران قبل از اذان ظهر روز اول ماه شمسی ◆ برگزاری جلسات پرسش و پاسخ ویژه جوانان (پنج شنبه) ◆ مراسم توسل به اهل بیت علیهم السلام و جمع آوری صدقه به مناسبت اول ماه قمری ◆ قرائت دعای ماه رجب درین الصلاتین ◆ برگزاری مراسم دعای توسل (سه‌شنبه) ◆ برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید ◆ فراخوان جهت جمع آوری نذورات مردمی جهت خیرات اموات برای اجرای مراسم متمرکز اطعام نیازمندان در لیلة‌الرغائب ◆ جلسه جهت آمادگی برای برگزاری مراسم اعتکاف در مسجد و یا ثبت نام از مؤمنین برای حضور در مساجد منتخب ◆ برگزاری مراسم عزاداری سالروز شهادت امام هادی علیه السلام و دعوت از یکی از هیأت محله جهت اجرای برنامه ◆ برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه) ◆ برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه) ◆ تشکیل جلسه شورای فرهنگی مسجد با موضوع برنامه ریزی برای برگزاری طرح نهضت قرآنی

کند، تا آنکه مردی از خاندان مرا در آن برانگیزد که هم نام من است.»[۴]

و نیز آن حضرت فرمود:

«مردی از خاندان من قیام می‌کند، که در نام و سیرت شبیه من است. او [جهان را] پر از عدل و داد خواهد کرد؛ همان‌گونه که از ظلم و ستم لبریز گشته باشد.»[۵]

گفتنی است که اعتقاد به ظهور مصلح و منجی یک اعتقاد جهانی و همگانی است و پیروان راستین همه ادیان آسمانی بر اساس تعالیم کتاب‌های دینی خود، منتظر قیام آن موعود بزرگ هستند. در کتاب‌های مقدّس زبور، تورات، انجیل و نیز در کتاب‌های هندوها و زرتشتیان و برهمائیان نیز به ظهور منجی بزرگ جهان اشاره شده است.

البته هر ملّتی برای او نام و لقبی مخصوص نهاده‌اند. زرتشتیان او را به نام «سوشیانت» یعنی نجات دهنده جهان و مسیحیان به نام «مسیح موعود» و یهود به نام «سرور میکائیلی» می‌شناسند. در بخشی از عبارات «جاماسب نامه» از کتاب‌های مقدّس زرتشت، در این رابطه چنین آمده است:

«پیغمبر عرب، آخر پیغمبران باشد که در میان کوه‌های مکه پیدا شود... و با بندگان خود چیز خورد و به روش بندگان نشیند... و دین او اشرف ادیان باشد و کتاب او باطل کند، همه کتاب‌ها را... و از فرزندان دختر پیغمبر، که خورشید جهان و شاه زمان نام دارد، کسی پادشاه شود در دنیا به حکم یزدان، که جانشین آخر آن پیغمبر باشد... و دولت او تا به قیامت متصل باشد...».[۶]

پی‌نوشت:

۱. التفسیر الکبیر، ج ۱۶، ص ۴۰. ■ ۲. تفسیر القراطبی، ج ۸، ص ۱۲۱. ■ ۳. یعنی صحیح‌های شش گانه. صحاح ستّه، عنوان عمومی شش مجموعه بزرگ، از کتب حدیث است که در نزد اهل سنّت، موثق ترین کتاب‌های حدیث هستند و عبارتند از: «صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابوداوود، سنن ابن ماجه، سُنن نسائی، جامع ترمذی». اهل سنت، احادیث نقل شده در این کتاب‌ها را، «صحیح» دانسته و سخن پیامبر اکرم ﷺ می‌دانند و پس از قرآن کریم، آنها را معتبرترین کتاب می خوانند. ■ ۴. سنن ابوداود، ج ۲، ح ۴۲۸۲، ص ۱۰۶. ■ ۵. معجم کبیر، ج ۱۰، ح ۱۰۲۲۹، ص ۸۳. ■ ۶. ادیان و مهدویت، ص ۲۱.

شنبه ۲۹ فروردین

اذان صبح: ۵،۰۰
طلوع آفتاب: ۶،۲۸
اذان ظهر: ۱۳،۰۴
اذان مغرب: ۱۹،۵۸

۲۸ جمادی الثانیه ۱۴۳۶
18 Apr 2015

روز ارتش جمهوری اسلامی و نیروی زمینی
تشکیل جنبش عدم تعهد (۱۳۳۳ ه ش)

روحانی سیاسی

امام خمینیؒ: همهٔ ما و همهٔ شما و همهٔ نسل‌های آتیه، آنها باید چشم و گوششان را باز کنند که دوباره هی شیطان‌ها نیایند تزریق کنند که آقا، علما را چه به سیاست، علما را چه به دخالت در امور مملکتی، این یك نقشهٔ شیطانی است که الآن هم مشغول پیاده کردن آن هستند و مشغول تبلیغاتش هستند و بناءً علیه، بر شما ائمهٔ جمعه و جماعت و بر همهٔ ائمهٔ جمعه‌ها و جماعتها در همهٔ قُطرهای اسلامی، در همه ممالك اسلامی این مطلب لازم است بلکه فرض است که مردم را بیدار کنید و به مردم بفهمانید این معنا را که این نغمه‌ای که در همهٔ ممالك اسلامی بلند است که علما نباید دخالت در سیاست بکنند، این یك نقشه‌ای است مالِ ابرقدرت‌ها. مجری‌اش اینها هستند که در داخل کشورها هستند. به حرف اینها گوش ندهید. و بخوانید به گوش ملّت که ملّت بفهمد این معنا را که این نغمه، نغمه‌ای است که می‌خواهند علما را از سیاست کنار بزنند، و آن بکنند که در زمان‌های سابق بر ما گذشته است. بیدار باشیم و همه توجه به این معنا داشته باشیم، و نسل‌های آینده هم توجه به این معنا داشته باشند که راهشان را یك وقت، این راهی که الآن مسلمین خودشان این راه را پیدا کرده‌اند، این راه را گم نکنند آنها. (صحیفهٔ امام، ج۱۳، ص: ۴۳۴)

امام صادقؑ: «یا فضل! لا یأتی المسجد من کل قبیلة الا وافدها و من کل اهل بیت الا نجیبها». (امالی شیخ صدوق، ص۴۶)

ای فضل! از هر قبیله‌ای به مسجد نمی‌آیند مگر انسان‌های الگو و نمونه آن و از هر خانواده نیز به مسجد نمی‌آیند مگر انسان‌های نجیب و شایسته آن.

یکشنبه ۳۰ فروردین

اذان صبح: ٤،٥٨
طلوع آفتاب: ٦،٢٧
اذان ظهر: ١٣،٠٤
اذان مغرب: ١٩،٥٩

۲۹ جمادی الثانیه١٤٣٦
19 Apr 2015

حداقل چیزی که لازم است علم و تقواست!

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): هر چه می توانید در مورد مساجد کار بکنید، خیلی خوب است، مساجد کانون دین است، الان هم همین است. هیچ چیز جای مسجد را پر نمی‌کند؛ یعنی سلولی است که آدم به تنهایی نگاه می‌کند، ولی همین مساجد است که فضا را فضای دینی نگه می‌دارد و معارف را از نسلی به نسلی منتقل و بادین آشنا می‌کند. (۷۷/۱۰/۱۹)

برای امام جماعت مسجد، حداقل چیزی که لازم است، علم و تقواست دیگر. از این دو تا نبایستی صرف نظر کرد. حالا چیزهای دیگر هم لازم است، کسی ممکن است جهات دیگر هم داشته باشد خیلی خوب است اما در مورد علم و تقوا شما سخت گیری کنید؛ بایستی آن کسی که آنجا می‌ایستد نماز، عالم باشد و عادل باشد؛ این دو تا دیگر غیر قابل اغماض است. حالا بقیه خصوصیات را هم داشت، آدم سخنوری بود، آدم عاقلی بود، چه بهتر. البته، در مقام ترجیح طبعاً مقدم است؛ اما اگر جهات دیگر را ندارد، از علم و تقوا که دیگر نمی شود صرف نظر کرد معمم بودن امام و روحانی بودن امام برای این است که تقدم علم و رجوع مردم به عالم معلوم بشود؛ والّا اگر این جور نباشد چرا آنها می ایستند، دیگری بایستد. (۷۷/۹/۱۶)

ولادت حضرت امام محمد باقر علیه السلام (۵۷ هق)

دوشنبه ۳۱ فروردین

اذان صبح: ٤،٥٦
طلوع آفتاب: ٦،٢٦
اذان ظهر: ١٣،٠٣
اذان مغرب: ٢٠،٠٠

١ رجب ١٤٣٦
20 Apr 2015

ذکر خداوند در همه حال

امام صادق علیه‌السلام: پدرم بسیار ذکر خدا می گفت. من با او راه می رفتم و او ذکر خدا می‌گفت. با او غذا می خوردم و او ذکر خدا می‌گفت. با مردم سخن می‌گفت، اما این امر، او را از ذکر خدا باز نمی‌داشت. زبانش را می‌دیدم که به کامش می‌چسبید و با این وصف پیوسته از گفتن ذکر لا اله الا الله باز نمی‌ایستاد. ایشان اطرافیان و فرزندان را جمع کرده و می‌فرمود که تا طلوع آفتاب، ذکر خدا بگوئیم و هر یک از ما را که می‌توانست بخواند به تلاوت قرآن فرمان می‌داد و هر که نمی‌توانست، به گفتن ذکر توصیه می‌کرد.(اصول کافی، ج۲، ص۴۹۹)

امام باقر علیه‌السلام شیعیان خود را چنین وصف می‌کنند: از شیعیان ما نیست، مگر آن کسی که از خدا بترسد و او را فرمان برد. آنان جز با فروتنی و خاک‌ساری و امانت‌داری و بسیاری یاد خدا شناخته نمی‌شوند. (اصول کافی، ج۲، ص۷۴)

ابن حجر هیتمی از علمای اهل سنت می‌نویسد:

«محمد باقر به اندازه‌ای گنج‌های پنهان معارف و دانش‌ها را آشکار ساخته، حقایق احکام و حکمت‌ها و لطایف دانش‌ها را بیان نموده که جز بر عناصر بی‌بصیرت یا بد سیرت پوشیده نیست و از همینجاست که وی را شکافنده و جامع علوم، و برافرازنده پرچم دانش خوانده‌اند.» (الصواعق المحرقه، ص ۲۰۱)

آیت الله شیخ علی اکبر برهان

(امام جماعت مسجد لرزاده)

طلبه باید برنامه سحرگاهی داشته باشد. یك کارگر صبح تا ظهر کار می کند. ظهر چند دقیقه سرش را می گذارد زمین، خستگی او رفع می شود. دوباره تا شب کار می کند؛ ولی ما ساعت ها می خوابیم ولی باز حال بلند شدن نداریم. علتش این است که گناه، ما را خسته کرده است و نمی توانیم برای نماز شب بلند شویم.

آیت الله برهان هر روز، ساعتی قبل از نماز به مسجد می آمد و به نظافت و آراستن مسجد می پرداخت و حتی دستشویی ها را نیز نظافت می کرد. نماز جماعت، همواره با شکوه برگزار می شد و ایشان هر شب پس از نماز با بیان گیرای خود، حدود نیم ساعت موعظه می کرد. آن قدر سخنان ایشان جذّاب بود که افراد غیر متدیّن را نیز به شدت تحت تأثیر قرار می داد. آیت الله مجتهدی تهرانی می گفت: «علت موفقیت من، همین مجالس توسل در کنار درس های طلبگی است. زمانی هم نزد استادمان حاج شیخ علی اکبر برهان در تهران در مسجد لرزاده بودیم، ایشان هفته ای یك شب سینه زنی برقرار می کردند و می فرمودند: من هر چه دارم از همان روضه ها و سینه زنی ها که برای اهل بیت گرفته ام، می باشد».

روز بزرگداشت سعدی

سه‌شنبه ۱ اردیبهشت

اذان صبح:	٤:٥٥
طلوع آفتاب:	٦:٢٥
اذان ظهر:	١٣:٠٣
اذان مغرب:	٢٠:٠١

٢ رجب ١٤٣٦

21 Apr 2015

مسجد مردمی

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): دیگر اینکه مساجد و حسینیه ها باید به پول مردم ساخته بشوند، این فراموش نشود. سنت صحیح رایج بین شیعه، که عبارت بوده است از این که مردم مسجد بسازند، حسینیه بسازند. این سنت، بسیار سنت با برکتی است. جوری نباشد که اگر شما یك صندوقی درست کردید یك جا، مردم بگویند خب، حالا که دیگر پول هست. الحمدالله - دولت دارد می دهد، ما دیگر چرا بدهیم؟ این نباید بشود. تبلیغات و جار و جنجال و فلان و فلان اصلا نباید باشد. بلکه بتوانید پول های مردم را هدایت کنید به این صندوق در درجه اول و آن: «انما یعمر مساجدالله من آمن بالله» فوت نشود. این آیه قرآن، مایه تشویق مردم بوده است در طول سنین متمادیه، به ساختن مساجد، به تعمیر مساجد، به آباد سازی مساجد، به فرش مساجد. رو زیلوها می نوشتند؛ این را ما وقف کردیم. اینها دل بستگی مردم را به مسجد تامین می کند. اینها از بین نرود که این کار یك ظرافتی لازم دارد. البته صندوق اگر نباشد، خب، همین وضع فعلی است. یك جاهایی اصلا مسجد نداریم. محلاتی گزارش هست که مسجد اصلا نیست! در خود تهران؛ یا بعضی روستاها، شهرها، مسجد ندارند یا کم دارند یا مسجد خراب است. (٧٥/٣/٢٨)

قال رسول الله ﷺ : «مَنْ کانَ الْقُرآنُ حَدیثَهُ وَ الْمَسْجِدُ بَیْتَهُ بَنَی اللّهُ لَهُ بَیتاً فی الْجَنَّةِ».(وسائل الشیعه، ج ٣، ص ٤٨١)

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «هر کس که کلامش قرآن و خانه‌اش مسجد باشد، خداوند منزلی در بهشت برای او بنا می کند».

چهارشنبه ۲ اردیبهشت

اذان صبح: ٤:٥٣
طلوع آفتاب: ٦:٢٣
اذان ظهر: ۱۳:۰۳
اذان مغرب: ۲۰:۰۲

۳ رجب ١٤٣٦

22 Apr 2015

شهادت حضرت امام علی النقی الهادی علیه السلام (٢٥٤ هق)
تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تاریخ (۱۳۵۸ هش)
سالروز اعلام انقلاب فرهنگی برابر با تاریخ (۱۳۵۹ هش)
روز زمین پاک

شهادت امام هادی علیه‌السلام

در سیره عبادی و مکارم اخلاق امام هادی علیه‌السلام آمده است: وقتی که شب فرامی‌رسید آن حضرت رو به قبله می‌ایستاد و مشغول نماز می‌شد و ساعتی از از نماز غافل نمی‌شد، در حالی که بربدن شریفش جُبّه‌ای از پشم بود و سجاده‌اش حصیری، وپیوسته لب‌های مبارکش در حال تسبیح و ذکر خدا بود. (بحارالانوار، ج۵۰، ص۳۰۸ و ۳۱۴). همچنین نقل شده است: متوکل عبّاسی چندین مرتبه مأمورینی را برای تفتیش و بازرسی به منزل آن حضرت می‌فرستاد، در هر دفعه‌ای که وارد خانه می‌شدند می‌دیدند که امام هادی علیه‌السلام روی سجاده حصیری‌اش مشغول نماز یا تلاوت قرآن است.
پارسایی و انس با پروردگار، آن چنان نمودی در زندگی امام هادی علیه‌السلام داشت که برخی از شرح حال نویسان در مقام بیان برجستگی‌ها و صفات والای آن گرامی به ذکر این ویژگی پرداخته‌اند. «ابن کثیر» می‌نویسد: «کان عابداً زاهداً؛ او عابدی وارسته و زاهد بود.» (البدایة و النهایة، ج۱۱، ص۱۵).

پنج شنبه ۳ اردیبهشت

اذان صبح: ٤:٥٢
طلوع آفتاب: ٦:٢٢
اذان ظهر: ۱۳:۰۳
اذان مغرب: ۲۰:۰۳

٤ رجب ١٤٣٦
23 Apr 2015

لیلة‌الرغائب
شهادت سپهبد قرنی،
اولین رئیس ستاد مشترک
ارتش جمهوری اسلامی
ایران در سال ۱۳۵۸ توسط
گروه فرقان
روز بزرگداشت شیخ بهایی
روز ملی کار آفرین

امام جماعت

امام خامنه‌ای(مدظله العالی): مدیریت محتوایی و معنوی مسجد که بر دوش روحانی مسجد است باید خردمندانه و مسئولانه، و حتی عاشقانه باشد. حوزه‌های علمیه برای آماده‌سازی روحانیانی در این طراز، وظیفه‌ای ذاتی و طبیعی دارند. (۱۳۹۰/۰۷/۱۹)

امامان جماعت باید آماده‌سازی خویش برای طبابت معنوی را وظیفهٔ حتمی خود بدانند و مراکز رسیدگی به امور مساجد و حوزه‌های علمیه در همه جا... [امامان جماعت] را یاری دهند. (۱۳۸۹/۰۷/۲۰)

علمای دینی و فضلا... امامت در مسجد را نیز وظیفه‌ای بزرگ بشمرند. علمای دینی و فضلایی که در بخش های گوناگون دولتی به خدماتی اشتغال دارند، شایسته است که به عمران معنوی مساجدی که در آنها نماز جماعت اقامه نمی شود، بپردازند.

علمای دینی و فضلایی که در بخش های گوناگونِ دولتی به خدماتی اشتغال دارند،... امامت در مسجد را نیز وظیفه‌ای بزرگ بشمرند. (۱۳۷۷/۰۶/۱۸)

[فضلایی که برای فراگیری علم به قم رفته اند] بیایند هجرت کنند، یا اگر هم به‌کلّی نمی‌آیند، در ایام خاص بیایند. سالی دو ماه، سه ماه، چهار ماه اینجا بیایند. بین مردم بروند، به روستاها بروند، به شهرها بروند، مساجد را آباد کنند. بنابراین مسئلهٔ علم، مسئلهٔ مهمی است. (۱۳۹۰/۷/۲۰)

جمعه ۴ اردیبهشت

اذان صبح: ٤:٥٠
طلوع آفتاب: ٦:٢١
اذان ظهر: ١٣:٠٣
اذان مغرب: ٢٠:٠٤

۵ رجب ١٤٣٦

24 Apr 2015

مسجدی برای همه

در محله خراسان تهران زمینی وقف شده بود برای ساخت مسجد. بیل و کلنگی هم خورده بود اما کار به جایی نرسیده بود. کسی را می خواست که آستین بالا بزند و روبانی پیدا کند، معمار بیاورد، همت کند؛ خیل مردم را جمع کند...آن قدر برای ساخت این مسجد زحمت کشید که مردم محله خراسان مسجد را به نام او می شناختند؛ «مسجد برهانیه». هر روز ساعتی قبل از نماز به مسجد می‌آمد و مسجد را مهیای نماز می‌کرد. جارو می‌زد، حوض را تمیز می‌کرد، دستشویی‌ها را می‌شست و وضو می‌گرفت و می‌ایستاد به اقامه نماز. هر سه نوبت، صبح و ظهر و شب، نماز جماعت برپا بود توی این مسجد. از هر صنف؛ بزاز، بقال، بنا، دکتر و مهندس، همه برای نماز می‌آمدند. تهران آن روزها کمتر چنین جمعیتی را در صف‌های نماز جماعت خود دیده بود.
نیم ساعت موعظه و سخنرانی برنامه هر شب بود. نماز عشاء که تمام می‌شد می‌رفت بالای منبر. از دین برای مردم می‌گفت با زبان خودشان. فرقی نمی‌کرد اهل همیشه مسجد باشی یا گذرت به آن مسجد افتاده باشد، ریش‌داشته باشی یا نه، به تقوا مشهور شده باشی یا حتی به غیر آن؛ پای منبر که می‌آمدی دیگر نمی‌توانستی بلند شوی و بروی. می‌شدی پای‌ثابت سخنرانی‌های نیم‌ساعته میرزا علی اکبر در مسجد برهانیه. (برهان ما)

﴿ قُلْ یا عِبادِیَ الَّذینَ أَسْرَفُوا عَلی أَنْفُسِهِمْ لاتَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللهِ إِنَّ اللهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمیعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحیمُ[1] ﴾ ؛

«بگو: ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید، از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است».

شأن نزول

در مورد این آیه، شأن نزول‌های متعددی نقل شده است؛ از جمله از کلبی نقل شده که این آیه درباره مشرکان نازل شده است، با این بیان که پس از شهادت حمزه در نبرد اُحُد، مشرکان به وعده‌ای که به وحشی در مورد قتل حمزه داده بودند، وفا نکردند. وحشی و طرفدارانش پشیمان شدند؛ پس نامه‌ای به رسول خدا صلی الله علیه و آله نوشتند که ما پشیمان شده‌ایم، ولی بر اساس آنچه شما در مکّه فرمودید، که توبه افراد مشرک گناه‌کار و... در اسلام پذیرفته نمی‌شود، خود را واجد ایمان آوردن نمی‌دانیم؛ چراکه ما مرتکب همه این گناهان شده‌ایم. خداوند متعال برای اینکه رأفتش را حتی به گنه‌کارانی مانند وحشی نشان بدهد، طی سه آیه[2] از آن‌ها خواست که از رحمت خدا ناامید نشوند و توبه کنند؛ آخرین آیه که حجت را بر وحشی تمام کرد، همین آیه شریفه بود.[3]

نکات تفسیری

۱ـ این آیه و آیات بعد از آن، رأفت و مهربانی خداوند به بندگانش به روشنی بیان می‌کند؛ لذا امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرمایند: در قرآن هیچ آیه‌ای [از جهت بیان رحمت خدا در آمرزش گناهان] گسترده‌تر از این آیه نیست.[4] شایان ذکر است که از آن حضرت روایت شده است که سخن خداوند در سوره ضحی آیه۵ که می‌فرماید: «و لسوف یعطیک ربک فترضی»[5] از این آیه امیدوار کننده‌تر است.[6]

۲ـ خداوند پس از این آیه، مردم را به توبه و بازگشت به سوی خود دعوت کرده و از آنان خواسته است تا تسلیم فرمان او باشند و از آنچه نازل کرده است پیروی کنند؛ از این رو آن‌ها را با واژه «عباد» مخاطب قرار داده است؛ یعنی شما مردم، بنده خدایید و او مولای شماست و حق مولا بر بنده آن است که او را اطاعت کند و تسلیم او باشد.

عبارت «ذنوب» مطلق و شامل همه گناهان است، اعم از شرک و گناهان کبیره؛ چراکه واژه «اسراف» با «علی» متعدّی شده و به معنای جنایت بر نفس است که شامل همه گناهان می‌شود؛ لکن آمرزش هیچ گناهی گزاف و بی‌علت نخواهد بود و آمرزشی که در آیه شریفه نوید داده شده، مشروط به توبه است.[7]

آن‌طور که راغب در مفردات گفته است، واژه «اسراف» به معنای تجاوز از حد در هر عملی است، هر چند در خصوص خرج کردن مال، مشهورتر است.

«قنوط» به معنای نومیدی است و مراد از«رحمت» در آیه مورد بحث، به قرینه اینکه خطاب و دعوت در آن به گناهکاران است، مربوط به آخرت است، نه رحمت اعم از دنیا و آخرت که عبارت است از مغفرت خداوند.[8] پس به گنه‌کاران بشارت داده می‌شود که از رحمت خداوند مشروط بر توبه در آخرت، ناامید نباشند.

حدیث

۱ـ امام صادق علیه‌السلام فرمودند: خداوند عزّوجلّ به داوود پیامبر وحی کرد: ای داوود، هرگاه بنده مؤمن من گناهی کند و سپس از آن گناه برگردد و توبه نماید و به هنگام یاد کردن از آن گناه از من شرم کند، او را می‌آمرزم و آن گناه را از یاد فرشتگان نگهبان اعمال می‌برم و آن را به نیکی بدل می‌کنم و از این کار باکی ندارم که من مهربان‌ترین مهربانانم.[۹]

۲ـ پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله: ای پسر مسعود، گناه را پیش میانداز و توبه را به تأخیر میفکن؛ بلکه توبه را پیش افکن و گناه را به تأخیر انداز؛ زیرا خداوند متعال در کتاب خود می‌فرماید: «بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسانُ لِيَفْجُرَ أَمامَهُ[۱۰]».[۱۱]

داستان

نقل می‌کنند روزی ابوعلی‌سینا در جلسه موعظه ابوسعید ابوالخیر، که از اکابر عرفا است، شرکت کرد. ابوسعید آن روز این مسئله را مطرح کرده بود که کرم الهی نباید موجب غرور و عفو خداوند نباید بهانه ترک گناه و اصلاح و تهذیب نفس بشود.

بوعلی جوان و مغرور همین‌جا یک رباعی ساخت:

مابییم به عفو تو تولّا کرده | و ز طاعت و معصیت تبرّا کرده
آنجا که عفو تو باشد، باشد | ناکرده چو کرده، کرده چون ناکرده

ابوسعید که شاعر خوش‌ذوقی بود، فوراً با یک رباعی جواب او را داد:

ای نیک نکرده و بدی‌ها کرده | وانگه به خلاص خود تمنّا کرده
بر عفو مکن تکیه که هرگز نبود | ناکرده چو کرده، کرده چون ناکرده[۱۲]

در این داستان نظر بوعلی به رحمت عام و فراگیر خداوند است؛ اما ابوسعید نظر به اثر گناه دارد که هر چند مورد مغفرت هم قرار گیرد، در نفس انسان اثر خود را می‌گذارد.

نتیجه

در عظمت و جلالت توبه و مقام توّابین، همین بس که آیه شریفه حتی نسبت به شرک، که بالاترین گناه در بین گناهان کبیره و صغیره است، امید به بخشش و رحمت خداوند را به بندگان بشارت داده است؛ بنابراین می‌توان گفت آیه شریفه، ضمن اینکه نور امید به بازگشت را در قلب گنه‌کار زنده نگاه می‌دارد، در عین حال حجت را بر بندگان تمام می‌کند و برای ادامه گناه، عذری باقی نمی‌گذارد.

پی‌نوشت

۱. زمر: ۵۳. ■ ۲. مریم: ۶۰: (مگر آنانکه توبه کرده و ایمان آورده و کار شایسته انجام داده‌اند)؛ نساء: ۴۸: (مسلماً خدا این را که به او شرک ورزیده شود نمی‌آمرزد و غیر آن را برای هر کس که بخواهد می‌آمرزد). ■ ۳. فضل‌بن‌حسن‌طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، به نقل از: ناصر مکارم شیرازی، پیام قرآن، ص۱۴۲؛ مرحوم علامه طباطبایی در المیزان ج۴، ص۳۸۱ بحثی ذیل این روایت آورده‌اند که اثبات می‌کند این روایت مجعول است. ■ ۴. فضل‌بن‌حسن‌طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص۷۸۴. ■ ۵. و به‌زودی پروردگارت بخششی به تو خواهد کرد تا خشنود شوی. ■ ۶. جلال‌الدین سیوطی، الدرّ المنثور، ج۸، ص۵۴۳. ■ ۷. علامه طباطبایی در تفسیر گرانسنگ المیزان، ج۴، ص ۲۵۰ شرایط توبه را بیان فرموده‌اند. ■ ۸. محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج۱۷، ص ۲۷۸ـ۲۸۱. (با تلخیص)؛ نظر علامه این است که همه گناهان با توبه بخشیده می‌شود، اما گناهانی که بدون توبه باقی مانده است، با شفاعت مورد بخشش قرار می‌گیرد و تنها گناهی که بدون توبه مشمول شفاعت نیست و بخشیده نمی‌شود شرک است. ■ ۹. شیخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص۱۳۱. ■ ۱۰. قیامت: ۵؛ بلکه آدمی می‌خواهد در آینده نیز به کارهای ناشایست بپردازد. ■ ۱۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، (چ بیروت)، ج۷۴، ص۱۰۴. ■ ۱۲. مرتضی مطهری، مجموعه‌آثار، ج۱۴، ص۵۶۹.

امدادهای غیبی در عصر ظهور

از آنجایی که آخرین موعود منجی، راه ناتمام پیامبران و اولیای الهی را به پایان می‌رساند، خداوند همه امدادهای غیبی را که در اختیار آنان قرار داده بود؛ برای حضرت مهدی علیه‌السلام نیز قائل است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در این باره می‌فرماید: «قائِمُ اَهْلِ بَیْتی... یُؤَیَّدُ بِنَصرِ اللهِ...؛[1]... قائم اهل بیت علیهم‌السلام من، به یاری الهی تأیید می‌شود.»

برخی از این امدادها از این قرارند:

۱. فرشتگان

از نیروهای غیبی که به یاری آخرین حجت خداوند و یاران او می‌آیند، «فرشتگان الهی» هستند. عبدالرّحمن بن کثیر روایت کرده است که امام صادق علیه‌السلام درباره آیه «أَتی أَمْرُ اللهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ»[2] فرمودند:

هُوَ أَمْرُنَا أَمْرُ اللهِ لَا یُسْتَعْجَلُ بِهِ یُؤَیِّدُهُ ثَلَاثَةُ أَجْنَادٍ الْمَلَائِکَةُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الرُّعْب؛[3] آن امر ما است، خدای عزّوجلّ امر فرموده که در مورد آن شتاب نشود، تا آنکه [خداوند] او را با سه [لشکر] یاری فرماید که عبارتند از: فرشتگان، مؤمنان و هراس.

عیاشی از امام باقر علیه‌السلام نقل کرده که فرمود:

إِنَّ الْمَلَائِکَةَ الَّذِینَ نَصَرُوا مُحَمَّداً ص یَوْمَ بَدْرٍ فِي الأَرْضِ مَا صَعِدُوا بَعْدُ وَ لَا یَصْعَدُونَ حَتَّی یَنْصُرُوا صَاحِبَ هَذَا الأَمْرِ وَ هُمْ خَمْسَةُ آلَافٍ؛[4]

فرشتگانی که در جنگ بدر رسول خدا را در زمین یاری کردند، از آن پس به آسمان نرفتند و پس از این نیز نخواهند رفت؛ تا آنکه یاری کنند صاحب این امر را و آنان پنج هزار تن هستند.

۲. ترس در دل دشمنان

خدای متعال، در قیام جهانی حضرت حجّت، ترس و دلهره را بر دل کافران، مشرکان و ستمگران حق ستیز افکنده، قدرت تصمیم گیری و دشمنی را از آنان سلب می کند.

پیشنهادهای اجرایی هفته

■ قرائت دعای ماه رجب در بین الصلاتین ■ تشریح شکست آمریکا در حمله به طبس و عنایات غیبی به انقلاب اسلامی ■ برگزاری مراسم دعای توسل (سه شنبه) ■ برگزاری مسابقه نقاشی در بین کودکان مسجد و محله با موضوع خلیج همیشه فارس و برگزاری نمایشگاه از این نقاشی ها ■ برگزاری جشن میلاد امام جواد علیه السلام و حضرت علی اصغر علیه السلام ■ تجلیل از کارگران محله در روز جهانی کار و کارگر ■ خطابه با موضوع جنبه معنوی کار و عبادت و جهاد محسوب شدن آن ■ برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید ■ برگزاری مراسم زیارت قبور و غبارروبی مزار شهدا ■ برگزاری جشن میلاد حضرت علی علیه السلام ■ خطابه با موضوع اهمیت ایام البیض و اعتکاف ■ برنامه ریزی برای برگزاری هر چه باشکوه‌تر اعتکاف با همکاری تشکل های مسجدی و معتکفین ■ برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه) ■ برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه))

در روایاتی نقل شده که او، «مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ وَ مُؤَیَّدٌ بِالنَّصْرِ» است؛ یعنی هنگام ظهور، هراس از وی، در دل قدرتمندان می‌افتد و نیروهای غیبی، به کمک او و یارانش می‌شتابند. البته این امر، منافاتی با لزوم حضور مردم در صحنه ندارد و مردم باید آن حضرت را تا رسیدن به اهداف متعالی‌اش یاری کنند.

۳. نیروهای طبیعت

بعضی از امدادهای غیبی الهی، تسخیر نیروها و امکانات طبیعی است که خداوند پیامبران خود را به آن مجهز کرده است؛ همانند: بادها، طوفان‌ها، ابرها و ... که در قرآن از آنها یاد شده است.[۵] در روایاتی، عوامل طبیعی، از جمله امدادهای غیبی برای یاری آخرین حجّت الهی ذکر شده است. رسول خدا در حدیث معراج به نقل از خداوند چنین فرموده است:

... وَلَاُسَخِّرَنَّ لَهُ الرِّیاحَ وَلَأُذَلِّلَنَّ لَهُ الرِّقابَ الصِّعاب... ؛ و باد را مسخّر او می‌کنم و گردنکشان سخت را رام او می‌سازم...[۶]

٤. برخی امدادهای دیگر

افزون بر امدادهای یاد شده، برخی امور دیگر نیز در روایات مورد اشاره قرار گرفته که می‌تواند در شمار امدادهای الهی باشد.

الف. طِی الاَرْض: یکی از امدادهای الهی در عصر ظهور، آن است که زمین، برای آن حضرت و یارانش در هم نوردیده شود. در روایاتی چند از چگونگی طی مسافت آن حضرت و یارانش به «طی الارض» تعبیر شده است. امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید:

وَ هُوَ الَّذِی تُطْوَی لَهُ الأَرْضُ وَ یَذِلُّ لَهُ کُلُّ صَعْبٍ؛[۷] او، کسی است که زمین برایش درنوردیده می‌شود.

ب. میراث پیامبران

بنابه روایات، افزون بر امدادهای یاد شده هنگـــام ظهور، حضرت بـــرخی میراث‌های پیامبران گذشته را نیز همراه خواهد داشت. امام علی علیه‌السلام از رسول خدا چنین نقل می‌کند:

المَهْدِیُّ مِنْ وُلْدِی، تَکُونُ لَهُ غَیْبَةٌ وَ حَیرَةٌ تَضِلُّ فِیها الاُمَمُ، یأتِی بِذَخِیرَةِ الاَنْبِیاءِ فَیمْلَأُها عَدْلاً وَقِسْطاً کَما مُلِئَتْ جَوْراً وَظُلْماً؛[۸] مهدی از فرزندان من است، برای او غیبتی خواهد بود که مردم در آن گمراه شوند. او ذخیره پیامبران را می‌آورد و زمین را پر از عدل و داد می‌کند؛ همان‌گونه که پر از ظلم و جور شده باشد.

بعضی از این میراث‌ها، عبارت است از: «پیراهن»،[۹] «عمامه»،[۱۰] «زره»،[۱۱] «سلاح»،[۱۲] و «پرچم پیامبر گرامی اسلام»،[۱۳] «سنگ»[۱۴] و «عصای حضرت موسی[۱۵]» و «طشتی که وی در آن قربانی می‌کرد»[۱۶] و «انگشتری حضرت سلیمان».[۱۷]

پی‌نوشت

۱. صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمة، ج۱، ص۲۵۷، ح۲. ■ ۲. «[هان] امر خدا دررسید، پس در آن شتاب مکنید»: نحل (۱۶)، آیه ۱. ■ ۳. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبة، ص ۱۹۸، ح۹. ■ ۴. تفسیر عیاشی، ج۱، ص۱۹۷. ■ ۵. انبیا(۲۱)، آیه۸۱؛ احزاب (۳۳)، آیه ۹. ■ ۶. صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمة، ج۱، ص۲۵۴، باب۲۳، ح۴. ■ ۷. همان، ج۲، ص۳۷۱، ح۵. ■ ۸. همان، ج۱، ص ۲۸۷، ح ۵. ■ ۹. نعمانی، الغیبة، ص۳۵۰، ج۴۲. ■ ۱۰. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۸، ص۲۲۴، ح۲۸۵. ■ ۱۱. همان. ■ ۱۲. نعمانی، الغیبة، ص۳۴۹، ح۴۰؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۸، ص۲۲۴، ح۲۸۵؛ متقی هندی، کنز العمال، ح۳۹۶۷۳. ■ ۱۳. نعمانی، الغیبة، ۳۴۳، ح۲۸ و ۴۳۵، ح۱. ■ ۱۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۱، ص۲۳۱، ح۳. ■ ۱۵. همان، ح۱؛ نعمانی، الغیبة، ص۲۳۸، ح۲۸، صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمة، ج۲، ص۳۷۶، ح۷. ■ ۱۶. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۱، ص۲۳۲، ح۱. ■ ۱۷. همان، ص۲۳۱، ح۱. نعمانی، الغیبة، ص۳۴۳، ح۲۷.

شکست حمله نظامی
آمریکا به ایران در طبس
در تاریخ (۱۳۵۹ه‌ش)
آغاز هفته ی کار و کارگر

شنبه ۵ اردیبهشت

اذان صبح:	٤:٤٩
طلوع آفتاب:	٦:٢٠
اذان ظهر:	١٣:٠٢
اذان مغرب:	٢٠:٠٥

٦ رجب ١٤٣٦

25 Apr 2015

شن‌ها مأمور خدا بودند...

أَلَمْ ترَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّکَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ (۱) أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِی تَضْلِيلٍ (۲) وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ (۳) تَرْمِيهِم بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ (۴)

امام خمینی رحمه‌الله: «چه کسی این هلیکوپترهای آقای کارتر را که می خواستند به ایران بیایند ساقط کرد؟ ما ساقط کردیم؟ شن‌ها ساقط کردند. شن‌ها مأمور خدا بودند. باد مأمور خداست. باد قوم عاد را از بین برد. این باد مأمور خداوند است. این شن‌ها همه مأمورند.

روز موعود، پس از فرود هواپیماهای نظامی در صحرای طبس، نیروهای آمریکایی متوجه می‌شوند که دو فروند از بالگردها در همان اوایل پرواز دچار نقص فنی شده و مجبور به بازگشت هستند و تنها شش بالگرد که در دسته‌های دوتایی در حال پرواز بودند با تأخیر به طبس می‌رسند. در آن جا نیز یکی دیگر از بالگردها دچار نقص فنی شده و قادر به پرواز نمی شود. با خراب شدن یکی از بالگردها، فرمانده عملیات با هماهنگی مسئولان مافوق خود تصمیم می گیرد تا عملیات را لغو کرده و بازگردد. نیروهای نظامی در حال سوار شدن به هواپیماها بودند که ناگهان به دلیل طوفان شنی که به دلیل حرکت ملخ‌های بالگردهای آمریکایی ایجاد شد، یکی از بالگردها کنترل خود را از دست داده و به هواپیمایی که در حال سوخت‌گیری از هواپیمای دیگر بود، برخورد کرد و انفجار شدیدی رخ داد. در این انفجار هشت نفر از سربازان کشته شدند و در نهایت عملیات شکست خورد.. (سایت دانشجویان مسلمان پیرو خط امام – تسخیر)

شهادت روحانی مبارز حجه الاسلام مهدی شاه آبادی(۱۳۶۳ه ش) در جبهه جنوب
شهادت برادر پاسدار محمد منتظر قائم(۱۳۵۹ه ش)

پزشک روح

امام خامنه‌ای(مدظله العالی): روحانی پرهیزگار، خردمند، کارشناس و دلسوز در مسجد، همچون پزشک و پرستار در بیمارستان، روح و مایهٔ حیات مسجد است. (۱۳۸۹/ ۰۷/۲۰)

امام خمینی‌رحمه‌الله: من در جوانی در یکی از شهرهای اینجا وقتی که رفتم دیدم که محلات، محلات معروف رفتم دیدم که مردم اینجا صالحند. فرق دارند با جاهای دیگر. خوبند مردم‌شان. کم در آنها پیدا می‌شود که منحرف باشد. بعد که توجه پیدا کردم دیدم که عالم آنجاآن وقتی که من بودم عالم آنجا عالم خوب، علمای آنجا علمایی بودند که خیلی خوب بودند. مردم چشم‌شان و گوش‌شان و همه هوش‌شان توجه دارد به اینکه این آقا! این امام جماعت، این چه‌جور است. (صحیفهٔ امام، ج۱۱، ص: ۲۵۰)
روحانیون در هر جا که هستند، چه ائمهٔ جمعه و چه ائمهٔ جماعات و چه کسان دیگری که مشغول شغل روحانی هستند، اسلام امروز به ملّت ما و به شما که شاخص هستید و اولی هستید سپرده شده است. ما امروز همه پاسدار اسلام هستیم. (صحیفهٔ امام، ج۱۳، ص: ۴۳۵)

عن أبی جعفر علیه‌السلام قالَ: اذا قُمْتَ بِاللَّیْلِ مِنْ مَنَامِكَ فَقُلْ... أَللَّهُمَّ اجْعَلْنِی مِنْ زُوَّارِ بَیْتِكَ وَ عُمَّارِ مَسَاجِدِكَ.(الکافی، ج ۳،ص ۴۴۵ ، ح ۱۲)

دوشنبه ۷ اردیبهشت

اذان صبح: ٤:٤٦
طلوع آفتاب: ٦:١٧
اذان ظهر: ١٣:٠٢
اذان مغرب: ٢٠:٠٦

٨ رجب ١٤٣٦
27 Apr 2015

مسجد دانشگاه اسلامی

مسجد، از زمان پیامبر اکرم ﷺ ، مرکز آموزش معارف قرار گرفت. پیامبر ابتدا بر روی تنه درختی و بعدها بر فراز منبر به تبیین احکام الهی و معارف اسلامی پرداخت و سپس، همین امر به یک سنّت در مسجد بدل گردید و محراب و منبر، پیوندی جدایی ناپذیر پیدا کردند. علاوه بر آموزش‌های عمومی، حلقه‌های درس و رشته‌های تخصّصی در مسجد از زمان پیامبر ﷺ و بعدها به صورت توسعه‌یافته‌تر از زمان امیرالمؤمنین علیه‌السلام تا زمان به دانشگاه بزرگ صادقین علیهماالسلام شکل می‌گرفت. بنابراین، می‌بینیم که مسجد، کانون آموزش و ترویج فرهنگ، حتّی در سطوح مطالب تخصّصی و بنیادی نیز بوده است. متأسّفانه با نفوذ فرهنگ مدرنیته در جامعه اسلامی، بخش عمده‌ای از آموزش کشور، چه آموزش متوسّطه و چه آموزش‌های دانشگاهی، ابتدا از فضای مسجد جدا و سپس به تدریج حتّی از مبانی و اصول اسلامی هم تهی و خالی گردید. بنابراین، با جریان یافتن علوم سکولار در جامعه، روح دین‌داری تضعیف گردید و دین همچون نظامات مادّی از جریان جامعه‌پردازی کنار گذاشته شود و تز جدایی دین از سیاست، بر روح آموزش کشور حاکم گردید. انقلاب اسلامی، فرصت دوباره‌ای است تا با شکستن ساختارهای آموزشی نهادینه شده در جامعه، بستر بازگشت آموزش به مسجد فراهم شد و زمینه تولید علم دینی پدید آمد. به راحتی می‌توان کرسی‌های نظریه پردازی را در مساجد فعّال نمود که ثمره آن هم حاکمیّت روح تعبّد و تعهّد بر جریان نظریه‌پردازی است و همه توجّه به مبانی دینی در شکل گیری نظریه‌های نوین اسلامی در حوزه دست‌یابی به علوم انسانی اسلامی است. (ویژه نامه مسجد شناخت)

شهادت خلبان شهید علی اکبر شیرودی (۱۳۶۰هش)

سه‌شنبه ۸ اردیبهشت

اذان صبح: ٤:٤٤	۹ رجب ۱٤۳٦
طلوع آفتاب: ٦:١٦	28 Apr 2015
اذان ظهر: ١٣:٠٢	
اذان مغرب: ٢٠:٠٧	

از تکرار عتاب و سرزنش دوری کن!

دوران جوانی، دوران بحران غریزه‌هاست و بیشتر جوانان در برابر این نیروی ویرانگر، دچار لغزش و خطا می‌شوند. در این حال، به سعه صدر و هدایت بزرگ‌ترها نیاز دارند. برخورد ناسنجیده با جوان، به ویژه در عرصه اجتماعی، تأثیر منفی فراوانی در روحیه‌اش دارد و گاهی او را به سرسختی و لجاجت وامی‌دارد و برای مدت طولانی، از میدان تربیت دور می‌سازد. امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام درباره شیوه برخورد با جوان خطاکار، روش‌های تربیتی راه‌گشایی را یادآور می‌شوند. ایشان می‌فرماید:

إِذا عاتَبْتَ الحَدَثَ فَاتْرُكْ لَهُ مَوْضِعاً مِنْ ذَنْبِهِ لِئَلاّ يَحْمِلَهُ الإِخْراجَ عَلَى الْمُكابَرَة. (نهج البلاغه، حکمت ۸۱۹) هرگاه جوانی را بازخواست کردی، مقداری از گناهان او را نادیده بگیر تا مؤاخذه تو، او را به طغیان و لجاجت وادار نکند.

لَا تَكُونَنَ عَيَّاباً وَ لَا تَطْلُبَنَّ لِكُلِّ زَلَّةٍ عِتَاباً وَ لِكُلِّ ذَنْبٍ عِقَابا (مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۱۳) زیاد عیب‌جو نباش و برای هر لغزشی، در پی ملامت و مؤاخذه نباش.

وَ إِيَّاكَ أَنْ تُكَرِّرَ الْعَتْبَ فَإِنَّ ذَلِكَ يُغْرِي بِالذَّنْبِ وَ يُهَوِّنُ الْعَتْب (غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۵۹) از تکرار عتاب و سرزنش دوری کن؛ زیرا سبب واداشتن بر گناه می‌شود و ملامت را بی‌اثر می‌کند.

البته ملامت و سرکوفت، جدای از نصیحت و خیرخواهی است. بنابراین، توجه دادن گناهکار به زیان‌های گناه و نهی کردن او از گناه، نه تنها اشکال ندارد، بلکه در بیشتر موارد روحیه امر به معروف و نهی از منکر، حیات و بالندگی را در فرد و جامعه پدید می‌آورد.

ولادت حضرت امام محمد تقی، جواد الائمه علیه السلام (۱۹۵ هق)
ولادت حضرت علی اصغر علیه‌السلام(۶۰هق)
روز شوراها

چهارشنبه ۹ اردیبهشت

اذان صبـــح: ٤:٤٣
طلوع آفتاب: ٦:١٥
اذان ظهـــر: ١٣:٠٢
اذان مغـرب: ٢٠:٠٨

۱۰ رجب ۱٤٣٦
29 Apr 2015

با برکت ترین مولود شیعه ...

امام رضا (ع): «هذَا الْمَوْلُودُ الَّذی لَمْ یُولَدْ مُوْلُودٌ اَعْظَمُ بَرَکَةً عَلی شیعَتِنا مِنْهُ» او مولودی است که با برکت تر از او برای شیعیان ما زاده نشده است. (اصول کافی، جلد ۱، ص۳۲۱)

عصر امام رضا (ع) عصر ویژه‌ای بوده و حضرت در تعیین جانشین خود و معرفی امام بعدی، با مشکلاتی روبرو بوده که در عصر امامان قبلی، بی سابقه بوده است؛ زیرا از یک سو پس از شهادت امام کاظم (ع) گروهی که به «واقفیه» معروف شدند، براساس انگیزه‌های مادی، امامت حضرت رضا (ع) را انکار کردند و در تبلیغات خویش عدم داشتن فرزند پسر از سوی امام رضا (ع) را دلیل بر ادعای موهم خود می دانستند و از سوی دیگر امام رضا (ع) تا حدود چهل و هفت سالگی دارای فرزند نشده بود و چون احادیث رسیده از پیامبر حاکی بود که امامان دوازده نفرند که نه نفر آنان از نسل امام حسین (ع) خواهند بود، فقدان فرزند برای امام رضا (ع) هم امامت خود آن حضرت و هم تداوم امامت را زیر سؤال می‌برد و واقفیه این موضوع را دستاویز قرار داده، امامت حضرت رضا (ع) را انکار می کردند.
(اصول کافی ، ج ۱، ص ۲۸۶)

پنج شنبه ۱۰ اردیبهشت

اذان صبح: ٤:٤١
طلوع آفتاب: ٦:١٤
اذان ظهر: ١٣:٠٢
اذان مغرب: ٢٠:٠٩

١١ رجب ١٤٣٦
30 Apr 2015

روز ملی خلیج فارس
آغاز عملیات بیت المقدس(۱۳۶۱ه‌ش)
شهادت سردار رشید اسلام محسن وزرایی(۱۳۶۱ه‌ش)

اعتکاف، علامتی از یک حکومت الهی و دارای جهت‌گیری صحیح

امام خامنه‌ای (مد ظله العالی): بحمدالله به برکت انقلاب در این سال‌های اخیر این معنا (مراسم اعتکاف) زیاد شده و کیفیت پیدا کرده است. همه شنیدید که امسال در ایام اعتکاف در ماه مبارک رجب، در بسیاری از مساجد سراسر کشور، جوانان، زنان و مردان از قشرها و سنین مختلف، رفتند و در مسجد ماندند؛ سه روز روزه گرفتند و با خدا مأنوس شدند. بعد از آن هم با گریه و اشک و آه، مسجد را وداع گفتند و بیرون آمدند، تا برای سال آینده آماده شوند. عزیزان من! این برای یک جامعه، علامت خوبی است. «الَّذِینَ إِن مَّکَّنّاهُم فِی الأَرضِ أَقامُوا الصَّلاةَ» علامت یک حکومت الهی، علامت یک حرکت صحیح و دارای جهت‌گیری صحیح است. این را جدّی بگیرید و تقویت کنید. (۷۵/۱۰/۱۹)

توصیه من این است که در این سه روزی که شما در مسجد هستید، تمرین مراقبت از خود بکنید. حرف که می‌زنید، غذا که می‌خورید، معاشرت که می‌کنید، کتاب که می‌خوانید، فکر که می‌کنید، نقشه که برای آینده می‌کشید، در همه این چیزها مراقب باشید رضای الهی و خواست الهی را بر هوای نفس‌تان مقدم بدارید؛ تسلیم هوای نفس نشوید. (۱۳۸۴/۵/۲۸)

روز جهانی کار و کارگر
وفات عباس بن عبدالمطلب
عموی پیامبر اسلامی
(۳۲ هـ ق)

جمعه ۱۱ اردیبهشت

اذان صبح: ٤:٤٠
طلوع آفتاب: ٦:١٣
اذان ظهر: ١٣:٠١
اذان مغرب: ٢٠:١٠

١٢ رجب ١٤٣٦

1 May 2015

یک شب اعتکاف، معادل یک حج

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «اعْتِكَافُ عَشْرٍ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ يَعْدِلُ حَجَّتَيْنِ وَ عُمْرَتَيْنِ.» (من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۸)
(پاداش) اعتکاف ده روز (آخر) در ماه رمضان، معادل دو حج و دو عمره می‌باشد.
امام علی ؑ فرمودند: «مَنِ انْفَرَدَ عَنِ النَّاسِ أَنِسَ بِاللَّهِ سُبْحَانَهُ.» (مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۹۳)
کسی که از مردم کناره‌گیرد، همدم خداوند سبحان شود.
امام رضا ؑ فرمودند: «اعْتِكَافُ لَيْلَةٍ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ يَعْدِلُ حَجَّةً وَ اعْتِكَافُ لَيْلَةٍ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ وَ عِنْدَ قَبْرِهِ يَعْدِلُ حَجَّةً وَ عُمْرَةً.» (إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۳۵۸)
یک شب اعتکاف در ماه رمضان معادل یک حج است و یک شب اعتکاف در مسجد رسول خدا ﷺ و در نزد قبر آن حضرت معادل یک حج و عمره است.

﴿ وَ مِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نافِلَةً لَكَ عَسى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقاماً مَحْمُوداً ﴾[1]؛ «و پاره‌ای از شب را به نماز بیدار باش که این برای تو افزون بر نمازهای واجب است؛ باشد که پروردگارت به تو مقامی عطا کند که همه آن را بستایند و تو را با آن مقام (مقام شفاعت) در قیامت برانگیزد».

شأن نزول

برای این آیه شریفه شأن نزولی بیان نشده است؛ ولی روایات بسیاری درباره مقام شفاعت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بیان شده است؛ از جمله در شأن مقام شفاعت کبرای نبی مکرم صلی الله علیه و آله آمده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چون در مقام محمود برای معصیت‌کارانِ گناه کبیره از امتم شفاعت کنم، خدا بپذیرد و به خدا قسم درباره کسانی که ذریّه مرا آزار داده‌اند، شفاعت نکنم.[2]

در جای دیگر می‌فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی، تو برادر منی و من برادر تو؛ من برای نبوّت برگزیده شده‌ام و تو برای امامت؛ من صاحب تنزیلم و تو صاحب تاویل؛ من و تو دو پدر این امت هستیم. ای علی، تو وصی و خلیفه و وزیر و وارث منی و پدر دو فرزندم. شیعیانت شیعیان من هستند و یارانت یارانم؛ دوستانت دوستانم و دشمنانت دشمنانم. ای علی، تو رفیق منی؛ سر حوض در فردای قیامت تو همراه منی؛ در مقام محمود تو پرچم‌دار من هستی.[3]

نکات تفسیری

۱ـ کلمه «تهجّد» از ماده «هجود» است که در اصل به معنای خواب است و تهجّد به طوری که بسیاری از اهل لغت گفته‌اند، به معنای بیداری بعد از خواب است. گفته شده است که عبارت «مِن اللیل» برای اغراء، تحریک و تهییج آمده است و نظیر «علیک باللیل» یعنی «بر تو باد شب» است و حرف« ف» که بر سر «فتهجد» آمده است، نظیر «ف» در «فَإِيّايَ فَارْهَبُونِ»[4] به معنای قطعیت عمل است و معنای آیه چنین است که «قسمتی از شب را پس از خوابیدنت بیدار باش و به قرآن (یعنی نماز) مشغول شو؛ نمازی که بیشتر از نماز واجب، بر تو لازم است».[5] لذا از آیه شریفه استفاده می‌شود که نماز شب برای پیامبر صلی الله علیه و آله واجب بوده است.

۲ـ در اینجا محمود بودن مقام آن جناب را مطلق آورده و هیچ قیدی به آن اضافه نشده است و این خود می‌فهماند که مقام مذکور، مقامی است که همه آن را می‌پسندند و معلوم است که مردم، وقتی مقامی را حمد می‌کنند که مورد رغبت آنان است و از آن منتفَع شوند؛ به همین جهت آن را تفسیر کرده‌اند به مقامی که همه خلائق آن را حمد می‌کنند و آن، مقام شفاعت کبرای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که روز قیامت در آن مقام قرار می‌گیرد و روایات وارد شده در تفسیر این آیه از طریق شیعه و سنّی نشان می‌دهد که همه بر این معنا متفق‌اند.[6]

حدیث

از نبی اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که آبرو و شرف مؤمن به نماز شب و عزّت او در بی‌نیازی از مردم است.[7]

و نیز فرموده است: چون خداوند در روز قیامت مردمان اولین و آخرین را گرد آورد، ندادهنده‌ای صدا می‌زند که شب زنده‌دارانی که خدای را در دل‌های شب می‌خواندند، به پا خیزند؛ پس گروهی اندک بپا خیزند؛ بعد از ایشان به حساب بقیه مردم رسیدگی شود.[8]

در مناجات‌های حضرت داوود ﷺ، پروردگار به وی فرمود: ای داوود، بر تو باد به استغفار در شب‌های تاریک و سحرگاهان؛ ای داوود، هرگاه تاریکی شب تو را فراگرفت، نگاه کن به ستارگان بلند در آسمان و مرا تسبیح بگوی و بسیار به یاد من باش که من هم تو را یاد می‌کنم. ای داوود، همانا پرهیزکاران شب‌هایشان را نمی‌خوابند؛ به خواندن نماز به سر می‌برند و روزشان را سپری نمی‌کنند مگر به ذکر من.[۹]

داستان

مرحوم ملاّزین‌العابدین سلماسی که از ملازمان و خوّاص علاّمه بحرالعلوم است، اظهار می‌دارد:

«بحرالعلوم هر شب در کوچه‌های نجف گردش می‌کرد و برای بینوایان غذا می‌برد. اتفاقاً چند روزی درس را تعطیل کرد؛ طلاّب مرا شفیع کردند که علّت این امر را سؤال کنم؛ وقتی از ایشان خواستم درس را شروع بفرمایند و درباره سبب ترک تدریس سؤال کردم، پاسخ دادند: درس نمی‌گویم؛ پس از چند روز ماجرا تکرار شد و من انگیزه ترک تدریس را سؤال کردم؛ علاّمه فرمود:

در نیمه‌های شب هرگز نشنیدم که این طلاّب با خداوند متعال مناجات کنند و به تضرّع و زاری مشغول باشند؛ با اینکه من شب‌ها در کوچه‌های نجف گردش می‌کنم و این‌گونه طلبه‌ها سزاوار نیستند که آنان را آموزش دهم.

وقتی طلاّب از گفته علاّمه آگاه شدند، همگی متنبه شده و ... و شب‌ها صدای گریه و مناجات آنان از هر سو بلند شد و ایشان مجدّداً تدریس را آغاز کردند.[۱۰]

نتیجه

از آیات کریمه قرآن که در این باب نازل شده است استفاده می‌شود که:

۱ـ سحرگاهان بهترین زمان طلب مغفرت از خداوند متعال است «المستغفرین بالاسحار».[۱۱]

۲ـ با توجه به آیه مذکور، بهترین زمان برای بخشیده شدن گناهان نیز سحرگاهان است «وَمَن یَعمَل سوءًا او یَظلِم نَفسَهُ ثُمَّ یَستَغفِرِ الله یَجِدِ الله غَفورًا رَحیما»[۱۲]

۳ـ هم‌چنین این ساعت‌ها بهترین زمان آمادگی قلب برای دریافت معارف الهی است «قُمِ اللَّیْلَ الاّ قَلیلًا... انَّا سَنُلْقی عَلَیْکَ قَوْلًا ثَقیلًا»[۱۳]

پی‌نوشت

۱ . اسراء: ۷۹. ■ ۲ . شیخ صدوق، الامالی، ترجمه کمره‌ای، ص۲۹۵. ■ ۳ . همان، ص۳۳۲. ■ ۴ . پس تنها از من بترسید، نحل: ۵۱. ■ ۵ . محمدحسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج۱۳، ص۲۴۲. ■ ۶ . همان. ■ ۷ . حسن دیلمی، ارشاد القلوب، ترجمه رضایی، ج۱، ص۲۱۱. ■ ۸ . همان. ■ ۹ . همان. ■ ۱۰ . محمدبن‌سلیمان تنکابنی، قصص العلماء، ص۱۷۳-۱۷۴. ■ ۱۱ . ذاریات: ۵. ■ ۱۲ . نساء: ۱۱۰. ■ ۱۳ . مزمل: ۲ـ۵. ■

جایگاه انتظار در فرهنگ شیعه

«فَرَج» به معنای «گشایش» است و انتظار فرج، برخاسته از فطرت کمال جوی بشری است؛ اگر چه عوامل دیگری نیز می‌تواند منشأ انتظار باشد. در حقیقت انتظار، کیفیتی روحی است که باعث به وجود آمدن حالت آمادگی (انسان‌ها) برای امر مورد انتظار است و در مقابل آن، یأس و ناامیدی مطرح می‌شود. هر چه انتظار انسان، بیشتر باشد؛ تحرک و پویایی او و در نتیجه آمادگی انسان نیز بیشتر خواهد شد».[1]

مفهوم‌شناسی انتظار در فرهنگ شیعه

در یک بررسی کوتاه، روایاتی که در آنها سخن از انتظار است، به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱. انتظار فرج به معنای عامّ

در این معنا، آموزه‌های دینی بر آن است تا افزون بر بیان فضیلت «فرج» و امید به آینده، نومیدی را نیز مورد نکوهش قرار داده، از ورود جوامع بشری به آن جلوگیری کند. انتظار در فرهنگ شیعی در برخی موارد با ارزش‌های والایی ذکر شده است. برخی از موارد از این قرار است:

۱ـ۱. عبادت و بندگی

قرآن و سیره اهل بیت به ما می‌آموزد که هدف از آفرینش، بندگی خداوند است.[2] رسول خدا، یکی از نمودهای این بندگی را انتظار گشایش دانسته و می‌فرماید:

«انتظار الفرج عباده[3]. انتظار فرج، عبادت است.»

از آن‌جا که بیشتر عبادات، در شمار رفتارهای انسان است، می‌توان نتیجه گرفت که مقصود از انتظار نیز، مجموعه رفتارهایی خاص است.

۱ـ۲. برترین عبادت

برخی عبادات بر برخی دیگر برتری دارد؛ از این رو انجام آن، افزون بر آنکه

پیشنهادهای اجرایی هفته

قرائت دعای ماه رجب در بین الصلاتین ◆ برگزاری مراسم زیارت امین الله در روز ولادت حضرت علی علیه السلام ◆ تجلیل از معلمان ساکن در محله در روز معلم ◆ معرفی کتب شهید مطهری به نسل جوان و تشکیل هسته های مطالعاتی آثار شهید مطهری ◆ جلسه با هیئت امناء ◆ تشکیل صندوق قرض الحسنه مسجد ◆ برگزاری مراسم زیارت آل یاسین ◆ ایجاد گروهی متشکل از بانوان جهت نگهداری اطفال هنگام نماز جماعت ◆ انتخاب شورایی از بانوان مسجد برای برنامه ریزی فعالیت ها و برنامه های ویژه زنان و دختران و ارائه به شورای فرهنگی مسجد ◆ برگزاری مراسم عزاداری سالروز وفات حضرت زینب سلام الله علیها ◆ برنامه ریزی و اجرای مراسم ویژه اعمال امّ داوود در روز ۱۵ رجب در جمع معتکفین ◆ برگزاری جلسه برنامه ریزی فعالیت های غنی سازی اوقات فراغت در تابستان ◆ برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید ◆ خطابه با موضوع شخصیت شیخ صدوق و شیخ کلینی و نقش علمای اسلام در حفظ میراث شیعه ◆ خطابه با عنوان دلایل تغییر قبله مسلمین و نقش یهود در آن ◆ برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه) ◆ برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه)

مورد تأکید آموزه‌های دینی است، از پاداش افزون‌تری نیز برخوردار است و نقش مؤثری در سازندگی انسان دارد. رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

اَفضَلُ العِبادَةِ اِنتِظارُ الفَرَج؛[۴] برترین عبادت انتظار فرج است.

۱ـ۳. برترین کارها

گاهی این مسئله را برترین کارهای امت پیامبر ﷺ معرفی می‌کند. رسول گرامی اسلام، دراین‌باره می‌فرماید:

اَفْضَلُ اَعْمالِ اُمَّتی اِنتظارُ الفَرَجِ مِنَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ؛[۵] برترین کارهای امت من، انتظار فرج از جانب خداوند است.

۱ـ٤. فرج بودن خود فرج

امروزه، از نظر دانش روانشناسی ثابت شده است داشتن امید، نقش بسیار مهمی در رفتارهای اجتماعی دارد. به بیان دیگر انتظارِ آینده‌ای روشن و درخشان، باعث می‌شود زندگی کنونی انسان نیز از روشنایی و پویایی برخوردار شود. در برخی روایات مربوط به انتظار فرج، به این حقیقت ارزشمند این گونه اشاره شده است که خود انتظار فرج، نوعی فرج و گشایش است. امام سجّاد علیه‌السلام در این‌باره فرمود:

اِنتِظارُ الفَرَجِ مِنْ اَعظَمِ الفَرَجِ؛[۶] انتظار گشایش، خود از بزرگ‌ترین گشایش‌ها است.

۱ـ۵. برترین جهاد

در آموزه‌های دینی، جهاد و کوشش در راه خدا، یکی از مهم‌ترین رفتارهای فردی و گروهی مسلمانان معرفی شده است. آیات فراوانی از قرآن و روایات بسیاری از معصومان، به حقیقت این رفتار ارزشمند اشاره کرده است.

در روایات از انتظار به عنوان «جهاد» بلکه «برترین جهاد» یاد شده است. از این نوع روایات نیز به خوبی استفاده می‌شود انتظار، از نوع عمل است. در این رابطه رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

اَفْضَلُ جِهادِ اُمَّتی اِنْتِظارُ الفَرَجِ؛[۷] برترین جهاد امت من، انتظار گشایش است.

۲. انتظار فرج به معنای خاص

در این معنا، انتظار به معنای چشم‌به‌راه بودن آینده‌ای با تمام ویژگی‌های یک جامعه مورد رضایت خداوندی است که یگانه مصداق آن دوران حاکمیت آخرین ذخیره‌الهی، وجود مقدّس حضرت ولی عصر علیه‌السلام است.

پی‌نوشت

۱. ر.ک: موسوی اصفهانی، محمّدتقی، مکیال المکارم، ترجمه: مهدی حائری قزوینی، ج۲، ص ۲۳۵. ■ ۲. ذاریات(۵۱): آیة ۵۶. ■ ۳. اربلی، کشف الغمة فی معرفة الائمة، ج ۲، ص ۱۰۱؛ شیخ طوسی، أمالی، ص ۴۰۵. ■ ۴. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۸۷؛ ر.ك: ترمذی، سنن، ج ۵، ص ۵۶۵. ■ ۵. شیخ صدوق، عیون اخبارالرضا علیه‌السلام، ج۲، ص۳۶؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۴۴ ■ ۶. طبرسی، احمد بن علی، احتجاج، ج ۲، ص ۳۱۷؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۱۹. ■ ۷. حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ص ۳۷.

ولادت حضرت امام علی علیه السلام (۲۳ سال قبل از هجرت). (تعطیل)
آغاز ایام البیض اعتکاف
شهادت استاد مرتضی مطهری (۱۳۵۸ هش)
روز معلم

شنبه ۱۲ اردیبهشت

اذان صبح: ٤:۳۹
طلوع آفتاب: ٦:۱۲
اذان ظهر: ۱۳:۰۱
اذان مغرب: ۲۰:۱۱

۱۳ رجب ۱٤۳٦
2 May 2015

فضیلت مولود کعبه بر حضرت عیسی علیه السلام

در حدیثی به نقل از صعصعة بن صوحان از امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمده که او از امام اینچنین می‌پرسد: «أنتَ أفضَل أم عیسَی بن مَریَم؟ قال علی: عیسی کانَت أمُّه فی بیت المقدس فلما جاء وقت ولادتِها سمعَت قائلاً یقول: أخرجی، هذا بیت العبادة لا بیت الولادة. وأنا أمی فاطمة بنت أسد لما قربَ وضعُ حملِها کانَت فی الحَرَم فانشقَّ حائطُ الکعبةِ و سمِعَت قائلاً یقول: أدخلی فدخَلَت فی وسطِ البیتِ و أنا وُلِدتُ فیه، و لَیسَ لأحدٍ هذه الفَضیلة، لا قَبلی و لا بَعدی.»
آیا شما برترید یا عیسی بن مریم؟ حضرت فرمود: مادر عیسی در بیت المقدس بود، چون هنگام زایمان او فرارسید، شنید که کسی می‌گفت: بیرون رو که اینجا پرستش گاه است نه زایش گاه، اما مادر من فاطمه بنت اسد چون هنگام زایمانش فرا رسید، در حرم بود، پس دیوار کعبه شکافت و شنید که کسی می‌گوید: داخل شو، و او داخل در وسط خانه شد و من در آنجا به دنیا آمدم، و این فضیلت را هیچ کس پیش از من و پس از من دارا نبوده و نیست.
(الانوار النعمانیة، ج ۱، ص ۲۷ - اللمعة البیضاء، ص ۲۲۰)

ورود قمر به عقرب ۸:۱۷

یکشنبه ۱۳ اردیبهشت

اذان صبح:	٤:٣٧
طلوع آفتاب:	٦:١١
اذان ظهر:	١٣:٠١
اذان مغرب:	٢٠:١٢

١٤ رجب ١٤٣٦

3 May 2015

نجات داوود با اعمال امّ داوود

نقل شده، جوانی اهل معرفت به نام داوود در عراق به دست منصور دوانیقی به مدت طولانی در زندان او گرفتار شده بود. مادرش تاب و توان خود را در فراق پسر از دست داده و روزی به خدمت امام صادق علیه‌السلام رفت و داستان را نقل کرد و از آن حضرت چاره‌جویی نمود. حضرت فرمود: آیا می‌دانی این ماه، ماه رجب است و دعا در آن، زود به اجابت می‌رسد؟ آنچه را که می‌گویم دقیقاً انجام ده تا فرزندت از زندان رهایی یابد.

ابتدا سه روزِ سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم رجب را روزه بدار و روز پانزدهم هنگام ظهر غسل کن و هشت رکعت نماز به جا بیاور. همین که امّ داوود نماز را خواند، پس از مدّت کمی پسرش آزاد شد. پس از آن ام داوود خدمت امام صادق علیه‌السلام رسیده و پس از عرض سلام خبر رهایی پسرش را به ایشان رساند. امام صادق علیه‌السلام فرمود: منصور دوانیقی در یکی از شب‌ها جدّم علی بن ابی طالب علیه‌السلام را در خواب دید که به او هشدار داد: هرچه زودتر فرزندم داوود را آزاد کن و گرنه تو را در آتش می اندازم. منصور هنگامی که آتش را در مقابل خود دید دستور داد که داوود را آزاد کنند.(بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۴۴)

وفات حضرت زینب سلام الله علیها (٦٢ هق)
تغییر قبله مسلمین از بیت المقدس به مکه معظمه (٢ هق)

دوشنبه ۱۴ اردیبهشت

اذان صبح: ٤:٣٦
طلوع آفتاب: ٦:١٠
اذان ظهر: ١٣:٠١
اذان مغرب: ٢٠:١٣

١٥ رجب ١٤٣٦

4 May 2015

فوالله لا تمحوا ذکرنا...

«فوالله لا تمحوا ذکرنا و لا تمیت وحینا»

محمد بحر العلوم در کتاب رحاب السیدة زینب ، داوری و نظری دارد. ایشان می گوید تفاوتی ندارد که سرانجام سفر زینب عقیله بنی هاشم به دمشق بوده است و یا مصر. تفاوت ندارد که خورشید کجا غروب کرده است. آنچه اهمیت دارد شعاع آن آفتاب روشنایی بخش است که در طول زمان غروب نمی کند. فریادی که در آسمان باور و اندیشه پیچیده شده است، کلمات جاودانه‌ای که از زینب باقی مانده است و برای همیشه حکومت و هیبت بنی امیّه و هر باطلی را تهدید می کند. در هر زمان و در سرتاسر زمین همواره زنده است و مرگ نتوانسته و نمی تواند آن فریاد را خاموش کند؛ چرا که زینب خود به یزید گفت: فوالله لا تمحوا ذکرنا و لا تمیت وحینا زینب وقتی در گذشت، از جنس خاک نبود که این دغدغه را داشته باشیم که خاک او در مصر است یا دمشق؛ از جنس آفتاب بود که به همه زمین روشنایی و گرمی می بخشد. (پیام آور عاشورا)

با تو هستم جان خواهر همسفر
تو به پا این راه کوبی من به سر
خانه سوزان را تو صاحب‌خانه باش
با زنان در همرهی مردانه باش
(عمان سامانی)

روز بزرگداشت شیخ صدوق
روز ماما
خروج قمر از عقرب۱۶:۱۲

سه‌شنبه ۱۵ اردیبهشت

اذان صبح: ٤:٣٤
طلوع آفتاب: ٦:٠٩
اذان ظهر: ١٣:٠١
اذان مغرب: ٢٠:١٣

١٦ رجب ١٤٣٦
5 May 2015

جوان‌های شما را دارند فوج فوج از شما می‌گیرند...

در عصر اطلاعات که اخبار و تحلیل‌های گوناگونی از نقاط مختلف به گوش جوانان می‌رسد، نیازی مضاعف به پایگاه و مرکزی که بتواند تحلیل صحیح و منطقی از این اخبار و حوادث را برای آنها ارائه دهد، احساس می‌شود تا باعث تقویت بصیرت و آگاهی جوانان به مسائل روز شده و آنان را در مقابل تحلیل‌های غلط و فتنه انگیز محفوظ بدارد. قطعاً مساجد و پایگاه‌های بسیج می‌توانند چنین نقش محوری را بر عهده بگیرند و مبلغین نیز وظیفه دارند با نظارت و مشارکت خویش، چنین فعالیت‌هایی راساماندهی کنند.

امام خمینی رحمه‌الله درمورد ضرورت چنین امری به مسئولین و بزرگان کشور این چنین توصیه کرده‌اند: «من به شما آقایان توصیه می‌کنم، برسانید به این مملکت، برسانید به همه‌ی اطراف این مملکت، که آقا در مقابل یك همچو کاری که جوان‌های شما را دارند فوج فوج از دستتان می‌گیرند، مجامع دینی درست کنید. در جمعه‌ها که آنها می‌خواهند شما را به مراکز فساد بکشند، مجامع تبلیغاتی درست کنید؛ مردم را دعوت به دین بکنید؛ مصالح روز را به مردم بگویید؛ مفاسد روز را به مردم بگویید. موظفیم ما به این معنا؛ باید این کار بشود. اگر این کار نشود، از دست می‌برند جوان‌های شما را. برای جوان‌ها یك مراکزی درست کنید که در آنجا تبلیغ بشوند آنها؛ گفته بشود مطالب.»
(صحیفه امام، ج۱، ص ۳۹۴)

چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت

اذان صبح: ۴:۳۳
طلوع آفتاب: ۶:۰۸
اذان ظهر: ۱۳:۰۱
اذان مغرب: ۲۰:۱۴

۱۷ رجب ۱۴۳۶
6 May 2015

نسل جوان، مسئله ملّی است

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): مسئلهٔ جوانان در کشور ما، باید به یك مسئلهٔ حقیقتاً ملی تبدیل شود. همه باید در قبال این مسئلهٔ احساس مسؤولیت کنند؛ هم دولت، هم روحانیت، هم بسیج، هم سازمان‌های ورزشی و هم صدا و سیما. من می‌خواهم امروز با حضور در این مجلس و با طرح مسئلهٔ جوانان و با سخن گفتن رودررو با جوانان، این پیام را به همهٔ مسؤولان برسانم که باید مسئلهٔ جوانان، نیازهای جوانان، آینده‌ی جوانان و برنامه‌ریزی برای جوانان را یك مسئلهٔ درجه‌ی یك و جدّی به حساب آورند. مطالبی مانند «امید ملت» و «آینده‌ی کشور» مکرّر دربارهٔ جوانان گفته می‌شود. اینها مطالب راستی است، اما تکراری است.
جوانی، یك پدیدهٔ درخشان و یك فصل بی‌بدیل و بی‌نظیر از زندگی هر انسانی است. در هر کشوری که به مسئلهٔ جوان و جوانان، آن‌چنان که حق این مطلب است، درست رسیدگی شود، آن کشور در راه پیشرفت، موفّقیت‌های بزرگی بدست خواهد آورد. اگر کشوری مثل کشور ما باشد که در آن جمعیت جوان، یك جمعیت غالب و بزرگ و یك نسبت عظیم از جمعیت کلّ کشور را تشکیل می‌دهد، این قضیه اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. ...جوانی، این دوره‌ی مشعشع و درخشان، دوره‌ای است که اگر چه چندان طولانی نیست، اما آثارش یك آثار ماندگار و طولانی در همهٔ زندگی انسان است. (۷۹/۲/۱)

پنج‌شنبه ۱۷ اردیبهشت

اذان صبح: ۴:۳۲
طلوع آفتاب: ۶:۰۷
اذان ظهر: ۱۳:۰۱
اذان مغرب: ۲۰:۱۵

۱۸ رجب ۱۴۳۶

7 May 2015

هر آدمی برای خودش عالَمی است!

یکی از سؤالات مهم در بحث تربیت، هدایت و راهنمایی جوانان و جذب آنان به سوی ارزش‌های دینی این است که آیا در جذب و هدایت آنها باید بیشتر بر اصول عقلی و استدلالی تکیه نمود یا مبنای کار را فطرت انسان قرار داد و یا مبنای فعالیت را رفتارهای شرعی و احکام قرار دهیم، یا آنکه محور کار تربیت و جذب جوانان به سوی دین را، عواطف و احساسات جوانان قرار دهیم؟

پاسخ آن است که نمی‌شود یک نسخه کلی برای همه جوانان یا نوجوانان نوشت. در امر تربیت و جذب و هدایت جوانان یا نوجوانان باید از همه عناصر و شیوه‌ها بهره جست، هم از عقل استفاده کرد، هم از نقل، هم از اخلاق و عرفان، و هم از احساسات و عواطف درونی باید بهره جست، چنان که باید به بیان احکام شرعی و مناسک عبادی نیز پرداخت، لیکن میزان استفاده از هر یک از این عناصر بر حسب سن و دوره و مایه‌های اولیه تربیتی و حتی خصوصیات شخصی و فردی جوانان متفاوت است.

به گفته یکی از اندیشمندان امر تربیت: «جوان‌ها مثل دانه‌های چوب کبریت نیستند که همه یک اندازه و یک شکل باشند و بشود آنها را قالبی در قوطِی‌های هم‌شکل بسته‌بندی یا دسته‌بندی کرد. هر آدمی برای خودش عالَمی است.» (حداد عادل، آسیب شناسی تربیتی دینی، ج ۱، ص ۷۵)

جمعه ۱۸ اردیبهشت

اذان صبح: ٤:٣٠
طلوع آفتاب: ٦:٠٦
اذان ظهر: ۱۳:۰۱
اذان مغرب: ۲۰:۱٦

۱۹ رجب ١٤٣٦
8 May 2015

روز بیماریهای خاص و صعب العلاج
روز جهانی صلیب سرخ و هلال احمر (برابر با ۸ مه)

جوانِ حق جو و آفت آن!

یکی از آفاتی که در مسیر جوانان فعال در برنامه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی وجود دارد، قضاوت عجولانه و از روی تعصب و به تبع آن اظهارنظرها و اقدامات شتاب‌زده و ناپخته می‌باشد. باید به جوانان فعال در این عرصه‌ها تذکر داده شود تا خدای نکرده با قصد خیر، رفتاری مخرب و ناصحیح انجام ندهند. امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در نمونه‌ای از این نصیحت پدرانه می‌فرمایند:

«اختلاف سلیقه چیز بدی نیست و اشکالی هم ندارد که حالا که مثلاً دو سلیقه سیاسی وجود دارد، یك جوان به این سلیقه معتقد باشد، دیگری به آن سلیقه. آن چیزی که مضر است، اقدام بی‌فکر و بی‌مطالعه و تصمیم گیری‌های سریع و جوشی شدن و بی‌مطالعه کار کردن است. من جوانان عزیز را از این حالت بر حذر می‌دارم. جوانی لزوماً به معنای سرعتِ تصمیم گیری نیست. البته جوانی به معنای بی‌باکی در اقدام هست؛ به معنای این هست که انسان خیلی دچار پیچ و خم‌های کاری که می‌خواهد انجام گیرد، نشود؛ اما به معنای جوشی شدن، اقدام بی‌رویّه کردن و اقدام نسنجیده کردن نیست. جوان می‌تواند نسنجیده کاری کند، می‌تواند هم سنجیده کاری کند؛ یعنی کاملاً با فکر و با تأمّل کار کند. اگر این خصوصیّت، یعنی خصوصیّت تأمّل و اندیشمندی و مطالعه و حق جویی وجود داشته باشد، که همه این‌ها خصوصیّاتی است که کاملاً در جوان می‌تواند باشد؛ بعضیش هم مثل حق جویی، اصلاً جزو خصوصیّات جوانان است؛ اختلاف سلیقه هیچ مانعی ندارد و موجب گمراهی نخواهد شد؛ حداقل ضررهای عمده پیدا نخواهد شد. (۷۷/۸/۲)

﴿إِنَّما وَلِيُّكُمُ اللهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذينَ آمَنُوا الَّذينَ يُقيمُونَ الصَّلاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكاةَ وَ هُمْ راكِعُونَ﴾[1]؛ «ولیّ و سرپرست شما تنها خداوند و پیامبرش و مؤمنانی هستند که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع، زکات می‌دهند».

شأن نزول

ابوذر می‌گوید: روزی همراه پیامبر اسلام ﷺ نماز ظهر را به جماعت اقامه کردیم؛ پس از نماز نیازمندی تقاضای کمک کرد. (بر اثر فقری که بر غالب مسلمانان حاکم بود) کسی از حاضران کمکی به او نکرد؛ سائل (که از دریافت کمک ناامید شده بود)، دستانش را به سوی آسمان بلند کرد و چنین گفت: خدایا، تو شاهد باش که در مسجد پیامبر اسلام ﷺ تقاضای کمک کردم، کسی کمکم نکرد. علی علیه السلام که در آن هنگام مشغول نماز (مستحبّی و نافله) بود، با انگشت خِنْصِرْ (یعنی انگشت کوچک دست راستش که انگشتری در آن بود) به آن نیازمند اشاره کرد. شخص نیازمند به سوی آن حضرت آمد و انگشتر آن حضرت را درآورد و رفت. این صحنه در حضور و جلوی چشمان پیامبر ﷺ و اصحاب انجام شد. پیامبر ﷺ پس از دیدن این صحنه زیبا و باشکوه دست به آسمان بلند کرد و فرمود: پروردگارا، برادرم موسی‌بن‌عمران از تو تقاضایی کرد و گفت: «پروردگارا! سینه‌ام را گشاده کن و کارم را برایم آسان گردان و گره از زبانم بگشای تا سخنان مرا بفهمند و وزیری از خاندانم برای من قرار ده، برادرم هارون را. با او پشتم را محکم گردان و او را در کارم شریک ساز»، و تو (در مقام اجابت خواسته‌اش) در قرآن چنین فرمودی: «به‌زودی بازوان تو را به وسیله برادرت محکم (و نیرومند) می‌کنیم؛ و برای شما سلطه و برتری قرار می‌دهیم».

پروردگارا، من محمّد پیامبر و برگزیده تو هستم. سینه‌ام را گشاده کن و کارم را برایم آسان گردان و وزیری از خاندانم، یعنی علی، برایم قرار ده؛ با او پشتم را محکم گردان».

ابوذر در ادامه این حدیث می‌گوید: «به خدا قسم، هنوز سخنان پیامبر ﷺ به پایان نرسیده بود که جبرئیل نازل شد و آیه «إِنَّما وَلِيُّكُمُ اللهُ وَ...» را بر پیامبر خواند.[2]

نکات تفسیری

۱ـ کلمه «انّما» حصر را می‌رساند، ولی آیه شریفه از دو جهت ابهام دارد؛ نخست اینکه منظور از «ولی» در این آیه چیست؟ زیرا ولی معانی مختلفی دارد؛ بدین جهت باید مشخّص کنیم که معنای آن در اینجا چیست؟ دیگر اینکه مراد از «الَّذينَ آمَنُوا» با آن قیدهای سه‌گانه چه کسی است؟ آیا شخص خاصّی منظور آیه است[3] یا هر کسی که دارای این اوصاف سه‌گانه گردد، مشمول آیه است؟[4]

۲ـ کلمه ولیّ مشتق از «ولی» و «ولایت» و به معنای سرپرستی و صاحب‌اختیار است. ابن‌منظور در تعریف ولیّ می‌گوید: ولیّ یتیم کسی است که عهده‌دار کار یتیم است و به امور او قیام می‌کند و ولیّ زن کسی است که سرپرستی عقد ازدواج او را بر عهده دارد.[5]

فیومی نیز می‌گوید: ولیّ شخص کسی است که به امر او قیام کند و آیه «اللهُ وَلِيُّ الّذينَ ءَامَنوا»[6] از همین قبیل است.[7] بنابراین از گفتار لغویان[8] می‌توان استفاده کرد که معنای «ولایت» همان سرپرستی و عهده‌دار بودن کار دیگری است و

معانی دیگری که برای آن گفته‌اند، از قلمرو همین معناست؛ پس وقتی گفته می‌شود: دوست، همسایه، هم‌پیمان، پدر، خدا و پیامبر ولیّ هستند، در همه موارد این معنا (اولویّت در قیام به امور) موجود است و چنان‌که ادیبان تصریح کرده‌اند، اصل، عدم اشتراک لفظی است[9] و در صورتی که اشتراک لفظی را بپذیریم، یعنی معانی متعدّدی برای لفظ ولایت قائل شویم، قراین حالی و لفظی دلالت می‌کند که مقصود از ولایت در این آیه همان سرپرستی است؛ زیرا ولایت که به صورت مفرد و با یک تعبیر به همه (خدا، پیامبر، مؤمنانی که...) نسبت داده شده، به یک معناست و چنان‌که خداوند (اللهُ وَلِیّ الّذین ءَامَنوا)[10] و پیامبر (النَّبیُّ أَولی بِالمُؤمِنینَ مِن أَنفُسِهِم)[11] ولایت به معنای سرپرستی بر مؤمنان را دارا هستند، «الّذین ءَامنوا...» نیز همان ولایت خدا و پیامبر را دارد؛ البتّه این ولایت برای خداوند بالاصاله و برای پیامبر و «الّذینَ ءَامنوا...» تبعی و با اذن پروردگار است. از سوی دیگر پیامبر ﷺ که وظیفه تبیین آیات را بر عهده دارد: «و أَنزَلنا إِلَیکَ الذِّکرَ لِتُبیِّنَ لِلنّاسِ مَا نُزِّلَ إِلیهِم»،[12] خود به روشنی ولایت در این آیه را تفسیر کرده است.[13]

۳ـ کلمه «انما» حکم را به مابعد خود اختصاص می‌دهد و از غیر آن سلب می‌کند. هرگاه بگویند: «انما الفصاحهٔ للجاهلیهٔ»، مقصود این است که فصاحت اختصاص به دوران جاهلیت دارد و دوران‌های دیگر را از آن بهره‌ای نیست.

هرگاه این کلمه دارای چنین معنایی باشد، نمی‌توانیم ولی را به معنای دوست و هدف آیه را بیان دوستی و محبت دینی بدانیم؛ زیرا این معنا خصوصیتی ندارد تا آن را برای برخی از مؤمنان ثابت و از برخی سلب کنیم. بدیهی است که دوستی و محبت دینی برای همه مؤمنان است نه برخی از آن‌ها؛ خداوند متعال می‌فرماید: «وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِناتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِیاءُ بَعْضٍ»؛[14] یعنی زنان و مردان مؤمن دوست یکدیگرند؛ بنابراین نمی‌توان آیه را بر این معنا حمل کرد و چاره‌ای نداریم جز اینکه بر همان معنای اول حمل کنیم؛ یعنی امام واجب‌الاطاعه و صاحب‌اختیار؛ زیرا برای لفظ ولی بیشتر از دو معنا نیست. هرگاه یکی از دو معنا محال باشد، دیگری محقق خواهد بود.[15]

۳ـ محدّثان بزرگی از اهل سنّت در اعصار گوناگون، مانند حافظ عبدالرزاق صنعانی (شیخ بخاری) حافظ عبدبن حمید، حافظ رزین‌بن‌معاویه، حافظ نسائی (مؤلف صحیح)، حافظ محمدبن‌جریر طبری، ابن‌ابی‌حاتم، ابن‌عساکر، ابوبکربن‌مردویه، ابوالقاسم طبرانی، خطیب بغدادی، هیثمی، ابن‌جوزی، محبّ طبری، جلال‌الدین سیوطی و متّقی هندی این روایت را در کتاب‌هایشان آورده‌اند.[16] آلوسی هم گفته است: بیش‌تر اخباریان بر آن‌اند که این آیه در شأن امام‌علی علیه‌السلام نازل شده است.[17] شهرت این خبر تا حدّی بوده است که حسان‌بن‌ثابت شاعر رسول خدا ﷺ نیز این منقبت علی علیه‌السلام را به نظم درآورده است:

فانت الّذی اعطیت اذ کنت راکعاً — زکاة فدتک النفس یا خیر راکع

فـأنزل فیک الله خیـــر ولایة — و اثبتــها اثنی کتــاب الشرایع

۴ـ علامه طباطبایی پس از ذکر سخن راغب در تحلیل واژه ولایت می‌نویسد: آنچه از معانی ولایت در موارد استعمالش به دست می‌آید، این است که ولایت عبارت است از یک نحوه قربی که باعث و مجوّز نوع خاصی از تصرف و مالکیت تدبیر می‌شود.[18] علامه می‌فرماید: ولایت اصالتاً از آن خداوند است و همان ولایت به اذن او برای پیامبر ﷺ و مؤمنانی که معرفی شده‌اند، اثبات می‌گردد.

در قرآن ولایت یا اصالتاً از آن خداوند و تکوینی است که خاستگاه تصرف در جهان هستی و تدبیر امور آفریدگان است و یا تشریعی که خاستگاه تشریع دین، فروفرستادن کتاب‌های آسمانی، بعثت پیامبران و هدایت و ارشاد مردم است. نوع دوم ولایت برای پیامبر ﷺ عبارت است از برپا داشتن شریعت، دعوت به دین، تعلیم معارف و احکام الهی، تربیت امت، حکومت و داوری میان آنان که آیه شریفه آن را برای مؤمنان (با شرایطی که بیان شد) نیز ثابت می‌داند.[19]

حدیث

از امام باقر علیه‌السلام چنین نقل شده است: خداوند پیامبرش را به ولایت علی علیه‌السلام فرمان داد و بر او چنین نازل کرد: «إِنَّما وَلِیُّکُم الله و رَسولُه والّذینَ ءَامَنوا...» و خداوند ولایت «اولی‌الامر» را واجب ساخت. آنان نمی‌دانند این ولایت چیست؟ پس خداوند به محمد ﷺ فرمان داد ولایت را برای آنان تفسیر نماید، همان‌گونه که نماز و زکات و روزه و حج را تفسیر می‌کند. چون این فرمان رسید، حضرت دل‌تنگ شد و نگران بود که مردم از دینشان برگردند و وی را تکذیب کنند؛ پس به پروردگارش

رجوع کرد و خداوند آیه۵ سوره مائده را نازل نمود. حضرت امر ولایت را به فرمان خدا آشکار ساخت و به معرّفی ولایت علی علیه‌السلام در روز غدیر خم پرداخت و به مردم دستور داد حاضران به اطلاع غایبان برسانند.[۲۰]

نتیجه

به اجماع مفسران و محدثان شیعه، این آیه شریفه انحصاراً برای اثبات ولایت علی علیه‌السلام در کنار ولایت خداوند و رسول او نازل شده است و با بررسی دقیق و به دور از تعصب منابع فریقین، به دست می‌آید کسی که بعد از خدا و رسولش صاحب ولایت تکوینی و تشریعی است حضرت علی علیه‌السلام است.

پی‌نوشت

۱. مائده: ۵۵. ■ ۲. فخرالدین رازی، التفسیر الکبیر، ج۱۲، ص۲۶؛ سیدمحمدباقر حجتی، اسباب‌النزول، ص۲۸. ■ ۳. در اینکه شأن نزول آیه شریفه درباره شخص امیر المؤمنین علی علیه‌السلام است، به این منابع مراجع شود: احقاق الحق، ج۲، ص۳۹۹؛ شواهدالتنزیل، ج۱، ص۲۰۹ و ۲۳۹ و ۲۲۶؛ الدرّالمنثور، ج۳، ص۱۰۶؛ المراجعات، ص۲۳۰؛ التفسیر الکبیر، ج۱۲، ص۲۶؛ جامع‌البیان، مج ۴، ج۶، ص۳۹۰. ■ ۴. در کتاب غایة المرام ۲۴ حدیث در این باره از اهل تسنّن و نوزده حدیث از شیعه نقل شده است؛ ر.ک: میرزا حبیب‌الله هاشمی خویی، منهاج‌البراعة فی شرح نهج‌البلاغه، ج۲، ص۳۵۰؛ در هر صورت از نظر شیعه تردیدی نیست که این آیه درباره امام علی علیه‌السلام فرود آمده است و از نظر اهل سنّت نیز شهرت این روایات به حدّی است که متکلّم معروف اهل سنّت، قاضی ایجی در کتاب مواقف تصریح کرده است که مفسّران بر نزول این آیه در شأن علی علیه‌السلام اجماع دارند؛ ر.ک: شرح المواقف، ج۸، ص۳۶۰؛ سعدالدین تفتازانی، شرح المقاصد، ، ج۵، ص۲۰۷؛ علی‌بن‌محمد قوشچی، شرح تجرید الاعتقاد، ص۳۶۸. ■ ۵. ابن‌منظور، لسان‌العرب، ج۱۵، ص۴۰۱. ■ ۶. بقره: ۲۵۷. ■ ۷. احمدبن‌محمد فیومی، المصباح المنیر، ج۲، ص۶۷۲. ■ ۸. ر.ک: مرتضی الزبیدی، تاج‌العروس من جواهرالقاموس، ج۲۰، ص۳۱۰؛ اسماعیل‌بن‌حماد جوهری، الصّحاح فی‌اللغة، ج ۶ ص۲۵۱۸؛ فخرالدین‌بن‌محمد طریحی، مجمع‌البحرین، ج۴، ص۵۵۴؛ راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص۸۸۶. ■ ۹. ابن‌هشام انصاری، مغنی‌اللبیب، باب پنجم، ص۷۹۱_۷۹۲. ■ ۱۰. بقره: ۲۵۷. ■ ۱۱. احزاب: ۶. ■ ۱۲. نحل: ۴۴. ■ ۱۳. دائرةالمعارف قرآن کریم، ج۱، ص۴۳۲. ■ ۱۴. توبه: ۷۱. ■ ۱۵. فضل‌بن‌حسن طبرسی، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج۷، ص۸۸. ■ ۱۶. ناصر مکارم شیرازی، آیات‌الوایة فی القرآن، ص۱۲؛ قاضی نورالله شوشتری، احقاق‌الحق و ازهاق‌الباطل، ج۲، ص۳۹۹- ۴۰۷. ■ ۱۷. شهاب الدین آلوسی، روح‌المعانی، مج ۴، ج۶، ص۲۴۴. ■ ۱۸. محمدحسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج۶، ص۱۴ و ۱۵؛ مرحوم علامه بحث مبسوطی ذیل آیه شریفه در کتاب شریف المیزان، ج۶، ص ۱۵ _ ۱۶ آورده‌اند. ■ ۱۹. برگرفته از: محمدحسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج۶، ص۱۲. ■ ۲۰. محمدبن‌یعقوب کلینی، الکافی، ج۱، ص۲۸۹.

انتظار در فرج مهدی موعود

«انتظار»، در لغت به معنای چشم‌داشت و چشم‌به‌راه بودن[1] است؛ اما در اصطلاح، به معنای چشم‌به‌راه بودن برای ظهور واپسین ذخیرهٔ الهی و آماده شدن برای یاری او و در برپایی حکومت عدل و قسط در سراسر گیتی است.

به رغم روشنی و قطعیت معنای راستین انتظار، تفاسیر و برداشت‌های مختلفی از آن ارائه شده است. دو برداشت اصلی و عمده، در این زمینه، عبارت است از:

۱. انتظار صحیح و سازنده

انتظار سازنده، تحرک‌بخش و تعهدآور، همان انتظار راستینی است که در روایات، آن را «با فضیلت‌ترین عبادت» و «برترین جهاد امت پیامبر» دانسته‌اند. مرحوم مظفر در گفتاری کوتاه و جامع، انتظار را این‌گونه تفسیر کرده است که:

معنای انتظار ظهور مصلح حقیقی، این نیست که مسلمانان در وظایف دینی خود دست روی دست گذاشته و به این امید که حضرت حجت بیاید و کارها را سامان دهد، از واجبات و وظایف شرعی خود دست بردارند. چه، انتظار به ظهور، نه اسقاط تکلیف می‌کند و نه مجوز تأخیر انداختن عمل را می‌دهد. سستی در وظایف دین و بی‌تفاوتی نسبت به آن به هیچ وجه جایز نیست.[2] هم‌چنان‌که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«کُلُّکُمْ رَاعٍ وَ کُلُّکُمْ مسؤول عَنْ رَعِیَّتِهِ»؛[3]

«همه شما رهبر یکدیگر و در راه اصلاح هم مسؤول هستید».

کوتاه سخن این که فرهنگ راستین انتظار بر سه رکن اساسی استوار است:

الف. نارضایتی و یا قانع نبودن از وضع موجود

ب. امید داشتن به آینده بهتر

ج. حرکت و تلاش برای گذر از وضع موجود و قرارگرفتن در وضع مطلوب.

پیشنهادهای اجرایی هفته

■ قرائت دعای ماه رجب در بین الصلاتین
■ خطابه با موضوع نقش علماء و مراجع در
ظلم ستیزی و پیروزی انقلاب اسلامی ■
برگزاری مراسم دعای توسل (سه شنبه) ■ برنامه
ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید
■ برگزاری مراسم عزاداری به مناسبت سالروز
شهادت امام موسی کاظم علیه السلام ■
برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه) ■
خطابه در مورد جایگاه فلسطین در جغرافیایی
سیاسی اسلام و اهمیت آن در سالروز اشغال
اولین قبله مسلمین ■ برگزاری مراسم
دعای ندبه (جمعه) ■ برگزاری مراسم
غبارروبی ماهانه مسجد (جمعه) ■ برگزاری
جشن مبعث و ایستگاه‌های صلواتی در محله
■ تشکیل گروه‌های مردمی جهت آذین بندی
مسجد، محلات و مغازه‌ها از روز مبعث تا اعیاد
شعبلیه

۲. انتظار غلط و ویرانگر

انتظار ویران‌گر و بازدارنده، که در واقع نوعی «اباحی‌گری» است، همواره مورد مذمت و سرزنش بزرگان دین قرار گرفته است و این بزرگان، پیروان مکتب اهل بیت ﷺ را از آن پرهیز داده‌اند. شهیدمطهری در این‌باره می‌نویسد:

این نوع انتظار، حاصل برداشتِ قشری مردم از مهدویّت و قیام و انقلاب مهدی موعود است که صرفاً ماهیت انفجاری دارد؛ فقط و فقط از گسترش و اشاعه و رواج ستم‌ها، تبعیض‌ها، اختناق‌ها، حق‌کشی‌ها و تباهی‌ها ناشی می‌شود.

در این نگرش انتظار، هر گناه، فساد، ستم، تبعیض، حق‌کشی و هر پلیدی ـ به حکم این‌که مقدمه صلاح کلی است و انفجار را قریب الوقوع می‌کند ـ روا است؛ زیرا [هدف وسیله‌های نامشروع را مشروع می‌کند]؛ پس بهترین کمک به تسریع در ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشاعه فساد است.... .

بنابراین این نوع برداشت از ظهور مهدی موعود و این نوع انتظار فرج که به نوعی تعطیل در حدود و مقررات اسلامی منجر می‌شود و نوعی «اباحی‌گری» باید شمرده شود، به هیچ وجه با موازین اسلامی و قرآنی وفق نمی‌دهد.[۴]

بنیان‌گذار نظام اسلامی ایران، در بیاناتی ارزشمند پس از بیان برداشت‌های نادرست از انتظار، به شدت کسانی را که چنین تصوراتی دارند، مذمت کرده است.[۵]

بنابراین منتظر راستین، برای چنان برنامه مهمی، هرگز نمی‌تواند نقش تماشاگر داشته باشد؛ بلکه باید از هم اکنون در صف یاران آن حضرت قرار گیرد؛ چرا که ایمان به نتایج و عاقبت این تحوّل بزرگ، هرگز به او اجازه نمی‌دهد، در صف مخالفان باشد و قرار گرفتن در صف موافقان نیز محتاج داشتن «اعمال پاک» و «روحی پاک‌تر» و برخورداری از «شهامت» و «آگاهی» کافی است.

پی‌نوشت

۱. ر.ک: دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، کلمه انتظار. ■ ۲. مظفر، محمّد رضا، عقاید الامامیة، ترجمه: علی‌رضا مسجدجامعی، ص۱۱۸. ■ ۳. قشیری، مسلم بن حجاج، صحیح، ج۳، ص۲۰، و نیز بخاری، محمدبن اسماعیل، صحیح، ج۲، ص۱۸؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج۷۲، ص۳۸. ■ ۴. مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی ۷، ص۵۴ (با تصرّف). ■ ۵. موسوی خمینی، روح الله، صحیفه نور، ج۲۱، (۱۴ فروردین ۱۳۶۷ش).

شنبه ۱۹ اردیبهشت

روز بزرگداشت شیخ کلینی
روز اسناد ملی و میراث مکتوب

اذان صبح: ٤:٢٩
طلوع آفتاب: ٦:٠٥
اذان ظهر: ١٣:٠١
اذان مغرب: ٢٠:١٧

٢٠ رجب ١٤٣٦

9 May 2015

ازدواج گشایندهٔ باب روزی جوانان

هر جوانی بر اساس غریزه و فطرت خود نیازمند ازدواج است و باید به این نیاز خدادادی و طبیعی از طریق مشروع جواب داد. اما بعضی جوانان با بهانه قرار دادن بعضی مشکلات و سختی‌ها از این سنت الهی روی برتافته و خود را در دام نفس شیطانی گرفتار می‌کنند. به آنان باید توجه داده شود که این پیمان مقدس در میان تمام ملت‌ها وجود داشته و محبوب‌ترین بنیان نزد خداوند متعال است. با ازدواج، شخصیت و ایمان دو جوان کامل می‌شود. صادق آل محمد ﷺ فرمودند: «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْبَاقِي» (بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۱۹)

«کسی که ازدواج کند، نصف دینش را حفظ کرده است پس باید در نصف دیگرش تقوای الهی پیشه کند.»

و در حدیث دیگری آن حضرت به جوانان چنین پیام دادند: «رَكْعَتَانِ يُصَلِّيهِمَا الْمُتَزَوِّجُ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكْعَةً يُصَلِّيهَا عَزَبٌ.» (روضة الواعظین، ج ۲، ص ۳۷۴)

«دو رکعت نماز که فرد ازدواج کرده می‌خواند بر ۷۰ رکعت نماز یک فرد مجرد برتری دارد.»

علاوه بر این نکات، باید به جوانان یادآوری نمود که طبق وعده خداوند متعال در آیه سی و دوم از سوره نور، ازدواج باعث گشایش باب روزی برای افراد می‌شود و باید در امور مهمی که مورد رضایت خداوند است، بر او توکل کرده و از مشکلات نهراسید.

یکشنبه ۲۰ اردیبهشت

اذان صبح: ۴:۲۸
طلوع آفتاب: ۶:۰۴
اذان ظهر: ۱۳:۰۱
اذان مغرب: ۲۰:۱۸

۲۱ رجب ۱۴۳۶

10 May 2015

جوانان امروز

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): به نظر من جوانان ما امروز هم خدایی، مومن و با صفایند. شما ببینید دانشگاه‌های ما چگونه است. ببینید کارگاه‌های ما چگونه است. شما ببینید در روز راهپیمایی بیست و دوم بهمن یا روز قدس، اکثر این جمعیتی که مثل سیل به خیابان‌ها می‌آیند، چه کسانی هستند. همین جوانانند. همان روح إلهی، همان انگیزه و صاعقه‌ی الهی، هنوز هم در کشور وجود دارد و باز هم کارساز است. همین روحیه، باز هم کشور را به ساحل نجات خواهد رسانید... بعضی‌ها نسبت به نسل جوان ایرانی، از لحاظ اعتقادات و از لحاظ ایمان، به طور افراطی دچار قضاوت‌های غلط و انحرافی هستند. من اعتقادم این است. کاوش‌ها هم همین را نشان می‌دهد که جوان ایرانی، جوانی است مؤمن، پاکدامن، پاک گوهر، دارای زمینه‌های دینی بسیار زیاد، مایل به جنبه‌های معنوی. البته توقّعی که ما از یك جوان داریم، با توقّعی که از یك آدم مسّنِ جا افتاده‌ی قوا از دست داده داریم، به کلّی متفاوت است. جوانان ایرانی هم از لحاظ امکانات روحی، معنوی، ذهنی و هم از لحاظ امکانات ایمانی، در حدّ بسیار خوبی هستند. این امر، مسؤولیت بزرگی را بر دوش مسؤولان می‌گذارد. (۷۷/۲/۷)

دوشنبه ۲۱ اردیبهشت

اذان صبح: ۴:۲۷
طلوع آفتاب: ۶:۰۳
اذان ظهر: ۱۳:۰۱
اذان مغرب: ۲۰:۱۹

۲۲ رجب ۱۴۳۶
11 May 2015

هیجانات کور نقطه استفاده دشمن است...

امام خامنه‌ای(مدظله العالی): یکی از معضل‌هایی که معمولاً جوانان را دچار اشتباه می‌کند، بیش از حد هیجان‌زده شدن نسبت به یک اندیشه، یا فرد، در جهت نفی یا اثبات آن است. در چنین مواردی برخی جوانان دچار افراط شده و ارزش‌هایی را زیر پا گذاشته و دچار بدگویی و فحاشی نسبت به مخالفین یا تمجید بیش از حد نسبت به افراد می‌شوند. امام خامنه‌ای در مقام نهی از چنین رفتارهایی می‌فرمایند: «وقتی جوان مملکت هوشیارانه، با تدبیر، با حلم و با توجه به موقعیت‌ها، حرف بزند و تصمیم بگیرد و عمل کند، کشور گلستان خواهد شد. وقتی هیجانات کور، پا وسط بگذارند، دشمن فوراً استفاده خواهد کرد. بارها گفته‌ام، باز هم تکرار می‌کنم؛ من معتقدم که جوان مملکت بایستی در همه‌ی میدان‌ها حضور و آمادگی داشته باشد؛ منتها با انضباط.» (۷۸/ ۰۴/۲۱)
و در جایی دیگر می‌فرمایند: «جوانی که شعارش ارزش‌های دینی است، برای من مثل یک موجود مقدس و محبوب است. البته من همه‌ی جوانان را دوست دارم؛ اما جوانانی که ارزش‌های دینی برای آنها مهم است، در چشم من خیلی عزیزند. عده‌ای با تظاهر کردن به پایبندی به ارزش‌های دینی، بی‌نظمی ایجاد می‌کنند که من با این کار موافق نیستم. یکی از چیزهایی که من از دانشگاه‌های زنجان خوشم آمد، این است که گفتند در این دانشگاه‌ها تشکل‌های گوناگون دانشجویی با هم با بی‌ادبی و هتاکی و بدگویی و دست به یقه شدن رفتار نمی‌کنند. این رویه‌ی خیلی خوبی است و توصیه می‌کنم همین طور باشید.» (۸۲/ ۰۷/۲۲)

سه‌شنبه ۲۲ اردیبهشت

اذان صبح: ٤:٢٥
طلوع آفتاب: ٦:٠٢
اذان ظهر: ١٣:٠١
اذان مغرب: ٢٠:٢٠

٢٣ رجب ١٤٣٦
12 May 2015

ارتباط کلامی و تشویقی او را شیفته می کند

هر اندازه که به گفتگویی ثمربخش و دوستانه با جوانان می‌پردازیم، گامی بیشتر در جهت تفاهم با آنان برمی‌داریم. ارتباط کلامی با این نسل موجب می‌شود که:
۱- دشواری‌ها و مشکلات آنها را از لابلای سخنان آنان بیابیم و گفتگو مقدمه‌ای برای حل معضلاتشان تلقی شود.
۲- گفت و شنود با جوانان آنان را در جریان انتظاراتی که دیگران دارند قرار می‌دهد و این خود مقدمه‌ای برای درک متقابل بین جوان و اطرافیان می‌شود.
۳- گفتگو با نسل جوان آنان را از میزان علاقه و صمیمیتی که نسبت به آنها داریم آگاه می کند.
علاوه بر این، جوانان شیفته‌اند به میزانی که در راه رسیدن به هدف‌های زندگی موفق می‌شوند، مورد تشویق اطرافیان قرار گیرند و تأیید شوند. این مهم بخاطر تأثیراتی که در کوتاه‌مدت و نیز در درازمدت بر روند زندگی‌شان دارد، بسیار ارزشمند است و باعث مقاومت و استقامت روحی آنان در برابر سنگلاخ‌های پیدا و ناپیدای مسیر زندگی‌شان می‌شود.
اگر همه‌ی ما باور کنیم جوانان ما بیش از درون، از بیرونِ وجودِ خود انگیزه برای کامیابی، موفقیت و سربلندی خود و خانواده و جامعه می‌یابند، ما را ملزم به اتخاذ رفتاری آگاهانه، صمیمانه و مشوقانه نسبت به آنها می‌نماید. گرچه با لبخندی ساده باشد یا شاخه گلی و جمله‌ای زیبا و آهنگین.
(موضوعات و شیوه‌های گفتگو با نسل جوان، ص ۴۰)

چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت

اذان صبح: ٤:٢٤
طلوع آفتاب: ٦:٠١
اذان ظهر: ١٣:٠١
اذان مغرب: ٢٠:٢٠

٢٤ رجب ١٤٣٦

13 May 2015

رحلت علامه شهیر و دانشمند کم نظیر سید محمد مهدی بحرالعلوم(۱۲۱۲ هـ ق)
لغو نهایی کاپیتولاسیون در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۸ هـ ش)

جوانان و قرآن

یکی از عواملی که می تواند جوانان را از انحرافات گوناگون حفظ نماید، ارتباط و انس با قرآن است. امام صادق علیه‌السلام در این باره فرموده‌اند: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَ هُوَ شَابٌ مُؤْمِنٌ اخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَ دَمِهِ وَ جَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَرَةِ وَ كَانَ الْقُرْآنُ حَجِيزاً عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَقُولُ يَا رَبِّ إِنَّ كُلَّ عَامِلٍ قَدْ أَصَابَ أَجْرَ عَمَلِهِ غَيْرَ عَامِلِي فَبَلِّغْ بِهِ أَكْرَمَ عَطَايَاكَ قَالَ فَيَكْسُوهُ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ حُلَّتَيْنِ مِنْ حُلَلِ الْجَنَّةِ وَ يُوضَعُ عَلَى رَأْسِهِ تَاجُ الْكَرَامَةِ ثُمَّ يُقَالُ لَهُ هَلْ أَرْضَيْنَاكَ فِيهِ فَيَقُولُ الْقُرْآنُ يَا رَبِّ قَدْ كُنْتُ أَرْغَبُ لَهُ فِيمَا هُوَ أَفْضَلُ مِنْ هَذَا فَيُعْطَى الْأَمْنَ بِيَمِينِهِ وَ الْخُلْدَ بِيَسَارِهِ ثُمَّ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ فَيُقَالُ لَهُ اقْرَأْ وَ اصْعَدْ دَرَجَةً ثُمَّ يُقَالُ لَهُ هَلْ بَلَّغْنَا بِهِ وَ أَرْضَيْنَاكَ فَيَقُولُ نَعَم. (الکافی، ج۲، ص۶۰۳)
بنابراین ناگفته واضح است که یکی از کارهای ساده ولی بسیار پرفایده‌ای که می‌توان به جوانان توصیه نمود، تا با انجام آن، هم به رشد معنوی دست یافته و هم از فتنه‌ها و فسادهای دنیوی دور بمانند، قرائت مداوم قرآن است که طبق فرموده امام صادق علیه‌السلام ، بهتر است در روز حداقل پنجاه آیه از آن تلاوت شود تا تجدید عهدی با خدای متعال محسوب گردد. (الکافی، ج۲، ص۶۰۹)

۲۴ اردیبهشت
پنج شنبه

اذان صبح: ٤:٢٣
طلوع آفتاب: ٦:٠٠
اذان ظهر: ١٣:٠١
اذان مغرب: ٢٠:٢١

٢٥ رجب ١٤٣٦

14 May 2015

شهادت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام (۱۸۳ هق)
لغو امتیاز تنباکو به فتوای آیت الله میرزا حسن شیرازی (۱۲۷۰ هش)
اشغال سرزمین فلسطین توسط صهیونیزم جهانی در (١٤مه ١٩٤٨)
ارتحال عالم بزرگوار و محقق و مولف معاصر حکیم مهدی الهی قمشه‌ای(۱۳۵۲هش)

دنیا چیست؟

روایت شده است زمانی امام کاظم علیه‌السلام بر هارون الرشید وارد می شود. هارون از آن حضرت می پرسد: این دنیا چیست؟ امام می فرمایند: «هَذِهِ دَارُ الْفَاسِقِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ إِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لا يُؤْمِنُوا بِها وَ إِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَ إِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ؛ این سرای فاسقان است و این آیه را تلاوت فرمودند: «به زودی آن کسان را که در روی زمین به ناحق تکبّر کردند، از آیات خویش بگردانم و اگر ایشان هر آیه‌ای را ببینند، بدان ایمان نیاورند و اگر راه راست ببینند، آن را راه «خود» نگیرند و اگر راه گمراهی را ببینند، آن را راه «خود» می گیرند.» (سوره اعراف، آیه ۱۴۶) (تفسیر عیاشی، ج۲، ص۲۹)

آن حضرت از زندان، نامه‌ای به هارون نوشت و در آن فرمود:

لَنْ يَنْقَضِيَ عَنِّي يَوْمٌ مِنَ الْبَلَاءِ إِلَّا انْقَضَى عَنْكَ مَعَهُ يَوْمٌ مِنَ الرَّخَاءِ حَتَّى نَقْضِيَ جَمِيعاً إِلَى يَوْمٍ لَيْسَ لَهُ انْقِضَاءٌ يَخْسَرُ فِيهِ الْمُبْطِلُونَ.

«روزی از بلا و سختی بر من سپری نمی‌شود، جز آنکه روزی از راحتی و رضا از تو سپری می گردد تا آنکه تمام روزهای ما دو نفر به روزی می رسد که پایان ناپذیر است و اهل باطل در آن روز زیانمند شوند.» (بحارالانوار، ج۴۸، ص۱۴۸)

جمعه ۲۵ اردیبهشت

اذان صبح: ٤:٢٢
طلوع آفتاب: ٦:٠٠
اذان ظهر: ١٣:٠١
اذان مغرب: ٢٠:٢٢

٢٦ رجب ١٤٣٦
15 May 2015

وفات حضرت «ابوطالب»
عموی گرامی پیامبراسلام
صلی الله علیه وآله به
روایتی (۱۰ بعثت)
روز بزرگداشت استاد
سخن و ادب فارسی حکیم
ابوالقاسم فردوسی طوسی
آغاز هفته ارتباطات و
میراث فرهنگی

مسجد و انقلاب

ما انقلاب کردیم مسجد درست کنیم. ما برای خدا انقلاب کردیم. شما، ملّت ما انقلاب کرده است و از زبان ملّت است که «جمهوری اسلامی». جمهوری اسلامی باید همه چیزش اسلامی باشد.(صحیفهٔ امام، ج۱۵، ص: ۱۴)

قدرت اسلام است که از حلقوم روحانیّت بیرون می آید. اینها را نشکنید. خدایا، تو می دانی که من برای اینکه معمّم هستم از روحانیّت طرفداری نمی کنم. برای اینکه می دانم این قشرند، این قشرند که می توانند ملّت را نجات بدهند؛ این قشرند که مردم آنها را می خواهند. این مساجد است که این بساط را درست کرد. این مساجد است که نهضت را درست کرد. (صحیفهٔ امام، ج۸، ص: ۶۰)

ما انقلاب کردیم مسجد درست کنیم. ما برای خدا انقلاب کردیم. شما، ملّت ما انقلاب کرده است و از زبان ملّت است که «جمهوری اسلامی». جمهوری اسلامی باید همه چیزش اسلامی باشد.(صحیفهٔ امام، ج۱۵، ص: ۱۴)

مسئلهٔ مهمی که به نظرم می‌رسد عرض بکنم، مسئلهٔ پایگاه‌های اسلامی یعنی مساجد و مجالس تبلیغ است. در همهٔ مراحلِ این تاریخ پُرافتخار [انقلاب اسلامی]، مساجد همیشه پایگاه دین‌داری و حرکت مردم در جهت دین بوده است.(سخنرانی در دیدار با جمعی از روحانیون، ائمهٔ جماعات و وعاظ نقاط مختلف کشور در آستانهٔ ماه مبارك رمضان۱۴ /۱۲ /۱۳۷۰)

﴿إِنَّ الَّذِينَ قالُوا رَبُّنَا اللهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلائِكَةُ أَلاَّ تَخافُوا وَ لا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ * نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيوةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْأَخِرَةِ وَ لَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَ لَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ * نُزُلًا مِّنْ غَفُورٍ رَّحِيمٍ﴾ [1]؛ به یقین کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداوند یگانه است!» سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که: «نترسید و غمگین مباشید، بشارت باد بر شما، به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است!

نکات تفسیری

۱ ـ این آیه و آیه بعد، حسن حال مؤمنین را بیان می کند، هم چنان که آیات قبل از آن نیز، بدی حال کفّار را بیان می کرد.

راغب می گوید: کلمه استقامت در اصل در خصوص طریقی به کار می‌رفته که به خط مستقیم کشیده شده باشد، در آیه شریفه «اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِيمَ» حق را به چنین راهی تشبیه کرده است. سپس می گوید: و استقامت انسان، به این معنی است که همواره ملازم طریق مستقیم باشد؛ که خدای تعالی در باره چنین انسان‌هایی فرموده: «إِنَّ الَّذِينَ قالُوا رَبُّنَا اللهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا» ولی در صحاح اللغه، استقامت را به معنای اعتدال گرفته و گفته شده وقتی می گویند «استقام له الامر»، معنایش این است که این امر برای او در حدّ اعتدال بود [2].

پس مراد از جمله «ثُمَّ اسْتَقامُوا» این است که ملازم وسط راه باشند و دچار انحراف نگردند و بر سخنی که گفته است، استوار باقی بمانند. مثلاً در آیه «فَمَا اسْتَقامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ» [3] معنایش این است که مادام که کفّار با شما معتدل بودند، شما هم برای آنان اعتدال داشته باشید و از وسط راه منحرف نگردید. آیه «وَ اسْتَقِمْ كَما أُمِرْتَ وَ لا تَتَّبِعْ أَهْواءَهُمْ» [4] معنایش این است که: آن طور که مأمور شده‌ای، عمل کن؛ یعنی راه میانه را پیش بگیر و هواهای ایشان را پیروی مکن. در همه تفسیرهای مختلفی که برای این آیه ذکر شده است، به همین معنا اشاره شده است.

۲ ـ این آیه درست در مقابل کسانی است که بر خلاف مدّعای خود در ایمان، به انکار و لجاجت پرداخته و بر کفر پافشاری داشتند (که آیات قبل در باره آنان بود). پس اینجا سخن از مؤمنانی است که نه تنها اهل انکار حق نیستند، بلکه در ایمان خود استوار و پابرجا بوده و به همین دلیل ذیل این آیه و آیه بعد هفت پاداش و موهبت از جانب خداوند به آنها بشارت داده شده است.

چراکه ایشان دل به خدا بسته‌اند و ایمان محکم به او پیدا کردند و سپس تمام زندگی را به رنگ ایمان درآوردند و در محور آن قرار دادند؛ خداوند نیز به آنها موهبت ایمنی از خوف و حزن را اعطاء می‌نماید؛ زیرا ایشان، اصل ایمان را بر منافع مادّی ترجیح دادند.

بسیارند کسانی که دم از عشق خداوند می‌زنند، ولی در عمل استقامتی ندارند، این گروه، افرادی سست و ناتوانند که وقتی در برابر طوفان شهوات قرار می گیرند، با ایمان وداع کرده و در عمل مشرک می‌شوند و هنگامی که منافع‌شان به خطر می‌افتد، همان ایمان ضعیف و مختصر را نیز از دست می‌دهند.

سومین موهبت، بشارت به بهشتی است که به آنها وعده داده شده و آنها این وعده را باور کرده و به آن پایبند بودند. در چهارمین بشارت می‌افزایند: ما یاران و مددکاران شما در زندگی هستیم. در پنجمین بشارت بیان میدارد: در بهشت برای شما هر چه بخواهید، از مواهب و نعمت‌ها فراهم است و هیچ قید و شرطی در کار نیست.ششمین بشارت این که،

نه تنها نعمت‌های مادی و آنچه دلخواه شما است به شما می‌رسد، بلکه« آنچه از مواهب معنوی طلب کنید، در اختیار شما خواهد بود (وَ لَكُمْ فِيها ما تَدَّعُونَ).

و بالاخره هفتمین و آخرین مژده‌ای که به آنها می‌دهند این است که شما میهمان خدا در بهشت جاویدان او هستید و «همه این نعمت‌ها به عنوان پذیرایی یک میزبان از میهمانی گرامی از سوی پروردگار غفور و رحیم به شما ارزانی داشته می‌شود» (نُزُلًا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ).[۵]

نکته‌ها

۱ـ چون این بشارت ملائکه قید و شرطی ندارد، هم مربوط به دنیاست و هم آخرت؛ چراکه می‌فرماید ما دوستان شما در دنیا و آخرت هستیم.

اگر چه از مجموع روایات ذیل آیه شریفه می‌توان نتیجه گرفت که ذکر خصوص حال مرگ، به عنوان مصداقی روشن از این مفهوم وسیع و گسترده است، زیرا تفسیرهایی که در روایات وارد شده، غالباً به صورت بیان مصادیق روشن است.

۲ـ خوف مربوط به حوادث آینده و حزن مربوط به حوادث گذشته است. بنابراین کسانی که اهل استقامت در ایمان هستند، نسبت به آن چه بر آنها گذشته و نسبت به آن چه در انتظار آنان است ایمن خواهند بود.

۳ـ تعبیر «نزلا غفور رحیم» اشاره به ضیافتی است تمام عیار، که میزبان آن خداوندی است که نعمت‌هایش بی پایان است.

۴ ـ با دقت در عمق این مفاهیم و عظمت این وعده‌های الهی که به وسیله فرشتگان به مؤمنان داده می‌شود، روح آدمی به پرواز در می‌آید و تمام وجود او را به سوی ایمان و استقامت جذب می‌کند.

در پرتو این فرهنگ و تعلیمات بود که اسلام از اعرب عصر جاهلیّت، انسان‌هایی نمونه ساخت که از هیچگونه ایثار و فداکاری مضایقه نداشتند و همین‌ها است که امروز می‌تواند الهام بخش مسلمانان در راه پیروزی بر همه مشکلات باشد.

البته نباید فراموش کرد که« استقامت» همچون« عمل صالح» میوه درخت« ایمان» است؛ زیرا ایمان هنگامی که در دل انسان عمق و نفوذ پیدا کند، انسان را دعوت به استقامت خواهد کرد؛ اینگونه استقامت در مسیر حق، بر عمق ایمان انسان نیز افزوده و این دو فضیلت بر یکدیگر تأثیر متقابل خواهند داشت.

از آیات دیگر قرآن نیز استفاده می‌شود که ایمان و استقامت نه تنها برکات معنوی را به سوی انسان سرازیر می‌کند، بلکه از برکات مادّی این جهان نیز در سایه این دو بهره‌مند خواهد شد.[۶]

حدیث

۱ـ وَ قَدْ قُلْتُمْ رَبُّنَا اللهُ فَاسْتَقِيمُوا عَلَى كِتَابِهِ وَ عَلَى مِنْهَاجِ أَمْرِهِ وَ عَلَى الطَّرِيقَةِ الصَّالِحَةِ مِنْ عِبَادَتِهِ ثُمَّ لَا تَمْرُقُوا مِنْهَا وَ لَا تَبْتَدِعُوا فِيهَا وَ لَا تُخَالِفُوا عَنْهَا[۷]

امیر مومنان علی علیه‌السلام، در یکی از خطبه‌های نهج البلاغه این آیه را با عبارت گویا و پر معنایی تفسیر می‌کند و بعد از تلاوت آن می‌فرماید: شما گفتید پروردگار ما «الله» است. اکنون بر سر این سخن پایمردی کنید، بر انجام دستورهای کتاب او و در راهی که فرمان داده و در طریق پرستش شایسته او، استقامت به خرج دهید، از دایره فرمانش خارج نشوید، در آئین او بدعت مگذارید و هرگز با آن مخالفت نکنید.

۲ـ عنه علیه‌السلام : أفضَلُ السَّعادَةِ استِقامَةُ الدِّين.[۸]

امام علی علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: بالاترین خوشبختی، استقامت دین (پایداری در دین) است.

۳ـ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا علیه‌السلام عَنِ الِاسْتِقَامَةِ فَقَالَ هِيَ وَ اللهِ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ يَعْنِي عِنْدَ الْمَوْتِ: وَ رُوِيَ ذَلِكَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ علیه‌السلام.

در حدیثی که از امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام نقل شده در پاسخ سؤال از تفسیر«استقامت» فرمود: استقامت همان روش ولایتی است که شما دارید.[۹]

نتیجه

بسیاری از ما تا زمانی که بتوانیم بین دیانت و منافع، کشش‌ها و آرزوهایمان جمع کنیم، دین دار هستیم؛ اما اگر لازم باشد برای دین از منافع بگذریم، در مقابل تمایلات نفسانی بایستیم، به خاطر دفاع از دین آسیب دیده و غرایز را کنترل کنیم، غالباً اهل استقامت نیستیم و دفاع از دین را به دیگران واگذار می‌کنیم. به همین دلیل خداوند متعال در آیه ۵۴ سوره مائده با صراحت می‌فرماید:

«ای اهل ایمان اگر شما به بهانه‌های مختلف روی از دین برمی گردانید، خداوند به زودی جمیعتی را جایگزین شما می‌کند که آنها خدا را دوست دارند و خداوند هم آنان را و از سرزنش شنیدن و ملامت شدن در راه دین خدا، باکی ندارند.»

پی‌نوشت

۱.سوره فصلت، آیه ۳۲ ـ ۳۰. ■ ۲.صحاح اللغه، ج ۵، ص ۲۰۱۷. ■ ۳.سوره توبه، آیه ۷. ■ ۴.سوره شوری، آیه ۱۵. ■ ۵.تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص،۲۷۳ ـ ۲۷۰. ■ ۶.همان، ص ۲۷۷. ■ ۷.نهج البلاغه، خ، ۱۷۶. ■ ۸.غرر الحکم : ۲۸۶۹. ■ ۹.بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج۶، ص، ۱۴۸؛ البته مضمون روایت به معنی این نیست که مفهوم آیه در مسئله ولایت خلاصه شود، بلکه از آنجاکه پذیرش رهبری ائمه اهل بیت علیهم‌السلام ضامن بقاء خط توحید و روش اصیل اسلام و ادامه عمل صالح است، استقامت را به این معنی تفسیر فرموده است.

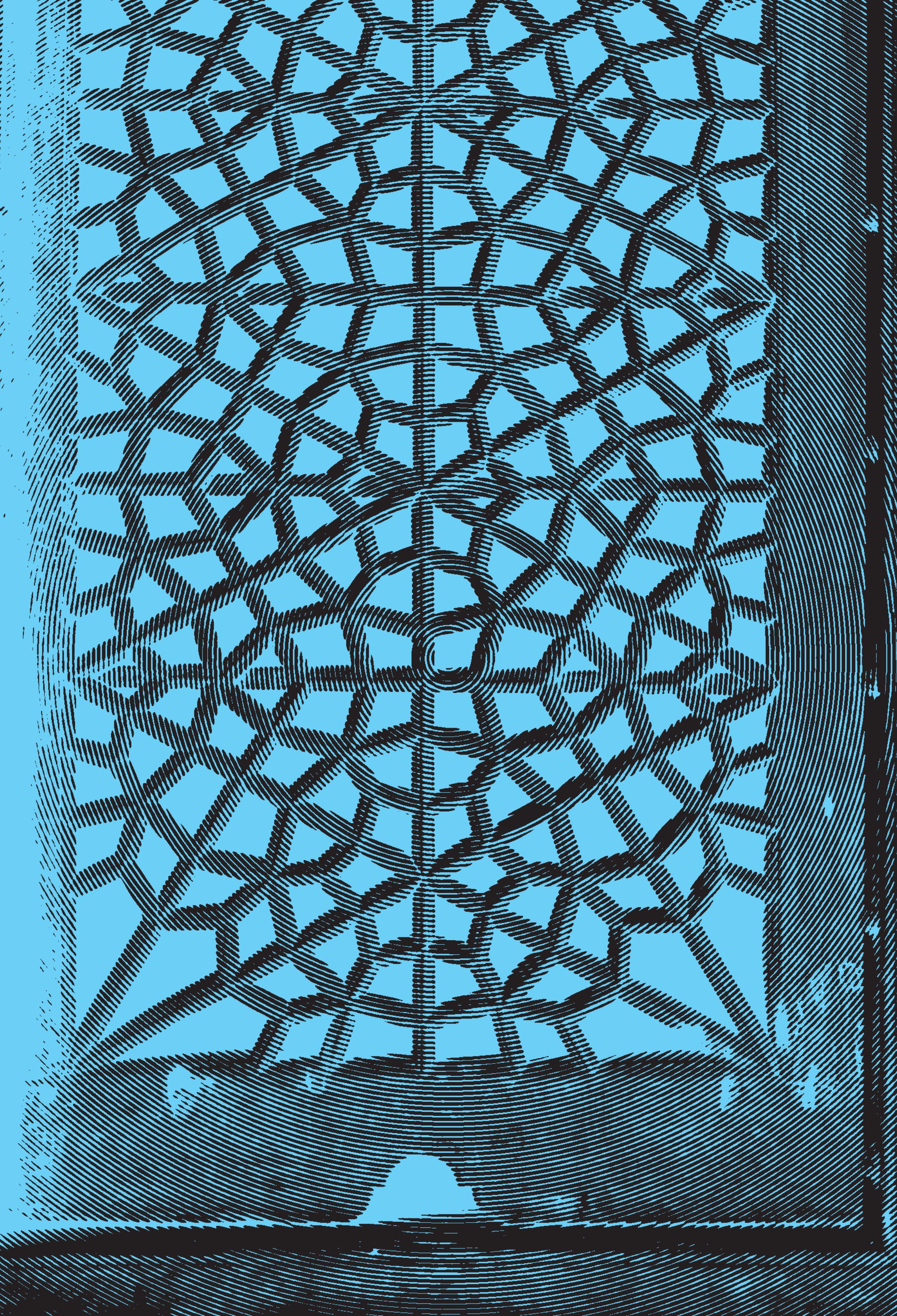

آثار فردی و اجتماعی - تربیتی انتظار

اگر انسان به راستی به تمام شرایط انتظار، پایبند بوده و بایسته‌های مورد نظر را انجام داد، آثار تربیتی بسیاری برای وی در پی خواهد داشت که برخی از آثار از این قرار است:

۱. گسترش امیدهای واقعی

انسان برای تداوم زندگی و تحمل دشواری‌های آن، نیازمند انگیزه‌ای نیرومند است که در پدیده‌ای با نام «امید به آینده» تجلّی می‌یابد.

بنا به روایات نورانی معصومان، انتظار حضرت مهدی علیه‌السلام، سبب گسترش امید راستین می‌شود. این مهم، نه فقط بر پیروان این مکتب روشن است، بلکه بر بیگانگان نیز محرز است. هانری کربن یکی از بهترین نویسندگان معاصر، درباره امیدبخشی این اعتقاد زندگی‌بخش حکایتی نقل کرده که خالی از لطف نیست. ایشان خاطر نشان ساخته که:

> فقط اقلیت «شیعه» هستند که با اعتقاد و انتظار «امام غایب»، امیدوارانه به آینده دنیا نگریسته و دارای روح و دل زنده‌اند و مسایل فلسفی و مشکلات زندگی را با نظر و اعتقاد و امید دیگری طرح می‌کنند. شیعه نه فقط برای آینده مهره معجزه‌آسایی در چنته دارد، بلکه به گذشته نیز مایه‌های افتخار و اتکای فراوان دارد؛ پیش رویش علی علیه‌السلام است که مادر دهر، مانند او نزاییده و نخواهد زایید».[1]

۲. پویایی در جهت رسیدن به هدف

زندگی انسان آن، زمان قابل توجیه است که آثار حرکت، پویایی و شادابی در تمام زوایای آن به چشم خورد. آن‌گاه که انسان، به وضعیت موجود راضی نیست و در صدد ایجاد شرایطی بهتر است، همانا در انتظار به سر می‌برد. این اثر نشاط آفرین، در جوامع شیعی به روشنی تمام دیده می‌شود؛ به گونه‌ای که آن را از دیگر جوامع به روشنی تمام، متمایز و برجسته ساخته است.

پیشنهادهای اجرایی هفته

◆ جلسه شورای فرهنگی مسـجد ◆ برنامه ریزی برای برنامه هـای علمی، ورزشـی و... بانوان محل در شـورای فرهنگی مسجد ◆ خطابه با موضوع سالروز آغاز محاصره اقتصـادی آمریکا علیه ایران در سـال ۵۹ و دسـتاوردهای ایستادگی ملت ◆ برگزاری مراسم دعای توسل (سه شنبه) ◆ ایجاد فضای مناسب جهت مطالعه جوانان و نوجوانان مسـجد جهت آمادگی برای امتحانـات ◆ برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید ◆ مراسم توسل به اهل بیت علیهم السـلام و جمع آوری صدقه به مناسبت اول ماه قمری ◆ قرائت صلوات شعبانیه پس از نماز ظهر در روزهای ماه شـعبان ◆ سخنرانی ویژه مسائل بانوان و دختران قبل از اذان ظهر روز اول ماه شمسی ◆ برگزاری جشـن میلاد در اعیاد شعبانیه(شـب میلاد امام حسین و اباالفضل العباس علیهما السـلام) ◆ برگزاری مراسـم زیارت وارث (شـب میلاد امام حسـین علیه السلام) ◆ تقدیر از پاسـداران و جانبازان محله ◆ برگزاری جلسـات پرسش وپاسخ جوانان (پنج شنبه)

۳. ایجاد وحدت و همگرایی

انتظار ـ افزون بر آثار فردی ـ دارای آثار اجتماعی فراوانی نیز هست که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به وحدت، انسجام و همدلی بین منتظران اشاره کرد. این همدلی، به سبب توجه به هدف مشترکی است که در مسأله انتظار به روشنی تمام در چشم‌انداز آن، قابل رؤیت است.

امروزه ثابت شده است افرادی که در پی هدفی مشترک هستند، از عملکردی مشابه برخوردارند؛ در جامعه شیعی، انتظار ظهور مولودی از سلاله پاک رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، باعث شده تمامی پیروان این آرمان مقدس، از همدلی بسیار خوبی برخوردار باشند.

٤. احساس حضور

یکی دیگر از آثار غیر قابل تردید در انتظار راستین، احساس حضور در محضر آن امام غایب و احساس حضور آن امام غایب در زندگی است. یک منتظر راستین، همواره بر این باور است که تمام رفتار و اعمال او در نگرگاه آن امام پنهان است و این خود در اصلاح رفتار وی بسیار مؤثر است. این مهم، نه فقط به اصلاح فرد منجر می‌شود که رفته رفته به اصلاح و سلامت اخلاقی جامعه می‌انجامد که خود در زمینه‌سازی ظهور، نقشی بس مهم و انکارناپذیر خواهد داشت.

بنابراین انتظار یک «مصلح جهانی»، به طور قطع به معنای آماده‌باش کامل فکری، اخلاقی، مادّی و معنوی برای اصلاح همه جهان است.

پی‌نوشت

۱. لامعی، شعبان علی، قدّیس، ص۲۵۹، به نقل از: مرجعیّت و روحانیّت، ص ۱۶۰.

شنبه ۲۶ اردیبهشت

تعطیل

اذان صبح: ۴:۲۱
طلوع آفتاب: ۵:۵۹
اذان ظهر: ۱۳:۰۱
اذان مغرب: ۲۰:۲۳

۲۷ رجب ۱۴۳۶

16 May 2015

مبعث حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله ۱۳ سال قبل از هجرت (تعطیل)
اعلام موجودیت رژیم اشغالگرانه قدس در پی اشغال فلسطین توسط صهیونیسم جهانی (۱۳۲۷هش)

اوصاف رحمة للعالمین

به پیامبر طاهر ﷺ اقتدا کن، که وجودش برای هر که بخواهد به او اقتدا کند، سرمشق است و برای آن که در زندگی تسلّی جوید، آن حضرت تسلّی است. محبوبترین بندگان نزد خدا کسی است که به پیامبر اقتدا کند و قدم جای قدم او بگذارد. از دنیا به حدّاقل قناعت کرد و دیده برای تماشای آن باز نکرد. زاهدترین اهل دنیا و گرسنه‌ترین آنان از دنیا بود. چیزی را که دانست خدا دشمن دارد، او هم دشمن داشت و هر آنچه را که حق، خوار و بی مقدار دانسته بود، او هم خوار و بی مقدار دانست و آنچه را پروردگار کوچك شمرده، او هم کوچك شمرد. اگر در وجود ما جز محبت آنچه که خدا و رسول دشمن دارند، نبود و بزرگ شمردن آنچه را که خدا و رسول کوچك شمرده‌اند وجود نداشت، همین برای ستیزگی ما با خدا و سرپیچی ما از فرمانش بس بود. رسول خدا ﷺ روی زمین غذا می‌خورد و همانند بندگان می نشست و با دست خود پارگی کفشش را می‌دوخت و جامه‌اش را وصله می کرد، بر مرکب بی پالان سوار می‌شد و در ردیف خود سوار می‌کرد. ایشان یاد این سرای فانی را از خاطرش میراند و علاقه داشت زر و زینت دنیا از برابر دیده‌اش مخفی باشد؛ تا از آن جامه زیبا برنگیرد و باورش نیاید که سرای قرار و آرامش است و امیدی به درنگ در آن نداشته باشد، علاقه به دنیا را از دل بیرون کرد و از این محل فانی دل برداشت و از دیده خود پنهان نمود. آری چنین است کسی که چیزی را دشمن دارد، بغض و نفرت دارد که به آن نظر کند و در محضرش از آن یاد شود. ... خداوند با عنایت کردن چنین رهبری چه منّت بزرگی بر ما گذاشت تا از او پیروی کنیم و پیشوایی که قدم جای قدمش بگذاریم! به خدا سوگند آنقدر این پیراهن پشمینه خود را وصله زده‌ام که از وصله کننده‌اش حیا می کنم. کسی به من گفت این لباس کهنه را دور نمی‌اندازی؟ گفتم از من کناره گیر، که به وقت صبح از رهروان شب تمجید و ستایش می شود... .(نهج البلاغه ترجمه شیخ حسین انصاریان، خطبه ۱۵۹)

ارتحال عالم ربانی حضرت آیت الله العظمی محمد تقی بهجت ره (۱۳۸۸ هـ ش)
حرکت امام حسین علیه السلام از مدینه به سوی مکه (۶۰ هـ ق)

یکشنبه ۲۷ اردیبهشت

اذان صبح: ۴:۲۰
طلوع آفتاب: ۵:۵۸
اذان ظهر: ۱۳:۰۱
اذان مغرب: ۲۰:۲۴

۲۸ رجب ۱۴۳۶

17 May 2015

ستایش جوانان آری، خوشامدگویی او نه!

مراعات اخلاق نیک و پسندیده با جوانان به این معنا نیست که به طور کلی از نقد و نصیحت او دست برداشته و فقط به تمجید و تشویق جوانان بپردازیم. زیرا مضرات چنین برخوردی، کمتر از برخورد تندخویانه و خشک با آنها نمی‌باشد. امام خامنه‌ای در دیدار با جوانان، خطاب به آنها می‌فرمایند:

«طولِ مدّت چهل و چند ساله معاشرت من با گروه‌های جوان موجب شده که من قلباً و عمیقاً جوانان را ستایش کنم. البته ستایش کردن جوانان با خوشامدگویی آنها تفاوت دارد. من با خوشامدگویی موافق نیستم؛ چیزی بگویم که شما خوشتان بیاید، یا چیزی را که ممکن است شما از آن ناراحت شوید و بدتان بیاید بر زبان جاری نکنم؛ نه. من به این چیزها عقیده ندارم؛ بلکه معتقدم که ستایش جوان به جای خود درست است و ستایشی واقعی و حق است و نقاط مورد ستایش هم از نظر من مشخص و روشن است و بعضی از آنها را خواهم گفت؛ اما ستایشگری جوان نباید به خوشامدگویی او تبدیل شود. شما فرزندان من هستید. انسان فرزند خودش را خواه و ناخواه دوست دارد؛ چه آن فرزند بداند، چه نداند؛ چه بخواهد، چه نخواهد؛ چه از محبّت پدر یا مادر متشکر شود، یا نشود. این دوست داشتن موجب این نیست که اگر در کار او خطایی وجود دارد، گفته نشود تا مبادا بدش بیاید؛ نه. اتّفاقاً انسان با فرزند خودش بسیار راحت‌تر از دیگران است.»(۸۰/۸/۱۲)

دوشنبه ۲۸ اردیبهشت

اذان صبح: ۴:۱۸
طلوع آفتاب: ۵:۵۷
اذان ظهر: ۱۳:۰۱
اذان مغرب: ۲۰:۲۵

۲۹ رجب ۱۴۳۶

18 May 2015

روز بزرگداشت حکیم عمر خیام
روز جهانی موزه و میراث فرهنگی (برابر با ۱۸ مه)

خیلی راحت یک جوان راه اسلامی را پیدا می کند...

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): من اساساً در بین این خصوصیات مهمی که جوانان دارند، سه خصوصیت را خیلی بارز می‌بینم. آن سه خصوصیت عبارت است از: انرژی، امید، ابتکار. این سه خصوصیت برجسته در جوان است. اگر واقعاً رسانه‌ها در کمک‌های فرهنگی که به ما می کنند بتوانند این سه خصوصیت عمده را درست هدایت کنند، من خیال می‌کنم که خیلی راحت می‌شود یک جوان، راه اسلامی را پیدا کند. چون اسلام هم چیزی که از ما می‌خواهد، این است که ما استعدادهای خودمان را به فعلیت برسانیم. اگر ما تقوا را مد نظر بگیریم، به نظر من راحت می‌شود راه را طی کرد. البته باز هم نه آن طور که خیلی راحت باشد. به هرحال می‌شود، ممکن است و واقعاً عملی است که یك جوان راه اسلامی زندگی کردن را پیدا کند. اگر متدیّن است، ببینید چه کار می‌کند. این اقدام، این حرف، این رفاقت، این درس و این فعل و درك، آیا درست است یا درست نیست. همین که او فکر می‌کند درست است یا درست نیست، این همان تقواست. اگر متدیّن نیست، چنانچه همین حالت را داشته باشد، این حالت او را به دین راهنمایی خواهد کرد. قرآن کریم می‌گوید: «هدی للمتقین» (بقره-۲) نمی‌گوید «هدی للمؤمنین». (۷۷/۲/۸)

سه‌شنبه ۲۹ اردیبهشت

اذان صبح: ۴:۱۷
طلوع آفتاب: ۵:۵۷
اذان ظهر: ۱۳:۰۱
اذان مغرب: ۲۰:۲۵

۳۰ رجب ۱۴۳۶

19 May 2015

اعتماد به جوانان!

امام خامنه‌ای مدظله العالی: از اوایل انقلاب، در کارهایی که در اختیار من بوده، به جوانان مسؤولیت می‌دادم. تجربه من این است که اگر ما به جوان اعتماد کنیم، آن جوانی که شایسته دانستیم به او مسؤولیت بدهیم و صلاحیتش را داشت؛ نه هر جوانی و هر مسؤولیتی، از غیر جوان هم بهتر و مسؤولانه‌تر کار را انجام می‌دهد؛ هم سریع‌تر پیش می‌برد، هم کار را تازه‌تر و همراه با ابتکار بیشتری به ما تحویل خواهد داد؛ یعنی روند پیشرفت در کار حفظ می‌شود. برخلاف غیر جوان که ممکن است کار را بالفعل خوب انجام دهد، اما روند پیشرفت در آن متوقّف خواهد شد. غالباً این‌گونه است.
آن زمان که ما در شورای انقلاب بودیم، نسبت به همین موضوع، به ما و دوستان دیگری که در آن شورا بودیم، اعتراض می‌شد. افراد مسنّی هم در آن شورا بودند، که خیلی عقیده به جوانان نداشتند و می‌گفتند چرا شما به جوانان رو می‌دهید و این‌ها را بی‌خود وارد کارهای عمده می‌کنید؟! اینها دوست نمی‌داشتند که به جوانان خیلی میدان داده شود. البته دوست می‌داشتند که جوانان از آنها اطاعت کنند و دنبالشان راه بروند! می‌گفتند آنها جوانند، ما پیریم؛ باید دنبال ما بیایند. خیلی حاضر نبودند به جوانان اعتماد کنند؛ ولی ما اعتماد می‌کردیم و جواب آنها را هم در واقع با تجربه عملی که می‌دیدند خوب کار انجام می‌گیرد و پیشرفت می‌کند، می‌دادیم.
(۷۷/۲/۸)

چهارشنبه ۳۰ اردیبهشت

اذان صبح: ٤:١٦
طلوع آفتاب: ٥:٥٦
اذان ظهر: ١٣:٠١
اذان مغرب: ٢٠:٢٦

١ شعبان ١٤٣٦
20 May 2015

درگذشت سید ابن طاووس فقیه و ادیب مسلمان (٦٩٣ هق)
روز ایرانگردی و ایران شناسی

احسان و خوش‌رویی، کلید جذب جوان

احسان، به معنای نیکی و خیر رساندن به دیگران، بدون انتظار پاداش متقابل است. آنگونه که خداوند متعال در تمجید از انفاق اهل بیت می‌فرماید: «إِنَّما نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزاءً وَ لا شُكُوراً» (انسان/ ٩)

این فضیلت اخلاقی یکی از جذاب‌ترین فضایل برای جذب مردم است. سیره و روش انسان‌ها، دل دادن به کسی است که از دست او چیزی گرفته باشند و عشق کسی را در سینه می‌پرورانند که از او احسان و خیری دیده باشند. از رهگذر نوع‌دوستی و خدمت صادقانه به بندگان خدا می‌توان به محبوبیت در دل‌ها رسید. از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله پرسیدند: محبوب‌ترین مردم کیست؟ حضرت فرمود: آن کسی که وجودش برای مردم سودمندتر باشد. (میزان الحکمة، ج ١١، ح ١٧٦٣٣)

خوش‌رویی نیز یکی از عوامل اساسی جذب مردم به شمار می‌رود. پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله با رویی گشاده توانست بذر محبت را در سرزمین دل‌های سخت‌تر از سنگ مردمِ زمان خود بیفشاند؛ همچنانکه از دیدگاه امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام آنچه که در وحدت و انسجام اجتماعی نقش مهمی دارد، رابطه عاطفی از طریق اخلاق نیک می‌باشد. حضرت می‌فرمایند: «قُلُوبُ الرِّجالِ وَحْشِيَّةٌ فَمَنْ تَأَلَّفَهَا أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ؛ (نهج البلاغه، حکمت ٥٠) دل‌های مردم وحشی است. (به راحتی با کسی اُنس نمی‌گیرد.) پس به کسی روی می‌آورد که خوش‌رویی کند.»

(با تصرف از کتاب «شیوه جذب جوانان»، محمد اسماعیلی مبارکه)

پنج‌شنبه ۳۱ اردیبهشت

اذان صبح: ۴:۱۵
طلوع آفتاب: ۵:۵۵
اذان ظهر: ۱۳:۰۱
اذان مغرب: ۲۰:۲۷

۲ شعبان ۱۴۳۶
21 May 2015

کلامی ملایم و رفتاری نرم و دل‌نشین

آشنایان با روحیات جوانان، همیشه در پرنیان الفاظ و عبارات و حریر رفتارِ خود، سستی‌ها و کاستی‌های این نسل را به آنان گوشزد می‌کنند، بی‌آنکه کمترین غباری از غم یا غربت بر روح آنان نشیند و یا کوچک‌ترین حالت گزندگی از شیوه آنها احساس شود.
از این روست که بزرگان علاوه بر خوب حرف زدن، حرفِ خوب زدن را نیز توصیه می‌کنند و معتقدند: - حرفِ خوب خیلی بهتر از یک سطل آب، آتش را خاموش می‌کند.
- حرف‌هایی هستند که به‌سان شعله سر برمی‌کشند و حرف‌هایی هستند که مانند باران فرو می‌ریزند. - هرچه پخته‌تر می‌شویم، صحبت کردن برایمان دشوارتر می‌شود.
بی‌گمان هرگاه رفتار جوانان را به باد انتقاد بگیریم، هرگز نباید انتظار اصلاح داشته باشیم، بلکه لجبازی، پرخاشگری و یا سرکشی حاصل برخورد ما خواهد بود. به این خاطر عادت به کلام ملایم، نرم و زیبا و رفتار متین و دلنشین و شیوا در جذب جوانان و جدا کردن آنها از منفی گرایی و یا دیگر صفات منفی دوران جوانی، کاری کارستان می‌کند و به خوبی ما را به سرمنزل مقصود می‌رساند؛ به شرطی که خوب و شایسته انجام شود و در آن ذره‌ای از خار و خاشاک بددلی احساس نگردد!
(موضوعات و شیوه‌های گفتگو با نسل جوان، ص ۱۱۹)

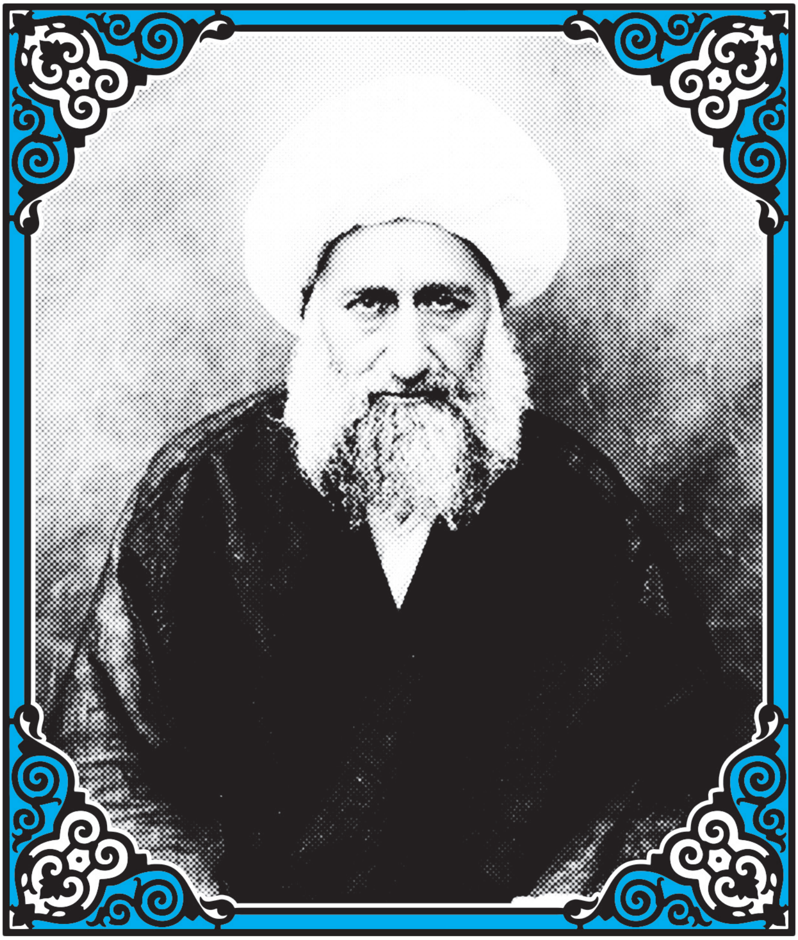

آیت الله العظمی میرزا محمد علی شاه آبادی

(امام جماعت مساجد امین الدوله، مسجد سراج الملک و مسجد جامع بازار)

مرحوم دولابی نقل می کردند که روزی حضرت آیت الله شاه آبادی مهمان ما بود، پدرم کنار ایشان نشسته بود و از ایشان موعظه ای خواست:

مرحوم شاه آبادی این جمله را فرمودند: اگر این خانه شیشه بند باشد و داخل آن پر از آب و همه ما نیز تشنه، آیا نگاه به این آب ما را سیراب می کند؟

-خیر، با نگاه کردن به آب سیراب نمی شویم!

-اگر به اندازه سر سوزنی از این شیشه سوراخ کنیم و دهانمان را آنجا بگذاریم و بمکیم، چطور؟!

-همه نجات پیدا می کنیم و از تشنگی نمی میریم.

-باید به اندازه یک سر سوزن از عالم حقیقت سوراخی در پیش چشم انسان باشد تا از عالم حقیقت انسان بچشد و بنوشد؛ و بداند سیراب کننده اش الله است؛ و کسی که به او طعام می دهد نیز الله است؛ «هُوَ یُطْعِمُنی وَیَسْقِین» (شعراء: ۷۹) اکنون که الله کاسه پر از نعمتش را در مقابل ما گذاشته است و ما از آن می خوریم، گمان می کنیم خودمان تلاش کرده ایم و به دست آورده ایم؛ همه چیز در دست الله است؛ دستگاه توحید این است.

جمعه ۱ خرداد

اذان صبح: ٤:١٤
طلوع آفتاب: ٥:٥٥
اذان ظهر: ١٣:٠١
اذان مغرب: ٢٠:٢٨

٣ شعبان ١٤٣٦
22 May 2015

ولادت حضرت امام حسین علیه السلام (٤ هق) روز پاسدار
روز بزرگداشت صدرالدین محمد قوام شیرازی معروف به ملاصدرا (صدرالمتألهین)
سالروز آغاز محاصره اقتصادی ایران از سوی آمریکا
روز بهره وری و بهینه سازی مصرف
ورود امام حسین علیه السلام به مکه (٦٠ هق)

اکسیر خوش خُلقی، دشمن را دوست می کند

عصام بن مصطلق شامی می گوید: وارد مدینه شدم و هنگامی که به حضور حسین بن علی علیه‌السلام رسیدم گفتم: تو فرزند ابو تراب هستی؟ فرمود: بلی، پس آنچه توانستم به او و پدرش دشنام دادم. اما حضرت نگاه محبت آمیزی به من نمود وآیه شریفه: (خذالعفو) را قرائت فرمود. آنگاه فرمود: «ازخداوند برای خود و تو استغفار می کنم.» عصام می گوید: «از کرده خود پشیمان شدم، ولی حضرت فرمود: «ملامتی برشما نیست، خداوند از گناهان شما صرف نظر می کند». این جمله از زبان حضرت یوسف علیه‌السلام خطاب به برادرانش است آن هنگام که پشیمان شدند. آنگاه امام علیه‌السلام فرمود: «تو از اهل شام هستی؟» عرض کردم: آری. «فقال علیه‌السلام: شنشة اعرفها من اخزم» ضرب المثلی است و مقصود این است که سنت دشنام دادن به امیرالمؤمنین علیه‌السلام را معاویه بنیان گذاری کرد. بعد هم فرمود: «هر حاجت وخواسته‌ایی داری از من بخواه تا برای تو انجام بدهم». عصام می گوید: با این برخورد حضرت، آنچنان زمین بر من تنگ شد که دوست داشتم به زمین فروبروم سپس آهسته از محضرش خارج شدم که متوجه من نشوند واز آن به بعد در روی زمین کسی به اندازه او و پدرش مورد علاقه من نبود. (منتهی الامال، ج۱، ص۳۴۹)

﴿ وَ فَضَّلَ اللهُ الْمُجاهِدِينَ عَلَى الْقاعِدِينَ أَجْراً عَظِيماً[1] ﴾ ؛ «و جهادکنندگان را بر خانه‌نشینانِ [بی‌عُذر] به پاداشی بزرگ برتری داده است».

شأن نزول

این آیه درباره کعب‌بن‌مالک، از طایفه بنی‌سلمه و مرارة‌بن‌ربیع از طایفه بنی‌عمروبن‌عوف و هلال‌بن‌امیه از طایفه بنی‌واقف، که در جنگ تبوک از حرکت با پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله تخلّف ورزیدند، نازل گردید و خداوند عبدالله‌بن‌ام‌مکتوم را که نابینا بود، معذور دانست و آن عده را که سالم بودند ملامت کرد؛ این مطلب را ابوحمزه‌ثمالی در تفسیر خود روایت کرده است.[2]

نکات تفسیری

۱ـ کسانی که به جبهه جهاد نمی‌روند، چند گروه‌اند: منافقان بی‌ایمان، مسلمانان ترسو، رفاه‌طلبان، شکّاکان و بی‌همّتانی که می‌گویند: ما با مال و بیان و قلم و دعا، رزمندگان را دعا و حمایت می‌کنیم و جهاد برای ما واجب عینی نیست. این آیه به ویژه، به این گروه آخر مربوط می‌شود و از آنان انتقاد می‌کند؛ زیرا گروه‌های دیگر، در موارد متعدّد به‌شدّت مورد انتقاد قرار گرفته‌اند و هیچ‌گونه مقام و درجه‌ای ندارند تا مجاهدان یک درجه بالاتر از آنان باشند. در روایات آمده است، کسانی که به‌دلیل بیماری نمی‌توانند بجنگند، ولی دلشان همراه رزمندگان است، با آنان در ثواب جهاد برابرند.[3]

۲ـ قتاده در تفسیر این آیه شریفه گفته است: منظور از درجه، درجات اعمال است؛ چنان‌که گفته می‌شود، اسلام درجه‌ای است، فقه درجه‌ای است، هجرت درجه‌ای است، جهاد در هجرت درجه‌ای است و کشته شدن در راه هجرت نیز درجه‌ای است.[4]

به‌طور کلی چون ایمان دارای درجات متفاوتی است، اعمالی که بر اساس ایمان از انسانها صادر می‌شود نیز درجات مختلفی دارد.

۳ـ خدای تعالی به هر دو طائفه (آنها که به جهاد رفتند و آنها که نرفتند) وعده برخورداری از اجر و بهره اخروی داده است؛ دلیل ما این است که خداوند «اولی الضرر» یعنی بیماران و نابینایان را استثناء کرده است.[5]

اما به هر حال اجری دنیوی و اخروی کسانی را که از روی نفاق و دشمنی از شرکت در جهاد خودداری کرده‌اند شامل نمی‌شود.[6]

۴ـ سخن کوتاه اینکه آیه شریفه می‌خواهد مؤمنان را تحریک و تشویق به جهاد و روح ایمان آنان را برای سبقت‌گیری در خیر و فضیلت بیدار کند.[7]

اینکه فرموده است «کلا وعد الله الحسنی» به این جهت است که کسی که عذر واقعی از رفتن به جهاد داشته باشد و قلباً تمایل به شرکت در آن داشته است، ناامید نشود و اینکه بعد از این جمله می‌فرماید: «و فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجرا عظیما»، چون «قاعدین» مطلق آمده است، معلوم می‌شود که به هر حال برای مجاهدین نسبت به قاعدین، چه قاعدین معذور و چه غیرمعذور، برتری و فضیلت است.[8]

حدیث

در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است که به سربازان اسلام فرمود:

افرادی را در مدینه پشت سر گذاشتید که هر گام در این مسیر با شما بودند (و در پاداش‌های الهی شرکت داشتند) آنها

کسانی بودند که نیتی پاک داشتند و به اندازه کافی خیرخواهی کردند و قلب‌های آنها مشتاق به جهاد بود، ولی موانعی همچون بیماری و زیان و غیر آن، آنها را از این کار باز داشت.[9]

این حدیث شریف مایه امید برای کسانی است که از مجاهدت در راه خدا به دلیل عذر موجه محروم بوده‌اند، اما با همه وجود، نیت همراهی مجاهدان را در قلب خود داشته‌اند. حضرت می‌فرماید: اینها در هر گامی همراه مجاهدان بوده‌اند.

داستان

در جنگ صفین که بین سپاه علی علیه‌السلام و سپاه معاویه درگرفت و هجده ماه طول کشید، روزهای بسیار سخت و وحشت‌انگیزی پیش آمد. در این روزها یکی از یاران علی علیه‌السلام به نام زیادبن‌نضرحارثی به همرزم خود عبدالله‌بن بدیل گفت: در روز بسیار سخت و دشواری قرار گرفته‌ایم که هیچ‌کس نمی‌تواند صبر و پایداری کند، جز شخصی که قویدل، پاک‌نیت و پرصلابت باشد. سوگند به خدا گمان ندارم در چنین روز سختی کسی از ما یا دشمن در جبهه باقی بماند، جز افراد فرومایه (یعنی افراد شجاع و پرمایه از طرفین کشته می‌شوند، ولی افراد ترسو و کم‌مایه با فرار و گریز خود را حفظ می‌کنند).

عبدالله به حضور علی علیه‌السلام رفت و همین سخن را به عرض آن حضرت رساند. امام علی علیه‌السلام به آنها فرمود: این سخن را فاش نکنید و در دل خود نگه دارید و کسی آن را از شما نشنود؛ خداوند برای قومی مقام شهادت را مقدّر کرده (چراکه شایسته آن مقام‌اند) و برای قومی مرگ طبیعی را مقدر فرموده است و هر کس فراخور شایستگی‌اش، مرگ تقدیر شده خود را ملاقات می‌کند.

نتیجه

برای تفسیر آیه شریفه باید به صدر آیه نیز توجه کرد: «لایَسْتَوِی الْقاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنینَ غَیْرُ أُولِی الضَّرَرِ وَ الْمُجاهِدُونَ فی سَبیلِ اللهِ بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللهُ الْمُجاهِدینَ بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقاعِدینَ دَرَجَةً وَ کُلاًّ وَعَدَ اللهُ الْحُسْنی وَ فَضَّلَ اللهُ الْمُجاهِدینَ عَلَى الْقاعِدینَ أَجْراً عَظیماً»

در این آیه مؤمنان را به سه طایفه تقسیم می‌کند:

الف-مجاهدان؛ / ب-مؤمنان بدون عذر؛ / ج-مؤمنان دارای عذر.

گروه سوم کسانی هستند که جهاد بر آنها واجب عینی نبوده است.

آیه شریفه می‌خواهد بفرماید مؤمنان بدون عذر و صاحب‌عذر اجر دارند، اما اجر آنان به حد مجاهدان نمی‌رسد. از طرفی مؤمنان صاحب‌عذر اگر واقعاً نیت جهاد داشته باشند، ولی صرفاً با عذر موجّه نتوانند در جهاد شرکت کنند، خداوند اجر مجاهدان را برایشان تدارک می‌کند، اما به هر حال این اجر به اندازه مجاهدانی که در جبهه حضور یافته‌اند نخواهد بود؛ چرا که آنان با مشقاتی مواجه شده‌اند که غایبان آن را درک نکرده‌اند؛ بنابراین اگرچه بر اساس «نیة المؤمنِ خیرٌ من عملِه»، کسی که نیت جهاد کند، به پاداش الهی میرسد، اما پاداش او به اندازه کسی که در میدان جهاد شرکت کرده است، نخواهد بود.

نکته دیگر اینکه روحیه مجاهدت ربط مستقیم به مراتب ایمان اشخاص دارد؛ لذا برای مجاهدت، صرفاً برخورداری از شجاعت کافی نیست. مجاهدانی که در اسلام مورد ستایش قرار گرفته‌اند، کسانی هستند که با شناخت و غیرت و تعهد دینی پا به عرصه جهاد گذاشته‌اند و از سرزنش دیگران و یا مرگ در راه خدا هراسی به دل راه نمی‌دهند.

پی‌نوشت:

۱. نساء: ۹۵. ■ ۲. فضل‌بن‌حسن طبرسی، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج۵، ص۳۱. ■ ۳. محسن قرائتی، تفسیر نور، ج۲، ص۳۶۱. ■ ۴. فضل‌بن‌حسن طبرسی، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج۵، ص۳۱۵. ■ ۵. محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج۵، ص۴. ■ ۶. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج۴، ص، ۷۸. ■ ۷. همان. ■ ۸. همان. ■ ۹. ملامحسن فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج۱، ص۴۸۷. ■

برکات وجود امام

امام، محور هستی

براساس تعالیم دینی، امام واسطه فیض‌رسانی پروردگار به همه پدیده‌های جهان آفرینش است. او در نظام هستی محور و مدار است و بی‌وجود او عالم و آدم، جن و ملک و حیوان و جمادی نمی‌ماند. در این عرصه فرقی بین غیبت و ظهور او نیست. از امام صادق علیه‌السلام سؤال شد آیا زمین بدون امام باقی می‌ماند؟ حضرت فرمود:

«اگر زمین بدون امام بماند، هر آینه اهل خود را فرو می‌برد.»[1]

امید بخشی

شیعه، پیوسته و در طول تاریخ هزار و چهارصدساله، به انواع بلاها و سختی‌ها گرفتار شده است و آن چه به عنوان نیروئی بزرگ و پشتوانه‌ای استوار، او را به ایستادگی و تسلیم نشدن و حرکت و تلاش واداشته است؛ امید به آینده سبز مؤمنین و دین باوران بوده است. آینده‌ای که خیالی و افسانه‌ای نیست؛ آینده‌ای که نزدیک است و می‌تواند نزدیک‌تر باشد. زیرا آن که باید رهبری قیام را به عهده گیرد، زنده است و هر لحظه پا به رکاب و این ما هستیم که باید آماده باشیم.

پایداری مکتب

امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه، گرچه در غیبت است؛ ولی وجود او عامل جدّی برای حفظ مکتب شیعه است. او با آگاهی کامل از توطئه‌های دشمنان، به شیوه‌های مختلف، مرزهای فکری شیعیان را پاسداری می‌کند و آنگاه که دشمن فریبکار با ابزارهای گوناگون، اصول مکتب و اعتقادات مردم را نشانه می‌گیرد، با هدایت و ارشاد عالمان و برگزیدگان، راه‌های نفوذ او را می‌بندد.

خودسازی

در این رابطه قرآن کریم می‌فرماید: «وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ

پیشنهادهای اجرایی هفته

■ جلسه با هیئت امنای مسجد ■ برگزاری جشن میلاد امام سجاد علیه السلام ■ برگزاری جلسه توجیهی با هیئت امنا، خادم مسجد و سایر دست اندرکاران مسجد برای آموزش نحوه مواجهه با جوانان جهت جذب آنان ■ تأمین محلی در مسجد به عنوان قرائت‌خانه جهت استفاده بانوان ■ دعوت از نمایندگان مجلس برای بیان گزارش در روز قانون و هفته مجلس خطابه با موضوع چگونگی آزادسازی خرمشهر و روز مقاومت و ایثار ■ برگزاری مراسم دعای توسل (سه شنبه) ■ برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید ■ برگزاری مراسم دعای کمیل (پنجشنبه) ■ برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه) ■ برگزاری جشن میلاد حضرت علی اکبر علیه السلام و تجلیل از جوانان نمونه مسجد در روز جوان و حضور در اماکن مرتبط با جوانان (مدارس، میادین ورزشی، کتابخانه‌ها و...) و تبریک روز جوان به آنها

وَالْمُؤْمِنُون»[2]

[ای پیامبر به مردم] بگو عمل کنید [ولی بدانید] که خداوند و پیامبر و مؤمنان، کارهای شما را می‌بینند.

در روایات آمده است که مراد از «مؤمنون» در این آیه شریفه، امامان معصوم هستند.[3] بنابراین، اعمال مردم به نظر امام زمان می‌رسد و آن بزرگوار از پس پرده غیبت، شاهد و ناظر کارها است. این حقیقت اثر تربیتی بزرگی دارد و شیعیان را به اصلاح کارهای خود وا می دارد .

پناهگاه علمی و فکری

پیشوایان معصوم، معلّمان و مربّیان اصلی جامعه هستند . در زمان غیبت نیز، اگرچه دسترسی مستقیم محضر امام عصر ممکن نیست؛ ولی حضرت به راه‌های مختلف، گره از مشکلاتِ علمی و فکری شیعیان باز می‌کند. در دوره غیبت صغری، بسیاری از سؤالات مردم و علما، از طریقِ نامه‌های امام که به "توقیعات" مشهور است پاسخ داده می‌شد.[4]

هدایت باطنی و نفوذ روحانی

امام و حجّت خدا وظیفه رهبری و هدایت مردم را به عهده دارد و در تلاش است افرادی را که آماده دریافت نور هدایت او هستند، راهنمایی کند. برای انجام این مأموریت الهی، گاهی آشکارا و بی‌پرده، با انسان‌ها ارتباط برقرار می‌کند و زمانی دیگر با استفاده از قدرت ولایت خود، در درون قلب‌ها اثر می‌گذارد . بنابراین نیازی به حضور ظاهری امام و ارتباط مستقیم با او نیست؛ بلکه هدایت از راه ارتباطات قلبی انجام می‌گیرد.

ایمنی از بلاها

در روایات پیشوایان ما، وجود امام و حجّت الهی، در مجموعه جهان آفرینش، به عنوان عامل امنیّت زمین و اهل آن شمرده شده است. وجود امام، مانع از آن است که مردم به سبب انواع گناهان و مفاسدی که انجام می‌دهند، به عذاب‌های سخت الهی گرفتار آیند و طومار حیات زمین و اهل آن در هم پیچیده شود.

امام مهدی علیه‌السلام دراین رابطه می‌فرماید: «(من موجب ایمنی (از بلاها) برای ساکنان زمین هستم.»[5]

پی‌نوشت

۱ . کافی، ج ۱، ص ۲۰۱. ■ ۲ . سوره توبه، آیه ۱۰۵. ■ ۳ . کافی، ج ۱، باب عرض الاعمال، ص ۱۷۱. ■ ۴ . ر.ک: کمال الدین، ج ۲، باب ۴۵، صص ۲۳۵ - ۲۸۶. ■ ۵ . کمال الدین، ج ۲، باب ۴۵، ح ۴، ص ۲۳۹.

شنبه ۲ خرداد

اذان صبح: ٤:١٣
طلوع آفتاب: ٥:٥٤
اذان ظهر: ١٣:٠١
اذان مغرب: ٢٠:٢٩

٤ شعبان ١٤٣٦

23 May 2015

ولادت حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام (٢٦ هق) و روز جانباز
شهادت سردار محمد بروجردی، فرمانده قرارگاه حمزه سید الشهدا (١٣٦٢ هش)

نافذ البصيرة

امام صادق عليه‌السلام در رابطه با شخصیت حضرت عباس عليه‌السلام فرمودند: «كان عمنا العباس نافذ البصيره صلب الايمان جاهد مع ابی عبدالله و ابلی بلاء حسنا و مضی شهيداً. عموی ما عباس بینشی دقیق و ایمانی سخت داشت، او همراه اباعبدالله جهاد کرد و بلاها و سختی را به نیکویی گذراند و به شهادت رسید». (أبصار العين، ص ٣٠)

امام سجاد عليه‌السلام نیز فرمودند: رحم الله عمی العباس فلقد آثر و ابلی و فدا اخاه بنفسه حتی قطعت يداه فابدله الله عز و جل بهما جناحين يطير بهما مع الملائكة فی الجنة كما جعل جعفر بن ابی طالب. و ان للعباس عند الله تبارک و تعالی منزلة يغبطه بها جميع الشهداء يوم القيامة.

خدا عمویم عباس عليه‌السلام را رحمت کند که جانبازی کرد و خود را فدای برادر کرد تا دو دستش قطع شد و خدا در عوض به او دو بال داد که با آنها با فرشتگان در بهشت پرواز می کند، چنانچه به جعفر بن ابی طالب عطا کرد و برای عباس نزد خدای تبارك و تعالی مقامی است که در قیامت همه شهداء و اولین و آخرین نسبت به او رشك می‌برند.

یکشنبه ۳ خرداد

اذان صبح: ٤:١٢
طلوع آفتاب: ٥:٥٤
اذان ظهر: ١٣:٠١
اذان مغرب: ٢٠:٣٠

٥ شعبان ١٤٣٦

24 May 2015

ولادت حضرت امام زین العابدین علیه السلام در سال (۳۸ هق)
حماسه آزادسازی خرمشهر در عملیات بیت المقدس (۱۳۶۱هش) و روز مقاومت، ایثار و پیروزی
درگذشت طبیب و شیمیدان مشهور محمد بن زکریای رازی (۳۱۳ هق)

در جمیع مواضع سجودش اثر سجده آشکار بود...

امام باقر علیه السلام می فرماید: پدرم حضرت سجّاد علیه السلام، نعمتی از نعم الهی را یاد نکرد، مگر اینکه سجده آورد. آیه‌ای از قرآن را که در آن مسئله سجده بود قرائت نکرد، مگر همراهش به سجده آمد. رنجی از او برطرف نگشت مگر اینکه به خاطر آن سجده کرد، از نماز واجبی فارغ نشد، جز اینکه آن را به سجده پیوند داد و موفّق به اصلاح اختلاف بین دو نفر نگشت، مگر اینکه به خاطر توفیقش به آن کار بر خدا سجده کرد. در جمیع مواضع سجودش اثر سجود آشکار بود، به همین خاطر پدرم را سجّاد نامیدند. (بحار۴۶/۶)

مالک ابن أنس می‌گوید: علی بن حسین در شبانه‌روز هزار رکعت نماز می‌خواند تا اینکه از دنیا رحلت کرد. لذا به ایشان «زین العابدین» می‌گویند. (ذهبی، العِبَر، ج ۱، ص ۸۳)

ابن عبد ربّه می‌نویسد: هنگامی که علی بن حسین علیهما السلام آماده نماز می‌شد، لرزه عجیبی وجودش را فرا می‌گرفت. از ایشان در این‌باره سؤال شد، فرمود: «وای بر شما! آیا می‌دانید که من در برابر چه کسی می‌خواهم بایستم و در برابر چه کسی می‌خواهم مناجات کنم؟!» (عقدالفرید، ج ۳، ص ۱۶۹)

روز مقاومت و پایداری
روز دزفول

دوشنبه ۴ خرداد

اذان صبح: ٤:١٢
طلوع آفتاب: ٥:٥٣
اذان ظهر: ١٣:٠١
اذان مغرب: ٢٠:٣٠

٦ شعبان ١٤٣٦

25 May 2015

اثبات ولادت و ادله آن

۱. تصریح امام حسن عسکری علیه‌السلام به ولادت: کلینی در روایت صحیحی از ابوهاشم جعفری نقل می‌کند: «به ابومحمد امام حسن عسکری علیه‌السلام عرض کردم: هیبت شخصیت شما مرا از پرسیدن باز می‌دارد، آیا اجازه می‌دهید که از شما سؤالی بپرسم؟ فرمود: بپرس. عرض کردم: آیا شما فرزندی دارید؟ فرمود: آری.» (اصول کافی، ج۱، ح۲) و در مواردی نیز آن حضرت با نوشتن نامه، امر ولادت را اعلام کردند. (کمال الدین، ج۲، ب۴۲)
۲. شهادت دادن قابله: طبیعی است؛ بهترین کسی که می‌تواند به درستی شهادت و گواهی بر ولادت دهد، قابله‌ای است که در هنگام ولادت حضور داشته است. قابله آن حضرت بانوی بزرگوار و پرهیزگار حکیمه خاتون دختر امام جواد علیه‌السلام و عمه امام عسکری علیه‌السلام بود که به این مطلب تصریح کرده است.
۳. سنّت عقیقه: ابوجعفر عمری (سفیر خاص امام مهدی عج) می‌گوید: «چون امام [حضرت مهدی] متولد شد، امام حسن عسکری فرمود: به دنبال ابوعمرو بفرستید. چون به نزد امام آمد، به او فرمود: ده هزار رطل نان و ده هزار رطل گوشت خریداری کن و تقسیم کن (احتمالا میان بنی هاشم) و چند گوسفند برای او عقیقه کن» (کمال الدین، ب۴۱، ح۶).

سه‌شنبه ۵ خرداد

اذان صبح: ۴:۱۱
طلوع آفتاب: ۵:۵۳
اذان ظهر: ۱۳:۰۱
اذان مغرب: ۲۰:۳۱

۷ شعبان ۱۴۳۶
26 May 2015

پیروزی حزب الله لبنان
بر رژیم صهیونیستی
اسرائیل(۱۳۷۹هش)

دوران زندگی حضرت حجت عجل‌الله‌فرجه

زندگی حضرت مهدی عجل‌الله‌فرجه به سه دوره تقسیم شده است:
۱. دوران اختفا: این دوره از زمان ولادت شروع شد و تا شهادت امام حسن عسکری علیه‌السلام ادامه یافت. این دوره پنج سال بود و کودکی آن حضرت را شامل می‌شد.
۲. دوران غیبت: این دوره از زمان شهادت امام حسن عسکری علیه‌السلام شروع شده و تا زمان ظهور ادامه دارد. این دوره خود به دو مرحله تقسیم می‌شود: غیبت صغری و غیبت کبری.
۲ـ۱. غیبت صغری: دوره زمانی محدود، از سال ۲۶۰ هـ.ق تا ۳۲۹ هـ.ق (حدود هفتاد سال) را شامل می‌شود. این دوران، نقش مهم و تعیین کننده‌ای برای ورود شیعیان به مرحله غیبت کبری داشت. ویژگی بارز این دوره وجود چهار سفیر و نایب خاص بود: عثمان بن سعید عَمری، محمد بن عثمان بن سعید عمری، حسین بن روح نوبختی و علی بن محمد سمری. اینان نقش رابطه بین مردم و امام را ایفا می‌کردند.
۲ـ۲. غیبت کبری: با رحلت علی بن محمد سمری، دوران غیبت کبری یا غیبت تامه شروع شد. در این دوره دیگر فردی به عنوان نایب خاص به عنوان رابط ویژه میان مردم و امام، وجود ندارد.

چهارشنبه ۶ خرداد

اذان صبح: ۴:۱۰
طلوع آفتاب: ۵:۵۲
اذان ظهر: ۱۳:۰۱
اذان مغرب: ۲۰:۳۲

۸ شعبان ۱۴۳۶

27 May 2015

یکی از شاخصه‌های منتظران

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های منتظران، کسب معرفت (شناخت) آن امام همام است. امام صادق علیه‌السلام فرمودند: روزی امام حسین علیه‌السلام بر اصحاب خویش وارد شدند، بعد از حمد و ثنای الهی و درود بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: «یا أَیهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِیعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَغْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَا سِوَاهُ. فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی یا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ قَالَ مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِی یجِبُ عَلَیهِمْ طَاعَته؛ ای مردم! خداوند بندگان را نیافرید، مگر برای این که او را بشناسند، زمانی که او را شناختند، او را پرستش کنند و هنگامی که او را پرستش کردند، با عبادت و پرستش او از بندگی غیر او بی‌نیاز گردند.
مردی عرض کرد: ای پسر پیامبر! پدر و مادرم فدای شما باد، معرفت خداوند چیست؟ فرمود: شناخت اهل هر زمانی نسبت به امامشان، امامی که طاعت او بر آنان واجب است. معرفت (شناخت) امام زمان، اهمیت ویژه‌ای در زندگی و مرگ انسان‌ها دارد؛ زیرا مرگ هرکس، چکیده زندگی است. هرکسی آن‌گونه می‌میرد که زندگی کرده است.»(بحارالانوار، ج۵، ص۳۱۲) همچنین پیامبر فرمودند: «مَنْ ماتَ وَ لَمْ یعْرِفْ إمامَ زَمانِهِ ماتَ مَیتَةً جاهِلِیةً.؛(وسایل الشیعه، ج۱۶، ص۲۴۶).
بنابراین، هر کس امام زمانش را نشناسد، نه تنها مرگش جاهلی است، بلکه زندگی او نیز، زندگی جاهلانه خواهد بود.

پنج شنبه ۷ خرداد

اذان صبح: ۴:۰۹
طلوع آفتاب: ۵:۵۲
اذان ظهر: ۱۳:۰۲
اذان مغرب: ۲۰:۳۳

۹ شعبان ۱۴۳۶
28 May 2015

روز قانون و آغاز هفته مجلس
افتتاح اولین دوره مجلس شورای اسلامی (۱۳۵۹ هـ ش)

دلایل وجود بقیة الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. شهادت افرادی که امام را دیده‌اند: صدوق(ره) در کمال الدین و مرحوم شیخ طوسی در کتاب الغیبة بابی را به عنوان «افرادی که حضرت را دیده اند» گشوده‌اند. آنان حضرت مهدی علیه السلام را از نزدیك دیده و بر آن شهادت و گواهی داده‌اند.

۲. ملاقات احمد بن اسحاق: احمدبن اسحاق ـ از علما و بزرگان شیعه و یکی از اصحاب با وفای امام یازدهم ـ می گوید: «خدمت امام حسن عسکری علیه السلام شرفیاب شدم و می خواستم از جانشین پس از وی پرسش کنم. ولی قبل از آنکه حرفی بزنم، امام آغاز سخن کرد و فرمود: ای احمدبن اسحاق! او در این امت، مانند خضر و ذی القرنین است. او غیبتی طولانی خواهد داشت احمدبن اسحاق می گوید: پس عرض کردم: ای مولای من! آیا نشانه‌ای هست که قلبم بدان مطمئن شود؟ (در این هنگام) آن کودك (امام زمان علیه السلام که حالا به نزد ما آورده شده بود) به زبان فصیح به سخن در آمد و فرمود: «من بقیة اللّه علیه السلام [و ذخیره خداوند] در زمین هستم و از دشمنان او انتقام می گیرم، ای احمد بن اسحاق! ..» و نیز ملاقات چهل نفر از شیعیان با حضرت.

۳. وجود وکیلان و نایبان خاص: هر کس به تاریخ زندگی امام مهدی علیه السلام نگاه کند، به روشنی به ویژگی خاص غیبت صغری ـ همان وجود چهار نایب خاص ـ پی می‌برد. وجود این افراد که نقش وکیل را داشتند، با چنین عنوان خاص، خود بیانگر وجود موکل است.

آغاز دهه فرخنده
مهدویت(۱۰ تا ۲۰شعبان)

جمعه ۸ خرداد

اذان صبح: ۴:۰۸
طلوع آفتاب: ۵:۵۱
اذان ظهر: ۱۳:۰۲
اذان مغرب: ۲۰:۳۳

۱۰ شعبان ۱۴۳۶

29 May 2015

راه معرفت خدا

نخستین و مهم‌ترین وظیفهٔ انسان، شناخت پروردگار و آفریننده خویش است و تا شناخت او حاصل نشود، راه درست بندگی و اطاعت از او به روی انسان باز نخواهد شد. (کافی، ج، ص۲۴۷) در حدیث آمده است که از امام حسین علیه‌السلام سؤال شد: «فما معرفة الله؟» حضرت فرمود: «معرفة اهل کل زمان امامهم الذی یجب علیهم طاعته» (علل الشرایع، ج۱، ص۹، ح ۱) مراد از شناخت خدا، شناخت اهل هر زمانی نسبت به امام خویشتن است، آن امامی که اطاعت او بر آنان واجب است». به عبارت روشن‌تر شناخت امام، طریق معرفت خدا است و انسان با شناخت امام و توجه به گفتار و دستورات او می‌تواند در جاده صحیح زندگی گام بردارد و به سعادتی که خداوند برای او رقم زده، برسد. معرفت خدا بدون شناخت کسی که از جانب او سمت راهنمایی و راهبردی بندگان را دارد، امکان‌پذیر نیست. شیخ صدوق در تبیین حدیث یاد شده می‌گوید: «مراد این است که مردم هر زمان بدانند خداوند آنها را در هر زمان از امام معصوم خالی نگذاشته است؛ پس کسی که عبادت کند خدایی را که برای آنان حجت قرار نداده، پس غیر خدا را عبادت کرده است.»

﴿وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِينَ﴾[1]؛ «ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منّت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم».

روایاتی ذیل آیه شریفه

در روایت صحیح از علی علیه‌السلام نقل شده است: سوگند به خدایی که دانه را شکافت و مخلوقات را هستی بخشید، دنیا بعد از آنکه در مقابل ما چموشی و سرکشی کرده است، هم‌چون شتر بدخلق که به فرزند خود محبت می‌کند، به سوی ما روی می‌آورد و در برابر ما رام می‌شود؛ سپس همین آیه را تلاوت فرمود.[2]

نکات تفسیری

۱ـ تعبیر «منت» به معنای بخشیدن مواهب و نعمت‌ها است و این با منّت زبانی که بازگو کردن نعمت به قصد تحقیر طرف و مسلماً کار مذمومی است، فرق بسیار دارد.[3]

۲ـ «وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا»: یعنی می‌خواهیم به آنان که در زندگی ضعیف شمرده شدند، نعمتی بدهیم که از سنگینی آن، مکنت و تمکن پیدا کنند و تمکین ضعیفان در زمین اینگونه است. مکان و جایی به ایشان داده می‌شود که مالک آنجا شوند و در آن استقرار یابند. جمله «وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً» عطف تفسیر است برای «نمن» و هم‌چنین جملات دیگری که بعد از آن پی‌درپی آمده است همه منت مذکور را تفسیر می‌کنند.[4]

۳ـ آیه قبل بیانگر این بود که بنی‌اسرائیل تحت سیطرهٔ قدرتی سلطه‌گر به سر می‌بردند و ترس و وحشت از فرعون همهٔ وجودشان را پر کرده بود. آیه ۶۳ سوره طه می‌فرماید: «می‌خواهند شما را با جادویشان از سرزمین‌تان بیرون کنند و آیین برتر شما را از بین ببرند».[5]

این آیه نقشه‌ای را که فرعون برای بنی‌اسرائیل در سر می‌پروراند، تصویر نموده است و آن نقشه این بود که از بنی‌اسرائیل، حتی یک نفر را روی زمین زنده باقی نگذارد. این توطئه در مورد بنی‌اسرائیل تا زمان ظهور موسی علیه‌السلام کاملاً مؤثر بود، به نحوی که ترس از فرعون همه جوانب وجود آنان را پر کرده و آنان را مبدّل به موجوداتی کرده بود که اندیشه‌ای جز اطاعت از فرعون در سر نداشتند؛ آنان چنین تقدیری را برای خود پذیرفته بودند و هیچ‌گاه برنامه‌ای برای تغییر آن در سر نداشتند.[6]

در دو آیه ۵ و ۶ خداوند پرده از روی اراده و مشیت خود در مورد مستضعفان برداشته و پنج امر را در این زمینه بیان کرده است که با هم پیوند و ارتباط نزدیک دارند:

۱ـ می‌خواهیم آن‌ها را مشمول نعمت‌های خود کنیم: (وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ ...)

۲ـ می‌خواهیم آن‌ها را از پیشوایان قرار دهیم: (نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً)

۳ـ می‌خواهیم آن‌ها را وارثان حکومت جباران قرار دهیم: (وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِينَ)

۴ـ می‌خواهیم حکومتی قوی و پا برجا به آن‌ها بدهیم: (وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ)

۵ـ آنچه را دشمنان‌شان از آن بیم داشته و تمام نیروهای خود را بر ضدّ آن بسیج کرده بودند، به آن‌ها نشان دهیم: (وَ

نُرِیَ فِرْعَوْنَ وَ هامانَ وَ جُنودَهُما مِنْهُمْ ما کانُوا یَحْذَرُونَ)[7]

حدیث

۱ـ امام علی علیه‌السلام فرمودند: دنیا پس از چموشی با ما مهربان شود، همچون مهربان شدن شتر بدخوی به بچّه‌اش. حضرت سپس این آیه را برخواند: «و خواستیم بر کسانی که در زمین ناتوان نگه داشته شده بودند، منّت نهیم و آنان را پیشوایان قرار دهیم و وارثان گردانیم».[8]

۲ـ پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: شما را به پروای الهی سفارش می‌کنم و سفارش شما را به خدا می‌کنم، چراکه من برای شما هشداردهنده‌ای آشکارگو هستم، در میان بندگان وسرزمین‌های خداوند بر او برتری نجویید؛ زیرا خداوند متعال برای من و شما [چنین] فرموده است: «آن سرای آخرت را از آنِ کسانی می‌کنیم که در زمین، خواهان برتری‌جویی و تباهکاری نیستند[9]».[10]

نتیجه

در آیاتی از قرآن، وراثت بهشت مطرح شده است که گویا کاربرد وراثت در این باره، بلکه درباره کتاب آسمانی و حتّی زمین در بعضی موارد، مجازی است. بعضی آیات زمین یا بخشی از آن را میراث دانسته است و مستضعفان[11]، بندگان صالح[12]، یا گروهی از انسان‌ها را[13] نیز وارثان آن معرّفی کرده است. از همه این آیات و آیه مورد بحث می‌توان نتیجه گرفت که دوره جولان و ظهور باطل، موقت و همچون کفی بر روی آب، نمودی مجازی دارد و این حاکی از وجود توهمی و غیرواقعی باطل و وجود حقیقی حق است که به زودی بر روی زمین، چیزی جز حق حاکم نخواهد بود.

پی‌نوشت

۱ . قصص: ۵. ■ ۲ . فضل‌بن‌حسن طبرسی، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۸، ص۱۵۹. ■ ۳ . ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج۱۶، ص۱۷. ■ ۴ . محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج۱۶، ص۱۰. ■ ۵ . یُرِیدَانِ أَن یُخْرِجَاکُمْ مِّنْ أَرْضِکُم بِسِحْرِهِمَا وَ یَذْهَبَا بِطَرِیقَتِکُمُ الْمُثْلَی. ■ ۶ . محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج۱۶، ص۱۰، با تلخیص از ترجمه سیدمحمدرضا صفوی. ■ ۷ . ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج۱۶، ص۱۶ـ۱۷. ■ ۸ . نهج البلاغه، حکمت۲۰۹. ■ ۹ .تِلْکَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِینَ لایُرِیدُونَ عُلُوًّا فِی الأَرْضِ وَ لا فَساداً وَ الْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقِینَ. ■ ۱۰ . شیخ طوسی، الأمالی، ص۲۰۸. ■ ۱۱. آیه مورد بحث و آیه۱۳۷ سوره اعراف «وَ أَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِینَ کانُواْ یُسْتَضْعَفُونَ مَشَرِقَ الأَرْضِ وَ مَغرِبَهَا الَّتی بَرَکْنَا فِیهَا». ■ ۱۲ . وَ لَقَدْ کَتَبْنَا فِی الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الأَرْضَ یَرِثُهَا عِبَادِیَ الصَّلِحُونَ؛ انبیاء: ۱۰۵. ■ ۱۳ . أَ وَ لَمْ یَهْدِ لِلَّذِینَ یَرِثُونَ الأَرْضَ مِن بَعْدِ أَهْلِهَا أَن لَّوْ نَشَاءُ أَصَبْنَاهُم بِذُنُوبِهِمْ؛ اعراف: ۱۰۰.

پیشنهادهای اجرایی هفته

◆ برگزاری جلسه سخنرانی برای والدین با موضوع نحوه مواجهه تربیتی با جوانان و ترغیب آنها به حضور در مسجد ◆ برگزاری مراسم دعای توسل (سه شنبه) ◆ برگزاری ایستگاه صلواتی در محله به مناسبت نیمه شعبان با محوریت تشکل های مسجدی ◆ برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید ◆ ده روز خطابه در دهه مهدویت ◆ برگزاری جشن میلاد حضرت ولیعصر (عج) و قرائت زیارت آل یاسین در روز نیمه شعبان ◆ برگزاری مراسم عزاداری به مناسبت سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) ◆ خطابه با موضوع قیام ۱۵ خرداد و اثرات این قیام در پیدایش انقلاب اسلامی ◆ برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه) ◆ برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه)

برنامه های اجتماعی حضرت حجت علیه‌السلام در عصر ظهور

یکی از ابعاد اصلاح ساختار جامعه بشری، پرداختن به برنامه‌های اجتماعی است. در حکومت دادگستر بزرگ عالم، برای سامان‌بخشی اجتماع، برنامه‌هایی بر اساس تعالیم قرآن و سنّت اهل‌بیت علیهم‌السلام، در نظر گرفته شده است که به سبب اجرای آنها، محیط زندگی زمینه آماده‌ای برای رشد و تعالی افراد خواهد بود. نمونه‌هایی از برنامه‌های حضرت برای تحقق یک جامعه آرمانی مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

۱.احیاء و گسترش امر به معروف و نهی از منکر

در حکومت جهانی حضرت، فریضه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر به صورت گسترده به اجرا گذاشته خواهد شد. همان واجبی که قرآن کریم بر آن تأکید ورزیده و آن را از ویژگی‌های امت اسلامی به عنوان برگزیده امت‌ها، شمرده است[1]. از بهترین و والاترین مراتب امر به معروف و نهی از منکر، آن است که رئیس حکومت و کارگزاران آن، امر کننده به خوبی‌ها و بازدارنده از زشتی‌ها باشند.

امام باقر علیه‌السلام فرمود: «اَلْمَهدی وَ اَصْحابُهُ... یأمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ یَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِ[2]؛

مهدی و یاران او... امر به معروف و نهی از منکر می کنند.»

۲. مبارزه با فساد و رذائل اخلاقی

نهی از منکر که یکی از شاخصه‌های حکومت الهی است، تنها به زبان نخواهد بود؛ بلکه در عمل نیز با منکرات و زشتی‌ها مقابله خواهد شد، تا جایی برای فساد و رذائل اخلاقی در جامعه نماند و محیط زندگی از زشتی‌ها پاک گردد.

در دعای ندبه می‌خوانیم:

«اَینَ طامِسُ آثارَ الزَّیغِ وَالاَهْواءِ، أَینَ قاطِعُ حَبائِلَ الْکِذْبِ وَالاِفْتِراءِ[3]؛

کجاست آنکه آثار گمراهی و هوی و هوس را نابود خواهد ساخت؟

کجاست آنکه ریسمان‌های دروغ و افتراء را ریشه کن کند؟

۳. اجرای حدود الهی

برخورد با مفسدان و تبه‌کاران جامعه، شیوه‌های گوناگونی دارد. در زمان حکومت حضرت، از سویی با شیوه‌های فرهنگی و از سوی دیگر با تأمین نیازهای مشروع و معقول زندگی و اجرای عدالت اجتماعی، راه را بر فساد و تباهی می‌بندند؛ با این همه با کسانی که احکام الهی را زیر پا گذاشته و چارچوب قانون را نمی‌پذیرند، حدود الهی درباره ایشان اجرا می‌شود و حدّ و مرز آن نیز در قوانین کیفری اسلام بیان شده است.

حضرت جواد علیه‌السلام از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، ضمن بیان خصوصیات امام عصر عجل‌الله‌فرجه نقل کرده است:

«او حدود الهی را اقامه (و اجرا) خواهد کرد.»[۴]

٤.عدالت قضایی

در رأس برنامه‌های حضرت، اجرای عدالت در سطح جامعه است، اوست که همه عالم را، پر از عدالت و دادگری می‌کند؛ همان‌گونه که از ظلم و ستم آکنده باشد.

امام رضا علیه‌السلام در ضمن روایتی بلند در توصیف حضرت مهدی و دوران طلائی ظهورش فرمود:

«فَاِذا خَرَجَ اَشْرَقَتِ الاَرْضُ بِنُورِ رَبِّها وَ وَضَعَ میزانَ الْعَدْلِ بَینَ النّاسِ فَلا یظْلِمُ اَحَدٌ اَحَداً[۵]؛

وقتی او قیام کند، زمین به نور پروردگار روشن گردد و آن حضرت ترازوی عدالت در میان خلق نهد پس (چنان عدالت را جاری کند که) هیچ کس بر دیگری ظلم و ستم روا ندارد.»

از این روایت دانسته می‌شود که عدالت قضایی حضرت چنان گسترده و دقیق است که راه را بر ظالمان و سودجویان می‌بندد و از تکرار ظلم و ستم و عادی شدن تجاوز به حق دیگران، جلوگیری می‌کند.

پی‌نوشت

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۱۰. ■ ۲. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۴۷. ■ ۳. مفاتیح الجنان، دعای ندبه. ■ ۴. بحارالانوار، ۵۲، باب ۲۷، ح ۴. ■ ۵. همان، ج ۵۲، ص ۳۲۱.

شنبه ۹ خرداد

اذان صبح: ٤:٠٨
طلوع آفتاب: ٥:٥١
اذان ظهر: ١٣:٠٢
اذان مغرب: ٢٠:٣٤

١١ شعبان ١٤٣٦
30 May 2015

ولادت حضرت علی اکبر علیه السلام ۳۳ ه ق و روز جوان
رحلت فقیه و محدث گرانقدر علامه محمد تقی مجلسی صاحب کتاب روضة المتقین(١٠٧٠هق)
ورو قمر به عقرب ١٣:٥٧

امام مفترض الطاعه

امام خمینی: تمام مدایح و گفتار اهل بیت خصوصاً حضرت اباعبدالله در مورد حضرت علی اکبر حاکی از این است که اگر علی اکبر در کربلا به شهادت نمی رسید، خود، امام «مفترض الطاعه» می‌بود (یعنی امامی که اطاعت او واجب است). فردی که برادرش به مرض سختی دچار شده بود را نزد حافظ الصحه، یکی از سه پزشک معروف کربلا می‌برد. پس از چند ماه معالجه سودی نمی‌کند و هر روز حال او بدتر می‌شود. وی نزد پزشک می‌رود و سخنان زشتی به او می گوید که اسمت خیلی بزرگ است ولی از معالجه تو سودی ندیدیم. بعد بدون خداحافظی می رود. ولی بر خلاف انتظار از آن روز به بعد حال برادرش بهتر می شود شفا می‌یابد. نزد حافظ الصحه می رود و عذر خواهی می کند. طبیب می‌گوید: بنشین تا برایت بگویم. من بعد از سخنان تو خیلی دل شکسته شدم. به حضرت علی اکبر متوسل شدم که ای نور چشم حسین تو را به حق پدرت قسم می دهم که شفای این مریض را از خدا بخواه. همان شب در خواب خدمت آقا شرف یاب شدم و همان مطلب را تکرار کردم. فرمودند: من شفای آن مریض را از خدا خواستم و از هاتفی شنیدم که «این مریض مردنی است و تا نه روز دیگر می‌میرد ولی به برکت دعا و شفاعت شما، خدا با شفای او سی سال به عمرش افزوده است». آن مرد سی سال دیگر عمر کرد و در هفتاد سالگی در گذشت.(کتاب «خورشید جوانان»)

نظریه مهدویت

نظریه «مهدویت» یک نظریه جهانی است، نه منطقه‌ای و این اندیشهٔ نوین برای جهان و ادارهٔ آن، برنامه و طرح بنیادین و کارساز دارد. دنیا نیز تشنهٔ چنین طرحی است؛ از این رو، معتقدیم تنها برنامه‌ای که می‌تواند پاسخگوی بشر معاصر باشد، اندیشه مهدوی است؛ چون مهدویت، در عرصهٔ حکومتی دارای اهداف بلند، متعالی و ارزشی است. هرگاه بشریت، نظام مهدوی را مشاهده نماید، بی‌تردید به برتری او بر همه تجربیات و ادعاهای سابق ایمان می‌آورد و باور می‌کند که تنها راه حلی که او را از گرداب مشکلات و گرفتاری‌ها نجات می‌بخشد، همان نظام است. «ان دولتنا آخرالدّول و لم یبق اهل بیت لهم دولة الا ملکوا قبلنا لئلا یقولوا اذا رأوا سیرتنا اذا ملکنا سرنا بمثل سیرة هولاء ..؛» (الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ص۳۴۴) «بی‌شک دولت ما آخرین دولت‌ها است و هیچ خاندان صاحب دولتی نمی‌ماند، مگر آن‌که پیش از ما به حاکمیت می‌رسد تا وقتی روش ما را دیدند، نگویند اگر ما به حکومت می‌رسیدیم، مانند اینان عمل می‌کردیم. و خداوند می‌فرماید: عاقبت از آن پرهیزگاران است.» (اعلام الوری، ص۴۳۲) باید توجه داشت که حرکت‌ها و قیام‌هایی که برای زمینه‌سازی ظهور در عصر غیبت انجام می‌گیرد، از مصادیق این روایات نیست.

خروج قمر از عقرب ۸:۲۳

دوشنبه ۱۱ خرداد

اذان صبح: ٤:٠٦
طلوع آفتاب: ٥:٥٠
اذان ظهر: ١٣:٠٢
اذان مغرب: ٢٠:٣٥

١٣ شعبان ١٤٣٦
1 Jun 2015

شناخت امام زمان علیه‌السلام

شناخت وجود مقدس امام زمان بسیار مهم و ارزشمند است؛ زیرا از یك سو معرفت صحیح امام بر هر فرد واجب بوده و نبود آن، مرگ جاهلیت را به دنبال دارد (پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» بحارالانوار، ج۲۳، ص۷۶-۹۵) و از سوی دیگر شناخت بهتر موعود، نقش مهم و تعیین کننده ای در زندگی افراد دارد و حرکت آنان را تنظیم می کند. این شناخت دو جنبه دارد: معرفت شخص و معرفت شخصیت.

امام صادق علیه‌السلام از قول پدران بزرگوار خود از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل می کند: «مهدی از فرزندان من است، اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است، شبیه ترین مردم به من از جهت صورت و سیرت است» (کشف الغمة، ج۲، ص۵۲۱). برخی لقب‌های مشهور ایشان عبارت است از: مهدی، قائم، منتظَر، بقیة الله، صاحب الزمان، صاحب الامر و معروف ترین آنها «مهدی» است. هر یك از این القاب بیانگر پیام ویژه‌ای در مورد آن وجود مقدس است. مثلا آن بزرگوار را «مهدی» می گویند، زیرا هدایت شده‌ای است که مردم را به تمامی امور پنهان هدایت می‌نماید. و «قائم» می‌نامند، چون برای حق و عدل قیام خواهد کرد. «منتظَر» نامیده‌اند؛ زیرا مؤمنان انتظار مَقْدم او را دارندو «بقیة الله» خطاب می‌کنند چون که ذخیره خداوند است. (کمال الدین ج۲، ص۳۸۴، ح۱)

سه‌شنبه ۱۲ خرداد

اذان صبح: ٤:٠٦
طلوع آفتاب: ٥:٥٠
اذان ظهر: ١٣:٠٢
اذان مغرب: ٢٠:٣٦

١٤ شعبان ١٤٣٦
2 Jun 2015

اللّهُمّ عَرّفْنِی نَفْسَکَ فَإِنّکَ إِنْ لَمْ تُعَرّفْنِی نَفْسَکَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَکَ؛ اللّهُمّ عَرّفْنِی رَسُولَکَ فَإِنّکَ إِنْ لَمْ تُعَرّفْنِی رَسُولَکَ لَمْ أَعْرِفْ حُجّتَکَ؛ اللّهُمّ عَرّفْنِی حُجّتَکَ فَإِنّکَ إِنْ لَمْ تُعَرّفْنِی حُجّتَکَ ضَلَلْتُ عَنْ دِینِی.

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): خصوصیت اعتقاد ما شیعیان این است که این حقیقت را در مذهب تشیع از شکل یک آرزو، از شکل یک امر ذهنی محض، به صورت یک واقعیت موجود تبدیل کرده است. این واقعیت وجود دارد. حجت خدا در بین مردم زنده است؛ موجود است؛ با مردم زندگی می کند؛ مردم را می‌بیند؛ با آنهاست؛ دردهای آنها، آلام آنها را حس می کند. انسان‌ها هم، آنهائی که سعادتمند باشند، ظرفیت داشته باشند، در مواقعی به طور ناشناس او را زیارت می کنند. او وجود دارد؛ یک انسان واقعی، مشخص، با نام معین، با پدر و مادر مشخص و در میان مردم است و با آنها زندگی می کند. این، خصوصیتِ عقیده ما شیعیان است.

ادامه در صفحه بعد >>

چهارشنبه ۱۳ خرداد

تعطیل

۱۵ شعبان ۱۴۳۶

3 Jun 2015

اذان صبح: ۴:۰۵
طلوع آفتاب: ۵:۴۹
اذان ظهر: ۱۳:۰۲
اذان مغرب: ۲۰:۳۷

ولادت حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه (۲۵۵ هق) و روز جهانی مستضعفان
سخنرانی تاریخی امام خمینی(ره) در مدرسه فیضیه قم، سرآغاز قیام ۱۵ خرداد (۱۳۴۲هش)

>> ادامه از صفحه قبل
یک نکته در باب مسئلهٔ مهدویت این است که شما در آثار اسلامی، در آثار شیعی می‌بینید که از انتظار ظهور حضرت مهدی ؑ تعبیر شده است به انتظار فرج. فرج یعنی چه؟ یعنی گشایش. کِی انسان انتظار فرج دارد؟ انتظار گشایش دارد؟ وقتی یک فروبستگی‌ای وجود داشته باشد، وقتی گرهی هست، وقتی مشکلی هست. در زمینه‌ی وجود مشکل، انسان احتیاج پیدا می‌کند به فرج؛ یعنی سرانگشتِ گره‌گشا؛ بازکننده‌ی عقده‌های فروبسته. این نکته‌ی مهمی است.
معنای انتظار فرج به عنوان عبارةٔ أخرای انتظار ظهور، این است که مؤمنِ به اسلام، مؤمنِ به مذهب اهل‌بیت ؑ وضعیتی را که در دنیای واقعی وجود دارد، عقده و گره در زندگی بشر می‌شناسد. واقعِ قضیه هم همین است. منتظر است که این فروبستگیِ کار بشر، این گرفتاری عمومی انسانیت گشایش پیدا بکند. مسئله، مسئله‌ی گره در کار شخص من و شخص شما نیست. امام زمان ؑ برای اینکه فرج برای همه‌ی بشریت به وجود بیاورد، ظهور می‌کند که انسان را از فروبستگی نجات بدهد؛ جامعه‌ی بشریت را نجات بدهد؛ بلکه تاریخ آینده‌ی بشر را نجات بدهد. (۸۷/۵/۲۷)

پنج‌شنبه ۱۴ خرداد

تعطیل

اذان صبح: ٤:٠٥
طلوع آفتاب: ٥:٤٩
اذان ظهر: ١٣:٠٣
اذان مغرب: ٢٠:٣٧

١٦ شعبان ١٤٣٦

4 Jun 2015

رحلت حضرت امام خمینی رحمة الله علیه رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران (١٣٦٨ هش)
انتخاب حضرت آیت الله امام خامنه ای به رهبری (١٣٦٨ هش) (تعطیل)

او در دل مریدانش زنده است ...

امام خامنه ای (مد ظله العالی): ایشان مدرسی علی‌الظاهر بودند و در مسجد سلماس تدریس می‌فرمودند، اما اخلاص، صفای باطن و رابطه معنوی و پیوند مستحکم میان او و خدا، مقلب‌القلوب، موجب شد که این انسان علی‌الظاهر دستی نیرومند برای برافکندن بنیاد ارزش‌های مادی شود و امروز رهبر کمونیست چپ یک نقطه دور دست می‌گوید، خواهش می‌کنم به من کتابی درباره اسلام بدهید تا آن را مطالعه کنم و این درحالی است که همه ما بودیم، اما شما نمی‌توانستید به یک جوانی که باد مارکسیسم به دماغ او خورده است کتابی بدهید. (٦٨/٣/٢٣)

خشیدن روح عزت، استقلال، استغناء و اعتماد به نفس به ملتی که در طول سالیان متمادی سعی شده بود که اعتماد به نفس از او گرفته شود و استقلال او مورد دستبرد قرار گیرد و اعتماد به نفس او از بین برود و دیگران بر سرنوشت او تسلط یابند، از مشخصه‌های عمده انقلاب است که توسط امام خمینی در جامعه انقلابی کشور ترسیم شده است. (٦٨/٣/٢٩)

او در بانگ تکبیر مبارزان مسلمان، در ارادهٔ قهرآمیز ملت‌های زیر ستم، در ایمان آگاهانهٔ نسل جوان معاصر در دنیای اسلام، در امید روشن مستضعفان و مظلومان، در سوز و حال معنوی مناجاتیان، در حیات دوبارهٔ معنویت و ارزش‌های اخلاقی در جهان و در همهٔ جلوه‌های زیبایی که حرکت انقلابی و تاریخ ساز او در دوران معاصر به وجود آورد و بالاخره در دل یکایک عاشقان و مریدانش زنده است. (٦٨/٤/١٧)

جمعه ۱۵ خرداد

تعطیل

۱۷ شعبان ۱٤۳٦

5 Jun 2015

اذان صبح: ٤:۰٤
طلوع آفتاب: ٥:٤۹
اذان ظهر: ۱۳:۰۳
اذان مغرب: ۲۰:۳۸

قیام ۱۵ خرداد و زندانی شدن امام خمینی (ره) به دست ماموران رژیم پهلوی (۱۳۴۲ هـ ش) (تعطیل)
روز جهانی محیط زیست
قیام مردم گیلان به رهبری میرزا کوچک خان جنگلی (۱۲۹۹ هـ ش)
درگذشت حاج شیخ حسن علی نخودکی اصفهانی (۱۳٦۱ هـ ق)

من پاپ نیستم!

رژیم شاه امام خمینی﷫ را به مدت ده ماه پس از ۱۵ خرداد ۴۲ در زندان نگه داشت، تا اینکه امام(ره) در پانزدهم فروردین ماه ۱۳۴۳ آزاد گردید.
موضع گیری امام بعد از آزادی:
در روزنامه مورخ ۱۲ / ۰۵ / ۱۳۴۲ که مرا از زندان قیطریه آوردند، نوشتند که مفهومش این بود که روحانیت در سیاست مداخله نخواهد کرد. من الان حقیقت موضوع را برای شما بیان می کنم، آمد یک نفر از اشخاصی که میل ندارم اسمش را بیاورم، گفت آقا سیاست عبارت است از دورغ گفتن، خدعه، فریب، نیرنگ، خلاصه پدر سوختگی است و آن را شما برای ما بگذارید، چون موقع مقتضی نبود نخواستم با او بحثی بکنم، گفتم ما از اول وارد این سیاست که شما می گویید نبوده‌ایم. امروز چون موقع مقتضی است می گویم اسلام این نیست، والله اسلام تماش سیاست است، اسلام را بد معرفی کرده‌اند، سیاست مدن از اسلام سرچشمه می گیرد.
خمینی را اگر دار هم بزنند تفاهم نخواهد کرد ... من از آن آخوندها نیستم که در اینجا بنشینم و تسبیح دست بگیرم؛ من پاپ نیستم که فقط روزهای یکشنبه مراسمی انجام دهم و بقیهٔ اوقات برای خودم سلطانی باشم و به امور دیگر کاری نداشته باشم. پایگاه استقلال اسلامی اینجاست. باید این مملکت را از این گرفتاری‌ها نجات داد.
(صحیفه امام، ج۱، ص ۲۶۷)

﴿وَ لَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصَّالِحُونَ﴾[1]؛ «و به یقین در زبور، کتاب آسمانی داوود، پس از تورات نوشتیم که زمین را از شرک و گناه پاك خواهیم ساخت و بندگان شایسته من آن را به ارث خواهند برد».

نکات تفسیری

۱ـ «ذکر» در اصل به معنای یادآوری و یا چیزی است که سبب تذکر و یادآوری می‌شود و در آیات قرآن نیز به همین معنا به کار رفته است. گاهی نیز به کتاب آسمانی حضرت موسی علیه السلام یعنی تورات اطلاق شده است.

حضرت داوود علیه السلام یکی از بزرگ‌ترین پیامبرانی بود که تشکیل حکومت حق و عدالت داد.[2]

مرحوم علامه طباطبایی می‌فرمایند: عده‌ای از مفسران منظور از وراثت زمین را به دوران ظهور اسلام و یا دوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه تفسیر کرده‌اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله در اخبار متواتر از آن خبر داده است و شیعه و سنی آن‌ها را نقل کرده‌اند؛ ولی به نظر ما روایات مذکور هر چند متواتر است، آیه را تخصیص نمی‌زند؛ بنابراین تشکیل حکومت اسلامی مخصوص حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه نیست، هر چند حکومت ایشان، مصداق اتمّ حکومت اسلامی است.[3]

۳ـ در آیات و روایات، وقایع بی‌شماری درباره آخرالزمان پیش‌بینی شده است که بیشتر به دوره پایانی آن (مقارن با ظهور حضرت مهدی) مربوط می‌شود، مانند این وقایع:

بحران معنویت: پیش از ظهور امام زمان علیه السلام، جوّ حاکم بر جهان جوّ ستم، گناه و فساد خواهد بود.[4]

وقوع اختلاف‌ها و درگیری‌های بسیار:[5] روایات این آیه را به ظهور فرقه‌های مختلف در جهان اسلام مربوط دانسته‌اند که در آخرالزمان پدید می‌آید و موجب اختلاف‌های بسیار خواهد شد.[6]

ظهور دجّال: در هر سه دین آسمانی یهود، مسیحیت و اسلام، ظهور فاسدترین و مخرّب‌ترین جریان منحط در طول تاریخ، پیشبینی و از خطر آن پرهیز داده شده است.[7] دجّال که تجسّم کفر، فریب و گمراهی است، در آخرالزمان ظاهر شده، مردم را به پرستش خویش می‌خواند.

وقوع مصائب: برخی از آیات عذاب بر کافران و گنه‌کاران آخرالزمان، که نزول عذاب را انکار می‌کنند، تطبیق داده شده است؛[8] وقایعی مانند صدایی هراسناک، دود در آسمان، حاکمان ستمگر، اختلافات بسیار در دین، قتل و کشتار، ترس و ناامنی، گرسنگی و قحطی و فقر و کشتار.

خروج سفیانی: بیشتر مفسّران از ظهور لشکری طغیانگر که آخرالزمان در کشورهای اسلامی به ستم و تعدّی پرداخته، سرانجام در صحرایی بیرون از مکّه، گرفتار عذاب الهی می‌شوند، خبر داده‌اند.

ندای آسمانی: بنابر روایات شیعه، جبرئیل نخستین کسی است که با امام زمان بیعت و با صدایی بلند، به‌گونه‌ای که به گوش همه جهانیان برسد، این آیه را تلاوت می‌کند: «أَتی أَمرُ اللهِ فَلَاتَستَعجِلُوهُ».[9]

ظهور منجی بزرگ بشر: مهم‌ترین رخداد آخرالزمان، ظهور دوازدهمین امام شیعیان برای رهایی انسان‌هاست.

نزول عیسی علیه السلام: یکی از رخدادهای آخرالزمان، فرود آمدن عیسی علیه السلام از آسمان است.[10]

خروج جنبنده‌ای از زمین: قرآن با رمز و ابهام از خروج جنبده‌ای حکایت می‌کند که هنگام روی‌گردانی مردم از معنویّت، از زمین خارج شده، با مردم سخن می‌گوید.[۱۱]

هجوم یأجوج و مأجوج: قومی وحشی و فاسد با تخریب سدّ ذوالقرنین، در اندک زمانی سراسر جهان را پر از ظلم و فساد خواهد کرد، تا آنکه طبق روایات، در عصر ظهور حضرت مهدی، این قوم وحشی به‌طور کامل از بین خواهد رفت.[۱۲]

رجعت: در آخرالزمان برخی از نیکوکاران و بدکاران زمان‌های گذشته دوباره زنده می‌شوند.[۱۳]

صلح و آرامش پایدار در سرتاسر جهان: پس از پیروزی حضرت مهدی و یارانش، آرامش و معنویّت بر جهان حاکم خواهد شد.[۱۴]

حدیث

پیامبر خدا ﷺ به اصحابش فرمود: شما همراهان من هستید؛ اما برادران من مردمانی در آخرالزمان هستند که ایمان می‌آورند در حالی که مرا ندیده‌اند... پایداری هر کدامشان در دین‌داری، بیشتر از مقاومت کسی است که می‌خواهد در شب تار، خارهای ساقه گَوَن را با دست از بالا به پایین بزداید، یا همچون کسی است که زغال افروخته چوب گز را در کف نگه می‌دارد؛ اینان چراغ‌های تابان در دل تاریکی‌اند. خداوند آنان را از فتنه‌های غبارآلود و شبگون نجات می‌بخشد.[۱۵]

هم‌چنین از رسول خدا ﷺ درباره آخرالزمان روایت شده است که فرمود: زمانی بر مردم فرامی‌رسد که شکم‌های آنها بت‌های آنهاست و زن‌های آن‌ها قبله آنهاست و دینارهایشان دین‌شان و شرف‌شان متاع‌شان است؛ در آن زمان از ایمان جز نامی و از اسلام جز رسمی و از قرآن جز درسی باقی نمی‌ماند؛ مساجدشان از نظر ساختمان آباد و دل‌هایشان از نظر هدایت خراب است».[۱۶]

در ذیل این حدیث نیز آمده است: «خداوند در چنان شرایطی آنان را به چهار بلا مبتلا می‌کند: جور سلطان و قحطی زمان و ظلم والیان و حاکمان».

نتیجه

متقین زمانی وارثان زمین خواهند بود که مردم با تمام وجود این حقیقت را دریابند که والیان جور نمی‌توانند امنیت و سعادت آنان را تأمین کنند؛ بنابراین متوجه انسانی خواهند شد که در کتاب‌های آسمانی، وعده آمدنش داده شده است و البته این توجه این بار با رخ دادن یک اضطرار شدید برای درخواست آن منجی از درگاه خداوند خواهد بود.

پی‌نوشت

۱. انبیاء: ۱۰۵. ■ ۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج۱۳، ص۵۱۷. ■ ۳. محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص۳۳. ■ ۴. انبیاء: ۱. ■ ۵. مریم: ۳۷. ■ ۶. محمدبن‌مسعود، تفسیر العیاشی، ج۱، ص۶۴؛ سیدهاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص۷۱۲. ■ ۷. کتاب مقدّس، عهد قدیم، زکریا۹: ۶ و ۷ و دانیال۷: ۱۹ – ۲۷؛ عهد جدید، متّی۲۴: ۱۵ – ۲۵ و نامه اول یوحنا۴: ۱ – ۶ و مکاشفه یوحنا۱۳: ۱۱ – ۱۷؛ سفینةالبحار، ج ۲، ص ۱۶۲ و ۱۶۳. ■ ۸. یونس: ۵؛ صافات: ۱۷۷. ■ ۹. نحل: ۱. ■ ۱۰. زخرف: ۶۱. ■ ۱۱. نمل: ۸۲. ■ ۱۲. انبیاء: ۹۶. ■ ۱۳. نمل: ۸۳. ■ ۱۴. اعراف: ۱۲۸. ■ ۱۵. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج۵۲، ص۱۲۴. ■ ۱۶. همان، ج۲۲، ص۴۵۴.

برنامه اقتصادی حضرت حجت علیه السلام در عصر ظهور

از شاخصه‌های یک جامعه سالم، اقتصاد سالم است. اگر از منابع ثروت در جامعه به درستی استفاده شود و امکانات تولید و توزیع در اختیار عدّه‌ای خاص نباشد، بلکه حکومت به همه اقشار توجه کرده و برای همه، امکانِ بهره‌گیری از سرمایه‌ها را فراهم کند، جامعه‌ای ساخته می‌شود که امکان رشد معنوی نیز در آن بیشتر است. در قرآن کریم و روایات معصومین نیز به جنبه اقتصادی و بهینه‌سازی وضع معیشتی مردم توجه شده است. بنابراین در حکومت قرآنی حضرت مهدی نیز برای اقتصاد جهان، برنامه جامعی تدوین شده است، که بر اساس آن اولاً امر تولید سامان می‌یابد و از منابع طبیعی و مواهب الاهی بهترین بهره‌برداری می‌شود و ثانیاً ثروت به دست آمده، به شکل عادلانه، بین همه طبقات توزیع می گردد. در این مجال اشاره‌ای مختصر به برخی برنامه‌های اقتصادی مهدی موعود در عصر ظهور خواهیم داشت.

۱. بهره‌وری از منابع طبیعی

یکی از مشکلات بخش اقتصاد، عدم استفاده صحیح و بجا از مواهب الهی است. در حالی که در عصر ظهور، به برکت حکومت حقّ، آسمان، سخاوت‌مندانه می‌بارد و زمین بی‌دریغ بار می‌دهد. امام علی علیه السلام دراین باره فرموده است:

«... وَلَوْ قَدْ قامَ قائمُنا لَاَنْزَلَتِ السَّماءُ قَطْرَها وَ لَاَخْرَجَتِ الْاَرْضُ نَباتَها...[۱]

و چون قائم ما قیام کند، آسمان باران می‌ریزد و زمین گیاه بیرون می آورد...».

در زمان حاکمیت آخرین حجّت حقّ، همه زمین و امکانات آن در اختیار امام قرار می گیرد، تا سرمایه‌ای کلان برای پی‌ریزی اقتصادی سالم فراهم شود.

۲. توزیع عادلانه ثروت

از مهمترین عوامل اقتصاد بیمار در جوامع بشری، انباشته شدن ثروت در نزد گروهی خاصّ است. همیشه اینگونه بوده است که برخی افرادی که برای

پیشنهادهای اجرایی هفته

▪ برنامه ریزی سالانه برای برنامه های ویژه جوانان محل در مسجد مثل کارگاه‌های ازدواج، پیشگیری از اعتیاد، تفریح سالم و... با همکاری کارشناسان مجرب و ارگان‌های مرتبط ▪ برگزاری کلاس های مفید برای بانوان (احکام، تربیت فرزند، جلسات قرآن و...) ▪ برگزاری مراسم دعای توسل (سه شنبه) ▪ برنامه ریزی جهت برگزاری مراسم غبارروبی مسجد درآستانه ماه مبارک رمضان وطراحی و اجرای برنامه های دیگر ویژه دهه تکریم مساجد ▪ برگزاری مراسم دعای کمیل (پنجشنبه) ▪ برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه)

خود امتیازی قائل بوده‌اند، بر انبارهای ثروت عمومی چنگ انداخته و آن را در جهت منافع شخصی خود به کار برده‌اند؛ در حالی که در عصر ظهور، حضرت با اینان مقابله خواهد کرد و ثروت همگانی را در اختیار همگان خواهد گذاشت و عدالت علوی را به همه نشان خواهد داد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«اِذا قامَ قائمُ اَهْلِ الْبَیتِ قَسَّمَ بِالسَّویة وَعَدَلَ فِی الرَّعِیة...»[۲]

وقتی قائم خاندان پیامبر، قیام کند (اموال را) به مساوی تقسیم می‌کند و در میان خلق به عدالت رفتار می‌کند.»

پیامبر صلی الله علیه و آله نیز می‌فرماید:

«شما را به مهدی علیه السلام بشارت می‌دهم که در امّت من برانگیخته خواهد شد... او اموال را به درستی تقسیم می‌کند. کسی پرسید: مراد چیست؟ فرمود: یعنی بین مردم مساوات را اجرا خواهد کرد.»[۳]

ره‌آورد این مساوات در سطح جامعه آن است که فقر و تهیدستی ریشه‌کن گردیده و فاصله طبقاتی برچیده می‌شود.

۳. عمران و آبادانی

در حکومت‌های بشری، بخش‌هایی از محیط زندگی آباد می‌شود که به نحوی در ارتباط با حاکمان و اطرافیان و هم‌فکران ایشان و یا طبقه اشراف و بزرگان و صاحبان نفوذ باشد و معمولاً بقیه طبقات به دست فراموشی سپرده می‌شوند. ولی در حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که امر تولید و توزیع ساماندهی می‌گردد، همه جا به نعمت و آبادانی می‌رسد. امام باقر علیه السلام در توصیف روزگار حضرت حجت می‌فرماید:

«... فَلا یبْقی فِی الْاَرْضِ خَرابٌ اِلّاعُمِّرَ...».[۴]

در تمام زمین هیچ ویرانه‌ای نمی‌ماند، جز اینکه آباد می‌گردد.

پی‌نوشت

۱. بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۰۴ ـ خصال / ۶۲۶. ■ ۲. الغیبة نعمانی، باب ۱۳، ح ۲۶، ص ۲۴۲. ■ ۳. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۱. ■ ۴. کمال الدین، ج ۱، باب ۳۲، ح ۱۶، ص ۶۰۳.

شنبه ۱۶ خرداد

اذان صبح: ٤:٠٤
طلوع آفتاب: ٥:٤٩
اذان ظهر: ١٣:٠٣
اذان مغرب: ٢٠:٣٨

۱۸ شعبان ١٤٣٦
6 Jun 2015

شناخت مخاطب، قدم اول در ایجاد ارتباط

هدف مبلغِ دین تنها ارائه مطلب در یک قالب و بیان یکسان و تکراری نیست، بلکه هدفِ او شناخت مخاطب و تشخیص نیازهای آنان است تا بتواند مطالب مورد نیاز را با توجه به ویژگی‌های مخاطبین خود فراهم نماید. بنابراین باید مخاطب را نسبت به موارد ذیل ارزیابی کرد تا بتوان بر اساس نیاز و کشش او، در جذبش کوشید: ۱. میزان آگاهی و درک: به معنای توجه به مراحل رشد ذهنی، سطح درک و آگاهی و میزان فهم مخاطب است. توجه دقیق به میزان اطلاعات عمومی دینی، خزانه‌ی کلمات و معانی اصطلاحات و سطح توانایی‌های عقلی مخاطب، از لوازم اولیه ارتباط با افراد است. ۲. میزان درک اخلاقی: یعنی آیا نوجوان و جوان به مرحله‌ای رسیده‌اند که کارهای ارزشی و اخلاقی را براساس پیامدهای آن درک کنند؟ یا آنکه نمی‌توانند بدون تأیید و تصدیق بزرگترها، ارزش کار اخلاقی را درک کرده و حس نمایند؟ طبیعتاً برای گروه اول از رویکرد توصیفی استفاده می‌شود و برای گروه دوم باید بیشتر از زندگی علما و بزرگان اخلاق نقل نمود. ۳. شرایط روحی و روانی: یعنی شناخت موقعیت‌هایی خاص در روحیه مخاطب، مانند: هیجان، غضب، غم و شادی و میزان قدرت تحمل روحی مخاطب. اگر مخاطبی در شرایط روحی متعادل و مناسب نباشد، مثل آنکه شدیداً به چیزی معترض باشد، چه بسا در برابر رساترین پیام نیز از خود مقاومت نشان دهد و حتی کلام منقول از خدا و پیغمبر را نیز انکار نماید.

(با تصرف از کتاب «شیوه جذب جوانان»، محمد اسماعیلی مبارکه)

گوشی شنوا و دلسوز

توجه به سخن دیگران و قطع نکردن کلام آنها از بهترین روش‌های جذب است و هرگز با توهین، تحقیر و اهانت نمی‌شود کسی را به دین جذب کرد. در هنگام گفت و شنود، رعایت آداب شنیدن و در هنگام مشاوره، خوب گوش دادن به سخنان و اظهار نظر دیگران، وظیفه‌ی اسلامی همگان و مخصوصاً مبلغین است.

از جمله ویژگی‌های پیامبر اسلام ﷺ این بود که به حرف دیگران گوش می‌داد تا جایی که به آن حضرت «اُذُن» می‌گفتند. در قرآن مجید آمده است: «وَ مِنْهُمُ الَّذینَ یُؤْذُونَ النَّبِیَّ وَ یَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنُ خَیْرٍ لَکُمْ یُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ یُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنینَ وَ رَحْمَةٌ لِلَّذینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ الَّذینَ یُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذابٌ أَلیم» (توبه - ۶۱) «برخی از آنها کسانی هستند که پیغمبر را آزار می‌دهند و می‌گویند: او دهن‌بین است. بگو برای شما دهن‌بین خوبی است. به خدا ایمان دارد و مؤمنان را تصدیق می‌کند، و برای باایمانان شما رحمت است و کسانی که پیغمبر را اذیت کنند، عذابی دردناک دارند.»

بنابراین در هنگام برخورد با نسل جوان، بسیار ضروریست تا با نهایت حوصله و دقت به کلام، درد دل و یا سؤال آنها گوش دهیم، خصوصاً با توجه به این نکته که بسیاری از جوانان، معضل اصلی در ارتباطشان با دیگر بزرگترها را، عدم توجه و درک دیگران نسبت به حرف‌ها و دغدغه‌های خود می‌دانند و اگر گوشی شنوا و دلسوز بیابند، به سمت او جذب می‌شوند.

(با تصرف از کتاب «شیوه جذب جوانان»، محمد اسماعیلی مبارکه)

آغاز دهه تکریم و
غبارروبی مساجد

دوشنبه ۱۸ خرداد

اذان صبح: ۴:۰۳
طلوع آفتاب: ۵:۴۸
اذان ظهر: ۱۳:۰۳
اذان مغرب: ۲۰:۴۰

دهه تکریم و
غباروبی مساجد

۲۰ شعبان ۱۴۳۶

8 Jun 2015

ستارگان درخشنده اهل آسمان

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله : «أَلا إِنَّ بُيُوتِي فِي الأَرْضِ الْمَسَاجِدُ تُضِيءُ لأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ النُّجُومُ لأَهْلِ الْأَرْضِ أَلا طُوبَى لِمَنْ كَانَتِ الْمَسَاجِدُ بُيُوتَهُ أَلا طُوبَى لِعَبْدٍ تَوَضَّأَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي أَلا إِنَّ عَلَى الْمَزُورِ كَرَامَةَ الزَّائِرِ أَلا بَشِّرِ الْمَشَّائِينَ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: خدای متعال فرمود: آگاه باش که خانه های من در زمین مساجد هستند و برای اهل آسمان ها همچون ستارگان برای اهل زمین می درخشند؛ آگاه باش، خوشا به حال کسی که مساجد خانه های اوست؛ آگاه باش، خوشا به حال بنده ای که در خانه اش وضو بگیرد، سپس مرا در خانه ام زیارت کند؛ آگاه باش، بر زیارت شده واجب است که زائرش را تکریم کند؛ آگاه باش، به کسانی که در تاریکی ها به مساجد می روند بشارت بده به نور ساطع در روز قیامت. (وسائل الشیعه، ج۱، ص۳۸۲)

امام صادق علیه‌السلام : «عَلَيْكُمْ بِإِتْيَانِ الْمَسَاجِدِ فَإِنَّهَا بُيُوتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَ مَنْ أَتَاهَا مُتَطَهِّراً طَهَّرَهُ اللَّهُ مِنْ ذُنُوبِهِ وَ كُتِبَ مِنْ زُوَّارِهِ فَأَكْثِرُوا فِيهَا مِنَ الصَّلَاةِ وَ الدُّعَاءِ وَ صَلُّوا مِنَ الْمَسَاجِدِ فِي بِقَاعٍ مُخْتَلِفَةٍ فَإِنَّ كُلَّ بُقْعَةٍ تَشْهَدُ لِلْمُصَلِّي عَلَيْهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ بر شما باد به رفتن به مساجد، به خاطر این که مساجد خانه های خدای متعال در زمین هستند و کسی که با طهارت به سوی مساجد برود خدای متعال او را از گناهانش پاك می کند و از زوارش نوشته می شود، پس زیاد در مساجد نماز و دعا بخوانید و در مسجدهای مختلف نماز بخوانید، چون که در روز قیامت هر مکانی شهادت برای نمازگزارش می دهد. (بحارالانوار، ج۸۰، ص۳۸۴)

سه‌شنبه ۱۹ خرداد

دهه تکریم و غبارروبی مساجد

۲۱ شعبان ۱۴۳۶

9 Jun 2015

اذان صبح: ۴:۰۳
طلوع آفتاب: ۵:۴۸
اذان ظهر: ۱۳:۰۳
اذان مغرب: ۲۰:۴۰

هدیه زائر خانه خدا ...

عن الحسین علیه‌السلام : «اهل المسجد زوار الله و حق علی المزور التحفة لزائرة» ؛ اهل مسجد، زائران خدایند و بر صاحب خانه است که به زائرش هدیه دهد.(کلمة الامام حسن علیه‌السلام ، ص ۴۱)

آنچه امروز اهمیت دارد، عمران و آبادی معنوی مساجد است، و به تعبیر دیگر بیش از آنچه به ساختن مسجد اهمیت می دهیم باید به ساختن افرادی که اهل مسجد و پاسداران مسجد و حافظان آنند اهمیت بدهیم. مسجد باید کانونی باشد برای هر گونه حرکت و جنبش سازنده اسلامی در زمینه آگاهی و بیداری مردم، و پاکسازی محیط، و آماده ساختن مسلمانان برای دفاع از میراثهای اسلام مخصوصاً باید توجه داشت، مسجد مرکزی برای جوانان با ایمان گردد، نه اینکه تنها مرکز بازنشستگان و از کار افتادگان شود. مسجد باید کانونی برای فعال‌ترین قشرهای اجتماع باشد، نه مرکز افراد بیکاره و بی‌حال و خواب آلوده‌ها. (مقاله جایگاه مسجد در قرآن و روایات، سید اصغر سعادت)

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «من بنی مسجدا فی الدنیا اعطاه الله بکل شبر منه -او قال بکل ذراع منه- مسیرة اربعین الف عام مدینة من ذهب و فضة و در و یاقوت و زمرد و زبرجد و لؤلؤ؛ هر که در دنیا مسجدی بسازد، خداوند در برابر هر وجب- یا فرمود: هر ذراع- به مقداری که چهل هزارسال پیموده می‌شود، شهری از طلا و نقره و در و یاقوت و زمرد و زبرجد و لؤلؤ به او عطا می کند.»

چهارشنبه ۲۰ خرداد

اذان صبح: ۴:۰۲
طلوع آفتاب: ۵:۴۸
اذان ظهر: ۱۳:۰۴
اذان مغرب: ۲۰:۴۱

دهه تکریم و غبارروبی مساجد

۲۲ شعبان ۱۴۳۶

10 Jun 2015

شهادت آیت الله سعیدی به دست مأموران ستم شاهی پهلوی (۱۳۴۹ هـ ش)

روز صنایع دستی

ضرورت اجتماع مؤمنان در مسجد

نقش‌آفرینی عمیق دین در ایجاد تشکل‌های اجتماعی، موجب شده تا اسلام در ابتدای نظام‌دهی سازمانِ دینی خود، تأسیس مرکز تجمع عمومی مسلمانان را با نام «مسجد» در اولویت قرار داده و اجتماع در آن را به نیکوترین وجه ستوده و شدیدترین تأکیدات را در راستای حفظ این سنگرهای توحیدی ابراز کند.

امام خمینی‌ﷺ براساس همین شناخت، بارها بر اهمیت اجتماع و حضور فعال در مساجد تأکید داشته و آن را موجب تقویت اسلام و نظام اسلامی می‌دانستند. ایشان می‌فرمایند: «مساجد باید مجتمع بشود از جوان‌ها، اگر ما بفهمیم که این اجتماعات چه فوائدی دارد و اگر بفهمیم که اجتماعاتی که اسلام برای ما دستور داده و فراهم کرده است، چه مسائل سیاسی را حل می‌کند، چه گرفتاری‌ها را حل می‌کند، این طور بی‌حال نبودیم که مساجدمان مرکز بشود برای چند پیرزن و پیرمرد.» (صحیفه نور، ج ۹، ص ۶۳۱)

و در سخنی دیگر می‌فرمایند: «مسجد مرکز تبلیغ است. در صدر اسلام از همین مسجدها جیش‌ها، ارتش‌ها راه می‌افتاده، مرکز تبلیغ احکام سیاسی- اسلامی بوده، هر وقت‌یک گرفتاری را طرح می‌کردند، صدا می‌کردند: «الصلوة مع الجماعة» اجتماع می‌کردند، این گرفتاری را طرح می‌کردند، صحبت‌ها را می‌کردند. مسجد مرکز اجتماع سیاسی است. اجتماعات خود را هرچه بیشتر در مساجد و محافل و فضاهای باز عمومی برپا نمایید.» (صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۶)

پنج‌شنبه ۲۱ خـــرداد

دهـه تــکــریم و
غبارروبی مساجد

۲۳ شعبان ۱٤۳٦

11 Jun 2015

اذان صبـــح: ٤:۰۲
طلوع آفتاب: ٥:٤٨
اذان ظهـــر: ۱۳:۰٤
اذان مغـرب: ۲۰:٤۱

آداب خانه خدا

برای رفتن به مسجد هم قرآن آدابی را بیان می کند از آن جمله در سوره اعراف آیه ۳۱ آمده: «یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد و کلوا و اشربوا و لا تسرفوا انه لایحب المســرفین؛ ای فرزندان آدم زیورهای خود را در مقام عبادت به خود برگیرید و هم از نعمت‌های خدا بخورید و بیاشـامید و اسراف نکنید که خدا مسرفان را دوست نمی دارد.» مسجد پایگاهی برای عبادت و پرستش است و خداوند تبارک و تعالی به جهت اهمیت و فضیلت مساجد بر دیگر مکان‌ها مساجد را به خود نسبت داده و از آن خویش دانسته است. در سوره جن آیه ۱۸ آمده: «و أن المساجد لله فلاتدعوا مع الله أحدا؛ و مساجد مخصوص خداست پس نباید با خدا احدی غیر او را پرستش کنید.» از این رو برای رفتن به مسجد قرآن آدابی را بیان می دارد از آن جمله در سوره اعراف آیه ۳۱ آمده: بی شک مراد از زینت تنها آراسته بودن به امور ظاهری نیست، بلکه باید گفت: زینت آراسته شدن به فضائل معنوی مانند اخلاص و یاد خدا و حقیقت بندگی است، قلب انسان مسجدی بایستی آراسته به طهارت و پاکی بوده و از شرک و ریا و اعتقادات نادرست به دور باشد.

جمعه ۲۲ خرداد

دهه تکریم و غبارروبی مساجد

اذان صبح: ٤:٠٢

طلوع آفتاب: ٥:٤٨

اذان ظهر: ١٣:٠٤

اذان مغرب: ٢٠:٤٢

٢٤ شعبان ١٤٣٦

12 Jun 2015

تجارت با خدا

خداوند در سوره نور آیات ۳۶ تا ۳۸ ویژگی‌های اهل مسجد را اینگونه بیان می‌دارد: «فی بیوت أذن الله أن ترفع و یذکر فیها اسمه یسبح له فیها بالغدو و الأصال* رجال لاتلهیهم تجاره و لابیع عن ذکر الله و إقام الصلوه و ایتاء الزکوه یخافون یوما تتقلب فیه القلوب و الابصار* لیجزیهم الله أحسن ماعملوا و یزیدهم من فضله و الله یرزق من یشاء بغیر حساب؛ در خانه‌هایی خدا رخصت داده که آنجا رفعت یابد و در آن ذکر خدا شود و صبح و شام تسبیح و تعزیه ذات پاک او کنند. پاک مردانی که هیچ کسب و تجارت آنان را از یاد خدا و به پا داشتن نماز و پرداختن زکات غافل نمی‌سازد و از روزی که دل و دیده ها در آن روز حیران و مضطرب است ترسان و هراسانند. تا خدا در مقابل بهترین اعمال ایشان جزاء و ثواب عطا فرماید و از فضل و احسان خویش بر آنها بیفزاید و خدا هرکه را خواهد روزی بی حد و حساب بخشد.» کتاب خدا برای مسجد فضیلتی بس بلند و مقامی بس ارجمند قائل است، مسجد خانه خدا و محل عبادت و برترین و شریف‌ترین مکان روی زمین است، مسجد مرکز اتصال قلب و روح به محبوب حقیقی و جای شنیدن دعوت حضرت دوست به سوی خیر و کمال است.

﴿وَ إِذِ ابْتَلى إِبْراهيمَ رَبُّهُ بِكَلِماتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قالَ إِنِّي جاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِماماً قالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتي قالَ لايَنالُ عَهْدِي الظَّالِمينَ﴾[1]؛ «و [یاد کنید] هنگامی که ابراهیم را پروردگارش به اموری [دشوار و سخت] آزمایش کرد؛ پس او همه را به‌طور کامل به انجام رسانید. پروردگارش [به‌خاطر شایستگی و لیاقت او] فرمود: من تو را پیشوای مردم قرار خواهم داد. ابراهیم گفت: آیا از فرزندان من نیز کسی را پیشوای مردم قرار می‌دهی؟ فرمود: امامت، عهد من است و عهد من به کسانی از فرزندان تو که ستمکارند نمی‌رسد».

نکات تفسیری

علامه طباطبایی معتقد است که این آیه به مقام اعطای امامت در اواخر عمر حضرت ابراهیم علیه‌السلام اشاره دارد؛ بعد از آنکه در ایّام عمر به آزمون‌های سختی مبتلا شد. مقام امامت از منظر علامه، به معنای ظهور این مقام در کسی است که برای هدایت برگزیده شده و عالم به باطن و ملکوت کل هستی است. ایشان می‌فرماید: در قرآن هر جا مسئله امامت مطرح شده، به دنبال آن از هدایت به امر سخن به میان آمده است؛ به‌گونه‌ای که در واقع هدایت به امر همان تفسیر امامت است؛ مانند آیه «وَ جَعَلْناهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنا»[2] و آیه «وَ جَعَلْنا مِنهُمْ أَئِمَّةً يهْدُونَ بِأَمْرِنا لَمَّا صَبرُوا وَ كَانُوا بِآياتِنَا يُوقِنُون»[3] در این آیه علاوه بر اینکه هدایت و امامت قرین یکدیگر شده‌اند، علّت رسیدن به مقام امامت صبر و یقین خداوند است نیز بیان شده است و چون صبر به‌صورت مطلق آمده است، تمام مواردی را که مربوط به آزمایش بندگان در پرستش خداوند است شامل می‌شود.

مرتبه یقین نیز مرتبه‌ای است که ملکوت آسمان‌ها و زمین به وسیله آن مشاهده می‌شود، چنانچه آیه «وَ كَذَالِكَ نُرِى إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَ الأَرْضِ وَ لِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنين»[4] در مورد این مسئله صراحت دارد. در سوره تکاثر هم می‌فرماید: «كَلاَّ لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ * لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ * ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَينَ الْيَقِينِ»[5]

از مجموعه این آیات نتیجه می‌گیرند که امام کسی است که علاوه بر انجام همه دستورات الهی و پرهیز از تمامی گناهان، دارای یقین نیز هست و ملکوت آسمان‌ها و زمین یعنی چهره باطنی آنها را مشاهده می‌کند؛ چراکه امام در امر هدایت انسان‌ها باید از درون آن‌ها مطلّع و همه خیرها و شرها و راه سعادت و شقاوت آنان را بشناسد؛ چنانچه در سوره یونس آیه۳۵ می‌فرماید: «آیا کسی که به سوی حق هدایت می‌کند، برای پیروی شدن شایسته‌تر است یا کسی که چنین توانی ندارد، بلکه خود محتاج هدایت است»؟[6] بنابراین کسی که توان هدایت باطنی ندارد، شایسته مقام امامت نیست. پس امام علاوه بر مقام یقین و صبر کسی است که از گناه و انحراف معصوم است. عبارت «ظالمین» در آیه شریفه، همه کسانی را که حتی لحظه‌ای در عمر خود مرتکب کمترین ستمی شده‌اند، در برمی‌گیرد و از مقام امامت خلع می‌کند.[7]

به‌طور اجمال امامتی که در قرآن مطرح است، بر هفت اصل استوار است:

۱ـ امامت مقامی است که باید از طرف خدای تعالی وضع شود.

۲ـ امام باید به عصمت الهی معصوم باشد.

۳ـ زمین مادامی که موجودی به نام انسان بر روی آن هست، ممکن نیست از وجود امام خالی باشد.

۴ـ امام باید مؤیّد از طرف پروردگار باشد.

۵ـ اعمال بندگان خدا هرگز از نظر امام پوشیده نیست و امام بر مردم، آگاه است.

۶ـ امام باید به تمامی نیازهای انسان‌ها علم داشته باشد، چه در امر معاش و دنیایشان و چه در امر معاد و دین‌شان.

۷ـ محال است با وجود امام کسی پیدا شود که از نظر فضائل انسانی از او برتر باشد.

این هفت مسئله از اصول مهم مسئله امامت است که از آیه مورد بحث در صورتی که منضَم با آیات دیگر شود، استفاده می‌شود.[۸]

حدیث

۱ـ امام رضا علیه‌السلام فرمودند: امامت زمام دین و رشته مسلمانان و اصلاح و آبادانی دنیا و عزّت مؤمنان است.[۹]

۲ـ پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: سوگند به آنکه مرا به حق به پیامبری برانگیخت، اگر کسی با اعمال هفتاد پیامبر، خدا را دیدار کند، اما ولایت اولوالامرِ ما خاندان را همراه نداشته باشد، خداوند از او نه توبه و بازگشتی می‌پذیرد و نه فدیه‌ای.[۱۰]

داستان

نقل است علی‌بن‌جعفر که پیرمردی کهن‌سال بود، هرگاه امام جواد علیه‌السلام را که نوجوانی نورس بود می‌دید، تمام قد در مقابلش قیام می‌کرد و دست او را می‌بوسید. وقتی به او اعتراض می‌کردند، می‌گفت: ساکت باشید؛ هنگامی که خداوند صاحب این محاسن سفید را شایسته امامت ندانست و این جوان را شایسته نمود و مقام شامخ امامت را به او تفویض کرد، آیا من فضل او را انکار کنم؟ پناه می‌برم به خدا از این سخن که شما می‌گویید؛ بلکه من بنده امام جواد علیه‌السلام هستم.[۱۱]

نتیجه

امامت دارای شئونی هم‌چون رهبری سیاسی و زعامت اجتماعی و مرجعیت دینی و تبیین و تفسیر وحی و ولایت باطنی و معنوی است و از این جهت امام کامل‌ترین انسان، خلیفه و حجت خدا بر روی زمین خواهد بود.

پی‌نوشت

۱. بقره: ۱۲۴. ■ ۲. انبیاء: ۷۳. ■ ۳. سجده: ۲۴. ■ ۴. انعام: ۷۵. ■ ۵. تکاثر: ۴ـ۶: [زندگی واقعی] این چنین نیست [که می‌پندارید]، اگر به علم‌الیقین [که علم استوار و غیرقابل‌تردید است به آخرت] آگاه بودید، [از تکالیف دینی و توجه به آباد کردن آخرت باز نمی‌ماندید. ■ ۶. أَ فَمَن يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَن يُتَّبَعَ أَمَّن لَّا يَهِدِّي إِلَّا أَن يُهْدَى. ■ ۷. محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۶۹ـ۲۸۰، تلخیص‌شده. ■ ۸. محمدحسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۴۱۶. ■ ۹. محمدبن‌یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۰۰. ■ ۱۰. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۱۹۲. ■ ۱۱. موسی خسروی، زندگانی حضرت جواد و عسکریین علیهم‌السلام، ص ۲۷.

برنامه‌های فرهنگی
حضرت حجّت عليه‌السلام در عصر ظهور

با استناد به روایات فراوانی که درباره دوران حکومت امام مهدی عليه‌السلام موجود است، سه محور عمده برنامه‌های آن حکومت عبارتند از: برنامه‌های فرهنگی، برنامه‌های اجتماعی و برنامه‌های اقتصادی.

به بیان دیگر جامعه بشری در عصر حاضر به خاطر دوری از تعالیم ناب قرآن و سیره پیشوایان دینی، به انحطاط فرهنگی گرفتار شده است، در پرتو یک انقلاب فرهنگی بزرگ، در عصر ظهور به دامن قرآن و عترت باز گردانده می‌شود. هرچند این محورها می‌تواند بهترین الگو، برای اصلاح جامعه کنونی باشد. مهم‌ترین محورهای جهاد فرهنگی در حکومت حق عبارتند از:

۱. احیاء کتاب و سنّت

پس از آنکه در همه اعصار، آموزه‌های قرآنی در حاشیه زندگی به فراموشی سپرده شود، در زمان حکومت آخرین حجّت الهی، تعالیم قرآن به تمامی عرصه زندگی بشر وارد می‌شود و سنّت، به عنوان بهترین الگوی حیات انسانی مطرح می‌گردد و عملکرد همگان با معیار خدشه ناپذیر قرآن و عترت ارزیابی می‌شود. امام علی عليه‌السلام در نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸ این مسئله را چنین توصیف کرده است:

«در روزگاری که هوای نفس حکومت می‌کند، حجّت ظهور می‌کند و هدایت و رستگاری را جایگزین هوای نفس می‌سازد و در عصری که نظر شخصی بر قرآن مقدم شده است، افکار را متوجه قرآن می‌گرداند و آن را حاکم بر جامعه می‌سازد.»[۱]

۲. گسترش معرفت و اخلاق

قرآن کریم و تعالیم اهل‌بیت عليهم‌السلام، بر رشد اخلاقی و معنوی بشر تأکید بسیاری دارد، زیرا مهم‌ترین عامل رشد و تعالی انسان به سوی هدف بلند خلقت، همانا اخلاق نیکو است. پیامبر اکرم هدف از پیامبری خود را تکمیل مکارم اخلاق می‌شمرد[۲] و قرآن نیز آن بزرگوار را بهترین الگوی رفتاری

پیشنهادهای اجرایی هفته

- ارائه گزارش (فصلی) مالی و فرهنگی مسجد و جمع آوری نذورات مردمی
- برگزاری جلسه تشکیل تعاونی های شغلی در جهت رفع مشکل اشتغال جوانان محل
- راه اندازی کتابخانه، بانک نوار، سی دی و نرم افزار مسجد جهت استفاده جوانان
- برنامه ریزی برای تأمین لوازم مورد نیاز جهت رفاه نمازگزاران (تعمیرات مسجد، سیستم گرمایشی و سرمایشی، جالباسی، کفشداری، امانت داری و...)
- برگزاری مراسم دعای توسل (سه شنبه)
- برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید
- مراسم توسل به اهل بیت عليهم‌السلام و جمع آوری صدقه به مناسبت اول ماه قمری
- قرائت بخشی از دعای افتتاح در هر شب نیمه نخست ماه مبارک رمضان
- برنامه ریزی برای تهیه افطار روزه داران در طول ماه مبارک رمضان
- خطابه با موضوع تبیین اهمیت ماه مبارک رمضان
- خطابه در ماه مبارک رمضان
- برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه)
- برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه)
- برگزاری مراسم غبارروبی ماهانه مسجد (جمعه)

برای همه مردم معرفی می‌کند.[3] حکومت حضرت حجت که حکومت خدا و ارزش‌های الهی بر جهان است، ترویج ارزش‌های اخلاقی را در رأس برنامه‌های خود قرار خواهد داد.

امام باقر عليه السلام فرمود: «اِذا قامَ قائمُنا وَضَعَ يدَهُ عَلى رُؤُوسِ الْعِبادِ فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَ اَكْمَلَ بِهِ اَخْلاقَهُمْ[4]؛

زمانی که قائم ما قیام کند، دست خود بر سر بندگان خواهد نهاد و عقل‌های ایشان را جمع خواهد کرد و اخلاق آنها را به کمال خواهد رساند.»

۳. نهضت علمی

یکی از برنامه‌های فرهنگی حکومت حضرت، نهضت علمی و رشد دانش بشری به طور چشمگیر و بی‌سابقه است. پیامبر صلی الله علیه و آله پس از بشارت دادن نسبت به مهدی عليه السلام درباره این بخش از اقدام او فرموده است:

«...نهمین امام (از فرزندان امام حسین عليه السلام) قائم ایشان است که خداوند به دست او سراسر عالم را از علم و دانائی بهره‌مند می‌سازد پس از آنکه به جهل و نادانی گرفتار آمده باشد...».[5]

این جنبش علمی و فکری برای همه اقشار و طبقات جامعه است و در این شکوفایی فرقی بین مرد و زن نیست. بلکه زنان نیز به رتبه‌های بلند علمی و دین‌شناسی می‌رسند.

٤. مبارزه با بدعت‌ها

بدعت در مقابل «سنّت» و به معنی نوآوری در دین و داخل کردن اندیشه‌ها و آراء شخصی در دین و دینداری است. امام علی عليه السلام در معرفی بدعت گذاران می‌فرماید:

«بدعت‌گذاران کسانی هستند که با فرمان خدا و کتاب او و پیامبرش مخالفت می‌ورزند و براساس رأی و هواهای نفسانی خود عمل می‌کنند هر چند شمار آنها بسیار باشد.»[6]

بی‌شک در رأس برنامه‌های اصلاحی حضرت، مبارزه با بدعت‌ها و گمراهی‌هاست تا زمینه‌های هدایت و رشد و تعالی بشر فراهم گردد. آنچنان که این امر در کلام ائمه منعکس شده است.

امام باقر عليه السلام در این باره فرموده‌اند: «... وَلايَتْرُكُ بِدْعَةً اِلاّ اَزالَها وَ لاسُنَّةً اِلاّ اَقامَها...[7]؛

هیچ بدعتی را وانگذارد، مگر اینکه آن را از ریشه برکند و از هیچ سنّتی نمی‌گذرد، مگر اینکه آن را بر پا خواهد فرمود.»

پی‌نوشت

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸. ■ ۲. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق؛ همانا من برای تکمیل مکارم اخلاق برانگیخته شدم. (میزان الحکمة، مترجم، ج ۴، ص ۱۵۳۰). ■ ۳. اشاره به آیه «لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة»؛ «و برای شما در رسول خدا الگوی نیکویی است.» (سوره احزاب، آیه ۲۱) ■ ۴. بحارالانوار، ۵۲، ص ۳۳۶. ■ ۵. بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۲۵۳؛ کمال الدین، ج ۱، باب ۲۴، ح ۵، ص ۴۸۷ ■ ۶. میزان الحکمة، ح ۱۶۳۲. ■ ۷. بحارالانوار، ج ۵۸، ح ۱۱، ص ۱۱.

صدور فرمان امام برای تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی(۱۳۵۹ ه ش)

شنبه ۲۳ خرداد

اذان صبح: ۴:۰۲
طلوع آفتاب: ۵:۴۸
اذان ظهر: ۱۳:۰۴
اذان مغرب: ۲۰:۴۲

دهه تکریم و غبارروبی مساجد

۲۵ شعبان ۱۴۳۶

13 Jun 2015

هر که دوست‌دار خدا باشد مساجد را نیز دوست می‌دارد!

قطب راوندی در کتاب لب اللباب، از پیامبر اکرم ﷺ نقل می کند: «مَن احب الله فلیحبنّی، و من احبّنی فلیحّب عترتی، انی تارك فیکم الثقلین، کتاب الله و عترتی، و من احب عترتی، فلیحب القرآن، و من احب القرآن فلیحّب المساجد فانها افنیة الله و ابنیته، اذن فی رفعها و بارك فیها، میمونةٌ، میمون اهلها مزیّنه، مُزّین اهلها، محفوظه اهلها، هُم فی صلوتهم، والله فی حوائجهم هم فی مساجدهم والله من ورائهم؛ کسی که خدا را دوست دارد، قطعاً مرا دوست خواهد داشت و آن که مرا دوست بدارد باید خاندان و اهل بیت مرا نیز دوست داشته باشد. من در میان شما دو چیز گران سنگ باقی می گذارم: کتاب خدا و اهل بیتم و هر که اهل بیت مرا دوست بدارد، حتماً قرآن را نیز دوست می دارد و هر که دوست دار قرآن باشد مساجد را نیز دوست می دارد؛ چرا که مساجد درگاه ها و خانه های خداست. در مرتفع ساختن آن ها اذن داده شده و خدا در آن ها برکت قرار داده است. اهل مسجد، مبارك و محترم و آراسته و از خطرات در امانند. آن ها در نمازند و خداوند در کار رفع نیاز آن هاست، آنان در مسجدند و خدای بزرگ بر آن ها ناظر و محیط است.» (مستدرك الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۵)

یکشنبه ۲۴ خرداد

اذان صبح: ٤:٠٢
طلوع آفتاب: ٥:٤٨
اذان ظهر: ١٣:٠٤
اذان مغرب: ٢٠:٤٢

دهه تکریم و غبارروبی مساجد

٢٦ شعبان ١٤٣٦

14 Jun 2015

دانشگاه الهی ...

مارسل بوازار در کتاب خود در بخش «اسلام در جهان امروز»، می نویسد: «مسجد عامل نیرومندی در همبستگی و اتحاد مسلمانان جهان است و اهمیت اجتماعی و فرهنگی آن را از این بابت، نمی توان نادیده گرفت، به خصوص در روزگار معاصر، که مسلمانان شور و حرارت صدر اسلام را دوباره از خود نشان می دهند، مساجد به صورت مراکز تربیت روحانی و پایگاه جنبش امّت مسلمان نسبت به ستمگران و سلطه جویان در آمده است. اندك اندك مساجد موقعیت سال های نخستین ظهور اسلام را به دست آورده اند. تأسیس کتابخانه ها و تالار اجتماعات در درون مساجد این حقیقت را آشکار می سازد که مساجد در اسلام بدان گونه که بعضی پنداشته اند، منحصراً برای ادای فریضه نماز نیست و یقیناً یکی از مراکز سیاسی و فرهنگی مهم اسلام است. اقامه نماز جمعه وسیله ای است برای گردهمایی مسلمانان در روز تعطیل و طرح مسائل مهم اجتماعی و بحث و گفت‌وگو در باب کمبودهای رفاهی؛ نظیر بهداشت، مسکن، تصمیم گیری های سیاسی، مسائل حرفه ای و غیر آن. در حقیقت، برپایی نماز جمعه به کار گرفتن عبادت خداوند است در راه خدمت به امّت. گردهمایی جمعه، به ویژه در سال های اخیر، در ممالك آزاد شده توسط اسلام، تأثیر و کارایی بسیاری داشته است. در این سال ها، علی رغم تفرقه و پراکندگی سیاسی مردم، گردهمایی مسلمانان ناخشنود از حکومت های ستمگر فاسد، در درون همین مساجد طرح قیام عمومی و مبارزه علیه ستمگران را ریخته و تزلزلی در ارکان فرمان روایی دست نشاندگان استعمار غرب پدید آورده است; کاری که احزاب و گروه های سیاسی مخالف در ممالك غرب از انجام آن هنوز ناتوانند.» (اسلام در جهان امروز، ص ١٠١)

دوشنبه ۲۵ خرداد

دهه تکریم و غبارروبی مساجد

۲۷ شعبان ۱۴۳۶

15 Jun 2015

اذان صبح:	٤:٠١
طلوع آفتاب:	٥:٤٨
اذان ظهر:	١٣:٠٥
اذان مغرب:	٢٠:٤٣

ششمین درب ورود به بهشت

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: « و عَلی البابِ السّادِسِ مکتوبٌ، لا اِله الا الله محمدٌرسولُ الله علی ولی الله. مَن اَحَبَّ اَن یکونَ قَبرُهُ واسعاً فسیحاً فَلْیَاْتِ المَساجِدَ مَن اَحَبَّ اَن لا تَاْکُلهُ الدِیدان تَحْتَ الارضِ فلیَکْنِسِ المَساجدَ مَن اَحَبَّ اَن لا یَظْلِمَ لَحده فَلْیُنَوِّر المساجدَ مَن اَحَبَّ اَن یَبقی طَرِیّاً تَحْتَ الارضِ فَلْیَشْتَر بَساطَ المَساجِدِ؛ بر درب ششم بهشت نوشته است: نیست خدایی مگر خدای یگانه ، محمد ﷺ فرستاده خداست ، علی علیه‌السلام ولی خداست. کسیکه دوست دارد قبرش وسیع باشد با وسعت زیاد، پس باید که به مساجد بیاید. کسی که دوست می دارد کرم‌های زیر زمین جسدش را طعمه خود قرار ندهند ، پس باید مساجد را جاروب کند. کسی که دوست می دارد تاریک و ظلمانی نباشد باید مساجد را نورانی کند. کسی که دوست می‌دارد بدنش در قبر پوسیده نشود و تر و تازه بماند باید فرش برای مساجد تهیه کند. (المواعظ العددیة، صفحه ۲۰۵)

رحلت آیت الله فاضل لنکرانی (١٣٨٦هش)
شهادت سربازان دلیر اسلام: بخارایی، امانی، صفار هرندی و نیک نژاد (١٣٤٤ هش)

در سایه عرش الهی...

قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «إنَّ المَساجِدَ بُیوتُ المُتَّقین، وَ مَن کانَت المَساجِدُ بُیُوتَهُ فَقَد خَتَمَ اللّهُ لَهُ بالرَوحِ وَ الرَحمَةِ وَ الجَوازِ عَلی الصِراطِ إلی الجَنَّةِ.» مساجد، خانه پارسایان است و هرکس مسجد خانه‌اش باشد (اوقات خود را در آن و به عبادت بگذارند) خداوند انجام کار او را رحمت و شادی قرار داده واجازه عبور از صراط به سوی بهشت را به او خواهد داد. (کنز العمال، ج ۷، ص ۶۵۹)

قال الحسن بن علی علیه السلام: «مَنْ أَدَامَ الِاخْتِلَافَ إِلَی الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَی ثَمَانٍ آیَةً مُحْکَمَةً وَ أَخاً مُسْتَفَاداً وَ عِلْماً مُسْتَطْرَفاً وَ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً وَ کَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلَی الْهُدَی أَوْ تَرُدُّهُ عَنْ رَدًی وَ تَرْكَ الذُّنُوبِ حَیَاءً أَوْ خَشْیَةً.»

کسی که همواره به مسجد (برای اقامه نماز و امثال آن) رفت و آمد کند، یکی از این هشت فایده به او برسد:
استفاده از آیه روشنی از قرآن، یافتن رفیق نیك، فراگیری علم تازه، برخورداری از رحمتی که در انتظارش بود، شنیدن سخنی که راهنمای راه باشد، از انحراف در امان باشد، موجب ترك گناه از روی حیا شود، یا موجب ترك گناه بر اثر ترس گردد. (تحف العقول، ص ٢٥٨)

چهارشنبه ۲۷ خرداد

دهه تکریم و غبارروبی مساجد

۲۹ شعبان ۱۴۳۶

17 Jun 2015

اذان صبح: ٤:٠١

طلوع آفتاب: ٥:٤٨

اذان ظهر: ۱۳:۰٥

اذان مغرب: ۲۰:٤٤

روز جهاد کشاورزی تشکیل جهاد سازندگی به فرمان حضرت امام خمینی رحمة الله علیه (۱۳۵۸ هش)

یا در حال نماز باش یا در حال ذکر خدا و یا جویای علم

ابوذر از پیامبر اکرم ﷺ نقل می کند که حضرت فرمودند: هر کس خداوند متعال را اجابت کند و مساجد او را آباد سازد ثواب او بهشت خواهد بود. عرض کردم: پدر و مادرم فدای تو باد ای رسول خدا ﷺ ! چگونه مساجد خداوند آباد می‌شوند؟ فرمود: به اینکه صداها در آن بلند نشود و در آن خوض به باطل صورت نگیرد و در آن هیچ معامله‌ای صورت نگیرد و تا زمانی که در آن هستی از لغو بپرهیزی و اگر این امور را انجام ندادی روز قیامت جز خودت را ملامت مکن. ای ابوذر؛ خداوند متعال تا زمانی که در مسجد نشسته‌ای به هر نفسی که می کشی درجه‌ای در بهشت به تو عطا می کند و ملائکه‌اش بر تو درود می‌فرستند و برای تو در هر نفسی که می کشی ده حسنه است و ده گناه از تو پاک می‌شود. ای ابوذر؛ آیا می‌دانی چرا این آیه نازل شد: «استقامت کنید و در برابر دشمنان پایدار باشید و از مرزهای خود مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید. عرض کردم: خیر! پدر و مادرم فدای شما، فرمود: در انتظار نماز بعد از نماز. ای ابوذر؛ گرفتن وضو در سختی‌ها از کفارات است و رفت‌وآمد زیاد به مساجد رباطی است که قرآن فرموده است. ای ابوذر خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: محبوب‌ترین بندگان نزد من کسانی هستند که به خاطر من دل و قلب آنها در گِروِ مساجد است. ای ابوذر! هر نشستی در مسجد بیهوده است مگر سه جور نشستن؛ یا در حال نماز باشی یا در حال ذکر خدا و یا جویای علم». (مسجد در روایات و اخبار، ص ۱۶۳).

پنج‌شنبه ۲۸ خــــرداد

اذان صبــح: ۴:۰۱
طلوع آفتاب: ۵:۴۸
اذان ظهــر: ۱۳:۰۵
اذان مغرب: ۲۰:۴۴

دهــه تــکــریم و غبارروبی مساجد

۱ رمضان ۱۴۳۶

18 Jun 2015

رمضان؛ ماه عبادت...

رمضان ماه خدا و ضیافت الهی اســت؛ ماهی که دعوت‌نامه‌ای رســمی از سوی پروردگار به بندگانش می‌آید تا همگان را به میهمانی دوست برده بر سر سفره معنوی و ضیافتش بنشاند. پیامبر ﷺ در واپسین جمعه ماه مبارك شعبان، ضمن خطبه‌ای مردم را به آمادگی برای این حضور یك ماهه فراخواند و به برخی از کرامت‌های خداوندی در این ماه پرداخت:

۱. خواب و بیداری روزه دار: شخص روزه‌دار خواب و بیداری‌اش یکسان است اگر روزه دار بیدار باشد و عبادت کند، برای او ثواب عبادت نوشته می‌شود و اگر چنان چه بخوابد، باز هم ثواب عبادت خدا بر او نوشته خواهد شد. پیامبر ﷺ فرمودند: نَوْمُكُمْ فِيهِ عِبَادَةٌ همچنین فرمود: الصائمُ فی عبادة و إن كان نائماً؛ روزه دار در حال عبادت است اگر چه در خواب باشد.

۲. تنفس روزه‌دار یا تسبیح خدا: بنا به فرموده پیامبر ﷺ : نفس کشیدن شخص روزه‌دار نیز تسبیح است. این لطف دیگری است که خداوند به بنده میهمانش در ماه رمضان دارد.

ادامه در روز بعد >>

جمعه ۲۹ خرداد

اذان صبح: ٤:٠٢
طلوع آفتاب: ٥:٤٨
اذان ظهر: ١٣:٠٦
اذان مغرب: ٢٠:٤٤

٢ رمضان ١٤٣٦
19 Jun 2015

درگذشت دکتر علی شریعتی ١٣٥٦ ه ش

ادامه از روز قبل >>

۳. قبولی عمل: هیچ مسلمان غیر معصومی نمی‌تواند اطمینان به قبولی اعمالش در درگاه احدیت داشته باشد؛ مگر آن که از راه پیامبر و امام باخبر شود.

۴. استجابت دعا: در ادامه تشویق، پیامبر ﷺ به بهره‌جویی از ماه مبارك رمضان بر مسئله مهم استجابت دعا، فرمود: و دعائُکم فِیه مُستجابٌ؛ دعای شما در این ماه مستجاب است. امام کاظم علیه‌السلام فرمود: دَعْوَةُ الصَّائِمِ یُسْتَجابُ عِنْدَ اِفْطارِهِ؛ دعای روزه‌دار در وقت افطار به اجابت می‌رسد. ناگفته نماند که طبق بیان پیامبر ﷺ دعای بندگان در این ماه به اجابت خواهد رسید، امّا گاهی اثرش به زودی ظاهر گشته و گاهی در زمانی دورتر و گاهی بر اثر خلافی که می کند خود مانع برآورده شدن آن می گردد.

امام حسن مجتبی علیه‌السلام فرمودند: «إنَّ اللّهَ جَعَلَ شَهْرَ رَمَضانَ مِضْماراً لِخَلْقِهِ، فَیَسْتَبِقُونَ فیهِ بِطاعَتِهِ إلی مَرْضاتِهِ، فَسَبَقَ قَوْمٌ فَفازُوا، وَقَصَّرَ آخَرُونَ فَخابُوا؛ خداوند متعال ماه رمضان را برای بندگان خود میدان مسابقه قرار داد. پس عدّه‌ای در آن ماه با اطاعت و عبادت به سعادت و خوشنودی الهی از یکدیگر سبقت خواهند گرفت و گروهی از روی بی‌توجّهی و سهل‌انگاری خسارت و ضرر می‌نمایند». (من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۵۱۱، ح۱۴۷۹)

﴿وَ لَوْ بَسَطَ اللهُ الرِّزْقَ لِعِبادِهِ لَبَغَوْا فِی الْأَرْضِ وَ لكِنْ يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ ما يَشاءُ إِنَّهُ بِعِبادِهِ خَبيرٌ بَصيرٌ﴾[1]؛ «هر گاه خداوند روزی را برای بندگانش وسعت بخشد، در زمین طغیان و ستم می‌کنند؛ از این رو به مقداری که می‌خواهد (و مصلحت می‌داند) نازل می‌کند، به درستی که او نسبت به بندگانش آگاه و بیناست!»

شأن نزول

از «خباب بن ارت» صحابی معروف، نقل شده که این آیه درباره ما نازل شد و این به خاطر آن بود که ما به اموال فراوان طوایف «بنی‌قریظه» و «بنی‌نظیر» و «بنی‌قینقاع» از یهود نظر افکندیم و آرزو داشتیم که ای کاش ما هم چنین اموالی داشتیم، آیه نازل شد و به ما هشدار داد که اگر خداوند روزی را برای بندگانش گسترده کند، طغیان خواهند کرد.[2]

در «تفسیر درّ المنثور» حدیث دیگری نقل شده، و آن اینکه این آیه، در مورد اصحاب «صفّه» نازل گردید، چرا که آنها آرزو داشتند دنیایشان رو به راه شود.[3]

نکات تفسیری

۱ ـ شبیه این معنی در آیه ۶ و ۷ سوره علق آمده است «إِنَّ الْإِنْسانَ لَيَطْغى أَنْ رَآهُ اسْتَغْنى» انسان هر گاه احساس بی‌نیازی و غنی نماید، طغیان می‌کند.

تعبیر« يَبْغُونَ فِی الأَرْضِ» مکرراً در آیات قرآن به معنی فساد و ظلم در زمین آمده است، مانند« فَلَمَّا أَنْجاهُمْ إِذا هُمْ يَبْغُونَ فِی الأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ»[4] (امّا هنگامی که خدا آنها را رهایی بخشید، (باز) به ناحق، در زمین ستم می‌کنند.) و « إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَ يَبْغُونَ فِی الأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ»[5] (ایراد و مجازات بر کسانی است که به مردم ستم می‌کنند و در زمین به ناحق ظلم روا می‌دارند).

درست است که« بغی» به معنی« طلب» نیز آمده، اما هنگامی که با «فی الارض» همراه شود، به معنی فساد و ظلم در زمین است.

آیا مفهوم سخن مذکور این است که هر گاه انسان فقیر و محروم است، نباید تلاشی برای وسعت روزی کند، به احتمال اینکه خدا مصلحت او را در این دانسته است؟

در پاسخ این سؤال باید توجه داشت که گاهی کمبود روزی به خاطر سستی و تنبلی خود انسان است. این کمبودها و محرومیت‌ها خواست حتمی خداوند نیست؛ بلکه نتیجه اعمال او است که دامن‌گیر فرد شده است. اسلام بر اساس اصل سعی و کوشش که در آیات قرآن و نیز در سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه هدی علیهم السلام منعکس است، همه را دعوت به تلاش و جهاد کرده است. ولی هر گاه انسان نهایت تلاش خود را به کار گرفت و در عین حال درها به روی او بسته شد، باید بداند در این امر مصلحتی بوده، بنابراین بیتابی نکند، مأیوس نشود، زبان به کفران نگشاید و به تلاش خود ادامه دهد و تسلیم رضای الهی نیز باشد.[6]

۲ ـ معنای آیه شریفه این است که اگر خداوند روزی را بر بندگان، آن‌چنان‌که ایشان خواستارند، گسترش می‌داد،

نعمت خدا را سبک می‌شمردند و به چشم و هم چشمی می‌پرداختند و بر یکدیگر برتری می‌جستند و در روی زمین ستم روا می‌داشتند و برای پیروزی بر یکدیگر می‌کوشیدند و بدینوسیله از طاعت الهی بیرون می‌رفتند. لذا فرمود: «وَ لکِنْ یُنَزِّلُ بِقَدَرٍ ما یَشاءُ» اما خداوند روزی را به میزان مصلحت آنان، هر اندازه که بخواهد با توجه به حالشان فرو می‌فرستد؛ یعنی روزیِ کسانی را که مصلحت‌شان در وسعت روزی است، وسعت می‌دهد و روزی کسانی را که صلاح‌شان در تنگی روزی است تنگ می‌سازد و حدیثی که انس از پیامبر خدا ﷺ از جبرئیل از خداوند روایت کرده است، این معنی را تأیید می کند که:

(بعضی از بندگان من طوری هستند که چیزی جز بیماری به صلاحشان نیست؛ به طوری که اگر آنان را سلامت دهم، فاسد خواهند شد و برخی از بندگان من هستند که چیزی جز صحّت به صلاحشان نیست که اگر بیمارشان کنم، بیماری آنان را به فساد خواهد کشانید و برخی از بندگان هستند که جز بی‌نیازی چیزی به صلاحشان نیست که اگر فقیرشان سازم، فقر آنان را تباه می‌سازد و برخی از بندگانم جز فقر چیزی به صلاحشان نیست، که اگر آنان را بی‌نیاز سازم، بی‌نیازی فاسدشان سازد و اینست که من با آگاهی از وضع دل‌های بندگانم امور آنان را تدبیر می کنم.

اگر بگویند ما بسیاری از کسانی را می‌بینیم که دارای وسعت روزی هستند و در زمین ستمگری می کنند، خواهیم گفت پس از آنکه اجمالاً دانستیم که خداوند امور بندگان را طبق مصالح آنان تدبیر می‌فرماید، چه بسا این افراد کسانی بوده‌اند که چه روزی بسیار داشته باشند، چه کم، به حالشان فرقی نمی کند، چه بسا اگر روزی آنان را وسعت نمی‌داد، حالشان در ستمگری از این بدتر می‌شد، بنابراین خداوند روزی آنان را توسعه داده است.

نکته دیگر این که ظاهراً منظور از "عباد" در این آیه، برخی از بندگان مؤمن است، نه تمامی بندگان. بنابر این معنی، آیه چنین خواهد شد اگر خداوند روزی برخی از بندگان مؤمن را که خودش میداند فقر برایش بهتر است، توسعه دهد، به دلیل عدم ظرفیت، طغیان می کند و موجب فساد و ستمگری می‌شود و در اثر ندادن حقوق واجب و رعایت نکردن حال فقرا به خود و جامعه ستم می‌نماید. همانند جریان ثعلبه که مرد فقیر و بسیار مؤمنی بود و همیشه پشت سر پیامبر به نماز می‌ایستاد. چندین بار از حضرت خواست که برایش دعا کند ثروتمند شود. حضرت می‌فرمود: به صلاح نیست. او اصرار کرد. حضرت دعا فرموده و او ثروتمند شد. در نتیجه طغیان کرد و از دادن زکات سر باز زد، او نه تنها دیگر به نماز حاضر نمی‌شد، بلکه به انکار زکات پرداخته و در نهایت به گمراهی و هلاکت رسید.

قرآن درباره بندگان کافر که خداوند به آنان ثروت داده و ایشان در عوض موجب ظلم و فساد در زمین هستند، می‌فرماید: «إنما نُمْلِي لَهُمْ لِيَزْدادُوا إِثْماً» به آنان مهلت می‌دهیم تا بر گناهشان افزوده شود.[۷]

حدیث

۱ ـ الإمامُ عليٌّ عليه السلام: إنّ الأمرَ يَنزِلُ مِنَ السماءِ إلى الأرضِ كَقَطَراتِ المَطَرِ إلى كُلِّ نَفسٍ بما قُسِمَ لَها مِن زِيادَةٍ أو نُقصانٍ، فإن رَأى أحَدُكُم لأخيهِ غَفيرَةً في أهلٍ، أو مالٍ، أو نفسٍ، فلا تَكُونَنَّ لَهُ فِتنَةً.[۸]

امام علی عليه السلام می‌فرماید: «فرمان [الهی به آنچه مقدّر است] همچون قطره های باران، از آسمان به زمین فرود می‌آید، به هر کس کم و بیش، آنچه سهم اوست می‌رسد. پس، اگر یکی از شما در خانواده یا مال یا جان و توان برادرش، اندک فزونی دید، این نباید مایه فتنه (فساد) او شود.»

۲ ـ قال رسولُ الله ﷺ: «إنّ الرِّزقَ لا يَجُرُّهُ حِرصُ حَريصٍ و لا يَصرِفُهُ كَراهِيَةُ كارِهٍ.»[۹]

پیامبر خدا ﷺ می‌فرمایند: نه حرص زدن حریص، روزی را به سوی او می کشاند و نه ناخوش داشتن کسی، آن را از او باز می‌دارد.

داستان

آیت الله دستغیب در درس اخلاق خود در رابطه با حفظ عزّت نفس، فرمودند اول ماه که خواستم شهریه طلاب را بدهم، دیدم یازده هزار و پانصد تومان کم است. من در بازار با افراد ثروتمند آشنا نبودم. بنا هم نداشتم از آنها تقاضا کنم. گفتم

خدایا تو که می‌دانی من بنا ندارم از غیر تو درخواست کنم. امید و اطمینان من به تو است. لحظاتی بیش نگذشت که درب منزل را زدند و گفتند یک نفر می‌خواهد حساب مالش را بدهد. هنگامی که حساب شد، حدود ۲۰ هزار تومان گردید. دست در جیب کرد و مقداری اسکناس بیرون آورد و گفت معذرت می‌خواهم، بیش از این میسر نشد من همراهم پول بیاورم. شمردم و دیدم یازده هزار و پانصد تومان است. ایشان می‌فرمود بدانید اگر برای خدا گام بردارید، خداوند درهای رزق و رحمتش را به روی شما می‌گشاید.[۱۰]

نتیجه

این آیه از سنّت خداوند درباره روزی دادن به بندگان، سخن می‌گوید و بیانگر این است که مصلحت آدمی در تقدیر ارزاق او مؤثر است. این حقیقت با آن چه ما مشاهده می‌کنیم، که گاه برخی از ثروتمندان طغیان می‌کنند، منافات ندارد؛ زیرا خداوند سنّت‌های فراوانی دارد که بعضی از آنها بر بعضی دیگر حاکم است. چنان چه در این مورد، سنّت امتحان بر سنّت تقدیر ارزاق حاکمیت دارد.[۱۱]

پی‌نوشت

۱.سوره شوری، آیه ۲۷. ■ ۲.«تفسیر کبیر فخر رازی»، ج ۲۷، ص ۱۷۱ و «تفسیر ابوالفتوح رازی»، (ذیل آیات مورد بحث)؛ «قرطبی»، ج ۱۶، ص ۲۷. ■ ۳.«درّ المنثور» این حدیث را از «حاکم» و «بیهقی» و «ابو نعیم» نقل کرده است (ح ۶، ص ۸)؛ «قرطبی»، ج ۱۶، ص ۲۷. ■ ۴.سوره یونس، آیه ۲۳. ■ ۵.سوره شوری، آیه ۴۲. ■ ۶.تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص، ۴۳۵. ■ ۷.ترجمه مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج۲۲، ص، ۱۴۰. ■ ۸.نهج البلاغه، خ، ۲۳. ■ ۹.مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، فضل بن حسن حفید شیخ طبرسی، ص، ۱۳. ■ ۱۰.تفسیر سوره نجم، ص ،۴ از آیت الله دستغیب. ■ ۱۱.ترجمه تفسیر المیزان، ج۱۸، ص، ۸۲.

بنیان های اساسی پدیده انتظار

دست کم سه مؤلفه در شکل گیری انتظار، نقش اساسی دارد:

الف. عدم رضایت از وضع موجود

ب. امید و توقع دستیابی به وضع مطلوب

ج. حرکت و تلاش برای گذر از وضع موجود و قرارگرفتن در وضع مطلوب

این امیدواری، ناگزیر مراحلی را در بر خواهد داشت که برخی بدین قرارند:

۱. آگاهی به عدم حضور ظاهری امام

بسیاری از مواقع، انسان در زندگی کمبودی دارد؛ امّا به سبب آن‌که به آن کمبود آگاهی ندارد، هرگز در پی رفع آن کمبود نبوده و هرگز برای جبران آن کاستی از خود تلاشی نشان نمی‌دهد؛ پس در نخستین مرحله انتظار، می‌بایست آگاه بود که حجت الهی در پرده غیبت است.

۲. احساس نیاز به وجود امام حاضر

ممکن است در عصر پنهان‌زیستی حضرت، کسی به غیبت آن حضرت آگاهی داشته باشد؛ امّا هرگز به این ادراک نرسیده باشد که جامعه بشری نیازمند رهبری الهی است. به بیان دیگر، مؤلفه پیشین وجود دارد؛ امّا فرد هرگز به آن حجت الهی احساس نیاز پیدا نکرده است. او بر این باور است که مردم، چه نیازی به امام معصوم دارند، در حالی که زندگی خود را سپری می‌کنند.

به طور دقیق، این‌گونه است که چنین کسی هرگز نمی‌تواند انتظار ظهور حضرتش را درون خود ایجاد کند و در مقابل، هر آن کس که احساس نیاز بیشتری به حضور و ظهور امام در درون خود شاهد باشد، به همان نسبت، روحیه انتظار در او بیشتر است.

پیشنهادهای اجرایی هفته

■ جلسه شورای فرهنگی مسجد ■ سخنرانی ویژه مسائل بانوان و دختران قبل از اذان ظهر روز اول ماه شمسی ■ برگزاری مراسم دعای توسل (سه شنبه) ■ برگزاری جلسات پرسش و پاسخ ویژه جوانان (پنج شنبه) ■ جلسه توجیهی با دست اندرکاران مسجد درباره فراهم نمودن شرایط مناسب برای حضور جوانان در مسجد ■ تشکیل کلاس های ویژه آموزش قرآن، احکام، عقاید و شبهات دینی برای جوانان ■ برگزاری مسابقات ویژه کودکان (نقاشی، کاردستی، روزنامه دیواری و...) ■ آغاز طرح تابستانی جهت غنی سازی اوقات فراغت نوجوانان و جوانان ■ انتخاب یک نفر به عنوان مسئول سازمان دهی برنامه حضور بانوان در مسجد ■ برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه) ■ برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه) ■ خطابه با موضوع نقش حضرت خدیجه سلام الله علیها در شکل گیری پایه های اولیه دین مبین اسلام

۳. یقین به ظهور امام غایب

شکی نیست کسانی که به ظهور امام غایب یقین ندارند، در انتظار نیز نخواهند بود؛ بلکه انتظار برای آن‌ها بی‌معنا خواهد بود. همان‌گونه که میلیاردها انسان، امروزه در حالی زندگی خود را سپری می‌کنند که هرگز در انتظار منجی موعود نیستند؛ چراکه به آمدن چنین شخصی باور قطعی ندارند.

در مقابل، هر قدر آگاهی و یقین شخص به ظهور امام بیشتر و عمیق‌تر باشد، انتظار در این امر، بیشتر است. بنابراین اگر شک و تردیدی در اصل وقوع آن داشته باشد، انتظارش هم به همان اندازه سست و ضعیف خواهد بود.

پیشوایان معصوم با در نظر گرفتن این مسأله، همواره در سخنان نورانی خود، باور قطعی به ظهور آخرین حجّت الهی را تقویت کرده، از هرگونه ناامیدی، ایشان را پرهیز می‌دادند. رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

> قیامت بر پا نمی‌شود، تا این که قیام کننده‌ای به حق از خاندان ما قیام کند و این، هنگامی است که خداوند به او اجازه فرماید. هر کس از او پیروی کند، نجات می‌یابد و هر کس از او سرپیچد، هلاک خواهد شد.[1]

٤. علاقه به ظهور حضرت مهدی

کسی که به ظهور امام زمان علیه‌السلام، معتقد بوده و وقوع آن را نزدیک می‌داند، به تناسب علاقه و اشتیاقش به ظهور، انتظارش بر این امر نیز بیشتر خواهد شد و اگر آن را خوش نداشته باشد، انتظارش ضعیف و سست می‌شود. این دوست‌داشتن فقط زمانی به وجود می‌آید که مؤمنان، تصویر روشنی از زمان ظهور حضرت مهدی داشته باشند، تا این‌که نه فقط از آن نهراسند، بلکه برای وقوعش لحظه‌شماری کنند.

۵. نزدیک دانستن ظهور

اگر چه انتظار با مؤلفه‌های یاد شده تحقق می‌یابد، نزدیک‌دانستن ظهور حضرت مهدی، می‌تواند بر شدت انتظار افزوده، آمادگی فرد را افزایش دهد. نزدیک دانستن ظهور، باعث می‌شود توجه به حضرت مهدی بیش از پیش افزایش یابد، مشکلات دیگر، تحت‌الشعاع قرار گرفته، تمام رفتارها در راستای رضایت آن حضرت انجام شود.

پی‌نوشت

۱. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، ج۲، ص۵۹؛ ر.ک: اربلی، کشف‌الغمة فی معرفة الائمة، ج۲، ص۴۵۹.

شنبه ۳۰ خرداد

اذان صبح: ۴:۰۲
طلوع آفتاب: ۵:۴۸
اذان ظهر: ۱۳:۰۶
اذان مغرب: ۲۰:۴۴

۳ رمضان ۱۴۳۶

20 Jun 2015

انفجار بمب در حرم امام رضا علیه السلام (۱۳۷۳ هش)
شهادت جمعی از زائران درعاشورا (۱۳۷۳ هش)
درگذشت فقیه و عالم بزرگوار شیعه شیخ مفید (۴۱۳ هق)

منطق و زبان روز مهم است...

استاد شهید مرتضی مطهری می‌فرمایند:

«در قدیم سطح فکر مردم پایین بود، کمتر در مردم شك و تردید و سؤال پیدا می‌شد، حالا بیشتر پیدا می‌شود. طبیعی است وقتی که فکر، کمی بالا آمد سؤالاتی برایش طرح می‌شود که قبلاً مطرح نبود. باید شك و تردیدش را رفع کرد و به سؤالات و احتیاجات فکری‌اش پاسخ گفت. نمی‌شود به او گفت برگرد به حالت عوام، بلکه این خود زمینه مناسبی است برای آشنا شدن مردم با حقایق و معارف اسلامی. با یك جاهل بی‌سواد که نمی‌شود حقیقتی را به میان گذاشت. بنابراین باید و لازم است رِفرم و اصلاح عمیقی در این قسمت‌ها به عمل آید، باید با منطق روز و زبان روز و افکار روز آشنا شد و از همان راه به هدایت و رهبری مردم پرداخت.

نسل قدیم اینقدر سطح فکرش پایین بود که اگر یك نفر در یك مجلس ضد و نقیض حرف می‌زد کسی متوجه نمی‌شد و اعتراض نمی‌کرد، اما امروز یك بچه که تا حدود کلاس ۱۰ و ۱۲ درس خوانده همین که برود پای منبر یك واعظ، پنج شش تا و گاهی ده تا ایراد به نظرش می‌رسد. باید متوجه افکار او بود و نمی‌شود گفت خفه‌شو، فضولی نکن.» (رهبری نسل جوان، ص ۱۹)

یکشنبه ۳۱ خرداد

اذان صبح: ۴:۰۲
طلوع آفتاب: ۵:۴۹
اذان ظهر: ۱۳:۰۶
اذان مغرب: ۲۰:۴۵

۴ رمضان ۱۴۳۶

21 Jun 2015

شهادت دکتر مصطفی چمران (۱۳۶۰ هش)
روز بسیج اساتید

تدبر و تحمل، سلاحی کارآمد

آشنایی با فضای فکری و جلوه‌های جسمانیِ نسل نو، بیانگر این واقعیت اصیل است که هیچ سلاحی برای درمان ناهنجاری‌ها و کج‌رفتاری‌های نوجوانان و جوانان، کارآمدتر از شکیبایی، تدبر و تحمل نیست. نگاهی به گذشته‌ی خود و یادآوری رفتارها و گفتارهای نوجوانی و جوانی، بیانگر این نکته ناب و مفید است که هریک از ما باید بی‌قراری جوانان را بپذیریم. دگرگونی‌ها و درگیری‌های آنان را تحمل کنیم و با توجه به گذرا بودن این صفات، چنین تلاطمات ملال‌آور را به امید تعادل دوباره و آرامش و آسایشِ روحی، هرچند با تلخی و سختی، بر خود هموار نماییم.

از سوی دیگر، ویژگی‌های متفاوت یا متناقض در این نسل نوگرا، حساس و پویا، موجب شده که نگاه نخستین یا برخورد اولینِ دیگران جایگاه خاصی در بینش و برداشت آنان داشته باشد. از این‌رو جوانِ امروز از کسی که داشتن و آگاهی یا تجربه و هوشیاریِ خود را به رخ او می‌کشد و یا عصمتَ و پاکی خویش را در آینه‌ای تمام‌نما پدیدار می‌سازد تا خود را برتر جلوه دهد، بی‌زاری می‌جوید و کوچک‌ترین ارتباط عاطفی برقرار نمی‌کند. از لحن بزرگ‌منشانه یا قیّم‌مآبانه دوری می‌کند و از آنجا که در پی تثبیت شخص و شخصیت خود در خانواده و جامعه است، انتظار همدلی و همراهی و به رسمیت شناختن خود را دارد و بیش از علم و دانش به ادب و اخلاق می‌اندیشد و پیش از رقابت به رفاقت روی خوش نشان می‌دهد.

(موضوعات و شیوه‌های گفتگو با نسل جوان، ص ۱۱۸)

آیت الله میرزا عبدالکریم حق شناس

امام جماعت مسجد امین الدوله

نماز اول وقت، بینی شیطان راکه به خاطر سجده نکردن بر آدم از درگاه الهی مطرود گشت، به خاک می مالد و موجب تقویت ایمان و دوری از شیطان می شود. نماز اول وقت را جدّی بگیریم!

وقتی که بنده رسائل و مکاسب می خواندم، یك معلم بسیار عالی برای بنده پیدا شد؛ ولی به بنده گفت: باید اوّل ظهر بیایی؛ از بس این معلم خوب تدریس می کرد؛ بنده که نماز اوّل وقتم را ترک نمی کردم- اغفال شدم و در درس او شرکت کردم. روز اوّل یك مقداری از درس او را فهمیدم، از آنجا که پروردگار راضی به این کار نبود، روز دوم چیزی از درس نفهمیدم! (پروردگار به لحاظ لطف لایتناهی سلب شوؤن از من کرد) به استاد گفتم: آقا! اگر شما علاّمه دهر هم باشید؛ بنده در این درس شرکت نخواهم کرد!

خدا می خواهد شما را امتحان کند. وقت نماز اول وقت یك مشتری می آید و شیطان شما را فریب می دهد، هم مشتری از دست می رود و هم نماز اول وقت!

شیطان دائماً مراقب شماست، ولی به کسانی که نمازشان را در اول وقت می خوانند، کمتر نزدیك می شود. شیطان می فهمد که چه کسی در مقام مراقبه است و همین که ببیند از حالت مراقبه خارج شد، به او نزدیك می شود. شیطان میفهمد که چه کسانی در مقام مراقبه هستند و چه کسانی از یاد خدا روی برگردانند.

روحانی و مبلّغ دینی در هر سنّ و سالی، مخاطبین فراوانی در پیش روی خود خواهد داشت که همگی تشنه معارف دین هستند؛ به ویژه در دوران کنونی که دوران عطش فوق‌العاده به معنویت در سرتاسر عالم است، نیاز به مبلّغان کارآمد و توانا در تمامی عرصه‌های اجتماعی مشهود و غیر قابل انکار است.

جامعه کنونی، از یک سو با دشت وسیع مخاطبان رو به رو است و از سوی دیگر با کمبود باغبان شایسته و زبر دست مواجه شده است. بنابراین چاره‌ای جز سرمایه‌گذاری دقیق و تمرکز فوق العاده بر بسترهای حاصل‌خیزتر وجود ندارد.

روشن است که در میان اقشار گوناگون جامعه، جوانان و نوجوانان، به دلیل روحیه حقیقت‌جو و آمادگی فوق العاده برای دریافت معارف، از اهمیت بیشتری نسبت به دیگر اقشار جامعه برخوردار هستند. افزون بر اینکه شکوفایی نسل جوان، رشد و تعالی نسل‌های متمادی آینده جامعه را نیز در پی خواهد داشت. البته اهمیت این مسأله، نباید ما را از دیگر اقشار و گروه‌های سنّی جامعه غافل کرده و بهانه‌ای برای عقب نشینی در دیگر مواضع تبلیغی شود.

لزوم ارتباط فعّال با جوانان

سخن و سیره تبلیغی معصومان علیهم‌السلام، گویای آن است که در سرمایه‌گذاری تبلیغی و انتخاب مخاطب، اولویت با جوانان و نوجوانان است. چنانکه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز دعوت خود را از جوانان آغاز کرد و حرکت‌های مختلف فرهنگی، دینی و جهادی خود را بر دوش جوانان نهاد. کثرت شاگردان جوان در مدرسه چهارهزار نفره امام صادق علیه‌السلام، گویای این امر است که آن حضرت پایه تربیت نخبگان علمی و فرهنگی را بر گروه جوانان نهاده بود.

نقل است که امام صادق علیه‌السلام فردی را برای تبلیغ معارف به سوی بصره فرستاد. پس از بازگشت، امام نتیجه را از او جویا شد و فرمود:

«كَيْفَ رَأَيْتَ مُسَارَعَةَ النَّاسِ إِلَى هَذَا الأَمْرِ وَ دُخُولَهُمْ فِيهِ» ؛ «شتاب مردم را در پذیرش شیعه چگونه یافتی؟»

وی پاسخ داد:

«وَ اللهِ إِنَّهُمْ لَقَلِيلٌ وَ لَقَدْ فَعَلُوا وَ إِنَّ ذَلِكَ لَقَلِيلٌ.» ؛ «بخدا سوگند آنها اندک‌اند و اگر چه کوشش هم می‌کنند ولی کوشش آنها هم ناچیز است.»

امام در پاسخ به یک نکته کلیدی اشاره کرده، فرمودند: «عَلَيْكَ بِالأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ.»[1] ؛ «به جوانان روی آورید که آنها به هر کار خیری شتابان‌ترند.»

اصول اساسی مواجهه مبلّغ دینی با جوانان

دل جوان اگرچه آماده رشد و تعالی است، اما باید توجّه داشت که ارتباط با آن بسیار حسّاس و لطیف است و راهکارهای مخصوص به خود را می‌طلبد. این راه‌کارها را می‌توان در سه شاخه اساسی مشاهده نمود. روش‌های اخلاق مدارانه، روش‌های عمل‌گرایانه و روش‌های بیانی. البته آنچه که در پی می‌آید تنها اشاره‌ای است به انبوهی از معارف دینی در این موضوع

حسّاس و پراهمیت که توجّه بیشتر به آن نیازمند کاوشی افزون‌تر خواهد بود.

الف ـ روش های اخلاق مدارانه

۱ـ اخلاق نیکو و پسندیده

اخلاق، پایه و اساس تبلیغ معارف دینی است. آن‌چنان که خداوند در توصیف والاترین مبلّغ دین خود چنین می‌فرماید:

«وَ إِنَّکَ لَعَلی خُلُقٍ عَظِیم.»[۲]؛ « و (ای پیامبر ﷺ) همانا تو بر اخلاقی عظیم و برجسته استواری.»

بنابراین مسلّح شدن به این خصلت نیکو، بر هر مبلّغی واجب است. زیرا مهربانی و ملایمت، همان کلیدی است که درهای بسته را می‌گشاید و مبلّغ دینی را به هدف، نزدیک می‌گرداند. امیرمومنان علی ؑ می‌فرماید:

«علَیکَ بالرِّفقِ فإنّهُ مِفتاحُ (النجاح) الصَّواب و سَجِیَّةُ أُولِي الألباب.»[۳]؛ «بر تو باد ملایمت که آن کلید (کامیابی و) درستی و خوی خردمندان است.»

این واقعیت غیر قابل انکار است که مردم از گرد عالم بداخلاق، گریزان و فراری‌اند. خداوند به پیامبر اکرم در این باره می‌فرماید:

«فَبِما رَحْمَةٍ مِنَ اللهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ کُنْتَ فَظّاً غَلیظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِکَ.»[۴]؛ «پس به (برکت) رحمت الهی، با آنان نرمخو (و پُر مِهر) شدی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی، قطعاً از گرد تو پراکنده می‌شدند.»

۲ـ دلسوزی پدرانه یا برادرانه

مبلّغ دینی به صورت عام و امام جماعت مسجد به صورت خاص، «پدر معنوی» مردم به حساب می‌آیند. چراکه او معلم بهترین آموزه‌های عالم به مخاطبان خویش است. از پیامبر خدا ﷺ نقل شده که فرمودند:

«الآباء ثلاثة: أب ولّدک، و أب زوّجک، و أب علّمک.»[۵]؛ «پدران سه تا هستند. پدری که تو را به دنیا آورد، پدری که تو را به ازدواج درآورد و پدری که به تو علم آموزد.»

بنابراین مبلّغ، باید خود را در نقش پدری دلسوز قرار داده و برای رشد و تعالی مخاطبان خود دل بسوزاند.

امام سجّاد ؑ در رساله حقوق پیرامون حقوق هم‌کیشان چنین می‌فرماید:

«وَ أَنْزِلْهُمْ جَمیعاً مِنْکَ مَنَازِلَهُمْ کَبیرَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْوَالِدِ وَ صَغیرَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْوَلَدِ وَ أَوْسَطَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الاخِفَمَنْ أَتَاکَ تَعَاهَدْتَهُ بِلُطْفٍ وَ رَحْمَة.»[۶]؛ «برای همه نسبت به خود مقامی منظوردار. سالخورده آنان را به جای پدر و کم سنّ و سال‌هایشان را به جای فرزند و میان‌سالشان را به جای برادر خود گیر و هر کدام نزدت آمدند، با لطف و مهربانی از آنان دلجویی کن و به کارشان برس.»

۳ـ استفاده بهینه از عواطف و احساسات جوان

یکی از مهم‌ترین شیوه‌های ارتباط با دیگران، بهره‌گیری از احساسات و عواطف طرف مقابل است. گرایشات و تمایلات اکثر انسان‌ها و به ویژه جوانان، بیشتر بر پایه احساسات خواهد بود، تا عقل و منطق. بنابراین مبلّغ دینی باید با تدبیر و تیزهوشی، راه‌های بهره‌گیری از این موهبت الهی را فراهم سازد. پیامبر خدا ﷺ در این باره می‌فرماید:

«أُوصیکُم بالشَّبانِ خَیراً فَانّما أَرَقُّأَفئِدَةً، إنَّ اللهَ بَعَثَنی بَشیراً و نَذیراً فَحالَفَنی الشّبانُ و خالَفَنی الشّوخُ.»[۷]؛ «به شما درباره جوانان به نیکی سفارش می‌کنم که آنها دلی رقیق‌تر و قلبی فضیلت‌پذیرتر دارند. خداوند مرا به پیامبری برانگیخت تا مردم را (به رحمت الهی) بشارت دهم و (از عذابش) بترسانم. جوانان سخنانم را پذیرفتند و با من پیمان (محبت) بستند، ولی پیران از قبول دعوتم سر باز زدند و به مخالفتم برخاستند.»

بنابر سیرت و سنّت پیامبر اسلام ﷺ، رمز پیروزی و موفقیت بی‌نظیر در عرصه تبلیغ، بهره‌گیری از احساسات پاک و زلال جوانان است و چه بایسته است که امام جماعت از این ابزار کارآمد و بزرگ، غافل نماند.

٤ـ آراستگی ظاهری

جوان، گرایش به زیبایی و جمال دارد و آراستگی را با تمام وجود دوست میدارد. مبلّغ، اگر چه به عنوان یک مسلمان موظّف است همیشه آراسته و پیراسته باشد، اما

در مواجهه با مخاطب جوان، اهمیّت این امر دو چندان خواهد شد. با این حال برخی از مبلّغان، توجّهی به این مسأله نداشته و با وضعیت ظاهری نامناسب، موجبات تمسخر مخاطبان را فراهم میکنند. روشن است که چنین عملکردی نه تنها در راستای تبلیغ دین به حساب نمی‌آید، بلکه "ضدّ تبلیغ" بوده و سبب دور شدن مخاطب جوان از نهاد روحانیّت خواهد شد.

یکی از عوامل موفقیّت رسول خدا ﷺ در گسترش اسلام، پاکیزگی، خوشبویی و آراستگی ظاهر ایشان بوده است. در سیره آن حضرت نقل شده است:

«النَّبِیِّ ﷺ أَنَّهُ کَانَ یَنْظُرُ فِی الْمِرْآةِ وَ یُرَجِّلُ جُمَّتَهُ وَ یَمْتَشِطُ. وَ رُبَّمَا نَظَرَ فِی الْمَاءِ وَ سَوَّی جُمَّتَهُ فِیهِ وَ لَقَدْ کَانَ یَتَجَمَّلُ لِأَصْحَابِهِ فَضْلًا عَلَی تَجَمُّلِهِ لِأَهْلِهِ وَ قَالَ إِنَّ اللهَ یُحِبُّ مِنْ عَبْدِهِ إِذَا خَرَجَ إِلَی إِخْوَانِهِ أَنْ یَتَهَیَّأَ لَهُمْ وَ یَتَجَمَّلَ.»[8] ؛ «پیامبر خدا ﷺ عادتش این بود که به آینه نگاه می‌کرد و موی سرش را صاف می‌نمود و شانه می‌زد. و چه بسا این کار را در برابر آب انجام می‌داد و موی سر خود را درست می‌کرد. نه تنها برای خانواده خود، بلکه برای اصحاب خویش نیز، خود را می‌آراست و می‌فرمود: خدا دوست دارد که بنده‌اش وقتی برای دیدن برادران از خانه بیرون می‌رود، خود را آماده کرده و بیاراید.»

البته باید مراقب بود که این کار به افراط نیانجامد؛ که اگر از حدّ آراستگی ظاهر تجاوز کند، به محدوده لباس شهرت و تجمّل حرام خواهد رسید.

ب ـ روش های عمل گرایانه

عملیاتی کردن آموزه‌های دینی در محیط پیرامونی خود، چنان تأثیری در مخاطبان می‌گذارد که هیچ کس نمی تواند نقش موثر آن را انکار کند. این دستور رئیس مذهب است که می‌فرماید:

«کُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِکُمْ وَ لَا تَکُونُوا دُعَاةً بِأَلْسِنَتِکُمْ.»[9] ؛ «مردم را با اعمال خودتان (به سوی دین خدا) دعوت کنید، نه (تنها) با گفتار.»

در این مورد به برخی محورهای اساسی اشاره خواهد شد.

۱ـ الگوی عملی برای جوانان

خداوند، پیامبران یا همان مبلّغان دین خود را، الگو و اسوه مردم معرفی می کند. هم‌چنان که در مورد والاترین نبی خود می‌فرماید:

«لَقَدْ کانَ لَکُمْ فی رَسُولِ اللهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ».[10] ؛ «قطعا برای شما در (رفتار و زندگی) رسول خدا، الگو و سرمشقی نیکو است.»

الگو و اسوه، یعنی کسی که در برابر دیدگاه مردم قرار می‌گیرد و با عمل به آموزه‌های دینی، آنها را به سوی دین خدا مجذوب می کند. آنگاه که نوجوانان و جوانان از نزدیک شاهد این امر باشند که روحانی محلّه و امام جماعت مسجد، تمام تلاش خود را برای برطرف نمودن مشکلات مردم می کند، شیفته او خواهند شد. جوانی که روحانی را جلودار تمام خوبی‌ها در جامعه پیرامونی خود ببیند، خواه ناخواه به سمت او گرایش پیدا خواهد کرد و چه راهی، تأثیرگذارتر از این مسیر می‌تواند باشد.

مبلّغ باید به ابراهیم خلیل ؑ اقتدا کند، که تنها با سخن، بر ضدّ کفر و بت‌پرستی قیام نکرد، بلکه تبر به دوش گرفت و با وارد شدن به بتخانه، تمامی بت‌ها را، به جز، بت بزرگ از بین برد.

«فجعلهم جذاذاً الّا کبیراً لهم لعلّهم الیه یرجعون»[11]

۲ـ پیشگام در عمل به آموزه‌ها

همان‌طور که گفته شد، روحانی و مبلّغ دینی باید الگوی مردم در عمل به آموزه‌ها باشد. امیرمومنان علی ؑ در مورد کسی که خود را پیشوای دیگران قرار داده، چنین می‌فرماید:

«مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَاماً فَعَلَیْهِ أَنْ یَبْدَأَ بِتَعْلِیمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِیمِ غَیْرِهِ وَ لْیَکُنْ تَأْدِیبُهُ بِسِیرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِیبِهِ بِلِسَانِهِ.»[12] ؛ «هر که خود را پیشوای مردم قرار می‌دهد، باید پیش از تعلیم دیگران، خود را تعلیم دهد و باید پیش از آنکه با زبانش تأدیب کند، با کردارش تأدیب نماید.»

بنابراین روحانی باید در مسایلی که برای دیگران مطرح می‌نماید، پیشگام باشد و در عمل به گفته‌هایش، بسیار جلوتر از آنان حرکت نماید، تا بتواند راهنمای

خوبی برای مخاطبان خود، خصوصاً جوانان باشد. چنین کاری از یک سو، رشد امروز مخاطبان را رقم خواهد زد و از سوی دیگر، آینده‌ای روشن برای آنان خواهد ساخت. امام باقر علیه السلام درباره تأثیر عملکرد شایسته پدر بر آینده فرزندان چنین می‌فرماید:

«يُحْفَظُ الأَطْفَالُ بِأَعْمَالِ آبَائِهِمْ ... .»[۱۳]؛ «کودکان به سبب عملکرد پدرانشان مصون و محفوظ می‌مانند.»

بنابراین مصونیّت فرزندان معنوی ما از خطرات و انحراف‌ها در پرتو صلاحیت و شایستگی پدران معنوی آنها، یعنی "روحانیّت" است.

٣ـ برخورد مودّبانه با جوان

ادای ادب و احترام به هر کس، خصوصاً اگر جوان باشد، شخصیّت او را رشد داده و بر علاقه او نسبت به طرف مقابل می‌افزاید. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ يُغْفَرْ لَكُم.»[۱۴]؛ «به فرزندان خود احترام گذارید و آنان را آداب نیکو بیاموزید تا آمرزیده شوید.»

بنابراین چه زیبا است که در مواجهه با جوان، نام او را با احترام و به همراه واژه آقا یا خانم به کار بریم. همین نکات ریز و کوچک، گاه در دراز مدت، تأثیرات بزرگی می‌گذارد و بازخورد متقابل خواهد داشت.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد سیره مستمره خود چنین می‌فرماید:

«خَمسٌ لاأَدَعُهُنَّ حَتّى المَماتِ:... و التَّسليمُ على الصِّبيانِ لِتَكونَ سُنَّةً من بَعدی.»[۱۵]؛ «پنج چیز است که تا زنده‌ام رهایشان نمی‌کنم: ... و سلام کردن به کودکان، تا اینکه بعد از من، سنّت شود.»

٤ـ احترام عملی به جوان

تنها برخورد محترمانه و مودّبانه نیست که در شخصیت مخاطب جوان مؤثر است، بلکه این احترام و ادب باید در عملکرد مبلّغین نیز جلوه‌ای ویژه داشته باشد و در تمامی شئون ارتباط با جوان رخ نمایاند. در این مورد لازم به ذکر است، اگرچه احترام به بزرگترها واجب است، اما گاهی مشاهده می‌شود که در برخی مساجد به بهانه احترام به پیشکسوتان، از احترام و شخصیت دادن به جوانان و نوجوانان غفلت می‌شود و جایگاه و ارزش ایشان را در نظر نمی‌گیرند. چه اشکالی دارد که در کنار هر پیرمردی یک جایگاه اختصاصی هم برای جوانان قرار دهیم و آنها را هم در صدر مجلس بنشانیم.

٥ـ تشویق

تشویق سبب رشد افراد شایسته و ترغیب دیگران به خوب بودن است. مبلّغ، نیز برای گسترش معارف و جذب مخاطبان جوان خود می‌تواند از گونه‌های مختلف تشویق استفاده کند. امام باقر علیه السلام در مورد پدرش می‌فرماید:

«كان زين العابدين علیه السلام، اذا نظر الى الشّباب الّذين يطلبون العلم ادناهم اليه و قال: مرحبا بكم انتم ودائع العلم ...»[۱۶]؛ «امام سجّاد علیه السلام هنگامی که جوانان محصّل را می‌دید، به سوی آنها می‌رفت و می‌فرمود: آفرین بر شما! شما امانتداران دانش هستید.»

تشویق هم باید زبانی باشد و هم عملی. روزی پیامبر صلی الله علیه و آله وارد مسجد شدند و گروهی را در حال عبادت و گروه دیگری را در حال گفتگوی علمی دیدند. ضمن تشویق زبانی هر دو گروه، در جمع آنان که مشغول بحث علمی بودند، نشستند تا با این کار به صورت عملی گروه علم‌آموز را نیز تشویق کرده باشند. (منية المريد، ص١٠)

٦ـ پیشگام شدن در حل مشکلات جوانان

روحانی دلسوز و مبلّغ مشفق، کسی است که برای رنج‌ها و مشکلات مخاطبانش دل بسوزاند و تلاشی مجدّانه برای برطرف نمودن نیازمندی آنها انجام دهد. در حدیثی قدسی که از زبان امام صادق علیه السلام نقل شده، چنین می‌خوانیم:

«الخَلقُ عِيالي، فَأَحَبُّهُم إلَيَّ أَلطَفُهُم بِهِم، و أَسْعاهُم في حَوائِجِهِم.»[۱۷]؛ «مردم خانواده من هستند. پس، محبوب‌ترین آنان نزد من کسانی هستند که با مردم مهربان‌تر و در راهِ برآوردن نیازهای آنان کوشاتر باشند.»

بنابراین مبلّغ باید در زمینه‌های مختلف، پیشگام کارهای خیر باشد و دیگران را نیز به همراهی وادارد.

قرآن می فرماید:
«تَعاوَنُوا عَلَی الْبِرِّ وَ التَّقْوی وَ لا تَعاوَنُوا عَلَی الْإِثْمِ وَ الْعُدْوانِ»[۱۸] ؛ «(همواره) در نیکی و پرهیزگاری یکدیگر را یاری کنید و (هرگز) در گناه و تجاوز همکاری ننمایید»

پس با گوشه نشینی و انزوا، نمی‌توان مبلّغ دین خدا بود. چراکه مبلّغ، باید همواره به فکر خدمت به مردم بوده و هیچ مسئله‌ای، او را از انجام این وظیفه بزرگ، حتّی برای لحظه‌ای دور نسازد.

ج ـ روش های بیانی

سخن و تکلّم، هدیه‌ای الهی و ابزاری تأثیرگذار برای القای محتوا است؛ اما سخنوری، فنی اکتسابی و هنری آموختنی است که می‌توان با یادگیری رموز و دقایق آن و تمرین و ممارست، به آن دست یافت. روشن است که مبلّغ دینی بیش از هر کسی، نیازمند به این هنر و موظّف به آموختن آن است.

۱ـ بهره گیری مستمر از قرآن

از میان انبوه مطالبی که می‌توان برای مخاطب جوان بیان کرد، هیچ سخنی یارای جایگزینی با قرآن را ندارد؛ چراکه به تعبیر خود قرآن:
«اللهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِیثِ ...»[۱۹] ؛ «خدا نیکوترین سخن را نازل کرده است.»

بنابراین روشن است که بیان یک مبلّغ دینی، باید مزیّن به قرآن باشد و از محتوایی سست بنیان، نظیر خواب و رویا و قصه‌های بی‌مایه بپرهیزد.

پیامبر خدا ﷺ وقتی معاذ بن جبل را برای تبلیغ معارف دین به یمن فرستاد، نکات فراوانی را به او گوشزد کرد که خود می‌تواند دستورالعملی جامع برای همه مبلّغان دینی باشد. جالب اینجا است که در صدر این دستورالعمل چنین آمده است:
«یَا مُعَاذُ عَلِّمْهُمْ کِتَابَ اللهِ وَ أَحْسِنْ أَدَبَهُمْ عَلَی الأخْلَاقِ الصَّالِحَةِ ...»[۲۰] ؛ «ای معاذ! به مردم قرآن بیاموز و فرهنگ‌شان را به رفتار شایسته نیکو گردان. ...»

البته باید توجّه داشت که انتخاب مطلب و خصوصاً نحوه ارائه محتوای قرآنی، آن هم برای مخاطب جوان، فرآیندی مجزا و تدابیری متناسب می‌طلبد. روشن است که دستیابی به چنین محتوایی، نیازمند قدری تلاش و اندکی ذوق و سلیقه است که به حمد الهی در اکثر مبلّغان دینی وجود دارد.

غنای معارف قرآن به قدری فراوان است که به راحتی می‌توان از درون آن، محتوایی شیرین، جذاب و متناسب با فهم مخاطب جوان برگزید. بهره بردن از داستانهای جذاب قرآنی، یادآوری نعمت‌های الهی از زبان قرآن، تشویق‌ها و تنبیه‌ها، تشبیه‌ها و تمثیلات، معرفی الگوهای مثبت و منفی، سوگندها، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، سفرنامه‌های قرآن، گیاهان و حیوانات در قرآن و ... تنها گوشه‌ای از موضوعاتی است که می‌توان برای مخاطب جوان ارائه کرد.

۲ـ استفاده از حدیث

یکی از مسائلی که متأسفانه در سال‌های اخیر در میان جوانان جامعه مرسوم گشته، استفاده و گسترش سخنان شخصیت های غربی و یا غیر دینی در عرصه‌های مختلف زندگی است. روشن است که اکثر این جملات، بر پایه جهان‌بینی الحادی و یا التقاطی بنا نهاده شده؛ در حالی که اکثر مخاطبان، توانایی تشخیص این امر را ندارند.

باید پذیرفت که بخش قابل توجّهی از گرایش به این شخصیت‌ها و الگوگیری از آنها، به دلیل عدم آشنایی جوانان با سخنان بزرگان دینی است؛ چراکه اگر محتوای ناب کلام اهل بیت علیهم السلام ، با بیانی شیوا و روان در اختیار آنها قرار گیرد، دیگر نیازی به سخنان سخیف و سقیم دیگران و اجانب از فرهنگ غربی احساس نخواهند کرد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:
«بَادِرُوا أَحْدَاثَکُمْ بِالْحَدِیثِ قَبْلَ أَنْ تَسْبِقَکُمْ إِلَیْهِمُ الْمُرْجِئَةُ.»[۲۱] ؛ «نوجوانان خود را، پیش از آنکه (فرقه انحرافی) مرجئه به سراغشان روند، حدیث بیاموزید.»

۳ـ بهره گیری از محتوای مفید و کاربردی

جوان باید با آمدن به مسجد احساس کند که کمبودها

و دغدغه‌هایش جبران می‌شود. بنابراین محتوای انتخابی توسط مبلّغین و امام جماعت، باید نیازهای او را برآورده کند و در زندگی روزمره او کاربردی جدّی داشته باشد. برای نمونه در هنگام بیان داستان‌های قرآن و یا روایت معصومان، باید به کاربرد شخصی یا اجتماعی آن اشاره‌ای جدّی داشت، تا جوان محتوای مطالب را در زندگی خود لمس و پیاده کند.

برای نمونه داستان ازدواج حضرت موسی علیه‌السلام و آشنایی او با دختران حضرت شعیب علیه‌السلام، برای جوان امروز در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی کاربردی جدّی دارد. به شرط آنکه فقط روخوانی مطالب نباشد و با چاشنی شرایط روز، برای مخاطب، ملموس‌تر گردد.

بنابراین محتوا را باید به گونه‌ای مطرح کرد که مخاطب آن را مربوط به زندگی خود بداند و بتواند از آن بهره لازم را ببرد. انس بن مالک می‌گوید: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بعد از هر نماز این دعا را می‌خواند:

«اللّهُمَّ إنّی أَعوذُ بِکَ مِنْ عِلْمٍ لَا یَنْفَعُ.»[۲۲]؛ «خداوندا! به تو پناه میبرم از علمی که کاربرد و نفعی نداشته باشد.»

٤ـ توجّه به شرایط زمانه

مبلّغ یا امام جماعتی که می‌خواهد با مخاطب جوان ارتباط برقرار کند، باید به تمایلات، گرایش‌ها و روحیات زمانه او آشنا باشد. دور بودن از صحنه‌های اجتماع، سبب می‌شود که مبلّغ از اوضاع و احوال آگاه نبوده، بنابراین مبلّغ ناآگاه از مسایل جامعه، نمی‌تواند توفیق زیادی در احیا و تبلیغ دین داشته باشد.

علاقه‌مندی‌های جوان در هر دوره‌ای متفاوت با زمان‌های پیشین است و نمی‌توان آنها را مجبور به پذیرش سنّت‌های گذشته کرد. امیرمومنان علی علیه‌السلام دراین‌باره‌می‌فرماید:

«لا تقسروا أولادکم علی آدابکم فإنهم مخلوقون لزمان غیر زمانکم.»[۲۳]؛ «آداب و رسوم زمان خودتان را با زور و فشار به فرزندان خویش تحمیل نکنید؛ زیرا آنان برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند.»

الفاظ و اصطلاحاتی که معمول جوانان در بین خود استفاده می‌کنند، ممکن است برای یک روحانی، ناملنوس و غیر قابل فهم باشد، که این می‌تواند وی را از مخاطبانش دور کند. اگرچه روحانی نباید به ناگاه از آن طرف بام بیافتد و با افراط و عدم توجّه به جایگاه خویش، در دام گویش متداول میان جوانان بیافتد، اما از سوی دیگر نباید نسبت به گفتار متداول میان مخاطبان نیز، بیگانه و نامانوس باشد.

٥ـ تعامل متناسب با سنّ مخاطب

مخاطب شناسی و آشنایی با اقتضائات زمان و مکان از وظایف اساسی هر مبلّغ است؛ چراکه جنسیّت، سنّ و سال، سطح علمی و تحصیلی، طبقات اجتماعی، زبان و گویش و شغل، همه و همه شرایط تازه‌ای را برای او مهیا می‌کند که به تناسب آن، باید تغییراتی اساسی در انتخاب محتوا، ساختار و حجم سخن خود اعمال کند. ارائه محتوا به مخاطب جوان نیز حساسیّت بیشتری را می‌طلبد و باید سخن به اندازه فهم و پذیرش او ارائه گردد. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله این مسئله را در شکل قانونی کلّی چنین بیان داشته است:

«إنّا مَعاشِرَ الأنبیاءِ اُمِرنا أن نُکلِّمَ النّاسَ علی قَدرِ عُقولِهم.»؛ «ما، جماعت پیامبران، فرمان داریم که با مردم به فراخور فهم و خردهایشان سخن بگوییم.»

با دقت در قرآن و روایات، صدها نمونه از موارد تناسب موضوع با مخاطب را می‌یابیم. لقمان علیه‌السلام به فرزند خود در کنار فرمان به نماز، به امر به معروف و نهی از منکر دستور می‌دهد، در حالیکه معمولاً در کنار نماز، زکات مطرح است. این تأکید به این خاطر است که نوجوان معمولاً مالی نداشته تا فرمان زکات به او داده شود.

در این مورد استاد قرائتی تمثیلی زده و می‌فرمایند قرصی که به عنوان داروی کودکان ساخته می‌شود، هم کوچک‌تر است و هم قشنگ و شیرین‌تر، تا اینکه کودکان که به فلسفه دارو آگاه نیستند، به خوردن آن میل پیدا کنند.[۲۴]

نقل شده شخصی خدمت امام صادق علیه‌السلام رسید و از حضرت پرسید: چرا من از شما مطلبی می‌پرسم و شما جواب مرا می‌گویید؛ سپس دیگری نزد شما می‌آید و به

او جواب دیگری می‌فرمائید؟! حضرت فرمودند:
«إنّا نُجیبُ النّاسَ عَلَی الزِّیادَةِ وَ النُّقْصان.»[۲۵]؛ «ما مردم را به زیاد و کم (به اندازه عقلشان) جواب می‌گوییم.»

۶ـ تناسب با شرایط روحی جوان

برخی مخاطبان تشنه یادگیری‌اند، البته برخی نیز نسبت به این مسأله گاهی بی‌تفاوت و گاهی فراری، گاهی آماده و مستعد و گاهی خسته و تأثیر ناپذیر هستند. قرآن، روح بعضی را به زمین آماده‌ای تشبیه کرده که با نزول باران سبز می‌شود، اما بعضی را زمین شوره‌زاری دانسته که جز خار و خاشاک، روییدنی دیگری ندارد.

«وَ الْبَلَدُ الطَّیِّبُ یَخْرُجُ نَباتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ الَّذی خَبُثَ لا یَخْرُجُ إِلاَّ نَکِداً»[۲۶]

قرآن کریم، قلب بعضی را مثل سنگی نفوذ ناپذیر شمرده (: ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُکُمْ مِنْ بَعْدِ ذلِکَ فَهِیَ کَالْحِجارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً)[۲۷] و در مقابل، بعضی را چنان آماده، معرفی نموده که هرگاه سخن حقّی بشنوند، اشک شوق از دیدگانشان جاری می‌شود. (: تَری أَعْیُنَهُمْ تَفیضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِ)[۲۸]

اما در این میان جوان و نوجوان معمولاً از قلبی آماده و حاصلخیز برخوردار است. امیرمومنان علی علیه‌السلام در مورد آمادگی پذیرش نوجوان چنین می‌فرماید:
«إنّما قَلبُ الحَدَث کالأرض الخالیَة، ما اُلقیَ فیها من شَیء قَبلَته.»[۲۹]؛ «قلب نوجوان، در حقیقت چونان زمینی خالی است که هرچه در آن افکنده شود، می‌پذیرد.»

با این حال باید توجه داشت که میزان آمادگی همه جوانان و نوجوانان نیز یکسان نیست و باید به مقتضای حال آنها برایشان سخن گفت. پس بیان یک مطلب واحد برای جمع‌ها و محافل گوناگون، همانند تجویز نسخه‌ای واحد برای بیماران مختلف، کاری ناپسند و گاه آسیب‌زا خواهد بود.

۷ـ شادابی در سخن

شادابی مبلّغ و روحانی، تأثیر بسیاری در شادابی مخاطبان دارد؛ چراکه او در کانون توجّه دیگران است. خصوصاً برای مخاطب جوان که سرشار از شور و حرارت و شادابی است، بیان شاداب و همراه با لبخند و تبسّم امری ضروری به نظر می‌رسد. از سیره سخنوری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برمی‌آید که ایشان به این نکته توجّه ویژه داشته است. چنان که درباره آن حضرت آمده است:
«کَانَ رَسُولُ الله صلی‌الله‌علیه‌وآله إذَا حَدَّثَ بِحَدِیث تَبَسَّمَ فِی حَدِیثِه.»؛ «پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله هرگاه لب به سخن می‌گشود، با لبخند همراه بود.»[۳۰]

۸ـ شوخ طبعی در مواجهه با مخاطبین

ارائه محتوای دینی هر چند در قالبی جذاب ارائه گردد، ممکن است پس از گذشت زمانی کوتاه (حدود بیست دقیقه) در مخاطب ایجاد خستگی کند. این مسئله در مورد مخاطب جوان که معمولاً از شنیدن گریزان است، نمود بیشتری دارد. بنابراین در چنین شرایطی، یا باید سخن را به پایان رساند و یا باید با یک طنز فاخر و یا شوخی مناسب و درخور جلسه، حال و هوای جمع را تغییر داد. یونس شیبانی می‌گوید روزی امام صادق علیه‌السلام از من پرسید:
«کیفَ مُداعَبَةُ بَعضِکُم بَعضا؟»؛ «شوخی شما با یکدیگر چگونه است (و آیا با یکدیگر شوخی هم می‌کنید)؟»
عرض کردم: کم. حضرت فرمود:
«فلا تَفعلوا، فإنّ المُداعَبَةَ مِن حُسنِ الخُلق و إنّکَ لَتُدخِلُ بها السُّرورَ علی أخیکَ و لقد کانَ رسولُ الله صلی‌الله‌علیه‌وآله یُداعِبُ الرّجُلَ یُریدُ أن یَسُرَّهُ.»[۳۱] «این گونه نکنید؛ زیرا شوخی از خوش‌خویی است و تو بدان وسیله برادرت را شاد می‌سازی. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله هم برای این که کسی را شاد کند، با او شوخی می‌کرد.»

البته باید توجه داشت که شوخی و خنده برای فراهم آمدن شادابی در گفتگو است. بنابراین نباید از محدوده خود فراتر رود و به هر قیمتی صورت پذیرد. در روایات از شوخی همراه با تمسخر یا ناسزاگویی و همچنین افراط در شوخی و هزله‌گویی نهی شده است.[۳۲]

۹ـ اختصار در سخن

انسان به طور طبیعی از شنیدن سخنان طولانی خسته

می‌شود. بنابراین مبلّغ باید حال مخاطب جوان خود را در نظر داشته باشد و متناسب با توان او سخنرانی کند. امیر مومنان علی(ع) در مورد حجم مناسب برای سخنوری می‌فرماید:

«خیر الکلام ما لا یمل و لا یقل.»[۳۳] «بهترین سخن آن است که نه ملال آور باشد و نه کم (و خلاف توقع).»

سیره رسول خدا ﷺ نیز گویای آن است که آن حضرت در عین جامعیّت، نه طولانی و نه خیلی کوتاه سخن می گفت. امام حسن(ع) می‌فرماید:

«کانَ رَسولُ الله ﷺ ... یَتَکَلَّمُ بِجَوامِعِ الکَلِمِ فَصلاً، لا فُضولَ فیهِ و لا تَقصیرَ.»[۳۴] ؛ «پیامبر خدا ﷺ به تمام گفتارهای جامع، آشکارا سخن می گفت، بی آن‌که در آن، فزونی یا کاستی باشد.»

یکی از عوامل عدم تمایل جوانان و نوجوانان به مساجد و مکان‌های مذهبی، سخنرانی‌های طولانی و خسته کننده است. اما اگر مبلّغ، سخنان کوتاه و پرباری را برای مخاطبان خود ارائه دهد، نه تنها از تعداد مخاطبانش کاسته نمی‌شود بلکه افزوده هم خواهد شد. زیرا «کمِ با دوام» از «زیادِ خسته کننده» بهتر است:

«قلیل یدوم خیر من کثیر مملول»[۳۵]

کم گوی و گزیده‌گوی چون در / کز اندک تو جـهان شود پر

پی‌نوشت:

۱ . کافی، ج ۸، ص ۹۳. ■ ۲ . سوره قلم، آیه ۴. ■ ۳ . غرر الحکم، ح ۶۹۶۷. ■ ۴ . سوره آل عمران، آیه ۱۵۹. ■ ۵ . تحریر المواعظ العددیهٔ، ص ۲۴. ■ ۶ . تحف العقول، ص ۲۷۱. ■ ۷ . شباب قریش، ص ۱ به نقل از الحدیث، ج ۳، ص ۳۳۱. ■ ۸ . مکارم الأخلاق، ص ۳۵. ■ ۹ . قرب الاسناد، ص ۹. ■ ۱۰ . سوره أحزاب، آیه ۲۱. ■ ۱۱ . سوره انبیاء، آیه ۵۸. ■ ۱۲ . نهج‌البلاغهٔ، حکمت ۷۳، ص ۴۸۰. ■ ۱۳ . تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۳۸. ■ ۱۴ . مکارم الاخلاق، ص ۲۲۲. ■ ۱۵ . خصال، ج ۱،ص ۲۷۱. ■ ۱۶ . الدر النظیم، ص ۵۸۷. ■ ۱۷ . الکافی، ج ۲، ص ۱۹۹. ■ ۱۸ . سوره مائده، آیه ۲. ■ ۱۹ . سوره زمر، آیه ۲۳. ■ ۲۰ . تحف العقول، ص ۲۵. ■ ۲۱ . تهذیب الاحکام، ج ۸، ص ۱۱۱. ■ ۲۲ . کنز الفوائد، ج ۱، ص ۳۸۵. ■ ۲۳ . شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۲۶۷. ■ ۲۴ . قرآن و تبلیغ، استاد قرائتی، ص ۷۵. ■ ۲۵ . الکافی، ج ۱، ص ۶۵. ■ ۲۶ . سوره اعراف، آیه ۵۸. ■ ۲۷ . سوره بقره، آیه ۷۴ ■ ۲۸ . سوره مائده، آیه ۸۳ ■ ۲۹ . نهج البلاغه، نامه ۳۱. ■ ۳۰ . مکارم‌الأخلاق، ص ۲۱. ■ ۳۱ . الکافی، ج ۲، ص ۶۶۳. ■ ۳۲ . بحارالأنوار، ج ۷۲، ص ۱۴۷. ■ ۳۳ . غرر الحکم، ح ۴۰۵۳. ■ ۳۴ . عیون‌أخبارالرضا ع، ج ۱، ص ۳۱۶. ■
۳۵ . غرر الحکم، ص ۴۹۸.

دوشنبه ۱ تیر

اذان صبح: ۴:۰۲
طلوع آفتاب: ۵:۴۹
اذان ظهر: ۱۳:۰۶
اذان مغرب: ۲۰:۴۵

۵ رمضان ۱۴۳۶
22 Jun 2015

روز تبلیغ و اطلاع رسانی دینی. سالروز صدور فرمان حضرت امام خمینی رحمة الله علیه مبنی بر تأسیس سازمان تبلیغات اسلامی (۱۳۶۰ هش)
روز اصناف

جذابیت ظاهری

برای نفوذ به درون افراد و هدایت افکار و عقاید آنان به سمت آموزه‌های ناب اسلامی، باید شرایط و مقدماتی فراهم شود که از جمله آن شرایط، جذاب بودن ظاهری خود مبلغ است. از آیات و روایات استفاده می‌شود که پیامبران و انبیاء الهی یا مانند حضرت یوسف علیه‌السلام زیبا و خوش‌سیما بوده‌اند، آنگونه که در قرآن کریم در توصیف ایشان به نقل از مردمِ آن زمان آمده: «قُلْنَ حاشَ لِلَّهِ ما هذا بَشَراً إِنْ هذا إِلاَّ مَلَكٌ كَريمٌ» (یوسف- ۳۱) و یا آنکه سیما و بدنی متوسط و معمولی، اما بدون زشتی و نقص آشکار داشته و در جامعه زمان خود با لباس و چهره‌ای تمیز، مرتب و آراسته ظاهر می‌شدند.

از آنجا که نسل جوان عموماً حساسیت خاصی بر روی رعایت خوش‌پوشی و رعایت بهداشت فردی و آداب اجتماعی دارند، قطعاً لازم است تا مبلغین در هر سن و شرایطی در هنگام برخورد با جوانان، با رعایت آداب و سنن الهی، هم عوامل جذب حداکثری آنها را فراهم کرده و هم الگویی اسلامی از رعایت آداب اسلامی در پوشش و آراستن ظاهر خود و استفاده از عطرهای مناسب ارائه دهند تا جلوی برخی افراط‌ها و رفتارهای هنجار شکنانه از سوی برخی جوانان به بهانه خوش‌تیپ بودن و امثال آن گرفته شود و جوانان در مقام عمل، بهترین نحوه آراستگی و حسن ظاهر را از مبلغین بیاموزند.

(با تصرف از کتاب «شیوه جذب جوانان»، محمد اسماعیلی مبارکه)

سه‌شنبه ۲ تیر

اذان صبح: ٤:٠٢
طلوع آفتاب: ٥:٤٩
اذان ظهر: ١٣:٠٦
اذان مغرب: ٢٠:٤٥

٦ رمضان ١٤٣٦
23 Jun 2015

جوانان امروز، مردان و زنان کامل فردایند

نوجوانان و جوانان امروز، گاه تا پنج سال بیش از سن خود می‌فهمند و قدرت درک و دریافت حقایق و واقعیات را دارند. آنان مایل‌اند به عنوان مشاورانی با شخصیت و قابل احترام در کنار خانواده و اولیاء مدرسه قرار گیرند تا لیاقت‌های ذاتی خود را بروز دهند و علاوه بر آن بتوانند در هنگام ضرورت با اطرافیانشان به مشورت بپردازند و دیدگاه‌های خود را ارائه دهند.

لازمه چنین امری، ایجاد فضایی مطلوب، انسانی و مبتنی بر احترام متقابل است تا بتوانند از فرصت مشاوره بهره‌ی کافی گیرند.

هم‌چنین لازم به ذکر است که جوانان امروز، مردان و زنان کامل فردایند و برای دستیابی به شخصیت مورد نظر خویش دوست دارند، تجلی کامل آن را در انسان‌های پیرامون خویش بیابند و بنگرند.

قبول این واقعیت که ثبات حافظه دیداری، پایدارتر از ثبات حافظه شنیداری است، اطرافیانِ جوان را توجه و تعهد می بخشد که بیش از آنچه از طریق کلامی درصدد ساختن شخصیت او هستند، از طریق عملی و ارائه‌ی جلوه‌های رفتاری او را به اتخاذ چنین الگویی ترقیب نمایند تا بی هیچ شعار و هیاهویی جوان به عشق دست یابد و ریشه‌های شناخت و بینشِ او بارور از علاقه و اشتیاق به سالم زیستن، سعادتمند گردیدن و دست‌یابی به بلندای بزرگی و جاودانگی گردد.

(موضوعات و شیوه‌های گفتگو با نسل جوان، ص ۴۱)

چهارشنبه ۳ تیر

اذان صبح: ٤:٠٣
طلوع آفتاب: ٥:٤٩
اذان ظهر: ۱۳:۰۷
اذان مغرب: ۲۰:٤٥

۷ رمضان ۱٤۳٦
24 Jun 2015

توانایی‌هایی که در جوان هست می‌تواند معجزه کند...

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): جوان در دوره‌ی جوانی، چه اوایل بلوغ و چه بعدها، با مجهولات زیادی روبه‌رو می‌شود. مسائل جدیدی برای او مطرح می‌شود که سؤال انگیز است. در ذهن او شبهه‌ها و استفهام‌هایی به‌وجود می‌آید که مایل است به این شبهه‌ها و سؤال‌ها و استفهام‌ها پاسخ داده شود؛ که در بسیاری از موارد، پاسخ بهنگام و دلنشین داده نمی‌شود؛ لذا جوان احساس خلأ و ابهام می‌کند. ضمناً جوان احساس می‌کند در وجود او انرژی‌های متراکمی وجود دارد و توانایی‌هایی را هم از لحاظ جسمانی و هم از لحاظ فکری و ذهنی در خود احساس می‌کند. حقیقتاً هم توانایی‌هایی که در جوان هست، می‌تواند معجزه کند؛ می‌تواند کوه‌ها را جابه‌جا کند؛ اما جوان احساس می‌کند که از این نیروها و از این انرژی متراکم و از این توانایی‌های او بهره‌برداری نمی‌شود؛ لذا احساس بیهودگی و اهمال می‌کند. جوان برای اولین‌بار با دنیای بزرگی در دوره‌ی جوانی مواجه می‌شود که این دنیا را تجربه نکرده و از این دنیا چیزهای زیادی نمی‌داند. بسیاری از حوادث زندگی برای او پیش می‌آید که تکلیف خودش را در مقابل آنها نمی‌داند. احساس می‌کند که احتیاج به راهنمایی و کمک فکری دارد و از آنجا که پدران و مادران غالباً اشتغال دارند، به جوان نمی‌رسند و این کمک فکری به او داده نمی‌شود. مراکزی که در این زمینه مسؤولند، غالباً در جای لازم و در نقطه‌ی نیاز حضور ندارند؛ لذا این کمک به او داده نمی‌شود و جوان احساس بی‌پناهی می‌کند. (۷۹/۲/۱)

پنج‌شنبه ۴ تیر

اذان صبح: ۴:۰۳
طلوع آفتاب: ۵:۵۰
اذان ظهر: ۱۳:۰۷
اذان مغرب: ۲۰:۴۵

۸ رمضان ١٤٣٦

25 Jun 2015

تشویق جوانان به سربازی در راه امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه!

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): «این جوان‌های مؤمن ما که در میدان‌های مختلف، چه در میدان معنویت و عبادت و معرفت، چه در میدان کار و تلاش، چه در میدان مبارزه و سیاست، چه در میدان جهاد؛ آن روزی که جهاد مورد احتیاج بود این‌جور از خودشان اخلاص و شادابی نشان می‌دهند، امام زمان علیه‌السلام را خرسند و خوشحال می‌کنند. اینکه مردم در کشور اسلامی، حالا در کشور مسلمانِ ما، تلاششان این است که بر اداره‌ی کشور، بر پیشرفت امور کشور نظارت داشته باشند، تصمیم بگیرند، اقدام کنند، وارد میدان بشوند؛ و میدان را رها نمی‌کنند که دیگران بیایند و برای آن‌ها تصمیم بگیرند؛ اجازه نمی‌دهند که امتداد خواست‌های استکباری و استعماری در داخل کشور سرنوشت آن‌ها را معین بکند، امام زمان را خوشحال می‌کنند؛ امام زمان ناظر است و می‌بیند. انتخابات شما را امام زمان دید؛ اعتکاف شما را امام زمان دید؛ تلاش شما جوان‌ها را برای آذین‌بندی نیمه‌ی شعبان، امام زمان دید؛ حضورِ شما زن و مرد را در میدان‌های گوناگون، امام زمان دیده است و می‌بیند؛ حرکت دولت‌مردان ما را در میدان‌های مختلف، امام زمان می‌بیند و امام زمان از هرآنچه که نشانه‌ی مسلمانی و نشانه‌ی عزم راسخ ایمانی در آن هست و از ما سر می‌زند، خرسند می‌شود. اگر خدای نکرده عکس این عمل بکنیم، امام زمان را ناخرسند می‌کنیم. ببینید، چه عامل بزرگی است».

(۸۴/۶/۲۹)

روز جهانی مبارزه با مواد مخدر
ورود قمر به عقرب۲۳:۴۳

جمعه ۵ تیر

اذان صبح: ٤:٠٣
طلوع آفتاب: ٥:٥٠
اذان ظهر: ١٣:٠٧
اذان مغرب: ٢٠:٤٥

٩ رمضان ١٤٣٦
26 Jun 2015

ابزار برای ارتباط با نسل جوان!

برای ارتباط مناسب و جذاب با جوانان و نوجوانان، یکی از عوامل مفید و مؤثر، استفاده از ابزارهای به‌روز و کاربردی در کنار سبک سنتیِ منبر می‌باشد. قطعاً در برنامه‌های خاصی که به عنوان کلاس عقاید، تفسیر، احکام و غیره برای جوانان تشکیل می‌شود، وجود تخته وایت‌برد، ویدئو پرژکتور، کامپیوتر و یا تشکیل گروه‌هایی برای جوانانِ مسجد در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند در صورت اداره و مدیریت صحیح، تأثیر بسیار شگرفی داشته باشد. در خاطره‌ای از مقام معظم رهبری آمده است:
«در زمینه جاذبه‌هایی که حضرت آیت الله خامنه‌ای از قبل از انقلاب داشته‌اند، می‌توان به صحبت نیکو، برخورد خوب، نظم و وقار، مرتب بودن و تمیزی لباس، ادب و احترام به دیگران و گشاده‌رویی با مردم و جوانان اشاره کرد. جالب اینجاست که هیچ‌کس با این همه صمیمیت جرأت نمی‌کرد خدای ناکرده در کنار ایشان شوخی زننده‌ای داشته باشد. یکی از روزهایی که آقا در مسجد کرامت اقامه نماز می‌کردند، به مرحوم کرامت فرمودند: تخته سیاهی را برای تدریس تهیه کنید. استفاده از تخته سیاه در مسجد برای ما خیلی عجیب بود. سپس ساعت خاصی را مقرر فرمودند که جوان‌های دختر و پسر برای تفسیر قرآن به مسجد بیایند. گاهی دانشجویان دختر را می‌دیدم که وقتی می‌خواستند وارد جلسه آقا شوند، از کیف خود چادرهایشان را در می‌آوردند و به سر می‌انداختند و پس از چند جلسه حضور در این کلاس‌ها، به طور کلی تغییر مسیر می‌دادند و یک فرد متدین و انقلابی می‌شدند.» (حاج آقا فتحعلیان، عضو هیئت اُمناء مسجد کرامت مشهد)

﴿ يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴾ [1]؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما مقرّر شده است، همان‌گونه که بر امّت‌هایی که پیش از شما بودند مقرّر شده بود؛ باشد که بر تمایلات خویش فایق آیید و تقوا پیشه کنید».

شأن نزول

ذیل این آیه شریفه شأن نزولی بیان نشده است، ولی روایتی که از حسن‌بن‌علی‌بن ابی‌طالب عليه‌السلام روایت شده است که چند تن از یهود خدمت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله آمدند و سوالات بسیاری مطرح کردند؛ از جمله اینکه پرسیدند: ای محمد، به من بگو چرا خدا روزه را سی روزه بر امت تو واجب کرده است و بر امت‌های دیگر بیشتر؟

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: چون آدم از درخت مَنهیّه خورد، سی روز در شکمش ماند و خدا سی روز گرسنگی و تشنگی بر نژادش واجب کرد و آنچه در شب خوردند، از تفضّل خداست. سپس آیه شریفه را تلاوت فرمود. یهودی گفت: ای محمد راست گفتی؛ پاداش کسی که آن را روزه دارد چیست؟ فرمود: مؤمنی نباشد که ماه رمضان را به حساب خدا روزه دارد، جز آنکه خدا بر او هفت خصلت واجب کند: ۱- حرام تنش آب شود؛ ۲- به رحمت خدا نزدیک شود؛ ۳- گناه پدرش آدم را کفاره داده است.؛ ۴- سکرات موت بر او آسان شود؛ ۵- از گرسنگی و تشنگی قیامت در امان باشد؛ ۶- خداوند به او برائت از آتش دهد؛ ۷- از میوه‌های بهشت به او بخوراند.[2]

نکات تفسیری

۱ـ تقوا به معنای خویشتن‌داری از گناه است. بیشتر گناهان از دو ریشه غضب و شهوت سرچشمه می‌گیرند و روزه جلوی تندی‌های این دو غریزه را می‌گیرد؛ بنابراین سبب کاهش فساد و افزایش تقوا می‌شود.[3]

۲ـ به نظر مفسّران و دانشمندان علوم قرآنی، آیاتی که با خطاب «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» شروع شده‌اند، در مدینه نازل شده و جزء آیات مدنی هستند. فرمان روزه نیز همچون دستور جهاد و پرداخت زکات در سال دوّم هجری صادر گردیده است.[4]

۳ـ این گونه خطاب (ای کسانی که ایمان آورده‌اید)، به منظور توجه دادن مردم به صفت ایمانشان است؛ وگرنه می‌فرمود: ای مردم؛ لیکن می‌خواهد بفهماند با توجه به اینکه دارای ایمان هستید، باید هر حکمی را که از ناحیه پروردگارتان می‌آید بپذیرید، هر چند بر خلاف مشتهیات و ناسازگار با عادات شما باشد.[5]

۴ـ قرآن فلسفه بعضی احکام همچون روزه را بیان داشته است؛ زیرا اگر مردم نتیجه کاری را بدانند، در انجام آن نشاط بیشتری از خود نشان می‌دهند.[6]

۵ـ ممکن است سؤال شود، با اینکه روزه بر تمام مکلفان از مردم واجب است، چرا در این آیه فقط مردم مؤمن مورد خطاب واقع شده‌اند؟ در پاسخ باید گفت: اختصاص خطاب به مؤمنان از دو نظر است؛ یکی اینکه چون فقط مؤمنان دستور به روزه را قبول می‌کنند، بنابراین مخاطب قرار گرفته‌اند؛ دیگر از این جهت که فقط عبادت مؤمنان، صحیح است نه عبادت دیگران. در هر صورت اختصاص خطاب به مردم مؤمن، با اینکه روزه به غیر آنان نیز واجب باشد، منافات ندارد[7]

حدیث

خداوند بندگان مؤمن خود را به وسیله نمازها و زکات‌ها و جدیت در روزه‌داری روزهای واجب (رمضان) برای آرام کردن اعضا و جوارح آنان و خشوع دیدگان‌شان و فروتنی جان‌هایشان و خضوع دل‌هایشان حفظ می‌کند.[8]

داستان

در اخبار منسوب به تورات آمده است که عابدی مدّت درازی خدا را عبادت کرده بود؛ در خواب دید که فلان زن در بهشت همسر اوست؛ جست‌وجو کرد تا او را پیدا کرد و سه مرتبه از او پذیرایی کرد تا عمل او را ببیند. دید خودش شب را به نماز می‌گذراند، در حالی که آن زن در خواب است و خود روزها روزه‌دار است، در حالی که آن زن روزه هم نمی‌گیرد. از او پرسید: آیا تو عملی جز آنچه من دیدم، داری؟ گفت: به خدا قسم همان بود که دیدی؛ غیر از آن‌ها چیزی بلند نیستم. آن عابد دوباره پرسید: بگو چه عملی داری؟ تا اینکه زن پس از قدری تأمل گفت: یک خصلت کوچکی دارم و آن این است که اگر در تنگنا باشم، آرزوی رفاه نمی‌کنم و اگر بیمار شوم، آرزوی تندرستی نمی‌کنم و اگر ناخوش باشم آرزوی خوشی نمی‌کنم. پس عابد دستش را روی سرش گذاشت و گفت: به خدا که این خصلتی بزرگ است و دیگران توانایی آن را ندارند.[9]

نتیجه

تقوا و خداترسی در ظاهر و باطن، مهم‌ترین اثر روزه است. روزه یگانه عبادت مخفی است. نماز، حج، جهاد، زکات و خمس را مردم می‌بینند، امّا روزه دیدنی نیست. روزه اراده انسان را تقویت می‌کند.[10]

نکته دیگر مراتب روزه و روزه‌داران است که بسیار مهم است؛ روزه مردم عادّی، همان خودداری از نان و آب و همسر است؛ امّا در روزه خواص، علاوه بر اجتناب از مُفطرات، اجتناب از گناهان نیز لازم است و روزه خاصّ‌الخاص، علاوه بر اجتناب از مفطرات و پرهیز از گناهان، خالی بودن دل از غیر خداست. روزه، انسان را شبیه فرشتگان می‌کند؛ فرشتگانی که از خوردن و آشامیدن و شهوت دورند.[11]

در روایات ما علاوه بر روزه جسم، سخن از روزه نفس هم به میان آمده است؛ چنانچه حضرت امیر عليه‌السلام می‌فرمایند: روزه نفس نگاه داشتن حواسّ پنجگانه است از همه گناهان و خالی بودن دل است از جمیع اسباب بدی.

شاید دلیل نزول قرآن در شب قدر و در ماه رمضان این باشد که انسان برای دریافت معارف ناب قرآن باید با عبادات ماه رمضان به سلامت و طهارت قلب برسد، تا بتواند انوار قرآن را با همه وجود دریافت کند.

پی‌نوشت

۱. بقره: ۱۸۳. ■ ۲. شیخ صدوق، الامالی، ترجمه کمره‌ای، ص۱۹۴. ■ ۳. محسن قرائتی، تفسیر نور، ج۱، ص۲۸۴. ■ ۴. همان. ■ ۵. محمدحسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج۲، ص۶. ■ ۶. همان. ■ ۷. فضل‌بن‌حسن طبرسی، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص۲۰۱. ■ ۸. نهج البلاغه، خطبه۱۹۲. ■ ۹. ورّام‌بن‌ابی‌فراس حلّی، تنبیه‌الخواطر و نزهة النواظر، ص۴۲۴. ■ ۱۰. محسن قرائتی، تفسیر نور، ج۱، ص۲۸۵. ■ ۱۱. همان.

بیعت با امام مهدی علیه‌السلام، از نگاه روایات

روایات مربوط به بیعت با حضرت مهدی علیه‌السلام از جهت معنا و مفهوم متواتر است؛ بنابراین اثبات اصل این اتفاق نیازمند بررسی روایات نیست. این روایات که با شمار گوناگون در منابع شیعه و اهل سنّت نقل شده است به طور عمده به موضوعات زیر اشاره دارند:

۱. بیعت‌کنندگان

در این دسته روایات، به کسانی اشاره شده که در بیعت با آن حضرت شرکت می کنند. این روایات به دو دسته تقسیم میشوند:

۱ـ۱. بیعت جبرئیل فرشتۀ وحی[۱]

در این روایات از امین وحی با عنوان نخستین کسی که با مهدی موعود بیعت می کند، یاد شده است. این مفهوم با تعبیرهایی چون: «أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُ الْقَائِمَ عليه‌السلام جَبْرَئِيلُ»،[۲] «فَيَكُونُ أَوَّلَ خَلْقِ الله مُبَايِعَةً لَهُ»،[۳] «فَيَكُونُ أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُهُ جَبْرَئِيلَ»[۴] و «أَنَّ أَوَّلَ مَنْ يُبَايِعُ الْقَائِمَ جَبْرَئِيلُ»[۵] به چشم می‌خورد.

۱-۲. بیعت یاران خاص(سیصد و سیزده نفر)

در روایات با تعبیرهایی چون: «یبایع بین الرکن و المقام ثلاثمأة و نیف عدة اهل بدر»[۶] و « یبایعه الناس الثلاثماة و ثلاث عشر»[۷] به این مهم اشاره شده است.

۱-۳. برخی از مردم

در برخی از روایات افزون بر بیعت‌های یادشده، سخن از بیعت مردم با آن حضرت به میان آمده است که ممکن است مقصود، پذیرش آن حضرت در برخورد نخست با آن حضرت در مسجد الحرام باشد. در مستدرک حاکم از رسول خدا نقل شده که فرمود:

«یبایع لرجل من امتی بین الرکن و المقام؛[۸]

برای مردی از امت من میان رکن و مقام بیعت گرفته می‌شود.»

پیشنهادهای اجرایی هفته

◆ برنامه ریزی جهت مشارکت جوانان در برنامه های مسجد ◆ برنامه ریزی برای به کار گیری کودکان در مسجد (مکبّری، تلاوت قرآن، پهن نمودن جانمازها، جمع کردن مهرها، توزیع قرآن، غبارروبی مسجد و...) ◆ خطابه با موضوع تبیین شخصیت شهید آیت الله دکتر بهشتی ◆ خطابه با موضوع تبیین شخصیت علامه امینی و نقش ایشان در حفظ میراث شیعه ◆ برگزاری مراسم دعای توسل (سه شنبه) ◆ برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید ◆ خطابه در ظهرها و شب های ماه مبارک رمضان ◆ برگزاری جشن میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام ◆ قرائت بخشی از دعای ابو حمزه ثمالی در شب های نیمه دوم ماه مبارک رمضان ◆ برنامه ریزی برای برگزاری مراسم لیالی قدر ◆ برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه) ◆ برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه)

۲. مکان بیعت

پیش از این نیز اشاره شد که روایات، مکان بیعت با حضرت مهدی علیه‌السلام را در مسجد الحرام، میان رکن و مقام یاد کرده‌اند.[۹]

۳. محتوا و مفاد بیعت

محتوای اساسی بیعت، اعلام آمادگی یاران و توده مردم برای برپایی حکومت عدل جهانی است و آن چیزی جز عمل به دستورات پروردگار بزرگ در آموزه‌های دینی نیست.

یک بررسی کوتاه در مفاد بیعت

این روایت را سید بن طاووس در کتاب «التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن»، از فتن سلیلی نقل کرده و جز آنجا در هیچ یک از منابع معتبر ـ حتی مضمون آن نیز ـ به چشم نمی‌خورد. در مفاد این بیعت، حضرت علیه‌السلام شروطی برای پذیرش بیعت قرار داده است:

> ... با او بیعت می‌کنند که هرگز دزدی نکنند، مرتکب فحشا نشوند، کسی را نکشند، حریمی را هتک نکنند، مسلمانی را دشنام ندهند، به خانه کسی هجوم نبرند، کسی را به ناحق نزنند، در برابر سیم و زر سر فرود نیاورند، حریر و خز نپوشند، مسجدی را خراب نکنند و راهی را نبندند، به یتیمی ستم نکنند، راهی را ناامن نکنند، خوراکی از گندم و جو انبار نکنند، مال یتیمی را نخورند، گرد همجنس‌بازی نگردند، شراب ننوشند، و...

پی‌نوشت

۱. از آنجایی که این بیعت از محل بحث ما بیرون است فقط در حدّ اشاره از آن می‌گذریم. ■ ۲. محمدبن علی بن حسین بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۷۱، ح۱۸. ■ ۳. محمّد بن ابراهیم نعمانی، الغیبة، ص ۳۱۴. ■ ۴. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج۲، ص۲۰۴؛ نیز ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۴، ص۱۸۴، ح۳. ■ ۵. محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج۲، ص ۲۵۴. ■ ۶. محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبة، ص۴۷۶. ■ ۷. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبة، ص ۳۱۴، ح۶. ■ ۸. محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۴۷۸؛ یوسف بن یحیی المقدسی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، ص ۷۰؛ متقی هندی، کنز العمال، ج۱۴، ص ۲۷۱. ■ ۹. محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبة، ص۴۵۴. ■

شنبه ۶ تیر

اذان صبح: ٤:٠٤
طلوع آفتاب: ٥:٥٠
اذان ظهر: ١٣:٠٧
اذان مغرب: ٢٠:٤٥

١٠ رمضان ١٤٣٦
27 Jun 2015

وفات حضرت خدیجه سلام الله علیها ، سه سال قبل از هجرت
سو قصد به جان حضرت آیت الله خامنه‌ای امام جمعه تهران درمسجد ابوذر(١٣٦٠ هش)
ارسال نامه کوفیان برای امام حسین علیه السلام جهت عزیمت امام به عراق (٦٠ هق)

أینَ مثل خَدیجة؟!

پس از رحلت حضرت خدیجه علیها السلام رسول خدا صلی الله علیه و آله برای مدتی کمتر از خانه بیرون می‌آمد. آن حضرت همواره می فرمود تا هنگامی که ابوطالب و خدیجه زنده بودند، هرگز غم و اندوهی بر دل من راه نیافت.

در روایتی از ام سلمه آمده است : در روز عروسی حضرت زهرا علیها السلام در محضر رسول خدا گفتیم اگر خدیجه علیها السلام زنده بود، چقدر امشب خوشحال بود. ناگهان متوجه شدیم که رسول خدا متاثر شد و گریست و سپس فرمود:

«خدیجة و أین مثل خدیجة صدقتانی حین کذبنی الناس، و وازرتنی علی دین الله و اعانتنی علیه بمالها، ان الله عزوجل امر فی ان ابشر خدیجة ببیت فی الجنة من قصب لا صخب فیه و لانصب»

خدیجه و همانند خدیجه کجاست. آن زمان که همه مرا تکذیب می کردند، او مرا تصدیق کرد، وی مرا برای دین خدا یاری رساند؛ با ثروت خویش مرا در پیش برد دین کمک کرد. خداندن مرا فرمان داده است تا خدیجه را به داشتن خانه‌ای از گوهر در بهشت مژده دهم؛ خانه‌ای که در آن رنج و ناآرامی نیست.

(اسوه های جاویدان سیری در زندگانی اصحاب وفادار پیامبر صلی الله علیه و آله ، ص١٧٢)

یکشنبه ۷ تیر

اذان صبح: ٤:٠٤
طلوع آفتاب: ٥:٥١
اذان ظهر: ١٣:٠٨
اذان مغرب: ٢٠:٤٥

١١ رمضان ١٤٣٦

28 Jun 2015

شهادت مظلومانه آیت الله دکتر بهشتی و ۷۲ تن از یاران امام خمینی رحمة الله علیه با انفجار بمب به دست منافقان در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی (۱۳۶۰ هش)
روز قوه قضاییه
بمباران شیمیایی سردشت (۱۳٦٦هش)
قیام مردم تبریز به رهبری ستارخان (۱۲۸۷هش)

مغزهای ارزشمند!

یکی از دغدغه‌ها درمورد نسل جوان، حفظ جوانان هوشمند و با استعداد در داخل کشور و جلوگیری از به اصطلاح «فرار مغزها» است. قطعاً کشور به نیروی متخصص جوان نیازمند است، اما آنچه سبب رشد واقعی کشور می‌شود، نیروی جوان متعهد و متخصص است. امام خمینی(ره) می‌فرمایند:

«می‌گویید مغزها فرار می‌کنند، این مغزهای پوسیده بگذار فرار کنند. این مغزهایی که برای اجانب کار کردند، بگذار فرار کنند. شما برای آنها خیلی افسرده نباشید. این مغزها باید فرار کنند. مگر هر مغزی که علم - به قول شما- در آن بود این مغز شریف است؟ شماها چطور این طور تشخیص می‌دهید که این مغزهایی که رفته‌اند پیش ارباب‌هایشان، این مغزهایی که مجتمع شده‌اند در انگلستان و بر ضد ایران دارند تبانی می‌کنند و تظاهر می‌کنند، و در پناه سرنیزه انگلستان دارند زندگی می‌کنند، ما برای اینها بنشینیم اظهار تأسف بکنیم؟ یا این مغزهایی که به آمریکا فرار کردند، برای اینکه بروند آنجا پول هایی که در اینجا جمع کرده‌اند خرج بکنند، ما برای اینها باید اظهار تأسف بکنیم؟ فکرهایتان را عوض کنید! ما باید این مملکت را عوض کنیم؛ این افکار را عوض کنیم. دانشگاه ما باید عوض بشود، از این افکار عوض بشود. این مغزهایی که بچه‌های ما را سی سال، چهل سال، به تباهی کشیدند بگذار فرار کنند، یك مغزهای صحیح بیایند روی کار.»

(صحیفه امام، ج۱۰، ص: ۴۰۱)

دوشنبه ۸ تیر

اذان صبح: ٤:٠٥
طلوع آفتاب: ٥:٥١
اذان ظهر: ١٣:٠٨
اذان مغرب: ٢٠:٤٥

١٢ رمضان ١٤٣٦
29 Jun 2015

روز مبارزه با سلاحهای شیمیایی و میکروبی
خروج قمر از عقرب ۹:۲۷

بحران بلوغ

از مشکلات جوانان در اکثر خانواده‌های مذهبی، طفره رفتن والدین از دادن اطلاعات جنسیِ مناسب و به موقع به نوجوانان در آغاز دوران بلوغ است که سبب می‌شود نوجوانان از طریق دوستان و یا منابع نامناسبی مانند اینترنت، برای اولین بار با مسائل جنسی آشنا شده و در بسیاری موارد، دچار اطلاعات غلط و یا اغراق‌آمیز درمورد این مسائل شوند، که نتیجه‌ی آن کشیده شدن به انحرافات جنسی و یا انزجار کلی از پیوند زناشویی می‌باشد.

پس وظیفه مبلغین است تا در جلساتی مناسب، به عموم والدین این توصیه را بنمایند که حتماً حیا و خجالت را در چنین مواردی کنار گذاشته و به شیوه‌های مستقیم یا غیر مستقیم، مانند پیشنهاد دادن نوار یا کتب آموزشی جامع و کارشناسانه، کودکان خود را در زمان مناسب و به صورت صحیح با این مسائل آشنا نموده و فرزندانشان را از این خطر جدی رهایی ببخشند.

یکی از روان‌شناسان اسلامی در این زمینه می‌گوید: «آموزش امور جنسی از مسائل مورد نیاز و ابتلای خانواده است و پدران و مادران از نظر شرعی موظفند آداب اسلامی را در این رابطه به فرزندان خود بیاموزند تا پیش از هرگونه رخداد تلخ و ناگواری، فرزند آنان به طور کامل توجیه باشد و فعل و انفعالات جسمی یا کنش‌ها و واکنش‌های روحی، او را دچار دلهره و هراس و یا متهم به گناه و خطایی غیر قابل جبران نسازد و از نظر اجتماعی در دام شیادان و ناپاکان قرار نگیرند.»

(موضوعات و شیوه‌های گفتگو با نسل جوان، ص ۱۳۷)

سه‌شنبه ۹ تیر

اذان صبح: ۴:۰۵
طلوع آفتاب: ۵:۵۱
اذان ظهر: ۱۳:۰۸
اذان مغرب: ۲۰:۴۵

۱۳ رمضان ۱۴۳۶
30 Jun 2015

فتح دل جوانان، فتح الفتوح امام خمینی بود!

امام خامنه‌ای(مدظله العالی): در بحبوحه‌ی همان موج فسادآفرینی که بر این کشور حکومت می‌کرد، جلوه‌های ایمان و سرسپردگی به دین، باز اول در بین جوانان خود را نشان داد. من پدران و مادران متوسطی را می‌شناختم که طاقت همراهی کردن با احساس دینی جوان خودشان را نداشتند؛ حتّی گاهی از احساسات دینی و تعبد و زهد و بی‌اعتنایی به دنیا و به خوراک و به آسایشی که در جوانان‌شان مشهود بود، پیش ما شکایت می‌کردند! آن پدران و مادران، با همان تربیت‌های غلط رشد کرده بودند، مسلمان هم بودند؛ اما این جوشش ایمان اسلامی در آنها نبود؛ ولی جوانشان تحت تأثیر تربیت انقلابی قرار گرفته بود؛ به همین خاطر بود که جوانان، خانواده‌ها را پشت سر خودشان می‌کشیدند؛ و این شد که آن قیام عظیم مردمی و آن حرکت بی‌نظیر در عالم یعنی انقلاب اسلامی ما به رهبری امام و با پشتیبانی قاطبه‌ی ملت و با میدان‌داری جوانان به پیروزی رسید. این یک فتح بود؛ هم فتح میدان مبارزه با استکبار بود، و هم بالاتر از آن، فتح سرزمین دل جوانان بود؛ که این را اسلام و انقلاب و امام کرده بودند، و این فتح الفتوح بود. بزرگ‌ترین کار امام، ساختن جوانان بود. (۷۰/۸/۱۵)

روز صنعت و معدن
روز آزاد سازی شهر مهران
شهادت‌مختارثقفی
(٦٧ هق)

چهارشنبه ۱۰ تیر

اذان صبح: ٤:٠٦
طلوع آفتاب: ٥:٥٢
اذان ظهر: ١٣:٠٨
اذان مغرب: ٢٠:٤٥

١٤ رمضان ١٤٣٦
1 Jul 2015

تواضع حقیقی، کلید ورود به دل‌ها

از عوامل جلب محبت، افتادگی و تواضع در برابر جوانان است. امام علی علیه السلام می‌فرمایند: سه چیز موجب جلب محبت دیگران می‌شود: دینداری، فروتنی و بخشندگی. (غرر الحکم، ج ۱، ص ۳۶۰)
انسان‌های مغرور و متکبر، محبوب مردم نیستند. البته واضح است که تکبر نیز دارای درجات بسیاری می‌باشد که متأسفانه گاهی مبلغین دینی دچار مصادیقی از آن می‌شوند. از قبیل اینکه به خاطر عادت کردن به احترام و تعظیم دیگران، خود را کاملاً مستحق این نوع احترام دانسته و از دیگران توقع گوش به فرمان بودن و رعایت نهایت احترام را داشته باشند. طبیعی است که تا وقتی تواضع و فروتنی از احساس و تفکر درونی فرد نشأت نگیرد و فقط به رفتارهایی ظاهری و الفاظی تعارف‌آمیز محدود شود، سبب ایجاد پیوند حقیقی میان مبلغ و جوانان نخواهد شد.
رفتار نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله به عنوان الگویی برجسته برای مبلغین است که طبق نقل، آن حضرت همیشه به کودکان و بزرگسالان سلام می‌کردند. (مستدرک الوسائل، ج۸، ص ۳۶۴)؛ همچنین علامه مجلسی درباره تواضع رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «گاه می‌شد دختر بچه‌ای دست پیغمبر را می‌گرفت و حضرت دست خود را از او جدا نمی‌کرد تا پیامبر را به هر کجا می‌خواست ببرد. پدر و مادر دختر بچه ناگهان خانه را نورانی می‌دیدند و رسول خدا با اجازه وارد می‌شد و می‌فرمود: این دختر بچه مرا دعوت کرد و من دعوت او را پذیرفتم.» (بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۰۶) (با تصرف از کتاب «شیوه جذب جوانان»، محمد اسماعیلی مبارکه)

۱۱ تیر

پنج شنبه

اذان صبح: ٤:٠٦
طلوع آفتاب: ٥:٥٢
اذان ظهر: ١٣:٠٨
اذان مغرب: ٢٠:٤٥

١٥ رمضان ١٤٣٦
2 Jul 2015

ولادت حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام (۳ ه‌ق) و آغاز هفته اطعام نیازمندان، اکرام ایتام
شهادت آیت الله صدوقی چهارمین شهید محراب به دست منافقان (۱۳۶۱ ه‌ش)
شهادت مختار ثقفی

زیباترین هدیه

مورخان از انس بن مالک نقل کرده‌اند که روزی کنیزی شاخه گلی برای امام حسن علیه‌السلام هدیه کرد امام به او فرمود: تو در راه خدا آزاد هستی. انس گوید من به امام عرض کردم شما به خاطر یک شاخه گل او را آزاد کردی؟ امام فرمود : خداوند ما را چنین تربیت کرده است آنجا که می فرماید و اذا حییتم تبحیه فحیوا باحسن منها(نساء، ۸۶) هرگاه به شما تحیت گفته شد پاسخ آن را بهتر از آن بدهید و نیکوتر از هدیه اش آزادی او در راه خدا بود (مناقب آل ابی طالب، ج ۴. ص ۱۸).

ابن شهر آشوب گوید: یکی از بادیه‌نشینان نزد آن حضرت آمد، پیش از آنکه لب به سخن بگشاید حضرت فرمود: هرچه در صندوق هست به او بدهید موجودی آن صندوق بیست هزار درهم بود که همه اش را دراختیار آن مرد بادیه نشین قراردادند. او لب به سخن گشود و گفت: مولای من نگذاشتی نیازم را بگویم و زبان به ستایش بازکنم. امام حسن علیه‌السلام ضمن اشعاری به وی فرمود: ما مردمی هستیم که بخشش ما همچون مروارید و برلیان است که درآن امیدها و آرزوهای نیازمندان، خوش می‌خرامند وجود و دستان ما پیش از درخواست آنان بخشش می کند تا مبادا آبروی کسی که سوال می کند بریزد اگر دریا برتری عطای ما را بداند از لبریزی خود شرم کرده فرو رود.
(فرهنگ جامع سخنان امام حسن علیه‌السلام ، ۴۴۰).

جمعه ۱۲ تیر

اذان صبح: ٤:٠٧
طلوع آفتاب: ٥:٥٣
اذان ظهر: ١٣:٠٨
اذان مغرب: ٢٠:٤٥

١٦ رمضان ١٤٣٦
3 Jul 2015

حمله ناوگان آمریکای جنایتکار به هواپیمای مسافربری جمهوری اسلامی ایران (١٣٦٧ هش)
روز درگذشت و بزرگداشت علامه امینی (مولف کتاب ارزشمند الغدیر) (١٣٤٩هش)

دل‌های آماده معنویت

در دوران بلوغ، نوجوان، توجّهش به مسائل ماوراءالطبیعی بیشتر می‌شود و علاقه‌مند است که درباره آن سوی پرده طبیعت آگاهی یابد و افکارش از پوسته هستی بگذرد و آن را بشکافد و از دنیای معنویّات، جهان آخرت، ایده‌آل‌های اخلاقی و زهدگرایی، با خبر شود. از نظر قلبی و احساسی نیز تمایل او به زیبایی‌های معنوی برانگیخته می‌شود و مصداق کلام پیامبر اکرم ﷺ واقع شود. آن حضرت روزی در سخنان خود فرمودند که جوانان قلبی فضیلت‌پذیر و دلی رقیق‌تر و حسّاس‌تر دارند. خداوند مرا به پیامبری برانگیخت تا مردم را به رحمت الهی بشارت دهم و از عذاب الهی بترسانم. جوانان و نوجوانان سخنان مرا پذیرفتند و با من پیمان محبّت بستند؛ ولی پیران از قول دعوتم سرباز زدند و به مخالفت با من برخاستند. آنگاه رسول خدا ﷺ به آیه‌ای از قرآن اشاره کرد و درباره مردم کهن‌سال که مدّت زندگی آنها به درازا کشیده و دچار قساوت و سخت‌دلی شده‌اند، سخن گفته است». حال که نوجوان به واسطه تمایلات فطری خود چنین آمادگی را داراست، برنامه‌ریزان جامعه باید برای هدایت این نسل چاره‌اندیشی کنند و مساجد به عنوان پایگاه‌های معنوی، نقش خود را ایفا کنند. (دنیای نوجوان، ص٣٢٩)

﴿ اتْلُ ما أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتابِ وَ أَقِمِ الصَّلاةَ إِنَّ الصَّلاةَ تَنْهى عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرُ اللهِ أَكْبَرُ وَ اللهُ يَعْلَمُ ما تَصْنَعُونَ﴾[1] ؛ «آنچه را از این کتاب به تو وحی شده است، بخوان و نماز را برپا دار؛ یقیناً نماز از کارهای زشت و کارهای ناپسند بازمی‌دارد و همانا ذکر خدا بزرگ‌تر است و خدا آنچه را انجام می‌دهید، می‌داند».

نکات تفسیری

۱ـ در پاسخ به این سؤال که اگر نماز انسان‌ها را از فحشا و منکر باز می‌دارد، چرا بسیاری از نمازگزاران به گناه مبتلا می‌شوند، باید گفت: نماز عملی است عبادی که مداومت بر انجام آن، آن‌طور که شریعت معیّن فرموده است، در روح انسان صفتی پدید می‌آورد که صاحبش را از فحشا و منکرات باز می‌دارد و همین امر باعث می‌شود جان انسان از پلیدی گناهان و آلودگی‌ها پاک بماند. از اینجا معلوم می‌شود مقصود از نماز، رسیدن به آن صفت است، یعنی صفت بازداری از گناه.

بنابراین بر خلاف گفته بعضی مفسران،[2] اولاً نماز در همه اثر دارد؛ ثانیاً اثرش در همه احوال است؛ ثالثاً نهی مستلزم انتهاء هم هست؛ یعنی در نماز چنین خاصیتی وجود دارد که انسان را از منکرات باز دارد، ولی همه این‌ها به نحو اقتضاء است، نه علت تامّه؛ به نحوی که نمازگزار دیگر نتواند گناه کند؛ بلکه اثرش به مقدار اقتضاء است؛ یعنی اگر مانع و یا مزاحمی در بین نباشد، اثر خود را می‌بخشد و نمازگزار را از فحشا بازمی‌دارد؛ ولی اگر مانع یا مزاحمی جلو اثر آن را گرفت، دیگر اثر نمی‌کند، در نتیجه نمازگزار، آن کاری که انتظارش را از او ندارند، انجام خواهد داد. به‌طور خلاصه یاد خدا و موانع یاد خدا مانند دو کفه ترازو هستند؛ هر وقت کفه یاد خدا چربید، نمازگزار گناه نمی‌کند و هر جا کفه آن موانع چربید، کفه یاد خدا ضعیف می‌شود و نمازگزار از حقیقت یاد خدا منصرف می‌گردد و ممکن است مرتکب گناه شود.[3]

۲ـ «وَ لَذِكْرُ اللهِ أَكْبَرُ»: راغب در مفردات می‌گوید: ذکر در جایی به کار می‌رود که علاوه بر اینکه مطلب در صندوق حافظه وجود دارد، در نظر شخص حاضر هم باشد.[4] بنابراین نماز ذکری است به مثابه درک حضور خداوند.

۳ـ کلمه ذکر هم به معنای حضور قلبی است، هم حضور زبانی؛ اما در قرآن اصالتاً در معنای حضور قلبی به کار رفته است؛ بنابراین اگر به ذکر زبانی هم ذکر گفته می‌شود، دلیلش این است که ذکر لفظی می‌تواند مشتمل بر ذکر قلبی هم باشد. از طرفی می‌بینیم نماز را هم ذکر نامیده‌اند؛ چراکه نماز نیز مشتمل بر ذکر زبانی (تهلیل، حمد، تسبیح و مانند آن) و حضور قلبی است و مجموعه نماز، همان عبودیت و بندگی خدا را مجسم می‌سازد و غایت و نتیجه نماز، رسیدن به مقام درک ورود به محضر ربوبی است.[5]

حدیث

انس‌بن‌مالک از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده است که فرمود: کسی که نمازش او را از فحشا و منکر باز ندارد، جز دورتر شدن از خدا اثری برایش ندارد.[6]

در روایتی دیگر نقل شده است که پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: هیچ نمازی نیست که وقت به جا آوردن آن فرارسد،

مگر آنکه فرشته‌ای می‌آید و در برابر مردم فریاد می‌کند: ای مردم برخیزید و به آتش‌هایی که (به سبب ارتکاب گناهان) بر پشت‌های خود افروخته‌اید بنگرید، پس شعله آن آتش‌ها را به یاری نمازهایتان فرونشانید.[۷]

داستان

آقای غرویان می‌نویسد: خدمت حضرت آیت‌الله بهجت (رضی‌الله‌عنه) عرض کردم: حاج آقا، عمرمان گذشت اما هنوز لذتی از عبادت و به‌خصوص نماز احساس نکردیم؛ به نظر شما چه باید بکنیم؟ ایشان فرمودند: آقا عام‌البلوی است؛ این دردی است که همه گرفتاریم. عرض کردم: آقا، به هر حال مراتب دارد. (مراتب نماز ما با شما تفاوت می‌کند) در عین حال باز دستوری خواستم؛ بعد از چند بار اصرار فرمودند: احساس لذت در نماز یک سری مقدمات خارج از نماز دارد و یک سری مقدمات در خود نماز؛ آنچه قبل از نماز و خارج از آن باید مورد ملاحظه قرار بگیرد، این است که انسان گناه نکند، قلب را سیاه نکند، دل را تیره نکند؛ اما در خود نماز باید فکر را از غیرخدا منصرف کند و توجهش به غیرخدا مشغول نشود. البته اگر به‌طور غیراختیاری بود که هیچ؛ اما به محض التفات باید قلبش را از غیرخدا منصرف کند.[۸]

نتیجه

در عظمت آیه شریفه همین بس که مفاد آن موجب تسلای خاطر پیامبر ﷺ است؛ زیرا به حضرت مستقیماً دستور می‌دهد قرآن تلاوت کند، نماز بخواند و از طریق نماز به ذکر و از ذکر به آرامش قلبی نایل شود؛ این دستورات زمانی به پیامبر ﷺ ابلاغ می‌شود که آیات قبل، خاطر مبارکش را از ظلم‌ها و عهدشکنی‌های امت‌های پیشین نسبت به انبیای الهی مکدر نموده است. حال اگر این دستور چنین اثری در روح با عظمت پیامبر ﷺ دارد، می‌تواند بهترین روش نیز برای آرامش فردی و اجتماعی همه کسانی باشد که به دنبال اکسیر آرامش، راه‌های بسیاری را با مشقت و صرف هزینه بسیار طی می‌کنند، اما آن را نمی‌یابند.

پی‌نوشت

۱ . عنکبوت: ۴۵. ■ ۲ . شهاب الدین آلوسی، روح‌المعانی، ج۲۰، ص۱۶۳. ■ ۳ . محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج۱۶، ص۱۳. ■ ۴ . راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ج۱، ص۳۲۸. ■ ۵ . همان، با تلخیص. ■ ۶ . فضل‌بن‌حسن‌طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج۸، ص۲۸۵. ■ ۷ . شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ترجمه غفاری، ج۱، ص۳۱۰. ■ ۸ . محسن غرویان، در محضر بزرگان، ج۲ ص۶۹ ـ ۷۰.

جلوه های محبّت امام مهدی علیه‌السلام

یکی از زوایای ناشناخته امام عصر علیه‌السلام، مهر و محبّت آن بزرگوار به انسان‌ها و به ویژه شیعیان است. متأسفانه از گذشتهٔ دور چنین بوده است که امام را تنها با شمشیر و خونریزی و قهر و انتقام، معرفی کرده و چهره‌ای خشن از آن حضرت نشان داده‌اند؛ حال آنکه آن حضرت مظهر رحمت بی کران الهی و پدر مهربان امّت و همدمی دلسوز و همراهی خیرخواه است. در سخنی از خود حضرت آمده است: «أَنَّ رَحْمَةَ رَبِّكُمْ وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَ أَنَا تِلْكَ الرَّحْمَة.»[1]

همانا رحمت پرودگارتان همه چیز را فرا گرفته و من آن رحمت بیکران الهی هستم.

در اینجا به برخی اوصاف حضرت پرداخته می‌شود:

غم‌خواری

از مهم‌ترین و برترین صفات مومن، هم گرایی و همدردی با برادران دینی است. مومنان در جامعه اسلامی چونان پیکر واحدی هستند که درد و غم هریک سبب رنج دیگران و آسایش و شادی هرکدام باعث سرور دیگران خواهد بود، زیرا آنها به تصریح قرآن برادرند. در روایات متعدّد ائمه معصومین علیهم‌السلام، احساس هم‌دردی و غم‌خواری خود را نسبت به شیعیان بیان کرده‌اند که این حسّ زیبا، سبب آرامش و تسلّای دلِ دوستان ایشان است و قوت قلبی است که آنها را در فراز و نشیب‌های زندگی دلگرمی داده و صبوری و مقاوت آنها را تقویت می کند. امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید:

«هیچ یک از شیعیان، مریض نمی‌شود، مگر اینکه ما نیز در بیماری او بیمار می‌شویم و اندوهگین نمی‌شود، مگر اینکه ما نیز در غم ایشان محزون می‌شویم و شادمان نمی گردد ، مگر اینکه ما نیز به خاطر شادی او شادمانیم... [2]»

دعا کردن

سید بن طاووس می گوید: در سامرا بودم، شبی هنگام سحر شنیدم که مولایم

پیشنهادهای اجرایی هفته

■ برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید ■ قرائت دعای جوشن کبیر در لیالی قدر و برگزاری مراسم احیا ■ خطابه در ظهرها و شب‌های ماه مبارک رمضان ■ قرائت بخشی از دعای ابو حمزه ثمالی در شب های نیمه دوم ماه مبارک رمضان ■ برگزاری مراسم عزاداری شهادت حضرت علی علیه السلام و دعوت از یکی از هیآت محله برای اجرای برنامه ■ برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه) ■ برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه)

مهدی ﷺ این گونه دعا می‌خواند:

«خدایا به حق آنکه با تو مناجات کرد و به حق آنکه در خشکی و دریا تو را خواند، بر فقرای مومنین به غنا و ثروت و بر بیمارانشان به شفا و سلامتی و بر زندگانشان به لطف و کرم و بر امواتشان به بخشش و رحمت و بر مسافران و غریبانشان به بازگشت به وطن‌هایشان همراه با سلامتی، تفضّل فرما.[۳]»

در روایات آمده که وجود مقدس امام عصر ﷺ، اعمال شیعیان را می‌بینند و از آنها آگاهی دارند و به تناسب کارها و کارنامه‌های ایشان هریک از آنها را دعا می‌کنند.[۴]

نام بردن

نام هرکس، شخصی‌ترین، عاطفی‌ترین و مورد علاقه‌ترین نشانه اوست و تجربه کرده‌ایم که وقتی ما را به نام می‌خوانند احساس زیبایی داریم؛ خداوند در قرآن در خطابی شورانگیز ابراهیم نبی را مخاطب می‌کند: «وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ»[۵]

یکی از جلوه‌های محبت امام زمان آن است که دوستان خود را به نام، یاد می‌کند و یا آنها را مخاطب قرار می‌دهد؛ همانند ماجرای سید بحرالعلوم در مسجد سهله.

هدیه دادن

هدیه، نشانه محبت و یاد و توجه است و هرچه هدیه دهنده بزرگتر باشد ارزش هدیه بالاتر و احساسِ گیرندهٔ هدیه زیباتر خواهد بود. در این میان هدایای امام زمان ﷺ که در عصر غیبت به شیعیان می‌رسد، رنگ و بوی دیگری دارد.

فریاد رسی

یکی از القاب ویژه امام مهدی، «غوث» به معنی فریادرس است.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ... وَالْغَوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَة.[۶]

سلام بر تو ای پرچم افراشته... و فریاد رس و رحمت بیکران.

پی‌نوشت

۱. بحارالانوار، ج۵۳، ص۱۱. ■ ۲. بحارالانوار، ج۶۵، ص۱۶۷. ■ ۳. مهج الدعوات، ص۵۲۳. ■ ۴. بحارالانوار، ج۲۳، ص۳۳۳. ■ ۵. سوره صافات: ۱۰۴ (و او را صدا زدیم که ای ابراهیم). ■ ۶. مفاتیح الجنان، فرازی از زیارت آل یاسین.

شنبه ۱۳ تیر

اذان صبح: ٤:٠٨
طلوع آفتاب: ٥:٥٣
اذان ظهر: ١٣:٠٩
اذان مغرب: ٢٠:٤٥

١٧ رمضان ١٤٣٦
4 Jul 2015

معراج رسول اکرم صل الله علیه و آله (٥ بعثت)
وقوع جنگ بدر اولین جنگ بین اسلام و کفر به فرماندهی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (٢هق)

شب قدر از نگاه معصومین علیهم‌السلام

انس بن مالك از پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده که ایشان فرمودند: «مَن صَلّی مِن أوّلِ شَهرِ رَمَضان إلی آخِرِهِ فِی جَماعةٍ فَقَد أخَذَ بِحَظّ مِن لَیلَةِ القَدرِ»؛ کسی که از اول تا آخر ماه مبارك، در نماز جماعت حاضر شود، بهره‌ای از شب قدر نصیبش شده است. (کنز العمال، ج ۸، ص ۵۴۵)

از نبیّ اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده که فرمودند: «مَنْ أَحْیا لَیلَةَ الْقَدْرِ حُوِّلَ عَنْهُ الْعَذابُ إِلَی السَّنَةِ القَابِلَةِ.»؛ کسی که شب قدر را شب زنده‌داری کند، تا سال آینده عذاب از او دور گردد. (مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۵۶)

امام موسی کاظم علیه‌السلام در روایتی فرمودند: «مَنِ اغْتَسَلَ لَیلَةَ الْقَدْرِ وَ أَحْیاهَا إِلَی طُلُوعِ الْفَجْرِ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ.»؛ کسی که در شب قدر غسل کرده و آن شب را تا صبح شب زنده‌داری کند، تمام گناهانش آمرزیده می‌شود. (وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۳۵۸)

شب قدر
روز قلم

یکشنبه ۱۴ تیر

اذان صبح:	٤:٠٨
طلوع آفتاب:	٥:٥٤
اذان ظهر:	١٣:٠٩
اذان مغرب:	٢٠:٤٥

١٨ رمضان ١٤٣٦

5 Jul 2015

نکوهش بهره نبردن از شب قدر

در حدیثی به نقل از پیامبر گرامی اسلام ﷺ اینچنین آمده: «مَنْ أَدْرَكَ لَيلَةَ الْقَدْرِ فَلَمْ يغْفَرْ لَهُ فَأَبْعَدَهُ اللَّه» (بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۲۶۱) کسی که شب قدر را درک کند (در آن شب زنده و بیدار باشد) و پس از آن مورد آمرزش قرار نگرفته باشد، قطعاً خداوند او را از رحمت خود دور کرده است.

با این حدیث، وسعت رحمت و اوج مغفرت الهی در شب قدر روشن می‌گردد، به نحوی که باید شامل حال تمام مؤمنینِ گنه‌کار و خطاکار شود، اما فردی که در این دریای بیکران نور قرار گرفته و بار دیگر آلوده بیرون آید، مورد تعجب بوده و به فرموده رسول اکرم ﷺ مستحق نکوهش و دور شده از درگاه الهی و رحمت واسعه خداوند است. از همین رو می‌باشد که در حدیثی دیگر از ایشان آمده: «فَإِنَّ الشَّقِي مَنْ حُرِمَ غُفْرَانَ اللَّهِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْعَظِيمِ»؛ همانا بدبخت واقعی کسی است که از مغفرت خداوند در این ماه بزرگ (ماه رمضان) محروم بماند. (أمالی صدوق، النص، ص ۹۳)

ضربت خوردن حضرت
علی علیه السلام (۴۰ هق)

۱۵ تیر دوشنبه

اذان صبح: ٤:٠٩
طلوع آفتاب: ٥:٥٤
اذان ظهر: ١٣:٠٩
اذان مغرب: ٢٠:٤٥

١٩ رمضان ١٤٣٦

6 Jul 2015

تا فرصت دارید معذرت‌خواهی کنید!

امام خامنه‌ای(مدظله العالی): شب قدر، فرصتی برای مغفرت و عذرخواهی است. حال که خدای متعال به من و شما میدان داده است که به سوی او برگردیم، طلب مغفرت کنیم و از او معذرت بخواهیم؛ این کار را بکنیم، و الّا روزی خواهد آمد که خدای متعال به مجرمین بفرماید: «لایُؤذَنُ لَهُم فَیَعتَذِرونَ». خدای نکرده در قیامت به ما اجازه عذرخواهی نخواهند داد. به مجرمین اجازه نمی‌دهند که زبان به عذرخواهی باز کنند؛ آن‌جا جای عذرخواهی نیست. این‌جا که میدان هست، این‌جا که اجازه هست، این‌جا که عذرخواهی برای شما درجه می‌آفریند، گناهان را می‌شوید و شما را پاک و نورانی می‌کند، از خدای متعال عذرخواهی کنید. این‌جا که فرصت هست، خدا را متوجّه به خودتان و لطف خدا و نگاه محبّت الهی را متوجّه و شامل حال خودتان کنید. «فَاذکُرُونِی أذکُرکُم»؛ مرا به یاد آورید، تا من شما را به یاد آورم.
در همان لحظه‌ای که شما دلتان را متوجّه خدای متعال و خدا را در دل خودتان حاضر می‌کنید و به یاد خدا می‌افتید، خدای متعال در همان لحظه، چشم لطف و مهر و عطوفتش متوجّه شماست؛ دست لطف و بذل و بخشش او به سوی شما دراز است. خدا را به یاد خودتان بیندازید، والّا روزی خواهد رسید که خطاب الهی به سمت گناهکاران می‌آید که «إنّا نسیناکم»؛ ما شما را فراموش کردیم، ما شما را به دست فراموشی سپرده‌ایم، بروید! (۷۶/۱۰/۲۶)

سه‌شنبه ۱۶ تیر

اذان صبح: ۴:۱۰
طلوع آفتاب: ۵:۵۵
اذان ظهر: ۱۳:۰۹
اذان مغرب: ۲۰:۴۴

۲۰ رمضان ۱۴۳۶
7 Jul 2015

شب قدر
فتح مکه (۸ ه ق)
روز مالیات

شب بلوغ معنوی

یکی از دلایل تفضلِ شب قدر به امت اسلام، کامل و پر کردن پیمانه اعمال صالح مسلمانان و جبرانِ کمبودها در پرونده اعمال آنهاست، تا با دستی پُر این جهان را ترک کنند

در روایتی از امام باقر عليه‌السلام وارد شده که ایشان در پاسخ به این پرسش که چرا شب قدر به وجود آمده و به عبارت دیگر فلسفه شب قدر چیست، می‌فرمایند: «وَ لَوْ لَا مَا يضَاعِفُ اللَّهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مَا بَلَغُوا وَ لَكِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يضَاعِفُ لَهُمُ الْحَسَنَاتِ»؛ (بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۱۹)

اگر خداوند کارهای مومنان را چند برابر نکند، به بلوغ معنوی و سر حد کمال نمی‌رسند، اما از راه لطف کارهای نیکوی آن‌ها را چند برابر می‌نماید، (تا کاستی‌هایشان جبران شود.)

بنابراین واضح است که ملاک سعادت ابدی افراد، تلاش و عبادت و عمل صالح محدود و اندک آنها در زندگی این دنیاست که به فضل و جود الهی هزاران برابر می‌گردد تا تأمین کننده رشد ابدی ایشان باشد و اینجاست که دلیل نام‌گذاری روز قیامت به «یوم الحسرة» بیشتر معلوم می‌شود، چرا که در آن روز، حتی مؤمنین و نیکوکاران نیز حسرت می‌خورند که چرا از فرصت‌هایشان در زندگی دنیا بهره کامل نبردند.

شهادت حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام (۴۰ هـ ق) (تعطیل)

چهارشنبه ۱۷ تیر

تعطیل

اذان صبح: ۴:۱۰
طلوع آفتاب: ۵:۵۵
اذان ظهر: ۱۳:۰۹
اذان مغرب: ۲۰:۴۴

۲۱ رمضان ۱۴۳۶

8 Jul 2015

هر کس تو را دشمن بدارد، مرا دشمن داشته

رسول خدا صلی الله علیه و آله گریه کرد. امیرمؤمنان علیه السلام پرسید: «یا رسول الله! چه امری سبب گریه شما شد؟». فرمود: «یا علی! گریه‌ام برای آن است که در این ماه، پیشامد ناگواری بر تو وارد می شود. گویا می بینم که تو مشغول به نمازی و شقی ترین فرد از اولین و آخرین برادر و هم ردیف پی کننده ناقه ثمود(صالح) ضربتی بر پیشانی‌ات می زند که محاسن تو را به خون سرت رنگین می نماید»

می‌فرماید: گفتم ای پیامبر خدا! آیا در آن حالت، دینم سالم است؟ فَقَالَ: فِی سَلَامَةٍ مِنْ دِینِکَ؛ دینت، سالم است»

سپس فرمود: «ای علی! هرکس تورا بکشد، مرا کشته و هر کس تو را دشمن بدارد، مرا دشمن داشته است، و هر کس تو را ناسزا گوید مرا ناسزا گفته است، زیرا تو از من هستی، همچون جان من. روح تو، از روح من است و سرشت تو، از سرشت من.»

خدای تعالی، من و تو را آفرید و من و تو را برگزید، مرا برای پیامبری، و تو را برای امامت، انتخاب کرد، هرکس امامت تو را انکار کند، نبوت مرا انکار کرده است. ای علی! تو وصی من و پدر فرزندان من، تو همسر دختر من و جانشین من بر امتم، در حال حیاتم و پس از مرگم هستی، فرمان تو، فرمان من، و نهی تو نهی من است. سوگند به خدائی که مرا به نبوت بر انگیخت ومرا بهترین آفریدگان قرار داد، تو حجت پروردگار بر خلق او و امین او بر رازش و جانشین او بر بندگانش». (ثواب الاعمال، ج۱).

پنج‌شنبه ۱۸ تیر

اذان صبح: ٤:١١
طلوع آفتاب: ٥:٥٦
اذان ظهر: ١٣:٠٩
اذان مغرب: ٢٠:٤٤

٢٢ رمضان ١٤٣٦
9 Jul 2015

شب قدر
روز ادبیات کودکان و نوجوانان

خداوندا خوشنودی تو را می‌خواهم

قال موسی علیه‌السلام : «إِلَهِی أُرِیدُ قُرْبَكَ قَالَ قُرْبِی لِمَنِ اسْتَیْقَظَ لَیْلَةَ الْقَدْرِ قَالَ إِلَهِی أُرِیدُ رَحْمَتَكَ قَالَ رَحْمَتِی لِمَنْ رَحِمَ الْمَسَاكِینَ لَیْلَةَ الْقَدْرِ قَالَ إِلَهِی أُرِیدُ الْجَوَازَ عَلَى الصِّرَاطِ قَالَ ذَلِكَ لِمَنْ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ فِی لَیْلَةِ الْقَدْرِ قَالَ إِلَهِی أُرِیدُ مِنْ أَشْجَارِ الْجَنَّةِ وَ ثِمَارِهَا قَالَ ذَلِكَ لِمَنْ سَبَّحَ تَسْبِیحَةً فِی لَیْلَةِ الْقَدْرِ قَالَ إِلَهِی أُرِیدُ النَّجَاةَ مِنَ النَّارِ قَالَ ذَلِكَ لِمَنِ اسْتَغْفَرَ فِی لَیْلَةِ الْقَدْرِ قَالَ إِلَهِی أُرِیدُ رِضَاكَ قَالَ رِضَایَ لِمَنْ صَلَّى رَكْعَتَیْنِ فِی لَیْلَةِ الْقَدْرِ.»

حضرت موسی علیه‌السلام به خداوند عرض کرد: «خداوندا! می‌خواهم به تو نزدیك شوم، فرمود: قرب من از آن کسی است که شب قدر بیدار بماند. گفت: خداوندا! رحمتت را می‌خواهم، فرمود: رحمتم از آن کسی است که در شب قدر به مسکینان رحمت کند. گفت: خداوندا! جواز گذشتن از صراط را از تو می‌خواهم، فرمود: آن، از برای کسی است که در شب قدر صدقه‌ای بدهد. گفت: خداوندا! از درختان بهشت و از میوه‌هایش می‌خواهم، فرمود: آنها از آن کسی است که در شب قدر تسبیحی بگوید. گفت: خداوندا! رهایی از جهنم را می‌خواهم، فرمود: آن، از آن کسی است که در شب قدر استغفار کند. گفت: خداوندا! خشنودی تو را می‌خواهم، فرمود: خشنودی من از آن کسی است که در شب قدر دو رکعت نماز بگذارد.»

(مستدرك الوسائل، ج ۷، صفحه ۴۵۶)

جمعه ۱۹ تیر

اذان صبح: ٤:١٢
طلوع آفتاب: ٥:٥٦
اذان ظهر: ١٣:١٠
اذان مغرب: ٢٠:٤٣

۲۳ رمضان ١٤٣٦
10 Jul 2015

لحظات این شب سلام الهی است

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): لیلة القدر، شب ولایت است. هم شب نزول قرآن است، هم شب نزول ملائکه بر امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) است، هم شب قرآن و شب اهل بیت (علیهم‌السلام) است. لیلة القدری که در این ماه رمضان است و قرآن صریحاً می‌فرماید: «لَیْلَةُ الْقَدْرِ خَیْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْر»؛ یک شب، بهتر است از هزار سی روز (هزار ماه)، بسیار مهم است. چرا این قدر فضیلت را به یک شب دادند؟ زیرا برکات الهی در این شب زیاد است؛ نزول ملائکه در این شب زیاد است؛ این شب، سلام است؛ «سَلامٌ هِیَ حَتَّی مَطْلَعِ الْفَجْر»؛ از اول تا آخر این شب، لحظاتش سلام الهی است. «سَلامٌ قَوْلاً مِنْ رَبٍّ رَحیم». رحمت و فضل الهی است که بر بندگان خدا نازل می‌شود. هم شب قرآن و هم شب عترت است. لذا سوره مبارکه قدر هم، سوره ولایت است.

شب قدر، خیلی ارزش دارد. همه ماه رمضان، شب‌ها و روزهایش ارزش والا دارد؛ البته لیلة القدر نسبت به روزها و شب‌های ماه رمضان، خیلی فاخرتر است؛ اما شب‌ها و روزهای ماه رمضان، نسبت به روزها و شب‌های بقیه سال، خیلی فاخرتر است. باید قدر بدانید. در این روزها و در این شب‌ها، همه بر سر سفره‌ی إنعام الهی حاضرید. استفاده کنید. (۷۵/۱۰/۱۹)

﴿ وَ إِذا سَأَلَكَ عِبادى عَنِّى فَإِنِّى قَريبٌ أُجيبُ دَعْوَةَ الدّاعِ إِذا دَعانِ فَلْيَسْتَجيبُوا لى وَ لْيُؤْمِنُوا بى لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ[1] ﴾ ؛ «و هرگاه بندگان من از تو درباره من بپرسند، بدانند که من به آنان نزدیکم؛ دعای دعاکننده را – آن‌گاه که مرا بخواند– اجابت می‌کنم؛ پس باید دعوت مرا بپذیرند و به درگاه من دعا کنند و به من ایمان بیاورند که دعایشان را اجابت می‌کنم. امید آنکه در دعایشان به درگاه خدا راهیاب شوند».

روایتی درباره مضمون آیه

در روایتی آمده است که اعرابی ای از حضرت پرسید که یا رسول‌الله، پروردگار ما آیا به ما نزدیک است تا با او راز گوییم، یا دور است تا او را به آواز بلند بخوانیم؟ این آیه نازل شد که «وَ إِذا سَأَلَکَ عِبادِي عَنِّي»: و چون بندگان من از تو بپرسند که من به ایشان دور یا نزدیکم، پس در جواب بگو: «فَإِنِّي قَرِيبٌ»: پس به درستی که من نزدیکم به ایشان؛ به حسب احاطه علمی.[2]

مباحث تفسیری

۱ـ هفت قرینه در آیه شریفه وجود دارد که نشان میدهد خداوند به استجابت دعا اهتمام و عنایت دارد:

۱ـ اساس گفتار را بر تکلم وحده قرار داده است، نه غیبت؛ هفت مرتبه ضمیر متکلم (من) تکرار شده و آیه‌ای با چنین اسلوب در قرآن منحصر به همین آیه است؛ پس کمال عنایت نسبت به مضمون آیه، را دارد.

۲ـ تعبیر فرموده به «عبادی».

۳ـ در پاسخ دعای بندگان فرموده است، من نزدیک هستم؛ یعنی وقتی بندگان سؤال می‌کنند «خداوند کجاست»، خدای متعال مستقیم پاسخ می‌دهد.

۴ـ نزدیک بودن خود را به بندگان، با حرف « انّ» موکّد می‌کند.

۵ـ قرب به بندگان را با صفت بیان کرده و فرموده است: «نزدیکم» و نه با فعل«من نزدیک می‌شوم»، تا ثبوت و دوام نزدیکی تفهیم شود.

۶ ـ مسئله اجابت دعا در آیه شریفه ، با فعل مضارع آورده شده، تا تجدد و استمرار آن منتقل شود.

۷ ـ از آیه برمی‌آید که اجابت، همان خواندن خدا و خواندن او همان اجابت است؛ یعنی دعوت داعی بدون هیچ شرطی و قیدی مستجاب است؛ نظیر آیه«ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ».[3]

در درخواست یک معنای جامع وجود دارد که مشمول همه نوع سؤالی می‌شود و آن جلب توجه مسئولٌ‌عنه در دعا است. سؤال به منزله نتیجه و هدف برای دعاست؛ مانند اینکه کسی را صدا می‌کنیم تا وقتی توجه‌اش جلب شد، از او چیزی را سؤال کنیم و پاسخ را بشنویم.[4]

۲ـ بنابر آیه شریفه، پس از آنکه خداوند روزه را بیان کرده است، به دنبال آن، دعا و ارزش آن و کیفیّت اجابتش را بیان می‌نماید.

گفته‌اند: منظور از نزدیک بودن خداوند این است که «من می‌شنوم دعای کسی را که مرا بخواند، مانند کسی که در

مکان نزدیک باشد».

ممکن است سؤال شود که ما بسیاری از مردم را می‌بینیم که دعا می‌کنند، ولی دعای ایشان را خداوند اجابت نمی‌کند؛ این مسئله چگونه با آیه فوق سازگار است؟

پاسخ این است که کسی نیست که دعا کند و دعایش موافق حکمت خداوند و به نفع دین او باشد و فسادی هم برایش نداشته باشد، جز اینکه خداوند دعایش را اجابت می‌کند. این مطلبی است که باید دعاکننده آن را باور داشته باشد؛ ولی گاهی مصالح و منافع بنده ایجاب می‌کند که زودتر آن دعا مستجاب شود و زمانی دیرتر. لذا در روایتی آمده است که جابربن‌عبدالله از پیغمبر اکرم ﷺ نقل کرده است که حضرت فرمود: چه بسا بنده‌ای دعا می‌کند، ولی از آنجا که خداوند آن بنده را دوست دارد، به جبرئیل خطاب می‌کند: اجابت دعای بنده‌ام را عقب بینداز؛ من دوست دارم پیوسته صدای او را بشنوم. گاهی نیز بنده‌ای دعا می‌کند، ولی چون مورد غضب خداوند است، به جبرئیل امر می‌کند زود دعای او را مستجاب نما؛ زیرا نمی‌خواهم صدای او را بشنوم.[5]

اگر پرسیده شود که ما می‌دانیم که خداوند آنچه را که حکمتش ایجاب می‌کند، ... انجام می‌دهد؛ در این صورت دعای بنده و اجابت خدا چه معنایی دارد؟

در پاسخ به دو نکته باید توجه داشت:

۱ـ از آنجا که خود دعا اظهار خضوع و انقیاد در برابر خداوند است، دعا عبادت خواهد بود.

۲ـ چه بسا خود دعا مصلحتی به وجود می‌آورد که حکمت خداوند ایجاب می‌کند طبق آن مصلحت، دعایش را مستجاب کند؛ در صورتی که قبل از دعا چنین مصلحتی نبوده است و در نتیجه حکمتی هم از طرف خدا درباره آن وجود نداشته است. شاهد این مطلب روایت زیر است:

ابی‌سعید خدری از پیغمبر اکرم ﷺ نقل می‌کند که فرمود: هر مسلمانی که دعا کند، در صورتی که دعای او در مورد گناه و قطع رحم نباشد، خداوند یکی از این سه مطلب را به او می‌دهد:

۱ـ فوراً دعایش را مستجاب می‌کند؛

۲ـ در آخرت خواسته‌اش را به او می‌دهد؛

۳ـ (به واسطه آن دعا) یک بدی و گرفتاری را از او دفع می‌کند.

بعضی عرض کردند یا رسول‌الله ﷺ، بنابراین ما زیاد دعا می‌کنیم؛ فرمود خدا زیادتر کند و در روایت انس‌بن‌مالک است که رسول اکرم سه مرتبه فرمود: خدا زیادتر و نیکوتر کند.[6]

داستان

روزی حضرت موسی علیه‌السلام از محلی عبور می‌کرد. در راه مردی را دید که دست‌هایش را به سوی آسمان بلند کرده است و با حالت خاصی از گریه و زاری دعا می‌کند و خواسته‌هایش را از درگاه خدا می‌طلبد. موسی علیه‌السلام از آنجا گذشت و پس از یک هفته مراجعت نمود؛ باز دید او در همان محل مشغول دعا و زاری است و حاجت خود را از خدا می‌طلبد. در این هنگام خداوند به موسی علیه‌السلام وحی کرد: «ای موسی! اگر آن مرد آن‌قدر دعا کند که زبانش بریده شده و بیفتد، دعایش را به اجابت نمی‌رسانم، مگر اینکه از طریقی که من به آن امر کرده‌ام وارد شود». (یعنی رهبری پیامبران و اوصیای آنها را بپذیرد و با این اعتقاد دعا کند)[7]

پی‌نوشت

۱. بقره: ۱۸۶. ■ ۲. محمدبن‌علی شریف لاهیجی، تفسیر شریف لاهیجی، ج۱، ص۱۷۰. ■ ۳. غافر: ۶۰. ■ ۴. محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج۱۷، ص۳۴. ■ ۵. فضل‌بن‌حسن‌طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص۵۰۲. ■ ۶. همان. ■ ۷.محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج۲۷، ص۱۸۰.

حاکمیت مهدوی؛
مشروعیت الهی، مقبولیت مردمی

در پدیدآمدن حاکمیت مهدوی، از دو جهت مشروعیت و مقبولیت قابل بررسی است. روایات معتبری در دست است که مشروعیت حکومت حضرت مهدی علیه‌السلام را به خداوند استناد می‌دهند و حضرتش را «خلیفه الهی» معرفی می‌کنند. این مضمون با تعبیرهای گوناگون در روایات شیعه و اهل سنّت به چشم می‌خورد. در میان منابع اهل سنّت می‌توان به مسند احمد بن حنبل،[1] المستدرک حاکم،[2] البدایه و النهایه ابن کثیر،[3] الدر المنثور سیوطی[4] و کنز العمال متقی هندی[5] اشاره کرد. در منابع روایی شیعی آثاری چون عیون اخبار الرضا علیه‌السلام،[6] کشف الغمه[7] کفایة الاثر،[8] و آثار دیگر، روایاتی را با این مضمون نقل کرده‌اند.

با توجه به این روایات، امام خلیفه خدا و جانشین پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است و وکیلی نیست که مردم او را برگزیده باشند. اگر فقط مسئله گزینش مردم بود، این امر از سقیفه بر می‌آمد و نیازی به غدیر نبود. از این‌رو، مردم‌سالاری مهدوی به این معنا نیست که امام را مردم برگزینند. حکومت امام مهدی علیه‌السلام به نصب الهی، مشروعیت یافته است. کوتاه سخن اینکه آنگاه که قرار است حکومتی به گونه‌ای کامل، الهی باشد و احکام و قوانین خداوند را در ابعاد گوناگون در جامعه بشری اجرا کند، رهبرش باید از دو ویژگی برخوردار باشد:

نخست آگاهی کامل به شریعت و عصمت. ویژگی‌هایی که انسان‌ها از تشخیص آن در افراد محرومند. بنابراین، انتصاب الهی ضرورت می‌یابد. از سوی دیگر، در روایات آمده است که راهبر حکومت موعود جهانی، دین را تجدید می‌کند.

پذیرش حاکمیت، اجابت درخواست مردم

نقش مردم در حکومت حضرت مهدی علیه‌السلام، فراهم‌آوردن مقدمات و برپایی زمینه برای شکل‌گیری حکومت جهانی آن حضرت است. پذیرش مردمی، فقط درخواست و رأی اکثریت جلوه نمی‌کند. در این حاکمیت، نه فقط بیشتر

پیشنهادهای اجرایی هفته

◆ خطابه با موضوع حفظ حجاب و عفاف و اثرات آن در جامعه اسلامی ◆ جمع آوری نذورات مردمی جهت سفره افطار برای ایتام و نیازمندان با هماهنگی کمیته امداد ◆ اهدای امتیاز و اعطای جایزه در صورت استمرار حضور کودکان در مسجد ◆ تهیه کتاب ها و لوازم کمک آموزشی مخصوص جوانان ◆ تشکیل گروه سرود و تواشیح از بین کودکان ◆ تشکیل گروه ها و برنامه های ویژه فرزندان هم سن و سال جهت ایجاد گروه‌های همسال مورد وثوق ◆ برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید ◆ خطابه در ظهرها و شب های ماه مبارک رمضان ◆ قرائت بخشی از دعای ابو حمزه ثمالی در هر روز نیمه دوم ماه مبارک رمضان ◆ خطابه با موضوع زکات فطره، خطابه با موضوع حفظ دستاوردهای معنوی ماه مبارک رمضان ◆ خطابه با موضوع اهمیت روز قدس ◆ هماهنگی جهت حضور دسته جمعی در راهپیمایی روز جهانی قدس ◆ برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه) ◆ برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه) ◆ برنامه ریزی جهت برگزاری نماز عید فطر ◆ برگزاری مراسم غبارروبی ماهانه مسجد (جمعه)

مردم با امام بیعت می‌کنند، بلکه زمانی فراخواهد رسید که آنان به چنان عطش و شیفتگی می‌رسند که نیاز به حکومت جهانی موعود را، با تمام وجود درک می‌کنند و آن را یگانه سازوکار برای شکل‌گیری آرمان‌ها و اهداف عالی انسانی می‌دانند و به آن عشق می‌ورزند.

این‌چنین نظام سیاسی‌ای، نه فقط بر آرای مردمی متکی است و پذیرش مردمی را به همراه دارد، بلکه اطمینان خاطر مردم را نیز سبب می‌شود. در این نظام، میان حکومت امام و مردم فقط رابطه «دولت ـ ملت» وجود ندارد، بلکه رابطه مرید و مراد و محبوب و محبّ است.

شیخ طوسی از امام باقر علیه‌السلام روایت کرده که درباره ورود حضرت مهدی علیه‌السلام به کوفه و سخنرانی برای مردم، فرمود: مردم به خاطر اشتیاق به آن حضرت آن‌گونه گریه می‌کنند که سخنان مهدی علیه‌السلام شنیده نمی‌شود و مردم نمی‌فهمند ایشان چه می‌گوید.[9]

انسانی که برای رسیدن به خوشبختی هر راهی را پیش گرفته و به بن‌بست رسیده، حال این‌گونه به اشتیاق و اضطرار، حکومت موعود می‌رسد و با همه هستی، آماده یاری و جان‌بازی در کنار او می‌گردد.

پی‌نوشت

۱. احمد بن حنبل، مسند احمد، ج۵، ص۲۷۷. ■ ۲. حاکم نیشابوری، المستدرک، ج۴، ص ۴۶۴. ■ ۳. ابن کثیر، البدایة و النهایة، ج۶، ص ۲۷۶. ■ ۴. سیوطی، الدر المنثور، ج۶، ص ۵۸. ■ ۵. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۱. ■ ۶. محمدبن علی بن حسین بن بابویه، عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، ج۲، ص ۵۹، ح۲۳۰. ■ ۷. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمة، ج۲، ص۴۷۰. ■ ۸. علی بن محمد خزاز قمی، کفایة الاثر، ص۱۰۶. ■ ۹. «... حَتَّی یَأْتِیَ الْمِنْبَرَ وَ یَخْطُبَ وَ لَا یَدْرِی النَّاسُ مَا یَقُولُ مِنَ الْبُکَاءِ»؛ (محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبة، ص ۴۶۸).

روز جهانی جمعیت

شنبه ۲۰ تیر

اذان صبح: ۴:۱۳
طلوع آفتاب: ۵:۵۷
اذان ظهر: ۱۳:۱۰
اذان مغرب: ۲۰:۴۳

۲۴ رمضان ۱۴۳۶
11 Jul 2015

ارتباط عاطفی!

هر یک از ما تا چه اندازه جوانان را می‌شناسیم؟ والدین و مربیان و مبلّغان تا چه میزان توانسته‌اند به دنیای پر رمز و راز نسل جوان نفوذ کنند؟ به راستی چرا تنها و تنها حرف شنوی و اطاعت را سهم آنها می‌دانیم و امر و باید و نباید را به خودمان اختصاص می‌دهیم؟

بی‌تردید در سایه رفاقتی آگاهانه با نوجوان و جوان، نفوذ کلام بیشتری در قلب آنان ایجاد می‌شود، زیرا اقبال قلبی آنها به ما بیشتر شده و دل سپردن به یکایک واژه‌های ما که رنگ صفا و یکرنگی و صمیمیت دارد، فراوانتر می‌شود.

داد و ستدهای عاطفی ما با مخاطبان، بویژه نسل جوان باید همراه با این واقعیت باشد که آنان با تمام وجود لمس کنند و اطمینان یابند که مورد محبت و علاقه ما هستند و علاوه بر آن می‌توانند احساسات پاک و بی‌شائبه خود را متقابلاً به ما ابراز کنند، بدون آنکه آسیب شخصیتی به آنان وارد شود یا رازی ارزشمند از زندگی آنان از سوی ما افشا گردد. در یک نگاه، نسل نوپیش از امکانات مالی، موقعیت‌های اجتماعی یا توانایی‌های علمی، از اطرافیان خود لبخند صادقانه و مهربانی صمیمانه می‌خواهند تا به دور از هرگونه تیرگی و تاریکی با ما درد دل کنند و خاطرات تلخ و شیرین گذشته و حال را مطرح نمایند و به دنبال آن از تجربیات یا رهنمودهای ما استفاده کنند.

(موضوعات و شیوه‌های گفتگو با نسل جوان، ص ۳۹)

یکشنبه ۲۱ تیر

اذان صبح: ۴:۱۴
طلوع آفتاب: ۵:۵۸
اذان ظهر: ۱۳:۱۰
اذان مغرب: ۲۰:۴۳

۲۵ رمضان ۱۴۳۶

12 Jul 2015

روز عفاف و حجاب
کشف حجاب (۱۳۱۴هش)
قیام خونین مسجد گوهرشاد مشهد علیه کشف توطئه کودتای آمریکایی در پایگاه هوایی شهید نوژه (۱۳۵۹هش)

بزرگ‌ترین جنایت رضاخان

آن شقیّ جنایتکار (رضا قُلدر) دست به يك جنايت زد و آن جنايت كشف حجاب بود؛ و به جای اینکه نیمی از جمعیت ایران را فعال کند، آن نیم دیگری هم که نیمه‌ی مردان بود به‌طور بسیار زیادی از فعالیت انداختند و این عروسك‌هایی که درست کردند و در همه ادارات جا دادند و در همه خیابان‌ها راه انداختند، آنهایی که در ادارات بودند، سایر افرادی که در ادارات بودند را هم از کارهای خودشان بازداشتند و آنهایی که در خیابان‌ها رها بودند، جوان‌های ما را به فساد کشاندند و فعالیت جوان‌های ما را از دست آنها گرفتند.» (صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۵۹)

امام خامنه‌ای(مدظله العالی): «اسلام می‌خواهد که رشد فکری و علمی و اجتماعی و سیاسی و بالاتر از همه، فضیلتی و معنوی زنان، به حد اعلی برسد و وجودشان برای جامعه و خانواده بشری، به عنوان يك عضو، حد اعلای فایده و ثمره را داشته باشد. همه تعالیم اسلام از جمله مساله حجاب بر این اساس است. مساله حجاب، به معنای منزوی کردن زن نیست. اگر کسی چنین برداشتی از حجاب داشته باشد، برداشتش کاملاً غلط و انحرافی است. مساله حجاب، به معنای جلوگیری از اختلاط و آمیزش بی قید و شرط زن و مرد در جامعه است. این اختلاط، به ضرر جامعه و به ضرر زن و مرد، بخصوص به ضرر زن است.»(۶۸/۱۰/۲۶)

دوشنبه ۲۲ تیر

اذان صبح: ٤:١٥
طلوع آفتاب: ٥:٥٨
اذان ظهر: ١٣:١٠
اذان مغرب: ٢٠:٤٢

٢٦ رمضان ١٤٣٦
13 Jul 2015

امیدوار کردن جوان به موفقیت!

موفقیت در زندگی، جامه عمل پوشاندن به آرزوها و آمال گذشته و حال انسان‌هاست که لحظه‌های حیات ما را در بر داشته است. این مهم در ایامِ سراسر شور و نشاط جوانی اهمیت ویژه‌ای می‌یابد، به گونه‌ای که امروز هر یک از ما را به فردایی طلایی و گاه رؤیایی پیوند می‌دهد، از این‌رو در اندیشه‌ها و انگیزه‌های نسل نو، جایگاهی بس والا و بالا دارد.

مربیان و مبلغان و یا پدران و مادران با سلسله راهکارهایی درخور و ارزشمند باید ارتباطی منطقی با نوجوانان و جوانان برقرار کنند و مجموعه‌ای از شیوه‌های قابل اجرا در دستور کار خود قرار دهند که به عنوان نمونه می‌توان اشاره داشت به توجه به جنبه‌ها و جلوه‌های مثبت در زندگی جوانان. ارتباط، گفتگو و نشست و برخاست با نسل نو باید به گونه‌ای تنظیم شود که آنان احساس کنند به هر حال در یک جهت یا جنبه، موفق هستند و از صفتی مثبت و پسندیده بهره دارند. بازگو نمودن جهات ارزشمند و قابل قبول جامعه در شخصیت جوان، او را به هویت خویش باز می‌گرداند. از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های درونی خود باخبر می‌سازد، باعث جبران گذشته و امید به حال و آینده می‌شود و سرانجام پلی بین امروز زندگی با فردای ابدی او برقرار می‌سازد تا پرتلاش و سخت‌کوش از لابه‌لای سختی‌ها به راحتیِ مورد انتظار خویش که همان موفقیت و کامیابی‌های شیرین و زرین است، دست یابد.

(موضوعات و شیوه‌های گفتگو با نسل جوان، ص ۸۳)

رحلت علامه محمد باقر مجلسی، صاحب کتاب بحارالانوار (۱۱۱۰ ه ق)
آغاز به کار نخستین دوره مجلس خبرگان رهبری (۱۳۶۲ ه ش)

۲۳ تیر سه‌شنبه

اذان صبح: ٤:١٦
طلوع آفتاب: ٥:٥٩
اذان ظهر: ١٣:١٠
اذان مغرب: ٢٠:٤٢

٢٧ رمضان ١٤٣٦
14 Jul 2015

برخورد کریمانه!

یکی از محافظان مقام معظم رهبری در قالب خاطره‌ای می‌گوید:
یک روز که مقام معظم رهبری به کوه‌های اطراف تهران برای کوهپیمایی رفته بودند، با دختر و پسری دانشجو برخورد می‌کنند که به لحاظ ظاهری وضع نامناسبی داشتند. آنها به یکباره در مقابل گروه ما قرار گرفتند و فرصت رسیدگی به وضع ظاهریشان را نداشتند. از رفتارشان مشخص بود که خیلی ترسیده بودند و تصور می‌کردند که الآن آقا دستور دستگیری آنها را صادر خواهد کرد. ولی برخلاف تصورشان، آقا با آنها سلام و علیک گرمی کرد و پرسید که شما زن و شوهر هستید؟ آن پسر وقتی با خلق زیبای آقا مواجه شد، واقعیت را گفت و جواب داد: خیر من و این دختر دوست هستیم.
آقا ابتدا درباره ورزش و مزایای آن با آنها صحبت کرد و بعد فرمود: بد نیست صیغه محرمیتی هم در میان شما برقرار شود و با هم ازدواج کنید. آقا به آنها پیشنهاد داد که اگر مایل بودید در فلان تاریخ بیائید، و من هم آمادگی دارم که شخصاً خطبه عقدتان را بخوانم. آن‌دو خداحافظی کردند و طبق قرار همراه خانواده در همان تاریخ به محضر ایشان رسیدند.
آقا هم خطبه عقد آن‌دو را جاری کردند. با برخورد کریمانه ایشان این دو جوان مسیر زندگی خود را تغییر دادند، آن دختر به یک دختر محجبه و معنوی و آن پسر هم به یک جوان مذهبی مبدل شدند. (نشریه ماه تمام، شماره ۳، ص ۱۷)

چهارشنبه ۲۴ تیر

اذان صبح: ٤:١٧
طلوع آفتاب: ٦:٠٠
اذان ظهر: ١٣:١٠
اذان مغرب: ٢٠:٤١

٢٨ رمضان ١٤٣٦
15 Jul 2015

اعتماد به ابتکار جوانان!

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): ما عرض کردیم «اقتصاد مقاومتی»؛ اقتصاد مقاومتی یعنی ما اگر به نیروی داخلی، به ابتکار جوان‌ها، به فعالیت ذهن‌ها و بازوها در داخل، تکیه کنیم و اعتماد کنیم، از فخر و منت دشمنان خارجی، خودمان را رها خواهیم کرد؛ راه درست این است. معنای اقتصاد مقاومتی این است که ما نگاه کنیم، ظرفیّت‌های بی‌پایانی را که در داخل هست جستجو کنیم، شناسایی کنیم، با برنامه‌ریزی درست و صحیح این ظرفیت‌ها را فعال کنیم، این استعدادها به کار گرفته بشوند. من یکی دو روز پیش گفتم در یک دیداری؛ هرجایی که ما به ابتکار و استعداد جوانان‌مان تکیه کردیم، آنجا ناگهان مثل چشمه‌ای جوشید، شکوفا شد؛ در قضایای مربوط به مسائل هسته‌ای، در قضایای مربوط به مسائل دارویی، در درمان‌های گوناگون، در سلّول‌های بنیادی، در نانو، در این برنامه‌های صنعتیِ دفاعی، هرجایی ما سرمایه‌گذاری [کردیم] و به این نیروی جوان و علاقه‌مند و مؤمن و بااخلاص داخلی تکیه کردیم و به او ارج نهادیم، کارمان پیش رفت؛ خب، به این برسیم. مسائل اقتصادی هم همین‌جور است؛ ظرفیّت‌های اقتصادی باید فعّال بشود؛ این راه پیشرفت کشور است. آن‌وقت کشور، هم از لحاظ مادّی و اقتصادی، هم از لحاظ اعتبار بین‌المللی، هم از لحاظ عزّت ملّی و اعتماد به نفس ملّت ایران، و هم از لحاظ معنوی و اخلاقی و روحی پیشرفت خواهد کرد. (٩٣/٠٢/٢٣)

روز بهزیستی و تأمین اجتماعی

پنج‌شنبه ۲۵ تیر

اذان صبح: ۴:۱۸
طلوع آفتاب: ۶:۰۰
اذان ظهر: ۱۳:۱۰
اذان مغرب: ۲۰:۴۱

۲۹ رمضان ۱۴۳۶
16 Jul 2015

جوان را مأیوس نکن!

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): عمق تأثیر نصیحت و توصیه بر روی جوانان معمولاً بیشتر و بالاتر از دیگران است. همانطور که می‌توان با یک سخنرانی شورانگیز، جوان را به شوق و هیجان آورده و به انجام امور مهم واداشت، در صورتی که یک سخنرانی سراسر ناامیدی و تذکر نکات منفی به گوش یک جوان برسد، می‌تواند شدیداً او را منفعل کرده و دچار یأس و دلسردی از هدف نماید. بنابراین مبلغان و روحانیون باید در هنگام صحبت در جمع جوانان و تذکر مشکلات و ناهنجاری‌های مذهبی، فرهنگی، اجتماعی یا اقتصادی، مراقب این نکته باشند که مبادا با افراط در این امر، جوان را از آینده کشور و تلاش در جهت اصلاح امور، مأیوس نمایند. امام خامنه‌ای در توصیه‌ای خطاب به جوانان می‌فرمایند:

«جوانان عزیز! دشمن روی شما سرمایه‌گذاری‌های زیادی می‌کند؛ حواستان جمع باشد. عده‌ای را به بی‌تفاوتی می‌کشاند و عده‌ای را دلسرد و مأیوس می‌کند. یأس، بزرگ‌ترین آفت جوان است. جوان‌ها بدانند که متأسفانه یأس به روح جوان زودتر راه پیدا می‌کند؛ همچنان که امید این‌گونه است. در مقابل یأسی که دشمن می‌خواهد به جوان‌ها تلقین و تزریق کند، خودتان را مصونیت بدهید. امروز، هر اندیشه‌ای که جوان را دچار این احساس بکند که از مسؤولان و پیشروان انقلاب و مدیران کشور جداست، این اندیشه و تفکر، از نوع همان تفکرات سیاسی غلط تزریق شده است.
(۶۸/۰۸/۱۰)

جمعه ۲۶ تیر

اذان صبح: ٤:١٩
طلوع آفتاب: ٦:٠١
اذان ظهر: ١٣:١٠
اذان مغرب: ٢٠:٤٠

۳۰ رمضان ١٤٣٦
17 Jul 2015

روز جهانی قدس
آخرین جمعه ماه رمضان
شروع به کار اولین دوره
شورای نگهبان(۱۳۵۹ هـ ش)

روز قدس نماد صف‌بندی حق در مقابل باطل

امام خامنه‌ای (مد ظلّه العالی): چقدر سعی کرده‌اند در طول این سال‌ها که روز قدس را که نماد صف‌بندی حق در مقابل باطل است، تضعیف کنند. روز قدس نشان دهندهٔ صف‌بندی حق و باطل، صف‌بندی عدل در مقابل ظلم است. روز قدس فقط روز فلسطین نیست؛ روز امت اسلامی است. روز فریاد رسای مسلمانان علیه سرطان کشندهٔ صهیونیزم است که به وسیلهٔ دست متجاوز اشغالگران، مداخله کنندگان و قدرت‌های استکباری به جان امت اسلامی افتاده است. روز قدس چیز کوچکی نیست. روز قدس یک روز جهانی است. یک پیام جهانی هم دارد. نشان دهندهٔ این است که امت اسلامی اولاً زیر بار ظلم نمی‌رود، و لو این ظلم از پشتیبانی بزرگ‌ترین و قدرتمندترین دولت‌های عالم برخوردار باشد. چقدر سعی کردند روز قدس را تضعیف کنند و امسال بیش از همیشه تلاش کردند؛ اما روز قدس در ایران اسلامی، در تهرانِ با عظمت، به همهٔ دنیا نشان داد که عقربه‌ی انقلاب و ملت ایران به کدام سمت و کدام جهت است؛ نشان داد که ارادهٔ ملت ایران چیست؛ نشان داد که ترفندها و حقه‌ها و پول خرج کردن‌ها و خباثت‌های سیاسی آنها بر روحیه‌ی ملت ایران اثری ندارد. (۸۸/۶/۲۹)

﴿ وَ قالَ الرَّسُولُ یا رَبِّ إِنَّ قَوْمِی اتَّخَذُوا
هذَا الْقُرْآنَ مَهْجُوراً ﴾ [1]؛ « و پیامبر [درقیامت] می‌گوید:
پروردگارا! همانا قوم من این قرآن را متروك گذاشتند!»

نکات تفسیری

۱ ـ این آیه مصداقی از جمله سخنانی است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در روز قیامت به پروردگار خود، بر سبیل گلایه و شکایت بیان می‌دارد. بنابراین تعبیر به فعل ماضی (با اینکه باید فعل مضارع به کار می‌رفت، زیرا قیامت هنوز وقوع نکرده است) به جهت روشن‌گری این واقعیت است که وقوع قیامت به قدری حتمی است که گویی واقع شده است. مراد از قوم آن حضرت نیز، نه تنها عموم عرب، بلکه عموم امّت او است، البته به اعتبار عاصیان امّت.[2]

۲ ـ از آنجاکه در آیات گذشته، انواع بهانه جوئی‌های مشرکان لجوج و افراد بی‌ایمان مطرح شده بود، در آیه مورد بحث، ناراحتی و شکایت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله در پیشگاه خدا از کیفیت برخورد این گروه با قرآن، بازگو می‌شود. در آیه بیان شده است که پیامبر مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله به پیشگاه خدا عرضه داشت: پروردگارا! این قوم من قرآن را ترک گفتند و از آن دوری جستند.

وَ قالَ الرَّسُولُ یا رَبِّ إِنَّ قَوْمِی اتَّخَذُوا هذَا الْقُرْآنَ مَهْجُوراً.

هم اکنون اگر به بسیاری از کشورهای اسلامی، مخصوصاً سرزمین‌هایی که زیر سلطه فرهنگی شرق و غرب زندگی می‌کنند، نظر بیفکنیم، خواهیم دید که قرآن در میان آنها صرفاً به صورت کتابی تشریفاتی درآمده است که الفاظش را با صدایی زیبا از دستگاه‌های فرستنده پخش می‌کنند و برای تزئین در کاشی کاریهای مساجد، به عنوان هنر معماری منقوش شده است، یا اینکه برای ورود به خانه نو و حفظ مسافر و شفای بیماران و حد اکثر برای تلاوت به بهای ثواب از آن استفاده می‌شود. حتی آنگاه که با استناد به قرآن به استدلال می‌پردازند، هدف‌شان اثبات پیش‌داوری‌های خود با تکیه بر آیات است.

در بعضی از کشورهای اسلامی مدارس بزرگی به عنوان مدارس« تحفیظ القرآن» دیده می‌شود، که گروه‌های عظیمی از پسران و دختران به حفظ قرآن در آن مشغولند، در حالی که اندیشه‌های آنها تا حدود بسیاری از غرب و گاه از شرق و قوانین و مقررات بیگانگان گرفته شده است. این گونه است که امروز هم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فریاد می‌زند:« خدایا! قوم من قرآن را مهجور داشتند.» مهجور از نظر مغز و محتوا، متروک از نظر اندیشه و تفکر و متروک از نظر برنامه‌هایی سازنده![3]

۳ـ این آیه، از گلایه پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله سخن می‌گوید و از آن که حضرت «رَحْمَةً لِلْعالَمِینَ» است، نفرین نخواهد کرد.

در روایات آمده است هر روز پنجاه آیه از قرآن را بخوانید و هدفتان صرفاً رسیدن به آخر سوره نباشد، همواره قرآن را آرام بخوانید و قلب خود را با تلاوت آیات، تکان دهید و هر گاه فتنه‌ها همچون شب تاریک به شما هجوم آوردند، به قرآن پناه برید.[4]

۴ـ از آنجا که قرآن، کتاب هدایت است:«هذا بَصائِرُ مِن رَبِّکُم و هُدًی و رَحمَةٌ لِقَومٍ یُؤمِنون»[5] پیروی از آن، از مهم‌ترین مصداق‌های پیروی در مسیر هدایت به شمار می‌آید. ازاین‌رو خداوند متعال به مؤمنان دستور داده تا از قرآن پیروی کرده: «و هذا کِتابٌ انزَلناهُ مُبارَکٌ فَاتَّبِعوهُ»[6] و از پیروی دیگران بپرهیزند: «اتَّبِعوا ما انزِلَ الَیکُم مِن رَبِّکُم و لا تَتَّبِعوا مِن دونِهِ اولِیاءَ».[7] جمله «اتَّبِعوا ما انزِلَ الَیکُم مِن رَبِّکُم» جمله‌ای کنایی است و مراد از آن، امر به دخول در تحت ولایت خدای سبحان است، زیرا در ادامه به جای آنکه بگوید: « و لاتتبعوا غیر ما انزل الیکم» می‌فرماید: « و لا تَتَّبِعوا

مِن دونِه اولِیاءَ»[۸]. در حقیقت مضمون این آیه بدین معناست که با پیروی از قرآن، خود را در ولایت خداوند داخل کرده و با دوری کردن از تبعیّت دیگران، خویش را از سلطه دیگران نجات دهید. به گفته برخی مفسّران در آیه «الَّذینَ یَستَمِعونَ القَولَ فَیَتبِعونَ احسَنَهُ»[۹] پیروی از بهترین‌ها، پیروی از قرآن است.[۱۰]

حدیث

۱ ـ عن النبی ﷺ : فضل القرآن علی سائر الکلام کَفَضْلِ اللهِ علی خَلْقِه.[۱۱]

برتری قرآن بر سایر سخنان، مانند برتری خداوند بر مخلوقاتش است.

۲ ـ القرآن أفْضَلُ کلّ شیء دون الله.[۱۲]

قرآن به جز خداوند، برتر از هر چیزی است

۳ ـ عن النبی ﷺ : فَمَنْ وقّر القرآن فقد وقّر الله و من لم یُوقِّر القرآن، فقد استَخَفَّ بحُرمَه الله.

آن‌کس که قرآن را بزرگ بشمارد، خداوند را بزرگ داشته و کسی که قرآن را بزرگ نشمارد، حرمت خداوند را سبک شمرده است.[۱۳]

۴ ـ إذا الْتَبَسَتْ علیکم الفِتَن کَقِطَعِ اللَّیلِ المُظْلَم فعلیکم بالقرآن.[۱۴]

هنگامی که فتنه ها مانند شب تاریک بر شما هجوم آورد، بر شماست که به قرآن پناه برید.

داستان

یکی از ویژگی‌های عرفانی پیامبر ﷺ مأنوس بودن با قرآن بود. سعد بن هشام گوید نزد عایشه همسر رسول خدا ﷺ رفتم و از اخلاق آن حضرت پرسیدم؛ او به من گفت: آیا قرآن می‌خوانی ؟ گفتم : آری ، عایشه گفت: اخلاق رسول خدا مطابق با قرآن است . آهنگ صدای رسول خدا ﷺ چنان بود که قرآن را از همه مردم زیباتر و دلرباتر می‌خواند؛ چنان‌که انس بن مالک خدمت‌کار پیامبر ﷺ ، می گوید: رسول خدا ﷺ هنگام خواندن قرآن، آهنگ صدایش را می کشید.

ابن مسعود که از کاتبان وحی بود، می گوید روزی رسول خدا ﷺ به من فرمود مقداری قرآن بخوان تا گوش فرا دهم. من در حال تلاوت سوره مبارکه نساء بودم تا اینکه به آیه ۴۱ رسیدم. « و کیف اذا جئنا من کلّ امّه بشهید و جئنا بک علی هؤلاء شهیدا» : چگونه باشد آن هنگام که از هر امّتی گواهی آریم و تو را برای این امّت به گواهی خواهیم). همین که این آیه قرائت شد، دیدم چشمان رسول خدا ﷺ پر از اشک شد، سپس فرمود: دیگر بس است.[۱۵]

نتیجه

نجات جامعه اسلامی از رنج‌هایی که به دلیل رفتارهای غیر اخلاقی آحاد مردم به وجود می‌آید، در سایه توجه به تعالیم کتابی است که قوانین آن به دست بشر انشاء نشده و با آگاهی کامل از نیازهای انسان، چه در بعد فردی و چه در ابعاد اجتماعی، در جهت نیل به سعادت او نازل شده است.

پی‌نوشت

۱.سوره فرقان، آیه ۳۰. ■ ۲.ترجمه تفسیر المیزان، ج۱۵، ص، ۲۸۳. ■ ۳.تفسیر نمونه، ج۱۵، ص، ۷۸. ■ ۴.تفسیر نور، ج۶، ص۲۴۸. ■ ۵.سوره اعراف، آیه ۲۰۳؛ در جای دیگر می فرماید: قُلْ إِنَّما أَتَّبِعُ ما یُوحی إِلَیَّ مِنْ رَبِّی‌هذا بَصائِرُ لِلنَّاسِ وَ هُدیً وَ رَحْمَةٌ لِقَوْمٍ یُوقِنُونَ» جاثیه، ۲۰ ـ بگو: «من تنها از چیزی پیروی می‌کنم که بر من وحی می‌شود؛ این وسیله بینایی از طرف پروردگارتان، و مایه هدایت و رحمت است برای جمعیّتی که ایمان می‌آورند. ■ ۶.سوره انعام، آیه ۱۵۵. ■ ۷.سوره اعراف، آیه ۳. آنچه را از سوی پروردگارتان به جانب شما نازل شده پیروی کنید، و از معبودانی غیر او پیروی ننمایید، ولی بسیار اندک و کم پند می‌گیرید. ■ ۸.. المیزان، ج ۸، ص ۸. ■ ۹.سوره زمر، آیه ۱۸. ■ ۱۰. التحریر والتنویر، ج ۲۳، ص ۳۶۵. ■ ۱۱.روض‌الجنان، ج ۱، ص ۷؛ کنزالعمال، ج ۱، ص ۵۱۶، ۵۲۵، ۵۲۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۳۷. ■ ۱۲.روض الجنان، ج ۱، ص ۱۸؛ جامع الاخبار، ص ۴۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۳۶. ■ ۱۳.کنزالعمال، ج ۱، ص ۵۲۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۳۶. ■ ۱۴.الکافی، ج ۲، ص ۶۰۰. ■ ۱۵.داستان‌هائی از زندگی پیامبر ﷺ ۶۳ به نقل از **محجة** البیضاء ج ۴ ص ۱۲۰ و بحارالانوار ج ۹۲ ص ۳۲۶ و کحل البصر ص ۷۹.

دستورالعمل‌های نوین در عصر ظهور

از برخی روایات، این انگاره به دست می‌آید که آن حضرت، آیین و روش جدیدی خواهد آورد. بنابراین این پرسش مطرح می‌شود با توجه به این‌که قرآن کریم، کتاب جاودان الهی و اسلام آیین ابدی است، چگونه حضرت مهدی علیه‌السلام آیینی نو و کتابی تازه برای بشریت به ارمغان می‌آورد؟

درباره «کتاب جدید» و «امر جدید» روایاتی وارد شده است، که نمونه‌هایی از آن‌ها را مورد دقت قرار می‌دهیم. امام صادق علیه‌السلام فرمود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا رَسُولُ اللهِ فِي بَدْوِ الْإِسْلَامِ إِلَى أَمْرٍ جَدِيدٍ؛[1]

آنگاه، که مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه به پا خیزد، آیین جدیدی می‌آورد؛ همان‌گونه که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در آغاز اسلام، به آیین جدیدی فراخواند.

امام صادق علیه‌السلام هم‌چنین، درباره قیام و روش کار حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه فرمود:

«يَقُومُ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ وَ سُنَّةٍ جَدِيدَةٍ وَ قَضَاءٍ جَدِيدٍ؛[2]

آن حضرت «امر نو» و کتاب نو و سنّت نو و داوری نویی برپا می‌کند.»

پاسخ

تردیدی نیست حضرت مهدی علیه‌السلام تحکیم‌بخش دین اسلام است؛ پس ناگزیر باید اسلام و آموزه‌های قرآن را به گروه‌های بشری عرضه کند و مردمان را به پذیرش و باور اصول و فروع آن فرا خواند. آیین نو و کتاب جدید (دستور العمل) و برنامه و راه و روش تازه، برای تبیین برخی مسائل است.

۱. در گذر زمان بنا به دلایلی، احکام و آموزه‌های فراوانی از مجموعهٔ فرهنگ اسلام تبیین نشده و یا هماهنگ با سطح فرهنگ و فکر انسان‌ها نبوده است، یا زمینهٔ عملی آن‌ها وجود نداشته است. بازگویی چنین معارف و مسائلی، بی‌گمان برای جامعهٔ اسلامی ناشناخته خواهد بود. چون امام مهدی علیه‌السلام این آموزه‌ها را از ظاهر و باطن قرآن کریم به دست آورده و به مردم می‌آموزد،

پیشنهادهای اجرایی هفته

■ جمع آوری زکات فطره از بین مؤمنین و برگزاری نماز عید فطر ■ مراسم توسل به اهل بیت علیهم السلام و جمع آوری صدقه به مناسبت اول ماه قمری ■ برگزاری مراسم دعای توسل (سه شنبه) ■ جلسه شورای فرهنگی مسجد ■ سخنرانی ویژه مسائل بانوان و دختران قبل از اذان ظهر روز اول ماه شمسی ■ برگزاری جلسات پرسش و پاسخ ویژه جوانان (پنج شنبه) ■ برگزاری جلسات مشاورهٔ خانواده و حل اختلافات خانوادگی به طور مستمر ■ تشکیل کارگاه های تسهیل ازدواج جوانان برای والدین ■ برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید ■ برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه) ■ برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه)

برای آنان تازگی دارد و آیین نو و کتاب نو انگاشته می‌شود.

۲. آموزه‌ها و احکامی از قرآن کریم و اسلام فراموش شده و از یادها رفته است؛ به گونه‌ای که در جامعه اسلامی ناآشنا و برای مسلمانان ناشناخته است. طرح این مسائل نیز کتاب و آیین نو پنداشته می‌شود.

۳. اصول و احکام فراوانی دست‌خوش تحریف و دگرگونی شده است و امام علیه‌السلام آن‌ها را ـ چنان که در اسلام راستین بوده است ـ دیگرباره مطرح می‌سازد و تحریف و انحراف‌های روی داده را روشن می‌کند و مفهوم حکم یا جایگاه آن را مشخص می‌سازد. این امر با طرز تلقی و برداشت عمومی مردم و برخی از علما سازگاری ندارد؛ از این رو برنامه نو و راه و روش تازه به شمار می‌آید.

بنابراین بیشتر مسائلی که امام بدان توجه خواهد کرد و برای جامعه اسلامی، تازه و ناشناخته جلوه می‌کند، مسائل مربوط به عدالت اجتماعی و امور مالی و معیشتی است؛ موضوعی که انسان امروز سخت به آن نیازمند بوده و مشکل اصلی زندگی بشر را تشکیل می‌دهد. در حقیقت اساس‌نامه و منشور حکومت جهانی مهدوی چیزی جز کتاب و سنّت پیام‌آور وحی، در شکل اصیل و درست نخواهد بود. امام باقر علیه‌السلام در این باره فرموده است:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ... فَلَا يَتْرُكُ بِدْعَةً إِلَّا أَزَالَهَا وَ لَا سُنَّةً إِلَّا أَقَامَهَا؛[۳]

هنگامی که قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه به پا خیزد، بدعت‌ها را نابود می‌سازد و سنّت‌ها را بر پا می‌دارد.»

پی‌نوشت

۱. شیخ مفید، الارشاد، ج۲، ص ۳۸۴. ■ ۲. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبة، ص۲۵۳، ح۱۳. ■ ۳. شیخ مفید، الارشاد، ج۲، ص ۳۸۵.

شنبه ۲۷ تیر

تعطیل

اذان صبح:	٤:٢٠
طلوع آفتاب:	٦:٠٢
اذان ظهر:	١٣:١١
اذان مغرب:	٢٠:٤٠

١ شوال ١٤٣٦

18 Jul 2015

عید سعید فطر (تعطیل)
اعلام پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از سوی ایران بین ایران و عراق مبنی برخاتمه جنگ (١٣٦٧ هش)
ارتحال فقیه جلیل و عارف آیت الله سید رضا بهاء الدینی(١٣٧٦ ه ش)

عید مغفرت الهی

امام خامنه‌ای(مدظله العالی): «عید فطر که در روایت «علل»: «فَیَکُونُ یَوْمَ عِیدٍ وَ یَوْمَ اجْتِمَاعٍ وَ یَوْمَ فِطْرٍ وَ یَوْمَ زَکَاةٍ وَ یَوْمَ رَغْبَةٍ وَ یَوْمَ تَضَرُّعٍ»، هم عید است، هم روز اجتماع مردم است، امروز در سراسر دنیای اسلام مردم مسلمان عید می گیرند. این متوجه شدن دل‌ها به یک نقطه در یک زمان، فرصت بزرگی برای امت اسلامی است، «یَوْمَ زَکَاةٍ وَ یَوْمَ رَغْبَةٍ»؛ روزی است که به خدای متعال رغبت نشان می‌دهید. « وَ یَوْمَ تَضَرُّعٍ»؛ روزی است که انسان به خدا تضرع می کند. این عید، عید توجه است؛ عید معناست. روز عید فطر تجسم و نمایش انسجام حقیقی و قلبی ملت است؛ وحدت ملت، اعتصام دسته جمعی به حبل اللّه، از چیزهائی است که بسیار با ارزش است، این را بایستی به عنوان یک درس رمضانی برای خودمان حفظ کنیم که این هم محصول همان معانی معنوی ماه رمضان است.»(۸۷/۷/۱۰)

«گذراندن ماه رمضان با عبادت، با روزه‌داری، با توسل و ذکر و خشوع و ورود در روز عید فطر، برای مؤمن یک عید به معنای حقیقی است، این عید از جنس جشن‌های مادی دنیوی نیست؛ این عیدِ رحمت خداست؛ این عیدِ مغفرت الهی است؛ این عید شکر و سپاس مردمی است که موفق شده‌اند، ماه رمضان را با عبادت حق و با ورود در ضیافت پرشکوه الهی به سلامت و عافیت بگذرانند و در ماه رمضان در حد وسع و توان و امکان خود، از ذکر و دعا و توسل و خشوع و روزه و نماز بهره ببرند، این عیدِ مسلمانانی است که پایان یک دوره عبادت و ریاضت را با امید مغفرت و پاداش الهی به روز فطر رسانده‌اند.»(۸۴/۸/۱۳)

۲۸

یکشنبه تیر

تعطیل

اذان صبح: ٤:٢١
طلوع آفتاب: ٦:٠٢
اذان ظهر: ١٣:١١
اذان مغرب: ٢٠:٣٩

٢ شوال ١٤٣٦

19 Jul 2015

تعطیل به مناسبت عید سعید فطر
ارتحال عالم آگاه و روحانی مبارز، آیت الله محمد حسین کاشف الغطاء (١٣٣٤ه ش)

هان! بشارتتان باد

امیرالمؤمنین علیه السلام در یکی از اعیاد فطر خطبه‌ای به این مضمون خواندند: «ای مردم! امروز روزی است که نیکوکاران در آن پاداش می‌گیرند و زیان‌کاران و تبه‌کاران در آن مایوس و ناامید می‌گردند و این شباهتی زیاد به روز قیامت دارد. پس با خروج از منازل و رهسپاری به سوی جایگاه نماز عید، خروج‌تان را از قبر و رفتن‌تان را به سوی پروردگار به یاد آورید، و با ایستادن در جایگاه نماز، ایستادن در برابر پروردگارتان را یاد کنید، و با بازگشت به سوی منازل خود، بازگشتتان به سوی منازلتان در بهشت برین را متذکر شوید. ای بندگان خدا! کمترین چیزی که به زنان و مردان روزه‌دار داده می‌شود، این است که فرشته‌ای در آخرین روز ماه رمضان به آنان ندا می‌دهد و می‌گوید: هان! بشارت‌تان باد، ای بندگان خدا که گناهان گذشته‌تان آمرزیده شد! پس به فکر آینده خویش باشید که چگونه بقیه ایام را بگذرانید؟» (امالی صدوق، ص ١٠٠)

عارف وارسته، میرزا جواد آقای ملکی تبریزی درباره عید فطر آورده است: «عید فطر روزی است که خداوند آن را از میان دیگر روزها برگزیده و مخصوص هدیه بخشیدن و جایزه دادن به بندگان خویش ساخته است. خداوند به آنان اجازه داده است تا در این روز نزد حضرتش گرد آیند و بر خوان کرم او بنشینند و ادب بندگی به جای آورند؛ چشم امید به درگاه او دوزند و از خطاهای خویش پوزش خواهند؛ نیازهای خویش به نزد او آرند و آرزوهای خویش از او خواهند. و نیز آنان را وعده و مژده داده است که هر نیازی به او آرند، برآورد و بیش از آنچه چشم دارند به آنان ببخشد، از مهربانی و بنده‌نوازی، بخشایش و کارسازی در حق آنان روا دارد که گمان نیز نمی‌برند.» (المراقبات فی اعمال السنه، ص ١٦٧)

دوشنبه ۲۹ تیر

اذان صبح: ٤:۲۲
طلوع آفتاب: ٦:۰۳
اذان ظهر: ۱۳:۱۱
اذان مغرب: ۲۰:۳۸

۳ شوال ۱٤۳٦

20 Jul 2015

مبارز قوی در جنگ روانی دشمن

یک مشاور یا فرمانده خوب، همواره در مقابل هجمه‌های روانی دشمن، سعی در تقویت روحیه نیروهای خودی دارد تا این حربه دشمن را خنثی نماید. این وظیفه امروز برعهده روحانیون و مسئولین کشور است. امام خامنه‌ای(مدظله العالی) در همین راستا خطاب به جوانان و عموم مردم فرموده‌اند:

«امروز (دشمنان) جنگ سرد و جنگ روانی را با شکل‌های مختلفی انجام می‌دهند. می‌خواهند به ملت ایران و به جوان ایرانی بباورانند که شما نمی‌توانید بدون ارتباط و اتصال با قدرت‌های سلطه‌گر به جایی برسید. این خطر بزرگی است که امام(ره) به آن توجه داده‌اند.

آنها پیشرفت‌های عظیم ملت را انکار می‌کنند. انقلاب در طول این سی سال از موانع بسیاری گذشته است. در تاریخ انقلاب‌ها که انسان نگاه می‌کند، این همه موانع در راه یک ملت و یک انقلاب بسیار به ندرت دیده می‌شود و انقلاب‌ها معمولاً پشت این موانع می‌مانند و خود را تسلیم دشمن می‌کنند، (اما آنها) می‌خواهند این انگیزه را از ملت ایران بگیرند.

من به جوانان عزیزمان، جوانان دانشگاهی، جوانان حوزوی، جوانان فعال در صحنه صنعت یا کشاورزی یا علم یا هنر عرض می‌کنم: شما در نیمه راه هستید و آنچه از راه گذرانیده‌اید، با مشکلات بسیار بزرگی مواجه بوده است، اما توانسته‌اید. آن نیمه دیگر راه و آن بخش باقیمانده راه را که دشمن می‌خواهد نگذارد شما آن نیمه اصلی، نیمه آخر را طی کنید و به قله‌ها برسید، با عزم راسخ می‌توانید دنبال کنید، شما می‌توانید، همچنان که ثابت کرده‌اید که می‌توانید.» (۸۷/۳/۱٤)

سه‌شنبه ۳۰ تیر

اذان صبح: ٤:٢٣
طلوع آفتاب: ٦:٠٤
اذان ظهر: ١٣:١١
اذان مغرب: ٢٠:٣٨

٤ شوال ١٤٣٦
21 Jul 2015

قیام مردم مسلمان ایران
به رهبری آیت الله کاشانی
و به قدرت رسیدن مجدد
مصدق(۱۳۳۱ هش)
روز بزرگداشت آیت الله
سید ابوالقاسم کاشانی

تربیت هدفمند

روزهای جوانی، زمان گشوده شدن افق‌های جدیدِ ایده‌ها و آرمان‌هایِ متعدد برای نسل جوانی است که از رهگذر آشنایی با ابزارها و امکانات فن‌آوریِ جدید و مدرن، دریچه‌ای به وقایع و حقایق جهان پرگستره‌ی کنونی باز می‌کنند که در آن بزرگ‌ترین و کوچک‌ترین رویداد و رخدادی در کم‌ترین زمان ممکن در اختیار آنان قرار می‌گیرد. اما در این میان معادلات پیدا و پنهان فرهنگ‌ها و تعاملات گوناگون اندیشه‌ها در سطح جهانی، رهاوردی به ظاهر زیبا و زرین ولی در حقیقت زشت و زیانبار بوجود می‌آورد که در بسیاری از عرصه‌ها، افواج بی‌شماری از افراد فعال را به انفعال و سپس به ابتذال می‌کشاند و بالندگی، پویایی و پایداری آنان را به طور جدی تهدید می‌نماید.
این رخداد و یا بحران، چنان با ریشه‌ها و شیوه‌های گوناگونی رخ می‌دهد که گاه سیلاب‌ها و گرداب‌های حاصل از آن تا عصرها و نسل‌های بعدی باقی خواهد ماند، به گونه‌ای که تمامی هویت و شخصیت نسل جوان را دگرگون کرده و آن را در پیروی تمام عیار از رنگ‌ها و فرهنگ‌های وارداتی و مدها و مدل‌های ضد اخلاقی می‌دانند و به جای پویایی و پایداری، پیروی بی‌چون و چرا می‌نمایند و دیری نمی‌پاید که مفهوم زندگی تنها به زنده ماندن تغییر می‌یابد، بی‌آنکه بدانند چرا زندگی می‌کنند و چگونه باید زندگی کنند. و به جای تلاش برای ارزش‌های والای انسانی در سطح جامعه، تنها و تنها خوردن و خندیدن و دویدن و چرخیدن، آنهم از روزنه جنسیت نه انسانیت مطرح می‌شود! (موضوعات و شیوه‌های گفتگو با نسل جوان، ص ۱۴۳)

چهارشنبه ۳۱ تیر

اذان صبح: ٤:٢٤
طلوع آفتاب: ٦:٠٤
اذان ظهر: ١٣:١١
اذان مغرب: ٢٠:٣٧

٥ شوال ١٤٣٦
22 Jul 2015

جوان‌های ما مؤمن‌اند

به تحلیل برخی، روز به روز معنویت در کشور ما رو به افول است، اما در مقابل، نگاه نافذ رهبر معظم انقلاب خلاف آن را دیده و مطرح می‌کند. ایشان در ضمن بیاناتی می‌فرمایند:

«معنویت هم بحمد الله در کشور ما رو به رشد است. جوانان ما اهل ذکرند، اهل دعایند، اهل قرآنند، اهل اعتکافند. آن تعدادی از جوان‌ها در این کشور که اهل توجه به معنویتند، به نسبت، در جای دیگری ما سراغ نداریم، نشنیده‌ایم؛ و آنطور که از قرائن داریم مشاهده می‌کنیم، وجود ندارد این تعداد جوان مؤمن، علاقه‌مند، با این همه عوامل تخریب و اغوائی که برای جوان‌ها در سرتاسر دنیا امروز با وسائل مدرن دارند فراهم می‌کنند. جوان‌های ما مؤمنند، جوان‌های ما صالحند؛ این به کوری چشم دشمن است. دشمن می‌خواست پرچم حاکمیت اسلام و پیروزی اسلام را از دست این ملت بگیرد و آن را پائین بکشد؛ اما نه فقط این را نتوانست، بلکه علی رغم انف دشمن، کشور ما از لحاظ مادی و معنوی پیشرفت کرد و باز هم پیشرفت خواهد کرد. ان شاء الله روزی فرا خواهد رسید که اسلام و جوامع اسلامی و جوامع مسلمین برای دنیا نمونه‌های برجسته‌ای از پیشرفت مادی و معنوی، که مردم دنیا به آنها نگاه کنند و از آنها تقلید کنند؛ بلاتردید این روز خواهد آمد؛ و این به برکت قرآن خواهد بود.»
(۹۱/۴/۴)

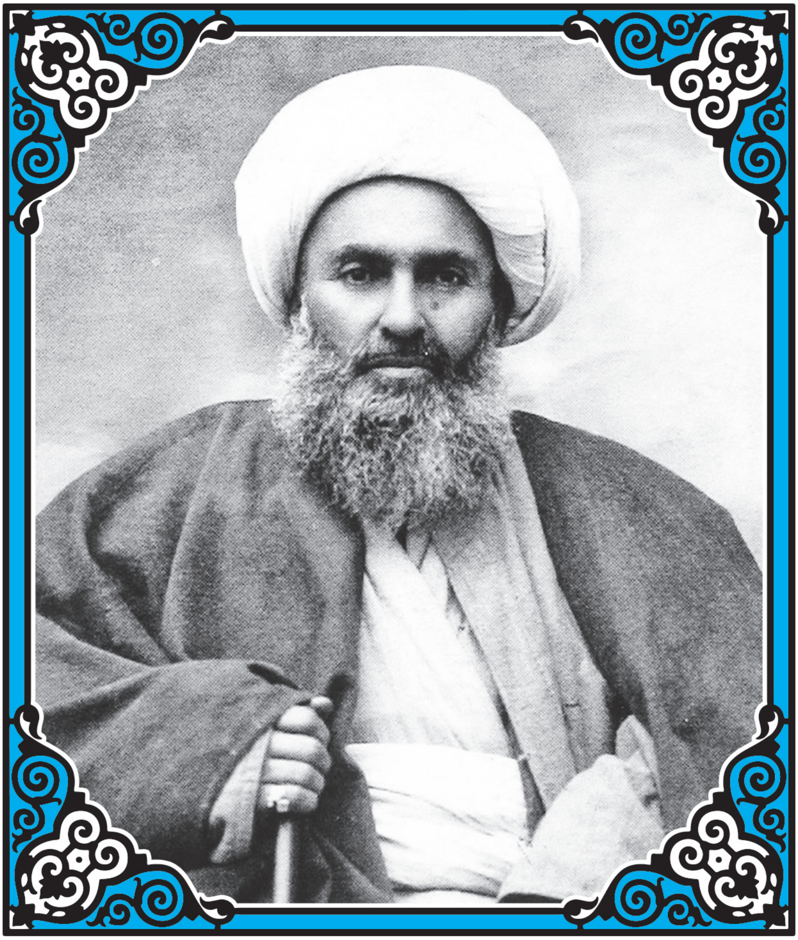

آیت الله شیخ فضل الله نوری

(امام جماعت مسجد نوری ها (شیخ فضل الله کنونی))

شهید شیخ فضل الله نوری عالمی بصیر و سیاست مداری تیزهوش بود، وی در جریان مشروطه تمام قد از اسلام و شریعت دفاع کرد و ذرّه ای هم از اصول اسلام دست برنداشت: «آیا هنوز هم معلوم مانشده که این عدّه قلیل به تدلیس و تلبیس می خواستند که قانون اسلام را تغییر بدهند... مگر دولت می تواند اعراض از قانون الهی بکند و خود را از آن خارج کند؟ اگر مقصود، حفظ مای اسلام و مسلمین بود، چرا عدلیه را مجمع اشخاص معلوم الحال کردند و چرا آن قاضی هتّاک لامذهب را به قضاوت فلان اداره مقرر نمودند و چرا به گرفتن رشوه... اسلام را خوار و ذلیل کردند و چرا میزان رفع خصومات را استنطاق ـ شکنجه ـ که قانون کافران است، معین کردند؟ اگر این اساس، جهت تقویت اسلام بود، چرا تمام اشخاص لاابالی در دین و فرق ضالّه از بهایی و ازلی و اشخاص فاسدالعقیده و دنیاخواهان جاهل و یهودی و نصاری و مجوسی و بت پرست های هندو و تمام ممالک کفر و کلیه فرق، طالب قوّت آن شده اند و تقویت نموده اند و محبوب القلوب تمام فرق ضالّه و مضلّه از طبیعیین و غیر هم شد؟ ای عزیز، اگر مقصود، تقویت اسلام بود، انگلیس حامی آن نمی شد. اگر مقصودشان عمل به قرآن بود، عوام را گول نزده، پناه به کفر نمی بردند و کافران را یار و محل اسرار خود قرار نمی دادند و حال آنکه چند آیه در کلام الله هست که می فرماید کفّار را ناصر و دوست و محل اسرار خود قرار ندهید.» «...برای عالم اسلام ننگ می دانم که در تاریخ کفر و اسلام بنویسند یک نفر از علمای اسلام، پس از هفتاد سال خدمت به جهان اسلام از ترس مرگ، پناهنده به سفارتخانهٔ فرنگ شده، برای من مرگ از این تحصّن خوش تر است»

پنج شنبه ۱ مرداد

اذان صبح: ۴:۲۵
طلوع آفتاب: ۶:۰۵
اذان ظهر: ۱۳:۱۱
اذان مغرب: ۲۰:۳۶

۶ شوال ۱۴۳۶

23 Jul 2015

درگذشت فقیه و عالم بزرگوار «آخوند ملاعلی همدانی» زعیم حوزه علمیه همدان (۱۳۵۷ ش)

جایگزین کردن اهداف جدید

یکی از نقطه ضعف‌هایی که برخی جوانان به آن مبتلا هستند، نگاه کوتاه مدت و میان برد به زندگی و اهداف زندگی می‌باشد که ناشی از شناخت اندک و تجربه ناچیز نسل جوان است و باعث می‌شود به هدف‌های ابتدایی یا میانی دلخوش شوند و از همین رو از دست‌یابی به اهداف عالی و نهایی که در نگاه و دیدگاه پیشوایان روشن اندیش و صاحب نظران نکته سنج ترسیم گردیده، باز بمانند و دیری نمی‌پاید که حسرت و افسوس گذشته را نصیب خود می‌سازند.

در چنین مواردی جا دارد تا ما و همه بزرگ‌ترهای خیرخواه، دوستانه و صمیمانه به جوانان تفهیم نماییم که چنانچه به موفقیتی دست یافتند، برای پرهیز از رکود و رخوت، با سرعت و دقت، هدف دیگری را جایگزین هدف قبلی نمایند و ضمناً با نشان دادن افق‌های دور دست و اهداف بلند مدت زندگی، آنها را در این انتخاب راهنمایی و یاری نموده و در نهایت به آنها توصیه نماییم که توانایی‌های خود را برای دستیابی به موفقیت بعدی بسیج سازند تا هرگز اسیر دل‌زدگی، یک نواختی و یا روزمرگی نشوند و همیشه پرشور و پرتوان به آینده بنگرند.

(موضوعات و شیوه‌های گفتگو با نسل جوان، ص ۸۳)

ورود قمر به عقرب۷:۳۰

جمـــعـه ۲ مـــرداد

اذان صبـــح: ٤:٢٦
طلوع آفتاب: ٦:٠٦
اذان ظهـــر: ١٣:١١
اذان مغـرب: ٢٠:٣٦

۷ شوال ١٤٣٦

24 Jul 2015

از سرنوشت دیگر جوانان عبرت بگیرید!

به صورت طبیعی، انسان‌ها خود را با دیگر افرادی که در شرایطی مشابه قرار دارند مقایسه می‌کنند تا میزان موفقیت یا عدم موفقیت خود را بسنجند. امروزه دنیای غرب با بزرگ‌نمایی رفاه و موفقیت‌های جوانانِ خود، سعی در جذب تمام جوانان جهان به سمت فرهنگ و الگوهای غربی دارد. در مقابل وظیفه مبلغین، نشان دادن واقعیت و روشن کردن نکات تاریک در مورد جوان در دنیای امروز است تا جوان مسلمان با عبرت گرفتن از سرنوشت آنها، مسیر خود را به درستی انتخاب کند. در همین راستا امام خامنه‌ای می‌فرمایند:

«اینکه شاید شما در بعضی از کتاب‌ها یا مقاله‌ها خوانده‌اید که در بعضی از کشورهای آمریکای لاتین یا شرق آسیا، نسل جوان غرق در فسادهای گوناگون است از مواد مخدر و سـکرآور و فسـاد جنسی، این‌طور نیست که روال کار از اول چنین بوده است؛ این سیاست پیاده شده است. متأسفانه در دوران ستم‌شاهی، ما هم از این قضیه برکنار نبودیم. در این کشور هم به دست خاندان خائن و سیه‌روی پهلوی و دستیارانشان، هرچه توانستند، این سیاست را پیاده کردند. البته کشورهای اسلامی خصوصیتی داشتند، که همان اسلام بود؛ و کشور ما در بین کشورهای اسلامی خصوصیت دیگری اضافه‌ی بر آن داشت، که آن روحانیت مردمی بود؛ و می‌دانید که در کشورهای دیگر اسلامی، به این شکلِ ایران نبوده، هنوز هم نیست. اسلام و تبلیغات اسلامی، جلوی آن موج سهمگین ایستاد. شعارهای انقلابی و حرکت کوبنده‌ی امام عالی مقام و عظیم الشّأن، کار را بر دشمن مشکل کرد.» (۷۰/۸/۱۵)

﴿يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَيْسِرُ وَ الْأَنْصابُ
وَ الْأَزْلامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [1]

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شراب و قمار و بت‌ها و ازلام [نوعی بخت‌آزمایی]، پلید و از عمل شیطان است، از آن‌ها دوری کنید تا رستگار شوید.

شأن نزول

در تفسیرهای شیعه و اهل تسنن[2] شأن نزول مختلفی برای این آیه شریفه آمده است؛ از جمله اینکه ابومسیره نقل کرده است که چون آیه تحریم شراب نازل شد، عمربن‌خطاب گفت: خداوندا، حکم شراب را برای ما روشن‌تر از این بیان کن! آن‌گاه این آیه نازل گردید: «يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِما إِثْمٌ كَبيرٌ». این آیه برای عمر خوانده شد، ولی او قانع نشد و عرضه داشت: خداوندا، حکم شراب را روشن‌تر بیان کن! این آیه فرود آمد: «يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لاتَقْرَبُوا الصَّلاةَ وَ أَنْتُمْ سُكارى».[3] ابومسیره می‌گوید: پس از نزول این آیه، مؤذن رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بعد از اذان با صدای بلند اعلام نمود: کسی با حالت مستی به نماز نزدیک نشود! این آیه که بر عمر خوانده شد، او برای بار سوم گفت: خدایا، حکم خمر را از این نیز روشن‌تر بیان فرما! تا اینکه آیات سوره مائده نازل شد و چون در انتهای آیه ۹۱ به جمله «فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ» رسید که «آیا از این عنصر فساد و خطرناک خودداری خواهید کرد؟»، عمر این ندای بیدارگر و جان‌فزا را شنید و با صدای بلند گفت: انتهینا، انتهینا.[4]

نکات تفسیری

۱ـ مرحوم علامه طباطبایی رحمه‌الله می‌فرماید: از اینکه حرمت شراب تدریجی بوده است، نمی‌توان نتیجه گرفت که قرآن در آیات اولیه، خوردن آن را جایز دانسته و سپس کراهت آن را بیان کرده و نهایتاً آن را منع کرده است و نیز نمی‌توان نتیجه گرفت که ابتدا آن را به صورت مبهم حرام کرده و بعدها به حرمت آن تصریح کرده است؛ بلکه ابتدا در سوره اعراف آیه ۳۳ تمامی زشتی‌ها، از جمله شراب را به صورت کلی، حرام اعلام کرده است و سپس در سوره بقره آیه ۲۱۹ به‌صورت خاص، حرمت آن را اعلام فرموده و در آیه مورد بحث با صراحت و لحنی شدید حرمت قطعی آن را بیان کرده است.[5]

۳ـ «رِجس» بنا بر آنچه راغب در مفردات گفته است، مانند نجس هر چیز پلیدی را گویند.[6]

۴ـ بدیهی است که منظور از حرمت خَمر و قمار و انصاب و ازلام، حرمت نوشیدن خَمر و بازی قمار و پرستش بت‌ها و برد و باخت با تیرهاست. این کارها پلید بوده، جنبه شیطانی دارند. اگرچه همه این‌ها مخلوق خدا هستند، لکن چیزهایی هستند که شیطان برای ایجاد فساد در میان مردم از آن‌ها استفاده می‌کند؛ مردم را به باده‌نوشی وامی‌دارد تا عقل از کفشان بازستاند و به قمار وامی‌دارد تا اخلاق زشت در میان آن‌ها رواج دهد و به بت‌پرستی وادار می‌کند تا آن‌ها را مشرک سازد و به برد و باخت با تیرها وا می‌دارد که خود نوعی از قمار است. حتی بازی کودکان با گردو نیز قمار است؛ از این جهت است که خداوند این‌ها را از اعمال پلید شیطان معرفی کرده است.[7]

حدیث

۱ـ هارون‌بن‌جهم می‌گوید: در خدمت امام صادق علیه‌السلام بودیم که ما را به مجلس یکی از سرهنگان منصور دوانیقی

دعوت کردند. بر سر سفره وقتی مهمانان مشغول خوردن غذا بودند، شخصی یک قدح آب طلب کرد؛ قدحی آوردند که در آن نوعی شراب با آب مخلوط بود؛ همین که قدح به دست آن مرد رسید، امام عليه‌السلام از جای حرکت نمود و فرمود: پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده است: ملعون است کسی که سر سفره‌ای بنشیند که شراب در آن باشد.[8]

۲ـ در الأمالی شیخ مفید از امام صادق عليه‌السلام نقل شده است که پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در پاسخ به سؤال گروهی درباره ایمان فرمود: زناکار در حال ایمان زنا نمی‌کند. سارق در حال ایمان دست به سرقت نمی‌زند و شراب‌خوار در حال داشتن ایمان شراب نمی‌نوشد.[9]

نتیجه‌گیری

در رأس اموری به چیزهایی که ادیان الهی حرام کرده‌اند، شراب و قمار است؛ زیرا این دو، عقل و اراده انسان را به پایین‌ترین سطح خود تنزل می‌دهند و سبب نقصان عقل و ضعف اراده می‌شوند. رستگاری بالاترین هدف هر انسانی در زندگی است و آن تحقق نمی‌یابد مگر با سیطره بر شهوات، آن هم به نیروی اراده.[10]

بسیاری از پزشکان صاحب‌نظر و مفسران درباره زیان‌های شراب و شراب‌خواری مطالب زیادی نوشته و با شگفتی از قرآن یاد کرده‌اند؛زیرا قبل از اسلام شراب‌خواری عادتی رایج در جوامع بوده است، چنان‌که در عصر حاضر نیز در بسیاری از کشورهای غیرمسلمان این‌گونه است. قرآن کریم نسبت به سایر کتاب‌های آسمانی، به بهترین وجه با این پدیده زیان‌آور برخورد کرده و این حکم قرآن خود از خدمات اعجازآمیز آن به بشریت است.[11]

پی‌نوشت

۱ . مائده: ۹۰. ■ ۲ . حافظ ابوداود، سنن، ج۲، ص۱۲۹؛ أحمدبن‌حنبل، مسند، ج۲، ص۳۵۱؛ ابوعیسی ترمذی، الجامع الصّحیح، ج۱، ص۳۴۲؛ محمدبن‌ماجه، سنن ج۲، ص۳۳۲؛ احمدبن‌شعیب نسائی، سنن، ج۸، ص۳۰؛ احمدبن‌حسین‌بیهقی، السنن الکبری، ج۸، ص۲۹۶. ■ ۳ . نساء: ۴۳. ■ ۴ . سیدبن‌قطب، فی ظلال القرآن، ج۲، ص۶۶۵. ■ ۵ . محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج۶، ص۱۱. ■ ۶ . راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص۱۸۸. ■ ۷ . فضل‌بن‌حسن‌طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص۳۷. ■ ۸ . محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج۴۷، ص۴۰. ■ ۹. محمدبن‌یعقوب کلینی، الکافی، ج۲، ص۲۸۲. ■ ۱۰.سیدمحمدتقی مدرسی، تفسیر هدایت، ج۲، ص۳۹۱. ■ ۱۱ . دائرة المعارف قرآن کریم، ج۳، ص۶۰۷.

پیشنهادهای اجرایی هفته

- برگزاری مراسم عزاداری به مناسبت سالروز تخریب قبور شریف ائمه بقیع علیهم السلام توسط وهابیت
- مراسم توسل به اهل بیت علیهم السلام و جمع آوری صدقه به مناسبت اول ماه قمری
- جلسه با هیئت امنای مسجد
- گرامیداشت سالگرد اقامه اولین نماز جمعه تهران و تبیین اهمیت حضور در نماز جمعه
- برگزاری دعای توسل (سه شنبه)
- برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید
- برگزاری دعای کمیل (پنج شنبه)
- برگزاری دعای ندبه (جمعه)
- حضور دسته جمعی اهالی مسجد در نماز جمعه هفته
- شرکت دسته جمعی اهالی مسجد برای اهدای خون در روز اهدای خون

دعاها و زیارات مهدوی

این ادعیه بر دو قسم است:

الف. ادعیه و زیاراتی که از حضرت مهدی ﷺ نقل شده است و در عصر غیبت صغرا، به وسیله نائبان خاصِ حضرت به دست شیعه رسیده است؛ مانند زیارت آل یاسین و دعای فرج.

ب. ادعیه و زیاراتی که از معصومان و درباره امام مهدی ﷺ نقل شده است؛ مثل دعای عهد و زیارت صاحب الامر، در سرداب مقدس سامراء.[1]

زیارتِ آن بزرگوار و توسّل به ایشان، زمان و مکان خاصی ندارد. شیعیان و منتظران، در هر زمان و مکانی می‌توانند با او نجوایی داشته و عهد و پیمان خود را با او تجدید نمایند؛ گرچه از روزهای هفته، روز جمعه مطابق روایات به امام عصر، اختصاص یافته است.[2] بنابراین برای این روز، زیارتی خاص نقل شده است که با عنوان زیارت امام زمان در روز جمعه خوانده می‌شود.[3]

از میان دُعاها، «دعای ندبه» نیز برای روز جمعه وارد شده است و نیز در اوقات شبانه‌روز، زیارتی برای آن حضرت پس از نماز صبح ذکر شده است.[4]

در میان مکان‌ها، نیز باید گفت زیارت امام در هر مکانی به ویژه مکان‌های مقدّس ـ مانند مساجد و مشاهد مشرّفه معصومان ﷺ ـ مناسب است؛ ولی در سرداب مقدس سامراء، زیارت خاصی روایت شده است.

گفتنی است که در برخی از روایات، توسّل به ساحت قدسی امام عصر ﷻ، در قالب نماز امام زمان، با آداب خاصی وارد شده است که در مسجد سهله[5] و مسجد جمکران[6] و یا مکان‌های دیگر انجام می‌شود.

در کتب سید بن طاووس و علامه مجلسی و شیخ عباس قمی،[7] دعاها و زیارات بسیاری برای امام زمان نقل شده است[8] که مواردی از آن‌ها مورد توجّه و توصیه خاص آن عالمان بوده و در میان شیعیان شهرت بیشتری یافته است.

در اینجا فهرست کوتاهی از ادعیه و زیارات مهدوی نقل می‌شود:

۱. زیارت امام زمان، در روز جمعه ؛ ۲. زیارت آل یاسین ؛ ۳. زیارت امام

زمان، در سرداب مقدس سامراء ؛ ۴. استغاثه به امام زمان عليه‌السلام ؛ ۵. صلوات بر ولیّ الامر المنتظر ؛ ۶. دعای فرج حضرت حجّت (الهی عظم البلاء) ؛ ۷. دعای سلامتی امام زمان (اللهم کن لولیک) ؛ ۸. دعای «اللهم ارزقنا توفیقَ الطاعة» ؛ ۹. دعای ندبه ؛ ۱۰. دعای عهد ؛ ۱۱. دعای امام رضا عليه‌السلام برای امام زمان؛ ۱۲. دعای غیبت امام زمان عليه‌السلام

برکات ادعیه و زیارات

۱. آثار معرفتی

از آنجا که دعاهای معصومان، از قلّه علم و معرفت الهی ایشان سرچشمه گرفته و بر قلب طاهر و لسان صادق ایشان جاری گشته است، در جای جای آن، عقاید و معارف حق بیان شده است که خواننده دعا را از این جاری زلال، سیراب می کند.

۲. آثار عملی و رفتاری

معانی بلندی که در ادعیه و زیارات آمده است، می تواند آثار عملی فراوانی برای شیعه منتظر به همراه داشته باشد؛ به شرط اینکه در هنگام دعا و زیارت، حالت توجّه و انس و ارتباط قلبی در او ایجاد شود و درباره آنچه می گوید و زمزمه می کند، بیندیشد و زبان و قلبش هماهنگ باشد.

۳. آثار عاطفی و قلبی

از مهم‌ترین آثار ادعیه و زیارات مهدوی که به روشنی حس می‌شود و دعاکننده به شرط توجه و حضور قلبی، آن را با همه وجود لمس می کند، آثار عاطفی و قلبی است.

٤. آثار اجتماعی

در پرتو دعاها و مناجات‌های مهدوی، می‌توان به روابط اجتماعی بهتر دست یافت. شیعه منتظر با الهام گرفتن از کلمات معصومان و راهی که آن‌ها ترسیم کرده‌اند، خود را در برابر برادران و همنوعان خود، متعهد می‌داند.

پی‌نوشت

۱. این سرداب در منزل امام عسکری عليه‌السلام در سامراء قرار داشته که محل عبادت آن حضرت نیز بوده است. ■ ۲. بحار الانوار، ج۷، ص۵۹، ح۳. ■ ۳. این زیارت با این فرازها شروع می‌شود: السّلام علیک یا حجة الله فی أرضه، السلام علیک یا عین الله فی خلقه، السلام علیک یا نور الله الذی یهتدی به المهتدون و یفرّج به عن المؤمنین... (مفاتیح الجنان،فصل پنجم، زیارات ائمه عليهم‌السلام در ایام هفته) ■ ۴. این زیارت در مفاتیح الجنان پس از دعای ندبه، نقل شده است. ■ ۵. مسجد سهله از مساجد بسیار مهم و مقدس است که مطابق روایات، منزل امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در دوره ظهور خواهد بود و از دیرزمان، مورد توجه امامان عليهم‌السلام و نیز علمای شیعه بوده است و برای عبادت و نماز و دعا ویژ گی و آداب خاصی دارد. ■ ۶. مسجد جمکران در نزدیکی شهر قم است که طبق نقل شیخ صدوق در کتاب تاریخ قم به دستور امام عصر عليه‌السلام بنا شده است و در طول سالیان متمادی مورد توجه علما و صالحان بوده است. ■ ۷. کتاب سید بن طاووس اقبال و کتاب مرحوم مجلسی زاد المعاد نام دارد و مفاتیح الجنان نیز تألیف شیخ عباس قمی است که معروف‌ترین کتاب ادعیه و زیارات و اعمال است. ■ ۸. بعضی از معاصران، مجموعه ادعیه و زیارات مهدوی را در صحیفه‌ای با عنوان صحیفه مهدیّه گردآوری کرده‌اند.

سالروز تخریب بقاع ائمه بقیع علیهم السلام

شنبه ۳ مرداد

اذان صبح: ۴:۲۷
طلوع آفتاب: ۶:۰۷
اذان ظهر: ۱۳:۱۱
اذان مغرب: ۲۰:۳۵

۸ شوال ۱۴۳۶

25 Jul 2015

حرمت تبرک و توسل!

یکی از فتاوای فقهی وهابیان حرمت سفر برای زیارت قبور پیامبران و صالحان و حرمت تبرک و توسل به آنان و ساختن حرم و بارگاه بر قبور آنهاست. مرحوم آیت الله امین عاملی در کتاب خود پیرامون عقاید وهابیان می‌نویسد: «اعتقاد وهابیان درباره عموم مسلمانان این است که مسلمین پس از ایمان به کفر برگشته‌اند و پس از توحید به شرك گراییده‌اند. زیرا آنان در دین بدعت گذاشته‌اند و به جهت زیارت و تبرك جستن به انبیاء و صالحین به کفر و شرك روی آورده‌اند، لذا جنگ با آنان واجب و ریختن خون آنان و تصرف اموالشان بر مسلمانان (وهابیان) حلال است» بر این اساس بود که آنها به هر جا و به هر شهر و دیاری دست می‌یافتند قبل از هر چیز به تخریب مشاهد شریفه و بقاع متبرکه می‌پرداختند. کشتار وهابیان در عتبات عالیات صفحه‌ای سیاه در تاریخ اسلام است. در سال ۱۲۱۶ هـ. ق امیر سعود با لشگری بسیار به شهر کربلا حمله‌ور شدند. تعداد بیست هزار نفر از اهالی کربلا و زوار کشته شدند و خزانه حرم و تمام تزئینات و جواهرات حرم به تاراج رفت. هم‌چنین آنان به هنگام تسلط بر طائف و مکه قبور جد و عموی پیامبر ﷺ، خدیجه همسر پیامبر ﷺ و بسیاری از اماکن مقدسه را ویران کردند. در ماه رمضان ۱۳۴۴ هـ. ق وارد مدینه شدند و پس از گذشت چند روز در هشتم شوال گنبد و بارگاه ائمه معصومین علیهم السلام در بقیع را به کلی منهدم کردند. (منبع مصاحبه رسا با محمد صادق نجمی مولف کتاب تاریخ حرم ائمه بقیع)

خروج قمر از عقرب ۱۶:۱۹

یکشنبه ۴ مرداد

اذان صبح: ٤:٢٨
طلوع آفتاب: ٦:٠٧
اذان ظهر: ١٣:١١
اذان مغرب: ٢٠:٣٤

٩ شوال ١٤٣٦
26 Jul 2015

اصل تسهیل

در آیات و روایات معصومین علیهم‌السلام فراوان تصریح شده است که بنای اسلام بر سهل گرفتن است. خصوصاً در مواردی که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله با افراد تازه مسلمان سر و کار داشتند، از نرمش و تسهیل بیشتری در رفتار خود استفاده کرده و به اطرافیان نیز همین توصیه را می‌نمودند. در روایتی آمده است، هنگامی که پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله «معاذ بن جبل» را به سوی یمن فرستاد، به او فرمود: «یَسِّرُوا وَ لَا تُعَسِّرُوا وَ خَفِّفُوا وَ لَا تُثَقِّلُوا؛ (غرر الحکم، ص ۸۱۰)

و در روایتی دیگر آمده که در زمان حجة الوداع و آموزش احکام حج به مردم، هنگامی که جمع کثیری از مسلمانان به ایشان رجوع کرده و بیان کردند که اعمال حج را جابه‌جا و بدون نظم لازم انجام داده‌اند، نبی مکرم به آنها فرمودند: «لا حَرَجَ لا حَرَجَ» (کافی، ج ۴، ص ۵۰۴)

بنابراین مربیان و مبلغان دینی در مقام برخورد با جوانان، که در بسیاری موارد به تازگی رو به سوی معارف دینی آورده‌اند، باید مراقب دو نکته باشند:

اول آنکه در عمل به معارف دین، سخت‌گیری‌های بی‌جا نداشته باشند؛ و دوم اینکه آنقدر سهل و آسان نگیرند که احکام الهی بر زمین بماند و کسی به آنها عمل نکند و واجبات الهی همانند مستحبات به چشم بیایند. بلکه برای جذب جوانان در ابتدا باید اصل آسان گیری رعایت شود تا سبب علاقه‌مندی و تداوم آنها در مسیر دین گردد.

(با تصرف از کتاب «شیوه جذب جوانان»، محمد اسماعیلی مبارکه)

دوشنبه ۵ مرداد

اذان صبح: ۴:۲۹
طلوع آفتاب: ۶:۰۸
اذان ظهر: ۱۳:۱۱
اذان مغرب: ۲۰:۳۳

۱۰ شوال ۱۴۳۶
27 Jul 2015

سالروز عملیات افتخار آفرین مرصاد (۱۳۶۷ هش)
اقامه اولین نماز جمعه رسمی جمهوری اسلامی ایران به امامت آیت الله طالقانی(۱۳۵۸ هش)

خداوند او را پریشان می کند...

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند: «خداوند، نمازجمعه را بر شما واجب کرد. هرکس آن را در حیات من یا پس از وفات من، از روی سبک شمردن، و یا انکار رها سازد، خداوند، او را پریشان می کند، و به کارش برکت نمی دهد. بدانید! نمازش پذیرفته نمی شود. بدانید! بدانید! زکاتش را قبول نمی کنند. بدانید! حجش، قبول نیست، بدانید! کارهای نیک او قبول نخواهد شد تا آنکه توبه کند و دیگر نمازجمعه را رها نکند، سبک نشمارد، و منکر نشود» (وسایل الشیعه، ج ۵ ص ۷).

امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «مردم شرکت کننده در نماز جمعه، سه دسته هستند: دسته‌ای قبل از امام در نماز جمعه شرکت می کنند، در حالی که سکوت کرده و به خطبه ها گوش می دهند، شرکت آن ها در نماز جمعه، کفاره گناهان آن ها از این جمعه تا جمعه آینده است، به اضافه سه روز. دسته دیگر کسانی هستند که در نماز جمعه شرکت می کنند، در حالی که مشغول صحبت و حرکت هستند، بهره آن ها از نماز جمعه، صحبت با دوستان و نشستن با آن هاست. دسته سوم، هنگامی که امام جمعه، به خطبه مشغول می شود، به نماز مشغول می‌شوند، آنها نیز بر خلاف سنت عمل کرده‌اند، آنها از کسانی هستند که اگر چیزی از خداوند بخواهند، اگر بخواهد عطا کرده و اگر بخواهد محرومشان سازد» (بحارالانوار، ج ۸۶ ص ۱۹۸).

روز کار آفرینی و
آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

سه‌شنبه ۶ مرداد

اذان صبح: ۴:۳۰
طلوع آفتاب: ۶:۰۹
اذان ظهر: ۱۳:۱۱
اذان مغرب: ۲۰:۳۲

۱۱ شوال ۱۴۳۶
28 Jul 2015

موتور پیش برنده ملت...

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): يك نكته‌ی دیگر در وصیتنامه‌ی امام بزرگوار هشدار به جوان‌هاست در مقابل توطئه‌هائی که هدف و آماج آن فقط جوان‌ها هستند. جوان یك کشور اگر بخواهد مثل موتور پیش برنده‌ای آن ملت را پیش ببرد، احتیاج دارد به اینکه سرحال، بانشاط، تندرست، قوی و دلبسته‌ی به کار و پیشرفت باشد. برای اینکه این روحیه را در جوان ایرانی از بین ببرند، تلاش می‌کنند با توطئه‌های گوناگون؛ با ترویج فساد، با ترویج فحشاء، با ترویج مواد مخدر، با باندهای هدایت شده، جوان ایرانی را منصرف کنند. جوان ایرانی باید بهوش باشد. آن جوانی که سرگرم مسائل شهوانی جنسی باشد یا اسیر مواد مخدر باشد، نه حال کار کردن دارد، نه حوصله‌ی فکر کردن دارد، نه نیروی کار کردن دارد، نه ابتکار دارد، نه عزم و اراده‌ی راسخ و لازم را دارد. امروز مبارزه‌ی با توطئه‌های سازمان یافته برای کشاندن جوان ایرانی به شهوات، به مواد مخدر، به سرگرمی‌های گوناگون جنسی، يك توطئه‌ی بسیار خطرناکی است. مبارزه‌ی با آن در درجه‌ی اول بر عهده‌ی خودِ آحاد ملت، بخصوص جوان‌هاست. جوان‌ها باید هوشیار باشند. دشمن دانسته است که تقوا و پرهیزگاری جوان ایرانی و دینداریِ جوان ایرانی به پیشرفت او در میدان‌های مختلف کمك می‌کند؛ می‌خواهد این را تضعیف کند. (۸۷/۳/۱۴)

درگذشت دانشمند بی‌نظیر، شیخ بهایی (۱۰۳۰ ه ق)

الگوی موقت و الگوی دائم!

نخست، خودِ پدر و مادر باید به عنوان الگوهای مناسب تربیتی نسبت به فرزندان ایفای نقش کنند و سپس رهبران دینی و به خصوص معصومین ﷺ را به عنوان الگوهای جاوید و تأثیرگذار در زندگی فردی و اجتماعی انسان معرفی نمایند. الگودهی از روش‌های کارساز و مؤثر در فرایند تربیت است که کودکان و نوجوانان سعی می‌کنند تا خود را با کسی که او را برتر می‌دانند، در گفتار و رفتار منطبق سازند. الگوپذیری در واقع بر اساس کمال‌طلبی انسان صورت می‌گیرد که یک گرایش فطری در نهاد بشر است. هر قدر الگوی ارائه شده از کمالات بیشتری برخوردار باشد، بیشتر مورد توجه واقع می‌شود و فرد بیشتر سعی می‌کند خود را با او هماهنگ سازد. ساختار وجود انسان به گونه‌ای است که همواره تحت تأثیر عوامل بیرونی قرار دارد و به نوعی از آنها متأثر می‌شود. این تأثیرپذیری یک امر ذاتی و فطری است که به سرشت و شالوده وجودی انسان برمی‌گردد. روی آوردن انسان به الگوها و همانندسازی خود با آنان، از دوره کودکی آغاز و در دوره‌های نوجوانی و جوانی به بالاترین سطح خود می‌رسد. الگوپذیری انسان نیز، از محیط خانواده آغاز می‌گردد و سپس در مدرسه و اجتماع ادامه می‌یابد و در نهایت باید با وصل شدن به الگوهایی بی‌نقص همچون معصومین ﷺ به اوج و غایت خود برسد.

(با تلخیص و تصرف از کتاب سیره اخلاقی و تربیتی معصومین ﷺ)

پنج‌شنبه ۸ مرداد

اذان صبح:	٤:٣٢
طلوع آفتاب:	٦:١٠
اذان ظهر:	١٣:١١
اذان مغرب:	٢٠:٣١

١٣ شوال ١٤٣٦

30 Jul 2015

روز بزرگداشت شیخ شهاب‌الدین سهروردی (شیخ اشراق)
درگذشت آیت الله مشکینی، رئیس مجلس خبرگان رهبری (١٣٨٦ هـ ش)

علم و دین همراه یکدیگر

در فضای امروز که کسب علم و دانش، اصلی‌ترین ابزار کسب برتری و احترام شمرده شده و اکثر جوانان در حال تحصیل علوم مختلف هستند، تأکید بر همراهی دین اسلام با علم و دانش، از جاذبه‌دارترین جلوه‌های تبلیغ دین می‌باشد. سفارش مکرر اسلام بر علم‌آموزی و کسب معرفت و بصیرت است. این تأکیدِ اسلام بر علم‌آموزی از برای آن است که بیان کند دین اسلام، حق است و اگر مردم دنیا عالِم باشند به حقانیت آن سریع‌تر پی خواهند برد و در مقابل، عقاید خرافی و باطل هستند که طرفداران خود را از علم‌آموزی دور نگه می‌دارند تا به بطلان آن عقاید پوچ پی نبرند. «تِلْكَ آيَاتُ الْكِتابِ وَ الَّذى أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ» (رعد-١) «این است آیات کتاب خدا و قرآنی که به حق و راستی، بر تو از جانب پروردگارت نازل گردید.»

تفکر جدایی دین و علم در غرب، از افکار مسموم و خطرناکی است که جوانان را تهدید می‌کند. در حالی که اسلام می‌گوید: «العِلمُ وَ الدینُ تَوأمَانِ إذا افتَرَقَا اِحتَرَقَا؛ (نهج الفصاحه، ص۴۸) علم و دین با هم هستند. هرگاه از یکدیگر جدا شوند، آتش می‌زنند.»

بنابراین مناسب است تا در برابر موج تبلیغات ضد دینی که اسلام را مجموعه‌ای از عقاید خشک و متعصبانه معرفی می‌کنند، با استفاده از کتبی مانند «علل الشرایع» شیخ صدوق، و تبیین علمی و دقیق دین، به دفاع از منطق اسلام و قرآن بپردازیم و چنین شبهاتی را از ذهن جوانان بزداییم.

(با تصرف از کتاب «شیوه جذب جوانان»، محمد اسماعیلی مبارکه)

روز اهدای خون

جمعه ۹ مرداد

اذان صبح: ٤:٣٤
طلوع آفتاب: ٦:١١
اذان ظهر: ١٣:١١
اذان مغرب: ٢٠:٣٠

١٤ شوال ١٤٣٦
31 Jul 2015

تشویق خوب و اثرگذار

استاد ابراهیم امینی در جلد دوّم کتاب «اسلام و تعلیم و تربیت» درباره تشویق و برخی نکات مهم مربوط به آن چنین می‌گوید:
۱) اخلاق و رفتار نیك فرد مورد ستایش قرار گیرند نه خود او؛ ۲) تشویق به صورت جزئی و واقعی باشد نه به صورت کلّی و بیش از حدّ؛ ۳) گاه‌گاهی در برابر کارهای ممتاز باشد نه به صورت دائم و برای هر کاری؛ ۴) در تشویق نباید دیگری را مورد انتقاد و مقایسه قرار داد؛ ۵) زیاده‌روی در تشویق موجب غرور و خودبزرگ‌بینی می‌شود؛ ۶) تشویق با ارزش کار فرد متناسب باشد؛ ۷) پاداش در برابر فعّالیّت‌های او انجام شود، نه در برابر موهبت‌های ذاتی او؛ ۸) در تشویق نباید اغراق کرد.
اگر در مسجد مسئولیّت‌هایی به جوانان سپرده می‌شود، در کنار آن باید ارزش زحمات و کارهای مفیدشان را نیز درك کرده از آنان تشکّر و قدردانی کرد. در این سنین افراد نیاز دارند که اطرافیان بیشتر رفتارهای مناسب‌شان را ببینند و مورد توجّه و قدردانی قرار گیرند. در غیر این صورت، ممکن است دچار یأس و ناامیدی شوند و از ادامه فعّالیّت و تلاش سرباززنند.

﴿وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرى فَإِنَّ لَهُ مَعيشَةً ضَنْكاً وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ أَعْمى﴾[1]؛ و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت؛ و روز قیامت، او را نابینا محشور می کنیم!

نکات تفسیری

۱ـ کسی که از قرآن و دلالت‌های آن اعراض کند و در آن دقت نکند، گرفتار معیشت تنگ خواهد شد. یعنی خدا روزی او را به سختی می‌دهد و این کیفر اعراض اوست. اگر هم به او رزق فراوان دهد، نمی‌تواند از آن بهره‌مند گردد. به علاوه این که حرص و تلاش زیاد برای کسب مازاد بر معیشت، او را به رنج و سختی مبتلا خواهد کرد.

برخی گویند: یعنی زندگیش ناگوار است؛ زیرا همیشه از آینده بیمناک است. برخی گویند: یعنی گرفتار روزی حرام می‌شود و نتیجه آن، کیفر اخروی است. برخی گویند: یعنی گرفتار زندگی کوتاه و ناگواری‌های این جهان می‌شود و از زندگی آسوده و لذائذ بهشت محروم می گردد.

«وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ أَعْمى»: روز قیامت هم کور محشورش می کنیم، یعنی چنان محشورش می کنیم که نسبت به دلیل و حجت، کور خواهد بود. اما مانعی نیست که مراد همان کوری چشم باشد. برخی نیز گویند: هنگامی که از قبر خارج می‌شود، بیناست اما در صحرای محشر نابیناست.[2]

۲ـ کلمه«معیشت» از همان عیش مشتق می گردد و معنایش آن چیزهایی است که با آن تعیش می‌شود و در قرآن هم آمده و فرموده «نَحْنُ قَسَمْنا بَيْنَهُمْ مَعيشَتَهُمْ فِي الْحَياةِ الدُّنْيا»[3] و نیز فرموده: «مَعيشَةً ضَنْكاً» کلمه «ضنک» در هر چیزی که به کار رود، تنگی آن را می‌رساند. از جمله «فَمَنِ اتَّبَعَ هُدایَ»[4] در آیه قبل این نتیجه به دست می آید که علت تنگی معیشت در دنیا و کوری در روز قیامت، فراموش کردن خدا و اعراض از هدایت اوست. در نتیجه هر که در دنیا خدا را فراموش کند، او هم در آخرت وی را فراموش می کند. چناچه فرمود: «قالَ كَذلِكَ أَتَتْكَ ءایاتُنا فَنَسيتَها وَ كَذلِكَ الْيَوْمَ تُنْسى.»[5][6]

۳ـ چه ارتباطی بین معیشت ظنک و اعراض از یاد خداوند وجود دارد؟

کسی که خدا را فراموش کند و با او قطع رابطه نماید، دیگر چیزی غیر دنیا نمی‌ماند که وی به آن دل ببندد و آن را مطلوب یگانه خود قرار دهد، در نتیجه همه کوشش‌های خود را منحصر در آن می کند و فقط به اصلاح زندگی دنیائیش می‌پردازد و روز به روز آن را توسعه بیشتری داده، به تمتّع از آن سرگرم می‌شود، در حالی که این معیشت، او را آرام نمی کند، چه‌کم باشد و چه زیاد؛ زیرا هر چه از آن به دست آورد، به آن حد قانع نگشته و به آن راضی نمی‌شود و دائماً چشم به اضافه‌تر از آن می‌دوزد، بدون اینکه این حرص و عطش به جایی منتهی شود. پس چنین کسی دائماً در فقر و تنگی به سر می‌برد و همیشه در دل علاقه‌مند به چیزی است که ندارد. صرف‌نظر از غم و اندوه و قلق و اضطراب و ترسی که از نزول آفات و روی آوردن ناملایمات و فرا رسیدن مرگ و بیماری دارد و صرف‌نظر از اضطرابی که از شرّ حسودان و کید دشمنان دارد. بنابراین او علی الدّوام در میان آرزوهای بر آورده نشده و ترس از فراق آنچه بر آورده شده، به سر می‌برد.

در حالی که اگر مقام پروردگار خود را می‌شناخت و به یاد او بود و او را فراموش نمی‌کرد، یقین می‌کرد که نزد پروردگار خود حیاتی دارد که آمیخته با مرگ نیست، ملکی دارد که زوال پذیر نیست، عزّتی دارد که مشوب با ذلّت نیست، فرح و سرور و رفعت و کرامتی دارد که هیچ مقیاسی نتواند اندازه‌اش را تعیین کند و یا سر آمدی آن را به آخر برساند و نیز یقین می‌کند که دنیا، دار اعتبار است و حیات و زندگی دنیا در مقابل آخرت، پشیزی بیش نیست. اگر او این معرفت را پیدا کند، دلش به آنچه خدا تقدیرش کرده قانع می‌شود و معیشتش هر چه باشد، برایش فراخ گشته، دیگر روی تنگی و ضنک را نمی‌بیند.

جای هیچ تردیدی نیست که مؤمن، حیات حرّ و سعیدی دارد که در هر دو حال غنا و فقر، سعید است؛ هر چند که فقرش به حدّ عفاف و کفاف و کمتر از آن باشد، ولی کافر دارای چنین حیاتی نیست و زندگی او در دو کلمه خلاصه می‌شود، نارضایتی نسبت به آنچه دارد و دل‌بستگی به آنچه ندارد، این است معنای زندگی تنگ.

در جواب کسانی که معیشت ضنک را مربوط به عذاب قبر و آخرت می‌دانند، باید گفت: بله عذاب قبر هم، خود یکی از مصادیق آن است، چون آیه شریفه متعرض دو نشئه شده است. جمله «فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً» متعرض بیان حال کفّار در دنیا و جمله «وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ أَعْمى» متعرض حال آنان در آخرت است، پس ناگزیر باید گفت زندگی برزخ دنباله زندگی دنیا است. منظور از «نحشره یوم القیامه اعمی» همان کوری حس باصره است. البته نظام آخرت غیر از دنیاست. بنابراین باید با توجه به آن نظام، این آیات را تفسیر نمود.[7]

۲ ـ گاه پیش می‌آید که درهای زندگی به روی انسان به کلی بسته می‌شود و او دست به هر کاری میزند، با درهای بسته رو به رو می‌گردد، گاهی به عکس به هر جا روی می‌آورد، خود را در برابر درهای گشوده می‌بیند، مقدمات هر کار فراهم است و بن‌بست و گرهی در برابر او نیست، از این حال تعبیر به وسعت زندگی و از اولی به ضیق یا تنگی معیشت تعبیر می‌شود، منظور از «معیشت ضنک» که در آیات بالا آمد، نیز همین است.

گاهی تنگی معیشت به خاطر این نیست که درآمد کمی دارد، ای بسا پول و درآمد انسان هنگفت است، ولی بخل و حرص و آز، زندگی را بر او تنگ می‌کند. نه تنها میل ندارد در خانه‌اش باز باشد و دیگران از زندگی او استفاده کنند، بلکه گویی نمی‌خواهد آن را به روی خویش بگشاید، به فرموده علی عليه‌السلام «همچون فقیران زندگی می‌کند و همانند اغنیاء و ثروتمندان حساب پس می‌دهد».

راستی چرا انسان گرفتار این تنگناها می‌شود، بنابه آیات قرآن، عامل اصلی این امر، اعراض از یاد حق است. یاد خدا، مایه آرامش جان و تقوا و شهامت است و فراموش کردن او، مایه اضطراب و ترس و نگرانی است.

هنگامی که انسان مسئولیت‌ها را، به دنبال فراموش کردن یاد خدا به فراموشی بسپارد، غرق در شهوات و حرص و طمع می‌گردد. پیدا است که نصیب او معیشت ضنک خواهد بود، نه قناعتی که جان او را پر کند، نه توجه به معنویت که به او غنای روحی دهد و نه اخلاقی که او را در برابر طغیان شهوات باز دارد.

اصولاً تنگی در زندگی، بیشتر به خاطر کمبودهای معنوی و نبودن غنای روحی است؛ به خاطر عدم اطمینان به آینده و ترس از نابود شدن امکانات موجود و وابستگی بیش از حدّ به جهان ماده است. در حالیکه آن کس که ایمان به خدا دارد و دل به ذات پاک او بسته، از همه این نگرانی‌ها در امان است.[8]

حدیث

عن النّبی صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم أنّه قال: و من قرأ القرآن و لم یعمل به، حشره الله - عزّ و جلّ - یوم القیامۀ أعمی فیقول: رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِی أَعْمی وَ قَدْ کُنْتُ بَصِیراً، قالَ کَذلِکَ أَتَتْکَ آیاتُنا فَنَسِیتَها وَ کَذلِکَ الْیَوْمَ تُنْسی.[9]

و هر که قرآن بخواند و بدان عمل نکند خدای عزّ و جلّ در قیامت او را کور محشور کند و او گوید پروردگارا چرا مرا کور محشور کردی، با اینکه بینا بودم! خدا می‌فرماید: «همان گونه که آیات من برای تو عرضه شد و تو آنها را فراموش کردی؛ امروز نیز تو فراموش خواهی شد!

۲ ـ وَ قَدْ رُوِیَ عَنْ مُعَاوِیَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ علیه السلام عَنْ رَجُلٍ لَمْ یَحُجَّ وَ لَهُ مَالٌ قَالَ هُوَ مِمَّنْ قَالَ اللهُ تَعَالَی وَ نَحْشُرُهُ یَوْمَ الْقِیامَةِ أَعْمی فَقُلْتُ سُبْحَانَ اللهِ أَعْمَی قَالَ أَعْمَاهُ اللهُ عَنْ طَرِیقِ الْحَقِّ.[۱۰]

معاویة بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام در باره مردی سؤال کردم که حج نکرده و دارای ثروت است.

فرمود: او از کسانی است که خدا درباره‌شان می‌فرماید: «وَ نَحْشُرُهُ یَوْمَ الْقِیامَةِ أَعْمی».

گفتم: سبحان الله! اعمی است؟! فرمود: خدا او را از راه حق، نابینا کرده است.

این روایت مؤید قول کسانی است که می گویند کوری آنها از جهات خیر و راه نیافتن به سوی آنهاست.[۱۱]

داستان

جمعی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله در منزل ابو ایوب انصاری بودند. معاذبن جبل که در کنار رسول خدا نشسته بود، از حضرت معنای آیه «یوم ینفخ فی الصور فتاءتون افواجا» را سؤال کرد.

حضرت فرموده‌ای معاذ! از مطلب بزرگی پرسش نمودی، آنگاه اشک از دیدگان پیامبر صلی الله علیه و آله جاری شد و فرمود: ده گروه از امت من در ده صفت گوناگون، وارد صحرای محشر می‌شوند که از سایر مسلمانان جدا هستند؛ بعضی به صورت میمون، برخی به صورت خوک، بعضی پاها بالا و صورت‌شان پایین به سوی محشر کشیده می‌شوند، برخی کور و لال، بعضی زبان‌شان را می‌جوند، در حالی که عفونت از دهان‌شان سرازیر است و اهل محشر از کثافت دهان آنان ناراحت می‌شوند، برخی دست و پابریده، بعضی بر شاخه‌های آتش آویخته، برخی بدبوتر از مردار گندیده و بعضی در پوشش آتشین وارد محشر می‌شوند و آنها عبارتند از:

۱. سخن چین، به صورت میمون. ۲. حرام‌خواران، به صورت خوک. ۳. ربا خواران، واژگون (پاها به طرف بالا و سرها به طرف زمین). ۴. ستم‌گران، کور. ۵. خود پسندها، کر و لال . ۶. عالم بی عمل و قاضی ناحق، در حال جویدن زبان خود... ۷. آزار دهندگان همسایه، دست و پا بریده . ۸. خبر گزاران سلطان ظالم، آویخته به شاخه های آتش . ۹. شهوت پرستان و عیاشان و آنان که حقوق الهی را پرداخت نمی‌کنند، بدبوتر از مردار گندیده . ۱۰. متکبران و مغروران، در پوششی از آتش در روز قیامت محشور خواهند شد.[۱۲]

نتیجه

بر اساس روایت شریف نبوی که می‌فرماید: «کَمَا تَعِیشُونَ تَمُوتُونَ وَ کَمَا تَمُوتُونَ تُبْعَثُونَ وَ کَمَا تُبْعَثُونَ تُحْشَرُونَ»[۱۳] زندگی اخروی انسان، تابع نوع زندگی او در عالم دنیاست و برخی مفسرین مانند علامه طباطبایی معتقدند اساساً بهشت و جهنم از جان و روح انسان خلق می‌شوند؛ بنابراین تمام خصوصیات روحی انسان که ناشی از نوع عقاید و رفتار اوست، در عالم آخرت مطابق با آن عالم تجلّی یافته و بروز و ظهور دارد. بنابراین طبق آیه شریفه مورد بحث، انسانی که در دنیا چشم خود را به روی باطن هستی بسته است، نمی‌تواند در آخرت بینا باشد!

پی‌نوشت

۱.سوره طه، آیه ۱۲۴. ■ ۲.ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۶، ص، ۸۴؛ با کمی تغییر. ■ ۳.ما معیشت آنها را در حیات دنیا در میانشان تقسیم کردیم؛سوره زخرف، آیه ۳۳. ■ ۴.قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِیعًا بَعْضُکُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا یَأْتِیَنَّکُم مِّنِّی هُدًی فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَایَ فَلَا یَضِلُّ وَ لَا یَشْقَی؛ طه ۱۲۳. ■ ۵.می‌فرماید: «آن گونه که آیات من برای تو آمد و تو آنها را فراموش کردی؛ امروز نیز تو فراموش خواهی شد!» طه ۱۲۶. ■ ۶. ر.ک. المیزان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص، ۲۲۴. ■ ۷.ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۳۱۶ ـ ۳۱۵؛ با کمی تغییر. ■ ۸.تفسیر نمونه، ج۱۳، ص، ۳۲۸. ■ ۹.بحار الأنوار، ج۷۳، ص، ۳۶۵. ■ ۱۰.همان، ج۷، ص، ۱۴۹. ■ ۱۱.مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج۷، ص، ۵۶. ■ ۱۲.بحار، ج ۷، ص ۸۹. ■ ۱۳.عوالی اللئالی، ج۴، ص، ۷۲.

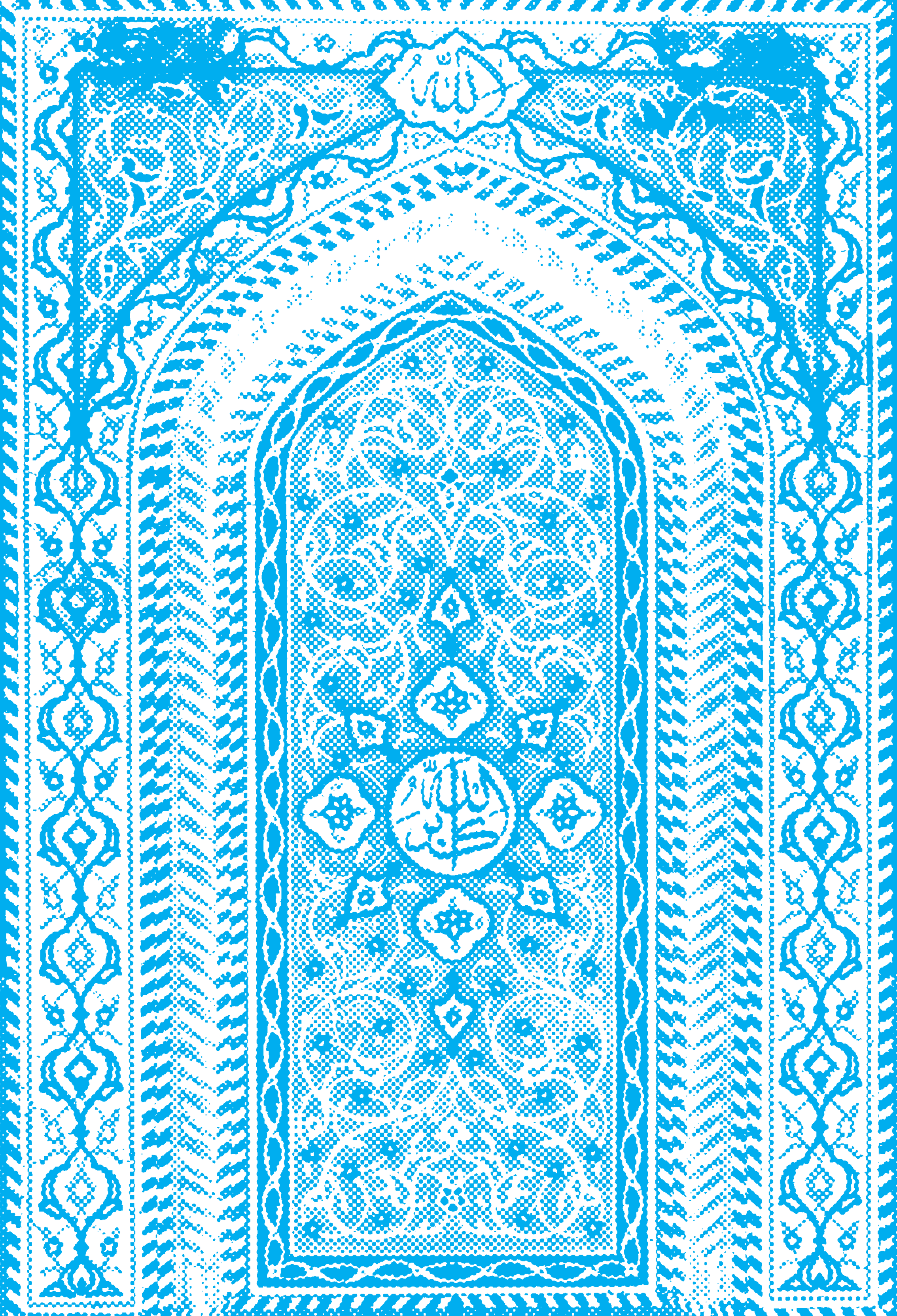

پیشنهادهای اجرایی هفته

- برگزاری مراسم دعای توسل (سه شنبه)
- خطابه با موضوع مدیریت خانواده و اصلاح روابط بین اعضای خانواده
- برگزاری جلسات ویژه آموزش سبک زندگی اسلامی
- برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید
- برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه)
- برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه)

دین در عصر ظهور

یکی از ویژگی‌های جهان در آستانهٔ ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام، رواج نافرمانی مردم از دستورات خداوند و دوری از دین و دینداری است؛ به گونه‌ای که مردم گروه گروه از پیروی آیین خداوند دور می‌شوند و زندگی کفرآلودی خواهند داشت. آنچنانکه روز به‌روز گوهر تابناک دین، در هاله‌ای از غبار فراموشی فرو می‌رود، از این رو در گروه‌های انسانی، دین رو به کم‌رنگ شدن می‌رود و خرافه‌ها و کژی‌های گوناگونی، گریبان‌گیر انسان می‌شود.

امیرمؤمنان علی علیه‌السلام حقیقت یادشده را این‌گونه بیان فرمود:

أَیُّهَا النَّاسُ سَیَأْتِی عَلَیْکُمْ زَمَانٌ یُکْفَأُ فِیهِ الْإِسْلَامُ کَمَا یُکْفَأُ الْإِنَاءُ بِمَا فِیه؛[1]

ای مردم! به زودی زمانی بر شما می‌رسد که اسلام چونان ظرف واژگون شده، آنچه در آن است، ریخته می‌شود.

تا آنکه حضرت مهدی علیه‌السلام به‌پا می‌خیزد و غبار شرک از چهرهٔ گوهر دین بر گیرد؛ آن‌گونه که بسیاری می‌پندارند این دین نوینی است که آن حضرت آورده است! بی‌گمان حضرت مهدی علیه‌السلام زمینه را برای یکتاپرستی همگان، که همانا هدف آفرینش است، فراهم می‌کند. او نه تنها کسی را برای پذیرش باور یکتاپرستی، زیر فشار و ناگزیری قرار نخواهد داد، بلکه با فراهم‌کردن بسترهای بایسته برای پذیرش این امانت الهی، شهد شیرین خداپرستی را میان همهٔ انسان‌ها، آنسان که شایسته‌اند، قسمت خواهد کرد. وی با فراهم‌کردن شرایط مناسب و از بین‌بردن موانع، همگان را به اندیشیدن در نشانه‌های پروردگار فرا می‌خواند و برآیند این اندیشیدن به آغاز و انجام، ارمغانی جز پرستش حقیقی خداوند نخواهد بود.

روایات فراوانی یگانه دین مورد پذیرش در عصر ظهور را، همانا «دین اسلام» دانسته شده، چنانچه ندای یکتاپرستی در سراسر گیتی حکم فرما خواهد شد. امام حسین علیه‌السلام در وصف حضرت مهدی علیه‌السلام می‌فرماید:

«...وَیُظْهِرُ بِهِ دِینَ الحَقِّ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ؛[2]

خداوند، به دست او دین حق را بر همه ادیان چیرگی می‌بخشد؛ اگرچه مشرکان آن را نپسندند.»

و نخستین گام در این راه آموزش همگانی آموزه‌های وحی و قرآن است. روایت‌های فراوانی در دست است که نشان می‌دهد یکی از کارهای پایه‌ای در عصر ظهور، اهتمام به آموزش قرآن به شکلی صحیح است.

امیر مؤمنان علی عليه‌السلام در این باره می‌فرماید:

كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى شِيعَتِنَا بِمَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ قَدْ ضَرَبُوا الْفَسَاطِيطَ يُعَلِّمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أُنْزِلَ؛[۳]

گویا می‌بینم شیعیان ما در مسجد کوفه خیمه‌ها زده‌اند و قرآن را همان‌گونه که نازل شده به مردم می‌آموزند.

امام باقر عليه‌السلام نیز فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ صلى‌الله‌عليه‌وآله ضَرَبَ فَسَاطِيطَ لِمَنْ يُعَلِّمُ النَّاسَ الْقُرْآنَ عَلَى مَا أَنْزَلَ اللهُ (جَلَّ جَلَالُهُ) فَأَصْعَبُ مَا يَكُونُ عَلَى مَنْ حَفِظَهُ الْيَوْمَ لِأَنَّهُ يُخَالِفُ فِيهِ التَّأْلِيفَ؛[۴]

چون قائم قیام کند، خیمه‌هایی نصب می‌شود برای کسانی که قرآن را به همان‌گونه که خداوند آن را نازل کرده بود به مردم بیاموزند، پس دشوارترین چیزی که خواهد بود برای کسانی است که قرآن را حفظ کرده‌اند، چون محفوظات آنها با قرآن مخالف است.

بنابه این سخنان، تردیدی نمی‌ماند که پایهٔ دین در آن دوران، مبتنی بر آموزه‌های قرآن خواهد بود.

پی‌نوشت

۱. سیّد رضی، نهج‌البلاغه، خطبه۱۰۳. ■ ۲. محمد بن علی بن حسین بن بابویه کمال الدین و تمام النعمة، ج۱، ص۳۱۷، ح۳. ■ ۳. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبة، ص۳۱۷، ح۳. ■ ۴. شیخ مفید، الارشاد، ج۲، ص ۳۸۶.

شنبه ۱۰ مرداد

اذان صبح: ۴:۳۵
طلوع آفتاب: ۶:۱۲
اذان ظهر: ۱۳:۱۱
اذان مغرب: ۲۰:۲۹

۱۵ شوال ۱۴۳۶

1 Aug 2015

وفات حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام در شهری (۲۵۲ ه ق)
شهادت حضرت حمزه علیه السلام در جنگ احد(۳ ه ق)

خورشید فروزان ری ...

حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام به صورت یک مسافر ناشناس، وارد رِی شد و در محله ی «ساربان» در کوی «سکه الحوالی» به منزل یکی از شیعیان رفت. مدتی در زیر زمین آن خانه به سر می برد، تنها افراد انگشت شماری از شیعیان او را می شناختند و از حضورش در آن جا، مطلع بودند که آنان هم می کوشیدند که این خبر، فاش نشود تا خطری جان ایشان را تهدید نکند. امّا با گذشت زمان، افراد بیشتری حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام را شناختند و به خانه‌اش رفت و آمد می کردند تا از علوم و روایاتش بهره گیرند و عطر خاندان عصمت را از او ببویند. (امام زادگان ری، ج ۱، ص ۱۲۰)

روزهای پایانی عمر پر برکت ایشان با بیماری همراه بود. اندوه مصیبت‌های پیاپی مردم و روزگار تلخ شیعیان در عصر حاکمیت عباسیان، برایش جانکاه بود. او با ذکر پیوسته خدا و عبادت، به روح خود آرامش می‌بخشید و بار غربت و بیماری را بردوش می کشید. بنابر قول مشهور، خورشید فروزان ری، در ۱۵ شوال ۲۵۲ هجری، غروب کرد (امام زادگان ری، ج ۱، ص ۱۲۲). خبر درگذشت آن بزرگوار، دهان به دهان گشت و مردم شهر، جملگی سیاه پوش شدند. پیکر مطهّرش در میان خیل عظیم مردم به خاک سپرده شد. زیارت حرم باصفای ایشان بسیار مورد تأکید و توجه بوده است که در روایتی از امام هادی علیه‌السلام آمده است که هر کس قبر حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام را زیارت کند، خداوند بهشت را به او پاداش می‌دهد! (کامل الزیارات، ص ۳۲۴)

یکشنبه ۱۱ مرداد

اذان صبح: ٤:٣٦
طلوع آفتاب: ٦:١٣
اذان ظهر: ١٣:١١
اذان مغرب: ٢٠:٢٨

١٦ شوال ١٤٣٦
2 Aug 2015

روزجهانی شیر مادر
(برابر با دوم اوت)
شهادت مظلومانه آیت الله شیخ فضل الله نوری
(۱۲۸۸هش)

این مشروطه تا ابدالدهر حرام است...

قبل از شهادت شیخ فردی به نام سید فخرالدین تعریف می‌کند پدرم به من گفت برو ببین حال شیخ چطور است؟ وقتی به خانه‌اش رسیدم، دیدم در باز است. وارد شدم و شیخ را دیدم که با چند نفر نشسته است. مرا که دید به شوخی گفت لوله هنگ دانه‌ای چند است؟ یعنی سوراخ موش چند است؟ یکی از حضار به شیخ گفت، آقا شما که می‌دانستید با مخالفت نتیجه‌ای نمی گیرید، چرا مخالفت کردید؟ از اول معلوم بود که از پس این‌ها بر نمی‌آیید. شیخ گفت: تا اگر صد سال بعد از این، بعضی از مسلمانان به قعر زیرزمین و داخل سرداب‌ها رفتند و در آنجا با کمال ترس درد دل کردند و گفتند صد سال قبل عده‌ای دست به دست هم دادند و ریشه اسلام را کندند، لااقل یک نفر هم بگوید که در میان آن عده یک آخوند طبرسی و یارانش بودند که مخالفت کردند.
روز سیزده رجب قبل از اعدام رو به مردم تهران کرد و گفت «هذه کوفة الصغیره» یعنی مردم تهران را به مردم کوفه تشبیه کرد. فردی از طرف مشروطه خواهان به ایشان گفت جناب عالی حرمت مشروطه را لغو کنید و بفرمایید منزل. شیخ پاسخ داد، شب قبل پیامبر را در خواب دیدم که به من فرمود امروز مهمان او هستم. حاضر نیستم این فرصت را از دست بدهم و این مشروطه تا ابد الدهر حرام است.
(تاریخ تحولات سیاسی ایران دکتر موسی نجفی و موسی فقیه ایمانی)

دوشنبه ۱۲ مرداد

اذان صبح: ٤:٣٧
طلوع آفتاب: ٦:١٣
اذان ظهر: ۱۳:۱۱
اذان مغرب: ۲۰:۲۷

۱۷ شوال ۱٤۳٦
3 Aug 2015

روز فرهنگ پهلوانی و ورزش زورخانه‌ای
تاسیس شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی(۱۳۵۹ هـ ش)
وقوع جنگ خندق (۵ هق)

تو سعی کن که به روشن دلان رسی...

راه روشنی که یکایک ما باید در برابر دیدگان ظاهری و باطنی نسل جوان بگشاییم و آنان را در مسیر سبز و کمال آفرین قرار دهیم، ارائه جلوه‌های زیبای دین‌داری، خدا محوری و ارزش مداری با فراهم سازی فضای پرجاذبه معنویت اندیشی و بیان آموزه‌های زنده، پویا و هم‌سو با جاذبه‌های فطری است.

این زمزم حیات، آن‌گاه بر عمق جان جوان می‌نشیند که معارف آسمانی با زبانی به روز، پرتنوع و در قالبی نو عرضه شود. می‌بایست پیش از بیانِ سوزش عذاب دوزخ و تازیانه مالک جهنم، به جلوه‌های دلنشین و روح افزای فضیلت پذیری، خدا پرستی، درست فهمی مبانی دینی رو کنیم؛ آن هم با زبانی شیرین و لبانی به لبخند نشسته و چهره‌ای باز و گشاده.

هر گاه جوانان امروز و هر روز ما راه درست زیستن را با نوفهمی و شیرین گفتاری بیاموزند، به مانند ایام دفاع مقدس «ذبیح عشق» می‌شوند و «مَثَل اعلای ستیز با هوای نفس و دشمن گریزی»، «نفس مسیحایی»، «اخلاق محمدی» و «شیوه‌های علوی» به دست آورند. زیرا:

تو سعی کن که به روشن دلان رسی، صائب که سیل واصل دریا چو شد، زلال شود.(موضوعات وشیوه‌های گفتگو با نسل جوان، ص ۶۵)

درگذشت مرجع بزرگوار آیت الله العظمی سید حسین بروجردی (۱۳۸۰ هق)

آرمان‌گرایی را رها نکنید!

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): توصیه جوانان به در نظر گرفتن حقایق زندگی و محدودیت‌ها در رسیدن به اهداف، نباید به حدی باشد که به صورت کلّی روحیه آرمان‌گرایی را در جوان سرکوب کرده و او را مأیوس از رسیدن به اهداف عالی نماید. چرا که همین روحیه تلاش برای رسیدن به اوج اعداف عالیه، باعث می‌شود تا در بسیاری موارد، نسل‌های بعدی یک یا چند قدم نسبت به نسل قبل پیشرفت داشته و به رؤیاهایی که روزی دست نیافتنی به نظر می‌رسید، جامه عمل بپوشانند؛ و از همین طریق بوده که پیشرفت‌های مادی و معنوی وسیعی در جوامع مختلف ایجاد شده است. رهبر معظم انقلاب در این رابطه به جوانان اینگونه توصیه می‌نمایند:

«اگر شما جوانان نگاه به قله‌های آرمانی را کنار بگذارید، برآیند غلطی بوجود خواهد آمد. برآیند آرمان‌گرایی شما و چالش مسؤولان با مصلحت‌ها، برآیند معتدل و مطلوبی خواهد شد؛ اما اگر شما هم دنبال مصلحت گرایی رفتید و گرایش مصلحت اندیشانه، یعنی صد در صد با واقعیت‌ها کنار آمدن، وارد محیط فکری و روحی دانشجو و جوان شد، آن‌وقت همه چیز بهم می‌ریزد و بعضی آرمان‌ها از ریشه قطع و گم خواهد شد. دانشجویان نباید آرمان‌گرایی را رها کنند. توقع من از شما عزیزان این است که پایه‌های معرفتی خودتان را در همه‌ی زمینه‌ها عمیق و مستحکم کنید.»

(۸۲/۰۸/۱۵)

صدور فرمان مشروطیت
(۱۲۸۵ هش)
روز حقوق بشر اسلامی و
کرامت انسانی

چهارشنبه ۱۴ مرداد

اذان صبح: ۴:۳۹
طلوع آفتاب: ۶:۱۵
اذان ظهر: ۱۳:۱۰
اذان مغرب: ۲۰:۲۵

۱۹ شوال ۱۴۳۶
5 Aug 2015

یأس مردم، فرمول قدیمی دشمن

امام خامنه‌ای(مدظله العالی): مظفرالدین شاه کسی نبود که مشروطیت را قبول کند؛ حضور و فشار مردم او را مجبور کرد که مشروطیت را بپذیرد. روحانیون و علمای بزرگ، مردم را به صحنه آورده بودند. بعد از آنکه مشروطیت به وجود آمد، جمعی از روشنفکران خودباخته در مقابل انگلیس، با تبلیغات و روزنامه‌ها و روش‌های خود، کاری کردند که روحانیت و مردم متدیّن را نسبت به نهضت مشروطیت بدبین و مأیوس کردند. نتیجه این شد که در ابتدا یك دیکتاتوری توأم با هرج و مرج، چند سال بعد هم دیکتاتوری سیاه دوران رضاخان بر این ملت مسلّط شد.
اما در انقلاب اسلامی، مردم و جوانان ما نگذاشتند فرمول قدیمی دشمن، در انقلاب اسلامی تحقّق پیدا کند. این فرمول چیست؟ قدم اوّل، جدایی دستگاه سیاست و نهضت از دین و روحانیت است. قدم دوم، مأیوس شدن مردم از تحوّلی است که به وجود آمده بود؛ مثل مشروطیت و نهضت ملی‌شدن صنعت نفت. مأیوس‌شدن مردم موجب می‌شود که در صحنه حضور نداشته باشند. قدم سوم، در غیاب مردم، پدیدآمدن یك دیکتاتوری ظالمانه و بی‌رحم و تحت سلطه استکبار و استعمار قرار گرفتن است. (۷۴/۱۱/۱۴)

پنج‌شنبه ۱۵ مرداد

اذان صبح: ٤:٤٠
طلوع آفتاب: ٦:١٦
اذان ظهر: ١٣:١٠
اذان مغرب: ٢٠:٢٤

٢٠ شوال ١٤٣٦
6 Aug 2015

سالروز شهادت
سرلشکر خلبان عباس بابایی
فرمانده هوایی ارتش
(١٣٦٦ هـ ش)

هرگز نوش زندگی بدون نیش به دست نمی‌آید...

برای حفظ تعادل روحی و فکری جوانان، بسیار ضروری است که به آنها تفهیم شود، عوامل احتمال شکست را در کنار عوامل موفقیت در نظر گیرند و با این نگاه به امروز و فردای زندگی بنگرند تا چنان‌که به بن‌بست رسیدند، آمادگی اولیه را برای پذیرش شکست داشته باشند. علاوه بر این بدانند و باور کنند که هرگز «نوش» زندگی بدون «نیش» به دست نمی‌آید و در هر شکستی تجربه‌ای طلایی و برداشتی اثرگذار نهفته است، چنان‌که در موفقیت‌ها، این بیم و هراس وجود دارد که انسان دارای غرور کاذب، رکود ویرانگر و یا از دست دادن تدبیر و تلاش حرکت آفرین و زندگی‌ساز گردد. همچنین باید به جوانان عزیز بیاموزیم که هرگز به کوچکی یا بزرگی کار یا مسئولیتی که به آنها محول شده ننگرند، بلکه با تمام جدیت و توان و با مسئولیت پذیری تام و جدیت، کار را به نحو احسن انجام دهند و در این مسیر از آینده نگری غافل نشوند. زیرا جوانانی که می‌خواهند خود را برای پذیرش مسئولیت‌های بزرگ آینده آماده کنند، لازم است با مطالعه و مشورت و کسب دانش و بینش بهتر و بیشتر در زندگی امروز، تجربه‌هایی طلایی و کارآمدی را کسب کنند، تا در آینده به بالاترین موفقیت‌ها دست یابند.

(موضوعات و شیوه‌های گفتگو با نسل جوان، ص ۸۴)

جمعه ۱۶ مرداد

اذان صبح: ٤:٤١
طلوع آفتاب: ٦:١٦
اذان ظهر: ١٣:١٠
اذان مغرب: ٢٠:٢٣

٢١ شوال ١٤٣٦

7 Aug 2015

تشکیل جهاد دانشگاهی به فرمان امام خمینی رحمة الله علیه (١٣٥٩هش)
انفجار بمب اتمی آمریکا به هیروشیما با بیش از ١٦٠ هزار کشته و مجروح (١٩٤٥م)

مسجدها جای جوان‌ها و کانون جنبش‌هاست...

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): در مساجد تهران و شهرستان‌ها و در همهٔ عبادتگاه‌های کشور، جوانان ما در شب‌های قدر از همهٔ انواع سلایق گوناگون مردم، با هر هیئت و قیافه و ریختی، با هر احساس و گرایشی، این شب‌ها دل خودشان را برداشتند و به مساجد آمدند و با خدای خود راز و نیاز کردند. این صفای جوانی، این نورانیّت دل‌های جوان، این میل به قرب الهی و توجه و تکلّم با خدای متعال در میان جوانان ما، یك نعمت بسیار بزرگ است و بحمد الله این نعمت هست و روز به روز هم بیشتر شده است. (خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ١٣٨٥/٨/٢)

در جاهایی که امروز میلیون‌ها مسلمان توانسته‌اند سهم و حقّی در حکومت‌ها به دست بیاورند، تا قبل از انقلاب اسلامی، کسی جرأت نمی‌کردم از اسلام بزند. در این کشورهای اسلامی که امروز ائمهٔ جمعه و جماعاتشان، تشکیلات به وجود می‌آورند و مسجدها رونق پیدا می‌کنند و کانون تحرك می‌شوند، تا دیروز مسجدها متعلّق به یك مشت پیرمرد از کار افتاده بود. امروز آن مسجدها، جای جوانان و کانون جنبش‌هاست. این را شما کردید. این را حرکت شما و قائد عظیم الشأنتان -آن مرد الهی- بود که انجام داد. (در دیدار با خانواده‌های شهدای هفتم تیر ١٣٦٩/٤/٦)

﴿قُل لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّواْ مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُواْ فُرُوجَهُمْ ذَالِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللهَ خَبِيرُ بِمَا يَصْنَعُونَ * وَ قُل لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَرِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ ءَابَائِهِنَّ أَوْ ءَابَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُوْلِي الْارْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُواْ عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَ لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِن زِينَتِهِنَّ وَ تُوبُواْ إِلَى اللهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾[1]؛ به مؤمنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند و عفاف خود را حفظ کنند؛ این برای آنان پاکیزه‌تر است؛ خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است! * و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را- جز آن مقدار که نمایان است- آشکار ننمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار نسازند، مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدر شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم‌کیششان، یا بردگانشان [کنیزانشان]، یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند؛ هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند، تا زینت پنهانیشان دانسته شود (و صدای خلخال که برپا دارند به گوش رسد). و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان، تا رستگار شوید!

شأن نزول

در کتاب کافی در شأن نزول نخستین آیه از آیات فوق از امام باقر علیه‌السلام چنین نقل شده است که جوانی از انصار در مسیر خود با زنی روبرو شد- در آن روزگار، زنان مقنعه خود را در پشت گوش‌ها قرار می‌دادند- (و طبعا گردن و مقداری از سینه آنها نمایان می‌شد) چهره آن زن، نظر آن جوان را به خود جلب کرد و چشم خود را به او دوخت. هنگامی که زن از کنار او گذشت، جوان هم چنان با چشمان خود، او را بدرقه می‌کرد؛ در حالی که راه خود را ادامه می‌داد، تا اینکه وارد کوچه تنگی شد و باز هم چنان به پشت سر خود نگاه می‌کرد. ناگهان صورتش به دیوار خورد و تیزی استخوان یا قطعه شیشه‌ای که در دیوار بود، صورتش را شکافت! هنگامی که زن گذشت، جوان به خود آمد و دید خون از صورتش جاری است و به لباس و سینه‌اش ریخته! (سخت ناراحت شد) با خود گفت به خدا سوگند من خدمت پیامبر می‌روم و این ماجرا را باز گو می‌کنم، هنگامی که چشم رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به او افتاد فرمود چه شده است؟ و جوان ماجرا را نقل کرد، در این هنگام جبرئیل، پیک وحی خدا، نازل شد و آیه فوق را آورد (قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصارِهِمْ ...)[2]

نکات تفسیری

۱ـ این سوره در حقیقت سوره عفت و پاکدامنی و پاکسازی از انحرافات جنسی است و بحث‌های مختلف آن از این نظر انسجام روشنی دارد، آیات مورد بحث که احکام نگاه کردن و چشم‌چرانی و حجاب را بیان می‌دارد، نیز کاملاً به

این امر مربوط است. ارتباط این بحث، با بحث‌های مربوط به اتهامات ناموسی بر کسی مخفی نیست.

خداوند متعال نخست در آیه می‌فرماید: به مؤمنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه کردن به زنان نامحرم و آنچه نظر افکندن بر آن حرام است) فرو گیرند و دامان خود را حفظ کنند. «یغضوا» از ماده «غض» (بر وزن خز) در اصل به معنی کم کردن و نقصان است و در بسیاری از موارد در کوتاه کردن صدا یا کم کردن نگاه گفته می‌شود، بنا بر این، آیه به این معنی نیست که مؤمنان باید چشم‌هاشان را فرو بندند، بلکه می‌گوید باید نگاه خود را کم و کوتاه کنند و این تعبیر لطیفی است. به این منظور که اگر انسان به راستی هنگامی که با زن نامحرمی روبرو می‌شود، بخواهد چشم خود را به کلی ببندد، ادامه راه رفتن و مانند آن برای او ممکن نیست، اما اگر نگاه را از صورت و اندام او بر گیرد و چشم خود را پائین اندازد، گویی از نگاه خویش کاسته است و آن صحنه‌ای را که ممنوع است، از منطقه دید خود به کلّی حذف می‌کند.

قابل توجه اینکه قرآن نمی‌گوید از چه چیز چشمان خود را فرو گیرند (و به اصطلاح متعلّق آن فعل را حذف کرده) تا دلیل بر عموم باشد، یعنی از مشاهده تمام آنچه نگاه به آنها حرام است، چشم برگیرند. اما با توجه به سیاق آیات، مخصوصاً آیه بعد، که سخن از مسئله حجاب به میان آمده، به خوبی روشن می‌شود که منظور نگاه نکردن به زنان نامحرم است.

از آنچه گفته شد این نکته روشن می‌شود که مفهوم آیه فوق این نیست که مردان در صورت زنان خیره نشوند تا بعضی از آن چنین استفاده کنند که نگاه‌های غیر خیره مجاز است، بلکه منظور این است که انسان به هنگام نگاه کردن معمولاً منطقه وسیعی را زیر نظر می‌گیرد، هر گاه زن نامحرمی در حوزه دید او قرار گرفت، چشم را چنان فرو گیرد که آن زن از منطقه دید او خارج شود، یعنی به او نگاه نکند؛ اما راه و چاه خود را ببیند. اینکه « غض» را به معنی کاهش گفته‌اند، منظور همین است (دقت کنید).

دومین دستور در آیه فوق، مسأله حفظ «فروج» است.

«فرج» در اصل به معنی«شکاف» و فاصله میان دو چیز است، ولی در این‌گونه موارد، کنایه از عورت می‌باشد و ما برای حفظ معنای کنایی آن در فارسی، کلمه «دامان» را به جای آن می‌گذاریم. منظور از« حفظ فرج» به طوری که در روایات وارد شده است، پوشاندن آن از نگاه کردن دیگران است.

گاه این پرسش به ذهن می‌رسد که چرا اسلام از این کار، که با شهوت و خواست دل بسیاری هماهنگ است، نهی کرده، در پایان آیه می‌فرماید:« این برای آنها بهتر و پاکیزه‌تر است« (ذٰلِکَ أَزْکی لَهُمْ).

سپس به عنوان اخطار برای کسانی که نگاه هوس‌آلود و آگاهانه به زنان نامحرم می‌افکنند و گاه آن را غیر اختیاری قلمداد می‌کنند، می‌گوید:« خداوند از آنچه انجام می‌دهید، مسلماً آگاه است» (إِنَّ اللهَ خَبیرٌ بِما یَصْنَعُونَ).

در آیه بعد به شرح وظائف زنان در این زمینه می‌پردازد، نخست به وظائفی که مشابه مردان دارند اشاره کرده و می‌گوید: « و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را فرو گیرند (و از نگاه کردن به مردان نامحرم خودداری کنند) و دامان خود را حفظ نمایند» و به این ترتیب « چشم‌چرانی» همان‌گونه که بر مردان حرام است، بر زنان نیز حرام می‌باشد، پوشاندن عورت از نگاه دیگران، چه از مرد و چه از زن برای زنان نیز همانند مردان واجب است.

سپس به مسئله حجاب که از ویژگی زنان است ضمن سه جمله اشاره فرموده:

۱-« آنها نباید زینت خود را آشکار سازند، جز آن مقدار که طبیعتاً ظاهر است»

منظور از زینت این است که این زنان حق ندارند زینت‌هایی که معمولاً پنهانی است، آشکار سازند. هر چند اندام‌شان نمایان نشود. به این ترتیب آشکار کردن لباس‌های زینتی مخصوصی را که در زیر لباس عادی یا چادر می‌پوشند، مجاز نیست؛ چرا که قرآن از ظاهر ساختن چنین زینت‌هایی نهی کرده است.

۲-دومین حکمی که در آیه بیان شده است که: «آنها باید خمارهای خود را بر سینه‌های خود بیافکنند» (وَ لْیَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلی جُیُوبِهِنَّ).«خُمُر» جمع«خمار» (بر وزن حجاب) در اصل به معنی پوشش است، ولی معمولاً به چیزی گفته می‌شود که زنان با آن سر خود را می‌پوشانند (روسری).«جیوب» جمع«جیب» (بر وزن غیب) به معنی یقه پیراهن است که از آن تعبیر

به گریبان می‌شود و گاه به قسمت بالای سینه به تناسب مجاورت با آن نیز اطلاق می‌گردد.

از این جمله استفاده می‌شود که زنان قبل از نزول آیه، دامنه روسری خود را به شانه‌ها یا پشت سر می‌افکندند، به طوری که گردن و کمی از سینه آنها نمایان می‌شد، قرآن دستور می‌دهد روسری خود را بر گریبان خود بیافکنند تا هم گردن و هم آن قسمت از سینه که بیرون است، مستور گردد. (از شأن نزول آیه که قبلاً آوردیم، نیز این معنی به خوبی استفاده می‌شود).[۳]

۲ـ زنان مواضع زینت خود را برای اشخاص نامحرم ظاهر نکنند. بدیهی است که به خود زینت می‌توان نظر کرد. تنها وظیفه زن است که مواضع زینت، مثل گوش و سینه و ... را بپوشاند. برخی گفته‌اند زینت بر دو قسم است: آشکار و پنهان. زینت آشکار لازم نیست پوشیده شود و می‌توان به آن نظر افکند. در باره زینت آشکار و پنهان سه قول است:

۱- زینت آشکار، لباس و زینت پنهان، خلخال و گوشواره و دستبند است.

۲- زینت آشکار، سرمه و انگشتری و خضاب کف است.

۳- زینت آشکار، صورت و کف دست‌هاست. در تفسیر علی بن ابراهیم می گوید: کف دست‌ها و انگشتان است.

زنان زینت‌های باطن خود را تنها در برابر شوهران آشکار می‌کنند و پیش آنها لازم نیست روسری داشته باشند. منظور این است که زمینه را برای تحریکات شهوی آنها فراهم سازند.

«وَ لا یَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِیُعْلَمَ ما یُخْفِینَ مِنْ زِینَتِهِنَّ» : در گذشته، زن‌ها پاها را به زمین می‌زدند تا صدای خلخال آنها شنیده شود. قرآن کریم ضمن آیاتی آنها را از این کار نهی کرد.

برخی گویند: مقصود این است که پاها را در موقع راه رفتن طوری حرکت ندهند که خلخال آنها آشکار گردد و یا صدای خلخال آنها شنیده شود.

حدیث

۱ ـ رسولُ الله صلی‌الله‌علیه‌وآله : صِنْفانِ مِن أهلِ النّارِ لَم أرَهُما : قَومٌ مَعهُم سِیاطٌ کأذنابِ البَقَرِ یَضْرِبونَ بها النّاسَ و نساءٌ کاسِیاتٌ عارِیاتٌ ، مُمیلاتٌ مائلاتٌ ، رؤوسُهُنَّ کَأَسْنِمَةِ البُخْتِ المائلَةِ ، لا یَدْخُلْنَ الجَنّةَ و لا یَجِدْنَ رِیحَها و إنّ رِیحَها لَیوجَدُ مِن مَسیرَةِ کَذا و کذا.[۴]

پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: دو گروه از دوزخیان را [هنوز] من ندیده‌ام: گروهی که تازیانه‌هایی مانند دم گاو در دست دارند و مردم را با آن می‌زنند؛ و [گروه دیگر] زنانی که پوشش [تن نما] دارند و برهنه‌اند، کج راهه می‌روند و دیگران را نیز به کج‌روی تشویق می‌کنند، سرهایشان همچون کوهان شتر خراسانی فروهشته است. اینان به بهشت نمی‌روند و بوی بهشت را که از فاصله‌ای چنین و چنان (بسیار زیاد) به مشام می‌رسد، استشمام نمی‌کنند.[۵]

۲ ـ الإمامُ علیٌّ علیه‌السلام ـ لابنِه الحسنِ علیه‌السلام ـ : و اکْفُفْ علَیهِنَّ مِن أبْصارِهِنَّ بحَجْبِکَ إیّاهُنَّ ، فإنَّ شِدَّةَ الحِجابِ خَیرٌ لکَ و لَهُنَّ و لَیسَ خُروجُهُنَّ بأشَدَّ مِن إدْخالِکَ مَن لا یُوثَقُ بهِ علَیهِنَّ و إنِ اسْتَطَعْتَ أنْ لا یَعْرِفْنَ غَیرَکَ فَافْعَلْ.[۶] و فی نقل: .... فإنَّ شِدَّةَ الحِجابِ أبْقی علَیهِنَّ.[۷]

امام علی علیه‌السلام ـ به فرزندش حسن علیه‌السلام ـ فرمود : برای اینکه دیده به نامحرمان نیافتد، آنها (زنان) را در پرده نگه دار؛ زیرا هر چه بیشتر در پرده باشند، برای تو و آنها بهتر است و بیرون رفتن آنها بدتر از این نیست که اشخاص نامطمئن را بر آنان وارد کنی. اگر توانی کاری کنی، که مردی جز تو را نشناسند، این کار را بکن.

در نقلی دیگر آمده است: .... زیرا هر چه بیشتر در پرده باشند، محفوظ‌ترند.

داستان

«حسن بن جهم» می‌گوید: بر حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام وارد شدم، دیدم خضاب فرموده است، گفتم: رنگ مشکی به کار برده‌اید؟

فرمود: بلی، خضاب و آرایش در مرد موجب افزایش پاکدامنی در همسر او است، برخی از زنان، به این جهت که شوهرانشان خود را نمی‌آرایند، عفاف را از دست می‌دهند.[8]

نتیجه

آثار حجاب و عفاف، چه از ناحیه زنان و چه مردان، یک امر فردی و شخصی نیست که کسی بتواند بگوید به خودم مربوط است! وقتی خانومی حریم حجاب و عفاف را نگه می‌دارد، در واقع زمینه حفظ زندگی خانومی را فراهم می‌کند که به زعم خودش، حجاب یک امر فردی و شخصی است! اگر زنان جامعه به این نکته توجه کنند که حجاب آنها، همسران خود و دیگران را از انحرافات اخلاقی حفظ می‌کند، هرگز رعایت این اصل و ضرورت دینی را یک امر فردی تلقی نخواهند کرد.

پی‌نوشت

۱.سوره نور، آیه ۳۱ ـ ۳۰. ■ ۲.وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص، ۱۳۹؛ تفسیر نور الثقلین و المیزان و روح المعانی(با تفاوت مختصری) ذیل آیه مورد بحث. ■ ۳.تفسیر نمونه، ج۱۴، ص: ۴۴۱ ـ ۴۳۶. به اختصار ■ ۴.صحیح مسلم : ۲۵/۱۶۸۰/۳ . ■ ۵.در متن حدیث تعبیرهای «مائلات» و «ممیلات» ذکر شده است. لسان العرب درباره این تعبیرات می‌نویسد: مائلات یعنی زنانی که با کرشمه راه می‌روند و دل مردان را می‌ربایند؛ یا روسری و مقنعه خود را کج و تا نیمه بر سر می‌نهند؛ یا با آرایش و زیور بیرون می‌آیند و خود را به نمایش می‌گذارند. مُمیلات: زنانی که به دیگر زنان یاد می‌دهند تا مانند آنها رفتار کنند (در بی حجابی)؛ یا با تبختر و کرشمه راه می‌روند. به قولی: مائلات یعنی زنانی که مانند بدکاره ها، موهای خود را شانه و آرایش می‌کنند؛ ممیلات زنانی هستند که دیگران را به این گونه آرایش می‌کنند (زنان آرایشگر) ـ م . ■ ۶.تحف العقول: ۸۶، و فی بعض النسخ: «بحجابک» بدل «بحجبک». ■ ۷.نهج البلاغة، ص۴۰۵. ■
۸.مسئله حجاب، ص، ۲۷.

راه‌های مقابله با دشمن در عصر غیبت

در آیات قرآن و بیانات بزرگان دین، بعضی از راه‌های مقابله با دشمنان بیان شده است که از این قرارند:

شکیبایی و تقوا

خداوند وعده داده اگر مسلمانان در مقابل دشمنان «صبر و تقوا» پیشه سازند، هرگز نیرنگ ایشان به آنان آسیبی نمی‌رساند.

... وَ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا لا یَضُرُّکُمْ کَیْدُهُمْ شَیْئاً إِنَّ اللهَ بِما یَعْمَلُونَ مُحیطٌ[1]؛

اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید، نیرنگ‌شان هیچ زیانی به شما نمی‌رساند. یقیناً خداوند به آنچه می کنند، احاطه دارد.

مجهز شدن به تجهیزات مناسب

یکی از راه‌های مقابله با دشمنان «فراهم آوردن همه امکانات مناسب» برای رویارویی با آنان است:

وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَیْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللهِ وَ عَدُوَّکُمْ وَ آخَرینَ مِنْ دُونِهِمْ لا تَعْلَمُونَهُمُ اللهُ یَعْلَمُهُمْ...[2]؛

هر چه در توان دارید، از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان-که شما آنها را نمی‌شناسید و خدا آنان را می‌شناسد-بترسانید.

از آنجایی که این عرصه کارزار فرهنگی است، سلاح مناسب خود را می‌طلبد و مهم‌ترین سلاح در این زمینه، بالا بردن آگاهی و بصیرت است. دشمنان برای اینکه بتوانند نقشه‌های شوم خود را اجرا کنند، همیشه از راه دشمنی وارد نمی‌شوند. گاهی با دراز کردن دست دوستی و در پس آن دشمنی، از ناآگاهی مسلمانان به مقصود خود میرسند. قرآن مجید از این نقشه‌های شوم

پیشنهادهای اجرایی هفته

◆ تعیین روزانه یک خانواده به عنوان بانی مسجد جهت انجام امور مسجد ◆ برگزاری مراسم دعای توسل (سه شنبه) ◆ برنامه ریزی کوهپیمایی و پیاده روی خانوادگی اهل مسجد جهت ایجاد انس و الفت ◆ طراحی و اجرای اردوها و زیارت های گروهی کم هزینه خانوادگی به ویژه برای اقشار کم درآمد ◆ برگزاری مراسم عزاداری شهادت امام صادق علیه السلام و دعوت از یکی از هیأت محله، جهت اجرای برنامه ◆ خطابه با موضوع سالروز پیروزی حزب الله لبنان بر رژیم صهیونیستی و تبیین اهمیت مقاومت ◆ تشویق به عضویت خانواده ها در صندوق قرض الحسنه مسجد ◆ دعوت از خانوده ها برای بیان تجارب خود در زمینه سبک زندگی، مدیریت مصرف و... در مسجد در جلسات هم اندیشی ◆ برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید ◆ برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه) ◆ برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه)

پرده برداشته، مسلمانان را از دوستی با کافران[3]، منافقان، یهود، نصارا[4] و... پرهیز داده است.

مبارزه منفی با دشمنان

یکی از راه‌های عملی مبارزه با دشمنان، در بی‌توجهی به آنها و «مبارزه منفی» است. قرآن خطاب به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

وَ لَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِّنْهُم مَّاتَ أَبَدًا وَ لَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُواْ بِاللهِ وَ رَسُولِهِ وَ مَاتُواْ وَ هُمْ فَاسِقُون؛[5]

هرگز بر هیچ مرده‌ای از آنان نماز مگزار و بر سر قبرش نایست؛ چرا که آنان به خدا و پیامبر او کافر شدند و در حال فسق مُردند.

شناساندن دشمن

مرور زمان گاهی دشمن را از یاد انسان‌ها ـ بویژه نسل نو ـ به فراموشی می‌سپارد. خداوند در آیاتی، مسلمانان را به یادآوری چهره دشمن و دشمنی‌های آنها متذکر می‌شود[6]. امروزه چهره بسیاری از دشمنان، در پس نقابی از دوستی قرار گرفته و این کار شناخت آنان را بسیار مشکل ساخته است.

همکاری نکردن با دشمنان

آموزه‌های دینی و دستورات پیشوایان معصوم علیهم‌السلام، همواره بر عدم همکاری با دشمنان پافشاری کرده است؛ تا جایی که کمترین مساعدت با آنها را گناهی بزرگ به شمار می‌رود.

اتّحاد و برادری

خداوند یکی از ابزارهای مهم در برابر دشمن را «اتّحاد و یکپارچگی» معرفی کرده است:

وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللهِ جَمیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا...؛[7] همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید.

امروزه در برابر فتنه‌های دشمنان علیه باورهای دینی، بیش از هر زمان دیگر نیازمند همدلی و اتحاد هستیم. همه معتقدان به مهدی موعود، باید ضمن مقابله با فعالیت‌های دشمنان، همه حرکات آنها را زیر نظر داشته و هرگز از مکر آنها غافل نشوند.

پی‌نوشت

۱. آل عمران(۳)، آیه ۱۲۰. ■ ۲. انفال(۸)، آیه ۶۰. ■ ۳. آل عمران (۳)، آیه۲۸. ■ ۴. مائده(۵)، آیه ۵۱. ■ ۵. توبه(۹)، آیه ۸۴. ■ ۶. نک: سوره منافقون، جمعه و ... ■ ۷. آل عمران(۳)، آیه ۱۰۳.

شنبه ۱۷ مرداد

اذان صبح: ٤:٤٣
طلوع آفتاب: ٦:١٧
اذان ظهر: ١٣:١٠
اذان مغرب: ٢٠:٢٢

٢٢ شوال ١٤٣٦

8 Aug 2015

روز خبرنگار
گروگان گیری و شهادت دیپلمات های کشورمان در افغانستان توسط گروهک طالبان (۱۳۷۷ ه ش)

دوستی با جوان

جوان به دوستی نیاز دارد که او را با همه افکار و تمایلات درونی و شور و عشق و حرکت درك کند و پاسخ‌گوی مجهولات و حلّال مشکلات و محرم اسرار و مشاور و راهنمایش باشد. جوان به یك چنین فرد دلسوز و مهربانی نیاز دارد. وجود یك چنین یار مهربان و خیرخواه در تکمیل شخصیّت و زندگی آینده او تأثیر شایانی خواهد ساخت و در مسائل مذهبی، امام جماعت می‌تواند بهترین دوست و تکیّه‌گاه برای آنان باشد. از جمله معضلات جوانان متدیّن آن است که دغدغه‌های فراوان معنوی دارند و اگر راهنمایی نشوند، دچار افراط و تفریط و گاهی به انحراف کشیده می‌شوند. اگر مبلّغان زمانی را برای این امر اختصاص داده و اعلان کنند که افراد می‌توانند به طور مثال، یك ساعت مانده به غروب آفتاب، هر روز برای مشاوره معنوی، عبادی به صورت فردی یا گروهی بنا بر میل خود به آنها مراجعه کنند، این موضوع می‌تواند ضمن برقراری انس بیشتر با روحانی، زمینه اصلاح حرکت‌های خداجویانه مردم باشد. برای دست‌یابی به نتایج مثبت، مبلّغ باید ابتدا گوشی شنوا داشته و سنگ صبور باشد و بعد از شنیدن کامل سخنان و شناخت دقیق مشکل، به راهنمایی مردم با توجّه به دستورات دینی بپردازد. (فصلنامه مبلّغان، ص ۶ و ۷)

یکشنبه ۱۸ مرداد

اذان صبح: ٤:٤٤
طلوع آفتاب: ٦:١٨
اذان ظهر: ١٣:١٠
اذان مغرب: ٢٠:٢١

٢٣ شوال ١٤٣٦
9 Aug 2015

گاهی یک جوان با ایمان را به افراد با تجربه و سن بیشتر ترجیح می‌دادند...

از سیره معصومین علیهم‌السلام و بزرگان این بوده که در مقام احترام و تکریمِ دیگران یا تفویض مسئولیت‌ها به افراد، ملاکشان در برتری دادن صرفاً بزرگی و کِبَر سن نبوده، بلکه درجه تقوا و ایمان و عمل صالح در آنها ملاک عمل قرار می‌گرفته و گاهی یک جوان با ایمان را بر افرادی با تجربه و سن بیشتر برتری می‌داده‌اند. نمونه آن در ماجرای فرماندهی اسامة بن زید به خوبی دیده می‌شود. بنابراین ما نیز در مقام برخورد با مردم و جوانان، باید از همین سیره پیروی نماییم. امام خامنه‌ای (مدظله العالی) می‌فرمایند: «در فتح مکه، پیغمبر یك جوان نوزده ساله را گذاشتند حاکم مکه. پیغمبر مکه را که فتح کردند، لازم بود حاکم یا فرمانداری آنجا بگذارند. این همه پیرمردها و بزرگان بودند، اما پیغمبر یك جوان نوزده ساله را منصوب کرد. بعضی‌ها اشکال کردند که آقا این سنش کم است، چرا او را گذاشتید؟ طبق این روایت، پیغمبر فرمود: «وَ لَا یَحْتَجُّ مُحْتَجٌّ مِنْکُمْ فِی مُخَالَفَتِهِ بِصِغَرِ سِنِّه»؛ (بحار الأنوار، ج۲۱، ص ۱۲۳) کسانی که با انتصاب این شخص برای فرمانداری مکه مخالفند، استدلالشان را این قرار ندهند که چون سنش کم است، جوان است؛ این استدلال، استدلال درستی نیست. یعنی اگر استدلال دیگری دارید، خیلی خوب، بیائید بگوئید؛ اما کم بودن سن، جوان بودن، استدلال درستی نیست. «فَلَیْسَ الْأَکْبَرُ هُوَ الْأَفْضَلَ بَلِ الْأَفْضَلُ هُوَ الْأَکْبَر»؛ آن کسی که بزرگتر است، لزوماً برتر نیست؛ بلکه آن کسی که برتر است، در واقع بزرگتر است. أفضل، یعنی شایسته‌تر. این شایسته سالاری است. (۹۰/۷/۲۴)

اسامة بن زیدهای متعدد در کشور ما!

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): ما امروز در کشورمان اسامة بن زیدهای زیادی داریم؛ جوانان زیادی داریم؛ دختران و پسران عظیم و جمعیت انبوهی از این مجموعه‌ها داریم که حاضرند در همه‌ی میدان‌های فعّال، در میدان درس، در میدان سیاست، در میدان فعّالیت‌های اجتماعی، در میدان مشارکت‌های گوناگون برای فقرزدایی، برای سازندگی، و در هر صحنه و عرصه‌ای که برای آنها برنامه‌ریزی شود و امکان داده شود، شرکت کنند. این موقعیت بسیار مهمی برای کشور ماست. این نسل، شبیه همان نسلی است که توانست یکی از بزرگترین تجربه‌های این کشور، یعنی تجربه‌ی جنگ تحمیلی را با قدرت و با موفّقیت به پایان ببرد. بد نیست شما برادران و خواهران عزیز بدانید؛ آن روز که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تشکیل شد، بیشتر کسانی که در این سپاه عضویت داشتند، جوانان و نوجوانان بودند. همین کسانی که امروز سرداران این سپاه محسوب می‌شوند و درجات بالا دارند، آن روز یا دانشجو بودند، یا تازه فارغ التحصیل شده بودند و یا حتی قدم به دانشگاه هم نگذاشته بودند. این، آن بخشی بود که مایل بودم بزرگترها و مسؤولان به آن توجّه کنند؛ یعنی از منظر جوان به مسأله‌ی جوانی نگاه کردن؛ آرزوها، توقّعات و احساسات جوان را دیدن؛ وظایف خود را در قبال این توقّعات و خواسته‌های بحق فهمیدن.
(٧٩/٢/١)

شهادت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در سال ۱۴۸ هق (تعطیل)

سه‌شنبه ۲۰ مرداد

تعطیل

اذان صبح: ٤:٤٦
طلوع آفتاب: ٦:٢٠
اذان ظهر: ١٣:١٠
اذان مغرب: ٢٠:١٨

٢٥ شوال ١٤٣٦

11 Aug 2015

کوهی که از فرای بلندی به قبر در آمد

کلینی به اسناد خود از ابو ایوب روایت می کند که: «نیمه شبی أبو جعفرِ منصور (خلیفه عباسی) مرا خواست. چون بر او در آمدم، بر کرسی نشسته بود و شمعی پیش روی داشت و نامه‌ای می‌خواند و می‌گریست. هنگامی که بر او سلام کردم، نامه را به سوی من انداخت و گفت: از محمد بن سلیمان است و از مرگ جعفر بن محمد خبر می‌دهد. و سه بار «إنّا لله وَ إنّا إلیهِ راجِعُون» را بر زبان آورد و گفت: کجا مانند جعفر یافت می‌شود؟ سپس گفت: بنویس! من نیز صدر نامه را نوشتم؛ سپس به من گفت بنویس که اگر شخص معینی را وصی قرار داده، او را احضار کن و گردنش را بزن.

چون پاسخ نامه رسید، معلوم شد پنج نفر را وصی خود کرده است: منصور (خود خلیفه)، محمد بن سلیمان (والی مدینه)، عبد الله (پسر بزرگ امام)، موسی (امام کاظم علیه‌السلام) و حمیده (همسر امام صادق علیه‌السلام). و در روایت دیگری همین مطلب را نقل کرده و اضافه دارد که منصور گفت: اینان را نمی‌توان کشت.» (اصول کافی، ج۱، ص ۳۱۰)

چون امام صادق علیه‌السلام به شهادت رسید و به سوی قبرستان بقیع برده شد، ابو هریره عجلی این ابیات را سرود:

می گویم و حال آنکه او را می‌بردند، بر دوش کسانی که او را گرفته بودند / آیا می‌دانید چه چیزی را به سوی خاک می‌برید، کوهی که از فراز بلندی به قبر درآمده / صبحگاهان خاك پاشندگان بر بالای ضریحش خاك ریزند، درحالی که بهتر است خاك بر سر ریزند. (سفینة البحار، ج ۳، ص ۳۰۹)

روز حمایت از صنایع کوچک

زبان مشترک با جوان

از دیگر مقدمات جذب جوان، وجود زبان مشترک میان روحانی و جوان است تا بتوان با زبان مشترک ارتباط برقرار کرد. رعایت نکات ذیل می‌تواند زمینه‌ساز ورود به دنیای جوان گردد: اول: پذیرش و احترام متقابل؛ یعنی محترم شمردن جوان و پذیرش بدون قید و شرط او. کار را از آنجایی آغاز کنید که جوان می‌خواهد و به آنجایی ختم کنید که خودتان می‌خواهید.

دوم: ایجاد امنیت روانی برای جوان؛ زیرا جوان به صورت فطری، امنیت‌طلب و آرامش‌خواه است. ایجاد فضایی سرشار از محبت و آرامش، به دور از هرگونه سرزنش و تحقیر در فضای تبلیغ، جامعه و محیط زندگی می‌تواند در جذب جوانان بسیار مؤثر باشد.

سوم: برقراری ارتباط کلامی و عاطفی؛ یعنی باید صمیمانه، محترمانه و فعالانه به احساسات و حرف‌های جوان گوش داد.

چهارم: رعایت اصل برخورد مثبت و عدم مقایسه؛ یعنی باید قبل از هر اقدامی، توانایی‌های جوانان را تشخیص داد و رفتارهای مثبت آنان را تقویت کرد و تفاوت‌های فردی آنان را مدّ نظر قرار داد و از هرگونه مقایسه‌ی منفی خودداری نمود.

پنجم: رعایت اعتدال؛ بدین معنا که در جذب جوانان باید از افراط و تفریط خودداری کرد و در اعطای آزادی و مسئولیت به آنها، اعتدال داشت.

(شیوه جذب جوانان، محمد اسماعیلی مبارکه، ص ۳۱)

دیدن عیب‌ها و مزیت‌ها باید باهم باشد!

خداوند متعال در کنار توبیخ و اعتراض به بسیاری از رسم‌های جاهلیِ اعراب، برخی سنت‌های آنان را تمجید و تأیید کرده و دستور به ادامه آنها می‌دهد، بنابراین نباید در برخورد با دیگران صرفاً منتقد و مذمت‌گر بود. استاد شهید مرتضی مطهری‌﵀ در این‌باره می‌فرمایند:

«نسل جوان ما مزایایی دارد و عیب‌هایی. زیرا این نسل یك نوع ادراكات و احساساتی دارد كه در گذشته نبود و از این جهت باید به او حق داد. در عین حال یك انحرافات فكری و اخلاقی دارد و باید آنها را چاره كرد. چاره كردن این انحرافات بدون در نظر گرفتن مزایا یعنی ادراكات و احساسات و آرمان‌های عالی كه دارد و بدون احترام گذاشتن به این ادراكات و احساسات میسر نیست. باید به این جهات احترام گذاشت. رودربایستی ندارد؛ در نسل گذشته فكرها این اندازه باز نبود، این احساسات با این آرمان‌های عالی نبود. باید به این آرمان‌ها احترام گذاشت. اسلام به این امور احترام گذاشته است. اگر ما بخواهیم به این امور بی‌اعتنا باشیم محال است كه بتوانیم جلو انحراف‌های فكری و اخلاقی نسل آینده را بگیریم. روشی كه فعلًا ما در مقابل این نسل پیش گرفته‌ایم كه روش دهان‌كجی و انتقاد صِرف و مذمّت است و دائماً فریاد ما بلند است كه سینما این طور، تئاتر این طور، مهمان‌خانه‌های بین شمیران و تهران این طور، رقص چنین، استخر چنان، و دائماً وای وای می‌كنیم درست نیست. باید فكر اساسی برای این انحراف‌ها كرد.»

(رهبری نسل جوان، ص ۱۶)

جمعه ۲۳ مرداد

اذان صبح: ٤:٤٩
طلوع آفتاب: ٦:٢٢
اذان ظهر: ١٣:٠٩
اذان مغرب: ٢٠:١٥

۲۸ شوال ١٤٣٦
14 Aug 2015

روز مقاومت اسلامی
و پایان جنگ ۳۳ روزه
مقاومت اسلامی لبنان با
رژیم متجاوز صهیونیستی
و اعلام پیروزی تاریخی
حزب الله (۱۳۸۵هـ ش)

نخبه پروری!

در خاطرات بسیاری از علما و مشاهیر، با برهه‌ای مواجه می‌شویم که در دوران نوجوانی یا جوانی، افرادی مانند اساتید، مربیان یا بزرگانِ آن زمان، استعداد و ظرفیت موجود در این جوان را دریافته و او را مورد تشویق و حمایت خود قرار داده‌اند و با کمک‌های مادی و معنوی، باعث شده‌اند تا استعدادهای این جوان شکفته شده و به فردی مؤثر و نخبه برای نسل بعدی تبدیل شود.

نمونه‌ای از این مطلب در خاطرات میرزا حسن آشتیانی، شاگرد بزرگوار شیخ انصاری آمده است.

«چون میرزا حسن آشتیانی در درس شیخ اعظم انصاری شرکت کرد، به واسطه کمی سن و سال خود که آن روز در آن درس از همه جوان‌تر بود، خجالت می‌کشید و برای اینکه از انظار تا حدی پنهان باشد، در پشت یکی از ستون‌های محل درس می‌نشست، تا اینکه بعد از چند روز به منبر درس شیخ نزدیک شده و به مطالب شیخ اشکال کرد. شیخ از متانت کلام و دقت او خوشش آمده و چون عادتش مهربانی با شاگران بود، او را تحسین کرده و از او خواست به منبر نزدیک‌تر شود و پس از پرسیدن اسم و شهر او، شاگرد را به خانه خود دعوت نمود. بعد از آنکه میرزا حسن به خانه استاد رفته و قدری با او صحبت کرد، شایستگی‌اش برای شیخ روشن‌تر شد و آنقدر مورد عنایت شیخ قرار گرفت که در درس خود از او تمجید و تعریف می‌کرد و بعد از مدتی تبدیل به مقرّر درس شیخ انصاری گردید.»

(اسلام مجسم، ص ۶۴)

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلاَةِ إِنَّ اللهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾[1]؛ ای افرادی که ایمان آورده‌اید! از صبر (و استقامت) و نماز، کمک بگیرید! (زیرا) خداوند با صابران است.

نکات تفسیری

۱ـ کلمه استعانت، به معنای طلب کمک است و معمولاً انسان زمانی طلب استعانت می‌کند که به نیروی خود به تنهایی نمی‌تواند حوادث را از خود دور کرده و بر وفق مصلحت خود برطرف سازد. اینکه خداوند متعال فرموده است از صبر و نماز، برای مهمات و حوادث خود کمک بگیرید، به این جهت است که در حقیقت صبر (که در برخی روایات به روزه معنی شده) و نماز، پله‌ای ارتباط انسان با خداوند متعال بوده و این پشتوانه عظیم، باعث می‌شود مقاومت انسان در برابر سختی‌ها بیشتر و آستانه تحمّل او بالاتر رود. چراکه صبر، هر بلا و یا حادثه عظیمی را کوچک و ناچیز می‌کند و نماز که اقبال به خدا و التجاء به اوست، روح ایمان را زنده می‌سازد و به آدمی الهام می‌کند که به جایی تکیه دارد که انهدام پذیر نیست و بر ریسمانی چنگ انداخته که پاره شدنی نیست.[2]

۲ـ صبر از بزرگ‌ترین ملکات و احوالی است که قرآن آن را ستوده و مکرر امر بدان نموده است، تا به جایی که ترغیب به صبر در قرآن کریم، قریب به هفتاد مورد را به خود اختصاص داده است، حتی درباره‌اش فرموده: «إِنَّ ذلِکَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»، این صبر از کارهای بس مهم است)[3] و نیز فرموده: «وَ ما یُلَقَّاها إِلَّا الَّذِینَ صَبَرُوا وَ ما یُلَقَّاها إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِیمٍ،» این اندرز را نمی‌پذیرند، مگر کسانی که صبر کنند و نمی‌پذیرند، مگر صاحب بهره‌ای عظیم)[4] و نیز فرموده: «إِنَّما یُوَفَّی الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَیْرِ حِسابٍ»، تنها صابرانند که بدون حساب، اجرشان به تمام داده می‌شود.[5] اما (صلاة) درباره آن همین قدر می‌گوییم که نماز از بزرگ‌ترین عبادت‌هایی است که قرآن بر آن تأکید بسیار دارد، حتی در باره‌اش فرموده: «إِنَّ الصَّلاةَ تَنْهی عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْکَرِ»، نماز انسان را از فحشاء و منکر باز می‌دارد)[6] و در قرآن کریم درباره هر امری سفارش می‌کند، در صدر آن و در شروع، نماز را به یاد می‌آورد.

خدای سبحان، صبر را چنین توصیف کرده که خدا با صابرانی است که دارای این صفت‌اند و اگر در آیه مورد بحث، تنها صبر را توصیف کرد و از نماز چیزی نفرمود، با اینکه در آیه: «وَ اسْتَعِینُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلاةِ وَ إِنَّها لَکَبِیرَةٌ» نماز را توصیف کرده، بدین جهت بود که مقام آیات مورد بحث، مقام برخورد با مواقف هول انگیز و هماوردی با شجاعان است و در این مقام اهتمام ورزیدن به صبر مناسب‌تر است. به خلاف آیه سابق؛ و باز به همین جهت در آیه مورد بحث فرمود: «إِنَّ اللهَ مَعَ الصَّابِرِینَ» و نفرمود: «ان الله مع المصلین».

و اما اینکه فرمود: خدا با صابران است، این معیّت غیر آن معیّتی است که در آیه: «وَ هُوَ مَعَکُمْ أَیْنَ ما کُنْتُمْ» (او با شماست هر جا که باشید)[7]، آمده؛ زیرا معیّت در سوره حدید، معیّت احاطه و قیمومیت است، می‌خواهد بفرماید: خدا بر همه شما احاطه دارد و قوام ذات شما به اوست، به خلاف معیّت در آیه مورد بحث، که به معنای یاری کردن صابران است و می‌خواهد بفرماید خداوند متعال، صابران را در سختی‌ها رها نکرده و از آنان حمایت خواهد کرد.

«الصبر مفتاح الفرج» صبر کلید فرج خدایی و یاری اوست.[8]

۳ـ مشابه این کلام الهی را در همین سوره[9] خواندیم که خداوند به بنی‌اسرائیل می‌فرمود: در برابر ناملایمات و سختی‌ها، از صبر و نماز کمک بگیرید. در این آیه نیز به مسلمانان دستور داده می‌شود تا در برابر حوادث سخت زندگی، از صبر و نماز یاری بجویند. آری، دردهای یکسان، داروی یکسان لازم دارد.

اصولاً انسانِ محدود در میان مشکلات متعدّد و حوادث ناگوار، اگر متصل به قدرت نامحدود الهی نباشد، متلاشی ومنکوب می‌شود. در حالی که انسانِ مرتبط با خداوند، در حوادث و سختی‌ها، خود را نمی‌بازد و برای او حوادث، بزرگ نمی‌نماید. کسی که نماز را با حضور قلب و با توجّه می‌خواند، به معراج می‌رود. هرچه پرواز معنوی او بیشتر باشد و بالاتر رود، دنیا و مشکلات آن و حتّی خوشی‌های آن، کوچک‌تر می‌شود.

انسان در زندگی دنیوی، یا در نعمت به سر می‌برد که باید به آیه قبل عمل کند؛ «فَاذْكُرُونى أَذْكُرْكُمْ وَ اشْكُرُوا لى وَ لا تَكْفُرُونِ[10]» و یا در سختی به سر می‌برد که باید به این آیه عمل کند؛ «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ الصلاة»

خداوند در قرآن می‌فرماید خدا با صابران است و نمی‌فرماید با نمازگزاران است. زیرا نماز نیز نیاز به صبر و پایداری دارد. در روایات می‌خوانیم هرگاه کار سختی برای حضرت علی علیه‌السلام پیش می‌آمد، حضرت دو رکعت نماز می‌خواند.

در لسان روایات آمده است که صبر، مادر همه کمالات است؛ از جمله صبر در جنگ، مایه شجاعت است؛ صبر در برابر گناه، وسیله تقواست؛ صبر از دنیا، نشانه زهد است؛ صبر در شهوت، سبب عفّت است؛ صبر در عبادت، موجب طاعت و صبر در شبهات، مایهٔ وَرع است.[11]

حدیث

عن الصادق علیه‌السلام: المؤمنُ حَليمٌ لا يَجْهَلُ و إن جُهِلَ علَيهِ يَحْلُمُ، ولا يَظلِمُ و إنْ ظُلِمَ غَفرَ ولا يَبخَلُ و إن بُخِلَ علَيهِ صَبرَ.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: مؤمن، بردباری است که به کسی [جسارت نمی‌کند و اگر نسبت به او جسارتی صورت گیرد، بردباری می‌ورزد، ستم نمی‌کند و اگر به وی ستم شود، می‌بخشد. بخل نمی‌ورزد و اگر بر او بخل ورزند، صبر می‌کند.

عیسی علیه‌السلام: إنّكُم لا تُدرِكُونَ ما تُحِبُّونَ إلاّ بِصَبرِكُم على ما تَكرَهُونَ.[12]

حضرت عیسی علیه‌السلام در این رابطه می‌فرماید: شما به آنچه دوست دارید نخواهید رسید، مگر با صبر در برابر آنچه ناخوش می‌دارید.

عن الصادق علیه‌السلام: إنّ اللهَ عَزَّ و جلَّ أنعَمَ على قومٍ فلَم يَشكُرُوا فَصارَت علَيهِم وَبالاً و ابتَلى قَوما بِالمَصائبِ فَصَبَرُوا فَصارَت علَيهِم نِعمَةً.[13]

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: خداوند عزّ و جلّ به مردمی نعمت داد و آنها سپاسگزاری نکردند و بدین سبب آن نعمت بر آنان وبال شد و مردمی را به مصیبت‌ها مبتلا کرد و آنها صبر کردند و در نتیجه، آن مصیبت‌ها به نعمت تبدیل شد.

رسولُ الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: عَلامةُ الصابِرِ في ثلاث: أوّلُها أن لا يَكسَلَ و الثانيةُ أن لا يَضجَرَ و الثالثةُ أن لا يَشكُوَ مِن رَبِّهِ تعالى؛ لأنّهُ إذا كَسِلَ فَقدَ ضَيَّعَ الحَقَّ و إذا ضَجِرَ لَم يُؤَدِّ الشُّكرَ و إذا شَكا مِن رَبِّهِ عَزَّ و جلَّ فقد عَصاهُ.[14]

پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله درباره صبر می‌فرماید: نشانه شکیبا سه چیز است: اوّل آن که تنبلی نمی‌ورزد، دوم آن که افسرده و دلتنگ نمی‌شود، سوم آن که از پروردگار خود شکوه نمی‌کند؛ زیرا اگر تنبل باشد، حق را فرو می‌گزارد و اگر افسرده و دلتنگ باشد، شکر نمی‌گزارد و اگر از پروردگارش شکایت کند، معصیت او را کرده است.

داستان

انس بن مالک نقل می‌کند: مستمندان مردی را به عنوان پیک، خدمت حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله فرستادند. وقتی که او شرف‌یاب شد، عرض کرد: من از طرف بینوایان پیامی دارم. حضرت فرمود: مرحبا به تو و دسته ای که من آنها را دوست دارم. عرض کرد: یا رسول الله فقراء می‌گویند ثروتمندان تمام حسنات را برده‌اند، به حج می‌روند، که ما قادر نیستیم، اگر مریض شوند، زیادی اموال خود را می‌فرستند تا برایشان ذخیره باشد. فرمودند به بینوایان بگو هر فقیری که صابر و شکیبا

باشد، سه امتیاز دارد که ثروتمندان ندارند:

۱- در بهشت غرفه‌ای است که بهشتیان چشم به آنها می اندازند، همان طوری که مردم ستارگان را تماشا می کنند. در حالی که وارد آن قصرها نمی‌شود، مگر پیغمبر مستمند یا شهید بینوا و یا مؤمن فقیر.

۲- نصف روز قبل از اغنیاء داخل بهشت می‌شوند که طول آن نصف، پانصد سال است.

۳- هر گاه ثروتمند بگوید «سبحان الله والحمدالله و لا اله الا الله و الله اکبر» و فقیری هم همین ذکر را بگوید، ثواب غنی معادل فقیر نمی‌شود؛ اگر چه ده هزار درهم انفاق کند. این سبقت در سایر کارهای نیک و عبادات نیز محفوظ است. پیک بازگشته به آنها خبر داد. همه گفتند به این وضع راضی شدیم.[۱۵]

نتیجه

این آیه دارای مفهوم وسیعی است و هرگونه صبر و استقامت را شامل می‌شود، خواه صبر به اطاعت و یا بر معصیت باشد. برای انجام هر کار مهمی، کمک گرفتن و استعانت لازم است، خواه جهاد باشد و یا غیر آن؛ بنابراین، برای انجام هر کار مهمی، باید از شاخه‌های مختلف صبر که متناسب با آن کار است، یاری جست.[۱۶]

پی‌نوشت

۱.سوره بقره، آیه ۱۵۳. ■ ۲.ترجمه تفسیر المیزان، ج۱، ص، ۲۲۹؛ با کمی تغییر. ■ ۳.سوره لقمان آیه ۱۷. ■ ۴.سوره فصلت آیه ۳۵. ■ ۵.سوره زمر آیه ۱۰. ■ ۶.سوره عنکبوت آیه ۴۵. ■ ۷.سوره حدید آیه ۴. ■ ۸.ترجمه تفسیر المیزان، ج۱، ص، ۵۱۸؛ با تلخیص و کمی تغییر. ■ ۹.سوره بقره، آیه ۴۵. ■ ۱۰.سوره بقره، آیه ۱۵۲. ■ ۱۱.تفسیر نور، ج۱، ص، ۲۳۶. ■ ۱۲.بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج۷۹، ص، ۱۳۸. ■ ۱۳.الکافی (ط - الإسلامیة)، ج۲، ص، ۹۲. ■ ۱۴.علل الشرائع، ج۲، ص، ۴۹۸. ■ ۱۵.منتهی الامال، ص ، ۳۳۲. ■ ۱۶.اخلاق در قرآن، ج۲، ص،۴۴۱.

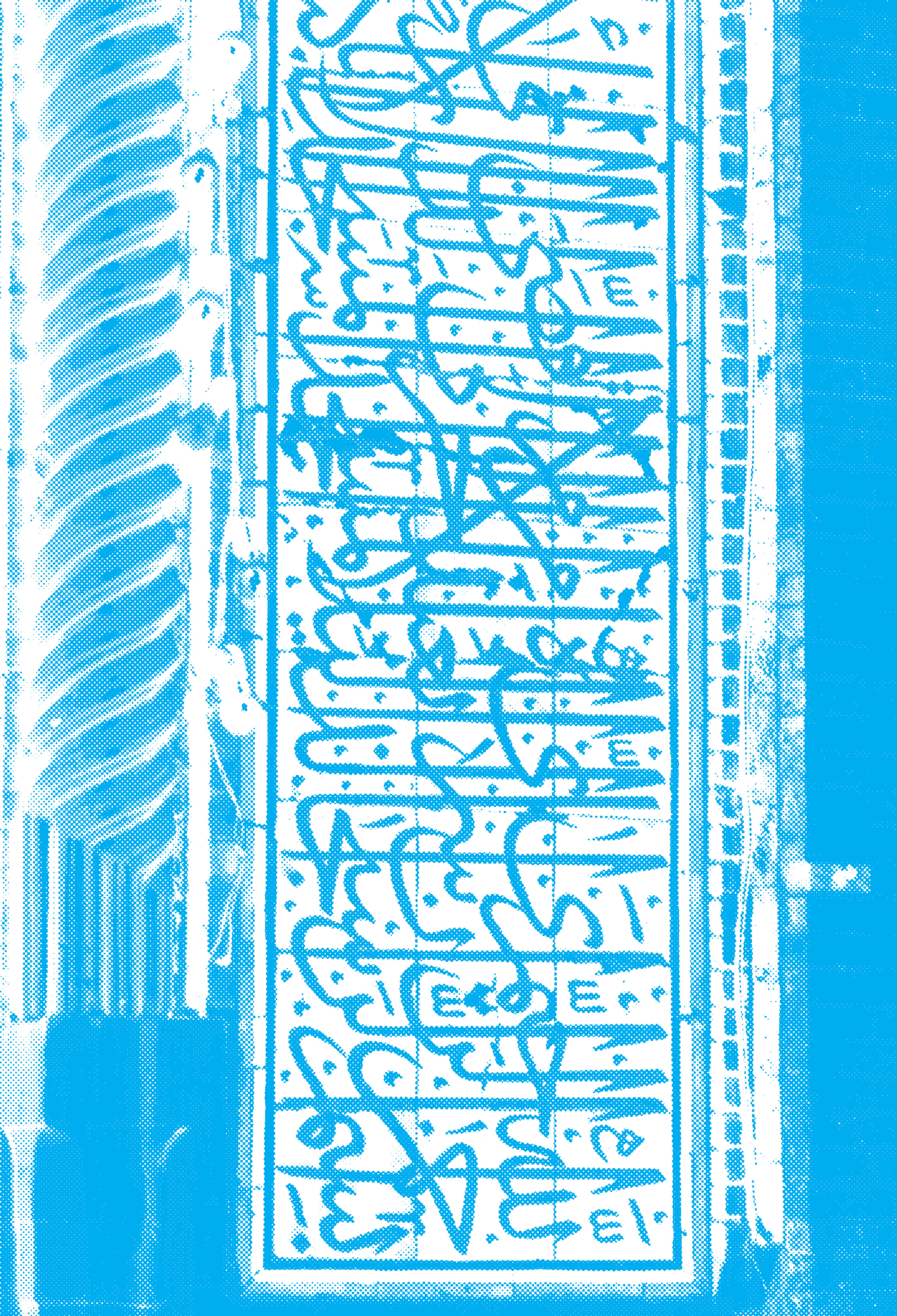

راهبردهای عدالت‌گستری مهدوی

در جامعه مهدوی همه عوامل پدیدآورنده عدالت، دست به دست هم خواهند داد تا نوید پروردگار، در برپایی جامعه جهانی بر پایه عدل را شکل دهند؛ عناصری چون قانون دادگرانه، رهبر عادل، حکومت و کارگزاران عادل و جامعه عادل، در این صورت است که عدل جهانی محقق خواهد شد.

اجرای عدالت نیز راهکارهایی دارد که برخی از آن‌ها عبارتند از:

افزایش معرفت

یکی از عوامل بی‌عدالتی، جهل و نادانی است. در عصر ظهور، آگاهی مردم افزایش چشم‌گیری خواهد داشت. امام باقر عليه‌السلام در این باره، می‌فرماید:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ یَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمُلَتْ بِهَا أَحْلَامُهُمْ؛[1] آن‌گاه که قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می‌نهد؛ به این وسیله خداوند خردهای آن‌ها را جمع و کامل می‌گرداند.

گسترش انفاق

از مهم‌ترین عوامل بی‌عدالتی، فاصله طبقاتی میان تهی‌دست و غنی است. انفاق از طرف ثروتمندان، نقش مهمی در نزدیک ساختن جامعه به برخورداری همگانی ایفا می‌کند. انفاق، حتی به صورت غیر واجب، به عنوان یک ارزش تلقی شده و پاداش عظیمی برای آن بیان شده است. در دوران حاکمیت حضرت مهدی انفاق مال به اوج خود می‌رسد؛ به گونه‌ای که یکی از اسباب بی‌نیازشدن مردم خواهد بود.

توزیع دادگرانه

عدالت اقتصادی در عصر ظهور، به معنای تقسیم دادگرانه ثروت میان تمام افراد جامعه است. پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: شما را بشارت می‌دهم به ظهور مهدی عليه‌السلام که در میان امتم برانگیخته می‌شود... آن‌گاه فرمود: «و یقسم المال

پیشنهادهای اجرایی هفته

■ مراسم توسل به اهل بیت علیهم السلام و جمع آوری صدقه به مناسبت اول ماه قمری ■ برگزاری مراسم قرائت زیارت امین الله (سه شنبه) ■ تشکیل کارگاه‌های آموزشی تربیت فرزندان برای والدین ■ معرفی هفتگی کتاب با موضوعات مرتبط جهت تحکیم خانواده ■ قرائت زیارت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها در روز ولادت آن حضرت ■ برگزاری جشن میلاد حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها و روز دختر و تجلیل از دختران نمونه مسجد (دانش آموزان ممتاز، مخترع، مبتکر، حافظان قرآن فعالان فرهنگی و هنری و...) ■ برگزاری مراسم تجلیل از آزادگان و دعوت از این عزیزان برای بیان خاطرات ■ خطابه با موضوع کودتای ۲۸ مرداد و جنایات استکبار جهانی نسبت به ملت ایران ■ فراخوان بیان نظرات اهالی درباره احیای هویت مسجد ■ برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید ■ برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه) ■ برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه) ■ برگزاری مراسم غبارروبی ماهانه مسجد (جمعه) ■ برگزاری مراسم روز جهانی مسجد

صحاحا» گفته شد "صحاحاً" چیست؟ فرمود: میان همه مردم با مساوات برخورد خواهد کرد...[2].

مبارز با افزون‌خواهی

یکی از صفات ناپسند، فزون‌خواهی است. در آموزه‌های اسلامی، افزون بر سفارش به قناعت، زیاده‌خواهی نیز مذمت شده است. یکی از راهبردهای حکومت جهانی مهدوی، مبارزه با زیاده‌خواهی است. معاذ بن کثیر گوید از امام صادق عليه‌السلام نقل می کند که فرمودند:

موسّعٌ علی شیعتنا أن ینفقوا ممّا فی أیدیهم بالمعروف، فاذا قام قائمنا علیه‌السلام حرّم علی کلّ ذی کنز کنزه حتی یأتیه به فیستعینُ به علی عدوّه و هو قول الله عزّو جلّ فی کتابه: وَ الَّذینَ یَکْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لا یُنْفِقُونَها فی سَبیلِ اللهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ أَلیمٍ[3]؛...

و کسانی که زر و سیم را گنجینه می‌کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند، ایشان را از عذابی دردناک خبر ده... .

احساس بی‌نیازی در مردم

یکی از سازوکارهای مهم در برپایی عدالت، فروکاستن از آرزوهای مادّی و خواسته‌های فزاینده دنیوی است که با استغنای روحی انسان‌ها پدید می‌آید. بالارفتن ظرفیت‌های فکری و درونی مردم، توجه به نیازهای اصیل و فطری و ماندگار، پایین‌آوردن سطح خواسته‌های گوناگون و بی‌پایان مادی، در اولویت قرار نبودن امور نازل و فانی، از نشانه‌های غنای روحی و معنوی‌اند؛ این امر با رشد خردورزی در عصر ظهور به گونه‌ای کامل پدید خواهد آمد و به شکل‌گیری هر چه بهتر عدالت کمک می‌کند. پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «وَ یَجْعَلُ اللهُ الْغِنَی فِی قُلُوبِ هَذِهِ الأُمَّة؛[4] و خداوند در دل‌های این امت بی‌نیازی قرار دهد... .

پی‌نوشت:

۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج۲، ص۶۷۵. ■ ۲. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمة، ج۳، ص۲۶۱، ح۱۸. ■ ۳. توبه (۹)، آیه ۳۴. ■ ۴. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۴.

شنبه ۲۴ مرداد

اذان صبح: ٤:٥٠
طلوع آفتاب: ٦:٢٣
اذان ظهر: ١٣:٠٩
اذان مغرب: ٢٠:١٤

۲۹ شوال ١٤٣٦
15 Aug 2015

روی نقاط قوت و کارهای مثبتش تکیه کنید ...

از مهمترین روش‌ها برای جذب جوانان، احترام به شخصیت و حفظ کرامت آن‌ها است. در تعالیم دین مبین اسلام آمده است: «لَا تُحَقِّرَنَّ أَحَداً مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَإِنَّ صَغِيرَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ كَبِيرٌ» (مجموعه ورام، ج ۱، ص ۳۱) مبادا فردی از مسلمانان را کوچک بشمارید و تحقیر کنید؛ چرا که کوچک آنان نزد خدا بزرگ است.
دین همان ارزش و جایگاهی را که برای یک انسان بزرگسال در نظر دارد، برای جوان نیز قائل است؛ زیرا تربیتی که مبتنی بر اقتدار یک‌جانبه باشد، محکوم به شکست است. جوان جذب حرف‌ها و رفتارهایی می‌شود که خود در آن نقش و سهمی داشته باشد و شخصیتش به نحوی در آن حفظ شود، پس باید از کلماتی استفاده کرد که به شخصیت او لطمه نمی‌زند. با اظهار محبت و ارزش نهادن به شخصیت جوان، روی نقاط قوت و کارهای مثبتش تکیه کنید؛ چون این امر موجب اعتماد به نفس، خودباوری و حرکت به سوی رفتارهای پسندیده خواهد شد.
امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «فَإِنَّ كَثْرَةَ الذِّكْرِ لِحُسْنِ أَفْعَالِهِمْ تَهُزُّ الشُّجَاعَ وَ تُحَرِّضُ النَّاكِلَ إِنْ شَاءَ اللَّه» (نهج البلاغه، ص ۴۳۴) یادآوری زیاد کارهای نیک آنها، موجب تحرّک اشخاص شجاع و برانگیختن افراد دلسرد و مسامحه‌کار به سوی رفتار مثبت خواهد شد، إن شاء الله تعالی.
بنابراین باید جوان احساس کند که شما او را همتای خودتان به حساب می‌آورید تا در احساس متقابل و در موقعیتی آزاد و آگاهانه، به راهنمایی‌ها و گفته‌های شما فکر کرده و اعتقاد پیدا کند. (شیوه جذب جوانان، محمد اسماعیلی مبارکه، ص ۱۲۶)

یکشنبه ۲۵ مرداد

اذان صبح: ٤:٥٢
طلوع آفتاب: ٦:٢٤
اذان ظهر: ١٣:٠٩
اذان مغرب: ٢٠:١٢

١ ذی‌القعده ١٤٣٦
16 Aug 2015

ولادت حضرت معصومه سلام الله علیها (۱۷۳ هق) و روز دختران

با شفاعت او همه شیعیان ما وارد بهشت می شوند ...

از امام صادق علیه‌السلام روایت کرده‌اند که فرمود: «تُقْبَضُ فيها امْرَأَةٌ هِیَ مِنْ وُلْدی؛ وَاسْمُها فاطِمَةُ بِنْتِ مُوسی، تَدْخُلُ بِشِفاعَتِها شِیعَتُنا الجَنَّةُ بِأَجْمَعِهِمْ. در قم، بانویی از فرزندان من که نامش فاطمه دخت موسی است، رحلت می کند؛ با شفاعت او همه شیعیان ما وارد بهشت می‌شوند.»

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله : «مَا مِنْ بَيْتٍ فِيهِ الْبَنَاتُ إِلَّا نَزَلَتْ كُلَّ يَوْمٍ عَلَيْهِ اثْنَتَا عَشْرَةَ بَرَكَةً وَ رَحْمَةً مِنَ السَّمَاءِ وَ لَا تَنْقَطِعُ زِيَارَةُ الْمَلَائِكَةِ مِنْ ذَلِكَ الْبَيْتِ يَكْتُبُونَ لأبيهم كلّ يوم وليلة عبادة سنه». (مكارم الأخلاق، ص: ٢١٩) هیچ خانه‌ای که در آن دختران باشند نیست مگر اینکه هر روز ۱۲ برکت و رحمت از آسمان نازل می‌شود و هیچ گاه زیارت ملائکه از آن خانه قطع نمی‌شود در حالی که هر روز و شب برای پدرشان عبادت یک سال را می‌نویسند».

الامام الصادق علیه‌السلام : «قَالَ الْبَنَاتُ حَسَنَاتٌ وَ الْبَنُونَ نِعْمَةٌ فَالْحَسَنَاتُ يُثَابُ عَلَيْهَا وَ النِّعْمَةُ يُسْأَلُ عَنْهَا (اصول کافی ج۶)؛ دختران حسنه هستند و پسران نعمت، پس در قبال حسنات ثواب داده می شود و از نعمت سئوال می‌شود».

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَاصِمِيُّ قَالَ لِی أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله : «بَلَغَنِی أَنَّهُ وُلِدَ لَكَ ابْنَةٌ فَتُسْخِطُهَا وَ مَا عَلَيْكَ مِنْهَا رَيْحَانَةٌ تَشَمُّهَا وَ قَدْ كُفِيتَ رِزْقَهَا وَ قَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله أَبَا بَنَاتٍ. (اصول کافی ج۶) به من چنین رسیده است که برایت دختری متولد شده است و تو این را ناخوش می‌داری! آنچه از او به تو می‌رسد بوی خوشی است که استشمام‌اش می کنی، در حالی که رزقش از ناحیه خداوند کفایت شده است، پیامبر خدا پدر دختران بودند».

دوشنبه ۲۶ مرداد

اذان صبح:	٤:٥٣
طلوع آفتاب:	٦:٢٤
اذان ظهر:	١٣:٠٨
اذان مغرب:	٢٠:١١

۲ ذی‌القعده ١٤٣٦

17 Aug 2015

آغاز بازگشت آزادگان به میهن اسلامی (١٣٦٩ هش)
رحلت آیت الله عبدالکریم حق شناس (١٣٨٦ه ش)

اگر زبان درست حرف بزند، خیلی از مشکلات حل می‌شود...

آیت الله حق شناس می‌فرماید: عمل بد، عفت زبان را از بین می برد. ایشان در ادامه فرمودند: ولایستقیم قلبه حتی یستقیم لسانه. اگر زبان درست حرف بزند و برای خدا نطق بکند؛ خیلی از مشکلات حل خواهد شد. صبح که می‌شود، تمام اعضا و جوارح دست به دامن زبان می‌شوند و خطاب به او می گویند: اگر تو يك قدری از سخن گفتن خودداری کنی؛ ما مشکلی نخواهیم داشت! نبی اکرم ﷺ در ادامه فرمودند: « ولا یستقیم لسانه حتی یستقیم عمله» (بحار الانوار، ج۷۱، ص۷۸). یعنی وقتی عمل انسان بد شد، زبان آن عفت اولیه‌ی خودش را از دست می‌دهد. غیبت می کند، تهمت می‌زند.

گمان نمی کنم هیچکدام از شماها در دفاع از مؤمن به اندازه‌ی بنده جدیت داشته باشید. در مجلسی شرکت کرده بودم که یکی از حضار شروع کرد به غیبت کردن از فردی مؤمن. هر چه او گفت، بنده رد کردم. اما باز هم به غیبت کردن ادامه داد. بنده گفتم: حضرت می‌فرماید: «کذّب سمعک و بصرک عن اخیک». درباره‌ی برادر مؤمن خود هر آنچه گوشت شنید و چشمت دید، تکذیب کن! هر چه شنیدی و دیدی، بگو من اشتباه شنیده‌ام و دیده‌ام! مؤمن شأن و احترام بسیاری دارد. متأسفانه در آن مجلس یک اهل علمی هم بود که حرف آن شخص را تأیید می کرد!

(وبسایت رسمی مرحوم آیت الله میرزا عبد الکریم حق شناس)

سه‌شنبه ۲۷ مرداد

اذان صبح: ٤:٥٤
طلوع آفتاب: ٦:٢٥
اذان ظهر: ١٣:٠٨
اذان مغرب: ٢٠:١٠

٣ ذی‌القعده ١٤٣٦
18 Aug 2015

نقد سالم!

روحیه نقد و مطالبه از مسئولین، یکی از ویژگی‌های نسل جوان است. اصل وجود چنین خصلتی در جوانان به عنوان یک عیب و ضعف محسوب نمی‌شود بلکه مزیتی بزرگ است و باید مورد تشویق قرار گیرد، چرا که نشان دهنده توجه آنها به امور مهم و اهمیت دادنشان به مسائل جاری است. لکن باید شیوه نقد سالم و منطقی را به مرور و در عمل به آنها آموخت تا دچار آفات این کار نشوند. امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در بیاناتی خطاب به جوانان دانشجو می‌فرمایند:

«آن بخشی که به نظر من مهم و در خور ستایش و تقدیر است، عبارت است از روحیه‌ی پرنشاط و مطالبه‌گر در مجموعه‌ی دانشجویی، که در بیانات این جمع معدود و محدود خودش را نشان داد؛ این مهم است. ممکن است [از] آنچه در این مطالبات وجود دارد، بعضی منطقی نباشد، بعضی قابل تحقق نباشد، بعضی مورد قبول نباشد؛ اما نَفْس این روحیه‌ی مطالبه‌گری و انگیزه برای خواستن و فکر کردن و پیشنهاد دادن و انتقاد کردن، مطلوب است. البته در همه‌ی امور باید اخلاق را، دیانت را، حدود شرعی را رعایت کرد؛ از بی‌انصافی باید پرهیز کرد؛ از «قول بغیر علم» باید اجتناب کرد؛ اینها به جای خود محفوظ؛ آنچه مهم است، این است که جوان دانشجوی ما باید مطالبه‌گر، پرانگیزه، پرنشاط، حاضر در صحنه و ناظر به مسائل کشور باشد؛ و من این را امروز مشاهده می‌کنم که بحمدالله هست.» (٩٣/٥/١)

چهارشنبه ۲۸ مـــرداد

اذان صبـــح: ٤:٥٥
طلوع آفتاب: ٦:٢٦
اذان ظهـــر: ١٣:٠٨
اذان مغـرب: ٢٠:٠٩

٤ ذی‌القعده ١٤٣٦
19 Aug 2015

کودتای آمریکا برای بازگرداندن شاه در سال (۱۳۳۲ هـ ش)
تشکیل مجلس خبرگان برای بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران(۱۳۵۸ هـ ش)

جوان، محور تحرک جامعه!

در هر جامعه و کشوری، قشر جوان همیشه پیشرو و عامل اصلی در تلاش‌ها و فعالیت‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و غیره بوده‌اند و هستند. چرا که نیرو و نشاط و انرژی موجود در این نسل، باعث کارآمدتر بودن و فعال‌تر بودن آنها در هر جنبش و فعالیتی می‌شود. امام خامنه‌ای (مدظله العالی) درباره این مطلب می‌فرمایند:

«جوان در هر جامعه و کشوری، محور حرکت است. اگر حرکت انقلابی و قیام سیاسی باشد، جوانان جلوتر از دیگران در صحنه‌اند. اگر حرکت سازندگی یا حرکت فرهنگی باشد، باز جوانان جلوتر از دیگران‌اند و دست آنها کارآمدتر از دست دیگران است. حتی در حرکت انبیای الهی هم، از جمله حرکت صدر اسلام، محور حرکت و مرکز تلاش و تحرک جوانان بودند.» (۷۰/۸/۱۵)

بنابراین اگر نسل جوان را به موتور جامعه تشبیه کنیم، بر بزرگان و افراد باتجربه‌تر لازم است تا با کنترل و هدایت این نسل، مانند فرمانی برای جهت بخشی به مسیر و حرکت جامعه عمل نمایند و إلا عواملی خارجی مانند نفوذ فرهنگی بیگانه و شیاطین جن و انس در کمین نشسته‌اند تا در فرصت مناسب این فرمان را به دست گرفته و به سمت منافع خودشان بگردانند و مسیر حرکت جامعه را از مسیر تعالی و مسیر مورد رضای الهی خارج سازند.

پنج‌شنبه ۲۹ مرداد

اذان صبح: ٤:٥٦
طلوع آفتاب: ٦:٢٧
اذان ظهر: ١٣:٠٨
اذان مغرب: ٢٠:٠٧

٥ ذی‌القعده ١٤٣٦
20 Aug 2015

روز تجلیل از امامزادگان و بقاع متبرکه
درگذشت عالم گرانقدر و مهذب سید بن طاووس (٦٦٤ هق)
ورود قمر به عقرب ١٣:١١

مسجد الاقصی آتش گرفت ...

در تاریخ بیست آگوست به پیشنهاد ایران در اجلاس سی ام وزرای امور خارجه کشورهای اسلامی در تهران به عنوان روز جهانی مسجد انتخاب گردید. این تاریخ یعنی ۳۰مرداد مصادف با ۲۱ آگوست ۱۹۶۵ درست دو سال پس از اشغال فلسطین، دنیس روهان، یهودی افراط گرای استرالیای الاصل مسجد الاقصی را به آتش کشید. این اقدام شوم صهیونیست ها به صورت یک فاجعه دینی جلوه کرد و خشم مسلمانان را در جهان برانگیخت. یک ماه پس از این اقدام شوم در مهر ۱۳۴۸ سازمان کنفرانس اسلامی با شرکت سران کشورهای اسلامی در اردن اعلام موجودیت کرد. نکته قابل تأمل در این زمینه حمایت کشورهای غربی از برگزاری این اجلاس و در مقابل اصرار آنها به عدم برگزاری اجلاسیه اتحاد عرب بود. مخالفت غرب با برگزاری نشست اجلاس عربی به این خاطر بود که در آن زمان دولت های عربی تحت نفوذ جمال عبد الناصر بودند که همین امر منجر به تند روی علیه اسراییل می شد. غربی ها از کنفرانسی حمایت کردند که میزبان آن ملک حسن پادشاه اردن و افتتاح کننده آن شاه ایران بود. در قطع نامه این کنفرانس حتی از آوردن نام بیت المقدس امتناع شد و به جای آن از واژه اورشلیم استفاده گردید. (سایت مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی)

جمعه ۳۰ مرداد

اذان صبح: ٤:٥٧
طلوع آفتاب: ٦:٢٧
اذان ظهر: ١٣:٠٨
اذان مغرب: ٢٠:٠٦

٦ ذی‌القعده ١٤٣٦
21 Aug 2015

روز جهانی مسجد

روز جهانی مسجد
سالروز به آتش کشیده شدن مسجد الاقصی قبله اول مسلمانان توسط رژیم صهیونیستی اسرائیل(١٣٤٨ هـ ش)
روز بزرگداشت حضرت احمد بن موسی شاهچراغ علیه السلام
روز بزرگداشت علامه مجلسی

فاجعهٔ دینی

در ماجرای آتش سوزی مسجدالاقصی دست کم ۲۰۰ متر مربع از سقف مسجد کاملاً ویران شد، گنبد مسجد در ۵ نقطه آن سوخت و یکی از آثار مسجد همراه با یك منبر قدیمی با ارزش که هشتصد سال سابقه داشت طعمه حریق شده و از بین رفت. این جنایت که خشم مسلمانان جهان را برانگیخت، سبب شد تا بسیاری از نشریات کشورهای اسلامی از لزوم عکس‌العمل در برابر صهیونیست‌ها سخن به میان آورند. این بزرگترین جنایت صهیونیست‌ها علیه مسجدالاقصی طی ۱۰ ماهی بود که از تصرف بیت‌المقدس شرقی توسط آنان می‌گذشت. شهر بیت‌المقدس در سال‌های اولیه بعد از رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با روش‌های مسالمت‌آمیز از سلطه رومی‌ها بیرون آمد و به مسلمین سپرده شد. در سال ۷۴ هـ در همان مکانی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به معراج رفتند، مسجدالاقصی احداث گردید. این مسجد با شکوه، مرحله تکمیل همان مسجد کوچك بود که پیش از آن در همان مکان وجود داشت. سابقه تاریخی و حرمتی که از دیر باز بر این مکان مقدس مترتب بوده، سبب شد اقدام شوم صهیونیست‌ها در به آتش کشیدن مسجدالاقصی به صورت یك فاجعه دینی جلوه کرده و واکنش خشم‌آلود بین‌المللی را به ویژه در جهان اسلام به همراه آورد.(سایت موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی)

﴿إِنَّما یَعْمُرُ مَساجِدَ اللهِ مَنْ آمَنَ بِاللهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ وَ أَقامَ الصَّلاةَ وَ آتَی الزَّکاةَ وَ لَمْ یَخْشَ إِلاَّ اللهَ فَعَسی أُولئِكَ أَنْ یَکُونُوا مِنَ الْمُهْتَدینَ﴾ [1] ؛ «آباد کردن مساجد خدا فقط در صلاحیت کسانی است که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و نماز را بر پا داشته و زکات پرداخته و جز از خدا نترسیده‌اند؛ پس امید است که اینان از راه‌یافتگان باشند».

نکته

به گفته مرحوم فیض کاشانی در تفسیر صافی، تعمیر مسجد شامل مرمّت، نظافت و فرش کردن، روشنایی می‌شود.[2]

نکات تفسیری

۱ـ آیه شریفه، جواز تعمیر مساجد را به داشتن ایمان به خدا و روز جزا و اقامه نماز و پرداخت زکات منحصر نموده است. با قید ایمان به خدا کفّار را خارج کرده است و با قید ایمان به روز جزا، مشرکان را و با قید اقامه نماز و دادن زکات، کسانی را خارج می‌کند که فقط مدعی ایمان هستند و از عملشان انتفاعی نمی‌برند؛ زیرا کسانی که تارک فروع دین باشند، زمینه کفر در آنان شدّت دارد. این هم که از میان فروع دین، تنها نماز و زکات نام برده شده است، به این جهت است که نماز و زکات از جمله ارکانی است که به هیچ وجه و در هیچ حالی از احوال ترکشان جایز نیست.[3]

۲ـ در آیات۱۰۷ تا ۱۱۱ همین سوره مبارکه، سخن از عمارت مسجدی در مدینه است که منافقان، اقدام به تأسیس آن کردند و به جایی که بعدها به مسجد ضرار معروف شد. ویرانی این مسجد به دست پیامبر ﷺ نشان از این دارد که صِرف بنای مسجد، دلالت بر ایمان اشخاص ندارد؛ بلکه اهداف و نیاتی که در عمارت مسجد دخیل است، مهم‌تر از خود عمل است.

خلاصه جریان مسجد ضرار، آن‌گونه که از تفاسیر و احادیث مختلف استفاده می‌شود، چنین است: گروهی از منافقان نزد پیامبر ﷺ آمده، عرض کردند: به ما اجازه بده مسجدی در میان قبیله بنی‌سالم (نزدیک مسجد قبا) بسازیم تا افراد ناتوان، بیمار و پیرمردان ازکارافتاده در آن نماز بگزارند و نیز در شب‌های بارانی، که گروهی از مردم توانایی آمدن به مسجد شما را ندارند، فریضه اسلامی خود را در آن انجام دهند. این پیشنهاد زمانی مطرح شد که پیامبر ﷺ عازم «جنگ تبوک» بود.

پیامبر ﷺ به آنها اجازه داد، ولی آنها اضافه کردند: آیا ممکن است شخصاً بیایید و در آن نماز بگزارید؟

پیامبر ﷺ فرمود: من فعلاً عازم سفرم؛ هنگام بازگشت به خواست خدا به آن مسجد می‌آیم و در آن نماز می‌گزارم.

هنگامی که پیامبر ﷺ از تبوک بازگشت، نزد او آمده، گفتند: اکنون تقاضا داریم به مسجد ما بیایی، در آنجا نماز بگزاری و از خدا بخواهی ما را برکت دهد و این در حالی بود که هنوز پیامبر ﷺ وارد مدینه نشده بود. در این هنگام پیک وحی خدا نازل شد و آیات فوق را آورد و پرده از اسرار کار آنها برداشت و به دنبال آن پیامبر دستور داد مسجد مزبور را آتش زده، بقایای آن را ویران کنند و جای آن را محل ریختن زباله‌های شهر سازند!

طبق بیان مفسران، این مسجد با تقاضای ابوعامل، که نصرانی بود و بعدها به مشرکان مدینه برای جنگ با مسلمانان

پیوست، ساخته شده بود و هدف او ایجاد پایگاهی بود که کانون فعالیت‌های آینده او باشد. داستان مفصّل این شخص در منابع روایی و تفسیری شیعه آمده است.[۴]

حدیث

۱ـ پیامبر خدا ﷺ فرمودند: هر نشستنی در مسجد لغو و بیهوده است، مگر نشستن سه کس: نمازگزاری که [قرآن] قرائت کند، کسی که ذکر خدا بگوید و کسی که به دنبال دانشی باشد.[۵]

۲ـ امام صادق علیه‌السلام فرمودند: ملعون است ملعون، کسی که پدر یا مادر خود را بزند؛ ملعون است ملعون، کسی که پدر و مادر خود را نافرمانی کند و آزارشان رساند؛ ملعون است ملعون، کسی که احترام مسجد را نگه ندارد.[۶]

۳ـ پیامبر خدا ﷺ فرمودند: منافقان را نشانه‌هایی است که با آنها شناخته می‌شوند: درودشان لعنت است؛ پرخور و شکم‌باره‌اند؛ به غنائم دستبرد می‌زنند؛ به مساجد نزدیک نمی‌شوند مگر با اکراه و ریاکاری؛ نماز را آخر وقت می‌خوانند؛ خودبرتربین هستند، طوری که با کسی انس و الفت نمی‌گیرند و کسی هم با آنان الفت نمی‌گیرد؛ شب مانند چوب خشک می‌افتند (شب‌زنده‌داری نمی‌کنند) و روز صدای خود را به جرّ و بحث بلند می‌کنند.[۷]

۴ـ پیامبر خدا ﷺ در پاسخ به سؤال ابوذر از چگونگی آباد کردن مساجد فرمود: [به این گونه که] در آنها صداها بلند نشود، به سخنان و کارهای نادرست و بیهوده پرداخته نشود، در آنها خرید و فروش صورت نگیرد و تا زمانی که در مسجد هستی، از کارهای لغو و بیهوده دست بکشی؛ اگر چنین نکنی، در روز قیامت نباید کسی جز خودت را ملامت کنی.[۸]

نتیجه

مسجد، پایگاه مهمّ عبادی و اجتماعی مسلمانان است؛ بنابراین هم متولّیان آن باید صالح و پاک باشند و هم برنامه‌هایش سازنده و تربیت‌کننده؛ هم بودجه‌اش مشروع و حلال باشد و هم مسجدیان خداترس و پرهیزکار و مورد تکریم باشند. در غیر این‌صورت اگر سازندگان مساجد، جبّاران و سلطانان باشند و پیش‌نمازان، افراد بی‌سواد و ترسو و خادمان نیز افراد کهن‌سال و در مواردی بیمار و ناتوان، طبعاً مساجد از هدف اصلی خود که آبادی معنوی است، دور خواهند ماند.[۹]

پی‌نوشت

۱. توبه: ۱۸. ■ ۲. ملامحسن فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج۲، ص۳۲۸. ■ ۳. محمدحسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج۹، ص۲۶۹. ■ ۴. ر.ک: فضل‌بن‌حسن‌طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ ابوالفتوح رازی، روض‌الجنان و روح‌الجنان؛ محمد رشید رضا، تفسیر المنار؛ محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن؛ عبدعلی عروسی حویزی، تفسیر نور الثقلین؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج۲۱، ص۲۵۲، باب ۳۰، قصة أبی‌عامر الراهب و مسجد الضرار و فیه ما یتعلق بغزوة. ■ ۵. شیخ حرّ عاملی، وسائل‌الشیعة، ج۴، ص۱۱۸. ■ ۶. محمدبن‌علی کراجکی، کنز الفوائد، ج۱، ص۱۵۱. ■ ۷. متقی هندی، کنزالعمال، ص۸۶۲. ■ ۸. ورّام‌بن‌ابی‌فراس حلّی، تنبیه‌الخواطر و نزهة النواظر، ج۲، ص۶۲. ■ ۹. محسن قرائتی، تفسیر نور، ج۵، ص۳۳.

راهکارهای برخورد با جریانهای انحرافی در جامعه

بی‌شک جریان‌های انحرافی در مهدویت، افزون بر تخریب باورهای اصیل و هویت دینی و فرهنگی جامعه، امنیت ملی را نیز به چالش می‌کشد؛ از این رو افزون بر راه‌کارهای فرهنگی و علمی، برخورد امنیتی و عملی نیز امری اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

علاقه‌مندان به مباحث اصیل مهدوی، در کنار تلاش در نگهداری خود و دیگران جهت در امان ماندن از ورود در اینگونه جریان‌های انحرافی، می‌بایست تمام کوشش خود را برای رودررویی با این خطرات بزرگ به کار گیرند؛ به ویژه مسئولیت دانشمندان دین، در این زمینه بس بزرگ و دارای ارزش است.

بنابراین برای رودررویی با این جریان‌ها، دو نوع عملکرد مطرح است: فعالیت‌های علمی و فعالیت‌های عملی

۱. رفتارهای علمی

۱-۱. بهره‌گیری از آگاهی‌های معتبر

دانش، سرآغاز هر رفتار است. عدم آگاهی از باورهای راستین مهدویت، پایه‌ای برای شکل گیری جریان‌های انحرافی است؛ از این رو نخستین گام برای رهایی از این جریان‌ها، افزایش آگاهی‌های معتبر است.

مهم‌ترین عرصه برای این فراگیری، چنگ‌زدن به آیات قرآن و روایات معتبر معصومان علیهم‌السلام است. از این رو در بُعد علمی و شناختی می‌بایست دلسوزان در این عرصه به گونه‌ای خردمندانه وارد صحنه شده، به وظایف خود به خوبی عمل کنند. القای این آگاهی‌ها در دو بعد اساسی قابل تصور است: نخست در معارف معتبر و اصیل مهدوی و آنگاه شناخت انحرافات، ویژگی‌ها و پیامدهای آنها، در این راه نورانی.

۱-۲. طراحی سامانه مهندسی فراگیر مهدویت

بی‌شک ناهمگونی میان عناصر فرهنگ دینی، زمینه را برای گسترش

پیشنهادهای اجرایی هفته

◆ جلسه شورای فرهنگی مسجد ◆ سخنرانی ویژه مسائل بانوان و دختران قبل از اذان ظهر روز اول ماه شمسی ◆ برگزاری مراسم دعای توسل (سه شنبه) ◆ برگزاری مسابقات در رابطه با دفاع مقدس ویژه جوانان با همکاری تشکل های مسجدی ◆ برگزاری مسابقه جمع آوری خاطرات دفاع مقدس توسط جوانان ◆ تولید نشریه ویژه شهدای محله و پخش آن با محوریت تشکل های مسجدی ◆ برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید ◆ قرائت زیارت حضرت امام رضا علیه السلام در سالروز ولادت آن حضرت ◆ برگزاری جشن میلاد حضرت امام رضا علیه السلام ◆ برگزاری جلسات پرسش و پاسخ ویژه جوانان (پنج شنبه) ◆ برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه) ◆ برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه)

انحرافات پدید می‌آورد. نگاه سطحی به مباحث مهدویت، از عوامل مهم شکل‌گیری جریان‌های انحرافی است. نگاه فراگیر و کلان به معارف مهدوی با یک سامانه مهندسی کلان از سوی متولیان فرهنگی، اعم از روحانیون و فرهنگیان، به صورت هماهنگ، می‌تواند سدّ نفوذناپذیری در برابر شکل‌گیری این جریان‌ها و ادامه حرکت آنها به شمار آید.

۱-۳. پافشاری بر خردورزی و پرهیز از خرافات

گفته شده ابزار مهم جریان‌سازان انحراف، چنگ‌زدن به امور پنداری و خرافی است. راهبرد رودررویی با این جریان‌ها، پافشاری بر خردمندانه بودن آموزه‌های مهدوی و بازشناخت آنها بر پایه روایات معتبر است، که می‌تواند حقایق بسیاری را آشکار سازد و راه را بر منحرفان ببندد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد بیشتر جریان‌های انحرافی، فاقد بنیان‌های قوی عقلی هستند. به همین دلیل جریان‌سازان این حرکت‌ها هواداران خود را به پرهیز از امور عقلانی سفارش و بیشتر آنها را در پندار و خیال قرار می‌دهند. این امر خود زمینه را برای مقابلهٔ خردمندانه در برابر آنها فراهم می‌سازد.

۲. راه‌های عملی

۲-۱. افشاگری و پدیدآوردن حساسیت

بی‌گمان عظمت پیآمدهای ناگوار این جریان‌های انحرافی راه را بر هر کوتاهی و مدارا می‌بندد؛ از این رو بر همگان به ویژه قشر فرهیخته جامعه لازم است تا با بهره‌مندی از فرصت‌های ممکن به افشاگری علیه این جریان‌ها پرداخته و به ویژه جوانان را از دام این انحرافات دور کنند.

۲-۲. جلوگیری از تبلیغات و جوسازی جریان‌ها

برخی جریان‌های انحرافی با پافشاری و از روی عمد و تظاهر به دفاع از نظام اسلامی و مقام معظم رهبری می‌پردازند تا در سایهٔ این ادعا، خود را از تیررس نگاه و برخورد نیروهای امنیتی در حاشیه امنی قرار داده و افکار پلید خود را در جامعه رواج دهند.

آیت الله شیخ محمد تقی بافقی

(امام جماعت حرم عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام)

امام خمینی رحمه‌الله در درس اخلاق خود که روزهای چهارشنبه و پنج شنبه در مدرسه فیضیه تشکیل می شد، هرگاه می خواست مردی مجاهد و یك مؤمن حقیقی و انسان نمونه و پرهیزکار را معرفی کند، مرحوم بافقی را مثال می زد و می فرمود: «هرکس بخواهد در این عصر مؤمنی را زیارت و دیدار کند که شیاطین تسلیم او می شوند و به دست او ایمان می آورند، مسافرتی به شهر ری نموده و پس از زیارت حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام مجاهد بافقی را ببیند».

وی مبارزی دلیر و پر تلاش بود. در امر به معروف و نهی از منکر جرأت و شهامت بسیاری داشت و در این امر مهم، شاه و گدا در نظر او یکسان بود. نقل شده که روزی احمدشاه با رضاخان که در آن زمان سردار سپه بود، به منزل آیت الله حائری رفتند و مرحوم بافقی هم در آن جا حضور داشت. ایشان احمدشاه را نصیحت و موعظه کرد که تو باید ریش داشته باشی و ظاهر اسلامی را حفظ کنی. در این هنگام، رضاخان برآشفت و گفت: «آقا شیخ، این فضولی ها به تو نیامده». مرحوم بافقی محکم به سینه او زد و گفت: «خفه شو زندیق. می بینم که به زودی علیه ایشان (احمدشاه) کودتا می کنی و او را از بین می بری، سلطنت تشکیل می دهی، عمامه را از سر روحانیت و اهل علم برمی داری، چادر را از سر زنان می کشی و چه بدعت ها که در دین خواهی گذاشت».

روز صنعت دفاعی

شنبه ۳۱ مرداد

اذان صبح: ۴:۵۸
طلوع آفتاب: ۶:۲۸
اذان ظهر: ۱۳:۰۷
اذان مغرب: ۲۰:۰۵

۷ ذی‌القعده ۱۴۳۶
22 Aug 2015

بگذارید مسجد نیمه سوخته بماند...

اقدام صهیونیست‌ها در آتش زدن مسجدالاقصی با واکنش تند حضرت امام خمینی﵀ روبرو شد. ایشان که در نجف اقامت داشتند، اقدام جنایتکارانه صهیونیست‌ها و تشکیل اجلاس رباط و سیاست‌های رژیم شاه را مورد انتقاد شدید قرار دادند. ایشان فرمودند: کنفرانس اسلامی که در رباط منعقد گردید منشأ خدمتی به سود مسلمانان نشد، بلکه به دشمنان اسلام کمك کرد زیرا بعضی از شرکت کنندگان در این کنفرانس نیت صادقانه نداشتند و به علاوه تناقضاتی میان شرکت‌کنندگان در این کنفرانس وجود داشت. تا زمانی که فلسطین اشغال شده آزاد نشده است مسلمانان مسجدالاقصی را نباید تجدید بنا کنند. بگذارند جنایت صهیونیسم هماره در برابر چشمان مسلمانان مجسم باشد و مایهٔ حرکتی برای آزادی فلسطین گردد. مسجدالاقصی را آتش زدند، ما فریاد می‌کنیم که بگذارید مسجدالاقصی به همین حال نیم‌سوخته باقی باشد، این جرم را از بین نبرید ولی رژیم شاه حساب باز می‌کند و صندوق می‌گذارد و به اسم بنای مسجدالاقصی از مردم پول می‌گیرد تا شاه بتواند از این راه استفاده نماید و جیب خود را پر کند و ضمناً آثار جرم اسرائیل را از بین ببرد. (سایت موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی)

روز بزرگداشت ابوعلی سینا روز پزشک
خروج قمر از عقرب ۳:۲۱

یکشنبه ۱ شهریور

اذان صبح: ٤:٥٩
طلوع آفتاب: ٦:٢٩
اذان ظهر: ١٣:٠٧
اذان مغرب: ٢٠:٠٣

٨ ذی‌القعده ١٤٣٦
23 Aug 2015

یا عالم باشد یا متعلم...

دوره جوانی، بهترین زمان برای علم اندوزی و آموختن می‌باشد و جوان مؤمن اگر از این فرصتِ جوانی برای یادگیری فرامین دینی استفاده نکند، بعید است که با عاقبت بخیری این دنیا را وداع گوید. آنچنان که امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: لَسْتُ أُحِبُّ أَنْ أَرَى الشَّابَّ مِنْكُمْ إِلَّا غَادِياً فِي حَالَيْنِ: إِمَّا عَالِماً أَوْ مُتَعَلِّماً، فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ فَرَّطَ، فَإِنْ فَرَّطَ ضَيَّعَ، وَ إِنْ ضَيَّعَ أَثِمَ، وَ إِنْ أَثِمَ سَكَنَ النَّارَ، وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّداً صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بِالْحَقِّ. (امالی شیخ طوسی، ص ۳۰۳)

دوست ندارم جوانان شما را در حالی غیر از این دو حال ببینم. یا عالم باشند و یا در حال علم آموزی. پس اگر این کار را نکنند، تفریط و کوتاهی کرده‌اند، پس اگر تفریط کنند (عمر خودشان را) ضایع و تباه ساخته‌اند و اگر آن را تباه کنند، معصیت کرده‌اند و اگر (چنین) معصیتی را مرتکب شوند، قسم به کسی که محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به حق مبعوث کرد، ساکن در آتش خواهند شد.

بنابراین یادگیری احکام و مسائل اعتقادی مورد نیازِ عمومی، برای تک‌تک جوانان و نوجوانان لازم و واجب است و والدین نیز باید فرزندانشان را در این مسیر یاری دهند.

دوشنبه ۲ شهریور

آغاز هفته دولت
شهادت سید علی اندرزگو
(۱۳۵۷ هش)

اذان صبح: ۵:۰۰
طلوع آفتاب: ٦:۳۰
اذان ظهر: ۱۳:۰۷
اذان مغرب: ۲۰:۰۲

۹ ذی‌القعده ۱٤۳٦
24 Aug 2015

دوران برافروختن و زبانه کشیدن

با توجه به منابع اسلامی و کتب تربیتی و روان‌شناسی، دوران کودکی، نوجوانی و جوانی از مهم‌ترین و اثرگذارترین دوره‌های تربیت می‌باشند، که خمیره‌ی اصلیِ شخصیت افراد در این دوران‌ها شکل گرفته و پس از آن به ندرت دستخوش تغییرات و اصلاحات جدی خواهد شد.

جوان در لغت به معنای برنا، تازه، نو و چیزی است که از عمر آن چندان نگذشته باشد. در زبان عربی بیشتر از آن به «شباب» تعبیر می‌شود که به معنای برافروختن و زبانه کشیدن است.

تمام حالات و رفتارهای جوانان حکایت از برافروختگی، زبانه کشیدن، دستور و هیجان دارد. جسم، روان، عواطف، احساسات و حتی افکارشان در کمال رشد و برافروختگی است که اگر با برنامه‌ریزی صحیح، جذب و مهار نشود موجب نابسامانی شده و خطرآفرین خواهد بود.

جوانی دوره جوشش استعدادهای ذاتی انسان است. این دوره، سرمایه‌ی گران‌بهایی است که با جذب و به کارگیری صحیح آن، تمام مقاطع حیات آدمی معنا پیدا می‌کند و می‌توان گفت که سعادت دنیا و آخرت در پرتو شناخت و برنامه‌ریزی در این مقطع می‌باشد. جوانی دوره‌ای شکوهمند، پر اوج و بی‌بازگشت است. دوره‌ای که در آن کم‌آگاهی، شتاب‌ناکی، ناهشیاری، خودشیفتگی و کم‌تجربگی با خصلت‌هایی همانند امیدواری، جستجوگری، حق طلبی، عاطفه‌مندی و خوداتکایی پیوند می‌خورد.

(با تصرف از کتاب «شیوه جذب جوانان»، محمد اسماعیلی مبارکه)

اشغال ایران توسط متفقین
فرار رضا خان (۱۳۲۰هـ ش)

اعمال خلاف برخی مسلمانان ربطی به اسلام ندارد...

یکی از وظایف مبلغان دین، تبیین این واقعیت است که بین حقیقت اسلام و عملِ مسلمانان تفاوت وجود دارد و اعمال خلاف برخی از مسلمانان ربطی به اسلام ندارد؛ بلکه هر کس مرهون اعمال و رفتار خویش بوده و در قیامت جواب‌گوی کردار خود می‌باشد.

برخی جوانان، عمل پیروان دین را معیار ارزیابی دین قرار داده و لذا دچار یأس و ناامیدی شده و از مذهب دور می‌شوند. آنها می‌گویند: دیگر به چه کسی می‌توان اعتماد کرد؟ حتی در برخی موارد اشتباه افراد متدین را بهانه‌ای برای انجام اعمال خلاف خود قرار می‌دهند و می‌گویند: وقتی بزرگان ما چنین و چنان باشند، ما نیز حق داریم این‌گونه باشیم. امام صادق عليه‌السلام می‌فرمایند: «کسی که به وسیله‌ی مردم در این دین و آیین درآید، مردم نیز او را از دین بیرون می‌برند، همان‌طور که زمانی او را وارد دین کردند. اما کسی که به وسیلهٔ قرآن و سنت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله وارد این دین شده باشد، کوه‌ها نابود می‌شوند اما ایمان و اعتقاد او از بین نمی‌رود.» (بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۰۳)

طبق روایت، ایمانی که بر پایه عقل و علم باشد از کوه‌ها نیز استوارتر است، و تذکر این نکته به جوانان می‌تواند تأثیری شگرف در تقویت و حفظ عقاید صحیح در آنها داشته باشد.

البته در کنار این مطلب، وظیفه علمای دین است تا کوچک‌ترین خطایی از آنها سرنزده و بهانه‌ای برای تضعیف ایمان مردم ایجاد نکنند.

(شیوه جذب جوانان، محمد اسماعیلی مبارکه، ص ۱۳۴)

ولادت حضرت امام رضا علیه السلام (۱۴۸ ه ق)
روز کارمند

چهارشنبه ۴ شهریور

اذان صبح: ۵:۰۲
طلوع آفتاب: ۶:۳۱
اذان ظهر: ۱۳:۰۶
اذان مغرب: ۱۹:۵۹

۱۱ ذی‌القعده ۱۴۳۶
26 Aug 2015

ما میهمان خود را به کار نمی‌گیریم

یکی از یاران امام می‌گوید: «هیچ گاه ندیدم که امام رضا علیه السلام در سخن بر کسی جفا ورزد و نیز ندیدم که سخن کسی را پیش از تمام شدن قطع کند. هرگز نیازمندی را که می‌توانست نیازش را برآورده سازد رد نمی‌کرد در حضور دیگری پایش را دراز نمی‌فرمود. هرگز ندیدم به کسی از خدمت کارانش بدگویی کند. خنده او قهقهه نبود بلکه تبسم می‌فرمود. ... شب‌ها کم می‌خوابید و بسیاری از شب‌ها را به عبادت می‌گذراند. بسیار روزه می‌گرفت و روزه سه روز در ماه را ترک نمی‌کرد. ... بیشتر در شب‌های تاریک، مخفیانه به فقرا کمک می‌کرد» (اعلام الوری، صفحه ۳۱۴). یکی دیگر از یاران ایشان می‌گوید: «فرش آن حضرت در تابستان حصیر و در زمستان پلاسی بود. لباس او در خانه درشت و خشن بود، اما هنگامی که در مجالس عمومی شرکت می‌کرد، خود را می‌آراست (لباس‌های خوب و متعارف می‌پوشید) (اعلام الوری، ص ۳۱۵). شبی امام میهمانی داشت، در میان صحبت چراغ ایرادی پیدا کرد، میهمان امام دست پیش آورد تا چراغ را درست کند، اما امام نگذاشت و خود این کار را انجام داد و فرمود: «ما گروهی هستیم که میهمانان خود را به کار نمی‌گیریم» (اصول کافی، ج۶، ص ۳۸۳). شخصی به امام عرض کرد: «به خدا سوگند هیچکس در روی زمین از جهت برتری و شرافت اجداد، به شما نمی‌رسد. امام فرمودند: تقوی به آنان شرافت داد و اطاعت پروردگار، آنان را بزرگوار ساخت» (عیون اخبارالرضا، ج۲، ص ۱۷۴).

روز بزرگداشت محمدبن زکریای رازی روز داروسازی

پنج‌شنبه ۵ شهریور

اذان صبح: ۵:۰۳
طلوع آفتاب: ۶:۳۲
اذان ظهر: ۱۳:۰۶
اذان مغرب: ۱۹:۵۸

۱۲ ذی‌القعده ۱۴۳۶
27 Aug 2015

الگوی ماندگار جوانان مؤمن

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): پیامبر اکرم ﷺ درباره‌ی جوانان توصیه کرده است، با جوانان انس گرفته است و از نیروی جوانان برای کارهای بزرگ استفاده کرده است. شما امیرالمؤمنین علیه‌السلام را فقط به عنوان یك چهره‌ی دوران چهل ساله و پنجاه ساله و شصت ساله نبینید. درخشش آن حضرت در دوران جوانی، همان الگوی ماندگاری است که همه‌ی جوانان می‌توانند آن را سرمشق خودشان قرار دهند. در دوره‌ی جوانی در مکه، یك عنصر فداکار، یك عنصر باهوش و یك جوان فعّال و پیشرو و پیشگام بود. در همهٔ میدان‌ها، مانع‌های بزرگ را از سرِ راه پیامبر برمی‌داشت. در میدان‌های خطر سینه سپر می‌کرد و سخت‌ترین کارها را بر عهده می‌گرفت. با فداکاری خود، امکان هجرت پیامبر را به مدینه فراهم کرد و بعد در دوران مدینه، فرمانده سپاه، فرمانده دسته‌های فعّال، عالم، هوشمند، جوانمرد و بخشنده بود. در میدان جنگ، سرباز شجاع و فرمانده پیشرو بود. در عرصهٔ حکومت، یك فرد کارآمد بود. در زمینهٔ مسائل اجتماعی هم یك جوان پیشرفته‌ی به تمام معنا بود. پیامبر اکرم ﷺ نه فقط از کسی مثل علی علیه‌السلام، بلکه در دوران ده سال و چند ماه حکومت خود، از عنصر جوان و نیروی جوان حداکثر استفاده را کرده است.
(۷۹/۲/۱)

جمعه ۶ شهریور

اذان صبح: ۵:۰۴
طلوع آفتاب: ۶:۳۳
اذان ظهر: ۱۳:۰۶
اذان مغرب: ۱۹:۵۷

۱۳ ذی‌القعده ۱۴۳۶
28 Aug 2015

محبت، شیوه تربیت الهی!

ذات انسان به محبت گرایش دارد و علاقه‌مند است که مورد مهر و احترام دیگران قرار گیرد. محبت به عنوان یک نیاز اساسی در نهاد آدمی نهفته است و تا پایان عمر وجود دارد. این نیاز فطری، در رفتار انسان و برخورد او با دیگران ظهور پیدا می‌کند. قرآن کریم به این نیاز نوجوان در قالب ابراز محبت با موسی بن عمران ﷺ پاسخ گفته و وی را به عنوان متربی و فرد قابل تربیت، مورد مهر و محبت قرار داده تا الگویی باشد برای همه‌ی اولیا و مربیان که به این نیاز فطری نسل جوان توجه کنند. خداوند به حضرت موسی ﷺ فرمود: «وَ أَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنِّي وَ لِتُصْنَعَ عَلَى عَيْنِي»؛ (طه-۳۹) محبتی از خودم بر تو افکندم تا در برابر دیدگان من ساخته شوی.

اظهار محبت خداوند به موسی ﷺ در واقع وی را برای انجام وظیفه نبوت آماده کرد و روحیه استقامت و پایداری را در او تقویت نمود؛ چنان که ایستادگی و مبارزه موسی ﷺ در برابر طاغوت زمانش، فرعون، گواه بر این امر است. از این داستان قرآن می‌توان استفاده کرد که پرورش عواطف و روحیه محبت خواهی نسل جوان، او را برای رسیدن به اهداف عالی زندگی و اسلامی کمک می‌کند. خدای متعال، علت محبت به موسی ﷺ را تربیت شخصیت وی بیان فرموده است.

(حکمت‌نامه جوان، ص ۳۳۳)

﴿يَاأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ اتَّقُواْ اللهَ وَ ذَرُواْ مَا بَقِىَ مِنَ الرِّبَوٰاْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ * فَإِن لَّمْ تَفْعَلُواْ فَأْذَنُواْ بِحَرْبٍ مِّنَ اللهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ﴾[1]؛

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و اگر واقعاً مؤمنید، ربایی را که از شما نزد مردم باقی مانده است واگذارید و آن را مطالبه نکنید. * پس اگر چنین نکنید و به رباخواری ادامه دهید، بدانید که از جانب خدا و رسولش پیکاری بر ضد شما برپا خواهد شد و اگر توبه کنید، سرمایه‌هایتان، که آمیخته با ربا نیست، از آن شماست؛ نه ربا می‌گیرید که ستم کنید و نه سرمایه‌های شما توقیف می‌شود که به شما ستم رود».

شأن نزول

مفسران معتقدند آیه شریفه درباره عباس عموی پیامبر ﷺ و خالدبن‌ولید است که در دوران جاهلیت در معامله‌های ربوی شریک بودند. پس از نزول آیات ربا، خالد درباره مطالبات ربوی پدرش از پیامبر پرسید و گفت: پدرم چون با طایفه ثقیف، معاملات ربوی داشت و مطالباتش را وصول نکرده بود، وصیت کرده است، مبالغی از ربا را که هنوز وصول نشده است، تحویل بگیرم. آیا این کار برای من جایز است؟ آیات فوق نازل شد و به‌شدّت از این کار نهی فرمود.[2]

نکات تفسیری

۱ـ کلمه «حرب» چون به شکل نکره یعنی بدون «ال» آمده است، دلالت بر بزرگی این محاربه دارد، یعنی این جنگ با خدا و رسول، جنگی عظیم است و اگر این جنگ را هم جنگ با خدا و هم جنگ با رسول نامیده است، برای این است که رباخواری مخالفت با خداست که حرمت آن را تشریع فرموده و مخالفت با رسول خداست که حکم خدا را تبلیغ نموده است.[3]

۲ـ معنای جنگ با خدا و رسول چیست؟

پس از پذیرش اسلام، به کسی اجازه داده نخواهد شد با به خطر انداختن امنیت اخلاقی جامعه، به ارزش‌های دینی تجاوز کرده و احکام اسلامی را دست‌خوش منفعت‌طلبی و هواپرستی خود قرار دهد؛ لذا در آیه آمده است: «فَقاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللهِ»[4]؛ «باید با کسی که سرکشی می‌کند، بجنگید تا تسلیم فرمان خدا شود».

معنای دیگری که برای جنگ با خدا و رسولش مطرح می‌شود، جنگ از طریق فطرت خود انسان‌هاست؛ برای این منظور از قوای قهریه، مانند محاکم قضایی و دادگاه‌ها استفاده نمی‌شود؛ بلکه چنین کسی با فطرت سالم و خودآگاه جامعه اسلامی و اعلام انزجار مسلمانان مواجه می‌شود و تحت فشار قرار می‌گیرد تا وادار شود دست از رفتار انحرافی خود بردارد؛ برای نمونه کسانی که با زیر پا گذاشتن عفاف جامعه، امنیت اخلاقی آن را به خطر می‌اندازند و کسانی که با رباخواری، امنیت اقتصادی را هدف گرفته‌اند، می‌توان با کار فرهنگی در جامعه، عموماً آنها را متوجّه خطاهایشان کرده و اینگونه فطرت عدالت خواه و اخلاق محور افراد جامعه را رشد و تعالی داد؛ بنابراین اگر ارزش‌های اسلامی در جامعه بیدار باشد، هرگز جایی برای رشد علف‌های هرز پیدا نخواهد شد.[5]

۳ـ نکته دیگر این است که علامت توبه حقیقی رباخوار این است که دست از سودجویی بردارد و بهره اصل مال را

مطالبه نکند.[۶]

۳ـ آیه فوق با ایمان به خدا شروع و ختم شده است و در واقع تأکیدی است بر این معنا که رباخواری با روح ایمان سازگار نیست.[۷]

حدیث

۱ـ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در ضمن وصیتی به علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام فرمود: یا علی، ربا هفتاد جزء است؛ آسان‌ترین جزئش مانند آن است که کسی با مادر خویش در خانه کعبه عمل جنسی انجام دهد. یا علی، یک درهم ربا از هفتاد زنا که شخص با محرم خود در بیت‌الله‌الحرام به جا آورد، بزرگ‌تر است.[۸] در این روایت شریف عبارت «هفتاد جزء»، باطن و عمق فاسد عمل رباخواری را نشان می‌دهد؛ گویا در باطن این عمل، هفتاد خباثت و آلودگی وجود دارد که کم‌ترین آن زنای با محارم است.

۲ـ امام صادق علیه‌السلام فرمودند: چون خدا بخواهد قومی را هلاک کند، در میان آنان رباخواری پدید می‌آید.[۹]

نتیجه

از بررسی آیات و روایات در موضوع ربا این موارد به دست می‌آید:

۱ـ آثار ربا درست بر خلاف انفاق و صدقه و بیع است؛ زیرا در بیع بر خلاف ربا، هر دو طرف معامله به‌طور یکسان در معرض سود و زیان هستند. ۲ـ در ربا هیچ عمل مثبتی که زمینه تولید و سازندگی را در جامعه فراهم کند، وجود ندارد؛ ۳ـ با شیوع رباخواری، پایه‌های مودّت و دوستی متزلزل می‌شود؛ در نتیجه این عمل پلید، منشأ دشمنی‌ها و درگیری‌ها بین مردم خواهد شد؛ گزارش‌های بسیاری در این زمینه وجود دارد که جای هیچ انکاری در آثار مخرب ربا باقی نمی‌گذارد. ۴ـ بر اساس روایات، خداوند در اموالی که از راه ربا حاصل می‌شود و نیز در نفس شخص رباخوار، برکت قرار نداده است و صریحاً می‌فرماید خدا ربا را محو و صدقه را فزونی می‌دهد.[۱۰]

پی‌نوشت

۱. بقره: ۲۷۸ ـ ۲۷۹. ■ ۲. عبدعلی عروسی حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص۲۹۵. ■ ۳. محمدحسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج۲، ص۶۴۹. ■ ۴. حجرات: ۹. ■ ۵. محمدحسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج۲، ص۶۴۹. ■ ۶. همان. ■ ۷. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج۲، ص۳۷۶. ■ ۸. شیخ صدوق، الخصال، ج۲، ص۵۸۴. ■ ۹. شیخ حرّ عاملی، وسائل‌الشیعة، ج۱۸، ص۱۲۴. ■ ۱۰. یَمْحَقُ اللهُ الرِّبا وَ یُرْبِی الصَّدَقات؛ بقره: ۲۷۶.

رجعت

رجعت، یکی از حوادث مهم هنگام ظهور و از جمله عقاید شیعه است که در آثار اسلامی از گذشته تا به حال، بحث‌های فراوانی درباره آن بیان شده است. در این بخش به اختصار درباره این موضوع می‌پردازیم و بحث‌های تکمیلی را به کتاب‌های مستقل در این موضوع وا می‌گذاریم.

مفهوم رجعت

رجعت در لغت به معنی بازگشت است و در فرهنگ دینی مقصود از آن عبارتست از بازگشت حجّت‌های الهی و امامان معصوم و گروهی از مومنان خالص و کفّار و منافقان به عالم دنیا است. در حقیقت ایشان به امر خداوند بار دیگر زنده می‌شوند و به دنیا برمی‌گردند و این دورنمایی از رستاخیز است که پیش از قیامت در همین عالم اتفاق می‌افتد.

فلسفه رجعت

امام باقر علیه‌السلام در ضمن روایتی فرموده‌اند: «مؤمنان برمی‌گردند تا عزیز شوند و چشمان آنان روشن گردد و تبهکاران برمی‌گردند، تا خداوند آنها را خوار کند.»[۱]

درست است که جایگاه اصلی برای پاداش و کیفر انسان‌ها، عالم آخرت است، ولی خداوند اراده فرموده است که بخشی از اجر و کیفر آنها را در همین دنیا عملی کند. هدف دیگر از رجعت، برخورداری مؤمنان از سعادت یاری حضرت ولی عصر علیه‌السلام بیان شده است.

جایگاه رجعت در متون دینی

رجعت از عقاید مسلم شیعه است که پشتوانه آن ده‌ها آیه قرآن و صدها روایت از پیامبر و ائمه معصومین علیهم‌السلام است. محدث بزرگ، مرحوم شیخ حرّ عاملی در کتاب خود «ایقاظ» ۵۲۰ حدیث درباره رجعت نقل کرده است و مرحوم مجلسی می‌فرماید: «اگر احادیث رجعت متواتر نباشد، دیگر در هیچ موردی نمی‌توان ادعای تواتر کرد.»[۲]

پیشنهادهای اجرایی هفته

■ جلسه با هیئت امنای مسجد ■ برگزاری مراسم دعای توسل (سه شنبه) ■ خطابه با موضوع جنایات انگلیس در ایران ودعای دسته جمعی برای نابودی استکبار جهانی در روز مبارزه با استعمار انگلیس ■ برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید ■ برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه) ■ تشکیل گروه های کارآفرین تعاونی توسط اهالی محل جهت رفع مشکل اشتغال جوانان (به عنوان مثال سرمایه گذاری اهالی محل جهت شروع یک فعالیت شغلی توسط جوانان) ■ برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه)

گذشته از آیات و روایات فراوان، همه علمای شیعه بر این حقیقت اتفاق نظر دارند؛ چنان که مرحوم شیخ حرّ عاملی به این مطلب تصریح کرده و بلکه ثبوت رجعت را از ضروریات مذهب شیعه دانسته است.[۳]

رجعت، در قرآن و روایات

در آیات متعددی از قرآن، آشکارا جریان بازگشت افرادی از مردگان به دنیا مطرح شده است و روایات زیادی از اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر این آیات وارد شده است. از نمونه‌های بسیار روشن رجعت و بازگشت به دنیا، جریان عزیر است. او پس از این که صد سال مرده بود، به ارادهٔ الهی زنده شده و به دنیا بازگشت و سالیان زیادی زندگی کرد.[۴]

آیاتی از قرآن نیز، دلیل بر «رجعت به دنیا در آینده» است. در آیه ۸۳ سوره نمل می‌فرماید:

«وَ یَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ کُلِّ أُمَّةٍ فَوْجاً مِمَّنْ یُکَذِّبُ بِآیَاتِنَا فَهُمْ یُوزَعُونَ»

روزی که از هر امتی گروهی را بر می‌انگیزیم؛ از آنها که آیات ما را تکذیب می کردند، پس آنها بازداشته می‌شوند.

مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع البیان نوشته است که براساس روایات بسیار از اهل بیت علیهم‌السلام، این آیه مربوط به گروهی از شیعیان حضرت مهدی و نیز عده‌ای از دشمنان آن حضرت است که در دوران ظهور او به دنیا باز می گردند.[۵]

رجعت در ادعیه و زیارات

قابل ذکر است موضوع رجعت، در دعاها و زیارات و از نقل امامان معصوم نقل شده است. در زیارت جامعه کبیره که از امام هادی علیه‌السلام روایت شده می‌خوانیم: «مُعْتَرِفٌ بِكُمْ، مُؤْمِنٌ بِإِیَابِكُمْ، مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ، مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ[۶]؛ (ای امامان و حجت‌های خدا) من به شما [و امامت شما] اعتراف می کنم و بازگشت شما را [به این دنیا] باور دارم و رجعت شما را تصدیق می کنم و امر شما را انتظار می کشم.»

در بعضی از زیارت‌های مخصوص به حضرت مهدی، از جمله زیارت آل یاسین نیز این موضوع با صراحت بیان گردیده است.

پی‌نوشت

۱. بحارالانوار، ج۵۳ ص۶۴. ■ ۲. خادمی شیرازی، رجعت، ص ۱۴۰ ■ ۳ همان، ص ۱۴۵. ■ ۴. بقره، ۲۵۹. ■ ۵. مجمع البیان، ذیل آیه ۸۳ سوره نمل. ■ ۶. مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

شنبه ۷ شهریور

اذان صبح: ۵:۰۵
طلوع آفتاب: ۶:۳۴
اذان ظهر: ۱۳:۰۵
اذان مغرب: ۱۹:۵۵

۱۴ ذی‌القعده ۱۴۳۶
29 Aug 2015

درگذشت آیت الله سید محمد تقی خوانساری(۱۳۳۱ هـ‌ش)
رحلت آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی(۱۳۶۹ هـ‌ش)
شهادت ششمین شهید محراب آیت الله سید محمد باقر حکیم (۱۳۸۲ هـ‌ش) رئیس فقید مجلس اعلای عراق

بارتان را سبک کنید...

سفارش می‌کنم به خواندن سوره «یس» بعد از نماز صبح هرروز یک‌مرتبه، سوره «نباء» (عم یتسائلون) بعد از نماز ظهر، سوره «عصر» بعد از نماز عصر، سوره «واقعه» بعد از نماز مغرب و سوره «الملك» بعد از نماز عشاء و تأکید می‌کنم بر مداومت کردن به آنچه یادآور شدم، زیرا من شخصاً روایت می‌کنم این روش را از استادان بزرگوار خود، و بارها نیز تجربه آموخته‌ام.

من خیلی بارم سبك است و هیچ نگرانی ندارم، تنها یك چیز مرا زجر می‌دهد و آن این است که می‌ترسم در ایام زندگیم نوشته یا صحبت‌های من در هر موردی باعث شده باشد که حقی ناحق شود، یا در همسایگی ما گرسنه‌ای بوده باشد و ما غذای سیر خورده باشیم که والله و بالله و تالله اگر چنین چیزی بوده، من آگاهی نداشته‌ام.

شما هم بارتان را سبك کنید و از تجمل‌پرستی و خانه بزرگ و... بپرهیزید، که همه‌چیز ظرف چند دقیقه نابود می‌شود.

(پایگاه اطلاع رسانی حوزه، وصیت نامه آیت الله مرعشی)

یکشنبه ۸ شهریور

اذان صبح: ٥:٠٦
طلوع آفتاب: ٦:٣٤
اذان ظهر: ١٣:٠٥
اذان مغرب: ١٩:٥٤

۱۵ ذی‌القعده ١٤٣٦
30 Aug 2015

روز مبارزه با تروریسم
انفجار دفتر نخست وزیری
به دست منافقان و شهادت
مظلومانه شهیدان رجایی و
باهنر (١٣٦٠ هش)

نشست صمیمانه آنها را مطیع سخنرانی می کند...

آشنایی با شرایط روحی و جسمی جوان، نیازهای غریزی و طلب‌های عاطفی و فطری این نسل پرتوان هر یک از ما را در اندیشه‌ها و شیوه‌های برخورد با آنان به تفکر و تجدید نظر سوق می‌دهد. تا در تمامی عرصه‌ها، به ویژه جلوه‌ی الگوخواهی و الگویابی، نگاهی نو و برخوردی متفاوت اما مؤثر اتخاذ کنیم. اما آنچه در این فرصت قابل بیان است، عبارت است از باور این حقیقت و واقعیت که نسل امروزی خوب می‌فهمد و همیشه چندین قدم پیش‌تر از سن خود درک می‌کند. همین باور تأثیر بنیادینی در نگرش و گرایش ما دارد. آنان اندک تواضع دوستانه، برخورد خالصانه و نشست صمیمانه‌ای احساس کنند، مطیع سخنرانی می‌شوند که سخنان خود را با برداشتی دیروزی بیان نکند. نسبت به حضور فرهنگ بیگانه از پنجره‌های ماهواره، اینترنت، ویدئو، مجلات، پوسترها و نوارهای مختلف، شناخت داشته باشد و بداند جوان، الگویاب و الگوپذیر است. اگر خودی‌ها و دلسوزان با ابتکار و افتخار به این مهم رو نکنند، بیگانگان در چهره‌های دلربا و فریبا، این نیاز دختران و پسران را برآورده می‌کنند و آنان را به سرابی آراسته و پرجاذبه می‌کشانند که پشت آن پرتگاه ارزش‌ها و قربانگاه قداست‌هاست. نوع پوشش، سبک آرایش و جلوه‌های مختلفِ تفریح و شادمانی امروزه جوانان ما، همگی نشان از چنان سرای پر آینه و پر زرق و برق دارد!

(موضوعات و شیوه‌های گفتگو با نسل جوان، ص۶۴)

ربوده شدن امام موسی
صدر، رهبر شیعیان لبنان
(۱۳۵۷ هـ ش)

دوشنبه ۹ شهریور

اذان صبح:	۵:۰۷
طلوع آفتاب:	٦:۳۵
اذان ظهر:	۱۳:۰۵
اذان مغرب:	۱۹:۵۲

۱٦ ذی‌القعده ۱٤۳٦

31 Aug 2015

سخن مانند برگ و درخت است ...

سخن، همچون برگ درخت است که هرجا انبوه‌تر باشد، میوه‌ی کمتری در زیر آن یافت می‌شود. بنابراین هرگاه والدین، مربیان و مبلغان، گفت و شنودهایی را با جوانان ترتیب دهند، باید سعی کنند تا بیش از ضرورت سخن گفته نشود، تا از طولانی شدن بحث‌ها و ملال انگیز شدن گفتگوها مصون بمانند. چرا که به تجربه ثابت شده است که هرگاه نسل نو با چشمان تیزبین و قلب حقیقت‌یاب خود الگوهای مؤثری همچون والدین، مربیان و مبلغان دینی را افرادی مثبت‌گرا، خیر اندیش و احترام‌گذار به یکایک انسان‌ها مشاهده کنند، به‌یقین دید منفی‌گرای آنان به دیدی مثبت‌نگر تغییر می‌یابد و دیری نمی‌گذرد که خود به دنبال ارزش‌های نهفته در این بینش مبارک و خجسته به تحقیق و گفتگو می‌پردازند و پس از چندی درمی‌یابند که مثبت‌اندیشی به این معنا نیست که همه چیز را بدون تحلیل و بررسی بپذیریم و یا با وقایع زندگی ساده‌لوحانه برخورد کنیم. بلکه جوان با رفتاری طبیبانه، مصلحانه و منصفانه، نهضت حقایق زندگی، یعنی آنچه که باید باشد را دریافته و سپس به دنبال واقعیات، یعنی آنچه که هست می‌رود و با نگاهی وسیع و عمیق، دارای آرامش روحی، نشاط و طراوت معنوی گردیده و غم و اندوه کمتری بر چهره‌ی جانِ او می‌نشیند و در پرتو چنین بینش و گرایشی، اعتماد همگان را به سوی خود جلب کرده و از جایگاه والای اجتماعی بهره‌مند می‌شود و محبوب جامعه خویش می‌گردد.

(موضوعات و شیوه‌های گفتگو با نسل جوان، ص ۱۲۲)

سه‌شنبه ۱۰ شهریور

اذان صبح: ۵:۰۸
طلوع آفتاب: ۶:۳۶
اذان ظهر: ۱۳:۰۴
اذان مغرب: ۱۹:۵۱

۱۷ ذی‌القعده ۱۴۳۶

1 Sep 2015

درگذشت آیت الله العظمی «شیخ عبدالکریم حائری یزدی» مؤسس حوزه علمیه قم (۱۳۵۵ه‍ق)
آغاز هفته بانکداری اسلامی (۱۳۶۲ه‍ش)
روز تشکیل قرارگاه پدافند هوایی حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله - آجا

ای کاش حوزه علمیه قم سر و سامان می‌گرفت

آیت اللّه حائری در سال ۱۳۳۲ ه.ق. در سفری از قم دیدن کرده و چند شبی را در کنار حرم حضرت معصومه علیها السلام گذرانده و اوضاع مدارس دینی را از نزدیك مشاهده کرده بود. مدرسه فیضیه را دیده بود که حجره های پررونق دیروزش، اکنون خالی از طلّاب علوم دینی شده و برقفسه‌های کتاب، گرد فراموشی نشسته است. مدرسه بزرگ «دارالشفاء» را دیده بود که سالن‌های درس و بحث آن محلّ سکونت فقرای شهر یا زائران شده است و بعضاً کسبه اطراف حرم از حجره‌هایش به عنوان انبار اجناس استفاده می‌کردند. گویند: ایشان بسیار ناراحت و افسرده خاطر قم را ترك کرد و می‌گفت: چه می شد اگر حوزه علمیه قم سر و سامان می‌گرفت (گلشن ابرار، صص ۵۵۶-۵۵۷). سرانجام در سال ۱۳۰۱ه.ش مدّتی پس از ورود آیت اللّه حائری به قم، حوزه علمیه قم در شرایطی دشوار، به طور رسمی توسط ایشان تأسیس شد. در آن زمان مردم، صاحب عقیده راسخ و ایمان ثابت بودند و نسبت به دین و رجال دینی اهتمام می‌ورزیدند و به حاملان دین و طلّاب علوم دینی احترام می‌گذاشتند. بنابراین با همّت و تلاش حاج شیخ و کمك و مساعدت مالی و معنوی مردم، روز به روز بر شوکت و اهمیت حوزه علمیه قم افزوده شد، به طوری که تعداد طلّاب و علما در اوایل هجرت ایشان به قم به هزار نفر رسید و حاج شیخ اقدام کرد به تأمین معاش اهل علم و دانش و معرفت و با کفایت و کیاست به مدیریت حوزه علمیه پرداخت تا آنجا که احمدشاه آخرین پادشاه قاجاریه نیز به قم آمده و تأسیس حوزه را به حاج شیخ تبریك گفت. (طبقات اعلام الشیعه، صص ۱۱۵۹- ۱۱۶۰)

چهارشنبه ۱۱ شهریور

روز صنعت چاپ
شهادت سردار محمود کاوه فرمانده لشکر ویژه شهدا (۱۳۶۵ه ش)

اذان صبح: ۵:۰۹
طلوع آفتاب: ۶:۳۷
اذان ظهر: ۱۳:۰۴
اذان مغرب: ۱۹:۴۹

۱۸ ذی‌القعده ۱۴۳۶
2 Sep 2015

جوان را از صحنه مقاومت بیرون نکنید!

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): «هر حرکتی که منجر به این بشود که نسل جوان احساس کند باید از صحنه‌ی مقاومت کناره بگیرد، این حرکت، با واسطه یا بی‌واسطه، مربوط به آمریکا و نظام استکباری است؛ این یک معیار کلی است. هر کاری که در کشورهای دیگر کردند، اینجا هم می‌خواهند بکنند: سرگرم کردن جوانان به مسائل جنسی، سرگرم کردن جوانان به مسائل شخصی، آلوده کردن جوانان به مواد مخدر و مسکر، منحرف کردن ذهن جوانان از آرمان‌های انقلابی و اهداف اصلی، متوجه کردن آن‌ها به اهداف کوچک و جزیی و صنفی و امثال این‌ها، متزلزل کردن ایمان نسل جوان به اسلام، متزلزل کردن ایمان نسل جوان به اصول انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی و حتّی به امام و نیز هر چیزی که در راه این مبارزه‌ی عظیم به کار گرفته می‌شود و وجودش لازم است، آن را در چشم نسل جوان، بی‌رنگ و بی‌اثر و بی‌فایده و مهمل جلوه دادن. اگر شما جایی چیزی در این مضمون‌ها دیدید، در کتابی خواندید، در رمان ترجمه شده یا نوشته شده‌ای دیدید، در مقاله‌ی ترجمه شده‌ای یا در شعر و یا در فلسفه بافی مشاهده کردید، حتّی در تظاهرات به اصطلاح جسورانه و پُرخشمی چیزی از این قبیل دیدید، آن را متهم کنید؛ بدانید که تصادفی نیست؛ بدانید که آمریکا از شما می‌ترسد؛ بدانید که بزرگترین پست‌های استکبار عالمی، از حضور شما در صحنه، احساس ناامنی می‌کند.» (۷۰/۸/۱۵)

پنج شنبه ۱۲ شهریور

اذان صبح: ۵:۱۰
طلوع آفتاب: ۶:۳۷
اذان ظهر: ۱۳:۰۴
اذان مغرب: ۱۹:۴۸

۱۹ ذی‌القعده ۱۴۳۶

3 Sep 2015

روز بهورز
روز مبارزه با استعمار انگلیس (سالروز شهادت رئیسعلی دلواری (۱۲۹۴ هش)
درگذشت دکتر محمود حسابی پدر فیزیک ایران (۱۳۷۱ هش)

تحصیل، صفای نفس، تقوا

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): دوره جوانی، دوره توانایی است. این توانایی در چه چیزهایی باید به کار برود؟ به اعتقاد من، باید عمدتاً در تحصیل علم، در ایجاد صفای نفس و روحیه تقوا در خود و ایجاد نیروی جسمانی در خود، که ورزش باشد، به کار رود. این سه مورد، عمده است. یعنی اگر در یك جمله کوتاه از من بپرسند که شما از جوان چه می‌خواهید؟ خواهم گفت: تحصیل، تهذیب و ورزش. من فکر می‌کنم که جوانان باید این سه خصوصیّت را دنبال کنند.
تحصیل، اعم از تحقیق و کارهای علمی هم هست. چون این نیرو در جوانان هست، بایستی در کار تحصیل علم خیلی تلاش کنند. هر کاری هم بخواهید بکنید، در دوران جوانی می‌شود کرد؛ یعنی در هر سه زمینه، هم در زمینه علمی، هم در زمینه تهذیب نفس، هم در زمینه ورزش، باید در جوانی کار کنید. البته همه می‌دانند که در دوره پیری، ورزش این قدر تأثیری که در دوره جوانی دارد، ندارد؛ اما غالباً تهذیب نفس را نمی‌دانند. خیال می‌کنند انسان باید پیر که شد، عبادت و تهذیب نفس کند؛ در حالی که آن وقت تهذیب نفس مشکل و گاهی محال است. در دوره پیری، تهذیب نفس سخت است؛ اما در دوره شما، در دوره جوانی، تهذیب نفس خیلی آسان است. به هرحال، جوانان این سه کار را باید جدّی بگیرند. (۷۷/۲/۸)

روز تعاون
روز بزرگداشت ابوریحان بیرونی

جمعه ۱۳ شهریور

اذان صبح: ۵:۱۱
طلوع آفتاب: ۶:۳۸
اذان ظهر: ۱۳:۰۳
اذان مغرب: ۱۹:۴۷

۲۰ ذی‌القعده ۱۴۳۶
4 Sep 2015

به اعتقاد من این جوان از جوان انقلابی اول انقلاب شأنش بالاتر است

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): واقعیت دیگری که از آن نباید غفلت کرد، انگیزه‌های دینی در نسل امروز انقلاب است. یک وقت است که ما پیرمردهایی که از دورهٔ انقلاب باقی مانده‌ایم، ما انقلابی باقی مانده‌ایم اما جوان‌های ما از دست رفته‌اند؛ می‌بینیم این جوری نیست. ما امروز، جوان انقلابی بسیار داریم، در سرتاسر کشور داریم، از همهٔ قشرها داریم، در دانشگاه‌ها بسیار داریم، جوانی که هم متدین است، هم انقلابی است؛ به اعتقاد من این جوان از جوان انقلابی اولِ انقلاب شأنش بالاتر است. چرا؟ چون آن روز اولاً آن انقلابِ با آن عظمت و پرهیجان اتفاق افتاده بود؛ ثانیاً آن روز اینترنت نبود، ماهواره نبود، این همه تبلیغات گوناگون نبود، این جوان در معرض این همه آسیب نبود، جوان امروز در معرض این همه آسیب‌ها است؛ اینترنت جلوی او است، این همه تلاش دارد می‌شود برای اینکه این جوان را منحرف کنند، [اما] این جوان متدین باقی می‌ماند؛ نمازخوان است، به نماز اهمیت می‌دهد، نماز شب می‌خواند، نافله می‌خواند، در مراسم مهم دینی شرکت می‌کند، پای انقلاب می‌ایستد، شعارهای از دل برآمده می‌دهد؛ اینها چیزهای مهمی است. نسل امروز انقلاب، به نظر ما یکی از افتخارات بزرگ است. این یک واقعیتی است، باید این را دید.
(۹۲/۱۲/۱۵)

﴿ وَ أَنْكِحُوا الْأَيامى مِنْكُمْ وَ الصّالِحِينَ مِنْ عِبادِكُمْ وَ إِمائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَراءَ يُغْنِهِمُ اللهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللهُ واسِعٌ عَلِيمٌ ﴾[1] ؛ «[مردان و زنان] بی‌همسرتان و غلامان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید؛ اگر تهیدست‌اند، خدا آنان را از فضل خود بی‌نیاز می‌کند و خدا بسیار عطاکننده و داناست».

نکات تفسیری

۱ـ از آغاز این سوره تا اینجا، راه‌های حساب‌شده مختلفی برای پیشگیری از آلودگی‌های جنسی مطرح شده است، که هر یک از آن‌ها تأثیر بسزایی در پیشگیری از این آلودگی‌ها یا مبارزه با آن‌ها دارد.

در آیات مورد بحث به یکی دیگر از مهم‌ترین راه‌های مبارزه با فحشا، که ازدواج ساده و آسان و بی‌ریا و بی‌تکلّف است، اشاره شده است؛ زیرا این نکته مسلم است که برای برچیدن بساط گناه، باید از طریق اشباع صحیح و مشروع غرائز، وارد شد و به تعبیر دیگر، هیچ‌گونه مبارزه منفی بدون مبارزه مثبت مؤثر نخواهد افتاد؛ بنابراین در نخستین آیهٔ مورد بحث می‌فرماید: «مردان و زنان بی‌همسر را همسر دهید و هم‌چنین غلامان و کنیزان صالح و درست‌کارتان را».[2]

۲ـ وعده خداوند مبنی بر عدم ترس از فقر، به دلیل ازدواج و وسعت رزق است که با جمله «وَ اللهُ واسِعٌ عَلِيمٌ» بر آن تأکید شده است؛ البته رزق هر کس تابع صلاحیت اوست،[3] هر چه این صلاحیت بیشتر باشد، رزق هم بیشتر است، البته به شرطی که مشیت خدا هم تعلق گرفته باشد؛[4] یکی از این صلاحیت‌ها، تقواست که در سوره طلاق آیه۲ و۳ فرموده: است «وَ مَن يَتَّقِ اللهَ يَجْعَل لَّهُ مَخْرَجًا * وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ». در سوره زخرف آیه۳۲ می‌فرماید: «نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُم مَّعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا»: ما در زندگی دنیا معیشت آنان را میانشان تقسیم کرده‌ایم.

۳ـ اصل زوجیت، قانون طبیعی حیات بشری، بلکه حیات حیوانی است و از آنجا که اسلام دین فطرت است، طبعاً این اصل را تجویز کرده و حتی مخالفت با این قانون را نکوهش نموده است. در مورد انسان‌ها این امر در قالب ازدواج مطرح شده است تا از اختلاط‌های بی‌بندوبار و صِرف تخلیه شهوت جنسی، مبدّل به امری توأم با تعهد گردد. پس ازدواج در نگاه اسلام علاوه بر حفظ نسل، یک مسئولیت است.[5]

حدیث

۱ـ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام فرمودند: بهترین وساطت‌ها این است که میان دو نفر در امر ازدواج وساطت شود تا سروسامان بگیرند.[6]

۲ـ محمدبن‌عیسی از قداح و او از حضرت امام صادق علیه‌السلام روایت کرده است که فرمود: مردی پیش پدرم آمد؛ پدرم به او گفت: آیا زن داری؟ جواب داد: نه؛ فرمود: دوست ندارم که دنیا و هر چه در آن است، مال من باشد و من شبی بدون همسر بخوابم. سپس فرمود: دو رکعتی که مرد متأهل به جا می‌آورد، افضل است از مرد عزبی که شب و روزش را در نماز خواندن و روزه‌دار بودن باشد؛ سپس هفت دینار به او عطا کرد و فرمود: با این پول ازدواج کن؛ سپس پدرم فرمود: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: زن بگیرید که بهترین راه برای جلب روزی است.[7]

خاطره

در محل کارم نشسته بودم که کارت دعوتی به دستم رسید که روی آن نوشته شده بود: آقای... با دوشیزه... ازدواج کردند؛ بنا بود برای مراسم تالاری کرایه کنیم و جشن باشکوهی به راه بیندازیم و شما مجلس ما را روشن بفرمایید؛ امّا توافق کردیم پول تشریفات را به یک دختر و پسر فقیر هدیه کنیم تا آن‌ها هم به سادگی وارد زندگی شوند. کارت را جهت اطلاع فرستادیم.[۸]

نتیجه

تشویق و ترغیب به ازدواج فقط در ایجاد میل و کشش برای تن دادن به آن نیست؛ بلکه رفع موانع ازدواج از اموری است که مسئولیت آن متوجه همه افراد جامعه و سیاست گذاران است. متأسفانه امروزه در جامعه اسلامی سخن از ازدواج سفید به میان می‌آید، به این معنا که دختر و پسر بدون تعهّدات شرعی، مدتی را در کنار هم زندگی کنند و هرگاه از هم خسته شدند، یک‌دیگر را رها کنند و هر کس به دنبال کار خود برود. وقتی در پی واکاوی این فاجعه اجتماعی می‌رویم، با این مسئله مواجه می‌شویم که جوانان به خیال خود، این گونه ازدواج را بسیار سهل و آسان دریافته‌اند؛ در حالی که ازدواج‌های مرسوم در جامعه، هم تعهّدات اخلاقی بسیاری را می‌طلبد و هم تعهّدات مالی سنگینی را، که از عهده جوانان جامعه خارج است. آیا چنین تفکری جز از رفتارهای غلط و جاهلانه برخی مردم و مسئولان شکل گرفته است؟ اسلام در عین حال که پسر و دختر را ملزم به رعایت قوانین زوجیت نموده است، ازدواج را بسیار سهل و آسان قرار داده است.[۹]

پی‌نوشت

۱. نور: ۳۲. ■ ۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج۱۴، ص۴۵۷. ■ ۳. علامه طباطبایی بحث مبسوطی درباره رزق ذیل آیات ۲۳ سوره ذاریات و ۶ سوره هود نموده‌اند. ■ ۴. محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج۱۵، ص۱۱. ■ ۵. همان، ج۴، ص۱۷. ■ ۶. حسن‌بن‌فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ص۱۹۷. ■ ۷. عبدالله‌بن‌جعفر حمیری، قرب‌الاسناد، ج ۱۰۰، ص۲۱۷. ■ ۸. سیدجواد بهشتی، خاطرات حجت‌الاسلام قرائتی. ■ ۹. با رجوع به رساله عملیه، در مقایسه بین قوانین فقهی ازدواج و طلاق درمی‌یابیم که قوانین ازدواج بسیار آسان‌تر از طلاق است؛ در حالی که در جامعه ما این مسئله وارونه شده است. ■

زندگی انسان‌ها در آستانه ظهور مهدی موعود

انسان‌ها در طول تاریخ بر اساس رفتارهای فردی و اجتماعی، دگرگونی‌هایی را تجربه کرده‌اند. روایاتی که این زندگی را در آستانه ظهور مهدی موعود پیش‌گویی کرده، در دو بخش قابل بررسی است:

۱. دگرگونی در زندگی فردی

در این مورد، سیمای زندگی در آخِرالزمان در دو گروه مردان و زنان بررسی خواهد شد:

۱,۱. برخی مردان آستانه ظهور:

امام صادق علیه‌السلام در این باره می‌فرماید:

> مرد را می‌بینی، هنگامی که یک روز بر او گذشته و گناه بزرگی انجام نداده است ـ از قبیل فحشا، کم‌فروشی، کلاه‌برداری و یا نوشیدن مست‌کننده‌ای ـ بسیار غمگین و اندوهگین می‌شود.[۱]

برخی زنان در آستانه ظهور:

امیر مؤمنان علی علیه‌السلام می‌فرماید:

> در آخرالزّمان و نزدیک شدن رستاخیز که بدترین زمان‌ها است، زنانی آشکار می‌شوند که برهنه و لخت هستند؛ زینت‌های خود را آشکار می‌سازند، به فتنه‌ها داخل می‌شوند و به سوی خواسته‌های نفسانی و شهوت‌ها می‌گرایند. به لذت‌ها می‌شتابند، حرام‌های الهی را حلال می‌شمارند و در جهنم جاودانه خواهند بود.[۲]

۲. دگرگونی در زندگی اجتماعی

۲,۱.فراگیر شدن ستم:

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله دراین باره فرمودند:

> دنیا هرگز به پایان نمی‌رسد، تا آنکه امر امت مرا مردی از دودمان حسین

پیشنهادهای اجرایی هفته

- قرائت زیارت امام رضا علیه السلام در روز زیارتی آن حضرت
- برگزاری نمایشگاه دفاع مقدس با همکاری پایگاه مقاومت بسیج
- برگزاری یادواره شهدای محله
- برگزاری مراسم زیارت آل یاسین (سه شنبه)
- غبارروبی گلزار شهدا توسط اهالی محله
- تهیه یادمان شهدای محله و قرار دادن دائمی آن درداخل و مقابل مسجد
- زیارت دسته جمعی و خانوادگی امام زاده صالح علیه‌السلام
- خطابه با موضوع روز دحوالارض
- عهد دسته جمعی برای روزه داری در روز دحوالارض و تدارک افطار ساده در مسجد
- برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید
- برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه)
- برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه)

بر پا دارد. زمین را پر از عدل می‌سازد، آن‌گونه که از ستم و بی‌داد پر شده باشد.[۳]

۲٫۲ هرج و مرج و فتنه‌های بزرگ:

از رسول گرامی اسلام نقل شده است که فرمود:

> مهدی این امت از نسل حسین علیه السلام است. آن هنگام که دنیا گرفتار هرج و مرج و فتنه‌های فراوان گردید و راه‌ها بسته شد...[۴]

۳٫۲ اختلاف شدید مردم:

روایتی از امام صادق علیه السلام دراین باره:

> آن امر واقع نخواهد شد، تا اینکه برخی از شما در روی بعضی دیگر آب دهان اندازند و تا اینکه بخشی از شما دیگری را لعن کنند و تا اینکه گروهی از شما گروه دیگر را دروغ‌گو بنامند!![۵]

۴٫۲ یأس و ناامیدی مردم:

ابوحمزهٔ ثمالی از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند:

> و خُرُوجُهُ إِذَا خَرَجَ عِنْدَ الْإِيَاسِ وَ الْقُنُوط؛[۶] و خروج او آن‌گاه که خروج کند، هنگام یأس و ناامیدی است.

۵٫۲ احساس بی‌پناهی در مردم:

صنعانی یکی از بزرگان اهل سنّت دراین باره نقل می‌کند:

> رسول خدا بلایی را یاد کرد که بر این امت سرازیر خواهد شد، تا آنکه در آن، مرد پناهگاهی نمی‌یابد تا از ستمی که به او می‌شود، بدان پناه برد. پس خداوند مردی از اهل بیت علیهم السلام من را برانگیزد...[۷]

۶٫۲ مرگ‌ومیر و کشتار فراوان در آستانه ظهور:

سلیمان بن خالد گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

> پیش‌تر از قائم دو مرگ خواهد بود: یکی مرگ سرخ و دیگری مرگ سفید... مرگ سفید طاعون است.[۸]

و نیز حضرت علی در این باره فرمودند:

> در آستانه قیام قائم، مرگ سرخ، مرگ سفید و ملخ‌هایی به هنگام و ملخ‌های نابه‌هنگام سرخ، همچون خون خواهد بود؛ امـا مرگ سرخ [کشته شدن با] شمشیر است و مرگ سفید به وسیله طاعون است.

پی‌نوشت:

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۸، ص۴۰، ح۷. ■ ۲. صدوق، من لایحضره الفقیه، ج۳، ص۳۹۰، ح۴۳۷۴. ■ ۳. صدوق، عیون اخبار الرضا۷، ج۲، ص۶۶، ح۲۹۳؛ و نیز نک: ابی داود، سنن، ح۴۲۸۲. ■ ۴. ابراهیم بن محمد جوینی، فرائد السمطین، ج۲، ح۴۰۳. ■ ۵. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبة، ص ۲۰۶، ح۱۰. ■ ۶. همان، ص ۲۳۴، ح۲۲. ■ ۷. عبد الرزاق بن همام صنعانی، المصنف، ح۲۰۷۷۰ ■ ۸. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج۲، ص۶۵۵، ح۲۷. ■

شنبه ۱۴ شهریور

اذان صبح: ۵:۱۲
طلوع آفتاب: ۶:۳۹
اذان ظهر: ۱۳:۰۳
اذان مغرب: ۱۹:۴۵

۲۱ ذی‌القعده ۱۴۳۶

5 Sep 2015

شهادت آیت الله قدوسی و سرتیپ وحید دستجردی(۱۳۶۰ هش)

بصیرت دینی دهید تا کسی از روح حقیقت طلب آنها سوء استفاده نکند

در هر دوره و زمانی، مکاتب و عقایدی نادرست و انحرافی با ظاهری زیبا جلوه می‌کنند و طرفدارانی در اطراف خود جمع می‌کنند و تبلیغاتی را برای جذب افراد بیشتر به راه می‌اندازند. در این بین جوانان بیش از هر کسی به سمت این‌گونه مکاتب کشیده می‌شوند، زیرا بیش از دیگران به دنبال حق و حقیقت می‌گردند و روحی حقیقت‌جو و تشنه به آگاهی و کمال دارند و از طرفی هنوز در زمینه تشخیص مغالطه‌ها و فریب‌های شیاطین انسی و جنی، پخته و کارآزموده نشده‌اند و خیلی زود جذب کلمات به ظاهر صحیح و یا حتی اخلاق خوب مبلغین این مکاتب می‌شوند. برای مقابله با این تهدید در مسیر رشد جوانان، توصیه معصومین علیهم‌السلام بر این است که والدین و اساتید، هرچه زودتر جوانانشان را از طریق استدلال‌های ساده و محکم با حقایق مذهب حق آشنا کنند و بصیرت دینی لازم را به آنان منتقل نمایند تا کسی نتواند از دل‌های آماده و روح‌های حقیقت طلب آنها سوء استفاده کند. یک نمونه از این احادیث، کلام امام صادق علیه‌السلام می‌باشد که فرموده‌اند: «بَادِرُوا أَحْدَاثَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ تَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرْجِئَةُ». نوجوانانتان را با حدیث (و فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام) آشنا کنید، قبل از آنکه مرجئه زودتر از شما به سراغشان بروند. (تهذیب الأحکام، ج ۸، ص ۱۱۱)

جوان ایرانی و مسئولیت در قبال او!

امام خامنه‌ای (مدظله العالی) : بعضی کسان نسبت به نسل جوان ایرانی، از لحاظ اعتقادات و از لحاظ ایمان، به‌طور افراطی دچار قضاوت‌های غلط و انحرافی هستند. من اعتقادم این است. کاوش‌ها هم همین را نشان می‌دهد که جوان ایرانی، جوانی است مؤمن، پاکدامن، پاك گوهر، دارای زمینه‌های دینیِ بسیار زیاد و مایل به جنبه‌های معنوی. البته توقّعی که ما از یك جوان داریم، با توقّعی که از یك آدم مسّنِ جاافتاده‌ی قوا از دست داده داریم، به کلی متفاوت است. جوانان ایرانی هم از لحاظ امکانات روحی، معنوی، ذهنی و هم از لحاظ امکانات ایمانی، در حدّ بسیار خوبی هستند. این امر، مسؤولیت بزرگی را بر دوش مسؤولان می‌گذارد.

البته من باید اعتراف کنم که خوشبختانه امروز به مسائل جوانان توجّه و اهتمام می‌شود. هم مراکزی که مخصوص رسیدگی به امور جوانان است، مثل مرکز ملی و سازمان جوانان، هم مراکزی که از اوّل انقلاب توانسته است جوانان را در میدان‌های بزرگ سازماندهی کند، مثل بسیج، و هم مراکز دولتیِ آموزش و پرورش، به اهمیت مسألهٔ جوانان توجّه کرده‌اند؛ ولی من بیش از این توقّع دارم. من انتظار دارم که مسأله‌ی جوانان و پرداختن به جوانان و برنامه‌ریزی برای هدایت درست و باز کردن راه تعالی و تکامل در مقابل جوانان، به یك مسألهٔ ملی و حقیقی تبدیل شود و همه باید احساس مسؤولیت کنند. (۷۹/۲/۱)

دوشنبه ۱۶ شهریور

اذان صبح: ٥:١٤
طلوع آفتاب: ٦:٤٠
اذان ظهر: ١٣:٠٢
اذان مغرب: ١٩:٤٢

٢٣ ذی‌القعده ١٤٣٦
7 Sep 2015

زائر رضا علیه‌السلام...

امام رضا علیه‌السلام فرمودند: ما زارَنی أحَدٌ مِن أولیائی عارِفاً بِحَقّی إلّا شُفِّعتُ فیهِ یَومَ القِیامَةِ (وسائل الشیعه، ج۱۴، ص۵۵۲)

به دو شرط زائر بارگاه رضوی از شفاعت امام رضا علیه‌السلام در روز قیامت برخوردار می گردد: یکی اینکه از اولیاء امام رضا علیه‌السلام باشد ودیگر اینکه «عارف به حق» آن حضرت باشد. واژه اولیاء به معنای قرب و نزدیکی به کاررفته است؛ اعم از قرب مکانی و قرب معنوی و باز به همین مناسبت در مورد دوستی؛ یاری ،پیروی و معانی دیگر؛ بنابراین زائری از اولیاء الرضا علیه‌السلام است که در رفتار و گفتار با امام رضا علیه‌السلام نزدیک و متصل است و هیچ فاصله ای بین او و امام رضا علیه‌السلام نیست. چنین زائری در تلاش است همواره از آن حضرت پیروی نماید، به نوعی که هیچ ناهماهنگی میان رفتار او و سیره رضوی مشاهده نگردد. آیت‌ا... جوادی آملی درباره راز تاکید بر زیارت با معرفت می‌گوید: سر این که توصیه کرده اند زیارت زائر با معرفت باشد آن است که آنچه مایه کمال زیارت می‌گردد، معرفت و شناخت مقام و موقعیت زیارت شونده است، نه اعمالی بی روح و همراه با غفلت، همانند بوسیدن صرف و ناآگاهانه ضریح یا در و دیوار، گردش کورکورانه در اطراف ضریح وتماشای آثار هنری، شمارش ستون‌ها، چراغ‌ها، شمعدان‌ها، درها، پنجره‌ها. این کارها، به سیاحت شباهت بیشتری دارد تا زیارت.

۱۷ شهریور

سه‌شنبه

قیام ۱۷ شهریور و کشتار جمعی از مردم به دست مأموران ستم شاهی پهلوی (۱۳۵۷ هـ ش)

اذان صبح: ۵:۱۵
طلوع آفتاب: ٦:٤١
اذان ظهر: ۱۳:۰۲
اذان مغرب: ۱۹:٤١

٢٤ ذی‌القعده ١٤٣٦
8 Sep 2015

چراغ سبز آمریکا

شهریور تکرار عاشورا و میدان شهدا، تکرار کربلا و شهدای ۱۷ شهریور تکرار شهدای کربلا و مخالفان ملت‌ها تکرار یزید و وابستگان او هستند. امام خمینی (ره) تأثیر رحلت(حاج آقا مصطفی)، بر وضعیت جامعه آن روز، بیش از آن حدّی بود که محاسبه می‌شد. ناگهان شور مبارزه همگان را فراگرفت. اصلاً برای رژیم قابل هضم نبود. در این میان امریکا هم در این فکر بود که اگر انقلابی به پیروزی رسید، به اسم خود تمام کند. اما هفده شهریور با خون شهیدانش، چهره انقلاب را از این اتّهام بری کرد. همه تحلیلگران می‌دانند که اگر چراغ سبز آمریکا به رژیم نبود، چنین کشتاری اتّفاق نمی‌افتاد. در این شرایط، یک روز در میان، سفیر امریکا و انگلیس در دربار بودند. این واقعه برای منافع امریکا خطرناک بود، اما چون سقوط رژیم شاه را نمی‌توانست تحمل کند و منافعش نیز به خطر می‌افتاد، در میان بد و بدتر، بد را انتخاب کرد. به رژیم چراغ سبز نشان داد. (برگرفته از کتاب کالبد شکافی یک واقعه، ۱۷ شهریور ۱۳۵۷)

چهارشنبه ۱۸ شهریور

اذان صبح: ۵:۱۶
طلوع آفتاب: ۶:۴۲
اذان ظهر: ۱۳:۰۲
اذان مغرب: ۱۹:۳۹

۲۵ ذی‌القعده ۱٤۳٦

9 Sep 2015

روز جهانی مبارزه با بی‌سوادی
دحوالارض، بالا آمدن اولین نقطه زمین از زیر آب
درگذشت جلال آل احمد(۱۳۴۸ه ش)

خود را در معرض نسیم قرار دهید ...

گفت پیغمبر که نَفحت‌های حق — اندر این ایام می‌آرد سَبق

گوش و هُش دارید این اوقات را — در ربایید این چنین نفحات را

(مولوی)

اِنَّ لِرَبِّکُمْ فی ایامِ دَهْرِکُمْ نَفَحاتٌ فَتَعَرَّضُوا لَها لَعَلَّهُ اَن یصیبَکُمْ نَفْحَةٌ مِنْها فَلا تَشْقَوْنَ بَعْدَها اَبداً؛ همانا در طول زندگی شما نسیم‌هایی از سوی پروردگارتان می‌وزد. خود را در معرض آنها قرار دهید، باشد که چنین نسیمی سبب شود که برای همیشه بدبختی از شما دور ماند.

از حضرت علی علیه‌السلام روایت است که فرمود: «نخستین رحمتی که از آسمان به زمین نازل شد، در روز بیست و پنجم ماه ذی‌القعده، روز دحوالارض بوده است و هرکس این روز را روزه بدارد و شب آن را به عبادت بپردازد، به پاداش عبادت صد ساله رسیده است؛ عبادت صد ساله‌ای که روزهای آن را به روزه و شب‌های آن را به عبادت گذرانیده است. پس هر جماعتی که در این روز گِرد هم آیند و به ذکر پروردگار بپردازند، پراکنده نخواهند شد، مگر آنکه خواسته‌های آنان برآورده خواهد شد و در این روز هزاران رحمت از سوی پروردگار نازل می‌شود که نودونه درصد آن از آنِ کسانی است که روزش را به روزه و ذکر مشغول باشند و شبش را به احیا و عبادت بپردازند. (المراقبات، ص۳۷۴)

پنج‌شنبه ۱۹ شهریور

اذان صبح: ۵:۱۷
طلوع آفتاب: ۶:۴۳
اذان ظهر: ۱۳:۰۱
اذان مغرب: ۱۹:۳۸

۲۶ ذی‌القعده ۱۴۳۶
10 Sep 2015

وفات آیت الله سیدمحمود طالقانی، اولین امام جمعه تهران (۱۳۵۸ هش)

اعتماد در استقلال شخصیتی

به کارگیری استدلال و منطق در نشست‌ها و گفتگوها و حرکت به سوی جلب اعتمادِ جوانان به‌طور غیرقابل باوری تأثیرگزار است؛ همانگونه که استهزاءِ حساسیت‌های آنان و یا تحقیر و تکذیب روحیاتشان بدترین ضربه را به شخصیت آنها وارد می‌کند. اگرچه برخی از حساسیت‌ها مشکل آفرین است و یا غیرقابل طرح در بین همگان و خصوصاً دشمنان دوست‌نما خواهد بود، اما توجه به جنسیت، دوره بروز، شرایط روحی و روانی فرد و عوامل برانگیزاننده‌ی این واکنش‌ها، ما را در دستیابی به راه حل مشکل مدد می‌رساند و به آرامش اوضاع کمک شایانی می‌کند.

از جمله همین احساسات خاص جوانان می‌توان به حساسیت نوجوانان و خصوصاً پسران نسبت به استقلال شخصیتی خود اشاره کرد. پدران و مادرانی که وابستگی و دلبستگی به فرزندان خود را بر استقلال نسبی آنان ترجیح می‌دهند، خواسته یا ناخواسته، زمینه‌ی رنجش روحی و آسیب اجتماعیِ آنان را فراهم می‌کنند. به عنوان مثال، راز اینکه پسران در دوره راهنمایی و به ویژه سال‌های دبیرستان از آمدن مادر خود به مدرسه ناراحت و گاه تند و پرخاشگر می‌شوند، در این نکته مهم نهفته است. بی‌شک شکست‌های اوایل استقلال آنان، باعث برکات بی‌شمار در آینده زندگی آنها خواهد بود، پس این فرصت زیبا و زرّین را از آنها دریغ نکنیم.

(موضوعات و شیوه‌های گفتگو با نسل جوان، ص ۱۲۰)

جمعه ۲۰ شهریور

اذان صبح: ۵:۱۸
طلوع آفتاب: ٦:٤٣
اذان ظهر: ۱۳:۰۱
اذان مغرب: ۱۹:۳٦

۲۷ ذی‌القعده ١٤٣٦
11 Sep 2015

شهادت دومین شهید محراب، آیت الله مدنی به دست منافقان (۱۳٦۰ هـ ش)

روی خوش و مدارا

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): [شما ائمهٔ جماعت] پذیرای جوان‌ها باشید. با روی خوش هم پذیرا باشید؛ با سماحت، با مدارا. فرمود: «و سنّة من نبیّه»، که ظاهراً عبارت است از «مداراة النّاس»؛ مدارا کنید. ممکن است ظاهر زننده‌ای داشته باشد؛ داشته باشد. بعضی از همین‌هائی که در استقبالِ امروز بودند و شما - هم جناب آقای مهمان‌نواز، هم بقیهٔ آقایان - الان در این تریبون از آنها تعریف کردید، خانم‌هایی بودند که در عرف معمولی به آنها می گویند «خانم بدحجاب»؛ اشك هم از چشمش دارد میریزد. حالا چه کار کنیم؟ ردش کنید؟ مصلحت است؟ حق است؟ نه، دل، متعلق به این جبهه است؛ نه جان، دلباختهٔ به این اهداف و آرمان‌هاست. او یك نقصی دارد. مگر من نقص ندارم؟ نقص او ظاهر است، نقص‌های این حقیر باطن است؛ نمی‌بینند. «گفتا شیخا هر آنچه گوئی هستم / آیا تو چنان که مینمایی هستی؟» ما هم یك نقص داریم، او هم یك نقص دارد. با این نگاه و با این روحیه برخورد کنید. البته انسان نهی از منکر هم می کند؛ نهی از منکر با زبان خوش، نه با ایجاد نفرت. (در دیدار علما و روحانیون خراسان شمالی ۱۹/ ۰۷/ ۱۳۹۱)

هیچیك از ما نباید و نمی‌توانیم خطری را که از کمبود مسجد یا ضعف و نارسایی مساجد، جامعه و جوانان و خانواده‌ها و نسل های آینده را تهدید می کند، غافل بمانیم. (پیام به نوزدهمین اجلاس سراسری نماز، ۲۰/ ۰۷/ ۱۳۸۹)

﴿ وَ واعَدْنا مُوسی ثَلاثینَ لَیْلَةً وَ أَتْمَمْناها بِعَشْرٍ فَتَمَّ میقاتُ رَبِّهِ أَرْبَعینَ لَیْلَةً وَ قالَ مُوسی لِأَخیهِ هارُونَ اخْلُفْنی فی قَوْمی وَ أَصْلِحْ وَ لا تَتَّبِعْ سَبیلَ الْمُفْسِدینَ ﴾[1]؛ «و ما با موسی، سی شب وعده گذاشتیم؛ سپس آن را با ده شب (دیگر) تکمیل نمودیم؛ به این ترتیب، میعاد پروردگارش (با او)، چهل شب تمام شد. و موسی به برادرش هارون گفت: «جانشین من در میان قومم باش. و (آنها) را اصلاح کن! و از روش مفسدان، پیروی منما!»

نکات تفسیری

۱ـ علت اینکه موسی هارون را امر می کند که در میان قوم، جانشین و نائب او باشد، با اینکه خود هارون پیامبر مرسل بوده است، اینست که ریاست بر هارون و قوم، از آن موسی بود و جایز نبود که هارون، موسی را جانشین خود سازد. از اینجا بر می آید که مقام "امامت" از مقام نبوّت متفاوت و البته مقام امامت بالاتر است. گروهی از پیامبران، علاوه بر مقام نبوّت، دارای مقام امامت هم بوده‌اند. هارون اگر می‌توانست علاوه بر نبوّت، دارای مقام امامت هم باشد، لازم نبود که موسی علیه‌السلام، او را خلیفه خود کرده و مقام امامت را به او واگذار سازد.[2]

۲ ـ خدای تعالی در این آیه مواعده‌ای را که با موسی بسته بود، ذکر نموده و اصل آن را سی شب شمرده و با ده شب دیگر، آن را تکمیل نموده است. آن گاه حضرت حق فرمود که جمعاً مواعده با موسی نبی، چهل شب بوده است. در حقیقت این آیه، آیه‌ای سوره بقره را تفسیر می کند که خداوند سبحان در این باره فرمود: «وَ إِذْ واعَدْنا مُوسی أَرْبَعینَ لَیْلَةً» و توضیح می‌دهد که آن عدد، مجموع دو مواعده اصلی و تکمیلی است.

کوتاه سخن اینکه آیه به این معنا است که خدای تعالی موسی علیه‌السلام را برای مدت سی شب، به درگاه خود و برای گفتگوی با وی نزدیک ساخته و ده شب دیگر برای اتمام آن گفتگوها، بر آن مدّت افزوده است. در نتیجه میقات پروردگار، چهل شب تمام شده است. و اگر آیه حساب را بر روی شب‌ها (لیل) گزارده و نه روزها، حال آنکه در این مدت موسی علیه‌السلام روزها هم در میقات به سر برده است و معمولاً در این‌گونه موارد، حساب بر تعداد روزها برده می‌شود و نه شب‌ها، شاید برای این است که غرض از این میقات تقرّب به درگاه خدا و مناجات با او است؛ بر این مبنا، شب‌ها اختصاص بیشتری برای این کار داشته و حواس انسان جمع‌تر و نفس برای انس یافتن آماده‌تر است. چنین مناجاتی که در آن تورات، نازل شده است.

جمله «وَ قالَ مُوسی لِأَخیهِ هارُونَ اخْلُفْنی فی قَوْمی» حکایت کلامی است که موسی علیه‌السلام در زمان حرکت به میقات و جدایی از قوم خود، با برادر در میان نهاده است. به دلیل اینکه هنگام وصی و خلیفه قرار دادن، همان هنگام مفارقت، برای ایّام غیبت است و اگر موسی علیه‌السلام در این جمله از بنی اسرائیل به عبارت «قوم من» تعبیر کرد، به این دلیل بود که با سیاق سایر داستان‌های این سوره موافق باشد؛ زیرا در مطالبی که این سوره از نوح و هود و سایر انبیاء علیهم‌السلام نقل کرده بود، تکیه زبان آن حضرات «یا قوم، یا قوم» بوده است؛ بنابراین در این داستان نیز از بنی اسرائیل به« قوم من» تعبیر فرمود، در حالی که در سوره« طه» از ایشان به همان بنی اسرائیل، تعبیر کرده است.

«وَ أَصْلِحْ وَ لا تَتَّبِعْ سَبیلَ الْمُفْسِدینَ» برادرش هارون را امر به اصلاح و اجتناب از پیروی روش اهل فساد قرار میدهد و حال آنکه هارون علیه‌السلام هم خود پیغمبری مرسل و معصوم از معصیت و پیروی اهل فساد بوده است، قطعاً موسی علیه‌السلام

نیز بهتر از هر کسی دیگر، به مقام برادر خود عارف بوده، بنابراین مقصود آن حضرت از این کلام، نهی هارون از کفر و معصیت نبوده، بلکه مقصود این بوده که در اداره امور مردم به آراء مفسدین ایشان گوش نداده و مادامی که موسی علیه‌السلام غائب است، از آنان پیروی ننماید.

از جمله ادلّه این معنا یکی کلمه «و اصلح» است که دلالت دارد بر اینکه مراد از جمله «لا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ» اصلاح امور ایشان و بر حذر بودن از این است که در میان ایشان، روشی را در پیش گیرد که مطابق سلیقه مفسدین و مورد پیشنهاد آنان باشد.

از اینجا معلوم می‌شود که در آن روز در میان بنی اسرائیل، مردمی مفسد وجود داشته‌اند که همواره در کمین بوده تا زحمات این دو بزرگوار را خنثی نموده و با نقشه‌های شوم خود در کار ایشان کارشکنی کنند. لذا موسی علیه‌السلام سفارش می‌کند مبادا راه و روش و پیشنهادات ایشان را بپذیرد و در نتیجه دستخوش کید و مکر ایشان گردد و جمعیت قوم، اتّحاد خود که با تحمّل آن همه محنت‌ها و زحمات به دست آمده است، به اختلاف مبدّل گردانند.[۳]

۳ـ از آنجاکه پیامبران به جهت عمر و امکانات، محدودیت‌هایی دارند، بر این اساس برای محقق ساختن اهداف خود، به امر الهی، جانشین خود را به مردم معرفی و مردم را به اطاعت از آنان سفارش می‌کنند. بر این اساس اگر پیامبری خلیفه و امام معرفی نکند، رسالتش را به انجام نرسانده است.

در روایات فراوانی اشاره شده است که زمین هیچ‌گاه از حجّت الهی تهی نخواهد بود و هرگاه از حجّت الهی تهی شود، اهلش را فرو خواهد بُرد؛[۴] به‌گونه‌ای که حتی اگر دو نفر بر روی زمین زندگی کنند، یکی از آنان حجّت و امام خواهد بود.[۵] در برخی از روایات نیز بر ضرورت وجود امام استدلال شده است، چنان‌که در مناظره‌ای تأیید شده از سوی امام صادق علیه‌السلام، امام قلب عالم دانسته شده که وجود وی برای عالم، همانند وجود قلب برای انسان، ضروری است.[۶]

۴ـ بدون شک هارون نیز در عصر موسی علیه‌السلام مقام رهبری بنی اسرائیل را داشته است، ولی نه رهبری مستقل، بلکه رهبری که زیر نظر موسی علیه‌السلام انجام وظیفه می‌کرد. امیرمومنان علی علیه‌السلام نیز در زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله معاون او در مسئله رهبری امّت اسلام بوده است. بنابراین بعد از وفات او، رهبر مستقل محسوب خواهد شد.

حدیث منزلت که از نظر اسناد، از محکم‌ترین روایات اسلامی است که در کتب تمام گروه‌های مسلمین، بدون استثنا آمده است[۷] و از نظر دلالت نیز برای اهل انصاف، در زمینه افضلیت علی علیه‌السلام نسبت به تمام امّت و هم‌چنین جانشینی بلا فصل او نسبت به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله روشن است؛ ولی عجیب این است که بعضی نه تنها دلالت حدیث را بر خلافت نپذیرفتند، بلکه بیان داشتند که کم‌ترین فضیلتی را نیز برای علی علیه‌السلام ثابت نمی‌نماید و این براستی حیرت‌آور است؟!![۸]

حدیث

۱ـ عن علی علیه‌السلام: إنَّ أَحَقَّ النّاسِ بهذا الأمرِ أقْواهُمْ عَلَيْهِ وأعْلَمُهُمْ بأمرِ اللهِ فيهِ، فإنْ شَغَبَ شاغِبٌ اسْتُعْتِبَ، فإنْ أبى قُوتِلَ.[۹]

امیرمومنان علی علیه‌السلام می‌فرماید: سزاوارترین مردم به این کار (خلافت) کسی است که در آن تواناتر و به فرمان خدا درباره آن داناتر باشد. اگر آشوبگری دست به آشوب زند، از او بخواهد که دست از آشوبگری بردارد و اگر از این امر سرپیچی کند، با او بجنگد.

۲ـ إنّ المأمونَ قالَ للرِّضا علیه‌السلام: یا بنَ رسولَ الله .... إنّي قد رأيتُ أنْ أعزِلَ نَفْسی عنِ الخلافةِ و أجْعَلَها لکَ و اُبایِعَکَ!

فقالَ له الرِّضا علیه‌السلام: إنْ کانتْ هذه الخلافةُ لکَ و اللهُ جَعلَها لکَ فلا یَجوزُ لکَ أنْ تَخْلَعَ لِباساً ألبَسَکَهُ اللهُ و تَجْعلَهُ لِغَیرِکَ و إنْ کانتِ الخلافةُ لَیستْ لکَ فلا یَجوزُ لکَ أن تَجْعلَ لِی ما لیسَ لکَ.

فقالَ له المأمونُ: یا بنَ رسولِ الله، فَلا بُدَّ لکَ مِن قَبولِ هذا الأمر! فقالَ: لَستُ أفْعَلُ ذلک طائعا أبدا .... تُریدُ بذلکَ أن یَقولَ النّاسُ: إنّ علیَّ بنَ موسی الرِّضا لم یَزْهَدْ فی الدُّنیا بَل زَهِدَتِ الدُّنیا فیه! أ لا تَرَونَ کیفَ قَبِلَ ولایةَ العهدِ طمَعا فی الخلافة؟ فَغَضِبَ المأمونُ ثُمَّ قال: ....فباللهِ اُقسِمُ لَئنْ قَبِلْتَ ولایةَ العهدِ و إلاّ أجْبَرْتُکَ علی ذلکَ، فإنْ فَعلتَ و إلاّ ضَرَبتُ عُنُقَکَ.[۱۰]

مأمون خطاب به حضرت رضا علیه‌السلام گفت: ای پسر رسول خدا! .... من صلاح دیدم که خود را از خلافت عزل کنم و آن

را به تو بسپارم و با تو بیعت کنم!

حضرت رضا علیه السلام فرمود: اگر این خلافت از آنِ توست و خدا به تو داده است، روا نیست جامه ای را که خدا بر قامت تو پوشانیده، از تن به درآوری و به دیگری بپوشانی و اگر خلافت از آنِ تو نیست، حق نداری آنچه را از آنِ تو نیست به من وا گذاری.

مأمون گفت: ای فرزند رسول خدا! باید این کار را بپذیری. امام فرمود: من با میل خود هرگز این کار را نمی کنم .... تو با این کار می‌خواهی مردم بگویند علی بن موسی به دنیا پشت نکرده بود، بلکه دنیا به او پشت کرده بود، مگر نمی‌بینید که چگونه به طمع خلافت، ولایت‌عهدی را پذیرفت؟! مأمون در خشم شد و گفت: .... به خدا سوگند، اگر ولایت‌عهدی را نپذیری تو را به پذیرفتن آن مجبور می کنم. اگر این کار را کردی چه بهتر و گرنه گردنت را می‌زنم.

داستان

هنگامی که یزید منفور درگذشت، پسرش معاویه بر جای وی نشست. ولی طولی نکشید از خلافت کناره گیری کرد و بر منبر رفته و این چنین سخنرانی نمود:

- مردم ! من علاقه ندارم بر شما ریاست کنم و از این کار هم مطمئن نیستم؛ زیرا که می‌بینم شما علاقه‌ای به خلافت من ندارید. ولی شما گرفتار حکمرانی خاندان ما شده‌اید و ما نیز گرفتار شما مردمیم !

جدّم معاویه برای به دست آوردن خلافت، با علی بن ابی طالب علیه السلام که به خاطر سابقه و مقامش به خلافت شایسته بود!! جنگید و می‌دانید که مرتکب چه اعمال زشتی شد و شما هم می‌دانید به همراه ایشان چه کردید. او عاقبت، گرفتار نتیجه عمل خود شده و به گور رفت. بعد از معاویه، پدرم یزید عهده دار خلافت شد و خوب که ایشان چنین کاری را نمی کرد، چون شایستگی خلافت را نداشت.

وی کاری که نمی بایست، انجام داد، جنایت‌های وحشتناکی را مرتکب شد و فکر می کرد که کار خوبی را انجام می‌دهد و بالاخره چندان زمانی نگذشت که از بین رفت و آتش فساد او خاموش شد و اینک رفتار زشتش، غم مرگ او را از یادمان برده است.

آن گاه گفت: اکنون من نفر سوم این خانواده هستم، افراد بی‌علاقه به خلافت من، بیشتر از افرادی هستند که به خلافت من علاقه‌مندند. من هرگز بار گناه شما را به دوش نمی کشم! بیایید خلافت را از من بگیرید و به هر کس که مایلید، بسپارید!

مروان بلند شد و گفت: شما به روش عمر رفتار کن!

پاسخ داد: به خدا سوگند! اگر خلافت گنجینه‌ای بود، ما سهم خود را برداشتیم، اگر هم برای نسل ابوسفیان گرفتاری بود، همین اندازه بس است، سپس از منبر پایین آمد.

مادرش به او گفت: ای کاش چون لکه حیض می‌شدی!

در جواب مادر گفت: من نیز همین آرزو را داشتم، تا دیگر نمی‌فهمیدم خداوند آتشی دارد که هر معصیت کار و هر کسی را که حق دیگری را بگیرد، با آن عذاب خواهد کرد.[11]

نتیجه

اگر چه تعیین جانشین در اسلام، از اهمیت و اولویت خاصّی برخوردار است؛ اما اهمیت این که چه کسی شایستگی این جانشینی را داراست، از خود مسئله خلافت مهم‌تر می‌باشد. ریشه انحرافات عدیده جامعه اسلامی، در درجه اول، در انکار تعیین خلیفه و سپس در تعیین خلفایی است که استحقاق این مقام را نداشته و موجب بروز هزاران فساد و تباهی در جامعه اسلامی شده‌اند.

پی‌نوشت

۱.سوره اعراف، آیه ۱۴۲. ■ ۲.ترجمه مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، ج ۱۰، ص، ۴۳. ■ ۳.ترجمه تفسیر المیزان، ج۸، ص، ۳۰۴. ■ ۴.الکافی، ج ۱، ص ۱۷۸ - ۱۷۹. ■ ۵.همان، ص ۱۷۹، ۱۸۰. ■ ۶.کمال الدین، ص ۲۰۰ - ۲۰۳. ■ ۷.ر.ک. تفسیر نمونه، ج۶، ص ۳۳۵ الی ۳۴۴. ■ ۸.همان. ■ ۹.نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷ . ■ ۱۰.عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، ج۲، ص، ۱۴۰. ■ ۱۱.بحار، ج ۴۶، ص، ۱۱۸.

سازوکارهای تعلیم و تربیت مهدوی

عصر ظهور، عصر شکوفایی و بالندگی انسان، در پرتو تعلیم و تربیت حقیقی و رسیدن او به بصیرت اخلاقی است. این امر با شیوه‌های گوناگونی پدید می‌آید که مهم‌ترین آنها تربیت عقلانی است؛ یعنی، شکوفاکردن عقل و خرد آدمی (برای باور عمیق و ژرف به آموزه‌های دینی و عشق به مکارم اخلاقی) و نیز بالنده‌کردن فطرت و سرشت پاک آدمی و تزکیه نفس آلوده.

در این قسمت سازوکارهای برگرفته از روایات و منابع دینی، ذکر می‌شود:

شکوفاسازی عقول انسانی

مهم‌ترین راه رسیدن به بصیرت اخلاقی، کمال فکری است؛ عقل، پایه انسانیت، حجت باطنی خداوند، وسیله فهم و دریافت معارف اعتقادی و یکی از منابع استنباط احکام فقهی اسلام است. شکوفاسازی و تربیت، این موهبت ارجمند پروردگار، پیام همه ادیان آسمانی، به ویژه دین اسلام بوده است.

پرورش خرد و اندیشه آدمی (تربیت عقلانی) و بالابردن سطح دانایی و بصیرت، روشی تأثیرگذار و با ارزش در رشد و شکوفایی معنوی انسان است که بر پایه روایات در عصر ظهور محقق خواهد شد.

پالایش ناپاکی‌های درونی

عصر ظهور به راستی، دوران تزکیه و پاکیزگی جان‌ها است؛ که با عمل به برنامه‌های پیامبرانه امام زمان و با سوق‌دادن مردم به آن حاصل می‌شود. در روایتی پاکی و پاکیزگی انسان‌ها در آن دوران چنین مطرح شده است:

«وَ یُطَیِّبُ الدُّنْیَا وَ أَهْلَهَا فِی أَیَّامِ دَوْلَتِه؛[1]

در دوران حکومت او، دنیا پاکیزه شده و اهل دنیا (مردم) طاهر و نیک می‌شوند.»

پیشنهادهای اجرایی هفته

- برگزاری مراسم دعای توسل (سه شنبه)
- اقامه نماز دهه اول ذی الحجه
- مراسم توسل به اهل بیت علیهم السلام و جمع آوری صدقه به مناسبت اول ماه قمری
- برگزاری مراسم عزاداری شهادت حضرت امام محمد تقی علیه السلام
- برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید
- برگزاری جشن سالروز ازدواج حضرت علیعلیه السلام و حضرت فاطمه سلام الله علیها
- اهدای هدیه در ضمن مراسم جشن به جوانان مسجدی که در آستانه ازدواج هستند
- فراخوان جهت خطابه با موضوع اهمیت ازدواج
- کمک های مردمی برای تأمین هزینه های ازدواج و جهیزیه جوانان
- برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه)
- برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه)
- برگزاری مراسم غبارروبی ماهانه مسجد (جمعه)

ترویج و تثبیت ارزش‌های اخلاقی

«هنجارپذیری»، فرآیندی است که به انتقال آموزه‌های اخلاقی و مکارم انسانی و تثبیت آنها در افراد منجر می‌شود. از مهم‌ترین برنامه‌های حضرت، حاکمیت ارزش‌های اخلاقی و آگاهی بخشی به مردم است.

تقویت باورهای اعتقادی و ایمانی

بر پایهٔ این سازوکار، برای اینکه انسان بتواند اعمال و رفتار درست و با اعتدالی بروز دهد، باید زیربناهای فکری و معرفتی او استوار و فخیم گردد؛ بنابراین رشد فکری و اخلاقی بشر، مترتب بر تعمیق باورهای دینی و آشنایی عمیق با آغاز و فرجام خود و حاملان وحی (انبیا) و راهبران طریق (امامان) است. همان‌گونه که مهم‌ترین برنامه رسول اکرم ﷺ، جایگزینی توحید، به جای شرک و بنیاد نهادن تمدن توحیدی بود؛ آن هم با تغییر در باورهای اعراب جاهلی.

بهسازی اخلاق کارگزاران

یکی از راه‌های تأثیرگذار در رشد فکری و اخلاقی مردم، تقدّم اصلاح رفتاری و معرفتی کارگزاران عرصه سیاست و مدیریت جهان بر دیگران است. گام نخست در به‌سازی اخلاق کارگزاران و مدیران و مجریان، نظارت بر آنها و سخت‌گیری در برابر قانون‌شکنی و هنجارناپذیری آنان است. در روایات آمده است:

«اَلمَهْدِیُّ... شَدیدٌ عَلَی العُمّالِ رَحیمٌ بِالمَساکِین؛[2]

مهدی علیه‌السلام ... بر کارگزاران سخت می‌گیرد و بر بینوایان بسیار مهربان است.»

وحدت و الفت انسان‌ها

آن حضرت الفت و دوستی در دل مردم ایجاد می‌کند و بغض و خصومت را برطرف می‌سازد. امام صادق علیه‌السلام در این باره فرموده‌اند:

«لَیُرْفَعُ عَنِ الْمِلَلِ وَ الأَدْیَانِ الاِخْتِلَاف؛[3] چنددسته‌گی و پراکندگی را از ملت‌ها و ادیان بر می‌دارد.»

از دیگر برنامه‌های حضرت عبارتند از:

- شکوفایی سرشت انسانی
- حاکمیت اندیشهٔ قرآنی
- فراگیری و همگانی‌شدن تعلیم و تربیت
- فرهنگ‌سازی جامع
- کنترل و نظارت فراگیر
- به‌سازی اخلاق کارگزاران
- ایجاد غنای واقعی در بشر

پی‌نوشت

۱. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمة، ج۲، ص ۴۹۳. ■ ۲. عماد الدین طبری، بشارة المصطفی، ص۲۰۷. ■ ۳. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج۵۳، ص ۱.

شنبه ۲۱ شهریور

اذان صبح: ۵:۱۹
طلوع آفتاب: ۶:۴۴
اذان ظهر: ۱۳:۰۱
اذان مغرب: ۱۹:۳۵

۲۸ ذی‌القعده ۱۴۳۶

12 Sep 2015

شهادت روحانی مبارز مشروطه خواه «شیخ محمد خیابانی» (۱۲۹۹ هـ ش)
روز سینما

جوان در اوج عرفان!

در موارد مختلفی دیده یا شنیده شده که یک جوان، از لحاظ رشد و کمال معنوی به چنان مرتبه‌ای می‌رسد که یک عالم و عابد وارسته، سال‌ها طول می‌کشد تا به آن درجات دست یابد. مانند ماجرای جوانی که در مسجد با رسول خدا ملاقات کرده و ادعای رسیدن به حال یقین را داشته و اوصاف این یقین خود را برای ایشان بازگو نمود، سپس پیامبر اکرم ﷺ در وصف او گفتند: «هَذَا عَبْدٌ نَوَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَان» (محاسن برقی، ص ۲۵۱) و یا نمونه‌های متعدد دیگری از این جوانان عارف که امام خامنه‌ای (مدظله العالی) درمورد آنها می‌فرمایند:

«در دوره جنگ که شما متأسّفانه اعتلای آن دوره را درك نکردید، البته جنگ را درك نکردید و این تأسّف ندارد؛ اما آن خصوصیات بی‌نظیر را شما درك نکردید و آدم افسوس می خورد. جوانان هجده و بیست ساله‌ای که در سنین شما بودند، از لحاظ لطافت و صفای معنوی، گاهی به حدّ عارفی که چهل سال در راه خدا سلوك کرده بود، می‌رسیدند! آدم این را در وجود آنها احساس می‌کرد. کم هم نبودند؛ فراوان بودند. من همان وقت‌ها در مقابل چنین جوانانی که قرار می‌گرفتم، احساس خضوع حقیقی می‌کردم؛ نه این که بخواهم تواضع کنم. دیده‌اید انسان در مقابل بزرگی که قرار می‌گیرد و کمالات او را که می‌بیند، ضعف خودش را می‌فهمد! من همان احساس را در مقابل یك جوان بسیجی و یك جوان رزمنده در خودم می‌دیدم و می‌یافتم. آن فضا، چنان فضایی بود که می‌توانست یك جوان معمولی را این گونه متحوّل کند.»
(۷۷/۲/۸)

یکشنبه ۲۲ شهریور

اذان صبح: ۵:۲۰
طلوع آفتاب: ۶:۴۵
اذان ظهر: ۱۳:۰۰
اذان مغرب: ۱۹:۳۳

۲۹ ذی‌القعده ۱۴۳۶
13 Sep 2015

فرمان‌های الهی نیز از آسان به مشکل ابلاغ می‌شده است

با بررسی روش تربیتی خداوند متعال که از طریق انبیاء الهی علیهم‌السلام در امت‌های مختلف برای هدایت بشر اعمال شده است، درمی‌یابیم که آن بزرگواران به صورت تدریجی حکم خدا را برای مردم بیان می‌کردند و پس از تکرار و تذکرات متعدّد و آماده شدن زمینه‌ی تبلیغ و نفوذِ نسبی ایمان در قلب‌ها، در زمانی مناسب مردم را مأمور به انجام احکام الهی می‌نمودند. شیوه‌ی جذب و تربیت نیز تدریجی و گام به گام است. بنابراین مبلغان نباید انتظار داشته باشند تا در زمان اندک، نتایج بزرگ و اساسی به دست آورند.
روش پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در دعوت به توحید و آیین اسلام نیز تدریجی و گام به گام بوده و به هنگام بیان دستورات و احکام خداوند، از آسان به مشکل ابلاغ می‌شده است.
به عنوان مثال قانون‌گذاری در پرداخت‌های مالی و جهاد در سال‌های آخر بعثت و پس از هجرت به مدینه تبیین و ابلاغ شده و اجرای حکم خمس بر زیاده از مؤونه، تا زمان امام باقر و امام صادق علیهماالسلام به تأخیر می‌افتد. به کارگیری چنین روشی در ابلاغ احکام، نشانگر این واقعیت است که برای انجام هر عملی ابتدا باید زمینه‌سازی لازم ایجاد شود و سپس به صورت مداوم و تدریجی اقدام صورت پذیرد.
(با تصرف از کتاب «شیوه جذب جوانان»، محمد اسماعیلی مبارکه)

دوشنبه ۲۳ شهریور

شهادت امام نهم حضرت «جوادالائمه» علیه السلام به دستور معتصم عباسی (۲۲۰ هـ ق)

اذان صبح:	۵:۲۱
طلوع آفتاب:	۶:۴۶
اذان ظهر:	۱۳:۰۰
اذان مغرب:	۱۹:۳۲

۳۰ ذی‌القعده ۱۴۳۶

14 Sep 2015

فرزندی شبیه موسی بن عمران

در حدیثی از امام رضا علیه السلام اینچنین نقل شده است: «فَلَمَّا وُلِدَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ الرِّضَا علیه السلام لِأَصْحَابِهِ قَدْ وُلِدَ لِي شَبِيهُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فَالِقِ الْبِحَارِ وَ شَبِيهُ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ قُدِّسَتْ أُمٌّ وَلَدَتْهُ قَدْ خُلِقَتْ طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً ثُمَّ قَالَ الرِّضَا ع يُقْتَلُ غَصْباً فَيَبْكِي لَهُ وَ عَلَيْهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَ يَغْضَبُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى عَدُوِّهِ وَ ظَالِمِهِ فَلَا يَلْبَثُ إِلَّا يَسِيراً حَتَّى يُعَجِّلَ اللَّهُ بِهِ إِلَى عَذَابِهِ الْأَلِيمِ وَ عِقَابِهِ الشَّدِيدِ.»

پس از تولد امام جواد علیه السلام امام رضا علیه السلام فرمودند: «فرزندی برایم متولد شده که شبیه موسی بن عمران علیه السلام، شکافنده دریاهاست و شبیه عیسی بن مریم علیه السلام مادری مقدس دارد که طاهره و مطهره آفریده شده. سپس فرمودند: فرزندم به ناحق به شهادت می‌رسد و اهل آسمان برای او می‌گریند و خداوند متعال بر دشمن او و کسی که بر او ستم روا داشته است، خشم می‌گیرد و طولی نمی‌کشد که خداوند دشمنش را به عذاب دردناک و عقاب شدید الهی مبتلا می‌کند.»

(بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۵)

سه‌شنبه ۲۴ شهریور

اذان صبح: ۵:۲۲
طلوع آفتاب: ٦:٤٦
اذان ظهر: ۱۳:۰۰
اذان مغرب: ۱۹:۳۰

۱ ذی‌الحجه ١٤٣٦
15 Sep 2015

سالروز ازدواج حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه سلام الله علیها (۲ هـ ق)
روز ازدواج

لِیسکن إلیها ....

«هو الذی خلقکم من نفس واحده و جعل منها زوجها لیسکن الیها.. او خدایی است که همه شما را از یک نفس واحد افرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد تا در کنار وی آرام گیرد و بیاساید» (اعراف، ۱۸۹). آیت الله جوادی آملی در تفسیر این آیه شریفه می‌فرمایند: «راز اصیل آفرینش غیر از گرایش غریزی و اطفای شهوت خواهد بود که خداوند از آن خبر می‌دهد ... منشا گرایش مرد به زن و آرمیدن مرد درسایه انس به زن، همان مودت و رحمتی است که خداوند بین آنها قرار داده، و این مودت الهی غیر از گرایش غریزهٔ نر و ماده است که در حیوانات هم موجود است، اصالت در گرایش مرد به زن همان محبت الهی است». بنابراین والاترین هدف ازدواج، بعنوان یک نیاز، برخوردار شدن از آرامش روان و آسودگی خاطری است که خود لازمه اعتلای وجود، شکفتن همه قابلیت، همگامی و همراهی در مسیر رشد و کمال و نیل به اخلاص و فلاح است و همه اندیشه‌ها و برداشت‌های دیگر در قلمرو ازدواج و تشکیل خانواده فروعی است بر این اصل. از این رو توجه به همین اصل بنیادی، یعنی آرامش بخشیدن و آرامش گرفتن زن و مرد می‌بایست در انتخاب همسر و ازدواج مدنظر قرار گیرد. (تفسیر تسنیم ذیل آیه)(بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۶)

ورود قمر به عقرب۲۲:۱۴

چهارشنبه ۲۵ شهریور

اذان صبح: ۵:۲۳
طلوع آفتاب: ۶:۴۷
اذان ظهر: ۱۲:۵۹
اذان مغرب: ۱۹:۲۹

۲ ذی‌الحجه ۱۴۳۶
16 Sep 2015

دوره جوانی خود را به یاد آورید!

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): مطمئناً یکی از عواملی که به بزرگترها کمک می‌کند تا به بهترین نحو با جوانان برخورد نمایند، این است که احساسات و خواسته‌ها و نیازهای دوره جوانی خود را به یاد آورند و خود را به جای نسل جوان امروزی بگذارند. البته لازم است که تفاوت شرایط دوران گذشته با زندگی امروزی را مد نظر داشته باشیم، اما معمولاً کلیت احساسات و نیازهای جوانان تفاوت چندانی نمی‌کند. امام خامنه‌ای در تشریح این دوران می‌فرمایند:

«جوانی از بلوغ آغاز می‌شود. در این‌جا می‌خواهم از منظر جوانان به مسأله نگاه کنم، تا بزرگترها، پدران و مادران و مسؤولان، فضای جوانی را که خودشان هم یك روز در آن فضا بودند، به یاد آورند.

جوان در دورهٔ جوانی، بخصوص در آغاز جوانی، تمایلات و انگیزه‌هایی دارد. اوّلاً چون در حال تکوین هویّت جدید خود است، مایل است شخصیت جدید او به رسمیت شناخته شود؛ که غالباً این اتّفاق نمی‌افتد و پدران و مادران جوان را در هویّت و شخصیت جدیدش گویا به رسمیت نمی‌شناسند. ثانیاً جوان احساسات و انگیزه‌هایی دارد. رشد جسمانی و روحی دارد و به دنیای تازه‌ای قدم گذاشته است که غالباً دوروبری‌ها، خانواده، کسان و افراد در جامعه، از این دنیای جدید بی‌خبر و بی‌اطّلاع می‌مانند، یا به آن بی‌اعتنایی می‌کنند؛ لذا جوان احساس تنهایی و غربت می‌کند. من مایلم این مطالب را بزرگ‌ترها بشنوند، مورد توجّه قرار دهند و دورهٔ جوانیِ خودشان را به یاد آورند.»
(۷۹/۲/۱)

به پیرها عرضه کنید و اصلاح کنید...

همان‌طور که برخی جوانان از روی سستی و تنبلی دچار کم کاری و تفریط می‌شوند، بعضی جوانان دیگر نیز در راه رسیدن به اهداف صحیح و والا، به خاطر بی تجربگی و خامی دچار افراط در کارها می گردند. امام خمینی ﷺ در این زمینه می فرمایند:

«البته نویسنده‌ها گاهی وقت‌ها جوان‌اند. خوب، جوان یك طور طرز فكر دارد كه پیرها آن طرز فكر را ندارند. در بین شما [تحصیل کرده‌ها و نویسندگان] هم جوان‌ها هستند و هم پیرها. شما اگر یك وقت دیدید كه یك جوانی به واسطه‌ی تندی‌ای كه دارد، در عین حالی كه سالم است، لكن خب، یك تندی‌هایی در جوان‌ها هست، یك وقت دیدید كه مقاله‌ای نوشته است و این مقاله موجب آزردگی یك جمعی می‌شود، موجب تفرقه‌ای می‌شود، موجب چیزی می شود كه امروز كشور ما با آن طور مسائل مواجه است و باید ما كوشش كنیم كه كم بشود، این طور مسائل كه یك وقتی است كه طلبه جوانی كرده است، این را به پیرها عرضه بكنید و اصلاح بكنید. این طور نیست كه انسان بتواند جلوی قلم خود یا زبان خودش را مطلقاً بگیرد، لكن می‌تواند كمش بكند. نمی‌گویم قدرت ندارد؛ از اختیار خارج است و [با این حال] معاقبیم. نخیر، همه معاقبیم در گفتارمان در كردارمان در نظرهامان. در همه چیز، ما مسئولیم.»

(صحیفه امام، ج۱۴، ص۱۷۳-۱۷۴)

جمعه ۲۷ شهریور

اذان صبح: ۵:۲٤
طلوع آفتاب: ٦:٤٩
اذان ظهر: ۱۲:۵۹
اذان مغرب: ۱۹:۲٦

٤ ذی‌الحجه ۱٤۳٦
18 Sep 2015

روز شعر و ادب فارسی
درگذشت شاعر متعهد استاد «محمد حسین شهریار» (۱۳٦۷ ش)
روز بزرگداشت استاد سید محمد حسین شهریار

بشر به دنبال یک فکر آماده و منظم است که جواب هر سؤال را بدهد!

استاد شهید مرتضی مطهری رحمه‌الله می‌فرمایند:

«دیگران از راه شناختن دردِ این نسل (جوان)، آنها را منحرف کرده‌اند و از آنها استفاده کرده‌اند. مکتب‌های ماتریالیستی که در همین کشور به وجود آمد و اشخاصی فداکار درست کرد برای مقاصد الحادی، از چه راه کرد؟ از همین راه. می‌دانست که این نسل احتیاج دارد به یك مکتب فکری که به سؤالاتش پاسخ بدهد؛ یك مکتب فکری به او عرضه کرد. می‌دانست که این نسل یك سلسله آرمان‌های اجتماعی بزرگی دارد و درصدد تحقق دادن به آنهاست؛ خود را با آن آرمان‌ها هماهنگ نشان داد. در نتیجه افراد زیادی را دور خود جمع کرد آنهم با چه فداکاری و صمیمیتی! بشر همین قدر که به چیزی احتیاج پیدا کرد، چندان در فکر خوب و بدش نیست. معده که به غذا احتیاج پیدا کرد به کیفیت اهمیت نمی‌دهد، هرچه پیدا کند با آن خود را سیر می‌کند. روح هم اگر به حدی رسید که تشنه یك مکتب فکری شد که روی اصول معین و مشخصی به سؤالاتش پاسخ دهد و همه مسائل جهانی و اجتماعی را یکنواخت برایش حل کند و جلویش بگذارد، اهمیت نمی‌دهد که منطقاً قوی است یا نیست. بشر آن قدرها دنبال حرف محکم و منطقی نیست، دنبال یك فکر منظم و آماده است که یکنواخت در مقابل هر سؤالی جوابی بگذارد.»

(رهبری نسل جوان، ص ۲۰)

﴿ وَ لا تَحْسَبَنَّ الَّذينَ قُتِلُوا فی سَبيلِ اللهِ أَمْواتاً بَلْ أَحْياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ * فَرِحِينَ بِمَا ءَاتَئهُمُ اللهُ مِن فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُواْ بِهِم مِّنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ *يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللهِ وَ فَضْلٍ وَ أَنَّ اللهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِين. ﴾[1]؛ (ای پیامبر!) هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

شأن نزول

چنین به نظر می رسد که جمعی از افراد سست ایمان، بعد از حادثه احد می‌نشستند و بر دوستان و بستگان خود که در احد شهید شده بودند، تأسف می‌خوردند که چرا آنها مردند و نابود شدند، مخصوصاً هنگامی که به نعمتی می‌رسیدند و جای آنها را خالی میدیدند، بیشتر ناراحت می‌شدند. با خود می گفتند ما این چنین در ناز و نعمت هستیم، اما برادران و فرزندان ما در قبرها خوابیده‌اند و دست‌شان از همه جا کوتاه است. این گونه افکار و این گونه سخنان، علاوه بر این که نادرست بود و با واقعیت تطابقی نداشت، در تضعیف روحیه بازماندگان نیز بی‌اثر نبود. تا اینکه آیات فوق، بر این گونه افکار خط بطلان کشیده و مقام شامخ و بلند شهیدان را به نیکی یاد کرده است.[2]

نکات تفسیری

۱ ـ در معنای «عِنْدَ رَبِّهِمْ» دو وجه ذکر شده است:

الف) نزد خدا هستند؛ یعنی در مقامی قرار دارند که هیچکس جز خداوند نفع و ضرر ایشان را به دست ندارد و مراد از عند و نزد خدا، مکان (محسوس) و نزدیکی مسافت نیست؛ زیرا مکان و قرب مسافت از صفات اجسام است و بر خدا محال می باشد.

ب) یعنی در نزد خدا (و علم خدا) زنده‌اند و چون خداوند از حیات آنها خبر دارد و مردم بی‌خبرند، فرموده است زنده در نزد خدا هستند.[3]

۲ ـ از لسان آیات، روشن می‌شود که اولاً کشته شدگان در راه خدا از وضع مؤمنین برجسته که هنوز در دنیا باقی مانده‌اند، خبر دارند. ثانیاً آیه شریفه دلالت دارد بر این که انسان بعد از مردن و تا قبل از قیامت، باقی و زنده است. بحث در این باره به طور مفصل در بحث برزخ یعنی در تفسیر آیه:" وَ لا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللهِ أَمْواتٌ "[4] مطرح شده است.[5]

نکته دیگر این که در این آیه شریفه، فضل و نعمت نکره آورده شده است؛ هم چنان که رزق هم در آیات قبل، سربسته ذکر شده و نفرموده است که آن رزق چیست. این برای آن بود که ذهن شنونده درباره فضل و نعمت و رزق، تا هر جا که ممکن است برود. هم‌چنین به همین جهت خوف و حزن در سیاق نفی مبهم مطرح شده است، تا دلالت بر عموم کرده و بفهماند که کشته شدگان در راه خدا، هیچ نوع از انواع خوف و حزنی را ندارند.

از دقت در این آیات، این معنا به دست می آید که اولاً آیه در صدد بیان اجر مؤمنین است، ثانیاً می‌خواهد بفهماند أجری که نزد خدای سبحان است، رزق ایشان است. ثالثاً این رزق، نعمتی و فضلی از خداوند است، رابعاً این نعمت و فضل، عبارت از این است که نه خوفی دارند و نه حزنی.[6]

جمله «أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ» جملهٔ عجيبى است، هر قدر انسان بيشتر در آن فرو مى‌رود و تدبّر مى‌كند، دامنه معنايش وسيع‌تر مى‌شود. با اينكه جمله‌اى لطيف و رقيق و بيانى ساده دارد و اولين چيزى كه از معناى آن به ذهن مى‌رسد اين مفهوم است كه خوف و حزن از مؤمنين برداشته مى‌شود. با اين همه بر طرف شدن مطلق خوف از انسان، تنها وقتى ميسر است كه هيچ يک از دارايى‌ها، در معرض زوال قرار نگيرد. هم‌چنين برطرف شدن مطلق حزن از انسان آنگاه شدنى است كه انسان بتواند از نعمت، متنعّم شود و خداى تعالى به او نعمت‌هايى را افاضه كرده باشد. هم‌چنين آنچه كه دارد، هرگز در معرض زوال قرار نگيرد. اين همان خلود سعادت براى انسان و خلود انسان در آن سعادت است.[7]

۳ـ منظور از حيات و زندگى در اين آيه، همان حيات و زندگى برزخى است كه ارواح در عالم پس از مرگ دارند، نه زندگى جسمانى و مادّى. گرچه زندگى برزخى، اختصاصى به شهيدان ندارد و بسيارى ديگر از مردم نيز داراى حيات برزخى هستند. ولى از آنجا كه حيات شهيدان حياتى فوق العاده عالى و آميخته با انواع نعمت‌هاى معنوى است، به علاوه موضوع سخن در آيه، شهيدان هستند و تنها از آنها نام برده شده است. آنها به قدرى غرق مواهب حيات معنوى هستند كه گويا زندگى ساير برزخيان در مقابل آنها چيزى نيست.

سپس به گوشه‌اى از مزايا و بركات فراوان زندگى برزخى شهيدان اشاره كرده و مى‌فرمايد: «فَرِحِينَ بِما آتاهُمُ اللهُ مِنْ فَضْلِه» آنها به خاطر نعمت‌هاى فراوانى كه خداوند از فضل خود به آنها بخشيده است، مسرورند.

يكى ديگر از دلايل شادى و سرور آنها، برادران مجاهد ايشان است كه در ميدان جنگ، شربت شهادت ننوشيده‌اند و به آنها ملحق نشده‌اند؛ زيرا مقامات و پاداش آنها را در آن جهان، به خوبى مى‌بينند و از اين رو مستبشر و شاد مى‌شوند. در ادامه آيه مى‌فرمايد: « أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ»، يعنى شهيدان احساس مى‌كنند كه برادران مجاهد آنها، پس از مرگ، هيچ‌گونه اندوهى نسبت به آن چه در دنيا گذارده‌اند و نه هيچ گونه ترسى از روز رستاخيز و حوادث وحشتناک آن، ندارند.[8]

از جمله آيات قرآن كه با صراحت، دلالت بر بقاى روح دارد، آيات فوق است كه درباره حيات پس از مرگ شهدا، سخن مى‌گويد. اين كه بعضى احتمال داده‌اند كه مراد از حيات، معنى مجازى آن است و منظور باقى ماندن آثار زحمات و نام و نشان آنهاست، اين امر بسيار از معنى آيه دور است و با هيچ يک از عبارات آيات فوق، اعم از روزى گرفتن شهيدان و سرور آنها از جهات مختلف، سازگار نمى‌باشد. به علاوه آيات فوق، دليل روشنى بر مسئله برزخ و نعمت‌هاى برزخى است، كه شرح آن در ذيل آيه شريفه «وَ مِنْ وَرائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلى يَوْمِ يُبْعَثُونَ»[9] بيان شده است.[10]

حديث

۱ـ امام رضا عليه‌السلام از اميرمؤمنان على عليه‌السلام چنين نقل مى‌كند كه هنگامى كه حضرت، مشغول خطبه بود و مردم را تشويق به جهاد مى‌كرد، جوانى برخاست و عرض كرد: اى اميرمؤمنان! فضيلت جنگجويان در راه خدا را براى من تشريح كن! امام در پاسخ فرمود: من بر مركب پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله و پشت سر آن حضرت، سوار بودم و از غزوه ذات السلاسل برمى‌گشتيم. همين سؤالى را كه تو از من نمودى، من از پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله كردم.

پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هنگامى كه جنگجويان، تصميم بر شركت در ميدان جهاد مى‌گيرند خداوند آزادى از آتش دوزخ را براى آنها مقرر مى‌دارد و هنگامى كه سلاح برمى‌دارند و آماده ميدان مى‌شوند، فرشتگان به وجود آنها افتخار مى‌كنند و آنگاه كه همسر و فرزند و بستگان با آنها خداحافظى مى‌كنند، از گناهان خود خارج مى‌شوند ... . از آن هنگام ايشان هيچ عملى انجام نمى‌دهند، مگر اين كه پاداش آن، مضاعف گشته و در برابر هر روز، پاداش عبادت هزار عابد براى آنها نوشته ميشود ... و هنگامى كه با دشمنان روبرو مى‌شوند، مردم جهان، نمى‌توانند ميزان ثواب آنها را درک كنند.

و هنگامى كه براى نبرد به ميدان رهسپار مى‌شوند و جنگ تن به تن شروع مى‌شود، فرشتگان با پر و بال خود اطراف آنها را مى‌گيرند و از خدا تقاضا مى‌كنند كه ايشان، در ميدان ثابت قدم باشند، در اين هنگام منادى صدا ميزند «الجنة تحت ظلال السيوف» بهشت در سايه شمشيرها است، در اين هنگام ضربات دشمن بر پيكر شهيد، ساده‌تر و گواراتر از نوشيدن آب خنک در روز گرم تابستان است.

و آنگاه که شهید از مرکب فرو می‌غلطد، هنوز به زمین نرسیده که حوریان بهشتی به استقبال او می‌شتابند و نعمت‌های بزرگ معنوی و مادّی که خداوند برای او فراهم ساخته است، برای او شرح می‌دهند.

و هنگامی که شهید بروی زمین قرار می‌گیرد، زمین می‌گوید: آفرین بر روح پاکیزه‌ای که از بدن پاکیزه پرواز می‌کند، بشارت باد بر تو، «ان لک ما لا عین رأت و لا اذن سمعت و لا خطر علی قلب بشر» نعمت‌هایی در انتظار تو است، که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بر قلب هیچ انسانی خطور نکرده است و خداوند می‌فرماید: من سرپرست بازماندگان اویم، هر کس آنها را خشنود کند، مرا خشنود کرده است و هر کس آنها را به خشم آورد، مرا به خشم آورده است.[11]

نتیجه

ارزش والای شهادت و عظمت مقام شهیدان در اسلام، مقامی نیست که همتای دیگری داشته باشد. به همین دلیل، انگیزه شهادت‌طلبان، تقریباً در میان همه افراد نیست، ولی در میان مسلمانان همیشه وجود داشته و دارد. البته در کشورهایی که این اعتقاد و فرهنگ حاکم نیست، وقتی ظلم و استکبار بیداد کند و کشورشان در معرض نابودی قرار گیرد، ممکن است نیروی بسیج مردمی تشکیل شود؛ در حالی که در فرهنگ و جامعه اسلامی، همواره و در همه حال این نیرو وجود دارد.[12]

پی‌نوشت

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۷۱ـ ۱۶۹. ■ ۲. تفسیر نمونه، ج۳، ص، ۱۷۰. ■ ۳. ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص، ۳۳۹. ■ ۴. ذیل سوره بقره، آیه ۱۵۴. ■ ۵. ر.ک.المیزان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص، ۳۴۶. ■ ۶. همان. ■ ۷. همان ص ۹۶ با تلخیص. ■ ۸. همان، ص، ۱۷۱. ■ ۹. سوره مومنون، آیه ۱۰۰. ■ ۱۰. المیزان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص، ۳۴۶. ■ ۱۱. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص، ۸۸۵. ■ ۱۲. پیام قرآن، ج۱۰، ص، ۳۱۱.

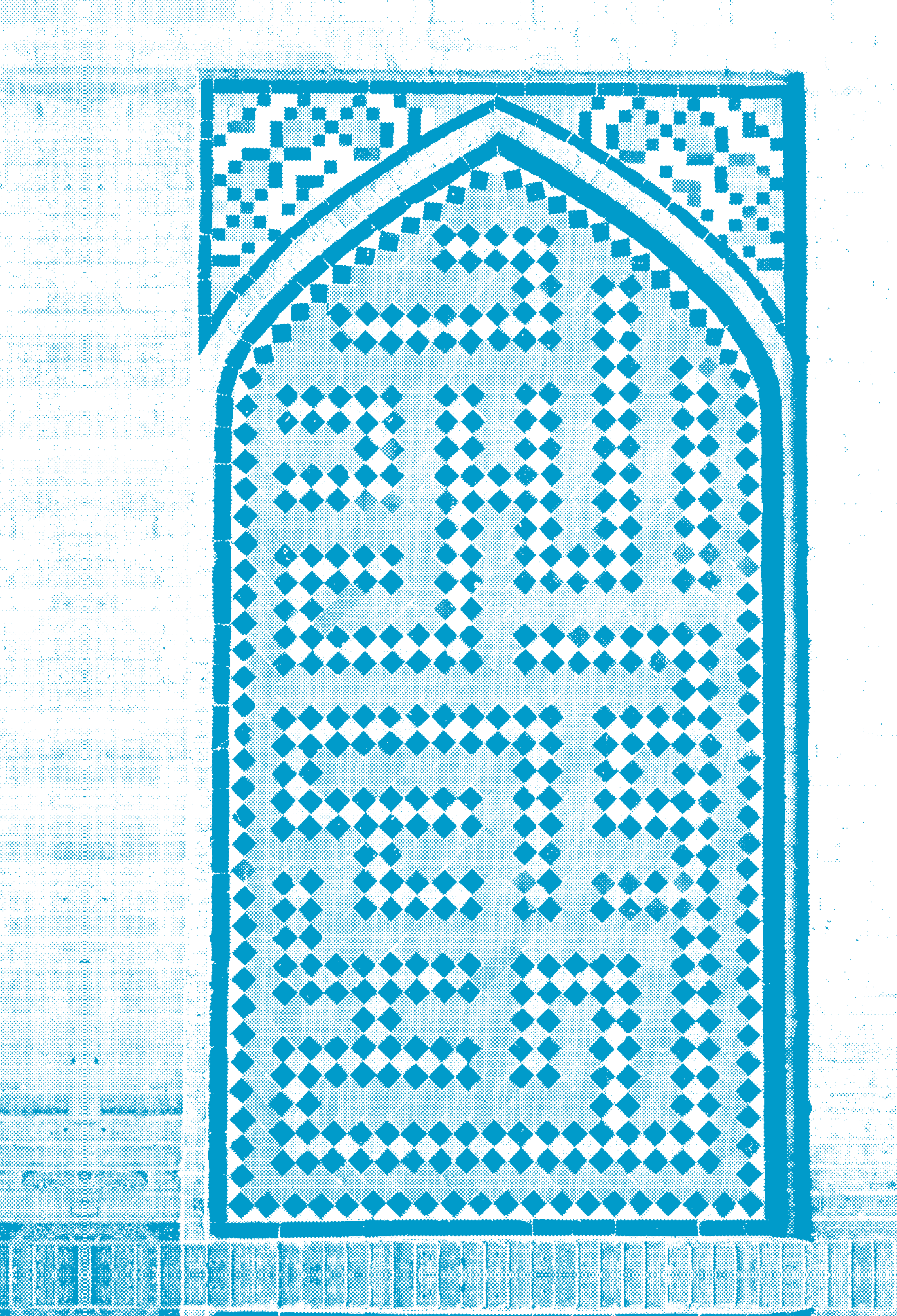

شیوه های مهدی ستیزی دشمنان اسلام

دشمنان اسلام و مهدویت، برای مقابله با این حقیقت از شیوه‌های گوناگونی استفاده می کنند؛ هرچند همه این راه‌ها در تاریخ سابقه دارد و مخالفان انبیای الهی نیز همین شیوه‌ها را به کار بسته‌اند. مقام معظم رهبری ـ مدظله العالی ـ نیز در سخنی جامع در این‌باره فرموده است: دشمن، هر امر صحیح و مفیدی را تا آنجا که مقدور باشد، انکار می کند و اگر نتوانست، به تحریف و تخریب آن پرداخته و یا در مقابل آن، اقدام به جایگزینی می‌نماید.[1]

در این بخش بر اساس همین سخن حکیمانه، شیوه‌های ستیز دشمن در موضوع مهدویت را بررسی می کنیم:

۱. انکار

یکی از اقدامات دشمنان، انکار مهدویّت است. آنان می کوشند که جریان مهدویت را جریانی خرافی و پوچ قلمداد کنند. در این راستا گاهی تبلیغ می کنند که مهدویّت، جریانی وارداتی است که از سایر ادیان مانند زرتشت به اسلام راه‌یافته است. چنانچه گلدتسیهر که از مستشرقان معروف است می‌گوید:

> اعتقاد به مسئله مهدویت در ریشه خود به عناصر یهودی و مسیحی برمی‌گردد و در آن ویژگی‌های مبحث سوشیانس، که مورد اعتقاد زرتشتیان است، یافت می‌شود.[2] هم‌چنین این موضوع برای درمان شکست‌های پی‌درپی و ناکامی‌های پیوسته علویان و شیعیان بوده است، تا به آینده‌ای خیالی دل‌خوش باشند و گرفتار دلسردی و سرخوردگی نشوند...[3]

۲. تخریب

اقدام دیگر دشمن، تخریب مهدویت و مخدوش کردن چهره معنوی آن بزرگوار است. وقتی دشمنان از انکار امام مهدی علیه‌السلام ناتوان می‌شوند،

پیشنهادهای اجرایی هفته

◆ برگزاری مراسم زیارت وارث (سه شنبه) ◆ دعوت از ایثارگران، جانبازان و آزادگان برای بیان خاطرات دفاع مقدس ◆ تجلیل از رزمندگان دفاع مقدس در محله ◆ تجلیل از خانواده های معظم شهدا ◆ برگزاری نمایشگاه عکس با عکس های اهالی محل و به ویژه رزمندگان عزیز درباره دفاع مقدس با همکاری تشکل های مسجدی ◆ جلسه شورای فرهنگی مسجد ◆ سخنرانی ویژه مسائل بانوان و دختران قبل از اذان ظهر روز اول ماه شمسی ◆ برنامه ریزی جهت دعوت یادگاران دفاع مقدس برای بیان خاطرات بین الصلاتین و یا بعد از نماز ◆ حضور در منزل شهدا و جانبازان شاخص محله ◆ برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید ◆ برگزاری مراسم عزاداری سالروز شهادت امام باقر علیه السلام و دعوت از یکی از هیأت محله برای اجرای برنامه ◆ برگزاری مراسم دعای عرفه ◆ برگزاری مراسم عزاداری به مناسبت شهادت حضرت مسلم علیه السلام ◆ جمع آوری نذورات مردمی برای ذبح گروهی قربانی جهت پخش بین نیازمندان ◆ برگزاری جلسات پرسش و پاسخ ویژه جوانان (پنج شنبه) ◆ برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه) ◆ برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه)

می‌کوشند با القای مطالب نادرست و جعلی، مهدی باوران را در عقیده خود سست کنند.

۳. تحریف

تحریف به معنای وارونه کردن حقیقت است[۴] که از شگردهای دشمنان خدا و پیامبران و پیروان آن‌ها بوده است. مخالفان اسلام نیز از این روش، در موارد بسیاری استفاده کرده‌اند. قرآن کریم دراین باره می‌فرماید:

«مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمَعْ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَرَاعِنَا لَيًّا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَطَعْنًا فِي الدِّينِ»[۵]

بعضی از یهود، سخنان را از محل خود تحریف می‌کنند و به جای اینکه بگویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم» می‌گویند: «شنیدیم و مخالفت کردیم! و (نیز می‌گویند:) بشنو! که هرگز نشنوی! و (از روی تمسخر می‌گویند:) راعنا [ما را تحمیق کن!] تا به زبان خود، حقایق را بگردانند و در آیین خدا طعنه بزنند....»

٤. جایگزین‌سازی

یکی دیگر از روش‌های دشمنان، جایگزین‌سازی است. آن‌ها می‌کوشند در مقابل هر حقیقتی، یک مدل دروغین به عنوان جایگزین معرفی کنند و مردم را به آن مشغول کرده، به این وسیله از حقیقت، منحرف سازند.

همچنان که امروزه دشمنان در برابر عرفان ناب اسلامی، عرفان‌های کاذب را مطرح می‌کنند، در موضوع مهدویت نیز مهدی ستیزان تلاش می‌کنند در برابر جریان مهدویت در اسلام، مستکبران عالم را در چهره منجی انسانیّت معرفی کنند و یا در میان مسلمین و حتی شیعیان، مدعیان دروغین را که ادعای مهدویت یا نیابت دارند، مورد حمایت خود قرار دهند.

قرآن کریم فتنه و مکر دشمنان اسلام را باطل دانسته و می‌فرماید:

«يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»

آنان می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند؛ ولی خدا نور خود را کامل می‌کند؛ هرچند کافران خوش نداشته باشند.[۶]

پی‌نوشت

۱. فصلنامه علمی ـ ترویجی انتظار موعود، ش۲، ص۳۲. ■ ۲. شرق‌شناسی و مهدویت، دفتر اول، ص۱۳۵ و صص ۱۱۱ و ۱۱۰.
■ ۳. همان، ص۱۹۳. ■ ۴. لسان العرب، ج۹، ص۴۱. ■ ۵. سوره نساء: ۴۶. ■ ۶. سوره صف: ۸ـ۹.

خروج قمر از عقرب ۸:۱۰

شنبه ۲۸ شهریور

اذان صبح: ۵:۲۵
طلوع آفتاب: ۶:۴۹
اذان ظهر: ۱۲:۵۸
اذان مغرب: ۱۹:۲۵

۵ ذی‌الحجه ۱۴۳۶
19 Sep 2015

مسلح کردن جوانان به عقاید روشن و مستحکم

آشنایی جوانانِ مذهبی با عقاید به صورت دقیق و فنی، فقط به سود خودشان نیست، بلکه در کل جامعه و محیط‌های مختلف علمی انعکاس خواهد یافت. برهمین اساس به عنوان مبلغین و مروّجان فرهنگ دینی، لازم است تا با برنامه‌ریزی صحیح، جلساتی دائم و پویا در جهت آموزش عقاید ناب اسلامی به جوانان ترتیب دهیم. در تبیین اهمیت این نکته، امام خامنه‌ای (مدظله العالی) فرموده‌اند:

«قبل از انقلاب وقتی ما با جوان‌های مؤمن دانشجو مواجه می‌شدیم که آن وقت با ما در ارتباط بودند، مسجد ما می‌آمدند، خانه‌ی ما می‌آمدند و در مجامع ما شرکت می‌کردند، می‌دیدیم به برکت روشن‌فکریِ نو و پیشرفته‌ی اسلامی، در محیط دانشگاه حرف برتر را این‌ها می‌زنند. فعالان چپِ آن روز در مواجههٔ با این‌ها می‌ماندند؛ این یک واقعیت بود. می‌دانید که آن روز تفکرات چپ و مارکسیستی به شکل ملایم‌ترش در محیط‌هایی مثل کشور ما به عنوان حرف‌های نو ترویج می‌شد. البته نو هم نبود، اما به عنوان حرف نو ترویج می‌شد. به دانشگاه‌ها می‌آمدند و ماتریالیسم دیالکتیک و دیگر بحث‌های مارکسیستی را برای بچه‌ها شرح می‌دادند. بچه‌های مذهبی که ریشه‌ی فکرشان در پایه‌های قرآنی و تفسیری مستحکم شده بود، در دانشگاه‌ها مثل سدی در مقابل این‌ها بودند و مثل فولادی در دل حصار این‌ها نفوذ می‌کردند. این هم از میدان‌های چالش‌برانگیز ماست. پس در این چالش‌ها، چالش دانایی و علمی هست؛ چالش تولید فکر هست؛ چالش سازندگی و خدمت‌رسانی به مردم هست؛ چالش دفاع سیاسی هست؛ چالش تهاجم سیاسی هست؛ چالش دفاع نظامی هست. (۸۴/۳/۵)

شهادت مظلومانه زائران خانه خدا به دست مأموران آل سعود (۱۳۶۶ ه ش برابر با ٦ ذی الحجه ۱٤۰۷ هق)

یکشنبه ۲۹ شهریور

اذان صبح:	٥:٢٦
طلوع آفتاب:	٦:٥٠
اذان ظهر:	١٢:٥٨
اذان مغرب:	١٩:٢٣

٦ ذی‌الحجه ١٤٣٦

20 Sep 2015

هر نسلی مسئول هدایت نسل بعدی است!

هر نسلی مسئول هدایت نسل بعدی است. بالاخص کسانی که سِمت رسمی رهبری دارند مسئولیت بیشتری دارند. به هر حال این نتیجه یعنی هدایت یافتن باید به دست آید، و اما وسیله‌ای که باید از آن استفاده شود، برای همیشه و همه جا تعیین نشده و قابل تعیین و اندازه‌گیری هم نیست. در آیه کریمه می‌فرماید: «قوا اَنْفُسَکُمْ وَ اَهْلیکُمْ ناراً وَقودُهَا النّاسُ وَ الْحِجارَةُ» (التحریم-۶)

یعنی خودتان و خاندانتان را از آتشی که آتشگیره‌اش آدم است و سنگ، حفظ کنید. خودِ نتیجه را می‌خواهد، به وسیله کار ندارد.

در اسلام برای هدایت و رهبری، یك شکل صد درصد معیّن ترسیم نشده که همه اجزاء و مقدمات و مقارنات و شرایط و موانع در نظر گرفته شده باشد، و اساساً قابل تعیین و ترسیم و اندازه‌گیری نیست چون متفاوت است. رهبری مردم مثل نماز، یك امر تعبدی و یکنواخت نیست. یك چیز، در یك جا وسیله هدایت است و بسا هست همان چیز در جای دیگر وسیله گمراهی و ضلالت باشد. منطقی که یك پیرزن را مؤمن می‌کند اگر در مورد یك آدم تحصیل کرده به کار برده شود او را گمراه می‌کند.

(رهبری نسل جوان، ص ۵)

دوشنبه ۳۰ شهریور

اذان صبح: ۵:۲۷
طلوع آفتاب: ٦:٥١
اذان ظهر: ۱۲:۵۸
اذان مغرب: ۱۹:۲۲

۷ ذی‌الحجه ١٤٣٦
21 Sep 2015

شهادت حضرت امام محمد باقر علیه السلام (١١٤ هق)

اگر گفتند مرد صالحی هستی این حرف تو را مسرور نکند...

امام باقر عليه‌السلام : إِنْ ظُلِمْتَ فَلَا تَظْلِمْ وَ إِنْ خَانُوكَ فَلَا تَخُنْ وَ إِنْ كُذِّبْتَ فَلَا تَغْضَبْ وَ إِنْ مُدِحْتَ فَلَا تَفْرَحْ وَ إِنْ ذُمِمْتَ فَلَا تَجْزَعْ وَ فَكِّرْ فِيمَا قِيلَ فِيكَ فَإِنْ عَرَفْتَ مِنْ نَفْسِكَ مَا قِيلَ فِيكَ فَسُقُوطُكَ مِنْ عَيْنِ اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ عِنْدَ غَضَبِكَ مِنَ الْحَقِّ أَعْظَمُ عَلَيْكَ مُصِيبَةً مِمَّا خِفْتَ مِنْ سُقُوطِكَ مِنْ أَعْيُنِ النَّاسِ وَ إِنْ كُنْتَ عَلَى خِلَافِ مَا قِيلَ فِيكَ فَثَوَابٌ اكْتَسَبْتَهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَتْعَبَ بَدَنُكَ وَ اعْلَمْ بِأَنَّكَ لَا تَكُونُ لَنَا وَلِيّاً حَتَّى لَوِ اجْتَمَعَ عَلَيْكَ أَهْلُ مِصْرِكَ وَ قَالُوا إِنَّكَ رَجُلُ سَوْءٍ لَمْ يَحْزُنْكَ ذَلِكَ وَ لَوْ قَالُوا إِنَّكَ رَجُلٌ صَالِحٌ لَمْ يَسُرَّكَ ذَلِكَ
اگر بر تو ظلم کردند، تو ظلم نکن. اگر به تو خیانت کردند، تو خیانت نکن. و اگر از تو تعریف کردند، خوشحال نشو. اگر از تو بدگویی کردند، ناراحت نشو. دقت کن در مورد حرفی که درباره‌ات گفته‌اند. اگر آنچه گفته‌اند، در خود می‌یابی خشم تو بر يك واقعیت موجب افتادنت از نظر خدا می‌شود که این بزرگتر است از ترسی که از افتادن از چشم مردم داری. و اگر خلاف گفته آنها هستی ثوابی به دست آورده‌ای، بدون آن که در کسب این ثواب بدن خود را به رنج بیاندازی. و بدان که تو دوست ما نخواهی بود مگر اینکه اگر همه اهل شهرت بر علیه تو اجتماع کردند و گفتند که تو انسان بدی هستی، این حرف تو را محزون نکند و اگر گفتند که تو مرد صالحی هستی، این حرف تو را مسرور نکند. (تحف العقول، ص ۲۸۴)

سه‌شنبه ۳۱ شهریور

اذان صبح: ٤:۲۸
طلوع آفتاب: ٥:٥۲
اذان ظهر: ۱۱:٥۷
اذان مغرب: ۱۸:۲۰

۸ ذی‌الحجه ١٤٣٦

22 Sep 2015

آغاز جنگ تحمیلی (۱۳۵۹ هـ ش) آغاز هفته دفاع مقدس

ابراز محبت

سیره پیامبر اکرم ﷺ با دخترش فاطمه زهرا علیهاالسلام و همچنین با حسن و حسین علیهماالسلام دلیل روشنی بر ضرورت ابراز محبت به جوانان و فرزندان است. از رسول خدا ﷺ سؤال کردند که از میان زنان و مردان، چه کسانی نزد شما محبوب‌ترند؟ فرمودند: فاطمه زهرا علیهاالسلام و همسرش، علی علیه‌السلام. «سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ أَيُّ النِّسَاءِ أَحَبُّ إِلَيْكَ قَالَ فَاطِمَةُ قُلْتُ مِنَ الرِّجَالِ قَالَ زَوْجُهَا»؛ (بحار الأنوار، ج۴۳، ص ۳۸).

ایشان با فرزندانش امام حسن و امام حسین علیهماالسلام نیز همان رفتار را داشت. ابن مسعود می گوید: پیامبر ﷺ حسن و حسین علیهماالسلام را بر پشتش سوار می کرد و در حالی که حسن علیه‌السلام بر طرف راست و حسین علیه‌السلام بر طرف چپ آن حضرت سوار بودند، راه می‌رفت و می فرمود: «نِعْمَ الْمَطِيُّ مَطِيُّكُمَا وَ نِعْمَ الرَّاكِبَانِ أَنْتُمَا وَ أَبُوكُمَا خَيْرٌ مِنْكُمَا» (بحار الأنوار، ج۴۳، ص ۲۸۶) خوب مرکبی است مرکب شما و شما هم خوب سوارهایی هستید و والدینتان از شما بهترند.». در کتاب عدة الداعی آمده است: «هرگاه صبح می‌شد، پیامبر ﷺ دست بر سر فرزندان و نوه‌های خود می کشید و آنها را نوازش می کرد».
(حکمت‌نامه جوان، ص ۳۰۴)

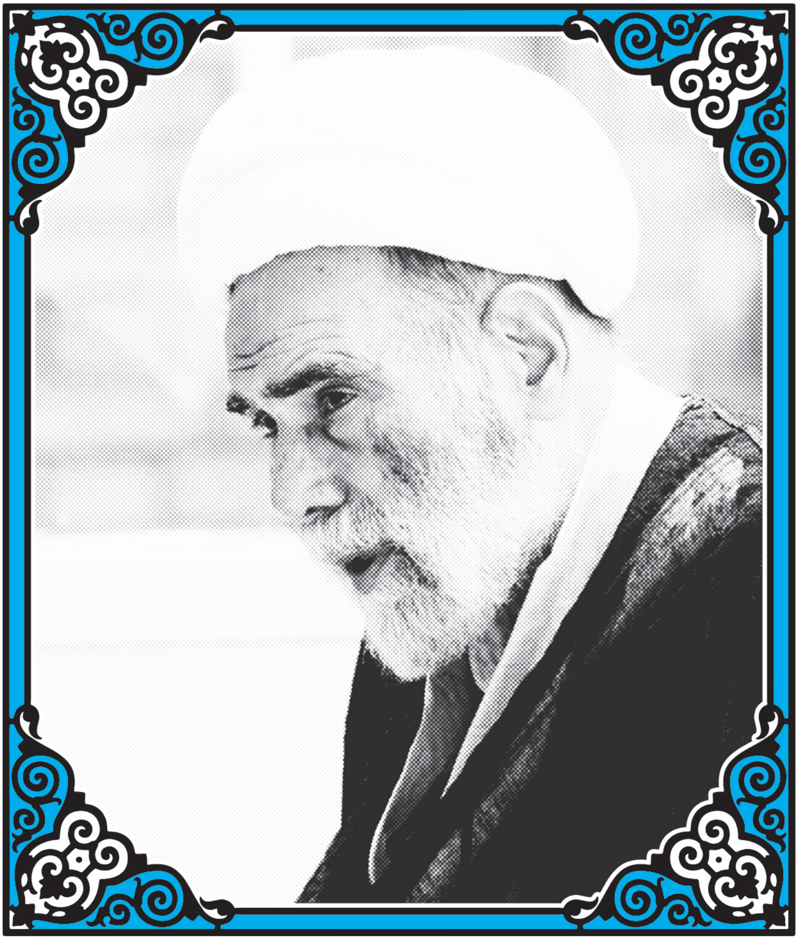

آیت الله حاج آقا مجتبی تهرانی

(امام جماعت مسجد جامع بازار)

ما سه نوع صبر داریم: صبر بر طاعت، صبر بر معصیت و صبر بر مصیبت. درخواست صبر، یعنی بلاهایی که سمت من می آید، تحملش را داشته باشم. معلوم می شود به سراغ خط بلا و مصیبت رفته ای و در آن خط داری کاری می کنی و می خواهی پادزهرش را به دست بیاوری که کمتر تحت فشار باشی. حضرت به او فرمودند: سئلت البلاء. تو از خدا بلا می خواهی که می گویی: اللهم انی اسئلك الصبر.

بجای این دعا بگو: اللهم انی اسئلك العافیة و الشکر علی العافیة. خدایا من از تو عافیت می خواهم. دقیقا ضد بلاء است این دعا و حتی توفیق شکرگذاری را هم درخواست می کنی. هم عافیت بده، هم توفیق شکرگزاری تا به خاطر این عافیتی که به من دادی، شکر هم بکنم. حضرت به آن شخص می فرمایند این را از خدا بخواه. روایت مفصّل است. در ذیلش حضرت این جمله را فرمودند: فإن الشکر علی العافیة خیر من الصبر علی البلاء. سپاسگزاری از عافیتی که خدا داده، بهتر است از صبری که نسبت به بلاء داده است. زیرا در مورد بلا چاره نداری. بلاء آمده، چکار می خواهی بکنی؟ صبر در بلا ارزش زیادی ندارد. به همان مقداری که جزع و فزع نکنی، ارزش دارد. اما جایی که خدا به تو عافیت داده، شکرش با اختیار خود تو است و فشاری هم بر تو نیست. ارزش این شکر، از ارزش آن صبر خیلی بیشتر است. لذا حضرت به او فرمودند: فإن الشکر علی العافیه خیر من الصبر علی البلاء.

جوانی ارزشمندترین دوران زندگی است، آن‌چنان‌که هم خود جوان باید قدردان این دوران باشد و هم دیگران، خود را موظّف به بهره‌گیری از این نیروی سرشار و پرتوان بدانند. رسول خدا ﷺ در وصیت و سفارش خود به امیرمؤمنان علی (ع) می فرماید:

«یا عَلیُ، بادِر بِأَربَعٍ قَبلَ أربَعٍ: شَبابَکَ قَبلَ هَرَمِکَ وصِحَّتَکَ قَبلَ سُقمِکَ وغِناکَ قَبلَ فَقرِکَ وحَیاتَکَ قَبلَ مَوتِکَ.»[1]؛ «ای علی! چهار چیز را پیش از چهار چیز دریاب: جوانی ات را پیش از پیری؛ تن درستی ات را پیش از بیماری؛ بی نیازی ات را پیش از نیازمندی؛ زندگی ات را پیش از مرگ.»

آغاز حرکت اسلامی پیامبر ﷺ با تکیه بر جوانان

رسول خدا ﷺ از همان ابتدا، پایه‌های دین اسلام را با دل پاک و زلال جوانان و با بهره‌گیری از قدرت ایمان و عمل آنان بنا نهاد. پیروان او را غالباً اقشار جوان تشکیل می‌دادند. چنان که همین مسئله، سبب اعتراض مشرکان شد. دیری نپایید که بیست و پنج نفر از مشرکان قریش در خانه ابوطالب جمع شدند و اعتراض خود را این گونه به او اعلام داشتند:

«یا أبا طالب إِنَّ ابنَ أخیکَ قَد سَفَّهَ أحلامَنا وسَبَّ آلِهَتَنا وأفسَدَ شَبابَنا وَفَرَّقَ جَماعَتَنا»[2] «ای ابو طالب! برادرزاده‌ات، آرزوهای ما را بر باد داده. خدایانمان را دشنام داده، جوانان ما را به تباهی کشانده و میان ما جدایی انداخته است.»

آری، چشم امید پیامبر ﷺ به سوی جوانان بود و ایشان سرمایه‌گذاری ویژه‌ای بر روی نسل جوان داشته‌اند.

اعتماد به جوانان لایق در عرصه های گوناگون

سیره رسول خدا ﷺ، لبریز از انتخاب و اعتماد به جوانان لایقی است که در نهایت نشان داده‌اند اعتماد پیامبر به آنها، بی جهت و بدون دلیل نبوده است.

گویا که چشمان تیزبین پیامبر ﷺ، در مرحله اول به «استعداد یابی» جوانان مسلمان، پرداخته و در مرحله دوم به «رشد و تربیت» این استعدادها همت گمارده و در نهایت در مرحله سوم، هر یک از آنها را در جایگاه متناسب خودشان قرار داده است. بنابراین باید گفت که جوانگرایی پیامبر ﷺ ریشه در دو مسئله اساسی یعنی «استعدادیابی» و « شایسته‌سالاری» داشته و به هیچ عنوان جنبه نمایشی و شعاری به خود نگرفته است. البته در این میان نباید از عنصر تربیت، آن هم با دستان توانمند پیامبر ﷺ، غافل ماند که در حقیقت سبب اصلی شکوفایی استعدادهای بزرگ بوده است.

در زیل به برخی عرصه‌های حضور جوانان، مبتنی بر تدابیر رسول مکرم اسلام پرداخته خواهد شد.

۱ـ در عرصه تبلیغ معارف

یکی از سخت‌ترین روزهای تاریخ اسلام، روزگار محاصره در شعب ابی طالب است. مسلمانان در این محاصره در وضعیتی بسیار سخت، زندگی می کردند؛ چنانکه گاهی تنها یک خرما، غذای شبانه روزشان بود. پیامبر خدا ﷺ حتی در چنین شرایطی دست از وظیفه تبلیغی خود بر نمی داشت و در موسم حج به میان حاجیان میرفت و از آیین اسلام برای مردم سخن می‌گفت. در این میان دو نفر از بزرگان یثرب (مدینه

النبی) برای هم پیمان شدن با اهالی مکّه، به حج آمده بودند که با پیامبر ﷺ آشنا شدند و خدمت حضرت رسول ﷺ شرفیاب شدند. آنان پس از شنیدن سخنان کوتاه و نافذ آن حضرت، صریحاً اسلام آوردند و اعتقاد قلبی خود را اعلام کردند. سپس به حضرت گفتند:

«یا رسول الله ابعث معنا رجلا یعلّمنا القرآن و یدعو النّاس الی امرک.»[۳]

«ای رسول خدا! کسی را به نمایندگی خود با ما بفرست که قرآن به ما بیاموزد و مردم را به آئین تو دعوت نماید.»

اما سوال این است که در این شرایط حساس، پیامبر ﷺ چه کسی را برای این مسئولیت با اهمیت انتخاب می کند؟

آیا در شرایطی که نماینده تبلیغی پیامبر ﷺ می‌تواند نقشی اساسی در برون رفت از بحران اقتصادی مسلمانان داشته باشد، نباید از یک پیرمرد کارکشته استفاده کرد؟ آیا نباید یک ریش سفید با سیاست را برای چنین کاری گسیل داشت؟ تا با رایزنی و گفتمان، مردم یثرب را به سوی اسلام بخواند و شرایط را برای حضور آنان فراهم آورد؟

انتخاب جوانی عالم و خوش بیان برای تبلیغ اسلام در مدینه

پیامبر ﷺ، مصعب بن عمیر را که در آن روزگار، جوانی کم سن و سال بود، برای این کار انتخاب کرد و دستور داد که همراه آنان به مدینه رود. اما دلیل این انتخاب این بود که مصعب، از معارف قرآن بسیار می‌دانست و مورد اعتماد پیامبر بود.[۴]

مصعب، جوانی بسیار زیبا و از خانواده‌ای بسیار مرفّه بود که در مکّه دور از چشم بستگانش، ایمان آورده بود. پدر و مادر او هنگامی که از ماجرای اسلام آوردن او مطلع شدند، او را از تمام امکانات، حتّی لباسی ساده، محروم کردند. این اشراف زاده مومن، با همین وضعیت دشوار در شعب ابی طالب همراه پیامبر ﷺ زندگی می کرد، تا روزی که به دستور پیامبر ﷺ به مدینه اعزام شد.[۵]

مصعب با حرارت و نیروی ایمان و با شور و هیجان جوانی، وارد مدینه شد و در کمال خلوص و جدیّت، فعّالیت تبلیغی خود را آغاز کرد. گفتار آتشینش در سخنرانی، آهنگ گرمش در تلاوت قرآن، اخلاق پسندیده‌اش در معاشرت با مردم، تدبیر عاقلانه‌اش در حلّ مشکلات و اختلافات، افکار مردم را متحوّل کرد و آنان را به شدّت تحت تأثیر رفتار و گفتار عمیق خود قرار داد.

مصعب بن عمیر جوان، در سفر مدینه مأموریت خود را به بهترین وجه انجام داد و افتخارات درخشانی نصیبش گردید. از جمله افتخارات او است که:

«انّه اوّل من جمع الجمعة بالمدینة و اسلم علی یده اسید بن خضیر و سعد بن معاذ و کفی بذلک فخرا و اثرا فی الاسلام.»[۶]

«وی اوّل کسی است که در مدینه اقامه جمعه و جماعت کرد و به دست او اسید بن خضیر و سعد بن معاذ (از بزرگان صحابه)، مشرّف به اسلام شدند و این پیروزی‌های درخشان در اسلام برای افتخار و بزرگی او کافی است.»

او نشان داد که اعتماد و انتخاب پیامبر ﷺ بدون دلیل و مبنا نبوده است. بنابراین تمامی این موفقیت‌ها نشان دهنده آن است که اولاً پیامبر ﷺ به خوبی استعداد مصعب را در این زمینه کشف کرده بود؛ ثانیاً پس از تربیت این استعداد سرشار، به او اجازه رشد و تعالی داده است.

چه بسیارند جوانانی که سرشار از استعدادهای گوناگون هستند؛ اما نه شناخته می‌شوند و نه دستی پدرانه به تربیت استعدادهایشان می‌پردازد و نه جایگاهی برای ظهور استعدادهای خود می یابند.

مصعب، بعد از ورود پیامبر ﷺ به مدینه، در جنگ بدر در رکاب پیغمبر ﷺ بود و در جنگ احد نیز پرچم مخصوص پیغمبر ﷺ را به دست گرفت و در نهایت به درجه رفیع شهادت نائل شد.[۷]

۲ـ در عرصه مدیریت اجتماعی

فتح مکّه، یکی از مهم‌ترین رخدادهای صدر اسلام است

که فصل جدیدی در تاریخ اسلام گشود و مقاومت‌های دشمن را بعد از حدود بیست سال درهم شکست. در حقیقت با فتح مکّه، بساط شرک و بت‌پرستی از سرزمین حجاز برچیده شد و اسلام برای جهش به کشورهای دیگر جهان آماده گشت.

بعد از این پیروزی بزرگ و حاکمیت بر مهم‌ترین پایگاه مشرکان، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله باید برای این شهر نماینده‌ای معرفی می‌کرد و از سوی خود، حاکمی بر این منطقهٔ حسّاس می‌گمارد. ظاهر ماجرا نشان می‌داد که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله شخصیتی معروف و پیرمردی با سابقه را برای این کار انتخاب خواهد کرد. اما پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در عین ناباوری برای عتّاب بن اسید، به عنوان والی مکّه حکمی نوشت و او را روانه این شهر نمود.

جالب است بدانیم که سنّ عتاب بن اسید، در آن روز در حدود بیست و یک سال بوده است. پیغمبر امر فرمود که وی با مردم نماز بگذارد و او اوّل امیری بود که پس از فتح، در مکّه اقامه نماز جماعت کرد.[8]

اما سوال اساسی این است که چرا پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله چنین جایگاه حسّاسی را به جوانی کم سنّ و سال سپرده است؟

شایسته سالاری در سیره نبوی

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله هنگامی که عتاب بن اسید را برای عهده‌داری این مسئولیت می‌فرستاد به او چنین فرمود:

«یا عتاب تدری علی من استعملتک؟ استعملتک علی اهل الله عزّوجلّ و لو اعلم لهم خیرا منک استعملته علیهم.»[9]

«آیا میدانی تو را به چه مقامی گمارده و بر چه قومی فرمانروا کرده‌ام؟ تو را حاکم و امیر اهل حرم خدا و ساکنین مکه معظّمه نموده‌ام. اگر بین مسلمین کسی را از تو شایسته‌تر می‌شناختم، حتماً این مقام را به او محوّل می‌کردم.»

بنابراین ملاک انتخاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، شایستگی و توانایی بر مأموریت محوّله بوده و در این ملاک، حضرت تفاوتی میان پیر و جوان و غنی و فقیر و ... قائل نبوده است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله برای نهادینه سازی این فرهنگ شایسته، به همراه عتاب بن اسید، حکمی فرستاد تا دلیل این کار خود را بر همگان روشن سازد. در این نامه آمده است:

«از محمّد پیامبر خدا، به همسایگان خانه کعبه و ساکنان حرم خدا، اما بعد ... محمّد پیامبر خدا حکم هر کار شما و هر مصلحت را بر عهده عتّاب بن اسید گذاشت؛ آگاه کردن غافل و تعلیم دادن جاهل و راست کردن کجی‌ها و ادب کردن کسانی را از شما که از ادب خدایی دور مانده‌اند، به سبب فضل و برتری او، وظیفه وی قرار داد ... پس او خدمت‌گزار ما است و برای شما آسمانی سایه افکن و زمینی پاکیزه و خورشیدی درخشنده است.»

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در پایان این نامه، همین نکته کلیدی را در یک فراز کوتاه، خلاصه کرد:

«لا یَحْتَجَّ مُحْتَجٌّ مِنْکُمْ فِی مُخَالَفَته بِصغَرِ سِنِّه فَلَیْسَ الاکْبَرُ هُوَ الافْضَلَ بَلِ الافْضَلُ هُوَ الاکْبَرُ.»[10]

«مبادا کسی از شما به بهانه کم سن و سال بودن با وی مخالفت کند. زیرا بزرگتر بودن مایه فضیلت نیست، بلکه فضیلت، سبب بزرگ‌تری است.»

۳ـ در عرصه مدیریت نظامی

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در آخرین روزهای زندگی خود، مسلمانان را برای جنگ با کشور نیرومند روم بسیج کرد. تمام افسران ارشد، کلیه بزرگان مهاجرین و انصار، همه شیوخ عرب و رجال با شخصیّت، در این لشکر عظیم بودند.(فلم یبق من وجوه المهاجرین و الأنصار الّا انتدب فی تلک الغزاة.)

در میان این سپاه بزرگ، شخصیت‌ها و شیوخی همچون ابوبکر، عمر، سعد بن ابی وقّاص، سعد بن زید، ابوعبیدة و قتادة بن نعمان که هر یک مدّعی جایگاهی ویژه برای خود بودند، نیز قرار داشته‌اند[11] بدون تردید، فرماندهی چنین سپاه عظیمی، بسیار مهم و شایان ملاحظه است و حتماً باید لایق‌ترین افسران از طرف پیشوای اسلام برای آن مقام خطیر برگزیده شود.

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، اسامة بن زید را طلبید و پرچم فرماندهی را در حالی به دست او داد که تنها هجده سال

از عمرش نمی‌گذشت.[12]

چنین کاری از نظر تاریخ نظامی جهان، اگر نگوییم بی‌نظیر است، قطعاً باید گفت که کم‌نظیر و نادر است. این کار پیامبر ﷺ، صدای اعتراض بسیاری از بزرگان و مدعیان را بلند ساخت؛ تا آنجا که برخی، زبان به شکوه گشودند و گفتند:

«چه شده است که این جوان نورس به فرماندهی مهاجرین سابقه‌دار و پیش‌قدمان اسلام برگزیده شده است؟»

رسول خدا ﷺ با شنیدن سخنان طعن‌آمیز بعضی از افسران، بسیار خشمگین شد و با اینکه حال مساعدی نداشت، به منبر رفت و فرمود:

«مردم! این چه سخنی است که درباره فرماندهی اسامه از بعضی از شما به من رسیده است؟ طعنه‌های امروز شما تازگی ندارد. چند سال قبل هم که زید بن حارثه، پدر اسامه را به فرماندهی لشکر در جنگ موته تعیین کردم، زبان به طعن و ملامت گشودید.»

سپس فرمود:

«وَ ایْمُ اللهِ إِنْ کَانَ لِلْإِمَارَةِ خَلِیقاً وَ إِنَّ ابْنَهُ مِنْ بَعْدِهِ لَخَلِیقٌ لِلْإِمَارَةِ.»[13]

«به خدا قسم که کسی (جز او) شایستگی امارت لشکر را ندارد و همان‌طور که دیروز زید بن حارثه شایسته امارت بود، امروز نیز فرزندش اسامه شایستگی آن را دارد.»

اما متأسفانه با تمام این تأکیدات، بسیاری از مسلمانان از امر پیامبر مکرم اسلام ﷺ سر باز زدند و حاضر به همراهی با سپاه اسامه نشدند. رسول خدا ﷺ نیز در مورد آنها فرمود:

«لَعَنَ اللهُ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْ جَیْشِ أُسَامَة.»[14]

«خدا لعنت کند هر که را که از سپاه اسامه تخلّف کرد.»

پی‌نوشت

۱. الخصال ج ۱ ص ۲۳۹. ■ ۲. تفسیر قمی، ج۱، ص ۲۷۴. ■ ۳. اعلام الوری، ج ۱، ص ۱۳۹. ■ ۴. بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۱۰. ■ ۵. اعلام الوری، ج ۱، ص ۱۴۰. ■ ۶. اسد الغابة، ج ۵، ص ۱۷۶. ■ ۷. انساب الأشراف، ج۱، ص۲۰۳. ■ ۸. سیره حلبی، ج ۳، ص ۱۲. ■ ۹. اسد الغابة، ج ۴، ص ۳۶. ■ ۱۰. تفسیر الامام العسکری، ص ۵۵۴. ■ ۱۱. الطبقات الکبری، ج۲، ص۱۴۶. ■ ۱۲. اسد الغابة، ج ۱، ص ۶. ■ ۱۳. الطبقات الکبری، ج۲، ص۱۴۶. ■ ۱۴. شواهد التنزیل، ج۱، ص ۳۳۹.

چهارشنبه ۱ مهر

اذان صبح: ٤:٢٩
طلوع آفتاب: ٥:٥٣
اذان ظهر: ١١:٥٧
اذان مغرب: ١٨:١٩

٩ ذی‌الحجه ١٤٣٦
23 Sep 2015

روز عرفه روز نیایش
شهادت حضرت مسلم بن عقیل و هانی بن عروه علیهما الرحمه (٦٠ هـ ق)
رحلت آیت‌الله «سیدابوالحسن اصفهانی» زعیم شَهیر حوزه‌ی علمیه‌ی نجف (٣٦٥ هـ ق)
آغاز سال تحصیلی و بازگشایی مدارس

تنها علت عدم اجابت، ادعای دروغ و دورویی است...

هنگام خواندن دعاهایی که وارد شده، بدان چه می گویی و آنچه را می گویی در خود شکل بده. مواظب باش و مبادا با سخنان دروغ و بدون داشتن حالات بندگی و تضرّع و نیاز، با پروردگارت روبرو شوی. درباره سخنانت با خداوند، بیندیش. کسی که از همه مردم قطع امید کرده باشد و با بیم و امید در پیشگاه خدا ایستاده و از سرنوشت بد خود شکایت می کند، قطعاً خداوند او را اجابت کرده و مورد رحمت خود قرار می‌دهد؛ ولی اگر کسی این الفاظ را خوانده و اثر اجابت ندیده و دعای او ثمره ای جز ناامیدی و دوری از باری تعالی نداشته باشد، تنها علت آن، ادعای دروغ و دورویی است.

کسی که به پول بیش از پروردگار جهانیان و پدر و فرزند بیش از خدای آسمانها و زمین اعتقاد داشته باشد، فریب مالش را خورده و به تدبیر خود در زندگی اطمینان دارد. چنین کسی اگر دعا بخواند و بخصوص در حال خواندن دعا ملتفت مطالب مذکور نیز باشد، ولی از خود خجالت نکشیده و از سخنان دروغی که بر زبان می‌آورد، ناراحت نشود؛ چنین شخصی، بزرگی و عظمت بی‌پایان خدا را ناچیز شمرده و سزاوار رد، طرد و راندن و حتّی خشم و دشمنی و مجازات می‌شود.

(میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، المراقبات، ص ۴۵۰)

عید سعید قربان (تعطیل)

پنج‌شنبه ۲ مهر

تعطیل

اذان صبح:	٤:۲۹
طلوع آفتاب:	٥:٥٣
اذان ظهر:	۱۱:٥٦
اذان مغرب:	۱۸:۱۷

۱۰ ذی‌الحجه ۱٤۳٦

24 Sep 2015

هر روز که معصیت خدا نشود، عید است...

هرگاه انسان بر سر دو راهی غریزه و وظیفه قرار گرفت و غریزه را انتخاب کرد، به سوی حیوانات گرویده بلکه از حیوانات هم پست‌تر شده است، چون که از عقل و فکر و رهنمودهای انبیا استفاده ننموده است (اولئك كالانعام بل هم اضل) آنان، هم چون چهارپایان بلکه گمراه‌ترند همانا بدترین جنبنده‌ها نزد خداوند، انسان‌هائی هستند که گویا کر و گنگ‌اند و حاضر به تعقل هم نیستند. اما همین که انسان در این دو راهی خطرناك وظیفه را انتخاب نمود و در خط ملائکه و پاکان قرار گرفت آن را عید می‌گیرد، مثلاً غریزه گرسنگی و تشنگی و شهوت انسان را به استفاده از آب و نان و به سوی همسر می‌کشاند، ولی وظیفه دستور می‌دهد که ماه رمضان خودداری کن، کسانی که سی روز وظیفه را انتخاب کردند، روز عید فطر را باید عید بگیرند، زیرا وظیفه را بر غریزه ترجیح داده اند.

غریزه فرزند دوستی به ابراهیم علیه‌السلام می‌گوید: اسماعیل علیه‌السلام را ذبح نکن، اما وظیفه می‌گوید: او را ذبح نما. حضرت ابراهیم علیه‌السلام در این دو راهی، رضای خداوند و وظیفه بر تمایلات شخصی خود و غریزه پیروز کرد، لذا باید آن را عید بگیرد، اگر در حدیث می‌خوانیم! هر روز که در آن معصیت خدا نشود، عید است، به همین معنا است که در برابر جاذبه‌های هوای نفس خط خدا قرار گرفته، بر سر خواسته همه شیطان‌های درونی و بیرونی پا می‌نهد، آن روز را باید عید بگیرد. (نهج البلاغه، ص ۸٥۲)

آری، عید قربان، روز پیروزی عقل و وحی بر هوی و هوس است.

(روزنامه کیهان، پنج‌شنبه ۱ بهمن ۱۳۸۳)

جمعه ۳ مهر

اذان صبح: ۴:۳۰
طلوع آفتاب: ۵:۵۴
اذان ظهر: ۱۱:۵۶
اذان مغرب: ۱۸:۱۶

۱۱ ذی‌الحجه ۱۴۳۶
25 Sep 2015

رحلت استاد اخلاق و عالم عارف میرزا جواد ملکی تبریزی (۱۳۴۴ هق)

سه اصل تربیتی

۱. اصل تشویق و تنبیه: مکتب پویای اسلام برای هدایت بشر به اصل تشویق و تنبیه توجه ویژه‌ای نموده است و در تربیت اسلامی نیز به عنوان امری مسلّم پذیرفته شده است. بهشت و جهنم، انذار و تبشیر پیامبران الهی علیهم‌السلام و آیه‌های مربوط به پاداش و کیفر، همگی جلوه‌هایی از تشویق و تنبیه هستند و این اصل، باید به عنوان ابزار و مکانیزم انگیزش و جذب مورد توجه و استفادهٔ مربیان و مبلغان محترم قرار گیرد.

۲. اصل تنوع: قرآن کریم برای بیان تعالیم الهی، از اصل تنوع برای هدایت بشر استفاده کرده است و احکام و مسائل مختلف را در قالب‌هایی جذاب همچون داستان بیان کرده است. در حال حاضر با توجه به گسترش تبلیغات، تنوع در برنامه‌های فرهنگی، جایگاه ویژه‌ای برای جذب جوان دارد و باعث رفع خستگی، ایجاد شادابی، تجدید نیرو و جذابیت بیش‌تر برنامه‌ها می‌گردد.

۳. اصل توجه به تفاوت‌های فردی: توانایی و ظرفیت انسان‌ها یکسان نیست و آنها در استعداد و توانایی‌های جسمی و روحی با هم تفاوت دارند و محور تکلیف و بازخواست خداوند نیز با توجه به ظرفیت و توانمندی‌های افراد است، آنچنان که در قرآن کریم می‌فرماید: «لا یُکَلِّفُ اللَّهُ نَفْساً إِلاَّ وُسْعَها» (بقره-۲۸۶)
بنابراین مبلغ در جذب جوانان و انتقال معارف دینی به آنها، لازم است به تفاوت‌های فردی اشخاص توجه ویژه‌ای داشته باشد و برای افراد مختلف، نسخه‌های متناسب با ظرفیت و توانمندی‌های مختص به آنها بپیچد. (شیوه جذب جوانان، محمد اسماعیلی مبارکه، ص ۴۳-۴۴)

﴿ وَ ما كانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كافَّةً فَلَوْ لا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِى الدِّينِ وَ لِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُون. ﴾[1]؛ «مؤمنان وظیفه ندارند که همه رهسپار میدان‌های نبرد شوند و از دستیابی به دانش باز مانند؛ چرا از هر فرقه‌ای گروهی نزد پیامبر نمی‌روند تا دانش دین بیاموزند و هنگامی که به سوی قومشان بازگشتند، آنان را از مخالفت با احکام الهی هشدار دهند، باشد که آنان بترسند»؟

شأن نزول

کلبی از ابن‌عباس روایت می کند که چون خداوند متعال در تشنیع منافقان متخلّف از جهاد، آیاتی فروفرستاد، مؤمنان سوگند خوردند که به هیچ عنوان از هیچ غزوه و سریّه‌ای تخلّف نجویند و در سریّه‌ای که پیامبر ﷺ اعزام فرمود، حاضر شوند. آیه (در عدم لزوم حرکت عموم مؤمنان) نازل گردید.[2]

نکات تفسیری

۱ـ معنای آیه این است که برای مؤمنان سایر شهرستان‌های غیر مدینه، جایز نیست که همگی به جهاد بروند؛ چرا از هر شهری یک عدّه به سوی مدینةالرسول کوچ نمی کنند تا در آنجا احکام دین را یاد بگیرند و به آن‌ها عمل کنند و در مراجعت، هم‌وطنان خود را با نشر معارف دین انذار کنند و آثار مخالفت با اصول و فروع دین را به ایشان گوشزد کنند، تا شاید بترسند و به تقوا بگرایند.

از اینجا معلوم می‌شود که اولاً مقصود از تفقّه در دین، معارف دینی از اصول و فروع آن است، نه فقط احکام عملی، که امروزه در زبان علمای دین، کلمه فقه اصطلاح برای آن به کار می‌رود؛ به دلیل اینکه می‌فرماید: «وَ لِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ»: و قوم خود را انذار کنند. روشن است که انذار با بیان فقه اصطلاحی، یعنی با گفتن مسائل عملی صورت نمی گیرد؛ بلکه احتیاج به بیان اصول عقاید دارد.

ثانیاً معلوم می‌شود که وظیفه کوچ کردن برای جهاد، از دوش طلبه علوم دینی برداشته شده است؛ آیه شریفه به خوبی بر این معنا دلالت دارد.[3]

۲ـ آیه فوق که با آیات گذشته در زمینه جهاد پیوند دارد، اشاره به واقعیتی می کند که برای مسلمانان جنبه حیاتی دارد و آن این است که گرچه جهاد بسیار پر اهمیت و تخلّف از آن ننگ و گناه است، در مواردی که ضرورتی ایجاب نمی کند که همه مؤمنان در میدان جهاد شرکت کنند، مخصوصاً در مواقعی که پیامبر ﷺ شخصاً در مدینه باقی مانده‌اند، نباید همه به جهاد بروند؛ بلکه لازم است هر جمعیت از مسلمانان به دو گروه تقسیم شوند؛ گروهی فریضه جهاد را انجام دهند و گروه دیگری در مدینه بمانند و معارف و احکام اسلام را بیاموزند.[4]

۳- بعضی چنین تصور کرده‌اند که میان این آیه و آیات سابق، نوعی منافات دیده می‌شود، زیرا در آیات گذشته به همه دستور شرکت در میدان جهاد داده شده است و تخلّف‌کنندگان از آن، به‌شدت مورد سرزنش قرار گرفته‌اند، ولی در این آیه دستور می‌دهد که همه نباید به سوی میدان جهاد حرکت کنند. اما روشن است که این دو دستور با توجه به شرایط مختلف صادر شده است؛ مثلاً در مورد جنگ تبوک و روبرو شدن با ارتش نیرومند امپراتوری روم، چاره‌ای جز این نبود که همه مسلمانان آماده جهاد شوند؛ ولی برای مقابله با گروه‌های کوچک‌تر ضرورتی ندارد همه مسلمانان حرکت کنند؛ مخصوصاً در مواردی که خود پیامبر ﷺ در مدینه می‌ماند، مسلمانان نباید مدینه را خالی

کنند و خطرهای احتمالی آن را نادیده بگیرند و از فراگیری معارف و احکام اسلام غافل بمانند؛ بنابراین هیچ‌گونه نسخ در آیات فوق وجود ندارد و اینکه بعضی چنین تصور کرده‌اند، اشتباه است.[۵]

۳ـ آیه مورد بحث، دلیل روشنی است بر وجوب تعلیم و تعلّم در مسائل اسلامی؛ به تعبیر دیگر هم تحصیل را واجب می‌کند و هم تعلیم را و اگر دنیای امروز به تعلیمات اجباری افتخار می‌کند، قرآن در چهارده قرن پیش علاوه بر آن، بر معلمان نیز این وظیفه را فرض دانسته است.[۶]

حدیث

۱ـ پیامبر ﷺ فرمودند: هر که دانش بجوید، مانند کسی است که روز خود را به روزه گذراند و شبش را به عبادت. اگر کسی یک باب علم بیاموزد، برایش بهتر است از اینکه کوه ابوقبیس طلا باشد و او آن را در راه خدا انفاق کند.[۷]

۲ـ پیامبر خدا ﷺ فرمودند: هر کس از روی ریا و سُمعه (رسیدن به گوش مردم) و به قصد دنیاخواهی علم بیاموزد، خداوند برکت علم را از آن می‌گیرد، زندگی‌اش را بر او سخت می‌گیرد و او را به حال خودش وامی‌گذارد و هر کس که خدا او را به حال خود واگذارد، هلاک شده است.[۸]

داستان

زنی خدمت حضرت فاطمه علیهاالسلام رسید و گفت: مادر ناتوانی دارم که در مسائل نمازش به مسئله مشکلی برخورد کرده و مرا خدمت شما فرستاده است تا آن را بپرسم.

حضرت فاطمه علیهاالسلام جواب آن مسئله را بیان فرمود. آن زن همین‌طور مسئله دیگری پرسید تا ده مسئله شد. حضرت همه را پاسخ داد. سپس آن زن از کثرت سؤال خجالت کشید و عرض کرد: ای دختر رسول خدا، دیگر مزاحم نمی‌شوم.

حضرت فرمود: نگران نباش، باز هم سؤال کن، با کمال میل جواب می‌دهم؛ اگر کسی اجیر شود که بار سنگینی را بر بام حمل کند و در عوض آن مبلغ صد هزار دینار اجرت بگیرد، آیا از حمل بار خسته می‌شود؟

زن گفت: نه خسته نمی‌شود، زیرا در برابر آن مزد زیادی دریافت می‌کند.

حضرت فرمود: خدا در برابر جواب هر مسئله، بیشتر از اینکه بین زمین و آسمان پر از مروارید باشد، به من ثواب می‌دهد؛ با این حال چگونه از جواب دادن به آن‌ها خسته شوم؟ از پدرم شنیدم که فرمود: هنگامی که عالمان شیعه من روز قیامت محشور می‌شوند، خداوند به اندازه علم آنان و درجات کوشش‌شان در راه هدایت مردم، برایشان ثواب و پاداش در نظر می‌گیرد و به هر کدامشان تعداد یک میلیون حله از نور عطا می‌کند. سپس منادی حق تعالی ندا می‌کند: ای کسانی که یتیمان (پیروان) آل محمد علیهم‌السلام را سرپرستی نمودید، در آن وقت که دستشان به اجدادشان (پیشوایان دین) نمی‌رسید، که در پرتو علوم شما ارشاد شدند و دین‌دار زندگی کردند. اکنون به اندازه‌ای که از علوم شما استفاده کرده‌اند، به ایشان خلعت بدهید.[۹]

نتیجه

۳ـ شک نیست که منظور از تفقّه در دین، فراگیری همه معارف و احکام اسلام، اعم از اصول و فروع است؛ زیرا در مفهوم تفقّه همه این امور جمع است؛ بنابراین آیه فوق دلیل روشنی است بر اینکه همواره گروهی از مسلمانان به عنوان انجام یک واجب کفایی باید به تحصیل علم و دانش در زمینه تمام مسائل اسلامی بپردازند و پس از فراغت از تحصیل، برای تبلیغ احکام اسلام به نقاط مختلف، مخصوصاً نزد قوم و جمعیت خود بازگردند و آنها را به مسائل اسلامی آشنا سازند.[۱۰]

پی‌نوشت

۱ . توبه: ۱۲۲. ■ ۲ . علی‌بن‌احمد واحدی، ترجمه اسباب‌النزول، ص۱۴۱. ■ ۳ . محمدحسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج۹، ص۵۵۰. ■ ۴ . تفسیر نمونه، ج۸، ص۱۹۳. ■ ۵ . همان. ■ ۶ . همان. ■ ۷ . زین‌الدین‌بن‌علی، منیةالمرید، ص۱۰۱. ■ ۸.حسن‌بن‌فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ج۲، ص۳۴۸. ■ ۹ . محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج۲، ص۳. ■ ۱۰ . ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج۸، ص۱۹۳.

دشمن‌شناسی در حوزه مهدویت

آیات قرآن در حوزه‌های گوناگون، به این مسئله پرداخته و دشمنان را به صراحت معرفی کرده است. در بررسی آیات، گروه‌های زیر بیشتر به چشم می‌خورد:

۱. کافران، دشمن خدا و مؤمنان

خداوند در آیات فراوانی، کافران را دشمن خود و دشمن دوستان خود دانسته و مسلمانان را از دوستی با آنان پرهیز داده است؛ چنان که در سوره ممتحنه‌می‌فرماید:

> ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دشمن من و دشمن خودتان را به دوستی می‌گیرید؛ [به طوری] که با آنها اظهار دوستی کنید، و حال آنکه قطعاً به آن حقیقت که برای شما آمده، کافرند [و] پیامبر [خدا] و شما را [از مکّه] بیرون می‌کنند که [چرا] به خدا، پروردگارتان ایمان آورده‌اید...[۱]

۲. یهود، سرسخت‌ترین دشمن

آیات قرآن از «یهود» به عنوان دشمن‌ترین گروه برای مؤمنان یاد کرده و پس از آنان به «مشرکان» اشاره نموده است.

> مسلّماً یهودیان و کسانی را که شرک ورزیده‌اند، دشمن‌ترین مردم نسبت به مؤمنان خواهی یافت... .[۲]

آیاتی دیگر علت این دشمنی را کفر به آیات خداوند،[۳] تکذیب و قتل برخی پیامبران،[۴] روحیه عصیان و تجاوزگری،[۵] فساد در زمین[۶] و جنگ‌افروزی[۷] دانسته است.

۳. مشرکان

«مشرکان» در دشمنی با مسلمانان، همانند یهودیان هستند؛ امّا در مرتبه و اولویّت دوم قرار دارند و خطر ایشان کمتر از یهود است.

پیشنهادهای اجرایی هفته

■ جلسه با هیئت امنای مسجد ■ ارائه گزارش (فصلی)مالی و فرهنگی مسجد و جمع آوری نذورات مردمی ■ سرکشی به مدارس محل و برقراری ارتباط با دانش آموزان ■ برگزاری کلاس های احکام و اعتقادات دینی ویژه دانش آموزان در مدارس محله ■ برگزاری مراسم دعای توسل (سه شنبه) ■ عیادت از سالمندان محله در روز جهانی سالمندان ■ برگزاری جشن میلاد امام هادی علیه السلام ■ برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید ■ برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه) ■ برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه) ■ برگزاری جشن غدیر و برپایی ایستگاه صلواتی با همکاری تشکل های مسجدی ■ برگزاری مسابقه نقاشی بین کودکان مسجد با موضوع کودکان فلسطینی

٤. منافقان

در آیات فراوانی از منافقان به عنوان دشمنی خطرناک، یاد شده و ویژگی‌های آنان کفر ورزیدن در پوشش ایمان، نیرنگ، فساد در پوشش اصلاح، چند چهره گی، سفاهت، طغیانگری و سرکشی،[۸] تشویق مردم به منکرات، دروغ گویی[۹] و... دانسته شده است.

۵. نصارا

اگرچه نگاه قرآن به مسیحیان ملایم‌تر از یهود است، زیرا آنان از مواضع صلح جویانه بیشتر استقبال می کنند؛ اما این نگاه هرگز به معنای دوستی آنان با مسلمانان نیست، بلکه در آیاتی از قرآن، مؤمنان را از دوستی با آنان پرهیز داده است.[۱۰]

گروه‌های یادشده در دشمنی با اسلام، «مهدویت» را به عنوان آموزه‌ای تأثیرگذار، همواره مورد هجوم قرار داده‌اند.

عوامل مخالفت و دشمنی با حق

دنیاپرستی

تاریخ گواه روشنی است بر اینکه افرادی به جهت بهره‌های ناپایدار دنیایی، در برابر حق و اهل آن، به مخالفت و دشمنی برخاسته‌اند؛ از آنجایی که هدف آموزه مهدویت، مبارزه با دنیا پرستی و دنیا پرستان و خلاف خواسته‌های آنان است؛ این صفت به شدّت مورد دشمنی آنها قرار دارد.

سلطه جویی

آموزه‌های مهدوی با هرگونه استکبار و «سلطه‌جویی» بر دیگران مخالف است؛ از این رو سلطه جویان، آن را در مقابل خود می‌دانند. به گونه‌ای که می‌توان گفت دشمن‌ترین اشخاص با مهدویت و حضرت مهدی، ستمگران و سلطه‌جویان عالم‌اند.

تعصب‌های کور

در طول تاریخ گروه‌هایی بوده‌اند که با پافشاری بی‌جا بر پندارها و باورهای خود، در بیراهه گام نهاده‌اند. اینان به جهت تعصب‌های کور از پذیرش حقیقت، سر باز زده و به دشمنی با آن برخاسته‌اند. خداوند متعال لجبازی برخی در برابر حق را این گونه توصیف کرده است:

«و اگر پاره سنگی را در حال سقوط از آسمان ببینند، می گویند: «ابری متراکم است.»[۱۱]

عدم آگاهی از حقیقت مهدویت

از افتخارات اسلام، دعوت انسان‌ها به اندیشیدن و کسب آگاهی است. پیشوایان معصوم همواره پیروان خود را به خردورزی سفارش کرده‌اند تا مبادا در دام جهل و نادانی به انکار حقایق بپردازند. خداوند متعال دلیل انکار آیات الهی را به سبب جهل برخی از افراد دانسته است:

«بلکه چیزی را دروغ شمردند که به علم آن، احاطه نداشتند...[۱۲]»

پی‌نوشت

۱. ممتحنه (۶۰)، آیه ۱و ۲. ■ ۲. مائده (۵)، آیه ۸۲. ■ ۳. همان، آیه ۷۸. ■ ۴. همان، آیه ۷۰. ■ ۵.مائده (۵)، آیه ۷۸. ■
۶. همان، آیه ۶۴. ■ ۷. همان. ■ ۸. نک: بقره(۲)، آیات ۸ تا ۱۴. ■ ۹. نک: توبه(۹)، آیه ۶۷ و منافقون(۶۳)، آیات ۱ تا ۸. ■
۱۰. مائده (۵)، آیه۵۱. ■ ۱۱. طور (۵۲)، آیه ۴۴. ■ ۱۲. یونس (۱۰)، آیه ۳۹.

شنبه ۴ مهر

اذان صبح: ٤:٣١
طلوع آفتاب: ٥:٥٥
اذان ظهر: ١١:٥٦
اذان مغرب: ١٨:١٤

١٢ ذی‌الحجه ١٤٣٦
26 Sep 2015

آنها در خودشان عیب نمی‌بینند!

مهمتر از این که طرحی برای رهبری این نسل (جوان) تهیه کنیم این است که این فکر در ما قوّت بگیرد که مسئله رهبری و هدایت، از لحاظ تاکتیك و کیفیت عمل، در زمانهای متفاوت و در مورد اشخاص متفاوت فرق می‌کند و ما باید این خیال را از کلّه خود بیرون کنیم که نسل جدید را با همان متد قدیم رهبری کنیم.

اولاً باید نسل جوان را بشناسیم و بفهمیم دارای چه مشخصات و ممیّزاتی است. درباره این نسل دو طرز تفکر شایع است و معمولًا دو جور قضاوت می‌شود.

از نظر یك طبقه اینها یك عده مردمی هستند خام، مغرور، گرفتار هوا و هوس، شهوت‌پرست، دارای هزار عیب. این طبقه همیشه به این نسل دهن‌کجی می‌کنند و ناسزا می‌گویند.

اما از نظر خود نسل جوان، درست بعکس است. آنها در خودشان عیب نمی‌بینند؛ خودشان را مجسمه هوش، مجسمه فطانت، مجسمه آرمان‌های عالی می‌دانند.

نسل کهن اینها را تکفیر و تفسیق می‌کند و اینها آنها را تحمیق و تجهیل. آنها به اینها می‌گویند شما کافرید، شما شهوت‌پرستید؛ اینها به آنها می‌گویند شما نادانید، شما نمی‌فهمید.

البته از نظر کلی، یك نسل نسبت به نسل پیش ممکن است صالح باشد و ممکن است منحرف باشد.

(رهبری نسل جوان، ص ١٣)

شکست حصر آبادان در عملیات ثامن الائمه علیه السلام (۱۳۶۰ هش)
روز جهانی جهانگردی (برابر با ۲۷ سپتامبر)

یکشنبه ۵ مهر

اذان صبح: ۴:۳۲
طلوع آفتاب: ۵:۵۶
اذان ظهر: ۱۱:۵۵
اذان مغرب: ۱۸:۱۳

۱۳ ذی‌الحجه ۱۴۳۶
27 Sep 2015

رعایت ادب و کلام زیبا

یکی از اسباب جلب محبت عموم مردم و به خصوص نسل جوان، متانت در سخن، ادب در گفتار و خوش گویی است که در نرم ساختن دل‌ها و جلب عاطفه‌ها نقش تعیین کننده‌ای دارد. بنابراین هر کس خوش‌سخن باشد، از دیگران نیز کلام نیکو می‌شنود و خود را چون گُلی می‌نمایاند که اطرافیانش را پروانه‌وار به سمت خویش جذب می‌کند.
امام علی علیه السلام می‌فرمایند: کسی که با مردم زیبا رفتار کند، مردم نیز با وی زیبا رفتار خواهند کرد. (غرر الحکم، ج ۵، ص ۳۴۵) و در حدیث دیگری می‌فرمایند: «مَن عَذُبَ لِسَانُهُ کَثُرَ إِخوَانُهُ؛ کسی که زبانش گوارا و شیرین باشد، دوستان و برادرانش بسیار می‌شوند.» (بحار الانوار، ج ۵، ص ۲۷۸)
در کلامی از امام کاظم علیه السلام نیز این چنین آمده: احترام میان خود و برادرت را از بین مبر و چیزی از آن باقی بگذار؛ زیرا از میان رفتن آن، سبب از میان رفتن حیا و شرم است و برجای بودن احترام، عامل بر جای بودن دوستی و محبت می‌باشد. (تحف العقول، ص ۳۷۰)
تجربه مبلغین و روحانیون نیز در طول سال‌ها ثابت کرده است که رعایت ادب و خوش گویی در مقابل افراد کوچک‌تر از خودشان، نه تنها باعث کسر شأن و احترام آنها نگشته، بلکه محبت و احترام نسبت به آنها را در دل‌ها نهادینه ساخته است.
از بی‌ادبی کسی به جایی نرسید حقاً که ادب تاج سر مردان است
(با تصرف از کتاب «شیوه جذب جوانان»، محمد اسماعیلی مبارکه)

آغاز انتفاضه جدید مسجد الاقصی (۱۳۷۹ هـ ش)

دوشنبه ۶ مهر

اذان صبح: ٤:٣٣
طلوع آفتاب: ٥:٥٦
اذان ظهر: ١١:٥٥
اذان مغرب: ١٨:١١

١٤ ذی‌الحجه ١٤٣٦

28 Sep 2015

سیره نبی اکرم صلی الله علیه و آله، بهترین الگوی ارتباط

قرآن کریم درباره اخلاق نیکوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و تأثیر آن در جذب مردم می‌فرماید: «فَبِما رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران-۱۵۹)

ارتباط محبت‌آمیز پیامبر و ائمه علیهم السلام با اصحاب و عموم مردم، بر اساس محبت و علاقه بوده است. در منابع مختلف دربارهٔ سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «... نه ترش‌رو بود و نه سبک‌سر. احدی از آزاد و برده برای حاجتی به خدمتش نرسید، مگر آنکه برای انجام حاجتش به پا می‌خاست و اقدام می‌کرد. اگر فردی به ایشان دست می‌داد، حضرت صبر می‌کرد تا او خود دستش را رها کند. وقتی مسلمانی را می‌دید، با او دست می‌داد. اگر کسی بر ایشان وارد می‌شد، حضرت به او احترام می‌کرد، چه بسا جامه‌اش را برای او پهن می‌کرد و یا سجاده‌ای را که روی آن نشسته بود، در اختیار تازه‌وارد می‌گذاشت. کم می‌شد در جواب درخواست کسی «نه» بگوید. هرگاه از آن حضرت درخواستی می‌شد، اگر موافق بود، قبول می‌کرد و در غیر این‌صورت سکوت اختیار می‌نمود. اصحاب و یاران خویش را با کنیه یاد می‌کرد و به هرکدام به یک اندازه می‌نگریست. (بحار الانوار، ج۷، ص۱۹)

پس روا‌ست تا مبلغان و روحانیون در برخورد با مردم و خصوصاً جوانان که از روحیه‌ای حساس‌تر برخوردارند، به نبی اکرم صلی الله علیه و آله تأسی نموده و از این اُسوه‌ی حسنه، درس‌های عملی بیاموزند. (شیوه جذب جوانان، محمد اسماعیلی مبارکه، ص ۶۴)

سه‌شنبه ۷ مهر

اذان صبح: ٤:٣٤
طلوع آفتاب: ٥:٥٧
اذان ظهر: ١١:٥٥
اذان مغرب: ١٨:١٠

١٥ ذی‌الحجه ١٤٣٦
29 Sep 2015

ولادت حضرت امام علی النقی الهادی علیه السلام (۲۱۲ هق)
روز بزرگداشت فرماندهان شهید دفاع مقدس
روز آتشنشانی و ایمنی
شهادت سرداران اسلام: فلاحی، فکوری، نامجو، کلاهدوز و جهان آرا (۱۳۶۰هش)

یونس نقاش

یونس نقاش، یکی از صنعتگرانی که با امام هادی علیه‌السلام رفت و آمد داشت، روزی لرزان به خدمت ایشان آمده و گفت: «سرور من! شما را وصیت می‌کنم که با اهل و عیالم نیکی کنید.» امام فرمود: «چه شده؟» گفت: «خیال دارم فرار کنم.» حضرت تبسم‌کنان فرمود: «چرا؟» گفت: «برای اینکه ابن بغا (از سران حکومتی) نگین بی‌ارزشی برایم فرستاد که بر آن نقشی حک کنم. موقع نقش زدن، نگین دو قسمت شد، و فردا قرار است نگین را پس بگیرد. او یا هزار تازیانه بر من می‌زند یا مرا می‌کشد.» حضرت فرمودند: «برو به منزلت، تا فردا فرج می‌رسد و جز خیر، چیز دیگری نیست.» باز فردا صبح زود، لرزان آمد و گفت: «فرستاده‌ی او آمده و نگین را می‌خواهد.» امام فرمود: «برو که جز خیر نمی‌بینی.» گفت: «چه جواب گویم؟» امام خندید و فرمود: «برو ببین چه خبر آورده، هرگز جز خیر نیست.» یونس رفت و بعد از مدتی خندان بازگشته و عرض کرد: «فرستاده گفت: کنیزکان بر سر این نگین خصومت می‌کنند، اگر ممکن است آن را دو قسمت کن تا تو را بی‌نیاز کنیم.» حضرت فرمود: «خداوندا! سپاس، مخصوص توست که ما را از افرادی قرار دادی که حق شکر تو را بجای آورند. حال به او چه گفتی؟» عرض کرد: «گفتم مرا مهلت دهید تا فکر کنم که چگونه این کار را انجام دهم.» امام فرمود: «درست گفتی.»

(اثبات الهداة، ج ۴، ص ۴۲۷)

روز بزرگداشت مولوی
روز جهانی ناشنوایان
روز جهانی دریانوردی

چهارشنبه ۸ مهر

اذان صبح: ۴:۳۵
طلوع آفتاب: ۵:۵۸
اذان ظهر: ۱۱:۵۴
اذان مغرب: ۱۸:۰۸

۱۶ ذی‌الحجه ۱۴۳۶
30 Sep 2015

حق را آسان می‌پذیرد...

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): جوان، حق را آسان می‌پذیرد. این بسیار مهم است. جوان، راحت و صادقانه اعتراض می کند و بی دغدغه و بدون هیچ گونه گرفتاری درونی، اقدام می کند. این هم بسیار مهم است. پذیرش آسان، اعتراض صادقانه و اقدام بی‌دغدغه را شما کنار هم بگذارید، ببینید چه حقیقت زیبایی به وجود می‌آید و چه کلیدی برای حل مشکلات است. جوان به طور طبیعی طالب اصلاح است. البته من به تعبیرهای رایج اصلاح‌طلب و محافظه‌کار و امثال اینها هیچ کاری ندارم؛ اصلاح طلبی به عنوان یک پُز سیاسی، مورد نظر من نیست. بعضی کسان دم از اصلاح‌طلبی می‌زنند، در حالی که اصلاً نمی‌دانند چه می‌خواهند و دنبال چه هستند. بعضی کسان دم از اصلاح‌طلبی می‌زنند، در حالی که آن چیزی که ته ذهنشان قرار دارد، در واقع اصلاح‌طلبی نیست؛ نوعی ارتجاع و برگشت به عقب است. (مقصودم کسانیست که) واقعاً از کمبودها، نارسایی‌ها، عقده‌ها و انحراف‌ها رنج می‌برند و دنبال اصلاح آنها هستند، که این به جای خود مطلوب است. جوان، این گونه اصلاح طلب است؛ یعنی به طور طبیعی طالب عدالت، آزادی‌های مشروع و تحقّق آرمان‌های اسلامی است. حقایق و آرمان‌های اسلامی، او را به هیجان می‌آورد و در او جاذبه ایجاد می‌کند. تصویری که در ذهن او از سیمای امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقش بسته، او را به هیجان می‌آورد؛ نواقص موجود را با او تطبیق و مقایسه می کند و طالب اصلاح می‌شود. این ویژگی بسیار برجسته‌ای است. (۸۰/۸/۱۲)

پنج شنبه ۹ مهر

اذان صبح:	٤:٣٥
طلوع آفتاب:	٥:٥٩
اذان ظهر:	١١:٥٤
اذان مغرب:	١٨:٠٧

١٧ ذی‌الحجه ١٤٣٦

1 Oct 2015

روز همبستگی و همدردی با کودکان و نوجوانان فلسطینی

روز جهانی سالمندان

شیطان نعره زد...

مولا علی عليه السلام (در خطبه روز عید غدیر) فرمود : وقتی که به همدیگر رسیدید همراه سلام ، مصاحفه کنید ، و در این روز به یکدیگر هدیه بدهید ، این سخنان را هرکه بود و شنید ، به آن که نبود برساند ، توانگر به سراغ مستمند برود ، و قدرتمند به یاری ضعیف ، پیامبر مرا به این چیزها امر کرده است. (وسائل الشیعه، ج۷، ص۳۲۷)

جابر از امام باقر عليه السلام روایت کند که چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم دست علی عليه السلام را در دست گرفت، شیطان در میان سپاهیانش نعره برآورد و هیچ یك از آنها چه در خشکی و چه دریا به جای نماند مگر آنکه در پی نعره او به سویش دویدند و گفتند: ای آقا و مولا! چه بر سر تو آمده؟ ما هرگز از تو نعره‌ای دهشتناك‌تر از این نعره نشنیده بودیم. او بدیشان گفت: این پیامبر کاری کرد که اگر براستی این کار تحقق یابد دیگر کسی هرگز خدا را نافرمانی نکند. آنها در پاسخ گفتند: سرورا! تو آدم را فریب دادی، و چون منافقان گفتند: این مرد [پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله] از سر هوای نفس سخن می گوید، و یکی به دیگری گفت: مگر نمی‌بینی که چشمانش چگونه در کاسه سرش می‌چرخد؟ گویا دیوانه شده، مقصودشان پیامبر صلی الله علیه و آله بود. در این هنگام شیطان فریادی از سر شادی زد و دوستانش دوباره گرد او حلقه زدند. او بدیشان گفت: آیا می‌دانید من پیشتر با آدم ابو البشر چه کرده‌ام؟ گفتند: آری، گفت: آدم، پیمان خود را شکست ولی بخدا کفر نورزید ولی اینان هم پیمانشان را نقض کردند و هم به پیامبر صلی الله علیه و آله کفر ورزیدند.

ادامه در صفحه بعد >>

جمعه ۱۰ مهر

تعطیل

اذان صبح: ٤:٣٦
طلوع آفتاب: ٦:٠٠
اذان ظهر: ١١:٥٤
اذان مغرب: ١٨:٠٦

١٨ ذی‌الحجه ١٤٣٦

2 Oct 2015

عید سعید غدیر خم (١٠ هـ ق) (تعطیل)
وفات حکیم خواجه نصیر الدین طوسی (٦٧٢ هـ ق)

ادامه از صفحه قبل >>

پس هنگامی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از این جهان رخت بربست و مردم به جای علی علیه‌السلام دیگری را به خلافت نشاندند شیطان تاج شاهی بر سر نهاد و منبری نهاد و روی بالش نشست، و پیادگان و سوارگان خود را گرد آورد و بدیشان گفت: شادی کنید که تا روز ظهور امام، خداوند فرمان برده نشود.
امام باقر علیه‌السلام این آیه را تلاوت فرمود: وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقاً مِنَ الْمُؤْمِنِينَ. امام باقر علیه السّلام فرمود: تأویل این آیه هنگامی بود که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله رحلت فرمود و گمان ابلیس همان هنگامی بود که در باره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله گفتند: او از سر هوای نفس سخن می گوید، و شیطان در این هنگام گمانی در باره ایشان برد و آنها گمان شیطان را تصدیق کردند و تحقّق بخشیدند.
(ترجمه روضه کافی)

﴿ ذلِكَ وَ مَنْ يُعَظِّمْ شَعائِرَ اللهِ فَإِنَّها مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ [1] ؛ «این است [برنامه‌های حج و حدود و مقرّرات خدا] و هر کس شعائر خدا را بزرگ شمارد، بدون تردید این بزرگ شمردن ناشی از تقوای دل‌هاست.

نکات تفسیری

۱ـ درباره شعائر خدا در این آیه، اختلاف است؛ برخی گویند مناسک حج است؛ برخی گویند قربانی حج است، که باید حیوان سالم و فربه انتخاب کرد؛ بعضی گویند شعائر خدا، یعنی دین خدا و تعظیم آن، یعنی التزام به آن؛ یعنی هر کس شعائر خدا را تعظیم کند، تقوای قلبی خود را نشان داده است. بدیهی است که تقوای حقیقی، همان تقوای قلبی است.[2]

۲ـ قرآن کریم در آیات دیگر با صراحت دو مورد از مراسم و برنامه‌های حج را جزو شعائر الهی شمرده است؛ یکی «صفا و مروه» و دیگر «شتران قربانی»؛ ولی شعائر الهی در این دو خلاصه نمی‌شود و تمام عبادت‌های دسته‌جمعی از شعائر خداوند است، مانند نماز جمعه و جماعت و همه مراسم حج.[3]

۳ـ کلمه «تقوی» آن‌طور که راغب بیان کرده، به معنای آن است که انسان خود را از آنچه می‌ترسد، در محفظه‌ای قرار دهد؛ یعنی از هر عملی که با کمال نفس منافات داشته باشد، پرهیز کند. به‌طور کلی تقوا به معنای پرهیز از محرمات و فجور به معنای بی‌پروایی در انجام محرمات است.[4] پس این دو در مقابل هم هستند و برای فاجر دانستن کسی، فقط کافی است که یقین کنیم او در مقابل محرمات تقوا ندارد.

۴ـ اضافه شدن کلمه «تقوی» به کلمه «القلوب» در آیه مورد بحث، از نظر قواعد ادبی گویای این نکته است که حقیقت تقوا امری است معنوی، که قائم است به دل‌ها. پس تقوا قائم به حرکات بدنی نیست؛ چراکه این حرکات در اطاعت و معصیت مشترک است مثلاً دست زدن و لمس کردن بدن جنس مخالف در نکاح و زنا و نیز کشتن یک انسان، چه در جنایت و چه در قصاص، و یا نماز برای خدا و برای ریا، امثال این امور از نظر ظاهری یکی است؛ پس اگر یکی حلال و دیگری حرام، یکی زشت و دیگری معروف است، به سبب همان امر معنوی درونی و تقوای قلبی است، نه خود عمل و نه عناوینی که از افعال انتزاع می‌شود، مانند احسان و اطاعت و امثال آن.[5]

۵ـ در کتاب شریف مصباح‌الشریعه، تقوا را از "وقایه" به معنای حفظ و نگهداری نفس می‌داند و اینکه هر فردی به اقتضای مرتبه ایمان و معرفت و نیروی روحانی خود می‌تواند از حقیقت تقوا به همان میزان استفاده کند و کامل‌ترین مرتبه تقوا، مربوط به کسانی است که تمام اعمال و رفتار و گفتارشان برای خدا و در راه خداست؛ بنابراین از این افراد حتی مباح (عملی که انجام و ترک آن مساوی باشد) هم صادر نمی‌شود، چه رسد به امور مشتبه و حرام. نکته دیگر این است که هر چه مراتب تقوا محکم‌تر باشد، بهره‌مندی از حقایق هم بیشتر خواهد بود.[6]

حدیث

۱ـ امام صادق علیه‌السلام فرمودند: از ما نیست ـ و ارزشی ندارد ـ کسی که در شهری صدهزار نفری یا بیشتر زندگی کند و در آن شهر شخصی پارساتر از او وجود داشته باشد.[7]

۲ـ امام علی علیه‌السلام فرمودند: من رهنمایم؛ من ره‌یافته‌ام؛ پدر یتیمان و مستمندانم؛ سرپرست بیوه‌زنانم؛ پشت و پناه هر ناتوانی هستم و مأمن هر وحشت‌زده‌ای؛ من رهنمای مؤمنان به سوی بهشتم؛ ریسمان استوار خدایم؛ حلقه و دستاویز محکم خدایم و کلمه تقوا؛ من چشم خدایم و زبان راستگوی او و دست او.[۸]

داستان

مردی دهاتی پیوسته خدمت امام صادق علیه‌السلام رفت‌وآمد می‌کرد. مدتی امام او را ندید؛ از حال او جویا شد. شخصی محضر امام بود، خواست از مرد دهاتی عیب‌جویی کند و به این وسیله از ارزش او نزد امام بکاهد؛ گفت: آقا آن مرد دهاتی و بی‌سواد است؛ چندان آدم مهمی نیست. امام فرمود: شخصیت انسان در عقل اوست و شرافتش در دین او و بزرگواری‌اش در تقوای اوست؛ ارزش آدمی بسته به این سه صفت است؛ زیرا مردم از لحاظ نسل یکسان‌اند و همه از آدم هستند و مزایای مادی، ارزش‌آفرین نیست. آن مرد از فرمایش امام علیه‌السلام شرمنده شد و دیگر چیزی نگفت.[۹]

نتیجه

مرحوم علامه طباطبایی رحمه‌الله می‌فرمایند: تقوا عبارت است از امتثال اوامر خدای تعالی و اجتناب از آنچه از ارتکاب آن نهی فرموده و شکر در برابر نعمت‌هایش و صبر در هنگام ابتلا به بلایش. به‌طور اجمال تقوای خدای سبحان، به این است که اطاعت شود و معصیت نشود و این جز با خضوع در برابر او حاصل نمی‌شود.

سپس می‌فرمایند: قهراً حقّ تقوی عبارت خواهد بود از عبودیت خالص؛ عبودیتی که مخلوط با انانیّت و غفلت نباشد. ساده‌تر اینکه حق تقوا عبارت خواهد بود از پرستش خدای تعالی، بدون خلط با پرستش هوای نفس و یا غفلت از مقام ربوبی.[۱۰]

پی‌نوشت

۱. حج: ۳۲. ■ ۲. فضل‌بن‌حسن‌طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج۷، ص۱۳. ■ ۳. محسن قرائتی، تفسیر نور، ج۸، ص۴۲. ■ ۴. محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص۲۹. ■ ۵. همان، ج۱۴، ص۳۷. ■ ۶. منسوب به جعفربن‌محمد علیه‌السلام، مصباح‌الشریعة، با تلخیص ■ ۷. محمدبن‌یعقوب کلینی، الکافی، ج۲، ص۷۹. (ظاهراً مقصود از پارساتر در روایت شریف، پارساتر از شیعه است؛ یعنی این‌طور نباشد که رفتار آنان نسبت به شما شیعیان تطبیق بیشتری با تقوا داشته باشد). ■ ۸. شیخ صدوق، التوحید، ص۱۶۵. ■ ۹. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج۴۷، ص۵۷. ■ ۱۰. محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص۳۶. ■

طول عمر حضرت مهدی علیه‌السلام

بی‌گمان حضرت مهدی علیه‌السلام آن ذخیره الهی، دارای عمری بس طولانی است. تا کنون، افزون بر ۱۱۷۰ سال از عمر پر برکت آن حضرت گذشته است. امام حسن مجتبی علیه‌السلام دراین باره فرمود:

> نهمین از فرزندان برادرم، فرزند بانوی کنیزان است. خداوند در دوران غیبت، عمر او را دراز خواهد کرد؛ آن‌گاه به توان خویش وی را در سیمای جوانی کمتر از چهل سال برخواهد انگیخت، تا دانسته شود خداوند بر هر چیز توانا است.[۱]

طول عمر از نگاه روایات

در روایات رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله درباره طول عمر انسان، سخنانی در دست است که آن را امری ممکن می‌شمارد. یکی از کسانی که در فرمایشات پیامبر علیه‌السلام ـ به ویژه در منابع اهل سنّت ـ به طول عمر او اشاره شده، دجّال است. اهل سنّت، بر پایۀ همین روایات، بر این باورند دجّال در دوران پیامبر علیه‌السلام زاده شده و به زندگی خود ادامه می‌دهد، تا در آخِرالزمان خروج کند.[۲] حال اگر این احادیث درست باشد ـ چنان که اهل سنّت بر این باورند ـ در این صورت، شایسته نیست که آنان در حیات و عمر طولانی امام مهدی علیهم‌السلام تردید کنند.

طول عمر از نگاه عقل

افزون برکتاب و سنّت، خِرَد سالم نیز طول عمر را برای انسان، ناممکن نمی‌داند؛ بلکه آن را امری به‌طور کامل ممکن می‌شمارد. حکیمان و فیلسوفان براین باورند که بهترین دلیل بر امکان هر چیزی، واقع‌شدن آن چیز است. همین که طول عمر در میان پیشینیان روی داده و تاریخ، افراد فراوانی را به ما نشان می‌دهد که عمری دراز داشته‌اند، خود گواه روشنی است بر این‌که طول عمر از دیدگاه عقل، امری ممکن است.[۳]

پیشنهادهای اجرایی هفته

◆ برگزاری مراسم دعای توسل (سه شنبه) ◆ تجلیل از پرسنل نیروی انتظامی محله و کادر کلانتری‌ها و پاسگاه‌های راهنمایی و رانندگی ◆ دعوت از مسئولین نیروی انتظامی محله برای سخنرانی در مسجد ◆ برگزاری جلسه ویژه معلمان و مدیران مدارس محله جهت دعوت به حضور آنها در مسجد و نیز ترغیب دانش آموزان برای حضور در مسجد ◆ رایزنی با مدیران مدارس جهت بهره‌مندی جوانان مسجد از امکانات ورزشی مدارس ◆ برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید ◆ خطابه با موضوع واقعه مباهله ◆ برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه) ◆ برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه)

فرجام زندگی حضرت مهدی ﷺ

دربارهٔ فرجام زندگی آخرین حجت الهی، دیدگاه‌های گوناگونی یاد شده است. برخی پایان عمر آن حضرت را با کشته‌شدن و شهادت دانسته و برخی دیگر رحلت آن بزرگوار را به مرگ طبیعی ذکر کرده‌اند. هر کدام از دیدگاه‌ها، دلایلی بر ادعای خویش آورده‌اند.

یک. شهادت امام مهدی ﷺ

روایاتی در دست است که پایان عمر همهٔ امامان ﷺ را شهادت (مرگ غیر طبیعی) ذکر کرده است. از امام حسن ﷺ نقل شده که فرمود: «... مَا مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ أَوْ مَسْمُومٌ؛[4] هیچ یک از ما امامان نیست، جز آن‌که کشته یا مسموم شود.»

دو. رحلت به مرگ طبیعی

کسانی که معتقدند آن حضرت به مرگ طبیعی از دنیا خواهد رفت، به اسنادی دال بر مرگ طبیعی آن حضرت در روایات اشاره دارند. أیوب بن نوح از امام رضا ﷺ اینچنین نقل می‌کند:

> هیچ یک از ما امامان نیست که نامه‌ها نزد او رفت و آمد کند و از مسائل پرسیده شود و با انگشتان بدو اشاره کنند و اموال نزد وی حمل شود، جز آن که به خدعه کشته شود یا آن که بر بستر خود بمیرد، تا جایی که خدای تعالی، مردی را برای این امر برانگیزد که مولد و منشأ او مخفی، اما نسبش آشکار است.[5]

پی‌نوشت

۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج۱، ص۳۱۵. ■ ۲. ر.ک: احمد بن حنبل، مسند، ج۴، ص۴۴۴؛ بخاری، صحیح، ج۹، ص۱۳۳. ■ ۳. ر.ک: محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، ص۲۱۴. ■ ۴. علی بن محمد خزاز قمی، کفایة الاثر، ص۲۲۶. ■ ۵. «مَا مِنَّا أَحَدٌ اخْتَلَفَتْ إِلَيْهِ الْكُتُبُ وَ أُشِيرَ إِلَيْهِ بِالأَصَابِعِ وَ سُئِلَ عَنِ الْمَسَائِلِ وَ حُمِلَتْ إِلَيْهِ الأَمْوَالُ إِلَّا اغْتِيلَ أَوْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ حَتَّى يَبْعَثَ الله لِهَذَا الأَمْرِ غُلَاماً مِنَّا»؛(محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۱، ص۳۴۲؛ نعمانی، الغیبة، ص۱۶۸،ح۹؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج۲، ص ۳۷۰

شنبه ۱۱ مهر

اذان صبح: ٤:٣٧
طلوع آفتاب: ٦:٠٠
اذان ظهر: ١١:٥٣
اذان مغرب: ١٨:٠٤

١٩ ذی‌الحجه ١٤٣٦
3 Oct 2015

آغاز هفته مبارزه با سرطان
(۱۱ تا ۱۷ مهر)

احترام به همه، حتی کوچکتر

سیره پیامبر اسلام ﷺ همواره بر احترام به مردم بوده است. در سیره هیچ کس به اندازه رسول الله ﷺ احترام به انسان‌ها و ادبی برخاسته از عمق جان به چشم نمی‌خورد. او حتی در برابر کافران و مشرکان نیز با نهایت احترام و ادب سخن می‌گفت و رفتار منطقی همراه با مدارا داشت. این رفتار، بی‌شک یکی از عوامل موفقیت چشم‌گیر آن حضرت در مدت اندک رسالتش بوده است. خداوند در این‌باره خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «وَ لَو كُنتَ فَظّاً غَليظَ القَلبِ لَانفَضُّوا مِن حَولِكَ»؛ (آل عمران - ۱۵۹) اگر خشن و سنگ‌دل بودی، مردم از اطراف تو پراکنده می‌شدند.
خداوند متعال در یک دستورالعمل عمومی به همهٔ مردم می‌فرماید: «وَ قُولُوا لِلنّاسِ حُسناً»؛ (بقره - ۸۳) با مردم به زبان خوش سخن بگویید.
هر چند این فرمان در خصوص تعلیم و تربیت صادر نشده؛ ولی بی‌تردید شامل فعالیت‌های آموزشی و پرورشی نیز می‌شود؛ زیرا رفتار شایسته در حوزه خانواده و آموزش و پرورش نسبت به هر جای دیگری اولویت دارد. بر این اساس، تحقیر هر مسلمان، حتی فرزندان کوچک و نوجوانان از نظر اسلام ممنوع است و کسی حق ندارند شخصیت آنها را کوچک شمارد و نسبت به او اهانت و بی‌حرمتی روا دارد. این کار، افزون بر آنکه معصیت است، فرزند را به مخالفت و انتقام‌جویی واداشته و پیامدهای نامطلوبی دارد.
(با تلخیص و تصرف از کتاب سیره اخلاقی و تربیتی معصومین علیهم السلام)

درگذشت فقیه اصولی آیت الله ملا محمدکاظم خراسانی معروف به آخوند خراسانی (۱۳۲۹ه‍ ق)

مؤثرترین الگوها معلم و والدین هستند...

رسانه‌های گروهی با توجه به جذابیت بسیار و گستره‌ی نفوذ فراوان در شخصیت جوانان، نقش ارزنده‌ای در ترسیم «خوبی‌ها و فضیلت‌ها» و «خوبی‌ها و برترین‌ها» دارند تا نیاز شدید این نسل را اقناع کنند و ساختار اندیشه‌ی غنی و اصیل جوانان را به روزمرگی و ابتذال عادت ندهد.

بی‌گمان تأثیری چنین بسیار و ماندگار، نظارت و توجه بیش از پیش مسئولان فرهنگی نسبت به عرضه محصولات گفتاری و شنیداری و دیداری را در جلوه کتاب، مجلات، فیلم و غیره می‌طلبد که در این‌باره، کوچکترین قصور یا تقصیر گاه بزرگ‌ترین ضربه و آسیبی جبران ناپذیر می‌زند.

از سوی دیگر بهترین الگوها برای نسل جوان و نزدیک‌ترین و مؤثرترین افراد برای آنها، اطرافیان او یعنی والدین، اولیاء و مربیانِ مدارس و استادان مراکز علمی هستند، که جوان را به طرز خودآگاه یا ناخودآگاه به کشش‌های خاصی در الگوگیری سوق می‌دهند تا جوانان سعی در درون‌سازی و جایگزین ساختن آنها در شخصیت خود بنمایند. از این رو ضروریست هریک از ما صلاحیت لازم را برای الگو بودن نسل جوان کسب کنیم و بیش از آنکه نگران حجم و کیفیت نصیحت‌های خود برای آنان باشیم، نگران رفتار و کردار خویش باشیم، چرا که بر همگان واضح است که «دو صد گفته چون نیم کردار نیست».

(موضوعات و شیوه‌های گفتگو با نسل جوان، ص ۶۶)

دوشنبه ۱۳ مهر

اذان صبح: ۴:۳۹
طلوع آفتاب: ۶:۰۲
اذان ظهر: ۱۱:۵۳
اذان مغرب: ۱۸:۰۱

۲۱ ذی‌الحجه ۱۴۳۶
5 Oct 2015

هجرت حضرت امام خمینی رحمة الله علیه از عراق به پاریس (۱۳۵۷ هش)
روز نیروی انتظامی

سرمایه گذاری بر روی نسل جوان

يك روحانی خوش‌فكر و آگاه می‌تواند الگوی مطلوبی برای جوانان باشد و آنها را در مسیر دین هدایت نماید. او باید شرایط جوان را درك كند و به دور از هرگونه افراط و تفریط عمل كند؛ چرا كه احساس مذهبی و نیایش و پرستش، مانند سایر تمایلات طبیعی باید تعدیل شود و با اندازه‌گیری صحیح اعمال گردد. همان‌طور كه تندروی در ارضای خواهش‌های جنسی یا حبّ مال و مقام، ناپسند است، زیاده‌روی در ارضای خواهش مذهبی نیز در مكتب اسلام نامطلوب شناخته شده و اولیای گرامی اسلام، در این باره میانه‌روی را به تأكید، توصیّه كرده‌اند. بنابراین، برای ارضای تمایل ایمانی جوانان و استفاده از احساس مذهبی آنان، دو نكته باید همواره مورد كمال توجّه باشد. یكی آنكه احساس مذهبی آنان به راه درست هدایت شود و دیگر آنكه با وسایل علمی و عملی موجبات پرورش آن فراهم آید. در مجموع، به این نتیجه می‌رسیم كه اگر می‌خواهیم بزرگسالانی علاقه‌مند به حضور در مساجد داشته باشیم، باید روی جوانان سرمایه‌گذاری كنیم. (جوان از نظر عقل و احساسات، ص۳۶۸)

شهادت میثم تمار(۶۰ ه‌ق)
درگذشت عارف نامدار «خواجه عبدالله انصاری» معروف به «پیر هرات» (۴۸۱ ه ق)
روز دامپزشکی

تقویت روحیه معنوی و شخصیت معنوی هم متوقع است!

امـام خامنه‌ای (مدظله العالی): ما امروز نیازمندیم که جوانان ما خوش‌روحیّه، امیدوار، شـجاع، دارای اعتماد به نفـس، دارای ایمان، دارای روحیّه‌ی آینده‌نگر، دارای روحیّه‌ی خدمت (باشند)؛ احتیاج داریم دانشجوی ما این‌جور بار بیاید. عکس آن هم ممکن است. می‌شود با تعبیراتی، با متلک گفتن به بنیان‌ها و اصول پذیرفته‌شده‌ی کشور، دانشجو را نسبت به آینده‌ی کشور بی‌اعتماد کرد، بی‌اعتقاد کرد، لاأُبالی کرد. آنچه از استاد انتظار می‌رود فقط تغذیه‌ی علمی دانشجو نیست، بلکه تقویت روحیّه‌ی معنوی او و شخصیّت معنوی او هم متوقّع است. سعی کنید دانشجو را پایبند به تعلّقات معنوی، تعلّقات خانوادگی، تعلّقات میهنی بار بیاورید؛ دانشجو را معتقد و مؤمن به فرهنگ اسلامی بار بیاورید. بعضی به‌عکس عمل کردند؛ جریانی وجود دارد که مرعوب و مغلوب تسلّط فرهنگ غربی است؛ هرچیزِ غربی برای او مایه‌ی تمجید [است] و هرچیزِ میهنی و ملّی و خودی مورد تحقیر و اهانت قرار می‌گیرد. استاد می‌تواند دانشجوی خودش را، هم از لحاظ دینی مؤمن بار بیاورد، هم از لحاظ میهنی، انسان علاقه‌مند به آینده‌ی کشورش و آینده‌ی میهنش و سرنوشت ملّتش بار بیاورد؛ می‌تواند او را امیدوار، با روحیّه، خوش‌بین، معتقد به مبانی نظام کشور بار بیاورد؛ می‌تواند هم عکس عمل بکند. توقّعی که از استاد است این است: نباید سخن استاد موجب دل‌زدگی و یأس دانشجوی جوان بشود؛ مَنِش استاد هم همین‌جور است. (۹۳/۴/۱۱)

چهارشنبه ۱۵ مهر

اذان صبح: ٤:٤٠
طلوع آفتاب: ٦:٠٤
اذان ظهر: ۱۱:٥۲
اذان مغرب: ۱۷:٥۹

۲۳ ذی‌الحجه ۱٤۳٦
7 Oct 2015

درگذشت محدث خبیر،
حاج شیخ عباس قمی
صاحب مفاتیح الجنان
(۱۳٥۹ هـ ق)
روز روستا

همدردی با دیگران

یکی دیگر از راه‌های جذب جوانان که به نظر می‌رسد از اساسی‌ترین آنها باشد، پرس‌وجو از وضعیت و پیگیریِ حل مشکلات آنان است. وقتی جوانان احساس کنند که روحانی درصدد حل مشکلات آنان بوده و یا حداقل با مشکلات آنها ابراز همدردی می‌کند، او را از خود دانسته و مبلغ از طریق تبلیغ عملیِ دین، راه جذب آنان را فراهم کرده است.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: انسان‌ها نیازمند محبت‌اند و این تشنگی جز با ملاطفت و خوش‌رویی برطرف نمی‌شود. هر کس از چهره‌ی برادر دینی‌اش رنج و اندوهی را بزداید، خداوند به پاداش آن، ده حسنه در نامه‌ی اعمالش می‌نویسد. (کافی، ج ۲، ص ۱۹۲)

آری، جوانان با نگاه دقیق خود، در اکثر موارد تفاوت میان ریا و وانمود کردن در اهمیت دادن به دیگران را با دغدغه‌ی حقیقی و محبت درونی متوجه می‌شوند و اگر ببینند که یک روحانی با آنان از روی انصاف و محبت برخورد می‌نماید، قلب و روح خود را حقیقتاً تابع کلام و منش او می‌نمایند. چنانچه حضرت علی علیه‌السلام فرموده‌اند: انصاف، دل‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد، اختلاف را می‌زداید، الفت پدید می‌آورد و دوستی را پایدار می‌کند. بر پایه‌ی انصاف، دوستی پایدار می‌شود و برادری ادامه می‌یابد. (غرر الحکم، حکمت ۱۱۳۰)

(با تصرف از کتاب «شیوه جذب جوانان»، محمد اسماعیلی مبارکه)

پنج‌شنبه ۱۶ مهر

اذان صبح: ٤:٤١
طلوع آفتاب: ٦:٠٤
اذان ظهر: ١١:٥٢
اذان مغرب: ١٧:٥٧

٢٤ ذی‌الحجه ١٤٣٦
8 Oct 2015

روز مباهله پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله (۱۰ هق)
خاتم بخشی حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در حالت رکوع و نزول آیه ولایت- نزول آیه تطهیر(۹ق)
روز جهانی کودک (برابر ۸ اکتبر)

ما از جانب فاطمه ؑ ذریّه پیامبر هستیم...

در حدیث است که وقتی امام در حال صحبت با هارون الرشید بود هارون به وی عرض کرد چگونه می گویید ما از نسل پیامبر اسلام هستیم در حالی که پیامبر پسری نداشت و دنباله با پسر امکان دارد نه با دختر؟ آنگاه امام به این آیات احتجاج فرمود:

«وَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ داوُدَ وَ سُلَيْمانَ وَ أَيُّوبَ وَ يُوسُفَ وَ مُوسى وَ هارُونَ وَ كَذلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنينوَ زَكَرِيَّا وَ يَحْيى وَ عيسى وَ إِلْياسَ كُلٌّ مِنَ الصَّالِحينَ» (انعام/۸۴ و ۸۵)

امام فرمود پدر عیسی کیست؟ هارون گفت پدر ندارد گفت خداوند او را از جانب مریم به ذریه پیامبران نسبت داده است هم چنین خداوند متعال ما را از جانب فاطمه ؑ به ذریه پیامبر متصل کرده است. سپس فرمود

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِن بَعْدِ مَا جَاءكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْاْ نَدْعُ أَبْنَاءنَا وَأَبْنَاءكُمْ وَنِسَاءنَا وَنِسَاءكُمْ وَأَنفُسَنَا وأَنفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَّعْنَةُ اللّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ (آل عمران/۶۱)

هیچ کس ادعا نمی کند که پیامبر ﷺ در هنگام مباهله با مسیحیان افرادی جز علی فاطمه و حسن و حسین ؑ را با خود برده باشد. همان طور که دیده می شود در این آیه پیامبر ﷺ واژه ابناءنا را در مورد امام حسن و امام حسین ؑ به کار می برد که نوه های دختری آن حضرت هستند.

(تفسیر نورالبرهان ذیل آیه مباهله)

جمعه ۱۷ مهر

اذان صبح: ٤:٤٢
طلوع آفتاب: ٦:٠٥
اذان ظهر: ١١:٥٢
اذان مغرب: ١٧:٥٦

۲۵ ذی‌الحجه ١٤٣٦

9 Oct 2015

نازل شدن سوره «انسان» (هل أتی) در شأن اهل بیت علیهم السلام
روز خانواده و تکریم بازنشستگان
روز جهانی پست

معرفی اسوه‌ی حسنه به جوان!

تمام انسان‌ها به صورت فطری به دنبال الگوهایی ایده‌آل برای روشن کردن مسیر زندگی در تمام معضلات و دشواری‌ها می‌گردند. تا مدتی این الگو به صورت پیش‌فرض بر روی والدین منطبق می‌شود و آنها اصلی‌ترین منبع آموزش و تربیت کودک محسوب می‌شوند. اما با رسیدن افراد به دوره نوجوانی، شخصیت انسان به مرحله جدیدی وارد شده و به دنبال الگوهایی سطح بالاتر و کامل‌تر می‌گردد. در این برهه، باید اسوه‌ای حسنه و تمام عیار به آنها معرفی نمود که هم واقعی باشد و نوجوانان را به دنیای قهرمان‌های خیالی نفرستد، و هم کامل و ایده‌آل باشد تا آنها را به مسیری ناصحیح رهنمون نسازد.

از آنجا که الگوپذیری در تمام ابعاد زندگی، از نوع لباس و اصلاح موهای سر تا مسائل فکری و اعتقادی، نمود پیدا می‌کند پس انتخاب آگاهانه و عالمانه‌ی الگوها بسیار حائز اهمیت است. خدای متعال دو شخصیت بزرگ را به عنوان اسوه حسنه به مردم معرفی نموده است: یکی حضرت ابراهیم خلیل ﷺ که قرآن درباره‌ی او می‌فرماید:

«لَقَد كانَت لَكُم أُسوَةٌ حَسَنَةٌ فِی إبراهِیمَ وَ الذینَ مَعَهُ» (ممتحنه – ۴)

دومین اسوه حسنه، پیامبر اسلام ﷺ است: «لَقَد كانَ لَكُم فِی رَسُولِ اللهِ أُسوَةٌ حَسَنَةٌ»؛ (احزاب – ۲۱)

پیروی از سیره و رفتار رهبران الهی و اقتدا به آنان، انسان را به خدا نزدیک می‌کند و از هرگونه انحراف فکری و اخلاقی دور می‌دارد.

(با تلخیص و تصرف از کتاب سیره اخلاقی و تربیتی معصومین ﷺ)

﴿يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَ اللّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النّاسِ إِنَّ اللّهَ لا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكافِرِينَ﴾[۱]؛ «ای پیامبر، به مردم آنچه را که از جانب پروردگارت (در مورد معرّفی پیشوایشان) به سوی تو فروفرستاده شده است، ابلاغ کن و اگر نکنی رسالت او را ابلاغ نکرده‌ای و از مردم بیمی به خود راه مده، که خداوند تو را از گزند آنان مصون می‌دارد. قطعاً خدا این مردم کفرپیشه را به اهدافشان (تباه کردن دین حق) راه نمی‌نماید».

شأن نزول

در روایات مشهوری که از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل شده، چنین آمده است: خداوند به پیامبر وحی کرده بود که علی علیه السلام را جانشین خود گرداند. حضرت بیم این را داشتند که این کار بر گروهی گران آید. این آیه نازل شد تا پیامبر را بر این کار تشجیع کند. مقصود این است که اگر از تبلیغ آنچه به تو دستور داده شده است، خودداری کنی، گویی هیچ یک از مأموریت‌های خود را انجام نداده‌ای.[۲]

نکات تفسیری

۱ـ علامه طباطبایی مقصود آیه را این‌طور تبیین نموده است: آیه شریفه بیانگر این است که از جانب خدا پیامی بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده بود که می‌بایست آن را ابلاغ می‌فرمود؛ ولی آن حضرت به دلیل مصلحتی آن را به تأخیر می‌انداخت؛ تا آنکه خداوند تأخیر را روا ندانست و به ابلاغ آن فرمان داد. در آیه شریفه به‌طور آشکار بیان نشده که آن پیام چه بوده است، ولی با دقت در آیه می‌توان به خصوصیّاتی از آن پیام پی برد.

پیام راجع به اصل دین نیست؛ زیرا معنا ندارد گفته شود اگر آیین خدا را ابلاغ نکردی، رسالت الهی را، که همان آیین اوست، نرسانده‌ای. بنابراین مقصود از «ما اُنزِلَ الیک» پیامی خاصّ از آیین الهی و مقصود از «رسالته» اصل دین یا مجموعه برنامه های آن است و مفاد آیه این است که اگر آن پیام را نرسانی، آیین الهی را ابلاغ نکرده‌ای. پس می‌توان برداشت کرد که ابلاغ نکردن این پیام اصل دین را هم به مخاطره می‌اندازد؛ به تعبیر دیگر این پیام، روحی است برای پیکر دین که ابلاغ نشدن آن، اصل رسالت را زیر سوال می‌برد. جمله «والله یعصمک من الناس» نشان میدهد که پیامبر صلی الله علیه و آله در ابلاغ آن پیام از مردم بیم داشته است و مراد از «النّاس» منافقان و مردم سست‌ایمانی هستند که در میان مسلمانان راستین به سر می‌برند. آنچه بیان شد، مضمون روایاتی را که از شیعه و اهل سنّت نقل شده است، تائید می‌کند.[۳]

۲ـ گرچه متأسفانه پیش‌داوری‌ها و تعصّب‌های مذهبی مانع از آن شده است که حقایق مربوط به این آیه بدون پرده‌پوشی در اختیار همه مسلمانان قرار گیرد، در عین حال در کتاب‌های مختلفی از دانشمندان اهل تسنّن، اعم از موضوعات تفسیر و حدیث و تاریخ روایات زیادی دیده می‌شود که با صراحت بیان می‌کند که آیه فوق درباره علی علیه السلام نازل شده است. البته منظور این نیست که همه دانشمندان و مفسران[۴] نزول این آیه را درباره علی علیه السلام پذیرفته‌اند، بلکه روایات مربوط به این مطلب را در کتاب‌های خود نقل کرده‌اند؛ اگر چه پس از نقل این روایت معروف، به دلیل ترس از شرایط خاص محیط خود و یا به دلیل پیش‌داوری‌های نادرستی که مانع از قضاوت صحیح در این گونه مباحث می‌شد، از پذیرفتن آن خودداری کرده‌اند.[۵]

حدیث

امام علی علیه‌السلام در روایتی می فرماید: امامی که سزاوار مقام امامت است، نشانه‌هایی دارد؛ نخست آنکه معلوم شود از همه گناهان، کوچک و بزرگ، مصون است، در فتوا دچار لغزش نمی‌شود و پاسخ نادرست نمی‌دهد؛ نه اشتباه می‌کند و نه فراموش و به چیزی از دنیا دل نمی‌بندد؛

دوم آنکه به حلال و حرام خدا و احکام گوناگون و امر و نهی الهی و آنچه مورد نیاز مردم است، آگاه‌ترین فرد باشد؛ مردم به او نیازمند باشند و او از مردم بی‌نیاز؛

سوم اینکه باید شجاع‌ترین مردم باشد؛ زیرا امام برای مؤمنان، به منزله نیروی پشتیبان لشکر است که [در هنگام ترس یا شکست]به آن پناه می‌برند. اگر امام در میدان نبرد شکست خورَد، مؤمنان نیز با شکست او در هم شکسته می‌شوند؛

چهارم آنکه باید بخشنده‌ترین مردم باشد، هر چند همه مردم روی زمین بخل ورزند؛ زیرا اگر آز و بخل بر امام چیره شود، به اموالی از مسلمانان که در دست اوست، طمع خواهد بست؛

پنجم آنکه از همه گناهان معصوم باشد و با این ویژگی، او از پیروان خود که معصوم نیستند، متمایز می‌شود؛ چه، اگر او معصوم نباشد، اطمینانی نیست که همچون دیگر مردمان، گرفتار گناهان مهلک و شهوات و کام‌جویی‌ها نشود.[۶]

داستان

روزی امیرالمؤمنین علیه‌السلام به ابوبکر فرمود: «کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده گمان مکن؛ بلکه زنده هستند و نزد پروردگار خود روزی می‌برند» و من گواهی می‌دهم که محمّد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله شهید از دنیا رفت و به خدا نزد تو می‌آید، چون نزد تو آمد، یقین کن؛ زیرا شیطان نتواند خود را به صورت او جا زند.

سپس علی علیه‌السلام دست ابوبکر را گرفت و پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را به او نشان داد. پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به ابوبکر فرمود: «به علی و یازده فرزند او ایمان آور؛ آن‌ها (در وجوب اطاعت) مانند من‌اند، به جز مقام نبوّت و از آنچه در دست گرفته‌ای (خلافت مسلمین) پیش خدا توبه کن؛ زیرا تو را در آن حقّی نیست»؛ سپس برفت و دیگر دیده نشد.[۷]

نتیجه

پذیرفتن ولایت، محکی است برای عیار ایمان اشخاص؛ همان‌طور که پذیرفتن توحید و رسالت چنین بود.

پی‌نوشت:

۱. مائده: ۶۷. ■ ۲. فضل‌بن‌حسن طبرسی، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج۷، ص۱۱. ■ ۳. محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج۶، ص۴۲_۴۷؛ با استفاده از محمدرضا صفوی، نکات تفسیری. ■ ۴. کسانی مانند زیدبن‌ارقم، ابوسعید خدری، ابن‌عباس، جابربن‌عبدالله انصاری، ابوهریره، براءبن‌عازب، حذیفه، عامربن‌لیلی‌بن‌ضمره و ابن‌مسعود. ■ ۵. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج۵، ص۵_۶. ■ ۶. نهج البلاغه، حکمت۱۴۷. ■ ۷. محمدبن‌یعقوب کلینی، اصول کافی، ترجمه جواد مصطفوی، ج۲، ص۴۸۲.

عاشورا و انتظار

مهدی علیه‌السلام، ادامه حسین علیه‌السلام است و «انتظار» ادامه «عاشورا» و برآمده از آن. یکی پشتوانه فرهنگی و زمینه ساز برای دیگری. یکی رمز «حیات شیعه» است و دیگری رمز «بقای آن». یکی رمز «قیام و به پا خاستن شیعه» است و دیگری عامل «حفظ و استمرار آن». بنابراین میان دو فرهنگ «عاشورا» و «انتظار»، پیوند محکمی وجود دارد که در اینجا به بخشی از دلایل و شواهد پرداخته می‌شود.

۱. مهدی علیه‌السلام، فرزند حسین علیه‌السلام

صدها روایت، در این باب وارد و در آنها تأکید شده است که، امام مهدی علیه‌السلام نهمین فرزند حضرت حسین علیه‌السلام است: «قائم هذه الامة هو التاسع من ولدی».[۱]

۲. مهدی علیه‌السلام، خونخواه حسین علیه‌السلام

در روایات متعددی، وارد شده است: «القائم منّا اذا قام طلب بثار الحسین»[۲] و «بهذا القائم انتقم منهم».[۳] امام باقر علیه‌السلام در مورد آیه (و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً فلایسرف فی القتل)[۴] می فرماید: «مقصود از «من قتل مظلوماً»، حسین بن علی است که مظلوم کشته شد و ما اولیای او هستیم و قائم ما چون قیام کند، در طلب انتقام خون حسین علیه‌السلام بر می آید... مقتول حسین علیه‌السلام و ولیّ او قائم علیه‌السلام است».[۵]

۳. یاد حسین علیه‌السلام، کلام نخستین مهدی علیه‌السلام

آن گاه که مهدی موعود ظهور کند، بین رکن و مقام می‌ایستد و چنین ندا می‌دهد:

«الا یا اهل العالم! انا الامام القائم؛

الا یا اهل العالم! انا الصمصام المنتقم؛

الا یا اهل العالم! ان جدّی الحسین قتلوه عطشاناً؛

پیشنهادهای اجرایی هفته

■ ارسال دعوت نامه به دانش آموزان مدارس جهت حضور در برنامه های مسجد ■ برگزاری مسابقات ویژه دانش آموزی در مدارس توسط مسجد محله ■ خطابه در روزها و شب های دهه اول ماه محرم ■ تعیین شعارهای حماسی به عنون شعار محرم سال جاری در محله ■ برگزاری جلسه با هیئت حسینی محله جهت ساماندهی برنامه‌های محرم ■ برگزاری مراسم دعای توسل (سه شنبه) ■ سیاهپوش کردن مسجد ومحله توسط اهالی محل ■ دعوت از دسته جات عزاداری خیابانی برای شروع برنامه در مساجد پس از منبر حسینی ■ برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید ■ مراسم توسل به اهل بیت و جمع آوری صدقه به مناسبت اول ماه قمری ■ برگزاری مراسم زیارت عاشورا از اول محرم تا اربعین ■ برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه) ■ برگزاری برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه) مراسم غبارروبی ماهانه مسجد (جمعه)

الا یا اهل العالم! ان جدّی الحسین طرحوه عریاناً؛

الا یا اهل العالم! ان جدّی الحسین سحقوه عدواناً».[۶]

٤. «یا لثارات الحسین»، شعار یاران مهدی علیه‌السلام

فضل بن شاذان نقل می‌کند که شعار یاران مهدی «یا لثارات الحسین» (ای خونخواهان حسین) است:

«انّ شعار اصحاب المهدی عجل‌الله‌فرجه یا لثارات الحسین علیه‌السلام».[۷]

۵. یاری حسین علیه‌السلام، یاری مهدی علیه‌السلام

حضرت سکینه علیهاالسلام نقل می‌کند امام حسین علیه‌السلام شبی در کربلا، خطاب به یاران خود فرمود:

«... و قد قال جدی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: ولدی حسینٌ یقتل بطفّ کربلاء غریباً وحیداً عطشاناً فریداً. فمن نصره فقد نصرنی و نصر ولده الحجة و لو نصرنا بلسانه فهو فی حزبنا یوم القیامة»؛ «همانا جدم رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: فرزند من حسین در زمین کربلا، غریب و تنها، عطشان و بی‌کس کشته می‌شود. کسی که او را یاری کند، مرا و فرزندش مهدی را یاری کرده است و هر کس به زبان خود، ما را یاری کند، فردای قیامت در حزب ما خواهد بود».[۸]

٦. یکسانی القاب حسین علیه‌السلام و مهدی علیه‌السلام

القاب «ثار الله»، «الوتر الموتور» و «الطرید الشرید»؛ غریب و تنها، القاب مشترک حسین علیه‌السلام و مهدی عجل‌الله‌فرجه است:

«ولکن صاحب هذا الامر الطرید الشرید الموتور بابیه..».[۹]

«السلام علیک یا باب الله و السلام علیک یا ثار الله».[۱۰]

«المترقب الخائف و الولی الناصح، سفینة النجاة... و الوتر الموتور».[۱۱]

پی‌نوشت

۱. ر.ک: منتخب الاثر، صص ۱۳۹ ـ ۱۴۰ و ۲۵۴ ـ ۲۶۴. ■ ۲. بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۵۰. ■ ۳. دلائل الامامة، طبری، ص ۲۳۹. ■ ۴. اسراء، آیه ۳۳. ■ ۵. تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۱۹. ■ ۶. یزدی حائری، علی، الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب، ج ۲، ص ۲۸۲. ■ ۷. النجم الثاقب، ص ۴۶۹ و نیز ر.ک: مستدرک الوسائل، ج ۱، ب ۴۷، «به نقل از امام صادق علیه‌السلام». ■ ۸. معالی السبطین، ج ۱، ص ۲۰۸؛ ریاض القدس، ج ۱، ص ۲۶۳؛ خیابانی، وقایع الایام، ص ۲۸۴؛ ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۱۵۸ (به نقل از: سحاب رحمت، ص ۳۴۳). ■ ۹. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۸. ■ ۱۰. سیدبن طاووس، مصباح الزائر؛ به نقل از: طالعی، عبدالحسین، ربیع الایام فی ادعیة خیرالانام، ص ۳۶۷. ■ ۱۱. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر(عج).

شنبه ۱۸ مهر

اذان صبح: ٤:٤٣
طلوع آفتاب: ٦:٠٦
اذان ظهر: ١١:٥١
اذان مغرب: ١٧:٥٤

٢٦ ذی‌الحجه ١٤٣٦
10 Oct 2015

نسل قدیم قرآن را متروک و مهجور کرده است ...

استاد شهید مرتضی مطهری رحمه‌الله می‌فرمایند:
ما امروز از این نسل گله داریم که چرا با قرآن آشنا نیست؟ چرا در مدرسه‌ها قرآن یاد نمی‌گیرند، حتی به دانشگاه هم که می‌روند از خواندن قرآن عاجزند؟ البته جای تأسف است که این طور است. اما باید از خودمان بپرسیم ما تاکنون چه اقدامی در این راه کرده‌ایم؟
عجبا که خود نسل قدیم قرآن را متروك و مهجور کرده، آن‌وقت از نسل جدید گله دارد که چرا با قرآن آشنا نیست. قرآن در میان خود ما مهجور است و توقع داریم نسل جدید به قرآن بچسبد. الآن ثابت می‌کنم که چگونه قرآن در میان خود ما مهجور است.
اگر کسی علمش علم قرآن باشد یعنی در قرآن زیاد تدبّر کرده باشد، تفسیر قرآن را کاملاً بداند، این آدم چقدر در میان ما احترام دارد؟ هیچ. اما اگر کسی کفایه آخوند ملّا کاظم خراسانی را بداند، یك شخص محترم و باشخصیتی شمرده می‌شود. پس قرآن در میان خود ما مهجور است، و در نتیجه همین إعراض از قرآن است که به این بدبختی و نکبت گرفتار شده‌ایم. ما مشمول شکایت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله هستیم که به خدا شکایت می‌کند: یا رَبِّ انَّ قَوْمِی اتَّخَذوا هذَا الْقُرْ انَ مَهْجوراً.» (الفرقان - ٣٠)
(رهبری نسل جوان، ص ٢١)

یکشنبه ۱۹ مهر

اذان صبح: ٤:٤٤
طلوع آفتاب: ٦:٠٧
اذان ظهر: ۱۱:٥۱
اذان مغرب: ۱۷:٥۳

۲۷ ذی‌الحجه ۱٤۳٦
11 Oct 2015

نظافت عامل جذب جوانان

یکی از موانع جذب افراد و به‌ویژه جوانان به مساجد، نامناسب بودن فضای فیزیکی و ظاهری مساجد و رعایت نکردن بهداشت و نظافت این مکان‌های مقدّس است. انسان به طور طبیعی، به سوی پاکیزگی و زیبایی تمایل فراوان دارند. بهداشت و نظافت مساجد از جمله مواردی است که باید همواره مدّنظر قرار گیرد. در قرآن، علاوه بر شرایط اساسی و اصولی، به بعضی شرایط به اصطلاح فنّی یا فرعی نیز اشاره شده است و مهم‌تر از همه، طهارت و پاکیزگی است. آیه ۱۲٥ سوره بقره در تأکید این مطلب می‌فرماید: «وَ عَهِدْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْعَاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ». مساجد ما متأسّفانه مظهر خلاف آن است؛ بنابراین، هر قدر ساختمان مسجد، برای نظافت و روشنایی (که عاملی برای دفع کثافات است) و تهویه دائم مساعد باشد، عمل صحیحی انجام شده است. در اسلام بر مراعات بهداشت و پاکیزگی تأکید فراوان شده است. به‌طور طبیعی، نظافت و بهداشت مسجد از اهمیّتی ویژه برخوردار است. احادیث و روایات نیز بیانگر این اهمیّت است. در احادیث آمده است: «مَن كَنَسَ الْمَسْجِدَ يَومَ الْخَميسِ لَيلَةَ الْجُمعةِ فَأخرَجَ مِنهُ التُّرابَ قَدرِ ما يُذَرُّ فی العين، غُفِرَ له؛ هر کس در شب جمعه، مسجد را به اندازه خاکی که ممکن است در چشم برود، جارو کند، خدا گناهش را می‌آمرزد». (بحارالانوار، ج۸۳، ص۳۸٥، ح٦۱)

دوشنبه ۲۰ مهر

اذان صبح: ٤:٤٤
طلوع آفتاب: ٦:٠٨
اذان ظهر: ١١:٥١
اذان مغرب: ١٧:٥٢

٢٨ ذی‌الحجه ١٤٣٦
12 Oct 2015

روز بزرگداشت حافظ
روز ایمنی در برابر زلزله و بلایای طبیعی

کرسی‌های آزاد اندیشی

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): علاقهٔ جوانان به بحث و تبادل نظر در موضوعات مختلف اعتقادی، اعم از مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و غیره، از خصیصه‌های مشهود در این گروه از جامعه می‌باشد. به نظر روان‌شناسان، اصل این پدیده ناشی از ویژگی حقیقت‌جویی و تلاش برای درک هرچه بهتر و بیشتر از قوانین و قواعد حاکم بر جهان مادی و معنوی در جوانان می‌باشد و در نتیجه بهترین برخورد با این نیاز جوانان، ایجاد فضای سالم علمی و منطقی در بحث‌ها و اظهار نظرهاست تا فکرهای جوان جامعه به دور از حواشی و آفت‌های اینگونه بحث‌ها و با رعایت ادب و متانت بتوانند آنچه در ذهن خود به عنوان حقایق درک کرده‌اند را در معرض نقد و بررسی دیگران بگذارند و در مقابل از تجربیات و دانش دیگران بهره‌مند شوند.

در همین راستا رهبر معظم انقلاب، امام خامنه‌ای از سال‌های قبل و حتی پیش از دوره انتسابشان به رهبری، توصیه می‌کردند تا چنین فضای مفید و مثبتی در میان جوانان ایجاد شود. ایشان در سال‌های اول انقلاب می‌فرمایند:

«بحث آزاد کار خوبی است، من موافقم با بحث آزاد؛ از اول هم موافق بودم. این نکتهٔ اول، که بحث آزاد را ما رد نمی‌کنیم بلکه استقبال هم می‌کنیم. مبتکر بحث آزاد اجتماعی امام جواد علیه‌السلام است. البته قبل از امام جواد هم در زمان ائمه علیهم‌السلام بحث زیاد می‌شد، اما اینی که حالا بنشینند جمعاً صحبت کنند، امام جواد علیه‌السلام اول بار این کار را کردند.» (۶۰/۳/۲)

سه‌شنبه ۲۱ مهر

اذان صبح: ٤:٤٥
طلوع آفتاب: ٦:٠٩
اذان ظهر: ۱۱:٥۱
اذان مغرب: ۱۷:٥۰

۲۹ ذی‌الحجه ١٤٣٦
13 Oct 2015

انبیاء در کربلا

هنگامی که حضرت آدم به زمین فرود آمد حوا را ندید دنبال او می گشت تا از کربلا گذر نمود بدون سبب غمگین شده سینه اش تنگ گردید و چون به محل شهادت امام رسید پایش لغزید و بر زمین افتاد و خون از پایش جاری شد. سر به آسمان بلند کرد و عرض نمود: خداوندا آیا گناهی از من صادر شد که مرا به آن معاقب فرمودی؟ من همه زمین را گشتم و مثل این زمین به من بدی نرسید. خداوند به او وحی نمود که ای آدم گناه نکردی ولکن فرزندت حسین در این مکان از روی ستم کشته می شود خون تو به موافقت خون او جاری شد. عرض کرد: قاتل او کیست؟ وحی آمد: قاتلش یزید، ملعون اهل آسمانها و زمین است. آدم گفت: ای جبرئیل (درباره قاتل آن حضرت) چه کنم؟ گفت: او را لعن کن. پس آدم چهار بار او را لعن کرد و به سوی عرفات روانه شد پس در آنجا حوا را یافت. (بحارالانوار ۴۴/۲۴۲ ح ۳۷)
هنگامیکه حضرت نوح سوار کشتی شد تمام جهان را سیر نمود چون به کربلا رسید طوفانی شد و نوح از غرق شدن ترسید به پروردگار خود عرض کرد: خدایا همه دنیا را گشتم چنین حالتی مثل این زمین به من دست نداد! جبرئیل نازل شد و فرمود: ای نوح در این محل حضرت حسین فرزند زاده محمد خاتم انبیاء و فرزند علی خاتم اوصیاء کشته می شود پرسید: ای جبرئیل قاتل او کیست ؟ پاسخ داد: قاتل او ملعون هفت آسمان و زمین می باشد. پس نوح چهار مرتبه او را لعن کرد سپس کشتی سیر نمود تا به جودی رسید و در آنجا مستقر شد. (بحارالانوار : ۴۴ / ۲۴۳)

چهارشنبه ۲۲ مهر

روز جهانی استاندارد
(برابر با ۱٤ اکتبر)
ورود قمر به عقرب۱۲:٤٦

اذان صبح: ٤:٤٦
طلوع آفتاب: ٦:۰۹
اذان ظهر: ۱۱:۵۰
اذان مغرب: ۱۷:٤۹

۳۰ ذی‌الحجه ۱٤۳٦
14 Oct 2015

سرزمین غم

ورود به زمین کربلا باعث حزن و رقت است چنانکه نسبت به جمیع انبیاء واقع شد، چون روایت شد: «همه انبیاء زیارت نمودند آن مقام شریف را و در آن توقف کرده گفتند: ای زمین تو مکانی پر خیر هستی در تو دفن خواهد شد ماه تابان امامت» (بحارالانوار، ۳۰۱/۴۴ ح ۱۰). هر یك از پیامبران که وارد کربلا می‌شدند صدمه‌ای بر ایشان وارد می‌شد دلتنگ مهموم گشته از خداوند سبب آن را سؤال می نمودند خداوند وحی می‌فرمود که این زمین کربلاست و در آن حضرت حسین شهید خواهد شد (بحارالانوار، ۲۴۲/۴۴ تا ۲۴۴). چون اهل بیت علیهم‌السلام وارد کربلا شدند ام کلثوم عرض کرد: ای برادر این بادیه هولناکی است که از آن خوف عظیم بر دلم جا گرفته؟! امام فرمود: بدانید که من در وقت عزیمت از صفین با پدرم امیر المومنین علیه‌السلام وارد این زمین شدیم. پدرم فرود آمده سر درکنار برادرم گذارده ساعتی در خواب رفت و من بر بالین او نشسته بودم ناگاه پدرم مشوش از خواب بیدار شد و زار زار می‌گریست. برادرم سبب آنرا پرسید فرمودند: در خواب دیدم که این صحرا دریایی پر از خون بود و حسین من در میان آن دریا افتاده دست و پا می‌زند و کسی به فریاد او نمی‌رسید. پس رو به من کرده فرمود: «ای حسین چگونه خواهی بود هرگاه برای تو در این زمین چنین واقعه‌ای روی دهد؟» گفتم: صبر می کنم و بجز صبر چاره‌ای ندارم. (مهیج الاحزان / ۶۵)

پنج‌شنبه ۲۳ مهر

اذان صبح:	۴:۴۷
طلوع آفتاب:	۶:۱۰
اذان ظهر:	۱۱:۵۰
اذان مغرب:	۱۷:۴۸

محرم

۱ محرم ۱۴۳۷

15 Oct 2015

آغاز سال ۱۴۳۷ هجری قمری
شهادت پنجمین شهید محراب آیت الله اشرفی اصفهانی به دست منافقان (۱۳۶۱ هش)
روز جهانی نابینایان (عصای سفید)
اعتراض و افشاگری حضرت امام خمینی ره علیه پذیرش کاپیتولاسیون (۱۳۴۳ هق)

رسول خدا صلی الله علیه و آله در نینوا

در مناقب از ابن عباس نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله را در عالم رؤیا دید بعد از کشته شدن سیدالشهدا علیه السلام در حالی که گرد آلود و پابرهنه و گریان بود. وَ قَدْ ضَمَّ حِجْزَ قَمیصِهِ اِلی نَفْسِهِ یعنی دامن پیراهن را بالا کرده و به دل مبارک چسبانیده مثل کسی که چیزی در دامن گرفته باشد و این آیه تلاوت می‌فرمود: وَلا تَحْسَبَنَّ اللهَ غافِلاً عَمّا یعْمَلُ الظّالِمُونَ. و فرمود رفتم به‌سوی کربلا و جمع کردن خون حسینم را از زمین و اینک آن خون‌ها در دامن من است و من می‌روم برای آنکه مخاصمه کنم با کشندگان او نزد پروردگار. روایت شده از امّ سلمه: در خواب دیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله را در خواب و بر سر و محاسن شریفش اثر خاک بود گفتم یا رسول‌الله برای چیست شما غبارآلود هستید؟ فرمود در نزد حسین بودم هنگام کشتن او و از نزد او می‌آیم. در روایت دیگر است که: صبحگاهی بود که ام سلمه می‌گریست، سبب گریه او را پرسیدند خبر شهادت حسین علیه السلام را داد و گفت به جز دیشب پیغمبر را در خواب ندیده بودم! او را با صورت متغیر و با حالت اندوه ملاقات کردم سبب آن حال را از او پرسیدم فرمود امشب حفر قبور می کردم برای حسین و اصحابش.
(برگرفته از کتاب منتهی الآمال)

ورود کاروان امام حسین علیه السلام به سرزمین کربلا (٦١ ق)
روز جهانی غذا،
آغاز هفته پیوند اولیا و مربیان
روز ملی پارالمپیک
خروج قمر از عقرب ١١:٣٥

جمعه ٢۴ مهر

محرم

٢ محرم ١٤٣٧

16 Oct 2015

اذان صبح: ٤:٤٨
طلوع آفتاب: ٦:١١
اذان ظهر: ١١:٥٠
اذان مغرب: ١٧:٤٧

همه تاریخ انسان در جمله‌ای کوتاه

کاروان به منطقه‌ای رسید که نامش کربلا بود قدری به سمت راست حرکت کردند و به نینوی رسیدند. در این هنگام نامه عبید الله به حر رسید: بر حسین هنگامی که نامه‌ام به تو می رسد سخت بگیر، او را در بیابانی که نه پناهی داشته باشد و نه آبی فرود آر. حر به امام حسین علیه السلام گفت باید در همین منطقه فرود بیایید؛ دهکده غاضریه و سقبه در همان نزدیکی بود امام حسین علیه السلام می خواست همراهان را به آن سو ببرد که آب و پناهگاه وجود داشته باشد حر به سختی ممانعت کرد و گفت دستور امیر همین است.

من آمدم که تو را با سپاه و تیر بگیرم — مرا به تیر نگاهی تو بی سپاه گرفتی
بگو چرا نشوم آب که دست یخ زده‌ام را — دویدی و نرسیده به خیمه‌گاه گرفتی

ابن قولویه از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که امام در همان شبی که در کربلا فرود آمدند نامه ای به برادرش محمد بن حنفیه نوشت و همه تاریخ انسان را در جمله‌ای کوتاه فشرد. گویی همه ماجراها و نام‌ها و نشان ها مثل کف به کناری رفته بود؛ أمّا بعد فکأن الدنیا لم تکن و کأن الآخرة لم تزل؛ انگار دنیا وجود نداشته است و گویی آخرت هم چنان بوده هست (مقتل جامع سید الشهدا علیه السلام، جلد اول، ص٦٨٩)

﴿یَا أَیَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِی إِلَی رَبِّکِ رَاضِیَةً مَّرْضِیَّةً * فَادْخُلِی فِی عِبَادِی * وَ ادْخُلِی جَنَّتِی﴾[1] ؛ تو ای روح آرام‌یافته * به سوی پروردگارت بازگرد، در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است * پس در سلك بندگانم درآی * و در بهشتم وارد شو!

شأن نزول

در بعضی از تفاسیر آمده است که این آیات در مورد «حمزه سید الشهداء» نازل شده، ولی با توجّه به اینکه این سوره مکّی است، این در حقیقت نوعی تطبیق است و نه شأن نزول. همان‌گونه که درباره امام حسین علیه‌السلام نیز در آغاز سوره خواندیم.[2]

نکات تفسیری

۱ـ نفوس انسانی به سه گروه تقسیم می‌شود: گروهی کاملاً «ظلمانی» است، نه ارزش سوگند را دارد و نه بیداری و حرکتی به سوی کمال در آن ظاهر است و نه نشانه‌ای از یوم القیامهٔ. آنها دارای «نفس امّاره» اند که پیوسته ایشان را امر به سوء و بدی می کند.

قسم دیگری «نیمه نورانی» است، در طریق حقّ به سوی کمال سیر می کند، هر گاه به مقتضای جنبه ظلمانیش مرتکب خطا می‌شود، بر اثر نور ایمان بیدار می گردد و به ملامت خویش می‌پردازد، ملامتی که وسیله‌ای برای تکامل یافتن است و این نفسی است با ارزش که آن را «نفس لوّامه» گویند.

سوم، نفوسی است که یکپارچه نور و روشنایی و صفا است، از مرحله «لوّامه» گذشته و به مرحله اطمینان و آرامش رسیده، مخاطب با خطاب «یا اَیَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ» گردیده، و با خطاب «ارْجِعِی» مأمور به بازگشت به مبدأ کمال مطلق شده و در سلک بندگان خالص خدا درآمده و به مقتضای «راضِیَةً مَرْضِیَّةً»، هم او از خدا خشنود است و هم خدا از او.[3]

۲ـ نفس مطمئنه، نفسی است که با علاقه‌مندی و یاد پروردگارش سکون و آرامش یافته، بدانچه او راضی است، رضایت می‌دهد و در نتیجه خود را بنده‌ای می‌بیند که مالک هیچ خیر و شرّ و نفع و ضرری برای خود نیست. دنیا را یک زندگی مجازی و داشتن و نداشتن و نفع و ضرر آن را امتحانی الهی می‌داند. در نتیجه اگر غرق در نعمت دنیایی شود، به طغیان و گسترش فساد و علو و استکبار، وادار نمی‌شود و اگر دچار فقر و فقدان گردد، این تهی دستی و ناملایمات، او را به کفر و ترک شکر وانمی‌دارد؛ بلکه هم چنان در عبودیت پای‌برجا است و از صراط مستقیم منحرف نمی‌شود، نه به افراط و نه به تفریط.

«ارْجِعِی إِلی رَبِّکِ راضِیَةً مَرْضِیَّةً». بعضی پنداشته‌اند که این خطاب بعد از حسابرسی نفوس مطمئنه به ایشان می‌شود؛ و لیکن به نظر ما ظرف این خطاب از اول تا به آخر روز قیامت است، یعنی از همان لحظه‌ای که نفوس مطمئنه زنده می‌شوند، تا لحظه‌ای که داخل بهشت می‌شوند، بلکه از لحظه‌ای که مرگشان می‌رسد، مورد این خطاب هستند تا وقتی که به جنّت الخلد در می‌آیند.

اگر نفوس مطمئنه را به وصف «راضِیَةً» و «مَرْضِیَّةً» توصیف کرده، برای آن است که اطمینان و سکونت یافتن دل

به پروردگار، مستلزم آن است که از او راضی باشد، و هر قضا و قدری که او برایش پیش می‌آورد، کمترین چون و چرایی نکند؛ حال چه آن قضا و قدر تکوینی باشد، چه حکمی باشد که او تشریع کرده باشد، پس هیچ سانحه به خشم آورنده‌ای او را به خشم نمی‌آورد و هیچ معصیتی دل او را منحرف نمی‌کند، و وقتی بنده خدا از خدا راضی باشد، قهراً خدای تعالی هم از او راضی خواهد بود؛ چون هیچ عاملی به جز خروج بنده از زی بندگی، خدا را به خشم نمی‌آورد و بنده خدا وقتی ملازم طریق عبودیت باشد، مستوجب رضای خدا خواهد بود، به همین جهت به دنبال جمله «راضیة» جمله «مرضیة» آمده است.[۴]

۳ـ رسول اکرم ﷺ بارزترین مصداق صاحب نفس مطمئنه و مقام شامخ رضاست که خدای سبحان در این باره فرمود: «یا أیتها النفس المطمئنة* ارجعی الی ربّک راضیة مرضیة»؛ اگر نفسی از خدای سبحان راضی باشد، نه تنها اوصاف و کارهایی که از آن نفس نشئت می‌گیرد، خداپسند است؛ بلکه گوهر ذات او نیز خداپسند خواهد بود، از این رو رضای او کاشف از رضای خداست.[۵]

احادیث

۱ـ عَنْ سَدِیرٍ الصَّیْرَفِیِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللهِ علیه‌السلام جُعِلْتُ فِدَاکَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ هَلْ یُکْرَهُ الْمُؤْمِنُ عَلَى قَبْضِ رُوحِهِ قَالَ لَا وَ اللهِ إِنَّهُ إِذَا أَتَاهُ مَلَکُ الْمَوْتِ لِقَبْضِ رُوحِهِ جَزِعَ عِنْدَ ذَلِکَ فَیَقُولُ لَهُ مَلَکُ الْمَوْتِ یَا وَلِیَّ اللهِ لَا تَجْزَعْ فَوَ الَّذِی بَعَثَ مُحَمَّداً ﷺ لَأَنَا أَبَرُّ بِکَ وَ أَشْفَقُ عَلَیْکَ مِنْ وَالِدٍ رَحِیمٍ لَوْ حَضَرَکَ افْتَحْ عَیْنَکَ فَانْظُرْ قَالَ وَ یُمَثَّلُ لَهُ رَسُولُ اللهِ ﷺ وَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ وَ الْأَئِمَّةُ مِنْ ذُرِّیَّتِهِمْ علیهم‌السلام فَیُقَالُ لَهُ هَذَا رَسُولُ اللهِ وَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ وَ الْأَئِمَّةُ علیهم‌السلام رُفَقَاؤُکَ قَالَ فَیَفْتَحُ عَیْنَهُ فَیَنْظُرُ فَیُنَادِی رُوحَهُ مُنَادٍ مِنْ قِبَلِ رَبِّ الْعِزَّةِ فَیَقُولُ- یَا أَیَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ إِلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ- ارْجِعِی إِلَى رَبِّکِ رَاضِیَةً بِالْوَلَایَةِ مَرْضِیَّةً بِالثَّوَابِ فَادْخُلِی فِی عِبَادِی یَعْنِی مُحَمَّداً وَ أَهْلَ بَیْتِهِ وَ ادْخُلِی جَنَّتِی فَمَا شَیْءٌ أَحَبَّ إِلَیْهِ مِنِ اسْتِلَالِ رُوحِهِ وَ اللُّحُوقِ بِالْمُنَادِی.[۶]

نقل شده که یکی از یاران از امام صادق علیه‌السلام پرسید: آیا ممکن است مؤمن از قبض روحش ناراضی باشد؟! فرمود: به خدا سوگند، نه. هنگامی که فرشته مرگ برای قبض روحش می‌آید، او اظهار ناراحتی می‌کند؛ فرشته مرگ می‌گوید: ای ولی خدا ناراحت نباش! سوگند به آن کس که محمد ﷺ را مبعوث کرده من بر تو مهربان‌تر از پدر مهربان، درست چشم‌هایت را بگشا و ببین، او نگاه می‌کند، رسول خدا ﷺ و امیر مؤمنان علیه‌السلام و فاطمه علیهاالسلام و حسن علیه‌السلام و حسین علیه‌السلام و امامان از ذریّه او را می‌بیند. فرشته به او می‌گوید نگاه کن این رسول خدا و امیر مؤمنان و فاطمه و حسن و حسین و امامان علیهم‌السلام دوستان تواند.

او چشمانش را باز می‌کند و نگاه می‌کند، ناگهان گوینده‌ای از سوی پروردگار بزرگ ندا می‌دهد و می‌گوید: «یا أَیَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ» ای کسی که به محمّد و خاندانش اطمینان داشتی! بازگرد به سوی پروردگارت، در حالی که تو به ولایت آنها راضی هستی و او با ثوابش از تو خشنود است، داخل شو در میان بندگانم ـ یعنی محمّد و اهل بیتش علیهم‌السلام ـ و داخل شو در بهشتم. در این هنگام چیزی برای انسان محبوب‌تر از آن نیست که هر چه زودتر روحش از تن جدا شود و به این منادی بپیوندد!

۲ـ رسولُ الله ﷺ: قد أفلَحَ مَن أخلَصَ قَلبَهُ للإیمانِ و جَعَلَ قَلبَهُ سَلیما و لِسانَهُ صادِقا و نفسَهُ مُطمَئِنَّةً و خَلیقَتَهُ مُستَقیمَةً و اُذُنَهُ مُستَمِعَةً و عَینَهُ ناظِرَةً.[۷]

پیامبر خدا ﷺ فرمودند: رستگار شد هر که دلش را برای ایمان خالص گردانید و قلبش را پاک و سالم ساخت و زبانش را راستگو و روانش را با آرامش و اخلاقش را درست و گوشش را شنوا و چشمش را بینا کرد.

داستان

آخرین سفارش امام خمینی رحمه‌الله در آخرین وداع

به نقل از خانم زهرا اشراقی (نوه امام): آقا ساعت ۱۲ ظهر همان روز (رحلت)، گفتند خانم‌ها را صدا بزنید، کارشان دارم. وقتی خانم‌ها رفتند، ایشان گفتند: «این راه، راه سختی است» و بعد مکرّر می‌گفتند: «گناه نکنید». ساعت ۱۰ و ۲۰ دقیقه

شب بود که نوار صاف شد. پاسداران ریختند و شروع به گریه کردند، صورت امام گرم گرم بود. چقدر این صورت لاغر و مریض، درشت و روشن شده بود. چقدر نورانی بود. ده روز درد کشنده داشتند، ولی حرفی نمی‌زدند. هر بار می‌پرسیدیم: «آقا چطورید؟» می‌گفتند: «ان شاء الله تو سلامت باشی»[8]

نتیجه

صاحب نفس مطمئنّه در زمره بندگان خدا و حائز مقام عبودیت است و باید چنین باشد؛ چون وقتی کسی مطمئن به خداوند شد و ادعای استقلال نداشت و راضی به مقدّرات بود، قهراً از خود در برابر فرامین او، خواسته‌ای نشان نمی‌دهد، مگر آنچه را خداوند بخواهد واین همان ظهور عبودیت واقعی در انسان است.[9]

پی‌نوشت

۱. سوره فجر، آیات ۳۰ ـ ۲۷. ■ ۲. تفسیر نمونه، ج۲۶، ص، ۴۷۶. ■ ۳. پیام قرآن، ناصر مکارم شیرازی، ج۵، ص، ۱۸۷. ■ ۴.ترجمه تفسیر المیزان، ج۲۰، ص، ۴۷۸. ■ ۵.تسنیم، ج ۷، ص، ۳۸۴. ■ ۶. الکافی (ط - الإسلامیة)، ج۳، ص، ۱۲۸. ■ ۷. الدر المنثور، ج ۲، ص ۷۲۴. ■ ۸. برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج، ۱ ص، ۳۲۵. ■ ۹. المیزان، ج ۲۰، ص ۲۸۶.

عوامل پیدایش جریان‌های انحرافی در تقابل با نظام مهدوی

۱. ناآگاهی توده مردم

به همان اندازه که دانش و آگاهی زندگی انسان را روشن می‌کند و انسان را از بی‌راهه و کج‌راهه دست‌گیری می‌کند، ناآگاهی نیز سبب فروافتادن انسان در بیراهه‌ها خواهد شد. عوامل و افراد جریان‌ساز انحرافی نیز، همواره از عدم آگاهی افراد بیشترین بهره را می‌برند.

آگاهی در عرصه مهدویت و آموزهای اصیل آن، به‌راستی سبب می‌شود تا علاقه‌مندان هرگز فریب افراد منحرف را نخورده، خود را از این جریان‌ها دور نگه دارند. به عنوان نمونه ناآگاهی از حقیقت جهانی‌شدن اسلام و نحوه پیروزی این دین در حکومت مهدوی، سبب شده برخی از افراد ناآگاه، جذب شبه‌عرفان‌هایی شوند که هم اکنون نیز رو به گسترش است؛ درحالی که این گروه‌ها ظهور موعود را امری زمینی دانسته و نقش ارادهٔ الهی را نادیده می‌گیرند و در همین راستا برخی آموزه‌های مربوط به دوران ظهور را انکار می‌کنند.[1]

۲. آشفتگی‌های اجتماعی و اقتصادی

مهدویت به سبب نوع نگاه به آینده و امیدبخشی، همواره درمانی بوده بر دردهای انسان‌های ستم‌دیده و فرودست، ولی گاهی نگاه به این کارکرد با افراط‌هایی روبه‌رو بوده است، به ویژه دوره‌هایی که برخی عوامل، وضعیت افراد را در عرصه اجتماعی و اقتصادی دچار آشفتگی کرده است.

برخی اوقات مردم در این آشفتگی‌ها، در پیِ پناهگاهی هستند که در آن به آرامش برسند. از این رو گاهی هر دارویی را بر درد خویش می‌آزمایند؛ بدون آنکه بیندیشند آنچه درمان می‌پنداشته‌اند، خود دردی بر دردهای آنها است. در چنین شرایطی، برخی انسان‌های نابکار با سوءاستفاده از این حالت افراد و جایگاه مهدویت در منظر ایشان، اهداف شیطانی خود را پی می‌گیرند و با القای برخی اذکار و اوراد و نقل برخی حکایت‌های ساختگی،

پیشنهادهای اجرایی هفته

◆ برگزاری مراسم زیارت عاشورا از اول محرم تا اربعین ◆ جلسه شورای فرهنگی مسجد ◆ خطابه در روزها و شب‌های دهه اول محرم ◆ برگزاری مراسم زیارت امین الله ◆ تشکیل قرائتخانه و کتابخانه در مسجد جهت استفاده دانش آموزان پس از فراغت از مدرسه ◆ تقدیر از دانش آموزان ممتاز علمی، اخلاقی و اجتماعی مدارس توسط امام جماعت مسجد ◆ برگزاری جلسات پرسش و پاسخ ویژه جوانان (پنج شنبه) ◆ برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید ◆ سخنرانی ویژه مسائل بانوان و دختران قبل از اذان ظهر روز اول ماه شمسی ◆ برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه) ◆ برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه) ◆ برگزاری مراسم عزاداری در شب و روز شهادت حضرت امام حسین علیه السلام و حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام

در پی جذب افراد ناآگاه هستند.

۳. زیاده خواهی

زیاده‌خواهی و فزون‌طلبی از صفات ناشایستی است که برخی انسان‌ها را به هر کاری وامی‌دارد. از این رو برخی را در جریان‌سازی‌های اقتصادی و برخی دیگر را در جریان‌سازی‌های دینی سوق می‌دهد. علاقه بیش ازحد برخی ساده‌اندیشان به مباحث سطحی، عرصه را برای این افراد فرصت‌طلب آماده می‌کند تا افکار نادرست خود را در میان مردم اشاعه دهند.

٤.نابسامانی و اعتبار کم برخی متون

منابع و متون مهدوی در طول تاریخ فراز و فرودهایی را پشت سر گذاشته است. با وجود همّت بلند بزرگان دین و دانشمندان شیعه برای به سلامت رساندن این متون به نسل‌های آینده، برخی از این منابع از دستبرد افراد دنیاطلب در امان نمانده است و برخی مطالب نادرست در آن وارد شده است؛ که این خود دستاویزی برای جریان‌سازان جریان‌های انحرافی شده است. کتاب‌هایی چون فتن نعیم بن حماد، شرح الاخبار، بیان الائمه ، الزام الناصب از آن جمله است.

۵. حمایت دشمنان

از آنجایی که باور به مهدی موعود، نقش بی‌مانندی در به حرکت درآوردن جوامع به سوی ظلم‌ستیزی دارد؛ همواره دشمنان به هر کاری در برابر این باور دست زده‌اند. می‌توان از جریان‌سازی‌های انحرافی به عنوان یکی از برنامه‌های دشمن یاد کرد. در دوران معاصر این فعالیت بسیار چشمگیرتر از گذشته است. آن‌چنان که روابط متقابل فرقه‌ها و مدعیان دروغین با استعمار و استبداد در هر زمان شواهد پرشماری دارد؛ به عنوان مثال پیوند دوسویه بهائیت و قدرت‌های استکباری درخور توجه است.

پی‌نوشت

۱ . ر.ک: مظاهری سیف، عرفان حلقه، و نیز سلسله مقالات مجله شفافیت از مؤسسه مطالعاتی روشن گر.

ورود عمر بن سعد با سپاه
خود به کربلا (۶۱ هق)

شنبه ۲۵ مهر

محرم

اذان صبح: ۴:۴۹
طلوع آفتاب: ۶:۱۲
اذان ظهر: ۱۱:۵۰
اذان مغرب: ۱۷:۴۵

۳ محرم ۱۴۳۷

17 Oct 2015

به خدا سوگند به آن آرزو نخواهی رسید...

امام حسین (ع) خطاب به سپاه عمر سعد:

بدانید که آن انسان بی پدر بر دو امر پای فشرده است میان شمشیرهای آخته و تن به خواری سپردن، اما دور باد و هیهات که ما خواری را بر گزینیم. خدا و رسول خواری را بر ما نمی پسندد و مؤمنان و دامن های پاکی که مار ا پرورده‌اند بدان رضایت نمی‌دهند، جوانمردان غیرت‌مند و بلندآوازگان والا همت ننگ دارند که ما طاعت پلیدان را بر مرگ شرافت‌مندانه ترجیح دهیم.

آگاه باشید که من حجت را بر شما تمام کردم و راه پوزش را بر شما بستم و از سرانجام کار شما بیم دارم. اکنون که یاران مرا رها کرده‌اند با این شمار اندک خانواده‌ام و بسیاری دشمن با شما می‌جنگم. در پایان سخن امام حسین (ع) پرسید عمر سعد کجاست؟ به او بگویید نزد من بیاید عمر سعد ناخشنود بود که با امام حسین (ع) مواجه شود. سرانجام آمد امام حسین (ع) به او گفت: تو مرا می کشی اما گمان کرده‌ای که آن انسان بی ریشه و بی پدری که فرزند بی پدر دیگری است حکومت ری و گرگان را به تو می‌دهد به خدا سوگند به آن آرزو نخواهی رسید و این عهدی است که بسته نشده پس از من تو نه در دنیا و نه در آخرت شادمان نخواهی بود و آرام نمی‌گیری سرت را می‌بینم که در کوفه نصب کرده‌اند کودکان سرت را هدف قرار داده اند و به آن سنگ می‌زنند.

(پیام آور عاشورا)

روز تربیت بدنی و ورزش

یکشنبه ۲۶ مهر

اذان صبح: ٤:٤٩
طلوع آفتاب: ٦:١٣
اذان ظهر: ١١:٥٠
اذان مغرب: ١٧:٤٤

محرم

٤ محرم ١٤٣٧

18 Oct 2015

خدا خون‌خواه حسین علیه‌السلام است...

ثار از ریشه «ثَأر» و «ثُؤرة» به معنای انتقام و خون‌خواهی و نیز به معنای خون آمده است. ثار به معنای مطلق دم و خون نیست، بلکه به آن خونی گفته می شود که قابل قصاص باشد و مورد خون خواهی قرار گیرد و اضافه شدن آن به خدا (ثارالله) بر این اساس است که ولی حقیقی امام حسین، خدا است و مطالبه خون حسین، مخصوص اوست که توسط اولیای خدا محقق می شود. چرا که ریختن خون سیدالشهدا در کربلا، تجاوز به حریم و حرمت الهی و طرف شدن با خداوند است. به طور کلی از آن جهت که اهل بیت علیهم‌السلام «آل الله» هستند، شهادت این امامان، ریخته شدن خونِ متعلق به خداوند است.

اگر «ثار» به معنای خون باشد، قطعاً مراد از «ثارالله» معنای حقیقی نیست؛ بلکه یک نوع تشبیه است. چون مسلّم است که خدا موجودی مادّی نیست تا دارای جسم و خون باشد؛ یعنی، همان گونه که نقش خون در بدن آدمی نقش حیاتی است، وجود مقدس امام حسین علیه‌السلام نسبت به دین خدا، چنین نقشی دارد و احیای اسلام با نهضت عاشورا بوده است. همان گونه که نقش خون در بدن آدمی نقش حیاتی است و بود و نبودش، مرگ و زندگی او را رقم می‌زند، وجود مقدّس امام علی و امام حسین علیهماالسلام نزد خدا و در دین او چنین نقشی دارند که اگر آن حضرت نبود، اسلام نبود و اگر حسین علیه‌السلام نبود، اسلام و تشیّع نبود.

(فرهنگ عاشورا، ذیل واژه ثار)

دوشنبه ۲۷ مهر

محرم

اذان صبح:	٤:٥٠
طلوع آفتاب:	٦:١٤
اذان ظهر:	١١:٤٩
اذان مغرب:	١٧:٤٣

٥ محرم ١٤٣٧

19 Oct 2015

حکومت یا شهادت...

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): کسانی که گفته‌اند «هدف، حکومت بود»، یا «هدف، شهادت بود»، میان هدف و نتیجه، خَلط کرده‌اند. نخیر؛ امام حسین علیه‌السلام، هدف دیگری داشت؛ منتها رسیدن به آن هدف دیگر، حرکتی را می‌طلبید که این حرکت، یکی از دو نتیجه را داشت: «حکومت»، یا «شهادت».... هدف آن بزرگوار عبارت بود از انجام دادن یک واجب عظیم از واجبات دین که نه پیغمبر این واجب را انجام داده بود، نه امیرالمؤمنین علیه‌السلام، نه امام حسن مجتبی علیه‌السلام. حالا چرا امام حسین علیه‌السلام این کار را بکند؟ چون زمینه انجام این واجب، در زمان امام حسین علیه‌السلام پیش آمد..... دو نوع انحراف داریم. یک وقت مردم فاسد می‌شوند اما احکام اسلامی از بین نمی‌رود؛ لیکن یک وقت مردم که فاسد می‌شوند، حکومت‌ها هم فاسد می‌شوند، علماهم فاسد می‌شوند، اصلاً دین صحیح صادر نمی‌شود. منکر را معروف و معروف را منکر می کنند. اگر جامعه و نظام اسلامی به چنین چیزی دچار شد، تکلیف چیست؟ پیغمبر که نمی‌تواند به این تکلیف عمل کند. چرا نمی‌تواند؟ چون این تکلیف را آن وقتی می‌شود عمل کرد که جامعه، منحرف شده باشد. جامعه در زمان پیغمبر و زمان امیرالمؤمنین علیه‌السلام که، به آن شکل منحرف نشده است. در زمان امام حسن علیه‌السلام که معاویه در رأس حکومت است، اگرچه خیلی از نشانه‌های آن انحراف، پدید آمده است، اما هنوز به آن حدّی نرسیده است که خوف تبدیل کلّی اسلام وجود داشته باشد.

(۷۴/۳/۱۹)

سه‌شنبه ۲۸ مهر

محرم

۶ محرم ۱۴۳۷

20 Oct 2015

اذان صبح: ٤:٥١
طلوع آفتاب: ٦:١٥
اذان ظهر: ١١:٤٩
اذان مغرب: ١٧:٤٢

درگذشت سید رضی
گردآورنده نهج البلاغه
(٤٠٦ هق)

چه فرقی می کند پدرش چه کسی باشد...

او نوجوانی بود که سرباز امامش حسین علیه‌السلام بود فقط همین...
وقتی می‌خواست به میدان برود امام حسین علیه‌السلام فرمودند این جوانی است که پدرش در جنگ به شهادت رسیده و شاید مادرش راضی نباشد که او به میدان نبرد برود جوان گفت ای فرزند رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله مادرم مرا امر کرده که به میدان روم. به میدان رفت. رجز خواند اما نگفت فرزند کیست به همین دلیل در مقاتل او را به نام و نام پدر نمی‌شناسند فقط می‌نویسند «وَ خَرَجَ شابٌّ قُتِلَ ابوهُ فِی الْمَعْرَکَة» چه فرقی می کرد پدرش چه کسی باشد و اگر گفته بود چه کسی او را می شناخت؛ اما رجز خواند و خودش را هم معرفی کرد به گونه ای که اهل زمین و آسمان تا ابد او را بشناسند و او را به امامش می‌شناسند.

أَمیری حُسَیْنٌ وَنِعْمَ الأَمیرُ — سُرُورُ فُؤادِ الْبَشیرِ النَّذیر
عَلِیٌّ وَ فاطِمَةُ والِداهُ — فَهَلْ تَعْلَمُونَ لَهُ مِنْ نَظیر
لَهُ طَلْعَةٌ مِثْلُ شَمْسِ الضُّحی — لَهُ غُرَّةٌ مِثْلُ بَدْرٍ مُنیر

و چقدر خوب خودش را می شناخت...
(مقتل جامع سید الشهداء جلد اول ص ۸۱۰)

روز صادرات

چهارشنبه ۲۹ مهر

اذان صبح: ٤:٥٢
طلوع آفتاب: ٦:١٦
اذان ظهر: ١١:٤٩
اذان مغرب: ١٧:٤٠

محرم

٧ محرم ١٤٣٧

21 Oct 2015

خدای مرا از شما بی نیاز خواهد کرد...

بسم الله الرحمن الرحیم از حسین بن علی علیه السلام به سلیمان بن صرد و رفاعه بن شداد و عبد الله بن وال و جماعت مومنین. اما بعد، آگاه هستید که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود کسی که ببیند فرمانروای ستمگری را که حلال می دارد حرام خدا را، می شکند پیمان خدا را، رویارویی می کند با آیین خدا و میان بندگان خدا با گناه و دشمنی رفتار می کند، با این همه با گفتار و کردار بر چنین سلطانی نشورد، سزاوار است که خدای او را به جایگاهش (عذاب) وارد کند. و شما آگاهید که این گروه حاکم گوش به فرمان شیطانند و روی گردان از فرمان رحمان. و تباهی را آشکارا گسترده اند و مرزهای الهی را واگذاشته اند و ... و حلال داشتند حرام خدا را و حرام داشتند حلالش را و من به این امر (حکمرانی) سزاوارترم به جهت نزدیکی به پیامبر خدا. و نامه هایتان و پیام بیعت و پیمانتان را دریافت داشتم که تنهایم نخواهید گذاشت. پس اگر به پیمانتان پایبند بمانید از آن بهره مند و بالنده خواهید بود و من و خانواده و فرزندانم با شما خواهیم بود... و اگر عهد و پیمان شکستید به جان خودم، پیمان شکنی کار ناشناخته ای از شما نیست که این کار را با پدرم و برادرم و عموزاده ام هم کردید و فریفته آن است که از شما فریب خورد. پس در چنین حالتی بهره و روزی خود را باخته و تباه کرده اید. هرکه پیمان بشکند علیه خود پیمان شکسته است. پس خدای مرا از شما بی نیاز خواهد کرد و السلام.

(بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۱)

پنج‌شنبه ۳۰ مهر

محرم

اذان صبح: ٤:٥٣
طلوع آفتاب: ٦:١٦
اذان ظهر: ١١:٤٩
اذان مغرب: ١٧:٣٩

٨ محرم ١٤٣٧

22 Oct 2015

بالاترین مصیبت

از امام صادق علیه‌السلام پرسیده شد: ... چرا روز عاشورا روز مصیبت و گریه و غصه قرار داده شد، نه روزی که پیامبر یا فاطمه و یا امیرالمؤمنین و یا امام حسن علیهما‌السلام از دنیا رفتند؟ فرمودند: روز قتل حسین علیه‌السلام ... از هر روزی مصیبتش بیشتر است، زیرا اصحاب کساء که گرامی‌ترین مخلوقات در نزد خداوند بودند، وقتی پیامبر رحلت نمود، برای مردم موجب تسلی و آرامش خاطر بودند. هم‌چنین بعد از رحلت حضرت فاطمه و حضرت علی و امام حسن علیهما‌السلام ،وجود سیدالشهدا موجب تسلی و آرامش خاطر بود، ولی هنگامی که حسین علیه‌السلام کشته شد دیگر کسی نبود که موجب تسلی و آرامش خاطر گردد و رحلت حضرت مانند رحلت همگی آن‌ها بود، همچنان که زندگی حضرت مثل زندگی آن‌ها بود، از این جهت روز شهادت حسین علیه‌السلام از تمام روزها مصیبت‌بارتر است. راوی پرسید: پس امام سجاد علیه‌السلام چه؟ فرمودند: آری، امام چهارم امام و حجت بر خلایق بود ولی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را ملاقات نکرده و از حضرت نشنیده بود و دانش او از راه ارث بود، ولی امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام را مردم مکرر در ایام پی‌درپی با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مشاهده کرده بودند و چون به یکی از این‌ها نگاه می‌کردند، بیاد احوالات او با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و سخن حضرت راجع به او می‌افتادند، به همین جهت بود که وقتی جز حسین علیه‌السلام کسی برای مردم نماند، رحلت حسین علیه‌السلام مانند رحلت همه آن‌ها بود، به این جهت است که روز حسین علیه‌السلام در مصیبت از هر روز بالاتر است.
(بحار، ج ۴۴، ص ۲۶۹)

آیت الله شیخ مرتضی زاهد

(امام جماعت مسجد جامع بازار)

حاج آقا تقی کرمانشاهی (از نوادگان آیت الله وحید بهبهانی) نقل می کند: در یکی از جلسات هفتگی، نمازهای ایشان عادی نبود؛ به خوبی پیدا بود فکر و حواسش جمع و جور نیست و در تعداد رکعت های نماز هم اشتباه می کرد. جلسه تمام شد، اما پریشانی های آقا شیخ مرتضی همچنان ادامه داشت. حتی در خیابان هم، این حواس پرتی وجود داشت تا آن جا که احتمال داشت با درشکه برخورد کند و یا به داخل جوی آب بیافتد! دوستان و رفقای او نیز با نگرانی علت را جویا می شدند. ولی آقا شیخ مرتضی فقط جواب می داد: نه، نگران نباشید چیزی نیست.

وقتی پس از چند روز اصرار کردیم، با همان حال و هوای پریشان و نگرانش جواب داد:

چند روز پیش از این، حدیثی از حضرت رسول اکرم ﷺ خواندم که ایشان به حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام می فرمایند: «یا علی! به اندازه ای که تو با خوبی ها و راه های هدایت آشنایی داری، شیطان نیز به همان اندازه با همه بدی ها و راه های گمراهی و ضلالت در زمین و آسمان آشنایی دارد...». سپس آقا شیخ مرتضی زاهد با نگرانی و اضطراب، به آرامی و زیر لب گفت: «با این شیطان چه کنم؟»

«آیت الله شیخ مهدی معزّی» که خودش از علمای اخلاق و عالمان مهذّب تهران بود می گفت: «در زمان رضاخان دو نفر بودند که به حقیقت بیش تر از بقیه، ایمان و دین مردم تهران را نگه داشتند... یکی از آن دو نفر آقا شیخ مرتضی زاهد بود».

جمعه ۱ آبان

تاسوعای حسینی

۹ محرم ۱۴۳۷

23 Oct 2015

اذان صبح: ۴:۵۳
طلوع آفتاب: ۶:۱۷
اذان ظهر: ۱۱:۴۹
اذان مغرب: ۱۷:۳۸

تاسوعای حسینی (تعطیل)
شهادت عالم مجاهد آیت الله حاج سید مصطفی خمینی فرزند ارشد امام خمینی ره (۱۳۵۶ ه ش)
روز آمار و برنامه ریزی

نافذ البصیره

در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام آمده است: «عمویم عباس بن علی علیه‌السلام بصیرتی نافذ و ایمانی محکم داشت. همراه برادرش حسین جهاد کرد، به خوبی از بوته آزمایش بیرون آمد و شهید از دنیا رفت.» (عمدة الطالب، ص ۳۴۹)

امام صادق علیه‌السلام از برترین صفات مجسم در عمویش چنین نام می‌برد: بصیرت: تیزبینی، نتیجه استوارِی رأی و اصالت فکر است و کسی به آن دست پیدا نمی‌کند، مگر پس از پالودگی روان، خلوص نیت و از خود راندن غرور و هواهای نفسانی و عدم سلطه‌ی آنها بر درون آدمی.

ایمان استوار: یکی دیگر از صفات بارز آن حضرت، ایمان استوار و پولادین اوست. از نشانه‌های استواری ایمان ایشان، جهاد در کنار برادرش، فرزند رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بود که هدفش جلب رضایت پروردگار متعال به شمار می‌رفت. و همان‌طور که در رَجَزهایش در روز عاشورا بیان داشت، از این جانبازی کم‌ترین انگیزه مادی نداشت و همین دلیلی گویاست بر ایمانِ استوار آن حضرت.

جهاد به همراه امام حسین علیه‌السلام: فضیلت دیگری که امام صادق علیه‌السلام برای قهرمان کربلا، نام می‌برد، جهاد تحت فرماندهی سالار شهیدان، و آقای جوانان بهشت است، و این بزرگ‌ترین فضیلتی بود که حضرت ابوالفضل بدان دست یافت و نیك از عهده آزمایش به درآمد و در روز عاشورا قهرمانی‌هایی از خود نشان داد که در دنیای دلاوری، شجاعت و وفاداری بی‌مانند است. (با تلخیص از کتاب زندگانی حضرت ابوالفضل العباس)

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُؤْمِنُونَ بِاللهِ وَ لَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتابِ لَكانَ خَيْراً لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَكْثَرُهُمُ الْفاسِقُونَ﴾[۱]؛ «شما مسلمانان بهترین امتی هستید که برای [اصلاح دنیا و آخرت] مردم پدیدار شدید؛ زیرا به کار نیك فرمان می‌دادید و از کار ناپسند بازمی‌داشتید و دعوت خدا را باور داشتید؛ پس اگر اهل کتاب نیز دعوت خدا را پذیرفته بودند، قطعاً برایشان بهتر بود؛ ولی تنها گروهی از آنان ایمان آوردند و بیشترشان از فرمان خدا خارج شدند».

شأن نزول

مسلمانان می‌گفتند: ما بهترین امت‌ها هستیم؛ زیرا خداوند درباره ما گفته است: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ».[۲] آیه فوق نازل شد و بر این ادعاها قلم بطلان کشید و ارزش هر کس را به اعمالش معرفی کرد.[۳]

نکات تفسیری

۱ـ خطاب در این آیه به مؤمنین است و این قرینه‌ای است بر اینکه مراد از کلمه « ناس» عموم بشر است و آن طور که گفته‌اند. فعل«کنتم» در این آیه منسلخ از زمان است؛ زیرا نمی‌خواهد بفرماید شما در زمان گذشته چنین بوده‌اید؛ بلکه می‌خواهد بفرماید شما چنین امتی هستید.[۴]

۲ـ کلمه «امت» هم بر جماعت اطلاق می‌شود هم بر فرد؛ بنابراین امت به معنای جمعیت یا فردی است که هدفی را دنبال می‌کنند و ذکر ایمان به خدا بعد از ذکر امر به معروف و نهی از منکر، از قبیل ذکر کل بعد از جزء و یا ذکر اصل بعد از فرع است.[۵]

۳ـ «معروف» را از این جهت معروف می‌گویند که فطرت پاک آدمی با آن آشنا و مأنوس است و آن را می‌پذیرد و «منکر» چون با فطرت آدمی بیگانه، ناآشنا و نامأنوس است، «منکر» و «ناشناخته» نامیده شده است.

حدیث

۱ـ پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: تا زمانی که امّت من امر به معروف و نهی از منکر کنند و در کار نیک به یاری یک دیگر برخیزند، بر خیر و سلامت‌اند و چون چنین نکنند، برکات از ایشان گرفته می‌شود و بعضی از آنان بر بعضی دیگر مسلّط خواهند شد و دیگر یاوری در زمین و آسمان نخواهند داشت.[۶]

۲ـ مسعدةبن‌صدقه گوید: از حضرت صادق علیه‌السلام از امر به معروف و نهی از منکر سؤال شد که آیا این موضوع بر همه مردم واجب است؛ فرمود: خیر بر همه واجب نیست؛ گفته شد: چرا؟ فرمود: امر به معروف و نهی از منکر بر افرادِ عالم و نیرومند که در جامعه وجهه و اعتبار دارند واجب است؛ نه بر کسانی که ناتوان هستند و باطل را از حق نمی‌شناسند.[۷]

۳ـ عـایشه گوید: پیامبر ﷺ نزد من آمد؛ از چهره آن حضرت دانستم که موضوعی پیش آمده است. پیامبر وضـو ساخت و با هیچ‌کس سخنی نگفت؛ گوشم را به دیوار اتاق چسباندم تا ببینم حضرت چه می‌گوید. پیامبر ﷺ بر منبر رفت و حمد و ثنای خدا گفت. آن‌گاه فرمود: ای مردم! خداوند به شـمـا مـی‌فرماید: به خوبی فرمان دهید و از زشتی باز دارید، پیش از آنکه دعاکنید و دعایتان را مستجاب نکنم و از من بخواهید و به شما ندهم و از من یاری طلبید و یاری‌تان نرسانم.[۸]

داستان

شخصی به عبدالله‌بن‌عباس گفت: می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر نموده، مردمان را وعظ و نصیحت کنم. ابن‌عباس پاسخ داد: مانعی ندارد؛ امّا مواظب باش که سه آیه از آیاتِ قرآن مجید تو را رسوا نسازد. آن شخص گفت:کدام آیات؟ ابن‌عباس گفت: یکی این آیه که می‌گوید: «أتامرون الناس بالبر و تنسون انفسکم»؛[9] آیا تو اطمینان داری که از مخاطبان و نکوهش‌شدگان این آیه نیستی؟ آن شخص گفت: نه، آیه دوّم را بگو! ابن‌عباس گفت: آیه دوم این است که می‌گوید «لم تقولون ما لاتفعلون کبر مقتا عندالله أن تقولوا ما لاتفعلون»؛[10] نسبت به این آیه چطور؟ آیا مطمئن هستی که از توبیخ‌شدگان این آیه نیستی؟ آن شخص گفت: نه، آیه سوم را بگو! ابن عباس گفت: آیه سوم گفتار خداوند متعال به نقل از عبد صالح حضرت شعیب علیه‌السلام است که به مردم چنین گفت: «و ما ارید أن اخالفکم الی ما انهاکم عنه»[11] آیا از اهل این آیه هستی؟ آن شخص گفت: نه! ابن‌عباس گفت: بنابراین اوّل از خودت شروع کن؛ آن‌گاه به نصیحت کردن دیگران بپرداز.[12]

نتیجه‌گیری

در بینش اسلامی هیچ مسلمانی نباید به سرنوشت اخلاقی و ایمانی جامعه و افراد آن بی‌توجه باشد و یکی از سنّت‌های محکم پروردگار، که آن را به تدبیر خود در جهان به اجرا درمی‌آورد، این است که هیچ امتی بهترین امت نخواهد شد مگر این که مسئولیت اجتماعی خود را با بینش درست و اخلاص کافی به انجام برساند؛ بنابراین می‌بینیم که اهمیت چنین روشی در خود آیه با مقدم داشتن امر به معروف و نهی از منکر بر ایمان به خدا، مطرح گردیده است.

پی‌نوشت

۱. آل عمران: ۱۱۰. ■ ۲. آل عمران: ۱۱۰. ■ ۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج۴، ص۱۷؛ درّ المنثور، ج۲، ص۲۲۵؛ جامع البیان، ج۵، ص۳۹؛ تفسیر ابن‌کثیر، ج۱، ص۵۷. ■ ۴. محمدحسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج۳ ص۵۸۴. ■ ۵. همان. ■ ۶. ورّام‌بن‌ابی‌فراس حلّی، تنبیه‌الخواطر و نزهة النواظر، ج۳، ص۱۲۷. ■ ۷. علی‌بن‌حسن طبرسی، مشکات الانوار، ص۴۵. ■ ۸. محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ج۳، به نقل از الترغیب. ■ ۹. بقره: ۴۴: آیا مردم را به نیکی (و ایمان به پیامبری که صفات او آشکارا در تورات آمده) دعوت می‌کنید، اما خودتان را فراموش می‌نمایید)؟! ■ ۱۰. صفّ: ۲ـ۳: چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟ نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگویید که عمل نمی‌کنید. ■ ۱۱. هود: ۸۸: من هرگز نمی‌خواهم چیزی که شما را از آن باز می‌دارم، خود مرتکب شوم. ■ ۱۲. ورّام‌بن‌ابی‌فراس حلّی، تنبیه‌الخواطر و نزهة النواظر، ج۲، ص۱۲. ■

پیشنهادهای اجرایی هفته

■ جلسه با هیئت امنای مسجد ■ برگزاری مراسم زیارت عاشورا از اول محرم تا اربعین ■ برگزاری مراسم شهادت امام زین العابدین علیه السلام ■ برگزاری مراسم دعای توسل (سه شنبه) ■ نصب تراکت هایی با موضوع آرایه های فردی نمازگزاران در مسجد ■ تهیه دستگاه خوشبو کننده برای مسجد و نیز عطرهای صلواتی برای استفاده مردم هنگام ورود به مسجد (جهت فرهنگ سازی) ■ خطابه راجع به نظم اجتماعات مسلمین به ویژه نماز جماعت ■ تشکیل هسته های مطالعاتی ■ برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه) ■ تجلیل از دانش آموزان بسیجی مسجد در روز بسیج دانش آموزی ■ برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید ■ خطابه در روزها و شب های محرم ■ برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه) ■ خطابه با موضوع عزت مداری سیدالشهداء علیه السلام در روز عاشورا و اثرات آن در انقلاب اسلامی و حکومت امام خمینی در عدم پذیرش کاپیتولاسیون

غیبت صغرا، آغاز و انجام آن

غیبت امام مهدی (ع) شامل دو دوره کوتاه و بلند است. دوران غیبت کوتاه، همزمان با شهادت امام عسکری (ع) در سال ۲۶۰ ق شروع شد و به هنگام درگذشت «علی بن محمد سمری» آخرین نایب خاص حضرت در سال ۳۲۹ ق پایان یافت.

شهادت امام عسکری (ع) و نماز بر آن حضرت

سرانجام، در هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ق امام عسکری (ع) به دست معتمد عباسی به شهادت رسید و شیعیان را عزادار کرد. جمعیت بسیاری برای تشییع و خاکسپاری آن حضرت، جمع شدند. عثمان بن سعید عمروی کار غُسل و کفن و دفن امام را عهده‌دار شد. هنگام نمازگزاردن بر بدن امام، جعفر برادر امام عسکری که مدعی امامت بود، خواست نماز میّت را بخواند؛ ولی ناگهان امام مهدی ظاهر شد و فرمود: «تاخر یاعم فأنا احق بالصلاة علی ابی؛[1] ای عمو، عقب بایست. من شایسته‌ترم که بر جنازه پدرم نماز بخوانم». پس از پایان نماز، امام مهدی رفت و هر چه مأموران خلیفه‌عباسی در پی او جست‌وجو کردند او را نیافتند و این، آغاز غیبت امام مهدی (ع) بود.

اختلافات فرقه‌ای پس از شهادت امام عسکری (ع)

در روایات فراوان از رسول خدا (ص)، بشارت ظهور آخرین حجت الهی آشکارا مطرح شده بود و عباسیان قیام این موعود الهی را مخالف با جریان حکومت ظالمانه خود می‌دانستند؛ به همین دلیل کوشیدند به خیال خود از عملی شدن این خبر غیبی جلوگیری کنند. آنان به همین منظور، خانه امام عسکری (ع) را تحت کنترل شدید قرار دادند، تا اگر فرزندی از آن حضرت متولد شد، او را شهید کنند.

از آنجاکه امام حسن عسکری در شرایط سختی به سر می‌برد، امور امامت و رهبری شیعه را پنهانی انجام می‌داد. آن حضرت به ویژه امر مهم جانشینی پس از خود و جریان ولادتِ مهدی (ع) را مخفی نگه داشت؛ به همین دلیل بود که

در زمان حیات امام عسکری علیه‌السلام تنها گروه اندکی از شیعیان خاص، از ولادت حضرت آگاه شدند.

جوّ اختناق و نیز ولادت پنهانی امام دوازدهم از یک‌سو و ادعای امامت جعفر ـ برادر امام عسکری علیه‌السلام ـ از سوی دیگر، سبب حیرت و سرگردانی گروه‌هایی از شیعیان شد؛ به گونه‌ای که پس از شهادت امام عسکری علیه‌السلام، چهارده فرقه در میان شیعه به وجود آمد که در اعتقاد به امام دوازدهم به انحراف رفتند؛ ولی مهم این است که با تلاش اصحاب امام عسکری علیه‌السلام و خواص شیعه و نایبان خاص و علما، امر ولادت امام مهدی برای شیعیان روشن و مسلم شد. به همین سبب، آن تفرّق و پراکندگی به وحدت و یکپارچگی تبدیل شد و از آن فرقه‌ها، تنها نام و تاریخچه‌ای در کتاب‌ها به جای ماند؛ به گونه‌ای که شیخ مفید، می‌نویسد: «در این سال ـ یعنی سال ۳۷۳ ق ـ و در زمان ما، دیگر هیچ اثری از این گروه‌ها باقی نمانده است و همه از بین رفته‌اند.[۲]»

بنابراین شبهه افکنی بعضی از مخالفان مبنی بر اختلاف شیعه بر سر امامت دوازدهمین امام و ولادت او، یک جوسازی دروغین بیش نیست و گواه بر این مطلب، وحدت و یکپارچگی شیعه در جهان امروز بر امامت امام دوازدهم مهدی علیه‌السلام موعود است.

پی‌نوشت

۱. کمال الدین و تمام‌النعمة، ج۲، ص۴۵۷. ■ ۲. الفصول المختارة، ص۳۲۱؛ مجله حوزه، ش ۷۱ ـ ۷۰، ص۷۰.

شنبه ۲ آبان

عاشورای حسینی

۱۰ محرم ۱۴۳۷

24 Oct 2015

اذان صبح: ٤:٥٤

طلوع آفتاب: ٦:١٨

اذان ظهر: ١١:٤٩

اذان مغرب: ١٧:٣٧

عاشورای حسینی (تعطیل)
تاسیس سازمان ملل و روز ملل متحد (١٣٢٤ هش)
وفات ام سلمه همسر بزرگوار حضرت رسول اکرم صل الله علیه و آله (٦٢ یا ٦٣ هق)

روشنگری عاشورا

منطق امام حسین علیه‌السلام و یاران ایشان، صراحت و روشنی در نشان دادن نقطه‌های تاریک و سیاه و در مقابل آن، ترسیم زیبایی‌ها و فضیلت‌هاست.

در منزل بیضه، رویاروی سپاه انبوه حر، همگان دیدند که حنجره بیدارگر و بیدادستیز امام فریاد می‌زند که: «ای مردم! رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «هرکس فرمانروایی بیدادگر را بیابد که حرام خدا را حلال بشمرد، پیمان خدا را بشکند با سنت پیامبر خدا بستیزد و در میان بندگان خدا به گناه و تجاوز و حرمت‌شکنی عمل کند و با وی به کردار و گفتار رویارویی و مبارزه نکند بر خداست که وی را در همان جایگاه ستم‌گر - جهنم و شعله عذاب - درافکند. ای مردم آگاه باشید که اینان پیروان شیطان‌اند و رها کردگان و گسستگان از اطاعت خدای رحمان. فساد را گسترده‌اند، حدود الهی را تعطیل کرده‌اند، بیت‌المال را در قبضه خویش آورده‌اند، حرام خدا حلال و حلال خدا را حرام ساخته‌اند و من بیش از هرکس سزاوار آنم که با اینان بستیزم و درآویزم.» در رزمگاه عاشورا، یاران رشید و شجاع اباعبدالله، بارها به روشن‌گری می‌پرداختند. اسلم ترکی در رجز خویش به تلویح، به تحقیر عمر سعد می‌پردازد و آزمندی و دنیازدگی او را نکوهش و سرزنش می‌کند: «دریا از ضربه‌های شمشیر و نیزه من شعله‌ور می‌شود و فضا از تیرهای پروازگرم سرشار می‌گردد. آنگاه که شمشیر در دست راستم درخشش آغاز کند، قلب حسود آزمند (عمر سعد) را می‌شکافد.»

(فضیلت ها و ویژگی های یاران امام حسین علیه‌السلام ، ص۹)

یکشنبه ۳ آبان

اذان صبح: ٤:٥٥
طلوع آفتاب: ٦:١٩
اذان ظهر: ١١:٤٨
اذان مغرب: ١٧:٣٦

١١ محرم ١٤٣٧

25 Oct 2015

حرکت کاروان اسیران از کربلا (٦١ق)
روز تجلیل از اسرا و مفقودان

در کشتن تو پروایی از قرآن نداشتند ...

سرهای همه شهیدان را بریده بودند و به تناسب قبایلی که در سپاه عمربن سعد بودند، سرها تقسیم شد. قبیله کنده ۱۳ سر، قبیله هوازن ۲۰ سر و ... . سرها را بر نیزه گزارده و بلندترین نیزه نیزه‌ای بود که سر امام حسین علیه‌السلام بر آن بود....

«دیک‌الجن» از جمله شاعران مشهور عرب در مرثیه‌ای در شهادت امام‌حسین علیه‌السلام می‌سراید:

و کانما بک یا ابن بنتِ محمد قتلوا جهاراً عامدین رسولاً (گویی با کشتن تو آنان آشکارا پیامبر را کشته‌اند.)

قتلوک عطشاناً و لم یترقَّبوا فی قتلک التنزیلَ و التأویلا (تو را تشنه کشتند و در کشتن تو پروایی از قرآن و از تنزیل و تأویل نداشتند.)

سـپیده‌دم، سـپاه برای بازگشت به کوفه آرایش پیدا کرده بود. هر قبیله با سرهایی که در اختیار داشت، تکبیر گویان حرکت می کرد. وقتی از میدان جنگ می‌گذشتند، پیکرهای پاره‌پاره شهیدان در برابر چشم اسیران بود. صدای گریه‌ها در یکدیگر مثل رشته‌هایی از روشنایی پیوند خورده بود. به یادشان آمده بود از مدینه که حرکت می کردند، همه جوانان و یاران حسین و عباس زنان را با حرمت در محمل‌ها نشانده بودند. زینب با نگاه به میدان جنگ و اجساد چنین گفت:

یا مُحَمَّداه! صَلّی عَلَیکَ السَّماءِ هذا حُسَینٌ مُرَمَّلٌ بالدِّماءِ مُنْقَطَعُ الاعْضاءِ وَ بَناتُکَ سَبایا و ذُریتُک مُقتَّلَةٌ تَسفی علیها الصَّبا. الیَ اللّهِ الْمُشْتَکی وَ اِلیَ مُحَمَّدٍ المُصطَفی وَ اِلی عَلیٍّ المُرْتَضی وَ الی فاطِمَةَ الزَهراء وَ الی حَمْزَةَ سَیّدِ الشُّهَداءِ! (پیام آور عاشورا)

دوشنبه ۴ آبان

اذان صبح: ٤:٥٦
طلوع آفتاب: ٦:٢٠
اذان ظهر: ١١:٤٨
اذان مغرب: ١٧:٣٥

۱۲ محرم ١٤٣٧
26 Oct 2015

شهادت حضرت امام زین العابدین علیه السلام (۹۵ هق)
دفن شهدای کربلا، ورود اهل بیت به کوفه (٦١ هق)
اعتراض و افشاگری حضرت امام خمینی رحمة الله علیه علیه‌پذیرش کاپیتولاسیون (۱۳۴۳ ه ش)

آمادگی برای مرگ ...

چون می‌خواست به مستمندی صدقه دهد، نخست او را می بوسید؛ سپس آنچه همراه داشت به او می‌داد و چون گدایی نزد او می‌آمد می‌فرمود: مرحبا به کسی که توشه مرا به آخرت می‌برد. روزی که روزه می‌گرفت گوسفندی را می‌کشت و هنگام عصر سر دیگ می رفت و می گفت این ظرف را برای فلان خانه و این ظرف را برای فلان خانه ببرید. سپس خود با نان و خرما افطار می‌کرد.

سفیان بن عیینه روایت می‌کند که شبی سرد و بارانی علی بن حسین را دیدم که آرد و هیزم در پشت داشت و می‌رفت. گفتم پسر رسول خدا این چیست ؟ فرمودند: سفری در پیش دارم و توشه آن را آماده کرده‌ام تا در جای امنی بگذارم. ایشان گفت غلام من آن را بیاورد؟

حضرت در جواب فرمودند: نه، اجازه بدهید خودم آن را بردارم. چیزی که در سفر به کار من می‌آید و در آمدنِ مرا بر مهماندارم خوش می‌سازد، چرا خود بر ندارم. تورا به خدا مرا بگذار و به کار خود مشغول باش .

پس از چند روزی چند از ایشان پرسیدم سفری که در پیش داشتید چه شد؟ فرمودند زهری چنانچه می‌پنداشتی نیست. آن سفر، سفر مرگ است و من برای آن خود را آماده می‌کنم . آمادگی برای مردن، دوری از حرام و بخشش و کار نیک است.

(زندگانی علی بن الحسین علیهما السلام)

سه‌شنبه ۵ آبان

اذان صبح: ٤:٥٧
طلوع آفتاب: ٦:٢١
اذان ظهر: ١١:٤٨
اذان مغرب: ١٧:٣٤

١٣ محرم ١٤٣٧
27 Oct 2015

مرگ با عزت

فرهنگ امام حسین علیه‌السلام فرهنگ عزت و پاسداشت حریم حرمت مؤمنانه است. یاران امام حسین علیه‌السلام طنین پرشکوه این سخن مولایشان را در گوش داشتند که مرگ همراه باعزت از زیستن ذلیلانه بهتر و برتر است. (مناقب آل ابی‌طالب، ج ۴، ص ۸۹) یعنی اگر عزیز بمیری بهتر از آن است که ذلیل و زبون بمانی. یاران و باورمندان همراه امام حسین علیه‌السلام عزیز بودند و همین عزت، هراس از دل‌هایشان شسته بود و وفاداری، جان‌نثاری، استواری و صلابت و شوکت را در رفتارشان رقم‌زده بود. آنان شاگردان و پروردگان مکتب امامی بودند که در منزلگاه شراف، وقتی حربن یزید ریاحی راه بر امام بست و به مرگ و شمشیر تهدید کرد، امام در پاسخش فرمود: «شأن و جایگاه من، شأن و جایگاه هراس‌زدگان از مرگ نیست. مرگ درراه رسیدن به عزت و احیای حق چه قدر آسان و دل‌پذیر است! مرگ درراه عزت، جز جاودانگی و زیستن با ذلت جز مرگی تهی از زندگی نیست. آیا از مرگم می‌ترسانی؟ تیر در کمان خطا نهاده‌ای و گمان تباه و ناروا برده‌ای. من آن نیستم که از مرگ بهراسم. منش من فراتر و همت من والاتر از آن است که ترس از مرگ شانه‌هایم را به تحمل بار ستم بکشاند. آیا تو جز مرگ و کشتن من کاری دیگر می‌توانی؟ درود و آفرین بر مرگ درراه خدا باد. زنده‌باد مرگ عاشقانه! شما قادر به نابودی شوکت و عظمت و شرف و عزت من نیستید. پس همین است که پروای کشته شدنم نیست.» (احقاق الحق و ازهاق الباطل، ج ۱۱، ص ۶۰۱)

چهارشنبه ۶ آبـــان

اذان صبـــح: ٤:٥٨
طلوع آفتاب: ٦:٢٢
اذان ظهـــر: ١١:٤٨
اذان مغـرب: ١٧:٣٢

١٤ محرم ١٤٣٧
28 Oct 2015

عقوبت عاجل

اغلب لشکر یزید پس از کربلا به دلیل نفرین امام علیه‌السلام به نکبت و بدبختی گرفتار شدند. روز عاشورا امام حسین علیه‌السلام به عمر سعد فرمودند: گمان مبر به آنچه تو را به آن وعده کرده‌اند، خواهی رسید! تو پس از من، اندکی از غذای عراق را خواهی خورد. عمر سعد با پوزخندی به این پیش گویی امام پاسخ داد، اما او توسط مختار کشته شد و هرگز به عمارت ری نرسید (مناقب ابن شهرآشوب ج ۴ ص ۵۵). در ماجرایی دیگر، هنگامی که امام حسین علیه‌السلام از شدت تشنگی به سمت فرات رفت تا آبی بیاشامد، یکی از اشقیای کربلا به نام «زُرعَه»، تیری به گلوی امام زد و خون جاری شد و امام نتوانست حتی یک جرعه از آن آب بنوشند. امام او را نفرین فرمود: «خدایا تشنگی را بر او بچشان!». گفته‌اند چنان عطش بر او مستولی می‌شد که از آب و شیر آن مقدار می‌خورد که با خوردن آن مقدار، پنج نفر سیراب می‌شدند؛ اما پس از اتمام فریاد می‌زد: از شدت تشنگی هلاک شدم. (بحارالانوار ج ۴۵ ص ۳۱۱). حرمله نیز سرنوشتی عجیب یافت. منهال بن عمرو می‌گوید: بر امام سجاد علیه‌السلام وارد شدم. امام از حال حرمله از من پرسید. عرض کردم: هنگامی که از کوفه خارج می‌شدم، زنده بود و به مقام بالایی دست‌یافته بود. امام سه مرتبه فرمودند: «خدایا بر او گرمای شمشیر را بچشان». پس از مدتی مختار حرمله را می‌یابد و دستور می‌دهد دستان و پاهای او را با شمشیر قطع کنند و بعد او را بسوزانند. (امالی شیخ طوسی مجلس نهم ص ۲۳۸).

آغاز هفته کتاب و کتابخوانی (۷ تا ۱۳ آبان)

پنج‌شنبه ۷ آبان

اذان صبح: ٤:٥٨
طلوع آفتاب: ٦:٢٣
اذان ظهر: ١١:٤٨
اذان مغرب: ١٧:٣١

١٥ محرم ١٤٣٧
29 Oct 2015

جوانان، اهل عمل!

مفضل بن عمرو، نماینده امام صادق عليه‌السلام در شهر کوفه بود و وظیفه داشت به مشکلات دینی، مالی و اجتماعی مردم کوفه رسیدگی کند و در این رابطه با جوانان شهر ارتباط صمیمانه و مستحکمی برقرار کرده بود، اما عده‌ای نتوانستند این دوستی را تحمل کنند و به ناچار به شایعه و افترا روی آوردند. در نتیجه این شایعات، گروهی از مؤمنان کوفه به محضر امام صادق عليه‌السلام نوشتند: «مفضل با افراد رذل و شراب‌خوار و کبوترباز همنشین است، شایسته است دستور دهید این افراد را از خود دور سازد.» امام صادق عليه‌السلام بدون اینکه با آنان در این‌باره سخن بگوید، نامه‌ای برای مفضل نوشته و به آنان سپرد تا خودشان شخصاً به مفضل برسانند. آنان به کوفه برگشته و دسته جمعی به خانه او شتافتند و نامه را به دست مفضل دادند. امام عليه‌السلام به مفضل دستور داده بود که: چیزهایی بخرد و به محضر امام عليه‌السلام ارسال کند. در این نامه اصلاً اشاره‌ای به شایعات نشده بود. مفضل نامه را به دست همه حاضران داد تا بخوانند. سپس از آنان پرسید: اکنون چه باید کرد؟ گفتند: این اشیاء خیلی هزینه دارد. باید بنشینیم، تبادل نظر کنیم و از شیعیان یاری جوییم. در واقع هدفشان این بود که فعلاً خانه مفضل را ترک کنند. مفضل گفت: تقاضا می کنم برای صرف غذا در اینجا بمانید. آنان به انتظار غذا نشستند. مفضل افرادی را به سراغ همان جوانانی که از آنها بدگویی شده بود فرستاد. وقتی جوانان نزد مفضل آمدند، نامه حضرت صادق عليه‌السلام را برایشان خواند. آنان با شنیدن کلام امام صادق عليه‌السلام برای انجام فرمان حضرت از خانه خارج شدند و پس از مدت کوتاهی بازگشتند. هر کدام به اندازه وسع خویش روی هم نهاده و در مجموع دو هزار دینار و ده هزار درهم در برابر مفضل نهادند. آنگاه مفضل به شکایت کنندگان که هنوز از صرف غذا فارغ نشده بودند نگریست و گفت: شما می گویید این جوانان را از خودم برانم و گمان می کنید خدا به نماز و روزه شما نیازمند است؟!» (معجم رجال الحدیث، ج ۱۹، ص ۳۲۵)

جمعه ۸ آبان

اذان صبح: ٤:٥٩
طلوع آفتاب: ٦:٢٤
اذان ظهر: ١١:٤٨
اذان مغرب: ١٧:٣٠

١٦ محرم ١٤٣٧

30 Oct 2015

روز پدافند غیر عامل
شهادت محمدحسین فهمیده بسیجی ۱۳ ساله
روز نوجوان و بسیج دانش آموزی
درگذشت شاعر نامدار انقلاب دکتر قیصر امین پور (۱۳۸٦ ه‍ش)

تحمل مخاطب

باید مخاطب را با تمام عواطف، احساسات و علایقش پذیرفت و هرگز با صراحت و تندی خواسته‌های او را رد نکرد. گوش دادن و پذیرفتن جوان، زمینه‌ی ارتباط عاطفی را فراهم می‌کند، پس پذیرش جوان را مشروط به چگونگی رفتارش نکنید.

پذیرش احساسات جوان، چه منفی و چه مثبت، به منزله‌ی تأیید احساسات وی نیست؛ بلکه زمینه‌ای است برای آرام کردن و هدایت احساسات منفی وی در جهت مثبت.

امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «کسی که با افراد با مسامحه برخورد کند، از مصاحبت آنان بهره‌مند می‌گردد.» (غرر الحکم، ح ٨٨٦١)

در مقابل احساسات پرشور جوان باید خاموش بود؛ چرا که هر سخنی ممکن است او را به عصبانیت بیش‌تر بکشاند. از طرف دیگر، باید بگذارید او به طور طبیعی پیامدهای رفتار خویش را تجربه کند تا یاد بگیرد در زندگی چگونه با مشکلات کنار بیاید و طعم بعضی از ناکامی‌ها و شکست‌ها را بچشد. اگر در چنین موقعیتی بخواهید او را موعظه و نصیحت کرده و از کارهایش عیب بگیرید، فوراً رنجیده می‌شود و موضع دفاعی به خود می‌گیرد، لذا نه تنها جذب نمی‌شود، بلکه زمینه‌دفع و لجاجت او نیز فراهم می‌شود.

شاید بپرسید: در بسیاری موارد، رفتارها و گفته‌های جوانان مورد تأیید ما نیست؛ چه کنیم؟

جواب: اعمال و رفتاری که مورد تأییدتان نبود را قبول نکنید؛ اما با توجه به هدف ارزشمندی که دارید، برای مدتی او را تحمل کنید تا بتوانید به قلب وی وارد شوید و سپس رفتار و احساساتش را اصلاح نمایید. (با تصرف از کتاب «شیوه جذب جوانان»، محمد اسماعیلی مبارکه)

﴿يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تُلْهِكُمْ أَمْوالُكُمْ وَ لا أَوْلادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللهِ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذلِكَ فَأُولئِكَ هُمُ الْخاسِرُونَ﴾[1]؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال و فرزندانتان شما را از یاد خدا غافل نکند! و کسانی که چنین کنند، زیان‌کارانند!

نکات تفسیری

۱ـ در این چند آیه به مؤمنین تذکّر می‌دهد که از بعضی صفات، که باعث پیدایش نفاق در قلب می‌شود بپرهیزند؛ یکی از آنها سرگرمی به مال و اولاد و غافل شدن از یاد خداست و دیگری بخل است.

کلمه «تلهی» از مصدر«الهاء» گرفته شده و این کلمه به معنای مشغول و سرگرم شدن به کاری و غفلت از کاری دیگر است، منظور از « الهاء اموال و اولاد از ذکر خدا» این است که اشتغال به مال و اولاد، انسان را از یاد خدا غافل کند، چون خاصیت زینت حیات دنیا همین است که آدمی را از توجه به خدای تعالی باز می‌دارد؛ همچنان که فرمود: «الْمالُ وَ الْبَنُونَ زِينَةُ الْحَياةِ الدُّنْيا»[2]

اشتغال به این زینت، دل را پر می‌کند و دیگر جایی برای ذکر خدا و یاد او باقی نمی‌ماند و غیر از گفتار بی‌عمل و ادعای بدون تصدیق قلبی، برایش توشه‌ای نمی‌ماند. و بنابراین فراموشی پروردگار از ناحیه عبد، باعث می‌شود که پروردگار هم او را از یاد ببرد، هم چنان که فرمود: «نَسُوا اللهَ فَنَسِيَهُمْ»[3] و این خود خسرانی است آشکار، هم چنان که باز در صفت منافقین فرمود: «أُولئِکَ الَّذينَ اشْتَرَوُا الضَّلالَةَ بِالْهُدی فَما رَبِحَتْ تِجارَتُهُمْ»[4]. در آیه مورد بحث نیز به همین معنا اشاره نموده، می‌فرماید: «وَ مَنْ يَفْعَلْ ذلِکَ فَأُولئِکَ هُمُ الْخاسِرُونَ».

نکته دیگر این که در آیه شریفه از مال و اولاد نهی کرده و فرموده: «مال و اولادتان، شما را از یاد خدا غافل نسازد؛» در حالی که باید فرموده باشد: «شما سرگرم به مال و اولاد نشوید» و این به جهت اشاره به این مطلب است که خاصیّت مال و اولاد در این است که انسان را از یاد خدا غافل سازد. پس مؤمنین نباید به آنها دل ببندند، و گرنه مؤمنین هم مانند سایرین از یاد خدا غافل می‌شوند، پس نهی در آیه، نهی کنایه‌ای است، که از تصریح مؤکدتر است.[5]

۲ـ درست است که اموال و اولاد از مواهب الهی هستند، ولی تا آنجا که از آنها در راه خدا و برای نیل به سعادت کمک گرفته شود؛ اما اگر علاقه افراطی به آنها سدّی در میان انسان و خدا ایجاد کند، بزرگ‌ترین بلا محسوب می‌شوند، چنان که در داستان منافقین در آیات گذشته دیدیم، یکی از عوامل انحراف آنها همین حبّ دنیا بود.

در بیان اینکه منظور از ذکر خدا در این آیه چیست، مفسران احتمالات زیادی ذکر کرده‌اند. بعضی آن را به نمازهای پنج‌گانه و بعضی شکر نعمت و صبر بر بلا و رضای به قضا و بعضی حج و زکات و تلاوت قرآن و بعضی به تمام فرائض تفسیر کرده‌اند، ولی روشن است ذکر خدا معنی وسیعی داشته که همه این موارد و غیر اینها را شامل می‌شود. بنابراین تفسیر به امور فوق از قبیل ذکر مصداق‌های روشن است.

تعبیر به«خاسرون» (زیانکاران) به خاطر آن است که حبّ دنیا، چنان انسان را سرگرم می‌کند که سرمایه‌های وجودی خویش را در راه لذات ناپایدار و گاهی اوهام و پندارها، صرف می‌کند و با دست خالی از این دنیا می‌رود؛ در حالی که با داشتن سرمایه‌های بزرگ برای زندگی جاویدان در آخرت، کاری نکرده است.[6]

۳ـ از موانع انفاق، حبّ شدید انسان به مال و فرزندان است، ازاین‌رو، در آیاتی دیگر برخی از بستگان نزدیک انسان، دشمن او خوانده شده‌اند: «یاأیُّها الّذینَ ءامَنوا انَّ مِن ازوجِکُم و اولدِکُم عَدُوًّا لَکُم فَاحذَروهُم».[7] سرّ این نکته آن است که گاه علاقه شدید انسان به زن و فرزند، باعث باز ماندن انسان از کارهای نیک می شود.[8]

حدیث

۱ ـ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه‌السلام قَالَ: مَا ذِئْبَانِ ضَارِیَانِ فِی غَنَمٍ لَیْسَ لَهَا رَاعٍ هَذَا فِی أَوَّلِهَا وَ هَذَا فِی آخِرِهَا بِأَسْرَعَ فِیهَا مِنْ حُبِّ الْمَالِ وَ الشَّرَفِ فِی دِینِ الْمُؤْمِنِ.[9]

امام جعفر صادق علیه‌السلام در این رابطه میفرماید: دو گرگ درنده در یک گله بی‌چوپان، که یکی در اول گله و دیگری در آخر آن باشد، آن قدر ضرر نمی‌زنند که مال پرستی و جاه‌طلبی به دین مؤمن ضرر می‌رسانند!

۲ ـ عن النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله: أخافُ علی اُمّتی ثَلاثا: ضَلالةَ الأهواءِ، و اتّباعَ الشَّهَواتِ فی البُطُونِ و الفُرُوجِ، و الغَفْلَةَ بَعْدَ المَعْرِفهْ.[10]

پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: از سه چیز برای امّت خود بیمناکم: گمراه کنندگی هواهای نفسانی، شکم بارگی و شهوترانی و غفلت بعد از شناخت.

داستان

حضرت عیسی علیه‌السلام با پیروانش سیاحت می‌کرد. به دهکده ای رسید که تمام ساکنین آن در بین راه و خانه‌هایشان مرده بودند. حضرت عیسی علیه‌السلام فرمود: اینان به مرگ طبیعی نمرده‌اند، قطعاً گرفتار غضب الهی شده‌اند، اگر غیر از این بود، یکدیگر را دفن می‌کردند. پیروانش گفتند: ای کاش ما می‌دانستیم قضیه اینان چه بوده است! به عیسی علیه‌السلام خطاب رسید مردگان را صدا بزن! یک نفر از آنان تو را جواب خواهد داد. حضرت عیسی صدا زد: ای اهل قریه! یکی از آنان پاسخ داد: بلی! چه می گویی یا روح الله؟ - حالتان چگونه است و قضیه شما چه بوده است؟ - ما صبحگاه با کمال سلامتی و آسوده خاطر سر از خواب برداشتیم، اما شبانگاهان همه در هاویه افتادیم! - هاویه چیست؟ - دریایی از آتش است که کوه‌های آتش در آن موج می زند. - به چه جهت به این عذاب گرفتار شدید؟ - محبت دنیا و اطاعت از طاغوت، ما را چنین گرفتار نمود. - چه اندازه به دنیا علاقه داشتید؟ - مانند علاقه کودک شیرخوار به پستان مادر! هر وقت دنیا به ما روی می‌آورد، خوشحال می‌شدیم و هرگاه روی برمی‌گرداند، غمگین می‌گشتیم. آن گاه حضرت عیسی علیه‌السلام مکثی کردند و سپس پرسیدند: تا چه حد از طاغوت اطاعت می‌کردید؟ - هر چه می‌گفتند اطاعت می‌نمودیم. - چرا از میان مردگان فقط تو جوابم دادی؟ - زیرا آنان دهانشان لجام آتشین زده شده و ملائکه تندخو و سختگیری مأمور آنان هستند. من در میان آنان بودم، ولی در رفتار از ایشان پیروی نمی‌کردم. هنگامی که عذاب خداوند نازل شد، مرا نیز فرا گرفت. اکنون با یک موی کنار جهنم آویزانم، می‌ترسم در میان آتش بیفتم! عیسی علیه‌السلام رو به جانب پیروانش کرد و گفت: در زباله دان خوابیدن و نان جوین خوردن شایسته خواهد بود، اگر دین انسان سالم بماند.[11]

نتیجه

از آیات قرآن می‌توان چنین نتیجه گرفت خطری که به وسیله «غفلت» و بی خبری از «یاد خدا» و مسایل سرنوشت ساز زندگی، متوجّه سعادت انسان می‌شود، بیش از آن است که غالباً تصور می‌کنیم. «غفلت» همه ارکان سعادت ما را ویران می‌سازد و مانند آتش سوزان، خرمن زندگی را می‌سوزاند و تمام امکانات و استعدادهای خداداد را برباد می‌دهد.

پی‌نوشت

۱.سوره منافقون، آیه ۹. ■ ۲.مال و فرزندان، زینت حیات دنیا هستند. سوره کهف، آیه ۴۶. ■ ۳.سوره توبه، آیه، ۶۷. ■ ۴.اینان کسانی هستند که ضلالت را با سرمایه هدایت خریدند و تجارتشان سود نکرد. سوره بقره، آیه ۱۶. ■ ۵.ترجمه تفسیر المیزان، ج۱۹، ص، ۴۹۰. ■ ۶.تفسیر نمونه، ج۲۴، ص، ۱۷۳. ■ ۷.ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بعضی از همسران و فرزندانتان دشمنان شما هستند، از آنها بر حذر باشید و اگر عفو کنید و چشم بپوشید و ببخشید، (خدا شما را می‌بخشد)؛ چرا که خداوند بخشنده و مهربان است! سوره تغابن، آیه ۱۴. ■ ۸.المیزان، ج ۱۹، ص، ۳۰۷. ■ ۹.الکافی (ط - الإسلامیة)، ج۲، ص، ۳۱۵. ■ ۱۰.نهج الفصاحة، ص، ۱۷۳. ■ ۱۱.بحار، ج ۱۴، ص ۳۲۲. ■

پیشنهادهای اجرایی هفته

- برگزاری زیارت عاشورا از اول محرم تا اربعین
- دعوت از اهالی مسجد برای بیان نظرات درباره زیباسازی مسجد
- تشکیل جلسه بانوان مسجد، جهت زیباسازی و مناسب سازی محل اقامه نماز بانوان
- برگزاری مراسم توسل به اهل بیت علیهم السلام
- برنامه ریزی برای حضور و شرکت دسته جمعی جوانان در راهپیمایی ۱۳ آبان
- برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید
- برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه)
- برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه)

فلسفه غیبت حضرت حجّت علیه‌السلام

بحث از چرایی‌ها و اسباب پنهان‌زیستی حضرت مهدی علیه‌السلام، یکی از مسایل مورد توجه علاقه‌مندان به مباحث مهدویّت بوده است. در پاسخ به این پرسش، با بهره از کلام معصومان به برخی از حکمت‌ها و علل این رویداد، اشاره می‌شود.

غیبت حضرت مهدی علیه‌السلام؛ رازی از رازهای خداوند

پیش از آن‌که به برخی حکمت‌ها و علت‌های ظاهری غیبت آن حضرت اشاره شود، نخستین نکته، این است که پنهان‌زیستی آخرین ذخیره‌الهی، به طور قطع از اسرار خداوند است. رسول خدا در این باره فرموده است:

> یَا جَابِرُ إِنَّ هَذَا أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ سِرٌّ مِنْ سِرِّ اللهِ عِلْمُهُ مَطْوِیٌّ عَنْ عِبَادِ اللهِ إِیَّاکَ وَ الشَّکَّ فِیهِ فَإِنَّ الشَّکَّ فِی أَمْرِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ کُفْرٌ؛[1]
>
> ای جابر! همانا این، امری است از جانب خداوند و سِرّی است از اسرار خدا که بر بندگان او پوشیده است؛ پس بر حذر باش که دچار تردید نشوی. همانا شک درباره خدا کفر است.

۱. حفظ جان حضرت حجّت

در بررسی روایات مربوط به غیبت حضرت حجت علیه‌السلام در می‌یابیم یکی از حکمت‌های ظاهری پنهان‌زیستی حضرت، درامان ماندن حضرت ایشان از گزند بدخواهان و ستمگران است. شیخ طوسی در کتاب الغیبه، چنین آورده است:

> هیچ علّتی جز بیم حضرت از کشته شدن خویش، مانع ظهور وی نیست. اگر این‌گونه نباشد، نهان‌بودن در پس پرده غیبت، برایش روا نخواهد بود. آن محبوب دل‌ها، دشواری‌ها و آزار و اذیّت را تحمل می‌کند؛ زیرا مقام و جایگاه والای امامان و پیامبران به سبب تحمل رنج در راه خدا بوده است.

۲. برای امتحان و آزمایش انسان‌ها

یکی دیگر از حکمت‌های غیبت حضرت حجت، آزمایش مردم است. از آن‌جا که این نوع آزمایش، به دلیل عدم حضور ظاهری امام، بسیار طاقت‌فرسا است، در تکامل روحی انسان‌ها نقش بسیار مهم و مؤثری دارد. جابر جعفی به امام باقر عليه‌السلام عرض کرد: فرج شما چه هنگام خواهد بود؟ حضرت فرمود:

هَیْهَاتَ هَیْهَاتَ لَا یَکُونُ فَرَجُنَا حَتَّی تُغَرْبَلُوا ثُمَّ تُغَرْبَلُوا ثُمَّ تُغَرْبَلُوا یَقُولُهَا ثَلَاثاً حَتَّی یَذْهَبَ الْکَدِرُ وَ یَبْقَی الصَّفْوُ؛[۲]

هیهات، هیهات [و سه بار تکرار کرد] فرج ما فرا نمی‌رسد تا زمانی که شما غربال شوید، تا خداوند ناخالصی‌ها را محو و نابود کند و آنچه خالص و زلال است باقی نهد.

۳. برای آزادگی از بیعت دیگران

مضمون برخی روایات، این است که آن حضرت، با غیبت خود، از بیعت با طاغوت‌های زمان در امان خواهد بود. امیرمؤمنان علی عليه‌السلام می‌فرماید:

اِنَّ القائِمَ مِنّا اِذا قامَ لَمْ تَکُنْ لِاَحَدٍ فِی عُنُقِهِ بَیعَةٌ فَلِذلِکَ تُخفی وِلادَتُهُ وَیَغیبُ شَخْصُهُ؛[۳]

همانا قائم از ما اهل بیت عليهم‌السلام هنگامی که قیام می‌کند، بیعت احدی بر گردن او نیست و به همین علت است که ولادتش پنهان نگه داشته می‌شود و شخص او غایب است.

۴. برای تأدیب انسان‌ها

ادب کردن انسان‌ها به ویژه مسلمانان، یکی دیگر از دلایل غیبت است؛ چرا که بیشتر آن‌ها در زمان حیات و حضور امامان پیشین، آن‌گونه که شایسته بود از ایشان استفاده و حمایت نکردند. افزون بر آن، گاهی با برخوردهای ناشایست خود باعث محروم‌شدن جامعه بشری از فیض آن‌ها شدند. امیرمؤمنان، علی عليه‌السلام در این‌باره فرمود:

...وَ اعْلَمُوا أَنَّ الأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ لِلهِ وَ لَکِنَّ اللهَ سَیُعْمِی خَلْقَهُ مِنْهَا بِظُلْمِهِمْ وَ جَوْرِهِمْ وَ إِسْرَافِهِمْ عَلَی أَنْفُسِهِم...؛[۴]

آگاه باشید زمین از حجّت الهی خالی نمی‌ماند؛ ولی خداوند به دلیل ستم پیشگی و زیاده‌روی انسان‌ها، آنان را از وجود حجّت خود محروم می‌کند.

پی‌نوشت

۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۸۷. ■ ۲. شیخ طوسی، کتاب الغیبة، ص۳۳۹. ■ ۳. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۰۳؛ طبرسی، اعلام الوری، ص ۴۲۶. ■ ۴. نعمانی، الغیبة، ص ۱۴۱، ح۲. ■

شنبه ۹ آبان

اذان صبح:	۵:۰۰
طلوع آفتاب:	٦:۲۵
اذان ظهر:	۱۱:٤۸
اذان مغرب:	۱۷:۲۹

۱۷ محرم ۱٤۳۷

31 Oct 2015

روز بسیج کارگری به مناسبت شهادت محمد جواد تندگویان وزیر نفت دولت شهید رجایی (۱۳۷۵هـ ش)

بر جوان آسان بگیر!

لازمه درک صحیح جوانان و نوجوانان و روحیات و شرایط آنها، درک این موضوع است که برای تربیت و آموزش به آنان باید صبر و حوصله بسیار به خرج داد و از عجله در امر تربیت پرهیز کرد، چرا که خود ما یک روزه به این حد از بلوغ فکری و شخصیتی نرسیده‌ایم تا بخواهیم انتظار داشته باشیم که نسل جوان و فرزندانمان بتوانند با سرعت، تمام آداب و نکات را بیاموزند. امام صادق علیه‌السلام در حدیثی گرانمایه به نقل از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند:

رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بِرِّهِ قَالَ قُلْتُ كَيْفَ يُعِينُهُ عَلَى بِرِّهِ قَالَ يَقْبَلُ مَيْسُورَهُ وَ يَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْسُورِهِ وَ لَا يُرْهِقُهُ وَ لَا يَخْرَقُ بِهِ فَلَيْسَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ أَنْ يَصِيرَ فِي حَدٍّ مِنْ حُدُودِ الْكُفْرِ إِلَّا أَنْ يَدْخُلَ فِي عُقُوقٍ أَوْ قَطِيعَةِ رَحِمٍ. (الکافی، ج۶، ص۵۰)

خداوند رحمت کند کسی را که فرزندش را بر نیکی کردن به خویش یاری می‌دهد. راوی می‌گوید پرسیدم: چگونه او را بر نیکی کردن به وی یاری می‌دهد؟ حضرت صادق علیه‌السلام فرمود: آنچه در توان اوست را می‌پذیرد و از آنچه برای او دشوار است می‌گذرد، او را بر کاری که از توانش بیرون است وادار نمی‌کند و بر او سخت نمی‌گیرد، فاصله میان فرزند و اینکه در حدّی از حدود کفر قرار گیرد، جز اینکه در عقوق (والدین) یا قطع رحم واقع شود، نیست.

یکشنبه ۱۰ آبان

اذان صبح: ۵:۰۱
طلوع آفتاب: ٦:۲٦
اذان ظهر: ۱۱:۴۸
اذان مغرب: ۱۷:۲۸

۱۸ محرم ۱٤۳۷

1 Nov 2015

شهادت آیت الله قاضی طباطبایی، اولین شهید محراب به دست منافقان (۱۳۵۷ هش)

تبلیغات خود را متوجه نسل جوان کن...

حضرت رسول صلی الله علیه و آله خطاب به والدین و مربّیان در برخورد با جوانان و نوجوانان می‌فرمایند: «أُوصیکُم بِالشّبان خیراً فانَّهُم اَرَقُّ افئِدةً؛ اِنّ اللّه بَعَثَنی بشیراً و نذیراً، فحالَفَنی الشَّباب و خالَفَنی الشیوخ، ثُمَّ قَرَاَ: فَطالَ عَلَیْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ؛ شما را درباره نوجوانان به نیکی سفارش می کنم؛ زیرا دل های آنان نازک‌تر است. خداوند مرا به پیامبری برانگیخت تا مردم را به رحمت الهی بشارت دهم و از عذابش بترسانم. جوانان سخنان مرا پذیرفتند و با من پیمان بستند. آنگاه این آیه (حدید، بخشی از آیه۱۶) را خواندند: پس، عمر آنان به درازا کشید و دل‌هایشان سخت گردید» (سفینة‌البحار، ج۲، ص ۱۷۶). مردی به نام ابوجعفر اَحْوَل از دوستان امام صادق علیه السلام، مدّتی به تبلیغ مذهب تشـیّع و نشر تعالیم اهل‌بیت علیهم السلام اشتغال داشت. روزی به محضر امام شرفیاب شـد. امام از او پرسید: مردم بصره در قبول روش اهل‌بیت و سرعت پذیرش آیین تشیّع چگونه‌اند؟ عرض کرد: تعداد اندکی از مردم، تعالیم اهل‌بیت را پذیرفتند. امام فرمود: تبلیغات خود را متوجّه نسل جوان و نوجوان کن و به آنان بپرداز؛ زیرا کودك و نوجوان، برای پذیرش حقّ و هدایت آمادگی دارند و حرف حقّ را زودتر می‌پذیرند. (بحارالأنوار، ج۲۳، ص۲۳٦)

حرکت کاروان اسیران کربلا
از کوفه به شام (٦١ هق)

تبلیغ صحیح از اسلام!

یکی از خطرناک‌ترین و قوی‌ترین عوامل از بین برنده‌ی اعتقادات جوانان، معرفی بد و ناصحیح اسلام است. نباید فقط روی یک بعد خاص از آیین اسلام تبلیغ کنیم، و یا در مسائل و احکامی دینی که نسبت به آنها اطلاع کافی و دقیق نداریم، بی‌مهابا اظهار نظر کنیم، و إلا سبب می‌شود تا دین مبین اسلام در ذهن دقیق و پرسشگر جوانان، آیینی افراطی، بی‌منطق و یا حتی ضد انسانی جلوه کند و اثر تخریبی چنین امری بسیار بیش از شبهه‌های القاء شده از ناحیه دشمن می‌باشد.

امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در تبیین همین مطلب می‌فرمایند:

«بیشترین چیزی که روی ذهن جوان اثر می‌کند، دو عامل است: یکی تبلیغات گوناگون دشمن است؛ تبلیغاتی که جوان را نسبت به حقایق مقدس اسلامی و حقایقی که در انقلاب به عنوان مسلمات و پایه‌ها و ستون‌های اصلی اعتقاد شناخته شده، سست و بی‌تفاوت کند. و عامل دوم، عدم تبیین و دفاع صحیح از این حقایق و اصول است. من گمان می‌کنم که تأثیر عامل دوم، کمتر از عامل اول نباشد؛ چون در نظام جمهوری اسلامی، به طور صریح و علنی، علیه اسلام و اصول اسلامی و مبانی اسلامی و معارف اسلامی، کمتر تبلیغ می‌شود و میدان برای تبلیغ وسیع باز نیست؛ بنابراین تبلیغ دشمن فقط سطح معینی را می‌پوشاند؛ در حالی که عامل دوم، دیگر حد و اندازه‌یی ندارد.» (۷۰/۰۶/۲۵)

روز سرباز گمنام

سه‌شنبه ۱۲ آبان

اذان صبح: ۵:۰۳
طلوع آفتاب: ۶:۲۸
اذان ظهر: ۱۱:۴۸
اذان مغرب: ۱۷:۲۶

۲۰ محرم ۱۴۳۷

3 Nov 2015

شهید چمران و جوانان موتورسوار

ما چند موتورسوار بودیم که از همه جای تهران به اطراف شهر می‌رفتیم و موتورسواری می‌کردیم. یک روز آقایی به اسم محسن طالب‌زاده آمد و گفت که وزیر دفاع آمده. ما شنیده بودیم که دکتر چمران وزیر دفاع است و چند سخنرانی‌اش را گوش کرده بودیم. ما هم رفتیم به دیدار ایشان. لحن خوبی داشت و به همین دلیل محو کلامش شدیم. تکیه کلامش عزیزجان بود. با ما احوالپرسی کرد و از وضعیت موتورسواری پرسید. خیلی خاکی برخورد می‌کرد. انگار نه انگار وزیر دفاع است.

از ما پرسید: «نمی‌ترسید با این سرعتِ بالا از تپه‌ها پایین می‌آیید؟» گفتیم: «نه.» گفت: «می‌توانید در جبهه همین کار را انجام دهید؟» گفتیم: «بله.» گفت: «آنجا شرایط فرق دارد و زیر آتش دشمن است.» گفتیم: «مسئله‌ای نیست.» فکر کردیم جنگ مثل فیلم‌هایی است که دیده بودیم. از من پرسید: «چند وقت است که موتورسواری می‌کنی؟» گفتم: «پنج، شش ساله.» گفت: «آقای طالب‌زاده چند موتورسوار را همراه کرده که به جبهه بیایند. اگر شما هم دوست داشتید، بیایید نخست وزیری تا به جبهه اعزام شوید. آنجا نیروهای مخصوص هستند که اگر با آن‌ها همراه شوید، پدر عراقی‌ها درمی‌آید.»

یکی از مهم‌ترین جاهایی که موتورسیکلت‌های ما به کار آمد، تپه‌های الله‌اکبر بود. هیچ تانک، نفربر و وسیله نقلیه‌ای نمی‌توانست در ماسه‌ها و رمل‌های آن منطقه حرکت کند ولی موتور کراس این توانایی را داشت. یک حمله از این منطقه به عراقی‌ها کردیم که آن‌ها باورشان نمی‌شد و به همین دلیل ۳۵ کیلومتر عقب‌نشینی کردند.

(سایت تبیان به نقل از سید عباس حیدر راکوبی)

چهارشنبه ۱۳ آبان

اذان صبح: ۵:۰۳
طلوع آفتاب: ۶:۲۹
اذان ظهر: ۱۱:۴۸
اذان مغرب: ۱۷:۲۶

۲۱ محرم ۱۴۳۷

4 Nov 2015

روز ملی مبارزه با استکبار جهانی
روز دانش آموز تسخیر لانه جاسوسی آمریکا به دست دانشجویان پیرو خط امام (۱۳۵۷ هش)
تبعیدامام خمینی(ره) به ترکیه (۱۳۴۳هش)
رحلت فقیه بزرگ حسن بن یوسف معروف به علامه حلی(۷۲۶ هق)

استکبار ستیزی یعنی زیر بار ظلم نرفتن...

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): [در تاریخ ۱۳ آبان] پیش از انقلاب و پس از پیروزی انقلاب سه حادثه در کشور اتّفاق افتاده است: حادثه‌ی تبعید امام در سال ۴۳، حادثه‌ی کشتار بیرحمانه‌ی دانش‌آموزان در تهران در سال ۵۷، و حادثه‌ی حرکت شجاعانه‌ی دانشجویان در تسخیر لانه‌ی جاسوسی در سال ۵۸؛ هر سه حادثه به نحوی مربوط میشود به دولت ایالات متّحده‌ی آمریکا. لذا روز سیزدهم آبان را نامگذاری کردند «روز مبارزه‌ی با استکبار». استکبار یعنی چه؟ استکبار یک تعبیر قرآنی است؛ در قرآن کلمه‌ی استکبار به کار رفته است؛ آدم مستکبر، دولت مستکبر، گروه مستکبر، یعنی آن کسانی و آن دولتی که قصد دخالت در امور انسانها و ملّتهای دیگر را دارد، در همه‌ی کارهای آنها مداخله میکند برای حفظ منافع خود؛ خود را آزاد میداند، حقّ تحمیل بر ملّت‌ها را برای خود قائل است، حقّ دخالت در امور کشورها را برای خود قائل است، پاسخگو هم به هیچ‌کس نیست؛ این معنای مستکبر است. نقطه‌ی مقابل این جبهه‌ی ظالم و ستم‌گر، گروهی هستند که با استکبار مبارزه میکنند؛ مبارزه‌ی با استکبار یعنی چه؟ یعنی در درجه‌ی اوّل زیر بار این زورگویی نرفتن؛ معنای استکبارستیزی یک چیز پیچ‌وخم‌دارِ پیچیده‌ای نیست؛ استکبارستیزی یعنی یک ملّتی زیر بار مداخله‌جویی و تحمیل قدرت استکبارگر یا انسان مستکبر یا دولت مستکبر نرود؛ این معنای استکبارستیزی است. (۱۳/۸/۹۲)

پنج‌شنبه ۱۴ آبان

اذان صبح:	٥:٠٤
طلوع آفتاب:	٦:٣٠
اذان ظهر:	١١:٤٨
اذان مغرب:	١٧:٢٥

۲۲ محرم ۱٤۳۷

5 Nov 2015

روز فرهنگ عمومی
درگذشت محدث شیعه، شیخ محمد بن حسن طوسی، مؤسس حوزه علمیه هزار ساله نجف (٤٦٠ هق)

محوریت حق

هر آیین و مذهبی که دارای بنیان محکم بوده و بر اساس فطرت و عقل بنا شده باشد، اهل منطق، استدلال و گفتگو بوده و پیروان خود را از مجادله و زورگویی منع می‌کند. خداوند در قرآن کریم خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «اُدْعُ إِلی سَبیلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جادِلْهُمْ بِالَّتی هِیَ أَحْسَن» (نحل-۱۲۵)
بنابراین بروز اختلاف سلیقه در روابط بین افراد، امری قابل پیش‌بینی و قطعی است، ولی باید ضمن آموزش افراد در صورت اختلاف نظر، جانب اغماض مراعات شود و از طریق مشاجره به فکر حاکمیت نظر و فکر خود نباشید.
از سوی دیگر مطابق آیات و روایات، حامی حق بودن و بر محور حق دور زدن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در بسیاری موارد، جانبداری از اکثریت مذمت شده و تبعیت از آنان مورد نکوهش قرار گرفته است. قرآن مجید می‌فرماید: «وَ إِنْ تُطِعْ أَكْثَرَ مَنْ فِی الْأَرْضِ یضِلُّوكَ عَنْ سَبیلِ اللَّهِ» (انعام-۱۱۶)
علامه طباطبایی رحمه‌الله می‌فرمایند: «بر مؤمن لازم است به کار خود و هدایت خویش بپردازد و ضلالت و شیوع گناهانی که از مردم می‌بیند، او را نلغزاند. حق، حق است اگرچه مردم آن را ترک نمایند و باطل، باطل است، اگرچه مردم به آن روی آورند.» (المیزان، ج ۶، ص ۱۶۳)
مبلغ باید در جذب افراد، ضمن پذیرش آرای اکثریت، نظر و رأی مستقل خود را محفوظ نگه داشته و این دیدگاه مستقل را برای مردم توصیف و تبیین کند.
(شیوه جذب جوانان، محمد اسماعیلی مبارکه، ص ۴۰)

تربیت جوانان در غرب، عامل نابودی پایه‌ای نظام غربی

امام خامنه‌ای(مدظله العالی): از آنجایی که آینده هر کشور و ملتی به نسل جوان و نوجوان آن بستگی دارد، هدایت و تربیت این نسل، از مهم‌ترین برنامه‌ها برای جوامع مختلف می‌باشد. آنچه که امروزه تمدن غرب نام گرفته، ادعا می‌کند که با ایجاد فضایی باز و آزاد و امکانات کافی و لازم، زمینه رشد و پویایی نسل جوانِ خود را فراهم ساخته، اما به اقرار اندیشمندان و پیش‌بینی بزرگان، همین نسل جوانی که امروزه در غرب در حال تربیت شدن است، به زودی باعث انهدام کامل آن تمدن و فرهنگ خواهد شد.
مقام معظم رهبری، امام خامنه‌ای در این زمینه می‌فرمایند:
«یکی از گرفتاری‌های بزرگ کشورهای غربی، مسئله‌ی جوان‌های آنهاست. غرب، مشکل جوانان را حل نکرده. خیال نکنید که مسئله جوانان، چه دختر و چه پسر در جوانع غربی حل شده است. تربیت جوانان درغرب عامل نابودی پایه‌ای نظام غربی است. در آن جوامع، جوان به طور معمول مایل به بی‌بند و باری، نابرخوردار از حیا و مایل به ارتکاب جنایت و تجاوز و تعدی تربیت می‌شود و در فساد اخلاقی، غرق است. چنین نسل جوانی برای هر جامعه‌ای در هر حدی از عمل و معرفت و ثروت هم که باشد، مثل موریانه پایه‌های آن جامعه و نظام را می‌جود و از بین می‌برد.»(۷۵/۹/۲۶)

﴿یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللهَ یَجْعَلْ لَکُمْ فُرْقاناً وَ یُکَفِّرْ عَنْکُمْ سَیِّئاتِکُمْ وَ یَغْفِرْ لَکُمْ وَ اللهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظیمِ﴾[1]؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، برای شما وسیله‌ای جهت جدا ساختن حق از باطل قرار می‌دهد؛ (روشن‌بینی خاصّی که در پرتو آن، حق را از باطل خواهید شناخت) و گناهانتان را می‌پوشاند و شما را میآمرزد و خداوند صاحب فضل و بخشش عظیم است!

نکات تفسیری

۱ ـ «فرقان» به معنای چیزی است که میان دو امر فرق می‌گذارد. این امر در آیه مورد بحث، به قرینه سیاق و تفریعش بر تقوا، فرقان میان حق و باطل است؛ چه در اعتقادات و چه در عمل. فرقان در اعتقادات جدا کردن ایمان و هدایت از کفر و ضلالت است و در عمل جدا کردن اطاعت و هر عمل مورد خشنودی خدا از معصیت است و هر عملی که موجب غضب او باشد. فرقان در رأی و نظر، جدا کردن فکر صحیح از فکر باطل است ، همه این‌ها ثمره و نتیجه‌ای است که از درخت تقوا به دست می‌آید و اطلاق «فرقان» شامل همه این موارد می‌شود، علاوه بر اینکه در آیات قبلی تمامی خیرات و شرور را ذکر کرده بود؛ بنابراین فرقان در آیه مورد بحث، شامل همه انحاء خیر و شر می‌شود، چون همه احتیاج به فرقان دارند.

نظیر آیه مورد بحث از جهت معنا آیه شریفه «وَ مَنْ یَتَّقِ اللهَ یَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَ یَرْزُقْهُ مِنْ حَیْثُ لا یَحْتَسِبُ وَ مَنْ یَتَوَکَّلْ عَلَی اللهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»[2] است.[3]

۲ ـ آثار تقوا به امور دنیوی و اخروی و آثار دنیوی به مباحث فردی و اجتماعی قسمت می‌شوند.

برخی آثار فردی تقوا

هدایت،[4] قدرت تشخیص حق از باطل،[5] جلب دوستی پروردگار،[6] برونرفت از تنگناها، نجات از سختی‌ها و شبهات و آسان شدن کارها و مشکلات،[7] روزی غیر مترقّبه،[8] که به فرموده امام صادق علیه السلام این روزی برکتی است که خداوند به مال انسان می‌دهد.[9] اصلاح کارها،[10] که به گفته برخی مفسران، اصلاح عمل به این است که خداوند آن را بپذیرد، یا از سر لطف انسان را به انجام دادن کار صالح موفّق کند،[11] بشارت‌های الهی.[12] این بشارت‌ها وعده‌های خداوند در قرآن مجید به متقّیان است.[13]

بعضی آثار اجتماعی تقوا

بهره‌مندی از برکات آسمان و زمین،[14] برخورداری از امداد الهی،[15] حفظ و حراست الهی و خنثی شدن توطئه‌های دشمنان[16] و ایمن بودن از عذاب الهی.[17]

آثار اخروی بسیاری نیز برای تقوی در قرآن ذکر شده که به جهت اختصار از ذکر آنها خودداری می کنیم.[18]

۳ ـ تقوا به معنای حفظ روح و نفس از آن اموری است که به پاکی و طهارت آن لطمه میزند، خوف و ترس از گرفتار شدن به سخط خداوند و نیز خویشتن داری در برابر گناهان و محرمات و ترک بعضی از مباحات مشکوک، از مصادیق تقوا شمرده شده است.[19]

سایر ارباب لغت نیز تعبیراتی نزدیک به آنچه در بالا آمده است، دارند. بعضی آن را به معنای صیانت و بعضی «القاء» را به معنای «امتناع از زشتی‌ها و هوی و هوس‌ها» تفسیر کرده‌اند.[20]

آری در مسیر زندگی و ره سپردن به سوی خداوند، خارهای شهوات و امیال و هوس‌ها و امیدهای کاذب و دروغین و لغزش‌ها فراوان است، اینجاست که انسان باید دائماً مراقب باشد که مبادا دامن روحش به این خارها چسبیده و پاره شود، مبادا نوک خار در پای جانش فرو نشیند و مجروحش سازد، مبادا او را از پیمودن این مسیر باز دارد و به خود مشغول نماید. این نیز عملی نمی‌شود، جز با بیداری و آگاهی و مراقبت دائم و مستمر. به تعبیر ساده‌تر، تقوی همان پرهیز از آفات تکامل روح و خویشتن داری در برابر گناهان و شبهات است، به طوری که به صورت ملکه درآید.[21]

۴ ـ در آیه «فَاتَّقُوا الله یا اولِی الْأَلْبابِ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ[22]؛ پرهیزگاری پیشه کنید ای صاحبان عقل تا رستگار شوید» اگر رابطه‌ای در میان «علم» و «تقوا» وجود نداشت، خداوند در این دستور «اولوالالباب» را مخاطب نمی‌ساخت، این خطاب نشانه‌ای از این پیوند مبارک است.

آیه دیگر درباره ربط بین آگاهی و تقوی آیه ۱۸۷ بقره است که می‌فرماید: «کَذلِکَ یُبَیِّنُ اللهَ آیاتِهِ لِلناسِ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ»[23]؛ خداوند این گونه آیاتش را برای مردم تبیین می کند، تا پرهیزگاری پیشه کنند»

این تعبیر به خوبی نشان می‌دهد که تبیین آیات، مقدمه‌ای برای آگاهی است و آگاهی وسیله‌ای برای تقوا است. مسلماً هرجا علم است، الزاماً تقوا نیست، چرا که عالم بی عمل نیز پیدا می‌شود، ولی بدون شک علم مقدمه‌ای و زمینه‌ای است برای تقوا و از سرچشمه‌های اصلی آن محسوب می‌شود. علم غالباً تقوا را همراه می‌آورد، علمی که سرچشمه ایمان است، سرچشمه تقوا نیز خواهد بود، به عکس، جهل غالباً عامل بی‌تقوایی و ناپرهیزگاری است.[24]

حدیث

۱ ـ اَعْظَمُ النّاسِ عِلْماً اَشَدُهُمْ خَوْفاً مِنَ الله.[25]

آن کس که علمش از همه بیشتر است، خدا ترسیش از همه شدیدتر می‌باشد.

۲ ـ عن النبی صلی الله علیه و آله : لا یَکونُ الرّجلُ مِنَ المُتَّقینَ حتّی یُحاسِبَ نَفسَهُ أشدَّ مِن مُحاسَبَةِ الشَّریکِ شَریکَهُ، فَیَعْلَمَ مِنْ أینَ مَطْعَمُهُ ؟ و مِن أینَ مَشْرَبُهُ ؟ و مِنْ أینَ مَلْبَسُهُ ؟ أ مِن حِلٍ أمْ مِن حَرام ؟[26]

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: آدمی در زمره تقوا پیشگان نباشد، مگر آنگاه که سختتر از حسابرسی شریک از شریکش، از خود حساب کشد، تا بداند که از کجا خورده است، از کجا آشامیده است، از کجا پوشیده است، از حلال یا از حرام؟

داستان:

یکی از اصحاب علی علیه السلام به نام (حبه عرنی) نقل می کند:

شبی من با (نوف) در صحن حیاط دارالعمارهٔ کوفه خوابیده بودیم، اواخر شب بود. ناگاه دیدیم علی علیه السلام آهسته از داخل عمارت بیرون آمد. وحشت فوق العاده او را فرا گرفته، قادر نیست توازن خود را حفظ کند، دست خود را به دیوار نهاده، همانند افراد واله و حیران به آسمان نگاه می کند و این آیات را تلاوت می کند: «ان فی خلق السموات و الارض ... »

حبه عرنی می گوید: علی علیه السلام مکرر این آیات را زمزمه می کرد و آنچنان دل باخته این زیبایی‌ها و آفریننده این همه عظمت گردیده بود و چنان از خود بی خود شده بود که گویی هوش از سرش پریده است.

حبه و نوف، هر دو در بستر خویش آرمیده و این منظره حیرت انگیز را نظاره می کردند. تا آنکه علی علیه السلام کم کم به خوابگاه حبه نزدیک شد و فرمود: حبه ! خوابی یا بیدار؟

– بیدارم ، یا امیرالمؤمنین ! شما با آن همه سوابق درخشان و با آن همه زهد و تقوا و عبادت بی‌نظیر از ترس خدا این چنین هستید، وای به حال ما، پس ما بیچارگان چه کنیم ؟!

علی علیه السلام چشم‌ها را پایین انداخت و گریست. آنگاه فرمود: ای حبه! همگی ما روزی در برابر خدا، ایستگاهی داریم و هیچ یک از اعمال ما بر او پوشیده نیست .

ای حبه! خداوند به من و تو از رگ گردن نزدیک تر است، هیچ چیز نمی‌تواند بین ما و خدا حایل شود.

سپس به نوف فرمود: نوف! خوابی؟

- نه، یا امیرالمؤمنین! بیدارم، حالت حیرت انگیز شما سبب شد که مدتی امشب اشک بریزم.

- ای نوف! اگر امشب از خوف خدا زیاد گریه کنی، فردا در مقابل خداوند چشمانت روشن خواهد شد.

ای نوف! هر قطره اشکی که از ترس خدا از چشم کسی جاری شود، دریاهایی از آتش را خاموش می‌کند!...

آنگاه کمی حبه و نوف را پند و اندرز داد و در آخر فرمود: من به شما می‌گویم: خدا ترس باشید.

سپس از آن دو نفر گذشت، در حالی که با خود زمزمه می‌کرد و می‌گفت: خداوندا! کاش می‌دانستم هنگامی که از تو غفلت می‌کنم تو از من اعراض می‌کنی، یا به من توجه داری؟ ای کاش می‌دانستم با این خواب طولانی‌ام و کوتاهی کردنم در سپاس‌گزاری نعمت‌هایت، حالم در نزد تو چگونه است!

حبه می‌گوید: به خدا قسم علی در همین حال بود تا اینکه صبح طلوع کرد.[27]

نتیجه

طبیعی است که هر قدر روح تقوا و تسلیم در مقابل حق و پذیرش واقعیت‌ها در انسان قوی‌تر گردد، استفاده او از منابع هدایت نیز به همان نسبت بیشتر می‌شود. منابع هدایت و در رأس همه آنها، قرآن مجید، هم‌چون باران حیات‌بخش است که تنها در زمین‌های آماده و شیرین انواع گل‌های معرفت را می‌رویاند، زیرا شوره‌زار ثمری جز خس ندارد.[28]

پی‌نوشت

۱.سوره انفال، آیه ۲۹. ■ ۲.و کسی که از خدا بترسد، خداوند برایش مخرجی قرار داده و از جایی که گمانش را ندهد، روزیشان می‌دهد و کسی که بر خدا توکل کند، پس او وی را بس است. سوره طلاق، آیه ۳. ■ ۳.ترجمه تفسیر المیزان، ج۹، ص، ۷۱. ■ ۴.سوره بقره، آیه ۵ ـ ۲؛ سوره آل عمران، آیه ۱۳۸. ■ ۵.سوره انفال، آیه ۲۲. ■ ۶.سوره آل عمران، آیه ۷۶؛ سوره توبه، آیه ۹. ■ ۷.سوره طلاق، آیات ۴ ـ ۲؛ سوره لیل، آیات ۷ ـ ۵. ■ ۸.سوره طلاق، آیات ۳ ـ ۲. ■ ۹.مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۶۰؛ بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۸۱؛ الصافی، ج ۵، ص ۱۸۸. ■ ۱۰.سوره احزاب، آیات ۷۱ ـ ۷۰. ■ ۱۱.تفسیر شبر، ص، ۳۷۱. ■ ۱۲.سوره یونس، آیات ۶۴ ـ ۶۳. ■ ۱۳.التفسیر الکبیر، ج ۱۷، ص ۱۲۸. ■ ۱۴.سوره اعراف، آیه ۹۶. ■ ۱۵.سوره آل عمران، آیات ۱۲۶ ـ ۱۲۵؛ سوره بقره، آیه ۱۹۴؛ سوره توبه، آیه ۱۲۳؛ سوره نحل، آیه ۱۲۸. ■ ۱۶.سوره آل عمران، آیه ۱۲۰. ■ ۱۷.سوره نمل، آیه ۵۳؛ سوره فصلت، آیه ۱۸؛ سوره اعراف، آیه ۹۸ ـ ۹۶. ■ ۱۸. ر.ک. دائرة المعارف قرآن کریم، جلد ۸، صفحه ۴۵۵. ■ ۱۹.مفردات راغب، ماده وقی. ■ ۲۰.مجمع البحرین همان ماده (باید توجه داشت که اصل واژه تقوا، و قَوْی بوده که بعداً واو آن به تاء تبدیل شده، چنانکه خلیل بن احمد در کتاب العین آورده است. ■ ۲۱.پیام قرآن، ج۱، ص، ۴۱۹. ■ ۲۲.سوره مائده، آیه ۱۰۰. ■ ۲۳.سوره بقره، آیه ۱۸۷. ■ ۲۴.پیام قرآن، ج۱، ص، ۷۷. ■ ۲۵.غررالحکم، حکمت ۳۲۶. ■ ۲۶.مکارم الأخلاق، ص، ۴۶۸. ■ ۲۷.بحار، ج ۴۱، ص ۱۶ – ۲۲. ■ ۲۸.پیام قرآن، ج۱، ص، ۴۱۸.

محل زندگی حضرت حجّت در دوران حیات

پنهان‌زیستی حضرت، نه فقط چگونگی زندگی آن حضرت را در هاله‌ای از اسرار فرو برده، که بسیاری از موضوعات مربوط به حیات آن حضرت را نیز جزو امور پنهان نظام هستی قرار داده است. یکی از مهم‌ترین این امور پنهان، محل زندگی آن حضرت در طول غیبت است. در زیل محل زندگی ایشان در دوران حیات محل بحث قرار خواهد گرفت.

۱. دوران زندگی با امام عسکری علیه‌السلام (۲۵۵-۲۶۰ق)

شکی نیست که حضرت، در شهر سامرا و در خانه پدر ارجمند خود، امام حسن عسکری علیه‌السلام دیده به جهان گشود و تا پایان عمر شریف پدر خود، در کنار آن حضرت می‌زیست. این دوره ـ بنابر دیدگاه مشهور ـ از هنگام ولادت حضرت (نیمه شعبان سال ۲۵۵ق) آغاز و تا رحلت امام عسکری علیه‌السلام (هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ق) پایان یافت.

۲. دوران غیبت صغرا (۲۶۰-۳۲۹ق)

محل زندگی آن حضرت در این دوران، به روشنی مشخص نیست؛ ولی از برخی روایات و قرائن، به دست می‌آید حضرت این مدت را به طور عمده در دو منطقه سپری کرده‌است: یکی منطقه عراق و دیگری مدینه منوره که البته روایات متعددی بر این مطلب دلالت دارد.

در دوران غیبت صغرا، کسی نزدیک‌تر از سفیران چهارگانه (نواب خاص) به آن حضرت ذکر نشده است و ایشان هم همواره در عراق بوده و با حضرت در ارتباط بوده‌اند. بنابراین می‌توان گفت دست‌کم بخشی از عمر آن حضرت در این دوران در عراق سپری شده است.

دسته‌ای دیگر از روایات به صورت مطلق، زندگی حضرت را در دوران غیبت، در مدینه منوره ذکر کرده‌اند که با توجه به روایات دسته نخست، می‌توان گفت ممکن است بخشی از دوران غیبت صغرا نیز در مدینه سپری شده باشد.

پیشنهادهای اجرایی هفته

▪ برگزاری زیارت عاشورا از اول محرم تا اربعین ▪ تشکیل جلسه برای ساماندهی آرایه های مسجد مثل ورودی، سرویس های بهداشتی، دیوارهای داخل و خارج مسجد، تابلوهای اعلانات و محل نصب اعلامیه ها و... جهت زیباسازی و استفاده عموم و رعایت حداکثری بهداشت ▪ برگزاری مراسم دعای توسل (سه شنبه) ▪ خطابه با موضوع قیام امام حسین علیه السلام ▪ برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید ▪ برگزاری مراسم توسل به اهل بیت علیهم السلام و جمع آوری صدقه به مناسبت اول ماه قمری در شب شهادت امام سجاد علیه‌السلام ▪ برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه) ▪ برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه)

امام باقر علیه‌السلام در این‌باره فرمود:

لابد لصاحب هذا الامر من عزلة... و نعم المنزل طیبة[1]؛

به ناگزیر برای صاحب این امر عزلت و گوشه گیری خواهد بود... و طیبه [= مدینه] چه منزلگاه خوبی است!

بنابراین جمع بین دو دسته روایات به این صورت است که آن حضرت در مدینه حضور داشته‌است؛ ولی به دلیل ارتباط با نواب خاص، بخشی از عمر خود را نیز در عراق سپری کرده است.

۳. دوران غیبت کبرا

غیبت کبرا، به مدت زمان پنهان‌زیستی صاحب الامر گفته می‌شود که با وفات واپسین نایب خاص حضرت در سال ۳۲۹ ق آغاز و همچنان ادامه دارد و فقط خداوند متعال است که پایان آن را می‌داند. محل زندگی ایشان در این دوران این‌گونه تعریف شده است:

الف. مدینه منوره

ب. ناحیه ذی‌طوی[2]

ج. دشت‌ها و بیابان‌ها

٤. دوران ظهور

درباره محل زندگی و حکومت آن حضرت در عصر ظهور، روایات فراوانی وجود دارد. در این روایات، به طور عمده مسجد سهله را منزل آن حضرت و شهر کوفه را به عنوان پایگاه حکومتی آن حضرت معرفی کرده‌اند.[3] امام صادق علیه‌السلام خطاب به یار باوفایش ابوبصیر فرمود:

«ای ابا محمد! گویی فرود آمدن قائم را با اهل و عیالش در مسجد سهله، با چشم خود می‌بینم.»

ابوبصیر عرض کرد: «آیا محل اقامت دائمی آن حضرت، در مسجد سهله خواهد بود؟»

حضرت فرمود: «آری».

پی‌نوشت

۱. شیخ طوسی، کتاب الغیبة، ص۱۶۲. ■ ۲. ناحیه ذی طوی در یک‌فرسخی مکه و داخل حرم قرار دارد و از آن‌جا خانه‌های مکه دیده می‌شود. ■ ۳. شیخ صدوق، تهذیب، ج۳، ص۲۵۲.

شنبه ۱۶ آبان

اذان صبح: ۵:۰۶
طلوع آفتاب: ۶:۳۲
اذان ظهر: ۱۱:۴۸
اذان مغرب: ۱۷:۲۳

۲۴ محرم ۱۴۳۷

7 Nov 2015

رفتارهای نامتعارف

گروه دیگری از ناهنجاری‌ها وجود دارد که نمی‌توان آنها را شلختگی و آشفتگی نامید و دلالت بر سستی، بی‌حالی و بی‌قیدی نمی‌کند؛ اما به جهت آن‌که از سلیقه توده مردم فاصله فراوانی دارد، از نظر دیگران بی‌سلیقگی دیده می‌شود؛ مانند زیاد بزرگ بودن یا زیاد کوچك بودن عمامه، بلندی یا کوتاهی بیش از اندازه لباس، استفاده از انگشترهای متعدد یا بسیار درشت، استفاده از انگشتر و ساعت یا عینك با رنگ‌های خاص یا مدل‌های سبك، بلند بودن بیش از اندازه ریش، کوتاهی ریش کمتر از حد متعارف، اصلاح سر و صورت به سبك‌های خاص، استفاده از لباس با رنگ‌های غیرمتعارف و جلف و استفاده از عطرهای نا مناسب. شمایل ظاهری روحانی در اجتماع باید همچون پیامبر اکرم ﷺ متوازن، آراسته، خوش‌نما، پاکیزه، جذاب، معطر و بدون عیب باشد. اسحاق بن عمار از امام صادق علیه‌السلام سؤال می‌کند: داشتن ده لباس برای مؤمن چگونه است؟ حضرت می‌فرماید:

وَلَیسَ ذلكَ مِنَ السَّرفِ انّما السَرفُ اَن تَجعَلَ ثَوبَ صَونِكَ ثَوبَ بَذلَتِكَ؛ (بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۳۱۷)

این اسراف نیست. اسراف آن است که لباس آبروی خود را روزمره و در وقت کار بپوشی (و بی‌جهت کهنه‌اش کنی).

بار دیگر می‌افزاییم که موضوع شهرت در شریعت اسلام، اختصاصی به لباس ندارد؛ یعنی هر آن چه موجب انگشت‌نما شدن انسان شود، حتی در امور دینی یا عبادی، ممنوع است. (درآمدی برزیّ طلبگی، صص۱۱۵-۱۱۴)

یکشنبه ۱۷ آبان

اذان صبح: ۵:۰۷
طلوع آفتاب: ۶:۳۳
اذان ظهر: ۱۱:۴۸
اذان مغرب: ۱۷:۲۲

۲۵ محرم ۱۴۳۷

8 Nov 2015

شهادت حضرت امام زین العابدین علیه السلام (۹۵ هـ ق) به روایتی

تزاحم‌ها

مقام اجرا و عمل مشکلات خاصی دارد. مصادیق واقعی موضوعات نوعاً مجمع عناوین مختلف‌اند و از جهات گوناگون باید بررسی شوند؛ یعنی یك رفتار خارجی مصداق چند اصل از این اصول قرار می‌گیرد. گاهی احکام این جهات گوناگون، با یك‌دیگر تعارض دارد و قابل جمع نیست. از این پدیده به تزاحم یاد شده است. مثلاً جست‌وجو کردن در میان آب لجن‌آلود نهر کنار خیابان، برای طلبه از آن جهت که چندش‌آور، سبك و خلاف شأن است ناروا است؛ اما اگر فرض کنیم برگی از قرآن کریم در میان این آب آلوده افتاده و مورد هتك حرمت واقع شده باشد، بر طلبه و غیر طلبه لازم است که آن را از این فضای آلوده خارج سازند. از آن‌جا که مراعات حرمت قرآن، مهم‌تر از مراعات شأن و مقام خود است، در این تزاحم قانون دوم مقدم می‌شود.

یا حضور در مراسم عروسی که در یك تالار مجلل بالای شهر برگزار می‌شود، از باب این که حضور در مظانّ گناه، مواضع تهمت و محل تجمع مترفین است و توهّم اسراف، ول‌خرجی و شادخواری ایجاد می‌کند، یا معمولاً در این مراسم ضوابط شرعی رعایت نمی‌شود و حضور روحانی موجب تأیید و امضای ضمنی آن می‌گردد و مهر جواز و مشروعیت بر آن می‌نهد، برای طلبه ناروا است؛ اما اگر طلبه احتمال جدی می‌دهد که اقتدار شخصیتی او مانع اجرای گناه است و شرم حضور او رعایت می‌شود، بهتر است که در آن مراسم شرکت کند. (درآمدی برزیّ طلبگی، صص ۱۸۳-۱۸۴)

روز کیفیت

دوشنبه ۱۸ آبان

اذان صبح: ۵:۰۸
طلوع آفتاب: ٦:٣٤
اذان ظهر: ١١:٤٨
اذان مغرب: ١٧:٢١

٢٦ محرم ١٤٣٧

9 Nov 2015

توجه به حضور در محیط

اگر شرکت طلبه در یك مجلس یا حضور در محیط خاصی موجب وهن او یا تنزل منزلت روحانیت گردد، او را متهم گرداند، یا از سطح متوسط جامعه فراتر بنماید، جز به اقتضای ضرورت یا یك مصلحت اهم جایز نیست.
حضور در برخی از محیط‌ها برای طلبه، سبك و نشان كودك‌مزاجی است و موجب وهن شخصیت روحانی و منزلت روحانیت می‌شود؛ مانند باغ وحش، سیرك، .. و برخی از مجالس جشن و شادی، و لهو و لعب، شب‌نشینی‌ها و جلسات وقت‌گیر (گعده). حضور آشكار در مجالس خاصی نیز موجب اتهام طلبه می‌گردد، یا ممكن است معنای مشروعیت بخشی و تأیید داشته باشد؛ مانند عبادتگاه ادیان دیگر یا مجالس دراویش و فرق منحرف، میتینگ سیاسی برخی از گروه‌ها.
از آن‌جا كه احكام، دایر مدار علل خود هستند، اگر فرض كنیم طلبه در یكی از این مكان‌ها به گونه‌ای حضور یابد كه اثر منفی و تالی فاسدی بر آن مترتب نباشد، در این صورت نمی‌توان اشكالی بر آن وارد دانست؛ مثلاً اگر روحانی جوان با یك اردوی دانش‌آموزی به دیدار از باغ وحش برود در نظر مردم موجه است و دلالت بر كودك مزاجی یا سبك‌سری نمی‌كند. یا دیدار از عبادتگاه سایر ادیان كه به صورت موزه درآمده و در معرض بازدید عمومی قرار دارد، دلالت بر تأیید آن و انتساب بدان ندارد.
هم‌چنین، حضور در برخی محیط‌ها علی‌رغم این‌كه دور از انتظار توده مردم است و عجیب می‌نماید، هیچ اشكالی ندارد، برای طلبه مفید و برای جامعه درس‌آموز است؛ مانند كوه، طبیعت، ورزشگاه، استخر و بازارهای عمومی. (درآمدی برزیّ طلبگی، ص۱۷۴)

سه‌شنبه ۱۹ آبان

روز جهانی علم در خدمت صلح و توسعه
ورود قمر به عقرب ۵:۵۰

اذان صبح: ۵:۰۹
طلوع آفتاب: ۶:۳۵
اذان ظهر: ۱۱:۴۸
اذان مغرب: ۱۷:۲۱

۲۷ محرم ۱۴۳۷

10 Nov 2015

بنده خدا باید حق شناس باشد!

فرزند علامه طباطبایی: «مادر من حدود ۲۷ روز پیش از فوت در بستر بیماری بود و در این مدت پدرم از کنار بستر ایشان لحظه‌ای بلند نشدند. تمام کارهایشان را تعطیل کردند و به مراقبت از او پرداختند.» (زن روز، ش ۸۹۲) پس از فوت همسر نیز علت آن همه تأثر قلبی را چنین بیان می‌فرمایند: «مرگ حق است. همه باید بمیریم. من برای مرگ همسرم گریه نمی‌کنم. گریه من برای صفا و کدبانوگری و محبت‌های خانم است. ما زندگی پرفراز و نشیبی داشته‌ایم. در نجف اشرف با سختی‌هایی مواجه می‌شدیم. من از حوائج زندگی و چگونگی اداره آن بی‌اطلاع بودم. اداره زندگی به عهده خانم بود. در طول مدت زندگی ما هیچ‌گاه نشد که خانم کاری بکند که من حداقل در دلم بگویم کاش این کار را نمی‌کرد، یا کاری را ترک کند که من بگویم کاش این عمل را انجام داده بود. در تمام دوران زندگی ما هیچ‌گاه به من نگفت چرا فلان عمل را انجام دادی؟ یا چرا ترک کردی؟» (مهر تابان، ص۲۵) « –علامه– تا سه چهار سال پس از فوت همسر خویش هر روز سر قبر او می‌رفتند و بعد از آن هم که فرصت کمتری داشتند، به طور مرتب، دو روز در هفته، یعنی دوشنبه‌ها و پنجشنبه‌ها بر سر مزارش حاضر می‌شدند و ممکن نبود این برنامه را ترک کنند و همواره می‌گفتند: «بنده خدا بایستی حق‌شناس باشد. اگر آدمی حق مردم را نتواند ادا کند حق خدا را هم نمی‌تواند ادا کند.»(زن روز، ش ۸۹۲)

رئیسم به من دستور داده!

روزی بازپرسی با چند نفر برای بازجویی از آیت الله محمد تقی بافقی نزد ایشان می‌رود. یک نفر منشی هم مشغول نوشتن می‌شود. می‌پرسند: «آقای شیخ! شما را چه کسی تحریک کرده که به خاندان سلطنتی امر و نهی کنی؟!» شیخ می‌فرماید: «چه کسی به تو دستور داده تا از من سؤال و جواب کنی؟» گفت: «رئیسم به من دستور داده» فرمود: «خب، به من هم رئیسم دستور داده است.» گفت: «بفرمایید رئیس شما کیست؟» فرمود: «نمی‌شناسی؟ رئیس من، أعلی حضرت ولی عصر حجت بن الحسن العسکری عليه‌السلام است.» بازپرس دید که به جای بازجویی کردن، بازجویی می‌شود گفت: این مرد سر تا پا خدایی و متدین است. مغلوب هیچ حرکتی هم نمی‌شود! » ناچاراً برای اینکه اوضاع زندان بیشتر از این خدایی نشود، فرمان آزادی ایشان را نوشته و به شهر ری تبعید کردند. وضعیت زندان از گریه‌ها، ناله‌ها، مناجات و عبادات این مرد بزرگ یک مرتبه متحول شد و به صورت مسجد درآمد! جمع زیادی از زندانیان تائب شدند و در اول وقت به امامت ایشان نماز جماعت می‌خواندند. حتی مأموران که مراقب ایشان بودند، از دیدن حالات این مرد، متنبه شده و اهل عبادت شدند. دولت که دید نمی‌تواند برای ایشان مأمور مسلمان بگذارد، دو نفر یهودی را مأمور ایشان کرد؛ اما آنها در مدت کمی مسلمان شده، احکام اسلام را یاد گرفته و مشغول عبادت شدند. بعد دو مأمور مسیحی را برای مراقبت از ایشان گماشتند، آنها نیز مسلمان شدند. آیت‌الله بافقی پس از شنیدن واقعه خونین مسجد گوهرشاد مشهد توسط عمال پهلوی در تیرماه ۱۳۱۴، دچار سکته قلبی شد و برخی از اعضای بدنش آسیب دید. وی پس از فرار و اخراج پهلوی اول به قم بازگشت و سرانجام در ۲۶ فروردین سال ۱۳۲۵ ش در ۷۲ سالگی درگذشت و در حرم حضرت معصومه عليهاالسلام مدفون گردید. (مجمع ملکوتیان، ص۲۵، کتاب روح مهربان به نقل از آیت الله شریف رازی)

خانواده طلبه

بی‌شك، یکی از جلوه‌های ظاهری طلبه، خانواده اوست. همسر، فرزند، برادر، خواهر، خویشاوندان و حتی دوستان طلبه هر یك تا حدودی منتسب به اویند و به اندازه همین انتساب در معرض نگاه جامعه و مورد انتظارات خاصی قرار دارند. خدای متعال در قرآن کریم این مسئولیت را برای خویشاوندان پیامبر اکرم ﷺ این گونه گوشزد می کند:
«یا نِساءَ النَّبِیِّ مَنْ یَأْتِ مِنْکُنَّ بِفاحِشَةٍ مُبَیِّنَةٍ یُضاعَفْ لَهَا الْعَذابُ ضِعْفَیْنِ وَ کانَ ذلِكَ عَلَی اللَّهِ یَسیراً (*) وَ مَنْ یَقْنُتْ مِنْکُنَّ لِلَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ تَعْمَلْ صالِحاً نُؤْتِها أَجْرَها مَرَّتَیْنِ وَ أَعْتَدْنا لَها رِزْقاً کَریماً»؛ (احزاب/۳۰و۳۱)
تفاوت خانواده با سایر جلوه‌های ظاهری طلبه، در این است که خانواده طلبه انسان‌های صاحب اختیار آزادی هستند و نوع زندگی آنان صد در صد در اختیار طلبه نیست؛ یعنی برخلاف رفتارها و سایر وجوه زندگی که نوعا به دست خود طلبه تنظیم و مدیریت می‌شود، همسر و فرزند او صد در صد تابع او نیستند و ممکن است خلاف انتظار یا توصیه وی رفتار کنند و او نتواند بر آنان تأثیر مورد نظر خود را بگذارد. از این جهت، وظیفه او نیز درباره خانواده کمتر از وظیفه‌ای است که در مورد خود دارد. بی‌شك، طلبه مانند هر انسان مؤمنی وظیفه دارد که خانواده خود را به تقوا توصیه کند و شرایط زندگی را برای رشد معنوی آنان مهیا سازد:
«یـأَیهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ قُواْ أَنفُسَکُمْ وَ أَهْلِیکُمْ نَارًا»؛ (تحریم/۶) (درآمدی برزیّ طلبگی، ص ۱۸۰)

ورود اهل بیت امام
حسین علیه السلام به شام
(٦١ هق)

جمعه ٢٢ آبان

اذان صبح: ٥:١١
طلوع آفتاب: ٦:٣٨
اذان ظهر: ١١:٤٩
اذان مغرب: ١٧:١٨

١ صفر ١٤٣٧

13 Nov 2015

درد بی‌درمان، حسین علیه‌السلام!

یزید با عصایش بر چهره درخشان امام ضربه زد و طوفانی از درد بر قلب زینب علیهاالسلام بر پاشد. و فریاد برآورد:
با چوب دستی به دندان جگر گوشه پیغمبر می‌زنی و جای کشتگانت را در بدر خالی می‌کنی؟ که ای کاش بودند و مرا می‌ستودند؟ آنچه کردی را خرد می‌شماری و خود را بی گناه می‌پنداری؟ چرا شاد نباشی که دل ما را خستی و از رنج سوزش درون رستی و آنچه ریختی خون جوانان عبدالمطلب بود، ستارگان زمین و فرزندان رسول رب العالمین. یزید به خدا جز پوست خود ندریدی و جز گوشت خویش را نبریدی.به زودی آنکه تو را بر این مسند نشانده و گردن مسلمانان را زیر فرمان تو کشانده خواهد دانست که زیان کار کیست و خوار و بی مایه چه کسی است. اما ای دشمن و دشمن زاده خدا من هم اکنون تو را خوار می‌دارم و سرزنش تو را به چیزی نمی‌شمارم اما چه کنم که دیده‌ها گریان است و سینه‌ها بریان. و دردی که از کشته شدن حسین به دل داریم دردی بی‌درمان.
(پیام آور عاشورا)

﴿ یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَکُمْ وَ أَهْلیکُمْ ناراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجارَةُ عَلَیْها مَلائِکَةٌ غِلاظٌ شِدادٌ لایَعْصُونَ اللهَ ما أَمَرَهُمْ وَ یَفْعَلُونَ ما یُؤْمَرُونَ ﴾[1] ؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده‌هایتان را از آتشی که هیزمش مردم و سنگ‌ها خواهند بود، نگه دارید. بر آن آتش فرشتگانی سخت‌گیر و نیرومند گمارده شده‌اند که از آنچه خدا به آنان فرمان داده است، سرپیچی نمی‌کنند و آنچه را بدان مأمور شده‌اند، انجام می‌دهند.

شأن نزول

امام صادق علیه‌السلام فرمود: هنگامی که این آیه نازل شد، مردی از مؤمنان نشست و گریست و گفت: من نسبت به خودم ناتوانم در صورتی که نسبت به خانواده‌ام نیز مکلّف شده‌ام. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: برای تو بس است که آنان را به آنچه خود انجام می‌دهی، فرمان دهی و آنان را از آنچه خود را از آن باز می‌داری، نهی کنی.[2]

نکات تفسیری

۱ـ مراد از کلمه «نار» آتش جهنم است و اگر آیه شریفه، انسان‌های معذّب در آتش دوزخ را آتش‌گیرانه دوزخ خوانده، بدین جهت است که آنان خود به واسطه اعمالشان هیزم جهنم هستند. در نتیجه جمله مورد بحث، یکی از ادلّه تجسّم اعمال است؛ همچنان‌که آیه بعدی هم که می‌فرماید: «یا أَیُّهَا الَّذینَ کَفَرُوا لاتَعْتَذِرُوا...»[3]، همین معنا را بیان می‌کند؛ زیرا در آخر آیه می‌فرماید: تنها و تنها اعمال خودتان را به شما به عنوان جزا می‌دهند.[4]

۲ـ تعبیر به «قوا» (نگاه دارید)، اشاره به این است که اگر اهلتان را به حال خود رها کنید، خواه‌ناخواه به سوی آتش دوزخ پیش می‌روند؛ شما هستید که باید آن‌ها را از سقوط در آتش دوزخ حفظ کنید.[5]

۲ـ «وَقود» چنان‌که پیش‌تر نیز اشاره کردیم، به معنای آتش‌گیره یعنی مادّه قابل اشتعال، مانند هیزم است نه به معنای آتش‌زنه مثل کبریت؛ چراکه اعراب آن را «زناد» می‌گوید. به این ترتیب آتش دوزخ مانند آتش‌های این جهان نیست؛ بلکه شعله‌های آن از درون وجود خود انسان‌ها زبانه می‌کشد.[6] در آیه ۱۰ سوره آل‌عمران نیز می‌فرماید: ثروت‌ها و فرزندانِ کسانی که کافر شدند، نمی‌تواند آنان را از (عذابِ) خداوند بازدارد (و از کیفر رهایی بخشد) و آنان خود، آتش‌گیره دوزخ‌اند.

۳ـ در خصوص خانواده که اجتماعی کوچک است، سفارش‌های اخلاقی مهمّی در قرآن وجود دارد:

الف ـ نیکی به پدر و مادر و خویشاوندان؛[7]

ب ـ رفتار پسندیده زن و شوهر با یکدیگر؛[8]

پ ـ وفاداری به تعهّد مالی ازدواج (مهریه)؛[9]

ت ـ اعتماد به خداوند در تأمین نیازهای فرزندان و پرهیز به جهت قتل آن‌ها از ترس از فقر یا بدنامی.[10]

حدیث

۱ـ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: «اَدِّبوا اولادَکم علی ثلثِ خصالٍ: حُبّ نبیّکم و حُبّ اهل بیته و تلاوة القرآن...».[11]

۲ـ سلیمان‌بن‌خالد می‌گوید: به امام صادق ﷺ عرض کردم: خانواده‌ای دارم که از من حرف‌شنوی ندارند؛ آیا آن‌ها را به روش شما دعوت کنم؟ حضرت فرمودند: آری، چراکه خداوند در کتابش می‌فرماید: «خود و خانواده‌های خود را از آتش حفظ و حراست کنید و بازدارید»؛ یعنی نگه دارید خود را از آتش، به وسیله صبر در طاعت خدا و صبر بر ترک نافرمانی او و از پیروی شهوت‌ها و نگه دارید خانواده‌های خود را از آتش، با دعوتشان به سوی طاعت خدا و آموختن احکام دین به آن‌ها و بازداشتن آنان از کارهای زشت و واداشتن آنان بر کارهای نیک؛[12]

داستان

سیدعبدالباقی طباطبایی، فرزند علامه طباطبایی، نقل کرده است: علامه در خانه خیلی مهربان و بی‌آزار و بدون دستور بودند و هر وقت به چیزی نیاز داشتند، خودشان می‌رفتند و می‌آوردند و چه بسا هنگامی که عیال و یا یکی از اولادشان وارد اطاق می‌شدند، ایشان جلوی پای آن‌ها تمام‌قد برمی‌خاست، بارها اظهار می‌داشتند که عمده موفقیت‌هایشان را مدیون همسرشان بوده‌اند.[13]

نتیجه

پرسش اکثر خانواده‌ها این است که مهم‌ترین امر در تربیت خانواده چیست؟ برای حسن‌ختام این گفتار، روایتی را که در اکثر منابع روایی شیعه آمده است، تقدیم می‌کنم و گمان می‌کنم پیامی که در این روایت نهفته است، از منظر بسیاری از والدین که نقش تربیت فرزندان را بر عهده دارند، دور مانده است. روایت می‌فرماید: «أَدِّبُوا أَوْلَادَکُمْ عَلَی حُبِّ عَلِیٍّ»[14] وقتی فرزندان با کمالات اخلاقی مواجه می‌شوند، عوامل بیرونی (فرهنگ‌های بیگانه) نمی‌تواند آنان را به آنچه فطرتشان می‌پسندد، بدبین سازد. حب امیرالمؤمنین ﷺ محبت به همه خوبی‌ها و زیبایی‌هاست و بی‌شک اکسیری است که در دست هر انسانی باشد، قطعاً رستگار خواهد شد. در داستانی که نقل شد نیز ملاحظه فرمودید، رفتار علامه در منزل، جز حسن و کمال و ادب به اهل منزل نبود و قطعاً در چنین خانه‌ای، فرهنگی که سبب این رفتار علامه شده است، با هیچ فرهنگ دیگری جایگزین نخواهد شد.

پی‌نوشت

۱. تحریم: ۶. ■ ۲. محمدبن‌یعقوب کلینی، الکافی، ج۵، ص۶۲. ■ ۳. همان آیه ۷: [آن روز گویند:] ای کافران، امروز عذرخواهی مکنید، فقط آنچه را همواره انجام می‌دادید، جزا داده می‌شوید. ■ ۴. محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج۱۹، ص۳۳. ■ ۵. همان. ■ ۶. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج۲۴، ص۲۸. ■ ۷. نساء: ۳۶. ■ ۸. طلاق: ۶. ■ ۹. نساء: ۴. ■ ۱۰. انعام: ۱۵۱. ■ ۱۱. علی‌اکبر قرشی، قاموس قرآن، المقدمة، ص۳. ■ ۱۲. محمدباقر مجلسی، ترجمه جلد شانزدهم بحار الانوار، ج۱، ص۵۶. ■ ۱۳. غلامرضا گلی زواره، جرعه‌های جانبخش، ص۳۸۹. ■ ۱۴. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج۳، ص۴۹۳. (البته این روایت در بحار الانوار، الامالی صدوق، علل‌الشرایع، الوافی و دیگر متون روایی نیز آمده است). ■

جایگاه انتظار در فرهنگ شیعه

«فَرَج» به معنای «گشایش» است و انتظار فرج، برخاسته از فطرت کمال جوی بشری است؛ اگر چه عوامل دیگری نیز می‌تواند منشأ انتظار باشد. در حقیقت انتظار، کیفیتی روحی است که باعث به وجود آمدن حالت آمادگی (انسان‌ها) برای امر مورد انتظار است و در مقابل آن، یأس و ناامیدی مطرح می‌شود. هر چه انتظار انسان، بیشتر باشد؛ تحرک و پویایی او و در نتیجه آمادگی انسان نیز بیشتر خواهد شد».[1]

مفهوم‌شناسی انتظار در فرهنگ شیعه

در یک بررسی کوتاه، روایاتی که در آنها سخن از انتظار است، به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱. انتظار فرج به معنای عامّ

در این معنا، آموزه‌های دینی بر آن است تا افزون بر بیان فضیلت «فرج» و امید به آینده، نومیدی را نیز مورد نکوهش قرار داده، از ورود جوامع بشری به آن جلوگیری کند. انتظار در فرهنگ شیعی با برخی موارد و ارزش‌های والایی ذکر شده است. برخی از موارد از این قرار است:

۱ـ۱. عبادت و بندگی

قرآن و سیره اهل بیت به ما می‌آموزد که هدف از آفرینش، بندگی خداوند است.[2] رسول خدا، یکی از نمودهای این بندگی را انتظار گشایش دانسته و می‌فرماید:

«انتظارالفرج عباده[3]. انتظار فرج، عبادت است.»

ازآن‌جا که بیشتر عبادات، در شمار رفتارهای انسان است، می‌توان نتیجه گرفت که مقصود از انتظار نیز، مجموعه رفتاری خاص است.

پیشنهادهای اجرایی هفته

◆ برگزاری زیارت عاشورا از اول محرم تا اربعین ◆ برگزاری جشن میلاد امام باقر علیه السلام ◆ گرامی داشت هفته کتاب و تشویق جوانان به کتابخوانی ◆ تکمیل و غنی سازی کتابخانه مسجد با کمک خیرین و فعالین فرهنگی ◆ برنامه ریزی جهت تعمیرات جزئی و احتمالاً اساسی مسجد و نیز سیستم‌های گرمایشی و سرمایشی ◆ برگزاری مراسم دعای توسل (سه شنبه) ◆ برنامه ریزی برای تأمین لوازم مورد نیاز جهت رفاه نمازگزاران (جا لباسی، کفشداری، امانت داری و...) ◆ نظارت بر پاکیزگی مهرهای نماز و تعیین یک نفر جهت نظارت مستمر بر آن ◆ برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید ◆ برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه) ◆ برگزاری جشن میلاد امام کاظم علیه السلام ◆ برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه) ◆ برگزاری مراسم غبارروبی ماهانه مسجد (جمعه)

۱ـ۲. برترین عبادت

برخی عبادات بر برخی دیگر برتری دارد؛ از این رو انجام آن، افزون بر آنکه مورد تأکید آموزه‌های دینی است، از پاداش افزون‌تری نیز برخوردار است و نقش مؤثری در سازندگی انسان دارد. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

اَفضَلُ العِبادَةِ اِنتِظارُ الفَرَجِ؛[۴] برترین عبادت انتظار فرج است.

۱ـ۳. برترین کارها

گاهی این مسئله را برترین کارهای امت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله معرفی می‌کند. رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله، دراین‌باره می‌فرماید:

اَفْضَلُ اَعْمالِ اُمَّتی اِنتظارُ الفَرَجِ مِنَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ؛[۵] برترین کارهای امت من، انتظار فرج از جانب خداوند است.

۱ـ٤. فرج بودن خود فرج

امروزه، از نظر دانش روانشناسی ثابت شده است داشتن امید، نقش بسیار مهمی در رفتارهای اجتماعی دارد. به بیان دیگر انتظارِ آینده‌ای روشن و درخشان، باعث می‌شود زندگی کنونی انسان نیز از روشنایی و پویایی برخوردار شود. در برخی روایات مربوط به انتظار فرج، به این حقیقت ارزشمند این‌گونه اشاره شده است که خود انتظار فرج، نوعی فرج و گشایش است. امام سجّاد علیه‌السلام در این‌باره فرمود:

اِنتِظارُ الفَرَجِ مِنْ اَعظَمِ الفَرَجِ؛[۶] انتظار گشایش، خود از بزرگ‌ترین گشایش‌ها است.

۱ـ۵. برترین جهاد

در آموزه‌های دینی، جهاد و کوشش در راه خدا، یکی از مهم‌ترین رفتارهای فردی و گروهی مسلمانان معرفی شده است. آیات فراوانی از قرآن و روایات بسیاری از معصومان، به حقیقت این رفتار ارزشمند اشاره کرده است.

در روایات از انتظار به عنوان «جهاد» که «برترین جهاد» یاد شده است. از این نوع روایات نیز به خوبی استفاده می‌شود انتظار، از نوع عمل است. در این رابطه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

اَفْضَلُ جِهادِ اُمَّتی اِنْتِظارُ الفَرَجِ؛[۷] برترین جهاد امت من، انتظار گشایش است.

۲. انتظار فرج به معنای خاص

در این معنا، انتظار به معنای چشم‌به‌راه بودن آینده‌ای با تمام ویژگی‌های یک جامعه مورد رضایت خداوندی است که یگانه مصداق آن دوران حاکمیت آخرین ذخیره‌الهی، وجود مقدّس حضرت ولی عصر علیه‌السلام است.

پی‌نوشت

۱. ر.ک: موسوی اصفهانی، محمّدتقی، مکیال المکارم، ترجمه: مهدی حائری قزوینی، ج۲، ص ۲۳۵. ■ ۲. ذاریات(۵۱): آیة ۵۶. ■ ۳. اربلی، کشف الغمة فی معرفة الائمة، ج ۲، ص ۱۰۱؛ شیخ طوسی، أمالی، ص ۴۰۵. ■ ۴. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۸۷؛ ر.ك: ترمذی، سنن، ج ۵، ص ۵۶۵. ■ ۵. شیخ صدوق، عیون اخبارالرضا علیه‌السلام، ج۲، ص۳۶؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۴۴ ■ ۶. طبرسی، احمد بن علی، احتجاج، ج ۲، ص ۳۱۷؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۱۹. ■ ۷. حرانی، حسن بن علی، تحف‌العقول، ص ۳۷.

شنبه ۲۳ آبان

اذان صبح: ۵:۱۲
طلوع آفتاب: ۶:۳۹
اذان ظهر: ۱۱:۴۹
اذان مغرب: ۱۷:۱۸

۲ صفر ۱۴۳۷
14 Nov 2015

می‌ترسم نباشم و کسی به استقبالتان نیاید!

همسر شهید مطهری می‌گوید: «در مدت ۲۶ سالی که با ایشان زندگی کردم، همیشه با یک حالت تواضع و آرامش با من رفتار می‌کردند، با صدای متین و چهره خندان، به طوری که من با یک ارادت و عشق خاصی کار می‌کردم و علاقه شدید ایشان به من و محبت‌هایی که می‌کردند، مرا در انجام کارهای منزل رغبت و شوق عجیبی می‌بخشید... یادم هست یک بار برای دیدن دخترم به اصفهان رفته بودم و بعد از چند روزی با یکی از دوستانم به تهران برگشتم. نزدیکی‌های سحر بود که به خانه رسیدم. وقتی وارد خانه شدم، دیدم همه بچه‌ها خواب هستند، ولی آقا بیدار است. چای حاضر کرده بودند، میوه و شیرینی چیده بودند و منتظر من بودند. ... بعد از سلام و علیک، وقتی آقا دیدند، بچه‌ها هنوز خوابند. با تأثر به من گفتند: می‌ترسم یک وقت من نباشم و شما از سفر بیایید و کسی نباشد که به استقبالتان بیاید. ایشان از تمام مسائل خانه خبر داشتند و در بیشتر کارها به من و بچه‌ها کمک می‌کردند. ایشان بزرگ‌ترین حامی و هادی من و بچه‌ها بودند. بیشتر صبح‌ها چای درست می‌کردند. در تمام طول زندگی به یاد ندارم که به من گفته باشند یک لیوان آب به ایشان بدهم. از ظلم به زن‌ها بسیار ناراحت و منقلب می‌شدند. همیشه می‌گفتند: زن نباید استثمار شود. (کتاب سرگذشت‌های ویژه، ج ۲، صص ۱۰۸ تا ۱۱۱)

یکشنبه ۲۴ آبان

اذان صبح:	۵:۱۳
طلوع آفتاب:	٦:٤٠
اذان ظهر:	۱۱:٤۹
اذان مغرب:	۱۷:۱۷

۳ صفر ۱٤۳۷

15 Nov 2015

ولادت حضرت امام محمد باقر علیه السلام (۵۷ ه‍ ق) به روایتی
روزکتاب، کتابخوانی و کتابدار
روز بزرگداشت آیت الله علامه‌سیدمحمدحسین طباطبایی ۱۳٦۰ ه‍ ش
تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از سوی مجلس خبرگان (۱۳۵۸ه‍ ش)

خودبزرگ بینی

کسانی که به دنبال امور اعتباری دنیوی باشند، از برکات و نعمات سرای آخرت محروم خواهند ماند:

امام علی از قول حضرت عیسی علیه‌السلام فرمود: الدُّنیا داءُ الدِّینِ وَ العَالِمُ طَبیبُ الدِّینِ فَإذا رَأیتم الطَّبِیبَ یجُرُّ الدَّاءَ إِلَی نَفسِهِ فَاتَّهِمُوهُ وَ اعلَمُوا أَنَّهُ غَیرُ نَاصِحٍ لِغَیرِه؛ (وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۲۶) ؛ دنیا، آفت و درد دین است و عالِم، طبیب دین. هرگاه دیدید که طبیب، درد و آفت را به سوی خود می کشد، به او بدگمان شوید و بدانید که او دل‌سوز دیگران نیست.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: إِذَا رَأَیتُمُ الْعَالِمَ مُحِبّاً لِدُنْیاهُ فَاتَّهِمُوهُ عَلَی دِینِکمْ فَإِنَّ کلَّ مُحِبٍّ لِشَیءٍ یحُوطُ مَا أَحَبَّ وَ قَالَ أَوْحَی اللَّهُ إِلَی دَاوُدَ علیه‌السلام لَا تَجْعَلْ بَینِی وَ بَینَك عَالِماً مَفْتُوناً بِالدُّنْیا فَیصُدَّك عَنْ طَرِیقِ مَحَبَّتِی فَإِنَّ أُولَئِك قُطَّاعُ طَرِیقِ عِبَادِی الْمُرِیدِینَ إِنَّ أَدْنَی مَا أَنَا صَانِعٌ بِهِمْ أَنْ أَنْزِعَ حَلَاوَةَ مُنَاجَاتِی عَنْ قُلُوبِهِمْ؛ (کافی، ج ۱، ص ۴۶.)
اگر عالمی را دوستدار دنیا یافتید، او را در کار دین خود متهم سازید؛ زیرا هر دوستدار در بند چیزی است که آن را دوست می‌دارد. خدا به داود وحی فرمود که میان من و خودت عالم فریفته دنیا را واسطه قرار مده که تو را از راه دوستی‌ام بگرداند، که ایشان راهزنان راه بندگان جویای من‌اند، و من کمتر کاری که با ایشان کنم این است که شیرینی مناجاتم را از دل‌شان برمی کنم. (درآمدی برزیّ طلبگی، صص ۱۴۵-۱۴۶)

دوشنبه ۲۵ آبان

اذان صبح: ۵:۱٤
طلوع آفتاب: ٦:٤١
اذان ظهر: ۱۱:٤۹
اذان مغرب: ۱۷:۱٦

٤ صفر ۱٤۳۷
16 Nov 2015

درگذشت ستارخان مبارز آزادی خواه نهضت مشروطه، معروف به سردار ملی (۱۲۹۳هش)
رحلت استاد بزرگ اخلاق میرزا محمد علی شاه آبادی (۱۳٦۹هق)

اسطقسّی فوق اسطقسات!

موضوع مهم دیگری که باید در این‌جا بدان اشاره کرد، جلال و جبروت علمایی و اسطقسّی فوق اسطقسات! وانمودن است. تظاهر به علمیت، استفاده از کلمات قلمبه، اصطلاحات عربی نامأنوس، تکیه کلام‌های آخوندی، و لفظ قلم سخن گفتن خصوصا در محاورات عادی، و اشاره مکرر به مباحث علمی و فنی در بسیاری از موارد تکلف‌آمیز و نشان نوعی خودبزرگ‌بینی و برتری‌جویی است.

این رویه علاوه بر این‌که نشان نوعی تظاهر است، بی‌شك موجب گسست از مردم و به منزله حجابی است که مانع از ابلاغ پیام دین و ادای وظیفه طلبگی می‌گردد. طلبه باید مانند پیامبران به لسان قوم با آنها سخن گوید.

البته، باید توجه کرد که تحصیل حوزوی، طلبه را با ذخایر واژگانی و ادبیات نوینی آشنا می‌سازد که در موارد فراوانی به صورت ناهشیار فاصله زبان او با مردم زیاد می‌شود؛ اما شاید مراقبت و توجه به این موضوع تا اندازه‌ای مانع از ابراز آن گردد. ارتباط زیاد با توده مردم نیز، زمینه حفظ زبان عرفی را فراهم می‌آورد.

پاره‌ای از طلاب از سخنرانی‌های ساده، نوشتن مقاله‌های ساده و مفید، یا بیان احکام شرعی در سخنرانی پرهیز دارند و گمان می‌کنند این کارها، پرستیژ اجتماعی و کلاس آنان را پایین می‌آورد. شهید مطهری که در نوشتن کتاب داستان راستان از سوی کسانی با همین منطق مورد انتقاد قرار گرفته بود، این موضوع را یك بیماری و انحراف بزرگ از تعالیم عالیه اسلام می‌داند. (داستان راستان، ج ۱، مقدمه، ص ۱٦.) (درآمدی برزیّ طلبگی، صص ۱۴۴-۱۴۵)

سه‌شنبه ۲۶ آبان

اذان صبح: ۵:۱۵
طلوع آفتاب: ۶:۴۲
اذان ظهر: ۱۱:۴۹
اذان مغرب: ۱۷:۱۶

۵ صفر ۱۴۳۷

17 Nov 2015

شهادت حضرت رقیه علیها السلام
شهادت سرلشکر مهدی زین الدین، فرمانده لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب علیه السلام (۱۳۶۳ هـ ش)
سالروز آزادسازی سوسنگرد

فاطمهٔ صغیره

آیا نبودن نام حضرت رقیه علیهاالسلام در کتاب‌های معتبری چون ارشاد مفید، دلیلی بر نبودن چنین شخصیتی در تاریخ است؟ آیا مزار معروف دمشق متعلّق به حضرت رقیه است؟ امام حسین علیه‌السلام به دلیل شدت علاقه به پدر بزرگوار و مادر گرامی شان، نام همه فرزندان خود را فاطمه و علی می گذاشتند. این امر خود منشأ بسیاری از سهوِ قلم‌ها در نگاشتن شرح حال زندگانی فرزندانِ امام حسین علیه‌السلام گردیده است. قراین و شواهدی نیز در دست است که رقیه علیهاالسلام را فاطمه صغیره می‌خوانده‌اند. هم‌چنین مسائلی مانند کمبود امکانات نگارشی، اختناق شدید حکمرانان اموی، کم توجهی به ثبت و ضبط جزئیات رویدادها، تعدد فرزندان، تشابه اسمی و به ویژه سرگذشت‌های مشابه در مورد شخصیت‌های گوناگون تاریخی بنابراحتمال زیاد سبب غفلت از نام اصلی ایشان شده است.

هم‌چنین شواهدی قوی نیز بر اثبات وجود ایشان در تاریخ ذکر شده است. مثلا گفتگویی که بین امام و اهل حرم در آخرین لحظات نبرد حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام ، هنگام مواجهه با شمر، رخ داده است. امام رو به خیام کرده و فرمودند:

«اَلا یا زِینَب، یا سُکَینَةَ! یا وَلَدی! مَن ذَا یَکُونُ لَکُم بَعدِی؟ اَلا یا رُقَیَّه وَ یا اُمِّ کُلثُومِ! اَنتم وَدِیعَةُ رَبِّی، اَلیَومَ قَد قَرَبَ الوَعدُ»

(موسوعة کلمات الامام الحسین علیه‌السلام ، ج۲: ۴۱۶)

چهارشنبه ۲۷ آبان

اذان صبح: ۵:۱۵
طلوع آفتاب: ۶:۴۳
اذان ظهر: ۱۱:۴۹
اذان مغرب: ۱۷:۱۵

۶ صفر ۱۴۳۷
18 Nov 2015

امر به نماز جماعت صبح

یکی از متقین به نام «ملا حبیب» - مؤذن مسجدی که مرحوم حاج سید محمد صادق قمی آن را تأسیس کرد- نقل نمودند:
یک شب به مسجد آمدم، دیدم درِ مسجد باز است و یک روشنایی در آنجا دیده می‌شود!؟ داخل شدم دیدم سیدی به لباس علمای ایران در محراب مشغول نماز است و آن روشنایی از چهره ایشان ساطع می‌شود! بعد از نماز، مرا به اسم صدا زد و فرمود: به آقای خود (سید محمد صادق قمی) بگو: بیاید! بدون تأمل رفتم که ایشان را خبر کنم در را به آرامی کوبیدم. دیدم آن مرحوم پشت در بوده می‌خواهد از خانه خارج شود. سلام کردم و گفتم: سید عالِمی در مسجد است و شما را احضار نموده. صورتی نورانی دارد که من چنین صورت نورانی به عمرم ندیده‌ام! تا داخل مسجد شد دیدم نسبت به آن سید ادب و خضوع کاملی در برابر ایشان دارد. سلام کرد و با ایشان مذاکره‌ای نمود. بعد از مدتی آن سید از مسجد خارج شد. پرسیدم این سید که بود؟ و چرا تا این حد نسبت به او خضوع می کردید؟!
از من تعهد گرفت که در مدت حیاتش، این جریان را بروز ندهم. بعد فرمود: آن آقا، حضرت صاحب الزمان عج بودند. من به سوی در مسجد دویدم دیدم در بسته و مسجد تاریک است و احدی در آنجا نیست! از سخنان حضرت با ایشان چیزی نفهمیدم؛ جز آن که به اقامه نماز جماعت صبح در اول فجر امر فرموده بودند. (العبقری الحسان، ج ۱، ص ۱۹۹)

پنج‌شنبه **۲۸** آبـــان

اذان صبـح: ۵:۱۶
طلوع آفتاب: ۶:۴۴
اذان ظهـر: ۱۱:۵۰
اذان مغرب: ۱۷:۱۵

۷ صفر ۱۴۳۷

19 Nov 2015

ولادت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام (۱۲۸ هق)
شهادت حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام به روایتی (۴۹ هق)
روز بزرگداشت سلمان فارسی

زهر کشنده و مرگبار

یا هشامُ! مَثَلُ الدُّنیا مَثَلُ ماءِ البَحرِ کُلَّما شَرِبَ مِنهُ العَطشانُ ازدادَ عَطَشاً حتّی یَقتُلَهُ؛
ای هشام! داستان دنیا به آب دریا مانَد که تشنه هر چه از آن بنوشد، تشنگی‌اش فزونی یابد تا او را بکُشد.
یَا هِشَامُ إِنَّ مَثَلَ الدُّنْیَا مَثَلُ الْحَیَّهِ مَسُّهَا لَیِّنٌ وَ فِی جَوْفِهَا السَّمُّ الْقَاتِلُ یَحْذَرُهَا الرِّجَالُ ذَوُو الْعُقُولِ وَ یَهْوِی إِلَیْهَا الصِّبْیَانُ بِأَیْدِیهِمْ
ای هشام! جهان (در تمثیل) به سان ماری است، که تنی نرم (و نازک) و زهری کشنده و مرگبار دارد. خردمندان از آن می‌هراسند و کودکان - مشتاقانه و عاشقانه - به سوی آن دست می‌یازند.
اِجعَلوا لِأَنفُسِکُم حَظّاً مِنَ الدُّنیا بِإِعطائِها ما تَشتَهی مِنَ الحَلالِ وما لا یَثلَمُ المُرُوَّةَ و ما لا سَرَفَ فیهِ واستَعینُوا بِذلِکَ عَلی اُمورِ الدّینِ؛
برای نفس خود از دنیا بهره‌ای قرار دهید. به آن اندازه که آنچه خواهشِ حلال کند و به مردانگی خللی نرساند و زیاده‌روی در آن نباشد، به او بدهید و از این روش، در انجام دادن امور دین یاری جویید (و نیرو یابید).
آدرس: (تحف العقول، جنود العقل و الجهل، وصیتهُ علیه السلام لهشام و صفته للعقل)

جمعه ۲۹ آبان

اذان صبح: ۵:۱۷
طلوع آفتاب: ٦:٤٥
اذان ظهر: ۱۱:۵۰
اذان مغرب: ۱۷:۱٤

۸ صفر ١٤٣٧
20 Nov 2015

هجوم وحشیانه ایادی رژیم پهلوی به حرم مطهر امام رضا علیه السلام(۱۳۵۷هش)
درگذشت آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خوئی (١٤١٣هق)

روحانی در تمام ساعات شبانه روز روحانی است

اگر ضرورت یا فایده لباس روحانیت ثابت شده باشد، این ضرورت و فایده به صورت عام و برای شرایط مختلف ثابت است. این لباس، لباس رسمی دایم روحانی است و اختصاصی به زمان، مکان یا موقعیت ویژه ندارد. طلبه به همان دلیل که لباس می‌پوشد، پوشیدن لباس را باید ادامه دهد.
روحانی برخلاف پلیس که ساعت کار محدودی دارد و تنها در همان ساعت به ادای وظایف صنفی می‌پردازد، در تمام ساعات شبانه‌روز روحانی است و هرگاه با مردم ارتباط برقرار می‌کند، رسالت‌های روحانیت را بر دوش دارد.
روحانی وظیفه دارد با عمل خود رفتار اسلامی را در موقعیت‌های مختلف به مردم نشان دهد و تجسم زندگی دینی و اخلاقی باشد. از این رو، همه وقت و همه جا مبلّغ آموزه‌های دین است: در مسجد، مدرسه، بازار، خیابان، ماشین و اتوبوس، مجالس و ... .
فواید لباس روحانیت در همه این محیط‌ها انتظار می‌رود و حضور روحانی در هر شرایطی پیام ویژه‌ای دارد. بر این اساس، شایسته است طلاب ملبّس بر پوشیدن این لباس ثابت قدم باشند و فقط در موارد استثنایی، یعنی تنها در جایی که پوشیدن این لباس امکان ندارد یا موجب هتك احترام آن می‌شود ـ مثلاً هنگام ورزش، اثاث‌کشی منزل، بنّایی ساختمان و حضور در بعضی تفریحگاه‌ها ـ لباس را کنار بگذارد. (درآمدی برزیّ طلبگی، ص ۱۲۰)

﴿وَ إِذْ قالَ رَبُّكَ لِلْمَلائِكَةِ إِنِّي جاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قالُوا أَ تَجْعَلُ فِيها مَنْ يُفْسِدُ فِيها وَ يَسْفِكُ الدِّماءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قالَ إِنِّي أَعْلَمُ ما لاتَعْلَمُونَ﴾ [1]؛ ترجمه: «و آنگاه بر آدمیان نعمت ارزانی شد که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی قرار خواهم داد. فرشتگان گفتند: آیا در زمین کسانی را می‌گماری که در آن فساد می‌کنند و خون‌ها می‌ریزند، در حالی که ما همراه با ستایش تو، تو را تسبیح می‌گوییم و تقدیس می‌کنیم؟ گفت: من چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید».

نکات تفسیری

۱ـ خدای تعالی فرمود: «انّی جاعل فی الارض خلیفة» «من روی زمین خلیفه و جانشین قرار خواهم داد». سؤال این است که این خلفا و برگزیدگان چه کسانی هستند؟!

۱ـ بسیاری از مفسران می‌گویند: قبل از آدم، موجودات دیگری مانند جنّیان در زمین زندگی می‌کردند که فساد و تعدّی در میان آن‌ها شایع بود؛ لذا وقتی سخن از آفرینش انسان به میان آمد، این ابهام برایشان مطرح شد که آیا این موجودات هم چون موجودات قبلی مرتکب تجاوز و تعدّی خواهند شد؟

در نقل دیگری آمده است که ابن‌عباس می‌گوید: خداوند به ملائکه گفته بود که از فرزندان این آدم، کسانی خواهند آمد که فساد و خونریزی می‌کنند و پس از آنکه خدا آدم را آفرید، ملائکه از این نظر سؤال کردند تا بفهمند آیا این همان آدمی است که خدا فرموده بود ذریّه‌اش فساد می‌کنند، یا غیر اوست.

۲ـ سؤال ملائکه صرفاً برای فهمیدن بود، نه در مقام انکار و اعتراض و آن‌ها از خدا حکمت آفرینش آدم را پرس‌وجو کنند.[2]

۳ـ در آیات قرآن همواره از انسان دو چهره نشان داده شده است: چهره مثبت و چهره منفی؛ این آیه از خلافت انسان در زمین سخن می‌گوید؛ چراکه «وَلَقَدْ كَرَّمْنا بَنِي آدَمَ... وَ فَضَّلْناهُمْ عَلى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنا تَفْضِيلا»[3] انسان صاحب کرامت و فضیلت بر سایر موجودات است و نیز «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ»[4] در بهترین موقعیت آفریده شده است؛ اما ملائکه به این مسئله بدبین بوده‌اند؛ چراکه «إِنَّ الْإِنْسانَ لَفِي خُسْرٍ»[5] و «إِنَّ الْإِنْسانَ لَيَطْغى * أَنْ رَآهُ اسْتَغْنى»[6] انسان بسیار مستعد طغیان است؛ زیرا خود را غنی می‌پندارد و نیز «إِنَّ الْإِنْسانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ»[7] بسیار ستمکار و ناسپاس است؛ بنابراین کسی که می‌خواهد درباره انسان قضاوت کند، باید واقف به هر دو بعد وجودی او باشد؛ بعدی که از آن جز خیر صادر نمی‌شود و بعدی که جز شرّ ثمره‌ای ندارد.

حدیث

از عبدالله‌بن‌مسعود روایتی نقل شده است که در قرآن، خلافت از جانب خداوند برای سه نفر واقع شده است:

اول خلافت برای آدم علیه‌السلام به دلیل قول خدای تعالی در آیه «و اذ قال ربّک للملائکة انّی جاعل فی الارض خلیفة».

دوم خلافت برای داوود علیه‌السلام طبق آیه «یا داود انّا جعلناک خلیفة فی‌الارض[8]» ای داود، خلافت سرزمین بیت‌المقدس را برای تو قرار دادیم.

سوم خلافت برای مولای متقیان امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام است، بر اساس آیه «لیستخلفنّهم فی الارض کما استخلف الّذین من قبلهم»[۹] آن حضرت خلیفه خداوند بر روی زمین است.[۱۰]

و نیز سفیان ثوری از منصور و او از مجاهد نقل کرده است که سلمان فارسی گفت: روزی در خدمت محمّد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله بودم؛ آن حضرت فرمود: ای مردم، بدانید وصی و خلیفه و بهترین کسی که بعد از من دین مرا برپا دارد و وعده‌های مرا عمل نماید، پسر عمّ من علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام است.[۱۱]

نتیجه‌گیری

آیه شریفه هم به خصلت انسان‌ها اشاره می‌کند و هم به خصلت ملائکه. هم نقاط ضعف و قوت انسان را بیان می‌کند و هم نقاط ضعف و قوت ملائکه را.

یکی از خصلت‌های مهم انسان، که نقطه ضعف او به شمار می‌آید، این است که برای توسعه منافع خود به تعدی و تجاوز و ظلم و فساد اقدام می‌کند و با این کار امنیت خود و دیگران را به خطر می‌اندازد؛ اما از سوی دیگر همین انسان، چنان شایسته تکریم است که می‌تواند خلیفه خداوند در زمین و آیینه تمام‌نمای اسما و صفات او باشد؛ اما ملائکه از سویی به برخی اموری که انسان آگاه است، وقوف ندارند، چراکه در آیه بعد می‌فرماید آن‌ها از علم به اسمائی که به آدم آموختیم، بی‌بهره بودند و از سوی دیگر مظهر خضوع، تسلیم و تواضع در برابر خداوند متعال محسوب می‌شوند؛ آن‌چنان که حتی فکر مخالفت با خداوند متعال هم به مخیله آن‌ها خطور نمی‌کند.

پی‌نوشت

۱. بقره: ۳۰. ■ ۲. فضل‌بن‌حسن‌طبرسی، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص۱۱۷. ■ ۳. اسراء: ۷۰. ■ ۴. تین: ۴. ■ ۵. عصر: ۲. ■ ۶. علق: ۶_۷. ■ ۷. ابراهیم: ۳۴. ■ ۸. ص: ۲۶. ■ ۹. نور: ۵۵. ■ ۱۰. عبدعلی عروسی حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص۴. ■ ۱۱. ابواقاسم حسکانی، شواهدالتنزیل و قواعد التفضیل، ذیل آیه شریفه. ■

مدعیان مهدویّت

«مهدویّت» برای جامعه اسلامی، یک مسئله شناخته شده و قطعی است. به جهت استواری این واقعیت عقیدتی ـ دینی، در تاریخ اسلام با شخصیت‌هایی روبه‌رو می‌شویم که بر اثر انگیزه‌های جاه‌طلبانه، وسوسه قدرت، شهرت و دنیا طلبی، به دروغ ادعای مهدویّت نموده و خود را همان مهدی نجات بخش معرفی کرده‌اند. در این مجال، به نمونه‌هایی از این فرقه‌ها اشاره خواهیم کرد.

۱. کیسانیه

یکی از فرقه‌ها ـ و شاید اوّلین فرقه‌ای که در مهدویّت دچار انحراف شد ـ «کیسانیه» است. درباره علت نام‌گذاری این فرقه به کیسانیه، اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی نوشته‌اند اینان پیروان کیسان، آزاد شده امیرمؤمنان عليه‌السلام بودند. کیسان شاگرد محمدبن حنفیه بود؛ سپس به امامت محمد قائل شد و برای او مراتب و درجاتی دانست که خارج از حدّ وی بود.[۱]

کیسانیه پس از درگذشت محمّد بن حنفیه، به دو شعبه تقسیم شدند: دسته‌ای مرگ محمّد را انکار کرده، گفتند وی نمرده و نمی‌میرد و زنده است؛ امّا غایب شده و در «کوه رضوی» پنهان است، تا روزی که به او امر شود و ظهور کند. این دسته وی را همان امام منتظر می‌دانند؛ از این رو هیچ کس را پس از وی امام نمی‌دانند.

۲. زیدیه

از فرقه‌های معروف شیعه و پیرو زید بن علی بن حسین بن علی عليه‌السلام هستند. این گروه به روایتی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله تمسّک کرده اند که فرمود: «مهدی از فرزندان حسین عليه‌السلام است و او با شمشیر به پا می‌خیزد و مادرش بهترین کنیزان خواهد بود». پس زمانی که زید بن علی بن حسین بن علی بن ابی‌طالب قیام خود را علیه امویان آغاز کرد؛ گفتند چون او از نسل حسین عليه‌السلام است و قیام به سیف علیه ظالمان کرده و از سویی فرزند اسیر است، پس او مهدی موعود می‌باشد![۲]

پیشنهادهای اجرایی هفته

■ برگزاری زیارت عاشورا از اول محرم تا اربعین ■ سخنرانی ویژه مسائل بانوان و دختران قبل از اذان ظهر روز اول ماه شمسی ■ جلسه شورای فرهنگی مسجد ■ ایجاد گروهی برای رصد فرهنگی و اجتماعی محله و احصای مشکلات فرهنگی مثل اعتیاد، بزهکاری و... ■ تشکیل شورای فرهنگ عمومی محله جهت تصمیم گیری برای حل معضلات اجتماعی و فرهنگی محله (با حضور اساتید حوزه و دانشگاه، معلمان و مدیران مدارس، کلانتری‌ها، فرهنگ سراها و...) ■ تجلیل از بسیجیان نمونه مسجد ■ برگزاری مراسم دعای توسل (سه شنبه) ■ دعوت از فرمانده پایگاه مقاومت مسجد برای ارائه گزارش اقدامات بسیج مسجد ■ برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید ■ برگزاری جلسات پرسش و پاسخ ویژه جوانان (پنج شنبه) ■ برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه) ■ برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه)

۳. نفس زکیه

او محمّدبن عبدالله، معروف به نفس زکیه، است. مادرش هند، دختر ابوعبیدة بن عبدالله[۳] بود. برخی از خاندان او و فرقه جارودیه، وی را مهدی موعود[۴] دانسته‌اند. او در سال ۱۴۵هـ[۵] ادعای مهدویّت نمود و به وسیله منصور دوانیقی کشته شد!

٤. ناووسیه

«ناووسیه» برگرفته از اسم شخصی با نام «ناووس» از اهالی بصره است[۶]. برخی گفته‌اند او عبدالله ابن ناووس یا عجلان بن ناووس نام داشت. آنان امامت را در حضرت جعفر بن محمّد علیه‌السلام متوقف می‌دانند و معروف به «صارمیه» هستند.

ناووسیه براین باورند که جعفر بن محمّد علیه‌السلام زنده است و نمی‌میرد. او مهدی آخرُالزّمان است. آشکار می‌شود و بر مردمان فرمانروایی می‌کند. آنان می‌پنداشتند که از وی روایت شده است: «اگر کسی بر شما فراز آید و بگوید که مرا بیمار یافته و مرده مرا شسته است؛ باور نکنید...»

۵. اسماعیلیه

«اسماعیلیه» به امامت شش امام اول شیعیان اثنی عشری معتقد بودند؛ امّا پس از امام صادق علیه‌السلام بزرگ‌ترین فرزند او اسماعیل، یا فرزند او محمد را به امامت پذیرفتند. اسماعیل بزرگ‌ترین فرزند امام صادق علیه‌السلام و مورد علاقه آن حضرت بود. پس از شهادت امام صادق علیه‌السلام گروهی از اسماعیلیه، مرگ اسماعیل را در زمان آن حضرت، انکار کرده و او را امام قائم دانستند که روزی رجعت خواهد کرد... .

٦. باقریه

«باقریه»، به گروهی از شیعیان گفته می‌شود که معتقد به رجعت امام محمد باقر علیه‌السلام بودند. آنان رشته «امامت» را از حضرت علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام به نواده او امام باقر علیه‌السلام کشانیده و او را «مهدی منتظر» می‌دانند.

برخی دیگر از فرقه‌های گمراه عبارتند از: موسویه یا موسائیه، عسکریه، محمدیه و ... .

پی نوشت

۱. شهرستانی، الملل والنحل، ج ۱، ص ۱۴۷. ■ ۲. سید محمّد کاظم قزوینی، امام مهدی علیه‌السلام از ولادت تا ظهور، ص ۵۶۸. ■ ۳.ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۲۲۱. ■ ۴. همان، ص ۲۲۲. ■ ۵. ابوحنیفه احمدبن داوود، اخبار الطوال، ص ۳۸۵. ■ ۶. شهرستانی، الملل والنحل، ج ۱، ص ۱۸۴.

شنبه ۳۰ آبان

اذان صبح: ۵:۱۸
طلوع آفتاب: ٦:٤٦
اذان ظهر: ۱۱:۵۰
اذان مغرب: ۱۷:۱٤

۹ صفر ۱٤۳۷
21 Nov 2015

ارتحال حضرت آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی ره (۱۳۸۵ هش)
شهادت عمار یاسر، صحابی پیامبر صلی الله علیه وآله در جنگ صفین (۳۷ هق)

چرا شما عمّار را سلام الله علیه می گویید...

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): چرا شما عمار را «سلام‌الله‌علیه» می‌گویید، ... چون عمار در وقت حساس اشتباه نکرد و فهمید.
به نظر من، عمار هنوز هم ناشناخته است. من در زندگی امیرالمؤمنین علیه‌السلام که نگاه کردم، دیدم هیچ‌کس مثل عمار یاسر نیست؛ یعنی از صحابه‌ی رسول‌الله، هیچ‌کس نقش عمار یاسر را در طول این مدت نداشت. آنان زنده نماندند، ولی ایشان حیات بابرکتش ادامه پیداکرد. هر وقت برای امیرالمؤمنین علیه‌السلام یک مشکل ذهنی در مورد اصحاب پیش آمد - یعنی در یک گوشه شبهه‌یی پیدا شد - زبان این مرد، مثل سیف قاطع جلو رفت و قضیه را حل کرد. در اول خلافت حضرت همین‌طور، در قضایای جمل و صفین هم همین‌طور، تا در صفین به شهادت رسید.
باید مثل عمار هوشیار بود و فهمید که وظیفه چیست. نمی‌شود گفت به من ربطی ندارد. امروز هر روحانی و هر عمامه‌به‌سر، به مقتضای تلبس به این لباس، موظف است از حکومت اسلام و حاکمیت قرآن دفاع کند؛ هر کس هرطور میتواند. یکی شمشیر به دست می‌گیرد و به جبهه می‌رود؛ یکی زبان گویایی دارد، به منبر می‌رود؛ یکی پست قضاوتی یا غیر قضاوتی از عهده‌اش برمی‌آید، آن را انجام می‌دهد؛ یکی این کارها را نمی‌تواند بکند، اما اهل مسجد و اهل محراب است - اشکالی ندارد - همه بدانند که این روحانی، خود را خادم این انقلاب می‌داند. این، افتخار است. خدمت به این انقلاب، افتخار است. (۷۰/۵/۳۰)

علامه ابوالحسن شعرانی

(امام جماعت مسجد ملا ابوالحسن (مسجد حوض))

در بخشی از وصیت نامه ایشان خطاب به دانشجویان و طلاب علوم دینی آمده است:

«بزرگ ترین چیزی که بر طالب علم واجب و ضروری است، خالص گردانیدن نیت اوست که بنده را توفیق می دهد و وسایل طاعت خویش را برایش فراهم می آورد و هموست که راه درست را در قلوب بندگانش الهام می بخشد. اگر اخلاص نیت نباشد، هیچ کس موفق نمی شود از نردبان دانش بالا رفته یا از آموخته های خود سودی برد... از دیگر اموری که بر طالب علم واجب است، پارسایی و پرهیز از حرام ها و مسائل شبهه ناک و نیز مواظبت بر عبادات است؛ زیرا هیچ کس از علم خود سودی نمی برد، مگر آن را با عمل مقرون سازد. دل های مردمان نیز به واسطه عالم بی تقوا آرامش نمی یابد... و واجب است بر طالب علم که قرائت قرآن کریم را در طول شبانه روز ترک نگوید و آن قرائت را به اندازه توانایی خویش با تدبّر و تأمّل در ریزه کاری ها و معانی آیات همراه سازد و در آیاتی که به اشکال برمی خورد، به تفسیر مراجعه کند و نیز واجب است بر ادّله گفتار و رفتار و مطالعه آن چه را بیهوده است و بدو ارتباطی ندارد وا گذارد....».

هدایت کننده‌ترین سنت‌ها...

شخصیت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم الگویی همیشه زنده و جاوید در طول تاریخ و یگانه رهبر و پیشوای همه‌ی بشریت، به ویژه مسلمانان است که اکنون نیز به عنوان یک اسوه حسنه و سرمشق ماندگار، فراتر از محدودیت‌های زمان و مکان می‌درخشد. سیره و رفتار آن حضرت در تمام شئون فردی و اجتماعی، ره‌گشای راهیان حق و حقیقت است.
وجود پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مانند اقیانوس بی کرانی می‌ماند؛ مملو از خوبی‌ها و فضایل انسانی است که هرکس می‌تواند به اندازه استعداد و توان خود، از آن توشه‌ای برگیرد.
امام علی علیه‌السلام درباره‌ی پیروی از پیامبر اکرم به مردم دستور داده است: «وَ اقْتَدُوا بِهَدْیِ نَبِیِّکُمْ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ الْهَدْیِ وَ اسْتَنُّوا بِسُنَّتِهِ فَإِنَّهَا أَهْدَی السُّنَن»؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰) از راه و رسم پیامبرتان پیروی کنید که بهترین راهنمای هدایت است. رفتارتان را با روش پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تطبیق دهید که هدایت کننده‌ترین سنت‌ها است.
قطعاً همان‌طور که خود ما به عنوان روحانیون و مبلغان جامعه موظفیم از الگوی پیامبر اکرم تبعیت نماییم، مناسب است تا رفتار و سلوک ایشان را به عنوان الگو در جلوی چشم جوانان و مردم نصب نماییم و رفتار آن حضرت را سرمشقی برای همه معرفی کنیم، تا کاستی‌های شخصیت و رفتارمان کمتر به الگوی اسلام و تربیت جوانان صدمه وارد کند.
(با تلخیص و تصرف از کتاب سیره اخلاقی و تربیتی معصومین علیهم‌السلام)

دوشنبه ۲ آذر

اذان صبح: ۵:۲۰
طلوع آفتاب: ٦:٤٨
اذان ظهر: ۱۱:۵۱
اذان مغرب: ۱۷:۱۳

۱۱ صفر ۱٤۳۷
23 Nov 2015

طلبات قهری هجرت

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): هجرت به آن جا که باید هجرت کرد، یعنی نچسبیدن به یک مکان. شاید امروز مصداق این هجرت برای طلّاب علوم دینیه و فضلای محترمی که در حوزه‌ها متمکن و مستقرّند، این باشد که برای تبلیغ به اکناف بلاد اسلامی هجرت کنند. عدّه‌ای هستند که می‌توانند در شهری مستقر شوند و آن را هدایت کنند. اینها در خلال هزارها یا صدها نفر مثل خودشان، در قم مانده‌اند و اثری هم بر ایشان مترتّب نیست. حداکثر این است که درسی بگویند، که اگر هم نگفتند، آن چند نفری که به درس اینها می‌آیند، به یک درس دیگر می‌روند. یعنی همان درس را از دیگری خواهند شنید. الان در کشور ما، شهرها و روستاهایی وجود دارد که محتاج عالم دینی است و علمای دینی باید به آن جاها بروند. البته بدون پیش شرط. چون بعضی به ما می‌گویند باید فلان امکانات، فلان تسهیلات، چه و چه، فراهم باشد تا ما برویم! ما نمی‌گوییم که احتیاج به امور مادّی و شرایط زندگی نیست. البته که احتیاج هست. اما این را باید جزو طلبات قهری دانست. خوب؛ این در همه جا وجود دارد. پس، نباید آن را به عنوان «پیش شرط» فرض کرد. باید راه بیفتند و باید همّت گماشته شود. (۱۳۷۳/۶/۲۲)

سه‌شنبه ۳ آذر

اذان صبح: ۵:۲۱
طلوع آفتاب: ۶:۴۸
اذان ظهر: ۱۱:۵۱
اذان مغرب: ۱۷:۱۳

۱۲ صفر ۱۴۳۷

24 Nov 2015

به عبا احتیاجی نبود!

یکی از روزها که از مسجدشان ـ مسجد موسی بن جعفر (ع) در خیابان غیاثی تهران ـ به منزل آمدند، دیدیم عبا روی دوششان نیست. از ایشان پرسیدیم: «عبایتان چه شد؟» گفتند: «سر راه مرد فقیری را دیدم که از سرما می‌لرزید، عبایم را روی دوشش انداختم. من دیدم که حالا قبا دارم و فعلاً به عبا احتیاج زیادی ندارم؛ پس نباید فرد مسلمانی از سرما بلرزد و من، هم عبا داشته باشم و هم قبا! یکی از آنها برایم کافی بود».

در همسایگی ایشان، یک راننده تاکسی زندگی می‌کرد که وضع خوبی نداشت. او تعریف می‌کند که یک روز صدای نفس نفس زدن یکی را شنیدم که از پله‌ها بالا می‌آید! محل سکونت ما در طبقه سوم بود. وقتی نگاه کردم، آیت‌الله سعیدی را دیدم که یک گونی زغال به دوش گرفته بود و برای ما می‌آورد.

(شاهد یاران، ش ۳۲، ص ۳؛ به نقل از فرزند شهید)

چهارشنبه ۴ آذر

اذان صبح: ۵:۲۱
طلوع آفتاب: ٦:٤٩
اذان ظهر: ۱۱:۵۱
اذان مغرب: ۱۷:۱۲

۱۳ صفر ١٤٣٧

25 Nov 2015

مقدس مآبی را شغل خود قرار نداده بود

در احوالات ملا عباس تربتی نقل شده که کارهای ضروری زندگی ایشان متعارف بود و با همه‌ی زهد و عبادتی که داشت، از آنها نبود که مقدس مآبی را شغل خود قرار می‌دهند، بلکه به تمام امور معمولی زندگی می‌رسید. مثلاً به مهمانی و به دیدن مسافری که وارد شده و به عیادت مریض و تشییع جنازه و هرگونه امور متعارف دیگر زندگی از قبیل مجلس عقد و امثال اینها می‌رفت و خودش نیز همیشه میهمان می‌پذیرفت و از سفر که بازمی‌گشت یا در ایام عید، برای پذیرایی از مردم در خانه می‌نشست. به هر نوع گرفتاری که مردم داشتند رسیدگی می کرد و به درد دل آنها گوش می‌داد و در راه رفع کدورت‌ها و مخاصمه‌ها از طریق نصیحت و خیرخواهی کوشش می کرد، خواه میان زن و شوهران یا میان دو طرف دعوای مالی یا میان اهالی ده که با هم به دسته‌بندی برمی‌خاستند؛ و همه وجوه شرعی را مانند خمس و زکات و ردّ مظالم و صوم و صلاة که مردم نزد او می‌آوردند می‌گرفت و با احتیاطی سخت که همیشه باعث زحمت و ضرر خانواده‌اش بود، آنها را به مصرف می‌رساند. در همه عمر خودش یک شاهی یا یک حبه گندم نه از سهم امام، نه از زکات، نه از ردّ مظالم و نه از وجه صوم و صلاة به مصرف شخصی خود یا افراد خانواده‌اش نرساند.

(فضیلت های فراموش شده، ص ۱۱۷)

پنج‌شنبه ۵ آذر

اذان صبح: ۵:۲۲
طلوع آفتاب: ٦:۵۰
اذان ظهر: ۱۱:۵۱
اذان مغرب: ۱۷:۱۲

١٤ صفر ١٤٣٧

26 Nov 2015

روز بسیج مستضعفان
تشکیل بسیج مستضعفان
به فرمان حضرت امام
خمینی رحمة الله علیه
(۱۳۵۸ هش)

فانّ النّاقد بصیرٌ بصیرٌ

نقل می‌کنند که آیت‌الله بروجردی را پیش از فوتشان خیلی ناراحت دیدیم که می‌گفتند خلاصه، عمر ما گذشت و ما رفتیم و نتوانستیم چیزی برای خود از پیش بفرستیم و عملی انجام دهیم. یک نفر به عادتی که همیشه در مقابل صاحبان قدرت، تملّق و چاپلوسی می‌کنند، خیال کرد که اینجا هم جای تملّق و چاپلوسی است، گفت: آقا شما دیگر چرا؟! ما بیچاره‌ها این حرف‌ها را باید بزنیم، شما چرا؟ بحمد الله شما این همه آثار خیر از خود باقی گذاشته‌اید، این همه شاگرد تربیت کرده‌اید، این همه آثار کتبی به یادگار گذاشته‌اید، مسجدی به این عظمت ساخته‌اید، مدرسه‌ها در کجا و کجا ساخته‌اید و... وقتی این را گفت، ایشان جمله‌ای فرمودند که حدیث است: اخلص العمل فانّ النّاقد بصیر بصیر! (سیمای فرزانگان، ص۱۲۳)

جمعه ۶ آذر

اذان صبح: ۵:۲۳
طلوع آفتاب: ۶:۵۱
اذان ظهر: ۱۱:۵۲
اذان مغرب: ۱۷:۱۲

۱۵ صفر ۱۴۳۷

27 Nov 2015

آزاد هستید در محدوده شرع!

همسر امام خمینی‌ؒ می‌گوید: اول زندگی‌مان به من گفتند من به کار تو کاری ندارم. به هر صورت که میل داری لباس بخر و بپوش اما آنچه از تو می خواهم این است که واجبات را انجام دهی و محرمات را ترک کنی یعنی گناه نکنی.

به مستحبات خیلی کاری نداشتند، هر طوری که دوست داشتم زندگی می کردم. به رفت آمد با دوستانم کاری نداشتند و اینکه چه وقت بروم و چه وقت بگردم، ایشان به درس و تحصیل مشغول بودند و من هم سرم به کار خودم بود. (زندگی به سبک روح الله، ص۱۳)

همسر شهید مطهری نیز نقل می کنند هنگامی که از سفر اصفهان (از نزد دخترم) بر می گشتم، نزدیکی های سحر بود که به خانه رسیدم. وقتی وارد خانه شدم، دیدم همه بچه‌ها خوابند ولی ایشان بیدار است. چای حاضر کرده بود و میوه و شیرینی چیده بود و منتظر من بود. بیشترِ صبح‌ها، ایشان چای درست می کردند در تمام زندگی یاد ندارم از من لیوانی آب خواسته باشند. (مجمع ملکوتیان، ص ۱۲۳)

﴿وَ اعْلَمُوا أَنَّما غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ
فَأَنَّ لِلّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبى وَ الْيَتامى
وَ الْمَساكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللّهِ وَ ما أَنْزَلْنا عَلى عَبْدِنا
يَوْمَ الْفُرْقانِ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعانِ وَ اللّهُ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [1]؛ «و بدانید که
هر فایده‌ای به دست می‌آورید، خمس آن برای خدا و پیامبر و برای خویشاوندان او و یتیمان و
بینوایان و درراه‌مانده از بستگان اوست؛ پس آن را به اهلش بپردازید، اگر به خدا و آنچه در روز
جدایی حق از باطل (روز بدر) بر بنده خود محمّد فرو فرستادیم ایمان دارید؛ روزی که آن دو گروه
مؤمن و مشرك برای نبرد با یکدیگر روبه‌رو شدند و خدا بر انجام هر کاری تواناست.

شأن نزول

در آغاز این سوره آمده است که پاره‌ای از مسلمانان، بعد از جنگ بدر بر سر تقسیم غنائم جنگی مشاجره کردند و خداوند برای ریشه‌کن ساختن ماده اختلاف، غنائم را دربست در اختیار پیامبر گذاشت، تا هر گونه صلاح می‌داند آن را مصرف کند و پیامبر آن‌ها را در میان جنگ‌جویان به‌طور مساوی تقسیم کرد.

نکات تفسیری

۱ـ این آیه در حقیقت بازگشت به همان مسئله غنائم است، سپس این آیه به تناسب آیاتی که قبل از این درباره جهاد گفته شد - زیرا در چند آیه قبل اشارات مختلفی به موضوع جهاد گردید و از آنجا که جهاد غالباً با مسئله غنائم آمیخته است - با ذکر حکم غنائم تناسب دارد؛ بلکه چنان‌که خواهیم گفت، قرآن در اینجا حکم را از مسئله غنائم جنگی نیز فراتر برده و به همه درآمدها اشاره کرده است.[2]

۲ـ اینکه آیه شریفه پس از بیان مصارف خمس، عبارت «اگر ایمان به خدا و پیامبر دارید» را به کار برده است، برای برای تفهیم این مسئله است که تنها ادعای ایمان نشانه ایمان نیست، بلکه بالاتر، شرکت در میدان جهاد هم کافی نیست؛ آنچه روح ایمان را در انسان تثبیت می‌کند، تسلیم در مقابل همه دستورات خداوند، خصوصاً دستورات مالی است که گاهی صفت بخل انسان را از تواضع در برابر آن‌ها باز می‌دارد.[3]

۳ـ کلمه «غنم» و «غنیمت» به معنای رسیدن به درآمد از راه تجارت و یا صنعت و یا جنگ است[4] و لیکن در این آیه به ملاحظه مورد نزولش، تنها با غنیمت جنگی منطبق است؛[5] یعنی آیه عمومیت مفهوم را تخصیص نمی‌زند.

از ظاهر آیه برمی‌آید که تشریع در آن مانند سایر تشریعات قرآنی ابدی و دائمی است و نیز استفاده می‌شود که حکم مورد نظر آیه مربوط به هر چیزی است که غنیمت شمرده شود، هر چند غنیمت جنگی مأخوذ از کفار نباشد؛ مانند استفاده‌های کسبی و مرواریدهایی که با غوص از دریا گرفته می‌شود و کشتی‌رانی و استخراج معادن و گنج؛ گو اینکه مورد نزول آیه غنیمت جنگی است و لیکن مورد مخصِّص نیست.[6]

۴- منظور از «یوم الفرقان»، روز جدایی حق از باطل، روز بدر است، به دو دلیل؛ اول اینکه آن روز روزی بود که نشانه‌های حقانیت پیامبر ﷺ ظاهر گشت و دوم اینکه روز رویایی و جدایی حق و باطل «یوم التقی الجمعان» برای مسلمانان در واقع یک نعمت بزرگ الهی بود؛ زیرا چه دوستان و چه دشمنان را به اندیشه پیرامون آیین جدید و قدرت حیرت‌انگیز آن وادار نمود و در آن روز مؤمنان راستین از مدعیان کاذب شناخته شدند.

حدیث

محمدبن‌زید طبری گوید: مردی از بازرگانان فارس که از پیروان امام رضا علیه‌السلام بود، به آن حضرت نامه‌ای نوشت و درباره خمس اجازه خواست. حضرت در پاسخ او نوشت:

به راستی خمس، کمک ماست به دین ما و به عیال‌های ما و به دوستان ما و وسیله بذل و بخشش ماست و حفظ آبروی ما از کسی که از او بیم داریم؛ آن را از ما دریغ ندارید و خود را از دعای ما محروم نسازید؛ زیرا پرداخت خمس، کلید روزی شماست و مایه پاک شدن گناهان شما و ذخیره‌ای است که برای روز ناتوانی خود پس‌انداز می‌کنید. مسلمان کسی است که برای خدا به آنچه او را عهده‌دار کرده است، وفا کند. مسلمان نیست کسی که به زبان پذیرا است و به دل مخالف است، والسلام.[۷]

داستان

به مأمون خبر دادند که مردی دزدی کرده است. مأمون دستور داد او را احضار کنند. چون حاضر شد، مأمون او را در قیافه مرد پارسایی مشاهده کرد که اثر سجده در پیشانی داشت؛ به او گفت:

وای بر این ظاهر زیبا و بر این کار زشت! آیا با چنین آثار زهد و پارسایی که از تو می‌بینم، تو را به دزدی نسبت می‌دهند؟

مرد گفت: من این کار را از روی ناچاری کرده‌ام؛ زیرا تو حق مرا از خمس و غنایم نپرداختی.

مأمون گفت: تو در خمس و غنایم چه حقی داری؟

مرد گفت: خدای عزوجل خمس را به شش قسمت تقسیم کرد و فرمود:

بدانید هر گونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا و برای پیامبر و برای ذی‌القربی و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه (از آن‌ها) است.[۸] هم‌چنین غنیمت را به شش قسمت تقسیم کرد و فرمود:

آنچه را خداوند از اهل این آبادی‌ها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او و یتیمان و مستمندان و درراه‌ماندگان است تا (این اموال عظیم) در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد![۹]

طبق این بیان، اکنون که در سفر مانده‌ام و بینوا و تهی‌دستم، تو مرا از حقم محروم ساخته‌ای.[۱۰]

نتیجه‌گیری

با نگاه به آموزه‌های قرآن می‌توان دریافت که در نظام اسلامی راه رشد و پویایی اقتصادی، راه تعاون و همکاری برای همه مسلمانان وجود دارد.[11] آیات بسیاری ترغیب به امدادهای مالی از قبیل انفاق، صدقات، قرض، زکات و خمس نموده است. بدیهی است چنین نظام اقتصادی‌ای نمی‌تواند بر پایه ثروت‌اندوزی عده‌ای و ضعف و پریشان‌حالی اکثر مردم جامعه باشد. خمس علاوه بر رفع نیاز اقشار بی‌بضاعت جامعه، نقش بسیار مهمی در رشد فرهنگ تعالیم دینی از طریق حوزه‌های علمیه و پایگاه‌های تخصصی دین‌شناسی دارد. در واقع یک قسمت از خمس، صرف تحصیل کسانی می‌شود که تمام وقت خود را در فهم و تبلیغ آیین توحیدی مصروف می‌دارند.

پی‌نوشت

۱. انفال: ۴۱. ■ ۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج۷، ص۱۷۲. ■ ۳. همان. ■ ۴. ابن‌منظور، لسان‌العرب، ج۱۲، مرتضی الزبیدی، تاج‌العروس من جواهرالقاموس، ج ۹؛ راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن. ■ ۵. محمدحسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۹، ص۱۱۸. ■ ۶. همان. ■ ۷. محمدبن‌یعقوب کلینی، اصول کافی، ترجمه کمره‌ای، ج۳، ص۶۳۵. ■ ۸. انفال: ۴۱. ■ ۹. حشر: ۷. ■ ۱۰. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج۴۹، ص۲۸۸ (با تلخیص). ■ ۱۱. مائده: ۲.

پیشنهادهای اجرایی هفته

◆ برگزاری زیارت عاشورا از اول محرم تا اربعین ◆ جلسه با هیئت امنای مسجد ◆ برگزاری مراسم دعا برای آزادی مردم فلسطین در روز جهانی همبستگی با مردم فلسطین ◆ برگزاری مراسم دعای توسل (سه شنبه) ◆ برگزاری مراسم عزاداری اربعین حسینی ◆ برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید ◆ برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه) ◆ برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه) ◆ خطابه با موضوع تبیین نقش شهید مدرس در مبارزه با رضا شاه پهلوی و نقش قانون و قانونگذاری در ساماندهی زندگی اجتماعی

برخی زمینه های ورود مستشرقین به موضوع مهدویت

مستشرق در اصطلاح، به آن دسته از محققان مسلمانی که به پژوهش درباره عرصه‌های متفاوت تمدن شرق می‌پردازند، اطلاق می‌شود؛ چه آنان که متولد سرزمین‌های شرقی هستند و به یکی از ادیان شرقی وفادارند و چه آنان که متولد کشورهای غربی هستند و پس از تحقیق، پیرو یکی از ادیان شرقی شده‌اند. در زیل به برخی انگیزه‌ها و دلایل جذب مستشرقین به موضوع مهدویت پرداخته خواهد شد:

الف) جاذبه فرهنگ و تمدن اسلامی

جاذبه تمدن مشرق زمین، به ویژه تمدن اسلامی، به حدی بوده است که مستشرقین از دیرباز، برای ورود به عرصه اسلام‌شناسی اظهار گرایش کرده‌اند.

ب) اهداف استعماری و تبشیری

گروهی بر این باورند که یکی از انگیزه‌های اصلی در گرایش مستشرقین به اسلام‌شناسی، ضربه‌زدن به اسلام و ایجاد تفرقه در بین امت اسلامی بوده است. این شرق‌شناسان، به‌طور معمول از طریق مؤسسات و بنیادهایی برای خاورشناسی گسیل می‌شدند و به اجرای اهداف خود در سرزمین‌های اسلامی می‌پرداختند.

ج) نگاه اندیشمندانه به آموزه‌های اسلامی

برخلاف نظر افرادی که شرق‌شناسی را یک حرکت حساب شده استعماری و مایه تضعیف دین می‌دانند، عده‌ای دیگر بر این باورند که توجه غرب به تمدن شرق و به ویژه تمدن و آموزه‌های اسلامی، محصول نگاهی علمی و تحقیقی است که بر اهداف استعماری تقدم داشته است؛ هر چند که استعمار نیز در دوره‌هایی از آن بهره‌برداری کرده است.

د) توجه به نهضت‌های اصلاح‌طلبانه اسلامی

پاره‌ای از اندیشمندان غربی، به ویژه در دو سده گذشته، با توجه به بعضی از

رخدادها و وقایعی که در سرزمین‌های اسلامی پیش آمده ـ هم‌چون ادعای بعضی از مدعیان دروغین مهدویت در سرزمین‌های اسلامی، بر موضوع مهدویت تکیه نموده و درباره نگرش مسلمانان و متون اسلامی پیرامون مهدویت سخن گفته‌اند. هم‌زمانی برخی مستشرقین مانند گلدزیهر، دارمستتر، ادوارد براون، فان فلوتن و ... با برخی از جریان‌های مدعی مهدویت، در علاقه‌مندی بیشتر آنها به این مباحث نقش داشته است.

در هر صورت، موضوع مهدویت به عنوان یک اصل پذیرفته شده در میان فرقه‌های اسلامی، در فراز و نشیب تاریخ، مورد توجه و حتی سوء استفاده قرار گرفته و گاهی این حرکات با انگیزه‌های استعماری همراه گردیده و توجه ویژه اسلام‌شناسان غربی را برانگیخته است.

ه) نگاه کلان به موضوع منجی و جامعه آرمانی

موضوع مهدویت، در نگاهی فراگیر و به صورت دغدغه‌ای در همه ادیان، مورد توجه قرار گرفته است. در تمامی ادیان ابراهیمی و غیر ابراهیمی (سامی و غیر سامی) این اعتقاد به گونه‌های متفاوت وجود دارد و همه مذاهب، آرمان نهایی جوامع بشری را ظهور و تجلّی شخصیتی آسمانی می‌دانند. بر پایه این اندیشه دینی، بسیاری از دین پژوهان غربی، ذیل عناوینی همچون منجی گرایی، بازگشت مسیح، هزاره گرایی، نجات، رستگاری، پایان تاریخ، آینده پژوهی و امثال آنها، به این موضوع پرداخته و درباره نگرش ادیان به این موضوع، کتاب‌ها و مقالات فراوانی نوشته شده‌اند.

افزون بر اسلام‌شناسان غربی که موضوع مهدویت را در ذیل مباحث فراگیر منجی‌گرایی و آینده‌پژوهی و... دنبال کرده‌اند و هم‌چنین دین‌پژوهانی که به‌طور خاص، به موضوع مهدویت در اسلام توجه کرده‌اند؛ می‌توان از دسته سومی نام برد که مباحث و نظرات آنان می‌تواند به غنای مباحث مهدوی بیانجامد. این دسته از اندیشمندان، فیلسوفان اجتماعی و جامعه‌شناسان و یا اندیشمندان فلسفه سیاسی هستند که به‌طور لزوم درباره مباحث کلامی و دینی، از جمله مبحث مهدویت و یا منجی گرایی بحث نموده‌اند.

روز نیروی دریایی

شنبه ۷ آذر

اذان صبح: ٥:٢٤
طلوع آفتاب: ٦:٥٢
اذان ظهر: ١١:٥٢
اذان مغرب: ١٧:١٢

١٦ صفر ١٤٣٧

28 Nov 2015

شیخ ارزَنی!

در مسجد کوفه با جمعی که در میان آنها یکی از علماء مبرز و بزرگ بود، حضور داشتیم وقت مغرب شد. برای وضو و اقامه جماعت با آن عالم بزرگ، به میان موضع «تَنُور» در وسط مسجد کوفه رفتم. در آنجا مقدار اندکی آب بود که از مجرای قناتی مخروبه می آمد و راه تنگی داشت که گنجایش بیش از یک نفر را نداشت. به آن جا رفتم که وضو بگیرم وقتی خواستم پایین بروم شخص جلیلی را به هیات اعراب دیدم که کنار آب نشسته و وضو می گیرد، اما در نهایت طمانینه و وقار نشسته بود. من برای رسیدن به نماز جماعت عجله داشتم کمی توقف کردم، ولی وقتی دیدم که او به همان آرامش نشسته و ندای اقامه نماز هم بلند شده است به خاطر آن که عجله کند، به او گفتم: مثل این که قصد نداری با شیخ نماز جماعت بخوانی؟ فرمودند: نه، زیرا او شیخ دخنی (اَرزَنی) است!

منظورش را از این جمله نفهمیدم و صبر کردم تا فارغ شد و رفت. من هم رفتم و وضو گرفتم و با شیخ نماز خواندم. بعد از نماز و متفرق شدن مردم، جریان را برای شیخ نقل کردم. ناگاه دیدم حالش دگرگون و رنگش متغیر شد و در فکر فرو رفت بعد به من گفت: حضرت حجت(عج) را دیده ای، ولی ایشان را نشناختهای. آن حضرت از چیزی که جز خدای تعالی کس دیگری بر آن مطلع نبود، خبر دادند. بدان که من امسال ارزن کاشته بودم و در نماز فکر آن زراعت افتادم و غصه آنها مرا از حالت نماز واداشت، لذا حضرت از وضع من خبر دادند!

سید مرتضی نجفی از صلحاء نجف اشرف (النجم الثاقب، ص ۶۳۰).

یکشنبه ۸ آذر

اذان صبح: ۵:۲۵
طلوع آفتاب: ٦:۵۳
اذان ظهر: ۱۱:۵۲
اذان مغرب: ۱۷:۱۱

۱۷ صفر ۱٤۳۷

29 Nov 2015

روز جهانی همبستگی با مردم فلسطین
ارتحال حضرت آیت الله العظمی محمد علی اراکی (۱۳۷۳ هـ ش)

رفتارهای لازم

دسته دیگر از رفتارها، رفتارهایی است که طلبه باید انجام دهد و ملاحظه شأن و رتبه خود را در آن نکند. گرچه طلبه برای ادای رسالت خود نیاز به جایگاه اجتماعی دارد ولی هرگز نباید از اقدام به این امور طفره رود. در این جا، به برخی از این موارد اشاره می کنیم: ورزش، کمك به سال خوردگان و رساندن بار آنان به منزل، تواضع برای مردم و قیام به احترام آنها، گرفتن دست ناتوان، احترام به والدین و بوسیدن دست پدر و مادر، بوسیدن فرزند، خدمت در حرم ائمه اطهار ﻋﻠﻴﻬﻢ‌السلام، روضه خواندن، سینه زدن در مجلس عزای اهل بیت ﻋﻠﻴﻬﻢ‌السلام، ارتباط با مستمندان، ملاطفت با کودکان، ابتدا به سلام، سلام به کودکان، گذشت از حق و پرهیز از جر و بحث و جدال، اعتراف به اشتباه و عذرخواهی، دفاع از مظلوم، دفاع از حق و مقابله با باطل، رسیدگی به ارحام و همسایگان و معاشرت با آنها، تحویل گرفتن مردم و لبخند به چهره آنان، جواب سلام گرم و بامحبت، گرفتن هدیه، عذرخواهی از اشتباه، انجام دادن امور شخصی، پرهیز از دستور دادن به دیگران، علم‌آموزی (تحف العقول، ص ۳۱۳)، مشورت خواستن (الاختصاص، ص ۳۳۸)، اعتراف به جهل و گفتنِ کلمه نمی‌دانم (نهج البلاغة، حکمت ۸۲) و ... . (درآمدی برزیّ طلبگی، صص ۱۴۶-۱۴۷)

روز بزرگداشت شیخ مفید

دوشنبه ۹ آذر

اذان صبح: ۵:۲۵
طلوع آفتاب: ٦:٥٤
اذان ظهر: ۱۱:۰۳
اذان مغرب: ۱۷:۱۱

۱۸ صفر ۱٤۳۷

30 Nov 2015

قربة الی الله

در احوال آخوند ملاّ عبد الکریم ایروانی که از شاگردان بزرگ صاحب «ریاض» است، آورده‌اند که او امام جماعت نمی‌شد و می‌گفت: در بدو امر، مرا به مسجد بردند که نماز جماعت بخوانم پس از چندی، کم‌کم جمعیت مأمومین روی به نقصان گذاشت. ملاحظه کردم که از کم شدن مأمومین در نفس من تأثیری پیدا شد. از اینجا فهمیدم که این نماز جماعت، قربة الی الله نیست و فایده ندارد. از این‌رو امامت جماعت را ترک کردم! (سیمای فرزانگان، ص ۱۴۸)

در یکی از ماه‌های رمضان، از شیخ عباس قمی درخواست شد که در مسجد گوهرشاد اقامه جماعت را به عهده بگیرند. با اصرار و پافشاری، این خواهش پذیرفته شد و ایشان چند روز نماز ظهر و عصر را در یکی از شبستان‌های آنجا اقامه کردند. هنوز ده روز نشده بود که اشخاص زیادی اطلاع یافتند و جمعیّت فوق العاده زیاد شد. روزی پس از اتمام نماز به شخصی که نزدیك ایشان بود گفتند: «من امروز نمی‌توانم نماز عصر بخوانم.» رفتند و دیگر آن سال برای نماز جماعت نیامدند. بعدها در پاسخ از علّت ترك جماعت، گفتند: «حقیقت این است که در رکوع رکعت چهارم متوجّه شدم که صدای اقتدا کنندگان که پشت سر من می‌گویند: «یا الله، یا الله، اِنَّ الله مَعَ الصَّابِرِین» از محلّی بسیار دور به گوش می‌رسد و متوجّه زیادی جمعیّت شدم و خوشم آمد که جمعیّت این اندازه زیاد است؛ بنابراین، من برای امامت اهلیّت ندارم.»

(برگرفته از مقدمه محمود شهابی بر کتاب فوائد الرضویه)

سه‌شنبه ۱۰ آذر

اذان صبح: ۵:۲۶
طلوع آفتاب: ۶:۵۵
اذان ظهر: ۱۱:۵۳
اذان مغرب: ۱۷:۱۱

۱۹ صفر ۱۴۳۷
1 Dec 2015

روز مجلس مصادف با
شهادت آیت الله سید
حسن مدرس (۱۳۱۶ هش)
روز مبارزه با ایدز

هدف امام حسین علیه‌السلام عالی‌تر بود...

شهید مدرس رحمه‌الله در نامه‌ای خطاب به احمد شاه می‌گوید: «شهریارا، خداوند دو چیز به من نداد: یکی ترس و دیگری طمع. هر کس با مصالح ملّی و امور مذهبی همراه باشد، با او همراهم و الّا فلا». او می‌دانست که آنچه انسان را پست می‌کند، ترس و طمع است. (تاریخ ۲۰ ساله، جلد ۱، ص ۴۲۶)

ایشان زمانی به روستای مهیار، از توابع استان اصفهان رفته بود و در منزل محمد حسین خان انصاری مهمان بود. در آنجا مجلس روضه خوانی برقرار بود و واعظی به نام موسوی بالای منبر رفته بود و با صدای بلند روضه مفصلی خواند و مجلس را گرم کرد. وقتی روضه‌ایشان تمام شد، اذان گفتند. مدرس هم برای وضو گرفتن، به سمت حوض حیات رفته و پیرمردی را مشاهده کرد که وضوی او اشتباه بود؛ آنگاه آن واعظ روضه خوان را صدا کرد و گفت آقا منبر همه‌اش روضه خوانی و آواز نیست. هدف امام حسین علیه‌السلام عالی‌تر بوده است. شما اخلاق اسلامی و مسائل نماز و روزه را هم به مردم یاد بدهید. اگر دقت می‌کردید و وظیفه خود را انجام می دادید، این پیرمرد غلط وضو نمی‌گرفت. خداوند وظایف دیگری هم برای شما تعیین کرده است. حتما هفته‌ای یک بار، جلسه‌ای تشکیل دهید. این علم هم نمی‌خواهد؛ رساله عملیه یکی از مجتهدین را بگیرید و برای مردم بخوانید. (سیره صالحان)

چهارشنبه ۱۱ آذر

اربعین حسینی (تعطیل)
شهادت «میرزا کوچک خان جنگلی» رهبر قیام مردمی جنگل (۱۳۰۰هـ ش)

اربعین حسینی

۲۰ صفر ۱۴۳۷

2 Dec 2015

اذان صبح: ۵:۲۷
طلوع آفتاب: ٦:٥٦
اذان ظهر: ۱۱:٥٤
اذان مغرب: ۱۷:۱۱

تلاش بازماندگان حسین علیه‌السلام

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): اهمیت اربعین در آن است که با تدبیر الهی خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، یاد نهضت حسینی برای همیشه جاودانه شد و این کار پایه‌گذاری گردید. چرا امام صادق علیه‌السلام – طبق روایت – فرمودند که هر کس یك بیت شعر درباره‌ی حادثه‌ی عاشورا بگوید و کسانی را با آن بیت شعر بگریاند، خداوند بهشت را بر او واجب خواهد کرد؟ چون تمام دستگاه‌های تبلیغاتی، برای منزوی کردن و در ظلمت نگهداشتن مسألهٔ عاشورا و به طور کلی اهل‌بیت، تجهیز شده بودند تاآنکه حقیقت واقعه عاشورا و جور و ستمی که برا اهل بیت پیامبر گذشت، از مردم پنهان بماند. آن روزها هم مثل امروز، قدرت‌های ظالم و ستمگر، حداکثر استفاده را از تبلیغات دروغ و مغرضانه و شیطنت‌آمیز می‌کردند. در چنین فضایی، مگر ممکن بود قضیه‌ی عاشورا – که با این عظمت در بیابانی در گوشه‌ایی از دنیای اسلام اتفاق افتاده – با این تپش و نشاط باقی بماند؟ یقیناً بدون آن تلاش‌ها، از بین می‌رفت.

آنچه این یاد را زنده کرد، تلاش بازماندگان حسین‌بن‌علی علیهماالسلام بود. به همان اندازه که مجاهدت حسین‌بن‌علی علیهماالسلام و یارانش به عنوان صاحبان پرچم، با موانع برخورد داشت و سخت بود، به همان اندازه نیز مجاهدت زینب علیهاالسلام و مجاهدت امام سجّاد علیه‌السلام و بقیه‌ی بزرگواران، دشوار بود. (۱۳۶۹/۶/۲۹)

روز قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۷ هش)
روز جهانی معلولان

پنج‌شنبه ۱۲ آذر

اذان صبح: ۵:۲۸
طلوع آفتاب: ٦:٥٧
اذان ظهر: ۱۱:٥٤
اذان مغرب: ۱۷:۱۱

۲۱ صفر ۱٤۳۷
3 Dec 2015

روحانی و مردم مثل ماهی می‌ماند و آب ...

شهید بهشتی رحمه‌الله دراین باره می‌فرماید:
روحانی، کسی است که در میان مردم و در متن مردم زندگی می‌کند، و کار می‌کند. دائما در تماس مستقیم با مردم است. ... روحانی و مردم مثل ماهی می‌ماند و آب. روحانی با مردم و در مردم زنده است. بدون مردم و دور از مردم نمی‌تواند رسالتش را ایفا کند. علاوه بر این، روحانی در جامعه ما یك نقش دیگر را هم خود به خود بر عهده دارد و آن، خدمت بی‌منت به مردم است. مردم ما ـ بخواهیم یا نخواهیم ـ از روحانی محله‌شان انتظار دارند اگر گرهی در کارشان پیدا می‌شود، قدم جلو بگذارد و گره‌گشایی کند. اگر مشکلی پیدا می‌شود، حل کند. یادم می‌آید در نجف آباد اصفهان، یك عالم مردمی فعال و محبوب به نام مرحوم حاج شیخ ابراهیم رحمه‌الله زندگی می‌کرد. ... ایشان گاهی مثلاً ساعت دوی بعد از نیمه شب یك کسی می‌آید در خانه‌اش را می‌زند. آقا چیه؟ با زنم دعوایم شده. ... لطفاً بیایید و بین ما صلح بدهید. آقای حاج شیخ ابراهیم با کمال خوش‌رویی و با کمال خوش‌حالی می‌رود آن‌جا می‌نشیند، می‌گوید: یك چای درست کنید با هم بخوریم. می‌نشیند تا صبح اختلاف اینها را حل می‌کند و نماز می‌خواند و می‌رود. بسیاری از روحانیت آماده برای خدمت مردم زندگی می‌کنند، بدون این که ساعت معین داشته باشند. همیشه در اختیار مردم هستند. این خصلت اساسی یك روحانی است. (ولایت، رهبری، روحانیت، ص ۳۱۴.) (درآمدی برزیّ طلبگی، صص ۱۵۱-۱۵۲)

روز بیمه

جمعه ۱۳ آذر

اذان صبح: ۵:۲۹
طلوع آفتاب: ٦:۵۸
اذان ظهر: ۱۱:۵٤
اذان مغرب: ۱۷:۱۱

۲۲ صفر ۱٤۳۷

4 Dec 2015

جلسه ذکر حدیث داشته باشید

مرحوم آیت الله حق شناس بسیار به مطالعه احادیث و روایات توصیه می کرد. خودش هم دفترچه ای داشت که احادیث و روایات برگزیده را درآن یادداشت می کرد و از روی آن برای مردم می خواند. حجة الاسلام جاودان می گوید:

ایشان بسیار به روایات علاقه داشت. می‌فرمود به دوستان هم بحث خودم گفتم: شما هر وقت خواستید منبع روایت را پیدا کنید، من برایتان پیدا می کنم. وقتی طلبه‌ای به ایشان گفته بود فلان جا مجلس صلوات است، پاسخ داده بود: شما طلبه ها اگر جلسه ذکر حدیث داشته باشید، مناسب‌تر است.

ایشان به رعایت حال خانواده و پدر و مادر تأکید داشت. یکی از مداحان تهران می گوید:

ایام محرم شب‌ها دیر به منزل می آمدم، خانواده ناراحت می‌شدند بحث میان ما رخ داد و من از خانواده ناراحت شدم. صبح به مدرسه امین الدوله رفتم. میرزای حق شناس با طلبه‌ها صحبت می کرد. حضرت آقا به طلبه‌ها می‌گفت باید مراعات خانواده را کرد حتی اگر شب‌ها دیر منزل آمدید و خانواده با شما بحث کرد، شما نباید چیزی بگویید. من هم گوشه ای نشستم. من هم مطلب را گرفتم و از عمل خود پشیمان شدم. (پایگاه رسمی معاونت تهذیب حوزه علمیه قم)

﴿ یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللهَ وَ ابْتَغُوا إِلَیْهِ الْوَسیلَةَ وَ جاهِدُوا فی سَبیلِهِ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ﴾[1] ؛ «ای اهل ایمان، از خدا پروا کنید و دست‌آویز و وسیله‌ای [از ایمان، عمل صالح و آبروی مقرّبان درگاهش] برای تقرّب به سوی او بجویید و در راه او جهاد کنید تا رستگار شوید».

نکات تفسیری

۱ـ طبق گفته راغب، وسیله عبارت است از پیوند با چیزی از روی رغبت و چون مقصود از وسیله در این آیه، پیوند معنوی با خداوند است و هیچ رابطه‌ای میان بندگان خدا با خدایشان جز بندگی او نیست، بنابراین مقصود از وسیله در اینجا اطاعت خدا و روی آوردن به درگاه او از روی فروتنی و خضوع است.

پس حقیقت وسیله به درگاه خدا، مراعات راه خدا است؛ به اینکه اولاً به احکام او علم پیدا کنی و در ثانی به بندگی او بپردازی و ثالثاً در جستجوی مکارم و عمل به مستحبات شریعت باشی. این وسیله، معنایی نظیر معنای کلمه تقرب را دارد.[2]

۲ـ از همین‌جا روشن می‌شود که مراد از جمله «وَ جاهِدُوا فی سَبیلِهِ» مطلق جهاد، یعنی اعم از جهاد با نفس و جهاد با کفار است؛ زیرا این جمله متصل به جمله قبل است، که در آن وسیله عبارت بود از مطلق هر چیزی که بنده را با پروردگارش مرتبط می‌سازد.[3]

۳ـ درجات استعانت با مراتب عبادت به هم پیوسته است و به هر میزان که عابد در عبادت، موحّد و در توحید، صادق باشد، استعانتش نیز ظریف‌تر خواهد بود؛ اگر عبادت به مرحله عالی راه یافت، استعانت نیز به مرحله ولایت می‌رسد و در استعانت مولّی‌علیه از ولیّ، عون کامل از آنِ ولیّ است که بر همه شئون مولّی‌علیه اشراف دارد.[4]

۴ـ بر خلاف پندار برخی مفسران[5]، استعانت از خدای سبحان به عبادتش منحصر نیست؛ گرچه مددخواهی از او بلافاصله بعد از حصر عبادت آمده است: «ایّاکَ نَعبدُ و إِیّاکَ نَستعین»؛ لیکن دلالتی بر خصوص یاری جستن از خدا در عبادت او ندارد؛ بلکه منظور انحصارِ کمک گرفتن از خدا در مطلق امور است و این عمومیتِ را افزون بر آیه۵ سوره حمد، از آیات۴۵ و۱۵۳ بقره نیز می‌توان استفاده کرد، زیرا در هیچ‌یک از این دو آیه، متعلَّق استعانت بیان نشده است.[6]

حدیث

۱ـ بهترین واسطه‌ای که به وسیله آن می‌توان به خدا نزدیک شد، ایمان به خدا و پیامبر او و جهاد در راه خداست که قلّه کوهسار اسلام است و نیز جمله اخلاص (لااله‌الاالله) که همان فطرت توحید است و برپاداشتن نماز که آیین اسلام است و زکات که فریضه واجب است و روزه ماه رمضان، که سپری است در برابر گناه و کیفرهای الهی و حج و عمره که فقر و پریشانی را دور می‌کند و گناهان را می‌شوید و صله رحم که ثروت را زیاد و عمر را طولانی می‌کند و انفاق‌های پنهانی که گناهان را جبران می‌نماید و انفاق آشکار که مرگ‌های ناگوار و بد را دور می‌سازد و کارهای نیک که انسان را از سقوط نجات می‌دهد.[7]

۲ـ از توصیه‌های امام کاظم علیه‌السلام به هشام است: ای هشام، بهترین وسیله تقرّب بنده به خدا، پس از شناختن او نماز است و خوش‌رفتاری با پدر و مادر و ترک حسد و خودبینی و به خود بالیدن.[۸]

داستان

یکی از اعضای دفتر امام نقل می‌کند: یک روز به مناسبت یکی از روزهای شهادت ائمه علیهم‌السلام به اتاق امام رفتیم و مشغول دعای توسل شدیم. در اثنای دعای توسل، یکی از آقایان ذکر مصیبت مختصری کرد؛ با آنکه او روضه‌خوان ماهری نبود و با حضور امام دست‌پاچه شده بود و صدایش هم بریده‌بریده بود، همین که شروع به روضه‌خوانی کرد، با اینکه هنوز مطلب حساسی را بیان نکرده بود، امام چنان به گریه افتادند که شانه‌هایشان به شدت تکان می‌خورد.

وقتی زیر چشم به سیمای امام نگاه کردم، دانه‌های پی‌درپی اشک را که از زیر محاسن ایشان روی زانویشان می‌افتاد، دیدم و چند لحظه‌ای طول نکشید که یکی از نزدیکان، از زاویه‌ای که امام نبیند، به ذاکر اشاره کرد که روضه را قطع کن؛ زیرا این حالت گریه شدید ممکن بود خدای‌نکرده بر قلب مبارک امام اثر بگذارد.[۹]

نتیجه

توسل به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل‌بیت ایشان علیهم‌السلام در اظهار نیاز به آنان، هیچ منافاتی با حصر استعانت از خدا ندارد و شائبه‌ای از شرک در آن نیست؛ زیرا حقیقت توسّل، تمسّک به گوهرهای گران‌سنگ معنوی، یعنی شخصیت‌هایی است که نزد خدا وجاهت دارند و خدا به آنان قدرت برآوردن حاجات انسان‌ها را عنایت کرده است؛ پس شخص متوسل آنان را واسطه بین خود و خدا قرار می‌دهد، نه اینکه از آن‌ها به‌صورت مستقل حاجت بطلبد.

به گفته شافعی، اهل بیت رسول خدا علیهم‌السلام وسیله تقرّب به خدا هستند[۱۰]؛ بنابراین توسل و نیز طلب شفاعت از اولیای خدا، با عبادت بت‌ها از ناحیه مشرکان متفاوت است؛ زیرا آنان حاجاتشان را مستقلاً از بت‌ها طلب می‌کردند.[۱۱]

پی‌نوشت

۱ . مائده: ۳۵. ■ ۲ . محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج۵، ص۳۲. ■ ۳ . همان. ■ ۴ . عبدالله جوادی آملی، تسنیم فی تفسیر القرآن، ج۱، ص۴۴۸- ۴۴۹. ■ ۵ . ابوالقاسم زمخشری، تفسیر کشاف، ج۱، ص۱۵. ■ ۶ . محمد رشید رضا، تفسیر المنار، ج۲، ص۳۳. ■ ۷ . نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰. ■ ۸ . ابن‌شعبه حرّانی، تحف‌العقول، (ترجمه کمره ای)، ص۴۱۳. ■ ۹ . محمد محمدی اشتهاردی، داستان دوستان، ص۱۳۵. ■ ۱۰ . ابن‌حجر هیتمی، الصواعق المحرقه، ص۸۸؛ سلیمان‌بن‌ابراهیم القندوزی، ینابیع‌المودة لذوی‌القربی، ج۲، ص۴۶۸. ■ ۱۱ . سیدمحسن امین، کشف‌الارتیاب، ص۲۸۲-۲۸۳.

مشترکات اهل سنّت و شیعه در «مهدویّت»

۱. حتمی بودن ظهور و قیام حضرت مهدی علیه‌السلام

اولین مسئله‌ای که بین شیعه و اهل سنّت مورد اتفاق است، حتمی بودن ظهور و قیام حضرت مهدی علیه‌السلام است. این موضوع یکی از مسلمات اعتقادی این دو گروه است؛ به گونه‌ای که ده‌ها و بلکه صدها روایت در این زمینه، در منابع روایی آنها وجود دارد.

۲. نسب حضرت مهدی علیه‌السلام

یکی از مواردی که بین شیعه و سنّی تا حدودی اتفّاق نظر وجود دارد، تبار حضرت مهدی علیه‌السلام است. شیعه این نسب را تا پدر بزرگوار حضرت مهدی علیه‌السلام به روشنی تمام، مشخص و معرفی کرده است، امّا اهل سنّت نیز در موارد معیّنی، بدان اشاره کرده‌اند که از این قرار است:

۲ـ۱. حضرت مهدی علیه‌السلام از اهل بیت و فرزندان رسول خدا

ابن ماجه در سنن خود نقل کرده که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

«اَلْمَهْدِی مِنَّا أَهْلَ الْبَیتِ یصْلِحُهُ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِی لَیلَةٍ»؛[1] «مهدی از ما اهل بیت علیهم‌السلام است وخداوند یک شبه امر او را به سامان می‌آورد».

۲ـ۲. حضرت مهدی علیه‌السلام از نسل حضرت علی علیه‌السلام

از دیگر موارد اتفاق روایات بین شیعه و سنّی، این است که آن حضرت از نسل امام علی علیه‌السلام است. سیوطی در عَرف الوردی نقل کرده که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، دست علی علیه‌السلام را گرفت و فرمود:

«سیخرج من صلب هذا فتی یمْلأ الأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلاً»؛[2] «از نسل این شخص، به زودی جوانی خروج خواهد کرد که زمین را پر از عدل و داد می‌کند...».

۲ـ۳. حضرت مهدی از نسل فاطمه علیهاالسلام

در روایات فراوانی از اهل سنّت، به این مطلب تصریح شده که حضرت، از فرزندان فاطمه علیهاالسلام است، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده‌اند:

پیشنهادهای اجرایی هفته

■ ایجاد گروهی برای رصد مشکلات رفاهی مردم از قبیل آسفالت، خدمات شهری و... ■ دعوت از مسئولین محله و شهر جهت حضور در مسجد و بیان مشکلات در حضور آنان ■ تجلیل از دانشجویان نمونه ■ برگزاری مراسم زیارت امین الله (سه شنبه) ■ برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید ■ برگزاری مراسم عزاداری به مناسبت رحلت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام ■ قرائت زیارت از بعید حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روز رحلت آن حضرت ■ برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه) ■ برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه) ■ برگزاری مراسم عزاداری به مناسبت شهادت امام رضا علیه السلام ■ خطابه با موضوع وقف و اهمیت آن در نظام اسلامی

«الْمَهْدِي مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ»؛[3] «مهدی از فرزندان فاطمه است».[4]

۳. ویژگی‌های جسمانی حضرت مهدی علیه السلام

درباره ویژگی‌های جسمانی حضرت مهدی علیه السلام هنگام ظهور، روایات فراوانی در کتاب‌های شیعه و اهل سنّت آمده است. بعضی از این ویژگی‌ها بدین قرار است:

۳ـ۱. قدرتمند بودن آن حضرت هنگام ظهور

در روایاتی تأکید شده که حضرت مهدی علیه السلام هنگام ظهور دارای بدنی بسیار قدرتمند است.[5]

۳ـ۲. چهره نورانی

جوینی از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است:

«الْمَهْدِي مِنْ وُلْدِي ... كَأَنَّ وَجْهَهُ كَوْكَبٌ دُرِّي...»؛[6] «مهدی از فرزندان من است ... چهره‌اش همانند ستاره‌ای درخشان است».

۳ـ۳. پیشانی بلند و بینی کشیده

حضرت مهدی علیه السلام با پیشانی بلند و بینی کشیده، توصیف شده است. این تعبیر به کرّات در احادیث اسلامی آمده است. این مضمون در کتاب‌های اهل سنّت، مورد اشاره قرار گرفته است. از حضرت علی علیه السلام نقل شده که به امام حسین علیه السلام نگاه کرد و فرمود: «خداوند از نسل حسین، کسی را به وجود خواهد آورد که هم نام پیامبر صلی الله علیه و آله باشد. او مردی است پیشانی بلند و کشیده بینی...».[7]

پی‌نوشت:

۱. ابن ماجه، سنن، ج۲، ح۴۰۸۵؛ کشف الغمة، ج۲، ص۴۷۷؛ دلائل الامامة، ص۲۴۷. ■ ۲. جلال الدین سیوطی، الحاوی للفتاوی، کتاب: العَرف الوردی، ص ۷۴ و ص۸۸. ■ ۳. سنن ابن ماجه، ح ۴۰۸۶؛ ابی داود، سنن ابی داود، ج۴، ح۴۲۸۴؛ نعیم بن حماد، الفتن، ص۳۷۵؛ حاکم، المستدرک، ج۴، ص۵۵۷. ■ ۴. و نیز: ر. ک: کنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص۳۰؛ مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص۳۵؛ جلال الدین سیوطی، الحاوی للفتاوی، ص۶۹. ■ ۵. البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص۷۸؛ الحاوی للفتاوی، ص۷۹. ■ ۶. جوینی، فرائد السمطین، ج ۲، ح ۵۶۵؛ کشف الغمة، ج۲، ص ۴۷۰. ■ ۷. نعمانی، الغیبة، ۲۱۴، ح ۲؛ کشف الغمة، ج ۳، ۲۵۹ و محمدبن جریر طبری، دلائل الامامة، ص ۲۵۸.

آغاز هفته بهداشت

شنبه ۱۴ آذر

اذان صبح: ۵:۲۹
طلوع آفتاب: ۶:۵۹
اذان ظهر: ۱۱:۵۵
اذان مغرب: ۱۷:۱۱

۲۳ صفر ۱۴۳۷

5 Dec 2015

قداست لباس روحانیت

جناب مشهدی اکبر محمدی قنّاقستانی نقل می‌کرد سال ۱۳۷۶ ق یك بقچه پولی پیدا می‌کند آن را برداشته و خدمت حاج آقای حسنی که بعدها در دوران انقلاب امام جمعهٔ موقت کرمان شدند، می‌رسد که این پول‌ها را چه کند. ایشان می‌گوید چون برداشتی، باید حفظ کنی و طبق احکام شرعی عمل نمایی... می‌گوید: بعد از مدتی یک روز نماز ظهر به مسجد جامع کرمان آمدم بعد از نماز دیدم از طرف صحن، آقای سیدی به طرف شبستان می‌آید. با خوشحالی سلام کردم و ایشان پاسخ گرمی دادند و فرمودند: مشهدی اکبر، آن بقچه پول متعلق به یکی از دوستان ماست. آقا نشانی داده و من هم پول‌ها را کامل تحویل دادم... بعد ایشان فرمودند مشهدی اکبر به قناقستان که رفتی سلام و پیغام ما را به آقای حسنی برسان و به ایشان بگو که قم نرو و در روستا بمان و دعای صبح جمعه‌ات را ادامه بده و رادیو کنار عمامه ما نگذار! بعد هم آقا بشارت نابودی رژیم شاه و پیروزی انقلاب را دادند و از به آتش کشیده شدن آن مسجد جامع کرمان هم خبر دادند که به فاصله کمی همه آنها به وقوع پیوست و عنایتی هم به من کردند که سرفه‌های سخت من که موجب خون آمدن از سینه‌ام می‌شد شفا یافت بعد من خدمت آقای حسنی رفتم و پیام آقا را برای ایشان بردم. دست روی دست زد و گفت ای وای، من یك رادیو جیبی داشتم که برای گوش کردن خبر از آن استفاده می‌کردم مکرر اتفاق افتاد شب‌هایی که از شدت خستگی به خواب می‌رفتم و هنگامی که بیدار می‌شدم صدای ساز و آواز و آهنگ رادیو...! (لباس روحانیت، ص۴۳)

یکشنبه ۱۵ آذر

شهادت سرتیب خلبان
احمد کشوری (۱۳۵۹ هش)

اذان صبح: ۵:۳۰
طلوع آفتاب: ٦:۵۹
اذان ظهر: ۱۱:۵۵
اذان مغرب: ۱۷:۱۱

۲٤ صفر ۱٤۳۷

6 Dec 2015

تقویت روح...

مرحوم میرزا جواد آقا ملکی تبریزی به نقل از استاد خود ملا حسینقلی همدانی می‌فرمودند: باید انسان یک مقدار زیاده بر معمول تقلیل غذا و استراحت بکند تا جنبهٔ حیوانیت کمتر و روحانیت قوّت بگیرد و میزان آن را هم‌چنین می‌فرمودند، که انسان اوّلا: روز و شب زیاده از دو مرتبه غذا نخورد حتی تنقّل ما بین الغذائین نکند. ثانیا: هروقت غذا می‌خورد باید مثلا یک ساعت بعد از گرسنگی بخورد آن‌قدر بخورد که تمام سیر نشود این در کم غذا، و امّا کیفش بعد از آداب معروفه، گوشت زیاد نخورد به این معنی که شب و روز هر دو نخورد و در هر هفته دو سه دفعه هر دو را، یعنی، هم روز و هم شب را ترک کند و یکی هم اگر بتواند للتکیف [برای کیف کردن و لذّت بردن] نخورد و لامحاله آجیل خور نباشد... و اگر بتواند روزه‌های سه روز هر ماه را ترک نکند و امّا تقلیل خواب، می‌فرمود؛ شبانه‌روزی شش ساعت بخوابد و البته در حفظ لسان و مجانبت اهل غفلت اهتمام زیاد نماید. اینها در تقلیل حیوانیت کفایت می‌کند. و امّا در تقویت روحانیت اوّلا: دائما باید همّ و حزن قلبی به جهت عدم وصول به مطلوب داشته باشد.

ثانیا: تا می‌تواند ذکر و فکر را ترک نکند، که این دو جناح سیر آسمان معرفت است. در ذکر عمدهٔ سفارش [به] اذکار صبح و شام، [است] اهمّ آنها که در اخبار وارد شده و اهمّ تعقیبات صلوات [نمازها] و عمده‌تر ذکر وقت خواب که در اخبار مأثور است لاسیما متطّهرا در حال ذکر خواب برود، و شب‌خیزی می‌فرمودند: زمستان‌ها سه ساعت، تابستان‌ها یک ساعت و نیم، و می‌فرمودند که من در سجده ذکر یونسیه اثرها دیده ام. (مجله «حوزه» شماره ۴، ص ۶۶-۶۸)

دوشنبه ۱۶ آذر

اذان صبح: ۵:۳۱
طلوع آفتاب: ۷:۰۰
اذان ظهر: ۱۱:۵۶
اذان مغرب: ۱۷:۱۱

۲۵ صفر ۱۴۳۷
7 Dec 2015

روز دانشجو
کشتار دانشجویان معترض به حضور آمریکاییان در دانشگاه تهران (۱۳۳۲ هـ ش)
روز جهانی هواپیمایی
ورود قمر به عقرب ۱۵:۵۶

دستگیری با روی خوش و چهره‌ای گشاده

طلبه باید در تأمین نیاز مردم، و در مواجهه با درخواست‌ها و مراجعات آنان و در حل مرافعات آنان، بی‌حوصلگی نشان ندهد، و از بذل توان و اعتبار خود دریغ نکند، بلکه با رویی خوش و چهره‌ای گشاده، آن‌چه از دستش برمی‌آید، به کار گیرد.

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: إنّ حَوائِجَ النّاسِ إلیکُم نِعمةٌ مِنَ اللّهِ عَلَیکُم فَاغتَنِموها و لا تَملّوها فَتَتَحوّلَ نِقَما؛ (غرر الحکم، حدیث ۱۰۳۰۱.)

روایت شده است: مَن کَثُرت نِعَمُ اللّهِ عَلَیهِ کَثُرَت حَوائِجُ النّاسِ إلیهِ فَإن قامَ فیها بِما أَوجَبَ اللّهُ سُبحانَه عَلَیهِ فَقَد عَرَّضَها للدّوامِ وَ إن مَنَعَ ما أَوجَبَ اللّهُ سُبحانَه فیها فَقَد عَرَّضَها للزَّوالِ؛ (غرر الحکم، حدیث ۸۴۱۸.)

متأسفانه برخی برای تقلیل این مراجعات و رهایی از دردسر آن، میان خود و مردم فاصله می‌اندازند، این احتجاب و فاصله به شدت نهی شده است. حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: أیمَا وَالٍ احتَجَبَ عَن حَوائِجِ النَّاسِ احتَجَبَ اللّهُ عَنهُ یومَ القِیامَةِ وَ عَن حَوائِجِهِ؛ (ثواب الاعمال، ص ۲۶۱.)

هر کارگزاری که از درخواست‌های مردم حجاب گیرد، خداوند در روز قیامت از او و نیازهایش حجاب می‌گیرد.

(درآمدی بر زیّ طلبگی، صص ۱۴۹-۱۵۰)

سه‌شنبه ۱۷ آذر

اذان صبح: ۵:۳۲
طلوع آفتاب: ۷:۰۱
اذان ظهر: ۱۱:۵۶
اذان مغرب: ۱۷:۱۱

۲۶ صفر ۱۴۳۷

8 Dec 2015

قیام سحر را ازدست ندهید...

دستور العملی از ملا حسینقلی همدانی: بعد از سعی در مراقبت، قیام سحر را لا اقل یکی دو ساعت به طلوع فجر مانده از دست ندهد و اگر وقتش زیادتر باشد به ذکر یا فکر یا مناجات مشغول بشود؛ لیکن قدر معینی از شب باید مشغول ذکر با حضور بشود. در تمام حالاتش خالی از حزن نبوده باشد، اگر ندارد تحصیل نماید به اسبابش. و بعد از فراغ، تسبیح سیدهٔ نساء علیهاالسلام و دوازده مرتبه سورهٔ توحید و ده مرتبه، «لا إله إلاّ الله، وحده لا شریک له له الملک» إلی آخر و صد مرتبه لا إله إلاّ الله و هفتاد مرتبه استغفار بخواند. قدری از قرآن شریف تلاوت نماید. و دعای معروف صباح، البتّه خوانده شود. و دائما با وضو باشد و اگر بعد از هر وضو دو رکعت نماز بکند بسیار خوب است. ملتفت باشد که به هیچ وجه اذیتش به غیر نرسد و در قضاء حوائج مسلمین لا سیما علما و لا سیما أتقیائهم سعی بلیغ نماید... . و در شب جمعه صد مرتبه و در عصر روز جمعه صد مرتبه، سوره قدر بخواند. (سیمای فرزانگان، ص۲۳۵)

چهارشنبه ۱۸ آذر

اذان صبح: ۵:۳۲
طلوع آفتاب: ۷:۰۲
اذان ظهر: ۱۱:۵۶
اذان مغرب: ۱۷:۱۱

۲۷ صفر ۱۴۳۷
9 Dec 2015

روز وقف
معرفی عراق به عنوان مسئول و آغازگر جنگ از سوی سازمان ملل(۱۳۷۰ه‍ش)
رحلت آیت الله العظمی سید محمدرضا گلپایگانی از مراجع بزرگوار تقلید(۱۳۷۲ه‍ش)

نان تازه هست!

هر کس به خدمت ایشان می‌رسید می دید که ایشان درباره جهت خاصی که در او (مخاطب) وجود دارد بحث می کند. ما وقتی با آقای مصباح درس ایشان می‌رفتیم غالباً پیش از شروع درس درباره امور سیاسی یا اقتصادی یا امور معیشتی خودمان بحث می کردیم، زیرا آن زمان وضع معیشتی طلاب خوب نبود، وقتی آقا می‌آمدند بدون هیچ مقدمه درست در همین رابطه بحث می کرد، و ما یقین می کردیم که آقا متوجه هست که ما چه بحث می کردیم. مثلاً وقتی ما می گفتیم: چه کار کنیم؟ وضع زندگی‌مان بد است، قرض داریم، نان شب نداریم. بلافاصله ایشان وقتی می‌نشستند می‌فرمودند: بله، طلاب زمان ما هم وضع‌شان این‌طور بود. نداشتند، گرسنگی می‌خوردند، ولی صبر می‌کردند. و حکایتی از زندگی علمای گذشته را در این رابطه نقل می کردند.
به یاد دارم روزی با آقای مصباح گفتگو می کردیم: ما چیزی نداریم و نمی‌شود همیشه با نان خالی زندگی کرد ایشان آن روز بعد از جلوس فرمودند: یک روز صبح بچه شیخ مرتضی انصاری‌ؒ نزد او آمد و گفت: آقا ما هیچ خورشتی نداریم، فقط نان خالی داریم. شیخ فرمود: نان تازه است، معلوم می‌شود که ایشان «تازگیِ» نان را خورشت می‌دانسته‌اند!
با بیان این مطلب ما یک مقدار آرام می‌شدیم که ما حداقل همراه نان، پنیر داریم. (آیت الله مسعودی خمینی، پایگاه رسمی نشر آثار آیت الله بهجت)

پنج‌شنبه ۱۹ آذر

تعطیل

اذان صبح:	۵:۳۳
طلوع آفتاب:	۷:۰۳
اذان ظهر:	۱۱:۵۷
اذان مغرب:	۱۷:۱۱

۲۸ صفر ۱٤۳۷

10 Dec 2015

رحلت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله (۱۱ هق)
شهادت حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام (۵۰ هق) (تعطیل)
روز جهانی حقوق بشر
آغاز هفته پژوهش
تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی به فرمان حضرت امام خمینی رحمة الله علیه ۱۳۶۳ (هش)

پدر و مادرم فدایت، ما را نزد پروردگارت به یاد آور...

بِاَبی اَنْتَ وَ اُمّی یا رَسُولَ اللّهِ، لَقَدِ انْقَطَعَ بِمَوْتِكَ ما لَمْ یَنْقَطِعْ بِمَوْتِ غَیْرِكَ، مِنَ النُّبُوَّةِ وَ الأَنْباءِ وَ اَخْبارِ السَّماءِ. خَصَّصْتَ حَتّی صِرْتَ مُسَلِّیاً عَمَّنْ سِواكَ، وَ عَمَّمْتَ حَتّی صارَ النّاسُ فیكَ سَواءً، وَ لَوْلا اَنَّكَ اَمَرْتَ بِالصَّبْرِ، وَ نَهَیْتَ عَنِ الْجَزَعِ، لاَنْفَدْنا عَلَیْكَ ماءَ الشُّؤُونِ، وَ لَكانَ الدّاءُ مُماطِلاً، وَالْكَمَدُ مُحالِفاً، وَ قَلاّ لَكَ، وَلكِنَّهُ ما لا یُمْلَكُ رَدُّهُ، وَ لا یُسْتَطاعُ دَفْعُهُ. بِاَبی اَنْتَ وَ اُمّی، اُذْكُرْنا عِنْدَ رَبِّكَ، وَاجْعَلْنا مِنْ بالِكَ.

پدر و مادرم فدای تو باد ای رسول خدا، هرآینه با مرگ تو قطع شد چیزی که با مرگ دیگران قطع نمی‌شود و آن نبوت و احادیث دین و خبرهای آسمانی است. خصوصیت مصیبت تو چنان است که تمام مصیبت زدگان عالم را به مصیبت‌شان به تسلیت و آرامش نشاند، وعمومیت مصیبتت دراین است که دل احدی ازمردم در مصیبت تو فارغ از غم نیست، و اگر نه این است که ما را به صبر امر، و از جزع نهی فرموده ای، هرآینه تا خشك شدن اشك چشم بر تو می گریستیم، و این درد برای ما بی درمان می ماند و حزن و اندوهمان همیشگی بود، ولی این همه در مصیبت تو کم است، اما برگرداندن مرگ و دفع آن از کسی مقدور نیست، پدر و مادرم فدایت، ما را نزد پروردگارت به یاد آر، و در خاطر خود نگاه دار. (خطبه ۲۲۶ نهج البلاغه ص ۵۰۸)

شهادت آیت الله دستغیب سومین شهید محراب به دست منافقان (۱۳۶۰ هـ ش)

جمعه ۲۰ آذر

اذان صبح: ۵:۳۴
طلوع آفتاب: ۷:۰۳
اذان ظهر: ۱۱:۵۷
اذان مغرب: ۱۷:۱۱

۲۹ صفر ۱۴۳۷
11 Dec 2015

به گونه‌ای کار کن که گویا فردا خواهی مرد...

قالَ الْحَسَن عليه‌السلام لِبَعْضِ وُلْدِهِ: يا بُنَىَّ لا تُواخِ أَحَدًا حَتّى تَعْرِفَ مَوارِدَهُ وَ مَصادِرَهُ فَإِذَا اسْتَنْبَطْتَ الْخُبْرَةَ وَ رَضيتَ الْعِشْرَةَ فَآخِهِ عَلى إِقالَةِ الْعَثْرَةِ وَ الْمُواساةِ فِى الْعُسْرَةِ.
امام حسن عليه‌السلام به یکی از فرزندانش فرمود: ای پسرم! با احدی برادری مکن تا بدانی کجاها می رود و کجاها می آید، و چون از حالش خوب آگاه شدی و معاشرتش را پسندیدی با او برادری کن به شرط این که معاشرت، بر اساس چشم پوشی از لغزش و همراهی در سختی باشد. (تحف العقول، ص ۲۳۳)
مَنِ اتَّكَلَ عَلى حُسْنِ الْاخْتِيارِ مِنَ اللّهِ لَهُ لَمْ يَتَمَنَّ أَنـَّهُ فى غَيرِ الْحالِ الَّتى إِخْتارَهَا اللّهُ لَهُ؛ هر که به نیك گزینی خداوند دلگرم باشد، آرزو نمی کند در وضعی جز آنچه خدا برایش برگزیده، باشد. (تحف العقول ص ۲۳۴)
إِذا لَقِىَ أَحَدُكُمْ أَخاهُ فَلْيُقَبِّلْ مَوْضِعَ النُّورِ مِنْ جَبْهَتِهِ؛ هر گاه یکی از شما برادر خود را ملاقات کند، باید که محلّ نور پیشانی (یعنی محلّ سجده) او را ببوسد. (تحف العقول، ص ۲۳۶)
«وَ اعْمَلْ لِدُنْياكَ كَأَنَّكَ تَعيشُ أَبَدًا، وَ اعْمَلْ لِاخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا، وَ إِذا أَرَدْتَ عِزًّا بِلا عَشيرَة، وَ هَيبَةً بِلا سُلْطان فَاخْرُجْ مِنْ ذُلِّ مَعْصِيَةِ اللّهِ إِلى عِزِّ طاعَةِ اللّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛ برای دنیایت چنان کار کن که گویا همیشه زندگی می کنی، و برای آخرتت به گونه ای کار کن که گویا فردا خواهی مُرد، و اگر عزّتی بدون بستگان و شکوهی بدون سلطنت خواهی، از معصیت و نافرمانی خدا به طاعت و فرمانبری خداوند عزّوجلّ درآی. (بحار الانوار، ج۴۴، ص۱۳۹)

﴿ إِنَّ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ سَیَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمنُ وُدًّا ﴾ [۱]؛ مسلّماً کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند رحمان محبّتی برای آنان در دلها

شأن نزول

ابن عباس گوید: این آیه مخصوص علی ﷺ است، زیرا هیچ مؤمنی نیست که محبّت علی ﷺ را در دل نداشته باشد. در تفسیر ابوحمزه ثمالی آمده است که پیامبر ﷺ به علی ﷺ فرمود: بگو: خدایا برای من، نزد خویش عهدی قرار ده و محبّت مرا در دل مؤمنین بینداز. علی ﷺ به دستور پیامبر ﷺ دعا کرد و این آیه نازل گردید.[۲]

نکات تفسیری

۱ ـ این آیه شامل تمام مؤمنین می‌شود. خداوند محبت آنها را در دل مردم صالح قرار می‌دهد. هرم بن حبان گوید: هر کس دل خود را متوجه خدا کند، خداوند هم دل‌های مؤمنین را متوجه او می‌سازد و دوستی او را در دل ایشان قرار می‌دهد. ربیع بن انس گوید: خدا هر گاه بنده‌ای را دوست بدارد، به جبرئیل گوید: من فلان کس را دوست می‌دارم. تو هم او را دوست بدار. جبرئیل در آسمان ندا می‌کند که خداوند فلان کس را دوست می‌دارد. همه اهل آسمان نیز با او دوست می‌شوند. آن گاه محبت او در میان اهل زمین نیز منتشر می‌شود. پس معنای آیه این است که خداوند آنها را دوست می‌دارد و محبت آنها را در دل مردم می‌اندازد. در معنای این جمله چند احتمال وجود دارد:

الف) یعنی خداوند، محبت آنها را در دل مخالفان‌شان قرار می‌دهد تا اینکه ایمان بیاورند و قدرت آنها افزایش پیدا کند.

ب) محبت آنها را در دل یکدیگر قرار می‌دهد، تا یکدیگر را دوست بدارند و پشتیبان یکدیگر باشند و هم‌چون دستی واحد، در مقابل دشمن، به نبرد برخیزند.

ج) جبائی گوید: در آخرت، محبت آنها را در دل یکدیگر قرار می‌دهد تا همچون پدر و فرزند، یکدیگر را دوست بدارند. این خود بالاترین شادی و بزرگ‌ترین نعمت است.

مؤیّد قول اول، گفته امیرمومنان علی ﷺ است که: «اگر با این شمشیرم بر بینی مؤمن فرود آورم که مرا دشمن شود، با من دشمن نخواهد شد و اگر همه دنیا را به منافق دهم که مرا دوست بدارد، مرا دوست نخواهد داشت، زیرا بر زبان پیامبر امّی گذشته است که: مؤمن تو را دشمن نمی‌دارد و منافق تو را دوست نمی‌دارد.»[۳]

۲ ـ کلمه «ود» و «مودّت» به معنای محبت است. در این آیه شریفه، وعده جمیلی از ناحیه خدای تعالی آمده که به زودی برای کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام می‌دهند، مودّتی در دل‌ها قرار می‌دهد، دیگر مقیّد نکرده کدام دل‌ها، آیا دل‌های خودشان یا دل‌های دیگران؟ آیا در دنیا و یا در آخرت و یا بهشت؟ و چون مقیّد نکرده، آن را مانند بعضی‌ها[۴] مقیّد به بهشت کنیم و به قول بعضی[۵] دیگر مقیّد به قلوب همه مردم در دنیا و یا مقیّد به قیودی دیگر بسازیم.

البته در روایات شیعه[۶] و اهل سنّت[۷] شأن نزول این آیه شریفه آمده است که درباره علی ﷺ نازل شده و در بعضی[۸] دیگر که تنها از طرق اهل سنّت نقل شده، آمده که درباره مهاجرین حبشه، نازل شده و در بعضی[۹] دیگر، افراد دیگری نام برده شده است.[۱۰]

کلمه «مودّت» تقریباً به معنای محبتی است که اثرش در مقام عمل ظاهر باشد، در نتیجه نسبت مودّت به محبت، نسبت خضوع است به خشوع؛ زیرا خضوع، آن خشوعی را گویند که در مقام عمل اثرش هویدا شود، به خلاف خشوع که به معنای نوعی تأثّر نفسانی است، که از مشاهده عظمت و کبریایی در دل پدید می‌آید.[11]

۳ـ نکته اصلی آیه این است که «ایمان و عمل صالح» جاذبه و کشش فوق العاده‌ای دارد. اعتقاد به یگانگی خدا و دعوت پیامبران که بازتابش در روح و فکر و گفتار و کردار انسان به صورت اخلاق عالیه انسانی، تقوا و پاکی و درستی و امانت و شجاعت و ایثار و گذشت، تجلّی میکند، همچون نیروهای عظیم ربایندهای است. چنان که حتی افراد ناپاک و آلوده، از پاکان لذّت می‌برند و از ناپاکانی همچون خود، متنفّرند؛ به همین دلیل هنگامی که فی‌المثل می‌خواهند همسر یا شریکی انتخاب کنند، تأکید دارند که طرف آنها پاک و نجیب و امین و درستکار باشد.

با چشم خود بسیار دیده‌ایم این گونه افراد پاک، هنگامی که چشم از جهان می‌بندند، دیده‌ها برای آنها گریان می‌شود، هر چند ظاهراً پست و مقام اجتماعی نداشته باشند، با وجود این، همه مردم جای خالی آنها را درک کرده و همه خود را در عزای آنها، شریک محسوب می‌دارند.

اما این که بعضی آن را درباره امیرمؤمنان علی علیه‌السلام دانسته و در روایات بسیاری به آن اشاره شده، بدون شک درجه عالی و مرحله بالای آن، ویژه آن امام متّقین است؛ ولی این مانع از آن نخواهد بود که در مراحل دیگر، همه مؤمنان و صالحان از طعم این محبت و محبوبیت در افکار عمومی بهره برده و از این مودّت الهی سهمی ببرند و نیز مانع از آن نخواهد بود که حتی دشمنان نیز در دل خود احساس محبت و احترام نسبت به آنها کنند.[12]

حدیث

۱ـ الإمامُ الصّادقُ علیه‌السلام: حُبُّ الأبرار للأبرار ثَوابٌ للأبرارِ و حُبُّ الفُجّار للأبرارِ فضیلةٌ للأبرارِ و بُغْضُ الفُجّارِ للأبرار زَینٌ للأبرارِ و بُغْضُ الأبرارِ للفُجّارِ خِزْیٌ علَی الفُجّارِ.[13]

امام صادق علیه‌السلام در این رابطه می‌فرماید: محبت ورزیدن نیکان به یکدیگر، پاداشی است برای نیکوکاران و مهرورزی بَدان به نیکان، فضیلتی است برای نیکان و دشمنی بَدان با نیکان، زیور نیکان است و دشمنی ورزیدن نیکان با بدان، مایه خواری و رسوایی بدان است.

۲ـ عنه علیه‌السلام: یا بنَ النُّعمان، إنْ أردتَ أن یَصْفُوَ لکَ وُدُّ أخیکَ فلا تُمازِحَنَّهُ و لا تُمارِیَنَّهُ و لا تُباهِیَنَّهُ، و لا تُشارَّنَّهُ.[14]

هم‌چنین امام صادق علیه‌السلام در حدیثی دیگر می‌فرماید: ای پسر نعمان! اگر می‌خواهی محبّت برادرت برای تو خالص باشد، هرگز با او شوخی [بی جا] مکن، از جدال با او بپرهیز، بر او فخر مفروش و با او ستیزه مکن.

داستان

یکی از خصوصیات حضرت علی علیه‌السلام این بود که بیتالمال را به طور مساوی میان مردم تقسیم می‌کرد و هرگز بین مسلمانان تبعیض قایل نمی‌شد؛ این امر باعث شده بود تا برخی از طرفداران تبعیض و نیز افراد انحصار طلب، به معاویه بپیوندند. عدّه‌ای از دوستان علی علیه‌السلام به حضور حضرت رسیدند و گفتند:

چنانچه افراد سیّاس و انحصار طلب را با پول راضی کنی، برای پیشرفت امور شایسته‌تر است. امام علی علیه‌السلام از این پیشنهاد خشمگین شد و فرمود:

آیا نظرتان این است به کسانی که تحت حکومت من هستند، ظلم کنم و حق آنان را به دیگران بدهم و با تضیع حقوق آنان، یارانی دور خود جمع نمایم؟ به خدا سوگند! تا دنیا وجود دارد و تا آفتاب می‌تابد و ستارگان در آسمان می‌درخشند، این کار را نخواهم کرد. اگر مال، از آن خودم بود، آن را به طور مساوی تقسیم می‌کردم، چه رسد به اینکه مال، مال خداوند است.

سپس فرمود: ای مردم! کسی که کار نیک را در جای نادرست انجام داد، چند روزی نزد افراد نااهل و تاریک دل، مورد ستایش قرار می‌گیرد و در دل ایشان محبت و دوستی می آفریند؛ ولی اگر روزی حادثه بدی برای وی پیش بیاید و به

یاریشان نیازمند شود، آنان بدترین و سرزنش کننده‌ترین دوستان خواهند شد.[15]

نتیجه

اگر خداوند متعال محبت کسی را به دل مردم بیندازد، هرگز این محبت زایل نخواهد شد؛ اما اگر انسان بخواهد با تمسّک به روشهای غیر الهی برای خود محبوبیتی بین مردم ایجاد کند، ممکن است به صورت مقطعی موفق شود، اما به زودی این محبت، مبدّل به دشمنی و یا لا اقل به فراموشی منتهی خواهد شد.

پی‌نوشت

۱. سوره مریم، آیه ۹۶. ■ ۲. ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۵، ص، ۲۱۳. ■ ۳. همان. ■ ۴. مجمع البیان، ج ۶، ص، ۵۳۲. ■

۵. همان. ■ ۶. همان. ■ ۷. الدر المنثور، ج ۴، ص، ۲۸۷. ■ ۸. روح المعانی، ج ۱۶، ص، ۱۴۳. ■ ۹. تفسیر طبری، ج ۱۶، ص۱۰۱. ■ ۱۰. تفسیر طبری، ج ۱۶، ص، ۱۰۱. ■ ۱۱. ترجمه تفسیر المیزان، ج۱۶، ص، ۲۵۰. ■ ۱۲. تفسیر نمونه، ج۱۳، ص، ۱۴۵. ■ ۱۳. الکافی (ط - الإسلامیة)، ج۲، ص،۶۴۰. ■ ۱۴. بحار (ط - بیروت)، ج۷۵، ص، ۲۹۱ ■ ۱۵. بحار، ج، ۴۱، ص، ۱۰۸ و ۱۱۱.

مفهوم‌شناسی شرایط ظهور موعود

مقصود از شرایط ظهور، زمینه‌هایی است که تحقق ظهور امام عصر، به آنها بستگی دارد و آن را امری منطقی و لازم می‌نمایاند؛ به گونه‌ای که با فراهم شدن آنها، ظهور به طور حتمی تحقق خواهد یافت.

در روایات، بخشی از شرایطی که می‌بایست تحقق یابد تا مهدی موعود، ظهور فرماید، بیان شده است. آنچه در اینجا به عنوان «شرایط ظهور» از آن یاد می‌شود، شرایط ظاهری است که در روایات بیان شده است؛ درحالی که ممکن است شرایط دیگری نیز وجود داشته باشد که از اسرار الهی بوده و بر انسان پوشیده است.

برخی شرایط ظهور را می‌توان در موارد زیر برشمرد:

۱. وجود برنامه و طرحی جامع و متعالی

برای هر تحوّل بزرگی، باید پیش از هر اقدام، چارچوب و اهداف آن، مشخص شود. ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام به عنوان بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین تحول در جامعه بشری، پیش از هر چیز دارای برنامه‌ای متناسب با عظمت و گسترهٔ آن است؛ چراکه بدون آن نمی‌توان جامعه‌ای کوچک را اداره کرد، چه رسد به جامعه‌ای به گستردگی همه انسان‌های بر روی کره زمین.

۲. وجود رهبر و هدایت‌گری شایسته و معصوم

قیام جهانی حضرت مهدی، همچون همه حرکت‌های اجتماعی و گروهی، نیازمند رهبری است که بتواند با بهره‌مندی از توانایی‌های روحی و جسمی، سکان این کشتی بزرگ را در دست گیرد و آن را تا ساحل نجات رهبری کند. از آنجایی که این انقلاب و قیام در نوع خود بی‌مانند است، رهبر آن نیز می‌بایست دارای ویژگی‌های برجسته و متناسب با آن باشد. برخی ویژگی‌های رهبر و هدایت‌گر از این قرار است: علم و آگاهی، عصمت و پاکی، قدرت و اقتدار روحی و جسمی، متعهد نبودن به قدرت‌های حاکم.

پیشنهادهای اجرایی هفته

◆ قرائت زیارت حضرت امام رضا علیه السلام در سالروز شهادت آن حضرت ◆ خطابه با موضوع علل هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه و مبدأ تحولات در شکل گیری حکومت اسلامی پیامبر در مدینه ◆ برگزاری مراسم توسل به اهل بیت علیهم السلام و جمع آوری صدقه به مناسبت اول ماه قمری ◆ برگزاری مراسم دعای توسل (سه شنبه) ◆ ارائه گزارش (فصلی) مالی و فرهنگی مسجد و جمع آوری نذورات مردمی ◆ تشکیل گروه های جهادی از مردم محله برای مرتفع ساختن مشکلات محله ◆ تشکیل گروه های جهادی سوادآموزی، قرآن آموزی و... توسط اهالی محل ◆ دعوت از نخبگان و سرمایه های انسانی محله مثل معلمان، اساتید، جوانان تحصیل کرده پیشه وران و... برای حضور در مسجد و انجام فعالیت های عام المنفعه و برگزاری کلاس های آموزشی و... ◆ برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید ◆ برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه) ◆ برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه) ◆ برگزاری مراسم غبارروبی ماهانه مسجد (جمعه) ◆

۳. وجود گروهی از انسان‌های پاکدل و فداکار

با توجه به گستره انقلاب مهدوی، باید انسان‌های توانمندی باشند که رهبر انقلاب را در رسیدن به هدف یاری کنند؛ ایشان همواره متقی و با اخلاص بوده و برای دفاع همه جانبه از برنامه امام آمادگی دارند؛ چرا که بنای خداوند بر آن است که به جز مواردی که خود صلاح می‌داند، امور بر مجرای طبیعی جریان یابد.

به عبارت روشن‌تر، از سنّت‌های الهی است که همواره مردم را در یاری رهبران و پیامبران خود شریک و سهیم کند؛ از این رو پیامبران الهی، در رساندن پیام خویش به مردم، از یارانی کمک گرفته‌اند.

٤. احساس نیاز در جامعه جهانی

از آنجایی که حضرت مهدی علیه‌السلام،آن منجی موعود، متعلّق به همه مردم دنیا است، بنابراین می‌بایست با نیاز و پذیرش عمومی همه مردم همراه باشد. پس تا زمانی که عموم جامعه، احساس نیاز نکنند، حضرت ظهور نخواهد کرد. به عبارت دیگر مردم جهان، باید به قدر کافی تلخی این وضع نابسامان و بی‌عدالتی‌ها را بچشند و نارسایی و ضعف قوانین بشری را برای اجرای عدالت اجتماعی درک کنند و این حقیقت را بیابند که در سایه اصول و پیوندهای مادّی و ضمانت اجرایی موجود و مقرّرات خود ساخته انسان‌ها، مشکل جهان حل نمی‌شود؛ بلکه باید انسانی الهی، همه نابسامانی‌ها را برطرف کند. برای رسیدن به این هدف بزرگ، اصول و نظاماتی تازه لازم است که متّکی به ارزش‌های انسانی و ایمان و عواطف بشری و اخلاق باشد.

شنبه ۲۱ آذر

تعطیل

۳۰ صفر ۱۴۳۷

12 Dec 2015

اذان صبح: ۵:۳۴
طلوع آفتاب: ۷:۰۴
اذان ظهر: ۱۱:۵۸
اذان مغرب: ۱۷:۱۲

شهادت حضرت امام رضا علیه السلام (۲۰۳ هق) (تعطیل)

دورنمایی از سیره عملی ثامن الحجج علیه‌السلام

خصوصیات اخلاقی و زهد و تقوای آن حضرت به گونه‌ای بود که حتی دشـمنان خویش را نیز شـیفته و مجذوب خود کرده بود. یکی از یاران امام می‌گوید: «هیچ‌گاه ندیدم که امام رضا علیه‌السلام در سخن بر کسی جفا ورزد و نیز ندیدم که سخن کسی را پیش از تمام شدن قطع کند. هرگز نیازمندی را که می‌توانست نیازش را برآورده سازد، رد نمی‌کرد. در حضور دیگری پایش را دراز نمی‌فرمود. هرگز ندیدم به یکی از خدمتکارانش بدگویی کند. خنده او قهقهه نبود بلکه تبسم می‌فرمود. چون سفره غذا به میان می‌آمد، همه افراد خانه حتی دربان و مهتر را نیز بر سر سفره خویش می‌نشاند و آنان همراه با امام غذا می‌خوردند. شب‌ها کم می‌خوابید و بسیاری از شب‌ها را به عبادت می‌گذراند. بسیار روزه می‌گرفت و روزه سه روز در ماه را ترک نمی‌کرد. کار خیر و انفاق پنهان بسیار داشت. بیشتر در شب‌های تاریک، مخفیانه به فقرا کمک می‌کرد.» (اعلام الوری، ص ۳۱۴)

یکی دیگر از یاران ایشان می‌گوید: «فرش آن حضرت در تابستان حصیر و در زمستان یک پلاس بود. لباس او در خانه درشت و خشن بود، اما هنگامی که در مجالس عمومی شرکت می‌کرد، خود را می‌آراست (لباس های خوب و متعارف می‌پوشید.)» (اعلام الوری، ص ۳۱۵)

یکشنبه ۲۲ آذر

اذان صبح: ۵:۳۵
طلوع آفتاب: ۷:۰۵
اذان ظهر: ۱۱:۵۸
اذان مغرب: ۱۷:۱۲

۱ ربیع‌الاول ۱۴۳۷

13 Dec 2015

هجرت حضرت رسول اکرم صل الله علیه و آله از مکه به مدینه (لیله المبیت،۱۳ سال پس از بعثت)
مسمومیت و بنا بر روایتی شهادت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام (۲۶۰ هق)

عملی که جبرئیل و میکائیل را شرمگین ساخت!

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِى نَفْسَهُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللّهِ وَاللّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبادِ» (بقره-۲۰۷)

و از مردم کسی است که برای کسب خشنودی خدا، جان خود را می‌فروشد و خداوند نسبت به بندگان مهربان است.

ابن أبی الحدید، از علمای اهل سنّت، می‌گوید: تمام مفسّران گفته‌اند این آیه درباره علی بن ابی طالب علیه‌السلام نازل شده است که در لیلة المبیت در بستر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله خوابید. و این موضوع در حدی از تواتر است که جز کافر یا دیوانه آن را انکار نمی‌کند. (شرح نهج البلاغة، ج ۱۳، ص ۲۶۲)

همین که علی علیه‌السلام در آن شب خطرناك به جای پیامبر خوابید، خداوند به دو فرشته‌ی خود، جبرئیل و میکائیل فرمود: من عمر یکی از شما دو نفر را طولانی‌تر از عمر دیگری قرار داده‌ام، حال کدام یک از شما حاضر است که آن زیاده را به برادر خود ببخشید؟ هیچ‌کدام از آنها حاضر نشدند و پاسخی به پروردگار ندادند. خداوند فرمود: چرا مانند علی بن ابی طالب علیه‌السلام رفتار نکردید؟ همانا او باقی عمرش را به برادرش بخشید. اکنون به زمین بروید و او را به نیکی حفظ کنید. (تسلیة المجالس و زینة المجالس، ج ۱، ص ۴۳۸)

دوشنبه ۲۳ آذر

اذان صبح: ۵:۳۶
طلوع آفتاب: ۷:۰۶
اذان ظهر: ۱۱:۵۹
اذان مغرب: ۱۷:۱۲

۲ ربیع‌الاول ۱۴۳۷
14 Dec 2015

مطالعه در حدّ مرگ!

پشتکار و کثرت مطالعه آقای مطهری در مدرسه فیضه همهٔ ما را به اعجاز می‌آورد و تأکید می‌کرد که استاد مطهری وقتی اصول فقه را خوانده بود، مدعی بود که جزوه و اثری نیست که در این زمینه باشد و من آن را ندیده باشم و یا علم اصول اکنون چون موم در دستان من است به هر شکل و صورتی که بخواهم می‌توانم تجزیه و تحلیل اش بنمایم.

به تعبیر خودش، خود را زندانی کرده بود. گاه می‌شد که یک هفته از منزل بیرون نمی‌آید و اگر کار در پیش نبود و دیگران مانع نمی‌شدند تمام وقت خود را بی‌وقفه می‌نوشت و تحقیق می‌کرد. می‌گفت که گاهی اوقات از فرط خستگی، دیگر گوشم نمی‌شنود و پاهایم تحمل وزن بدنم را نمی‌کند. استاد سبحانی می‌گوید: از استاد مطهری سؤال شد که شما چقدر مطالعه و تحقیق می‌کنید، استاد در پاسخ گفته بود در حد مرگ!» (مطهری مطهر اندیشه‌ها، ج اول، ص ۱۳۸و ۱۸۶)

سه‌شنبه ۲۴ آذر

اذان صبح: ۵:۳۶
طلوع آفتاب: ۷:۰۶
اذان ظهر: ۱۱:۵۹
اذان مغرب: ۱۷:۱۲

۳ ربیع‌الاول ۱۴۳۷
15 Dec 2015

عالِم نباید کار مکروه و مباح داشته باشد

شهید اول در کتاب قواعد خویش اینچنین می‌نویسد: «صرف عمر در کارهای مباح، هر چند کم، جز زیان چیزی نیست، زیرا که از ثواب می‌کاهد و درجات انسان را پایین می‌آورد.»

نیز در همین زمینه، مرحوم ملا عبدالله شوشتری که از شاگردان محقق اردبیلی به شمار می‌آید، در مقام موعظه به فرزندش می‌فرماید: «ای فرزند! از آن هنگام که اساتیدم به من فرمودند که به رأی خودت عمل کن و اجازهٔ اجتهادم دادند، تاکنون مرتکب کار مباح و مکروه نشده‌ام حتی در مورد خوردن و آشامیدن.»

و همچنین در احوالات مقدس اردبیلی، این عالم بزرگ جهان اسلام گفته‌اند: «در طول چهل سال از او کار مباحی سر نزد چه رسد به حرام و مکروه.»

آری، یکی از راه‌های رسیدن به سرچشمهٔ کمال و وصال، و بهره‌مند شدن از بالاترین سود در بازار دنیا، که سرمایه اصلی آن عمرِ آدمی می‌باشد، ترک مکروهات و مباحات، و منحصر کردن افعال در واجبات و مستحبات است. (مجله گنجینه، شماره ۸، ص ۵۵)

چهارشنبه ۲۵ آذر

اذان صبح: ۵:۳۷
طلوع آفتاب: ۷:۰۷
اذان ظهر: ۱۲:۰۰
اذان مغرب: ۱۷:۱۳

٤ ربیع‌الاول ١٤٣٧
16 Dec 2015

روز پژوهش
بیرون آمدن پیامبر اسلام از غار ثور پس از سه شبانه روز وحرکت به سوی مدینه (۱ هق)

خالص کردن عمل برای خدا، اصلی‌ترین شرط موفقیت

عارف کامل، مرحوم میرزا جواد آقا ملکی تبریزی می‌نویسد: «از یکی از علمای بزرگ نقل شده است که ایشان سی سال در صف اول نماز جماعت اقتدا می‌کرده، پس از سی سال روزی به عللی نتوانست خود را به صف اول برساند؛ از این رو در صف دوم ایستاد و از این که مردم او را در صف دوم دیدند، گویا در خود خجالتی احساس کرد. از این جا متوجه شد که در این مدت طولانی که در پیشاپیش مردم و در ردیف اول نماز را اقامه می‌کرده، از روی ریا بوده است و تمامی آن سی سال نماز را قضا کرد. مرحوم ملکی ادامه می‌دهد: برادرم! بنگر به این عالم مجاهد و در مقام و منزلتش دقت نمای که چگونه در این زمان دراز، نماز جماعتش آن هم در صف اول فوت نگردید و با این وصف متصدی امامت جماعت نشد و بنگر به احتیاط او که چگونه به خاطر یک شبهه، این همه نماز را قضا کرد و از این جا عظمت امر اخلاص و اهمیتی را که علمای گذشته برای آن قائل بودند، دریاب.»

و هم‌چنین نقل شـده اسـت که روزی مرحوم سید بحرالعلوم را شاگردانش خندان و متبسّم یافتند. سبب را پرسیدند؛ ایشان در پاسخ فرمود: «پس از بیست و پنج سال مجاهدت، اکنون که در خود نگریستم، دیدم اعمالم ریایی نیست و توانسته‌ام به رفع آن موفق گردم.»(مجله گنجینه، شماره ۸، ص ۵۵)

پنج‌شنبه ۲۶ آذر

اذان صبح: ۵:۳۸
طلوع آفتاب: ۷:۰۸
اذان ظهر: ۱۲:۰۰
اذان مغرب: ۱۷:۱۳

۵ ربیع‌الاول ۱۴۳۷
17 Dec 2015

بچه‌های جدید الورود از عالم بالایند!

فرزند آیت الله بهجت‌ره می‌فرماید: ارتباط پدرم با همسر و اعضای خانواده خصوصا با نوه‌ها بسیار خوب بود. نوه‌ها در پناه ایشان آزادی خیلی بهتری داشتند و ایشان خیلی به آن‌ها می‌رسیدند. عبارت ایشان در مورد نوه‌ها این بود که اینها جدیدالورود از عالم بالا هستند و معصومند و چون معصومند آدم را به خودشان جذب می کنند نه تنها بچه‌ها که همه موجودات و جنبنده‌هایی که در خانه بودند در پناه ایشان آزادی داشتند. اصلا اجازه سم‌پاشی و کشتن موجودات را نمی‌داد و بارها بنده را توبیخ می کرد که مگر نگفتم مگس را نکش! در فصل بهار معمولاً مگس به اتاق ایشان می‌آمد. صبح‌ها هنگام کارها و مطالعاتشان به وسیله بادبزن یا عصا مگس‌ها را این طرف و آن طرف می کردند.

گاهی بنده زودتر از ایشان می‌رفتم و حساب همه مگس‌ها را می‌رسیدم تا ایشان اذیت نشوند. یك بار مرا توبیخ کردند که مگر نگفتم اینها را نکش و فقط بیرونشان کن! وقتی با موجودات این طور بودند، بچه‌ها را که دیگر خیلی دوست داشتند. آیت الله بهجت خیلی سفارش می کرد که برای بچه کوچك چیزی بگیرید تا سرگرم باشند. چون مایل نبود بچه‌ها سرگرمی های تلویزیونی داشته باشند، می گفتند پرنده ای بگیرید تا مشغول باشند.

مرحوم آیه الله آقا ضیاء الدین آملی این گونه نقل کردند من با چشم خودم دیدم که مرحوم آقا سید علی قاضی به ایشان اقتدا نموده بودند!

(حجت الاسلام شیخ علی بهجت، پایگاه رسمی نشر آثار آیت الله بهجت)

جمعه ۲۷ آذر

اذان صبح: ۵:۳۸
طلوع آفتاب: ۷:۰۸
اذان ظهر: ۱۲:۰۱
اذان مغرب: ۱۷:۱۳

٦ ربیع‌الاول ١٤٣٧
18 Dec 2015

روز وحدت حوزه و دانشگاه
شهادت آیت الله دکتر محمد مفتح ۱۳۵۷ (هش)

همّت بلنددار...

مقاصد بلند معمولا دیرتر و سخت‌تر به چشم می‌آیند و کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند. کوهنوردی را تصور کنید، چشم از قله بازگرفتن و به مناظر نزدیک دوختن تلاش و تکاپو را کند خواهد کرد. اما چشم بر قله دوختن و آرزوی رسیدن به قله را در دل پروردن، شور حرکت و طراوت رفتن را در دل‌ها خواهد شکفت و امید را زنده نگاه خواهد داشت.

دنبال کردن اهداف بلند به استقامت فراوان نیاز دارد و در زمانی نسبتاً دراز رخ خواهد داد. تنها با صبر و پایداری می‌توان به افق‌های دوردست و نقاط بلند دست یافت.

قال علی ﷺ: بالصبر یدرک معالی الامور (غرر الحکم، حدیث ۶۳۱۷)

آنچه گفتیم مربوط به همه انسان‌ها در زندگی فردی و اجتماعی است. طلبه نیز در حیات صنفی خود باید به سمت یک غایت بلند در حرکت باشد و خود را برای رسیدن به قله‌ای مرتفع آماده کند. بسنده کردن به اهداف خرد و اکتفا به بهره‌های معمولی و دم دستی، و خود را آماده اقدامات بزرگ ندیدن و شور حرکت عالی نداشتن، نشان از کوچکی شخصیت و پایین بودن قیمت انسان دارد. همان گونه که دل مشغولی‌های بزرگ و در سر پروراندن همت‌های عالی نشان عظمت شخصیت و علو قیمت او است.

که قدر الرجل علی قدر همته (نهج البلاغه، حکمت ۴۷) و من شرفت همته عظمت قیمته (غرر الحکم، حدیث ۱۰۲۷۸)

(سیمای آرمانی طلبه در نگاه مقام معظم رهبری (مدظله)، صص ۱۱-۱۲)

﴿ما أَفاءَ اللهُ عَلى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرى فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِی الْقُرْبى وَ الْیَتامى وَ الْمَساکینِ وَ ابْنِ السَّبیلِ کَیْ لا یَکُونَ دُولَةً بَیْنَ الْأَغْنِیاءِ مِنْکُمْ وَ ما آتاکُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ ما نَهاکُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللهَ إِنَّ اللهَ شَدیدُ الْعِقابِ﴾[1]؛ «آنچه را خداوند از اهل این آبادی‌ها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است، تا (این اموال عظیم) در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد! آنچه را رسول خدا برای شما آورده، بگیرید (و اجرا کنید) و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید و از (مخالفت) با خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش سخت شدید است!»

شأن نزول

از آنجا که این آیات، تکمیلی بر آیات گذشته است، که در آن داستان شکست یهود «بنی‌نضیر» را بازگو می‌کرد، شأن نزول آن نیز ادامه همان شأن نزول است.

توضیح اینکه، بعد از بیرون رفتن یهود «بنی‌نضیر» از «مدینه»، باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی و خانه‌ها و قسمتی از اموال آنها در مدینه باقی ماند، جمعی از سران مسلمین خدمت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله رسیدند و طبق آنچه از سنّت عصر جاهلیت به خاطر داشتند، عرض کردند برگزیده‌های این غنیمت و یک چهارم آن را برگیر و بقیه را به ما واگذار، تا در میان خود تقسیم کنیم! آیات فوق نازل شد و به صراحت بیان کرد: «از آنجایی که برای این غنائم، جنگی نشده و مسلمانان زحمتی نکشیده‌اند، تمام آن متعلّق به رسول الله (رئیس حکومت اسلامی) است و او خود هر گونه صلاح بداند، تقسیم می‌کند.» چنان که بعداً خواهیم دید، پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله این اموال را در میان مهاجرین، که دست‌های آنها در سرزمین «مدینه» از مال دنیا تهی بوده است و نیز در میان تعداد کمی از انصار، تقسیم کرد.[2]

نکات تفسیری

۱ـ آنچه پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله به شما از فیء و آن اموال عطا کند، آن را برگیرید و خشنود باشید و آنچه که به شما امر می‌کند، پس آن را انجام دهید و از آنچه شما را نهی نماید، منتهی شوید؛ چون که او امر نمی‌کند و نهی نمی‌نماید، مگر به فرمان خدا و این در هر جا که پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله امر و نهی نماید، فرمانی عام است. هر چند که در آیه فیء، نازل شده باشد.[3]

۲ـ اموالی که تحت عنوان «فیء» در اختیار رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله به عنوان رهبر حکومت اسلامی قرار می‌گرفت، شامل کلیه اموالی می‌شد که به طریقی غیر از جنگ، در اختیار مسلمین واقع می‌شد، این اموال می‌توانست نقش مهمی در تعدیل ثروت در محیط اسلامی ایفا کند؛ چرا که بر خلاف سنّت جاهلی، هرگز در میان ثروتمندان اقوام و قبائل تقسیم نمی‌شد، بلکه مستقیماً در اختیار رهبر مسلمانان بود و او نیز با توجه به اولویت‌ها آن را تقسیم می‌کرد.

«فیء» بخشی از انفال است. بخش دیگر آن، تمام اموالی است که مالک مشخص ندارد. شرح کامل این موضوع در فقه اسلامی آمده و بالغ بر دوازده محور می‌شود، به این ترتیب حجم بیشتری از مواهب الهی از این طریق، در اختیار حکومت اسلامی و سپس در اختیار نیازمندان قرار می‌گیرد.

هر چند آیه اول ظاهراً «فیء» را در اختیار شخص پیامبر می‌گذارد و در آیه دوم مصارف ششگانه‌ای را برای

آن ذکر می‌کند، اما بین این دو تضادی وجود ندارد؛ زیرا این مصارف ششگانه، ذکر اولویت‌هایی است که پیامبر ﷺ در مورد اموالی که در اختیار دارد، باید رعایت کند. به تعبیر دیگر این ثروت برای شخص خود پیغمبر اکرم ﷺ، به کار گرفته نمی‌شد، بلکه ایشان به عنوان رهبر و رئیس حکومت اسلامی، در هر موارد لزوم از این اموال، خرج می‌کردند.

این نکته نیز قابل توجه است که این حق بعد از پیامبر ﷺ، به امامان معصوم علیهم‌السلام و بعد از ایشان به نوّاب، یعنی مجتهدان جامع الشرائط می‌رسد؛ چرا که احکام اسلام تعطیل بردار نیست و حکومت اسلامی از مهم‌ترین مسائلی است که مسلمانان با آن سر و کار دارند و قسمتی از پایه‌های این حکومت، بر مسائل اقتصادی نهادینه شده و بخشی از مسائل اقتصاد اصیل اسلامی، همین مسئله است.[۴]

۳ـ اطاعت از خدا و رسول او، آثار و برکات بسیاری دارد که با رجوع به آیات الهی به برخی از آنها اشاره می‌شود:

* بهره‌مندی از محبّت، غفران و رحمت الهی

«فَاتَّبِعونی یُحبِبکُمُ اللهُ و یَغفِر لَکُم ذُنوبَکُم ...».[۵] «و اطیعوا اللهَ و الرَّسولَ لَعَلَّکُم تُرحَمون».[۶]

* ورود به بهشت

«... و مَن یُطِعِ اللهَ و رَسولَهُ یُدخِلهُ جَنتٍ تَجری مِن تَحتِهَا الانهارُ ...».[۷]

* قرار گرفتن در کنار نعمت داده شدگان

«و مَن یُطِعِ اللهَ و الرَّسولَ فَاولئکَ مَعَ الَّذینَ انعَمَ اللهُ عَلَیهِم مِنَ النَّبِیّینَ و الصِّدّیقینَ و الشُّهَداءِ و الصلِحین».[۸]

* رسیدن به حیات انسانی

«... استَجیبوا لِلهِ و لِلرَّسولِ اذا دَعاکُم لِما یُحییکُم ...».[۹]

* پاداش نیکو و عدم کاستی در آن

«... فَان تُطیعوا یُؤتِکُمُ اللهُ اجرًا حَسَنًا»[۱۰]، «... و ان تُطیعُوا اللهَ و رَسولَهُ لا یَلِتکُم مِن اعمالِکُم شیئاً».[۱۱]

* رسیدن به فوز بزرگ

«و مَن یُطِعِ اللهَ و رَسولَهُ فَقَد فازَ فَوزًا عَظیما».[۱۲]

برخی مفسّران نیز با تمسّک به آیات ۶۶ مائده،۹۶ اعراف و ۲۴ نور، وسعت روزی و گشایش درهای خیر را هم از آثار اطاعت دانسته‌اند.[۱۳] در مقابل، پیامدهای سوء عدم اطاعت از خدا و رسول و نافرمانی امر و نهی الهی، گریبان‌گیر خود فرد و جامعه عصیان‌گر خواهد شد. در این میان وظیفه پیامبر ﷺ، تنها رسانیدن پیام الهی است.[۱۴] «و اطیعُوا اللهَ و اطیعُوا الرَّسولَ فَان تَوَلَّیتُم فَانَّما عَلی رَسولِنَا البَلاغُ المُبین»[۱۵] و این انسان است که با عصیان فرمان خدا و رسول، گرفتار گمراهی آشکار خواهد شد «... و مَن یَعصِ اللهَ و رَسولَهُ فَقَد ضَلَّ ضَلالاً مُبیناً».[۱۶]

۴ـ آیات مربوط به اطاعت از رسول اکرم ﷺ دو دسته است: در برخی از آنها کلمه «اطیعُوا» تکرار نشده[۱۷] و در برخی دیگر این اصطلاح تکرار شده است؛ مانند: «یا ایُّهَا الَّذینَ ءامَنوا اطیعُوا اللهَ و اطیعُوا الرَّسولَ ...».[۱۸]

در دسته نخست که «اطیعوا» تکرار نشده، می‌توان گفت معنای اطاعت از رسول، همان اطاعت از خداوند است؛ ولی در دسته دوم درباره وجه تکرار «اطیعُوا» با آنکه به نصّ قرآن،[۱۹] اطاعت از رسول، همان اطاعت از خداوند باری تعالی است، مفسّران نظرات متفاوتی ارائه داده‌اند؛ از جمله برخی بر آنند این امر برای مبالغه است[۲۰] و برخی معتقدند اطاعت پیامبر، همانند اطاعت از خداوند است.[۲۱] در این مجال به دلیل اختصار از بیان اقوال دیگر پرهیز می‌شود.[۲۲]

شخصیت پیامبر اکرم ﷺ دو حیثیت دارد: حیثیت تبلیغ وحی الهی و آگاه کردن مردم از معارف و احکام شریعت و تفصیل کلیات قرآن و نیز حیثیت زمامداری و ولایت او بر جامعه. زمامدار به اقتضای رهبری، لازم است برای اداره امور جامعه و حفظ اساس نظام اسلامی، فرمان داده و مردم نیز موظّف به اطاعت از احکام حکومتی وی هستند. اطاعت از این اوامر در حقیقت اطاعت از خداوند است؛ ولی به جهت بیان لزوم اطاعت در این احکام، واژه اطاعت تکرار شده است.[۲۳]

حدیث

۱ ـ عَنْ زَیْدِ الشَّحّام قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ الله عليه‌السلام فِی قَوْله تَعَالَی ـ هذا عَطاؤُنا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسکْ بغَیْر حساب قَالَ أَعْطَی سُلَیْمَانَ مُلْکاً عَظیماً ثُمَّ جَرَتْ هَذِه الْآیَةُ فِی رَسُولِ الله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فَکَانَ لَهُ أَنْ یُعْطِیَ مَا شَاءَ مَنْ شَاءَ وَ یَمْنَعَ مَنْ شَاءَ وَ أَعْطَاهُ الله أَفْضَلَ مِمَّا أَعْطَی سُلَیْمَانَ لِقَوْلِهِ ما آتاکُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ ما نَهاکُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا[۲۴]

زید شحام از امام صادق عليه‌السلام راجع به قول خدای تعالی نقل می‌کند: «اینست عطاء ما، خواهی ببخش و خواهی نگهدار، حسابی نیست» از او در این باره پرسیدم. فرمود: خدا به سلیمان سلطنت بزرگی داد (و این آیه درباره اوست). سپس این آیه درباره رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم جاری گشت، پس برای او رواست که هر چه خواهد، به هر که خواهد ببخشد و از هر که خواهد باز گیرد و خدا به او بهتر از آنچه به سلیمان داد، عطا فرمود؛ زیرا فرموده است « آنچه را رسول برای شما آورده برگیرید و از آنچه منعتان کرده، باز ایستید.»

پس اختیارات جناب سلیمان نسبت به اموال دنیا و اختیارات رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در اموال و نیز امر و نهی بندگان در امور دینی است.

۲ ـ عَنْ أَبِی عَبْدِ الله عليه‌السلام قَالَ خَطَبَ النَّبِیُّ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بِمِنًی فَقَالَ أَیُّهَا النَّاسُ مَا جَاءَکُمْ عَنِّی یُوَافِقُ کِتَابَ الله فَأَنَا قُلْتُهُ وَ مَا جَاءَکُمْ یُخَالِفُ کِتَابَ الله فَلَمْ أَقُلْه.[۲۵]

پیغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در منی سخنرانی کرده و فرموده‌اند: ای مردم آنچه از جانب من به شما رسید و موافق قرآن بوده است، پس من آن را گفته‌ام و آنچه به شما رسید و مخالف قرآن بود، (بدانید) من آن را نگفته‌ام و مقصود من نبوده است.

نتیجه

تبعیت و اطاعت مطلق از پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم میتواند مانع بروز اختلافات، تقویت جبهه مسلمین، عدم نفوذ نیروهای دشمن به خصوص منافقین و در نهایت رشد و تعالی معنوی امّت اسلامی باشد.

پی‌نوشت

۱.سوره حشر، آیه ۷. ■ ۲.«مجمع البیان»، ذیل آیات مورد بحث؛ «بحار الانوار»، ج ۱۹، ص ۱۶۱؛ «قرطبی»، ج ۱۸، ص ۱۰. ■ ۳.ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج۲۴، ص، ۳۲۶. ■ ۴. تفسیر نمونه، ج۲۳، ص، ۵۰۹. ■ ۵.سوره آل عمران، آیه ۳۱. ■ ۶.همان، ۱۳۲. ■ ۷.سوره نساء آیه ۱۳. ■ ۸.همان، ۶۹. ■ ۹.سوره انفال، آیه ۲۴. ■ ۱۰.سوره فتح، آیه ۱۶. ■ ۱۱.سوره حجرات، آیه ۱۴. ■ ۱۲.سوره احزاب، آیه ۷۱. ■ ۱۳.کشف الاسرار، ج ۳، ص ۱۷۹؛ التفسیر الکبیر، ج ۳۰، ص ۱۳۷. ■ ۱۴.جامع البیان، مج ۱۴، ج ۲۸، ص ۱۵۸. ■ ۱۵.سوره تغابن، آیه ۱۲. ■ ۱۶.سوره احزاب، آیه ۳۶. ■ ۱۷.سوره آل عمران، آیه ۳۳ و سوره انفال آیه ۴۹. ■ ۱۸.سوره نساء آیه ۵۹ ـ سوره نور آیه ۲۴ ـ سوره تغابن آیه ۱۲. ■ ۱۹.سوره نساء، آیه ۸. ■ ۲۰.مجمع‌البیان، ج ۳، ص ۹۹ ■ ۲۱.التبیان، ج۲، ص ۵۹۰. ■ ۲۲.ر.ک. (۲). مجمع البیان، ج ۳، ص ۹۹ ■ ۲۳.المیزان، ج ۴، ص ۳۸۸؛ ج ۹، ص ۹۵، ۳۳۸؛ ج ۱۸، ص ۲۴۷. ■ ۲۴.الکافی، ج ۱، ص: ۲۶۹. ■ ۲۵. همان، ص، ۷۰.

ملاک های گزینش نایبان خاص امام زمان علیه‌السلام

بیشتر امامان معصوم و به ویژه امام هادی و امام عسکری علیهماالسلام در شهرهای مختلف وکلای بسیاری داشتند. بنابراین این سؤال مطرح است که از میان آن همه وکیل مورد اعتماد، نایبان خاص چه ویژگی‌هایی داشتند که سبب انتخاب آن‌ها از سوی امام به سمت نیابت شده بود؟

بررسی تاریخ زندگی و ارتباطات و فعالیت‌های نائبان چهارگانه نشان می‌دهد که آن بزرگواران، از علم و ایمان و تقوای بالایی برخوردار بودند و به علاوه ویژگی‌های مهم دیگری داشتند که به جهت اختصار در بحث تنها به مهمترین این ویژگی‌ها اشاره می‌شود:

الف. تقیّه و پنهان‌کاری

نایبان امام، به سبب شرایط ویژه و تهدیدهایی که برای امام و نیز شیعیان و پیروان آن حضرت وجود داشت، به شدت مراقب ارتباطات خود با امام و نیز شیعیان بودند. تاجایی که کسی همچون عثمان بن سعید نایب اوّل حضرت، اصولاً در مباحث و جدال‌های مذهبی و یا سیاسی شرکت نمی‌کرد،[1] تا اینکه موقعیّت مهم و جایگاه نیابت او مورد توجّه حاکمان عصر واقع نشود.

سومین نایب حضرت، حسین بن روح نیز از روی «تقیّه»، در مجلسی از خلفای راشدین به نیکی یاد کرد و بالاتر اینکه، یکی از خادمان خود را به دلیل لعن کردن معاویه، اخراج نمود.[2] با توجه به جامعه آن روز، این گونه رفتارها در جایگاه تقیّه و برای حفظ جایگاه نیابت و ارتباطات مربوط به آن بوده است.

ب. استواری و مقاومت

از آنجا که حضرت مهدی علیه‌السلام همواره هدف مهم و اصلی دشمن بود و نایبان بهترین راه دسترسی به آن حضرت بودند، می‌بایست انسان‌هایی استوار و مقاوم انتخاب می‌شدند، تا دشمن نتواند از مسیر آن‌ها به امام، گزندی برساند. در همین راستا برخی از ابوسهل نوبختی پرسیدند: «چگونه به جای تو،

پیشنهادهای اجرایی هفته

■ جلسه شورای فرهنگی مسجد ■ بیان احادیث و روایات در باب کسب و کار و اهمیت رزق حلال و مصادیق کسب حرام به طور مستمر ■ تشکیل جلسات ویژه بازاریان و کسبه جهت آموزش احکام خرید و فروش ■ برگزاری مراسم عزاداری به مناسبت سالروز شهادت امام حسن عسکری علیه السلام ■ گرامیداشت سالروز آغاز ولایت امام زمان (عج) و دعای دسته جمعی برای ظهور حضرت ■ سخنرانی ویژه مسائل بانوان و دختران قبل از اذان ظهر روز اول ماه شمسی ■ برگزاری مراسم دعای توسل (سه شنبه) ■ برگزاری جلسات پرسش و پاسخ ویژه جوانان (پنج شنبه) ■ برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید ■ خطابه با موضوع لزوم وحدت بین اهل سنت و شیعه و اثرات آن در مبارزه با مستکبرین و قطع ایادی آنان از سرزمین های اسلامی ■ برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه) ■ برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه)

حسین‌بن‌روح، به نیابت رسید؟» او گفت: «امامان بهتر می‌دانند که چه کسی برای نیابت لیاقت دارد. من همواره با مخالفان مناظره می‌کنم و اگر آنچه را حسین بن روح درباره مهدی علیه‌السلام می‌داند، می‌دانستم؛ شاید در مقام بحث برای اثباتِ وجود امام، محل اقامت او را آشکار می‌کردم؛ ولی حسین بن روح چنان است که اگر امام را در زیر عبای خود پنهان داشته باشد، او را نشان نخواهد داد؛ گرچه بدنش را با قیچی قطعه قطعه کنند».[۳]

ج. زیرکی و درایت

چون نیابت امام غائب، موقعیت بسیار مهمی بود که حساسیت دشمن را به دنبال داشت، هر یک از نایبان چهارگانه می‌کوشیدند با مدیریت درست و عمل هوشمندانه، از حساسیت دستگاه حاکم در برابر فعالیت‌ها و ارتباطات نیابت، جلوگیری کنند؛ به همین منظور، عثمان بن سعید و نیز فرزندش محمّد بن عثمان به «روغن فروش» معروف بودند و در پوشش یک شغل مرسوم و متداول اجتماعی، کار نیابت را انجام می‌دادند. نایب سوّم حسین بن روح نیز با نفوذ در دستگاه حاکم و به عهده گرفتن پست دولتی از حساس شدن دستگاه درباره خود جلوگیری کرد. در حالی که دشمنان هرگز نمی‌پنداشتند که وی با امام غایب در ارتباط باشد.

نائبان چهارگانه و خاص حضرت از این جمله‌اند:

- نایب اول، عثمان بن سعید عمری
- نایب دوم، ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری
- نایب سوّم، ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی
- نایب چهارم، ابوالحسن علی بن محمد سمری

پی‌نوشت

۱. تاریخ عصر غیبت، ص۳۰۲. ■ ۲. همان. ■ ۳. الغیبة، طوسی، ص۳۹۱، ح۳۵۸.

شهادت مظلومانه حضرت
محسن علیه السلام فرزند امام
علی علیه السلام(۱۱ هـ ق)

شنبه ۲۸ آذر

اذان صبح: ۵:۳۹
طلوع آفتاب: ۷:۰۹
اذان ظهر: ۱۲:۰۱
اذان مغرب: ۱۷:۱۴

۷ ربیع‌الاول ۱٤۳۷
19 Dec 2015

مواضع تهمت

یکی از قواعد رفتار و اصول عمل این است که رفتار انسان باعث ایجاد توهم و ارایه تصویر نامناسب برای او نشود و وی را در نظر بینندگان متهم به سوء نگرداند. هر کاری که انسان را در نظر دیگران متهم گرداند و آبروی او را مخدوش سازد، از نظر دین مذموم است. انسان مالك آبروی خود نیست و اختیار تصرف بی‌جا در آن را ندارد. امام صادق علیه‌السلام فرمود: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كلَّهَا وَ لَمْ يفَوِّضْ إِلَيهِ أَنْ يذِلَّ نَفْسَهُ أَلَمْ تَسْمَعْ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ؟ فَالْمُؤْمِنُ ينْبَغِي أَنْ يكونَ عَزِيزاً وَ لَا يكونَ ذَلِيلاً يعِزُّهُ اللَّهُ بِالْإِيمَانِ وَ الْإِسْلَامِ؛ (کافی، ج ۵، ص ۶۳)
ودر جایی دیگر می‌فرماید: مَنْ دَخَلَ مَوْضِعاً مِنْ مَوَاضِعِ التُّهَمَةِ فَاتُّهِمَ فَلاَ يلُومَنَّ إِلاَّ نَفْسَهُ. (الأمالی، شیخ صدوق، ص ۴۹۷)
خدا رحمت کند کسی را که مانع غیبت خود شود (و کاری نکند که دیگران از او بدگویی کنند).
صفیه، همسر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل می کند: اِنّ رَسولَ اللّه صلی‌الله‌علیه‌وآله كانَ مُعتكفاً. فَأَتيتُهُ فَتَحَدَّثتُ عِندَه فَلَمّا أَمسَيتُ انصَرفتُ فَقامَ يمشى مَعى فَمرَّ بِه رجلانِ مِنَ الأنصارِ فَسَلَّما ثُمَّ مَضَيا، فَدعاهُما فَقال: إنّها صَفية بنتُ حَيى، قالا يا رَسول اللّهِ أَفَنظُنُّ بِكَ إلاّ خَيرا؟ قال: إنَّ الشّيطانَ لَيجرى مِن بَنى آدم مَجرى الدّمِ وَ إنّى خَشيتُ أن يدخُلَ عَلَيكُما؛ (المحجة البيضاء، ج ۶، ص ۶۷)
(درآمدی برزیّ طلبگی، صص ۸۶-۸۹)

یکشنبه ۲۹ آذر

اذان صبح: ۵:۳۹
طلوع آفتاب: ۷:۰۹
اذان ظهر: ۱۲:۰۲
اذان مغرب: ۱۷:۱۴

۸ ربیع‌الاول ۱۴۳۷
20 Dec 2015

شهادت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام (۲۶۰ هق)
روز تجلیل از شهید تندگویان

مایه زینت باشید نه زشتی!

امام حسن عسکری علیه‌السلام: شما را به تقوای الهی و پارسایی در دینتان و تلاش برای خدا و راستگویی و امانتداری درباره کسی که شما را امین دانسته ـ نیکوکار باشد یا بدکار ـ و طول سجود و حُسنِ همسایگی سفارش می‌کنم. محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله برای همین آمده است. در میان جماعت‌های آنان نماز بخوانید و بر سر جنازه آنها حاضر شوید و مریضانشان را عیادت کنید و حقوقشان را ادا نمایید، زیرا هر یک از شما چون در دینش پارسا و در سخنش راستگو و امانتدار و خوش اخلاق با مردم باشد، گفته می‌شود این یک شیعه است و این کارهاست که مرا خوشحال می‌سازد. تقوای الهی داشته باشید، مایه زینت باشید نه زشتی، تمام دوستی خود را به سوی ما بکشانید و همه زشتی را از ما برگردانید، زیرا هر خوبی که درباره ما گفته شود، ما اهل آنیم و هر بدی درباره ما گفته شود، ما از آن به دوریم. در کتاب خدا برای ما حقّی و قرابتی از پیامبر خداست و خداوند ما را پاک شمرده، احدی جز ما مدّعی این مقام نیست، مگر آن که دروغ می گوید. همواره به یاد خدا باشید و همواره یاد مرگ کنید و قرآن را بسیار تلاوت نمایید و بر پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله دمادم صلوات بفرستید؛ زیرا صلوات بر پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله ده حسنه دارد. (بحارالأنوار، جلد ۷۵، ص ۳۷۲)

شب یلدا، طولانی‌ترین شب سال

دوشنبه ۳۰ آذر

اذان صبح: ۵:۴۰
طلوع آفتاب: ۷:۱۰
اذان ظهر: ۱۲:۰۲
اذان مغرب: ۱۷:۱۵

۹ ربیع‌الاول ۱۴۳۷

21 Dec 2015

افتخار من عبا و عمامه است ...

یادم هست در حدود هشت سال پیش در دانشگاه شیراز از من برای سخنرانی دعوت کرده بودند. یکی از استادهای آنجا - که قبلًا طلبه بود و ... واقعاً مرد فاضلی هم بود مأمور شد که مرا معرفی کند. آمد پشت تریبون ایستاد ، یك مقدار معرفی کرد و ... بعد در آخر سخنانش این جمله را گفت: «من این جمله را با کمال جرأت می‌گویم: اگر برای دیگران لباس روحانیت افتخار است، فلانی افتخار لباس روحانیت است». از این حرف آتش گرفتم. ایستاده سخنرانی می‌کردم، عبایم را هم قبلًا تا می‌کردم و روی تریبون می‌گذاشتم. مقداری حرف زدم، رو کردم به آن شخص، گفتم:
آقای فلان! این چه حرفی بود که از دهانت بیرون آمد؟! تو اصلًا می‌فهمی چه داری می‌گویی؟! من چه کسی هستم که تو می‌گویی فلانی افتخار این لباس است؟ ....
گفتم: آقا! من در تمام عمرم یك افتخار بیشتر ندارم، آن هم همین عمامه و عباست. من کی‌ام که افتخار باشم؟! این تعارف‌های پوچ چیست که به همدیگر می‌کنیم؟!
...اسلام، افتخار البته دارد؛ یعنی فرزندانی تربیت کرده که دنیا روی آنها حساب می‌کند و باید هم حساب کند، چرا که اینها در فرهنگ دنیا نقش مؤثر دارند. دنیا نمی‌تواند قسمتی از کره ماه را اختصاص به خواجه نصیرالدین ندهد و نام او را روی قسمتی از کره ماه نگذارد، برای اینکه او در بعضی کشفیات کره ماه دخیل است. او را می‌شود گفت افتخار اسلام. ما‌ها کی هستیم؟! (مجموعه‌آثاراستادشهیدمطهری، ج۱۷، ص: ۱۵۶)

آیت الله احمد مجتهدی تهرانی

(امام جماعت مسجد ملا جعفر)

به هر که عقل دادند، چه ندادند؟ به هر که عقل ندادند، چه دادند؟ عقل چیز عجیبی است. البته فکر نکنید عقل همین است که ما داریم، یک دسته دیوانه اند و در دیوانه خانه هستند و ما عاقل هستیم، نه؛ عاقل آن است که به فکر آخرت باشد، کسی که آخرت را انتخاب می کند، این فرد عاقل است و کسی که دنیا را انتخاب می کند، از نظر اسلام این فرد عاقل نیست.... بنابراین عاقل خیلی کم است.. خیلی...

امام زین العابدین علیه‌السلام فرمودند: «هر کس عالم و حکیمی نداشته باشد که او را ارشاد کند، هلاک می شود. انسان باید در دو چیز استاد داشته باشد: یکی اخلاقیات و دیگر عُرفیات.» اگر درس بخوانی و استاد اخلاق نداشته باشی، بر فرض آیة الله هم بشوی، نَفس تو هم آیة الله می شود، آن وقت بیچاره می شود. همان طور که به دکتر می روی و دستور رژیم غذایی می گیری، باید پیش استاد بروی و دستور اخلاق بگیری، باید استاد باشد که نزد او بروی که باد کبر و غرور تو را خالی کند.

عبادت، ارتباطی صمیمی میان بنده و پروردگار است که در نگاه اوّل، دارای ساختاری فردی و شخصی است. اما جالب اینجا است که وقتی خداوند برای این ارتباط صمیمی، جایگاهی ویژه به نام مسجد طراحی می‌کند، ساختاری اجتماعی به آن بخشیده و ساز و کاری جمعی برای آن در نظر می‌گیرد.

اگر چه مسجد، مکانی برای عبادت است، اما گویا زیر بنای آن به گونه‌ای طراحی شده است که رشد فردی، تنها در سایه ارتقاء جمعی سامان می‌پذیرد. باید در نظر داشت که عبادت در این ساختار پیشرفته و چند منظوره، از چنان ارزشی برخوردار است که دیگر قابل مقایسه با گونه فردی آن نیست. امام رضا علیه‌السلام در این رابطه می‌فرماید:

«فَضْلُ الْجَمَاعَه عَلَی الْفَرْدِ کُلُّ رَکْعَة بِأَلْفَیْ رَکْعَة.»[1]

«برتری و فضیلت هر رکعت از نماز جماعت برابر با دو هزار رکعت از نماز فرادی است.»

گویا امام علیه‌السلام، از یک واقعیت بزرگ پرده برداری کرده و در کنار پاداش بزرگ نماز جماعت، اشاره‌ای به یک حقیقت شگفت انگیز، یعنی نیروی پر اثر و نهفته آن داشته است. آری، در ساختار نماز جماعت از یک سو و سازمان مسجد از سوی دیگر، آن‌چنان ظرفیتی وجود دارد که بهره‌برداری تمام عیار از آن را بر همگان لازم و ضروری می‌کند.

در حقیقت نهال تازه و نورس، نیازمند زمینی حاصل‌خیز و بستری آماده برای رشد و تعالی است. جوان و نوجوان مسلمان نیز برای رشد و پرورش، بستری شایسته و آماده، می‌طلبد که هم تعالی‌بخش ظرفیت‌های او باشد و هم از آفات احتمالی، فاصله‌ای قابل توجه داشته باشد. با توجه به آنچه که گفته شد، خداوند این بستر را در ساختاری به نام "مسجد" تدارک دیده و آنچنان نیرو و ظرفیتی در نهاد آن مستور داشته که گاه قابل تصوّر نیست. در حقیقت مسجد، یک محیط تربیتی پیشرفته و سرایی آموزش محور، برای حضور در اجتماع مسلمین است.

اکنون به برخی از این ظرفیت‌های اجتماعی موجود در نهاد مسجد اشاره می‌کنیم:

۱ـ وحدت و یکپارچگی

یکی از مهمترین رموز موفقیت هر جامعه‌ای، وحدت و یکپارچگی افراد جامعه با یکدیگر است. اما دستیابی به وحدت، بسیار دشوار است؛ زیرا گذشتن از تمایلات شخصی به خاطر رسیدن به اهداف اجتماعی، نیازمند عقلی رشد یافته است. باید دانست که دستیابی هر اجتماعی به این درجه از رشد و پیشرفت، بدون فرهنگ سازی، آن هم از سنین کودکی و نوجوانی امکان پذیر نخواهد بود.

در میان نهادهای گوناگون اجتماعی، "مسجد" بهترین کارگاه برای تمرین و ممارست در دستیابی به اتحاد و همدلی است. صفوف جماعت، همه مردم را با افکار و عقاید و سلایق گوناگون، کنار یکدیگر جمع کرده و از آنها یک اجتماع یکپارچه می‌سازد. حتّی نگاه کردن به این منظره یکپارچه، می‌تواند در روحیه جوانان تاثیر گذار باشد.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به نمازگزاران مسجدی می‌آموزد که:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَقيمُوا صُفُوفَكُمْ وَ امْسَحُوا بِمَنَاكِبِكُمْ لِئَلَّا يَكُونَ فِيكُمْ خَلَلٌ وَ لَا تُخَالِفُوا فَيُخَالِفَ اللهُ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ.»[2]

«ای مردم، صف‌ها را منظم کنید و دوش به دوش بایستید تا فاصله‌ای میان شما پدید نیاید. در صف‌ها متفرق نباشید، تا خداوند دل‌های شما را متفرق نسازد.»

۲ـ انسجام و اقتدار سیاسی و اجتماعی

از قدیم گفته اند که یک دست صدا ندارد. امیرمومنان علی علیه‌السلام نیز قدرت الهی را در بازوان توانمند جمع و گروه دانسته،می‌فرماید:

«فَإِنَّ يَدَ اللهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةَ.»[3]

به همین جهت است که مسجد، نماد انسجام و اقتدار مسلمین و نماز جماعت، مظهر تمام عیار آن است. جوان مسجدی میداند که صفوف متراکم و یکپارچه نمازگزاران، تفرقه را می‌زداید و ترس در دل دشمنان می‌افکند. منافقان را مایوس می‌سازد و خار چشم بدخواهان است. پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

«سَوُّوا بَيْنَ صُفُوفِكُمْ وَ حَاذُوا بَيْنَ مَنَاكِبِكُمْ لَا يَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمُ الشَّيْطَانُ.»[4]

«صف هایتان را منظم کنید و دوش به دوش هم بایستید تا شیطان بر شما مسلط نگردد.»

۳ـ همدلی، برادری و محبّت

مسجد، محل اجتماع مسلمین و مکان دید و بازدید روزانه مؤمنان است. رفت و آمد پیوسته به مسجد، روابط اجتماعی مؤمنان را بیشتر و همدلی و اخوت را میان آنها افزون می‌سازد. این صفا و صمیمیت و همدلی سبب میشود تا جوان مسجدی از مشکلات و نیازهای مردم پیرامون خودش، آگاه باشد و یاد بگیرد که نباید از کنار ناراحتی‌ها و دغدغه‌های دیگران به راحتی بگذرد و چاره‌ای برای آن نیاندیشد.

٤ـ مدارا

یکی از مهم‌ترین آموزه‌های اخلاقی ـ اجتماعی اسلام، مدارا و تحمّل دیگر شهروندان جامعه است. مدارا، از تنشهای بی حاصل اجتماعی می‌کاهد و از همدلی و یکپارچگی مراقبت می‌کند. مسجد و نماز جماعت، بهترین تمرین برای مدارا با یکدیگر است. جوانان مؤمن مسجدی، باید بیاموزند که خود را با روحیات و شرایط دیگران هماهنگ سازند و با ملاطفت و مدارا در کنار مردم به سوی پروردگارشان پرواز کنند. پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

«أَخْيَارُكُمْ أَلْيَنُكُمْ مَنَاكِبَ فِي الصَّلَاةِ.»[5]

«بهترین شما، مهربان‌ترین کتف‌ها در نماز (جماعت) است.»

۵ـ نظم اجتماعی

شاکله یک نظام اجتماعی، با انظباط و هماهنگی، سامان می‌پذیرد و بدون آن، اجتماع بی معنا و از هم گسسته خواهد بود. "مسجد"، تبلور یک نظم اجتماعی کامل است. نوبت‌های منظم و پی در پی نماز جماعت، صف-های یک دست و مرتب، اعمال و حرکات و اذکار و اورادی که توسط همه نمازگزاران به صورت هماهنگ انجام می‌شود، حاکی از یک نظم ساختاری و تربیت کننده است. این برنامه و ساختار منظم به جوان مسجدی نشان می‌دهد که هر چه نظم در جامعه بیشتر باشد، پیشرفت، اقتدار و کمال جامعه افزون خواهد شد. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در مورد ارزش صفوف یکپارچه مسلمانان، می‌فرماید:

«أَمَّا الْجَمَاعَةُ فَإِنَّ صُفُوفَ أُمَّتِي فِي الْأَرْضِ كَصُفُوفِ الْمَلَائِكَةِ فِي السَّمَاءِ.»[6]

«اما نماز جماعت: همانا صف‌های امت من که در روی زمین برای جماعت بسته شود، مانند صف‌های فرشتگان در آسمان است.»

٦ـ وقت شناسی

توجه به عنصر زمان، یکی از عوامل پیشرفت فرد و جامعه است که به طور معمول در برنامه‌های مسجد لحاظ می‌شود. برگزاری نماز جماعت اول وقت، مهم‌ترین برنامه مسجد است که قطعاً تمرین وقت شناسی به حساب می‌آید. جوان مسجدی می‌داند که فضیلت نماز جماعت به برگزاری آن در اول وقت آن است. او با اینکه می‌تواند با تأخیر و به صورت فرادی و در مکانی

جز مسجد، نماز بخواند، اما آگاهانه و با برنامه‌ریزی و وقت شناسی، تلاش می کند که از این فضیلت بزرگ باز نماند. امام صادق ﷺ می‌فرماید:

«إنَّ فَضْلَ الْوَقْتِ الأوَّلِ عَلَى الْآخِرِ كَفَضْلِ الْآخِرَةِ عَلَى الدُّنْيَا.»[۷]

«همانا برتری نماز اول وقت نسبت به آخر وقت، همانند برتری آخرت نسبت به دنیا است.»

۷ـ قانون مداری

برگزاری نماز جماعت در مسجد، ضوابط خاص خود را دارد که خود حاکی از یک نظام قانون‌مند و دقیق است. کسی که به رکوع نماز جماعت نرسد، باید اندکی انتظار بکشد و سپس به رودخانه خروشان مومنان بپیوندد. جوان مسجدی در پس این قوانین، می‌آموزد که گاه باید پشت چراغ قرمزها انتظار کشید و سپس به جریان زندگی متصل شد. جوان مسجدی، می‌داند که قانون هیچ گاه سبب جاماندن و عقب افتادن نخواهد شد. زیرا آنچه که مهم است، همراه بودن با جریان جامعه و قرار گرفتن در حرکت پرخروش مردم است. او در نماز جماعت آموخته است که حتی درک یک رکعت از نماز، او را به مطلوب خواهد رساند. بنابراین قدری صبر و تحمل و احترام گذاشتن به حقوق دیگران در سایه قانون مداری، چیزی از کمالات او کم نمی‌کند. امام صادق ﷺ می‌فرماید:

«مَنْ أَدْرَكَ الامَامَ وَ هُوَ فِي الرَّكْعَةِ الاخِيرَةِ فَقَدْ أَدْرَكَ فَضْلَ الْجَمَاعَةِ.»[۸]

«هر کس در نماز جماعت، رکعت آخر نماز را درک کند، قطعاً فضیلت نماز جماعت را درک کرده است.»

۸ـ پیشتازی و سبقت در خوبی‌ها

مسابقه و شتاب در کارهای خیر، از تعالیم دینی ما است. قرآن، در آیه ۱۳۳ سوره آل عمران با تعبیر: «سارِعُوا إلي مَغْفِرَه مِنْ رَبِّكُمْ ...» و در سوره حدید آیه ۲۱ با تعبیر: «سابِقُوا إلي مَغْفِرَه مِنْ رَبِّكُمْ»[۹] به آن فرمان داده است. این قانون الهی در نظام مسجد، جایگاهی ویژه یافته است. امام کاظم ﷺ می‌فرماید:

«إنَّ الصَّلاةَ فِي الصَّفِّ الاوَّلِ كَالْجِهَادِ فِي سَبِيلِ اللهِ عَزَّ وَجَلَ.»[۱۰]

«همانا نماز در صف اول جماعت (چنان ارزشی دارد که) همانند جهاد در راه خدا است.»

جوان در نظام اجتماعی مسجد، به این نتیجه می‌رسد که فقط خوب بودن، کافی نیست؛ بلکه باید تلاش کرد تا از جمله بهترین ها باشد.

۹ـ شایسته سالاری

مسجد، سرای سبقت و شتاب است. اما باید توجّه داشت که این مسابقه‌ای برای کسب قدرت، جایگاه و ثروت نیست؛ بلکه شتاب، برای رسیدن به صلاحیت‌ها و شایستگی‌ها است. در مسجد، تنها معیار پیشوایی و پیشتازی، صلاحیت و شایستگی است. نمونه بارز این امر، در انتخاب امام جماعت تبلور یافته است. ملاک انتخاب امام جماعت در روایات اهل بیت ﷺ، با واژه‌هایی هم‌چون «اعلم»، «افقه»، «افضل» و «أَقْرَؤُهُمْ لِكِتَابِ اللهِ» بیان شده است، که همگی نشانگر شایسته سالاری است.[۱۱]

بنابراین جوان مسجدی می‌داند که برای دستیابی به هر جایگاهی، ابتدا باید صلاحیت آن را کسب کند؛ نه اینکه برای رسیدن به میزها، پست‌ها و جایگاه‌های اجتماعی و سیاسی، خود را در یک مسابقه منفور دنیوی بیاندازد. آن‌چنان‌که حتی برای ایستادن در صف اول نماز جماعت در مسجد، شرایطی وجود دارد که همگی نشان از شایسته‌سالاری است. امام باقر ﷺ می‌فرماید:

«لِيَكُنِ الَّذِينَ يَلُونَ الْإِمَامَ أُولِي الْأَحْلَامِ مِنْكُمْ وَ النُّهَى ...»[۲۱]

«سزاوار است در صف اول، آگاهان و پرهیزکاران بایستند ...»

۱۰ـ عدالت اجتماعی

مسجد، برای همه اقشار مردم است و هیچ کس در مسجد جایگاهی متفاوت و متمایز نسبت به دیگران نخواهد داشت. قرآن در مورد کعبه می‌فرماید:

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبارَكاً»[۳۱]

«نخستین خانه‌ای که برای مردم قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکّه قرار دارد.»

هیچ فرد یا گروهی در مسجد، حقّ یکّه تازی و اعمال نظر ندارند. مسجد برای گروهی خاص از جناح‌های سیاسی و یا گرایشات قومی و قبیله‌ای بنیان گذاشته نشده است. هیچ کس حق ندارد، جایگاه شخص دیگری را حتّی اگر کودک، فقیر یا ضعیف باشد، بدون اجازه او تصرف کند و اگر چنین کرد، به بطلان نماز او منتهی خواهد شد. اگر یک غریبه وارد مسجد شود، می‌تواند در اولین صف نماز قرار گیرد و هیچ کس حق ندارد، او را منصرف کند.

اینها گوشه های از عدالت اجتماعی در محیط مسجد است که می‌تواند سرمنشأ تسرّی آن در تمامی جامعه اسلامی باشد.

۱۱ـ ولایت پذیری

مسجد، نماد حضور همیشگی در صحنه‌های اجتماعی و پیوند دائمی «امام» و «امّت» است. پیروی از امام جماعت در مسجد، به دلیل دارا بودن شایستگی‌های علمی و ایمانی، امری عاقلانه، آگاهانه و از روی رغبت و میل باطنی است.

جوان مسجدی می‌آموزد که رشد جامعه در گرو شناخت و پیروی از رهبری است که قطعاً شایستگی‌های علمی و ایمانی او بر خبرگان جامعه مشهود و روشن گشته است. جوان مسجدی می‌داند که رشد او در سایه نزدیک شدن به تفکّرات رهبری جامعه خویش است. چراکه تفکّرات امام جامعه، ریشه در مبانی دینی داشته و ارتباط با وی همان ارتباط با دین خدا است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«أَفْضَلُ الصُّفُوفِ أَوَّلُهَا وَ أَفْضَلُ أَوَّلِهَا مَا دَنَا مِنَ الْإِمَامِ.»[۴۱]

«بهترین صفها، صف اول نماز جماعت است و برترین جایگاه در صف اول، نزدیک‌ترین آن به امام جماعت است.»

پی‌نوشت

۱. تحف العقول، ص ۴۱۷. ■ ۲ . المحاسن، ج۱، ص۸۰. ■ ۳.نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷. ■ ۴ . تهذیب الأحکام، ج۳، ص۲۸۳. ■ ۵ . الجعفریات، ص ۳۵. ■ ۶ . الخصال، ج ۲، ص ۳۵۵. ■ ۷ . الکافی، ج ۳، ص ۲۷۴. ■ ۸ . الفقیه، ج ۱، ص ۴۰۸. ■ ۹ . حدید، ۲۱. ■ ۱۰ . الفقیه، ج ۱، ص ۳۸۵. ■ ۱۱.وسائل‌الشیعة، ج ۸، ص ۳۴۶. ■ ۱۲. الکافی، ج۳، ص۳۷۲. ■ ۱۳ . آل‌عمران، ۹۶. ■ ۱۴ . الکافی، ج۳، ص ۳۷۲.

اذان صبح: ۵:۴۰
طلوع آفتاب: ۷:۱۰
اذان ظهر: ۱۲:۰۳
اذان مغرب: ۱۷:۱۵

۱۰ ربیع‌الاول ۱٤۳۷
22 Dec 2015

روز کشاورزی و دهداری
ازدواج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه سلام الله علیها (پانزده سال قبل از بعثت)
وفات جناب عبدالمطلب جد رسول خدا صلی الله علیه وآله

سلام خدا و ملائکه بر خدیجه علیها السلام

در حدیثی منقول از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آمده: «از مردان، عده‌بسیاری به حد کمال رسیدند و از زنان به درجه آخر کمال نرسیدند مگر چهار زن که عبارتند از: آسیه، مریم، خدیجه و فاطمه علیهن السلام»

خدیجه زنی است که پیامبر خدا در حق او می‌گوید: «ای خدیجه! خداوند متعال هر روز به وجود تو چندین بار بر ملائکه‌اش مباهات می‌کند.» (بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۷۸)

هم‌چنین ابو سعید خدری می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: وقتی که در شب معراج، جبرئیل مرا به سوی آسمان‌ها برد و سیر داد، هنگام مراجعت به جبرئیل گفتم: «آیا حاجتی داری؟» جبرئیل گفت: «حاجت من این است که سلام خدا و سلام مرا به خدیجه برسانی.» پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی که به زمین رسید، سلام خدای عزوجل و جبرئیل را به خدیجه ابلاغ کرد. خدیجه در پاسخ گفت: «ان الله هو السلام، و فیه السلام، إلیه السلام، و علی جبرئیل السلام؛ همانا ذات پاک خدا سلام است، و از او است سلام، و سلام به سوی او باز گردد و بر جبرئیل سلام باد.» (بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۷).

چهارشنبه ۲ دی

اذان صبح: ۵:۴۱
طلوع آفتاب: ۷:۱۱
اذان ظهر: ۱۲:۰۳
اذان مغرب: ۱۷:۱۶

۱۱ ربیع‌الاول ۱۴۳۷
23 Dec 2015

هر وقت توانستی کفش جفت کنی...

میرزا جواد آقا ملکی، یکی از شاگردان آخوند ملاحسینقلی همدانی، بعد از دو سال شاگردی، خدمت استاد عرض می‌کند «من در سیر خود به جایی نرسیدم». آخوند در جواب از اسم و رسمش سؤال می‌کند، او تعجّب کرده می‌گوید: مرا نمی‌شناسید؟ من جواد تبریزی ملکی هستم. ایشان می‌گویند: شما با فلان ملکی‌ها بستگی دارید؟ آقا میرزا جواد آقا چون آنان را خوب و شایسته نمی‌دانسته از آنان انتقاد می‌کند. آخوند همدانی در جواب می‌فرمایند: هروقت توانستی کفش آنها را که بد می‌دانی پیش پایشان جفت کنی، من خود به سراغ تو خواهم آمد. میرزا جواد آقا فردا که به درس می‌رود خود را حاضر می‌کند که در محلّی پایینتر از بقیهٔ شاگردان بنشیند، تا رفته‌رفته طلبه‌هایی که از آن فامیل در نجف بودند و ایشان آنان را خوب نمی‌دانسته، مورد محبّت قرار می‌دهد تا جایی که کفششان را پیش پای آنها جفت می‌کند. چون این خبر به آن طایفه که در تبریز ساکن بودند می‌رسد رفع کدورت فامیلی می‌شود. بعدا، آخوند او را ملاقات می‌کند و می‌فرماید: دستور تازه‌ای نیست تو باید حالت اصلاح شود تا از همین دستورات شرعی بهره‌مند شوی. (سیمای فرزانگان، ص ۶۰)

پنج‌شنبه ۳ دی

اذان صبح: ۵:۴۱
طلوع آفتاب: ۷:۱۱
اذان ظهر: ۱۲:۰۴
اذان مغرب: ۱۷:۱۶

۱۲ ربیع‌الاول ۱۴۳۷

24 Dec 2015

ولادت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به روایت اهل سنت ۵۳ سال قبل از هجرت و آغاز هفته وحدت
روز ثبت احوال

پیامبر رحمت، مایهٔ اتحاد امت اسلامی

سرانجام پس از قرن‌ها، انتظار عالم خلقت به سر آمد و بزرگ هدایتگر انسان‌ها پا به عرصه و جود نهاد. برترین مخلوق خدا ظاهر شد، باران «رحمة للعالمین» باریدن گرفت، چشمه رأفت و هدایت فیضان کرد و نور محمدی، عالم مُلک و ملکوت را منور نمود. در شهری که شرافتش را از و لادت او دریافت کرد، چشم به جهان گشود. «لا أُقسِمُ بِهذَا البَلَدِ * وَ أنتَ حِلٌّ بِهَذَا البَلَدِ؛ ای پیامبر چون تو در این شهر ساکن هستی به این شهر قسم می‌خورم.»
از همان سال میلادش، سپاهیان فیل‌سوار نابود شدند تا مایهٔ اُلفت و آرامش در میان قریش گردد. «لِإیلافِ قُرَیشٍ؛ برای اُنس و اُلفت میان قریش، (لشگر فیل‌سواران را نابود کردیم.)» و پس از بعثت و هجرت به مدینه، باعث پایان جنگ و خون‌ریزی و کینهٔ دیرین میان دو قبیلهٔ اُوس و خزرج گردید و اینک نیز پس از گذشت بیش از هزار و چهار صد سال، هنوز محکم‌ترین رشتهٔ محبت و برادری میان امت اسلامی بوده و همگان چشم امید به شفاعتش دارند.

ولادت حضرت عیسی
مسیح علیه السلام

جمعه ۴ دی

اذان صبح: ٥:٤٢
طلوع آفتاب: ٧:١٢
اذان ظهر: ١٢:٠٤
اذان مغرب: ١٧:١٧

١٣ ربیع‌الاول ١٤٣٧
25 Dec 2015

تهجّد مقدمه تحصیل علم

مرحوم آیت‌الله میرزا جواد آقای ملکی تبریزی در یکی از دستور العمل‌های خویش می‌نویسد: در پاسخ به این سؤال که چرا تهجد و شب‌زنده‌داری و دعا از اسباب تحصیل علم است، باید گفت: بدین خاطر است که علم ـ همان‌گونه که در بعضی از روایات به این مطلب تصریح شده است ـ به کثرت تعلّم و مطالعه نیست، بلکه علم نوری است که خدا در دل هر یک از بندگان خود که بخواهد، می‌گذارد و شب زنده‌داری و مناجات در دل شب، دل را نورانی می‌گرداند و باعث ثبات نور در دل مؤمن می‌شود... بسیاری از محصلین را می‌شناسیم که اهل تهجد و شب زنده‌دای بودند و همین امر سبب استقامت فهم و باروری ذهن آن‌ها در وصول و دستیابی به مطالب حقه در مسایل علمی گشت و به مراتب عالیه علمی نایل آمدند به خلاف طلابی که پیوسته به مطالعه کتب علمی مشغولند که کم‌تر می‌شود فرد صاحب نظری از میان آن‌ها برخیزد». (اسرار الصلوه، ص ۴۶۴ـ۴۶۵)

﴿وَ أَطِيعُوا اللهَ وَ رَسُولَهُ وَ لا تَنازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾[1]؛ و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود! و صبر و استقامت کنید، که خداوند با استقامت کنندگان است!

نکات تفسیری

آثار اتّحاد و یگانگی[2]

۱. امنیّت و آرامش

مهم‌ترین دستاورد اتّحاد در همه انواع آن، حفظ صلح، آرامش و امنیّت و دور ماندن از جنگ و خون‌ریزی و جدایی است؛ زیرا اتّحاد در جامعه جهانی، حسّ نوع‌دوستی و هم‌کاری متقابل را تقویت کرده و همه فتنه‌های اجتماعی را که از برتری‌جویی نژادی ناشی است، از بین می‌برد؛ چنان‌که اتّحاد پیروان ادیان آسمانی، از تنش میان آنان کاسته و اتّحاد میان مؤمنان، زمینه درگیری را مرتفع می‌سازد و یگانگی در نهاد خانواده، مانع از طلاق و قطع پیوند خویشاوندی می‌شود. قرآن از تفرقه، به کرانه گودال آتش جنگ یاد کرده است. درحالی که اتّحاد، خطر فرو افتادن در چنین گودالی را بر طرف می‌سازد.[3]

درست به همین سبب است که قرآن چند دسته شدن مردم را هم‌سنگ با جنگ و جدال و خون‌ریزی میان آنان دانسته است؛[4] «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللهِ جَمِيعاً وَ لا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْداءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْواناً وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْها كَذلِكَ يُبَيِّنُ اللهُ لَكُمْ آياتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ».[5] و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اسلام و هر گونه وسیله وحدت]، چنگ زنید و پراکنده نشوید! و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دلهای شما، الفت ایجاد کرد و به برکتِ نعمتِ او، برادر شدید! و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد؛ این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید.

«او يَلبِسَكُم شِيَعًا و يُذيقَ بَعضَكُم بَأسَ بَعضٍ».[6]

۲. برچیده شدن زمینه سلطه بیگانگان و استعمارگران

به استناد آیه «و جَعَلَ اهلَها شِيَعًا يَستَضعِفُ طائفَةً منهُم»،[7] فرعون از اهرم تفرقه بنی‌اسرائیل برای استضعاف و بهره‌کشی از آنان استفاده کرده است.[8] مفهوم آیه این است که در سایه اتّحاد بنی‌اسرائیل، استثمار آنان ممکن نبوده است.

۳. حفظ استواری و استحکام

قرآن، منازعه را باعث رهیافت سستی در صف مسلمانان می‌داند.[9] از مفهوم آیه « و لا تَنزَعوا فَتفشَلوا» برمی‌آید که

اتّحاد، باعث استواری و استحکام صفوف مسلمانان در برابر دشمنان می‌شود؛ چنان‌که در جای دیگر، مؤمنانی را که در کنار یک‌دیگر صف تشکیل داده‌اند و همانند بنیان مرصوص در راه خدا به نبرد می‌پردازند، ستوده است[10] «اِنَّ اللهَ یُحِبُّ الَّذینَ یُقتِلونَ فی سَبیلِهِ صَفًّا کَاَنَّهُم بُنیانٌ مَرصوصٌ».[11]

٤. حفظ قدرت و هیمنه:

قرآن، از مسلمانان خواسته تا با تقویت قوای جسمانی و نظامی، زمینه رعب و وحشت دشمنان را فراهم سازند؛[12] از این‌رو، آنان را از منازعه برحذر داشته و آن را زمینه‌ساز از دست رفتن هیمنه آنان در دل دشمنان دانسته است: «و لاتَنزَعوا ... و تَذهَبَ ریحُکُم». گویا اتّحاد و یگانگی مؤمنان باعث حفظ این هیمنه خواهد بود و اگر مسلمانان بخواهند این هیمنه خود را در میان جهانیان حفظ کنند، یگانه راه آن، پای‌بندی به این یگانگی است.[13]

عوامل اتّحاد

از مجموع آیات، عوامل شکل‌گیری یگانگی و اتّحاد به دست می‌آید:

١. پذیرش کامل دین

از نظر قرآن، مهم‌ترین عامل رهیافت اختلاف در میان ادیان، عدم پذیرش کامل دین است؛ از این‌رو از مؤمنان خواسته شده تا بسان امّت‌های پیشین در دین‌شان دچار تفرقه و چند دستگی نشوند: «و لا تَکونوا کَالَّذینَ تَفَرَّقوا و اختَلَفوا مِن بَعدِ ما جاءَهُمُ البَیِّناتُ».[14]

قرآن، از مؤمنان خواسته است که اسلام را بدون هیچ کم و کاستی پذیرا باشند: «یاَیُّهَا الَّذینَ ءامَنُوا ادخُلوا فِی السِّلمِ کافَّةً».[15] برخی از مفسّران، کافّه را صفت مؤمنان و آن را به معنای پذیرش جمعی اسلام دانسته‌اند؛[16] اما برخی دیگر معتقدند کافّه، صفت سلم و به معنای پذیرش کامل و بدون کم و کاست اسلام است؛[17] بدین جهت، از کسانی که به بخشی از دین ایمان آورده، بخشی دیگر را نمی‌پذیرند، به شدّت انتقاد کرده و به آنان وعده عذاب داده است. «الَّذینَ جَعَلُوا القُرءانَ عِضینَ».[18] عضین کردن، به معنای جزء جزء کردن قرآن و عدم پذیرش کامل آموزه‌های آن است.[19] همچنین از مؤمنان می‌خواهد که ایمان خود را به قرآن و دیگر کتاب‌های آسمانی: «و الَّذینَ یُؤمِنونَ بِما اُنزِلَ اِلَیکَ و ما اُنزِلَ مِن قَبلِکَ»[20] و رسالت پیامبر ﷺ در کنار رسالت پیامبران دیگر علیهم‌السلام اعلام دارند.[21]

٢. پیراستگی باطن

قرآن، پیروی از القائات شیطان را عامل تفرقه می‌شناسد[22] و با معرّفی شیطان به صورت دشمن آشکار بشر، یکی از دشمنی‌های او را ایجاد دشمنی و کینه‌ورزی میان مؤمنان دانسته[23] و به سبب زمینه‌سازی شراب و قمار در ایجاد دشمنی، آن‌ها را حرام کرده است؛[24] چنان‌که از فضای دوستی و برادری میان بهشتیان[25] و در مقابل، دشمنی و درگیری میان جهنّمیان سخن به میان آورده است.[26]

این امر نشان می‌دهد که طهارت باطن و تزکیه نفس، از بیماری‌های اخلاقی و خصلت‌های شیطانی چون حسادت، کینه‌ورزی، لجاجت، شهرت‌طلبی، تکبّر، دنیاپرستی و ... جلوگیری می‌کند و یکی از عناصر یگانگی میان مؤمنان را تشکیل می‌دهد.

راه‌کارهای اتّحاد

قرآن کریم برای برقراری یگانگی و اتّحاد و نیز حفظ آن، راه‌کارهای گوناگونی را پیش‌بینی کرده که بخشی از آن، جنبه پیش‌گیری از تفرقه و بخشی دیگر به درمان آن ناظر است.

١. توجّه به نقاط مشترک

مخاطبان دعوت به یگانگی، نقاط مشترکی دارند که قرآن بر این نقاط، انگشت گذاشته و آنان را به یگانه شدن بر محور آن‌ها فراخوانده است. تأکید بر این‌که انسان‌ها همه از خاک آفریده شده[27] یا از یک پدر و مادر زاده شده‌اند،[28] این‌که

کرامت انسانی، به همه انسان‌ها متعلّق بوده [و رنگ و نژاد در آن تأثیری ندارد][29] توجّه دادن به این نقاط مشترک، در یگانگی و اتّحاد جهانی مؤثر است. دعوت از پیروان ادیان آسمانی و اهل‌کتاب به نقاط مشترک عقیدتی[30] نیز تا حدودی بدین سبب انجام میپذیرد.

۲. چنگ زدن به ریسمان الهی:

قرآن کریم در صریح‌ترین آیه خود، در دعوت به اتّحاد، همه مؤمنان را به چنگ زدن به ریسمان الهی و پرهیز از تفرقه خوانده است[31] و نیز در آیات ۱۴۶ و ۱۷۵ سوره نساء و ۱۰۱ آل عمران، از تمسّک جستن به خداوند، سخن به میان آورده است. مهمترین مصداق "حبل الله" قرآن است. چنان‌که در روایتی از رسول‌اکرم ﷺ قرآن، ریسمان الهی کشیده شده میان آسمان و زمین معرّفی شده است: «کتاب الله هو حبل الله الممدود من السّماء إلی الأرض».[32]

۳. مراجعه به سنّت پیامبر ﷺ:

افزون بر آن که قرآن، وجود پیامبر ﷺ را محوری برای همبستگی و یگانگی مسلمانان می‌شناسد،[33] مراجعه به سنّت حضرت را نیز راهکاری برای ایجاد و حفظ یگانگی معرّفی کرده است: «فَان تَنزَعتُم فی شَیءٍ فَرُدّوهُ اِلَی اللهِ و الرَّسول».[34] رجوع و بازگشت به سوی رسول خدا ﷺ در روایت حضرت امیر علیه‌السلام، مراجعه به سنّت پیامبر تفسیر شده است.[35]

٤. مراجعه به اهل‌بیت علیهم‌السلام

قرآن از امامان اهل‌بیت علیهم‌السلام با عنوان « اولی الأمر» یاد کرده[36] و اطاعت آنان را در جهت اطاعت خدا و رسول و سخن آنان را حجّت دانسته است: «اطیعُوا اللهَ و اطیعُوا الرَّسولَ و اولِی‌الامرِ منکُم»[37]؛ بدین سبب از مسلمانان خواسته است تا در موارد اختلاف میان خود، یا فهم دین، به آنان مراجعه کنند: «و لَو رَدّوهُ اِلَی الرَّسولِ و الی اولِی الامرِ منهُم لَعَلِمَهُ الَّذینَ یَستَنبِطونَهُ منهُم»[38] و یکی از عوامل معرّفی اهل‌بیت علیهم‌السلام در جایگاه ثقل اصغر، در روایت ثقلین از سوی پیامبر ﷺ،[39] نقش مؤثّر آنان در ایجاد و حفظ یگانگی بوده است؛ چنان‌که هشام‌بن‌حکم در حضور امام صادق علیه‌السلام در مناظره‌ای با مرد شامی، ضرورت وجود امام را براساس ناکافی بودن قرآن و سنّت در رفع اختلاف ثابت کرد.[40] در برخی از روایات، مقصود از ریسمان مردمی در آیه «... الّا بِحَبلٍ مِنَ اللهِ و حَبلٍ مِنَ‌النّاس»[41] امیرمومنان علی علیه‌السلام و یا امامان علیهم‌السلام معرّفی شده است.[42]

۵. امر به معروف و نهی از منکر:

درباره این موضوع قبلاً به صورت مبسوط از آیات و روایات بحث شده است.

٦. مراعات حقوق برادری:

قرآن، مؤمنان را به مثابه جان‌های یک‌دیگر دانسته، از آنان می‌خواهد که به خویشتن عیب نگیرند: «و لا تَلمزوا انفُسَکُم»،[43] و بر حرمت سوءظن: « اجتَنِبوا کَثیرًا مِنَ الظَّنّ انَّ بَعضَ الظَّنّ اثمٌ»[44] و حرمت تجسّس: «و لا تَجَسَّسوا»[45] و تهمت‌های ناروا: «انَّ الَّذینَ یَرمونَ المُحصَنتِ الغفلتِ المُؤمنتِ لُعِنوا ...»[46] پای فشرده و غیبت کردن مؤمن را به مثابه خوردن گوشت مرده برادر خود دانسته است: «ایُحِبُّ اَحَدُکُم ان یَأکُلَ لَحمَ اخیهِ مَیتًا فَکَرِهتُموهُ»،[47] و به سبب هم‌سویی چنین پیوندی با اراده الهی، راه مؤمنان را محور حق برشمرده و عدم پیروی از راه آنان را هم‌سنگ مخالفت با پیامبر ﷺ دانسته است: «و مَن یُشاقِقِ الرَّسولَ مِن بَعدِ ما تَبَیَّنَ لَهُ الهُدی و یَتَّبِع غَیرَ سَبیلِ المُؤمنینَ نُوَلّهِ ما تَوَلّی».[48] قرآن از مؤمنان خواسته است تا به‌سان بهشتیان، کینه‌ها از دل‌هایشان زدوده شود: «و نَزَعنا ما فی صُدورِهِم مِن غِلٍ اخونًا»،[49] و از درون جانشان به هم مهر ورزند و از خداوند، بخشیدن برادران دینی پیش از خود و نیز زدودن کینه درباره برادران دینی را بخواهند: «رَبَّنَا اغفِر لَنا ولِاخوَنِنَا الَّذینَ سَبَقونا بِالایمنِ و لاتَجعَل فی قُلوبِنا غِلّا لِلَّذینَ ءامَنوا».[50]

۷. اصلاح ذات البین

به‌رغم وجود عناصر اتّحاد، همچون وحدت عقیده، رهیافت اختلاف و منازعه میان برادران ایمانی تا حدّی طبیعی و جزء

رهاوردهای زندگی اجتماعی است. این اختلاف می‌تواند در اعتراض به چگونگی تقسیم بیت‌المال باشد، یا بر سر اموری که تا سر حدّ صف‌آرایی و جنگ در برابر یک‌دیگر منتهی شود؛[۵۱] امّا قرآن برای مقابله با چنین اختلافاتی و برای ماندگاری یگانگی پیشین مؤمنان، از آنان خواسته است تا برای اصلاح میان برادران دینی و رفع منازعه، مداخله کرده: «و ان طَّافَتان مِنَ المُؤمنینَ اقتَتَلوا فَاصلِحوا بَینَهُما»[۵۲] و در صورت ایجاد کدورت، خود به اصلاح فیما بین اقدام کنند: «و اصلِحوا ذاتَ بَینِکُم»؛[۵۳] چنان‌که برای رفع اختلاف در نهاد خانواده، پا درمیانی داوری از دو طرف را برای اصلاح میان زن و شوهر پیشنهاد می‌کند: «فَابعَثوا حَکَمًا مِن اهلِهِ و حَکَمًا مِن اهلِها».[۵۴] در روایات بسیاری بر اهمّیت و جایگاه اصلاح ذات‌البین تأکید شده و حضرت امیر مومنان علیه‌السلام، در وصیّت‌نامه خود با استناد به روایت رسول‌اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، آن را برابر با همه نمازها و روزه‌ها دانسته است.[۵۵]

نتیجه

محل بسیاری از نزاع‌ها، دخالت شیطان است. خداوند متعال در بسیاری از آیات قرآن مؤمنین را دعوت به توجه به ریشه‌های اختلاف نموده و نسبت به آنها هشدار داده است. توجه دقیق و عمیق ما نسبت به این آیات می‌تواند در بسیاری از موارد زمینه‌های اختلاف را ریشه‌کن کرده و در پی آن، سلامت اخلاق فردی و اجتماعی را تضمین نماید.

پی‌نوشت

۱. سوره انفال، آیه ۴۶. ■ ۲. به دلیل اهمیت بحث، موارد اتحاد در قرآن را به اختصار بررسی می‌کنیم. ■ ۳. المیزان، ج ۳، ص، ۳۷۱. ■ ۴. همان، ج ۷، ص، ۱۳۷؛ زادالمسیر، ج ۳، ص، ۵۹. ■ ۵. سوره آل عمران، آیه ۱۰۳. ■ ۶. یا به صورت دسته‌های پراکنده شما را با هم بیامیزد و طعم جنگ (و اختلاف) را به هر یک از شما به وسیله دیگری بچشاند.» انعام، ۶۵. ■ ۷. و اهل آن را به گروه‌های مختلفی تقسیم نمود؛ گروهی را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند، قصص، ۴. ■ ۸. المیزان، ج ۱۶، ص ۸. ■ ۹. التبیان، ج ۵، ص، ۱۳۳؛ المیزان، ج ۴، ص، ۹۵. ■ ۱۰. التبیان، ج ۹، ص، ۵۹۲؛ نمونه، ج ۲۴، ص، ۶۵. ■ ۱۱. سوره صف، آیه ۴. ■ ۱۲. سوره انفال، آیه ۶۰. ■ ۱۳. اسلام در جهان امروز، ص، ۷۱- ۸۴. ■ ۱۴. و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند؛ (آن هم) پس از آنکه نشانه‌های روشن (پروردگار) به آنان رسید! و آنها عذاب عظیمی دارند. سوره آل عمران، آیه ۱۰۵. ■ ۱۵. سوره بقره، آیه ۲۰۸. ■ ۱۶. مجمع‌البیان، ج ۱، ص، ۵۳۶؛ التفسیرالکبیر، ج ۳، ص، ۲۲۸؛ روح‌المعانی، مج ۲، ج ۱، ص، ۱۴۶. ■ ۱۷. مجمع‌البیان، ج ۱، ص، ۵۳۷؛ المنار، ج ۲، ص، ۲۵۸. ■ ۱۸. سوره حجر، آیه ۹۱. ■ ۱۹. مجمع‌البیان، ج ۶، ص، ۵۳۱؛ جامع‌البیان، مج ۸، ج ۱۴، ص، ۸۳- ۸۴. ■ ۲۰. سوره بقره، آیه ۴. ■ ۲۱. همان، ۲۸۵. ■ ۲۲. سوره بقره، آیه ۲۰۸. ■ ۲۳. سوره مائده، آیه ۹۱. ■ ۲۴. همان، آیه ۹۰. ■ ۲۵. سوره واقعه، آیه ۲۶؛ سوره حجر، آیه ۴۷. ■ ۲۶. سوره اعراف، آیه ۳۸. ■ ۲۷. سوره حج، آیه ۵. ■ ۲۸. سوره حجرات، آیه ۱۳. ■ ۲۹. سوره اسراء، آیه ۷۰. ■ ۳۰. سوره آل عمران، آیه ۶۴. ■ ۳۱. آل عمران، آیه ۱۰۳. ■ ۳۲. کنزل العمال، ج ۱، ص ۱۸۲ ح ۹۲۳؛ المیزان، ج ۳، ص، ۳۷۸. ■ ۳۳. سوره آل عمران، آیه ۱۵۹. ■ ۳۴. و هر گاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید (و از آنها داوری بطلبید) سوره نساء، آیه ۵۹. ■ ۳۵. نهج‌البلاغه، خ ۱۲۵، نامه ۵۳. ■ ۳۶. المیزان، ج ۴، ص، ۳۹۸. ■ ۳۷. سوره نساء، آیه ۵۹. ■ ۳۸. در حالی که اگر آن را به پیامبر و پیشوایان- که قدرت تشخیص کافی دارند- بازگردانند، از ریشه‌های مسائل آگاه خواهند شد. سوره نساء، آیه ۸۳. ■ ۳۹. اهل البیت علیهم‌السلام فی‌الکتاب والسنه، ص، ۱۲۶- ۱۳۸. ■ ۴۰. الکافی، ج ۱، ص، ۱۷۲؛ الصراط المستقیم، ج ۱، ص، ۸۹؛ بحارالانوار، ج ۲۴، ص، ۸۵. ■ ۴۱. سوره آل عمران، آیه ۱۱۲. ■ ۴۲. بحار الانوار، ج ۲۴، ص، ۸۴. ■ ۴۳. سوره حجرات، آیه ۱۱. ■ ۴۴. همان، آیه ۱۲. ■ ۴۵. همان. ■ ۴۶. سوره نور، آیه ۲۳. ■ ۴۷. سوره حجرات، آیه ۱۲. ■ ۴۸. کسی که بعد از آشکار شدن حق، با پیامبر مخالفت کند و از راهی جز راه مؤمنان پیروی نماید، ما او را به همان راه که می‌رود می‌بریم و به دوزخ داخل می‌کنیم؛ که جایگاه بدی دارد؛ سوره نساء، آیه ۱۱۵. ■ ۴۹. هر گونه غلّ [حسد و کینه و دشمنی] را از سینه آنها برمی‌کنیم (و روحشان را پاک می‌سازیم)؛ در حالی که همه برابرند؛ سوره حجرات، آیه ۴۷. ■ ۵۰.سوره حشر، آیه ۱۰. ■ ۵۱. سوره حجرات، آیه ۹. ■ ۵۲. همان. ■ ۵۳. سوره انفال، آیه ۱. ■ ۵۴. سوره نساء، آیه ۳۵. ■ ۵۵. . نهج‌البلاغه، نامه، ۴۷.

پیشنهادهای اجرایی هفته

◆ جلسه با هیئت امنای مسجد ◆ تشکیل جلسات مستمر با کسبه و بازاریان ساکن در محل و نیز کسبه محل جهت تشکیل گروه های خیریه و حمایت مالی پنهانی از نیازمندان محله ◆ برگزاری مراسمات ویژه برای مشارکت اهالی محل و به ویژه کسبه و بازاریان برای جمع آوری کمک های مالی در راستای تأمین هزینه ازدواج و جهیزیه جوانان و نیز کمک هزینه درمان ناتوانان ◆ خطابه با موضوع تأسیس مسجد قبا اولین مسجد اسلام ◆ برگزاری مراسم دعای توسل (سه شنبه) ◆ قرائت زیارت از بعید حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در سالروز میلاد آن حضرت ◆ برگزاری جشن میلاد حضرت رسول اکرماکرم صلی الله علیه و آله و امام صادق علیه السلام ◆ خطبه با موضوع بصیرت و حماسه ۹ دی ◆ برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید ◆ برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه) ◆ برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه)

مهدی شخصی و مهدی نوعی[1]

بحث درباره مهدی شخصی و مهدی نوعی، ارتباط مستقیمی با موضوع شناخت حضرت مهدی (ع) دارد. لفظ «مهدی» مفهوم عامی دارد و به کار بردن آن برای هر فردی که خدا او را هدایت کرده باشد، جایز است. با این مفهوم همه پیامبران و اوصیا (ع)، مهدی هستند و به کار بردن آن در حقّ شخص پیامبر (ص) و امیرمؤمنان و سایر امامان (ع) جایز است؛ زیرا همه مهدی و هدایت شده‌اند.

البته به کار بردن این واژه درباره افراد دیگری که در مکتب آن بزرگواران تربیت و هدایت یافته‌اند، جایز است؛ اما بر حسب اخبار معتبر، «مهدی» لقب موعود آخرالزمان (عج) است که تبار و اوصاف او در احادیث معتبر مورد اشاره قرار گرفته است.

آموزه‌های اسلامی و نیز از منظر منطق و برهان، مسأله «نوعی بودن مهدی» باطل و نادرست است؛ چرا که نقض غرض می‌شود! در حقیقت مقصود از قیام حضرت حجت، پرکردن جهان از عدل و داد است؛ ولی نوعی بودن مهدی، جهان را از ظلم و ستم پر خواهد کرد. در این صورت هر قدرتمند دروغ گویی، می‌تواند ادعا کند که مهدی است و به نام عدالت گستری، به جهان گیری بپردازد!! پس مدعیان مهدویّت بسیار خواهند شد و در هر زمان و مکانی، ممکن است چند تن، ادعای مهدی بودن کرده و عده‌ای ساده دل و نادان، گردِ ایشان جمع شوند و به ظلم و ستم بپردازند.

یکی از دانشمندان شیعه دراین باره نوشته است: موضوع ظهور مهدی، نه اندیشه چشم به راه نشستن کسی است که باید زاده شود و نه یک پیشگویی است، که باید در انتظار مصداقش ماند؛ بلکه واقعیتی استوار و فردی مشخص است که خود نیز، در انتظار رسیدن هنگام ظهورش به سر می‌برد. در میان ما ـ با گوشت و خون خویش ـ زندگی می کند؛ ما را می‌بیند و ما نیز او را می‌بینیم. در فضای دردها، رنج‌ها و آرزوهای ما است و در اندوه و شادی ما شریک است. شکنجه‌های آزردگان و تیره روزی ناکامان زمین و بیداد ستمگران را ـ

از دور یا نزدیک ـ می‌بینند. سرنوشت این رهبر موعود، اینگونه است که خود را آشکار نساخته و همراه با دیگران، لحظه موعود را انتظار کشد.... .

یکی از دانشمندان معاصر، بحث «مهدی نوعی» را براساس دیدگاه صوفیه چنین شرح داده است:

«صوفیه اعتقاد به ولایت عامّه و مهدویّت نوعیه دارند و اولیا را منحصر به دوازده امام نمی‌دانند. امروز هم اغلب عقیده دارند که پیر آنها در زمان خود ولیّ است و هر قطبی، منصب ولایت دارد. کسانی امثال بایزید بسطامی، منصور حلاج، محی الدین عربی، احمد غزالی و جنید بغدادی را «ولیّ» می‌دانند».

آن گاه با اظهار شگفتی از این نگرش، می‌نویسد:

«عجب است که صوفیان شیعه با این عقیده ـ که مخالف اساس معتقدات شیعه است ـ باز دم از تشیّع و لاف محبت امام زمان علیه‌السلام میزنند و سایر شیعیان و علمای ربانی را اهل ظاهر و قشری و خود را با انکار مهدی موعود جهان ـ که بعد از امام عسکری علیه‌السلام جز او ولیّ و قطب و امامی نیست ـ اهل معنی و «اهل حق» می‌دانند!!

پی‌نوشت

۱. اگر چه این اصطلاح در بعضی از کتاب‌های متأخرین به کار رفته؛ ولی در هیچ یک از آنها به روشنی تعریف نشده است؛ به گونه‌ای که به نظر می رسد هر یک، آن را در معنایی به کار برده‌اند.

شنبه ۵ دی

اذان صبح: ۵:۴۲
طلوع آفتاب: ۷:۱۲
اذان ظهر: ۱۲:۰۵
اذان مغرب: ۱۷:۱۷

۱٤ ربیع‌الاول ۱٤۳۷
26 Dec 2015

روز ایمنی در برابر زلزله و کاهش اثرات بلایای طبیعی
رحلت آیت الله سید صدر الدین صدر از مراجع تقلید و پدر امام موسی صدر (۱۳۳۲ هش)
هلاکت یزید بن معاویه (٦٤ هق)

لبّ راجح

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): «امام سجاد ﷺ در یکی از ادعیه صحیفه ثانیه سجادیه از خدای متعال شش چیز می‌خواهد، که یکی‌اش این است: «و لبّاً راجحاً»؛ باطنم از ظاهرم بهتر باشد. ماها در این زمینه گرفتاریم. باید باطنمان از ظاهرمان بهتر باشد. این قداست را چگونه حفظ کنیم؟ حفظ قداست با سلامت مالی، سلامت اخلاقی و حفظ زی طلبگی است. نمی‌گوییم عبای پاره به دوشمان بیندازیم؛ معنای زی طلبگی این نیست. معنایش این است که در دنیاطلبی مثل دنیاطلبان عمل نکنیم؛ هر چه هوس کردیم، بخواهیم. من قبل‌ها روایتی دیدم که هر کس هر چه دلش خواست بپوشد، هر چه دلش خواست بخورد و هر مرکوبی که دلش خواست سوار شود، این شخص پیش خدای متعال ملعون است. ... شأن طلبگی این است که انسان یک زی متوسطی همراه با قناعت، سلامت مالی و سادگی به طور نسبی برای خودش نگه دارد. سلامت اخلاقی، خیلی مهم است. آن وقت قداست حفظ خواهد شد. هزار سال آبروی شیعه متراکم شد تا به اینجا رسید که یک مرجعی مثل امام بزرگوار ما که جرأت داشت، شجاعت داشت، قابلیت داشت، روح فداکاری و آگاهی به زمان داشت، پا بگذارد وسط میدان، و مردم هم به دنبالش بیایند». (۱۳۸۵/۰۸/۱۷)

یکشنبه ۶ دی

اذان صبح: ۵:۴۳
طلوع آفتاب: ۷:۱۳
اذان ظهر: ۱۲:۰۵
اذان مغرب: ۱۷:۱۸

۱۵ ربیع‌الاول ۱۴۳۷
27 Dec 2015

اتقان در عمل

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):
یک مسأله این است که طلاب علوم دینی و فضلای جوان، آیا برای سازندگی و برای آینده حوزه نقشی دارند یا نه؛ جواب این است که بلی، دارند. هرکسی نقش خودش را دارد. در یک مجموعه، همه افراد دارای نقش‌اند. در یک بدن سالم، هر سلولی مشغول کار است. اگر هر کدام ما در آن جایی که هستیم، کار خود را خوب انجام بدهیم، به سلامت مجموعه کمک کرده‌ایم؛ اما اگر هر کدام ما کار خود را خوب انجام ندهیم، به قدر شعاع وجودی خود، به سلامت مجموعه ضربه زده‌ایم؛ «رحم الله امرء عمل عملا صالحا فأتقنه». (ر.ک: علل الشرایع، ج ۱، ص ۳۰۹. شبیه این عبارت) کار را باید متقن و خوب انجام داد؛ درس را باید خوب خواند؛ اخلاق را باید رعایت کرد؛ تدین را باید در زندگی خود اصل دانست؛ ممشای بزرگان را در آداب زندگی، در خلقیات عبادی و عملی باید اسوه و الگو قرارداد. چیزهایی هم هست که البته به تطور زمان متطور می‌شود؛ آنها را هم باید متطور و متحول کرد. پس افراد حوزه، از بزرگ و کوچک، تا طلبه تازه به حوزه آمده، در عمل شخصی خود می‌توانند نقشی ایفا کنند که آن نقش در سلامت حال و آینده حوزه اثر خواهد گذاشت. (دیدار با مجمع طلاب و فضلای حوزه علمیه قم ۱۳۷۰/۱۲/۰۱).

۷ دی
دوشنبه

سالروز تشکیل نهضت سواد آموزی به فرمان حضرت امام خمینی رحمة الله علیه (۱۳۵۷ هش)

اذان صبح: ۵:۴۳
طلوع آفتاب: ۷:۱۳
اذان ظهر: ۱۲:۰۶
اذان مغرب: ۱۷:۱۹

۱۶ ربیع‌الاول ۱٤۳۷
28 Dec 2015

آثار میلاد نور، در آسمان‌ها و زمین

از امام صادق علیه السلام روایت شده است: «صبح آن روز که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم متولّد شد، هر بتی که در هر جای عالم بود بر رو افتاده بود و ایوان کسری بلرزید و چهارده کنگره آن فروافتاد و دریاچه ساوه که سال‌ها آن را می‌پرستیدند فرو رفته و خشك شد و وادی سماوه که سال‌ها بود کسی آب در آن ندیده بود، آب در آن جاری شد و آتشکده فارس که هزار سال خاموش نشده بود در آن شب خاموش شد و طاق کسری از میانش شکست و دو تکه شد و نوری در آن شب از طرف حجاز ظاهر شده و در عالم منتشر گردید و پرواز کرد تا به مشرق رسید و تخت هر پادشاهی در آن صبح سرنگون شده بود و جمیع پادشاهان در آن روز لال بودند و سخن نمی‌توانستند گفت و علم کاهنان از آنها گرفته شده و سِحْر ساحران باطل شد و قریش در میان عرب بزرگ مرتبه شدند و ایشان را (آل الله) گفتند، زیرا که ایشان در خانه خدا بودند و آمنه علیها السلام مادر آن حضرت گفت: و الله که چون پسرم متولد شد، دست‌ها را بر زمین گذاشته و سر به سوی آسمان بلند کرده و به آسمان نگریست، پس از آن نوری ساطع شد که همه چیز را روشن کرد و در میان آن روشنی صدایی شنیدم که می‌گفت: بهترین مردم را زائیدی، پس او را (محمّد) نام بگذار.» (امالی صدوق، ص ۲۸۵-۲۸۶)

سه‌شنبه ۸ دی

تعطیل

۱۷ ربیع‌الاول ۱۴۳۷

29 Dec 2015

اذان صبح:	۵:۴۳
طلوع آفتاب:	۷:۱۳
اذان ظهر:	۱۲:۰۶
اذان مغرب:	۱۷:۱۹

ولادت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله (۵۰ سال قبل از هجرت) و روز اخلاق و مهرورزی
ولادت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مؤسس مذهب جعفری (۸۳ ه‍ق) (تعطیل)

من نتیجهٔ دعای پدرم هستم...

برای آمدنش ابراهیم دعا کرد و حضرت عیسی مژده داد. در روایات متعددی از رسول خدا نقل شده است که حضرت فرمودند: من نتیجه دعای پدرم ابراهیم هستم و همان کسی هستم که عیسی مژده آمدن او را داده است. (خصال شیخ صدوق ج اول)

حضرت ابراهیم علیه‌السلام پس از بالا بردن پایه های کعبه از خداوند چنین در خواست کرد: رَبَّنَا وَ اجْعَلْنَا مُسلِمَینِ لَک وَمِن ذُرِّیَّتِنا أُمَّةً مُّسلِمَةً لَّک وَ أَرِنَا مَنَاسِکَنَا وَتُب عَلَیْنَا إِنَّک أَنت التَّوَّاب الرَّحِیمُ *رَبَّنَا وَ ابْعَث فِیهِمْ رَسولاً مِّنهُمْ یَتْلُوا عَلَیهِمْ ءَایَتِک وَیُعَلِّمُهُمُ الْکِتَب وَ الْحِکْمَةَ وَیُزَکِّیهِمْ إِنَّک أَنت الْعَزِیزُ الحْکِیمُ. (بقره/۱۲۸ و ۱۲۹)

پروردگارا! ما را تسلیم فرمان خود قرار ده و از دودمان ما امتی که تسلیم فرمانت باشد به وجود آور، و طرز پرستش خودت را به ما نشان ده ، و توبه ما را بپذیر، که تو تواب و رحیمی * پروردگارا! در میان آنها پیامبری از خودشان مبعوث کن ، تا آیات تو را بر آنها بخواند، و آنها را کتاب و حکمت بیاموزد و پاکیزه کند، زیرا تو توانا و حکیمی (و بر این کار قادری).

و مژده آمدن حضرتش را حضرت عیسی علیه‌السلام این چنین داده بود:
وَ إِذْ قالَ عیسَی ابْنُ مَرْیَمَ یا بَنی إِسْرائیلَ إِنّی رَسُولُ اللّهِ إِلَیْکُمْ مُصَدّقاً لِما بَیْنَ یَدَیّ مِنَ التّوْراةِ وَ مُبَشّراً بِرَسُولٍ یَأْتی مِنْ بَعْدِی اسْمُهُ أَحْمَدُ.(صف/۶)

چهارشنبه **۹** دی

اذان صبح:	۵:۴۴
طلوع آفتاب:	۷:۱۴
اذان ظهر:	۱۲:۰۷
اذان مغرب:	۱۷:۲۰

۱۸ ربیع‌الاول ۱۴۳۷

30 Dec 2015

روز بصیرت و میثاق امت با ولایت

آغاز بنای مسجد النبی (۱ه‍ق)

گاهی سکوت کردن، کنار کشیدن، خودش کمک به فتنه است!

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): بعضی‌ها در فضای فتنه، این جمله‌ی «کن فی الفتنة کابن اللّبون لا ظهر فیرکب و لا ضرع فیحلب» را بد می‌فهمند و خیال می‌کنند معنایش این است که وقتی فتنه شد و اوضاع مشتبه شد، بکش کنار! این معنایش این است که به هیچ وجه فتنه‌گر نتواند از تو استفاده کند؛ از هیچ راه. «لا ظهر فیرکب و لا ضرع فیحلب»؛ نه بتواند سوار بشود، نه بتواند تو را بدوشد؛ مراقب باید بود. در جنگ صفین ما از آن طرف عمار را داریم که جناب عمار یاسر دائم مشغول سخنرانی است؛ این طرف لشکر، آن طرف لشکر، با گروه‌های مختلف؛ چون آنجا واقعاً فتنه بود دیگر؛ دو گروه مسلمان در مقابل هم قرار گرفتند؛ فتنهٔ عظیمی بود؛ یک عده‌ای مشتبه بودند. عمار دائم مشغول روشنگری بود. از آن طرف هم آن عده‌ای که «نفر من اصحاب عبد الله بن مسعود هستند، در روایت دارد که آمدند خدمت حضرت و گفتند: «یا امیرالمؤمنین علیه‌السلام انّا قد شککنا فی هذا القتال ما شک کردیم. ما را به مرزها بفرست که در این قتال داخل نباشیم! خوب، این کنار کشیدن، خودش همان ضرعی است که یُحلب؛ همان ظهری است که یُرکب! گاهی سکوت کردن، کنار کشیدن، حرف نزدن، خودش کمک به فتنه است. در فتنه همه بایستی روشنگری کنند؛ همه بایستی بصیرت داشته باشند. (۸۸/۷/۲)

پنج‌شنبه ۱۰ دی

اذان صبح: ۵:۴۴
طلوع آفتاب: ۷:۱۴
اذان ظهر: ۱۲:۰۷
اذان مغرب: ۱۷:۲۱

۱۹ ربیع‌الاول ۱۴۳۷
31 Dec 2015

قطب نمای سالم سیاسی

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): یکی از چیزهایی که برای ما خیلی مهم است، مسئلهٔ «ارتباط با سیاست» است. اولاً سال‌های متمادی سعی کردند که مقوله دین را از مقوله سیاست جدا کنند. با اینکه انقلاب اسلامی پیروز شده و سیاست دینی در کشور، محور همه فعالیت‌ها است و مسئله الهام‌گیری و سرچشمه پیدا کردن سیاست از دین ـ نه دین از سیاست، بلکه سیاست از دین ـ جزو عرف‌های رایج ملت‌های مسلمان شده، هنوز دارند تلاش می‌کنند، بلکه بتوانند این عُرف را بشکنند. .... آنها دنبال این هستند که سیاست‌مدارها بدون ارتباط با دین و بدون اعتنای به دین، کار خودشان را بکنند و آخوند و مبلّغ دین هم فقط احکام فردی و شخصی و طهارت، نجاست و دماء ثلاثه و حداکثر مسئله ازدواج و طلاق را برای مردم بیان کند. .... بنابراین، یک وظیفه مهمی که امروز ماها داریم، ارتباط با سیاست است. کناره‌گیری از سیاست درست نیست و کار روحانی شیعه نیست.
اینکه ما می‌گوییم روحانیون ـ حالا روحانیونی که درگیر کار سیاسی هم نیستند؛ روحانی است، مدرّس است، پیش‌نماز است، مشغول یک شأنی از شئون روحانی است ـ سیاسی باشند، یعنی چه؟ این، آن نکته اساسی است؛ یعنی قدرت تحلیل سیاسی داشته باشد. و این به همه روحانیت مربوط می‌شود: باید سیاسی باشید؛ منتها نه به معنای ورود در باندها و جناح‌های سیاسی؛ نه به معنای ملعبه و آلت دست شدن این یا آن حزب یا گروه سیاسی، یا سیاست‌بازان حرفه‌ای؛ این مطلقاً مورد نظر نیست؛ بلکه به معنای آگاهی سیاسی، قدرت تحلیل سیاسی، داشتن قطب‌نمای سالم سیاسی که جهت را درست نشان بدهد. (دیدار با روحانیون، ۱۳۸۵/۰۸/۱۷)

آغاز سال ۲۰۱٦ میلادی

جمعه ۱۱ دی

اذان صبح: ٥:٤٤
طلوع آفتاب: ۷:۱٤
اذان ظهر: ۱۲:۰۸
اذان مغرب: ۱۷:۲۱

۲۰ ربیع‌الاول ۱٤۳۷
1 Jan 2016

او وظیفه‌اش را اینگونه شناخت

آقا شیخ مرتضی زاهد، می‌توانست دروس تکمیلی را تا نیل به مقام والای اجتهاد ادامه دهد، اما شرایط سخت آن روزها و خطری که برای دین و اعتقاد مردم، با تمام وجود احساس می‌کرد او را برآن داشت تا کمر به تربیت طلاب و فضلاء و جوانان و کسبه و عموم مردم بر بندد و از لذت تحصیل علم و مدارج عالی آن بگذرد او وظیفۀ خود را نه در تکمیل سطوح تحصیلی که در تهذیب خود و تربیت دل‌های آماده‌ای می‌دید که در معرض طوفان‌های مسموم فرهنگ غرب قرار گرفته بود. او به این نتیجه رسیده بود که باید مانند پدر بزرگوارش به تعلیم و تربیت مردم بپردازد و سفره معارف معنوی‌اش در مدرسه و کوچه و منازل مردم و مساجد بگستراند. مواعظ تأثیرگذار، روضه‌های سوزناک وی در مساجد، هیئت‌ها و منازل اهل تهران، طعمی ماندگار از محبت اهل بیت علیهم‌السلام در ذائقه جان و دل مردم آن زمان باقی گذارد و خدا می‌داند از این رهگذر چه دستگیری‌هایی کرد و چه در راه مانده‌هایی را به سر منزل مقصود رساند. مرحوم آیت الله حاج شیخ مهدی معزی که خود از علمای به نام تهران و ائمه جماعات معروف این سامان است، همیشه می‌گفت:

«در زمان رضا خان، دو نفر بودند که در حقیقت بیشتر از بقیۀ عالمان دین، ایمان و دین مردم تهران را نگه داشتند. یکی از آن دو آقا شیخ مرتضی زاهد بود.»(آقا شیخ مرتضی زاهد، ص۲۱۲)

﴿أَ حَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لا يُفْتَنُونَ * وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللهُ الَّذِينَ صَدَقُواْ وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ﴾ [1]؛ «آیا مردم گمان کردند همین که بگویند ایمان آوردیم، به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد؟! * ما کسانی را که پیش از آنان بودند، آزمودیم (و این‌ها را نیز امتحان می کنیم) باید علم خدا درباره کسانی که راست می گویند و کسانی که دروغ می گویند تحقق یابد».

شأن نزول

بعضی از مفسران روایتی نقل کرده‌اند که طبق آن، یازده آیه آغاز این سوره که در مدینه نازل شده است، در مورد مسلمانانی است که در مکّه بودند و اظهار اسلام می کردند، اما حاضر به هجرت به مدینه نبودند. آن‌ها نامه‌ای از برادران خود در مدینه دریافت کردند که در آن تصریح شده بود: «خدا اقرار به ایمان را از شما نمی‌پذیرد، مگر اینکه هجرت کنید و به سوی ما بیایید». به این جهت آن‌ها تصمیم به هجرت گرفتند و از مکّه خارج شدند. جمعی از مشرکان به تعقیب آنان پرداختند و با آنان پیکار کردند؛ بعضی کشته شدند و بعضی نجات یافتند (و احتمالاً بعضی نیز تسلیم شده، به مکّه بازگشتند).[2]

نکات تفسیری

معنای آیه این است که آیا مردم گمان کرده‌اند به صرف اینکه بگویند ایمان آوردیم، متعرضشان نمی‌شوند و با بلاها و مصیبت‌ها آزمایش نمی گردند؟ آزمایشی که موجب می‌شود آنچه در نهان دارند، از صدق و کذب، آشکار شود. مراد از جمله «وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» این است که فتنه و امتحان سنّت جاری ماست که در امت‌های قبل از ایشان نیز جاری کردیم و هرگز تبدیل و دگرگونی در سنّت ما نخواهی یافت.

جمله «فَلَيَعْلَمَنَّ اللهُ الَّذِينَ صَدَقُوا...» تعلیل مطلب قبل است و مراد از اینکه می‌فرماید: «تا خداوند بداند که چه کسانی راست می‌گویند و چه کسانی دروغ گویند»، این است که آثار صدق و کذب آنان به وسیله امتحان در مقام عمل ظاهر شود؛ چون امتحان است که باطن انسان‌ها را ظاهر می کند و لازمه این ظهور این است که آن‌هایی که ایمان واقعی دارند، ایمانشان پابرجاتر شود و آن‌ها که ایمانشان فقط ادعاست، ادعایشان باطل گردد.

بنابراین آن ثواب و سعادتی که وعده داده‌اند، بر ایمان واقعی و حقیقت ایمان مترتب می‌شود؛ ایمانی که آثارش در هنگام شداید و نیز آنجا که پای اطاعت خدا به میان می‌آید، ظاهر می‌شود؛ یعنی صاحب چنین ایمانی در شداید، صبر می کند و نیز در برابر دستورات الهی تسلیم بوده، آن‌ها را انجام می‌دهد و در برابر معصیت‌ها خود را حفظ می کند و از آن‌ها چشم می‌پوشد؛ چنین ایمانی آن سعادت و آن ثواب‌ها را در پی دارد، نه ایمان ادعایی.[3]

حدیث

۱ـ امام صادق علیه‌السلام فرمودند: مردی خدمت پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله رسید و عرض کرد: ای رسول خدا، من خدمت رسیده‌ام تا با شما بر اسلام بیعت کنم. پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به او فرمود: با تو بیعت می کنم بر اینکه پدرت را بکشی. عرض کرد: باشد. پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: به خدا، ما به شما دستور نمی‌دهیم پدرانتان را بکشید؛ اما اکنون [با این امتحان] دانستم که ایمان تو حقیقی است و تو هرگز یار و همدمی جز خدا نخواهی گرفت.[4]

۲ـ امام علی علیه‌السلام فرمودند: هر چه امتحان و آزمایش بزرگ‌تر باشد، ثواب و پاداشش فراوان‌تر است؛ مگر نمی‌بینید که خداوند سبحان پیشینیان را، از زمان آدم علیه‌السلام تا آخرین نفر از مردم این جهان، با سنگ‌هایی که زیان و سودی نمی‌رسانند و نمی‌توانند ببینند و بشنوند، آزمود و با همان سنگ‌ها خانه باحرمت خود را ساخت؛ خانه‌ای که برای مردم برپا گردانید.

خداوند بندگانش را با انواع سختی‌ها می‌آزماید و با رنج و کوشش‌های گوناگون به بندگی وادارشان می‌کند و با انواع ناخوشایندی‌ها امتحانشان می‌کند تا خودبزرگ‌بینی را از دل‌هایشان بیرون کند و فروتنی را در جان‌هاشان جای دهد و این را درهایی قرار دهد گشوده، به سوی فضل و بخشش خود و وسایلی آماده، برای گذشت و آمرزش خویش.[۵]

داستان

مفضل‌بن‌قیس سخت در فشار زندگی واقع شده بود. فقر، تنگدستی، قرض و مخارج زندگی او را آزار می‌داد. یک روز در محضر امام صادق علیه‌السلام لب به شکایت گشود و بیچارگی‌های خود را موبه‌مو تشریح کرد: «فلان مبلغ قرض دارم، نمی‌دانم چگونه ادایش کنم؛ فلان مبلغ خرج دارم و راه درآمدی ندارم؛ بیچاره شدم، متحیرم، گیج شده‌ام؛ به هر درِ بازی می‌روم به رویم بسته می‌شود...» در آخر از امام تقاضا کرد درباره‌اش دعایی بفرماید و از خداوند متعال بخواهد گره از کار فروبسته او بگشاید.

امام صادق علیه‌السلام به کنیزکی که آنجا بود فرمود: «برو آن کیسه اشرفی را که منصور برای ما فرستاده است، بیاور». کنیزک رفت و فوراً کیسه اشرفی را حاضر کرد. آنگاه به مفضل‌بن‌قیس فرمود: «در این کیسه چهارصد دینار است و کمکی است برای زندگی تو».

مفضل گفت: مقصودم از آنچه در حضور شما گفتم این نبود؛ مقصودم فقط خواهش دعا بود».

حضرت فرمود: «بسیار خوب، دعا هم می‌کنم؛ اما این نکته را به تو بگویم، هرگز سختی‌ها و بیچارگی‌های خود را برای مردم تشریح نکن؛ اولین اثرش این است که وانمود می‌شود تو در میدان زندگی زمین و از روزگار شکست خورده‌ای؛ در نظرها کوچک می‌شوی؛ شخصیت و احترامت از میان می‌رود».[۶]

نتیجه

همه انسان‌ها، از انسان‌های بزرگی همچون انبیا و اولیا تا انسان‌های پایین‌تر آنها، در این دنیا مورد امتحان قرار می‌گیرند. امتحان ملازم با وجود انسان است و هیچ انسانی بدون امتحان در این عالم نمی‌تواند زندگی کند؛ گاهی امتحان به صورت ترس، گاه به گرسنگی، به کم شدن اموال و از بین رفتن نفوس، به کم شدن میوه‌ها و امثال اینهاست.[۷]

پی‌نوشت

۱ .عنکبوت: ۱ـ۲. ■ ۲ . فضل‌بن‌حسن‌طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ذیل آیات مورد بحث؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج۲۲، ص۴۸؛ محمدبن‌جریر طبری، جامع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص۱۵۷. ■ ۳ . محمدحسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج۱۶، ص۱۴۸. ■ ۴ . احمدبن‌محمد برقی، المحاسن، ج۱، ص۲۴۹. ■ ۵ . نهج البلاغه: خطبه۱۹۲؛ (ترجمه میزان الحکمه). ■ ۶.محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج۱۱، ص۱۱۴؛ به نقل از: مرتضی مطهری، داستان راستان. ■ ۷ . امام خمینی، صحیفه نور، ج۱۳، ص۲۳۴. ■

مهدی موعود در روایات

امام مهدی علیه‌السلام، از جمله موضوعاتی است که در سنّت اسلامی، روایات بسیاری درباره آن آورده شده است. به گونه‌ای که درباره مراحل مختلف زندگی آن حضرت همچون ولادت، دوران کودکی، غیبت صغری و کبری، علائم ظهور و روزگار ظهور و حکومت جهانی، به طور جداگانه احادیثی از پیشوایان دینی موجود است. چنان که درباره خصوصیات ظاهری و اخلاقی آن بزرگوار، ویژگی‌های دوران غیبت او و فضیلت و پاداش منتظران ظهورش، مجموعه ارزشمندی از روایات در دسترس است. جالب اینکه بسیاری از این روایات هم در کتاب‌های شیعه و هم در آثار اهل سنّت نقل شده است. برخی از این احادیث نیز «متواتر»[1] است. مناسب است در اینجا از برخی پیشوایان بزرگ، روایاتی نقل شود:

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

«خوشا به حال آن که مهدی را ببیند و خوشا به حال آن که او را دوست بدارد و خوشا به حال کسی که امامت او را باور داشته باشد.[2]»

امام علی علیه‌السلام فرمود:

«منتظر فرج [آل محمد علیهم‌السلام] باشید و از رحمت خدا ناامید نگردید؛ به راستی که محبوبترین کارها نزد خداوند بزرگ، انتظار فرج است.»[3]

در لوح فاطمه زهرا علیهاالسلام [4] آمده است:

«... سپس به خاطر رحمت بر جهانیان، سلسله اوصیاء را به وجود فرزند امام حسن‌عسکری علیه‌السلام، تکمیل خواهم کرد؛ کسی که کمال موسی و شکوه عیسی و صبر ایوب را داراست...».[5]

امام حسن مجتبی علیه‌السلام نیز در ضمن روایتی، پس از بیان برخی از مشکلات زمان بعد از رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

«خداوند در آخر الزمان مردی را برمی‌انگیزد... و او را به وسیله فرشتگان خود پشتیبانی می‌کند و یارانش را حفظ می‌کند... و او را بر

پیشنهادهای اجرایی هفته

▪ برگزاری مراسم دعای توسل (سه شنبه) ▪ تشکیل جلسات ویژه اخلاق کسب و کار و نحوه مواجهه با ارباب رجوع (در ادارات و امکان عمومی شهر) ▪ برنامه ریزی برای تشویق و جریان سازی وتبلیغات عمومی برای تعطیلی مغازه ها برای حضور در نماز جماعت ▪ جمع آوری کمک های مردمی جهت خرید کتاب و اهدای آن به جوانان در هفته اهدای کتاب ▪ برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید ▪ برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه) ▪ برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه)

تمامی ساکنان زمین چیره می‌سازد... او زمین را از عدالت و روشنایی و دلیل آشکار پر می‌سازد... خوشا به حال آن که روزگار او را ببیند و سخن او را بشنود.»[۶]

امام حسین علیه‌السلام نیز فرموده‌اند:

«... خداوند به وسیله او، زمین را زنده می‌کند پس از آن که مرده باشد و به وسیله او آئین حق را بر تمامی دین‌ها پیروز گرداند؛ هر چند مشرکان را خوش نیاید. برای او غیبتی است که گروهی در آن از دین باز می‌گردند و گروهی دیگر بر دین استوار می‌مانند... همانا آن که در غیبت او بر اذیت‌ها و تکذیب‌ها شکیبایی کند؛ مانند کسی است که پیش روی رسول خدا، با شمشیر جهاد کرده باشد.»[۷]

پی‌نوشت

۱. متواتر به روایاتی گفته می‌شود که تعداد راویان آن به حدّی زیاد است که توافق آنها بر دروغ، ممکن نیست. و این چنین روایات، در درجه بالای اعتبار است. ■ ۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۹. ■ ۳. همان، ص ۱۲۳. ■ ۴. در روایت مذکور آمده که جابر انصاری می‌گوید: در زمان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله برای تهنیت ولادت امام حسین علیه‌السلام نزد حضرت فاطمه علیهاالسلام رفتم. در دست ایشان لوح (صفحه) سبز رنگی دیدم و در آن نوشته‌ای نورانی مانند آفتاب دیدم. گفتم، این لوح چیست؟ فرمود: «این لوح را خداوند به رسولش هدیه کرده و در آن اسم پدر و شوهر و دو فرزندم و نامهای جانشینان فرزندانم ثبت شده. رسول خدا آن را به من عطا فرموده تا بدان مسرور گردم». ■ ۵. کمال الدین، ج ۱، باب ۲۸، ح ۱، ص ۵۶۹. ■ ۶. احتجاج، ج ۲، ص ۷۰. ■ ۷. کمال الدین، ج ۱، باب ۳۰، ح ۳، ص ۵۸۴.

شنبه ۱۲ دی

اذان صبح: ۵:۴۴
طلوع آفتاب: ۷:۱۴
اذان ظهر: ۱۲:۰۸
اذان مغرب: ۱۷:۲۲

۲۱ ربیع‌الاول ۱۴۳۷
2 Jan 2016

درس تعطیل است!!

درس رسائلی در حجره آقا در مدرسه فیضیه برقرار بود. چندی گذشت. تعداد شاگردان بیش از وسعت حجره شد و طلاب در فشار بودند. بنابراین، به مدرس و سالن زیر کتابخانه‌فیضیه‌رفتیم.

با این حال، روز به روز بر تعداد طلاب افزوده می‌شد و در آن محل نیز با کمبود جا مواجه شدیم.یک روز هنگامی که استاد قصد ورود به مجلس درس داشتند، تعدادی از افراد به خاطر کمی جا بیرون ایستاده بودند، ناگهان دیدیم که آیت الله بهاء الدینی قبل از آن که وارد مجلس درس شوند و بدون این که با کسی صحبتی کنند، برگشتند!! و فردا اعلام شد که درس تعطیل است!!

تعطیلی ناگهانی درسی با آن برکت و محفلی با آن جمعیت حیرت و تعجب بسیاری را برانگیخت. چند نفر از افرادی که سابقه شاگردی بیشتری در خدمت استاد داشتند، به محضر ایشان رفتند و علت را جویا شدند و از این که چرا در آن روز، بدون مقدمه برگشتند و تعطیلی درس را اعلام کردند، پرسیدند. استاد فرمود:

درسی که برای نفس باشد، نبودش بهتر از بودنش است. بدبخت کسی است که با دیدن چند شاگرد برای خود شخصیتی قائل شود. درسی که برای خدا نباشد چه فایده ای دارد؟ (به نقل از کتاب آیت بصیرت)

ورود حضرت معصومه سلام الله علیها به قم (۲۰۱ هق)

یکشنبه ۱۳ دی

اذان صبح: ۵:۴۵
طلوع آفتاب: ۷:۱۴
اذان ظهر: ۱۲:۰۹
اذان مغرب: ۱۷:۲۳

۲۲ ربیع‌الاول ۱۴۳۷
3 Jan 2016

خیر کثیر شهر قم

آمدی و بهشت را با خود به دل این کویر آوردی
کوثرانه قدم زدی در شهر خیرهای کثیر آوردی

شهر قم قبل از ورود حضرت معصومه علیهاالسلام از آبادانی ظاهری بی بهره بود و اهالی شیعی مذهب آن در اثر بی‌توجهی حاکمان مورد آزار و اذیت بودند. بعد از دفن حضرت معصومه علیهاالسلام ، عدّه بسیاری از فرزندزادگان ائمه علیهم‌السلام از اطراف به قم روی آورده‌اند. هم چنین هجرت دانشمندانی نظیر ملاصدرا و فیض کاشانی، فضای علمی این شهر را دگرگون نمودتا اینکه در سال ۱۳۱۵ شمسی مرحوم شیخ عبدالکریم حائری، پرچمدار علم و فضیلت از اراك به قم آمده و روحی تازه به کالبد این کانون فقاهت و معنویت دمید. تا اینکه به برکت حضرت معصومه علیهاالسلام ، سرزمین قم آغازگر انقلاب می شود:

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ علیه‌السلام قَالَ : رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قُمَ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَزُبَرِ الْحَدِيدِ لَا تُزِلُّهُمُ الرِّيَاحُ الْعَوَاصِفُ وَ لَا يَمَلُّونَ مِنَ الْحَرْبِ وَ لَا يَجْبُنُونَ وَ عَلَى اللَّهِ يَتَوَكَّلُونَ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ.

مردی از قم، مردم را به سوی خدا دعوت می کند. افرادی گرد او جمع می‌شوند که قلب‌هایشان هم چون پاره‌های آهن ستبر است، بادهای تند حوادث آنان را نمی‌لغزاند، از جنگ خسته نمی‌شوند و نمی‌ترسند، اعتماد آن ها بر خداست و سرانجام کار از آن پرهیزکاران است. (بحارالانوار، ج ۵۷)

دوشنبه ۱۴ دی

اذان صبح: ٥:٤٥
طلوع آفتاب: ٧:١٤
اذان ظهر: ١٢:٠٩
اذان مغرب: ١٧:٢٤

۲۳ ربیع‌الاول ١٤٣٧
4 Jan 2016

ابلاغ پیام تاریخی حضرت امام خمینی رحمة الله علیه به گورباچوف رهبر شوروی سابق (١٣٦٧ش)
رحلت آیت الله آقا مجتبی تهرانی(١٣٩١ش)

انتظار مردم از روحانیت

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): چیزی را که ما به مردم می‌گوییم، بایستی خود عمل کرده باشیم. این، انتظار مردم است. حالا آن چیزهایی را که در واقع تکالیف الهی است و انتظارات اصل دین از ماست، بیان نمی‌کنم. انتظار مردم این است. ما فقط به مردم نمی‌گوییم که نماز بخوانید و روزه بگیرید؛ ما به مردم می‌گوییم که تقوا و ورع و زهد داشته باشید، دل‌بستگی به مال دنیا و مقام نداشته باشید، هدفتان در همه امور خدا باشد. ما این را به مردم می‌گوییم. پیام دین که به وسیله شما و همه روحانیون به مردم داده می‌شود، اینهاست دیگر. بنابراین، خود ما بایستی عامل‌ترین باشیم. (١٣٦٨/١٠/٢٦)
روحانیت می‌تواند نقش ایفا کند؛ هم خودسازی درونی ـ خودسازی علمی و عملی ـ هم تشویق جوانان و آحاد مردم به حضور در همین میدان‌ها، و هم بالاتر از همه تقویت ایمان مردم؛ که این مهم‌ترین کاری است که ما معممین و روحانیون می‌توانیم انجام دهیم. تقویت ایمان هم بیش از زبان، عمل لازم دارد؛ البته زبان و شیوه‌های تبلیغ و روش‌های نو و محتوای عالی هم لازم دارد. (١٣٨٤/٠٢/١١)
برخلاف سایر مردم که عمل صالحشان یک صلاح دارد، کار خوب من و شما علاوه بر این‌که کار خوبی است که خود ما انجام داده‌ایم، موجب این می‌شود که دیگران هم که به ما نگاه می‌کنند، کارِ خوب بکنند؛ لذا خدای متعال به عالم با عمل، دو اجر خواهد داد: یک اجر به خاطر عمل او و برای خودش، یک اجر به خاطر این‌که عمل او سرمشق دیگران می‌شود. (١٣٧٩/٠٥/٠۴)

سه‌شنبه ۱۵ دی

روز شهدای دانشجو
(یادواره حماسه دانشجویان
شهید هویزه)

اذان صبـــح:	۵:۴۵
طلوع آفتاب:	۷:۱۵
اذان ظهـــر:	۱۲:۰۹
اذان مغـرب:	۱۷:۲۵

۲۴ ربیع‌الاول ۱۴۳۷

5 Jan 2016

اول باز کنید بعد هدیه بدهید!

مرحوم حاج شیخ (آیت الله شیخ غلامرضا فقیه خراسانی یزدی) در طول اقامت خود در یزد رسیدگی به اوضاع محرومان و اهل علم را سرلوحه کار خود قرار داده بودند. آقای سید احمد دعایی در این باره می گوید: «ایشان یک منزل معمولی داشتند که محل مراجعات مردم بود. یک جوی آب هم در آن روان بود. این منزل را علی الظاهر، آقای حاج شیخ سه مرتبه فروختند و وجه آن را به مصرف فقرا و طلاب و امور دینی رساندند و مردم دوباره خریدند و به ایشان باز برگرداندند تا اینکه آخرین بار، مردم آن را به اسم فرزند ایشان نمودند تا حاج شیخ نتوانند آن را بفروشند. در گره گشایی از کار مردم خسته نمی شدند. اگر با خبر می شدند که کسی مریض است؛ به خصوص اهل علم، به عیادتش می رفتند و یا کسی را برای عیادت و احوال پرسی می فرستادند و اگر لازم بود کمک مالی می کردند. در وجوهی که به ایشان می رسید، خودشان تصرف نمی کردند؛ حتی پاکتهایی را که برای منبر به ایشان می دادند، خیلی وقتها از جلسه خارج می شدند، به دیگران می دادند. فردی که ایشان پاکت وی را به دیگری داده بودند، گفته بود: «آقا اوّل باز کنید و ببینید چقدر است، بعد هدیه بدهید»؛ اما ایشان گفته بودند: «خدا می داند تو به من چقدر دادی دیگر کارت نباشد.» او حتی در زمان جنگ جهانی دوم به اقلیت‌های دینی ساکن یزد که دچار قحطی شده بودند کمک و مساعدت کردند. به همین سبب، آنان در مرگ وی به شدت متأثر بودند. (نامه جامعه، ص ۲۳)

چهارشنبه ۱۶ دی

اذان صبح: ۵:۴۵
طلوع آفتاب: ۷:۱۵
اذان ظهر: ۱۲:۱۰
اذان مغرب: ۱۷:۲۵

۲۵ ربیع‌الاول ۱۴۳۷
6 Jan 2016

صلح امام حسن مجتبی علیه السلام(۴۱ هـ ق)
اجرای طرح استعماری حذف حجاب به دست رضا خان (۱۳۱۴هـش)
خروج قمر از عقرب ۱۰:۴۹

طلبه و روحانی ما باید سیاست را بشناسند

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): مسـئله، مسـئله نظام اسلامی و دیدگاه تمام مسلمانان دنیاست که امروز به جمهوری اسلامی نگاه می‌کنند و از جهت اسلام و معارف اسلامی، جمهوری اسلامی و حوزه است که باید پاسخ‌گو باشند. اگر خدای ناکرده، حوزه ضربه‌ای بخورد و اشکالی پیدا کند؛ جایی از نظر فهم مسایل جاری، کج بفهمد و یا موضعی را درست تشخیص ندهد و نیازی را در جای خود درک نکند، یا بد بفهمد؛ دشمنی و دوستی را نشناسد و براساس آن تصمیم‌گیری بشود، ضربه‌هایی که پیش خواهد آمد، ضربه‌های جبران‌ناپذیری خواهد بود.

فهم سیاسی و هدایت سیاسی حوزه، بایستی بسیار سطح بالا باشد. امروز طلاب و فضلای حوزه علمیه، در سرتاسر کشور منتشر می‌شوند. این طور نیست که مردم از آنها بخواهند، برایشان فقط مسئله و رساله توضیح بدهند ـ اگرچه آن را هم می‌خواهند، آن هم نیاز مردم است ـ بلکه امروز راجع به مسایل منطقه و سیاست‌های گوناگون جهانی و مسایل داخلی هم از روحانی سؤال می‌کنند. اگر سؤال هم نکنند، او باید متصدی پاسخ‌گویی بشود. (۱۳۶۹/۱۱/۰۴)

دید سیاسی و بینش سیاسی لازم دارید... طلبه و روحانی ما باید سیاست را بشناسد. آن هم با نگاه کلان ببینید. هر روحانی دل‌سوز و به‌خصوص جوانی، هندسه سیاسی و آرایش نیروهای سیاسی دنیا را درست بشناسد، ببینید امروز کی در مقابل کیست. آنگاه راه را پیدا می‌کند و می‌فهمد باید چه کار کند. (۱۳۸۲/۹/۲۵)

پنج‌شنبه ۱۷ دی

اذان صبح: ۵:۴۵
طلوع آفتاب: ۷:۱۵
اذان ظهر: ۱۲:۱۰
اذان مغرب: ۱۷:۲۶

۲۶ ربیع‌الاول ۱۴۳۷
7 Jan 2016

شیوه رسول الله صلی الله علیه و آله

آقای بهاءالدینی خیلی دست‌باز بود در اینکه همه را بپذیرد و رفت و آمد کند. هیچ تکلفی، هیچ نوع تقیدی جز قید شرعی در وجود آقای بهاءالدینی مطلقاً نبود.
وقتی ایشان آمد منزل ما، خب به اعتبار ایشان عده دیگری هم آمده بودند. عیال ما هم با یک عشقی، آستین بالا زده بود و غذاهای خوبی درست کرد. برای آقا سوپ به همراه آن غذاها درست کرده بود. اما ایشان هیچ دست به غذاها نبرد، ولی سوپ را خورد. آب هویج آوردیم، آب هویج را هم خورد، ولی نه گله کرد که چرا این جور غذایی را درست کردید، نه خودش این جور بود که حالا که اینها زحمت کشیده‌اند باید بخوریم. هیچ! هیچ! راحتِ راحت! انگار مثلاً خانه خودش است و هیچ تکلفی نداشت.
بعد هم صبح که شد، گفت: «من می‌خواهم بروم کنار باغچه بنشینم». فرش انداختیم و آنجا نشست. حالا اینکه مهمان است و چیز خاصی باشد، اصلاً مطرح نبود.
محضرشان هم که می‌رفتیم، این جور نبود که حالا کسی آمده و چیز جدیدی باید باشد. همان حالات عادی خودشان را داشت. بی‌تکلفی آقای بهاءالدینی بارز بود و علاوه بر آن، از بازی و بازیگر خیلی بدش می‌آمد.
آقا به قدری راحت برخورد می‌کرد که طرف احساس می‌کرد آقا خیلی دوستش دارد. معمولاً این شیوه ایشان، شیوه حضرت رسول صلی الله علیه و آله بود.
(به نقل از حجت الاسلام صدیقی، سایت تبیان)

جمعه ۱۸ دی

اذان صبح: ۵:۴۵
طلوع آفتاب: ۷:۱۵
اذان ظهر: ۱۲:۱۱
اذان مغرب: ۱۷:۲۷

۲۷ ربیع‌الاول ۱۴۳۷

8 Jan 2016

بروید نه، برویم

امام خامنه‌ای (مدظله العالی) : فرق رهبر و آدرس دهنده این است که آدرس دهنده، می‌گوید برای رسیدن به فلان جا، از این راه بروید، چند کیلومتر را طی کنید، بعد بپیچید، تا به فلان مقصد برسید. این آدرس دادن و راهنمایی کردن از دور است. رهبر، آن کسی است که وقتی می‌گوید چشمه و مرکز مقصود کجاست، دست طرف را می‌گیرد، می‌گوید برویم. این، رهبر است. رهبر ما هم که رهبر شد، این طوری شد... امام، منتظر کسی نماند و رفت. خاصیت این «برویم»، آن است که مردم دنبال آدم بیفتند... امروز، رهبری روحانیت به این است که به مردم بگوید «برویم»؛ نگوید «بروید». (آخوندباید روحانی باشد، ص۲۱)

روحانی باید اسلام را بیان کند، اسلام را تبلیغ کند، به مردم خدمت کند، در متن جامعه بماند، موعظه کند، با انحرافات مبارزه کند؛ ولی مطلب به اینجا تمام نمی‌شود، روحانی باید پیشتاز و پیشگام در مبارزات سیاسی گسترده، و نیرومند، ... باشد تا یک روحانی تمام عیار باشد. علی‌وار، حسین‌گونه، پیامبروار باشد. مگر نه این که روحانی می‌گوید من جانشین پیامبرم؟ مگر نه این که می‌گوید من نایب امام زمان عليه‌السلام هستم؟ پس چگونه می‌تواند خود را از مسئولیت‌های سنگین سیاسی و مبارزاتی برکنار بداند؟ روحانی باید مرد سیاست و مبارزه نیز باشد. آن شخصیت والایی که توانست این نقطه عطف تاریخی را برای تکامل نقش روحانیت در جامعه ایفا کند، امام بود. (ولایت، رهبری، روحانیت ص۳۰۲)

﴿وَ ما مُحَمَّدٌ إِلاَّ رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَ فَإِنْ ماتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلى أَعْقابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلى عَقِبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللّهَ شَيْئاً وَ سَيَجْزِي اللّهُ الشّاكِرِينَ﴾[1]؛

محمد ﷺ فقط فرستاده خداست و پیش از او، فرستادگان دیگری نیز بودند؛ آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود، شما به عقب برمی‌گردید؟ (و اسلام را رها کرده به دوران جاهلیّت و کفر بازگشت خواهید نمود؟) و هر کس به عقب باز گردد، هرگز به خدا ضرری نمی‌زند و خداوند به زودی شاکران (و استقامت‌کنندگان) را پاداش خواهد داد.

شأن نزول

عطیه عوفی گوید در روز احد که مسلمین می‌گریختند، بعضی گفتند محمد کشته شد، تسلیم مشرکان شوید که آنان برادران شمایند. بعضی دیگر گفتند اگر هم محمد ﷺ شهید شده باشد، آیا ما نیز نباید راه پیغمبرمان را برویم و کشته شویم؟ و اینگونه آیات ۱۴۴ - ۱۴۸ سوره آل عمران نازل شد.[2]

نکات تفسیری

۱ ـ اینکه در آیه اشاره شده است که اگر رسول خدا ﷺ از دنیا برود، از دین خدا بر می‌گردند، به این دلیل است که ایشان غیر از حفظ منافع دنیایی خود هیچ همی ندارند، اگر بدین خدا هم می‌گروند، برای تأمین همین منافع است. در نتیجه مادام که از پستان دین می‌دوشند، دین دارند و از آن دم می‌زنند، همین که منافعی برایشان نداشت و بلکه به منافع دنیایی‌شان لطمه زد، از آن برمی‌گردند.

آنها که در جنگ احد با شنیدن شایعه قتل رسول خدا ﷺ برگشتند، (از دین برگشتند نه از جنگ). علاوه بر اینکه نظیر آن فراری که در احد از این طایفه سر زد، در غیر احد نیز از قبیل جنگ حنین و خیبر و غیر آن دو اتفاق افتاد. با این همه خدای تعالی در آن دو جریان، چنین خطابی به آنها نکرد و از فرار و پشت کردنشان به جنگ، چنین تعبیری نکرد و نفرمود: «انْقَلَبْتُمْ عَلى أَعْقابِكُمْ»، بلکه تنها فرمود (و در روز حنین وقتی از کثرت جمعیت خود مغرور شدید، همین باعث شد که کاری از پیش نبرید و زمین با همه فراخ و وسعتش بر شما تنگ شود و در آخر فرار کنید)[3] پس حق این است که مراد از «انقلاب علی الاعقاب»، برگشتن به کفر سابق است، نه فرار از جنگ.

در نتیجه حاصل معنای آیه، با در نظر گرفتن سیاق عتاب و توبیخ در آن این است که محمد ﷺ، سمتی جز رسالت از ناحیه خداوند ندارد (مانند سایر رسولان که وظیفه‌شان تنها رساندن رسالت پروردگارشان است). نه مالک امر خودش و نه امور عالم است. امر عالم تنها و تنها به دست خدا است، دین هم دین خدا است و با بقای خدا، باقی است، پس این چه معنا دارد که شما مسلمانان، ایمان خود را وابسته به زنده بودن آن حضرت بدانید، به طوری که اگر رسول اکرم ﷺ به مرگ و یا به قتل از دنیا برود، قیام به دین خدا را رها کنید و به قهقرا و عقب برگردید و هدایت خود را از دست داده و دچار گمراهی و غوایت شوید.

این سیاق قوی‌ترین شاهد است بر اینکه سپاه اسلام در روز احد، بعد از شروع جنگ، ظنّ قوی پیدا کردند به اینکه رسول خدا ﷺ کشته شده، به همین جهت متفرق شده و پشت به قتال کردند، بنابراین روایت و تاریخ ذیل (به طوری که ابن هشام آن را در سیره خود آورده) تأیید می‌شود.[4]

سخن کوتاه اینکه معنای عبارت «السلال» و عبارت «القاء بایدی» همین است، که عدّه‌ای ایمانشان قائم به وجود رسول خدا بود، یعنی با بقای ایشان باور ایشان، باقی و با مرگ آن حضرت، از بین می‌رفت و معنای آن، جز این نمی‌تواند باشد که ایمان آورده بودند تا ثواب دنیا و خیر آن را به دست آورند. همین نقیصه است که خدای تعالی در آیه مورد بحث، به خاطر آن عتاب و ملامتشان کرده است، مؤید این معنا جمله آخر آیه است که می‌فرماید: «وَ سَيَجْزِي اللّهُ الشّاكِرِينَ» چون خدای سبحان همین جمله را در آیه بعد، که درباب جویندگان ثواب آخرت است، تکرار کرده است، از این روشن می-

شود که در جنگ احد بعضی از صحابه بوده‌اند که ایمانشان چنین ایمانی مستعار نبوده، بلکه ایمان جدّی و واقعی بوده است.[5]

۳ـ عبدالله بن قمئه (قمیئه)، مصعب‌بن عمیر را که از پیامبر ﷺ دفاع می‌کرد، به شهادت رساند و چنین پنداشت که حضرت را به شهادت رسانده است و با صدای بلند گفت: محمّد را کشتم[6] و بنابر نقلی، ابلیس از بالای کوه احُد با صدای بلند گفت: محمّد کشته شد.[7] انتشار قتل پیامبر ﷺ به همان اندازه که به بت‌پرستان روحیّه داد، در مسلمانان نیز تزلزل ایجاد کرد و سبب شد که از میدان جنگ بگریزند و علّت سستی و فرار خود را، شایعه قتل رسول‌خدا بیان کنند و حتّی بعضی از آنان به فکر بازگشت به دین پیشین خود و گرفتن امان‌نامه از ابوسفیان افتاده بودند.

انس بن نضر، آنان را که از جنگ دست کشیده بودند، خطاب کرد که اگر محمّد کشته شده، خدای محمد که کشته نشده است. برای هدفی که او جنگید، بجنگید و خود جنگید تا به شهادت رسید.[8] آشفتگی در سپاه اسلام به گونه‌ای بود که محمدبن مَسلَمه می‌گوید: با چشم خود دیدم و با گوشم شنیدم که رسول خدا فلان شخص و فلان شخص را که از کوه بالا می‌رفتند، صدا می‌زد که من محمد هستم؛ امّا آن‌ها به او توجّه نکردند.[9]

پیامبر ﷺ که خود در این پیکار به شدیدترین وجه با دشمن می‌جنگید،[10] در حالی که مجروح بود و صورت مبارکش خون‌آلود بود، می‌فرمود: چگونه رستگار شوند مردمی که صورت پیامبرشان را به خون آغشتند؛ در حالی که او آن‌ها را به خدا دعوت می‌کند.[11] آیه ۱۲۸ آل‌عمران به پیامبر ﷺ دلداری می‌دهد که تو مسئول هدایت آن‌ها نیستی؛ بلکه فقط به تبلیغ آن‌ها موظّف هستی: «لَیسَ لَکَ مِنَ الامرِ شَیءٌ او یَتوبَ عَلَیهِم ...».

بر حسب بعضی نقل‌ها، در روز احُد، همه مسلمانان به جز تعداد اندکی میدان جنگ را رها کردند[12] که در نام همه آن‌ها، جز علی ؑ اختلاف است. به نوشته ابن‌اثیر، علی بن‌ابی‌طالب پس از کشتن پرچمداران قریش، چندین بار به فرمان رسول‌خدا ﷺ به صف مشرکان حمله کرد و شماری از آنان را کشته، بقیه را پراکنده کرد.[13] فداکاری حضرت نقش بسزایی در حفظ جان پیامبر ﷺ داشت، تا آن‌جا که در این جنگ، ۷۰ زخم بر پیکرش وارد شد.[14] وی در پایان جنگ، از شمشیر خمیده و خون‌آلودش به نیکی یاد می‌کند[15] و بر حسب بعضی نقل‌ها هنگام جنگ، شمشیرش شکست و پیامبر ﷺ شمشیر خویش، ذوالفقار را به علی ؑ داد[16] و هر کس از مشرکان که به پیامبر ﷺ حمله می‌کرد، به وسیله علی ؑ دفع می‌شد. به فرموده امام صادق ؑ پیامبر ﷺ جبرئیل را بین آسمان و زمین مشاهده کرد که می‌گفت: «لاسیف الّا ذوالفقار و لا فتی الّا علیّ»؛ پس امین وحی نازل شد و گفت: ای رسول خدا! این نهایت فداکاری است. پیامبر ﷺ فرمود: علی از من است و من از علی هستم و جبرئیل افزود: من از هر دوی شما هستم.[17]

نتیجه

درسی که این آیه درباره مبارزه با فرد پرستی می‌دهد، درسی است برای همه مسلمانان در همه قرون و اعصار، آنها باید از قرآن بیاموزند که هدف، هرگز نباید قائم به شخص یا اشخاص باشد؛ بلکه باید بر محور یک سلسله اصول و تشکیلات ابدی دور بزند که با تغییر افراد یا فوت آنان، حتّی اگر پیامبر بزرگ خدا هم باشد، آن کار تعطیل نگردد. اصولاً رمز بقای یک مذهب و یا یک تشکیلات همین است. بنا بر این برنامه‌ها و تشکیلاتی که قائم به شخص هستند، تشکیلاتی ناسالم و غیر طبیعی محسوب می‌شوند که به زودی متلاشی خواهند شد. اما متأسفانه و روی هم رفته غالب تشکیلات جوامع اسلامی، هنوز قائم به اشخاص است و به همین دلیل بسیار زود از هم می‌پاشد، مسلمانان باید با الهام از آیه فوق، مؤسسات گوناگون خود را آن چنان پی‌ریزی کنند که از اشخاص کاملاً لایق بهره‌گیری شود، اما در عین حال وابسته به شخص آنها نباشد.[18]

پی‌نوشت

۱.سوره آل عمران، آیه ۱۴۴. ■ ۲.ترجمه اسباب النزول، ص، ۶۹. ■ ۳.سوره توبه آیه، ۲۵. ■ ۴.سیره ابن هشام، ج ۳، ص، ۳۰. ■ ۵.ترجمه تفسیر المیزان، ج۴، ص، ۵۷. ■ ۶.السیرة النبویة، ابن اسحاق، ص ۳۲۹؛ الروض الانف، ج ۵، ص ۴۳۵؛ السیرة النبویة، ابن هشام، ج ۳، ص ۹۴. ■ ۷.الطبقات، ج ۲، ص ۳۲؛ دلائل النبوه، ج ۳، ص ۳۱۰؛ روض الجنان، ج ۵، ص ۹۲. ■ ۸.تاریخ طبری، ج ۲، ص ۶۶؛ الکامل، ج ۲، ص، ۱۵۶. ■ ۹.المغازی، ج ۱، ص، ۲۳۷. ■ ۱۰.انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۹۴؛ الکامل، ج ۲، ص، ۱۵۷. ■ ۱۱.السیرة النبویة، ابن کثیر، ج ۲، ص ۳۴۲؛ الکامل، ج ۲، ص، ۱۵۵. ■ ۱۲.المغازی، ج ۱، ص، ۲۴۰. ■ ۱۳.الکامل، ج ۲، ص، ۱۵۴. ■ ۱۴.مجمع البیان، ج ۲، ص، ۸۲۶. ■ ۱۵.دلائل النبوه، ج ۳، ص ۲۸۳؛ البدایة و النهایه، ج ۴، ص، ۳۸. ■ ۱۶.تفسیر قمی، ج ۱، ص۱۴۳. ■ ۱۷.مجمع‌البیان،، ج ۲، ص ۸۲۶؛ الکامل، ج ۲، ص، ۱۵۴. ■ ۱۸.تفسیر نمونه، ج۳، ص، ۱۱۷.

موعود در ادیان

عقیده به ظهور «نجات دهنده» و امید به «آینده‌ای روشن»، اعتقادی عمومی است که همواره بین تمامی ادیان وجود دارد. با وجود این، به جهت ایجاز و اختصار در بحث، تنها به دو کتاب تورات و انجیل بسنده کرده و علاقه‌مندان را به مطالعه کتاب‌های مربوط به موضوع توصیه می‌نماییم.

۱. اندیشه موعود در آیین یهود

یهودیان ـ که خود را پیروان حضرت موسی علیه‌السلام می‌دانند ـ معتقد به ظهور موعود بوده و در آثار و اسفار تورات و دیگر کتاب‌های انبیای ایشان، همواره به این مسئله اشاره شده است.

کتاب دانیال نبی

«در آن وقت سرور بزرگ میکائیلی ـ که از جانب پسران قومت قائم است ـ خواهد ایستاد و زمان تنگنایی که از بودن طوایف تا به این زمان نبوده است، واقع خواهد شد و در آن زمان قوم تو ـ هر کسی که در کتاب مکتوب شده است ـ نجات خواهد یافت و از خوابندگان در خاک زمین بسیاری بیدار خواهند شد. بعضی جهت حیات ابدی و بعضی از برای شرمساری و حقارت ابدی ...».[۱]

کتاب اِشَعْیای نبی

«و نهالی از تنه یشی بر آمده، شاخه از ریشه‌هایش قد خواهد کشید و روح خدا بر آن خواهد آرمید و او را در خشیت خداوند تیز هوش گردانیده، موافق منظور نظرش حکم و مطابق مسموع گوش‌هایش تنبیه نخواهد فرمود؛ بلکه ذلیلان را به عدالت حکم و برای مسکینان زمین به راستی تنبیه خواهد نمود و زمین را به عصای دهانش زده به روح لب‌هایش، شریر را خواهد کشت...».[۲]

۲. اندیشه موعود در آیین مسیحیت

دین مسیحیت ـ به ویژه از دیدگاه مسائل معرفتی و شناختی ـ ادامه دین یهود

پیشنهادهای اجرایی هفته

◆ تشکیل کارگاه های آموزشی فلسفه خمس و وجوهات شرعی ◆ تشکیل جلسات خصوصی برای تعیین خمس و وجوعات شرعی و یا معرفی تلفن، سایت و آدرس دفاتر مراجع عظام تقلید به اهالی مسجد ◆ مراسم توسل به اهل بیت و جمع آوری صدقه به مناسبت اول ماه قمری ◆ برگزاری مراسم زیارت آل یاسین (سه شنبه) ◆ برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید ◆ برگزاری جشن ولادت حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام ◆ زیارت دسته جمعی خانوادگی حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام ◆ برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه) ◆ برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه) ◆ برگزاری مراسم غبارروبی ماهانه مسجد (جمعه)

است. منبع اصلی دینی و فرهنگی آن، در کنار عهد جدید، عهد عتیق، کتاب مقدس یهودیان است. بنابراین آنچه درباره دین یهود گفته می‌شود، تقریباً درباره دین مسیحیت نیز صدق می‌کند. در اینجا، به چند کتاب که در آنها بشارت هایی درباره ظهور منجی آمده است، اشاراتی می‌شود:

انجیل متّی

«و چون فرزند انسان در جلال خود خواهد آمد؛ با جمیع ملائکه مقدسه بر کرسی بزرگی خود قرار خواهد گرفت. همه قبایل نزد وی جمع خواهند شد و آنها را از همدیگر جدا خواهد کرد؛ چنان که شبانی میش‌ها را از بزها جدا کند...».[۳]

انجیل مَرقس

«و بر حقیقت آن روز و آن ساعت ـ سوای پدر ـ نه ملائکه آسمان و نه فرزند، هیچ کس مطلع نیست. احتیاط نمایید که بر حذر باشید و دعا نمایید؛ زیرا از هنگام رسیدن آن زمان مطلع نیستید؛ چنانچه شخصی به سفر بعیدی رفته و خانه خود را گذاشته و ملازمان خود را قدرت داده و هر کس را به شغل خاص مقرر فرموده و دربان را به بیدار بودن امر فرموده است. پس بیدار باشید از آنجا که نمی‌دانید بزرگ خانه چه وقت خواهد آمد. در شام یا نصف شب یا وقت بانگ خروس یا صبح؛ مبادا که ناگاه آمده، شما را در خواب یابد و آنچه من به شما می‌گویم، به همه می‌گویم بیدار باشید».[۴]

پی‌نوشت

۱. کتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی، کتاب دانیال، ص ۱۵۶۷، فصل دوازدهم، بندهای ۱ـ۳. ■ ۲. همان، کتاب اشعیاء نبی، ص۱۲۲۰، فصل یازده، بند ۱ـ۱۰. ■ ۳. کتاب مقدس، انجیل متی، باب بیست و پنجم، ص ۶۰، بند های ۳۱ـ۳۳. ■ ۴. همان، انجیل مرقس، باب سیزدهم، بندهای ۳۲ ـ ۳۷.

قیام خونین مردم قم
(۱۳۵۶ هش)
آغاز هفته اهدای کتاب

شنبه ۱۹ دی

اذان صبح: ۵:۴۶
طلوع آفتاب: ۷:۱۵
اذان ظهر: ۱۲:۱۱
اذان مغرب: ۱۷:۲۸

۲۸ ربیع‌الاول ۱۴۳۷
9 Jan 2016

اُفوّض اَمری الی الله...

آیت الله بهاء الدینی هیچگاه مقید به سجاده‌ای و مهر و تسبیحی نبود. آقا نماز خواندنش عادی بود و تظاهری به خضوع و خشوع در او ندیدم. او در عین سادگی وقتی قنوت را بلند می‌خواند جمله و آیه ای را که زیاد می‌خواند «افوض امری الی الله انّ الله بصیر بالعباد» بود. با تمام وجود این آیه را می‌خواند. کمتر دیدم که بعد از نماز بنشیند و سرگرم اوراد و اذکاری شود. چه بسیار که السلام علیکم را می‌گفت، برمی‌خاست و گاهی بعد از دو رکعت نماز وتیره بعد از عشا می‌نشست. حقیر با ایشان مکرر همسفر بوده‌ام. او باخدا بودن را که زیاد به آن سفارش می‌کرد با ذکر و ورد و حرکت دائم لب و سجده و رکوع طولانی بودن نمی‌دانست، او همان حقایق و واقعیاتی را می‌گفت و قائل و عامل بود که پیشوایان دینی بر آن تأکید بیشتر و فراوان داشتند وآن اینکه یاد خدا سبحان الله گفتن و الحمدالله گفتن نیست، بلکه یاد خدا این است که واجبات را انجام دهیم و اگر به محرمات الهی رسیدیم از آنها دوری کنیم. اگر حرکت لب و دهان با این عمل همراه بود آن الحمدالله و سبحان الله و ... جنبه ذکری دارد وگرنه، لقلقه زبان است. پیر ما در این سیر و سلوک بود که ائمه دین فرموده اند: «کونوا دعاة الناس بغیر ألسنتکم».(سایت تبیان)

یکشنبه ۲۰ دی

شهادت میرزا تقی خان امیرکبیر (۱۲۳۰ هش)

اذان صبح: ٥:٤٦
طلوع آفتاب: ۷:۱٥
اذان ظهر: ۱۲:۱۲
اذان مغرب: ۱۷:۲۹

۲۹ ربیع‌الاول ١٤٣٧
10 Jan 2016

محال بود یک روز مسجد نرود ...

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): پدر من چهل، پنجاه سال - تا وقتی که از کار افتاد - پیشنماز بود، مگر ممکن بود ایشان یك روز به مسجد نرود. ما در دوره بچگی و نوجوانی و آن وقت هایی که پدرمان برای نماز می رفت، اصلاً برایمان معهود نبود که ممکن است نرود؛ یعنی اصلا چنین چیزی مثل محالات بود، مثل این بود که یك روز آفتاب در نیاید. مگر پیشنمازی این جور می شود؟ حالا برف است، حالا جلسه است، حالا مهمانی است. خوب، همه چیز به جای خود محفوظ، وقتی که وقت نماز می شد، وقت مناسب نماز، اگر جلسه، یا مهمانی، یا مریض هم داشتند، هر چه بود، پا می شدند می آمدند. پیشنمازی این است... (۷۷/۱۰/۱۹)

اگر منبری، واعظ و سخنران است، میان همین مردم و توده‌ها سخنرانی می‌کند سخنرانی‌اش به یک قشر معین مربوط نیست. به همه مربوط است. سخنرانی هم این نیست که بیاید حرفش را بزند و برود، یا همان وقت با مردم است یا شب مردم می‌آیند در خانه‌اش و با او معاشرت دارند. روحانی و مردم مثل ماهی می‌ماند و آب. روحانی با مردم و در مردم زنده است. بدون مردم و دور از مردم نمی‌تواند رسالتش را ایفا کند. علاوه بر این، روحانی در جامعه ما یک نقش دیگر را هم خود به خود بر عهده دارد و آن خدمت بی‌منت به مردم است. مردم ما بخواهیم یا نخواهیم از روحانی محله‌شان انتظار دارند اگر گرهی در کارشان پیدا می‌شود قدم جلو بگذارد و گره‌گشایی کند. اگر مشکلی پیدا می‌شود حل کند. (شهید بهشتی، ولایت، رهبری، روحانیت، ص ۳۱۴)

دوشنبه ۲۱ دی

اذان صبح: ۵:۴۶
طلوع آفتاب: ۷:۱۴
اذان ظهر: ۱۲:۱۲
اذان مغرب: ۱۷:۳۰

۳۰ ربیع‌الاول ۱۴۳۷
11 Jan 2016

تجارت یا ... ؟!

شیخ محمد حسین زاهد تعریف می کرد:
اوایل طلبگی در ماه محرم، برای اقامه عزای سید الشهدا علیه‌السلام به مجلس عزایی رفتم، اما هر چه صبر کردیم واعظ نیامد، صاحب خانه رو کرد به من و گفت: آشیخ تا واعظ می آید شما روضه بخوان، روضه خواندن همان و دعوت های پشت سر هم، همان.
کار به جایی رسید که بعضی از شب ها تا نیمه شب جلسه داشتم، خلاصه کارم گرفته بود.
یک شب با خودم خلوت کردم، با خودم گفتم: حسین تو برای تجارت آمدی یا آدم شدن، بعد از آن دیگر دعوتی را قبول نکردم، دنیا طرفم آمد، اما از آن فرار کردم.
در ایامی که هوا مناسب بود، مراسم دعا و مناجات شب‌های ماه رمضان، پشت بام مسجد انجام می‌شد. اما قبل از انجام مراسم آقا می‌فرمود:
اول از همسایه‌ها برای سر و صدایی که ممکن است ایجاد شود اجازه و رضایت بطلبید اگر اجازه دادند، بعد مراسم مناجات و دعا را شروع کنیم. (سایت تبیان)

سه‌شنبه ۲۲ دی

اذان صبح: ۵:۴۶
طلوع آفتاب: ۷:۱۴
اذان ظهر: ۱۲:۱۲
اذان مغرب: ۱۷:۳۱

۱ ربیع‌الثانی ۱۴۳۷

12 Jan 2016

تشکیل شورای انقلاب به فرمان حضرت امام خمینی رحمة الله علیه (۱۳۵۷ هش)

این بحث بماند برای بعد...

ملا عبدالله شوشتری از شاگردان مقدس اردبیلی در مجلسی مساله ای را از استاد خویش پرسید. مقدس سوال او را پاسخ گفت. اما شاگرد به این پاسخ قانع نشد و بحث ادامه یافت. ناگهان مقدس سکوت کرد و پس از لحظه‌ای فرمود: «این بحث بماند برای بعد، باید به کتاب مراجعه کنم!» سپس از مجلس برخاست و به شاگرد فرمود تا همراه او به جایی دیگر بروند. پس از خروج از آن مجلس محقق اردبیلی پاسخی بسیار دقیق و عمیق بیان کرد به طوری که شاگرد قانع شد و شبهه‌ای برایش باقی نماند.
شاگرد پرسید: «آقا، چرا پاسخی به این نیکویی می‌دانستید و در همان مجلس بیان نفرمودید؟»
محقق فرمود: «آنجا چون در مجلس و در حضور جمعی از مردم بودیم، احتمال داشت که قصدمان جدل و فخرفروشی و اظهار فضل بر یکدیگر باشد ولی اینجا این شبهه نیست زیرا تنها خدای متعال ناظر بحث و گفتگوی ماست.»(نشریه عهد Ahd-mag.ir)

چهارشنبه ۲۳ دی

رحلت آیت الله احمد مجتهدی (۱۳۸٦هـ ش)

اذان صبح: ٥:٤٥
طلوع آفتاب: ٧:١٤
اذان ظهر: ۱۲:۱۳
اذان مغرب: ۱۷:۳۲

۲ ربیع‌الثانی ۱٤۳۷

13 Jan 2016

ترک دروغ، حتی دروغ مصلحتی

در شرح احوال مرحوم حاج شیخ عباس قمی آمده است: هرگز کسی در حضور او جرأت غیبت کردن نداشت، هر کس و از هر طبقه‌ای که بود. خود نیز چنان از گناهان و غیبت و دروغ احتراز داشت که فوق تصور است. در ایام بیماری‌اش یکی از علمای تهران برای عیادت به حضورش رسید. حاج شیخ عباس آن روز بسیار ناراحت و متفکر بود. آن عالم بزرگ پرسید: چرا ناراحتید؟ ایشان پاسخ می‌دهد: در سفری که به حج رفته بودم، در مکهٔ معظمه خواستم به روش محدّثین که از یکدیگر اجازه نقل حدیث می‌گیرند، از یکی از محدثان عامه (اهل سنت) اجازه‌ی نقل حدیث بگیرم. وقتی این منظور را با وی در میان نهادم، عالم سُنّی مطلبی گفت و من از روی مصالحی، به دروغ آن را انکار کردم. اکنون در این فکرم که فردای قیامت چگونه این دروغ را در محضر عدل الهی توجیه کنم. (مجله گنجینه، شماره ۸، ص ۵۴)

پنج‌شنبه ۲۴ دی

اذان صبح: ۵:۴۵
طلوع آفتاب: ۷:۱۴
اذان ظهر: ۱۲:۱۳
اذان مغرب: ۱۷:۳۲

۳ ربیع‌الثانی ۱۴۳۷
14 Jan 2016

تزکیه و حیات دینی

ارتقای معنوی و تهذیب نفس، وظیفه طلبگی طلبه محسوب نمی‌شود؛ بلکه رسالت انسانی اوست. این امانت، به دوش انسان با وصف انسان نهاده شده نه به دوش انسان با وصف طلبه. اما طلبه برای اقامه امر دین سخت نیازمند تزکیه و تجربه حیات دینی است. اگر طلبه، سخت‌گیرانه به ضوابط شرعی پای‌بند نباشد و طرح زندگی خود را بر اساس الگوی دینی نبسته باشد، هرگز ظرفیت فهم دین را نخواهد یافت و با باطن حقایق دینی ارتباط برقرار نخواهد کرد.

و نیز بی‌تردید در تبلیغ دین ناکارآمد خواهد بود. هم به جهت این که فهم عمیق، مقدمه ابلاغ پیام است و هم به این جهت که سخنی کز دل برون آید لاجرم بر دل، نه سخنی که تنها لقلقه زبان و تقلید طوطی‌وار باشد. چگونه می‌توان فرض کرد کسی که عمیقا نتوانسته با حقیقت دین ارتباط برقرار کند آمادگی دفاع از معارف آن و فداکاری برای تحقق آن را داشته باشد؟

از سوی دیگر طلبه به همان میزان که نسبت بیشتری با دین خدا دارد وظیفه بیشتری در مراعات ضوابط ایمانی دارد. بایدها و نبایدهای عام ایمانی برای طلبه شدیدتر و اکیدتر است و پای‌بندی به آن برای طلبه بسیار زیبنده‌تر و لازم‌تر است. امام صادق علیه‌السلام به یکی از یاوران و شیعیان نزدیک خود فرمودند:

الحَسَنُ مِن کلِّ أَحَدٍ حَسَنٌ وَ مِنک أَحسَن، لِمَکانِک مِنّا. وَ القَبیحُ مِن کلِّ أَحَدٍ قَبیحٌ وَ مِنک أَقبَح، لِمَکانِک مِنّا؛ (بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۳۴۹) (سیمای آرمانی طلبه درنگاه مقام معظم رهبری (مدظله)، صص ۳۷-۳۸)

جمعه ۲۵ دی

ولادت حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام

اذان صبح: ۵:۴۵
طلوع آفتاب: ۷:۱۴
اذان ظهر: ۱۲:۱۴
اذان مغرب: ۱۷:۳۳

۴ ربیع‌الثانی ۱۴۳۷

15 Jan 2016

ای عبدالعظیم سلام گرم مرا به دوستدارانم برسان!

وَ رُوِیَ عَنْ عَبْدِ الْعَظِیمِ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الرِّضَا عليه‌السلام قَالَ:
یَا عَبْدَ الْعَظِیمِ أَبْلِغْ عَنِّی أَوْلِیَائِیَ السَّلَامَ وَ قُلْ لَهُمْ أَنْ لَا یَجْعَلُوا لِلشَّیْطَانِ عَلَی أَنْفُسِهِمْ سَبِیلًا وَ مُرْهُمْ بِالصِّدْقِ فِی الْحَدِیثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَ مُرْهُمْ بِالسُّکُوتِ وَ تَرْکِ الْجِدَالِ فِیمَا لَا یَعْنِیهِمْ وَ إِقْبَالِ بَعْضِهِمْ عَلَی بَعْضٍ وَ الْمُزَاوَرَةِ فَإِنَّ ذَلِکَ قُرْبَةٌ إِلَیَّ.

ای عبدالعظیم! سلام گرم مرا به دوستدارانم برسان و به آنان بگو در دلهای خویش برای شیطان راهی نگشایند و آنان را به راستگویی در گفتار و ادای امانت و سکوت پرمعنا و ترک درگیری و جدال در کارهای بیهوده و بی فایده فراخوان و به صله رحم و رفت و آمد با یکدیگر و رابطه گرم و دوستانه با هم دعوت کن، چرا که این کار باعث تقرب به خدا و من و دیگر اولیاء اوست.

وَ لَا یَشْتَغِلُوا أَنْفُسَهُمْ بِتَمْزِیقِ بَعْضِهِمْ بَعْضاً فَإِنِّی آلَیْتُ عَلَی نَفْسِی إِنَّهُ مَنْ فَعَلَ ذَلِکَ وَ أَسْخَطَ وَلِیّاً مِنْ أَوْلِیَائِی دَعَوْتُ اللَّهَ لِیُعَذِّبَهُ فِی الدُّنْیَا أَشَدَّ الْعَذَابِ وَ کَانَ فِی الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِینَ.

دوستان ما نباید فرصتهای گرانبهای زندگی و وقت ارزشمند خود را به دشمنی با یکدیگر تلف کنند. من با خود عهد کرده‌ام که هر کس مرتکب اینگونه امور شود، یا به یکی از دوستانم و رهروانم خشم کند و به او آسیب رساند، از خدا بخواهم که او را به سخت ترین کیفر دنیوی مجازات کند و در آخرت نیز اینگونه افراد از زیانکاران خواهند بود.

(اختصاص شیخ مفید، ص۲۴۷)

﴿ يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْناكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَ أُنْثى وَ جَعَلْناكُمْ شُعُوباً وَ قَبائِلَ لِتَعارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللهِ أَتْقاكُمْ إِنَّ اللهَ عَليمٌ خَبيرٌ ﴾[1] ؛ ای مردم! ما شما را از يك مرد و زن آفريديم و شما را تيره‌ها و قبيله‌ها قرار داديم، تا يكديگر را بشناسيد؛ (اينها ملاك امتياز نيست،) گرامی‌ترين شما نزد خداوند با تقواترين شماست؛ خداوند دانا و آگاه است!

شأن نزول

مقاتل گوید: روز فتح مکّه پیغمبر ﷺ به بلال امر کرد که بر بام کعبه اذان بگوید. عتاب بن اسید بن ابی العیص گفت: شکر خدا را که پدرم مرد و نماند این روز را ببیند! و حارث بن هشام گفت: آیا محمد غیر از این کلاغ سیاه مؤذنی پیدا نکرد؟ و سهیل بن‌عمرو گفت: اگر خدا بخواهد چیزی را تغییر می‌دهد. ابوسفیان گفت: من چیزی نمی‌گویم، زیرا بیم دارم پروردگار آسمان خبرم را فاش سازد. جبرئیل بر پیغمبر ﷺ نازل شد و از حرف‌های آنان با خبرش کرد. حضرت آنها را احضار فرمود و پرسید: چه گفتید؟ همه اقرار کردند. آیه بالا در نهی و توبیخ ایشان و در فخر ورزیدن بر نژاد و نسب و مال و سرزنش ایشان بر فقرا نازل گردید.

ابو حسان مزکی با اسناد از ابن ابی ملیکه روایت می کند که چون روز فتح مکه بلال بر بام کعبه رفت، بعضی گفتند: ای بندگان خدا آیا روا است این برده سیاه بالای بام کعبه اذان بگوید؟ و دیگری جواب داد: اگر خدا راضی به این کار نبود، تغییرش می‌داد.[2]

نکات تفسیری

۱ ـ در نظام ارزشی جاهلی که بر محور« تفاخر به آباء و اموال و اولاد» دور می‌زد، عدّه ای دزد و غارتگر پرورش می‌یافت، اما با دگرگون شدن این نظام و احیای اصل والای «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللهِ أَتْقاكُمْ» محصول آن انسان‌هایی همچون سلمان و ابوذر و عمار یاسر و مقداد بود. مسئله مهم در انقلاب جوامع انسانی، انقلاب نظام ارزشی آن و احیای این اصل اصیل اسلامی است.[3]

حقیقت تقوی

چنان که دیدیم، قرآن بزرگ‌ترین امتیاز را برای تقوی قرار داده و آن را تنها معیار سنجش ارزش انسان‌ها می‌شمرد.

در جای دیگر تقوی را بهترین زاد و توشه شمرده، می گوید:« وَ تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزّادِ التَّقْوى»[4] .

در جای دیگر لباس تقوی را بهترین لباس برای انسان می‌شمرد «وَ لِباسُ التَّقْوى ذلِكَ خَيْرٌ»[5] .

در آیات متعدد قرآن کریم، یکی از نخستین اصول دعوت انبیاء « تقوی» ذکر شده و در جای دیگر اهمیت این موضوع را تا آن حد بالا برده که خدا را « اهل تقوی» می‌شمرد و می گوید: « هُوَ أَهْلُ التَّقْوى وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَه»[6] .

قرآن، «تقوی» را نور الهی می‌داند که هر جا راسخ شود، علم و دانش می آفریند «وَ اتَّقُوا اللهَ وَ يُعَلِّمُكُمُ اللهُ»[7] .

و نیز «نیکی» و «تقوی» را قرین هم می‌شمرد «وَ تَعاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوى».[8] و «عدالت» را قرین «تقوی» ذکر می کند:« اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوى».[9]

اکنون باید دید حقیقت تقوی، این سرمایه بزرگ معنوی و این بزرگ‌ترین افتخار انسان با این همه امتیازات چیست؟

قرآن اشاراتی دارد که پرده از روی حقیقت تقوی برمی‌دارد. در آیات متعددی جای تقوی را در « قلب» می‌شمرد، از جمله می‌فرماید:

«أُولئِکَ الَّذِینَ امْتَحَنَ اللهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوی» [10] «آنها که صدای خود را در برابر رسول خدا صلی الله علیه و آله پائین می‌آورند و رعایت ادب می‌کنند، کسانی هستند که خداوند قلوبشان را برای پذیرش تقوی آزموده است».

قرآن،« تقوی» را نقطه مقابل« فجور» ذکر کرده است، چنان که در آیه ۸ سوره شمس می‌خوانیم: «فَأَلْهَمَها فُجُورَها وَ تَقْواها» [11] خداوند انسان را آفرید و راه فجور و تقوی را به او نشان داد.

قرآن هر عملی را که از روح اخلاص و ایمان و نیّت پاک سرچشمه گرفته باشد، بر اساس« تقوی» می‌شمرد، چنان که در آیه ۱۰۸ سوره توبه درباره مسجد« قبا» که منافقان در مقابل آن مسجد «ضرار» را ساختند، می‌فرماید: «لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَی التَّقْوی مِنْ أَوَّلِ یَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِیهِ:» مسجدی که از روز نخست بر شالوده تقوی باشد، شایسته‌تر است که در آن نماز بخوانی».

از مجموع این آیات به خوبی استفاده می‌شود که «تقوی» همان احساس مسئولیت و تعهدی است که به دنبال رسوخ ایمان در قلب بر وجود انسان حاکم می‌شود و او را از«فجور» و گناه باز می‌دارد، به نیکی و پاکی و عدالت دعوت می‌کند، اعمال آدمی را خالص و فکر و نیّت او را از آلودگی‌ها می‌شوید. [12]

بعضی از بزرگان برای تقوی سه مرحله قائل شده‌اند:

الف) نگهداری نفس از عذاب جاویدان از طریق تحصیل اعتقادات صحیح.

ب) پرهیز از هر گونه گناه اعم از ترک واجب و فعل معصیت.

ج) خویشتن‌داری در برابر آنچه قلب آدمی را به خود مشغول می‌دارد و از حق منصرف می‌کند، این تقوای خواص بلکه خاص الخاص است [13].

۲ ـ امتیاز تقوی یک امتیاز موهوم و اعتباری نیست، بلکه از دیدگاه قرآن، کرامت حقیقی به داشتن خصلت خویشتن داری است. یافتن کمال و افتخار به کرامت یک امر فطری است و چون ملاک غیر اهل ایمان در کمالات دنیوی تجلّی یافته، ملاک کرامت نزد آنان نیز امور دنیوی خواهد بود. اموری مانند، مال، جمال، حسب و نسب. در حالی که آن چه قرآن در صدد بیان آن است، این گونه امور تو خالی و موهوم نیست و به هیچ وجه صلاحیت معیار و محک ارزش انسان را ندارد، بلکه تفاخر به آنها و حرص بر کسب آنها، موجب هلاکت انسان می‌شود؛ هم هلاکت معنوی و اخلاقی و هم هلاکت دنیوی. لذا خدای تعالی فرموده: «تُرِیدُونَ عَرَضَ الدُّنْیا وَ اللهُ یُرِیدُ الْآخِرَةَ» [14]. و نیز فرموده: « وَ تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَیْرَ الزّادِ التَّقْوی» [15]، وقتی یگانه مزیت، تقوی باشد، قهراً گرامی‌ترین مردم نزد خدا با تقوی‌ترین ایشان است، هم چنان که در آیه مورد بحث هم به همین نکته اشاره شده است. [16]

حدیث

۱ ـ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ الْإِیمَانُ فَوْقَ الْإِسْلَامِ بِدَرَجَةٍ وَ التَّقْوَی فَوْقَ الْإِیمَانِ بِدَرَجَةٍ وَ الْیَقِینُ فَوْقَ التَّقْوَی بِدَرَجَةٍ وَ مَا قُسِمَ فِی النَّاسِ شَیْءٌ أَقَلَّ مِنَ الْیَقِینِ. [17]

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: الایمان فوق الاسلام بدرجة و التقوی فوق الایمان بدرجة و الیقین فوق التقوی بدرجة و ما قسم فی الناس شیء اقل من الیقین:

ایمان یک درجه برتر از «اسلام» است، و « تقوی» درجه‌ای است بالاتر از« ایمان» و « یقین» درجه‌ای برتر از« تقوی» است و هیچ چیز در میان مردم کمتر از « یقین» تقسیم نشده است.

۲ ـ یا أَبَا ذَرٍّ! إِنَّ اللهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی لَا یَنْظُرُ إِلَی صُوَرِکُمْ وَ لَا إِلَی أَمْوَالِکُمْ وَ أَقْوَالِکُمْ وَ لَکِنْ یَنْظُرُ إِلَی قُلُوبِکُمْ وَ أَعْمَالِکُمْ یَا أَبَا ذَرٍّ

التَّقْوَى هَاهُنَا التَّقْوَى هَاهُنَا وَ أَشَارَ إِلَی صَدْرِه[18]

ای ابا ذر! خداوند متعال به چهره‌ها و اموال شما نگاه نمی کند، بلکه به دل‌ها و اعمال شما می‌نگرد. یا ابا ذرتقوی در اینجاست (حضرت اشاره به سینه فرمود).

داستان

زید برادر امام رضا علیه‌السلام در مدینه قیام کرد، خانه‌های گروهی را آتش زد و تعدادی را کشت. به این جهت او را زید النار (زید آتش افروز) می گفتند.

مأمون افرادی را فرستاد او را گرفتند و نزد وی آوردند.

مأمون (به خاطر برادرش امام رضا علیه‌السلام از تقصیراتش گذشت) و دستور داد او را نزد برادرش، امام رضا ببرند.

حسن پسر موسی می گوید: در خراسان در مجلس حضرت رضا علیه‌السلام بودم، زید هم در آن مجلس بود، امام که مشغول صحبت شد، زید بی اعتناء به سخنان امام، متوجه عده‌ای از افراد مجلس شد و گفت : ما چنین و چنانیم و به خویشتن می‌بالید.

امام رضا علیه‌السلام سخنان زید را شنید و فرمود: ای زید! گفتار بقال‌های کوفه تو را گول زده و مغرور کرده است که می گویند: خداوند به خاطر پاکدامنی فاطمه علیهاالسلام، فرزندان او را به آتش جهنم حرام کرد.

به خدا سوگند! این مقام ، مخصوص (حسن و حسین) و فرزندان بلاواسطه فاطمه علیهاالسلام است .

آیا ممکن است پدرت موسی بن جعفر علیه‌السلام بندگی کند، روزها روزه بگیرد و شب‌ها را به عبادت بگذراند و تو معصیت خدا را بکنی و فردای قیامت هر دو داخل بهشت شوید؟

اگر چنین باشد، مقام تو در پیش خداوند بالاتر از موسی بن جعفر علیه‌السلام خواهد بود. زیرا پدرت با زحمت به بهشت رفته، اما تو بدون زحمت داخل بهشت شده ای . در صورتی که حضرت علی بن الحسین علیه‌السلام می‌فرماید: «لمحسننا کفلان من الاجر و لمسیئنا ضعفان من العذاب» اجر نیکوکاران ما خاندان، دو برابر و عذاب گنهکاران ما، نیز دو برابر خواهد بود.

زید گفت: من برادر و پسر شما هستم و به خاطر شما من هم وارد بهشت می‌شوم . امام علیه‌السلام فرمود: آری ! تو آن وقت می‌توانی برادر من باشی، که از خدا اطاعت کنی.

سپس فرمود: پسر نوح مادامی که معصیت نکرده بود، از خاندان او بود؛ ولی هنگامی که گناه کرد، خداوند او را از خاندان نوح به شمار نیاورد و در پاسخ درخواست حضرت نوح (که نجات فرزندش را از غرق شدن در آب از او می خواست) فرمود: «انه لیس من اهلک»[19] او از خاندان شما نیست او متمرّد و معصیت کار است.[20]

نتیجه

تا زمانی که احترام و بزرگداشت افراد به حسب و نسب و جایگاه اجتماعی افراد منهای توجه به باطن آنها باشد، دسترسی به جامعه اسلامی امکان نخواهد داشت؛ حکومت اسلامی یک شعار نیست، بلکه در گرو تناسب رفتار مردم و حاکمان با ارزش‌های دینی است، که اسلامی بودن یک حکومت و امّت را تضمین می کند.

پی‌نوشت

۱.سوره حجرات، آیه ۱۳. ■ ۲.ترجمه اسباب النزول، ص، ۲۱۰. ■ ۳.تفسیر نمونه، ج۲۲، ص، ۲۰۳. ■ ۴.سوره بقره، آیه ۱۹۷. ■ ۵.سوره اعراف، آیه ۲۶. ■ ۶.سوره مدثر، آیه ۵۶. ■ ۷.سوره بقره، آیه ۲۸۲. ■ ۸.سوره مائده، آیه ۲. ■ ۹.سوره مائده، آیه ۸. ■ ۱۰.سوره حجرات، آیه ۳. ■ ۱۱.سوره شمس، آیه ۸. ■ ۱۲.برگزیده تفسیر نمونه، ج۴، ص ۵۱۰. ■ ۱۳.همان. ■ ۱۴.شما متاع دنیا را می‌خواهید، ولی خدا آخرت را. سوره انفال، آیه ۶۷. ■ ۱۵.برای زندگی ابدی خود توشه جمع کنید که بهترین توشه تقوی است. سوره بقره، آیه ۱۹۷. ■ ۱۶.ترجمه تفسیر المیزان، ج۱۸، ص، ۴۹۰؛ با تلخیص. ■ ۱۷.الکافی (ط - الإسلامیة)، ج۲، ص، ۵۲. ■ ۱۸.مکارم الأخلاق، ص، ۴۶۹. ■ ۱۹.سوره هود، آیه ۴۶. ■ ۲۰.بحار: ج ۴۳، ص ۲۳۰ و ۲۳۱، روایت ۲ و ۶، و ج ۴۹، ص ۲۱۷، و ۲۱۸ و ۲۱۹ روایت ۲ و ۳ و ۴. ■

نشانه های ظهور مهدی موعود در نظام طبیعت

۱. دود در آسمان

یکی از نشانه‌های قیامت، پر شدن آسمان از دود است. برخی از مفسران منظور از «دخان مبین» را در آیه فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ؛[۱] همان دود غلیظی دانسته‌اند که در پایان جهان و در آستانه قیامت، صفحهٔ آسمان را می‌پوشاند و سرآغاز عذاب دردناک الهی، برای ستمگران است.[۲]

۲. طلوع خورشید از مغرب

اگرچه درباره چگونگی این پدیده سخن روشنی در روایات به چشم نمی‌خورد؛ اما برخی از بزرگان درباره چگونگی این اتفاق نوشته‌اند: «خورشید، هنگام ظهر در آسمان، راکد می‌شود و ساعتی چند تا هنگام عصر پیدا نباشد؛ آن گاه از مغرب آشکار شود.»[۳]

عده‌ای نیز این امر را بعید پنداشته، آن را مستلزم ازهم پاشیدن نظم جهان و تغییر در حرکت منظومه خورشیدی دانسته‌اند که با اصول حاکم بر نظام طبیعت، ناسازگار است!! ولی به نظر می‌رسد این امر، همانند بسیاری دیگر از امور، از آیات الهی خواهد بود. افزون بر آن، نظیر این اتفاقات پیش‌تر نیز در آسمان رخ داده است که از جمله آنها «ردّالشّمس» (بازگشتن خورشید) برای یوشع بن نون بوده است.

در برخی دیگر از نوشته‌ها نیز آمده است: «مقصود از طلوع خورشید از مغرب، ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام است. بدین معنا که او، همان خورشید است که در پایان عمر طولانی خویش، طلوع خواهد کرد.»[۴]

از آنجایی که چنین مطلبی در کلام معصوم نیامده و علاوه بر آن، در روایات، سخن از طلوع خورشید از مغرب در ردیف قیام حضرت مهدی ذکر شده است؛ بنابراین، طلوع خورشید از مغرب، حادثه‌ای است که پس از ظهور حضرت مهدی و در آستانه قیامت روی خواهد داد.

پیشنهادهای اجرایی هفته

▪ جلسه شورای فرهنگی مسجد ▪ برگزاری مراسم دعای توسل (سه شنبه) ▪ تشکیل تعاونی های توزیع ارزان قیمت اجناس با محوریت کسبه محل ▪ تشریح ویژگی های اقتصاد اسلامی و بیان مصادیق ربا ونهی از آن در مواجهه حضوری با اصناف محل ▪ برگزاری جشن میلاد امام حسن عسکری علیه السلام ▪ برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید ▪ قرائت زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در روز وفات ایشان ▪ برگزاری جلسات پرسش وپاسخ ویژه جوانان (پنج شنبه) ▪ سخنرانی ویژه مسائل بانوان و دختران قبل از اذان ظهر روز اول ماه شمسی ▪ برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه) ▪ برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه)

۳. فرو رفتن زمین در ناحیه مشرق

در روایات اشاره روشنی به چگونگی این نشانه نشده و فقط به فرو رفتن زمین در مشرق، بسنده شده است.

٤. فرو رفتن زمین در جزیرة العرب

هرچند از این پدیده نیز به روشنی صحبت نشده است؛ اما به نظر می‌رسد همان «خسف به بیداء» باشد. واژه «خَسْف» به معنای فرو رفتن و پنهان شدن است و «بَیداء» نام سرزمینی بین مکه و مدینه است.[۵] منظور از «خسف به بیداء» آن است که سفیانی با لشکری عظیم به قصد جنگ با حضرت مهدی علیه‌السلام عازم مکه می‌شود؛ اما آنان بین مکه و مدینه ـ در محلی که به سرزمین «بیداء» معروف است ـ به امر خداوند، در زمین فرو می‌روند.[۶]

۵. آتشی از عدن

آخرین نشانه و نزدیک‌ترین نشانه به برپایی قیامت، ـ به احتمال ـ آتشی است که از عدن بیرون آمده، مردم را به محشر سوق می‌دهد. در برخی روایات، افزون بر موارد یادشده، ناهنجاری‌های اجتماعی و گناهان آشکار و عمومی نیز به عنوان «اشراط الساعة» نام برده شده که مشروح‌ترین و جامع‌ترین حدیث در این زمینه آن است که ابن عباس از پیغمبر گرامی اسلام در داستان «حجة البلاغ» نقل کرده است.[۷]

پی‌نوشت

۱. «پس در انتظار روزی باش که آسمان دودی نمایان برمی‌آورد.»؛ دخان (۴۴)، آیه ۱۰. ■ ۲. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج۲۱، ص ۱۶۳. ■ ۳. مفید، الارشاد، ج۲، ص۳۶۸. ■ ۴. صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمة، ج۲، باب ۴۷، ح۱. ■ ۵. ابن منظور، لسان العرب، ماده خسف و بیداء. ■ ۶. در بحث نشانه‌های ظهور به طور مفصل در باره آن بحث شد. ■ ۷. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج۲، ص۳۰۳ـ۳۰۷؛ و نیز نک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۳، ص۲۶۱.

فرار شاه معدوم (۱۳۵۷ هش)

شنبه ۲۶ دی

اذان صبح: ٥:٤٥
طلوع آفتاب: ۷:۱۳
اذان ظهر: ۱۲:۱٤
اذان مغرب: ۱۷:۳٤

٥ ربیع‌الثانی ۱٤۳۷
16 Jan 2016

ارزش روحانیت

امام خمینی: هرچه بروید سراغ اینکه یك قدم بردارید برای اینکه خانه‌تان بهتر باشد، از معنویت‌تان به همین مقدار، از ارزش‌تان به همین مقدار کاسته می‌شود. ارزش انسان به خانه نیست، به باغ نیست، به اتومبیل نیست. اگر ارزش انسان به اینها بود، انبیا باید همین کار را بکنند. انبیا سیره‌شان را دیدید چه جور بوده. ارزش انسان به این نیست که انسان یك هیاهو داشته باشد، یك اتومبیل کذا داشته باشد، یك رفت و آمد زیاد داشته باشد. ارزش روحانیت به این نیست که یك بساطی داشته باشد و یك دفتر و دستکی داشته باشد. فکر کنید ارزش انسان را به دست بیاورید، ارزش روحانیت را از دست ندهید. (صحیفه امام، ج۱۹، ص۳۱۷)
آن چیزی که مردم از ما توقع داشته و دارند و به واسطه آن دنبال ما و شما آمده‌اند و اسلام را ترویج نموده و جمهوری اسلامی را بپا کردند و طاغوت را از میان بردند، کیفیت زندگی اهل علم است. اگر خدای نخواسته، مردم ببینند که آقایان وضع خودشان را تغییر داده‌اند، عمارت درست کرده‌اند و رفت و آمدهایشان مناسب شأن روحانیت نیست، و آن چیزی را که نسبت به روحانیت در دلشان بوده است از دست بدهند، از دست دادن آن همان و از بین رفتن اسلام و جمهوری اسلامی همان. (صحیفه امام، ج۱۹، ص۳۱۷)

یکشنبه ۲۷ دی

اذان صبح: ۵:۴۵
طلوع آفتاب: ۷:۱۳
اذان ظهر: ۱۲:۱۴
اذان مغرب: ۱۷:۳۵

۶ ربیع‌الثانی ۱۴۳۷
17 Jan 2016

شهادت نواب صفوی، طهماسبی، برادران واحدی و ذوالقدر، از فداییان اسلام (۱۳۳۴ هش)

ترک معصیت، اصلی‌ترین ملاک رشد

آیة‌الحق مرحوم ملاحسینقلی همدانی در نامه‌ای می‌نویسد: ... و آنچه این ضعیف، از عقل و نقل استفاده نموده‌ام، این است که اَهمّ اشیاء از برای طالب قُرب، جدّ و سعی تمام در ترک معصیت است. تا این خدمت را انجام ندهی، نه ذکرت و نه فکرت به حال قلبت فایده نخواهد داشت، چرا که پیشکش خدمت کردنِ کسی که با سلطان در عصیان و انکار است، بی‌فایده خواهد بود. پس ای عزیز! چون این کریم رحیم، زبان تو را مخزن کوه نور یعنی ذکر اسم شریف قرار داده، بی‌حیایی است مخزن سلطان را آلوده به نجاست و قاذوراتِ غیبت و دروغ و فحش و اذیت و غیرها من المعاصی نمودن. مخزن سلطان باید محلّش پر عطر و گلاب باشد، نه نجس و مملو از قاذورات.
هم‌چنین استاد بزرگِ علم اخلاق مرحوم شیخ محمد بهاری می‌فرماید: کسی که می‌خواهد متقی باشد، باید چند امر را رعایت کند. اول ترک گناهان که پایه‌ی تقوا و اساس دنیا و آخرت بر آن بنا شده است و مقربین درگاه خداوند متعال به چیزی بالاتر و بهتر از آن تقرب نجستند. از این جاست که حضرت موسی از حضرت خضر سؤال می کند که چه کرده‌ای که من مأمور شدم از تو تعلّم کنم؟ خضر فرمود: ترک معصیت.(مجله گنجینه، شماره ۸، ص ۵۴)

دوشنبه ۲۸ دی

اذان صبح: ۵:۴۵
طلوع آفتاب: ۷:۱۳
اذان ظهر: ۱۲:۱۵
اذان مغرب: ۱۷:۳۶

۷ ربیع‌الثانی ۱۴۳۷
18 Jan 2016

اول زائر...

حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی به طلاب می فرمودند: علت آمدن من به قم این بود که پدرم (که از زهاد و عباد معروف بود) چهل شب در حرم حضرت علی علیه‌السلام بیتوته نمود که آن حضرت را ببیند، شبی در حالت مکاشفه حضرت را دیده بود که به ایشان می فرمایند: سید محمود چه می خواهی؟ عرض می کند: می خواهم بدانم قبر حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام کجا است؛ تا آن را زیارت کنم؟ حضرت فرمود: من که نمی توانم (بر خلاف وصیت آن حضرت) قبر او را معلوم کنم. عرض کرد: پس من هنگام زیارت چه کنم؟ حضرت فرمود: خدا جلال و جبروت حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام را به فاطمه معصومه علیهاالسلام عنایت فرموده است، پس هر کس بخواهد حضرت زهرا علیهاالسلام را درک کند به زیارت فاطمه معصومه علیهاالسلام برود. آیت الله مرعشی می فرمودند: پدرم مرا سفارش می کرد که من قادر به زیارت ایشان نیستم اما تو به زیارت آن حضرت برو. لذا من به خاطر همین سفارش، برای زیارت فاطمه معصومه علیهاالسلام و ثامن الائمه علیه‌السلام آمدم و به اصرار موسس حوزه علمیه قم (آیت الله حائری) در قم ماندگار شدم. آیت الله مرعشی در آن زمان می فرمودند: شصت سال است که من اول زائر حضرتم. (فروغی از کوثر، ص ۵۵)

سه‌شنبه ۲۹ دی

اذان صبح: ۵:۴۵
طلوع آفتاب: ۷:۱۲
اذان ظهر: ۱۲:۱۵
اذان مغرب: ۱۷:۳۷

۸ ربیع‌الثانی ۱۴۳۷
19 Jan 2016

ولادت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام (۲۳۲ هق)
روز غزه

وصیت می کنم شما را به سجده‌های طولانی!

امام عسکری علیه السلام: «من انس بالله استوحش من الناس» هر کس با خداوند متعال انس بگیرد، از مردم وحشت می کند. (عدةالداعی و نجاح الساعی، ص۲۰۸)

عدّه‌ای از عوامل خلیفه عباسی نزد زندانبان امام عسکری علیه السلام – که شخصی به نام صالح بن وصیف بود – آمده و به او گفتند: هر چه می توانی بر ابومحمد علیه السلام سخت بگیر و هیچگونه آسایشی برایش وا مگذار! صالح بن وصیف در پاسخ آنان گفت: چه کنم؟ دو نفر از بدترین و شرورترین ماموران را برای وی گماشته بودم، اینک هر دو در اثر معاشرت با ابو محمد علیه السلام، نه تنها او را به دیده یک زندانی نمی نگرند، بلکه در عبادات و نماز و روزه به جایگاه رفیعی دست یافته اند. سپس دستور داد تا آن دو را حاضر کردند، عوامل خلیفه به آن دو گفتند: وای بر شما، مگر شما را چه شده که در مورد این مرد زندانی کوتاهی می کنید؟ آنان اظهار داشتند: در مورد شخصی که روزها روزه می‌گیرد و تمام شب را به عبادت و سحرخیزی سپری می کند، چه بگوئیم؟ او با کسی غیر از خدا همسخن نمی‌شود و به غیر عبادت و راز و نیاز با پروردگار متعال، به کار دیگری نمی پردازد. هنگامی که به ما می‌نگرد، ارکان بدنمان می لرزد و هیبت و جلالت او تمام وجودمان را فرا می گیرد. عوامل عباسی وقتی چنین دیدند با ناامیدی و حسرت تمام آنجا را ترک گفتند. (بحارالأنوار، ج۵۰، ص۳۰۸)

حضرت عسکری علیه السلام همواره شیعیان را به سجده‌های طولانی توصیه کرده و می فرمود: «اوصیکم بتقوی الله والورع فی دینکم والاجتهاد لله و طول السجود» (تحف العقول، ص۴۸۷)

چهارشنبه ۳۰ دی

اذان صبح: ۵:۴۴
طلوع آفتاب: ۷:۱۲
اذان ظهر: ۱۲:۱۵
اذان مغرب: ۱۷:۳۸

۹ ربیع‌الثانی ۱۴۳۷
20 Jan 2016

فقها تا وقتی که در دنیا وارد نشده‌اند، امنای خدا هستند...

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): تقوا برای روحانیت، یعنی مراقبت و مواظبت از خود که نبادا خطا کند و بلغزد و غرق در فساد بشود؛ نبادا به آن بلیه‌ای که بعضی از انسان‌ها دچار می‌شوند و از راه منحرف می‌شوند، او هم مبتلا شود. روحانیت می‌خواهد دست آن‌گونه انسان‌ها را بگیرد و از لجن بیرون بکشد؛ نبادا خودش به آن بلیه مبتلا بشود. فرمود فقها تا وقتی که در دنیا داخل نشده‌اند، امنای خدا هستند؛ اما وقتی در دنیا داخل شدند، دیگر امین خدا نیستند. روحانیون کسانی هستند که باید دست افراد گمگشته را بگیرند و راهنمایی کنند؛ اما اگر خودشان گم شدند، دیگر «خفته را خفته کی کند بیدار؟»؛ گمشده را گمشده کی می‌تواند هدایت و راهنمایی کند؟ (۱۳۷۹/۰۹/۰۲)
در عرصه علم و تقوا، شماها نورانی هستید. دل‌های شما پاک و جان‌های‌تان پاکیزه است. شماها شفاف‌اید؛ این شفافیت را حفظ کنید. از گناه دوری کنید و به ذکر و توجه اهمیت دهید؛ همین آیه‌ای که الان خواندند؛ «فمن شاء اتّخذ الی ربّه مآبا»؛ هر کس بخواهد، می‌تواند به سمت خدا برود و با خدا خودش را آشنا و به او نزدیک کند. در نماز، انسان باید به معنای واقعی کلمه احساس کند که با یکی دارد مخاطبه می‌کند و حرف می‌زند؛ از او کمک می‌خواهد، به او پناه می‌برد، از او استضائه می‌کند و رحمت و فضل و کمک او را جذب می‌کند. در درجه اول، اجتناب از گناهان است؛ بعد واجبات و نوافل و توجهات. شما جوان‌ها سرمایه خیلی خوبی دارید. اندک همت و تلاشی، شماها را پیش می‌برد. (۱۳۸۳/۰۳/۲۱)

آیت الله محمدرضا مهدوی کنی

(امام جماعت مسجد جلیلی)

الان نیابت ولایت امام راحل، مقام معظم رهبری است. اگر کسی در این راه کجروی کند، مسلماً راه را گم کرده است ما این راه را ادامه خواهیم داد و از خداوند هم می خواهیم که ما را در این راه ثابت قدم بدارد که گمراه نشویم و حوادث ما را متغیر نکند. همه شنیده اید که امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود: زبیر تا هنگامی که فرزندش عبدالله بزرگ نشده بود، با ما بود. وقتی عبدالله بزرگ شد، زبیر صفش را جدا کرد و در مقابل امیرالمؤمنین علیه‌السلام ایستاد. پسرش هم در مقابل امام حسین علیه‌السلام ایستاد. بالاخره اینها یک حوادثی است که در زندگی رخ می دهد. مبادا مغرور به خودتان شوید، بگویید ما آدم های خیلی خوبی هستیم و ما چنین و چنان هستیم. مغرور نشوید و همیشه متوسّل باشید و از خداوند بخواهید که ما را همیشه ثابت قدم نگه دارد.

اگر هم در بعضی امور اختلاف سلیقه هایی وجود دارد، اصول را فراموش نکنیم. این شهدایی که به جبهه می رفتند، به خاطر بیعتی بود که با امام رحمه‌الله کرده بودند و شما هم همان طور بیعت کردید و این بیعت را نباید فراموش کنید. باید کاری کنیم که با رفتن از دنیا، با روی باز به آخرت برویم و خجالت زده نباشیم. نباید به اسم دین و اسلام کار ناشایست انجام دهیم.

پنج‌شنبه **۱** بهمن

وفات حضرت معصومه سلام الله علیها (۲۰۱ هق)

اذان صبح: ٥:٤٤
طلوع آفتاب: ۷:۱۲
اذان ظهر: ۱۲:۱۵
اذان مغرب: ۱۷:۳۹

۱۰ ربیع‌الثانی ۱٤۳۷
21 Jan 2016

کریمه اهل بیت علیهم‌السلام

امام رضا علیه‌السلام فرمود: نزد شما قمی‌ها از ما اهل بیت علیهم‌السلام قبری است. سعد پرسید: قبر فاطمه دختر موسی علیه‌السلام را می فرمایی؟ فرمود: آری، هرکس او را زیارت کند و عارف به شأن و حق وی باشد، بهشت پاداشش خواهد بود. هنگامی که کنار قبر آمدی، بالای سر مقدس اینگونه ایشان را زیارت کن. (بحار الانوار، جلد ۹۹، ص۲۶۶)

سعد بن سعد قال: سالت اباالحسن الرضا علیه‌السلام عن فاطمه بنت موسی بن جعفر علیهما‌السلام فقال: من زارها فله الجنة

مرحوم آیت اللّه سیّد محمود مرعشی نجفی، پدر بزرگوار آیت اللّه سید شهاب الدین مرعشی رحمه‌الله بسیار علاقمند بود که محل قبر شریف حضرت صدّیقه طاهره علیهاالسلام را به دست آورد. ختم مجرّبی انتخاب کرد و چهل شب به آن پرداخت. شب چهلم پس از به پایان رساندن ختم در عالم رؤیا به محضر مقدّس حضرت باقر علیه‌السلام و یا امام صادق علیه‌السلام مشرّف شد. امام به ایشان فرمودند: «عَلَیْكَ بِكَرِیمَةِ اهل بیت چنگ بزن». ایشان به گمان اینکه منظور امام علیه‌السلام حضرت زهرا علیهاالسلام است، عرض کرد: «قربانت گردم، من این ختم قرآن را برای دانستن محل دقیق قبر شریف آن حضرت گرفتم تا بهتر به زیارتش مشرّف شوم.» امام فرمود: «منظور من، قبر شریف حضرت معصومه در قم است.» سپس افزود به دلیل مصالحی، خداوند می خواهد محل قبر شریف حضرت زهرا علیهاالسلام پنهان بماند؛ از این رو قبر حضرت معصومه علیهاالسلام را تجلّی گاه قبر شریف حضرت زهرا علیهاالسلام قرار داده است. اگر قرار بود قبر آن حضرت ظاهر باشد و جلال و جبروتی برای آن مقدّر بود، خداوند همان جلال و جبروت را به قبر مطهّر حضرت معصومه علیهاالسلام داده است. مرحوم مرعشی نجفی هنگامی که از خواب برخاست، تصمیم گرفت رخت سفر بر بندد و به قصد زیارت حضرت معصومه علیهاالسلام رهسپار ایران شود. (کریمه اهل بیت علیهم‌السلام، ص۴۳-۴۵)

جمعه ۲ بهمن

اذان صبح: ۵:۴۴
طلوع آفتاب: ۷:۱۱
اذان ظهر: ۱۲:۱۶
اذان مغرب: ۱۷:۴۰

۱۱ ربیع‌الثانی ۱۴۳۷
22 Jan 2016

اجتناب از خدعه‌های شیطان

در بهبهان معروف است که علّت مهاجرت مرحوم وحید بهبهانی از آن شهر این بوده که خواجه عزیز کلانتر روزی موقع نماز به ایشان می‌گوید: آقا! ببینید بر اثر دستوری که داده‌ام، چقدر مردم در نماز جماعت شما شرکت کرده‌اند و جمعیت چقدر زیاد شده است. آقا به قدری از این گفته منقلب می‌شود که دیگر نماز نخوانده به منزل می‌رود و بدون درنگ عازم عتبات شده و برای همیشه بهبهان را ترک می‌گوید تا مبادا بر اثر این‌گونه اعمال سفیهانه‌ی مریدانِ نادان، زنگ ریا و تعلقات جسمانی بر لوح دل و روح پاک و بزرگش بنشیند و او را از مقام والای معنوی به پرتگاه پستی و جاه‌طلبی سقوط دهد.
هم‌چنین حاج امام قلی نخجوانی گوید: پس از آن که به سنّ کهولت رسیدم، شیطان را درحالی دیدم که هر دوی ما بالای کوهی ایستاده‌ایم. به او گفتم: مرا سنّ پیری و کهولت فرارسیده، اگر ممکن است از من درگذر. شیطان گفت: آن طرف را نگاه کن. وقتی نظاره کردم، درّه‌ی بسیار عمیقی را دیدم که از شدت خوف و هراس، عقل انسان مبهوت می‌ماند. شیطان گفت: در دل من رحم و مروت قرار نگرفته. اگر چنگال من بر تو بند گردد، جای تو در ته این درّه خواهد بود.(مجله گنجینه، شماره ۸، ص ۵۶)

﴿فَبِما رَحْمَةٍ مِنَ اللهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللهِ إِنَّ اللهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾[1]؛ به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها طلب آمرزش کن! و در کارها، با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش! و) بر خدا توکّل کن! زیرا خداوند متوکّلان را دوست دارد.

نکات تفسیری

۱ـ این آیه به اخلاق کریمه و افعال حسنه پیامبر مکرم اسلام ﷺ، دلالت دارد و از عجائب وجودی حضرت اینکه اسباب بزرگی را بیش از همه دارا بود؛ زیرا نسبش از همه عالی‌تر و مقاماتش از همه والاتر و اشجع و سخی‌ترین و پاک‌ترین و فصیح‌ترین آنها بود؛ در عین حال از همه خلق متواضع‌تر بود و از نشانه‌های تواضع او این است که لباس خود را خود وصله می‌کرد و نعلین خود را پینه کرده و بر الاغ سوار می‌شد، دعوت بندگان و بردگان را اجابت می‌فرمود، بر خاک می‌نشست و مردم را بدون خشم و رنجانیدن خاطر، با ملاطفت و نرمی، به سوی خدا می‌خواند.

این آیه دلالت بر ترغیب مؤمنان بر عفو گناهکار و نیز طلب آمرزش بر بدکار و ترغیب بر مشورت با یکدیگر در امور خود دارد. هم‌چنین از خشونت در گفتار و غفلت در اخلاق و جفای در عمل نهی شده است و آنها را به توکّل به خدا و واگذاری کارها به او میخواند و نیز بر لطف الهی دلالت دارد؛ چراکه اگر رحمت حق تعالی نسبت به رسول مکرم اسلام نبود و نرمی و ملاطفت و تواضع از پیغمبر صادر نمی‌شد، کسی دعوت او را نمی‌پذیرفت. از سوی دیگر آیه دلالت بر این امر دارد که امور نفرت‌آور از پیغمبر اسلام و دیگر انبیاء و جانشینان آنها، که حجّت بر مردم هستند، به دور است. این آیه ایشان را از گناهان کبیره پاک میداند، زیرا نفرت نسبت به گناهان کبیره بیشتر است.[2]

۲ـ در این آیه شریفه التفاتی خاص به کار رفته است؛ زیرا در آیات قبل، خطاب متوجه عموم مسلمین بود و در این آیه متوجه شخص رسول خدا ﷺ شده است. البته خطاب در حقیقت به عموم مسلمین است و بیانگر این مطلب است که رسول اکرم ﷺ به واسطه رحمت از ناحیه خداوند باری تعالی نسبت به شما بندگان مهربان شده است، به همین جهت به او امر کردیم که شما را عفو کند و برایتان استغفار نماید و با شما در امور مشورت کند، و آنگاه که تصمیمی گرفت، بر ما توکّل کند.

دلیل درخواست عفو در آیه نیز خرده ایست که بعضی معترضین نسبت به رسول خدا ﷺ درباره جنگ و کشته‌هایشان گرفته‌اند و به خاطر همین نسبت ناروا، خدای تعالی از سخن گفتن با آنان اعراض نموده و روی سخن به رسول خدا ﷺ کرده و فرموده است:«فَبِما رَحْمَةٍ مِنَ اللهِ لِنْتَ لَهُمْ».

حرف «فا» در اول جمله، فرع و نتیجه کلامی دیگر است. البته این مطلب صریحاً در آیات نیامده، ولی سیاق بر آن دلالت دارد و تقدیر کلام چنین است:« و اذا کان حالهم ما تریه من الشباهة بالذین کفروا، و التحسر علی قتلاهم، فبرحمة منا لنت لهم، و الا لانفضوا من حولک». « وقتی حالشان چنین است که می‌بینی، سخنانی نظیر سخنان کفّار دارند و بر کشتگان خود تحسّر و اندوه می‌خورند، پس به واسطه رحمتی از سوی ما نسبت به آنان مهربانی می‌کنی، زیرا اگر چنین نکنی از پیرامونت متفرّق می‌شوند و خدا داناتر است.»[3]

«فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شاوِرْهُمْ فِي الأَمْرِ» این قسمت از آیه برای تأکید بر سیره نیکوی رسول خدا ﷺ نازل شده است. هر چند آن حضرت پیش از این نیز همین‌گونه با مردمان رفتار می‌کرده و جفای مردم را با نرم‌خویی و عفو و مغفرت مقابله می‌کرده و در امور با آنان مشورت می‌نموده است. در این جمله خدای تعالی رسول گرامی خود ﷺ را مأمور کرده تا آنان را عفو کند تا اینکه در نتیجه اعمال ایشان، اثر معصیت مترتب نشود.

نکته دیگر این که عبارت «اسْتَغْفِرْ لَهُمْ» هر چند مطلق است و اختصاصی به مورد بحث آیه ندارد، با این حال، موارد حدود شرعی و امثال آن را شامل نمی‌شود، (و چنان مطلق نیست که حتی اگر فردی مرتکب قتل شد، او را هم ببخشاید و یا اگر زنا کرد، تنها برایش طلب مغفرت کند و دیگر حدود شرعی را بر او جاری نسازد). زیرا اگر اطلاق تا این مقدار شمول داشته باشد، باعث لغو شدن تشریع می‌گردد. علاوه بر اینکه جمله «وَ شاوِرْهُمْ فِي الأَمْرِ» که به بیان عطفی بر مسأله عفو و مغفرت مرتبط شده، خود شاهد بر این مطلب است که این دو امر، یعنی« عفو» و« مغفرت» در چارچوب ولایت و تدبیر امور عامه بوده است، زیرا اینگونه امور است که مشورت بر می‌دارد. بنابراین احکام الهی خیر، عفو و مغفرت، در امور اداری جامعه تحقق مییابد.[۴]

۳ ـ قرآن یکی از وظایف پیامبر اکرم ﷺ را حلّ اختلاف دیدگاه‌ها و برداشت‌های متنوّع مردم دانسته است؛[۵] چنان‌که حضرت میان دو قبیله اوس و خزرج، که سالیانی متمادی جنگ و خون‌ریزی داشتند، الفت و یگانگی بر قرار کرد[۶] و در نخستین برنامه اجتماعی خود، پس از ورود به مدینه، میان انصار و مهاجران عقد اخوّت بست و با سرانگشت تدبیر خود، اختلاف‌هایی را که بر اثر تقسیم بیت‌المال یا توطئه‌های منافقان و یا کینه‌های دیرینه و جاهلی میان تیره‌های گوناگون ایجاد شده بود، حل کرد و دوباره دوستی و برادری را میان ایشان بر قرار ساخت؛ چنان‌که در ماجرای افک [تهمتی ناروا به عایشه، همسر پیامبر ﷺ] بزرگان دو قبیله اوس و خزرج با تجدید کینه‌های این دو قبیله در دوران جاهلیّت، به ناسزاگویی برضدّ یکدیگر پرداختند.

طبق آیه مورد بحث، افزون بر تدبیر، اخلاق پیامبر ﷺ نیز نقش مؤثّری در ایجاد الفت و یگانگی مسلمانان، (بر محور حضرت) و پرهیز از اختلاف داشته است.[۷]

حدیث

۱ ـ عن النبی ﷺ : إذا عَنَّت لَكُم غَضبَةٌ فَادرَؤوها بالعَفو؛ إنَّهُ يُنادی مُنادٍ يَومَ القِيامَةِ: مَن كانَ لَهُ عَلَى اللهِ أجرٌ فَلْيَقُمْ، فَلا يَقومُ إلاّ العافُونَ، أَلَم تَسمَعوا قَولَهُ تَعالی: فَمَن عَفا و أصلَحَ فَأَجرُهُ عَلَى اللهِ»[۸]

پیامبر مکرم اسلام می‌فرمایند: هر گاه خشمی برای شما پیش آمد، با عفو و گذشت آن را از خود دور کنید؛ زیرا در روز رستاخیز آواز دهندهای جار می‌زند: هر که به گردن خدا مزدی دارد، برخیزد و کسی جز بخشایندگان، برنخیزند. آیا نشنیدهاید که خداوند متعال می‌فرماید: «پس، هر که ببخشد و آشتی ورزد، مزدش با خداست»؟

۲ ـ عن الصادق عليه‌السلام : تَحتاجُ الإِخْوةُ فيما بَيْنَهُم إلى ثلاثةِ أشياءَ ، فإنِ استَعمَلُوها و إلاّ تَبايَنُوا و تَباغَضُوا و هی: التَّناصُفُ و التَّراحُمُ و نَفْيُ الحَسَدِ.[۹]

امام صادق عليه‌السلام در این باره می‌فرماید: برادران در میان خود به سه چیز نیازمندند که اگر به کار بندند، دوستی می‌پاید و گرنه از یکدیگر جدا و دشمن خواهند شد. آن سه خصلت عبارتند از: انصاف با یکدیگر، مهربانی با یکدیگر و حسد نبردن به هم.

داستان

شخصی یهودی خدمت رسول اکرم ﷺ آمده و مدعی شد که من از شما طلبکارم و الان در همین کوچه بایستی طلب مرا بدهی. پیغمبر فرمودند اولاً که شما از من طلبکار نیستی و ثانیاً اجازه بده که من بروم منزل و پول برای شما بیاورم؛ زیرا پولی همراه من نیست . یهودی گفت یک قدم هم نمی‌گذارم از اینجا برداری... . هرچه پیامبر با او نرمش نشان دادند، او بیشتر خشونت نشان داد، تا آنجا که عبا و ردای پیامبر ﷺ را گرفت و به دور گردن حضرت پیچیده و آنقدر کشید که اثر قرمزی در گردن مبارک پیامبر به جای ماند.

حضرت قبل از این ملاقات با فرد یهودی، عازم مسجد برای اقامه نماز جماعت بودند، با این پیشامد ایشان تأخیر کردند. مسلمین که در انتظار و نگران رسول خدا بودند، ناگاه مشاهده کردند که فردی یهودی رسول خدا ﷺ را با خشونت گرفته و آن حضرت را می‌آزارد. در این حین مسلمانان خواستند مرد یهودی را کنار زده و یا احتمالاً او را مجازات کنند. حضرت فرمود: «نه، من خود می‌دانم با رفیقم چه کنم. شما کاری نداشته باشید.» این پیغمبر رأفت و مهربانی، آنقدر نرمش نشان داد که ناگاه یهودی همانجا گفت: «اشهد ان لا اله الا الله و اشهد انک رسول الله». شما با چه قدرتی اینگونه تحمّل می‌کنید! این تحمّل انسانی عادی نیست. مسلماً از جانب خداوند مبعوث شده‌ای... .[10]

نتیجه

در این آیه به یکی از صفات و الزامات مهم در جهت رهبری افراد اشاره شده و آن مسئله گذشت و نرمش و انعطاف در برابر کسانی است که تخلّفی از آنها سرزده و بعد دچار پشیمانی شده‌اند. بدیهی است شخصی که در مقام رهبری قرار گرفته، اگر خشن و تندخو و غیرقابل انعطاف و فاقد روحیه گذشت باشد، به زودی در برنامه‌های خود مواجه با شکست خواهد شد و مردم از دور او پراکنده می‌شوند و ایشان از وظیفه رهبری بازمی‌ماند. به همین دلیل علی علیه‌السلام در یکی از کلمات قصار خود می‌فرماید:

«آلة الریاسة سعة الصدر». وسیله رهبری گشادگی سینه است.[11]

پی‌نوشت

۱.سوره آل عمران، آیه ۱۵۹. ■ ۲.ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص، ۳۱۶. ■ ۳ ـ ترجمه تفسیر المیزان، ج۴، ص، ۸۷، با کمی تصرف. ■ ۴.همان. ■ ۵.« و ما انزَلنا عَلَیکَ الکِتبَ الّا لِتُبَیّنَ لَهُمُ الَّذِی اختَلَفوا فیهِ ...» نحل، آیه ۶۴. ■ ۶.« واذکُروا نِعمَتَ اللهِ عَلَیکُم اذ کُنتُم اعداءً فَالَّفَ بَینَ قُلوبِکُم فَاصبَحتُم بِنِعمَتِهِ اخونًا» آل عمران، آیه ۱۰۳. ■ ۷.برگرفته از دائرة المعارف قرآن کریم(۲)، ص، ۷۹. ■ ۸.أعلام الدین، ۳۳۷. ■ ۹.تحف العقول، ۳۲۲. ■ ۱۰.سیره نبوی، ص، ۱۳۹. ■ ۱۱.تفسیر نمونه، ج۳، ص، ۱۴۲.

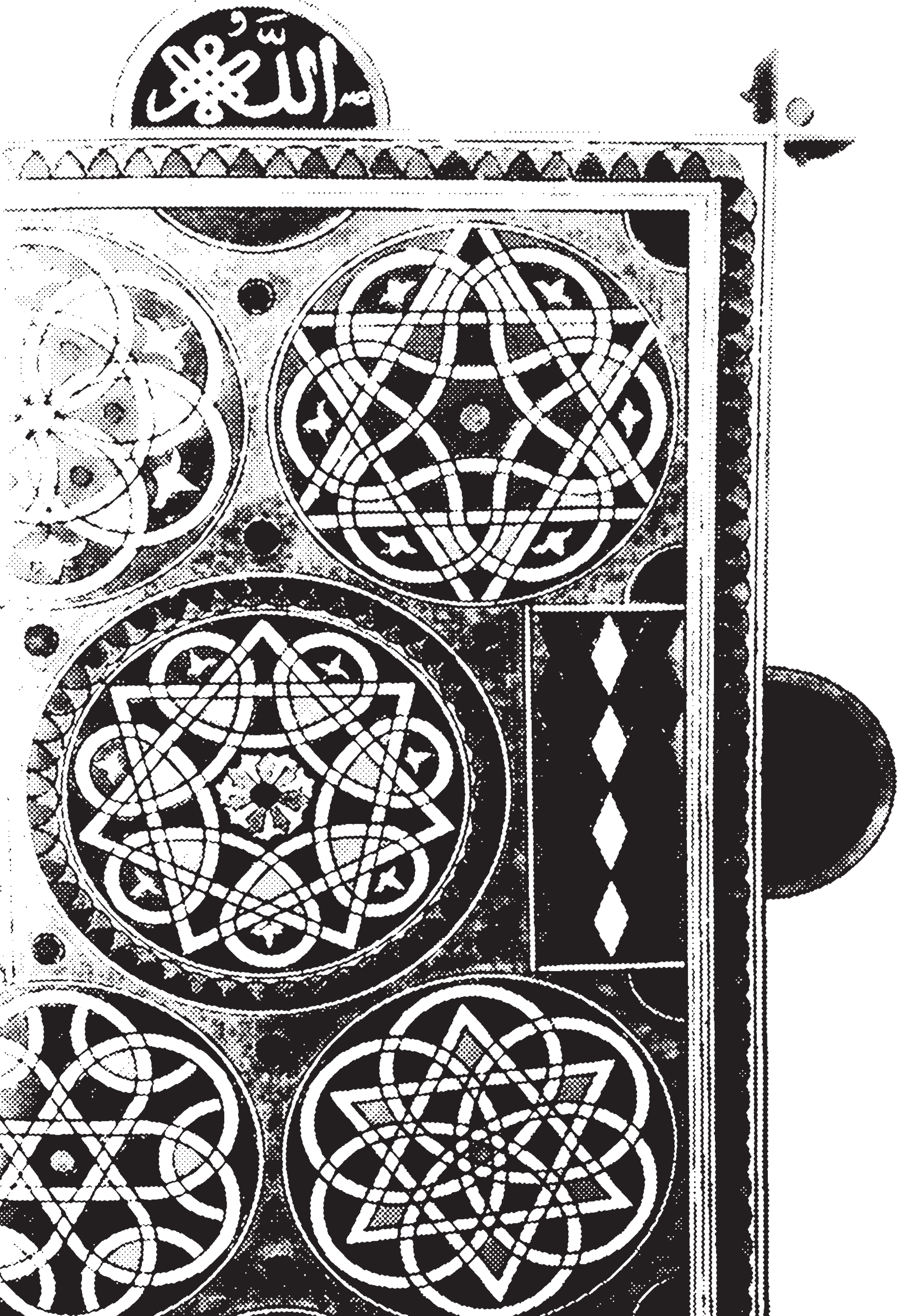

پیشنهادهای اجرایی هفته

◆ جلسه با هیئت امنای مسجد ◆ برگزاری مراسم دعای توسل (سه شنبه) ◆ برنامه ریزی برای جشن پیروزی انقلاب اسلامی و گرامی داشت دهه فجر ◆ خطابه با موضوع نماز در سالروز وجوب نماز در سال اول هجری ◆ آشنایی اهالی مسجد و به ویژه کودکان و نوجوانان با شهدای بزرگ و سرآمد انقلاب، در قالب بیان خاطرات و زندگی نامه این بزرگان ◆ برنامه‌ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید ◆ برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه) ◆ برگزاری مراسم دعای ندبه

نشانه‌های نزدیک شدن قیام مهدی علیه‌السلام

۱. خروج سفیانی

پیش از قیام حضرت مهدی علیه‌السلام، مردی از نسل ابوسفیان در منطقه شام خروج می‌کند و با تظاهر به دین‌داری، گروه فراوانی از مسلمانان را فریب می‌دهد و بخش گسترده‌ای از سرزمین‌های اسلامی (شام، حمص، فلسطین، اردن و منطقه عراق) را به تصرّف خود در می‌آورد.[۱] در کوفه و نجف، به کشتار شیعیان می‌پردازد و برای کشتن و یافتن آنان جایزه تعیین می‌کند[۲]، مدت حکومت او، نه ماه است.[۳]

وی، آن‌گاه که از ظهور آن حضرت آگاه می‌شود، سپاهی بزرگ برای جنگ با ایشان می‌فرستد.[۴] به امر خدا، همه لشکریان وی ـ جز چند نفر ـ در منطقه «بیداء» (بین مکه و مدینه) در زمین فرو می‌روند و هلاک می‌شوند.[۵]

۲. خروج دجّال

«خروج دجال» از نشانه‌های قیامت است که به خاطر توجه بیش از حد به این پدیده در اینجا به تفصیل به آن می‌پردازیم.

«دجّال» در زبان عربی به معنای «آب طلا» و «طلا اندود کردن» است و به همین علت، افراد بسیار دروغ‌گو که باطل را حق جلوه می‌دهند، «دجّال» نامیده می‌شوند.[۶] از روایات استفاده می‌شود «دجّال» ستم‌کاری است که در آخِرالزمان، مردم را گمراه می‌کند. البته در آموزه‌های هر سه دین یهودیت، مسیحیت و اسلام از آن سخن به میان آمده است. برخی می‌گویند دجّال تولد یافته و زنده است.[۷]

۳. خروج دابّةالاَرض

«خُروج دابّة الارض»، به معنای بیرون آمدن جنبنده زمین است. این‌پدیده، در روایات شیعه و اهل سنّت، مورد اشاره قرار گرفته و از آن به عنوان «اَشراط السّاعه» و یکی از نشانه‌های نزدیک شدن قیامت یاد شده است.[۸] درباره تطبیق این کلمه، بنای قرآن بر اجمال و ابهام بوده و یگانه وصفی که برای آن ذکر

کرده، این است که با مردم سخن می‌گوید و افراد بی‌ایمان را مشخص می‌کند؛ چنان که در آیه ۶ سوره «هود» می‌خوانیم:

وَ ما مِنْ دَابَّةٍ فِی الاَرْضِ الاَّ عَلَی اللهِ رِزْقُها...

هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر [اینکه] روزی‌اش بر عهده خداست.

٤. خروج قائم

در روایاتی چند، قیام جهانی حضرت، از بزرگ‌ترین پدیده‌هایی دانسته شده که در آستانه رستاخیز شکل می‌گیرد. رسول گرامی اسلام ﷺ فرمود:

> قیامت بر پا نمی‌شود، تا اینکه قیام کننده‌ای به حق از خاندان ما قیام کند و این، هنگامی است که خداوند، به او اجازه فرماید. هر کس از او پیروی کند، نجات می‌یابد و هر کس از او سرپیچد، هلاک خواهد شد.[9]

۵. نزول عیسی مسیح

فرود آمدن عیسی بن مریم هنگام قیام امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه، از دیدگاه همه مسلمانان، یک واقعیت مسلم است. این حادثه، از بزرگ‌ترین نشانه‌های حقّانیت امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه است. ابوبصیر گوید: به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: «ای پسر رسول خدا! قائم شما اهل بیت علیهم‌السلام کیست؟» فرمود:

> ای ابوبصیر! او پنجمین از فرزندان پسرم موسی است. او فرزند سرور کنیزان است و غیبتی می‌کند که باطل جویان در آن شک می‌کنند! خدای تعالی او را آشکار می‌کند و به دست او شرق و غرب عالم را می‌گشاید. روح الله عیسی بن مریم فرود می‌آید و پشت سر او نماز می‌گزارد. زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود...»[10]

پی‌نوشت

۱. مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص۸۶. ■ ۲. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج۲، ص۶۵۱. ■ ۳. طوسی، کتاب الغیبة، ص۴۴۹. ■ ۴. ر.ک: متقی هندی، کنز العمال، ح۳۱۵۳۵. ■ ۵. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبة، ص۲۷۹، ح۶۷. ■ ۶. ر.ک: ابن منظور، لسان العرب، ج۴، ص۲۹۴. ■ ۷. ر.ک: متقی هندی، کنزالعمال، ج۱۴، ص۳۲۳ـ۲۸۲. ■ ۸. ر.ک: صدوق، علل‌الشرایع، ج۱، ص۷۳؛ طوسی، کتاب الغیبة، ۲۶۶؛ ابن شهرآشوب، المناقب، ج۳، ص۱۰۲، و در کتب اهل سنّت ر.ک: بیضاوی، انوارالتنزیل و اسرار التأویل، ذیل : ۸۲ سوره نمل؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج۶، ص۲۱۰. ■ ۹. صدوق، عیون اخبار الرضا۷، ج۲، ص۵۹. ر.ک: اربلی، کشف‌الغمة فی معرفة الائمة:، ج۲، ص۴۵۹. ■ ۱۰. صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمة، ج۲، باب۳۳، ح۳۱.

شنبه ۳ بهمن

اذان صبح: ۵:۴۳
طلوع آفتاب: ۷:۱۱
اذان ظهر: ۱۲:۱۶
اذان مغرب: ۱۷:۴۱

۱۲ ربیع‌الثانی ۱۴۳۷
23 Jan 2016

منبر، فقط برای رضای خدا

هنگامی که محدث قمی در مشهد اقامت داشت، در یک ماه رمضان در مسجد گوهرشاد منبر می‌رفت. مرحوم آخوند ملا عباس تُربتی که از علما و روحانیون پارسای آن دیار بود، از تربت حیدریه به مشهد آمده بود تا در ماه رمضان از منبر حاج شیخ عباس قمی استفاده کند.

یک روز محدث قمی از بالای منبر چشمش به ملا عباس می‌افتد که در گوشه‌ای از مجلسِ پر جمعیت نشسته و به سخنان وی گوش می‌دهد. همان وقت از بالای منبر خطاب به مستمعین می‌گوید: ای مردم! حاج آخوند تشریف دارند، از ایشان استفاده کنید. و از منبر به زیر آمده و از آخوند می‌خواهند که تا آخر ماه رمضان به جای ایشان در حضور آن جمعیت منبر برود و در آن ماه دیگر خودشان منبر نرفتند.

پس باید مراقب بود تا مبادا خیال کنیم که جمعیت حاضر در پای منبر برای خاطر ما به آنجا آمده‌اند، بلکه آنها برای شنیدن کلام خداوند و ائمه معصومین علیهم‌السلام حضور پیدا کرده‌اند و اگر چیزی غیر از این در خیالمان باشد، حتی فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین منبرها و موعظه‌ها نیز ثمره‌ی چندانی نخواهند داشت.(مجله گنجینه، شماره ۸، ص ۵۶)

یکشنبه ۴ بهمن

اذان صبح: ۵:۴۳
طلوع آفتاب: ۷:۱۰
اذان ظهر: ۱۲:۱۶
اذان مغرب: ۱۷:۴۲

۱۳ ربیع‌الثانی ۱۴۳۷
24 Jan 2016

اصول استحکام نظام

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): عزیزان! طلاب جوان! فضلا! توجه کنید که حوزه علمیه-همان طور که امامؒ مکرر فرمودند-قاعده نظام جمهوری اسلامی است و همه چیز روی این قاعده بنا شده و دوام خواهد یافت. این قاعده باید محکم باشد. استحکام این قاعده، با تضمین سه عنصر اصلی امکان‌پذیر است، ... :
اولین عنصر، فقه است. فقاهت را به همان معنای پیچیده و ممتازی که امامؒ برای ما معنا می‌کردند و به‌خصوص در بیانات دو، سه سال اخیرشان بر آن تأکید داشتند، معنا می‌کنیم؛ یعنی ترکیبی از متد علمی و دقیق فقاهتی و به تعبیر امام(ره) فقه جواهری. فقه صاحب جواهر، به معنای دقت و اتقان کامل در قواعد فقهی و استنتاج منظم فروع از همان قواعدی است که در فقه و اصول مشخص شده است.
این فقاهت، دو رکن دارد، که رکن اول آن، اصول معتدل و قوی و آگاه به همه جوانب استنباط است، و رکن دوم، تطور فقه می‌باشد و همان چیزی است که امام در معنای اجتهاد و مجتهد و فقیه می‌فرمودند و تأکید داشتند که مجتهد و فقیه باید با دید باز بتواند استفهام‌ها و سؤال‌های زمانه را بشناسد. سؤال، نصف جواب است. تا شما سؤال زمان را ندانید، ممکن نیست بتوانید در فقه برای آن جوابی پیدا کنید. بنابراین، فهم سؤال و ترتیب جواب مناسب برای آن، مهم است. (۶۸/۳/۲۲)

دوشنبه ۵ بهمن

اذان صبح: ۵:۴۳
طلوع آفتاب: ۷:۱۰
اذان ظهر: ۱۲:۱۶
اذان مغرب: ۱۷:۴۳

۱۴ ربیع‌الثانی ۱۴۳۷
25 Jan 2016

قیام مختار ثقفی در کوفه به خون خواهی امام حسین علیه السلام (٦٦ هق)

انس با قرآن وادعیه

امام خامنه‌ای (مدّظلّه العالی): من خوشبختانه می‌بینم انس با قرآن در بین طلاب علوم دینی در همه جا روزبه‌روز بیشتر شده. این تلاوت‌های خوب هم که ما تشویق می‌کنیم و آن را ارجمند می‌شماریم، برای این است که تلاوت خوب، جاذبه قرآن را زیاد می‌کند، دل‌ها را به قرآن نزدیک می‌کند، انسان را به یاد قرآن می‌اندازد. مرحوم آقای قاضی‌ﷺ در سفارش‌ها و توصیه‌هائی که به صورت مکتوب برای بعضی از شاگردان خود به جای گذاشتند، از جمله چیزهائی که ذکر می‌کنند، همین است. ایشان توصیه می‌کنند که در سحرگاه، با آهنگ خوش قرآن بخوانید. این سفارش یک مرد معنوی روحانی مثل مرحوم حاج میرزا علی آقای قاضی است. انس با صحیفه سجادیه، انس با دعا که دنیایی از معرفت است. (۱۳۸۷/۰۲/۱۱)

طلبه باید با دعا، با ذکر و با مناجات انس پیدا کند. طلبه باید زندگی خود را یک زندگی دینی محض بکند. طلبه باید دل خود را پاک و صاف کند، تا وقتی در مقابل انوار معرفت و توفیقات الهی قرار گرفت، تلألؤ پیدا کند؛ برادران! بدون اینها نمی‌شود. ما کسانی را داشتیم که از لحاظ علمی، مراتب بالایی هم داشتند و مغزشان قوی بود؛ اما دل و روحشان ضعیف و آسیب‌پذیر بود. وقتی این جا آن بنیه معنوی و دینی ساخته نشود، آن جا که پای مقام و امکانات مادّی به میان می‌آید، انسان می‌لرزد؛ آن جا که پای فداکاری به میان می‌آید، انسان می‌لرزد و نمی‌تواند جلو برود؛ آن وقت چه طور می‌شود یک ملت و یک مجموعه را هدایت کرد؟ باید عمل کنیم، تا بتوانیم اثر بگذاریم. (۱۳۷۰/۱۲/۰۱)

سه‌شنبه ۶ بهمن

سالروز حماسه مردم آمل

اذان صبح: ۵:۴۲

طلوع آفتاب: ۷:۰۹

اذان ظهر: ۱۲:۱۷

اذان مغرب: ۱۷:۴۴

۱۵ ربیع‌الثانی ۱۴۳۷

26 Jan 2016

قداست لباس روحانیت

جناب مشهدی اکبر محمدی قنّاقستانی نقل می کرد سال ۱۳۷۶ هـ ق یك بقچه پولی پیدا می کند آن را برداشته و خدمت حاج آقای حسنی که بعدها در دوران انقلاب امام جمعهٔ موقت کرمان شدند، می‌رسد که این پول‌ها را چه کند. ایشان می گوید چون برداشتی، باید حفظ کنی و طبق احکام شرعی عمل نمایی... می گوید: بعد از مدتی یک روز نماز ظهر به مسجد جامع کرمان آمدم بعد از نماز دیدم از طرف صحن، آقای سیدی به طرف شبستان می آید. با خوشحالی سلام کردم و ایشان پاسخ گرمی دادند و فرمودند: مشهدی اکبر، آن بقچه پول متعلق به یکی از دوستان ماست. آقا نشانی داده و من هم پول‌ها را کامل تحویل دادم... بعد ایشان فرمودند مشهدی اکبر به قناقستان که رفتی سلام و پیغام ما را به آقای حسنی برسان و به ایشان بگو که قم نرو و در روستا بمان و دعای صبح جمعه‌ات را ادامه بده و رادیو کنار عمامهٔ ما نگذار! بعد هم آقا بشارت نابودی رژیم شاه و پیروزی انقلاب و از به آتش کشیده شدن آن مسجد جامع کرمان خبر دادند که به فاصلهٔ کمی همه آنها به وقوع پیوست و عنایتی هم به من کردند و سرفه‌های سخت من که موجب خون آمدن از سینه‌ام می‌شد شفا یافت بعد من خدمت آقای حسنی رفتم و پیام آقا را برای ایشان بردم. دست روی دست زد و گفت ای وای، من یك رادیو جیبی داشتم که برای گوش کردن خبر از آن استفاده می کردم. مکرر اتفاق افتاد شب‌هایی که از شدت خستگی به خواب می‌رفتم و هنگامی که بیدار می‌شدم صدای ساز و آواز و آهنگ رادیو..! (لباس روحانیت، ص۴۳)

چهارشنبه ۷ بهمن

اذان صبح: ۵:۴۲
طلوع آفتاب: ۷:۰۸
اذان ظهر: ۱۲:۱۷
اذان مغرب: ۱۷:۴۵

۱۶ ربیع‌الثانی ۱۴۳۷
27 Jan 2016

کارت درست می‌شود!!

یکی از کارمندان عالی رتبه شهرداری نقل کرد که: به علتی مرا از شهرداری اخراج نمودند. رفتم خدمت حاج شیخ حسنعلی نخودکی، ایشان فرمودند: نمازهایت را اول وقت بخوان، چهل روز دیگر کارت درست می‌شود. مدت یک ماه گذشت، اثری ظاهر نشد. مجدداً مراجعه کردم فرمودند: گفتم چهل روز دیگر. هر چه فکر کردم آثاری و امیدی در ظاهر نبود روز چهلم در خیابان نزدیک یک قهوه‌خانه نشسته بودم. شهردار سابق مشهد آقای محمدعلی روشن با درشکه از آن محل عبور می‌کرد بلند شده سلام کردم. درشکه را نگاه داشت پرسید چرا این جا نشسته‌ای مگر کاری نداری؟ شرح حال خود را گفتم. گفت با من بیا. با ایشان سوار درشکه شدم، رفتیم به استانداری و فوری دستور داد رفع اتهام از من کرده مرا به خدمت برگرداندند. درست قبل از ظهر چهلمین روزی که مرحوم حاج شیخ فرموده بودند، حکم اعاده به خدمت مرا داده و مشغول کار شدم. (کتاب آثار و برکات نماز اول وقت، ص۲۵)

پنجشنبه ۸ بهمن

اذان صبح: ۵:۴۱
طلوع آفتاب: ۷:۰۸
اذان ظهر: ۱۲:۱۷
اذان مغرب: ۱۷:۴۶

۱۷ ربیع‌الثانی ۱۴۳۷
28 Jan 2016

مثل این باشید...

مرحوم آیت‌الله سید محمد باقر مجتهد سیستانی -پدر آیت الله العظمی سیستانی- در مشهد مقدس برای آن که به محضر امام زمان ﷺ شرفیاب شود، ختم زیارت عاشورا را چهل جمعه هر هفته در مسجدی از مساجد شهر آغاز می کند.
ایشان می‌فرمود: در یکی از جمعه‌های آخر، ناگهان شعاع نوری را مشاهده کردم که از خانه‌ای نزدیک به آن مسجدی که من در آن مشغول به زیارت عاشورا بودم، می‌تابید. حال عجیبی به من دست داد و از جای برخاستم و به دنبال آن نور به در آن خانه رفتم. خانه کوچک و فقیرانه‌ای بود که از درون آن، نور عجیبی می‌تابید. در زدم، وقتی در را باز کردند، مشاهده کردم که حضرت ولی عصر امام زمان ﷺ در یکی از اتاق‌های آن خانه تشریف دارند و در آن اتاق، جنازه‌ای را مشاهده کردم که پارچه‌ای سفید روی آن کشیده بودند.
وقتی که من وارد شدم و اشک ریزان سلام کردم، حضرت به من فرمودند: چرا این گونه به دنبال من می‌گردی و این رنج‌ها را متحمل می‌شوی؟! مثل این باشید (اشاره به آن جنازه کردند) تا من به دنبال شما بیایم! بعد فرمود: این بانویی است که در دوران کشف حجاب رضاخان، هفت سال از خانه بیرون نیامد؛ تا مبادا نامحرم او را ببیند!
(شیفتگان حضرت مهدی ارواحنا فداء، ج۳، ص ۱۵۸)

جمعه ۹ بهمن

اذان صبح: ۵:۴۱
طلوع آفتاب: ۷:۰۷
اذان ظهر: ۱۲:۱۷
اذان مغرب: ۱۷:۴۷

۱۸ ربیع‌الثانی ۱۴۳۷
29 Jan 2016

رحلت استاد بزرگ اخلاق و عارف کبیر آیت الله «میرزا علی آقاقاضی طباطبایی» (۱۳۲۵ هـ ش)

اختلاف میان دو برادر و دخالت بیگانه!

نقل شده است که یک نفر از اهالی سامرا که به دلیلی شخصی نسبت به میزای شیرازی کینه می‌ورزید، یک روز پسر بزرگ میرزا را مضروب ساخت و میرزا محمد به علت این ضربت درگذشت.
میرزای شیرازی در این واقعه لام تا کام حرف نزد و کمترین واکنشی نشان نداد. عده‌ای از استعمارگران و دشمنان آن روز اسلام، و عوامل خارجی، واقعه را مورد توجه قرار داده و خواستند برای ایجاد فتنه‌ای در دنیای اسلام از آن بهره‌برداری کنند. به همین منظور گروهی از آنها به سامرا آمده و خدمت میرزا رسیدند و از وی درخواست کردند تا در این رابطه اقدام کند و دستوراتی بدهد. میرزای بزرگ به شدت آنان را از خود رانده و فرمودند: شما حق ندارید در هیچ یک از امور مربوط به ما مسلمانان و سرزمین‌های ما دخالت کنید. این یک قضیه‌ی ساده‌ای است که میان دو برادر اتفاق افتاده است.
آن عده با بینی‌های به خاک مالیده از حضور میرزا مرخص شدند. این جریان در آن ایام در استانبول به گوش خلیفه‌ی عثمانی رسید و او از این موضع‌گیری هوشمندانهٔ مرجع شیعه شادمان شد و به والیِ بغداد دستور داد که خود به حضور میرزا برسد و از وی تشکر کند و از وقوع این حادثه ابراز تأسف نماید. (مجله گنجینه، شماره ۹، ص ۴۹)

﴿ لَهُ مُعَقِّباتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ
يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللهِ إِنَّ اللهَ لا يُغَيِّرُ ما بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا ما
بِأَنْفُسِهِمْ وَ إِذا أَرادَ اللهُ بِقَوْمٍ سُوْءاً فَلا مَرَدَّ لَهُ وَ ما لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ والٍ

﴾[1]؛ برای انسان، مأمورانی است که پی در پی، از پیش رو و از پشت سرش، او را از فرمان خدا [حوادث غیر حتمی] حفظ می‌کنند؛ (امّا) خداوند سرنوشت هیچ قومی (و ملّتی) را تغییر نمی‌دهد؛ مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند! و هنگامی که خدا اراده سوئی به قومی (به خاطر اعمالشان) کند، هیچ چیز مانع آن نخواهد شد؛ بنابراین جز خدا، سرپرستی نخواهند داشت!

نکات تفسیری

۱ ـ «معقبات»، چنان که طبرسی در مجمع البیان و بعضی دیگر از مفسّران بزرگ گفته‌اند، جمع «معقبه» است و آن هم به نوبه خود جمع «معقب» می‌باشد و به معنی گروهی است که پی در پی و به طور متناوب، به دنبال کاری می‌روند.

ظاهر این آیه، دالّ بر آن است که خداوند به گروهی از فرشتگان، مأموریت داده که در شب و روز، به طور متناوب به سراغ انسان بیایند و از پیش رو و پشت سر نگاهبان و حافظ او باشند.[2]

جمله «إِنَّ اللهَ لا يُغَيِّرُ ما بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا ما بِأَنْفُسِهِمْ» که در دو مورد از آیات قرآن با تفاوت مختصری آمده است، یک قانون کلی و عمومی را بیان می‌کند؛ قانونی سرنوشت‌ساز و حرکت آفرین و هشدار دهنده. این قانون که یکی از پایه‌های اساسی جهان بینی و جامعه‌شناسی در اسلام است، بیان می‌دارد که مقدّرات شما، قبل از هر چیز و هر کس، در دست خود شما است؛ هر گونه تغییر و دگرگونی در خوشبختی و بدبختی اقوام، در درجه اول به خود آنها بازگشت می‌کند. شانس و طالع و اقبال و تصادف و تأثیر اوضاع فلکی و مانند اینها هیچ کدام پایه ندارد. اساس و پایه این است که اگر ملّتی خود بخواهد سربلند و سرفراز و پیروز و پیشرو باشد و یا به عکس، خودش تن به ذلّت و زبونی و شکست در دهد، حتّی لطف خداوند، یا مجازات او، بی‌مقدمه، دامان هیچ ملّتی را نخواهد گرفت؛ بلکه این اراده و خواست ملّت‌ها و تغییرات درونی آنهاست که آنها را مستحقّ لطف یا مستوجب عذاب خدا می‌سازد.

به تعبیر دیگر، این اصل قرآنی، که یکی از مهم‌ترین برنامه‌های اجتماعی اسلام را بیان می‌کند، بیان میدارد که هر گونه تغییرات بیرونی، متّکی به تغییرات درونی ملّت‌ها و اقوام است و هر گونه پیروزی و شکستی که به قومی رسد، از همین جا سرچشمه می‌گیرد. بنابراین آنها که همیشه برای تبرئه خویش، به دنبال «عوامل بیرونی» می‌گردند و قدرت‌های سلطه‌گر و استعمار کننده را همواره عامل بدبختی خود می‌شمارند، سخت در اشتباهند؛ چرا که اگر این قدرت‌های جهنّمی، پایگاهی در درون یک جامعه نداشته باشند، کاری از آنان ساخته نخواهد بود.[3]

۲ ـ عبارت «مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ»، توسعه می‌یابد، هم شامل امور مادّی و جسمانی و هم امور روحانی را در برمی‌گیرد. بنابراین همه اجسام و جسمانیاتی که در طول حیات انسان، به جسم او احاطه دارند، از آن جمله

است. بعضی از آنها در پیش روی او قرار گرفته و بعضی در پشت سر او واقع شده‌اند. هم‌چنین جمیع مراحل نفسانی که آدمی در مسیر به سوی پروردگار می‌پیماید و جمیع احوال روحی که به خود می گیرد، قرب و بعدها و سعادت و شقاوت‌ها و اعمال صالح و طالح و ثواب و عقاب‌هایی که برای خود ذخیره می کند، همه آنها یا در پشت سر انسان قرار دارند و یا در پیش روی او.

این انسان که خداوند او را اینگونه توصیف کرده است: "مالک نفع و ضرر، مرگ و حیات و بعث و نشور خود نیست و قدرت بر حفظ هیچ یک، از خود و آثار خود را ندارد؛ چه آنها که حاضرند و چه آنها که غائبند". این خدای سبحان است که او و آثار حاضر و غائب او را حفظ می کند. در عین اینکه فرموده است: «اللهُ حَفیظٌ عَلَیْهِمْ»[۴] و نیز فرموده:« وَ رَبُّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ حَفیظٌ»[۵] در عین حال، وسائطی را هم در این حفظ کردن، اثبات نموده و می‌فرماید: « وَ إِنَّ عَلَیْکُمْ لَحافِظینَ»[۶]

نکته دیگری که از این آیه شریفه استخراج می‌شود این است که نعمت‌هایی که از جانب خداوند به انسان‌ها می‌رسد، ملتزم با ایمان و اعمال پسندیده آنان است؛ یعنی هر گاه جامعه‌ای بر اساس فطرت توحیدی خود حرکت کند و به خدا ایمان آورد و کارهای شایسته انجام دهد، هم در دنیا و هم در آخرت، از نعمت‌های الهی برخوردار می‌شود و نعمت‌های دنیوی همچنان برای او استمرار می‌یابد، تا این که وضع خود را دگرگون کند و از ایمان به کفر و از سپاس گزاری به ناسپاسی روی آورد؛ در این صورت ممکن است خداوند نیز نعمت‌ها و موهبت‌ها را از جامعه سلب کرده و آنان را به سختی‌ها و نقمت‌ها دچار نماید.[۷]

از آنچه گفته شد، معلوم گردید که وجه اتّصال و ارتباط جمله مورد بحث با جمله بعد که می‌فرماید: «إِنَّ اللهَ لا یُغَیِّرُ ما بِقَوْمٍ حَتّی یُغَیِّرُوا ما بِأَنْفُسِهِمْ» چیست. این که در حقیقت جمله مذکور جمله مورد بحث را تعلیل می کند. معنای مجموع آن دو این است که خدای تعالی این معقّبات را قرار داده و بر انسان موکّل کرده تا او را به امر خدا حفظ نمایند، از این که هلاک شود و یا از دگرگونی در وضعی که دارد، نگه دارد. زیرا سنّت خدا بر این جریان یافته که وضع هیچ قومی را دگرگون نسازد، مگر آنکه خودشان حالات روحی خود را دگرگون سازند. به عنوان مثال اگر ایشان شکرگزار بودند و به جای شکر، کفران نمایند و یا اگر مطیع بودند و عصیان بورزند و یا اگر ایمان داشتند و به شرک بگرایند، در این هنگام خدا هم نعمت را به نقمت و هدایت را به اضلال و سعادت را به شقاوت مبدّل می‌سازد.[۸]

هم‌چنین حاصل جمله « إِنَّ اللهَ لا یُغَیِّرُ ما بِقَوْمٍ ...»، این است که خداوند چنین حکم رانده و حکمش را حتمی کرده که نعمت‌ها و موهبت‌هایی که به انسان می‌دهد، مربوط به حالات نفسانی خود انسان باشد؛ بنابراین اگر آن حالات، موافق با فطرتش جریان یافت، آن نعمت‌ها و موهبت‌ها هم جریان داشته باشد؛ مثلاً اگر مردمی به خاطر استقامت فطرت‌شان به خدا ایمان آورده و عمل صالح انجام دادند، به دنبال آن، نعمت‌های دنیا و آخرت بسوی ایشان سرازیر شود، هم چنان که فرمود: «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُری آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَیْهِمْ بَرَکاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الأَرْضِ وَ لکِنْ کَذَّبُوا»[۹] و مادامی که آن حالت در دل‌های ایشان دوام داشته باشد، این وضع هم از ناحیه خدا دوام یابد و هرگاه که ایشان حال خود را تغییر دادند، خداوند هم نعمت را به نقمت مبدل می‌سازد.[۱۰]

حدیث

۱ـ قال الباقر علیه‌السلام: یحفظ بامر الله من ان یقع فی رکی او یقع علیه حائط او یصیبه شیء حتی اذ جاء القدر خلوا بینه و بینه یدفعونه الی المقادیر و هما ملکان یحفظانه باللیل و ملکان من نهار یتعاقبانه.

به فرمان خدا انسان را حفظ می کند از این که در چاهی سقوط کند، یا دیواری بر او بیفتد، یا حادثه دیگری برای او

پیش بیاید تا زمانی که مقدّرات حتمی فرا رسد. در این هنگام آنها کنار می‌روند و او را تسلیم حوادث می کنند، آنها دو فرشته‌اند که انسان را در شب حفظ می کنند و دو فرشته‌اند که در روز به طور متناوب به این وظیفه می‌پردازند[۱۱].

۲ ـ قال الصادق علیه السلام ما من عبد الاّ و معه ملکان یحفظانه فاذا جاء الامر من عند الله خلیا بینه و بین امر الله[۱۲]

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: هیچ بنده‌ای نیست مگر اینکه دو فرشته با او هستند و او را محافظت می کنند، اما هنگامی که فرمان قطعی خداوند فرا رسد، او را تسلیم حوادث می کنند.

۳ ـ از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: پدرم همواره می‌فرمود: خداوند قضای حتمی رانده، که از هیچ بنده‌ای نعمتی را که به او ارزانی داشته، از او سلب نکند؛ مگر آنکه خود بنده کاری کند که مستوجب سلب نعمت شود، در آن صورت آن نعمت را به خاطر آن گناه سلب می کند. این اشاره به همان امری است که خداوند در قرآن کریم فرموده: « إِنَّ اللهَ لا یُغَیِّرُ ما بِقَوْمٍ حَتَّی یُغَیِّرُوا ما بِأَنْفُسِهِمْ»[۱۳].

۴ ـ در معانی الاخبار به سند خود از عبد الله بن فضل از پدرش روایت کرده که گفت: از ابا خالد کابلی شنیدم که می گفت: از زین العابدین، علی بن الحسین علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: گناهانی که نعمت را تغییر می‌دهند، عبارتند از: ظلم بر مردم، ترک عمل خیری که بدان عادت شده، کفران نعمت و ترک شکر. این همان نکته‌ای است که خدای تعالی درباره‌اش فرموده: «إِنَّ اللهَ لا یُغَیِّرُ ما بِقَوْمٍ حَتَّی یُغَیِّرُوا ما بِأَنْفُسِهِمْ»[۱۴]

داستان

درباره مرحوم عارف بالله، میرزا جواد آقا ملکی (متوفی ۱۳۴۳ ه ق) نوشته اند، ابتدای سلوکش بعد از دو سال خدمت استاد عارف خود، ملاّ حسینقلی همدانی (متوفی ۱۳۱۱) عرض می کند: من در سیر و سلوک خود به جائی نرسیدم!!

استاد می‌فرماید: اسم شما چیست؟ عرض می کند: مرا نمی‌شناسید، من جواد تبریزی ملکی هستم. می فرماید: شما با فلان ملکی‌ها بستگی دارید؟

عرض می کند: بلی و از آنها انتقاد می کند.

استاد می‌فرماید: هر وقت توانستی کفش آنها را که بد میدانی، پیش پایشان جفت کنی، من خود به سراغ تو خواهم آمد.

میرزا جواد آقا فردا که به جلسه درس می‌رود، خود پایین‌تر از بقیه شاگردان می‌نشیند و رفته رفته طلبه‌هائی که از فامیل ملکی در نجف بودند و آنها او را خوب نمی‌شناخته، مورد محبت خود قرار می‌دهد، تا جائی که کفش را پیش پای آنان جفت می کند. چون این خبر به آن طایفه که در تبریز ساکن بودند، می‌رسد رفع کدورت فامیلی می‌شود.

بعد استاد میرزا جواد می‌فرماید: دستور تازه‌ای (بعد از اصلاح فامیلی) نیست، تو باید حالت اصلاح شود و از همین دستورات شرعی بهره مند شوی، ضمناً یادآور می‌شود که کتاب مفتاح الفلاح مرحوم شیخ بهائی برای عمل کردن خوب است .

میرزا کم کم ترقّی می کند و به حوزه قم می‌آید و به تربیت نفوس پرداخته و عدّه زیادی از خواص و عوام از او بهره مند می‌شوند.[۱۵]

نتیجه

فیض و رحمت الهی عام و گسترده است، ولی به تناسب شایستگی‌ها و لیاقت‌ها در میان مردم تقسیم می‌شود.

اگر انسان از نعمت‌ها استفاده صحیح کند، این موهبت‌ها دائمی و جاودانی می‌شود و اگر وسیله طغیان و ظلم و بیدادگری و غرور و ناسپاسی شود، نعمت‌ها جای خود را به بلاها خواهد داد، اینها همه تأکیدی است بر خود ساخته بودن بسیاری از مصائب، از جانب انسان.[16]

پی‌نوشت

۱. سوره رعد، آیه ۱۱. ■ ۲. تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص، ۱۴۲. ■ ۳.همان، ص ۱۴۵. ■ ۴. خداوند بر ایشان حافظ است. سوره شوری، آیه ۶. ■ ۵. و پروردگارت بر هر چیزی حافظ و نگهبان است. سوره سبا، آیه ۲۱. ■ ۶. بدرستی که بر شما نگهبانانی هست. سوره انفطار، آیه ۱۰. ■ ۷. تفسیر المیزان ذیل آیه شریفه به طور اختصار، سید محمد رضا صفوی. ■ ۸. ترجمه تفسیر المیزان، ج۱۱، ص۴۲۲ـ ۴۲۱. ■ ۹. و اگر اهل قریه‌ها ایمان بیاورند و تقوی پیشه کنند، ما درهای برکات را از آسمان و زمین برویشان می‌گشاییم، ولی تکذیب کردند، ناگزیر ما نیز به آنچه کردند، گرفتارشان ساختیم. سوره اعراف، آیه ۹۶. ■ ۱۰. ترجمه تفسیر الیمزان، ج ۱۱، ص۴۲۳. ■ ۱۱. تفسیر برهان جلد ۲ صفحه ۲۸۳. ■ ۱۲. همان. ■ ۱۳. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۰۶، ح ۱۹. ■ ۱۴. همان، ص ۲۰. ■ ۱۵. تاریخ حکما و عرفاء ص، ۱۳۳. ■ ۱۶. پیام قرآن، ج۴، ص، ۵۲۸.

نقش امام زمان علیه‌السلام در امنیت جامعه

امنیت

از نگاه لغت، ریشه لغوی این واژه از کلمه «امن» و با مشتقاتی چون «ایمان»، «ایمنی» و «استیمان» به کار برده می‌شود. در لغت فارسی به ایمن‌شدن، درامان‌بودن و بی‌بیمی،[1] اطمینان‌خاطریافتن و برطرف شدن ترس و بیم،[2] معنا شده است.

نقش امام در امنیت

نقش معصوم علیه‌السلام در دو بُعد تکوین و تشریع، سبب فراهم‌شدن امنیت می‌شود. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در حدیثی می‌فرماید:

أَلَا إِنَّ أَهْلَ بَيْتِي أَمَانٌ لَكُمْ فَأَحِبُّوهُمْ بِحُبِّي وَ تَمَسَّكُوا بِهِمْ لَنْ تَضِلُّوا؛[3]

آگاه باشید! به درستی اهل بیت من، مایه امنیت برای شما هستند، پس همان‌طور که مرا دوست دارید، آنها را نیز دوست بدارید و در نتیجه هرگز گمراه نخواهید شد.

در روایتی حضرت مهدی علیه‌السلام از خود به عنوان مایه امنیت زمین و اهل آن یاد کرده است. آنجا که می‌فرماید:

« وَ إِنِّي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ؛[4]

همانا من مایه امنیت برای اهل زمین هستم، آن‌گونه که ستارگان مایه امنیت برای آسمانیان هستند.»

البته این برکت حضور امام علیه‌السلام به دو گونه است: نخست نفس وجود امام در نظام آفرینش است که بنابه روایات، نبود حجّت سبب فرو رفتن اهل زمین می‌شود، دیگر اینکه امام با به دست گرفتن زمام امور، موجبات ایجاد عدالت و امنیت در عالم خواهد شد.

حکومت مهدوی و امنیت

در حوزه مباحث مهدویت، امنیت یکی از مهم‌ترین ارکان حکومت جهانی

پیشنهادهای اجرایی هفته

■ خطابه با موضوع خانواده در اسلام و ویژگی‌های خانواده مطلوب دین‌مدار ■ برگزاری مراسم زیارت وارث (سه شنبه) ■ برگزاری مراسم جشن و پرسش و پاسخ با حضور مسئولان با هدف تبیین دستاوردهای انقلاب در ایام دهه فجر ■ برنامه‌ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید ■ برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه) ■ برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه)

حضرت مهدی علیه‌السلام است؛ در بیان اهمیت تحقّق امنیت همین بس که در صورت پدیدار شدن "امنیت" است که اهداف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، فکری و اخلاقی حضرت در سطح گسترده جامه عمل به خود می‌پوشند. البته ارزش امنیت آنگاه به روشنی دریافت می‌شود که بدانیم جامعه انسانی، در آستانه آن انقلاب بزرگ در نهایت ناامنی زندگی می گذراند.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در روایتی این جامعه را توصیف می کنند:

«مهدی این امّت از ماست. هنگامی در دنیا هرج و مرج شده و آشوب‌ها آشکار شود و راه‌ها مورد راهزنی قرار گرفته و بعضی از مردم به بعض دیگر تهاجم کنند و بزرگ به کوچک رحم نکند و کوچک‌تر احترام بزرگ‌تر را نگه ندارد، در چنین زمانی مهدی ما که نهمین امام از صلب حسین است؛ برج و باروهای گمراهی و قلب‌های قفل شده را فتح می کند و در آخرالزمان به‌خاطر دین قیام می کند؛ همان‌گونه که من در اول زمان، بدین قیام مبادرت کردم. او زمینی را که از جور پر شده، از عدل و داد، سرشار می‌سازد.[۵]»

امیرمومنان علیه‌السلام نیز دراین باره می‌فرمایند:

«اگر به تحقیق، قائم ما به پا خیزد، به سبب ولایت و عدالت او، آسمان آن‌چنان که باید، می‌بارد و زمین نیز رستنی‌هایش را بیرون می‌دهد و کینه از دل‌های بندگان زدوده می‌شود و میان وحوش آشتی برقرار می‌شود؛ یک زن میان عراق و شام پیاده خواهد رفت و آسیبی نخواهد دید و هر جا قدم می گذارد، همه سبزه و رستنی است و بر روی سرش زینت‌هایش را گذارده و هیچ کس او را آزار نداده و نمی‌ترساند.[۶]»

پی‌نوشت

۱. محمد معین، فرهنگ فارسی، نشر سرایش، ص۱۲۲. ■ ۲. محمد بندرریگی، فرهنگ بندرریگی، ص ۳۲۳. ■ ۳. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج۳۶، ص ۳۴۱. ■ ۴. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج۷۵، ص ۳۸۰، باب ۳۰. ■ ۵. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج۵۲، ص ۲۷۶. ■ ۶. همان، ج ۱۰، ص ۱۰۴.

شنبه ۱۰ بهمن

اذان صبح: ۵:۴۰
طلوع آفتاب: ۷:۰۶
اذان ظهر: ۱۲:۱۷
اذان مغرب: ۱۷:۴۸

۱۹ ربیع‌الثانی ۱۴۳۷
30 Jan 2016

اخلاص

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): این مطلب بارها به ذهن من گذشته است که هیچ چیزی زیباتر و پر جاذبه‌تر و شیرین‌تر از تلاش یک طلبه جوان با ایمان با امید باابتکار نیست؛ این چیز عجیبی است. کسانی که در این وادی نیستند، شاید درست نفهمند که من چه می‌گویم. یک طلبه، در گوشه‌ای از این دنیای بزرگ، تک می‌افتد و به کاری می‌چسبد. اگر ایمان و امید و ابتکار داشته باشد ـ این سه عنصر حتماً لازم است ـ می‌بینید بدون این که بر کسی تحمیل بشود، بدون این که مرتب مزاحم کسی بشود، بدون این که توقع زیادی داشته باشد و بدون این که برای خودش فکری بکند، این کار را شسته و رفته و تمیز و مرتب انجام می‌دهد.

... آن وقتی که ما طلبه‌ها این طور کار می‌کنیم، برکات الهی با ماست. آن وقتی که به آن بدنه شفاف اخلاص ما، اندک خدشه‌ای وارد می‌آید، کارها طور دیگری می‌شود؛ یعنی فوراً می‌بینیم که یک گوشه کار عیب پیدا می‌کند. تا وقتی که اخلاص هست، تا وقتی که «خود» نیست، تا وقتی که با کمترین برداشت، بیشترین کار را می‌خواهیم انجام بدهیم و واقعاً به انگیزه و به سائقه همان هدایت الهی کار می‌کنیم، برکات الهی همراه ماست. (۱۳۷۰/۰۸/۲۰)

ورود قمر به عقرب۷:۴۴

یکشنبه ۱۱ بهمن

اذان صبح: ۵:۴۰
طلوع آفتاب: ۷:۰۶
اذان ظهر: ۱۲:۱۸
اذان مغرب: ۱۷:۴۹

۲۰ ربیع‌الثانی ۱۴۳۷
31 Jan 2016

ریش شیخ، واسطهٔ کمک به فقرا!

روزی شیخ جعفر کاشف الغطا مَبلغی را به عنوان صدقه میان فقرای اصفهان تقسیم کرده و پس از اتمام پول به نماز جماعت ایستادند. بین دو نماز که مردم مشغول خواندن تعقیبات بودند، فقیر بی‌ادبی که تازه از ماجرای صدقات باخبر شده بود، به مسجد آمده و مقابل امام جماعت رسید و گفت: ای شیخ! به من پول بده. شیخ فرمود: کمی دیر آمدی، متأسفانه چیزی باقی نمانده است.

آن فقیر بی‌ادب با کمال جسارت به صورت ایشان آب دهان انداخت. ایشان نه تنها هیچ گونه عکس العمل منفی و خشونت آمیزی از خود نشان نداد، بلکه برخاست و در حالی که دامن خود را گرفته بود، در میان صفوف نمازگزاران گردش می کرد و می گفت: هر کس ریش شیخ را دوست دارد، به این فقیر کمک کند. مردم که ناظر این صحنه بودند، اطاعت نموده و دامن شیخ را پر از پول کردند. سپس ایشان همهٔ پول ها را آورده و به آن فقیر تقدیم کرد و به نماز عصر ایستاد.(مجله گنجینه، شماره ۹، ص ۴۹)

دوشنبه ۱۲ بهمن

اذان صبح: ۵:۳۹
طلوع آفتاب: ۷:۰۵
اذان ظهر: ۱۲:۱۸
اذان مغرب: ۱۷:۵۰

۲۱ ربیع‌الثانی ۱۴۳۷
1 Feb 2016

بازگشت حضرت امام خمینی رحمة الله علیه به ایران (۱۳۵۷ هش) و آغاز دهه مبارك فجر انقلاب اسلامی

دشمن خمینی کافر است!!

دو سال از حضورش در مسجد خاتم الاوصیاء ﷺ تهران نو می‌گذشت. در همسایگی مسجد، باغی بود متعلق به یکی از نوکران دربار که درباریان خصوصاً اسدالله علم در آنجا رفت و آمد داشت و محل عیاشی درباریان بود. شبی بعد از نماز مغرب و عشا، شیخ حسین بلند شد و گفت: «خدا در قرآن به مؤمنین می‌فرماید: مفسدین را بشناسید و بدانید که آنان صالح نیستند. آیات خدا برای همه نسل‌های بشر راه‌گشا است... همه می‌دانیم که لکه ننگی و لانه فسادی در بیخ گوش مسلمین و مؤمنین دایر است؛ شما و ما وظیفه داریم که زودتر این لکه ننگ را پاک کنیم و... آنان که امشب سر همراهی با من دارند، به خدا توکل کنند و از هیچ چیز نترسند». ساعت ۱۰ شب آن مرکز فساد به میدان نبردی شبیه شده بود که هیچ سربازی در آن باقی نمانده بود و عیاشان خوش‌گذران به همراه صاحب باغ فرار کرده بودند! فردای آن روز، اولین پرونده آیت الله حسین غفاری در سازمان تازه تأسیس ساواک تشکیل شد.

پس از عاشورای سال ۱۳۴۲ ش که منتهی به قیام خرداد شد، بسیاری از علمای تهران را زندانی کردند. در میان آنها آیت الله غفاری نیز حضور داشت. یک هفته در زندان بود. سپس برای بازجویی احضار شد. در برگه بازجویی پرسیده شده بود: چرا به زندان آمدید؟ نوشت: «نیامدم. مرا آوردند. هر کسی که صدا داشته باشد، سرنوشتش زندان است». پرسیده بودند: نظر شما درباره خمینی چیست؟ آیت الله غفاری کلمه «آقا» را بر کلمه خمینی افزود که ناگهان سیلی محکم بازجو به گونه‌اش نشست. در پاسخ نوشت: «دشمن خمینی کافر است» (بوسه بر دار، ص۷۶)

خروج قمر از عقرب
۱۹:۱۲

سه‌شنبه ۱۳ بهمن

اذان صبح: ۵:۳۸
طلوع آفتاب: ۷:۰٤
اذان ظهر: ۱۲:۱۸
اذان مغرب: ۱۷:۵۱

۲۲ ربیع‌الثانی ۱٤۳۷
2 Feb 2016

بهتر است که درس نباشد!

آیت الله بهاء الدینی﵀ می فرمودند:

اگر نظر ما و نیت ما این باشد که درس ما شلوغ است و مسجد ما مملو جمعیت، بیچاره ایم. زیرا با دست خالی، دل به اینها خوش کرده ایم؛ غافل از این که وقتی در برابر خداوند قرار می گیریم، کاری برای او نکرده ایم تا ارائه دهیم. اگر قرار باشد این گونه باشیم و دلمان به شلوغ تر بودن درسمان، پر بودن مسجدمان و خوب بودن وضعمان خوش باشد، پس بهتر است که درس نباشد! چشم بنده که به جمعیت افتاد، احساس کردم که درس ما هم درسی است در کنار درسها. به همین جهت گفتم ما که برای خدا کار نکرده ایم، حداقل مشرک نباشیم. (به نقل از کتاب آیت بصیرت)

روز فناوری فضایی

چهارشنبه ۱۴ بهمن

اذان صبح: ۵:۳۸
طلوع آفتاب: ۷:۰۳
اذان ظهر: ۱۲:۱۸
اذان مغرب: ۱۷:۵۲

۲۳ ربیع‌الثانی ۱۴۳۷
3 Feb 2016

زی اهل علم

امام خمینی(ره): مبادا خدای نخواسته به واسطه بعض از اعمالی که از بعض از این روحانیون و معممین صادر می‌شود، ... یك وقت یك سستی در روحانیت پیدا بشود. از آن زی روحانیت و زی طلبگی اگر ما خارج بشویم، اگر از آن زی که مشایخ ما در طول تاریخ داشته‌اند و ائمه هدی(ع) داشته‌اند، ما اگر خارج بشویم خوف این است که یك شکستی به روحانیت بخورد، و شکست به روحانیت شکست به اسلام است. اسلام با استثناء روحانیت محال است که به حرکت خودش ادامه بدهد اگر ما از زی متعارف روحانیت خارج بشویم. (صحیفه امام، ج۱۸، ص۱۲-۱۳)

باید توجه کنید که همه متوجه شما هستند، لذا زی اهل علم خودتان را حفظ کنید. درست مانند علمای گذشته ساده زندگی کنید. در گذشته چه طلبه و چه عالم بزرگ شهر زندگیشان از سطح معمولی مردم پایین‌تر بود و یا مثل آنها بود. امروز سعی کنید زندگیتان از زی آخوندی تغییر نکند. اگر روزی از نظر زندگی از مردم عادی بالاتر رفتید بدانید که دیر یا زود مطرود می‌شوید؛ برای اینکه مردم می‌گویند ببینید آن وقت نداشتند که مثل مردم زندگی می‌کردند، امروز که دارند و دستشان می‌رسد از مردم فاصله گرفتند. باید وضع مثل سابق باشد، باید طوری زندگی کنیم که نگویند طاغوتی هستیم. (صحیفه امام، ج۱۷، ص۴۵۲-۴۵۳)

۱۵ بهمن

پنج‌شنبه

اذان صبح: ۵:۳۷
طلوع آفتاب: ۷:۰۳
اذان ظهر: ۱۲:۱۸
اذان مغرب: ۱۷:۵۳

۲۴ ربیع‌الثانی ۱۴۳۷

4 Feb 2016

انتخاب دولت موقت انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ هش)
رحلت میرزای مجدد، سیدمحمدحسن حسینی شیرازی صاحب فتوای تنباکو (۱۲۷۳ هش) سامرا

اگر قرآن به زبان سعدی زمانه نداریم، اخلاق که می‌توانیم داشته باشیم...

امام خامنه‌ای (مدظله العالی) : دوران جوانی در مشهد در مسجدی که بنده نماز می‌خواندم، بین نماز مغرب و عشا هیچ وقت داخل مسجد جا نبود؛ همیشه بیرون مسجد هم جمعیت متراکم بود؛ هشتاد درصد جمعیت هم از قشر جوان بودند؛ برای خاطر اینکه با جوان تماس می‌گرفتیم. در همان سال‌ها پوستین‌های وارونه مد شده بود و جوانانِ خیلی اهل مد آن‌را می‌پوشیدند.

یك روز دیدم جوانی که از این پوستین‌های وارونه پوشیده، صف اول نماز در پشت سجاده من نشسته است؛ یك حاجی محترم بازاری هم که مرد خیلی فهمیده‌ای بود و من خیلی خوشم می‌آمد که او در صف اول می‌نشست، در کنار این جوان نشسته بود. دیدم رویش را به این جوان کرد و چیزی در گوشش گفت و این جوان یکباره مضطرب شد. برگشتم به آن حاجی محترم گفتم چه گفتی؟ به‌جای او جوان گفت چیزی نیست. فهمیدم که این آقا به او گفته که مناسب نیست شما با این لباس در صف اول بنشینید! گفتم نه آقا، اتفاقاً مناسب است شما همین‌جا بنشینید و تکان نخورید! گفتم حاجی! چرا می‌گویی این جوان عقب برود؟ بگذار بدانند که جوان با لباسی از جنس پوستین وارونه هم می‌تواند بیاید به ما اقتدا کند و نماز جماعت بخواند.

برادران! اگر پول و امکانات هنری نداریم، اگر فعلاً ترجمه قرآن به زبان سعدی زمانه را نداریم، «اخلاق» که می‌توانیم داشته باشیم؛ «فی صفة المؤمن، بِشْرُهُ فِی وَجْهِهِ، وَ حُزْنُهُ فِی قَلْبِه» با اخلاق، سراغ این جوانان و دل‌ها و روح‌ها و ورای قالب‌هاشان بروید؛ آن‌وقت تبلیغ انجام خواهد شد. (۷۶/۳/۲۶)

اذان صبح: ٥:٣٦
طلوع آفتاب: ٧:٠٢
اذان ظهر: ١٢:١٨
اذان مغرب: ١٧:٥٤

۲۵ ربیع‌الثانی ۱٤۳۷
5 Feb 2016

تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام به امر امام خمینی رحمة الله علیه (۱۳٦٦ هـ ش)

او دائم الذکر بود

آیت الله غروی اصفهانی در کنار این فعالیت‌های علمی آن قدر مقید به برنامه‌های عبادتی بودند، که هر کس اینها را می‌دید فکر می‌کرد که اصلاً به هیچ چیز غیر از عبادت نمی‌رسد، هر روز زیارت عاشورا و هر روز نماز جعفر طیار از برنامه‌های عادی ایشان بود. روزهای پنج‌شنبه، طبق سنتی که علمای نجف دارند و معمولاً روز پنج‌شنبه یا جمعه یک روضه هفتگی دارند که زمینه‌ای است برای دیدار دوستان و استادان و شاگردان با همدیگر و توسلی هم انجام می‌گرفت، مرحوم آقا شیخ محمد حسین (قدس سره) در این روضه‌شان مقید بود که خود پای سماور بنشیند، و خود او همه کفش‌ها را جفت کند، و در عین حال زبانش مرتب در حال حرکت بود خیلی تند تند و یک چیزی را می‌خواندند ما متوجه نمی‌شدیم که این چه ذکری است که ایشان این قدر مقید هست در حال نشستن و برخاستن بگویند، تا اینکه یکی از دوستان که با ایشان خیلی مأنوس بود (مرحوم آقا شیخ علی محمد بروجردی‌رحمه‌الله) از ایشان سؤال کرده بود که آقا این چه ذکری است که شما این قدر تقیّد دارید؟ حتی بین سلام و احوال‌پرسی‌تان آن را ترک نمی‌کنید؟ ایشان لبخندی زده بود و بعد از تأملی فرموده بود: خوب است انسان روزی هزار مرتبه إنا أنزلنا بخواند».

(فریادگر توحید، ص ۴۹، به نقل از آیت الله بهجت‌رحمه‌الله)

﴿وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾[1]؛ و (هم‌چنین به خاطر بیاورید) هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت: «اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود؛ و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است.»

نکات تفسیری

۱ ـ شکر، مایه فزونی نعمت و کفر، موجب فنا است.

بدون شک، خداوند در برابر نعمت‌هایی که به بندگان خود بخشیده است، نیازی به شکر ندارد و اگر دستور به شکرگزاری فرموده است، این خود موجب نعمت دیگری برای ایشان است. این مسئله نشان از مکتب متعالی در تربیت است.

مهم، شناخت حقیقت شکر است. تا آنکه روشن شود رابطه آن، با افزونی نعمت از کجاست و چگونه می‌تواند خود یک عامل تربیت بوده باشد.

حقیقت شکر تنها تشکر زبانی یا گفتن «الحمد لله» و مانند آن نیست؛ بلکه شکر دارای سه مرحله است. نخستین مرحله آن است که به دقت بیندیشیم که بخشنده نعمت کیست؟ این توجه و ایمان و آگاهی، پایه اول شکر است. از آن که بگذریم، مرحله فرازبانی مطرح می‌شود، از این مرحله بالاتر، شکر در عمل است. شکر عملی آن است که در باب اینکه هر نعمتی، برای چه هدفی به انسان داده شده است، درست بیندیشیم؛ تا اینگونه نعمت‌ها را در جای خود، صرف کنیم، در غیر این صورت، کفران نعمت کرده‌ایم. همانگونه که بزرگان فرموده‌اند: «الشکر صرف العبد جمیع ما انعمه الله تعالی فیما خلق لاجله.»

امام صادق علیه‌السلام در باب شکر می‌فرماید:

ادنی الشکر رؤیة النعمة من الله من غیر علة یتعلق القلب بها دون الله و الرضا بما اعطاه و ان لا تعصیه بنعمة و تخالفه بشیء من امره و نهیه بسبب من نعمته:

کمترین شکر، این است که نعمت را از آن خدا بدانی، بی‌آنکه قلب تو مشغول به آن نعمت شود و خدا را فراموش کنی. بنابراین باید از نعمت‌های الهی راضی بوده و این موهبت‌ها وسیله عصیان و نافرمانی از خداوند قرار نگیرد.[2]

از اینجا روشن می‌شود که شکر قدرت و علم و دانش و نیروی فکر و اندیشه و نفوذ اجتماعی و مال و ثروت و سلامت و تندرستی هر کدام از چه راهی است؟ و کفران آنها چگونه است؟ هم‌چنین رابطه میان شکر و فزونی نعمت روشن می‌شود؛ چرا که هر گاه انسانها نعمتهای خدا را، درست در راستای اهداف واقعی نعمت، صرف کنند، عملاً ثابت کرده‌اند که شایسته و لایق هستند و این لیاقت و شایستگی، سبب فیض بیشتر و موهبت افزونتر خواهد شد.

اصولاً ما دو گونه شکر داریم. شکر تکوینی و شکر تشریعی.

شکر تکوینی آن است که موجودات از مواهبی که در اختیار دارند، برای رشد و نموّ خود استفاده کنند؛ فی المثل باغبان می‌بیند در فلان قسمت باغ، درختان به خوبی رشد و نموّ می‌کنند و هر قدر از آنها بیشتر مراقبت می‌کند، شکوفاتر می‌شوند. همین امر سبب می‌شود که باغبان همّت بیشتری به تربیت آن بخش از درختان باغ بگمارد و

مراقبت از آنها را به کارکنان خویش توصیه کند؛ چرا که آن درختان به زبان حال، فریاد می‌زنند ای باغبان! ما لایقیم، ما شایسته‌ایم، نعمتت را بر ما افزون کن، او نیز به این ندا پاسخ مثبت می‌دهد.

اما در بخش دیگر از باغ، درختانی را می‌بینند که پژمرده شده‌اند، نه طراوتی، نه برگی، نه گلی، نه سایه‌ای دارند و نه میوه و ثمری. این کفران نعمت سبب می‌شود که باغبان، آنها را مورد بی‌مهری قرار دهد و در صورتی که این وضع ادامه پیدا کند، باغبان دستور خواهد داد که درخت را قطع کنند؛ چرا که:

بسوزند چوب درختـــــان بی بر   سزا خود همین است مر، بی‌بری را

در میان انسان‌ها نیز همین حالت وجود دارد، با این تفاوت که درخت از خود اختیاری ندارد و صرفاً تسلیم قوانین تکوینی است، اما انسان‌ها با استفاده از نیروی اراده و اختیار و تعلیم و تربیت تشریعی، می‌توانند آگاهانه در این راه گام بگذارند.

بنابراین آن کس که نعمت قدرت را وسیله ظلم و طغیان قرار می‌دهد، به زبان حال فریاد می‌زند: خداوندا لایق این نعمت نیستم. آن کس که از قدرت، در مسیر اجرای حق و عدالت بهره می‌گیرد، به زبان حال می‌گوید: پروردگارا شایسته‌ام، افزون کن! این واقعیت نیز قابل تردید نیست که ما هر وقت در مقام شکر الهی برمی‌آئیم، حال چه با فکر و چه با زبان و چه با عمل، خود این توانایی بر شکر در هر مرحله، موهبت تازه‌ای است. به این ترتیب اقدام بر شکر، ما را مدیون نعمت‌های تازه او می‌سازد و به این ترتیب هرگز قادر نیستیم که حق شکر او را ادا کنیم؛ همان‌گونه که در مناجات شاکرین، از مناجات‌های پانزده‌گانه امام سجاد عليه‌السلام می‌خوانیم:

« کیف لی بتحصیل الشکر و شکری ایاک یفتقر الی شکر، فکلما قلت لک الحمد وجب علی لذلک ان اقول لک الحمد!»

چگونه می‌توانم حق شکر تو را بجای آورم، در حالی که شکر من، نیاز به شکری دیگر دارد و هر زمان که می‌گویم لک الحمد، بر من لازم است که به خاطر همین توفیق شکرگزاری، بگویم لک الحمد! بنابراین برترین مرحله شکری که از انسان ساخته است، این است که از شکر نعمت‌های او، اظهار عجز و ناتوانی کند.[3]

۲ـ در آیه «وَ مَنْ يَشْكُرْ فَاِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَ مَنْ كَفَرَ فَاِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ.»[4]

هر کس در برابر نعمتهای الهی شکرگزاری کند، به سود خویش شکرگزاری کرده و هر کس کفران کند (به زیان خود کرده)، چرا که پروردگار من بی‌نیاز و کریم است»

در این آیه، سخن از حضرت سلیمان عليه‌السلام است. هنگامی که سلیمان نبی به یاران و اطرافیان خود پیشنهاد کرد تا تخت ملکه «سبا» را از شام به یمن بیاورند و یکی از نزدیکان او که به علم کتاب آگاهی داشت، گفت: من آن را در یک چشم بر هم زدن نزد تو می‌آورم و این کار را انجام داد، سلیمان بسیار شادمان شد که در میان یارانش این گونه شخصیت‌هائی، با چنین قدرت روحانی و معنوی که می‌توانند چنین تصرفات شگرفی را در محیط خود بنمایند، وجود دارد، به جهت این موهبت الهی در مقام شکرگزاری برآمد. قابل توجه این که جزای شکرگزاران به روشنی در آیه ذکر شده است؛ با این حال، کیفر ناسپاسی‌ها به صورت غیر مستقیم بیان شده است. آن‌چنان که می‌فرماید: « هر آن کس که کفران کند، پروردگار من بی نیاز و کریم است» این تعبیر مخصوصاً با تکیه بر کریم بودن خداوند، نهایت لطف و کرم او را نشان می‌دهد.

بنابر آیه مورد بحث، اگر خداوند بندگان را از ناسپاسی برحذر می‌دارد و به سپاس‌گزاری دعوت می‌نماید، به این خاطر نیست که برای او تفاوتی می‌کند؛ حتی در فرض ناسپاسی بندگان، خداوند متعال در بسیاری اوقات، به لطف و کرم خویش ادامه خواهد داد، تا مگر اینکه ایشان بیدار شوند و خود را از نعمت و انعام پروردگار، بر اثر ناسپاسی، محروم نکنند.

اصولاً ثمره و نتیجه تمام تکالیف الهی، به خود بندگان بازمی‌گردد و به گونه‌ای، مکتبی برای تربیت آنها است؛ زیرا خداوندی که غنی بالذّات است و کمترین نیاز به ذات پاکش راه ندارد، نه از طاعات بندگان سودی می‌برد و نه از عصیان و ناسپاسی آنها بر دامن کبریائی‌اش گردی می‌نشیند!

۳ـ در آیه «وَ لَقَدْ اٰتَيْنَا لُقْمانَ الْحِكْمَةَ اَنِ اشْكُرْ لِلّٰهِ وَ مَنْ يَشْكُرَ فَاِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَ مَنْ كَفَرَ فَاِنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ حَمِيْدٌ».[5]

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «ما به لقمان حکمت دادیم (و به او گفتیم) شکر خدا را به جا آور، هر کس شکرگزاری کند،

به سود خویش شکر گزاری کرده و آن کس که کفر ورزد (زیانی به خدا نمی‌رساند) چرا که خداوند، بی‌نیاز و ستوده است».

حکمتی را که خداوند به لقمان آموخت، شامل شناخت اسرار جهان هستی و آگاهی از طرق هدایت و بهترین روش زندگی فردی و اجتماعی بود. گوشه‌هایی از این حکمت، در سوره لقمان و در لابلای اندرزهای لقمان به فرزندش مورد اشاره قرار گرفته و این یک موهبت و نعمت معنوی است که خداوند با اهمیت بسیاری از آن یاد فرموده است. همان گونه که در آیه قبل نیز بر یک نعمت معنوی تکیه شده، تا مردم در مواهب مادّی غرق نشده و نعمت را منحصر در نعمت مادّی ندانند.

در این جا دو نکته شایان توجه است: نخست این که شکر گزاری به صورت فعل مضارع ذکر شده و کفران و ناسپاسی به صورت فعل ماضی به کار رفته است. این مسأله اشاره به این مطلب دارد که در مسیر تکامل و پیشرفت روحانی و قرب الی الله، تداوم شکر لازم است؛ در حالی که ناسپاسی، عواقب سوء و دردناکی به دنبال خواهد داشت. دیگر این که در ذیل این آیه بر دو صفت «غنی و حمید» (بی‌نیاز و ستوده) تکیه شده است، در حالی که در آیه مربوط به سلیمان نبی، بر دو صفت « غنی و کریم » تکیه شده بود. این تفاوت شاید اشاره‌ای است بر اینکه خداوند در هر حال، غنی و بی‌نیاز از شکر بندگان است و فرشتگان پیوسته او را حمد و ثنا خواهند گفت. هر چند وجود باری تعالی، به حمد و ثنای فرشتگان نیز نیازی ندارد. این بندگانند که از طریق شکر گزاری راهی به کَرَم فزونتر او پیدا می کنند.

۴ ـ در آیه: (وَ لَئِنْ اَذَقْنَا الْاِنسانَ مِنّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعناهُ مِنْهُ اِنَّهُ لَيَؤُسٌ کَفُورٌ * وَ لَئِنْ اَذَقْناهُ نَعْماءَ بَعْدَ ضَرّاءِ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئاتُ عَنّی اِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ).

اگر به انسان نعمتی بچشانیم و سپس از او بگیریم، بسیار مأیوس و ناسپاس خواهد شد ـ و اگر بعد از شدت و ناراحتی نعمت‌هائی به او برسانیم، (از روی غرور) می گوید: مشکلات از من برطرف شد و دیگر باز نخواهد گشت و غرق شادی و غفلت و فخر فروشی می‌شود.

سخن از انسان‌های کم ظرفیت و فاقد ایمان و تقوا به میان آمده، که ناسپاسی جزء خمیره وجودی آنها شده است. همانگونه که می‌دانیم اوصاف نکوهیده‌ای که به طور مطلق برای انسان در قرآن مجید آمده است، اشاره به انسان‌های تربیت نایافته و بی‌ایمان و یا ضعیف‌الایمان است. به همین دلیل در آیه‌ای که بعد از آیات مورد بحث آمده، می‌خوانیم: «اِلَّا الَّذينَ صَبَرُوا وَ عَمِلُوا الصالحاتِ اولئِکَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ اجْرٌ کَريمٌ».[۶] مگر کسانی که (در سایه ایمان قوی) صبر و استقامت به خرج داده و عمل صالح به جا آوردند، که برای آنها آمرزش و اجر بزرگی است».

این استثناء به خوبی نشان می‌دهد انسانهای ناامید و ناسپاس و غافل و مغرور، کسانی هستند که به مرحله بالای ایمان و صبر و عمل صالح راه نیافته‌اند.

در مجموع از این چند آیه می‌توان نتیجه گرفت که کفران نعمت‌ها و ناسپاسی در برابر مشکلات، انسان را به صفات سوء دیگری می کشاند و از مغفرت و اجر عظیم الهی، محروم می‌سازد.

انسان‌های بی‌ایمان یا ضعیف‌الایمان چنان هستند که اگر مختصر نعمتی از نعم الهی از آنها سلب شود، زبان آنها به ناشکری و اظهار یأس و ناامیدی گشوده می‌شود و اگر مختصر نعمتی به آنها برسد، مغرور می‌شوند و در غفلت فرو می‌روند و طغیان می‌کنند. این در حالی است که تمام دنیا امر ناچیز و مختصر و آن چه به انسان خواهد رسید، امری بسیار ناچیزتر است و اگر آن امر، فی حدّ ذاته کوچک و ناچیز باشد، بی‌اندازه خرد و کم ارزش خواهد بود؛ ولی با این حال، افراد بی‌ایمان را تحت تأثیر قرار خواهد داد. این به جهت کمبود ظرفیت در برخی انسان‌ها است؛ در حالی که ایمان قوی و آشنائی با ذات پاک خداوند، که بی‌نهایت قدرت، علم و توانائی دارد، چنان ظرفیتی به انسان می‌بخشد که حوادث بزرگ اعم از نیک و بد، او را دگرگون نمی‌سازد.[۷]

حدیث

۱- قال رسول خدا صلی الله علیه و آله: اسْرَعُ الذُّنُوبِ عُقُوبَةً کُفْرانُ النِّعْمَةِ[۸]

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: گناهی که زودتر از همه گناهان عقوبتش دامان انسان را می گیرد، کفران نعمت است.

۲- قال امیر مؤمنان علی علیه السلام: سَبَبُ زَوالِ النِّعَمِ الْکُفْرانُ

امیر مومنان علیه السلام می‌فرماید: آن چه باعث زوال نعمت‌ها می‌شود، کفران است.[۹]

۴ ـ عن حسین بن علی علیه السلام: الْاِسْتِدْراجُ مِنَ اللهِ سبحانه لِعَبدِهِ اَنْ یُسْبِغَ عَلَیْه النِّعَمَ وَ یَسْلُبَهُ الشُّکْرَ.[۱۰]

امام حسین علیه السلام نیز در این رابطه می‌فرماید: استدراج در نعمت از جانب خداوند، اینگونه است که به بنده‌اش نعمت فراوان می‌دهد و توفیق شکرگزاری را او سلب می‌کند (ناگهان به زمین می‌خورد و همه چیز را از دست می‌دهد).

داستان

ابوهاشم جعفری نقل می‌کند دچار مضیقه و تنگنای شدیدی شدم، پس به خدمت امام هادی علیه السلام رسیدم، چون اجازه ورود و نشستن دادند، فرمود: ای ابوهاشم کدام یک از نعمت‌هائی را که خداوند به تو ارزانی داشته، می خواهی شکرش را بجای آوری؟ که شکر نعمت، نعمت‌ها را افزون کند.

ابوهاشم گوید: من بهت زده شدم و ندانستم چه بگویم؟ امام علیه السلام خود آغاز به توضیح دادن نمود و فرمود: ایمان را روزی تو قرار داد، پس تو را بر طاعتش یاری فرمود؛ قناعت را روزی تو قرار داد، پس تو را از تشریفات زندگی و زیاده‌روی مصون داشت.

سپس فرمود: ای ابوهاشم، آن روز به این گونه آغاز سخن کردم که پنداشتم می‌خواهی در نزد من شکایت کنی که چه کسی با تو چنین کرده (ترا در مضیقه قرار داده) و من دستور دادم یک صد دینار به تو داده شود، پس آن را بگیر.[۱۱]

نتیجه

روحیه شکر گذاری از خالق در انسان، حاکی از روح تعبّد و بندگی و قدر شناسی اوست و به عکس کفران نعمت، حاکی از عدم معرفت به خداوند متعال است. بنابراین با توجه به آیات بسیار از قرآن، یکی از محک های مهم بندگی، مسئله روحیه شکر گزاری است که هر چه در انسانِ مؤمن، قوی تر باشد، نشان از تعالی روح تعبّد و معرفت او و به ربّ الارباب دارد. بنابراین هر یک از ما می‌توانیم با سنجش و محاسبه قرب و بعد نسبت به این صفت، خود را در آزمون بندگی محک بزنیم.

پی‌نوشت

۱. سوره ابراهیم، آیه ۷. ■ ۲. سفینة البحار، ج، ۱، ص، ۷۱۰. ■ ۳. تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص، ۲۸۱ــ ۲۷۸. ■ ۴. سوره نمل، آیه ۴۰. ■ ۵. سوره لقمان، آیه ۱۲. ■ ۶. سوره هود، آیه ۱۱. ■ ۷. آیات بسیار دیگری در این مبحث آمده که طالبان می‌توانند به کتاب اخلاق در قرآن آیت الله مکارم، ج سوم از ص ۶۰ الی ۹۰ رجوع کنند. ■ ۸. بحارالانوار، ج، ۶۶، ص، ۷۰. ■ ۹. غررالحکم، ج، ۴، ص، ۱۲۱. ■ ۱۰. بحارالانوار، ج، ۷۵، ص، ۱۱۷. ■ ۱۱. امالی صدوق، ص، ۴۱۲.

نقش زنان در دولت مهدوی

نقش زنان، در هیچ حرکتی از حرکت های اسلامی و شیعی ـ از صدر اسلام تاکنون ـ به اهمیت و برجستگی نقش زن در قیام «عاشورا» و به تبع «دولت مهدوی» نبوده است. «عاشورا» صحنه ای است که در آن «زن»، در متن قرارداد و نه در حاشیه، پررنگ و پرحضور است و شاید یکی از رمزهای جاودانگی آن همین باشد. نقش «زینب»، این شیرزن دریادل کربلا و همسر و دختران امام حسین عليه‌السلام ـ به عنوان پیام آوران واقعه عاشورا ـ از جایگاه خاصی برخوردار است. نقش امّ وهب، دلهم (زن زهیر)، طوعه، ماری[1] و حتی زنان قبیله بنی همدان[2]، غیر قابل کتمان است.

در قیام حضرت مهدی عليه‌السلام نیز چنین است و زنان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار خواهند بود. نقش زن در عصر ظهور، همچون نقش مدعیان امروز و طرفداران حقوق زن نیست که او را تا سرحد یک کالا، وسیله‌ای برای لذت طلبی و عیّاشی تنزل داده اند. جابربن یزید جعفی از امام باقر عليه‌السلام نقل می کند: «و یجیء والله ثلاث مئة و بضعة عشر رجلاً فیهم خمسون امرأة یجتمعون بمکة علی غیر میعاد قزعاً کقزع الخریف»؛[3]

«به خدا سوگند ۳۱۳ تن می‌آیند که پنجاه تن از آنان زن هستند؛ بدون هیچ قرار قبلی، در مکه کنار یکدیگر جمع خواهند شد».

امّسلمه نیز از پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم چنین روایت کرده است: «یعوذ عائذ من الحرم فیجتمع الناس الیه کالطیر الوارد المتفرقة حتی یجتمع الیه ثلاث مأة و اربعة عشر رجلاً فیه نسوة فیظهر علی کل جبار و ابن جبار»[4]؛

«در آن هنگام پناهنده ای به حرم امن الهی پناه می‌آورد و مردم همانند کبوترانی که از چهار سمت به یک سو هجوم می‌برند، به سوی او جمع می شوند؛ تا اینکه در نزد آن حضرت ۳۱۳ نفر گرد آمده، که برخی از آنان زن می‌باشند که بر هر ستمگر و ستمگر زاده‌ای پیروز می‌شوند».

در توصیف یاران مهدی عليه‌السلام نیز چنین نقل کرده‌اند:

«هم اطوع له من الامة لسیدها»؛[5]

پیشنهادهای اجرایی هفته

◆ خطابه در دهه فجر با موضوع مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم ◆ برگزاری مراسم دعای توسل (سه شنبه) ◆ برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید ◆ مراسم توسل به اهل بیت علیهم السلام و جمع آوری صدقه به مناسبت اول ماه قمری ◆ ساماندهی گروه های مردم جهت شرکت در راهپیمایی ۲۲ بهمن ◆ برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه) ◆ برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه)

«آنان مطیع‌تر از کنیز نسبت به مولای خود هستند».

با توجه به نقش زنان در قیام مهدی علیه‌السلام و حضور آنان در دولت کریمه، باید برای رشد، اعتلا و بالندگی این قشر مهم و مظلوم در طول تاریخ، سرمایه‌گذاری جدّی صورت گیرد. به نظر می رسد تاکنون آن گونه که شایسته و در خور منزلت زنان است، کاری صورت نگرفته است. امروزه نقش زنان در مراکز علمی ـ فرهنگی و مدیریت های میانی و کلان جامعه، همواره در حاشیه است. در حالی که با ظهور حجّت بر حق، ایشان از جایگاهی برابر با مردان برخوردار شده و با امنیت کامل به امور مربوطه در جامعه خواهند پرداخت.

پی‌نوشت

۱. وی اهل بصره و خانه‌اش، کانون شیعیان امام علی علیه‌السلام بود. از آن کانون تنی چند به یاری حسین علیه‌السلام شتافتند و شهید شدند؛ گرچه خود وی نیامد. ■ ۲. پس از مردن یزید، برخی از بزرگان و اشراف کوفه تصمیم گرفتند عمرسعد را به عنوان امیرخود برگزینند. زنان قبیله بنی همدان تا این خبر را شنیدند، هلهله کنان داخل مسجد شدند و از این کار ممانعت کردند. آنان می‌گفتند: شما می‌خواهید کسی را حاکم کنید که فرزند رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به شهادت رسانده است؟ ■ ۳. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۲۲۳. ■ ۴. مجمع الزوائد، ج۷، ص ۳۱۵؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۵۰۰. ■ ۵. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

رمز تغییر سرنوشت یک قوم...

تداوم پیروزی‌ها، حاصل تداوم رمزهای پیروزی است. زیرا هرگز خداوند متعال نعمتی را که به قومی عطا فرمود، از آنها باز پس نمیگیرد، مگر آنها خود از نگهداری آن دست بردارند. «...إِنَّ اللّهَ لَا يغَيرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يغَيرُوا۟ مَا بِأَنْفُسِهِمْ...؛ خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمیدهد، مگر آن که آنان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند»(رعد/۱۱).

«أَنَّ اللَّهَ لَمْ يكُ مُغَيراً نِّعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتى يغَيرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ...؛ خداوند هیچ نعمتی را که به گروهی داده، تغییر نمی‌دهد، جز آن که آنها خودشان را تغییر دهند»(انفال/۵۳).

درگذشت آیه الله العظمی
حاج سید احمد خوانساری
(۱٤۰۵هق)

یکشنبه ۱۸ بهمن

اذان صبح: ۵:۳۵
طلوع آفتاب: ۷:۰۰
اذان ظهر: ۱۲:۱۸
اذان مغرب: ۱۷:۵٦

۲۷ ربیع‌الثانی ۱٤۳۷
7 Feb 2016

خطّ نظام اسلامی، خطّ رسیدن به تمدن اسلامی

امام خامنه‌ای(مدظله العالی): من قاطعاً می‌گویم که علمای دینی و جامعه روحانی ما در طول این هزاروصد سالی که ما به عنوان علمای دین آنها را می‌شناسیم، هیچ وقت نقش‌شان به اهمیت امروز نبوده و هیچ وقت در یک عصر و دوره، به‌قدر امروز خدمت نکرده و به اندازه امروز در وضع دنیا و جامعه خودش مؤثر نبوده است. روحانیت شیعه، الان این‌گونه می‌باشد. (۱۳٦۸/۱۲/۲۲)

خطی که نظام اسلامی ترسیم می‌کند خط رسیدن به تمدن اسلامی است. سرنوشت حتمی عبارت از این است که تمدن اسلامی یک بار دیگر بر مجموعه عظیمی از دنیا پرتو خود را بگستراند. ... این کار عظیم و ماندگار تاریخی سر و کارش با نسل‌ها و قرن‌هاست. این کار را نباید با کاری دفعی ، جزیی و شعاری اشتباه کرد. مسئله ما مسئله حرکتی عظیم در مقیاس جهانی است. ... برای ایجاد یک تمدن اسلامی دو عنصر اساسی لازم است؛ یکی تولید فکر و یکی پرورش انسان. ... این کشور باید ساخته شود، باید پیش برود. این ملت بزرگ باید استعدادهایش شکوفا شود. بایستی در دنیا بدرخشد و بالاخره آن تمدن عظیم اسلامی را در مقابل چشم جهانیان بگذارد. این انقلاب باید بماند و برنامه تاریخی و جهانی خویش را به بار نشاند... حوزه علمیه شیعه در مقابل یک آزمایش عظیم تاریخی، بی‌نظیر و غیر قابل تکرار قرار دارد. در طول تاریخ هزار و چهار صد ساله اسلام برای علما چنین فرصتی پیدا نشده بود. این نعمتی است که مصداق آیه شریفه است: واذ تاذّن ربکم لئن شکرتم لازیدنّکم و لئن کفرتم انّ عذابی لشدید.
(سیمای آرمانی طلبه درنگاه مقام معظم رهبری، ص ۱٦-۱۷)

دوشنبه ۱۹ بهمن

اذان صبح: ۵:۳۴
طلوع آفتاب: ۶:۵۹
اذان ظهر: ۱۲:۱۸
اذان مغرب: ۱۷:۵۷

۲۸ ربیع‌الثانی ۱۴۳۷
8 Feb 2016

روز نیروی هوایی
اعلام همبستگی همافران
با انقلاب اسلامی در حضور
حضرت امام خمینی ره
(۱۳۵۷هـ ش)

سرمایهٔ انقلاب

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): من دو سه سال پیش، به مناسبتی خدمت حضرت امامؒ رسیدم تا پیشنهادی را در میان بگذارم. به ایشان عرض کردم که به اعتقاد من، پیروزی این نظام، فقط به آبروی روحانیت زمان ما انجام نگرفت؛ بلکه آن سرمایه‌ای که ما خرج کردیم تا این انقلاب ـ که واقعاً معجزه بود ـ به پیروزی برسد، عبارت از آبروی ذخیره و نقد روحانیت شیعه، از زمان شیخ کلینی و شیخ طوسی تا زمان ما بود. امام هم در آن روزی که این مطلب را عرض کردم، مطلب را تلقی به قبول کردند، معلوم بود که نظر شریف خود ایشان هم همین می‌باشد و این واقعیتی است. ... اگر امروز که دین و روحانیت، قدرت پیدا کرده است، عملی انجام بدهیم که ـ خدای نکرده ـ اندک اختلال و خدشه‌ای در آن سرمایه و ذخیره قرن‌ها به وجود بیاید، ضایعه‌ای خواهد بود که دیگر جبران آن، با یک نسل و دو نسل ممکن نخواهد بود. سرمایه یک نسل مصرف نشد تا اگر ـ خدای نکرده ـ از بین رفت، یک نسل دیگر بیایند و این سرمایه را دوباره تجدید کنند. ایمان مردم به روحانیت، ناشی از سابقه طولانی روحانیت شیعه و نفوذ و تأثیر آنها در ذهن و ایمان مردم است. ما باید این ایمان را حفظ کنیم. (۱۳۶۸/۰۵/۱۱)

مسجد، عامل پیروزی بخش انقلاب اسلامی

امام خامنه‌ای(مدظله العالی): «مسجد، نه فقط در زمان ما و نه فقط در کشور عزیز اسلامی ما، بلکه در نقاط مختلف عالم و در طول تاریخ، منشأ آثار بزرگ و نهضت‌ها و حرکت‌های اسلامی بزرگی شده است. مثلاً قیام مردم کشورهای شمال آفریقا که مسلمان هستند، مثل الجزایر و دیگر کشورهایی که سال‌ها در زیر سلطه نظامی استعمار فرانسوی‌ها بودند، از مساجد شروع شد، که به پیروزی هم رسید و کشورها استقلال پیدا کردند. انقلاب در این کشورها هم، آن روزی رو به شکست رفت و دوباره ملّت‌ها استقلال خودشان را از دست دادند که رابطه خود را با مساجد و با دین و ایمانِ مساجد قطع کردند.

به‌طور کلّی مسجد به عنوان یک پایگاه دین، عبودیّت و معرفت، می‌تواند برای جوامع اسلامی منشأ و سرآغاز حرکات بزرگ و برکات ماندگار باشد. یکی از علل پیروزی این انقلاب مبارک در ایران اسلامی و یا لااقل سهولت این پیروزی این بود که مردم به مساجد اقبال پیدا کردند؛ جوانان مساجد را پر کردند و علمای اعلام، مساجد را به عنوان مرکزی برای تعلیم، تربیت و روشنگری افکار و اذهان، مورد استفاده قرار دادند و مسجد، مرکزی برای حرکت، آگاهی، نهضت و افشای اسرار زمامداران فاسد و خودفروخته رژیم طاغوت شد. در دوره مشروطیت هم همین‌طور بوده است؛ در دوره ملی شدن صنعت نفت هم تا حدودی همین‌طور بود؛ در زمان انقلاب هم که این مسأله، به حدّ اعلی رسید.»(۷۵/۱۰/۱۹)

چهارشنبه ۲۱ بهمن

اذان صبح: ۵:۳۲
طلوع آفتاب: ٦:۵۷
اذان ظهر: ۱۲:۱۹
اذان مغرب: ۱۷:۵۹

۱ جمادی‌الاولی ۱٤۳۷
10 Feb 2016

خنثی شدن توطئه کودتای بزرگ نظامیان شاهنشاهی علیه انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ هـ‌ش)

دو رکن اصلی پیروزی انقلاب

پیروزی شکوهمند ۲۲ بهمن ۵۷، حاصل عوامل بسیاری است که مهمترین آنها عبارت‌اند از: ایمان به خداوند متعال؛ رهبری روحانی متقی و فقیه آگاه امام خمینی(ره)؛ اتحاد و همبستگی همه، اقشار ملت؛ استقامت و پایداری در راه خدا، تحمل مشکلات و ... بر هیچ کس پوشیده نیست که جمع شدن این عوامل در ملتی موجب نزول تاییدات غیبی الهی گردیده و پیروزی آنها بر دشمنان حتمی می‌شود.

خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِى كُنتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت/۳۰).

امام خمینی(ره) در وصیت نامه سیاسی الهی خود چنین می‌فرماید: «این انقلاب بزرگ که دست جهان‌خواران و ستمگران را از ایران بزرگ کوتاه کرد، با تاییدات غیبی الهی پیروز گردید ... بی‌تردید رمز بقای انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است و رمز پیروزی را ملت می‌داند و نسلهای آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه است».

پیروزی انقلاب اسلامی
ایران و سقوط نظام
شاهنشاهی (۱۳۵۷ هش)
(تعطیل)

پنج‌شنبه ۲۲ بهمن

تعطیل

۲ جمادی‌الاولی ۱٤۳۷

11 Feb 2016

اذان صبح: ٥:۳۱
طلوع آفتاب: ٦:٥٦
اذان ظهر: ۱۲:۱۹
اذان مغرب: ۱۸:۰۰

همه چیز در سایه اسلام است!

امام خامنه‌ای(مدظله العالی): امروز مهمترین مسئله در باب انقلاب ما، وقتی به این سی و دو سال نگاه می‌کنیم، عبارت است از ثبات و استقامت. یعنی ما سر حرف خودمان ایستاده‌ایم. ایستادن بر سر اصول، برای یک ملت، برای یک مجموعه، افتخار است. اصول، چیزهائی است که باید بر سر آن ایستاد. ارزش‌ها را بایستی نگاهبانی کرد، پاسداری کرد. مهمترین ارزشی هم که برای ملت ما وجود داشت و امروز هم وجود دارد و تا آخر هم همین خواهد بود، عبارت است از اسلام. استقلال در اسلام است، آزادی در اسلام است، پیشرفت مادی در اسلام است، وحدت ملی در اسلام است، شکوفائی استعدادها در اسلام است؛ همه‌ی اینها در اسلام مندمج و مندرج است. علت اینکه امام روی کلمه‌ی «جمهوری اسلامی» تکیه کردند، همین است. تأکید بر جمهوری، به خاطر این است که نکته‌ی مهم، اتکاء به مردم است. اگر اسلام باید در جامعه حاکمیت پیدا کند، بدون ایمان عمومی امکان‌پذیر نیست. پس حضور مردم، رأی مردم، خواست مردم، دخالت مردم، شد یک نقطه‌ی اساسی؛ پس شد جمهوری اسلامی. این را باید حفظ کنیم، این را باید زنده نگه داریم، این پرچم بایستی برافراشته بماند. اگر توانستیم خودمان را به عمق و ژرفای این کلمه‌ی پرمغز «جمهوری اسلامی» هرچه بیشتر نزدیک کنیم، موفقیت‌ها روزبه‌روز افزایش خواهد یافت؛ و این احتیاج دارد به همت بلند. اگر این شد، ملت ایران خواهد شد الگو؛ جمهوری اسلامی خواهد شد الگو.»(۸۹/۱۱/۱۹)

۲۳ بهمن جمعه

اذان صبح: ۵:۳۱
طلوع آفتاب: ۶:۵۵
اذان ظهر: ۱۲:۱۹
اذان مغرب: ۱۸:۰۱

۳ جمادی‌الاولی ۱۴۳۷
12 Feb 2016

ناگوار و غیر منتظره!!

«... او حتّی به مستحبّات و مکروهات، بسیار اهمیت می‌داد. نماز شب را برای روحانی لازم می‌دانست. یک شب در مسجد گوهرشاد با نگرانی خاصّی می‌فرمود: برایم بسیار ناگوار و غیر منتظره بود که شنیدم؛ یکی از اساتید مدرسهٔ [حقّانی] مقیّد به نماز شب نیست. با ایشان صحبت کردم، معلوم شد سبکی معده را در شب رعایت نمی‌کند. بار دیگر می‌فرمود: ما وقتی در نهاوند بودیم، سالی یک بار به صورت خانوادگی منزل یکی از آشنایان دعوت می‌شدیم. من پس از تکرار چند نوبت، دیدم همان شبی که ما، در آن مهمانی غذا می‌خوریم، نماز صبح روز بعد به آخر وقت کشیده می‌شود [و موفّق به نماز شب نمی‌شویم]. متوجّه شدم در اموال آن شخص اشکالی وجود دارد! ظاهرا ایشان نسبت به «زیارت عاشورا» مواظبت داشت. چون، موقعی که دادستان کل بود، من در خواب دیدم که بر اثر خواندن زیارت عاشورا، به ایشان علوم خاصّی داده شده. وقتی به ایشان عرض کردم، متأثّر شد و گفت: مدتی است توفیق پیدا نکرده‌ام. این بر اثر کثرت کارشان در دادستانی بود و آن کارها را اولی می‌دانست؛ از این رو بود که فرمود: مدتی است به خواندن زیارت عاشورا، موفق نشده‌ام.» (به نقل از یکی از دوستان شهید قدوسی، سیمای فرزانگان، ص ۲۳۱ و ۱۸۸)

﴿كُتِبَ عَلَيكُمُ الْقِتالُ وَ هُوَ كُرْهٌ لَكُمْ وَ عَسى أَنْ تَكْرَهُوا شَيئاً وَ هُوَ خَيرٌ لَكُمْ وَ عَسى أَنْ تُحِبُّوا شَيئاً وَ هُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَ اللهُ يعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ.﴾[1]؛ «جهاد در راه خدا، بر شما مقرّر شد؛ در حالی که برایتان ناخوشایند است. چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آن که خیرِ شما در آن است و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شرِّ شما در آن است. به درستی که خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.»

نکات تفسیری

۱ـ گاهی ممکن است انسان چیزی را از آن نظر که موافق طبع او نبوده، دوست نداشته باشد و یا حتّی از آن منفور باشد. اما از آنجایی که خداوند دستور داده است، آن را اراده کند و به جا آورد؛ مانند روزه گرفتن در تابستان. بعضی گفته‌اند مراد از کراهت این است که قبل از آن که حکم وجوب جهاد بر شما بیان شود، رفتن به جهاد بر خلاف میل شما بوده، ولی بعد از بیان ضرورت و جایگاه جهاد، اینگونه نبوده است. بنابراین روشن است که مؤمن از چیزی که خدا بر او واجب کرده، هیچگاه اکراه ندارد. «وَ عَسى أَنْ تَكْرَهُوا شَيئاً ...» چه بسا چیزی را در حال حاضر اکراه دارید، ولی سرانجام آن به نفع شما است؛ همانند جهاد، چراکه از کشته شدن اکراه دارید. «وَ هُوَ خَيرٌ لَكُمْ ...» در صورتی که آن به نفع شما است و در آن یکی از دو خیر خواهد بود؛ یا پیروزی و غنیمت و یا شهادت در راه خدا و بهشت. «وَ عَسى أَنْ تُحِبُّوا شَيئاً وَ هُوَ شَرٌّ لَكُمْ ...» (و چه بسا چیزی را دوست می‌دارید، در صورتی که به ضرر شما است) که مراد همان ترک جهاد است. برخی به خاطر علاقه به زندگی، از رفتن به جهاد خودداری می‌کنند؛ در صورتی که ترک جهاد، سبب تسلّط دشمن و ذلّت و فقر و محرومیت از غنیمت و پاداش اخروی می‌گردد.

وَ اللهُ يعْلَمُ ...- خدا به منافع و مصالح و سرانجام نیک عواقب کارهای شما دانا است.

وَ أَنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ ...- ولی شما عواقب آنها را نمی‌دانید. بنابراین در انجام آنچه که خداوند به شما دستور داده است، کوشش کنید. اگر چه در آن زحمت و مشقّت برای شما باشد.

تمام مفسّرین، غیر از «عطا» اتّفاق نظر دارند که این آیه بر وجوب جهاد دلالت می‌کند؛ امری که وجوب آن «کفایی» است، یعنی اگر تمام مردم از آن خودداری کردند، همگی گناهکارند؛ ولی اگر عدّه‌ای از افراد در حدّ کفایت، به آن قیام نمودند، وجوب آن از دیگران برداشته می‌شود.[2]

۲ـ تعبیر به «کتب» (نوشته شده) اشاره به حتمی بودن و قطعی بودن این فرمان الهی است.

«کره» گرچه معنی مصدری دارد، ولی در اینجا به معنی اسم مفعول، یعنی مکروه است و مکروه بودن و ناخوشایند بودن جنگ، اگرچه در جهت غلبه بر دشمن و در راه خدا است، برای انسان‌های ناآگاه، امری ناپسند است؛ زیرا حاصل جنگ در ظاهر، نابودی اموال و نفوس و انواع جراحت‌ها و مشقت‌هاست. البته برای عاشقان شهادت در راه حق و کسانی که در سطح بالایی از معرفت قرار دارند، جنگ با دشمنان حق، شربت گوارایی است که همچون تشنه‌کامان به دنبال آن می‌روند و مسلماً حساب آنها از حساب توده مردم در آغاز جداست.

سپس به یک قانون کلی و اصل اساسی که حاکم بر قوانین تکوینی و تشریعی خداوند است، اشاره می‌کند. در واقع

پروردگار جهان با بیانی قاطع می‌گوید که افراد بشر نباید تشخیص خود را در مسائل مربوط به سرنوشت حاکم سازند؛ چرا که علم آنها از هر نظر محدود و ناچیز است و معلوماتشان در برابر مجهولات، همچون قطره‌ای در برابر دریاست. همانگونه که انسان از اسرار آفرینش همه اشیاء و قوانین تکوینی خداوند با خبر نیست و گاه اموری را بی‌فایده می‌شمرد، در حالی که پیشرفت علوم، فواید مهم آن را آشکار می‌سازد؛ در قوانین تشریعی نیز با بسیاری از مصالح و مفاسد آشنا نیست؛ بنابراین ممکن است چیزی را ناخوشایند دانسته، در حالی که سعادت آنها در آن است، یا از چیزی خشنود باشند، در حالی که موجب بدبختی آنها خواهد شد.

آنها با توجه به علم محدود خود در برابر علم بی‌پایان خداوند، نباید در برابر احکام الهی روی در هم کشند؛ بلکه باید به طور قطع بدانند که خداوند رحمان و رحیم اگر جهاد و زکات و روزه و حج را تشریع کرده، همگی به سود آنهاست. توجه به این حقیقت، روح انضباط و تسلیم در برابر قوانین الهی را در انسان پرورش می‌دهد و درک و دیدگاه او را از محیط‌های محدود فراتر می‌برد و به نامحدود، یعنی علم بی پایان خدا پیوند می‌دهد.

بنابراین آنچه در آیه بالا آمده، منحصر به مسئله جهاد و جنگ با دشمنان نیست، بلکه از روی یک قانون کلی و عمومی پرده برمی‌دارد و تمام مرارت‌ها و سختی‌های اطاعت فرمان خدا را برای انسان سهل و گوارا می‌سازد؛ زیرا به مقتضای «وَ اللهُ یعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ» می‌داند که خداوند رحمان و رحیم نسبت به بندگانش در هر یک از دستورات خود، مصالحی دیده است که مایه نجات و سعادت بندگان است و به این ترتیب بندگان مؤمن همه این دستورات را مانند داروهای شفابخش می‌نگرند و با جان و دل آن را پذیرا می‌باشند.[۳]

۳ـ حرکت انسان همیشه متوجه ارزش‌هایی است که او در نظر دارد و تشیخص ارزش‌ها، همیشه در جهت‌گیری حرکات انسان نقش اساسی دارد. جهل و نادانی سبب می‌شود که انسان در تشیخص «ارزش» از «ضد ارزش» گرفتار اشتباه شود و اینگونه آنچه مایه پیشرفت و خیر و برکت است، شر یا ضدّ ارزش بداند و به عکس آنچه مایه بدبختی او است، عامل خوشبختی بشمرد.

آیه فوق بیان می‌دارد که جهاد در راه خدا یک ارزش است (مایه عزّت و آبرو، افتخار و موفقیت است) اما شما بر اثر نادانی از آن اکراه دارید، چرا که از آثار و برکات آن بی‌خبرید، به عکس سکوت و خاموشی و ترک جهاد را، مایه سلامت و سعادت و یک ارزش می‌پندارید؛ در حالی که مایه بدبختی شماست.

به این ترتیب جهل، سرچشمه اشتباه در تشخیص ارزش‌هاست و آن نیز به نوبه خود عامل موضع گیری‌های نادرست و غلط در برابر مسائل مختلف و حوادث گوناگون زندگی و انواع افراط و تفریط‌هاست.[۴]

حدیث

۱ـ فی زَبور داوود علیه‌السلام : یقولُ اللهُ تعالی : یا بنَ آدمَ ، تَسألُنی و أمنَعُکَ لعلمی بما ینفَعُکَ ، ثُمّ تُلِحُّ عَلَی بالمسألة فَأُعطیکَ مَا سألتَ فَتَستَعینُ به علی مَعصیتی ، فَأَهُمُّ بهتکِ سترِکَ ، فتَدعُونی فأستُرُ عَلیکَ ، فکَم مِن جمیلٍ أصنَعُ مَعکَ وَ کَم مِن قَبیحٍ تَصنَعُ معی ! یوشِکُ أن أغضَبَ علَیکَ غَضبةً لا أرضَی بَعدَها أبدا.[۵]

در زبور داوود علیه‌السلام، آمده است که خداوند متعال می‌فرماید: ای پسر آدم! تو از من خواهشی می‌کنی و من برای مصلحت تو آن را برآورده نمی‌کنم، اما تو در خواهشت اصرار می‌ورزی و من خواسته‌ات را اجابت می‌کنم و تو به اسطه آن، به گناه و نافرمانی از من می‌پردازی. پس، من بر آن می‌شوم تا آبرویت را ببرم، لیک مرا می‌خوانی و من پرده پوشی می‌کنم. چه خوبی‌ها که به تو نکرده‌ام و چه بدی‌ها که تو به من نکرده‌ای. کم مانده است که بر تو چنان خشمی گیرم، که دیگر هرگز خشنود نشوم.

۲ـ الإمامُ علی علیه‌السلام: ما خَیرٌ بِخَیرٍ بَعدَهُ النارُ ، و ما شَرٌّ بِشَرٍّ بَعدَهُ الجَنّةُ ، و کُلُّ نَعیمٍ دُونَ الجَنّةِ فهُو مَحقورٌ ، و کُلُّ بَلاءٍ دُونَ النّارِ عافیةٌ.[۶]

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: خوبی‌ای که در پی آن آتش باشد، خوب نیست و بدی و شرّی که به دنبالش بهشت باشد، بد نیست.

هر نعمتی در قیاس با بهشت ناچیز است و هر رنج و بلایی در مقابل دوزخ عافیت است .

داستان

معاذ پسری داشت که پیش از وی از دنیا برفت، رسول الله ﷺ این نامه را در تعزیت معاذ بدو نوشت : از محمد رسول الله به معاذ بن جبل ، سلام بر تو؛ حمد می کنم خدایی را که جز او خدایی نیست. اما بعد خبر بی‌تابی تو در مصیبت فرزندت که قضای الهی بر وی جاری شده، به من رسید. همانا که فرزند تو از موهبت‌های گوارای الهی بود و به عاریت در دست تو سپرده شده بود، خداوند تو را تا زمانی به او لذت بخشود و به وقت معلوم او را از تو بگرفت، پس اناالله و انااليه راجعون. مبادا بی تابی تو پاداشت را تباه کند. اگر بر ثواب مصیبت خود برسی، هر آینه خواهی دانست که آن در برابر عظمت ثوابی که خداوند برای اهل تسلیم و صبر آماده کرده است، اندک است. بدان که بی‌تابی، مرده را بر نمی گرداند و قدر را دفع نمی کند. شکیبایی نیکو پیشه کن. والسلام علیک و رحمة الله وبرکاته.[۷]

نتیجه

کسانی که معیار مصلحت خود و دیگران را نفع و ضرر دنیوی می‌دانند، از رسیدن آنچه که از آن کراهت دارند، در تعب و رنج واقع می‌شوند و هر گاه چیزی را از دست می‌دهند که با منافع دنیوی آنها در تعارض باشد، به غم و حزن مبتلا می‌شوند و هر گاه زمانه بر وفق مرادشان باشد گمان می کنند به منفعت واقعی رسیده‌اند. لکن یگانه راه رهایی از چنین توّهمات به دور از واقعیتی، این است که محک خیر و شرّ و مصحلت و مفسده را به دست کسی سپارند که به خیر و شرّ آنان از خودشان آگاه‌تر است.

پی‌نوشت

۱. سوره بقره، آیه ۲۱۶. ■ ۲. ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص، ۲۸۹. ■ ۳. تفسیر نمونه، ج۲، ص: ۱۰۸ـ۱۰۹. ■ ۴. پیام قرآن، ج۱، ص، ۱۰۰. ■ ۵. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۰، ص، ۳۶۶. ■ ۶. نهج البلاغه، حکمت ۳۸۷. ■ ۷. هزار و یک کلمه ، ج ۲، ص ۶۳.

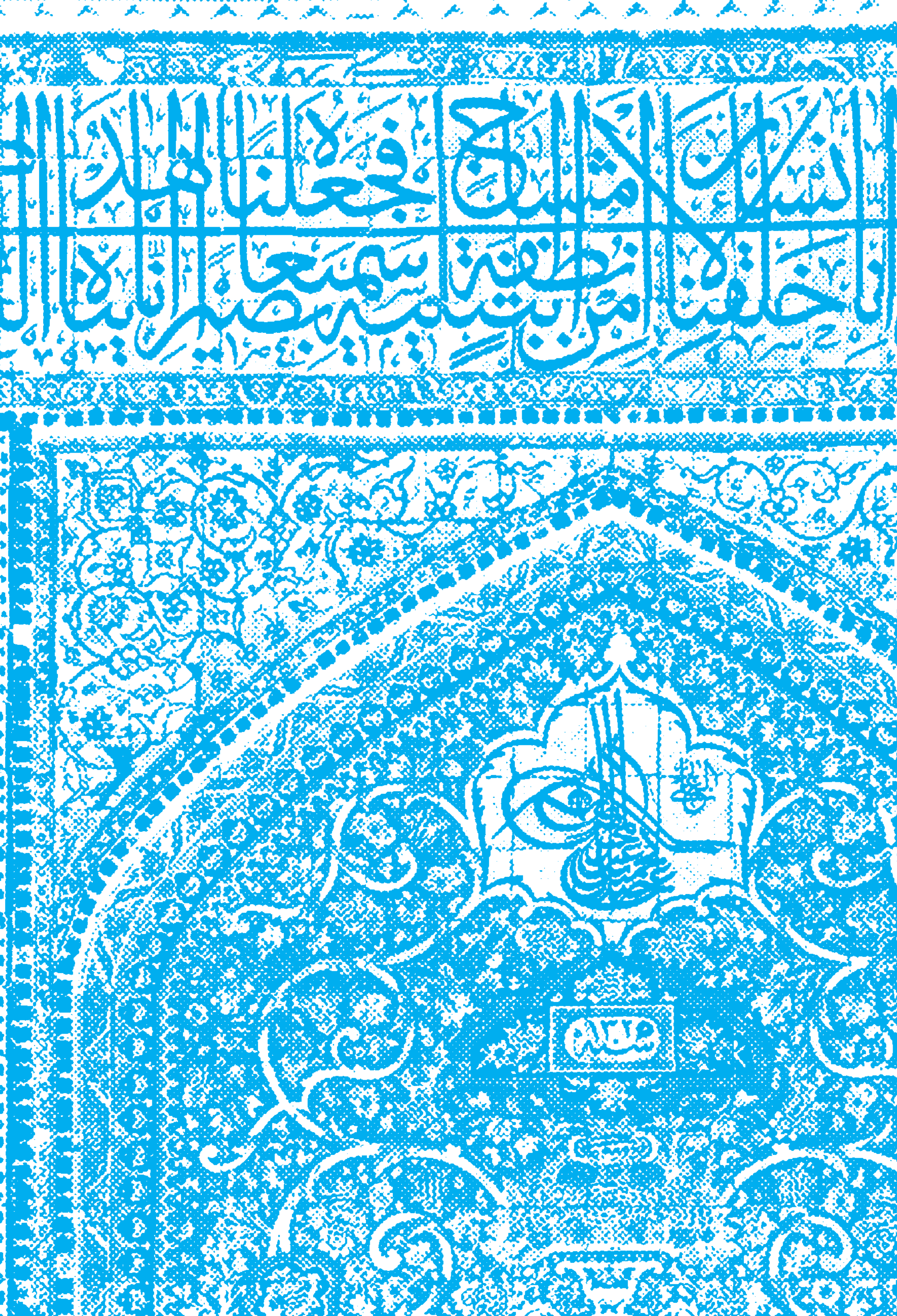

پیشنهادهای اجرایی هفته

- برگزاری جشن میلاد حضرت زینب علیهاالسلام
- تجلیل از پرستار
- برگزاری مراسم زیارت آل یاسین
- برگزاری مراسم دعای توسل (سه شنبه)
- برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید
- برگزاری جلسات پرسش و پاسخ ویژه جوانان (پنج شنبه)
- برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه)
- برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه)
- برگزاری مراسم غبارروبی ماهانه مسجد (جمعه)

وظایف نایبان در دوران غیبت صغرا

دوران غیبت صغرا، دوران بسیار مخاطره‌آمیزی بوده است؛ به ویژه که در میان امت اسلام و شیعیان اهل‌بیت علیهم‌السلام بی‌سابقه بود؛ به همین دلیل لازم بود با تدبیری حکیمانه از پیامدها و عوارض احتمالی آن، پیش گیری شود و امّت، برای غیبتی طولانی آماده شوند.

در حقیقت به دلیل دشمنی حاکم عباسی با امام زمان علیه‌السلام، جریان نیابت آن حضرت، امری آشکار و علنی نبود؛ به ویژه در اوائل غیبت صغرا و نیابتِ نایب اوّل، شیعیان از طریق وکلا که نمایندگانِ نایبان بودند، با آن‌ها ارتباط داشتند و وکیلان، آن‌ها را به نایب امام، منتقل می کردند و پاسخ درخواست‌ها نیز با واسطه به دست مردم می‌رسید. گفتنی است در کنار رابطه غیرمستقیم، عده‌ای از افراد مورد اعتماد، امکان ارتباط مستقیم با شخص نائب را نیز پیدا می کردند، این‌گونه ارتباط، بیشتر از زمان دومین نایب امام، به وجود آمده بود.

نایبان امام همواره می کوشیدند تا در دوره غیبت صغرا، این رسالت مهم را به خوبی به انجام رسانند. بنابراین آن‌ها دو گونه مسئولیت داشتند که به توضیح آن دو می‌پردازیم:

الف. وظایف نائبان نسبت به «امام غایب»:

۱. از بین بردن شک و تردید درباره وجود مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه

با توجه به جوّ اختناق و ولادت پنهانی و نیز غیبت آن حضرت، گروه‌هایی از شیعیان درباره وجود فرزندی برای امام عسکری علیه‌السلام در شک و حیرت به سر می‌بردند و بعضی نیز به عقاید باطل کشیده شدند. نایبان خاص امام و به ویژه نایب اوّلِ، کوشیدند تا جریان ولادت و امامت آن حضرت را برای شیعیان اثبات کنند. این مهم به خوبی به انجام رسید؛ به گونه‌ای که در مدت کوتاهی، شک و تردیدها از میان رفت و عقیده شیعه به امامت مهدی علیه‌السلام مسلّم شد.

۲. حفظ جان امام

نایبان خاصّ امام در همان حال که برای اثبات ولادت و امامت امام برای شیعیان، دلایل و شواهد را بیان می کردند، از بردن نام آن حضرت و افشای مکان زندگی او خودداری کرده، شیعیان را نیز از این کار پرهیز می‌دادند؛ زیرا نام بردن سبب حساسیت دشمن و به خطر افتادن جان امام می‌شد؛ زیرا امام مهدی علیه‌السلام در نامه‌ای خطاب به محمد بن عثمان، او را از بیان نام و نشان خود نهی فرمود.[۱]

ب. برخی وظایف نائبان در رابطه با «امّت امام»:

۱. سرپرستی و تقویت سازمان وکالت

از دوره امامان پیشین، جریان وکالت به وجود آمده بود و امامان در شهرهای مختلف وکلایی داشتند که واسطه میان مردم و امام بودند. با شروع غیبت و نیاز بیشتر شیعیان به جریانِ وکالت، نایبانِ امام، سازمان وکالت را تقویت کرده، به دستور امام، خود در رأس آن قرار گرفتند، تا ارتباط شیعیان با امام غایب در قالب تشکیلاتی سالم و مطمئن و به دور از نفوذ عناصر خائن، انجام گیرد.

۲. پاسخ‌گویی به شبهات اعتقادی و سوالات فقهی

از وظایف مهم نایبان، دریافت سؤالات مردم و انتقال آن‌ها به محضر امام و نیز رساندن پاسخ کتبی و گاهی شفاهی آن حضرت به شیعیان بود که مجموعه آن‌ها در ضمن توقیعات امام زمان عجل‌الله‌فرجه در کتاب‌های روایی شیعه گردآمده است.[۲]

۳. دریافت وجوه شرعی متعلّق به امام

پیش از غیبت صغرا و در زمان امامان گذشته، از کارهای مهم وکیلان، دریافت وجوه شرعی شیعیان و تحویل آن به امام هر زمان بود. نایبان خاص امام نیز در راستای این وظیفه، اموال شیعیان را به امام غایب می‌رساندند.

پی‌نوشت

۱. الغیبة، طوسی، ص۳۶۴، ح۳۳۱. ■ ۲. کمال الدین و تمام‌النعمة، ج۲؛ الغیبة، شیخ طوسی؛ احتجاج، طبرسی، ج۲؛ بحارالانوار، ج۵۳.

شنبه ۲۴ بهمن

اذان صبح: ۵:۳۰
طلوع آفتاب: ٦:٥٤
اذان ظهر: ۱۲:۱۹
اذان مغرب: ۱۸:۰۲

٤ جمادی‌الاولی ١٤٣٧
13 Feb 2016

جوان انقلابی

مصطفی مازح، جوان انقلابی عضو حزب‌الله لبنان، پس از صدور فرمان تاریخی حضرت امام‌(ره) مبنی بر اعدام سلمان‌رشدی، نویسنده کتاب موهن آیات شیطانی، خود را به محل اقامت این نویسنده مرتد در لندن رساند و در حالی که با خود مقادیر زیادی مواد منفجره حمل می‌کرد، در ساختمان وی جای گرفت. هرچند در این انفجار به سلمان رشدی آسیبی نرسید و مصطفی به شهادت رسید، ولی پیام رسای امام خمینی‌(ره) در گوش جهانیان به صدا درآمد که پیروان حضرتش، سلمان رشدی را رها نخواهند کرد. شهید مازح در وصیت نامه‌اش در مورد امام خمینی‌(ره) نوشت: «هرگز روزهای مقدس زندگی با تو را فراموش نخواهیم کرد ... فرمایشات تو را در هر زمان و مکان اجرا خواهیم کرد... شجاعت تو را در هر زمان در برابر دشمنان به یاد خواهیم آورد. در روز برگزاری نماز در قدس شریف، تو را به یاد جهانیان خواهیم آورد. با یاد تو هر دولت و مرامی را که مقابل اسلام بایستد، نابود خواهیم کرد». (سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی)

ولادت حضرت زینب سلام الله علیها (۵ ه. ق) و روز پرستار
صدور حکم تاریخی امام خمینی ره مبنی بر ارتداد سلمان رشدی نویسنده کتاب آیات شیطانی (۱۳۶۷هـش)

یکشنبه ۲۵ بهمن

اذان صبح: ۵:۲۹
طلوع آفتاب: ۶:۵۳
اذان ظهر: ۱۲:۱۹
اذان مغرب: ۱۸:۰۳

۵ جمادی‌الاولی ۱۴۳۷
14 Feb 2016

شمّه‌ای از فضایل و اوصاف حضرت زینب علیها السلام

۱. خداشناسی و عرفان: بی‌شك همه کمالات آن حضرت در کل، علاوه بر بیان ابعاد مختلف شخصیت بی‌نظیر این بانوی بزرگوار، به درجه بالای عرفان و خداشناسی او دلالت دارد. اگر مرتبه توحیدش قریب به مرتبه توحید حضرات معصومان نبود، هرگز نمی‌توانست سکاندار طوفان کربلا باشد.
۲. علم و دانش: برای شناخت مقام علمی حضرت زینب علیها السلام می‌توان به امور زیادی توجه و استناد کرد که از جمله آنها، خطبه‌های بسیار بلند و پرمحتوایی که از آن بانوی گرامی به جای مانده است. به شهادت همه تاریخ نویسان در کوفه، ایشان کلاس های تفسیر و آموزش قرآن داشتند و زنان کوفه را با قرآن و احکام اسلامی آشنا می‌ساختند.
۳. عبادت و بندگی: گرچه سراسر زندگی حضرت زینب علیها السلام برای حفظ و احیای معارف اسلامی سپری شد، که همه آنها با هدف اطاعت از اوامر الهی انجام می‌گرفت اما آن حضرت در عبادت به معنی خاص نیز از موقعیت برجسته‌ای برخوردار بودند. در سخت‌ترین شرایط نیز به طور کامل به انجام وظایف عبادی اهتمام می‌ورزیدند.

دوشنبه ۲۶ بهمن

اذان صبح: ۵:۲۸
طلوع آفتاب: ٦:۵۲
اذان ظهر: ۱۲:۱۸
اذان مغرب: ۱۸:۰٤

٦ جمادی‌الاولی ۱٤۳۷

15 Feb 2016

إذن دخول می‌دهید؟!

حاج شیخ (آیت الله شیخ غلامرضا فقیه خراسانی یزدی)، اهل مناجات، نوافل و توسلات فراوان بود. یک بار ایشان پیاده از نجف به کربلا آمدند. آن موقع، حرم سید الشهدا علیه‌السلام سه در داشت که یکی را دَرِ حبیب می نامیدند. ایشان، جلوی این در، اذن دخول خواندند؛ ولی گریه نکردند. جلوی هر کدام از درهای دیگر اذن دخول خواندند؛ اما گریه نکردند. سپس برگشتند و مقابل دَرِ حبیب ایستادند و گفتند: «ای امام حسین علیه‌السلام !، من شما را می خواستم که پیاده از نجف تا کربلا آمدم؛ چرا شما من را نمی خواهید و به من اذن ورود نمی دهید؟» این را گفتند و به گریه افتادند. هم‌چنین داستانهای فراوانی درباره استجابت دعاهای ایشان نقل شده است؛ از جمله: می گویند که زمانی در یزد، هفت شبانه روز باران آمد و بسیاری از بناهای خشت و گلی فرو ریخت. مردم به آب انبارها و ساختمانهای آجری پناه بردند. شب هفتم بود که نیمه های شب دیدم حاج شیخ، عمّامه شان را برداشته اند و زیر باران، در وسط حیات ایستاده اند و با صدای بلند تضرع می کنند و می گویند: «ای خدا! همه مردم به دنبال کسب و کار و اطاعت و عبادت اند. در این شهر فقط غلامرضا گنه کار است؛ اگر این باران برای عذاب غلامرضا است تو او را عفو کن.» خدا شاهد است که پس از نیم ساعت، ابرها به حرکت درآمدند و باران ایستاد. (نام جامعه، ص ۲۷)

سه‌شنبه ۲۷ بهمن

اذان صبح: ۵:۲۷
طلوع آفتاب: ۶:۵۱
اذان ظهر: ۱۲:۱۸
اذان مغرب: ۱۸:۰۵

۷ جمادی‌الاولی ۱۴۳۷
16 Feb 2016

مسئولیت اصلی

امام خامنه‌ای(مدظله العالی): اگر یک فهرستی از مسئولیت‌های ما عمامه به سرها و مسئولین روحانی ... تهیه شود، سرلوحه این فهرست عبارت است از «خودسازی». در درجه اول ما باید متوجه بشویم به خودمان و بنیه معنوی و دینی خودمان را تقویت کنیم. آن کسی که بنیه معنوی قوی دارد، می‌تواند بارهای سنگین را بر دوش حمل کند. آن کسی که خودش در درون خودش دچار مشکل است، این نمی‌تواند بارهای سنگین را بردارد. تقوا و پرهیزگاری و خودسازی اولین وظیفه ما معممین است. شما طلبه‌های جوان و فضلای جوان خیلی این جوانی را قدر بدانید. این دل‌های پاکیزه و آلوده نشده شما امروز می‌تواند شخصیتی از شما بسازد که در طول زمان این چراغ معنویت در درون قلب شما روشن بماند و هیچ چیز نتواند جلوی روشنائی و درخشندگی آن را بگیرد؛ اولین درس ما این است. اولین درس ما توجه به خداست؛ تذکر حضور در محضر پروردگار است. این کار آسانی برای جوان است. دوره جوانی که می‌گویند باید قدر بدانید، یکی از مهم‌ترین مصادیقش این است: اجتناب از گناه، پرهیز از موارد شبهه، تذکر مستمر.

ابزارهای تذکر را خدای متعال برای ما فراهم کرده، که مهم‌ترین ابزار تذکر ما همین نماز است. این نمازهای پنجگانه‌ای که خدا بر ما واجب کرده، یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های خدا در حق ماست. اگر نماز نبود، ما غرق غفلت می‌شدیم. این نماز که به عنوان یک فریضه بر ما واجب شده، ما را از وادی غفلت بیرون می‌کشاند. نماز را خوب خواندن، با توجه خواندن، خود در حدّ نصاب است برای انسان‌سازی؛ همین نماز و تلاوت قرآن و انس با قرآن. (۱۳۸۷/۰۲/۱۱)

لایق شهادت

شهید اشرفی اصفهانی پس از حدود ۳۳ سال تحصیل، از جانب آیت الله بروجردی‌(ره) در سال ۱۳۳۵ برای اداره حوزه علمیه کرمانشاه به آنجا عازم شد و تا پیروزی انقلاب اسلامی در آن شهر به انجام وظیفه و مبارزه علیه رژیم شاه مشغول بود. پس از انقلاب نیز از جانب امام(ره)، امام جمعه کرمانشاه و نماینده ولی فقیه در آن استان شد و حدود ۲۷ سال در آنجا اقامت داشت.

اگر چه حضور زیاد این روحانی هشتاد ساله در جبهه‌ها مایه شگفتی بود، اما با این همه خود ایشان می‌فرمود: «بنده خودم را لایق شهادت نمی‌دانم... ولیکن امیدوارم هستم که ما چهارمین شهید محراب باشیم و خداوند از ما بپذیرد...».

مردم در حمایت از آیت الله اشرفی اصفهانی مرتب شعار می‌دادند؛ چه موقع ورود و چه موقع خروج از نماز جمعه. دقیقاً یادم هست یک روز سر ناهار، به ما فرزندانی که نشسته بودیم فرمودند که: «به این شعارهای مردم خیلی توجه نکنید. یک وقت غرور به شما دست ندهد! من طلبه‌ای بیش نیستم. این مردم به خاطر انقلاب این حرکت‌ها را می‌کنند؛ مبادا در شما تأثیر بگذارد و روحیه‌تان تغییر بکند. اینها از آثار و برکات امام است که باید قدر آن را بدانیم».

سرانجام پس از دو بار ترور نافرجام، بار سوم در نماز جمعه مسجد جامع کرمانشاه بر اثر انفجار نارنجک توسط یکی از منافقین در سن ۸۰ سالگی به درجه رفیع شهادت رسیدند. (شاهد یاران، ش ۴۴، ص ۱۲ و ص ۵۳؛ به نقل از حاج احمد اشرفی فرزند شهید)

پنج‌شنبه ۲۹ بهمن

اذان صبح: ۵:۲۵
طلوع آفتاب: ۶:۴۹
اذان ظهر: ۱۲:۱۸
اذان مغرب: ۱۸:۰۷

۹ جمادی‌الاولی ۱۴۳۷
18 Feb 2016

قیام مردم تبریز به مناسبت چهلمین روز شهادت شهدای قم (۱۳۵۶ هـ ش)

برکات هجرت

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): یک نفر مثل آیةالله میلانی، از کربلا که دم گوش نجف بود و مثل ایشان در نجف و کربلا تعداد زیادی بودند، پا شد آمد مشهد و حوزه علمیه بزرگی را به وجود آورد. این، یک واقعیت است. ... خوب؛ ایشان می‌توانست تا آخر عمر در کربلا بماند. آن وقت، عالمی در ردیف چندین نفر مثل خودش بود. یعنی بعضی اگر علماً هم جلوتر نبودند، شاید از جهات دیگر، جلوتر از ایشان بودند. لکن ایشان به مشهد آمد و مایه برکت شد. پس، این حرف، حتی در باره شخصیت‌هایی مثل مرحوم آیةالله میلانی هم جاری است؛ تا از تراکم جلوگیری شود. این هم هجرت؛ هجرت به جاهایی که احتیاج هست: به شهرها، حوزه‌ها، حوزه‌های بزرگ و حوزه‌های کوچک و بعد به داخل دستگاه‌های دولتی، داخل ادارات، داخل کارخانه‌ها، آن جاها که طلبی و تمایلی هست و بعد هجرت به خارج از کشور. امروز یکی از مصادیق هجرت، ممکن است این باشد.

نباید بگوییم که «فلان کس رفته درس خوانده، فاضل شده، مکاسب خوانده، کفایه‌خوانده، حالا بیاید برود توی عشایر کوچ‌رو؟! پس خواندن این کفایه و مکاسب و این همه زحمتی که کشیده به چه درد می‌خورد؟!» همه آنها مقدمه همین است. همه آنها مقدمه مسلمان کردن و متدین کردن یک انسان است. «لان یهدی الله بک رجلا خیر مما طلعت علیه الشمس» (۱۳۷۳/۶/۲۲)

جمعه ۳۰ بهمن

اذان صبح: ۵:۲۴
طلوع آفتاب: ۶:۴۸
اذان ظهر: ۱۲:۱۸
اذان مغرب: ۱۸:۰۸

۱۰ جمادی‌الاولی ۱۴۳۷
19 Feb 2016

و سر انجام در محراب عبادتش..

دراحوال شهید ثالث آیت الله محمد تقی برغانی آورده اند: «عبادت آن جناب‌ چنان بود که همیشه از نصف شب تا طلوع صبح صادق به مسجد خود می‌رفت و به مناجات و ادعیه و تضرّع و زاری و تهجّد اشتغال داشت و مناجات «خمس عشرة» را از حفظ می‌خواند و بر این روش و شیوهٔ پسندیده استمرار داشت تا همان شب که شربت شهادت نوشید. مکرّر در فصل زمستان دیده می‌شد که در پشت‌بام مسجد خود، درحالی که برف به شدّت می‌بارید، در نیمهٔ شب پوستینی بر دوش و عمامه بر سر داشت و مشغول تضرّع و مناجات بود و با حالت ایستاده، دست‌ها را به سوی آسمان بلند کرده، تا این که برف، سراسر قامت مبارکش را از سر تا پا سفیدپوش می‌کرد.»
و سرانجام در محراب عبادت هنگام سحر و در حالی که مشغول خواندن مناجات خمسه عشر بود توسط فرقه ضاله بهائیت به شهادت رسید. (سیمای فرزانگان، ص ۱۷۰)
صبحگاهان خاك پاشندگان بر بالای ضریحش خاك ریزند، درحالی که بهتر است خاك بر سر ریزند. (سفینة البحار، ج ۳، ص ۳۰۹)

آیت الله ملاّ علی کنی

(امام جماعت مسجد مدرسه مروی)

ایشان از علمای طراز اول زمان خویش و از معدود علمایی است که دیانت را در بدنه حکومت و سیاست به تمامه دنبال نمود. وی که هم عصر ناصر الدین شاه قاجار می باشد، در همه شئون حکومتی دخالت نموده و تمام قد، در مقابل فساد اخلاقی و مالی دربار بی هیچ پروایی ایستادگی می نمود. از اقتدار ایشان همین بس که نقل است روزی ناصر الدین شاه به منظور شکار، به همراه اطرافیان خویش از دروازه شهر خارج شد. هنوز مسافتی را طی نکرده بود که از دور نگاهی به پایتخت کرد و در فکر فرو رفت. پس از آن بی درنگ از شکار منصرف شد و به تهران بازگشت. یکی از درباریان سبب انصراف شاه را از شکار جویا شد، شاه در پاسخ گفت: چون از دروازه بیرون رفتم، نگاهم به شهر و دروازه افتاد. این فکر در نظرم آمد که اگر حاجی ملاّ علی کنی امر نماید در دروازه را بر روی من ببندند و باز نکنند، من چه خواهم کرد؟ از این رو ترس و وحشت مرا فرا گرفت و گفتم برگشتن بهتر است.

هم چنین اولین سفیر آمریکا در ایران، درباره اقتدار ملاّ علی در خاطرات خود چنین می نویسد: «حکام شرع، ملاّ یا مجتهد نامیده می شوند که بزرگترین مجتهدهای حالیه که به منزله رئیس عدالتخانه حالیه ممالك فرنگ است، حاجی ملاّ علی کنی است... حاجی ملاّ علی شخص مسنی است و ظاهراً مایل به تجمّل نیست؛ بلکه میل به سادگی زیاد دارد، اگر چه املاک او زیاد است، مع هذا نمی خواهد جلال و ظاهرسازی به خرج دهد. وقتی در کوچه ای راه می رود، بر قاطر سفیدی سوار می شود و فقط یك نفر نوکر دارد، اما جمعیت از هر طرف کوچه به جلوی او ازدحام می کنند؛ مثل این که وجودی ملکوتی است، اگر یك کلمه بگوید، می تواند اعلی حضرت شاه را از سلطنت خلع کند. وقتی به نزد اعلی حضرت شاه می آید، پادشاه به جهت احترام او قیام تمام به عمل می آورد. سربازهایی که در سفارت ممالك متّحده آمریکا قراول می کشیدند، به من گفتند که اگر چه ما برای حفظ وجود شما اینجا فرستاده شده ایم، اما اگر حاجی ملاّ علی امر کند، همه شما را می کشیم!»

نفوذ و قدرت ملاّ علی کنی به حدّی بود که میرزا محمد مهدی لکهنوی می نویسد: «اینك حکم محکم ایشان مشابهت ندارد از سلطان و شاهزادگان و امرا کسی را جرأت آن نیست که بی اذن ایشان اقدام بر تکلّم نماید و یا بی مشورت ایشان اجرای مطلبی بنماید... امرای عصر، حتی ناصر الدین شاه قاجار از وی خائف می بودند و شاه مذکور مکرر به خانه اش به جهت ملاقات می آمد».

﴿ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تُبْطِلُوا صَدَقاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَ الْأَذى كَالَّذى يُنْفِقُ مالَهُ رِئاءَ النَّاسِ وَ لا يُؤْمِنُ بِاللهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوانٍ عَلَيْهِ تُرابٌ فَأَصابَهُ وابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْداً لا يَقْدِرُونَ عَلى شَيْءٍ مِمَّا كَسَبُوا وَ اللهُ لا يَهْدِى الْقَوْمَ الْكافِرينَ ﴾[۱]؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بخشش‌های خود را با منّت و آزار، باطل نسازید! همانند کسی که مال خود را برای نشان دادن به مردم، انفاق می کند و به خدا و روز رستاخیز، ایمان نمی‌آورد؛ (کار او) همچون قطعه سنگی است که بر آن، (قشر نازکی از) خاک باشد؛ (و بذرهایی در آن افشانده شود؛) و رگبار باران به آن برسد، (و همه خاکها و بذرها را بشوید،) و آن را صاف (و خالی از خاک و بذر) رها کند. آنها از کاری که انجام داده‌اند، چیزی به دست نمی‌آورند؛ خداوند، جمعیت کافران را هدایت نمی کند.

نکات تفسیری

۱ـ در این آیه، فعل و عمل فرد منافق و منّت‌گذار، به سنگ صافی که باران آنچه بر روی آن بوده، از بین برده است، تشبیه شده است؛ آن چنانکه هیچ‌کس نمی‌تواند بار دیگر آن گرد و خاک را برگرداند. همچنین وقتی شخص منّت‌گذار صدقه‌ای را داد و همراه آن منّت گذارد، پس صدقه خود را به صورتی درآورده که همه فوائد و آثار صدقه را نابود نموده و دیگر راهی برای بازگرداندن آن فائده‌ها نیست؛ زیرا هر کاری به همان نیّت که انجام شده، سزاوار پاداش و یا کیفر می‌باشد و اگر به هنگام عمل، نیّت برای رضای خدا نباشد و برای غرض‌های دیگری انجام یابد، دیگر راهی برای تلافی و جبران کردن آن نیست.

«لا يَقْدِرُونَ عَلى شَيْءٍ مما كَسَبُوا» یعنی اینان بر انفاق‌های خود و پاداش آن توانایی ندارند و نمی‌دانند انفاق و ثواب آن، کجا و چیست و از آن چیزی عائدشان نمی‌گردد؛ همان‌طور که کسی نمی‌تواند بر گرد و خاک بالای سنگ که باران آن را برده، دست یابد.[۲]

۲ـ تعبیر (فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوانٍ عَلَيْهِ تُرابٌ فَأَصابَهُ وابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْداً لا يَقْدِرُونَ عَلى شَيْءٍ مِمَّا كَسَبُوا). تعبیر لطیف و رسا و گویایی است! قطعه سنگ محکمی را در نظر بگیرید که قشر رقیقی از خاک روی آن را پوشانده باشد و بذرهای مستعدی نیز در آن خاک افشانده شود و در معرض هوای آزاد و تابش آفتاب قرار گیرد، سپس باران دانه درشت پر برکتی بر آن ببارد، با اینکه تمام وسایل نمو و رشد در اینجا فراهم است، ولی به خاطر یک کمبود، همه چیز از بین می‌رود و این باران کاری جز این نمی کند که آن قشر باریک را همراه بذرها می‌شوید و پراکنده می‌سازد و سنگ سخت غیر قابل نفوذ را که هیچ گیاهی بر آن نمی‌روید، با قیافه خشونت‌بار آشکار می‌سازد؛ چرا که بذرها در محل نامناسبی افشانده شده بود، ظاهری آراسته و درونی خشن و غیر قابل نفوذ داشت و تنها قشر نازکی از خاک روی آن را گرفته بود، در حالی که پرورش گیاه و درخت نیاز به خاک عمیقی دارد که برای پذیرش ریشه‌ها و ذخیره آب و تغذیه گیاه آماده باشد.

این گونه است اعمال ریاکارانه و انفاق‌های آمیخته با منّت و آزار که از دل‌های سخت و قساوتمند سرچشمه می‌گیرد و صاحبانش، هیچ بهره‌ای از آن نمی‌برند و تمام زحماتشان بر باد می‌رود.

و در پایان آیه می‌فرماید: « وَ اللهُ لا يَهْدِى الْقَوْمَ الْكافِرينَ / و خداوند گروه کافران را هدایت نمی کند».

آیه به این امر اشاره دارد که خداوند، توفیق هدایت را از آنها می‌گیرد؛ چرا که با پای خود، راه کفر و ریا و منّت

و آزار را بپوییدند و چنین کسانی شایسته هدایت نیستند و به این ترتیب انفاق‌های ریایی و آمیخته با منّت و آزار، همه در یک ردیف قرار گرفته‌اند.[3]

۳ ـ این آیه شریفه دلالت دارد بر اینکه آزار و منّت بعد از صدقه، اجر آن را حبط کرده و از بین می‌برد، بعضی با این آیه استدلال کرده‌اند که هر معصیت و یا حداقل هر گناه کبیره، باعث از بین رفتن و بی اجر شدن اطاعت‌های قبل از آن معصیت می‌شود، با این همه چنین دلالتی در آیه مشاهده نمی‌شود، دلالت آیه تنها در بی اجر شدن صدقه به وسیله منّت و اذیت است، که گفتار مفصل این بحث در مبحث«حبط» در تفسیر المیزان بیان شده است.[4]

«کَالَّذِی یُنْفِقُ مالَهُ رِئاءَ النَّاسِ، وَ لا یُؤْمِنُ بِاللهِ وَ الْیَوْمِ الآخِرِ»

طبق آیه شریفه، عمل ریا کار، با کسی که با منّت و آزار، اثر صدقه را از بین می‌برد، متفاوت است؛ زیرا اولاً انسان ریا کار اساساً نمی‌تواند ایمان حقیقی به خداوند داشته باشد و ثانیاً از همان اول، عمل ریائی او باطل و بی‌ثمر است، اما منّت گذار به مرز بی‌ایمانی، یعنی همان مرز ریاکاری نزدیک شده است که ممکن است در اثر منّت گذاشتن و آزار رساندن، ایمانش را از دست بدهد. می‌شود چنین کسی ابتدا که صدقه می‌دهد، از روی ایمان باشد؛ اما بعد به واسطه آزار و منّت عملش را تخریب کند. لذا به این گروه فرمود مانند کسانی نباشید که ریا کار هستند و اساساً به خدا و روز جزا ایمان ندارند.

مراد از ایمان نداشتن ریاکار در انفاق در راه خدا و روز جزا، ایمان نداشتن او به دعوت پروردگاری است که او را به انفاق می‌خواند و ثواب‌هایی جزیل و عظیم به وی وعده می‌دهد، چون اگر به دعوت این داعی و به روز قیامت (روزی که پاداش‌های اعمال در آن روز ظاهر می‌شود) ایمان می‌داشت، در انفاقش قصد ریا نمی‌کرد و تنها اعمال را برای خاطر خدا انجام میداد و علاقمند به ثواب جزیل خداوند می‌شد. پس منظور از اینکه گفته میشود ایمان به خدا ندارد، این نیست که اصلاً به خداوندی خدا قائل نیست. از آیه شریفه چنین برمی‌آید که ریا در هر عملی که آدمی انجام می‌دهد، مستلزم نداشتن ایمان به خدا و به روز جزا در همان عمل است.[5]

حدیث

۱ ـ الإمامُ الصّادقُ علیه‌السلام : المَنُّ یَهدِمُ الصَّنیعَةَ.[6]

امام صادق علیه‌السلام میفرماید: منّت نهادن، خوبی را از بین می‌برد .

۲ ـ عنه علیه‌السلام : إن کانَت لکَ یَدٌ عندَ إنسانٍ فلا تُفسِدْها بکَثرَةِ المِنَنِ و الذِّکرِ لها و لکنْ أتبِعْها بأفضَلَ مِنها؛ فإنَّ ذلکَ أجمَلُ بکَ فی أخلاقِکَ و أوجَبُ للثَّوابِ فی آخِرَتِکَ.[7]

هم‌چنین امام صادق علیه‌السلام در حدیث دیگری می‌فرمایند : اگر به کسی خوبی کردی، آن را با منّت گذاشتن زیاد و به رُخ کشیدن تباه مساز، بلکه با خوبیِ بهتری ادامه‌اش بده؛ زیرا این کار برای اخلاق تو زیبنده‌تر است و پاداش آخرتت را واجب‌تر می‌گرداند.

۲ ـ وَ قَالَ الصَّادِقُ علیه‌السلام مَا شَیْ‌ءٌ أَحَبَّ إِلَیَّ مِنْ رَجُلٍ سَلَفَتْ مِنِّی إِلَیْهِ یَدٌ تَتْبَعُهَا أُخْتُهَا وَ أَحْسَنْتَ مُرَبَّهَا لِأَنِّی رَأَیْتُ مَنْعَ الْأَوَاخِرِ یَقْطَعُ شُکْرَ الْأَوَائِلِ.[8]

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: هیچ چیز برای من عزیزتر و محبوب‌تر از آن نیست که به مردی احسان و نیکی کنم و به دنبال آن، نیکی دیگر که آن را به کمال برساند؛ زیرا من دیدم که قطع احسان‌های بعدی، سپاس و پاداش احسان‌های قبلی را نابود می‌کند.

داستان

مردی در حالی که بسیار خوشحال بود، خدمت حضرت جواد علیه‌السلام رسید. امام علیه‌السلام فرمود: چرا خوشحال هستی؟ گفت: یا ابن رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله ، از پدرت شنیدم می‌فرمود: سزاوارترین روز برای بنده روزی است که در آن موفق شود به برادران خود کمک کند و به درد دل آنها برسد.

امروز ده نفر از برادران نیازمند نزد من آمدند، آنها دارای زن و فرزند بودند و از شهر دیگری آمده بودند، من به آنها توجه کردم و هر چه از من خواستند به آنها دادم، از این جهت خوشحال هستم که خداوند توفیق خدمت‌گزاری به برادران را به من عنایت فرمود.

امام جواد عليه السلام فرمود: به جان خودم سوگند سزاوار است شما خوشحال گردی، اگر کاری نکنی که بعد از این اثر این کار خوب را از بین ببری، گفت: قربانت گردم چگونه اعمال من اثر خود را از دست می‌دهد، در حالی که من از شیعیان مخلص شما هستم.

امام فرمود: آری صدقات و نیکی به برادران را باطل می‌کنی، گفت: یا ابن رسول الله صلى الله عليه وآله چگونه باطل می‌گردد، فرمود: این آیه شریفه را تلاوت کن: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدقات خود را با منّت نهادن و آزار دادن دیگران باطل نکنید.

گفت: یا ابن رسول الله من بر آنها منّت نگذاشتم و به آنان آزاری هم نرسانیدم، امام فرمود: خداوند نفرموده به کسانی که صدقه می‌دهید، منّت نگذارید و یا آنها را اذیت نکنید، مقصود از آن هر گونه منّت و اذیت کردن می‌باشند و تنها به آنها ارتباط ندارد. متوجه باش. اذیت و آزار کردن آنها بزرگتر است و یا آزار دادن به فرشتگان، که حافظ اعمال شما می‌باشند و یا اینکه ما را اذیت کنید، آن مرد گفت: یا ابن رسول الله صلى الله عليه وآله ، البته این بزرگ‌تر است، امام فرمود: پس در این صورت من و آنها را آزار داده‌ای و صدقه‌ات را باطل کرده‌ای، گفت: چگونه؛ فرمود: هم این گونه که گفتید چگونه صدقه و انفاق من باطل می‌گردد، در حالی که من از شیعیان خالص شما هستم. بعد حضرت فرمود: متوجه باش آیا می‌دانی شیعیان خالص ما چه کسانی هستند، گفت: نمی‌دانم، فرمود: آنها عبارتند از جبرئیل، مؤمن آل فرعون و صاحب یس.[۹]

نتیجه

در انفاق و بخشش، رعایت ادب و احترام لازم است و باید در حفظ آبرو و شخصیّت نیازمند کوشید. قرآن مجید در این باره می‌فرماید: «قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَ مَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُها اذًى ...»[۱۰] گفتار نیکو [در برابر نیازمندان] و عفو [و گذشت از خشونت‌های آنان] از بخششی که آزاری به دنبال داشته باشد، بهتر است.

اگر نیازمندی به شما مراجعه کند و شما بگویید «معذرت می‌خواهم یا شرمنده‌ام، نمی‌توانم کمک کنم» و با احترام او را رد کنید، بهتر است از این که پولی به او بدهید و بی‌حرمتی کنید؛ مثلاً بگویید «دیگر این جا پیدایت نشود؟» یا «این پول را بگیر تا از شرّت راحت شوم».[۱۱]

پی‌نوشت

۱.سوره بقره، آیه ۲۶۴. ■ ۲.ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص، ۱۴۶. ■ ۳.تفسیر نمونه، ج۲، ص، ۳۲۵. ■ ۴ ر.ک. ترجمه تفسیر المیزان، ج۲، ص، ۲۵۱. ■ ۵.ترجمه تفسیر المیزان، ج۲، ص، ۵۹۸؛ با کمی تغییر. ■ ۶.الکافی (ط - الإسلامیۀ)، ج۴، ص، ۲۲. ■ ۷.بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج۷۵، ص، ۲۸۳. ■ ۸.بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج۷۱، ص، ۴۰۰. ■ ۹.ایمان و کفر- ترجمه الإیمان و الکفر، بحار الانوار، ج۱، ص، ۲۸۶. ■ ۱۰.سوره بقره، آیه ۲۶۳. ■ ۱۱.مثال‌های زیبای قرآن، ج۱، ص، ۱۳۷.

ویژگی‌های امام در هدایت جامعه

جانشین پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که ضامن تداوم حیات دین و نیز پاسخگوی نیازهای بشر است، شخصیت ممتازی است که به تناسب جایگاه والای پیشوایی و رهبری، ویژگی‌هایی دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

علم امام

امام که سمت پیشوایی مردم را به عهده دارد، لازم است دین را در تمامی زوایای خود بشناسد و به قوانین آن آگاهی کامل داشته باشد و نیز با دانستن تفسیر آیات قرآن و احاطه کامل به سنّت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به تبیین معارف دین پرداخته و به همه سؤالات مردم در موضوعات مختلف پاسخ دهد و آنها را به بهترین شیوه راهنمایی کند. بدیهی است که چنین پشتوانه علمی تنها به واسطه اتّصال به علم الهی می‌تواند وجود داشته باشد. امام علی علیه‌السلام در این باره می‌فرمایند:

«امام آگاه‌ترین فرد است به حلال و حرام خدا و احکام گوناگون و اوامر و نواهی او و هر آنچه مردم نیازمند هستند.»[1]

عصمت امام

عصمت ملکه‌ای است که از علم به حقایق و اراده‌ای قوی به وجود می‌آید و امام به سبب برخورداری از آن، از ارتکاب هر گناه و خطایی خودداری می‌کند. امام هم در شناخت و تبیین معارف دینی و هم در عمل به آنها و هم در تشخیص مصالح و مفاسد جامعه اسلامی، معصوم از لغزش می‌باشد. مهم‌ترین دلیل عقلی بر عصمت امام عبارتند از:

الف. حفظ دین و راه و رسم دینداری، در گرو عصمت امام است؛ زیرا امام مسئولیت حفظ دین از تحریف و هدایت دینی مردم را به عهده دارد و نه تنها سخن او که رفتار او و تأیید و عدم تأییدش نسبت به عمل دیگران، در رفتار جامعه تأثیر می‌گذارد. پس باید در فهم دین و عمل به آن از هر لغزشی

پیشنهادهای اجرایی هفته

◆ برگزاری مراسم شهادت حضرت زهرا علیها السلام ◆ سخنرانی ویژه مسائل بانوان و دختران قبل از اذان ظهر روز اول ماه شمسی ◆ جلسه شورای فرهنگی مسجد ◆ عیادت گروهی از بیماران و سالمندان محله ◆ برگزاری مراسم دعای توسل (سه شنبه) ◆ برگزاری مراسم دعا برای سلامتی بیماران ◆ شناسایی بیماران بی‌بضاعت محله به صورت محرمانه و تأمین هزینه درمان آنها با مشارکت اهالی ◆ تجلیل از مهندسان و معماران مسجد ◆ خطابه با موضوع شخصیت خواجه نصیرالدین طوسی و عدم تعارض علم و دین ◆ سلسله جلسات خطابه با موضوع تربیت اسلامی ◆ برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید ◆ برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه) ◆ برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه)

محفوظ باشد تا پیروان خود را به گونه صحیح، هدایت کند.

ب. یکی از دلائل نیاز جامعه به امام، این است که مردم در شناخت دین و اجرای آن، مصون از خطا نیستند. حال اگر پیشوای مردم نیز چنین باشد، چگونه می‌تواند مورد اعتماد کامل آنها قرار گیرد؟! به بیان دیگر اگر امام معصوم نباشد، مردم در پیروی از او دچار تردید خواهند شد.

آراستگی امام به کمالات اخلاقی

امام که پیشوا و راهبر جامعه است، باید از همه رذائل اخلاقی دور بوده و در مقابل، همه کمالات اخلاقی را در عالی‌ترین حدّ آن دارا باشد؛ زیرا او به عنوان انسان کامل، بهترین الگو برای پیروان خود به شمار می‌رود. امام رضا علیه‌السلام فرمود: «برای امام علیه‌السلام نشانه‌هایی است: او داناترین،... پرهیزگارترین، بردبارترین، شجاع‌ترین، سخاوتمندترین و عابدترینِ مردم است».[۲]

نصب امام از سوی خدا

ضرورت نصب امام از سوی خداوند، مبتنی بر دلایلی است:

الف. به فرموده قرآن، حاکم مطلق بر همه چیز خداوند است و همه باید تنها از او اطاعت کنند. بدیهی است این حاکمیت می‌تواند از سوی خداوند به هر کسی ـ مطابق شایستگی و مصلحت ـ داده شود. بنابراین، همان گونه که پیامبر به وسیله خدا انتخاب می‌گردد، امام نیز به تعیین الهی، بر مردم ولایت می‌یابد.

ب. پیش از این برای امام، ویژگی‌هایی را از قبیل عصمت و علم و... بیان کردیم. روشن است که یافتن و شناختن کسی که دارای این صفات باشد، تنها به وسیله خداوند امکان پذیر است. همان گونه که خداوند در قرآن کریم به ابراهیم نبی می‌فرماید: «من تو را پیشوای مردم قرار دادم.[۳]»

پی‌نوشت

۱. میزان الحکمة، ج ۱، ح ۸۶۱. ■ ۲. معانی الاخبار، ج ۴، ص ۱۰۲. ■ ۳. سوره بقره، آیه ۱۲۴.

شنبه ۱ اسفند

اذان صبح: ۵:۲۳
طلوع آفتاب: ٦:٤٦
اذان ظهر: ۱۲:۱۸
اذان مغرب: ۱۸:۰۹

۱۱ جمادی‌الاولی ١٤٣٧
20 Feb 2016

روز روحانیت و دفاع مقدس
سالروز شهادت شهید محلاتی(١٣٦٤هش)

عفو و گذشت، سبب بزرگی و عظمت

در عصر زعامت مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی، شبی از شب‌ها که ایشان در نجف، نماز مغرب و عشا را به جماعت می‌خواندند، در بین دو نماز، به ایشان خبر دادند که شخصی فرزند او را که حقاً شایستگی داشت تا جانشین پدر شود، شهید کرده است. ایشان وقتی از شهادت فرزند با خبر شد، به قدری بردباری و صبوری و بزرگواری از خود نشان داد که فرمود: «لاحول و لا قوة الا بالله» و بلند شد نماز عشا را خواند و قاتل فرزند را هم مورد عفو و بخشش قرار داد.

از یکی از اساتید اخلاق شنیده شده که فرمود: آیت‌الله اصفهانی هر ماه یک دستمال پر از نامه‌های فحش و دشنام که برایش نوشته بودند، برداشته و به سوی رود دجله روانه می‌شدند و نامه‌های توهین‌آمیز و فحش را در آنجا می‌ریختند و آن چنان دارای عظمت نفس بودند که ابداً لب بر نمی‌آوردند و عاملین را نیز می‌بخشیدند.

هم‌چنین سید جزایری می‌فرماید: برخی از شاگردانم مرا بسیار مورد اذیت و آزار قرار می‌دادند و بسی ناراحت و اندوهگین می‌کردند. ولی من دربارۀ آنها دعای خیر کرده و می‌گفتم: خدایا! در مقابل بدی‌های آنها در حق من، به آنان احسان کن و در برابر اذیت‌هایشان، آنها را در مورد لطف و رحمت خویش قرار ده و به همه‌ی کارهای خیر موفق گردان، به حق محمد ﷺ و آل پاکش. (مجله گنجینه، شماره ۹، ص ۴۹)

رحلت آیت الله عزیزالله خوشوقت (۱۳۹۱هـ ش)

یکشنبه ۲ اسفند

اذان صبح: ۵:۲۲
طلوع آفتاب: ۶:۴۵
اذان ظهر: ۱۲:۱۸
اذان مغرب: ۱۸:۱۰

۱۲ جمادی الاولی ۱۴۳۷
21 Feb 2016

کوثر رسول الله...

فاطمه زهرا علیها السلام، خیر فراوان و کوثر محمد صلی الله علیه و آله است که وجودش فلسفه نماز است و مبنای انفاق: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ، فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ»؛ ما به تو کوثر عطا کردیم، پس به شکرانه آن نماز بخوان و قربانی کن. طبیعی است که نور محرابش ملکوتیان را غرق حیرت و دیدگان آنان را مجذوب زمین خویش سازد.

از امام صادق علیه السلام سؤال شد که، چرا فاطمه علیها السلام را «زهرا» نام نهادند؟ «فقال لأنّها كانت اذا قامت فی محرابها زهر نورها لأهل السّماء کما یَزهر نور الکواکب لأهل الارض»(بحارالانوار، ج۴۳، ص۱۲)؛ فرمود به خاطر این که فاطمه علیها السلام وقتی در محراب عبادت می‌ایستاد نورش برای اهل آسمان، همان درخشندگی را داشت که نور ستارگان برای اهل زمین. حضرت زهرا علیها السلام وقتی در محراب عبادت قرار می‌گرفت دگرگون می‌شد و خشیت الهی سراسر وجودش را فرامی‌گرفت، ستون‌های بدنش می‌لرزید و اشك‌های سوزانش جاری می‌شد. او با تمام وجود در محضر خدا قرار می‌گرفت.آن بانوی بزرگوار بعضی از شب‌ها تا سپیده‌دم به نیایش و عبادت مشغول بود، چنان که فرزند بزرگوارش امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: شب جمعه‌ای بود که خواب به چشم من نیامد، از اول شب مادرم را دیدم که در محراب عبادت ایستاد و مشغول نماز است، از ابتدای شب مشغول نماز شد، گاهی در حال قیام و گاهی در حال رکوع و سجود بود تا سفیده صبح طلوع کرد و نماز صبح را هم بجا آورد.
(بحارالانوار، ج۴۳، ص۸۱).

دوشنبه ۳ اسفند

اذان صبح: ۵:۲۰
طلوع آفتاب: ٦:٤٤
اذان ظهر: ۱۲:۱۸
اذان مغرب: ۱۸:۱۱

۱۳ جمادی‌الاولی ١٤٣٧
22 Feb 2016

شهادت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها (۱۱ هـ ق) به روایتی
کودتای انگلیس و رضا خان (۱۲۹۹هـ ش)
شهادت سردار حمید باکری قائم مقام لشکر ۳۱ عاشورا در جزیره مجنون (١٣٦٢هـ ش)

آتش دوزخ دور از دوست‌دار فاطمه...

فضل زهرا را بشر کی توان احصا کند — قطره را قدرت نباشد وصف از دریا کند

در فضیلت فاطمه علیها السلام همین بس که اشرف مخلوقات، پیامبر رحمت، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله، عمری را به معرفی فاطمه علیها السلام می‌پردازد.

حق شناسان گر، به دست آرند معیار تو را — حدّ فوق ماسوا دانند مقدار تو را

پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «من نام دخترم را فاطمه گذاشتم؛ زیرا خدای عزّ وَ جلّ، فاطمه علیها السلام و هر کس که او را دوست دارد، از آتش دوزخ دور نگه داشته است»(عیون اخبارالرضا، ج، ص۴۶).

در روایات معراجیه از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «هنگامی که در شب معراج به آسمان‌ها سیر داده شدم داخل بهشت گشتم تا به کاخ بهشتی حضرت زهرا علیها السلام رسیدم. پس هفتاد قصر بهشتی از مروارید قرمز دیدم در حالی که به لؤلؤ و دُرّ زینت یافته بود در حالی که درها و دیوارهایش همه از صدف بود»(بحارالانوار، ج۴۳، ص۷۶).

سه‌شنبه ۴ اسفند

اذان صبح: ۵:۱۹
طلوع آفتاب: ٦:٤٣
اذان ظهر: ۱۲:۱۸
اذان مغرب: ۱۸:۱۱

١٤ جمادی‌الاولی ١٤٣٧
23 Feb 2016

عالم به روز

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): اگر طلبه‌ای بخواهد در محیط دانشگاهی یا غیر دانشگاهی، دو کلمه حرف بزند، چنانچه کسی یک اصطلاح فرنگی بیندازد و او نفهمد، کارایی خودش را از دست می‌دهد! یک چیزهایی است که ما نیاز داریم. فرض بفرمایید، امروز فلان آقا می‌گوید که این حرف من بر مبنای فلان مکتب است ـ یک اسم فرنگی می‌آورد، مثلا «پلورالیزم» ـ اگر طلبه نداند که این چیست، ریشه‌اش چیست، حرف چیست و از کجا درآمده است، اصلا درمی‌ماند و نمی‌تواند جواب بدهد. (۱۳۷۹/۰۲/۲۲)

عزیزان من! امروز تهاجم فرهنگی با استفاده از ابزارها و فناوری‌های جدید ارتباطی خیلی جدی است؛ صدها وسیله و راهروِ اطلاعات به سمت فکر جوان و نوجوان ما وجود دارد؛ از انواع شیوه‌های تلویزیونی و رادیویی و رایانه‌ای و امثال اینها دارند استفاده می‌کنند و همین‌طور به صورت انبوه، افکار و شبهه‌های گوناگون را در آنها می‌ریزند. باید در مقابل اینها ایستاد. امروز نمی‌شود به همان روش‌های قدیمی خودمان اکتفا کنیم؛ البته که جوان نمی‌آید. جوان را باید بشناسید؛ فکر او را باید بشناسید؛ آنچه را که به او هجوم آورده، باید بشناسید. تا میکروب و بیماری را نشناسید که علاج نمی‌توان کرد. اینها همه ملاّیی می‌خواهد. درس خواندن، مطالعه کردن و کار کردن، همه اینها زیر عنوان مهارت‌های دینی خلاصه می‌شود. (۱۳۸۵/۰۸/۱۷)

چهارشنبه ۵ اســـفند

روز بزرگداشت خواجه نصیرالدین طوسی و روز مهندسی

اذان صبـح: ۵:۱۸
طلوع آفتاب: ٦:٤٢
اذان ظهــر: ۱۲:۱۸
اذان مغـرب: ۱۸:۱۲

۱۵ جمادی‌الاولی ۱٤۳۷
24 Feb 2016

یک شام و چهل روز سلب توفیق!

فرزند مرحوم حاج شیخ عباس قمی، صاحب مفاتیح‌الجنان از پدرش نقل می کند که پدرم گفت: یک سال از قم برای امری به همدان سفر کردم و در آنجا میهمان یکی از معتمدین بودم. شبی صاحب منزل اظهار داشت امشب در منزل یکی از آشنایان برای شام میهمان هستم و از من خواهش نمود که همراه او بروم و چون امتناع کردم اصرار نمود که آمدن شما برای من و آبروی من خوب است و با این لحن مرا در محذور قرار داد به هر حال آن شب را من به آن میهمانی رفتم و شام خوردم. فردا صبح (بر خلاف همیشه که به راحتی برای نماز شب بیدار شدم) موقعی از خواب بیدار شدم که چیزی به طلوع آفتاب نمانده بود. با عجله وضو گرفتم و نماز صبح را خواندم و پس از نماز به فکر فرو رفتم که چه شد که از خلوت شب محروم ماندم هر چه اندیشیدم چیزی را به جز شام شب گذشته عامل آن نیافتم. صاحب منزل که آمد پرسیدم کسی که دیشب در منزلش غذا خوردیم چه شغلی دارد؟ گفت: بانکدار است(قضیه مربوط به زمان طاغوت است) من ناراحت شدم و گلایه کردم که چرا مرا به این سفره دعوت نمودی. پدرم می‌گفت: من تا مدت چهل شب هر چه کردم بر نماز شب توفیق نیافتم» (مفاسد مال و لقمه حرام. ص۳٦)

پنج‌شنبه ۶ اسفند

اذان صبح: ۵:۱۷

طلوع آفتاب: ٦:٤٠

اذان ظهر: ۱۲:۱۷

اذان مغرب: ۱۸:۱۳

١٦ جمادی الاولی ١٤٣٧

25 Feb 2016

دنیا گرایی

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): اگر ما عمامه‌ای‌ها درست نقش خود را بشناسیم و بتوانیم آن را ایفا کنیم، دنیا را آباد خواهیم کرد. ماها گاهی کوتاهی می کنیم؛ سراغ همان راه‌هایی می‌رویم که اهل دنیا رفته‌اند؛ آنگاه کار ما خراب می‌شود. ... اگر عمامه سرمان گذاشتیم و دنبال همان کارهایی بودیم که پاپیون‌زن‌ها و کراوات‌زن‌ها و بقیه اهل دنیا دنبال آن هستند، ما هم مثل آنها هستیم. لباس که تغییر اساسی ایجاد نمی کند؛ باید دید دل، جایگاهِ چیست. دلی که به دنبال تجملات و زخارف دنیاست، دیگر دل نیست؛ دکان زرگری است؛ هرچند شاعر می گوید دِه است. اول باید دلمان را پاک کنیم: «من نصب نفسه للنّاس اماما فعلیه ان یبدأ بتعلیم نفسه قبل تعلیم غیره» (نهج البلاغه، حکمت ۷۳)؛ کسی که پیشاهنگ، پیشوا و جلودار جمعیتی می‌شود، اول باید خود را آماده کند. اگر بنده و جناب‌عالی می خواهیم صد نفر را به دنبال خود بکشانیم ـ چه برای کوهنوردی، چه برای بیابان‌گردی، چه برای یک رزمایش ـ اول باید قوت راه رفتن را در خودمان ایجاد کنیم؛ والّا اگر ده قدم رفتیم و بعد گفتیم آخ قلبمان گرفت، پایمان خسته شد، این صد نفر هم هر چند چهار نفرشان همت کنند و بروند، اما دیگر نمی‌شود اینها را به مقصد رساند. راه معنویت هم همین‌طور است؛ خودمان را باید درست کنیم. (۱۳۸۳/۱۰/۲۳)

جمعه ۷ اسفند

اذان صبح: ۵:۱۶
طلوع آفتاب: ۶:۳۹
اذان ظهر: ۱۲:۱۷
اذان مغرب: ۱۸:۱۴

۱۷ جمادی‌الاولی ۱۴۳۷
26 Feb 2016

دنیا و آخرت اینجاست!

رهبر معظم انقلاب در خاطره ای از مرحوم والد خویش بیان کرده‌اند: «بنده اگر در زندگی خود در هر زمینه‌ای توفیقاتی داشته‌ام، ... این توفیقات باید از یک کار نیکی که من به یکی از والدینم کرده‌ام، باشد. مرحوم پدرم در سن پیری، ... به بیماری آب چشم، که چشم انسان نابینا می‌شود، دچار شد. بنده آن وقت در قم بودم ؛ من به مشهد آمدم ... من احساس کردم که اگر ایشان را در مشهد تنها رها کنم و خودم به قم بروم، ایشان به یک موجود از کار افتاده تبدیل می‌شود، از طرف دیگر، اساتیدی که من از آن زمان داشتم اصرار داشتند که من از قم نروم بر سر یک دو راهی گیر کرده بودم این مسئله در اوقاتی بود که ما برای معالجه ایشان به تهران آمده بودیم؛ روزهای سختی را من در حال تردید گذراندم. یک روز خیلی ناراحت بودم ... به سراغ یکی از دوستانم رفتم؛ مرد اهل معنا و آدم با معرفتی بود؛ قضیه را گفتم؛ گفتم : من دنیا و آخرتم را در قم می‌بینم و اگر اهل دنیا باشم، دنیای من در قم است، اگر اهل آخرت هم باشم، آخرت من در قم است؛ یک تأمل مختصری کرد و گفت: «شما بیا یک کاری بکن و برای خدا از قم دست بکش و برو در مشهد بمان؛ خدا دنیا و آخرت تو را می‌تواند از قم به مشهد منتقل کند.» من یک تأملی کردم و دیدم عجب حرفی است، انسان می‌تواند با خدا معامله کند؛ ... به هر حال، به دنبال کار و وظیفه خود رفتم و اگر بنده در زندگی توفیقی داشتم، اعتقادم این است که ناشی از همان برّی است که به پدر، بلکه به پدر و مادرم انجام داده‌ام. (درس اخلاق، انتشارات نمایندگی ولی فقیه در سپاه ، ۱۳۷۱)

﴿قُلْ إِنَّما أَعِظُكُمْ بِواحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلّٰهِ مَثْنى وَ فُرادى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا ما بِصاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلاَّ نَذيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذابٍ شَديدٍ﴾[1]؛ بگو من شما را فقط به یك حقیقت اندرز می‌دهم [و آن] اینکه دو تا دو تا و یك یك برای خدا قیام کنید، سپس درباره رفیقتان [محمّد که عمری با پاکی، امانت، صدق و درستی در میان شما زندگی کرده است] بیندیشید که هیچ گونه جنونی ندارد، او برای شما از عذاب سختی که پیش روست، جز بیم دهنده‌ای نیست.

نکته‌ای در باره آیه شریفه

در احتجاج حدیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که فرمود: منافقین به رسول الله عرض کردند: آیا بعد از واجباتی که تا کنون پروردگارت بر ما واجب فرموده، تکلیف دیگری هنوز مانده یا همه تکالیف بیان شده است؟ اگر هنوز واجبی مانده، بفرمایید تا خاطر ما آسوده شود و بدانیم که دیگر تکلیفی جز آنچه در دست داریم، نیست. در پاسخ این سؤال منافقین، خدای تعالی این آیه را نازل فرمود.[2]

نکات تفسیری

۱ـ کلمات و تعبیرات این آیه، هر کدام اشاره به مطلب مهمی است که به ده نکته آن در این مجال اشاره میشود:

۱- جمله» اعظکم» (شما را اندرز می‌دهم) در حقیقت بیانگر این واقعیت است که من خیر و صلاح شما را در این سخن در نظر می گیرم، نه هیچ مسئله دیگر.

۲- تعبیر به «واحدة» (تنها یک چیز) مخصوصاً با تأکید به وسیله «انّما» اشاره گویایی به این واقعیت است که ریشه تمام اصلاحات فردی و جمعی، به کار انداختن اندیشه‌هاست، مادام که فکر ملّتی در خواب است، مورد هجوم دزدان و سارقان دین و ایمان و آزادی و استقلال قرار می گیرند، اما هنگامی که افکار بیدار شد، راه بر آنها بسته می‌شود.

۳- تعبیر به «قیام» در اینجا به معنی ایستادن روی دو پا نیست، بلکه به معنی آمادگی برای انجام کار است؛ چرا که انسان هنگامی که روی پای خود می‌ایستد، آماده برای انجام برنامه‌های مختلف زندگی می‌شود. بنابراین اندیشه کردن، نیاز به آمادگی قبلی دارد، تا اینکه انگیزه و حرکتی در انسان ایجاد شود و با اراده و تصمیم جدّی به تفکر بپردازد.

۴- تعبیر «لله» بیانگر این معنی است که قیام و آمادگی، باید انگیزه الهی داشته باشد و تفکّری که از چنین انگیزه‌ای سرچشمه می گیرد، ارزنده است. اصولاً اخلاص در کارها و حتّی در اندیشیدن، خمیرمایه نجات و سعادت و برکت است.

جالب اینکه ایمان به «الله» در اینجا مسلّم گرفته شده است. این مهم اشاره دارد به اینکه توحید یک امر فطری است که حتّی بدون اندیشه نیز روشن است.

۵- تعبیر به «مثنّی و فرادی» (دو دو، یا یک یک) اشاره به این است که اندیشه و تفکر باید دور از غوغا و جنجال باشد، مردم به صورت تکنفری، یا حد اکثر دو نفر دو نفر قیام کنند و فکر و اندیشه خود را به کار گیرند؛ چرا که تفکر در میان جنجال و غوغا عمیق نخواهد بود، به خصوص اینکه عوامل خودخواهی و تعصّب در راه دفاع از اعتقاد خود در حضور جمع بیشتر پیدا می‌شود.

بعضی از مفسّران نیز احتمال داده‌اند که این دو تعبیر به این منظور است که افکار «فردی» و«جمعی» یعنی آمیخته با مشورت را فرا گیرد. انسان باید هم به تنهایی بیندیشد و هم از افکار دیگران بهره گیرد؛ چرا که استبداد در فکر و رأی، مایه تباهی است و هم‌فکری و تلاش برای حلّ مشکلات علمی به کمک یکدیگر، در آنجا که به جنجال و غوغا نکشد، مطمئناً اثر بهتری دارد و شاید به همین دلیل «مثنی» بر «فرادی» تقدّم یافته است.

۶- جالب اینکه قرآن کریم در این آیه می‌فرماید: تتفکّروا (بیندیشید) اما در چه چیز؟ از این نظر مطلق است و به اصطلاح «حذف متعلّق، دلیل بر عموم است.» یعنی در همه چیز، در زندگی معنوی، در زندگی مادّی، در مسائل مهم، در مسائل کوچک و خلاصه در هر کار باید نخست اندیشه کرد، ولی از همه مهم‌تر، اندیشیدن برای پیدا کردن پاسخ این چهار سؤال است:

از کجا آمده‌ام؟ آمدنم بهر چه بوده؟ به کجا می‌روم؟ و اکنون در کجا هستم؟

بعضی از مفسّران معتقدند که متعلّق «تفکّر» در این آیه، جمله بعد از آن است (ما بِصاحِبِکُمْ مِنْ جِنَّةٍ). یعنی اگر کمی تفکر کنید، به خوبی در می‌یابید که پیامبر ﷺ از اتهام واهی شما در مورد جنون پاک و منزه است.

معنی اول روشن‌تر به نظر می‌رسد. اما مسلماً از جمله اموری که باید در آن اندیشید، مسئله نبوت و صفات برجسته‌ای است که در شخص پیامبر اسلام ﷺ و عقل و درایت او بوده است، بی‌آنکه منحصر به ایشان باشد.[۳]

۲ ـ خداوند به رسول اکرم ﷺ فرمان می‌دهد تا در راه رسالت خویش، در جهت انذار مردم، به پا خیزد: «یا أَیُّهَا الْمُدَّثِّر * قُم فَانذِر».[۴] برخی از آیات به موعظه همه مردم پرداخته و به آنان فرمان می‌دهد تا به صورت جمعی و فردی برای خداوند بر پا خیزند. همانند آیه مورد بحث؛ منظور از قیام در این آیه، ایستادن بر روی پا در برابر نشستن نیست؛ بلکه مراد، قیام حق‌طلبانه است.[۵] مضاف بر این، از آنجا که قیام جمعی، از اهمیت بیشتری برخوردار است، بر قیام فردی مقدم شده است.[۶] البتّه چنین گروهی از حمایت الهی برخوردار خواهند بود؛ همچنان‌که گروهی از مؤمنان (اصحاب کهف) در راه خدا برپا خاسته‌اند و مورد ستایش خدا قرار گرفتند و هدایت و تأیید ویژه الهی را نصیب خویش کرده‌اند،[۷] حرکت این گروه، قیامی خدایی و تصمیمی برای پایداری کلمه توحید بوده است.[۸]

۳ ـ در نتیجه معنای آیه این است که به ایشان بگو: من شما را به موعظتی وصیت می‌کنم و آن این است که بی سر و صدا و جدا جدا، برای خاطر خدا، قیام کنید و در گوشه‌ای به فکر فرو روید، زیرا در تنهایی اندیشیدن، حاصل بهتری خواهد داشت. در چنین حالی درباره امر من که در طول عمر در بین شما زندگی کردم، نیک بیندیشید و به یاد آورید که جز رأی محکم و سدید، فکر صائب و بلند، صداقت و امانت، از من ندیدید. آن وقت خواهید فهمید که من مبتلا به جنون نیستم و من جز بیم‌رسانی، - که قوم خود را از عذاب شدیدی که در پیش رو دارند، هشدار می‌دهد- غرض دیگری ندارم و خواهید فهمید که من خیرخواه شما هستم، نه خائن به شما.[۹]

حدیث

۱ ـ رسولُ الله ﷺ : لَن یَبْرَحَ هذا الدِّینُ قائماً یُقاتِلُ عَلَیْهِ عِصابةٌ مِنَ المُسلِمینَ حتّی تَقُومَ السّاعةُ.[۱۰]

پیامبر مکرم اسلام ﷺ می‌فرماید: این دین همواره پا بر جا خواهد بود و گروهی از مسلمانان تا قیام قیامت، به خاطر آن می‌جنگند.

۲ ـ الإمامُ علیٌّ علیه‌السلام : و لَعَمری ، ما علَیَّ مِن قِتالِ مَن خالَفَ الحقَّ و خابَطَ الغَیَّ من إدْهان و لا إیْهان ، فاتَّقوا اللهَ عِبادَ اللهِ و فِرّوا إلی اللهِ مِنَ اللهِ و امْضوا فی الّذی نَهَجَهُ لَکُم و قوموا بما عَصَبَهُ بِکُم ، فعلیٌّ ضامِنٌ لِفَلْجِکُم آجِلاً إنْ لَم تُمْنَحُوهُ عاجِلاً.[۱۱]

امام علی علیه‌السلام میفرماید: به جان خودم سوگند که در جنگ با حقّ ستیزان و فرو رفتگان در ورطه گمراهی، هرگز سازشکاری و سستی روا نمی‌دارم .پس، ای بندگان خدا ! از خدا پروا کنید و از [عذاب] خدا به خدا بگریزید و در راه روشنی که فراپیش شما نهاده است، پیش روید و به آنچه شما را بدان مکلّف فرموده، قیام کنید . اگر در این دنیا پیروزی نصیب شما نشد ، علی علیه‌السلام پیروزی در آن دنیا را برای شما ضمانت می‌کند.

داستان

جمعی در محضر مرجع تقلید شیعیان، مرحوم حضرت آیت الله العظمی میلانی (که در مشهد مقدس سکونت داشت) نشسته بودند، آن هنگام که امام خمینی رحمه‌الله در تبعید به سر میبرد، سخن از امام خمینی به میان آمد. آیت الله العظمی میلانی فرمود: سلام الله علیه (سلام خدا بر خمینی). در آن جمع، این کلام برای شخصی ناخوش آمد، آن شخص سخنی گفت که بوی اعتراض می‌داد. آیت الله میلانی به او فرمود: ساکت باش ای فلانی! اینجا مسئله تقلید در بین نیست که گفته شود، فلانی اعلم است یا من؟ اینجا بحث رهبری است و چنین نیست که هر مجتهدی لیاقت رهبری داشته باشد، به همان گونه که لیاقت تقلید را دارد. لیاقت رهبری را تنها فقیه سیاستمدار دارا است که به زمان خویش، آگاه بوده و در راه خدا از ملامت ملامتگران نترسد و اکنون با این مشخصات کسی جز آیت الله خمینی نیست.[۱۲]

نتیجه

با توجّه به آنچه گذشت، روشن است که امّت اسلامی بارزترین مصداق امّت قائمه هستند و به طور کلی هر امّتی که در برابر شرک و ظلم قیام کرده و به سوی توحید و اطاعت الهی روی آورند، از مصادیق امّت قائمه به شمار می‌آیند، بر این اساس روایاتی که مقصود از امّت قائمه را، امّت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله یا علی علیه‌السلام و یارانش دانسته‌اند، می‌توان به همین روش تبیین کرد.[۱۳]

پی‌نوشت

۱. سوره سبأ، آیه ۴۶. ■ ۲. به نقل از غایة المرام ص ۱۰۹ ح ۱۹. ■ ۳. تفسیر نمونه، ج۱۸، ص، ۱۳۷. ■ ۴.سوره مدثر، آیات ۲ ـ۱. ■ ۵. مجمع‌البیان، ج ۸، ص ۶۱۹؛ زاد المسیر، ج ۶، ص ۴۶۵؛ تفسیر قرطبی، ج ۱۴، ص ۱۹۹. ■ ۶. البرهان فی علوم‌القرآن، ج ۳، ص ۳۱۷. ■ ۷.سوره کهف، آیات ۱۴ ـ ۱۳. ■ ۸. تفسیر قرطبی، ج ۱۰، ص ۲۳۸؛ المیزان، ج ۱۳، ص ۲۸۴. ■ ۹. ترجمه تفسیر المیزان، ج۱۶، ص: ۵۸۷ ■ ۱۰. عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار، النص، ص، ۴۲۲. ■ ۱۱. نهج البلاغه، قسمتی از خ ۲۴. ■ ۱۲. داستان دوستان محمد محمدی اشتهاردی. ■ ۱۳. المعجم الکبیر، ج ۱۹، ص ۳۲۹؛ شرح الاخبار، ج ۳، ص ۱۳۲

یاوران حضرت حجّت عليه السلام، (یاران عام)

پس از گردآمدن یاران خاصّ حضرت در آغاز ظهور، نوبت به یاوران آن حضرت می‌رسد. آنان به طور سریع در مکه جمع شده،آماده یاری ایشان خواهند شد. شمار یاوران آن حضرت در ابتدا افزون بر ده هزار می‌باشد؛ چنان‌که امام صادق عليه السلام فرمود:

مَا يَخْرُجُ إِلَّا فِي أُولِي قُوَّةٍ وَ مَا يَكُونُ أُولُو الْقُوَّةِ أَقَلَّ مِنْ عَشَرَةِ آلَافٍ؛[1]

امام زمان خروج نمی‌کند، مگر همراه یاران نیرومند و رشید، در حالی که این یاران کمتر از ده‌هزار نفر نیستند.

آنچه در اینجا باید یادآور شد، این است که بخشی از یاران، همان شیعیان واقعی آن حضرت هستند؛ ایشان در دوران غیبت به شایستگی به وظایف خود عمل کرده‌اند. دراین‌باره ابوبصیر از امام صادق عليه السلام روایت می‌کند، امام در تفسیر این قول خدای تعالی «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لا يَنْفَعُ نَفْساً إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْراً»[2] فرمود:

يَعْنِي خُرُوجَ الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ مِنَّا. يَا أَبَا بَصِيرٍ طُوبَى لِشِيعَةِ قَائِمِنَا الْمُنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَ الْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ أُولَئِكَ أَوْلِيَاءُ اللهِ الَّذِينَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ؛[3]

یعنی خروج قائم منتظر ما، [سپس فرمود:] ای ابابصیر! خوشا به حال شیعیان قائم ما، کسانی که در غیبتش منتظر ظهور او هستند و در حال ظهورش نیز فرمانبردار اویند. آنان اولیای خدا هستند که نه خوفی بر آنهاست و نه اندوهگین می‌شوند.

شعار یاران حضرت مهدی عليه السلام

در برخی روایات گفته شده شعار یاران حضرت مهدی «یالثارات الحسین» است. «ثار» در لغت به معنای خون‌خواهی است.[4] بخشی از اهداف امام و یاران ایشان در برپایی قیام جهانی، انتقام از ستمگران است و آنان با این

پیشنهادهای اجرایی هفته

- جلسه با هیئت امنای مسجد
- حضور در مراسم های ترحیم اهالی محل در طول سال جهت التیام صاحب عزا
- تشکیل مؤسسه خیریه در مسجد جهت تجمیع نذورات جزئی اهالی محل، برای دستگیری از مستمندان
- برگزاری مراسم دعای توسل (سه شنبه)
- دریافت کمک های مردمی جهت مشارکت در برنامه روز احسان و نیکوکاری
- خرید لباس نو جهت پخش نمودن بین خانواده های نیازمند در آستانه عید نوروز
- برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید
- برگزاری مراسم دعای کمیل (پنجشنبه)
- برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه)

شعار به خون‌خواهی امام حسین علیه‌السلام قیام خواهند کرد. پس معنای این شعار چنین خواهد بود: «کجایند قاتلان حسین؟»[5] یا «کجایند خون‌خواهان حسین؟». امام صادق علیه‌السلام دراین باره فرمود:

... وَهُمْ مِنْ خَشیَةِ اللهِ مُشْفِقُونَ یَدعُونَ بِالشَّهادَةِ وَیَتَمَنَّونَ اَنْ یُقتَلُوا فِی سَبیلِ اللهِ شِعارُهُم یَا لَثاراتِ الحُسَینِ[7] اِذا سَارُوا یَسیرُ الرُّعبُ اَمَامَهُمْ مَسیرَةَ شَهرٍ؛[6]

یاران مهدی... فقط از خدا می‌ترسند و فریاد «لا اله الا الله» آنان بلند است و همواره در آرزوی شهادت و کشته شدن در راه خدایند. شعار آنان «یالثارات الحسین» است. به هر سو که رو می‌آورند، ترسِ از آنان، ـ به اندازه یک ماه مسیر ـ پیشاپیش در دل مردم می‌افتد.

در بعضی از روایات، این عبارت، شعار فرشتگان، به هنگام یاری حضرت مهدی، دانسته شده است.امام رضا علیه‌السلام در این باره فرمود:

فَیَکُونُونَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ شِعَارُهُمْ یَا لَثَارَاتِ الْحُسَیْنِ؛[7]

پس آنها از یاران او هستند و شعارشان «یالثارات الحسین» است.

طبق این روایت نیز، شعار یاران حضرت هماهنگ با فرشتگان الهی خواهد بود.

پی‌نوشت

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج۲، ص۶۵۴، ح۲۰. ■ ۲. «روزی که پاره‌ای از نشانه‌های پروردگارت [پدید] آید، کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده است، ایمان آوردنش سود نمی‌بخشد». ■ ۳. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج۲، ص۳۵۷. ■ ۴. ر.ک: ابن منظور، لسان العرب، ج۴، ص۹۷؛ خلیل بن احمد، کتاب العین، ج۸، ص۲۳۶؛ طریحی، مجمع البحرین، ج۳، ص۲۳۴. ■ ۵. ر.ک: طریحی، مجمع‌البحرین، ج۳، ص۲۳۵. ■ ۶. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۰۷، ح۸۲. ■ ۷. صدوق، عیون اخبار الرضا، ج۱، ص۲۹۹؛ همو، ألامالی، ص۱۲۹.

روز امور تربیتی و تربیت اسلامی
ورود قمر به عقرب ۱۴:۵۴

شنبه ۸ اسفند

اذان صبح: ۵:۱۵
طلوع آفتاب: ۶:۳۸
اذان ظهر: ۱۲:۱۷
اذان مغرب: ۱۸:۱۵

۱۸ جمادی الاولی ۱۴۳۷
27 Feb 2016

بصیرت دهی

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): حاجت سوم به فعالیت‌های حوزه علمیه، نیاز روشن‌فکران و جوانان است. اینها قشری هستند که در مقابل شبهات قرار می‌گیرند. در همه جا اوّلین مخاطب شبهه‌ها، روشن‌فکران و اهل فکر و اندیشه‌اند که غالباً در میان جوانان و صاحبان فکر و اندیشه و تحصیلکرده‌ها هستند. بسیاری از مردم شبهه به سراغشان نمی‌آید. آنها به شبهه کاری ندارند. ایمانی دارند و بر طبق ایمانشان زندگی خوبی را پیش می‌برند. کسانی که اهل مطالعه‌اند، با دنیا مواجه می‌شوند و در باره اصل دین و اسلام و معارف آن و نیز اصول و فروع و تاریخ دین حرف می‌زنند و مرتباً شبهه القا می‌کنند. کسانی باید باشند تا این شبهه‌ها را برطرف کنند... متصدّی اصلی، انصافاً حوزه‌های علمیه و علمای دین‌اند. اینها اوّلین کسانی هستند که باید شبهه‌ها را برطرف کنند. (۱۳۷۴/۰۶/۱۴)

عزیزان من! امروز شبهه‌های نو و خطرناکی وجود دارد. آن شبهه‌های قدیمی تمام شد. امروز شبهه «ابن کمونه» را کسی مطرح نمی‌کند؛ امروز شبهات عظیمی در تمام زمینه‌های کلامی وجود دارد. ... چه کسی باید به این شبهات اعتقادی پاسخ بدهد؟ مگر علما، مرزداران عقیده نیستند؟ آیا مرزهای عقیده مدافع ندارد و رهاست؟ چه کسی در مقابل ایتام آل محمد علیهم‌السلام که بی‌دفاع در معرض این امواج قرار گرفته‌اند، جواب خدا را خواهد داد؟ (۱۳۷۴/۰۹/۱۴)

روز حمایت از حقوق
مصرف کنندگان

یکشنبه ۹ اسفند

اذان صبح: ۵:۱۳
طلوع آفتاب: ۶:۳۷
اذان ظهر: ۱۲:۱۷
اذان مغرب: ۱۸:۱۶

۱۹ جمادی الاولی ۱۴۳۷
28 Feb 2016

ما هم یک نقص داریم، او هم یک نقص دارد...

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): خودتان را مجهز کنید، مسلّح به سلاح معرفت و استدلال کنید، بعد به این کانون‌های فرهنگی هنری بروید و پذیرای جوان‌ها باشید. با روی خوش هم پذیرا باشید؛ با سماحت، با مدارا. فرمود: «و سنّة من نبیّه» که ظاهراً عبارت است از «مداراة النّاس»؛ (الفقه المنسوب إلی الإمام الرضا علیه‌السلام، ص ۳۶۸) مدارا کنید. ممکن است ظاهر زنده‌ای داشته باشد؛ داشته باشد. بعضی از همین‌هائی که در استقبالِ امروز بودند و شما الان در این تریبون از آن‌ها تعریف کردید، خانم‌هائی بودند که در عرف معمولی به آنها می‌گویند «خانم بدحجاب»؛ اشك هم از چشمش دارد می‌ریزد. حالا چه کار کنیم؟ ردش کنید؟ مصلحت است؟ حق است؟ نه. دل، متعلّق به این جبهه است؛ جان، دلباخته‌ی به این اهداف و آرمان‌هاست. او یك نقصی دارد. مگر من نقص ندارم؟ نقص او ظاهر است، نقص‌های این حقیر باطن است؛ نمی‌بینند. «گفتا شیخا هر آنچه گوئی هستم / آیا تو چنان که می‌نمائی هستی؟» ما هم یك نقص داریم، او هم یك نقص دارد. با این نگاه و با این روحیه برخورد کنید. البته انسان نهی از منکر هم می‌کند؛ نهی از منکر با زبان خوش، نه با ایجاد نفرت. بنابراین با قشر دانشجو ارتباط پیدا کنید. (۹۱/۷/۱۹)

دوشنبه ۱۰ اسفند

اذان صبح: ۵:۱۲
طلوع آفتاب: ۶:۳۵
اذان ظهر: ۱۲:۱۷
اذان مغرب: ۱۸:۱۷

۲۰ جمادی‌الاولی ۱۴۳۷
29 Feb 2016

مرید پرور نبود...

مرحوم آقا مجتبی تهرانی بعد از پیروزی انقلاب بنا به خواست شخصی‌اش، با دعا به درگاه خدای متعال و توسّل به حضرات معصومین، خود را از قبول مسؤولیت‌های اجرایی کنار کشید و با حضور در صحنه نیروسازی برای انقلاب، همچنان به‌صورت گمنام و مؤثر به تربیت نیروهای جوان و کارآمد برای انقلاب اسلامی پرداخت.
آشنایانش می‌گویند خیلی مرید داشت؛ اما مریدباز و مریدپرور نبود. مریدانش حاضر بودند هر کاری برایش انجام دهند؛ زیرا حیات معنوی‌شان را مدیون وی می‌دانستند. همیشه سعی در گمنام بودن و گمنام زیستن داشت. تنها رفت و آمد می‌کرد و اگر کسی در مسجد جامع دنبالش راه می‌افتاد از او می‌پرسید کاری دارید؟ مسیر را از سر بازار تا مسجد پیاده می‌رفت؛ با این حال خیلی از بازاری‌ها او را نمی‌شناختند.
(پایگاه رسمی نشر آثار آیت الله آقا مجتبی تهرانی، www.mojtabatehrani.ir)

خروج قمر از عقرب ۲:۰٤

سه‌شنبه ۱۱ اسفند

اذان صبح: ۵:۱۱
طلوع آفتاب: ٦:۳٤
اذان ظهر: ۱۲:۱۷
اذان مغرب: ۱۸:۱۸

۲۱ جمادی‌الاولی ۱٤۳۷

1 Mar 2016

نماز اول وقت

اوّلین توصیه آیت الله حق شناس به کسی که خدمت ایشان می‌رسید، توجه به نماز اوّل وقت بود. به دانش آموز می‌فرمود: اگر نمازت را اوّل وقت بخوانی، قبولی تو را در امتحانات تضمین می‌کنم. در این رابطه حجة الاسلام و المسلمین محمد علی جاودان می‌گوید:
یک روز با یکی از دوستان محضر ایشان رفته بودیم، آن وقت منزل ایشان نزدیک مسجد امین الدوله بود. مجلس هم مجلس خاصی بود. ایشان دفعتاً شروع به صحبت کردند و فرمودند: به آقا حجة بن الحسن عرضه داشتم من یتیم هستم و پدر ندارم. فرمود: من پدر شما هستم. حضرت سپس به من امر کردند: نماز جماعت، نماز شب، توجه به درس و مطالعه. آقای حق شناس این سه مطلب را در زندگی به جا می‌آورد و هر سه وصیت حضرت را به دقت انجام می‌داد. گاهی می‌دیدم بی‌وقفه سه ساعت مطالعه می‌کند و سعی می‌کند حتّی یک نمازش را هم فرادی نخواند. نماز شب را هم ترک نمی‌کرد و اساساً رفقای خود را افرادی می‌دانست که در نماز جماعت حاضر می‌شوند. (پایگاه رسمی معاونت تهذیب حوزه علمیه قم)

چهارشنبه ۱۲ اسفند

اذان صبح: ۵:۱۰
طلوع آفتاب: ۶:۳۳
اذان ظهر: ۱۲:۱۶
اذان مغرب: ۱۸:۱۹

۲۲ جمادی‌الاولی ۱۴۳۷
2 Mar 2016

با من کاری دارید ....

[مرحوم آیت الله العظمی] حاج آقا [مجتبی تهرانی رحمه‌الله] همیشه سعی می کردند که گمنام باقی بمانند و کارهایشان را خودشان می کردند. دور و بری اطراف خودشان جمع نمی کردند و پس می‌زدند. این را شما از همه شنیده‌اید و وقتی در مسجد جامع کسی دنبال ایشان راه می افتاد، می‌پرسیدند کاری دارید؟ اگر کاری ندارید رد شوید. تنها رفت و آمد می کردند. خودشان می آمدند و می رفتند و تا اواخر عمرشان حدوداً تا یک سال پیش ایشان تمام مسیر را از سر بازار تا مسجد پیاده می آمدند، پیاده هم برمی گشتند، بدون این که کسی در اطرافشان باشد. جالب اینجا بود که خیلی از بازاری ها، خرکچی ها و باربرها ایشان را نمی شناختند و من بارها دیده بودم که به ایشان اهانت می کنند. البته خیلی‌ها احترام ایشان را نگه می‌داشتند؛ اما افرادی هستند که نمی‌شناسند و با روحانیت عناد دارند. یک بار یادم می آید حاج آقا از مسجد بر می گشتند و پشت سر ایشان با فاصله خیلی زیاد راه افتاده بودم تا ایشان نفهمند و می‌خواستم به مشی ایشان دقت کنم در یک قسمتی از بازار که ایشان از دالانی عبور می کردند، وقتی از کنار شخصی رد شدند، آن شخص در صورت حاج آقا به ایشان بی احترامی کردند و به ایشان لفظ بدی را گفتند که تمام مردم سمت حاج آقا و این فرد برگشتند که ببینند چطور برخورد می کنند و بنده هم خیلی دقت کردم. حاج آقا بدون این که تغییری در چهره‌اشان ایجاد شود و اصلاً انگار نه انگار که حرفی زده شده به راهشان ادامه دادند.
(به نقل از میثم مطیعی (شاگرد ایشان) در گفت‌وگو با خبرگزاری مشرق)

پنج‌شنبه ۱۳ اسفند

اذان صبح: ۵:۰۸
طلوع آفتاب: ۶:۳۱
اذان ظهر: ۱۲:۱۶
اذان مغرب: ۱۸:۲۰

۲۳ جمادی‌الاولی ۱۴۳۷
3 Mar 2016

اندرون از طعام خالی دار!

ملاصدرا مردی با بضاعت بود و ثروت موروثی داشت و در خانه او چند خادم کار می کردند ولی گاهی خود رأساً وسایل منزل را از بازار خرید می نمود تا هم ارتباط با مردم داشته باشد و هم ازغرور مال و ثروت در امان باشد. ملا صدرا می گفت: چون بخشی از گناهان نتیجه پرخوری و شکم پروری است، باید در صرف غذا امساک کرد و همواره این شعر سعدی را می خواند: اندرون از طعام خالی دار، تا در آن نور معرفت بینی! و خود در شبانه روز یک وعده غذا می خورد.
در مدتی که در روستای کهک اطراف قم تبعید بود، گهگاه به قم می آمد و از حضرت معصومه علیها السلام جهت رفع معضلات علمی اش استمداد می جست.
زمانی که امام در مسجد سلماسی قم درس اصول می گفتند، در مقام موعظه به طلّاب و بیان اهانت‌های وارده برخی اهل فضل و دانش بر ملاصدرا فرمودند: «و ما ادراک ما ملاصدرا؟! مسائلی که بوعلی از حل آنها عاجز مانده ملاصدرا حل کرده! چرا مواظب زبانمان نیستیم؟!» (سیمای فرزانگان، ص۲۵۲ و ۴۵۴)

جمعه ۱۴ اسفند

روز احسان و نیکوکاری
تاسیس کمیته امداد امام خمینی ره (۱۳۵۷ هش)

اذان صبح: ۵:۰۷
طلوع آفتاب: ٦:۳۰
اذان ظهر: ۱۲:۱٦
اذان مغرب: ۱۸:۲۱

٢٤ جمادی الاولی ١٤٣٧

4 Mar 2016

خود بزرگ بینی

روحانی که وظیفه تعلیم و تربیت دینی مردم را بر عهده دارد، از جایگاه و شأن ویژه‌ای برخوردار است و مورد احترام و تجلیل نیز قرار می‌گیرد. این احترام و تجلیل نباید مایه غرور و تکبر شود. روحانی هرگز نباید خود را برتر از نوع مردم و مستحق امتیاز ویژه بداند. رفتارهایی که به نوعی نشان از این رذیلت اخلاقی دارد، بسیار مذموم و ناپسند است؛ رفتارهایی مانند عدم رعایت نوبت، عدم رعایت قانون عمومی، متقاعد کردن پلیس برای جریمه نکردن و گذشت از تخلف او با استفاده از شأن طلبگی، درخواست ملاحظه بیشتر، دریافت وام ویژه، بی‌توجهی به حضور دیگران و حقوق آنان، بی‌اعتنایی به مردم، گلایه دایم و شکایت مستمر، توقع احترام، انتظار سلام یا دعوت به بالای مجلس و ... .

امام علی علیه‌السلام از خرید لباس از فروشنده‌ای که ایشان را شناخت و می‌خواست تخفیف ویژه‌ای بدهد انصراف داد و از فروشنده دیگری به طور ناشناس تهیه کرد. (الغارات، ج۲، ص ۷۱۴.) امام خمینی رحمه‌الله نیز، با دیدن گوشت خوبی که خادمشان خریده بود، او را از خرید گوشت قصّابی که او را می شناسد،نهی کرد. زیرا قصاب ملاحظه ایشان را خواهد کرد و بهتر از آن‌چه به توده مردم می‌دهد، برای ایشان خواهد گذاشت. در نتیجه، چربی بیشتری برای سایرین خواهد ماند.
(درآمدی برزیّ طلبگی، صص۱۴۲-۱۴۴)

﴿لَنْ تَنالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ ما تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾[1]؛ «هرگز به نیکی دست نمی‌یابید و از نیکان نمی‌شوید مگر اینکه از آنچه دوست می‌دارید، انفاق کنید و هرچه را انفاق کنید، پاداش آن را نزد خدا خواهید یافت؛ زیرا خدا به انفاق شما داناست».

روایتی ذیل آیه شریفه

ابوذر کسی را مهمان کرد و به او گفت :من مشغول کاری هستم؛ شترانی دارم، برو و بهترین آن‌ها را بیاور تا برای تو نحر کنم. مهمان رفت و ناقه‌ای لاغر جدا کرد و آورد. ابو ذر به او گفت: به من خیانت کردی؛ مهمان گفت: بهترین شترانت شتری نر و قوی بود؛ آن را برای روز مبادا و نیازمندی‌ات گذاشتم. ابوذر گفت: روز حاجت من روزی است که مرا در گور نهند و خدا فرماید: هرگز به خیر نایل نشوید مگر از آنچه دوست دارید انفاق کنید و به دنبال آن گفت: در مال انسان سه کس شریک اند: ۱ـ قضا و قدر که از تو اجازه نمی‌گیرد که خوبش را ببرم یا بدش را و به هلاک بگیرم یا مرگ؛ ۲ـ وارث منتظر است که به بستر مرگ روی تا از آن بهره برد و حسابش بر گردن تو بماند؛ ۳ـ خودت؛ بکوش که عاجزترین این سه کس نباشی؛ خداوند می‌فرماید: «لَنْ تَنالُوا...» و این شتر قوی و نر محبوب‌ترین اموالم بود، خواستم که برای خود پیش فرستم.[2]

نکات تفسیری

۱ـ فعل «تنالوا» جمع حاضر از مضارع «نیل» است و نیل به معنای رسیدن به چیزی است و کلمه «برّ» به معنای باز بودن دست و پای آدمی در کار خیر است.[3]

۲ـ آیه در صدد توبیخ کسانی است که اموالشان را بر دین خدا ترجیح می‌دهند و در عین حال ادعای دوستی با خدا و انبیا دارند و خود را اهل تقوا می‌دانند! لذا می‌فرماید: شما بر این ادعا صادق نیستید؛ چراکه اموال زبده و گران‌بهای خود را بیش از خدا و راه خدا دوست می‌دارید و در بذل آن بخل می‌ورزید و جز اموال پس‌مانده و بی‌کیفیت را در راه او انفاق نمی‌کنید. چیزی را انفاق می‌کنید که دل‌ها تعلقی به آن ندارد و اعتنایی به از بین رفتن آن و گم شدنش نمی‌کند؛ با اینکه هیچ‌کس به خیر و برّ نمی‌رسد، مگر با انفاق چیزی که دوست دارد و زبده مال او باشد. چون راه خدا گنجینه‌ای است که اموال پسندیده شما در آن فوت نمی‌شود.[4]

۳ـ از انضمام این آیه با آیه ۱۷۷ سوره بقره به دست می‌آید که انفاق مال، با داشتن علاقه شدید به آن، یکی از ارکان برّ است.[5]

فلسفه رسیدن به برّ در صورت انفاق آن در راه خداوند این است که خداوند متعال به عنوان خالق انسان، از تعلق قلبی او به آنچه به دست آورده و جمع کرده است، آگاه است؛ چراکه این جزو غریزه انسان است که دوست دارد مال را جمع کند و بشمارد[6] و ببیند که مثلاً دیروز فلان مقدار بوده است و امروز به فلان مقدار رسیده؛ گویی این غریزه جزو نفس آدمیان است؛ به‌طوری که اگر قسمتی از مالش را از دست بدهد، مثل این است که جزئی از جان خود را از دست داده است؛ پس مجاهدت انسان در انفاق مال، بیشتر و دشوارتر از سایر عبادات و اعمال است؛ چون در آن‌ها فوت و زوال و کمبود چشم‌گیر نیست.

«وَ ما تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللهَ بِهِ عَلِيمٌ»؛ این آیه به انفاق کنندگان تاکید می کند که با انفاق، مال از کفشان بیرون نمی‌رود، بلکه خدایی که دستور انفاق به آنان داده، به آنچه انفاق می کنند، آگاه است.[7]

حدیث

۱ـ روایت شده است که ابن‌عمر از پیغمبر درباره این آیه سؤال کرد؛ حضرت فرمود: مراد این است که بنده مال خود را انفاق کند در حالی که بخیل است و به دنیا آرزومند است و از فقر می‌ترسد.[8]

داستان

شخصی به حضور امام صادق علیه‌السلام آمد و گفت: در قرآن دو آیه است که من طبق دستور آن دو آیه عمل می کنم ولی نتیجه نمی گیرم.

امام صادق علیه‌السلام فرمود: آن دو آیه کدام است؟

او عرض کرد:

۱ـ «دعا کنید مرا، که من دعای شما را مستجاب می کنم»؛[9]

۲ـ «و هر چیزی را در راه خدا انفاق کنید، خدا جای آن را پر می کند و او بهترین روزی‌دهندگان است».[10]

من دعا می کنم، دعایم به اجابت نمی‌شود و انفاق می کنم ولی عوضش را نمی‌بینم.

امام علیه‌السلام درباره آیه اول فرمودند: خداوند خلف وعده نمی کند، اما کسی که اطاعت خدا کند در آنچه امر به دعا کرده است و جهت دعا را رعایت کند، اجابت خواهد شد. و درباره آیه دوم هم اگر کسی از شما مال حلالی به دست آوَرَد و در راه حلال انفاق کند، هیچ درهمی را انفاق نمی کند مگر اینکه خدا عوضش را به او خواهد داد. پس شرط اجابت دعا، اطاعت از خداوند و شرط نتیجه‌گیری از انفاق، به دست آوردن مال از راه حلال و انفاق آن در راه حلال است.[11]

پی‌نوشت

۱. آل عمران: ۹۲. ■ ۲. فضل‌بن‌حسن طبرسی، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص۱۶۳. ■ ۳. محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص۳۴۵. (با تلخیص) ■ ۴. همان. ■ ۵. همان. ■ ۶. همزه: ۲. ■ ۷. محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص۳۴۷. (با تلخیص) ■ ۸. فضل‌بن‌حسن طبرسی، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص۱۶۳. ■ ۹. مؤمن: ۶۰. ■ ۱۰. سباء: ۳۹. ■ ۱۱. محمد محمدی اشتهاردی، داستان دوستان، ج۴.

کارگزاران حضرت مهدی علیه‌السلام از نگاه روایات

اگرچه در روایات، ویژگی‌های کارگزاران حضرت چندان مورد تأمل قرار نگرفته است، با این همه به صورت گذرا به برخی موارد اشاره می‌شود.

۱. شیعیان راستین، اساس کارگزاران

در روایاتی چند، از شیعیان و پیروان راستین اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان یاران آن حضرت در اداره جامعه جهانی یاد شده است. امام سجّاد علیه‌السلام دراین باره فرمود:

> إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ وَ جَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبَرِ الْحَدِيدِ... وَ يَكُونُونَ حُكَّامَ الْأَرْضِ وَ سَنَامَهَا؛[1]
>
> آنگاه که قائم به‌پا خیزد، گرفتاری‌ها از شیعه برطرف می‌شود و قلب‌های آنها چون پاره‌های آهن خواهد شد... و آنها حکام زمین و ستون‌های آنها خواهند شد.

۲. برخی رجعت‌کنندگان، کارگزاران حضرت

دراین باره امام صادق علیه‌السلام فرمود:

> «يَخْرُجُ مَعَ الْقَائِمِ علیه‌السلام مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ سَبْعٌ وَ عِشْرُونَ رَجُلا... فَيَكُونُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ أَنْصَاراً وَ حُكَّاماً؛[2]
>
> از پشت کوفه، بیست و هفت نفر قائم را هنگام ظهور همراهی خواهند کرد... پس آنها پیشاپیش آن حضرت یاران او و حکّام خواهند بود.»

۳. سخنگوی حضرت مهدی علیه‌السلام

از جمله کارگزارانی که در روایات اشاره شده، فردی به عنوان سخنگوی حضرت است. این سخنگویی در سه مورد اشاره شده است:

۱. هنگام ظهور و خروج از مکه

امام باقر علیه‌السلام دراین باره فرمود:

> «إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ علیه‌السلام ... ثُمَّ يَأْمُرُ مُنَادِيَهُ فَيُنَادِي...؛[3]

پیشنهادهای اجرایی هفته

◆ کاشتن نهال در فضای داخلی و بیرونی مسجد در روز درختکاری ◆ هدایت نذورات مردم و خیرات و مبرّات اموات به مؤسسات خیریه جهت در اختیار گرفتن برای محرومان ◆ توصیه به صاحب خانه های خالی برای در اختیار قرار دادن خانه هایشان به مستأجران ◆ برگزاری مراسم زیارت امین الله (سه شنبه) ◆ برگزاری دوره‌های کارآفرینی و ایجاد تعاونی های شغلی برای استقلال فقرا و نیازمندان محله ◆ برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید ◆ برگزاری مراسم دعای کمیل (پنجشنبه) ◆ برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه)

آنگاه که قائم ظهور کند... پس منادی خود را امر کند که او ندا دهد...»

۳. هنگام مناسک حج

امام باقر ﷺ فرمودند:

«أَوَّلُ مَا يُظْهِرُ الْقَائِمُ مِنَ الْعَدْلِ أَنْ يُنَادِيَ مُنَادِيهِ أَنْ يُسَلِّمَ صَاحِبُ النَّافِلَةِ لِصَاحِبِ الْفَرِيضَةِ الْحَجَرَ الأَسْوَدَ وَ الطَّوَافَ؛[۴]

نخستین نمود عدل گستری قائم آن است که منادی او ندا دهد کسانی که نافله به جای آوردند، سلام دهند و اطراف حجر الاسود و طواف را برای کسانی که قصد فریضه دارند، خالی کنند.»

٤. سیصدوسیزده نفر، کارگزاران حضرت

در روایات فراوانی به جایگاه یاران خاص حضرت اشاره شده است. از جمله ویژگی‌های این گروه آن است که در دوران حکومت، فرمانداران آن حضرتند، همان‌گونه که هنگام قیام فرماندهان سپاه آن حضرت هستند. امام صادق ﷺ در این باره فرمود:

«كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْقَائِمِ عَلَى مِنْبَرِ الْكُوفَةِ وَ حَوْلَهُ أَصْحَابُهُ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةَ أَهْلِ بَدْرٍ وَ هُمْ أَصْحَابُ الأَلْوِيَةِ وَ هُمْ حُكَّامُ اللهِ فِي أَرْضِهِ عَلَى خَلْقِهِ؛[۵]

گویا می‌نگرم قائم را بر فراز منبر کوفه، در حالی که سیصد و سیزده مرد گرداگرد او به شمار اهل بدر حلقه زده‌اند؛ آنها همانا پرچم‌داران و حاکمان خداوند در زمین، بر بندگان هستند.»

۵. کارگزاران حضرت، در گوشه و کنار زمین

بی‌شک به جهت گستردگی و فراگیری حکومت عدل مهدوی بر کل زمین، آن حضرت کارگزاران خود را به همهٔ گیتی خواهد فرستاد. از امام صادق ﷺ نقل است که در این باره فرمود:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ بَعَثَ فِي أَقَالِيمِ الأَرْضِ فِي كُلِّ إِقْلِيمٍ رَجُلًا يَقُولُ عَهْدُكَ فِي كَفِّكَ فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ مَا لَا تَفْهَمُهُ وَ لَا تَعْرِفُ الْقَضَاءَ فِيهِ فَانْظُرْ إِلَى كَفِّكَ وَ اعْمَلْ بِمَا فِيهَا؛[۶]

آنگاه که قائم قیام کند، بر هر اقلیمی از زمین مردی را می‌فرستد و به او می‌گوید برنامه تو در کف دست تو است، پس بدان بنگر و به مفاد آن عمل کن.»

پی‌نوشت

۱. شیخ صدوق، خصال، ص ۵۴۱، ح۱۴. ■ ۲. شیخ مفید، ارشاد، ج۲، ص ۸۶. ■ ۳. ابن ابی زینب نعمانی، الغیبة، ص ۲۳۸، ح۲۸. ■ ۴. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج۴، ص ۴۲۷، ح۱. ■ ۵. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج۲، ص ۶۷۲، ح۲۵. ■ ۶. ابن ابی زینب نعمانی، الغیبة، ص ۳۱۹، ح۸.

روز درختکاری و آغاز هفته منابع‌طبیعی

شنبه ۱۵ اسفند

اذان صبح: ۵:۰۶
طلوع آفتاب: ۶:۲۹
اذان ظهر: ۱۲:۱۶
اذان مغرب: ۱۸:۲۱

۲۵ جمادی‌الاولی ۱۴۳۷

5 Mar 2016

مخیّر میان دنیا و آخرت !!

مرحوم آیت‌الله سید حسین کوه‌کمری که از شاگردان صاحب جواهر و شیخ انصاری و مجتهدی مشهور بود هر روز طبق معمول در ساعت معین، به یکی از مسجدهای نجف می‌آمد و تدریس می‌کرد.یک روز آن مرحوم ازجایی برمی‌گشت و نیم ساعت بیشتر به وقت درس باقی نمانده بود که به مسجد محل درس رفت و هنوز کسی نیامده بود، ولی دید در یک گوشه مسجد، شیخ ژولیده‌ای با چند شاگرد نشسته و تدریس می‌کند. سخنان او را گوش کرد. احساس کرد که این شیخ ژولیده بسیار محققانه بحث می‌کند، روز دیگر راغب شد زودتر بیاید و به سخنان او گوش کند، آمد و گوش کرد و این عمل چند روز تکرار شد، برای او یقین حاصل شد که این شیخ از خودش فاضل‌تر است و او از درس این شیخ استفاده می‌کند و اگر شاگردان خودش به جای درس او به درس این شخص حاضر شوند، بهره بیشتری خواهند برد این جا بود که خود را میان آخرت و دنیا مخیّر دید..!؟ روز دیگر به شاگردان گفت: رفقا امروز می‌خواهم، مطلب تازه‌ای به شما بگویم؛ این شیخ که در آن کنار با چند شاگرد نشسته برای تدریس از من شایسته‌تر است و خود من هم از او استفاده می‌کنم، همه با هم می‌رویم به درس او! از آن روز در حلقه شاگردان شیخ ژولیده که چشم‌هایش اندکی تراخم داشت و آثار فقر از او دیده می‌شد درآمد. این شیخ ژولیده پوش همان است که بعدها به نام حاج شیخ مرتضی انصاری معروف شد. اهل دزفول است و استاد المتأخرین. (سیمای فرزانگان، ص۱۳۸)

ارزش جهاد طلاب

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): ارزش جهاد را دست کم نگیرید. طلبه جهادگر، طلبه تلاشگر، طلبه بسیجی، طلبه‌ای که آماده است تا در میدان‌های خطر حضور پیدا کند، این طلبه است که اگر با ابزار علم مجهز شد، آن وقت دنیایی در مقابل او دیگر تاب نمی‌آورد. این کتابی را که درباره خاطرات بسیجی‌های تیپ ۸۳ است و اخیراً چاپ شده (تیپ ۸۳، خاطرات روحانیان رزمنده؛ به کوشش سید محمّد علی دیباجی؛ تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰) می‌خواندم؛ چه قدر لذت‌بخش و زیباست. طلبه امام صادق علیه‌السلام، در دفاع از حریم امام صادق علیه‌السلام ـ یعنی نظام جمهوری اسلامی؛ چون جنگ ما دفاع از حریم امام صادق علیه‌السلام و دفاع از حریم اسلام و قرآن بود ـ در میدان‌های خطر بی‌محابا پیش می‌رود و حماسه‌هایی خلق می‌کند که گویی افسانه است؛ این قدر از ذهن مردم امروز دور است. (۱۳۷۹/۰۵/۰۴)

نوح نهصد سال دعوت می‌نمود   دم به دم انکار قومش می‌فزود
هیچ از گفتن عنان واپس کشید؟   هیچ اندر غار خاموشی خزید؟

از ما نهصد سال توقع نیست؛ توقع این است که اگر در میان یک خیل جمعیت، کسانی هستند که ما را قبول ندارند و از روی اعتقاد و محبت و با گرمی با ما برخورد نمی‌کنند، مأیوس نشویم. (۱۳۷۰/۱۲/۰۱)

دوشنبه ۱۷ اسفند

اذان صبح: ۵:۰۳
طلوع آفتاب: ۶:۲۶
اذان ظهر: ۱۲:۱۵
اذان مغرب: ۱۸:۲۳

۲۷ جمادی‌الاولی ۱۴۳۷
7 Mar 2016

شیرازی‌ها منتظرت هستند

آیت الله بهجت‌ که خود از شاگردان آیت الله شیخ کاظم شیرازی‌ بوده است، درباره مراجعت آیت الله دستغیب از نجف فرموده است: «یک شب در عالم رؤیا دیدم آقای دستغیب عازم شیراز هستند و همه اهالی شیراز برای استقبال از ایشان به دروازه قرآن آمده‌اند. فردا صبح، سر جلسه درس که حاضر شدم، رؤیای شب قبل را برای مرحوم آشیخ کاظم تعریف کردم. ایشان رو کردند به آقای دستغیب و گفتند بلند شو برو شیراز که شیرازی‌ها منتظرت هستند».
لذا به شیراز باز گشتند و در مسجد جامع عتیق به نماز جماعت و وعظ و هدایت مردم پرداختند. (سایت نشر آثار آیت الله بهجت)
این شهید بزرگوار می‌فرمود: «آقای خمینی‌ سیرهای عرفانی خودش را تمام کرده، فعلاً از طرف حضرت احدیت و حضرت ولی عصر مأمور است به اصلاح جامعه و اصلاح مسلمین... الآن خداوند ما را متنعّم فرموده به آیت الله العظمی آقای خمینی‌».
(شاهد یاران، ص ۱۴؛ به نقل از حضرت آیت الله نجابت شیرازی)

سه‌شنبه ۱۸ اسـفند

اذان صبـح: ۵:۰۱
طلوع آفتاب: ۶:۲۵
اذان ظهـر: ۱۲:۱۵
اذان مغـرب: ۱۸:۲۴

۲۸ جمادی‌الاولی ۱۴۳۷
8 Mar 2016

روز بزرگداشت سید جمال‌الدین اسدآبادی
رحلت عالم مجاهد میرزا محمد حسن آشتیانی از رهبران مبارزه نهضت تنباکو و از شاگردان شیخ انصاری در تهران (۱۳۱۹ هـ ق)

کسب علم از طریق عبادت

آقا سید علی، صاحب کتاب ریاض، در راه عبادت و علم محنت بسیار کشید. مشهور است که آن جناب علم را با گریه و زاری و مناجات از درگاه حضرت باری‌تعالی تحصیل نمود، زیرا در ظاهر مدت تحصیلش آن قدر نبود که بتوان به این مرتبه‌ی بلند رسید و می گویند: وی شب‌های جمعه را تا صبح احیا می‌داشت و به عبادت خداوند متعال مشغول بود.

نیز دربارهٔ ملا محمد تقی قزوینی نوشته‌اند: عبادت آن جناب چنان بود که همیشه از نصف شب تا طلوع صبح صادق به مسجد می‌رفت و به مناجات و ادعیه و تضرع و زاری و تهجد اشتغال داشت و مناجات خمس عشر را از حفظ می‌خواند و بر این روش وشیوهٔ پسندیده استمرار داشت تا آن شبی که در سجده به دست عُمّال فرقهٔ بابیّه به شهادت رسید. در فصل زمستان دیده می‌شد که در پشت‌بام مسجدِ خود در حالی که برف به شدّت می‌بارید، در نیمهٔ شب پوستینی بر دوش و عمامه بر سر داشت و مشغول تضرع و مناجات بود و با حالت ایستاده دست‌ها را به سوی آسمان بلند کرده بود تا این که برف، سراسر قامت مبارکش را سراپا سفیدپوش می کرد.(مجله گنجینه، شماره ۸، ص ۵۷)

چهارشنبه ۱۹ اسفند

شهادت حاج محمد ابراهیم همت (۱۳۶۲هش)

اذان صبح: ۵:۰۰
طلوع آفتاب: ۶:۲۳
اذان ظهر: ۱۲:۱۵
اذان مغرب: ۱۸:۲۵

۲۹ جمادی‌الاولی ۱۴۳۷

9 Mar 2016

فاطمیه دوم

او برترین بانوی اسلام و سیده زنان عالم است. گوهری تابناک در منظومه و رشته نسل پیامبر ﷺ است و فرشته‌ای است از ملکوت اعلی. او همسر شهید است و امام شهیدان، تربیت کننده نسل شهید است و خود زن شهیده، واجد تمام کمالات انسانی است. او را در عالم زنان همتائی و در عالم مردان کفوی جز علی علیه‌السلام نبوده است.

پیامبر ﷺ می‌فرماید: «هر کس فاطمه علیهاالسلام دخترم را دوست بدارد، در بهشت با من است، و هر کس با او دشمنی ورزد، در آتش [دوزخ] است».
(بحارالانوار، ج۲۷، ص۱۱۶)

هم‌چنین فرمودند: «اگر تمام پیامبرانی که خدا برانگیخته و تمام فرشتگانی که مقرّب درگاه خود گردانده است، برای هر کینه‌توزی که حق تو را غصب نموده است، شفاعت کنند، هرگز خدا او را از آتش [دوزخ] خارج نمی‌سازد» (بحارالانوار، ج۷۶، ص۳۵۴).

دستگیر خلق در محشر تویی | منجی و بخشنده و داور تویی
نار زندانی شود در بند تو | خشم گردد مهر با لبخند تو
حق به محشر محور جودت کند | آن قدر بخشد که خوشنودت کند
محشر از فیض تو گلباران شود | عفو، مشتاق گنه کاران شود

(غلامرضا سازگار، ج۲، ص۱۴۷)

روز راهیان نور

پنج شنبه ۲۰ اسفند

اذان صبح: ٤:٥٩

طلوع آفتاب: ٦:٢٢

اذان ظهر: ١٢:١٥

اذان مغرب: ١٨:٢٦

۳۰ جمادی الاولی ١٤٣٧

10 Mar 2016

شفاعت گر بزرگ بارگاه خداوند

حضرت زهرا عليها السلام در آیینه محمد صلی الله علیه و آله و سلم ، شفاعت گر بزرگ بارگاه خداوند است و آفریدگارش شفاعت او را در مورد دوستداران و رهروان راه و رسم و سیره‌اش می پذیرد و گناهکارانی بسیار به برکت وجود آن حضرت نجات می‌یابند.پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: «هان ای جابر! به خدای سوگند که در روز رستاخیز، فاطمه بسان پرنده‌ای که دانه‌های خوب را از بد جدا سازد، شیعیان و دوستداران راستین خود را برگرفته و از گرفتاری‌های روز قیامت نجات می‌بخشد.هنگامی که آنان را به بهشت می‌رساند، ندا می‌رسد که: هان ای دوستان من! چرا نگران هستید، با این که من در میان شما فاطمه عليها السلام دخت ارجمند حبیب خود را به شفاعت پذیرفته‌ام؛ فیقول الله: یا احبّائی ما التفاتکم و قد شفعت فیکم فاطمة بنت حبیبی؟(بحارالانوار، ج۴۳، ص۶۵).فاطمه زهرا عليها السلام در روز قیامت از چنان موقعیتی برخوردار است که همگان آرزوی فاطمی بودن می کنند. چنان که از ابن عباس روایت شده که می گوید: از امام علی عليه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حدیثی طولانی شنیدم که می‌فرمود: خداوند خطاب به فاطمه‌زهرا عليها السلام فرمود: «اِنْطِلِقی فَمَنِ اعْتَصَمَ بِکِ فَهُوَ مَعَکِ فِی الْجَنَّةِ، فَعِنْدَ ذلِکَ یَوَدُّ الْخَلائِقُ اَنَّهُمْ کانُوا فاطِمیّینَ؛ [ای فاطمه!] برو! هر کس دست به دامن تو زند در بهشت با تو است پس در آن هنگام است که‌همه خلایق آرزو می کنند فاطمی بودند.» (بحارالانوار، ج۴۳، ص۲۲۷)

جمعه ۲۱ اسفند

اذان صبح:	٤:٥٧
طلوع آفتاب:	٦:٢١
اذان ظهر:	١٢:١٤
اذان مغرب:	١٨:٢٧

۱ جمادی الثانیه ۱٤۳۷

11 Mar 2016

معلم حجاب و اسوه عفاف!

حضرت زهرا علیها السلام هم در سخن، معلّم حجاب بود، هم در رفتار، اسوه عفاف. وی عقیده داشت: «بهترین چیز برای زن، آن است که نه مردان نامحرم او را ببینند و نه او مردان نامحرم را.» علی علیه السلام می‌فرماید: روزی با گروهی از اصحاب، خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودیم. آن حضرت به اصحاب فرمود: صلاح و مصلحت زن در چیست؟ هیچ کس نتوانست پاسخ صحیحی بدهد، وقتی که اصحاب متفرّق شدند، من به خانه رفتم و موضوع سؤال رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را به فاطمه علیها السلام گفتم. فرمود: من جوابش را می‌دانم: «صلاح زن در آن است که مردان بیگانه را نبیند و مردان بیگانه هم او را نبینند.»

من هنگامی که خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسیدم، عرض کردم: فاطمه علیها السلام در پاسخ سؤال شما چنین فرموده است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سخنِ پخته و منطقی زهرا علیها السلام را پسندید و فرمود: «فاطمه علیها السلام پاره تن من است»(وسایل الشیعه، ج۲، ص۹؛ کشف الغمّه، ج۲، ص۹۲. البته در بعضی از روایات آمده امام حسن علیه السلام سؤال پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را از مادرش پرسید و زهرا علیها السلام جواب فوق را داد). البته در توضیح فرموده حضرت زهرا علیها السلام می‌توان گفت که عدم رعایت پوشش از طرف زنان در جامعه، می‌تواند فساد مردان را به دنبال داشته باشد که سرانجام این بی‌مبالاتی، به سستی بنیان خانواده و اجتماع خواهد انجامید.

﴿ إِنَّا خَلَقْنَا الْانسَانَ مِن نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا * إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا ﴾.[1] ؛ « ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم و او را می‌آزماییم؛ (بدین جهت) او را شنوا و بینا قرار دادیم! * ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) و یا ناسپاس!»

نکات تفسیری

۱ ـ معنای آیه این است که ما انسان را از نطفه‌ای خلق کردیم که اجزایی است مختلط و ممتزج؛ در حالی که ما او را از حالی به حالی دیگر و از طوری به طوری نقل می‌دهیم و به همین منظور او را سمیع و بصیر کردیم، تا دعوت الهی را که به وی می‌رسد، بشنود و حقیقت آیاتی را که بر توحید و معاد دلالت می کند، ببیند.

« إِنَّا هَدَيْناهُ السَّبِيلَ إِمَّا شاكِراً وَ إِمَّا كَفُوراً». کلمه «هدایت» به معنای ارائه طریق است، نه رساندن به مطلوب. مراد از «سبیل»، حقیقت معنای کلمه و آن مسیری است که آدمی را به غایت مطلوب برساند و غایت مطلوب، همان حق است.

کلمه «شکر»، به معنای آن است که نعمت را آنچنان آشکار به کار بری، که به همه بفهمانی این نعمت را فلان منعم به من داده، تفسیر این کلمه در ذیل آیه « وَ سَيَجْزِي اللهُ الشَّاكِرِينَ» ایراد شده است. حقیقت شاکر بودن بنده برای خدا، این است که برای پروردگار خلوص داشته باشد و در مقابل، کفران به معنای استعمال آن به نحوی است که از خلق بپوشانی که این نعمت از منعمی همچون خداوند باری تعالی است.

و تعبیر به «إِمَّا شاكِراً وَ إِمَّا كَفُوراً» بر دو نکته دلالت دارد:

نکته اول اینکه: مراد از سبیل، سنّت و طریقه‌ای است که بر هر انسانی واجب است که در زندگی دنیایی خود آن را بپیماید و با پیمودن آن، به سعادت دنیا و آخرت برسد. این سبیل او را به قرب پروردگارش سوق می‌دهد، کرامتی که حاصل، دین حق است که نزد خدای تعالی همان اسلام است.

نکته دوم- که این تعبیر بر آن دلالت دارد- این است که: آن راهی که خدا بدان هدایت کرده، راهی است اختیاری و شکر و کفری که مترتّب بر این هدایت است، در اختیار انسان قرار گرفته است. هر فردی به هر یک از آن دو که بخواهد، می‌تواند متصف شود و اکراه و اجباری در کار نیست. همچنان که در جای دیگر فرمود: «ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ»،[2] (سپس راه را برای او آسان کرد) و اینکه در آخر سوره فرموده: «فَمَنْ شاءَ اتَّخَذَ إِلى رَبِّهِ سَبِيلاً وَ ما تَشاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشاءَ اللهُ»[3] بیان میدارد آنچه از بنده، وابسته به اراده خدای تعالی است، مشیت بنده است؛ نه عمل بنده، که مورد مشیت خود بنده است، پس مفاد این آیه بر آن نیست تا تأثیر مشیت بنده در عمل را نفی کند.[4]

۲ ـ قرآن کریم در عین اثبات تکلیف برای انسان، هرگونه جبر و اضطراری را نسبت به وی، نفی کرده است و در امتداد داستان آفرینش انسان، پس از بیان استقرار آدم و همسرش در بهشت ابتدایی و جریان شجره ممنوعه و عصیان و هبوط آدم و پذیرش توبه آدم از سوی خداوند، می‌فرماید: «قُلنَا اهبطوا منها جَميعًا فَامّا يَأتِيَنَّكُم مِنّي هُدًى فَمَن تَبِعَ هُدايَ فَلا خَوفٌ عَلَيهِم ولاهُم يَحزَنون.»[5] (فرمان دادیم جملگی از آن (بهشت) فرود آیید، پس هرگاه هدایت من به سوی شما آمد، هرکس از آن پیروی کرد، هیچ ترس و اندوهی، دامن‌گیر او نخواهد شد.)

از این آیه برمی‌آید که اولاً وظیفه و تکلیفی برای انسان در زمین، تعیین شده و فرمان پیروی از آن نیز به روشنی ابلاغ گشته است. ثانیاً در این پیروی از وظیفه، هیچ‌گونه جبر و الزامی نیست و اگر انسان، طالب عافیت خیر و عاری

از خوف و حزن است، با عمل به وظایف خویش می‌تواند به سرانجام دلخواه، دست یابد؛ به ویژه آنکه در آیه بعد، راه سرکشی و کفر و تکذیب آیات الهی را باز می‌داند و البته درباره فرجام آن نیز هشدار می‌دهد.[۶]

پس آدمی، تکویناً آزاد است و تنها ضرورت‌های تشریعی است که او را به اطاعت از خداوند می‌خواند. افزون بر این، قرآن در مواردی تصریح می‌کند که خداوند نسبت به هدایت اجباری انسان، اراده نمی‌کند؛ از جمله آنجا که به کوشش طاقت فرسای رسول خدا ﷺ برای ایمان آوردن مشرکان اشاره کرده، می‌فرماید: «لَعَلَّکَ بخِعٌ نَفسَکَ الاّ یَکونوا مُؤمنین.»[۷] (گویی جان خود را به سبب ایمان نیاوردن آنان از کف می‌دهی). سپس با اشاره ضمنی به آزادی انسان در پذیرش یا ردّ ایمان می‌فرماید:

«ان نَشَأ نُنَزّل عَلَیهم مِنَ السَّماءِ آیَةً فَظَلَّت اعنقُهُم لَها خضعین»[۸]

«اگر اراده کنیم، نشانی از قهر خویش بر مشرکان نازل می‌گردانیم که گردن‌هایشان در برابر آن به خضوع، فرود آید.»

در موردی دیگر با صراحت بیشتر بیان می‌کند که اگر خداوند اراده کرده بود، همه انسانها را هدایت می‌کرد: «... افَلَم یَایَسِ الَّذینَ ءامَنوا ان لَو یَشاءُ اللهُ لَهَدَی النّاسَ جَمیعًا ...».[۹] آیا آنها که ایمان آورده‌اند، نمی‌دانند که اگر خدا بخواهد همه مردم را (به اجبار) هدایت می‌کند (امّا هدایت اجباری سودی ندارد)![۱۰]

حدیث

۱ ـ الإمامُ علیٌّ ؑ: الأعْمالُ ثَلاثةٌ: فَرائضُ و فَضائلُ و مَعاصٍ، فأمّا الفَرائضُ فبأمرِ الله و مَشیئَتِه و برِضاهُ و بعلمِه و قَدَرِه، یَعْمَلُها العَبدُ فَیَنْجو مِن الله بها. و أمّا الفَضائلُ فلیسَ بأمرِ الله لکنْ بمَشیئَتِهِ و برِضاهُ و بعلمِه و بقَدَرِه، یَعْمَلُها العَبدُ فیُثابُ عَلَیها و أمّا المَعاصی فلَیسَ بأمرِ الله و لا بمَشیئَتِهِ و لا برِضاهُ لکنْ بعلمِه و بقَدَرِه یُقدِّرُها لِوَقْتِها، فَیَفْعَلُها العَبدُ باختیارِه فیعاقِبُهُ اللهُ عَلَیْها، لأنَّهُ قد نَهاهُ عنها فلم یَنْتَه.[۱۱]

امام علی ؑ می‌فرماید: کارها بر سه گونه است: واجبات و فضایل و معاصی. امّا واجبات، با فرمان خدا و خواست و رضایت و علم و تقدیر اوست؛ بنده آنها را به کار می‌بندد و بدین وسیله از [عذاب] خدا می‌رهد. امّا فضایل، با فرمان خدا نیستند، ولی خواسته و رضایت و علم و تقدیر او می‌باشند، بنده آنها را به کار می‌بندد و بدین وسیله پاداش می‌گیرد. امّا معاصی، نه با فرمان خدایند و نه به خواست او و نه به رضایت او، بلکه به علم او و به قَدَر اوست که آن را برای وقتش مقدّر می‌سازد. پس بنده آنها را به اختیار خودش انجام می‌دهد و خداوند انسان را به دلیل ارتکاب معاصی و گناه کیفر می‌دهد؛ چرا که وی را از آن کار باز داشته است، اما او باز نایستاده است.

۲ ـ عن حمران بن أعین، قال: سئلت أبا عبد الله ؑ عن قوله عزّوجلّ: إنَّا هَدَیْناهُ السَّبیلَ إمَّا شاکِراً وَ إمَّا کَفُوراً قال: إمّا آخذ فهو شاکر و إمّا تارک فهو کافر.[۱۲]

از حمران بن اعین روایت شده که گفت از حضرت صادق ؑ درباره فرموده خداوند متعال در آیه شریفه ذیل پرسیدم: «إنَّا هَدَیْناهُ السَّبیلَ إمَّا شاکِراً وَ إمَّا کَفُورا»؛ فرمود: (آدمی) یا رونده آن راهی است که خداوند وی را هدایت فرموده، پس سپاس گزار است، یا ترک سلوک آن راه را نموده است، بنابراین کفران نعمت الهی کرده است.

نتیجه

خداوند متعال راه را نشان داده، راهبر هم فرستاده، اراده برای اتّخاذ راه را هم به انسان اعطاء نموده و نیز راه خیر و شرّ را هم بیان کرده، قوه تمییز خیر و شرّ را هم در انسان تقویت نموده است. در این صورت حجّت بر انسان تمام است. همانند اینکه پدر، یک اتومبیل سالم با بنزین پر و مقدار کافی پول در اختیار فرزند قرار دهد و بسته‌ای به او داده، تا آن را به مقصدی برساند و مقصد را برای او کاملاً ترسیم کند. حال از او می‌خواهد مأموریت را انجام دهد. بنابراین قصور او در انجام مأموریت عذری برایش باقی نخواهد گذاشت.

پی‌نوشت

۱. سوره انسان، آیات ۳ ـ ۲ ■ ۲.سوره عبس، آیه ۲۰. ■ ۳.سوره انسان، آیه ۳۰. ■ ۴. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص، ۱۹۶ـ۱۹۵ ■ ۵.سوره بقره، آیه ۳۸. ■ ۶.همان، آیه ۳۹. ■ ۷.سوره شعراء، آیه ۳. ■ ۸.همان، ۴. ■ ۹.سوره رعد، آیه ۳۱. ■ ۱۰.دائرة المعارف قرآن کریم(۴)، ص، ۴۹۰. ■ ۱۱.تحف العقول، ص ۲۰۶. ■ ۱۲.طرائف الحکم یا اندرزهای ممتاز، ترجمه ج ۱، ص، ۲۴۱.

گستره عدالت مهدوی

اگرچه آنچه در روایات درباره گستره عدالت، در حکومت جهانی مهدوی به چشم می‌آید، بیشتر گستره جغرافیایی است، ولی در برخی روایات به دو گستره انسانی و مصداقی نیز می‌توان اشاره کرد.

۱. گستره انسانی

عدالت مهدوی هرگز ویژه گروهی خاص از انسان‌ها نخواهد بود، بلکه همه انسان‌ها را (از هر جنس، در هر سن و سال، با هر گویش و در هر منطقه جغرافیایی) در بر خواهد گرفت. حتی در برخی روایات فراگیری عدالت مهدوی، دربرگیرنده انسان‌های بدکردار نیز می‌شود. در این باره امام حسین علیه‌السلام فرمود:

«إِذَا قَامَ قَائِمُ الْعَدْلِ وَسِعَ عَدْلُهُ الْبَرَّ وَ الْفَاجِرَ؛[1] ... آن گاه که برپاکنندهٔ عدل به‌پاخیزد، دادگری‌اش نیکوکار و فاجر را در بر می‌گیرد.»

۲. گسترهٔ جغرافیایی

هستی با همه گستردگی‌اش در دایره حاکمیت عدل مهدوی قرار خواهد گرفت و حکومت اسلامی به منطقه خاصی محدود نخواهد شد. عدالت مهدوی فراگیر است و همهٔ زمین را در برمی‌گیرد. از این نگاه، جامعه مهدوی قابل قیاس با هیچ جامعه‌ای نیست؛ حتی حکومت و خلافت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امام علی علیه‌السلام نیز گستره‌ای این چنین وسیع نداشته‌اند. عدالت‌محوری در همه زمین فقط با نام مهدی موعود، آمیخته است.

۳. گسترهٔ مصداقی

افزون بر دو گستره یادشده از برخی روایات به دست می‌آید که عدالت حضرت حوزه‌های گوناگونی را در بر می‌گیرد که برخی از این قرارند:

۱. عدالت قضایی

در برخی آیات قرآن به داوری میان مردم بر پایهٔ عدل فرمان داده شده است.

پیشنهادهای اجرایی هفته

■ تجلیل از خانواده های شهدا و زیارت دسته جمعی قبور شهداء ■ برگزاری مراسم شهادت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها ■ ارائه گزارش سالانه مالی و فرهنگی مسجد و جمع آوری نذورات مردمی ■ برگزاری مراسم دعای توسل (سه شنبه) ■ خطابه با موضوع پایان سال و ضرورت محاسبه اعمال و تبیین مفهوم عید ■ تشریح جایگاه نوروز در اسلام و اعمال مستحب به ویژه اهمیت صله ارحام ■ برنامه ریزی جهت برگزاری کرسی تلاوت قرآن مجید ■ برگزاری مراسم دعای کمیل (پنج شنبه) ■ برگزاری مراسم دعای ندبه (جمعه) ■ برگزاری مراسم غبارروبی ماهانه مسجد (جمعه)

عدالت قضایی یکی از برنامه‌های اساسی حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام است که در برخی روایات اشاره شده است. مولا علی علیه السلام در خطبه ۱۳۸ نهج البلاغه می‌فرماید:

«فردایی که شما را از آن هیچ شناختی نیست، زمام‌داری حاکمیت پیدا می‌کند که غیر از خاندان حکومت‌های امروزی است؛ اعمال و کارگزاران حکومت‌ها را بر اعمال بدشان کیفر می‌کند.»

۲. عدالت اقتصادی

اگرچه در روایات به این نوع عدالت فراوان اشاره شده، ولی به نظر می‌رسد عدالت اقتصادی از جهت شأن و رتبه نقش تبعی دارد، اگر چه تا اندازه‌ای می‌تواند زمینه‌ساز عدالت در فرهنگ و آموزش به حساب آید.

نظام اقتصادی اسلام بر اساس عدالت است، یعنی طوری برنامه‌ریزی شده که حق کسی از میان نرود و هر صاحب حقی بتواند متناسب با کار یا نیازش زندگی راحتی داشته باشد. این عدالت در عرصه‌های زیر تحقق می‌یابد:

الف) عدالت در توزیع

ب) عدالت در بهره‌گیری و مصرف

۳. عدالت سیاسی

منظور از عدالت سیاسی این است که طبقه فرمانروا، حقوق سیاسی مردم و مردم نیز متقابلاً حقوق طبقه حاکم را بپردازند، حقوق طبقه حاکم همان فرمان‌برداری است و البته طبق بیان امام علی علیه السلام خیرخواهی و تذکّر به حاکم در حضور و غیبت، نیز حقی است که حاکم بر مردم دارد.

امام علی علیه السلام کارگزاران ناشایست را بر کنار می‌کرد و آنان که سیرت پسندیده داشتند، بر کار می‌گمارد.

٤. عدالت فرهنگی

یکی از ابعاد عدالت مهدوی، فراهم‌شدن امکان رشد و کمال فرهنگی و آموزشی برای جامعه است. در زمان حضرت، خردها کانونی یگانه می‌یابد و همه به مقتضای توانایی خود از دانش و معرفت خوشه می‌چینند و حکمت می‌آموزند، تا بتوانند آهنگ پرستش و عبودیت و فضائل اخلاقی کنند.

در جامعه مهدوی اگرچه عدالت اقتصادی می‌تواند زمینه‌ساز عدالت فرهنگی باشد، ولی عدالت فرهنگی از شأن بالاتری برخوردار است و اقتصاد و دارایی رنگ حکمت و معنویت به خود می‌گیرد.

پی‌نوشت

۱. برقی، محاسن، ج ۱، ص ۶۱.

شنبه ۲۲ اسفند

اذان صبح: ٤:٥٦
طلوع آفتاب: ٦:١٩
اذان ظهر: ١٢:١٤
اذان مغرب: ١٨:٢٧

۲ جمادی الثانیه ۱٤۳۷

12 Mar 2016

روز بزرگداشت شهدا
سالروز صدور فرمان حضرت امام خمینی رحمة الله علیه مبنی بر تأسیس بنیاد شهید انقلاب اسلامی (۱۳۵۸ هش)

آیا روز غدیر خم را فراموش کردید؟

محمود بن لبید می‌گوید بعد از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام بر سر قبور شهدا و قبر حمزه حاضر می شد و گریه می کرد. در یکی از روزها منتظر ماندم تا گریه حضرت تمام شود و بعد رفتم و سلام کردم و عرض کردم خانم از گریه شما رگ‌های قلبم پاره می شود. حضرت فرمودند ای اباعمر، حق دارم که گریه کنم، بهترین پدران رسول الله صلی الله علیه و آله را از دست دادم، چقدر مشتاق دیدار رسول الله صلی الله علیه و آله هستم. بعد این شعر را خواندند: هرکس بمیرد از یاد می رود، ولی یاد پدرم از وقتی رحلت نموده‌اند به خدا قسم بیشتر شده است. عرض کردم خانم سئوالی در دل من خلجان می‌کند. حضرت فرمودند بپرس. عرض کردم آیا رسول الله صلی الله علیه و آله قبل از رحلتشان چیزی راجع به خلافت علی علیه السلام فرمودند؟ حضرت فرمودند: واعجباه آیا روز غدیر خم را فراموش کرده‌اید؟ گفتم آن درست است ولی بفرمایید آنچه حضرت به شما فرموده‌اند. حضرت زهرا علیها السلام فرمودند: خدا را شاهد می گیرم که شنیدم رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند علی بهترین کسی است که من جانشین قرارش می‌دهم و او امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم و ۹ فرزند از صلب حسین امامان پاک هستند. (عوالم العلوم و المعارف و الأحوال، النصوص، ص۱۹۷)

یکشنبه ۲۳ اسفند

تعطیل

اذان صبح: ٤:٥٤
طلوع آفتاب: ٦:١٨
اذان ظهر: ١٢:١٤
اذان مغرب: ١٨:٢٨

۳ جمادی الثانیه ١٤٣٧

13 Mar 2016

شهادت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها (١١ هـ ق) (تعطیل)

حضرت فاطمه علیها السلام، برهان قاطع شیعه

زمانی علمای اهل تسنن، مرحوم علامه امینی را با اصرار برای صرف شام دعوت می کنند. به علت اصرار زیاد، علامه امینی دعوت را به شرط اینکه هیچگونه بحثی صورت نگیرد، می‌پذیرد. پس از صرف شام یکی از علمای اهل سنّت می‌خواست بحث را شروع کند که علامه امینی گفت: قرار ما این بود که بحثی صورت نگیرد، اما آن‌ها گفتند: پس برای متبرک شدن جلسه از همین جا هر نفر یک حدیث نقل کند تا مجلس نورانی گردد. ضمناً تمام حضار در جلسه احادیث بسیار زیادی را از حفظ بودند. وقتی نوبت به علامه امینی رسید ایشان گفت: شرطم بر گفتن حدیث این است که ابتدا همگی بر معتبر بودن یا نبودن سند حدیث اقرار کنید. همه قبول کردند. سپس علامه امینی فرمود: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «مَن ماتَ وَ لَم یَعرِف إمامَ زَمانِهِ مَاتَ میتَةً جاهِلِیة.»
ایشان از تک‌تک حضار مجلس در رابطه با معتبر بودن حدیث اقرار گرفت. سپس گفت: حال که همه حدیث را تأیید کردید یک سوال از شما دارم. آیا فاطمة الزهرا علیها السلام امام زمان خود را می‌شناخت یا نمی‌شناخت؟ اگر می‌شناخت، امام زمان فاطمه علیها السلام چه کسی بود؟
تمام حضار مجلس مدتی ساکت شدند و سرشان را به زیر انداختند و چون جوابی برای گفتن نداشتند یکی یکی جلسه را ترک کردند. (برگرفته از سایت شیعه ۲۴)

دوشنبه ۲۴ اسفند

اذان صبح: ٤:٥٣
طلوع آفتاب: ٦:١٦
اذان ظهر: ١٢:١٣
اذان مغرب: ١٨:٢٩

٤ جمادی الثانیه ١٤٣٧
14 Mar 2016

پادوی کارهای خدماتی مردم نشوید!

امام خامنه‌ای (مدظله العالی): پیش نمازی، یعنی آدم مسجد را واقعاً محل کار خودش بداند، قبل از وقت، حتی قبل از دیگران، به آنجا برود؛ اوضاع مسجد راببینند؛ اگر اشکالاتی در وضع ظاهری مسجد هست، برطرف کند سجاده‌اش راپهن نماید، منتظر مردم بماند که بیایند، با یک یک افرادی که می آیند، تا آن جایی که می‌توانند، تماس بگیرد، به آنها محبت بکنند، از آنها احوال پرسی بکنند. اگر مشکلی دارند در آن حد که برایش میسر است، برطرف کنند، نه اینکه پادوی کارهای خدماتی مردم بشوند، در بعضی مساجد چنین چیزهایی وجود دارد که قطعاً غلط است در آن جا بنشینند، مردم به او مراجعه بکنند، درد دل بکنند، خودش را بر مردم عرضه بکند، درمعرض مراجعات مردم بدهد، نماز را که تمام کرد، برای مردم مسئله و تفسیر بگوید، حرفی بزند و بلند شود بیرون برود؛ یعنی ساعتی از وقت خودش را صرف بکند... (کتاب خورشید، ص ٢٦)

سه‌شنبه ۲۵ اســـفند

اذان صبـــح: ٤:٥١
طلوع آفتاب: ٦:١٥
اذان ظهـــر: ١٢:١٣
اذان مغـرب: ١٨:٣٠

٥ جمادی الثانیه ١٤٣٧
15 Mar 2016

روز بزرگداشت پروین اعتصامی
بمباران شیمیایی حلبچه به دست ارتش بعث عراق(١٣٦٦ هـ ش)
وفات ابن ابی الحدید متکلم و فقیه بزرگ مسلمانان و شارح نهج البلاغه (٦٥٦ هـ ق)

وظیفۀ اصلی عالِم، تربیت نفس خود است

علامه طباطبایی در مراتب عرفان و تهذیب نفس و تقید به مستحبات، مراحلی را پیموده بود. ایشان اهل ذکر و مناجات بود. در بین راه که او را می‌دیدیم، غالباً ذکر خدا را بر لب داشت. در جلساتی که در محضرشان بودیم، وقتی جلسه به سکوت می‌کشید، دیده می‌شد که لب‌های استاد به ذکر خدا حرکت می‌کرد. به نوافل مقیّد بود و حتی گاهی دیده می‌شد که در بین راه مشغول خواندن نمازهای نافله است. شب‌های ماه رمضان تا صبح بیدار بود، مقداری مطالعه می‌کرد و بقیه را به دعا و قرائت قرآن و نماز و اذکار مشغول بود. در قم هفته‌ای حداقل یک بار به حرم مطهر حضرت معصومه علیهاالسلام مشرف می‌شد و یا در ایام تابستان غالباً به زیارت حضرت رضا علیه‌السلام می‌شتافت. شب‌ها به حرم مطهر مشرف می‌شد و در قسمت بالای سر می‌نشست و با حال خضوع به زیارت و دعا می‌پرداخت.
هم‌چنین درباره مرحوم شیخ مفید، ابوعلی جعفری، که داماد و یکی از شاگردان ایشان است، گفته: شیخ مفید شب‌ها مختصری می‌خوابید و باقی را به نماز یا مطالعه یا تدریس یا تلاوت قرآن مجید می‌گذرانید. (مجله گنجینه، شماره ٨، ص ٥٧)

چهارشنبه ۲۶ اسفند

رحلت یادگار امام، حجت الاسلام حاج سید احمد خمینی رحمة الله علیه (۱۳۷۳ هـ ش)

اذان صبح: ٤:٥٠
طلوع آفتاب: ٦:١٣
اذان ظهر: ۱۲:۱۳
اذان مغرب: ۱۸:۳۱

٦ جمادی الثانیه ١٤٣٧

16 Mar 2016

روحانی، باید روحانی باشد

در شرح احوال عالم ربانی میرزای شیرازی، صاحب فتوای تحریم تنباکو چنین آورده‌اند: او بیشتر آیات قرآن را حفظ بود، و از آنجا که رقیق القلب بود و چشمهٔ اشکش هم جوشان، بسیار می گریست.

هم‌چنین مرحوم میرزا محمد تنکابنی می گوید: من برای نماز صبح، به نماز جماعت مرحوم شفتی می‌رفتم. ایشان زمانی که تکبیرة الاحرام می گفت، به کلمه‌ی الله مدّ می‌داد. من از شاگردانش سؤال کردم که در کلمه‌ی الله جای مدّ نیست، سید چرا مدّ می‌دهد؟ در پاسخ گفتند: ما نیز این امر را از ایشان سؤال کردیم، در جواب فرمودند: زمانی که کلمه‌ی مبارکهٔ الله اکبر را می گویم، از حالت اختیار بیرون می‌روم و این مدّ دادن اختیاری نیست. سید همهٔ نماز را با خضوع تمام و با حزن و گریه قرائت می کرد و بر هر مستمعی واضح می‌شد که نماز او با نهایت حضور قلب است و در نوافل هم ذکر رکوع و سجود را سه دفعه می خواند.

خلاصه نماز آن بزرگوار در حضور و خضوع مانند نداشت و مستمع را هم به گریه می‌انداخت. ایشان مناجات خمس عشره را حفظ کرده بود و هر روز با حالت گریه آن را می‌خواند. (مجله گنجینه، شماره ۸، ص ۵۷)

پنج‌شنبه ۲۷ اســـفند

اذان صبـــح: ٤:٤٩
طلوع آفتاب: ٦:١٢
اذان ظهـــر: ١٢:١٣
اذان مغـرب: ١٨:٣٢

۷ جمادی الثانیه ١٤٣٧
17 Mar 2016

چیزی نشد، عیبی ندارد!

شیخ حسین زاهد مادر پیری داشتند که شیخ مراقبت ایشان را بر عهده داشت. مادر به حدّی پیر بود که نمی توانست برای قضای حاجت به دستشویی برود؛ لذا آقا هنگام قضای حاجت برای مادر لگنی قرار می داد. وقتی مادر چند ضربه به لگن می زد، یعنی وقت برداشتن لگن است. روزی به در منزل آقا رفتم، آقا در را باز نکرد؛ خیلی طول کشید تا آقا بیاید. وقتی آقا در را باز کرد، دیدم لباسشان خیس است. از آقا سؤال کردم چرا لباستان خیس است ؟ فرمود: موقعی که مادرم ضربه به لگن زده بود، من متوجه نشدم و کمی دیر رفتم، همین که نزد مادر رفتم، از عصبانیت لگدی به لگن زد و لباس من نجس شد. گفتم: مادرتان چیزی نگفت. آقا فرمود: چرا، وقتی مادرم دید که لباس مرا نجس کرده است گفت: ننه، حسین، نجست کردم، جواب دادم، مادر چیزی نگفتید؛ حالا هم چیزی نشده؛ این همه من شما را در کودکی نجس کردم، شما چیزی نگفتید؛ حالا هم چیزی نشده و عیبی ندارد. (سایت حریم یاس به نقل از یکی از آشنایان)

جمعه ۲۸ اسفند

اذان صبح: ٤:٤٧
طلوع آفتاب: ٦:١١
اذان ظهر: ١٢:١٢
اذان مغرب: ١٨:٣٣

۸ جمادی الثانیه ۱٤۳۷
18 Mar 2016

خوشا به حال من!

امام علاقه و محبت وافری به همسرشان داشتند به طوری که خانم در یک طرف قرار داشت و بچه‌ها در طرف دیگر و این دوست داشتن با احترام خاصی همراه بود. یک بار خانم مسافرت رفته بودند، آقا خیلی دلتنگی می‌کردند. وقتی آقا اخم می‌کردند ما به شوخی می‌گفتیم اگر خانم باشد، آقا می‌خندند وقتی نباشد آقا ناراحت هستند و اخم می‌کنند. هر چه سربه سر آقا گذاشتیم، اخم ایشان باز نشد. بالاخره من گفتم: «خوش به حال خانم که شما اینقدر دوستشان دارید.» آقا گفتند: «خوش به حال من که چنین همسری دارم. فداکاری که خانم در زندگی کردند، هیچ کس نکرده است».

(خانم زهرا اشراقی (نوه امام)، زندگی به سبک روح الله، ص١٥)

﴿يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسى أَنْ يَكُونُوا خَيْراً مِنْهُمْ وَ لا نِساءٌ مِنْ نِساءٍ عَسى أَنْ يَكُنَّ خَيْراً مِنْهُنَّ وَ لا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَ لا تَنابَزُوا بِالْأَلْقابِ بِئْسَ الِاسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمانِ وَ مَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ.﴾[1]؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند؛ و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آنان بهتر از اینان باشند؛ و یکدیگر را مورد طعن و عیب‌جویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفرآمیز بگذارید و آنها که توبه نکنند، ظالم و ستمگرند!

شأن نزول

در حدیثی آمده است که روزی« صفیه» دختر «حیی ابن اخطب» [همان زن یهودی که بعد از ماجرای فتح خیبر مسلمان شد و به همسری پیغمبر اسلام ﷺ درآمد]. در حالی که اشک می‌ریخت، خدمت پیامبر ﷺ آمد. پیامبر ﷺ از ماجرا پرسید، گفت: عایشه مرا سرزنش می‌کند و می‌گوید: «ای یهودی‌زاده» ! پیامبر ﷺ فرمود: چرا نگفتی پدرم هارون است و عمویم موسی علیه السلام و همسرم محمد؟ و در اینجا بود که این آیه نازل شد.[2]

نکات تفسیری

۱ـ استهزاء از ریشه «ه‍-ز-ء» و در لغت به معنای طلب تحقیر است، با هر وسیله‌ای که صورت گیرد، در اصطلاح عبارت است از مسخره کردن افراد یا برخی امور با گفتار، یا کردار؛ مانند اشاره با چشم و دیگر اعضای بدن؛ که این عمل بیشتر به قصد تحقیر و توهین به دیگران صورت می‌گیرد و گاهی نیز با اهدافی دیگر، مانند فراهم کردن زمینه خوشحالی خود و دیگران، تقویت روحیه خود و تضعیف روحیه دشمن، جبران کمبود شخصیت، ارضای روحیه دیگر آزاری و ... انجام می‌پذیرد. در مواردی نیز هدف، مجازات یا تربیت فرد یا جامعه است که در این صورت، ممدوح است؛ نه مذموم.

این مفهوم در قرآن کریم با واژه‌های «هُزْء» و مشتقات آن ۳۴ بار و «سُخْر» و مشتقاتش ۱۶ بار به کار رفته است. آیاتی که در قرآن سخن از استهزا به میان آورده، بیشتر مربوط به حوزه عقیده و دین بوده است که در آن، جبهه مخالفِ انبیای الهی، مؤمنان، وحی، آیات قرآن، احکام عبادی، معاد، پیامبران و حتی در مواردی خداوند را به تمسخر گرفته و از استهزا، به صورت حربه‌ای، برای رویارویی با دین الهی بهره می‌جستند.[3] در آیاتی نیز استهزا در حوزه اخلاق مطرح شده، که در آن خداوند مؤمنان را از تمسخر یکدیگر منع کرده است[4]. افزون بر این، در آیاتی دیگر خداوند سبک شمردن دین و نادیده گرفتن احکام الهی از جانب مسلمانان را نوعی استهزا دانسته[5] و آنان را از چنین برخوردی برحذر داشته است. در مجموع این آیات، قرآن کریم ضمن بیان حکم استهزا و منشأ آن، آثار و پیامدهای این صفت مذموم اخلاقی را برشمرده و راههای مقابله با استهزاگران را به مؤمنان گوشزد کرده است.[6]

حکم استهزا

استهزای دیگران، ظلم است. قرآن در آیه ۱۱ حجرات، مسلمانان را از تمسخر یکدیگر منع کرده و در پایان می‌فرماید: «یا اَیُّهَا الَّذینَ ءامَنوا لایَسخَر قَومٌ مِن قَومٍ ... و مَن لَم یَتُب فَاولئکَ هُمُ الظلِمون»؛ اگر اینان از عمل خویش توبه نکنند،

ظالم‌اند. هم‌چنین خداوند در آیه‌ای دیگر استهزاگران آیات الهی را ستمکار شمرده و پیامبر را از همنشینی با آنان منع کرده است: «هر گاه کسانی را دیدی که آیات ما را استهزا می‌کنند، از آنها روی برگردان تا به سخن دیگری بپردازند! و اگر شیطان از یاد تو ببرد، پس از یاد آمدن، هرگز با این جمعیّت ستمگر منشین!».[7]

افزون بر این، استهزا از منکرات است؛ چنان‌که در مورد اعمال قوم لوط آمده: «و تَأتونَ فی نادیکُمُ المُنکَرَ/ شما در مجالس خود، اعمال ناپسند انجام می‌دادید»[8] که طبق روایت پیامبراکرم ﷺ، یکی از کارهای زشت آنان، مسخره کردن مؤمنان بود.[9] بنابراین، با توجه به اینکه استهزا از مصادیق «ظلم» و «منکر» شمرده شده و با توجه به آیات متعددی که در آن، انسان‌ها از استهزای مؤمنان، آیات الهی و دین نهی شده‌اند و به مرتکبان این عمل، وعده عذاب الهی داده شده، برمی‌آید که استهزا، عملی حرام است که خداوند آن را قبیح و ناپسند و استهزاگران را مجرم شمرده است؛[10] اما اگر به عنوان مقابله به مثل، یا با هدف مجازات استهزاگران صورت گیرد، با شرایط و حدودی جایز است؛ چنان‌که نوح در برابر کسانی که او و پیروانش را به تمسخر گرفته بودند، گفت: اگر ما را مسخره کنید، ما نیز شما را مسخره خواهیم کرد: «ان تَسخَروا مِنّا فَانّا نَسخَرُ مِنکُم کَما تَسخَرون».[11] برخی مفسران استهزای نوح را همان مجازات خداوند و شماتت مشرکان، هنگام غرق شدن دانسته‌اند.[12]

۲ ـ مخاطب در آیه، مؤمنان‌اند، اعم از مردان و زنان، قرآن به همه هشدار می‌دهد که از این عمل زشت بپرهیزند، چرا که سرچشمه استهزاء و سخریه، همان حس خود برتربینی و کبر و غرور است که عامل بسیاری از جنگ‌های خونین در طول تاریخ بوده است و این« خود برتربینی» بیشتر از ارزش‌های ظاهری و مادّی سرچشمه می‌گیرد؛ مثلاً فلان کس خود را از دیگری ثروتمندتر، زیباتر، یا از قبیله‌ای سرشناس‌تر می‌شمرد. احیاناً این پندار که از نظر علم و عبادت و معنویات از فلان جمعیت برتر است، او را وادار به سخریه می‌کند، در حالی که معیار ارزش در پیشگاه خداوند تقوا است و این بستگی به پاکی قلب و نیّت و تواضع و اخلاق و ادب دارد. بنابراین هیچ کس نمی‌تواند بگوید من در پیشگاه خدا از فلان کس برترم و به همین دلیل، تحقیر دیگران و خود را برتر شمردن یکی از بدترین کارها، و زشت‌ترین عیوب اخلاقی است که بازتاب آن، می‌تواند در تمام زندگی انسان آشکار شود. سپس در دومین مرحله می‌فرماید:« و یکدیگر را مورد طعن و عیب‌جویی قرار ندهید».

«لا تلمزوا» از ماده «لمز» بر وزن (طنز) به معنی عیب‌جویی و طعنه زدن است. بعضی فرق میان«همز» و«لمز» را چنین گفته‌اند که«لمز» شمردن عیوب افراد، در حضور آنها است و «همز» ذکر عیوب در غیاب آنها است، هم‌چنین گفته شده که«لمز» عیبجویی با چشم و اشاره است، در حالی که «همز»، عیب‌جویی با زبان است.

جالب اینکه قرآن در این آیه با تعبیر«انفسکم» به وحدت و یکپارچگی مؤمنان اشاره کرده و اعلام می‌دارد که همه مؤمنان به منزله نفس واحدی هستند و اگر از دیگری عیبجویی کنید، در واقع از خودتان عیبجویی کرده‌اید!

و بالآخره در مرحله سوم می‌افزاید: «و یکدیگر را با القاب زشت و ناپسند یاد نکنید».

بسیاری از افراد بی بند و بار در گذشته و حال اصرار داشته و دارند که بر دیگران القاب زشتی بگذارند و از این طریق، آنها را تحقیر کنند، شخصیت‌شان را تخریب کنند و یا احیاناً از آنان انتقام بگیرند و یا اگر کسی در سابق کار بدی داشته، سپس توبه کرده و کاملاً پاک شده، باز هم لقبی که بازگو کننده وضع سابق باشد، بر او بگذارند. اسلام صریحاً از این عمل زشت نهی می‌کند و هر اسم و لقبی را که کوچک‌ترین مفهوم نامطلوبی دارد و مایه تحقیر مسلمانی خواهد شد، ممنوع شمرده است.[13]

حدیث

۱ ـ عن النبی ﷺ: قالَ اللهُ تبارکَ و تعالی: مَن أهانَ لی وَلیّا فقد أرْصَدَ لِمُحارَبتی.[14]

پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: خداوند تبارک و تعالی فرموده است هر که به یکی از دوستان من تحقیر و توهین روا دارد، برای جنگ با من آماده شده است.

۲ ـ رسولُ اللهِ ﷺ: مَن استَذَلَّ مؤمِنا أو مؤمِنَةً أو حَقَّرَهُ لِفَقرِهِ أو قِلَّةِ ذاتِ یَدِهِ، شَهَرَهُ اللهُ تعالی یومَ القِیامَةِ ثُمّ یَفضَحُهُ.[15]

هم‌چنین پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: هر کس مرد یا زن مؤمنی را به سبب تهیدستی و یا اندک بودن مال و داراییش خوار

شمارد یا تحقیر کند، خداوند متعال در روز قیامت او را [بدین کار زشتش] شهره و سپس رسوایش سازد.

داستان

عبارت «لا یَسْخَر قومٌ مِنْ قوم» «گروهی از مردان، گروه دیگر را مسخره نکنند»، درباره «ثابت بن قیس» (خطیب پیامبر ﷺ) نازل شده است، که گوشه‌ای سنگینی داشت و هنگامی که وارد مسجد می‌شد، کنار دست پیامبر ﷺ برای او جائی باز می‌کردند، تا سخن حضرت را بشنود، روزی ایشان وارد مسجد شد، در حالی که مردم از نماز فراغت پیدا کرده و هنوز جای خود نشسته بودند؛ او جمعیت را می‌شکافت و می‌گفت: جا بدهید! تا به یکی از مسلمانان رسید و او گفت همین جا بنشین! او پشت سرش نشست، امّا خشمگین شد، هنگامی که هوا روشن گشت، «ثابت» به آن مرد گفت: کیستی؟ او نام خود را برد و گفت فلان کس هستم، «ثابت» گفت: فرزند فلان زن؟! و در اینجا نام مادرش را با لقب زشتی که در عصر جاهلیت می‌بردند یاد کرد، آن مرد شرمگین شد و سر خود را به زیر انداخت، آیه نازل شد و مسلمانان را از این گونه کارهای زشت نهی کرد.

نتیجه

رذایل اخلاقی در جامعه اسلامی مانعی برای بسیاری از پیشرفت‌های مادی و معنوی است؛ زیرا مردم را نسبت به یکدیگر بدبین، عقده مند و لجوج می‌سازد. تمسخر قومیت‌ها، که امروزه یک پدیده شوم در میان مردم است، تیشه‌ای به ریشه اخلاق مداری و حفظ کرامت انسان‌ها است.

پی‌نوشت

۱.سوره حجرات، آیه ۱۱. ■ ۲.مجمع البیان، ج ۹، ص، ۱۳۶. ■ ۳.سوره یس، آیه ۳۰. ■ ۴.سوره حجرات، آیه ۱۱. ■ ۵.سوره بقره، آیه ۲۳۱. ■ ۶.دائرة المعارف قرآن کریم(۳)، ص، ۱۷۳. ■ ۷.سوره انعام، آیه ۶۸. ■ ۸.سوره عنکبوت، آیه ۲۹. ■ ۹.جامع‌البیان، ج ۱۱، ج ۲۰، ص ۱۷۸؛ تفسیر قرطبی، ج ۱۳، ص ۲۲۶. ■ ۱۰.سوره حجر، آیه ۱۲ ـ ۱۱؛ سوره توبه، آیه ۶۶ ـ ۶۵. ■ ۱۱.سوره هود، آیه ۳۸. ■ ۱۲.مجمع‌البیان، ج ۵، ص ۲۴۱. ■ ۱۳.تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص، ۱۸۱ ـ ۱۸۰. ■ ۱۴.الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۲، ص ۳۵۲. ■ ۱۵.صحیفة الإمام الرضا علیه‌السلام، ص، ۶۳.

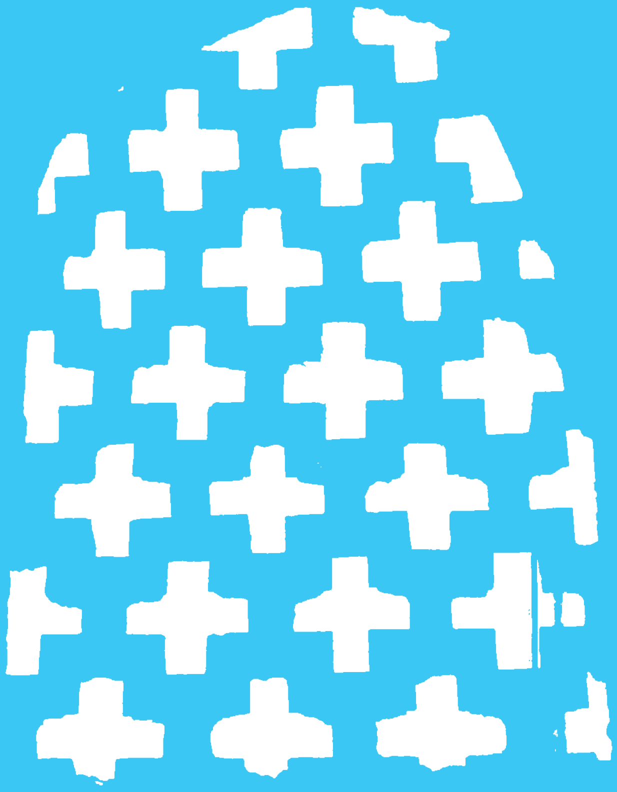

گستره جغرافیایی فعالیت سازمان وکالت در عصر غیبت

وجود ارتباط بین رهبری و پیروان در هر نظام دینی، سیاسی اجتناب‌ناپذیر است. به دلیل گستردگی جهان اسلام و پراکندگی جمعیت شیعیان در نقاط مختلف جهان مانند عراق، حجاز، ایران، یمن، مصر و مغرب، امامان معصوم در بعضی از دوره‌ها، وکیلان متعددی را برگزیدند که رابط میان آن‌ها و شیعیان باشند. لزوم وجود وکلا هم به دلیل مشکلات سفر از مناطق دور دست به نقطه سکونت امام و هم به سبب شرایط سیاسی حاکم بر جامعه‌اسلامی بود. در چنین شرایطی، سازمان وکالت در روندی رو به رشد، شکل گرفت، تا در فعالیّتی منسجم و البتّه پنهان و در عین حال، گسترده و فراگیر، امور مربوط به امام و امت را انجام دهد.

گرچه اصل ارتباط بین امام و شیعیان، ضرورت وجود وکیلان را توجیه می‌کند؛ ولی آن‌گاه که امامان معصوم در اثر ظلم و ستم حاکمان در حبس قرار می‌گرفتند یا در خانه خود محصور می‌شدند، نیاز به وکیل، بیشتر احساس می‌شد؛ به همین سبب در زمانِ عسکریین ـ یعنی دوره امامت امام دهم و یازدهم ـ ضرورت وجود سازمان وکالت، آشکارتر گردید و با رخدادِ غیبت امام دوازدهم، وکالت در شکلی فراگیرتر و جدی‌تر دنبال شد.

در این مجال اشارهٔ مختصری به مهم‌ترین حوزه‌ها خواهد شد:

۱. با توجه به حضور بیشتر امامان در مدینة النبی، خاستگاه اصلی سازمان وکالت، این شهر مبارک بوده است. یکی از چهره‌های معروف وکلا، مُعلّی بن خنیس، وکیل امام صادق علیه‌السلام در مدینه و اطراف آن بوده است. او از وکلایی است که همواره مورد ستایش امام صادق علیه‌السلام واقع می‌شده است.

۲. کوفه از مهم‌ترین مناطق شیعه‌نشینی است که وکلای بسیاری در آن فعالیت داشته‌اند؛ از جمله آن‌ها عبدالرحمن بن حجاج است که وکیل امام صادق علیه‌السلام بوده است.

۳. شهر قم، از مراکز مهم شیعه است که سازمان وکالت در آن، حضوری چشم‌گیر داشته است و وکلای متعددی از ائمه در دوره‌های مختلف در این

شهر به فعالیت مشغول بوده‌اند؛ از چهره‌های معروف وکلای ساکن در قم، احمد بن اسحاق قمی است که وکیل امام حسن عسکری علیه‌السلام و نیز وکیل امام مهدی علیه‌السلام در امور اوقاف قم بوده است. جریان ملاقات او با حضرت مهدی علیه‌السلام در دوران کودکی آن حضرت، مشهور است.[1]

۴. بغداد در طول فعالیت سازمان وکالت، از کانون‌های مهم این سازمان بوده است؛ به ویژه در عصر امام جواد و امام هادی و امام عسکری علیه‌السلام که وکلای ارشد این بزرگواران در این شهر فعّال بوده‌اند. این شهر در دوره غیبت صغرا جایگاه مهم‌تری یافت؛ زیرا در تمام این دوره، بغداد مرکز اقامت نایبان چهارگانه امام مهدی علیه‌السلام و کانون رفت و آمد وکلا و شیعیان بوده است.[2]

۵. اهواز نیز از مناطق شیعه‌نشینی بوده که در طول دوران امامت ائمه و به ویژه در عصر غیبت امام دوازدهم علیه‌السلام محل فعالیت وکلای امامان بوده است. از چهره‌های برجسته وکیلان در این شهر، علی بن مهزیار اهوازی است که از سوی سه امام بزگوار، حضرت علی بن موسی الرضا و حضرت جواد و حضرت هادی علیهم‌السلام به عنوان وکیل ارشد در منطقه اهواز نصب شده بود؛[3] چنانکه ابراهیم بن مهزیار (برادر یا پسر عم او) نیز در همین منطقه وکیل بوده است. او شخصیتی والامقام است که از دوره امام هادی علیه‌السلام تا عصر غیبت صغرا وکیل امامان در اهواز بوده است. پس از او فرزندش محمد بن ابراهیم نیز در غیبت صغرا به جای پدر عهده‌دار این مقام شد.[4]

پی‌نوشت

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج۲، باب۴۳، ص۴۵۵، ح۲۱. ■ ۲. در این باره نک: تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه‌السلام، صص ۱۴۹ـ۱۵۱ و ۱۷۰ ـ ۱۷۲ و ۱۹۵ ـ ۲۰۰. ■ ۳. رجال کشی، ص۵۴۹؛ رجال، نجاشی، ص۱۷۷؛ الغیبة، طوسی، ص۳۴۷. ■ ۴. تنقیح المقال، ج۲، رقم۱۰۲۲۲؛ ارشاد، ص۳۵۱؛ الغیبة، طوسی، ص۱۷۱.

اذان صبح: ٤:٤٦
طلوع آفتاب: ٦:٠٩
اذان ظهر: ١٢:١٢
اذان مغرب: ١٨:٣٣

روز ملی شدن صنعت نفت ایران (۱۳۲۹ هـ ش) (تعطیل)
درگذشت عالم بزرگوار علامه سید عبدالحسین شرف الدین عاملی (۱۳۷۷ هـ ق)

هیچ کس باورش نمی‌شود!

«حضرت امام به من خیلی احترام می‌گذاشتند و هیچ حرف بد یا زشتی به من نمی‌زدند امام حتی در اوج عصبانیت هرگز بی‌احترامی و اسائه ادب نمی‌کردند. (در هنگام ناهار یا شام) غذا را شروع نمی‌کردند؛ به بچه‌ها هم می‌گفتند: صبر کنید تا خانم بیایند ... جارو کردن و ظرف شستن و حتی شستن روسری بچه خودمان را هم وظیفه من نمی‌دانستند و اگر به جهت نیاز گاهی به این کارها دست می‌زدم، ناراحت می‌شدند و آن را به حساب نوعی اجحاف نسبت به من می‌گذاشتند. حتی وقتی وارد اتاق می‌شدم، به من نمی‌گفتند: «در را پشت سرتان ببندید» صبر می‌کردند تا بنشینم و بعد خودشان بلند می‌شدند و در راه می‌بستند... » دختر امام تأکید می‌کند: «هیچ وقت ما ندیدیم ایشان [امام] به خانم بگویند «فلان کار را انجام بده» و یا حتی «یک چای برای من بریز»... خیلی به ایشان [مادرم] اظهار محبّت و علاقه می‌کردند و مقید بودند این اظهار محبّت و علاقه را جلوی ما فرزندان هم علنی کنند. امام احترام فوق‌العاده برای خانم قائل بودند... در شرایط سخت روزهای آخر، هر وقت چشم باز می‌کردند، اگر قادر به صحبت بودند، می‌گفتند: خانم چطورند؟... اگر روزی خانم غذا را تهیه می‌کردند، هر چقدر هم که بد می‌شد، کسی حق اعتراض نداشت و امام از آن غذا تعریف می‌کردند. امام به ما می‌گفتند: هیچ کس مادر شما نمی‌شود.» (پا به پای آفتاب، ج ۱، صص ۹۲ و ۹۷، به نقل از همسر امام)

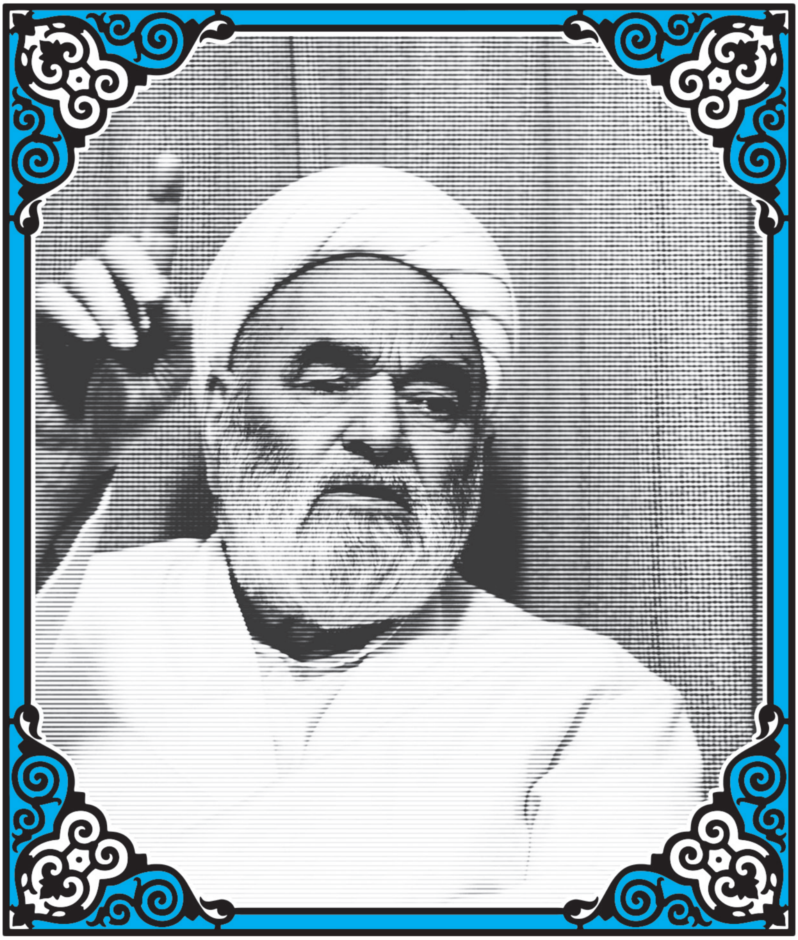

آیت الله عزیزالله خوشوقت

(مسجد امام حسن مجتبی علیه‌السلام)

کار ما طلبه‌ها دو چیز است: ۱. اسلام شناس شویم و دین را به مردم یاد دهیم؛ ۲. خودمان به دانسته‌هامان عمل کنیم تا در جامعه تأثیر مثبت داشته باشیم.

احکام اسلام باید پیاده شود، منتها از مسئولان شروع می شود. اگر مسئول پایبند به اسلام باشد و قانون اسلامی را پیاده کند، دیگران هم از او یاد می گیرند، می شود «الناس علی دین ملوکهم»... اما اگر مسئولان، اسلام را پیاده نکردند، مردم هم اسلام را پیاده نخواهند کرد. هر چه هم عمر بگذرد اسلام پیاده نمی شود و آثار پیاده نشدن اسلام هم ظاهر می شود. زنها حجاب را رعایت نمی کنند، مردم نماز نمی خوانند و روزه نمی گیرند.

مساجد و ایجاد روحیه انقلابی در نسل جوان

پیروزی انقلاب اسلامی ایران، آن‌چنان که از نام آن پیدا است، بر پایه معارف و اعتقادات اسلامی و با حرکت پرشور مردم مومن و انقلابی به ثمر رسیده است. وقوع این تحوّل بزرگ، در سایه "مسجد" به عنوان مهم‌ترین پناه‌گاه و کانون فرهنگی- اجتماعی جامعه مسلمین، قابل تحقق بوده است. قطعاً نقشی که مساجد در این پیروزی شگفت انگیز داشته‌اند، بسیار درس‌آموز و به یاد ماندنی است. براین اساس نباید از کنار این تجربه عظیم به راحتی گذشت و آن را تنها به دفاتر اسناد و خاطرات سپرد.

جای بسی تأسف است که نگاه برخی از مسئولان به مسجد، نگاهی حداقلی و ظاهری است. گویا که چشم‌ها از این کانون و نهاد انسان‌ساز غافل مانده است؛ چراکه انقلاب در دوران کنونی خود، بیش از گذشته به این ستون در جامعه نیازمند است، زیرا پاسداری و نگهبانی از انقلاب، بسی سخت‌تر و دشوارتر از احداث آن است.

بدین ترتیب نگاه حداقلی به مسجد در سال‌های رشد و تکامل نهال انقلاب و به فراموشی سپردن یکی از موثرترین عوامل غلبه بر دشمن و تحقّق پیروزی، بزرگترین اشتباه عملیاتی به حساب خواهد آمد که آسیب های فراوانی را در پی خواهد داشت.

در حقیقت انقلاب ما برگرفته از انقلاب رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، بر پایه فهم و تلاش جوانان به هدف رسید و بر همان اساس در مسیر رشد و تکامل قرار گرفته است. اما نباید فراموش کرد که این جوانان انقلابی، شکوفایی و پویایی خود را مدیون سازمان مسجد و نهاد روحانیّت هستند. بدون تردید باید گفت که رشد و تعالی جوانان، تنها در سایه اهمیت دادن به جایگاه حقیقی مساجد، به مداومت خواهد رسید.

باید به این باور رسید که نهاد مسجد در خدمت تعلیم و تربیت و انسان‌سازی جوانان است. با این حال، به ثمر رسیدن این توان‌مندی، مشروط به دو مسئله است. اول اینکه برای مسجد، جایگاهی در شأن و توان آن فراهم آوریم. دوم آنکه ظرفیت‌ها و نبوغ جوانان را در خدمت این نهاد انسان ساز قرار دهیم.

در زیل به برخی موارد و ظرفیت‌های قابل رشد و شکوفایی جوانان در مسجد اشاره می‌شود.

۱ـ رشد و تکامل معنوی در انسان

با وجود پیشرفت‌های قابل توجّه در زمینه‌های مادّی و تکنولوژیک در متأسفانه جهان امروز به جهت امور معنوی و روحانی، در بحران معنویت به سر می برد و در زمینه‌های فرا مادّی و درونی روز به روز دچار افول و اضمحلال شده است. حتی سکولارهای افراطی غرب هم میدانند که معنویت، یکی از ارکان اساسی زندگی بشری است. بنابراین چاره ای جز برآورده سازی این نیاز اساسی و جدّی انسان، وجود ندارد.

بی شک انقلاب اسلامی، یک انقلاب معنویت گرا و بر پایه دین مبین اسلام است. پس تردیدی نیست که رشد این انقلاب نیز در سایه رشد معنوی اقشار گوناگون جامعه خصوصاً جوانان این مرز و بوم، سامان خواهد پذیرفت. اسلام برای گرایشات معنوی جوان و ایمان

و تقوی و دین مداری او، ارزشی ویژه قرار داده است.

پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

«خَیْرُ اُمّتی مَنْ هَدَمَ شَبابَهُ فی طاعة الله.»[1]

«بهترین فرد امّت من کسی است که جوانی خویش را در طاعت خدا گذراند.»

در روایات دیگر نیز به ارزشمندی اشک و مناجات و توبه جوان اشاره‌های فراوانی شده که همگی حاکی از اهمیّت این دوره درخشان در نزد پروردگار است.

روشن است که بهترین جایگاه رشد معنوی برای جوانان، خانه خدا، "مسجد" است؛ چرا که خودِ باری تعالی، مسجد را پایگاهی برای ارتقاء معنویت انسان‌ها، قرار داده است.

۲ـ رشد معارف دینی

کسب معارف و دانش برگرفته از کلام اهل بیت علیهم‌السلام، لازمه دستیابی به معنویت ناب است. بنابراین جوان، بدون دریافت اطلاعات کافی در زمینه‌های گوناگون معرفتی، نخواهد توانست به معنویت ناب دست یابد. پیش از هر چیز، جوان باید با قرآن انس بگیرد و ارتباطی صمیمی با معارف آن برقرار کند. امیرمومنان علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«تَعَلّموا القرآنَ؛ فإنّهُ أحسَنُ الحَدیثِ و تَفَقَّهُوا فیهِ فإنَّهُ رَبیعُ القُلوب.»[2]

«قرآن را بیاموزید که آن بهترین سخن است و در آن دانا شوید، که آن بهار دل هاست.»

«احکام»، «عقائد» و «اخلاق» نیز پس از معارف ویژه قرآن، سه گروه اساسی معارف است که باید به صورت ویژه در مساجد برای جوانان تدارک شود. پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

«إنّمَا الْعِلْمُ ثَلاثَةٌ آیَةٌ مُحْکَمَةٌ أَوْ فَریضَةٌ عادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قائِمَةٌ وَ مَا خَلاهُنَّ فَهُوَ فَضْلٌ.»[3]

برخی از شارحان کتاب شریف کافی، مقصود این روایت را چنین بیان داشته‌اند: «همانا علم نافع تنها سه چیز است:

۱ـ «اصول عقایدی» که ریشه در آیات محکم « قرآن» داشته باشد.

۲ـ «احکام» و فرایضی که منسوخ نشده باشند و کماکان مورد نیاز مردم باشند.

۳ـ «اخلاق» و سننی که از سیره دائمی حضرات معصومان برگرفته شده باشد.[4]

۳ـ کسب علم و دانش

اگرچه انسان پیش از هر چیز، نیازمند رشد معنوی است، اما این به آن معنا نیست که او باید از پیشرفت در زندگی روزمره خود غافل بماند. قرآن کریم دراین‌باره می‌فرماید:

«وَ ابْتَغِ فِیمَا ءَاتَئکَ الله الدَّارَ الْاٰخِرَةَ وَ لَا تَنسَ نَصِیبَکَ مِنَ الدُّنْیَا.»[5]

«و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب و بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن.»

روشن است که رشد علمی، زیربنای پیشرفت و بهره‌وری است. بنابراین انقلاب، برای پیشرفت در تمامی عرصه‌های ضروری خود، نیازمند رشد علمی قابل توجهی است؛ چراکه انقلاب اسلامی باید بتواند آبادانی هر دو سرا را برای مردم، به دنبال داشته باشد.

انبوه روایاتی که در مدح علم آموزی و ایجاد انگیزه در جهت کسب دانش به دست ما رسیده است، نشان‌گر ارزشمندی والای علم و دانش در آموزه های دینی است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

«لَسْتُ أُحِبُّ أَنْ أَرَی الشَّابَّ مِنْکُمْ إلا غَادِیاً فِی حَالَیْنِ إمَّا عَالِماً أَوْ مُتَعَلِّماً.»[6]

«دوست ندارم جوان شما را جز در دو حال ببینم: دانشمند یا دانش آموز.»

مسجد، مهمترین بستر رشد علمی در جهت اهداف والای انقلاب

در این میان، مساجد باید با برنامه‌ریزی دقیق و تدبیر شایسته، می‌توانند بهترین استفاده را از استعداد جوانان مسجدی داشته باشند و زمینه‌های رشد و شکوفایی علمی را برای حاضران و علاقه‌مندان به مسجد را فراهم

سازند. در این راستا ارزش‌ها و ارزش‌گذاری‌ها در فضای مساجد، باید پس از «ایمان و تقوی»، بر روی «علم و دانش» قرار داده شود، تا جوان مسجدی خود را تنها در این فضا، شایسته ستایش ببیند.

انقلاب، صرفاً نیازمند به دانشمند و اندیشمند نیست، بلکه نیاز انقلاب به دانشمندانی است که با تعهّدات خود، رشد کشور را در زمینه‌های گوناگون تضمین می‌کنند. اگر مساجد، آغازگر حرکت پرشتاب علمی نباشند، نهایت چیزی که در سال‌های آینده، در خوش‌بینانه‌ترین وضعیت، نصیب ما خواهد شد، دستیابی به دانشمندانی خواهد بود که نسبت به آرمان‌ها رنگی ندارند و خود را نسبت به اهداف انقلاب، بیگانه می‌دانند.

مساجد انقلابی، در دوران پیش از پیروزی انقلاب، نشان دادند که توانایی پرورش انسان‌های کم نظیری هم‌چون دکتر چمران، مهندس تندگویان و باکری را دارند؛ هم‌چنان‌که پس از پیروزی انقلاب نیز مساجد پرجنب و جوش، دانشمندان شهیدی همچون دکتر شهریاری و احمدی روشن را تقدیم انقلاب کرده‌اند. بنابراین بستر مسجد، یک بستر آزمون پس داده و پرظرفیت است که قطعاً نباید از آن غافل شد.

٤ـ شکل‌گیری روحیّه مقاومت و تلاش

مسجد، نماد تلاش بیوقفه و ایمان مستمر به آرمان‌ها است؛ چراکه مسجد هیچ‌گاه تعطیل نشده و از رونق نخواهد افتاد. این قانونی الهی و سنّت خداوند است که هیچ کس از موجودات، بدون تلاش مداوم به نتیجه نخواهد رسید:

«وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسانِ إِلَّا ما سَعى.»[٧]

«برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست.»

جوان مسجدی باید به این باور برسد که انقلاب، برای دستیابی به آرمان‌های رفیع خود، نیاز به تلاش مضاعف و جدّیتی خستگی ناپذیر دارد. زیرا دوران جوانی، دوران توانمندی و قدرت و شادابی است. پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

«إِنَّ لِلّهِ تَعَالَى مَلَكاً يَنْزِلُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ فَيُنَادِي يَا أَبْنَاءَ الْعِشْرِينَ جِدُّوا وَ اجْتَهِدُوا.»[٨]

«خداوند فرشته‌ای دارد که هر شب نازل شده و چنین صدا میزند: ای جوانان بیست ساله! کوشش و جدّیت کنید.»

٥ـ شکل‌گیری روحیه پویایی و نشاط

رخوت و تنبلی، بزرگ‌ترین آفت جوان مسلمان است. جوان انقلابی باید در بستر پاک مسجد، مشق چابکی ببیند و خود را برای کارهای بزرگ مهیا کند. بزرگ‌ترین آرمان انقلاب، مهیا شدن برای انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) است. فرهنگ انتظار نیز با ترجمان انقلابی خود محیّای برکندن ریشه‌های ظلم و ستم است. امام صادق علیه‌السلام می فرماید:

«بَيْنَا شَبَابُ الشِّيعَةِ عَلَى ظُهُورِ سُطُوحِهِمْ نِيَامٌ إِذْ تَوَافَوْا إِلَى صَاحِبِهِمْ فِي لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ فَيُصْبِحُونَ بِمَكَّةَ.»[٩]

«زمانی که جوانان شیعه بر پشت بام‌هایشان خوابند، در یکی از شبها، بدون قرار قبلی، گردِ صاحب (الزمان) خودشان جمع می‌شوند و صبح گاه در مکّه خواهند بود.»

٦ـ رشد آگاهی و بینش سیاسی

جوانی دوران تبلور گرایشات و تمایلات گوناگون است. اما این تمایلات، گاه در مسائل سیاسی، خود را نشان می دهد و جوان را به پذیرش یا جانب داری از تفکّری سیاسی یا اجتماعی وا می‌دارد. روشن است که حضور جوان در عرصه های تأثیر گذار سیاسی و اجتماعی، یکی از برکات انقلاب است. اما همین ورود مبارک، ممکن است خود تبدیل به آفتی بزرگ شود.

در این باره اهل بیت علیهم‌السلام همواره به ما آموخته‌اند که هر حرکتی باید با بینش و آگاهی انجام گیرد و بدون تدبیر و بصیرت، هیچ حرکتی دارای شایستگی لازم نخواهد بود. بنابراین مسجد، به عنوان یک نهاد دینی فراجناحی، می‌تواند ارائه دهنده تفکّری ناب و بینشی پاک و بیغل و غش باشد. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

«يَا مَعْشَرَ الاحْدَاثِ اتَّقُوا اللهَ وَ لا تَأْتُوا الرُّوسَاءَ وَ غَيْرَهُمْ حَتَّى يَصِيرُوا أَذْنَاباً.»[١٠]

«ای گروه جوانان! از خدا بترسید و گرد فرمانروایان ستمکار نگردید. آنان را ترک گوئید، تا از مقام

سروری و بزرگی تنزل کنند و دنباله‌رو جامعه باشند.»

بنابراین جوان انقلابی، پیاده نظام گروههای سیاسی نیست؛ بلکه او تنها به آرمان‌ها و اهداف عالی انقلاب می‌اندیشد. جای بسی تاسّف است که از گذشته تاکنون گروه‌های مختلف سیاسی، گاه از شور جوانان برای دستیابی به اهداف خود سوء استفاده می‌کنند و آنان را ملعبه دستان خود می‌گردانند. اما هر جوانی که در نهاد روشن‌گر مسجد، رشد یافته باشد، باید نسبت به دو مسئله اساسی در حوزه مباحث سیاسی آگاه باشد. اوّل اینکه برای یک جوان انقلابی، داشتن تفکّری ناب در عرصه سیاست دینی، امری ضروری است و دوّم اینکه دستیابی به بینش و بصیرتی که آن تفکّر سیاسی را پشتیبانی کند، از اصل آن واجب‌تر و لازم تر خواهد بود.

۷ـ تقویت جرأت و جسارت در بیان حقایق

امر به معروف و نهی از منکر، یکی از واجبات دینی ما است که بر همه مکلّفان، حتّی نوجوانی که تازه به سنّ تکلیف رسیده‌اند، واجب است. لقمان، به فرزند خود چنین سفارش میکند:

«یا بُنَیَّ أَقِمِ الصَّلاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ انْهَ عَنِ الْمُنْکَر.»[۱۱]

«پسرکم! نَماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن.»

زنده نگه داشتن این روحیه در جوان مسجدی و انقلابی از ضروریات است؛ چراکه اولاً چشمان تیزبین جوان، بسیاری از واقعیات را حتّی بهتر از بزرگترها می‌بیند. ثانیاً جرأت و جسارت او جایی برای مصلحت طلبی‌های بی‌اساس و منفعت طلبی‌های شخصی باقی نمی‌گذارد.

جوان مسجدی پس از دستیابی به یک بینش صحیح و مستقیم، می‌تواند حضرت ابراهیم خلیل الرحمن علیه‌السلام را الگوی خود قرار دهد و در برابر تمامی بت‌های اجتماعی و سیاسی بایستد. همه باید به این باور برسند که جرأت و جسارت جوان انقلابی، ضامنی برای دوام انقلاب است. بنابراین مساجد باید در درون خود، به جوانان، جرأت انتقاد درونی و یا بیرونی را اهدا کرده و از انتقادات سازنده و گاه فرمایشات تند و صریح او نهراسند. البته مدیریت این ظرفیت بزرگ با امام مسجد و پدر معنوی جوانان مسجدی است؛ چراکه این جرأت باید در محدودهای مشروع، مهار و تربیت شود، تا ناگاه به توهین و افراط کشیده نشود.

پی‌نوشت

۱. تنبیه الخواطر، ص ۲، ص ۱۲۳
۲. نهج البلاغة، خطبهٔ ۱۱۰
۳. الکافی، ج ۱، ص ۳۲
۴. شرح أصول الکافی ملاصدرا، ج ۲، ص ۳۷
۵. سوره قصص، آیه ۷۷
۶. أمالی طوسی، ص ۳۰۳
۷. سوره نجم، آیه ۳۹
۸. إرشاد القلوب، ، ج ۱، ص ۳۲
۹. الغیبة نعمانی، ص ۳۱۶
۱۰. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۸۳
۱۱. سوره لقمان، آیه ۱۷

مسجد در یک نگاه

مسجد: مسجد به عنوان محل اجتماع و عبادت مسلمین، مهمترین و مردمی ترین نهاد در عرصه ی حیات اعتقادی و فرهنگی جامعه ی اسلامی است و دارای کارکرد های متنوع به شرح زیر می باشد:

۱. محل اجتماع مؤمنین برای برگزاری نماز جماعت و سایر عبادات

۲. محل ترویج و تبلیغ اسلام، قرآن و تربیت دینی نمازگزاران و اهل محل با توجه ویژه به نسل جوان و نوجوان

۳. محل و محفل انس و تقویت روح اخوت، روابط معنوی، عاطفی و انسانی بین مسلمین

۴. محل طرح اخبار و هم‌چنین بیان مسائل اعتقادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و تبیین و تشریح دیدگاه اسلام درباره‌ی آن مسائل

۵. محل بسیج همه ی مسلمین جهت امور دفاعی، نظامی و امداد رسانی در موارد خاص و بحرانی

مدیر مسجد (امام جماعت): امام جماعت (روحانی مسجد) به طور طبیعی مدیر مسجد محسوب شده و اصلی ترین وظیفه ی او برگزاری نماز و امامت جماعت و رونق بخشیدن به آن، با اتخاذ تدابیر لازم و تمهیدات متنوع، جهت دار، موثر و با هدف تعمیق بینش توحیدی و اسلامی اهل محل و نمازگزاران است.

انتصاب، جابه جایی و یا تعیین جایگزین امام جماعت، پس از طی مراحل گزینش و احراز صلاحیت به عهده‌ی مرکز رسیدگی به امور مساجد خواهد بود.

هیئت امنای مسجد: مجموعه ای از افرادمومن، فعال و انقلابی که معاونین و بازوهای اجرایی مدیرمسجد(امام جماعت) محسوب می شوند .به منظور اداره ی صحیح مسجد، هر یک از اعضای هیئت امنا ء، مسئولیت انجام بخشی از امور مسجد را تقبل می نمایند . اعضای هیئت امنا ء از بین نمازگزاران، توسط امام جماعت انتخاب می شوند و جهت تایید صلاحیت و صدور حکم رسمی، به مرکز رسیدگی به امور مساجد معرفی می گردند.

خادم مسجد:خادم مسجد فردی است دارای سلامت، حسن اخلاق و رفتار و نظم و کارائی مناسب، که مسئولیت انجام امور خدماتی مسجد را بر عهده دارد .خادم مسجد با معرفی امام جماعت به مرکز رسیدگی به امور مساجد (پس از گزینش و تایید مرکز) به رسمیت شناخته خواهد شد.

فعالان مسجد: فعالان مسجد کسانی هستند که در انجام فعالیت ها و امور مسجد، اعم از عبادی، فرهنگی، اجتماعی و عمرانی شرکت و همکاری داشته و به دو دسته تقسیم می شوند:

۱. فعالان سنتی مسجد: در مساجدی که هنوز هیئت امنای رسمی نداشته و سازماندهی و تقسیم کار صورت نگرفته است، فعالان سنتی مسجد، کارهای مسجد را انجام می دهند.

۲. فعالان سازمان یافته و همکار هیئت امنا:که در انجام امور مسجد به طور سازمان یافته با امام جماعت و امنا ی مسجد همکاری داشته و در واحدهای مختلف فرهنگی، مالی، تبلیغاتی و .. عضویت فعال دارند.

کانون فرهنگی هنری مسجد: تشکلی است که با هدف زمینه سازی برای حضور فعال جوانان و نیروهای متعهد در عرصه فعالیت‌های فرهنگی و هنری و شناسایی و تربیت استعدادهای درخشان و استفاده از اوقات فراغت جوانان، در مساجد فعالیت می نماید.

ارائه و عرضه ی فعالیت های فرهنگی، هنری بر اساس موازین و ضوابط اسلامی و ایجاد جاذبه های فرهنگی هنری و کانون های پرتحرک و فعال مذهبی، اجتماعی و مردمی در مقابله با تهاجم فرهنگی مبتذل استکبار و کفر جهانی، از جمله شرح وظایف این کانون هاست.سیاســت گذاری و نظارت بر عملکرد این کانو ن‌ها بر عهده ی دبیرخانه نظارت بر کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد (زیر مجموعه ی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)می باشد.

پایگاه بسیج مسجد: پایگاه بسیج به عنوان تشکل امین، ولایی و مردمی، نهادی است که ضمن استقرار در مسجد در دو زمینه فرهنگی اجتماعی و امنیتی نظامی فعالیت می نماید.فعالیت های امنیتی و نظامی بسیج از طریق سلسله مراتب بسیج، مدیریت و سازماندهی می شود و فعالیت های فرهنگی اجتماعی آن در هماهنگی با مدیر مسجد و سیاست ها و برنامه های مرکز رسیدگی به امور مساجد، انجام می پذیرد.حضور پایگاه بسیج در مسجد فرصت مغتنمی برای جذب توده مردم به ویژه جوانان و نوجوانان به برنامه های مذهبی، فرهنگی و اجتماعی مسجد(و در راس همه برنامه ها نماز جماعت) می‌باشد که در جهت آن فرمانده و مسئولین بسیج با مدیر مسجد، هماهنگی و همکاری حداکثری را خواهند داشت.

آشنایی اجمالی با مرکز رسیدگی به امور مساجد

پیشینه‌ی مرکز:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، رسیدگی به امور مساجد به نهادهایی چون سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، سازمان تبلیغات اسلامی و... واگذار شد. اداره‌ی برخی از مساجدنیز از طرف رهبر انقلاب به نمایندگانی که از طرف خودشان تعیین می‌شد، واگذار می‌گردید. این امر باعث چندگانگی مدیریت در امور مساجد به ویژه مساجد استان تهران شده بود. از این رو، مراجعات مکرر به مقامات مسئول درباره‌ی اداره‌ی امور مساجد صورت می گرفت.

متعاقب این مراجعات، ضرورت تأسیس مرکزی به این منظور احساس شد. بنابراین مرکز رسیدگی به امور مساجد در سال ۱۳۶۸ ش و به دستور مقام معظم رهبری تشکیل گردید. آیت‌الله خامنه‌ای در ۱۳۶۸/۷/۳۰ در حکمی به آیت‌الله مهدوی کنی، خواستار تأسیس مرکزی با عنوان حقوقی «مرکز رسیدگی به امور مساجد» شدند. در این حکم آمده بود: «مراجعات مکرر از سوی مرتبطین با مساجد تهران، من‌جمله ائمه‌ی جماعات، گروه‌های بسیج، متولیان و متصدیان و غیرهم، حاکی از فقدان مرکز و مرجع قابل قبول و آگاه و نافذالکلمه‌ای در امر مساجد یعنی اصلی‌ترین پایگاه دین و معنویت و اخلاق است. شک نیست که حفظ قداست مساجد و تقویت هماهنگ جنبه های معنوی و انقلابی و تعلیمی و تبلیغی آن نیازمند سلامت و امنیت محیط آن و دورماندن از منازعات و مناقشات داخلی در آن است».

سپس با اشاره به جایگاه آیت‌الله مهدوی در جامعه‌ی روحانیت کشور، به معظم‌له مأموریت دادند تا «با تعیین مرکزی و نمایندگانی به مهمه‌ی مساجد پرداخته و در موارد لازم با کمک و حمایت از برنامه‌های اسلامی در مساجد و یا لدی‌الاقتضا با نصب امام جماعت و دیگر مسئولین مربوط به مساجد، به رونق و کارآیی و شکوفایی هر چه بیشتر این پایگاه‌های انقلاب و اسلام کمک نمایید». پس از صدور این دستور، آیت‌الله مهدوی کنی با همکاری جمعی از علمای تهران به تأسیس مرکز رسیدگی به امور مساجد اهتمام ورزید و خود ریاست آن مرکز را عهده‌دار شد و سپس آیت‌الله محمدباقر انواری را به عنوان قائم‌مقام آن مرکز منصوب کرد.

این مرکز پس از تأسیس، همه‌ی مساجد استان تهران را تحت پوشش خود قرار داد و شروع به فعالیت در جهت سازماندهی امور مساجد نمود. این مرکز با هدف سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان و سازماندهی، هماهنگی، هدایت و نظارت بر مساجد استان تهران تشکیل گردید و سپس وظایف و اختیارات و نیز اهداف آن مرکز معین شد.

اهداف مرکز:

۱ـ حفظ سلامت و امنیت مسجد و دور ماندن از منازعات ملی و مناقشات داخلی؛

۲ـ تقویت جنبه‌های معنوی، انقلابی، تعلیمی و تبلیغی مساجد شهر تهران؛

۳ـ رونق و افزایش کارآیی و شکوفایی هرچه بیشتر مساجد.

وظایف مرکز:

۱ـ انجام فعالیت‌های ویژه‌ی ستادی امور مساجد تهران؛ ۲ـ عزل و نصب ائمه‌ی جماعت؛ ۳ـ رسیدگی به امور معیشتی نیروی انسانی؛ ۴ـ کمک به احداث، تعمیر و تجهیز مساجد ۵ـ رسیدگی به دعاوی حقوقی؛ ۶ـ ایجاد هماهنگی بین مساجد به منظور افزایش توانایی فرهنگی و اجتماعی مساجد ۷ ـ برگزاری مراسم و مناسبت‌های ملی و دینی ۸ - برگزاری همایش‌ها و سمینارهای علمی و فرهنگی ۹ـ کمک به برنامه‌های آموزشی و تبلیغی مساجد.

حوزه‌های ستادی مرکز:

۱. معاونت هماهنگی ۲. معاونت اجرایی ۳. معاونت فرهنگی اجتماعی ۴. معاونت جذب و سازمان‌دهی ائمه جماعات، امناءِ و خدام ۵. معاونت آموزش ۶. دفتر طرح و برنامه ۷. دفتر مطالعات و پژوهش‌ها و سایر حوزه‌های ستادی می‌باشد. علاوه برآن، مرکز دارای بیست حوزه‌ی مدیریتی به منظور پوشش تمامی مناطق شهری و روستایی این استان است و در حال حاضر ۳۱۵۰ باب مسجد را تحت پوشش دارد. این مرکز به عنوان نهادی عمومی و غیردولتی و به صورت مستقیم زیر نظر مقام معظم رهبری اداره می‌گردد و بودجه‌ی این مرکز در قالب ردیف ۱۱۴۳۰۶ به عنوان کمک اعتباراتی از محل بودجه‌ی عمومی تأمین می‌شود. عمده‌ی فعالیت این مرکز به صورت ستادی است و به هماهنگی فعالیت‌های عمرانی و اجرایی مساجد استان تهران اختصاص دارد.

نواحی زیر مجموعه ی مرکز:

با توجه به گستردگی محدوده ی تحت پوشش مرکز، این محدوده به نواحی زیر تقسیم گردیده و مساجد در هرناحیه توسط مدیریت ناحیه، سازماندهی می گردند:

۱.شهید باهنر (ره) (منطقه ۱ شهرداری وشهرستان شمیرانات) ۲.شهید مطهری(ره) (۲۲-۶-۵-۳-۲) ۳.شهید بهشتی(ره) (۱۳-۸-۷-۴) ۴.شهید مصطفی خمینی(ره) (۲۱-۱۸-۱۷-۹) ۵.شهید نواب صفوی(ره) (۱۹-۱۶-۱۱-۱۰) ۶.شهید محلاتی(ره) (۱۵-۱۴-۱۲) ۷.شیخ صدوق(ره) (۲۰ و شهرری ، باقرشهر، کهریزک، حسن آباد) ۸.شهید مدنی(ره) (ورامین، قرچک، خیرآباد، جوادآباد) ۹.شهید مدرس(ره) (پیشوا) ۱۰.شیخ کلینی(ره) (پاکدشت) ۱۱.شهید دستغیب(ره) (اسلام‌شهر، چهاردانگه، احمدآبادمستوفی، واوان) ۱۲.شهید صدوقی(ره) (بهارستان، گلستان، نسیم‌شهر، نصیر شهر، صالح‌شهر) ۱۳.علامه‌امینی(ره) (رباط‌کریم، پرند) ۱۴.شهید اشرفی اصفهانی(ره) (شهریار، صبا شهر، صفادشت، اندیشه) ۱۵.شهید شاه آبادی(ره) (ملارد) ۱۶.امام موسی صدر(ره) (شهر قدس) ۱۷.علامه طباطبایی(ره) (دماوند، فیروزکوه، آبسرد، بومهن، رودهن)

مسئولین مرکز:

در اولین دوره، ریاست این مرکز به طور مستقیم از سوی رهبر معظم انقلاب بر عهده ی آیت الله مهدوی کنی گذاشته شد و سپس در دوره های بعد مسئولین مرکز، به پیشنهاد ایشان و با اذن رهبر معظم انقلاب منصوب گردیده‌اند. مسئولین این مرکز پس از آیت الله مهدوی کنی، به ترتیب آیت الله محمد باقر انواری و حجت الاسلام حسین ابراهیمی بوده اند و هم اکنون نیز حجت الاسلام محمد جواد حاج علی اکبری مسئولیت این مرکز را بر عهده دارند.

۳۶ نما از ۳۶ ماه تلاش مرکز رسیدگی به امور مساجد

مقدمه :

ائمه‌محترم جماعات، به عنوان مخاطبان اصلی خدمات این مرکز، طی سه سال گذشته، با بذل محبت و تقویت ارتباط و تعامل با خادمین خود، عملا نشان داده‌اند که عرض ارادت مجموعه را نسبت به خود با جان و دل پذیرفته‌اند و مرکز رسیدگی به امور مساجد را متعلق به خود ،خدمتگزار و خیرخواه می‌دانند.

هرچند مرکز هنوز در طراز مساجد، امامان جماعت عزیز و علما نیست و به خودسازی، اصلاح و ارتقاءِ در اخلاق سازمانی، فرآیندهای مدیریتی و سامانه‌ها نیاز دارد که این امر، مستلزم دعای خیر اعزه، عنایت الهی، همت و صرف زمان است.

با این وجود، ائمه جماعات بزرگوار ما اهل صبوری هستند و به عنوان صاحبان اصلی این مجموعه، حق دارند به اختصار، مروری بر تلاش خادمان خود داشته باشند، با این ملاحظه که این مجال برای ورود تفصیلی به تمام عرصه‌های خدمات مرکز مناسب نیست و بسیاری از اقدامات وقت‌گیر یا هزینه‌بر، مثل دو مصداق: رفع اختلافات و یا حمایت‌های مالی – رفاهی بی‌سابقه و در عین حال، ناقابل سه‌سال گذشته، هر یک بنا بر ملاحظاتی، امکان اطلاع‌رسانی عمومی ندارد.

آنچه که در ادامه تقدیم محضر مبارکتان می‌گردد، صرفا ۳۶ نما از ۳۶ ماه تلاش است که از سوی روابط عمومی مرکز تنظیم و برای اولین بار در این مجلد منتشر شده است.

نمای اول: مأموریت های اصلی مرکز در حکم صادره از سوی رهبر فرزانه انقلاب(دامت برکاته)، درسال ۱۳۶۸

۱. تامین سلامت و امنیت محیط و دورماندن مساجد از منازعات و مناقشات داخلی

۲. نصب امام جماعت و دیگر مسئولین مربوط به مساجد

۳. کمک به رونق و کارآیی و شکوفایی هرچه بیشتر این پایگاه های انقلاب و اسلام

۴. چنانکه واضح است، مرکز بر خلاف تصور عمومی، مأموریت عمرانی برای مساجد یا رفاهی برای ائمه جماعات، به صورت خاص برعهده ندارد، هرچند که بنا بر ضرورت، اقداماتی انجام شده است.

نمای دوم : ارائه خدمات رفاهی و تکریم ائمه جماعات

۱. بیمه تکمیلی ائمه جماعات استان، با ابتکار و پیگیری مرکز و همکاری مرکز خدمات که در حال حاضر به سایر روحانیون تسری یافته است.

۲. پرداخت وام قرض الحسنه به ۷۵۶ امام جماعت متقاضی، از ۵۰ تا ۲۰۰ میلیون ریال، با سرمایه گذاری مشترک ۹۰ میلیارد ریالی مرکز و بانک قرض الحسنه مهر

۳. تدارک امکانات اقامتی مناسب در مشهد مقدس (مجتمع ولایت) ، که تاکنون ۱۰۴۷ خانواده از ائمه جماعات بهره مند شده‌اند.

۴. مساعدت به خانواده ائمه‌جماعات متوفی و تقدیم هدیه پایان خدمت به ائمه جماعات ناتوان

۵. برگزاری ۶ دوره اردوی تفریحی – خانوادگی ائمه جماعات که در مجموع ۸۸۶ خانواده بهره‌مند شده و اظهار رضایت نموده‌اند.

۶. تقدیر و تجلیل از قریب به ۴۵۰ امام جماعت فعال، طی سه سال گذشته ، به مناسبت دهه تکریم و غبارروبی و روز جهانی مسجد

۷. طراحی و صدور کارت چند منظوره و هوشمند شناسایی ائمه جماعات، که تا کنون ۲۱۱۴ قطعه صادر و اعتباربخشی شده و ۱۳۳۳ قطعه به حضرات تحویل شده است.

نمای سوم: تقویت، هدفمند نمودن و شفاف سازی گردش اعتبارات

۱. تقویت اعتبارات سنواتی مرکز، به میزان متوسط دو برابر نسبت به قبل از سال ۹۰

۲. با هدف برنامه محور کردن مرکز و هدفمند سازی گردش اعتبارات، برنامه راهبردی اول، از سال ۹۱ تا ۹۳ اجرا شده و برنامه راهبردی دوم، از ابتدای سال ۹۴ عملیاتی خواهد شد.

۳. ارتقای وضعیت حسابرسی مرکز از "مردود" در گزارش رسمی ۱۳۹۰ به "مطلوب مشروط" در گزارش رسمی ۱۳۹۱و بالاخره دستیابی به طراز "مطلوب" در گزارش رسمی سال۱۳۹۲ ،بر اساس تأیید دفتر مقام معظم رهبری

نمای چهارم: شناسایی، جذب و استقرار ائمه جماعات در مساجد

۱. نصب ۴۲۰ امام جماعت، اعم از جابجایی و جذب جدید

۲. ۱۱۹۸ فقره تشکیل یا تکمیل پرونده که منجر به تمدید یا صدور حکم امامت جماعت شده است.

۳. تبدیل پرونده های کاغذی و سوابق ۵۵۳۹ امام جماعت (طی ۲۰ سال گذشته) به فایل الکترونیکی، مشتمل بر ۱۵۴۰۰۰ برگ

نمای پنجم: رسیدگی به شکایات و حل و فصل اختلافات

طی ۳ سال گذشته، علاوه بر ۱۷ ناحیه فعال در استان، رسیدگی به اختلافات ۴۰۰ مسجد در ستاد مرکزی انجام شده است. از این میان، رسیدگی به ۲۶۰ فقره پرونده اختلافی به دفتر حقوقی ارجاع شده است.

نمای ششم: نظارت و ارزیابی

۱. طی سه سال گذشته، علاوه بر ۱۷ ناحیه فعال استان، در مجموع ۷۸۹ فقره بازرسی، بررسی و تهیه گزارش تفصیلی از مساجد در ستاد مرکزی انجام شده است.

۲. سامانه هوشمند وتلفنی ارتباط مردمی(۶۱۹۴۳)، علاوه برگسترش ارتباطات مستقیم نمازگزاران با مرکز، دایره نظارتی ستاد را نیز گسترش داده و از زمان افتتاح در سال ۹۱ ،قریب به ۳۹۴ فقره نظرات ثبت شده مردمی دریافت و رسیدگی شده است.

نمای هفتم: معاضدت و حمایت حقوقی از مساجد

۱. ۴۳۰ فقره معاضدت به مراجعین
۲. ۱۲۰ فقره معرفی نماینده حقوقی به مراجع قضایی، اداری و ثبتی
۳. ۶۵ مورد رسیدگی به پرونده رقبات
۴. ۱۶۰ مورد حضور در محاکم دادگستری
۵. تألیف و انتشار کتاب مرجع : "مسجد در نظم حقوقی کنونی"، برای اولین باردر کشور، شامل: قوانین،مقررات و آرای قضایی مرتبط با مسجد، تا بهمن ماه ۹۲ ، مشتمل بر ۴۸۰ صفحه

نمای هشتم: تولیدات محتوایی

۱. تدوین صدها مقاله نظری و کاربردی با موضوع مسجد، در کنار مقالات جمع آوری شده و اعتباربخشی شده، در قالب مجموعه ارزشمندی، بالغ بر ۱۱۰۰ مقاله روی پایگاه الکترونیکی "محراب" قرار گرفته است.
۲. مطالعات نظری و پژوهش های کاربردی متنوع
۳. حمایت از پایان نامه های تحصیلات تکمیلی

نمای نهم: انتشار کتب و جزوات اختصاصی برای ائمه جماعات

۱. تدوین ویژه‌نامه "مسجد شناخت" و جزوات متنوع سیاسی، تحلیلی و مناسبتی
۲. انتشارکتاب‌هایی مثل: مسجد و سبک زندگی ، مسجد طراز اسلامی ، مسجد و خانواده ، مسجد، کودک و نوجوان و ... در سال ۹۳
۳. انتشارکتاب‌هایی مثل: ایده‌های معارفی، آرمان جامعه – جامعه آرمانی، سلوک الهی – آرامش رحمانی، از شهر خدا تا شهر خدا و ... در سال ۹۲
۴. بازنگری درمحتوا و کاربردی شدن نشریه "مسجد" که منجر به بازآفرینی این محصول فرهنگی و افزایش رضایت ائمه جماعات شده است.
۵. انتشارکتاب : "ستارگان محراب"، با موضوع زندگی‌نامه مفاخر و مشاهیر ائمه جماعات استان تهران و خدمات فرهنگی- مبارزاتی ایشان
۶. ارتقای کیفی و کاربردی سازی روزشمار مسجد از سال ۹۱ تا سالنامه محراب۹۴

نمای دهم: برنامه‌های مطالعاتی در دست اقدام

۱. آغاز تدوین اندیشه نامه تخصصی و موضوع شناسی فقهی مسجد
۲. آغاز پژوهش راهبردی تعالی مسجد
۳. آغاز تألیف کتاب مسجد در احادیث و روایات و کتاب مسجد در قرآن کریم با همکاری دارالحدیث
۴. آغاز تألیف کتاب فقه المسجد
۵. آغاز تدوین احکام کودکان و نوجوانان در مسجد و موضوع شناسی فقهی کودک،نوجوان و مسجد

۶. آغاز تألیف ۱۷ عنوان کتاب کار ائمه جماعات که ۸ عنوان در مراحل پایانی است.

نمای یازدهم : توانمندسازی و آموزش ائمه جماعات

۱. برای مستندسازی تجربیات ائمه‌جماعات پیشکسوت و معنون و انتقال فنون و مهارت‌های مدیریت مسجد به ائمه‌جماعات جوان‌تر، تلاش زیادی صورت گرفته است.

۲. توانمندســـازی ائمه جماعات به عنوان محور و راهبر فعالیت‌های مســـجد مورد توجه بوده و برنامه‌های متنوعی تاکنون با رویکرد آموزشی به اجرا در آمده و جلسات متعدد ناحیه‌ای و استانی در طول ۳ سال گذشته برگزار شده است .

۳. برگزاری دوره های آموزشی مختص ائمه جماعات جدیدالانتصاب

۴. برپایی درس خارج فقه المسجد توسط حضرت آیت الله اراکی

۵. برگزاری دوره‌های آزمون شفاهی ائمه جماعات، با هماهنگی مرکز مدیریت حوزه علمیه قم ، با هدف ارتقای تحصیلی اعزه

۶. تدوین نظام نامه آموزشی ائمه جماعات

۷. تولید لوح فشرده قرائت احسن، با هدف ارتقای وضعیت صحت قرائت نماز

نمای دوازدهم : افتتاح مجتمع فرهنگی – آموزشی محراب

۱. تکمیل، تجهیز و افتتاح مجتمع فرهنگی – آموزشی محراب، به‌عنوان اولین مرکز اختصاصی ائمه جماعات، فضای مناسبی را برای توانمندسازی این عزیزان فراهم آورده است.

۲. برای تکمیل این مجتمع، با ۵۵۰۰ مترمربع زیربنا، قریب به ۳۰ میلیارد ریال اعتبار از سال ۹۰ تا ۹۲ اختصاص یافته است.

۳. وجود کتابخانه اختصاصی، فضای مناسب برای تحقیق و مطالعه، برگزاری کارگاه و کلاس از ویژگی های این مجتمع است.

نمای سیزدهم: الگوسازی و مرجع سازی فرهنگی

۱. برگزاری اولین یادواره شهدای امام جماعت استان با عنوان : "ستارگان جاوید"

۲. سلســـله برنامه‌های بزرگداشت ائمه جماعات مرحوم و نکوداشت معنونین، تحت عنوان: "ستارگان محراب" که تا کنون برنامه‌های مرتبط با شـــیخ محمد حسین زاهد(ره) ، حضرت آیت الله برهان(ره) ، حضرت آیت الله العظمی سید احمد خوانساری(ره) ، حضرت آیت الله العظمی شاه آبادی(ره) ، حضرت آیت الله مهدوی کنی(ره) و حضرت آیت الله خوشوقت(ره) در مساجد محل امامت ایشان برگزار شده است.

۳. برگزاری اولین اجلاس تجلیل از ائمه جماعات رزمنده، جانباز، ایثارگر و آزاده

۴. ارتقاءِ کیفی و توسعه برنامه دیدار با معنونین، با هدف تکریم بزرگان ائمه جماعات، مصاحبه انکشافی و مستندسازی تجربیات ایشان، به‌گونه‌ای که طی سه سال گذشته، ۹۰ مورد دیدار یا عیادت معنونین صورت پذیرفته است.

نمای چهاردهم : فرهنگ سازی

۱. از سال ۹۲، تولید ۲۰ فیلم مستند از زندگی بزرگان ائمه جماعات که در قید حیات هستند و هم‌چنین ائمه جماعات شهید آغاز شده و تاکنون ۱۸ مستند به مراحل پایانی رسیده است.

۲. کلیپ روز جهانی مسجد با صدای خواننده انقلابی، حامد زمانی، آماده شده و در مرحله تصویرسازی قرار دارد.

۳. درراستای ترویج فرهنگ مسجدی در سبک زندگی اسلامی، با موضوعات خدمت به مسجد و حضور در مسجد، تولید ۲۰ عنوان تیزر برای پخش از رسانه ملی، از سال گذشته آغاز شده است .

۴. برپایی جشنواره "مسجد در قاب هنر و رسانه" ، برای اصحاب قلم و فعالان رسانه‌ای

نمای پانزهم : جریان‌سازی و گفتمان‌سازی

۱. جلب توجه افکار عمومی ، فعالان مسجدی ، گروه‌های مرجع و رسانه‌ها به مولفه‌های مترتب بر مسجد:

۲. انتخاب شعار راهبردی : آینده را از مسجد بسازیم.

۳. جلب توجه نسبت به اهمیت ارتباط مسجد و خانواده، با انتخاب شعار : خانه خدا، خانه امید خانواده ما (سال ۹۲)

۴. جلب توجه نسبت به اهمیت ارتباط مسجد، کودکان و نوجوانان، با انتخاب شعار: آینده را با فرزندانمان از مسجد بسازیم (سال ۹۳)

۵. جلب توجه نسبت به اهمیت حضور جوانان در مسجد، برای سال ۹۴ در دستور کار قرار گرفته است.

نمای شانزدهم : استفاده از ظرفیت فناوری‌های نوین

۱. طراحی و بهره برداری از بانک اطلاعات الکترونیک مساجد و ائمه جماعات، مشتمل بر ۹۰۰ فیلد اطلاعاتی که تاکنون ورود اطلاعات ۱۸۰۰ مسجد در این سامانه اینترنتی به سطح قابل قبول رسیده است.

۲. تجهیز ستاد مرکزی و نواحی ۱۷ گانه به سامانه اتوماسیون اداری

نمای هفدهم : استفاده از فضای مجازی

۱. پایگاه اطلاع رسانی "محراب" (MASJED .IR)، به عنوان تنها سایت محتوایی - تخصصی شیعه با موضوع مسجد، به سه زبان تلاش کرده، علاوه بر تأمین نیاز ائمه محترم جماعات و پژوهشگران، به فرهنگ‌سازی توجه به کارکردهای مسجد در میان مردم بپردازد.

۲. این پورتال دو ساله، در دومین همایش ارتقاءِ کیفیت خدمات و محصولات دستگاه‌های فرهنگی، مورد تقدیر قرار گرفت و در نمایشگاه قرآن سال ۹۲، رتبه اول در بخش دستگاهی را کسب کرد.

نمای هجدهم : تشکیل بانک ایده برای رونق و شکوفایی بیشتر مساجد

با توجه به اینکه مساجد نیازمند پشتیبانی تئوریک و ایده های نو، برای انطباق با نیازهای امروز جامعه هستند ، تدابیر زیر اجرایی شدند و در نشانی: WWW.MASJED.IR قابل بهره‌برداری هستند :

۱. اولین فراخوان ایده های مسجدی (فام) با دریافت قریب به ۱۰۰۰ اثر، امیدهای زیادی را برای احصاءِ ، تولید ، تجمیع و در دسترس قرار دادن ایده هایی با ظرفیت تحولی مساجد ، ایجاد نموده است. پس از برگزاری اختتامیه دوره اول در سال ۹۳، دومین فراخوان ایده ها انجام شده است.

۲. سامانه الکترونیکی بانک ایده های مسجدی (بام) به شکلی جدید(ویکی پدیای بومی شده)، همزمان با روز جهانی مسجد در سال ۹۳ افتتاح شده و از قابلیت ارائه دسته‌بندی شده‌ی ایده‌ها برای علاقمندان و دریافت ایده‌های جدید برخوردار است.

نمای نوزدهم : شبکه‌سازی مساجد و ائمه جماعات

۱. با حفظ هویت مردمی و مستقل مساجد، شبکه‌سازی میان مساجد و ایجاد جبهه‌ی منسجم فرهنگی، در افق پیش رو قرار دارد.

۲. با هدف سازماندهی ائمه جماعات، طی دوسال گذشته، شوراهای محلات، مناطق و نواحی ائمه جماعات با ۳۰۰ عضو، تقویت شده و به تدریج فعال‌تر می‌شود.

نمای بیستم: پشتیبانی برنامه ای، محتوایی و مالی از مساجد

۱. با توجه به محدودیت منابع و امکانات در اختیار، برای حمایت متمرکز از برنامه مساجد، دهه تکریم و غبارروبی و هم‌چنین کرسی‌های تلاوت و تفسیر قرآن کریم، در اولویت قرار گرفته اند.

۲. طی سه سال گذشته، ۲۰ میلیارد ریال بابت فعالیتهای قرآنی و ۳۰میلیارد ریال بابت دهه تکریم و غبارروبی ، پرداخت کمک هزینه مستقیم به مساجد استان انجام شده است.

۳. ارتقای غبارروبی کالبدی به تکریم هویتی و غبارروبی از کارکردهای مساجد و جلب توجه عموم مردم و گروه های مرجع، از اهداف این برنامه محسوب می گردد.

نمای بیست و یکم: تقویت پیوندهای عاطفی ائمه‌جماعات با یکدیگر و با مرکز

۱. شناسایی گروه های خاص از ائمه جماعات: اساتید حوزه و دانشگاه، اهل قلم، فعال در مراکز مشاوره، فعالان قرآنی و ... ، با هدف هم‌افزایی ظرفیت‌ها، تبادل تجربیات و تحکیم ارتباط عاطفی ایشان با یکدیگر پیشرفت قابل توجهی داشته است.

۲. در همین راستا به عنوان نمونه: همایش فعالان قرآنی ائمه جماعات برگزار شده و با نگاهی متفاوت، همایش معمرین و ائمه‌جماعات مساجد روستایی، همراه با تجلیل از ایشان، با استقبال مواجه شده است.

نمای بسیت و دوم : ایجاد هماهنگی میان دستگاه ها و نهادهای مرتبط

۱. تشکیل ستاد ساماندهی مساجد استان، متشکل از همه دستگاه‌های مرتبط با مسجد که طی دو سال گذشته به صورت ماهیانه و به میزبانی دستگاه‌های عضو تشکیل جلسه می‌دهد.

۲. عقد تفاهم‌نامه با قرارگاه ثارالله(ص)، منجر به برقراری ارتباط نظام‌مند و منظم با سپاه محمد رسول

الله ﷺ (تهران) وسپاه سیدالشهدا علیه‌السلام شهرستان‌های استان شد.

۳. عقد تفاهم نامه با اوقاف که بر این اساس، امام جماعت معرفی شده از سوی مرکز، به‌عنوان امین رقبات پلاک مسجد از طرف اوقاف حکم دریافت نموده و با کمک امنای رسمی مسجد، وفق ضوابط، درآمد رقبات را در خدمت مسجد قرار می‌دهد و برکات زیادی داشته است.

۴. عقد تفاهم‌نامه همکاری با کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) ، ستاد مبارزه با مواد مخدر، دادگاه ویژه روحانیت و ...

نمای بیست و سوم : تقویت انسجام درونی مساجد

۱. تشکیل شورای فرهنگی در مساجد، که بر اساس شیوه‌نامه طراحی شده، همه‌ی فعالان مسجد، با محوریت امام جماعت، در برنامه‌های فرهنگی به صورت هماهنگ و هم افزا فعالیت می کنند، به تدریج در حال پیشرفت است.

۲. پایگاه بسیج مسجد، کانون فرهنگی هنری، هیات امناءو فعالان فرهنگی محل در این شورا نماینده دارند و با حذف آرم‌ها و اصالت دادن به آرمان‌ها، برنامه‌های مشترکی را اجرا می‌نمایند.

نمای بیست و چهارم : ارتقای نظام مدیریتی مسجد

۱. با هدف جلوگیری از بی‌نظمی یا ابهامات مالی مساجد که ریشه‌ی بسیاری از اختلافات و گسست پیوند عاطفی میان مومنین و بالاخره از هم پاشیدگی فعالان مسجد تلقی می‌گردد، آیین‌نامه مالی منعطف و بومی‌سازی شده‌ای طراحی و به مساجد تقدیم شد.

۲. برنامه حســاس و بسیار مهم استقرار نظام مالی و حسابرسی در مســاجد استان آغاز شده و تاکنون در ۸۴۳ مسجد انجام شده است.

۳. در ۸ دوره آموزشی، تا کنون ۱۴۷ نفر از مسئولین مالی مساجد، آموزش حسابداری دیده‌اند.

نمای بیست و پنجم: ارائه خدمات سخت‌افزاری به مساجد(خارج از دایره وظایف اصلی)

۱. عقد تفاهم نامه با بیمه البرز و گشایش اعتبار مشارکتی برای بیمه مسئولیت ، بیمه حوادث و بیمه ساختمانی ۵۰۰ مسجد استان برای اولین بار

۲. تهیه و تدوین ضوابط و مقررات طراحی مساجد

۳. تهیه دستوالعمل های ایمنی، بهداشتی و فنی – مهندسی مسجد

۴. کمک به احداث مساجد: ۳۹ باب ، کمک به توسعه مساجد: ۱۷ باب ، کمک به تعمیر مساجد: ۴۳ باب ، کمک عمرانی به مساجد شهرستان ها: ۲۸۸ باب ، دریافت و انتقال مساعدت عمرانی دستگاه‌ها به مساجد: ۵۳ باب ، بررسی طرح‌های معماری و سازه مساجد: ۱۰۷ باب ، ارائه‌ی طرح‌های معماری، سازه و تأسیسات به مساجد در حال احداث: ۴۴ طرح ، بازدید کارشناس عمرانی از مساجد متقاضی و تهیه گزارش تخصصی: ۴۶۳ باب

نمای بیست و ششم : سازماندهی و توانمندسازی فعالان مساجد

۱. برگزاری ۳۸ جلسه‌ی آموزشی و توجیهی ناحیه‌ای برای خادمین مساجد.

۲. تولید جزوات آموزشی مصور، ویژه‌ی خدام با عناوینی مثل: آداب خدمت به مسجد، پیرایش مساجد، ایمنی، بهداشت و اطلاعات فنی مورد نیاز و توزیع از ابتدای سال ۹۴

۳. آغاز روند تولید نشریه آموزشی مصور، ویژه‌ی امنای مساجد

۴. تقدیر و تجلیل از صدها خادم، هیأت‌های امنا، شوراهای فرهنگی و تشکل‌های مسجدی موفق

۵. در ارتباط با خدام : تشکیل ۱۸۹۰فقره پرونده، ۶۲۶ مورد مصاحبه، ۲۴۵ مورد رسیدگی به شکایات و ۳۴ مورد مساعدت به خانواده خدام متوفی

۶. در ارتباط با امنای مساجد : تشکیل یا تکمیل پرونده های ۳۲۲۴ نفر و تمدید یا صدور احکام ۱۵۸۸۰ نفر از اعضای هیأت امنای مساجد استان

۷. برگزاری اولین اجلاس "خادمان بهشت" ، با شرکت ۲۰۰۰ نفر از خادمان مساجد استان با هدف تجلیل از این قشر مظلوم و ترویج ارزش خدمت افتخاری به مسجد در سال ۹۳

نمای بیست و هفتم : اجلاس روز جهانی مسجد

۱. اهتزاز پرچم مبارزه با صهیونیسم و یادآوری مستمر واقعه‌ی به‌آتش کشیدن مسجدالاقصی در بستر روز جهانی مسجد، طی ۱۲ سال گذشته با نظر مبارک ولی امر مسلمین جهان، مورد اهتمام مرکز بوده و در آخرین دوره، شاهد اجلاس متفاوتی از هر جهت بودیم.

۲. در اجلاس سال ۹۳، در حضور ۱۹۰۰ امام جماعت و سفرای ۱۰ کشور اسلامی، سخنان ضد صهیونیستی رییس جمهور، بازتاب بین المللی گسترده‌ای پیدا کرد .

نمای بیست و هشتم: گسترش اقامه نماز جماعت صبح در مساجد

۱. افزایش تعداد مساجد اقامه کننده نماز صبح از ۵۷۰ مسجد در سال ۹۰ به ۹۶۲ مسجد در سال ۹۳

۲. برپایی اولین اجلاس پرچمداران بهشت، ویژه تجلیل از ائمه‌جماعات و نایبین اقامه کننده نماز صبح مساجد، در اسفندماه ۹۳

نمای بیست و نهم : برنامه‌های فرهنگی الگوساز

۱. پیگیری اجرای طرح "سال نو را از مسجد" آغاز کنیم و آیین تحویل نوروز فاطمی از مساجد، طی سه سال گذشته

۲. برپایی هم اندیشی‌های موضوعی با حضور ائمه جماعات و صاحب نظران

۳. تولید و تقدیم فیش سخنرانی و بسته برنامه‌ای پیشنهادی، به مناسبت‌های مذهبی و انقلابی

۴. انتشار کتاب‌کار اعتکاف، مشتمل بر پیشنهادهای جامع و اجرایی برای برگزاری برنامه اعتکاف مساجد

نمای سی‌ام : حضور میدانی و درصحنه‌ی ائمه جماعات

۱. برپایی دو تجمع میدانی و خیابانی از ائمه جماعات استان، به مناسبت اعتراض به فیلم موهن پیامبر اعظم(ص) در سال ۹۰ و حمایت از نمازگزاران ۲۰۰ مسجد تخریب شده‌ی غزه، در روز جهانی مسجد سال ۹۳

۲. این دو اجتماع در نوع خود، پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در تهران بی‌سابقه بوده است.

نمای سی و یکم : نمودار برنامه راهبردی اول مرکز که از سال ۹۱ تا ۹۳ اجرا شد

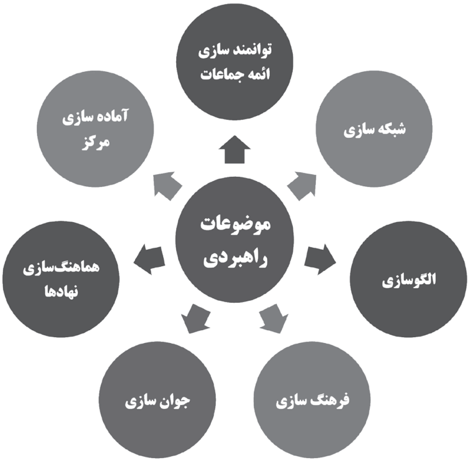

نمای سی و دوم : نمودار برنامه راهبردی دوم مرکز که از ابتدای سال ۹۴ اجرا خواهد شد

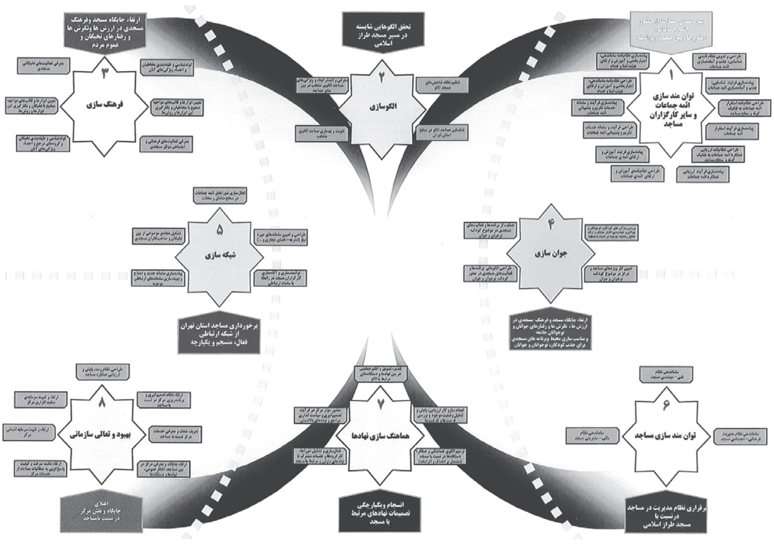

نمای سی و سوم: احصای چالش‌های مسجد در حوزه قوانین و مقررات، مثل:

۱. وجود قوانین و مصوبات پراکنده ، بدون تعیین متولی اجرایی یا فاقد ضمانت اجرایی در حوزه سخت افزاری
۲. فقدان قوانین مبتنی بر تقسیم کار ملی میان دستگاه ها، متناسب با تامین نیاز مساجد در حوزه نرم افزاری
۳. خلاءِ وجودی قانون جامع مساجد جمهوری اسلامی ایران

نمای سی و چهارم: احصای چالش‌های مسجد در حوزه ساختاری، مدیریتی و مالی، مثل :

۱. فقدان اطلاعات جامع و قابل تکیه از وضعیت مساجد کشور
۲. تداخل وجهه حاکمیتی مدیریت «بر» مساجد با وجهه مردمی مدیریت «در» مساجد به محوریت امام جماعت در میان مطالبات دستگاه های متعامل با مساجد
۳. توزیع و پراکندگی اعتبارات مرتبط با مساجد در میان دستگاه های متعدد
۴. فقدان اســتراتژی مشخص، قابل ارزیابی و نتیجه‌گرا در ارتباط با عمران مادی و معنوی مساجد در برنامه‌های توسعه کشور
۵. ضعف جدی در زمینه پژوهش‌ها و تحقیقات بنیادین و کاربردی با موضوع مســجد و کارکردهای نوین آن در حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها
۶. ضعف فرهنگ‌سازی در فعال‌سازی ظرفیت وبسیج بنیه‌ی مردمی برای عمران و آبادانی همه جانبه مساجد

نمای سی و پنجم: احصای چالش‌های مسجد در حوزه ظاهری و سخت‌افزاری، مثل :

۱. فقدان سبک معماری مختص جمهوری اسلامی در مساجد
۲. عدم تولید هویت اختصاصی در هنر مفهومی انقلابی ، جهت استفاده در مساجد
۳. فقدان امکانات و تاسیســات ظاهری و زیرساختی متناسب با شئونات نمازگزاران و ذائقه زیبا پسند جوانان، از قبیل : سرویس های بهداشتی، تهویه، سیستم های برودتی و حرارتی، فضای سبز، کفشداری، پارکینگ، محل نگهداری و بازی کودکان و ...
۴. عدم تطابق کیفیت ساخت مساجد موجود با اصول مهندسی و مقاوم سازی

نمای سی و ششم: احصای چالش‌های مسجد در حوزه برنامه‌ای - کارکردی، مثل :

۱. تعطیلی برخی مساجد در غیر اوقات نماز
۲. کم توجهی به فضیلت اقامه نماز جماعت صبح در مساجد
۳. دراقلیت بودن نمازگزاران جوان در برخی مساجد
۴. مناســبت زدگی برخی مســاجد در عرصه‌ی برنامه‌های فرهنگی – تبلیغی و کم‌توانی برخی در ارائه محتوای متناسب با اقشار متنوع مخاطبان
۵. حضور کم‌رنگ مساجد در رسانه‌های گوناگون و رسانه ملی
۶. مساجد به‌عنوان بزرگترین شبکه توزیع محصولات فرهنگی جبهه انقلاب، اعم از کتاب و سایر اقلام فرهنگی مورد توجه قرار نگرفته و به این منظور تجهیز نشده‌اند .
۷. استفاده از زبان و ابزار هنر دینی به‌عنوان قالب انتقال مفاهیم و پیام‌ها در مساجد مورد توجه نیست .
۸. برپایی مجالس ختم در مســاجد، به‌دلیل فقدان استراتژی فرهنگی برای استفاده از این فرصت گران‌بها ، به تهدیدی برای مساجد مبدل شده است.

آئین‌نامه شورای فرهنگی مسجد

مقدمه

"مسجد" اولین بنیان الهی و مهمان‌خانه خدا در زمین و جایگاه نزول برکات و خیرات آسمانی خانه آگاهی و عبادت، خانه‌ی خدا و مردم، کانون ذکر و معراج معنوی و عرصه‌ی علم و جهاد و تدبیر دنیوی، جایگاه عبادت و پایگاه سیاست و کانون حیات طیبه اسلامی است. نقش عظیم و تمدن ساز مسجد در شکل‌گیری و تقویت اسلام ناب محمدی ﷺ و گسترش تعالیم انسان‌ساز اسلام و تربیت مجاهدین و عالمان و فرهیختگان زمان آگاه، بر کسی پوشیده نیست.

"مسجد" خاستگاه، پایگاه و پشتیبان انقلاب اسلامی و عامل ثبات و تقویت نظام مقدس اسلامی بوده و هست که این مرهون نگاه عمیق و ژرف امام راحل عظیم‌الشأن و اشارات و تدابیر راه‌گشا و تمدن‌ساز رهبر فرزانه‌ی انقلاب اسلامی و مدیون حضور ائمه جماعات آگاه و دلسوز و همراهی ارکان تلاشگر و تشکل‌های فعال و اثرگذار در مسجد و عموم مؤمنان اهل مسجد است.

شرایط کنونی جهان و نظام اسلامی در دهه چهارم انقلاب اسلامی که دهه پیشرفت و عدالت است و امواج توفنده‌ی بیداری اسلامی و نیز صف‌آرایی انبوه هدفمند جبهه فرهنگی استکبار و صهیونیسم، ایجاب می‌کند تا دست‌اندرکاران و فعالان مسجد، نگاه نوینی را که مبتنی بر گسترش و تعمیق حوزه‌ی اثر این پایگاه انسان‌سازی است اتخاذ نمایند و به‌منظور تقویت جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، نقش بی‌بدیل خود را در مهندسی فرهنگی و تمدن سازی نوین اسلامی ایفا کنند.

بدون شک نقش اصلی در ایفای این رسالت بزرگ بر عهده‌ی فعالان و ارکان "مسجد" به مدیریت امام جماعت مسجد است. تشکل نورانی بسیج و کانون‌های فرهنگی هنری مساجد در کنار هیئت امناءِ محترم و فرهیختگان و فرزانگان اهل مسجد می‌توانند این خانه خدا و مردم را به‌عنوان پایگاه تجمع نیروهای ایمانی و تربیت عناصر توانمند، امین و دلسوز تبدیل نمایند. نکته محوری واصلی در تحقق این هدف آرمانی، هم‌زبانی، هم‌دلی و هم آهنگی و هم‌افزایی ارکان و فعالان مسجدی است که موجب اجتناب از هرگونه اعمال سلایق فردی و بخشی شده و از اختلال در دستیابی به اهداف مدنظر جلوگیری می‌کند.

"شورای فرهنگی "مسجد، یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های تحقق مسجد طراز اسلامی است که با به رسمیت شناختن جایگاه هر یک از ارکان مسجد، فعالیت‌ها و برنامه‌های اختصاصی آنان و توجه به وظایف ذاتی هر تشکل و عنصر، بخشی از برنامه‌های فرهنگی- با رویکرد اصلی بزرگداشت مناسبت‌ها- را در فضای داخلی مسجد رقم می‌زند. "شورای فرهنگی مسجد" محلی برای ایجاد و تقویت فضای تفاهم و صفا. اخوت ایمانی میان اهل مسجد و زمینه‌ای برای رهایی از وابستگی به آرم‌ها و حرکت همدلانه و مؤمنانه به‌سوی تحقق " آرمان‌ها "یا بهره‌گیری از خرد و توان جمعی است.

این آئین‌نامه در نه بخش، به‌منظور تعریف، تبیین اهداف، رویکردها و سیاست‌ها، مأموریت‌ها، اعضاء و شرح وظایف، اقدامات و برنامه‌های جریان ساز تهیه و تنظیم‌شده است. با این تذکر که آئین‌نامه مذکور درصدد ارائه الگو و چهارچوب اصلی تشکیل شورای فرهنگی مسجد بوده و طبیعی است ابتکارات، تدابیر، تجارب و شناخت دقیق ائمه محترم جماعات

مســاجد از مقتضیات و شــرایط بومی و منطقه‌ای هر مسجد ضامن تحقق اهداف موردنظر باشد. هم‌چنین این آئین‌نامه با نگاه منعطف، تفاوت‌ها، ویژگی‌ها، امکانات و مقدورات هر مسجد و منطقه را به رسمیت شناخته و مانع از دستیابی به دستاوردهای حداقلی نخواهد بود.

الف) تعریف

"شــورای فرهنگی مسجد" مجمعی اســت مرکب از امام جماعت و مســئولان و نمایندگان ارکان و تشکل‌ها و فرهیختگان هر مسجد است که به‌منظور هم‌افزایی لازم در اجرای بخشی از برنامه‌های فرهنگی، عمومی و مناسبتی در هر مسجد تشکیل‌شده و سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه مزبور را بر مبنای استفاده حداکثری از توان و ظرفیت اهل مسجد و اهالی محلی و نهادهای ذی‌ربط، تحت مدیریت امام جماعت بر عهده دارد.

ب) اهداف

۱. اقامه باشکوه نماز جماعت در سه وعده به‌عنوان اولین شاخص عمران معنوی مسجد؛
۲. احیاءِ فرهنگ زندگی ساز امربه‌معروف و نهی از منکر در محلّه؛
۳. تقویت انس و الفت امام جماعت (به‌عنوان مدیر مسجد) با اعضای پایگاه بسیج، کانون‌های فرهنگی – هنری و سایر ارکان و فعالان مسجد به‌عنوان برادران دینی و خادمان خانه خدا؛
۴. بهره‌گیری از خرد جمعی و جایگزین نمودن فضای مشورتی و شورایی به‌جای سلایق فردی
۵. هم‌افزایی فکری و اجرایی فعالان جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی در برابر جنگ نرم دشمن؛
۶. به نمایش گذاشتن اتحاد و انسجام یاوران نظام مقدس جمهوری اسلامی در اصلی‌ترین پایگاه دفاع از ارزش‌ها؛

ج) رویکردها و سیاست‌ها:

۱. انتقال دغدغه فعالیت‌های فرهنگی، از تشکل‌های مسجدی و افراد محدود به فضای متنی مساجد و مردمی شدن این مطالبه در قالب برنامه‌های مؤثر و هماهنگ؛
۲. تمرین فعالیت‌های فرهنگی جمعی در مسجد صرف‌نظر از آرم‌ها، اصل قرار گرفتن آرمان‌ها و رنگ باختن عناوین متنوع ذیل پرچم شورای فرهنگی مسجد
۳. شکستن کلیشه‌های رایج و منفعل‌کننده اهل مسجد در اجرای فعالیت‌های فرهنگی موازی و مشابه و اتلاف منابع محدود موجود؛
۴. نصب العین قرار دادن و مرور پیوسته مفاد پیام رهبر فرزانه انقلاب (دامت برکاته) به اجلاس اقامه نماز بیرجند به‌عنوان منشور مطالبات معظم له در خصوص مسجد طراز اسلامی

د) مأموریت‌های شورای فرهنگی مسجد:

۱. سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در جهت نیل به اهداف مدنظر در مسجد الگو؛

۲. تعیین سهم و تقسیم‌کار میان تشکل‌ها و فعالان فرهنگی مسجد در ارتباط با برنامه‌های مصوب، به‌تناسب امکانات و ظرفیت هریک از آن‌ها؛

۳. هدایت فعالیت‌های فرهنگی مسجد در حوزه‌های بصیرتی، تربیتی و مناسبتی؛

۴. تلاش در جهت جذب حداکثری مخاطبان، علی‌الخصوص نوجوانان و جوانان

۵. آسیب‌شناسی فرهنگی محله و سنجش میزان اثربخشی برنامه‌ها در کاهش و کنترل آسیب‌ها

۶. احصاء، مطالبه و به میدان آوردن توان و بضاعت دســتگاه‌ها، نهادها، مراکز فرهنگی- اجتماعی دولتی و غیردولتی در جهت تقویت برنامه‌های مسجد

۷. شبکه‌سازی فعالان فرهنگی محل در برابر جبهه معارض فرهنگی انقلاب اسلامی

۸. جهت‌دهی کلی برنامه‌ها به سمت ترویج اخلاق حسنه، الگوی زندگی اسلامی و ارزش‌های انقلابی

۹. اصل قرار گرفتن فعالیت‌های قرآنی از قبیل: حفظ، روان‌خوانی، قرائت و تفسیر

۱۰. بهره‌برداری از فناوری‌های نوین ارتباطی در فعالیت‌های فرهنگی

ه) اعضای شورای فرهنگی مسجد:

۱. امام جماعت به‌عنوان رییس شورا؛

۲. فرمانده پایگاه بسیج برادران به‌عنوان دبیر شورا؛

۳. مسئول فرهنگی حیات امنای مسجد به‌عنوان عضو؛

۴. مسئول کانون فرهنگی – هنری مسجد به‌عنوان عضو؛

۵. مسئول فرهنگی پایگاه بسیج برادران به‌عنوان عضو؛

۶. مسئول بسیج خواهران پایگاه مقاومت مسجد؛

۷. یک نفر از آقایان مجرب در عرصه‌های فرهنگی به انتخاب امام جماعت

۸. یک نفر از بانوان مجرب در عرصه‌های فرهنگی به انتخاب امام جماعت

تبصره۱: دعوت و حضور شــخصیت‌های حقیقی و حقوقی اثرگذار در عرصه فرهنگی محل، به اقتضای مباحث مطروحه در هر جلسه، از قبیل: مدیران شورایاری یا سرای محله، خانه‌های فرهنگ، مدیران مدارس، فرماندهان نیروی انتظامی و ... به‌عنوان میهمان و بدون حق رأی، می‌تواند موجبات ارتقای سطح کیفی تصمیمات شورا را فراهم‌نماید.

تبصره۲: در مساجدی که سابقه تشکیل پایگاه بسیج یا کانون فرهنگی وجود ندارد، با نظر امام جماعت محترم، افرادی به‌صورت جایگزین موقت، مسئولیت را بر عهده می‌گیرند و پس از تشکیل اولین جلسه شورا، تأسیس پایگاه بسیج به‌عنوان یک ضرورت در دستور کار قرار خواهد گرفت. در ارتباط با فقدان کانون فرهنگی – هنری، اقتضائات مسجد و تشخیص نیاز از سوی رئیس شورای فرهنگی ملاک عمل خواهد بود.

تبصره۳: پس از تشکیل شورای فرهنگی مسجد، مسئول فرهنگی حیات امناء که در شورای فرهنگی نیز عضویت دارد، مسئولیت ایجاد هماهنگی و تبیین رویکردهای شورای فرهنگی برای حیات امناء را بر عهده خواهد داشت.

تبصره۴: تشکیل کمیته‌های موضوعی مثل: کمیته تبلیغات و اطلاع‌رسانی، کمیته طرح و برنامه، کمیته خانواده و بانوان و... ذیل شورای فرهنگی به اقتضای نیاز، می‌تواند در تسهیل و تسریع تحقق اهداف مدنظر مفید و مؤثر باشد.

و) اختیارات رییس شورا:

امام جماعت به‌عنوان رییس شورای فرهنگی و مدیر مسجد، راهبری شورا را بر عهده دارد و پس از مراجعه به خرد جمعی و اخذ نظر مشورتی اعضای محترم، جمع‌بندی نهایی را انجام و مصوب خواهد کرد.

ز) وظایف دبیر شورا:

تهیه و تنظیم صورت‌جلسه‌ها، ابلاغ، پیگیری و نظارت بر تحقق مصوبات، هم‌چنین تعیین زمان و چگونگی برگزاری جلسات و درنهایت تعیین و اطلاع‌رسانی دستور جلسات ازجمله وظایف دبیر شورا می‌باشد.

ح) فرهنگ‌سازی برای مشارکت عمومی:

۱. فرهنگ‌سازی و جلب اعتماد نمازگزاران و خیرین برای بهره‌مندی از حمایت ایشان در اجرای برنامه‌های فرهنگی، در قالب خیرات، نذورات، هدایا به‌عنوان پاکیزه‌ترین منبع تأمین نیازهای خانه خدا و مردم

۲. شناسایی و معرفی منابع مالی حمایتی (با سرفصل فرهنگی قابل‌استفاده و در اختیار دستگاه‌ها و نهادها) به حیات امناء و مشارکت در اجرای برنامه‌های ایشان، با حفظ حریت مسجد و با هماهنگی حیات امناء

ط) مصادیقی از برنامه‌های قابل‌طرح در قالب شورای فرهنگی مسجد:

۱. گرامیداشت و برگزاری ویژه‌برنامه‌هایی به مناسبت‌های مذهبی، ملی و انقلابی ازجمله اعیاد و وفات معصومین علیهم‌السلام

۲. هفته بسیج، هفته دفاع مقدس و دهه فجر انقلاب اسلامی؛

۳. برگزاری مسابقات مختلف فرهنگی

۴. برپایی مراسم دعا، زیارت و کرسی‌های تلاوت قرآن؛

۵. برنامه‌های آموزشی، فراغتی و اردویی؛

۶. تجلی ویژه دهه تکریم و غبارروبی مساجد و روز جهانی مسجد؛

۷. عیادت از بیماران محله؛

۸. تجلیل از نخبگان علمی، فرهنگی، هنری یا افراد موفق کارآفرین ساکن در سطح محله

۹. شناسایی و تقدیر از دانش آموزان و دانشجویان ممتاز؛

۱۰. جلب مشارکت مردم در عمران مادی و معنوی خانه خدا؛

۱۱. شناسایی و معرفی شهدای شاخص محل و سرکشی به خانواده معظم شهدا، جانبازان، ایثارگران همسایه مسجد؛

۱۲. اجرای طرح جزءِ خوانی و ختم قرآن به نیابت از شهدا و امام راحل (ره)؛

۱۳. سازمان‌دهی مؤمنین برای شرکت در صفوف دشمن‌شکن نماز جمعه؛

۱۴. فرهنگ‌سازی در خصوص ضرورت و چگونگی امربه‌معروف و نهی از منکر؛

۱۵. اجرای طرح خادم افتخاری مسجد باهدف باز نگه‌داشتن درب مسجد و پاکیزگی درشان خانه خدا؛

۱۶. توجه به زوج‌های جوان همسایه مسجد از منظر احیای حقوق و تکالیف متقابل مسجد و خانواده‌ها در برابر یکدیگر؛

۱۷. ارائه خدمات مشاوره‌ای تخصّصی در مسجد به عموم خانواده‌ها؛

۱۸. برگزاری مراسم، آئین‌ها و دوره‌های آموزشی، ویژه بانوان؛

۱۹. اجرای طرح امربه‌معروف و نهی از منکر محله با بهره‌مندی هنرمندانه از ابزار و روش‌های جذاب و تأثیرگذار با استفاده از ظرفیت شورای امربه‌معروف و نهی از منکر مسجد؛

۲۰. اجرای طرح‌های شناسایی هدفمند نیازمندان محله و کمک‌های مؤثر و آبرومندانه به افراد و خانواده های نیازمند؛

۲۱. هماهنگی و هم‌افزایی لازم در برنامه‌های فرهنگی مانند طرح صالحین، زمزمه محبت، طرح لبیک.

درپایان امید می‌رود تلاش مؤمنین برای افزایش رونق مساجد مورد رضای حضرت حق، جل جلاله قرار گیرد.

والسلام علی عبادالله الصالحین

بانک ایده‌های مسجدی

«بام» عنوان اختصاری «بانک ایده های مسـجدی» محصول اولین فراخوان ایده های مسجدی(فام۱) است که مراحل تکامل آن در قالب دومین فراخوان ایده های مسجدی (فام۲) در حال پیگیری است. فراخوانی که بنا دارد پویشی باشد ایمانی، در راستای آبادانی مساجد الهی و کاهنده فاصله آن تا طراز اسلامی .

این محصول که در نوع خود بدیع و بی مانند اسـت و در زیر به بخش های گوناگون آن اشـاره می‌شـود، تارنمایی است در فضای مجازی به نشانی HTTP://BAM.MASJED.IR که طیف متنوعی از ایده‌های خرد و کلان را در خود جای می‌دهد.

صحن اصلی: عنوان صفحه‌ای است که پس از ورود به "بام"، به عنوان صفحه آغازین، به معرفی چیستی و چرایی "بام" میپردازد.

ایده‌ها: در این بخش دسته‌بندی‌های متعددی از ایده‌ها، به فراخور نیاز کاربر قرار گرفته است.

این دسته‌ها عبارتند از:

مکان اجرای ایده : داخل مسجد، حیاط مسجد، خارج مسجد

مناسبت زمانی اجرای ایده: اعیاد و ولادت‌ها، رحلت‌ها و شهادت‌ها، دهه فجر و...

مجری ایده: امام جماعت، هیأت امناء، خادم، مأمومین، مسئولین، تشکل های مسجدی و...

مخاطبان ایده: عموم نمازگزاران، دانش آموزان، دانشجویان، بانوان، مسئولین و...

ایده‌های برتر: ایده هایی که از جانب کاربران، بیشترین امتیاز را گرفته‌اند.

جدیدترین ایده‌ها: ایده هایی که به لحاظ زمانی، به تازگی بارگذاری شده‌اند.

ایده‌های نرم افزاری: ایده‌هایی که شرط تأثیر آن، استفاده از سخت افزار خاصی نیست .

ایده‌های سخت افزاری: ایده هایی که در قالب یک سخت افزار و با محوریت آن، به ثمر می‌نشینند.

کلید واژه‌ها: آمیزه‌ای از واژگان اساسی و کلیدی ایده‌ها که به کاربر کمک می‌کند تا سریعتر به ایده مورد نظرش دست یابد.

رسانه: عکس‌ها و فیلم‌های ایده محور در این بخش قرار دارند.

ارسال ایده: چنانچه قصد بارگذاری ایده دارید، کاربرگ مربوطه در این بخش را تکمیل کنید.

عضویت: شرط عضویت در این بانک، ثبت ایمیل(به عنوان نام کاربری) و یک رمز عبور می‌باشد.

آشنایی با پورتال مرکز رسیدگی به امور مساجد

پرتال مرکز رسیدگی به امور مساجد، در واقع درگاه ارتباطی مخاطبان به ویژه ائمه محترم جماعات با مرکز رسیدگی به امور مساجد استان تهران، در فضای مجازی می باشد. این سامانه می کوشد ضمن تسهیل در ارتباط گیری با مرکز، نسبت به انعکاس فعالیت ها، برنامه ها و منشورات مرکز و هم‌چنین اخبار مرتبط با مسجد نیز اقدام کند. در این راستا، این پرتال با در نظر گرفتن مخاطبان غیرفارسی زبان، از نیمه اول سال ۱۳۹۳ به پرتالی با سه زبان فارسی، انگلیسی و عربی تبدیل شد.

پرتال زبان انگلیسی: شامل بخش های مختلف خبری، کتابخانه، مقالات، مساجد تاریخی ایران، گزارش تصویری، سخنرانی انگلیسی و ائمه جماعات شهید است.

پرتال عربی: نیز مانند بخش فارسی و انگلیسی بخش های مختلف خبری را پوشش می دهد و شامل بخش های، جمعیت خیرین مسجد ساز، سخنرانی عربی، مجموعه کتب عربی و مقالات عربی است.

بخش های قابل توجه در پرتال فارسی مرکز بدین شرح اند:

صفحه نخست: در صفحه ابتدایی این پرتال بخش های مختلف خبری از قبیل اخبار برتر در تیتر یک و اهم اخبار نواحی و غیره دیده می شود. به غیر از بخش های خبری، فایل های آموزشی، سخنرانی، گزارش تصویری، نشریات و غیره نیز قابل دسترسی است. مسجد در رسانه نیز قسمتی از اخبار است که بازتاب اخبار مرتبط با مسجد در رسانه ها را ارائه می نماید.

آشنایی با مرکز: در این بخش پنجره های ضوابط و مقررات، تاریخچه، گزارش عملکرد، مأموریت و راهبرد و مراکز وابسته قرار دارد. که در هر کدام اطلاعات مربوط به آن حوزه قابل دسترسی است. در قسمت ضوابط و مقررات، پنجره های اسناد بالادستی، ضوابط و مقررات ساخت مسجد، طرح و لایحه، قوانین، اساسنامه، مقررات و آرای قضایی موجود است. هم‌چنین شاخص های ارزیابی از نظر مرکز نیز در این قسمت قرار دارد. پنجره گزارش عملکرد نیز، فایل هایی از گزارش عملکرد معاونت های مختلف به دست می دهد.

مراکز وابسته: مرکز رسیدگی به امور مساجد در سطح استان تهران به هفده ناحیه تقسیم بندی شده است که هرکدام از این نواحی مساجد یک یا چند منطقه شهرداری را در حوزه نظارتی خود دارند. این نواحی هفده گانه هر کدام در پرتال مرکز رسیدگی به امور مساجد دارای زیر پرتال هایی هستند که مجموعه فعالیت های خبری و اطلاع رسانی مساجد ناحیه خود را در آن منتشر می کنند.

پایگاه مقاومت حضرت سید الشهداء ؏: پرتال بسیج مرکز یکی از بخش های مهمی است که خود دارای حوزه های فعالیتی و خبری متنوعی در قسمت بسیج مرکز است. لینک این زیر پرتال نیز در قسمت مراکز وابسته قرار دارد.

معرفی مساجد و معرفی ائمه جماعات: این دو بخش از پرتال هر کدام دارای حوزه های متعدد هستند. در بخش معرفی مساجد برخی از مساجد مهم و محوری شهر تهران، استان تهران و ایران و جهان شناسانده می شوند و در بخش معرفی ائمه جماعت، دو قسمت معرفی ائمه جماعات شهید و ائمه جماعات اهل قلم در نظر گرفته شده است.

مقالات و کتابخانه: قسمت مقالات شامل علمی تخصصی با موضوعات مرتبط با مسجد است و قسمت کتابخانه در سه بخش انتشارات مرکز، کتابشناسی مسجد و دانلود کتاب است. انتشارات مرکز با سه لینک ماهنامه، کتب مرکز و جزوات

و ویژه نامه ها، مطالب کاربردی را در اختیار کاربران قرار می دهد. کتاب‌شناسی مسجد کتاب های فارسی و عربی در حوزه مسجد را در اختیار قرار می دهد و در قسمت دانلود، امکان دانلود کتب منتشره از سوی مرکز و هم‌چنین منابع دیگر فراهم می شود.

آموزش و منبر: از قسمت های مهم پرتال، آموزش و منبر است که درس های خارج فقه و صوت های آموزشی را ارائه می کند. در قسمت منبر نیز درس اخلاق، سخنرانی عمومی، مناسبتی، تفسیر و درس های خرج فقه المسجد وجود دارد.

پرسش و پاسخ: کاربران ومخاطبان محترم می توانند با مراجعه به این بخش از پرتال، سؤالات مورد نظر خود از مرکز رسیدگی به امور مساجد را مطرح کنند و پاسخ آن را در پست الکترونیکی خود دریافت نمایند.

پرسش های متداول: بخشی است که کابران جهت سهولت امر می توانند بیشترین سرالات مطروحه و پاسخ آن را از بخش های مختلف مرکز و در خصوص مساجد رؤیت نمایند.

بانک ایده‌های مسجدی: بانک ایده، پذیرای ایده ها و نظرات مخاطبان محترم می باشد.

ارسال و پیگیری درخواست: این بخش پل ارتباطی مخاطبان با مدیریت پرتال می باشد.

نظرسنجی: در این قسمت پرتال سؤالاتی برای دریافت نظرات مخاطبان طرح گردیده و امکان درج نظر و نتیجه نظر سنجی پیش بینی شده است.

WWW.MASJED.IR

شماره تلفن‌های ستادی مرکز رسیدگی به امور مساجد

	واحد / قسمت			شماره تلفن
۱	مرکز مخابرات	ساختمان مرکزی		۶۶۴۹۷۰۲۷-۳۳
		ساختمان محراب		۶۶۳۴۶۹۴۱-۴
۲	حوزه ریاست	دفتر ریاست		۶۶۴۱۲۲۶۱ ۶۶۴۱۱۲۵۸ ۶۶۹۵۹۱۶۰
		مشاور ریاست در حوزه اجرایی و برنامه ریزی		۶۶۴۱۱۰۰۰
		مشاور ریاست در حوزه ائمه جماعات		۶۶۴۱۰۱۷۱ ۶۶۴۹۹۰۱۹
		مشاور ریاست در حوزه اداری مالی		۶۶۳۴۶۹۸۷ ۶۶۳۴۸۹۸۷
		مشاور ریاست در حوزه معماری مساجد		۶۶۳۴۸۹۵۴ ۶۶۳۴۶۹۱۳
		روابط عمومی و پرتال	روابط عمومی	۶۶۴۱۰۰۴۹ ۶۶۴۸۶۶۵۱
			پرتال	۶۶۴۷۰۱۷۲ ۶۶۹۷۳۷۷۹
		حراست	دفتر مدیریت	۶۶۹۵۷۸۸۱ ۶۶۹۵۷۸۸۵
			نگهبانی	۶۶۹۷۳۷۱۱
۳	معاونت هماهنگی	دفتر معاونت		۶۶۴۱۹۹۳۶ ۶۶۴۱۳۱۷۸
		مدیریت هماهنگی دستگاه ها		۶۶۴۰۲۹۱۲
		مدیریت هماهنگی نواحی		۶۶۴۱۲۲۶۵ ۶۶۴۸۶۶۴۹
۴	معاونت جذب و سازماندهی ائمه جماعات، امنا و خدام	دفتر معاونت		۶۶۹۵۹۲۵۲
		امناء و خدام		۶۶۹۵۸۹۵۶
		ائمه جماعات		۶۶۴۹۰۵۳۵
		شوراها و انتصابات		۶۶۴۱۰۰۱۹

ردیف	واحد	بخش	زیربخش	تلفن
۵	معاونت فرهنگی- اجتماعی	دفتر معاونت		۶۶۳۴۶۹۲۴ ۶۶۳۴۶۹۲۵ ۶۶۳۴۶۹۴۶
		مطالعات و پژوهش ها		۰۲۵۳۲۹۲۳۸۳۵-۶
۶	معاونت اجرایی	دفتر معاونت		۶۶۹۵۹۰۹۹ ۶۶۴۰۴۳۴۸
		مدیریت اداری و منابع انسانی	دفتر مدیریت	۶۶۹۵۹۲۶۹
			کارگزینی و رفاه	۶۶۴۷۰۱۴۷
			آموزش	۶۶۴۹۷۰۲۷-۳۳
			دبیرخانه	۶۶۴۷۰۱۵۱
		مدیریت مالی	دفتر مدیریت	۶۶۹۵۸۹۹۶
			حسابداری	۶۶۴۹۹۰۶۸
		مدیریت پشتیبانی	دفتر مدیریت	۶۶۴۷۰۱۵۵
			کارپردازی	۶۶۹۵۹۴۹۵
		تکریم ائمه جماعات		۶۶۳۴۶۹۰۲ ۶۶۳۴۷۹۴۳
		فناوری اطلاعات و ارتباطات		۶۶۴۹۰۸۸۷ ۶۶۹۵۹۲۵۶ ۶۶۹۵۹۲۷۰
۷	معاونت آموزش			۶۶۳۴۶۹۴۱-۴
۸	نظارت و ارزیابی			۶۶۴۶۲۵۰۹ ۶۶۴۱۷۹۰۰ ۶۶۴۹۹۰۰۸
۹	حقوقی			۶۶۳۴۸۹۳۴
۱۰	طرح و برنامه			۶۶۳۴۸۹۱۲
۱۱	پایگاه مقاومت بسیج			۶۶۴۷۰۱۶۸

شماره تلفن‌های نواحی مرکز رسیدگی به امور مساجد

نواحی

	ناحیه	مناطق	آدرس و تلفن دفتر
۱	شهید باهنر (ره)	۱ شمیرانات (لواسانات و رودبار قصران)	خ شریعتی بالاتر از پل رومی قبل از پمپ بنزین ک پروین پلاک ۱۱ - ۲۲۶۷۵۱۷۱ -۲۲۳۹۲۶۹۹
۲	شهید مطهری (ره)	۲۲-۶-۵-۳-۲	سعادت آباد-میدان سرو،شهرک مخابرات،بالاتر از شهروند مسجد پیامبر اعظم ﷺ مدیر ۲۲۱۱۶۱۶۴ ۷-۲۲۱۱۶۱۶۵
۳	شهید بهشتی (ره)	۱۳-۸-۷-۴	جانبازان غربی ،بین دردشت وباقری ،خیابان اکبری کوچه حمزه لو،پشت پاساژ گلبرگ ، واحددوم غربی ۷-۷۷۹۵۶۰۰۶- ۷۷۹۴۸۲۷۶
۴	شهید مصطفی خمینی (ره)	۲۱-۱۸-۱۷-۹	آزادی ، استاد معین ، مسجد فاطمه الزهرا علیهاالسلام ۶۶۰۲۸۹۹۰ - ۶۶۱۹۵۰۳۰
۵	شهید نواب صفوی (ره)	۱۹-۱۶-۱۱-۱۰	خیابان قزوین ، داخل پارک رازی ، جنب مسجد کمیل ، ضلع شمالی پارک ۵۵۴۲۷۴۴۳-۵۵۴۲۲۰۸۸-۵۵۴۱۲۷۶۱
۶	شهید محلاتی (ره)	۱۵-۱۴-۱۲	۱۷شهریور ، جنب زیرگذر امیرکبیر ، خیابان گوته ، نبش خیابان برادران شهید احمدی پ ۲ ۳۳۵۱۲۱۱۱-۱۲-۳۳۵۱۲۱۱۰ مدیر
۷	شیخ صدوق (ره)	۲۰ ری ، باقرشهر، کهریزک ، حسن آباد	شهرری، میدان صفائیه، جنب مسجد امام حسن عسگری، مجتمع فرهنگی امام حسن علیه‌السلام ساختمان شماره ۲ پ ۸ ط۷ ۳۳۳۷۱۴۵۹- ۳۳۷۴۲۵۴۴-۳۳۳۹۷۷۶۶
۸	شهید مدنی (ره)	ورامین ، قرچک ، خیرآباد ، جوادآباد	ورامین،نرسیده به م امام حسین علیه‌السلام خ درخشان نبش کوچه ۱۴ معصوم علیهاالسلام ۳۶۲۷۷۷۲۰-۳۶۲۵۳۰۰۴
۹	شهید مدرس (ره)	پیشوا	پیشوا، میدان آزادی مسجد علی بن موسی الرضا علیه‌السلام ۳۶۷۳۳۹۱۱-۳۶۷۳۳۹۱۲

	ناحیه	مناطق	آدرس و تلفن دفتر
۱۰	شیخ کلینی (ره)	پاکدشت	پاکدشت میدان ساعت، اول بلوار جنوبی شهید قمی ۳۶۰۳۵۷۵۶-۳۶۰۲۲۸۹۸
۱۱	شهید دستغیب (ره)	اسلامشهر، چهاردانگه، احمدآباد مستوفی، واوان	اسلامشهر، خ صیاد شیرازی (دانشگاه) جنب ورودی فرمانداری ۵۶۳۷۹۶۱۵-۵۶۳۵۶۹۲۵
۱۲	شهید صدوقی(ره)	بهارستان (گلستان، نسیم شهر، نصیر شهر، صالح شهر)	رباط کریم جاده ساوه، گلستان ابتدای گلستان، جنب پارک الهیه و آتش نشانی ۵۶۳۲۰۰۸۲- ۵۶۳۱۳۲۹۵
۱۳	علامه امینی(ره)	رباط کریم، پرند	رباط کریم بلوار امام خمینی (ره) مقابل کوچه اوقاف جنب بانک توسعه ۵۶۴۲۵۳۹۴-۵۶۴۲۰۲۹۵
۱۴	شهید اشرفی اصفهانی (ره)	شهریار، صبا شهر، صفادشت ،اندیشه	شهریار، میدان حافظ ابتدای خیابان مصطفی خمینی بن بست کوثر پ ۳۳۳ ۶۵۲۶۴۴۴۶-۶۵۲۲۸۸۳۴-۶۵۲۲۵۸۰۲
۱۵	شهید شاه آبادی (ره)	ملارد	ملارد، سه راه اندیشه، بیست متری مارلیک، بعد از میدان گلها طبقه فوقانی مسجدابوالفضل علیه‌السلام ۶۵۱۴۶۹۰۹- ۶۵۱۶۵۸۶۰
۱۶	امام موسی صدر (ره)	شهرقدس	شهرقدس، بلوار مصلی، مجتمع فرهنگی باقرالعلوم علیه‌السلام ۴۶۸۶۴۶۲۶- ۴۶۸۴۲۲۱۱- ۴۶۸۶۰۳۶۰
۱۷	علامه طباطبایی(ره)	دماوند، فیروزکوه آبسرد، بومهن، رودهن	دماوند ،گیلاوند، بلوار شهید بهشتی، ک یاس۳، پلاک ۱ ۷۶۳۱۳۰۷۶- ۷۶۳۱۰۰۳۲

....
....
....
....
....
....
....
....
....
....
....
....
....
....
....
....
....
....
....
....
....
....
....
....
....
....
....
....
....
....
....
....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....